

جنگ جهانی اول تا کودتا

۱۳۹۹ - ۱۳۹۳

دکتر حسین ابوالقاسم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ سیاسی ایران

نویسنده:

حسین آبادیان

ناشر چاپی:

موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	تاریخ سیاسی ایران: بسترهای تاسیس سلطنت پهلوی جلد ۳
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۲	فهرست مطالب
۲۲	سخن ناشر
۲۵	طرح بحث و پرسش اصلی این رساله
۳۱	درباره منابع این تحقیق
۴۲	فصل نخست
۴۷	همان، این گزارش روز سیزدهم دیماه ۱۲۹۹ مطابق با سوم ژانویه ۱۹۲۱ از طرف نورمن خطاب به کرزن ارسال
۶۶	سیدضیاء و نظریه دولت قدرتمند
۷۲	جایگاه رضاخان در کودتا
۷۶	ویژگیهای شخصی رضاخان
۸۰	سیدضیاء و سیاست مشت آهنین
۹۱	سیدضیاء و ناکامی در اداره کشور
۱۰۰	ماهیت لغو قرارداد ۱۹۱۹
۱۱۴	موازنه شکننده رضاخان و سیدضیاء
۱۲۰	فصل دوم
۱۲۴	سرنوشت امیرمؤید و کلنل پ سیان
۱۲۸	رضاخان، شوکتالملک و عملیات قتل پسیان
۱۳۴	سرکوب ب قایای جنبش جنگل
۱۴۹	رضاخان، احساناللهخان و میرزا کریمخان رشتی
۱۵۸	آرایش نیروهای سیاسی در مجلس چهارم
۱۶۸	جمعیت اصلاحطلب و سوسیالیستها

۱۷۴	ماهیت جنبش باستانگرایان
۱۸۰	برنامه‌های دولت قوام
۱۹۴	انگلیسیها و سیاست تضعیف دولت قوام
۲۱۳	شوروی، انگلیس و سقوط قوام
۲۲۲	رضاخان در مسیر خودکامگی
۲۳۵	فصل سوم
۲۳۸	سرنوشت قیام لاهوتی
۲۶۴	عامل اصلی کودتا کیست؟
۲۷۷	رضاخان و سرکوب مطبوعات
۲۹۸	دستهای پنهان و بلوای محله کلیمیان
۳۱۳	مشیرالدوله و بحث امتیاز نفت شمال
۳۱۶	رضاخان و س یاست تزلزل در کابینه مشیرالدوله
۳۳۷	فصل چهارم
۳۴۴	دیوان عارف قزوینی، ص ۳۵۷
۳۴۴	انگلستان، م سنله شیخ خزعل و جنگ شلیل
۳۹۰	فروگرفتن اقبالیسلطنه و سردار مقتدر طالشی
۴۱۲	انگلستان، سیمیتقو و مسئله کردستان
۴۴۸	انگلیس و عملیات سقوط قوام
۴۵۴	مدرس و پیشنهاد استیضاح رضاخان
۴۶۱	استعفای رضاخان و دسایس قشون
۴۶۶	سیاست اسطورهسازی از رضاخان
۴۶۸	بهار و تحلیل موازنه نیروها
۴۸۹	فصل پنجم
۵۰۴	حمله اوباش به مجلس چهارم
۵۲۷	فصل ششم
۵۲۸	ایران و مسئلهت بعید علمای مقیم بینالنهری ن

۵۴۹	کابینه مشیرالدوله و موضوع علمای مهاجر
۵۹۰	انگلستان، رضاخان و دستگیری قوام
۵۹۶	انگلستان و فرزندان ظل‌السلطان
۶۰۰	تحركات پنهان به نفع رضاخان
۶۰۴	واپسین تحركات متحصنین مسجد سلطانی
۶۰۶	انگلیسیها و استعفای مشیرالدوله
۶۲۴	فصل هفتم
۶۳۵	انگلستان و سیاست تثبیت قدرت رضاخان
۶۳۹	بریتانیا، نفت و سیاست
۶۵۰	فصل هشتم
۶۵۷	احمدشاه و بلوای جمهوری
۶۶۷	درباره انتخابات مجلس پنجم
۶۸۳	مجلس، رضاخان و بلوای جمهوری
۷۰۹	خالصیزاد، اندیشه اتحاد اسلام و بلوای جمهوری
۷۲۳	مجلس، قشون و بلوای جمهوری
۷۴۹	رضاخان بعد از شکست غائله جمهوری
۷۶۱	انگلیسیها، بلوای جمهوری و رضاخان
۷۷۱	سیمای سیاسی مدرس
۸۱۱	نفت و قتل ایمری
۸۳۳	تلاش مدرس برای استیضاح رضاخان
۸۴۸	فصل نهم
۸۶۲	احمد قوام و شرکتهای نفتی آمریکا ئی
۸۶۷	استاندارد اوپل و شرکت نفت انگلیس و ایران
۸۷۶	مجلس و بحث امتیاز نفت شمال
۸۸۰	انگلستان و سرمایهگذاران آمریکا ئی
۸۸۷	قرارداد ایران و شرکت استاندارد اوپل

۸۹۶	ائتلاف انگلیسیها با استاندارد اوایل
۹۰۰	بازی انگلیسی در امتیاز نفت شمال
۹۰۶	ورود سینکدر به مناقشات نفتی ایران
۹۱۴	نفت و مسئله یهود
۹۲۰	مأموریت نخست میلپو
۹۳۴	رفتار ناهنجار دولت آمریکا به دنبال قتل ایمری
۹۴۷	فصل دهم
۹۴۹	لورین و حل مسالمتآمیز مسئله خزعل
۹۶۵	مسئله خزعل و رجزخوانیهای رضاخان
۹۷۳	انگلیسیها و تسلیم خزعل به رضاخان
۹۸۸	گادفری هاوارد و رضاخان
۹۹۲	واپسین تلاش مدرس برای اجرای قانون
۱۰۰۰	انگلستان، دستگیری خزعل و بحران خوزستان
۱۰۰۶	شرکت نفت انگلیس و ایران و مسئله خوزستان
۱۰۱۸	شرکت نفت و شورش خوزستان
۱۰۳۳	فصل یازدهم
۱۰۳۵	احمدشاه و تلاشهای نافرجام
۱۰۵۷	تظاهرات ساختگی قشون علیه احمدشاه
۱۰۶۳	تغییر سلطنت
۱۰۶۷	تشکیل مجلس مؤسسان
۱۰۹۳	نتیجه
۱۰۹۶	نتیجه
۱۱۰۶	منابع و ماخذ
۱۱۰۶	اسناد
۱۱۰۸	روزنامهها و مقالات نشریات
۱۱۲۲	فهرست اعلام

تاریخ سیاسی ایران: بسترهای تاسیس سلطنت پهلوی جلد ۳

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: تاریخ سیاسی ایران معاصر: بسترهای تاسیس سلطنت پهلوی/حسین آبادیان

مشخصات نشر: تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۹

فروست: تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ ۳

یادداشت: خراسان رضوی

س-۱۲۶/۸۹

وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرست نویسی (اطلاعات ثبت)

شابک: ۹۷۸۶۰۰۵۷۸۶۰۲۶

شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۱۵۵۱۲

ص: ۱

اشاره

سخن ناشر ۹

مقدمه ۱۱

۱. طرح بحث و پرسش اصل یا ی ن رساله ۱۱

۲. درباره منابع ای نت حقی ق ۱۴

فصل نخست / کابینه سیاه یا دولت مستعجل سیدضیاء ۲۱

۱. حکومت نظام ید ر تهران ۲۴

۲. صفت ندی نی روها به دنبال کودتا ۳۱

۳. سیدضیاء و نظی ر هد ولت قدرتمند ۳۳

۴. جایگاه رضاخان در کودتا ۳۶

۵. ویژگیهای شخصی رضاخان ۳۸

۶. سیدضیاء و سیاست مشت آهنی ن ۴۰

۷. سیدضیاء ای ء و ناکام ید ر اداره کشور ۴۵

۸. ۵۰. ماهیت لغو قرارداد ۱۹۱۹

۹. موازنه شکننده رضاخان و سیدضیاء ۵۷

فصل دوم / دولت قوام السلطنه و سیاست توازن نیروها ۶۱

۱. سرنوشت امیرمؤی د و کلنل پس ای ن ۶۳

ص: ۳

۴. تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

۲. رضاخان، شوکت‌الملک و عملیات قتل پسیان ۶۵

۳. سرکوب بقایای جنبش جنگل ۶۸

۴. رضاخان، احسان‌الله‌خان و م‌یرزا کریم‌خان رشتی ۷۵

۵. آرای‌شن‌یروه‌ای‌سیاس‌یدر‌مجلس‌چهارم ۸۰

۶. جمع‌یت‌اصلاح‌طلب‌و‌سوسیالی‌س‌تها ۸۵

۷. ماه‌یت‌جنبش‌باستانگرای‌ن ۸۸

۸. برنامه‌های دولت قوام ۹۱

۹. انگلی‌سی‌ه‌ا‌و‌سی‌یاست‌تضعی‌فدولت‌قوام ۹۸

۱۰. شوروی، انگلی‌س‌و‌سقوط‌قوام ۱۰۷

۱۱. رضاخان در مسی‌ر‌خودکامگی ۱۱۲

فصل سوم/ انگلیس، رضاخان و دولت مشیرالدوله ۱۱۹

۱. سرنوشت قیام لاهوتی ۱۲۱

۳. عامل اصلی یک‌ودتا‌کیست؟ ۱۳۴

۴. رضاخان و سرکوب مطبوعات ۱۴۰

۵. دست‌های‌پنهان‌و‌بلوایم‌حله‌کلیم‌ای‌ن ۱۵۱

۶. مشیرالدوله و بحث امتیاز نفت شمال ۱۵۸

۷. رضاخان و سیاست‌تزلزل‌در‌کابینه‌مشیرالدوله ۱۶۰

فصل چهارم/ انگلیس و دولت دوم قوام ۱۷۱

۱. انگلستان، مسئله شی‌خ‌خزعل‌و‌جنگ‌شلی‌ل ۱۷۴

۲. اختلافاً فکنی ب ی ن عشای ر ۱۹۲

۳. فرو گرفتن اقبال السلطنه و سردار مقتدر طالش ی ۱۹۷

۴. انگلستان، س یمیتقو و مسئله کردستان ۲۰۸

۵. انگلیس و عم لیات سقوط قوام ۲۲۶

۶. مدرس و پیشنهاد استیضاح رضاخان ۲۲۹

۷. استعفا ی رضاخان و دسای سق شون ۲۳۲

۸. سیاست اسطورهساز یا ز رضاخان ۲۳۵

ص:۴

فهرست مطالب ۵۹. بهار و تحلی لم وازنه نیروها ۲۳۶

فصل پنج م/ دولت مستوفی و مقدمات صعود رضاخان ۲۴۷

۱. ائتلاف نخبگان و اوباش ۲۵۱

۲. حمله اوباش به مجلس چهارم ۲۵۵

۳. روانشناسی اق لی ت عوامفری بم جلس ۲۶۲

فصل شش م/ مشیرالدوله و واپسین تلاشها ۲۶۷

۱. ایران و مسئله تبعی د علمای مق ی مبی انلنهرین ۲۶۸

۱. کابینه مشیرالدوله و موضوع علمایم هاجر ۲۷۸

۲. بازتاب تحولات عراق در ایران ۲۸۲

۳. تحركات روحانیان ایران ۲۸۳

۴. شوروی و مسئله رضاخان ۲۹۰

۵. گیلان و خشونت قشون ۲۹۵

۶. انگلستان، رضاخان و دستگی ی ر یق وام ۲۹۹

۷. انگلستان و فرزندان ظلالسلطان ۳۰۲

۸. تحركات پنهان به نفع رضاخان ۳۰۴

۹. واپسینت حرکات متحصنی نم سجد سلطان ی ۳۰۶

۱۰. انگلیسی ه او استعفا یم شیرالدوله ۳۰۷

۱۱. صعود قابل اجتناب رضاخان ۳۰۹

فصل هفت م/ ریاست وزرائی رضاخان ۳۱۷

۱. انگلستان و سیاست تثبی تق درت رضاخان ۳۲۳

۲. بریتانیا، نفت و سیاست ۳۲۵

فصل هشتم م/ بلوای جمهوری ۳۳۱

۱. احمدشاه و بلوای جمهوری ۳۳۵

۲. درباره انتخابات مجلس پنجم ۳۴۰

۳. مجلس، رضاخان و بلوای جمهوری ۳۴۸

ص: ۵

۶ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

۴. خالصیزاده، اندیشه اتحاد اسلام و بلوای جمهوری ۳۶۱

۵. مجلس، قشون و بلوای جمهوری ۳۶۸

۶. رضاخان بعد از شکست غائله جمهوری ۳۸۱

۷. انگلیسی‌ها، بلوای جمهوری و رضاخان ۳۸۷

۸. سیمای سی‌اس‌ی مدرس ۳۹۲

۹. قشون و بازگرداندن مجدد رضاخان به قدرت ۳۹۷

۱۰. شمهای از تظاهرات مذهب‌ی رضاخان ۳۹۹

۱۱. قتل مری‌زاده عشق‌ی ۴۰۳

۱۲. تظاهرات ضدبهای‌ی و مسئله رضاخان ۴۰۶

۱۳. نفت و قتل ایمری ۴۱۲

۱۴. تلاش مدرس برای استیضاح رضاخان ۴۲۳

فصل نه م/ آمریکا، نفت و سیاست در ایران ۴۳۱

۱. احمد قوام و شرکتها ین‌فت‌یا‌مریکائی‌ی ۴۳۸

۲. استاندارد اوی‌ل و شرکت نفت انگلی‌س و ایران ۴۴۰

۳. مجلس و بحث امتیاز نفت شمال ۴۴۵

۴. انگلستان و سرمایه‌گذاران آمریکائی‌ی ۴۴۷

۵. قرارداد ایران و شرکت استاندارد اوی‌ل ۴۵۰

۶. ائتلاف انگلیسیها با استاندارد اوی‌ل ۴۵۵

۷. بازیان‌گلیس‌یدر امتیاز نفت شمال ۴۵۷

۸. ورود سینکلر به مناقشات نفت یا ایران ۴۶۰

۹. نفت و مسئله یهود ۴۶۴

۱۰. مأموری تن خست میل سپو ۴۶۷

۱۱. رفتار ناهنجار دولت آمریکا به دنبال قتل ایمری ۴۷۴

فصل ده م/ انگلیسیها و پایان کار خزعل ۴۸۱

۱. لورین و حل مسالمت آمیز مسئله خزعل ۴۸۲

۲. سالارالدوله و انگلیسیه ۴۸۶

ص: ۶

7

F9.

F9F

5.2

5.4

5.8

511

517

525

526

534537

54.

542

555

561

563

563

564

565

57.

مقطع زمانی سالهای ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۴ شمسی، یکی از مهمترین و در عین حال بتحریران ن ی سالهای بعد از مشروطیت ایران است. ط یاین سالها تحولاتی به وقوع پیوست که در نوع خود ب یسابقه بود، سیر شتابناک حوادث به گ ا و ن یهرقم خورد ک هدوره تاریخ یخاص ی شکل گرفت؛ دوره ا یکه با تغییر سلطنت از قاجار به پهلوی با هادویرپ هیش از خود متمایز م یشود. نقطه عطف این تحولات کودتای س و ماس فن دسال ۱۲۹۹ شم سی بود. درباره این دوره و حوادث سیاسی یآن، نی زارتب اطتح ولات درون ک شورب ادولتهای خارجی، فراز و فرود و تکاپوه ای ک سانی م ث ل کلن ل محم خدثقا نیسیان، آخ ری ن تلاشهای میرزا کوچکخان جنگلی، سرنوشت مرزدارانی م ث لسردار مع ز زبجن وردی و اقبالالسلطنه ماکوئی، گرایشها یگری زاز مرک زمث ل تحرک اتش ی خخزع ل، اح زاب سیاسی، تحولات اقتصاد سیاسی کشور به ویژه نفت و از آن مهمتر موض و عامتی ازنف ت شمال، وضعیت نقاط حساسی م ثل سیستان و بلوچستان و کردستان و دهها موضوع؛ دیگر تحقیقات فراوانی صورت گرفته است، لیکن این رس ال هق ص د دارد ت ا آن حوادث راب ه شکلی منطقی به هم ربط دهد و نحوه صعود قابل اجتناب رضاخان را تحلیل نمای د.

مهمترین نکته در رساله حاضر آن است که برای نخستین بار از اسناد وزارت دربار شاهنشاهی، وزارت جنگ، وزارت پست و تلگراف و تلفن، وزارت امور خارجه و نیز برخی مکاتبات سفارت بریتانی او مکاتباتی از رجال سیاسی شوروی سابق به ویژه تئودور روتشتین در ارتباط با نحوه برخورد آنها با تحولات داخلی ایران استفاده شده

اس.ت. این اسناد همگی در مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی نگهداری میشوند. د.

البته نباید گمان کرد اسناد موجود مرتبط با تحولات این مقطع زمانی منحصر است به

همانهایی که در این رساله به آنها ارجاع داده شده. این اسناد تا دامنه بسیار

گسترده‌ای را در بر می‌گیرد که میتواند افق دید خوانندگان را نسبت به سمت و سوی

حوادث این زمان دگرگون نماید و روایتی نوین از تاریخ معاصر کشور ارائه دهد.

بحران مشروطیت در « این کتاب به واقع ادامه دو تحقیقی است که پیشتر با عناوین

سفتنودس ط دکتر حسین آبادیان عضو « ایران از سقوط مشروطه تا کودتا سوم ا » و « ایران

هیأت علمی دانشگاه بی‌ال نمللی امام خمین (یره) نگاشته و از سوی مؤسسه مطالعات و

پژوهشهای سیاسی منتشر گردیده است. در همین جا توجه خوانندگان محترم را به این

نکته معطوف میکنیم که برای فهم تحولات تاریخی‌ای که در رساله حاضر تشریح شده

است، مطالب آن دو کتاب پیشین را مورد توجه قرار دهند، تا معلوم شود رشت هظریفی

حوادث دوره مشروطه را به مباحث این رساله پیوند دهند. دیو تا سالهای بعدی تداوم

میآید. حقایقی که در کتب بعدی که به زودی منتشر خواهد شد این سلسله را تکمیل

خواهد نمود و دوره پادشاهی رضاخان را در معرض قضاوت اهل تحقیق قرار خواهد

داد. مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی ضمن اینکه امیدوار است مطالب کتاب

حاضر گامی باشد برای ارتقای سطح دانش تاریخی کشور، از نظرات و انتقادات

خوانندگان محترم استقبال مینماید. دو پژوهشگران علاقمند به این دوره تاریخی را به

استفاده از دهها هزار سند منحصر به فرد و منتشر نشده این دوران فرامیخواند.

طرح بحث و پرسش اصلی این رساله

رضاخان با کودتای سوم اسف ندهشهره شد و مقدمات زایش امثال او به جریانی خاص در دوره مشروطه بازنگیشت، درباره حوادث مشروطه به بعد و همین کودتای سوم اسفند دافسان ههای زی ادی به هم بافته شده است. تفاسیری که از حوادث این دوره عرضه شده با واقعیت کمتر تطابق داشته است؛ و از همین رو متن حوادث مزبور در زیر تفاسیر گوناگون گم هسادست. در دوره کودتا، عده ای در ظاهر با سودای خام احیای عظمت ایران باستان، به ستایش قزاقان پرداخته خفتانفدل؛ از اینکه با برکشیدن قزاق به اریکه قدرت و نهادن تاج کیانی بر سر او، ایران را بیش از پیش به وادی ظلمت میکشانند. تصویری که مداحان رضاخان از قزاق ارائه کردند در حقیقت انعکاس استخیالات خود آنان بود. در نتیجه سیمای واقعی رضاخان در پشت این تصویر باژگونه پنهان ماند.

این تصاویر باعث شد تا آیندگان تمامی این گذشته دردناک را بد بفهمند و به آنجریان مخوف که مقدمه هیب و د بر «دیدار» واقع از راه تفاسیر گمراه کننده بود که دوره رضاخانی، قابل تحمل می شد. هدف ما از این تحقیق نشان دادن شی از فراز و نشیبهای تاریخ معاصر ایران است؛ تمقطعی که از مشروطه آغاز می گردد و با

اعلام سلطنت رضاخان به پایان میرسد .

ن آغاز « بحران مشروطیت در ایران » این رساله سومین اثر از مجموعه‌ای است که هبا س افندامه یاف . ت پس برای « ایران ، از سقوط مشروطه تا کودتای سوم ا » گردید و با فهم مضامین رساله حاضر و شناسائی منحنی تداوم و تحول انید یمشعهورج که به نام مشروطه مشهور شد، خ ن وانندگان به ناگزیر باید بحث ما را از دوره مشروطه و با دو اثر یادشده آغاز نمایند .

م ادر این رساله ضمن اینکه می خو اهی م پیدایش نظام خودکامه رضاخانی را از بطن شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و البته منش فردی شخص او استنتاج کنیم، می خو اهی م نشان دهیم سرنوش م تشروطه ای که در باطن خود دچار تناقضاتی لاینحل بود، جز خودکامگی ن ت موا نیست باش . د این خودکامه هرکسی میتواند باشد ؛ اما تقدیر تاری، خپدیده خودکامگی بعد از مشرو طراه با رضاخان گره زد . با ز هم به اشارت یاد آ و مری شویم منظور ما تقسیم پدیدارهای تاریخی به خوب و بد و درست یا نادرست نیست . تردیدی نیست آراء متفاوت و حتی متناقض و البته فراز و نشیبهای تاریخی، همه جزئی است از صیوروت بشریت از اسارت به سوی رهائی ی؛ لیکن ضروری است موانع ذهنی و عینی بر سر راه این صیوروت را شناسایی کنیم .

در این رساله تلاش شده است فراز و نشیبهای تحولاتی که از سوم اسفند آغاز و به خلع قاجاریه از سلطنت ختم شد، مورد ارزیابی قرار گیرن . بحث را از همان اسفند « ایران ؛ از سقوط مشروطه تا کودتای سوم » جای ی آغاز کرده‌ایم که رساله

استوار ساخت اه ی م. « سقوط مشروطه » خاتمه یافته است. م ا بحث خود را با مدعای

مقصود م ا از سقوط مشروطه به هیچ وجه این نیست که بگوئیم در دوره منجر به

اولتیماتوم روسیه و خاتمه دوره مجلس دوم، دیگر بحث مشروطه وجود نداشت یا

زاشی پ ر ص ع ه ب ت ش گ ز ا ب ت ه بود، زیرا اساساً بازگش سابق حال به دوباره کشور

مشروطه غیرممکن بود. بلکه مقصود این است که مفهوم مشروطیت به درستی

این و داشت؛ عظیم محتوایی شد، عملاً می ترویج مشروطه نام به آنچه و نشد عملی

ص: ۱۲

امر دلایل متعددی داشت .

نخست اینکه از منظر فکری تعارضات و تناقضات درونی در ساختار ذهنی را مشروطه بپندارد که بود کسی کمتر دیگر مثلاً و بود ته یاف ظهور ایران مشروطه میت وان بر اساس مبانی شرع استوار سا . خ د توم اینکه مشروطه نه تنها نتوانست مبانی یک نظام پارلمانی را فراهم سازد، بلکه کشور را در بحرانهائی فرو برد که علیال قاعده در یک نظام مبتنی بر تفکیک قوا و دمک ن را مسیب یایست بروز و ظهور نماید . سوم آنکه مردم نه تنها به حقوق خویش نائل نیامدند، بلکه حتی معلوم نشد این حقوق چیست؟

رساله حاضر سطوح مختلفی از تحلیل تاریخ معاصر ایران را دربر می گیرد. د از تحلیل رفتارهای فردی بازیگران سیاسی گرفته تا تبیین ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و از تأکید بر اهمیت قدرتهای بزرگ جهانی در حوادث این دوره گرفته تا ؛

بحث از نقش قبایل و عشایر در شگکیرلی فضای جدید سیاسی . اینها همه و همه ب ه نحوی از انحاء در شکل دادن به فضای ذهنی حاکم بر این رساله مؤثر دهانند. درب و این رساله کوشش شده است آرایش نی هاروی س یاس ی حاضر در صحنه روشن شود؛ همانطور که در رسالههای پیشی ن بر این مهم تکیه گردیده اس . ب ته راستی چگونه میت وان تاریخ را شناخت بدون اینکه بازیگران آن مورد کنکاش واقع شده باشند؟ اما بازیگران تافته ا یجد ا بافته از شرایط اقتصادی و اجتماعی و البته فرهنگی حاکم بر جامعه نیستند ؛ همانطور که نمی توان تاریخ کشور را بدون عنایت به تاریخ جهانی که او را احاطه کرده است، تبیین ن . م ت وادریخ معاصر ایران تاریخی یک لایه نی؛ ست

بلکه دارای لایه های متعدد است؛ و برای فهم بنیاد این تاریخ، باید ایلامی نه‌ها را ی‌ک
ب‌هیک کنار زد. در این راستا نمی‌توان درکی منطبق با واقع از این تاریخ داشت، مگر
اینکه فرایندهای پنهان آن را شناسائی کرد و تأثیر و تأثر متقابل این فرایندها را بر
حوادث ملموس و آشکار کشف نمود.

درباره دوره حکومت رضاخان نحوه ظهور و صعود تا سقوط او سخنها گفته
شده و کتابها و مقالات فراوان تدوین شده‌اند. اما در اغلب این آثار نه تأکیدی

علمی و درخور توجه به نقش شخصیتها در تاریخ معاصر کشور به عمل آمده و نه کاوشی عمیق برای کشف فرایندهای نهان سیاسی صورت گرفته. اسم ادتر این را آنها آمال و اندیشه و تحولات در درگیرهای تی ص خ ش رساله تلاش داریم تا اولاً ب ه بحث گذاریم و در پرتو اعمالشان، انهگای زوه اهداف باطنیشان را عیان سازی م؛ و مستقیم خطی واقع به. نمائیم مطرح و شناسائی را کشور سیاسی عمده خطوط ثانيا بحران مشروطیت در « مباحث این رساله را با بسیاری از موضوعات مطرح شده در م رتبط می سازد، در این خط نه تنها تداوم و تحول، بلکه فراز و فرود جریانی « ایران سیاسی که به نام مشروطه بر طبل خود کامگی میکوبید، بررسی شده است . بدین منظور کوشش شده است تحولات تاریخی مقاطع گوناگون کشور در بروز و « مکان » و « زمان » فاصله زمانی ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۴ در جای خود نشانده شود، و حادثه را « معنای » وقوع حادثه شناسائی گردد. دزیرا از این طریق است که میتوان بازشناخت .

خند گوناگونی استفاده شده است، اما تأکید . اگرچه در این رساله از منابع و م عمده در این رساله بر اسناد و به طور خاص اسناد وزارت جن گ یعنی بازوی اجرائی رضاخان است . این اسناد که بر دهها هزار برگ گزارش، مکاتبه، دستورالعمل و بخشنامه نظام بیالغ میشوند، البته هم، ه مورد استفاده قرار نگر فانتهد ؛ زیرا چنین این کلیه . ت س ان ک م م ری غ چیزی برای تدوین یک رساله با گنجایشی معین، عملاً اسناد در بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی موجود؛ دنوا دهمیت این اسناد هم یکسان نیست .

درباره منابع این تحقیق

مهمترین بخش اسنادی که در این کتاب از آنها استفاده شده امرسبوت، ط ب ه
تشکیلات اطلاعاتی قشون رضاخاناست. طبق مدارک موجود، رضاخا ب نه ویژه در
آستان ه بلوای جمهوری از رایزنان اطلاعاتی مهمی برخوردار بود که تحلیلها و
گزارشهای آنها، وی را در تصمیم گیری کمک میکرد. این گزارشها عمدتاً بدست

ص: ۱۴

نوشته میشدند. « مفتشان مخفی »

طبق اسناد موجود، این دستگاه اطلاعاتی کلیه تحرکات احزاب، صیتهاش، خ
سفارتخانه های مهم اروپائی و آمریکا، سران قبایل و عشایر و در یک کلام هم ه
حوادث ریز و درشت کشور را زیر نظر داش ؛ و ت اخبارحرمانه و پشت پرده و
حتی شایعات را به مقامات بالاتر گزارش کمردیو آنها هم گزیده ای از این گزارشها
ر ادر اختیار رضاخا ق نرار میدادند . بخش مهم دیگر این اسناد گزارشهایی است که
فرماندهان قشون از مناطق تحت فرماندهی خود برای رضاخان ارسال میکردند .
مهمترین گزارشهای فرماندهان قشون مربوط است به بخش استخبارات که خود
ب ه دو قسمت جاسوسی و ضدجاسوسی قستیم می شد . دایره تجسس و یا همان
استخبارات ، اخبار و اطلاعات مهمی از تحرکات سران قبایل و عشایر، خوانین محلی
ت ک ر ش ی ا ه ت ی ل ا ع ف و زمینداران بزرگ، رهبران شورشهای سیاسی و اجتماعی و مثلا
نفت انگلیس و ایرات نهیه میکرد و به مرکز ارسالمینمو د. اخبار و گزارشهای
مربوط به عملیات جنگی در اطراف و اکناف کشور، دیگر اسناد مهم این مجموعه را
تشکیل می دهد . در همین اسناد نکات جالب توجهی از اختلافات بین جناحهای
سیاسی حتی طرفداران رضاخا ب نازتاب یافته که برای تحلیل حوادث این دوره
اهمیتب سیار دارند .
بخ ش دیگر اسناد عبارت است از رونویسی برخی مفتشان از اخبار و گزارشها و
تحلیلهای مهم جرای . د این بخش هم برای هرگونه تصمیم مقتضی، در اختیار قشون
قرار می گرفت . حدود هفتاد درصد رساله حاضر مبتنی بر این اسناد منتشر نشده
است. حجم اسناد در زمان وقوع کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ تا اواخر ۱۳۰۰ چندان

قابل توجه نیست؛ اما با ادغام ژاندارمری و نظمیه در قوه قزاق و تشکیل قشون متحدالشکل و از این بالاتر با تقسیم ایران به پنج منطقه نظامی و ردن هرس پمنطقه به دست یکی از وفاداران بیچون و چرای رضاخا، نحجم و کیفیت اسناد به نسبت قابل توجهی افزایش مییابد.

از سال ۱۳۰۱ به بعد اسناد ذیقیمت فراوانی در دسترس است که هر بخش آن

ص: ۱۵

۱۶ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

میتواند گوشه‌هایی از حوادث ناگفته این مرز و بوم را روشن . اسسانا زد جنبش جنگل، قیام لاهوت ، ی عملیات قشون علیه اقبالسلطنه ماکوئی، سردار رشید طالشی، سردار معزز بجنوردی، کنل محمدتقیخان پسیان، میرزا کوچ خ کان جنگلی، اسماعیل آقا سیمیتقو، ساعدالدوله فرزند محمدولیخان تنکابنی، شیخ خزعل از همه بالاتر جنبش جمهوری و اسناد تبعید علمای مقیم النهبیرین و صدها موضوع دیگر در این میان قابل توجهند .

اسناد، ن کاتی بدیع درباره مناسبات دستهای پشت پرده حامی رضاخان، نی زو روابط مقامات اطلاعاتی رضاخان با گادفریهاوارد، سر پرسی لورین و سرآرنولد ویلسون، رئیس شرکت نفت انگلیس و ای، رارانته میدهند و از این بالاتر حائق ی ه متشکل و سازمان یافته را معرفی مکن ید که تحلیل رابطه آنها با نیروهای دیگر سیاسی حاضر در صحنه، میتواند پرده هائی از تاریخ معاصر کشور را به معرض دید درآورد . نحوه اختلاف افکنی بین سران قبا ی ل و عشایر و سناریوی از پیش طراحی شده فروگرفتن خزاع لتوسط انگلیسیها در همین اسناد بازتاب یافته . دایسگرت اینکه ترکیب قشون و نحوه شکگی لری و سازمان اداری آن از لابلای این اسناد قابل فهم است . تکیه گاه عمده رساله حاضر اسنادی هستند که اج بمهال از آنها سخ ن گفته شد .

اسناد دیگری که در این رساله از آنها بردباهرری هشده است، عبارتند از گزارشهای دیپلماتیک مأمورین وزارت امور خارجه و کارگزاران محلی آنها در نقاط مختلف کشور .

بدون تردید مهمترین بخش این اسناد مربوط است به مباحث نفت و بشمها ل

ویژه گزارشهای حسین علاء از آمریکا که شرح فعالیت‌های اوست برای جذب

سرمایه گذاری شرکتهای آمریکائی در ایران. بخش دیگر به طور مثال فعالیت‌های

بقایای جنبش جنگ لدر باکوو به طور مشخص برادران میرزا کری خانم رشتی و

احسان الله اخن را پوشش میدهد. از درون این اسناد نکاتی جالب توجه در مورد

ساختار درونی جنبش جنگ ل هم میتوان به دست آورد.

ص: ۱۶

بخش دیگر اسناد آنهایی است که در مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و سازمان اسناد ملی نگهداری میشوند. اسنادی مربوط به انتخابات مجلس پنجم، این بایگانیهای در تأیید عمد، ایمری ماژور قتل و عتبات مقیم علمای تبعید موضوع مراکز نگهداری میشوند؛ اما بدون تردید حجم و کیفیت هیچ کدام از این اسناد قابل قیاس با اسنادی نیست که در مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی موجودند. همه آنها؛ اند مانده باقی نمانده منتشر تاکنون این است که اسناد مؤسسه یادشده اولاً که کسانیت گزارش ثالثاً؛ است قشون استخبارات اداره و مخفی مفتشان های گزارش پرده پشت های لایه بالاتر اینها همه از و؛ اند داشته حضور حوادث صحنه در مستقیماً تحولات را به معرض نمایش در آورید. تلاش ما بر این بوده است تا این اسناد را به سخن در آوریم. از درون اسنادی که به شکلی نامرتب، نامدون و بطنبدهی نشده، برخلاف عرف مراکز اسناد، به دست ما رسید، د هزیده های آنان مورد استفاده واقع شده است. این اسناد به قدری مهمند که باید برای انتشار عمومی آنها ای چاره اندیشید.

اسناد دیگر مربوطند به آرشیوهای ملی آمریکا و انگلیس و ال بتهمه اسناد دیپلماتیک اند؛ به همین دلیل قابل قیاس با اسناد مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی نیستند؛ از این روی که اسناد مؤسسه پشت پرده سیاست را نشان دهند، اما اسناد دیپلماتیک سطوح و لایه های آشکار تحولات را در معرض دید قرار می دهد. در هیچ کدام از این دست اسناد، حوادث روزهای کودتا به طور کامل و شفاف گزارش نشده است.

اسناد انگلیس در مورد تحولات روزهای دوم تا هشتم اسفندماه ۱۳۵۷؛ به دست

عبارتی هنوز از حالت محرمانه بودن خارج نان شد.د.هاسناد داخلی سخنی قابل توجه

در مورد حوادث این چند روز ندارند؛ اما در آرشیو ملی آمریکا در مرلند

آمریکا کئی ت ا م ل پ ی د ت ا م ا ق م گزارشهایی وجود دارد از واقعات اتفاقیه این روزها؛ مثلاً

هوشیارانه متوجه بوده‌اند که درست روز وقوع کودتا نورم نوزیرمختار بریتانیا برای

تفریح از شهر خارج شده ب؛ و عیدین رفتاری که قبل و بعد از این حادثه و در جریان

ص: ۱۷

۱۸ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

تحولات مهم ایران از مقامات سفارت بریتانیا سرزده است .

نکات جالب توجه دیگری از تحرکات برخی کارکنان سفارت بریتانیا یا شرکت

نفت انگلیس و ایراندر اسناد آمریکا وجود دارند که خواننده را با افقی جدید از

تحلیل تاریخ معاصر آشنا میسازند .

از جمله سکوت رضایتمندان و ویلسو رئیس شرکت نفت انگلیس و ایراندر

ماجرای قتل ایمر؛ ی و برخی جریانات به ظاهر ضدیهودی یا ضدبھائی که درست

موقع طرح امتیاز نفت شما م طرح می شد اس ت.

ه اهمیت موضوع در این است که

امتیاز نفت شمال استند به دست آورند.

ر آمریکا ئیها میخونی ز طبق اسناد آمریکا

درست بعد از شکست بلوای جمهوری رضا، ختاظناھراتی مشابه صورت گرفت تا

؛ دهند قراراً

مثلا ق تل میرزاده عشقی یا ماژور ایمری را تحتالشعاع بالاتر اینکه با

شکل دادن به جریانی مصنوعی مانع سقوط حتمی رضاخان گردند .

اسناد دیپلماتیک بریتانی اهم البته اهمیت خاص خود را دارند، به ویژه اسناد

مربوط به مذاکرات ل ورین با رضاخان؛ و نیز اسناد عملیات ظھری رضاخان علیه

خزعل . از این اسناد م ت یوان استنباط کرد که بحث حمله لبعه خزعل جز سناریویی

برای فریب اذهان عمومی نبوده اس؛ ز تیرا به توصیه بریتانیا خزعل از پی، ت ش سلیم

خود را در برابر دولت مرکزی اعلام نموده . باود وجود این، این لشکرکشی بعد از

بلوای جمهوری لازم بود تا شکست چندی پیش رضاخان را جبران نماید .
منابع دیگر عبارتند از روزنامه‌ها و مقالات نشری ؛ تبعاوه اسناد منتشر شده و
کتابهای مربوطه . مطالب مربوط به مهاجرت علمای مقیم بین النهری نبه ایران و
همچنین برخی مسائل دیگر از روزنامه‌ها هاخذ شده اس . ک کتابهای منتشره طیف
وسعی از خاطرات گرفته تا برخی متون نظری و از دیوانهای شعرای این دوره
گرفته تا تعدادی تک نگاریها را در بر میگیرد .

ی آباد دولت یحیی حیات مثلا ؛ نیست یکسان شده، منتشر منابع و کتابها اهمیت
نکات ی بسیار راهگشا از تحولات این دوره عر مضیه دارد ؛ ن یز بها رکه خود رجلی
بود هوشیار و از بازیگران صحنه و در زمره یاران شهید مدرس به شمار می رفت ،

خاطراتی خواندنی تحت عنوان تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران نگاشته است که
می‌تواند خواننده را از موازنه نیروهای سیاسی این دوره آگاه‌تر کند. داند رقیاس با این
که با عنوان شرح زندگانی من نوشته شده، مستوفی عبدالله خاطرات مثلاً گرچه منابع
اهمیت بالنسبه کمتری دارد، لیکن تلاش بر این بوده تا از کلیه متون در دسترس
برای تبیین نظری اهی که در این رساله در جستجوی آن هستیم؛ بهره برداری نمائیم.
ذکر این نکته لازم است که با وصف استفاده از منابع یادشده، خاطر نشان سازی م م، ی
رساله حاضر فقط گامی است نخست برای شناسائی دوره بسیار پراهمیت بین
کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ تا تغییر سلطنت از جقار به پهلوی، پس از کم‌ها وی
کاستی‌ها تهی نیست.

حسین آبادیان

۲۵ آذرماه ۱۳۸۸

ص: ۱۹

کابینه سیاه یا دولت مستعجل سیدضیاء

تسلط رضاخان بر مقدرات مردم ایران، با کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹. این کودتا در

فضای از رعب و وحشت به ثمر رسیده درجه نخستن مادی بود از موفقیت

اشرافیت مالی بریتانی او حکومت هند انگلیس بر اشرافیت زمینداری که حفظ منافع

بریتانیا را از طریق قرارداد ۱۹۱۹ میسر میدید. گرچه انگلیس مظهری است از پیوند

میان زمینداری بزرگ و اشرافیت مالی و در این کشور پیوند مزبور امری است عادی،

اما تنازع آشکار بین محافل بزرگ سرمایه‌سها لار این کشور بر سر مسئله و ایران

مشخصاً کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و تحولات بعد از مشروطه به چشم میخورد.

همانطور که پیشتر در رساله ای جداگانه توضیح دادیم، منازعات درونی محافل

حداقل از عصر ناصری وارد دوره تالی زهد که «مسئله ایران» سیاسی بریتانیا بر سر

۱

یافت خاتمه سالاران سرمایه دیدگاههای نفع به ایران در مشروطیت برقراری با نهایتاً

اگر چه در مباحث جامعهشناسی انقلابها با استناد به مواردی مثل انقلاب فرانگفته

می شود که هر انقلاب، یکودتائی وجود دارد که از سوی تندروهای انقلاب لیه

میانها روها صورت میگیرد، اما جنبش مشروطی تاز سخی دیگر بود و کار آن مطابق

چنین نمونه ای پیش نرفت. ت ایران از بدو مشروطه تا کودتای سوم اسفند منازعات

(۱. ن ک: حسین آبادیان بحران مشروطیت در ایران، (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۳

۲. کرین برینتون: کالبدشکافی چهار انقلاب، ترجمه محسن ثلاثی، (تهران: نشر نو، ۱۳۶۳)، ص ۱۷۴

آشکار و نهان انگلی سو روسیه بود. انقلاب بلشویک ی تا حدودی از دامنه این منازعه

کاست؛ اما هنگامی که انگلی ع سزم خویش را جزم کرد تا ایرارنا چون لقمه یا ماده

ببلعد و راه خود را از طریق سرحدات شمالی و شمراقلی کشور به اعماق قلمرو

روس ی ه تزاری - ک ه اینک به شورویها به میراث رسیده - ب ب ود گشای د، ب ازی تازه یشکل

گرفت که به کودتای سوم اسفند منجر ش د.

م ا داستان این تحولات را در جائی دیگر بررسی ایک م؛ ر ا د هاما اینک خاطر نشان

میسازیم که این کودتا به دنبال بحرا سازنیزها پپی اب ی - که از سوی بقایای گروههای

افراطی دوره مشروطه و طرفداران بلافصل آنها در دوره بعد از سقوط اخلاق ی و

سیاسی - اجتماعی مشروطه سازماندهی میشد - به پیروزی رسی . دبیتالغزل آن کودتا

ه مالته این بود که گویا بلشوی، ا سیرمان را درهم خواهد نوردید و تحرکات مرموز

عده ای را ک هدر صفوف جنبش جنگ رلخنه کرده بودند، شاهدی بر این ادعا مگیرفتند .

هد ف اصلی آنان تولید وحشت از غولی بود که حتی اروپ ارا نیز به خود مشغول

میداشت؛ یعنی کمونیس . مگرچه روسها با اعزام براوی ون کولومیتس فبه ایرات نلاش

کرده بودند این هراس ب پای ی ه را که از سوی محافلی در بریت داانمیا ن زده میش د خنثی

نمایند، لیکن دامنه وحشت بیش از آن بود که تصور میشد .

حتی دو ماه ی پیش از کودت انگلیسیها در گزارشهای خویش از وحشت شاه سخن به

میان می آوردند و گزارش م ید ادند شاه ایران ترسیده است، وم ی خواهد کشور را ترک کند؛

از ورمین، ن، و مشخصاً تهران « آشوب » داده ی م شان ن نکته همین . اد د می خبر الوقوع قریب
بخش ی از تیم سفارت بریتانیا در تهارا زحوادث آتی کشور که با کودتای سوم اسفند به د
اوج خود رسید آگاه بودند و حتی در آن سهم و دخالتی انکارناپذیر داش . نتنودرمن ، اه

ش

ایران را متهم می کرد که به کسب درآمد و پس انداز در افرکوپامیکند، و به مال و منال ،

بی ش از اداره کشور اهمی م ت یدهد . نورمن گزارش میداد شاه نسبت به همه چیز بی تفاوت

های مؤسسه مطالعات و پژوهش : تهران (، مشروطه تا کودتای سوم اسفند سقوط از ایران : ن بادیا حسین آ . ۱

(. سیاسی، ۱۳۸۵

۲ . ادموند آیرونساید:خاطرات و سفرنامه، به ضمیمه اسناد و مکاتبات سیاسی وزارت خارجه انگلستان، ترجمه

. بهروز قزوینی، (تهران: آینه، ۱۳۶۱)، ص ۱۴۲

ص:۲۲

اگ ر او کشور را « است؛ همی ن باعث انزجار کلیه طبقات مردم از او شده ادی سگتر اینکه
و؛

۱. « ترک کند فکر نمیکنم بتواند بار دیگر به میهن بازگردد

د راین شرایط بانک شاهن شاه- یاب زارت سلطه ال یانگل بی را سی را- ن از م ردم

خواست به شعب بانک مراجعه کنند و امانت

ای خویش را بازپس گیرند؛ و نیز

اسکناسهایی را که دریافت کرده اند برگردانند و به جای آن نقره دریافت نمایند . سفارت

بریتانیا این ترس را دام م نی زد که با بیرون رفتن انگلیسیها از نایب رلاشویکه ا به پایتخت

یورش خواهند آورد و سامان سیاسی کشور متلاشی خواهد . گک ۱۲ ردحیمدشاه قاجار که ه

دردستان نیرومند دیوانسالاران سیاسی س تا ز گرفتار بود، بیش از همه دچ ارب ی م و ه را س

برانو دک ه « آس وبهای کوچ ک کوچ ک ش هر ته » بود . ب هقول بهار، بیش تر ترس شاه از

۳ ب هوعدارتی زدوبن ده ای؛ « اساس حزبی و بنیاد درستی نداشت تو هم همصنوع یب »

سیاسی پشت پرده تعیی ک ننده ه حوادث آینده بو دونه ب ازی متع ارف اح زاب سیاسی در

نظامهای مشروطه پارلمان . یا شوبه ا که به واقع ادامه تنشهای سیاسی ع ص مشروطه بود،

بدی ن منظور دامن زده میشد تا رویکرد جدی دنظامی بریتانیا مین یب ضرور تاستقرار

مرد قدرتمن د را توجیه نمای . د ب عبارت بهتر در پرتو وحشت از شبح کمونی اسسم

، تقرار

دولتی نظامی بهترین بدیل وضع موجود تلقی مید این رویکرد بیش از همه از

سوی وزارت مستعمرات، وزارت دربار، نایب‌السلطنه هندوستان و خزانهدار بریتانیایی
در دستور کار قرار گرفته بود.

خواهیم دید بعد از کودتا و زمانی که رضاخمان نه‌ه‌ا را برای تصدی قدرت مطلقه
فراهم م‌نمود، انگلیسیها از جن و ترس احمدشاه، فراوان سخن به میان مآوردند؛ اما
حقیقت امر این است که از پیش از کودتا بحث ترس شاه همیشه عنوان میگردید. تخم
ترس را همانطور که بالاتر آوردیم خود انگلیسیها در قلب شاه کاشتمند. ی در آستانه
کودت اوضاع داخلی و خارجی دست به دست هم داد و زمینها را از هر نظر برای
رسیدن بریتانیاییها به اهداف از پیش تعیین شده خود فراهم نمود.

همان، این گزارش روز سیزدهم دیماه ۱۲۹۹ مطابق با سوم ژانویه ۱۹۲۱ از طرف نورمن خطاب به کرزن ارسال

شده است.

۲۳. اس. ا. ملیک ف: استقرار دیکتاتوری رضاخان در ایران، ترجمه سیروس ایزدی، (تهران: کتابهای جیبی، ۱۳۵۸)، ص ۰

۳. ملک الشعراى بها ر: تاریخ مختصر احزاب سیاسى ایران، ج ۱، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷)، ص ۶۱

ص: ۲۳

۲۴ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

د راین بین روز ۲۵ بهمن سال ۱۲۹۹، نورم نو آبرونسای ب ده ملاقات احمدشاه

رفتند تا او را بیشتر تحقیر ک. نبردمأمور انگلیس به خوبی آشکار شد که شاه روحیه

ن

خوی ش را به شد تاز دست داده است و این شخصیت در هم شکسته به این سادگی

نجات نخواهد یاف. تآبرونساید نوشته است که شاه روی صندلی خویش قوز کرده بود،

سرش در شانهای شفرورفته و در این حال گفته بود م ح یک سند به عصائی شکست ه

تکی ه کرده اس. ت آبرونساید گزار ش م یدهد نورمن، وزیرمختار بریتانیانسبت به شاه

شاه از بهان ت هراشیهائی که برای تبرئه « ایران ب ا بیرحمی رفتار می کر د. در این ملاقات

خود کرده بود خسته شد و در صندلیاش پائین و پائین تر خزید و تصویر

۲. « ناراحتکنندهای از شکست را در معرض دید ما قرار داد

تنها قوه ای که انگلستانمیتوانست با اتکای به آن اهداف خود را در ایران عملی

بود ای قوه که، قزاق نیروی. بود قزاق نیروی سازد، « مداخل و فرومایه و حمیت بی

ک ن

ک ه زیر دست لیاخوفها و افسران وحشی و جاهل روس بار آمده بودند و تزار را بر

۳ بهانهای عامه پسند برای توجیه عملیات خود داش:ت « شاهنشاه ایران رجحان م ینهادند

درست در حالیکه ه آنان با قوه مورد حمایت شورومییجنگند، نه لباسی دارند تا با آن

سرما را از بدن د ورسازند و نه اسلحاه ی که قادر باشند با دشمن مقابله ن. ا میان ن د

مضمون ب هقدری اهمیت داشت و متویانست افکار عمومی را فریب دهد که در

نخستین بیانیه رضاخان منعکس گردی؛ د این بیانیه که نوشتن آن از حد سواد رضاخان

خارج بود ، شباهت زیادی به اعلامیه‌های کمیته مجازات و نیز بیانیه‌های شدیداللقن عصر مشروطه داشت. میتوان تصور کرد که بیانیه رضاخااثر خامه کسانى باشد كه ه ضمن اينكه يد طولائى در بحرا سا نزي داشتند، ادبيات منسجم و بسامان و تهاجمى هيجانانگيزى ارائه ميدادند .

۱. حکومت نظامی در تهران

رضاخان بلافاصله بعد از کودتا، اعلام حکومت نظامی؛ تهران بدون مقاومت، ت

۱. همان، ص ۶۷

۲. همان، ص ۶۸

۳. تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۱۸۱

ص: ۲۴

تسلیم سرنیزه قزاقان ش . د تسلیم شدن تهران به قزاقان، نه فقط ت، ه بر لاکنه تمامی ایران ر ادر اختیار رضاخاق قرار دا . د بیانیه رضاخان در روز دوم کودتا بدون هیچ امق ی دمه وظایف « وارد اصل موضوع شد تا افکار عموم ی را بیشتر تح ت تأثی ر قرار ده . د بیانیه از آغاز کرد ؛ وظیفه مقدس ا هی که رضاخان را به « مقدسه فداکاری نسبت به شاه و وطن لاکنه « جن گ هولناک گی » میدان جنگ علیه قوای میرزا کوچخا کن جنگلی کشانی . د از ای ده ع تحرک ؛ آشوب و بلوانه و بود جنگ نه اساسا ، د ر ب م ا ن آ ز ا رضاخان میهندوستان بود برای خارج ساختن قوای بیگانه و در رأس همه از باریتارنای ن؛ ا قدرتی که موقعیت طلائی سقوط قدرتهای گاه سنه روسیه ، عثمانیو آلما نراج شن گرفت و تلاش کرد بر مردهریگ این قدرتهای فروشکسته در اقصی نقاط دنیا دست و پرستی وطن عرق چرا نداد توضیح البته او نویس و رضاخان . اندازد

مشخصا بیانیه

ا و علیه بریتانی ا به جنبش در نیامد و بالعکس نوک تیز حمله را علیه « وظایف مقدسه » نیروئی نشان گرفت که درست ع لمینافع بریتانیا در یکی از مهمترین مناطق کشور به جنبش درآمده بو . د نویسنده بیانیه رضاخا نبرای اینکه مردم را متأثر سازد ، خاطر نشان ی « همان میدانهای خونین مرگبار » ن به واقع « جنگ هولناک گیلا » ساخت ک ه میدان های ک هقشون دشمن برای تسخیر ا رای ن و تهدید پایتخت با قوای فزونتر و اسلحه « است « شبح سرخ » ب ه این شکل نویسنده بیان، ی ههوشیارانه مسئله « مکمل ت رتشکیل نموده بو . د را - که ورد زبان مطبوعات اروپائی و انگلیسی بود - به ایران ه م « خطر کمونیسیم » و

تعمیم داد .

واقعی ت امر این است که غرب ب اعز دجنگ در بحران ب سهر م یبرد ؛ و با اینکه زمینه برای حمله علیه نظام سرمایدا هری فراهم بود، اما نه در ایتالیا یسال ۱۹۲۲ و نه در آلمان سال های بعد زمینه انقلاب کمونیستی فراهم نبود. با این حال فاشیست ه اموضوع نجات کشور از چنگ یک انقلاب کمونیستی را به صورت یکی از افتخارات رسمی خود در آوردن د . برای فاشیست ه اهم تبلیغ علیه نفوذ کمونیسم، تاریخی مشخص داشت دست به را قدرت وقتی اما ؛داشتند نیاز تبلیغات این به اوضاع بر تسلط برای صرفا آنها کودتای از قبل اندکی مثلا . ت گش بازمی سابق حال به اندکی حداقل اوضاع ، آوردند می رضاخان ،ی عن ی د ر تابستان سال ۱۹۲۱ ، موسولینی نوشت ، دیگ ر هر کس ادعا کند در ایتالیا خطر بلشویسماز بین نرفته، در واقع از فرط ترس قادر به شناخت واقعیت نیست .

. بود شده کن ایتالیا در بلشویسم زمان آن در وسولینی م نظر به

کاملا ریش ه ب ه سخن

دیگر ، برای موسولین یو سایر فاشیستها ، بحث نفوذ کمونیس ا مبارزی بود برای تسلط
ب ر مقدرات سیاسی ایتلیا . هنگامی که این امر محقق شدی د، گر ادامه آن بحث ضرورتی
نداش ت. موسولینی میخواست اینگونه بنمایاند که با وجود او دیگر از کم ون خیب سر می
نخواهد بو د.

اما در ایران وضع بگهونه ایدیگر بو . د توهم نفوذ کمونیس ا مز بدو شکگیری دولت

شوروی تا زمان فروکش کردن جنگ س رهدم، یشه ابزار تبلیغاتی مؤثری بود برای

انگلستان و بعدها امری ، ک اتا بتوانند حضور خود را در منطقه ای حساس از خاورمیان وه

حمایتشان را از رژیمهای وابسته و برکشیده خ وتدوجیه نمایند . د ر زمان مورد بحث

این رساله ، میتوان گفتانگلستان به منظور اقدامی احتیاطی و برای انحراف سمت و

سوی عدال تخواهانه جنبش ناراضیان، و البته رابی تقویت دولت مرکزی ایران به منظور

حفاظت از منافع انگلستان در منطقیهای استراتژیک در خاورمیان، قدرت سیاسی را به

رضاخان تحویل دا . د ب ه نظر میرسد از دید بریتان،ی ارضاخان به مثابه رهبر یک جنبش

ضدانقلابی ، ماهیتی درمانی دارد و در عین حال میتوان به عنوان عامل پی گی شرنده از

نهضتی کمونیستی از او بهره برداری کر د . نوشتیم ماهیت درمانی، زیرا برای انگلستان

ایران کشوری بیمار به شمار مریفت که باید درمان ش . وداگر بیماری ایران را قحطی،

جنگ، بیکاری، راهزنی، شورشهای ایل و ی عشیرهای و امثالهم ارزیابی کنیم، بطهور قطع

دست‌های خود بریتانیا در شکل‌گیری این بلایا دیده می‌شد .

انگلستان می‌خواست به زعم خود بیماری‌های را درمان کند که ایرانیان خود در مهار

آن گام‌های بلندی برداشته بودند. و در بندها واقع بریتانیا به فکر درمان درد نبود بلکه،

می‌خواست به جای حل بنیادین معضلات ایران، بعنوان درمان، خود را به مثابه طبیب

حاذق در ذهن مردمی جا کند که هیچ‌گاه به آن دولت اعتماد نداشتند. بدین واقع این توهم

که ایرانیان بیمار است و عنقریب توسط میکروب کمونیسم از پای در خواهد آمد، در این

مقطع به دست رضاخان نپراکنده می‌شد؛ مردمی که حداقل از چهار سال پیش توسط

نیروهائی مشخص از بریتانیا شناسائی شده و برای چنین روزهائی لحشمظاهری می‌یکرد .

، (۱ . راینهارد کونل: فاشیسم مفر جامعه سرمایه‌داری از بحران، ترجمه منوچهر فکری ارشاد، (تهران: توس، ۱۳۵۸

ص ۷۲ .

ص: ۲۶

د این سخن هم به «می ترس م ایران بالشویک شو» رضاخان به هر کس م رسید م یگفت و ثوقالدوله گفته شد، هم به شهید مدرس، هم به بهار و هم به عدهای دیگر.

ن «دستجات انبوه متجاسری» با زمی گری م به بیانیه منسوب به رضاخا؛ ند رای ن بیانیه به

اشاره شده بود که تا پشت دروا هازهی شهر قزوین آمده بودند، لیکن ق وایق زاقانه ارا

عقب راندن د. د درجه نخست باید گفت این قوا که م شیرالدولانه ه ارا متجاس رین ن ام

نهاده بود، همان ق وای بود که به فرماندهی احسانالله ا، رض اخان اف شار و خالوقربان

خ ن

ضربات مرگباری به جنبش جنگ ولارد ساختند و با عملیات تحرآیمیز ک خ و دمق دما ت

م ج ن پ ن و ت س ه ب ر ت ش ی ب و ر ی ن ن ی ا ثانی ا. آوردند فراهم را تاریخی خیزش آن نهائی سقوط

ا ثالث. د تعمیر آزاد کن س ال ا گ گ ران را از چن د ای نیرویی که بخواه تا داشت شباهت بریتانیا

برخلاف بیانیه رضاخان، قوه قزاق نتوانست در برابر ارید و جنگلیها مقاومتی جدینماید؛

مگ ر وقتی که جنبش جنگ ل با تحریکات معندا یر احساناللهخان دچار تشتت شد و آنک ه ا ه

هوایماهای جنگ یریتانیا بودند که ضربات نهائی را بر صفو فجنگلیه اوارد ساختند؛

قوه قزاق تنها کاری که توانست بکند فرار از پیش طراحی شده بودت ارش را ب هقوته

احساناللهخان سپارند و آنان با افرا طکاریهای خود افکار عمومی را بیش از پ ی ش در ب اب

ضرورت کودتا توجیه نماین؛ دهمانطور که پیشتر در رساله ایران از سقوط مشروطه تا

کودتای سوم اسفند به آن اشاره کردی م.

هفته ها بعد از کودتا بود که کالد، و ولزیرمختار آمریکا متوجه شد بعدا زظهر روز

کودتا نورمن ، وزیرمختار بریتانیا به خارج شهر رفته بوده است . این در حالیست که قزاقه انفری پنج تومان از مقامات بریتانیائی دریافت کرده .بوودن جهدی که به قزاقه ا پرداخت شد با امضای کلنل اسمای از ث بانک شاهنشاه ب یرداشت گردی .ودزیرمختار آمریکا شگف ترده بود که چگونه م ت یوان از چنین حرکتی ابرازب ا یطلاح ی کرد حال آنکه دو شهر قزوی نو تهر ا نبا خطوط تلگراف و تلفن با هم مرتبط بودند ؛ و این پیش از این در دوره مشروطه هم « تصرف تهران » . خطوط نیز در اختیار بریتانیائیهاود آزموده شده بود؛د زمانیکه قوای تحت فرماندهی ظاهری سپهسالار ت نازک هابن می ین قزوین به تهر ا نحملة بردند و پایتخت را تصرف کردند و به دوره موسوم به استبداد

۱ . تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۶۱

ص:۲۷

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

صغیر خاتمه دادند؛ حال آنکه کمتر کسی از این لشگرکشی در تهران مطلع بود.

ما پیش از آنکه در رساله بحران مشروطیت در ای، راتونضیح داده‌ایم که خطوط تلگرافی

انزلی به تهران در دست برادران باقروبو ف د. از نقش این برادران و ماهیت تحرکات

آنها در همان رساله، هرچند به اختصار، رسخن گفتم. اینجا هم یادآوریم که به

همان دلایلی که رجال سیاسی و مردم تهران با وجود خطوط تلفن و تلگراف از نقشه

حمله به تهران در دوره مشروطه ناآگاه باقی اندمند، این ک نیز در بی اطلاعی به سر

میب ر دند. اینجا به اختصار یادآوری م کینی م یکی از برادران باقروا فز نفوذیهای بود که

ضربه ها یخردکننده بر جنبش جنگ لوارد آوردن. د این مرد که سیداحمد باقرونام ف

داشت، بعد از کشته شدن میرزا کوچا کن ب ه عنوان معاون مفتش فواید عامه وارد

پیش از این یکی از رهبران « رشت ش د ؛ د ر حالیکه انگلیسیها گزارش م یدادند وی

۱. «. بلشویکهای رشت و از طرفداران میرزا کوچکخان ب وده است

آمریکایی ه اخیلی دی رمتوجه شدند بدون حمایت انگلیسیها چنین طرحی غیرممکن

۲

بود به اجرا درآی د.

د ر خود انگلی سچنین حرکتی شگفتی آف ری ت دعدادی از نمایندگان مجلس ع دوارم

۲۸ فوریه ۱۹۲۱ از نخست وزیر پرسیدند آیا دولت او از نقشه حمله قزاقها به تهران

مطلع بوده است یا خ؛ ی رآیا در این کودتا دخالتی داشته، آیا حقوق و دستمزد قزاقها

در ل ؟ ت س ی چ م ا د ق ا ن ی ا ه ب ت ل و د ه ا گ ن ا س ا س و شده، پرداخت بریتانیا دولت توسط

سیسیل هارمس ورث ۳ اشاره کرد که پاسخ این پرسش طولانی. ۱۱ سوا تر نامندگان

حاضر در جلسه تقاضا ک رادجازه دهند رویکرد دولت بری تادنیر اگزارشهای رسمی

مجله س منتشر گرد . دم ابا یکی دیگر از اعضای خانواده هارمسور د ثر جریان تحولات

دوره مشروطه آشناس ا دیه م. به یاد میآوریم که آرثور هارمسور، م شهور به لرد

نورثکلیف ، صاحب روزنامه دیلی می ب لود و بعدها روزنامه تای لن مزد نرا خریداری

نمود. از ارتباط نماینده این نورثکلی به ف نام بازی لدر ایران سخن گفتههای م؛ و اینکه با

؛ ۱. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، (تهران: نشر نگاه معاصر، ۱۳۸۷)، ص ۲۷۸

این کتاب به واقع گزارشهای کنسولگریهای بریتانیاست در ایران .

Caldwell to Department of State, Report No. ۱۱, April ۵/۱۹۲۱, DS. ۸۹۱.۰۰/۱۱۹۶, also see: ۲.

Mohammad

Gholi Majd: From Qajar to Pahlavi, ۱۹۱۹-۱۹۳۰, (Maryland: University Press of America,

.۲۰۰۸), p. ۹۵

.Cecil Harmsworth ۳.

ص: ۲۸

محافل یهودی بریتانی اس و سری داشت و خلاصه اینکه روزنامه ایران نو توسط این

۱

بازیل در ایران رانهدازی ش د. در همان رساله از نقش مخرب روزنامه ایران ن و در
برآشفتن اوضاع سیاسی کشور یاد کردیم و نشان دادیم افراطکاربهای این روزنامه کشور
ر ادر چه بحرانهائی فروربد؛ اگر آن مانز، ب عد از به اصطلاح فتح ته، راها نر مسورث به
نوعی در ایران به نفع گروههای افراطی فعالیت میکرد، اینک فردی دیگر از همان
خانواده از کودتای قزاقان حمایت مینمود.

هارمسورث در گزارش خبوش از حرکت یگانهای قزاق به سوی ات هن یراد ک ر. داز
یکراه ادارد و از روی « تجربه رویارویی با بلش و » رضاخان ذکر ی شد که گفته است
کارآمدن پیاپی، خسته شده اس. تهارمسورث در گزارش خود به نقل از رضاخان بانرها
حول این موضوع بحث کرد که دولتهای ایران قادر نبودند جلو هجوم برلاشویکها
بگیرند؛ و ب ه دلیل سستی این دولتها نیروهای بریتانیائی از ایران خارج دها ندش و
؛ اینکه

قزاقها ب هشاه ابراز وفاداری کراندهد ولی قصد دارند مشاورین شیطان صفت او را کنار
زنند. هارمسورث سپس گزارشی مختصر از بگیر و ببندهای بعد از کودتا ارائه داد و
برای خالی نبودن عریضه نوشت دولت بری تادنی را این کودتا هیچ دخالتی نداشته و هیچ

۲

مسئولیت ی در قبال تحولات بعد از کودتا ب عنهمده یگیر د. این گزارش تازه دو سالی بعد
از کودتا توسط مقامات آمریکائی برای وزارت خارج هآمریکا ارسال ش. د همین موضوع

بیاطلاعی آمریکائیاها را از تحولاتی که در ایران میگذشت نشان میدهد د.

بیانیه منسوب به رضاخان چیزی جز تبیین ای ن سیاست بریتانی ادر برابر ایران نبود.

جال ب اینکه در همان بیانیه آمده است قوه قزاق موفقیت چندانی ن داشت تعهل،ت را طبق

عرف زمانه و سبک نوشتاری آشوبل بیان آن زمان، ن به پای خیانتاران داخلی ثبت

کردهاند. تهدید کرد نخیانتکاران داخلی، ب ه بیانیههای کمیته مجازات بسیار شبیه بود.

ب تأملی در بیانیههای مشابه عصر مشروطتها آن زمان، درمی یابی م خ ط ظریفی بحرانهای

ایران را به یکدیگر ربط میداد و تنشهای مزبور به خوبی در این بیانیهها هبازتاب

مییافت. ۳ ب ه راستی آیا تصادفی بود که بیانیه چاش پده در حب ال لمتی ن چاپ تهران

۱. حسین آبادیان: بحران مشروطیت در ایران، (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۳)، ص ۱۳۵

.Kornfeld to Secretary of State, No. ۱۵۷, April ۲/۱۹۲۳, DS. ۸۹۱.۰۰۲/۱۱۴ Majd, p. ۱۰۱.۲

۲۲۲-۳. متن بیانیه منسوب به رضاخان در: عبدالله مستوفی: شرح زندگانی من، ج ۳، (تهران: زوار، ۱۳۷۱)، صص ۲۳

ص: ۲۹

۳۰ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

درست مشابه برخی اعلامیه‌های رع بانگیز جوخه‌های ترور مثل کمیته مج اوزات

همین بیانیه منسوب به رضاخان بود؟

بیانی ه به قلم فردی آگاه نوشته شده؛ بنوهد رضاخان یکه حتی قادر نبود دو سطر

مطلب بدون غلط املائی و انشائی ب. ن. ن و یویسسدنده بیانیه از شقاوتها، مظالم و

قساوتها ی حکومت مرکزی ایران یاد مکرید؛ از قحط یفراگیر دوره جنگ اول جهانی

ک هبر اثر آنها میلیونها انسان بگن یاه قربانی شدن د نوشت؛ و از اینکه حکومت مرکزی

ایران برای صد هزار تومان قرض خارجی آبروی مملکت رافروخته و ایران را زیر بار

که؛ داد می قرار هدف را اشارات این. است برده مذلت

مستقیما و ثو قالدوله حکومت او

قلمداد میگردید. «بازیچه سیاسیون خارجی»

ناموس و «وی» عصمت برادران گیلان» در بیانیه منسوب به رضاخان دو بار به

یاشاره شده؛ به عبارت بهتر زیرکانه یکی از اهداف «عصمت گیلانی، تبریزی، کرمان

کودتا را حفظ حریم خانواده قلمداد نم. و دندمگ ر نه اینک هتبلیغ میش داگر قوای جنگل

به رهبری میرزا کوچکخان جنگلی به حیات خود ادامه دهد در آن صورت نه از نظم

اثری خواهد مان، د نه از مالکی تو نه از مذهب و نه از خانواده؟ چگونه ش دامین ادعا

ر اپیش برد مگر اینکه کسان ی را علم نمایند تا نه حریم خانواده را حرمت ند و ن نه ب ه

مبانی اعتقادی مردم اعتنائی گن ن ذار د و نه مالکیت مشروع را پاس ن داد؟ آیا عملیات

بخشی از جنگلیها طرح ی از پیش مهیا شده برای تولید وحشت و هراس در مردم و

برانگیختن نفرت آنان از قوای کوچخا کن و توجیه ضرورت کودتای آت ی نبود؟ ب ه یاد

داشته باشیم کسانی مثل احسان الله خان در این عملیات خویش تنها نب و. دندرد این راه
میرزا کریم خان رشتی و برادرانش پشت صحنه را هدایت می کردند؛ در تهران کسانی
مثل محمدصادق طباطبائی رهبری این جریان را برعهده داشتند تا با سوسی تالقیلب سمی
خویش اهداف از پیش تعیین شده را محقق . سامیزندزا کریم خان و برادرانش همان
تمی کردند. به روایت «چاول و غار» کسانی آن دک هبه نام بلشویس، مردم گیلان را
برادران او یعنی سردار محیی و «روح»، کمرهای و به نقل از سیدجلیل اردبیلی
به دلیل اینکه میرزا ک خرایمند ر طهران؛ «بود» در اطاعت انگلیسی ه «عمیدالس ل ط ان
محرمانه و به واسطه اقدامات برادرش در ر، شپوتل خوبی از انگلیسیها گرفته، شاید
با اطلاع و تصویب میرزا محمدصادق طباطبائی باانشید که در جزو بلشویک هاو کمونیستها

«سواد اعظم مسلمین» پ ب سیهوده نیست که در بیانیه منسوب به رضاخان اینهمه از دیسختن به میان «مشیت کردگاری و خواست حضرت خداون» «بیتالمال مسلمین» آمده است. هدف این بود که رضاخان حافظ دین و ایمان معرفی نمایند اتفاقاً کار عمومی فریب بخور. داگه اقدامات رضاشاه در دوران سلطنتش در مقابل دیدگان ناظران قرار نداشت، شاید میشد این شعار را باور کرد؛ ولیکن تحولات بعدی نشان داد این بیانیه و اقدامات بعدی، همه یک هدف را تعقیب مینموده است: فریب افکار عمومی.

۲. ص ب فندی نیروها به دنبال کودتا

همانطور که ه بین دیپلماسی رسمی بریتان، یکاه در این زمان لرد کرزن آن را اداره میکرد، وزیرمختار این کشور در ایران یعنی هرمن نوارمختلاف نظر وجود داشت، در درون سفارت بریتان یا هم اختلاف و دودستگی واضحی به چشم خموری دید که از دید نکته بینان نمیتوانست مخفی بماند. اختلاف بر سر ای ارزا دنوره ریاس و تزرائی و ثوقاً لدوله که سرپرسی کاکس نماینده رسمی دیپلماتیک بریتانیا در تهران بود، شکل

۲

گرفت: در یک طرف شخص کاکس سقرار داشت و ردسوی دیگر گاد فری هاوار د. هاوارد، ف ارسی را خیلی خوب میدانست و با محافل سیاسی ایران حشر و نشر داشت. او که آگاهی دقیقی از شرایط ایران داشت، نوعی موازنه نیرو بین رجال ایرانی مرتبط با سفارت برقرار ساخت. در مقابل، ف یروز میرزا نصر اتلدوله و اکبر میرزا صارمالدوله که با کاکس رفاقت داشتند، ب اسیدضیاءالدین طباطبائی یروزنامه نگار جوان و جویای نام رابطه ما. گرفت می جای الدوله نصرت تیم در ظاهراً سیدضیاء زمان آن در؛ ند کرد برقرار بیشتر در رسالها یران از سقوط مشروطه تا کودتای سوم اسفند، ب ه شک لگیری کمیته

آهن در اصفهان اشاره کرده و گفته‌ایم که اعضای این کمیته گرداننده اصلی کودتا بودند؛ شکل‌گیری این کمیته با حمایت برخی از مقامات دیپلماتیک ب، ریتانی‌شانها ی از اختلاف نظر در مورد آینده سیاسی ایران بود. از بین رجال سیاسی تهران، نصرت‌الدوله و عبدالحسین تیمورتاش با هاوار دم یانه خوبی نداشتن؛ دبالاخره هماینان توانستند از نفوذ

۱. روزنامه خاطرات سیدمحمد کمرهای، ج ۲، به کوشش محمدجواد مرادی نیا، (تهران: اساطیر، ۱۳۸۴)، ص ۱۶۱۵

۲. G. Havard

ص: ۳۱

۱. « این مظالم را به اسم آنها بنماید

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

خود استفاده کنند و باعث احضارها و اگر ددند؛ میراث هاوار بده نورمن و بعدها به سر

پرس یلورین رسید؛ همی نه ارضاخان را برکشیدند و بر تخت سلطنت نشان دند.

دسته بندی سفارت بریتانیا بهوق ع ادامه اختلاف نظر محافل سیاسی بریتانی ادر قبال مسئله

ایران بود. هاوارد مجری دیدگاههای کسانی بود که از نظریه استقرار مرد قدرتمند

حمایت میکردن د.

بعد از کودتا تیمورتا اشز انگلیسیها سرخورده ش ؛ د به ویژه اینکه وقتی به دستور

سیدضیاء دستگیر گردی د. پس از سقوط سیدضیاء ، تیمورتاش از زندان آزاد . ش ا د و و

فیروز دست به اقدام زدند تا نه تنها وارده ارا به کشورش بازگرداند ، بلکه علیه نورمن

ه مفعال بودن . د بالاتر اینکه آنها می خواستند مستشاران مالی بریتانیا را از ایران اخراج

کنن د. در تابستان سال ۱۳۰۰ ، نورمن به کرز نوشت تیمورتا ک شه تصور می رفت

دوست سفارت انگلیس است ، حالا با آنها ضدیت نمشیادنهد ؛ چون تصور میکند او

مسئول بازداشتش بوده اس . تنورمن در این نامه تیمورتا را ش جوانی توصیف میکند

ولخرج ، اما زبان خوش مردی ؛ زیاد قریحه دارای و هوشمند ، ت م ا ه ش اب نسبتا

مشروبخوار ، عیاش و قمارب ا. نرورمن نوشت او وقتی در قمار بمزید باختهایش را

۱

است فردی . دهد نمی « اعتماد غیر قابل و غیرمسئول گاملا » . تحقیر آمیز شکلی به او

برداشت تیمورتاش از معیارهای زندگی را همسان برداشت افسران ج ومان میداند که ه

چندان خوشنام نیستند و او با آنها رفت و آمد دارد. آنگاه اتهام اصلی را که آن روزها نقل محافل سیاسی انگلوفیل بود به سردار معظم وارد کرد: تیمورتاش خود را در اختیار روتشتین قرار داده و با او همکاری نزدیک؛ دا و رایدنکه او و شاهزاده فی افرتوخزار نگارش سندی با عنوان ابراز حقیق ر تا دارند که لحن آن نسبت به ب ب سریاترانیا

۲

توهینآمیز است.

گفتیم مدتی بعد از کودتاه اوارد با نقشه نص ا رلدتوله و تیمورتاش شجور به خروج از ایران ش. داو بعدها به خاطر این تحرکات آنان به سختی انتقام گرفت. هاوارد پیش بینی کرد که نصرال تدوله و تیمورتاش شبه دست رضا خبانه دار آویخته خواهند شد. نیز شایع است او بعد، همزمانی که تیمورتاش گرداننده اصلی سیاست

... 1. totally irresponsible and untrustworthy

Norman to Curzon, July ۱۶/۱۹۲۱, FO. ۴۱۶/۶۹.۲

ص: ۳۲

خارجی رضاشاه شده بود، مقالاتی در یکی از نشریات بریت امنیواسوم به شرق نزدیک منتشر ساخت و به شکلی موزیانه تیمورت ارا شهمکاره دربار پهلوی قلمداد کرد و

۱

رضاشاه را مهره ای در دستان او عنوان نمود. به این شکل حس حسادت و تکیونزهی رضاخان را تحریک کرد و البته بحث نفت هم میاب ن آهمد و در این میان تیمورتاش جان خویش را از دست داد. دابدها نصرت الدوله هم قربانی کینتهوزی رضاخان گردید. در م ادر همین رساله به نقل از گزارشهای اطلاعاتی مأمورین ر، ضااز خناقش هاوار ددر تحولاتی که منجر به برکشیدن قزاق به تخت طاووس شد، بیشتر سخن خواهیم گفت.

سیدضیاء و نظریه دولت قدرتمند

بحرانهای ی که یکی بعد از دیگری بسر آورده بود، ضرورت تاستقراری کحکومت مرکزی مقتدر را ایجاب نمود. رجال خوشنامی مثل بها رهم به ضرورت دولت مرکزی مقتدر باور داشتند، لیکن دولتی که به اصول مشروطه وفادار باشد؛ مجلس را برقرار؛ سازد و در پرتو اکثریت پارلمانی دولتی مدافع منافع و م صال حمل یک شورت شکی لده. اما د کسانی ک هاز ضرورت استقرار مرد قدرتمند سخن گمفتن ی د به دنبال تأسیس دولت ییودن د ک هنه تنه ا با مشروطه‌میان اهی نداشت، بلکه چیزی نبود جز حکومت خودکامه. در نمایش کودتای رضاخان، دشمنان حقوق اساسی مردم کسانی جلوه داده میش دن دک هسودای ی ندارن د جز احیای آن حقو؛ قو برعکس طرفداران واقع یای نحق و ق را ک سان ی معرف ی میکردند که در طول عمر مشروطه‌سودائی نداشت ه ان د جز حفظ مال و منال و برب ا د دادن آرمانهای مشروطه. و ارون ه نشان دادن حقایق، امری بود که از عصر م شرای روطیح ه شده

بود؛ این ک وقت آن بود تا وارون ساهزان به اهداف خ وی شنائی لآین . ب هد رب

اه صراحت

میگوی د که گروه میانرھوان حزب دمکرا، تیا همان کسانی که عقلانیت پیشه م کریدن د و ب راین باور بودند که برای آینده ایران راهی جز استقرار ق انو نمت صورنی ست، در صد د استقرار چنین دولت مقتدر یب ودند؛ لی کن دشمن نظم و آرامش، ه م انگ رو هدمکراته ای دشمن م ا متنف ذب ود و « ضدتشکیل ی بودند که با باند کودتا همسوئی دا .شتین هدقول بهار ۲ همین نهانروش ی گروههای بحرانساز و افراطی و آش و طبل ب؛ « در پنهان عمل م ک یرد

۱ . تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۶۲ پ .

۲ . تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۱۱۷

ص:۳۳

بود، که ه راه را بر استقرار قزاقان ب راریک ه حکومت گشود؛ ب عضی از همین افراد و گروهه ا از مداحان حکومت قزاقان شدن د.

طرفداران قانونمند شدن اداره کشور، از دولت مقتدر احقاق حقوق مردم را ب همتاب ه ی مح و رسیاس تبریتانی دار «قوی و نظام» پشتوان ه اصلی حکومت م ط یلیدند. اما دولت برابر تحولات ایران بو . د بیهود ه نیست که تأکی د بر قشون به عنوان تنها حافظ کشور و تنها معیار سعادت و ترقی ای ران ، در هم اننخستی نیبانی هسیدض ب ه چیا ش عم خ ورد.

ی

سیدضیاء در بینای ه مشهور خوی ش ک هر روز هشتم اسفندماه نوشت ه شد هبود، مدعی شد فقط

قبل اوزد: «نیروهای مسلح قادرند هستی کشور را حفظ نمایند و به صراح تعن وانم

ن». همه چی ز و بالاتر از همه ، چیقزشون، هر چیزی اول برای قشون و باز هم قشو

سیدضیاء در بیانی هاش از مصیب تهای دوره پانزده ساله مشروطسهن به میان آور .دا واز

ملت را به وعدههای م شروطی تو آزادی و استقرار قانون و « کسانی صحبت کرد که

عدالت فریب داده در همان حال، این مواعید را حجاب قرار دادند، ت ادر س ای ه آن روی ه

هرج و مر ، ج اساس انتفاع شخصی و لجام گسیختگی، اصول مل کالطوا ویف یق رون

وسطی ، اصولی که با س یاه ی و تیرگیه ایفج ای ع و جنای اتاحاط هش د هب ود ، م ستق ر

۱». سازند

چند صد نفر اشراف و اعیان که زمام مهام مملکت را به ارث در دست گرفته « از

گفته شد و ، «بودند ، مانند زالو خون مردم و ملت را مکیده، ضجه را بولید م یساختند

اینکه ه در این شرایط ، همه امید خویش را برای بهبود وضع کشور از دست داده . بودند

د ر این « انمامی د . همچنین « روز واژگون شدن و انتق » سیدضیاء کودتای سوم اسفندرا
روز تاریخی و هولناک است که اراده نیرومند اعلیحضرت اقدس هاشم ازهمنامش امور را
۲ سیدضیاء تسلط خود را بر « . در دست من جا یم یدهد، [و] مرا روی کار مآویرد
مقدرات و « درعنوان نمود؛ شرایطی که « قضا و ق » مقدرات امور مردم، ناشی از
از « طربنا هدکست او داده تا کشور را « سرنوشت ملت خود را در این موقع بحران و خ
خشم ». آنپرتگاهی که حکومتها بی ایراده و نالایق پرتاب کرده بودند، نجات ب
ش « استفاده کارگران از مشقت خوی » گفت ؛ از « محو و انهدام مفتخواری » سیدضیاء از

۱ . شرح زندگانی من، ج ۳، ص ۲۱۷

۲ . همان .

ص: ۳۴

اساسی نوین، « عدلیه ما که مرکز فجایع و جنایات » یاد کرد؛ قول داد بر بنیاد شالوده یک « ب ه وجود آور؛ عدالتخانه ای که « عدالتخانه حقیقی »؛ پیریزی کند ۱. « حکومت ملی باشد

ن تقسیم کند؛ « مابین دهقانا » یرا « خالصجات و اراضی دولت » سیدضیاء وعده داد زارع را از املاک اربابی بیشتر بمهندسه ساز د. و در معاملات « قوانینی وضع نماید تا او از ترقی ». ارباب با دهقان تعدیلی شود و موجبات صحی و زندگی آنان را تأمین کند معیارهای اخلاقی داد سخن د؛ ا دز تأسیس مدارس جدید نو؛ ساز تبه بود وضعی ت تجارت و صناعت بحثها ک. رداین اصلاحات ادعائی بر چه مبنائی تم وان یست محقق شود؟ سیدضیاء نه از قانون سخنی گفت، نه از ضرورت تفکیک قوا و قرار گرفتن هر چیز سر جای خود مطلبی عنوان کرد و نه از نظام مشروطه و الزامات آن کلام یهب ه میان آورد. در نقطه مقابل، ا و نوشت:

... برای اینکه تمام این اقدامات میسر گردد، باید قبل از همه چیز و مافوق هر گونه اقدامی، مملکت دارای قشونی گردد که دشمنان داخل و خارج را به حساب دعوت نماید. لازم است امنیت در محوطه شاهنشاهی ایران حکمفرما گردد، و ای ن فقط در پرتو قشون و قوای تأمینیه میسر میشود. فقط سپاهیان دلیر قادرند که حیات و هستی

مملکت را تأمین نموده، ترقی و سعادت و اقتدار او را فراهم سازند.

بقیه بیانیه هم مملو است از مطالبی در مورد سیاست خارجی و اقداماتی ک هالت هب از

کاوال بت هب را یخ ال ینب و د نعریضه، به نام « ب هنام قشون دلیر و ف دا » هم م یبایست

اصوترت پذیرد. «شاهنشاه جوانبخت ما که از اعلیحضرت وی جمیع احکام ساطع»

در همین بیانیه سیدضیاء الغای قرارداد ۱۹۱۹ را اعلام کرد.

انگلیسیها عنصر نظامی بودن رئیس دولت آینده را گه‌ایه‌ا‌چ‌ز نظر دورنمیداشتن‌د.

زیرا به زعم آنان تنها دولتی نظامی میتوانست با هرج و مرج تهران و اقصی نقاط

کشور مبارزه کن دو مملکت را در برابر خطر کمونیسیم بیمه نماید. م‌دغرو رمیرزا

موثقالدوله که از نقشه انگلیسیها آگاهی داشت، قبل از کودتا در مقام وزیر دربار با

۱. همان، ص ۲۱۸

۲-۲۱۸. همان، صص ۱۹

۳. همان، ص ۲۲۰

ص: ۳۵

احمدشاه به مذاکره پرداخت و او را از تبعات این سیاست آنها گلایگسایه مو د . شاه

ن

جوان که به هیچنمیاندیشید الا اینکه از کشور خارج شود و به اروپاود تا ب ه

اصطلاح نفسی به آسودگی بکش، دسخن موث ال قدوله را نادیده گرفت و او هم از منصب

خود استعفا دا . د به جای وی حسن مشار مشهور به مشارالملک منصوب گردی د. از آن

سوی، منشی مخصوص شاه، اسدالله میرزا شها ا بلدوله شمس مل آ کرانیز به استقرار

دولت نظامی بدین بود پس او هم از کار کناره گرفت و به جای شم عینالم لک منصوب

گردی د. ب ه واقع این معیال نملک رابط شاه بود با سفارت بری؛ ت انوی ا به عبارت بهتر اخبار

دربار را در اختیار سفارت بریت اقنیرار میدا د. حسن مشا رهم رابط شاه بود با رضا ن؛ خ ا

و رضاخان از طریق او اهداف خویش را در دربار پیش میبرد.

ملاحظه می کنیم حتی قبل از اینکه کودتائی روی داده باشد، اح مدرد ششاهطرنج

سیاست بریتانیا کیش شده بود د.

جایگاه رضاخان در کودتا

همانطور که دیدی، م رضاخان میرپنج با نقشه ای دقیق و حسابشده دست به کودتا

زد و تهرانرا متصرف ش . داینکه رضاخان که بود و آیا اصل و نسبی داشت یا نه، ی برا

ما چندان اهمیتی ندارد و یا حداقل دارای اهمیت ثانوی . انیسز س تخن گفتن در باب

تهور و بیباکی او هم موضوع سخن مانی . سعتده ا یاو را ترسو خوان ان ده د و عاده ی

دیگر شجاع . مهم نیست که کدامیک از این روایه ا تصحیح اس ؛ ت آنچه مهم است این

است که به قول افلاطون و نخطاب به دیونیزیو، هر سرکس می‌تواند شایسته صفت

۱

۱. فرد جبار لّ شجاعت باشد، ا

کودتا اصلی عامل عنوان به ی دلیل هر به ن ا خ ا ض ر مهم این است که اولاً ما بحث برای

م ه ه ک د و ب رضاخان سواد بی مهم نکته موضوع، این رغم به ثنیا ؛ شد گرفته نظر در

مقامات انگلیسی به آن اشاره کرده و هم رجالی مثل ملالش کعرای بهار . بها ر نام ا هی

از رضاخان را زمانی که دارای درجه سرتییبود و در سمت فرمانده یف وج همدان

، «معمور» مأمور را، «قزاقهای» قرار داشت ، نقل کرده که در آن لغت قزاقهای را

۱. دیونیزوس یکی از سی تن جبار آتن بود، دیونیزوسها دو تن بودند که دیونیزوس اول و دیونیزوس دوم خوانده

میشدند، افلاطون مدتی در نزد دیونیزوس دوم اقامت داشت .

ص: ۳۶

نوشته و «بعدهز» و بعد از را «سورت» صورت را، «به زنید» بزیند را، «حستند» هستن د را امضا کرده است. ۱ متنی که بهار نقل کرده البته حاوی، «رضای سرتیپ» نام ه را به عنوان اغلاط انشائی هم هس. تاین نامه نشان میدهد که رضاخان حدافل سواد متعارد فر زمان ی که درجه سرتیپی داشته برخوردار نبوده اسمر تدی با این خصایص و ویژگیها، در س ت بعد از کودتا دست ب ه صدور احکامی می زد که معلوم بود به دست نویسندگان زیرک و باتجربه نوشته شده اس. ی تکی از اینها بیانیه مشهور او بود با عنوان حکم میکنم. نف س عنوان این بیانیه تعجآو بر بود. رضاخان کیست که حکممیکنند؟ لحن بیانیه بسیار توهین آمیز و خشن بود. در این بیانیه به شعور مردم توهینی آشکار شده بود:

حکم میکنم:

ماده اول. تمام اهالی شهر تهران باید ساکت و مطیع احکام نظامی باشند.

ماده دوم. حکومت نظامی در شهر برقرار و از ساعت هشت بعد از ظهر غیر از

افراد نظامی و پلیس مأمور انتظامات شهر کسی نباید در معابر عبور نماید.

ماده سوم. کسانی که از طرف قوای نظامی و پلیس مظنون به مخل آسایش و

انتظامات واقع شوند،

فورا جلب و مجازات سخت خواهند شد.

ماده چهارم. تمام روزنامه جات، اوراق مطبوعه تا موقع تشکیل دولت به کلی

موقوف و بر حسب حکم و اجازه که بعد داده خواهد شد، باید منتشر شوند.

ماده پنجم. اجتماعات در منازل و نقاط مختلفه بکلی موقوف، در معابر هم اگر بیش

از سه نفر گرد هم باشند با قوه قهریه متفرق خواهند شد.

ماده شش م. در تمام مغازههای شراب فروشی و عرق فروشی، تأثر و سینماتوگرافها و کلوپهای قمار باید بسته شود و هر مست دیده شود به محکمه نظامی جلب خواهد شد .

ماده هفتم. تا زمان تشکیل دولت تمام ادارات دوائر دولتی غیر از اداره ارزاق

تعطیل خواهند بود . پستخانه، تلگرافخانه هم مطیع این حکم خواهند بود .

ماده هشتم . کسانی که در اطاعت از مواد فوق خودداری نمایند به محکمه نظامی

جلب و به سختترین مجازاتها خواهند رسید .

. ۷۳- ۱ . تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، صص ۷۴

ص: ۳۷

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

ماده نهم. کاظم خان به سمت کماندانی شهر انتخاب شد و معین میشود و مأمور

اجرای مواد فوق خواهد بود. ۱۴ جمادیالثانی ۱۳۳۹، رئیس دیویزیون قزاق

۱

اعلیحضرت شهریار و فرمانده کل قوا- رضا.

این بیانیه به قدری توهیامی نر بود که رهگذران در جلو حکم مکن یم، نوشتن: د ...

میخوری. ۲ عده ای دیگر با دیدن جمل هحکم میکنم، اعلان را نخوانده کردند و بردند تا

به زباله دانی سرازیر کنن. د روز بعد مأمورین این اعلان را از در و دیوار کردند، بعد از

بیست و چهار ساعت دیگر هیچ کس این اعلان را در سطح تهران مشاهده نکرد.

ویژگیهای شخصی رضاخان

است عبارت که بود متکی خود ظاهری شکل به فقط رضاخان امر ابتدای در ظاهرا

از قدی بلند و هیكلی نسبتا تنومن. ب دا این حال ظاهرا او فاقد اعتماد ب ه نفس لازم بود و

همیشه در پشت سرش کسانی وجود داشتند که به شکلی مرئی و نامرئی حمایتش

می کردن دو رضاخان به پشتگرمی آنان بود که عملیات خود را پیش میبرد؛ و در غیر

این صورت از جماعت کناره می گرفت. رضاخان حتی بعدها ه مردی بود گوشه گیر

و به عبارت بهتر مردی شناخته شد که قادر به برقراری روابط اجتماعی نیست؛ در

کنار اینها باید بیعاطفگی او را افزود که البته لازمه قدرتمطلق العنان است. م میتوان

گفت رضاخان بیعاطفگی را به عنوان عاملی برای جبران عزل تگزینی خود به کار

می گرفت. معاصران وی نقل کردانهد که صدایش هم محکم و رسا نبود و گیرائی لازم

را نداشت؛ او نمیتوانست به راحتی سخن بگوید. دهارولد نیکلسون که بعدها در اوایل

دوره سلطنت او دو سالی مستشار سفارت بریتانوی، صدایش را مثل صدای کودکی

۳

توصیف میکند که مبتلا به تنگی نفس است. تویتا ساکویل وس، ت رضاخان را مردی

۵۴

معرفی می کند فاقد جاذبه، مردی با ظاهری ترسناک و قایف یاهخم و . فون بلوشر

فرستاده ای از آلمان آن زمان به ایران، رضاخارا نمردی معرفی میکند نیرومند، بیرحم،

۱. شرح زندگانی من، ج ۳، ص ۲۱۵

۲. همان، ص ۲۱۴

with the voice of an asthmatic child; Harold Nicolson: Corcon. The Last Phase, p....۳

.۱۴۸

.Vita Sackville-West: Passenger to Tehran, p. ۱۴۲ .۴

.Von Blucher.۵

ص: ۳۸

اندکی قبل از تغییر و، بوده جهانگرد ظاهراً که حال ملوین سرگرد . توز کینه و زیرک
سلطنت در وزارت جن ب گه م لاقات رضاخان رفته بود، او را فردی توصیف کرده است
که ه از شفقت انسانی و مهر و عابطف بیهیره بود؛ صورتی ساکن و جامد داشت و کمتر
ب اخوی توحش و شرارت آمیخته بود و « تبسم و خوشروئی نشانم یداد؛ این جمود

۲ آرتور میلیسو در وصف رضاخان نوشته است ، « . غالباً از داخل به خارج شراره میکشید
ی ت ا مردی هرزه « فاقد قیود اخلاق » ب ه هنگام آشنائی با او، وی را بیشتر مردی دیده است
و فاسد. ۳ میلیسو آورده اس ، ت رضاخان فردی نیست که در محدوده قانون اساسی س ای
موجودی است با غریزهای بدوی، ب یرحم و بی اعتقاد « مشروطه فعالیت کند، بلکه او
ب هقانون که یک عده نوکرسفت و چاپلوس ادو شر هکرد ه بودند و چند نفر کم جرأت
۴ میلیسپ وب ه درستی نوشته است رضاخ اه نیچ « . و خودخواه به او نظر مشور تمی یدادند
پیوندی با انقلاب مشروطی ن تداشت، و هیچ راشتی ه ا ورا با قانون اساس میرتبط
۵ « . تا انتهای کار، سرباز باقی ماند » نمیساخت؛ برعکس او مردی بود که

ب رخلا ف داوریهای بالا، دونالد ویلب ر مورخ سی اکه در دوره پهلوی دوم سرنوشت او با
مسائل ی مهم از جمله کودتای ۲۸ مرداد ب هه مدرآمیخت هاس ت ، از رض تاصخا وی نری
اسطوره ای ارائه کرده ؛ او بر این باور است که نه بخت و ا حاید تنهاگه انی ، بلکه هتوان ای ی
شخصی رضاخان بود که او را برک . شی اد ونوشته است حتی اگر کودتای سوم اس رف خند
نمیداد ، رضاخان باز هم در موقع مقتضی تموا ینست راه خویش را به سوی تصرف ت اج

کیانی هموار ساز. د عرضاخان ک محرف بود ونمیتوانست سخنرانی ط ولان یای را دکن د ،
وقت ی هم مجبور به سخنران میی شد، کوتاه و مختصر صحبت می کرد . حتی بعدها که شاه
شده بود، و در زمانی که مردانی مث لفروغ در اطراف او حوضو رداش تند ، در مراسم
ایجاد دانشگاه کاری است که ملت ایران « : احداث دانشگاه تهران فقط دو جمله گفت
بایستی خیلی قبل از این شروع کرده باشن ، حادثه که شروع شده است باید جدیت شود

۱۲. سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه عباس مخبر، (تهران: طرح نو، ۱۳۷۱)، ص ۴

۲. ملوین هال: سفر آخرالزمان، ترجمه علی جواهر کلام، مجله جهان نو، نیمه دوم تیرماه ۱۳۷۲، ص ۱۸۶

۳. آرتور میلسپ و: آمریکائیان در ایران، ترجمه حسین ابوترابیان، (تهران: پیام، ۱۳۵۶)، ص ۵۲

۴. همان، ص ۳۹

۵. همان، ص ۴۰

.Donald N. Wilber: Contemporary Iran, (NY: ۱۹۶۳), p. ۲۴۹.۶

ص: ۳۹

۴۰ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

این بود سخنرانی رضاشاه در مراسم احداث دانشگاه تهران! «. که زودتر انجام گیرد

ب ه هر حال همان روز کودت، احمدشاه به رضاخان لقب سردار سپه داد، چند روز

بعد در هشتم اسفندماه بیانی ا هی به امضای رضاخان منتشر شد، در این بیانیه آمده بود د:

اینجانب از طرف قرینالشرف اعلیحضرت شاهنشاهی بمنصب سرداری و لقب

سردار سپه مفتخر و سرافراز گردیده، تشکرات غلامانه خود را بخاکپای مهر اعتلای

ملوکانه تقدیم و از درگاه حضرت احدیت توفیق و استمداد میجویم که با تمام

قوا از عهده هر گونه خدمتگزاری و جانفشانی برآمده پاس حقشناسیرا بجای

۲

آورم - رضا.

سیدضیاء و سیاست مشت آهنین

رئیساً لوزرای کودتا سیدضیاءالدین طباطبای، پ یسر سیدعلاقیا یزدی بود.وی

روزنامه نگاری بود جنجالی و مدیر روزنامه رعد؛ مقالات مشعشع او در حمایت از

قرارداد ۱۹۱۹ زبانتزد عام و خاص بود و انصاف باید داد دلیل های عق لپسندی در دفاع

ازقرارداد مطرح مینمود. اینک همو در سمت رئی ال سوزرا با هر دستورالعملی که صادر

میکرد، مضمون یکی از مقالات خویش را در نوهاشتی هسابقش نفی م ینمود. او با

ملاحظه اوضاع و احوال و شرایط فکری و روانی جامعه آن، ز ومم یانراث بهجای

مانده از دوره بعد از جنگ اول ج هکانه یدولتهای ایران بر ویاران ی نهاشی از تبعات

جنگ، قحطی، افلاس اقتصادی و بحرانهای فراگیر اجتماعی حکومت کرمدن ید، دست

ب هانتشار بیانیهای زد تا خود را مدافع اقشار فرودست اجتماعی ب.نمسیان دضدیاء از

روند اوضاع مطلع بود و مدان یست چه دستهایی ایران را به لبه پرتگاه سقوط کشانیده بودند؛ ما نوک تیز حملات را متوجه اعیان و اشرافی کرد که به قول او زمام مملکت را به دست دارند و خون مردم را مکنید. سیدضیاء برای اینکه باعث و بانی اصلی بحران یعنی بریتانیا را تبرئه سازد، برخلاف اطلاعات درجه نخست خود که سالها در روزنامه رعد بازتاب مییافت و البته به منظور حفظ دولت مستعجل خیوش، اعیان و اشراف را آماج حمله قرار داد تا دل توهدها را بر بای. دعت امر را یحیی دولتآبادی به خوبی

۱. روزنامه اطلاعات، مورخه ۱۶ بهمن ۱۳۱۳

۲. تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۸۷

ص: ۴۰

کاویده است: سیدضیاء از سوئی به دستگیری اعیان و اشراف کشور دست زد و از سوئی دیگر خود را مصلحی اجتماعی، حلال مشکلات اقتصادی، و حافظ منافع طبقات فرودست اجتماع جلوهرگر ساخت تا به این شکل به کودتای انگلیسی خود ای صبغه

۱

سوسیالیستی و ضدسرمایهداری بده د. ژستی که بعدها از سوی حزب سوسیالیست سلیمان میرزا اسکندری پ یگرفته شد و ای ن در حالست که به روایت ب اهاز رقول یکی از زعمای این حزب، در مرامنامه آنها هیچ ماده در مورد مالکیت وجود نداشت، به واقع این اسماعیل یکان ب یود که به هنگام چاپ مرامنامه بدون اطلاع سلیمان آنمیرزا

۲

ماده را گنجانیده و منتشر ساخت.

از همان صبح روز سوم اسفند بود که رضاخان سیاست مشت آهنین را به نمایش گذارد، در فضائی که نگرانی موج زمد، ی مأمورین او شروع به بگیری و ببنند. کردند مأمورین اداره تأمینات یا همان کارآگاهی در حکال هیعده ایقزاق آنها را همراهی می کردند، از مردم زهر چشم مگر یافتند. هر ده تن قزاق به خانه یکی از رجال مقیم تهران م یرفتند و او را دستگیر مکریدند؛ ب دون اینکه معلوم باشد جرم آن فرد چ ی.ست

۳

فهرست دستگیرشدگان از قبل مشخص ب. و دتا روز پنجم اسفند دویت تن دستگیر

۴

گردیدن د. اینان در عمارت قزاقخانه که مشرف به میدان مقشدیقم بود حبس شدند و

ب هدلیل کمبود جا هر دسته را در یک اطاق هندگاشتنند . چندی بعد این تعداد به

۵

چهارص د تا پانصد تن بالغ گر .دیدتلگرافخان ه و تلفنخانه و نظمیة شبانه تصرف . شد

بازاره ابسته ماند و کسی حق نداشت دکان خود را بگ . شرای وزد سوم کودتا پستخانه

هم تعطی ل ش د . به ادارات دولتی دستور داده شد مقررات تعطیلی را رعایت . دنرم ایند

همین روز سوم کودتا بود که احمد ب شاهلاخره فرمان ریاست وزرائی سیدض یراء صادر

کرد . روز چهارم کودتا از خزانه دولت و بانک شاهن شمابلهغی هشتادهزار تومان ب ه

عنوان انعام به افسران و قزاقان دست اندرکار کودتا پرداخت شد، به هر پاسبان نظمیة

۲۲۱-۱) ، صص ۱۲۲۲ . یحیی دولتآبادی: حیات یحیی ، ج ۴ ، (تهران: عطار و فردوسی، ۳۷۱

۲ . محمدتقی بها ر: تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲ ، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳) ، ص ۲۶

، (۳ . امیل لوسوئو ر: نفوذ انگلیسیها در ایران، ترجمه محمدباقر احمدی ترشیزی، (تهران: کتاب برای همه، ۱۳۶۸

۱. ص ۴۳

۴. همان، ص ۱۴۷

۵. شرح زندگانی من، ج ۳، ص ۲۱۳

ص: ۴۱

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

ه م دو تومان انعام داده . ش ا دین بخش کوچکی بود از حمایت بانک شاهنشاهی

کودتا و پیوند آن با داوردسته توطئه گران. سیدضیاء و رضاخا، نو در واقع مسببین

اصلی کودتا در آن سوی مرزها، بیان هیئتی منتشر مکریدندت ا ضمن درج برخی

واقعیات دستچین شده، افکار عمومی را فریب دهانیدن فریب هم کارکرد لدا ی خ

داشت هم خارج . ی در داخ ، ل افکار عمومی به جان آمده از بچهران ی چهارده ساله

آغاز مشروطه تا آن زمان را فریب دامدن ید ؛ و در خارج هم تلاش داشتند تا شورویها را

سرکیسه کنند . ای ن همه از طریق انتشار بیانی هاهی شورانگیز سیدضیاء ممکن و مسیر

بود . عوامفریبی مذهب مختار سرکردگان کودتا ب. وندمونه های فراوانی از این دست

عملیات در منابع ذکر شد هک ه ما را از ذکر شواهد و مثالها بینیاز میسازد . سیدضیاء و

ب هواقع عوامل پشت پرده کودتا با انقلاببائی ی ی که مد روز بود، عوام را میفریفتند و از

آب گلالود ماهی می گرفتند .

سیدضیاء نتوانست زودتر از فهدت روز بعد از وقوع کودت اکابین ه خود را معرفی

نماید . روز دهم اسفندماه ۱۲۹۹ ، او کابینه خود را به احمد مشعاهرفی کر . د ترکیب کابینه

سیدضیاء ا زاین قرار ب و: سیدضیاءالدین طباطبائی رئی اسلوزرا و وزیر داخله، ماژور

مسعودخان کیهان وزیر جنگ، نیرالملک هدایت وزیر معارف و اوقاف و صنایع

مستظرفه ، مدیرالملک جم وزیر امور خارجه، میرزاعیسخاین فیض وزیر مالیه، دکتر

مؤدبالدوله نفیسی وزیر صحیه، مشیرمعظم خراسیا نوزیر پست و تلگراف، محمود

موقر (مؤقرالدول) ه وزیر تجارت و فوائد عامه، ع ا دالملک دادگر کفیل وزارت داخله،

منصورالسلطنه عدل وزیر عدلیه، احمد عامری معاون رئیسالوزرا .

در ترمیم بعدی بعد میرزا عیسیخان که بیمار بود برای معالجه به پرفوت و
مدیرالملک جای او را گرفت و معزالدوله نب موریدی دیگر از خاندان هدایت به
وزارت خارجه منصوب گردید .

ترکیب کابینه خود نشان از تحولاتی مداید که در تقدیر ارتبخ ایران نهفته بو . د
۱ و ای ن « انگلوفیل جابر » مدیرالملک، این به قول مورا ک یاردار سفارتآمریکا در تهران ، ن
ن، شوهر خواهر حسینقلخیان نواب بود ؛ « برده فرومایه سیاستها بیریتانیا در ایرا »

.Majd, op. cit. p. ۱۱۴.۱

ص:۴۲

چهره ای منحصر به فرد در تاریخ معاصر ایران که نام او با حوادث بسیاری به هم تنیده است. در اهمیت موضوع همین بس که در زمان ق ب حزپرینگ ایران مقارن با دولت دوم ظف ح اردوخت ی ع ق و م ه او بعدا. بود دولتی غله انبار رئیس مدتی جم الدوله، وثوق کرد و در دوره حسخنان مشیرالدوله جانشین بلافصل وثوق، خزان داهر کل ایران بو. د. همی ن مرد اینک در کابینه سیدض یوآزیر امور خارجه شده ب. ودجم در دوره پهلوهیا ت ازمان مرگ مناصب مهمی از جمله نخ و سزی تری و وزارت دربارا بهعهده داش. ت عیسی فی ض کارمند پرسابقه وزارت مالیدهر انگلستان تحصیل نموده ب؛ ودو در عین حال مناسبتای نزدیک با مقامات بریتانیا در تهران داشت؛ به طور خاص او با ی سدنی آرمیتاژ اسمیت محشور بو. دفیض حتی بعد از اینکه به دلیل بیماری از کابینه سیدضیاء کنار رفت، موقعی تخود را حفظ نم.وبده این شکل که به انگلستا رفت و خدمات دولتی خود را بهعنوان کمیسیاریای عالی نفت ایران در لن تدا نوآپسین روزهای عمر بر عهده داشت. رضاقلی خان هدایت مشهور به نیرالملک دوم، از اعضای خان اوده هدایت بود که اینان هم البته با مقامات بریتانیا از دیرباز رفاقت و دوستی داشتند.

حسین دادگ ر مشهور به عداللملک هم از محشورین سیدضی اوء البته از برکشیدگان کودتای سوم اسفندش د. در اهمیت او همین بس که از دوره هفتم تا دوره نهم رئیس مجلس شورای مل یبود و بعدها هم به سمت سناتوری. رعسلیدیا صغر نفیسی مشهور به مؤد بالدوله هم همان کسی است ب کعهدها به هنگام تحصیل محمدرضا پهل دروی سوئیس، مسؤلیت تربیت او را عبهده داشت. حاکم نظامی تهران کاظمخان سیاح بود و رئیس امنیه حبی ا بلله خان شیبانی؛ او کسی بود که دتکاوچیان را به تهران راه داد و

علی ه آنان مقاومتی نک ر.دموقر هم از عوامل شناخته شده بریتانی و اد. بعدها فرزندان او

ه م از کارکنان انگلیسشدن د. اینان کارکنان مقیم نکسولگری بریتانیا در بوشهرو در

آن ج ابه بالیوز یشهره بودن . د مشهورترین اینان حسن بالیوز ایست که بعدها از کارکنان

بی بی سی و در حقیقت خدمتگزار دستگاه اطلاعاتی بریتانیا ش د.

مهمتری ن تحول در کابینه زمانی روی داد که مسعودخان کیه ب هدالی ن لمداخلات

بی جای سردار سپه در امور وزارت جن از گمنصب خود استعفا .د ابدعد از او رضاخ ابنه

وزارت جن گ و کیها نبه سمت وزیر مشاور منصوب شد؛ ی ناحادثه مهم و البته طراح ی

شده راه را برای تحرکات آتی رضا خبازنکرد و مسیر او را به سوی اهداف از پیش

تعیین شده هموار ساخ. تماژور مسعودخان ناز نیروهای ژاندارمری و البت هاز ابوابجمع ی سیدضیاء به شمار میآم د.

رضاخان از همان روزهای نخست کیه را انمانعی برس را راه دا فح و دتلق ی مینمود. رضاخان حتی عبداللهخان امیرطهماسبی آجودان مخصوص نظ امی احمدش اه را ب اخود همآواز کر د. این دو به همراه المی شرگر احمد امیراحمدیسه ضلع مثلی بودند که در رأس آن، همان رضاخان بود.

ب هروایت امیراحمد یروزی را ضخان به او و امیرطهماسب گئیفته بود کیها، م ن اژور ژاندارمری است و او سردار سپه؛ اما کیها نوزیر جنگ شده است و این البته از نظر سلسله مراتب نظامی درست نیست و این شخص رضا اخسانت که باید وزیر جنگ باشد. امیراحمدی نگفت اگر این موضوع معیار تصدی پسه ا با تشد، رضاخا ق نبیل از کودتا درجه سرتیپی داشته و شخیصمثل قاس مخان والی ی عن ی پدر همسر خود امیراحمدی امیرلشگر بود، پس اینان باید رئیس رضا خما ینشدند. البته امیر لشگک ر این م ن طبق تعهدی که با ایشان داشتم، « سخن را نگفت و در عوض خاطر نشان کنمد: ی نیز امیرطهماسبی. نکنم کوتاهی ایشان نظرات پیشرفت راه در که م شد یادآور مجددا روی موافق نشان دا. دسردار سپه رفت و نگرانی خود را خاطر نشان ساخت. چند روز

۱. « بعد هم خبر رسید که بهجای ماژور مسعودخان، وزیر جنگ شده است

ترکی ب کابینه خود مؤیدی بود بر اینکه سید پ ضی شاتء بیان چندان مطمئنی ندارد و به خود نطق قدرت به اتکاء با تا بودند گرفته نظر در فردی عنوان به صرفا را او واقع

قزاقان را تهییج نماید و کودتا را به انجام. رسیان ددضیاء از همان بدو مشر و کطاهر

خود را با انقلاب نيمائى پيش م ب يرد؛ ن قطه اتكاي او قدرت قلم بود و بيان . ۱ و از دوره

مشروطه به روزنام ن هگارى اشتغال داش ؛ ت در عين حال سر و سرى هم با سفارت

بريتانيا پيدا کرده بود . ۱ و نه اندیشه مستحکم و منسجم سياسى داشت و نه داراي

پشتوانه اى نظرى بود تا بتواند بر آن اساس اع ي درها دور خود گرد آورد؛ و نه تجربه

تشكيلاتى و حزبى درخور توجهى داشت و نه به ايل و ايع م شى يرتھوانس ت تكيه كن . د

سيدضياء خوب مى نوشت و خوب سخن مگفت ، اما در مقام عمل سخنرانى و

۱ . خاطرات نخستين سپهد ايران، (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهاى فرهنگى، ۱۳۶۷)، ص ۱۷۸

مقاله‌نویسی فایده‌های نداشت. تشکیلات اداری ایران و قدرتهای منسجم سیاسی در صحنه مستحکمت راز آن بودند که او بتواند یک تنه به شماقنابیلر هخیزد. از این بالاتر ندانمکاریهایی که هبرای فریب افکار عمومی صورت گرفت هدف آن هم انقلاب نمایی بدون پشتوانه نظری بود، کار سیدضیاء بیرون بساخ. ت بدون تردید مهمترین این رفتارها دستگیری اعیان و اشراف و رجال قدیمی کشور بود که بازداشتشان فقط بدین منظور صورت گرفت تا شعار مبارزه با خائنین چندی افکار عمومی را به خود مشغول دار. داو حتی مل کالشعراى بهار را ه مچون خانها شمحل مراجعه عداه یاز ساکنین پایتخت بود، دستگیر ساخت و روانه دزآشیش نمود؛ بدهار رزمره معدود افرادی بود که هم خوشنام بود و هم باسیدضیاء حشر و نشری داشت و حتی سیدضیاء تصمیم به کودتا را چند روزی قبل از وقوع آن به اطلاعش رسانده. بهاب ر وهدم فهمی ت ده ر و هم دوراندیش ت راز آن بود که بتواند با اقدامات س یمدواف ضیقآء آید، هرچند با وی خصومت ی هم نشان نداد؛ و چون رئیس‌الوزرا ی جدید از او خواست پستی قبول کند، وی ضمن توضیح اینکه با سی م دخالفتی نخواهد کرد، پیگیری کارهای ادبی خود را بهانه منصبی در دولت کودتا قرار. دانیدز او دو تن از چهراهی روحانی مشهور و آگاه آن دوره یعنی شهید سیدحسن مدرس و شیخ حسین یزد ر یا بازداشت نمود، هم شهید مدرس و هم یزد دیدگاههایی بسیار جالب توجه در مسائل سیاسی و اجتماعی داشتند و در فضای افراط و تندروی دوره مشروطه همیشه جانب عقلانیت و میان رهوی را نگه می داشتند. ۱ همچنین او فرمانفرم او تیمورتاش و فرخی را هم دستگیر کرد که بعدها همه قربانی دسیسه‌های رضاخان شدن. در کنار اینان علی دشترا ی هم که از مداحان

رضاخان گردید، و آن زمان هنوز در کسوت روحانیت بود، بازداشت نمود .

سیدضیاء و ناکامی در اداره کشور

سیدضیاء در سخن « سیدضیاء م یخواست ادای دیکتاتورها را در آ و.ردب هقول بهار

مرض آنروزها! نبود آشنا فاشیسم اصول با اما بود فاشیست ظاهرا او بود، ماهر

۱ . در مورد اندیشه‌های جالب توجه شیخ حسین یزدی ن ک: حسین آبادیان: مفاهیم قدیم و اندیشه جدید، (تهران:

. ۲۹۱- کویر، ۱۳۸۸)، صص ۳۲۵

ص:۴۵

۴۶ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

۱ «! دیکتاتوری برای جلوگیری از کمونیزم در دنیا مد شده بود

سیدضیاء ب اینکه هیچ حامی درخور توجهی نداشت، از همان ابتدا دست به

ماجراجوئی زد: تلگرافخانه و پستخانه ده روز تمام تعطیل . بووقتی هم دستور گشایش

آنها را داد، بر سر کسانی که خموا یستند تلفن بزند یا نام ی پ هست نمایند، مأمور

گماشت و سانسور برقرار ک . ردا و مدام دستورالعمل صادر مکیر د. حکام برخی شهرها

ر ابرکنار ساخت؛ در کشور حکومت نظام بیرقرار نمود. بالاتر اینکه کلیه دوایر عدلیه را

ک ه محل رجوع مردم بود تعطیل . ک ترندها هنری کهسیدضیاء داشت این بود که مردم را

از خود بیزار ک ر. ددامنه فشار به حدی بود که اندک اندک زهمازم ین هارضایتی بلند شد،

ب هویژه اینکه معلوم گردید وی چندان اقتداری هم ن. کدا سربده و بازاریان در آستانه

عید سال ۱۳۰۰ تا پاسی از شب باید کار کمرد یند تا درآم دیشتی کسب نمای ن. دلیکن

مقررات حکومت نظام بیاعث میش دهر شب چند صدتن که عمده آنها از اقشار طبقه

متوسط به پائین جامعه بودند، در اتاقهای حکومت نظامی از سرما بر خود بلرز ن د و

بیخواب یکش ن د تا سحرگهان هر کدام بیست و پنج قران تا سه تومان مه نقجری ض

مقررات حکومت نظام یرا بیردازند و آزاد ش و. نسدیدضیاء غافل از دسیسههای سردار

سپه شبانه روز در انباری از کاغذ و یادداشت و عریضه غوطه خورم د. ی هیچ کاری هم

و دست اداری مقررات باید ، بود دیکتاتور واقعا وی اگر زیرا . دهد انجام توانست نمی

پاگی ر مرسوم را زیر پا منهیاد؛ لی کن بهواقع او خود نمیدانست چه کند و در مقابل کار

انجام شده قرار گرفته بود .

ازاین بالاتر کسانی را که به اتهام فساد دستگیر کرده بود، نتوانست محاکمه ؛ نماید

زیرا سندی دال بر فساد اینان به دست نیام. برخی از افراد دستگیر شده از جمله فرمانفرما کسانی بودند که در ایام قح طکمیکهائی به مردم کرده بودن د. سیدضیاء که دست به دستگیری اعیان و اشراف زده بدورد، بد محظوری گرفتار شده بو. داونه میتواندست محبوسین را آزاد نماید، دزیرا از او میپرسیدند پس چرا دستگیرشان ساخته است و نه نمیتوانست اتهاماتی که بر آنان وارد کمزید، اثبات نماید. ا. دین ک همگان میدانستند که ه سیدضیاء این گروه را فقط دبان دلیل بازداشت کرده تا خودی نشان دهد

۱. تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۹۵

ص: ۴۶

و حس حقارت خود را در برابر رجال نفوذ ذی‌کشور ارضاء نماید و آنان را به تبعیت از خود وادارد؛ امری که در اجرای آن ناکام . مدان رای دن بین رضاخا ب نهتر از سیدضیاء با محبوسین برخورد کر : د ا و جان محمدخان علائی مشهور به دولو را به ریاست زندان منصوب کرد و کریاق ماخان بوذرجمهری را مأموریت داد هم مواظب فرم ان وفرما

۱

پسرانش باشد و هم اینکه توجه نماید به آنان بیاحترامی نشود.

ن ی از اش قصد و اقعار گگ اه ک داد ن ح ی ض و ت ی م و م ع ر ا ک ف ا ه ب ز گ گ ر ه سیدضیاء بازداشت ه از پرده برون افکندن خیانتکاران تی خیانتکاران در دوره مشروطه بع داس ت ، چرا دست به بازداشت کسانی نزد که مجلس سوم را تعطیل ، وک رددن ستدشان در پشت جوخه های ترور از جمله کمیته مجازادی تده میش د ؛ همان کسانی که کابینهها را متزلزل می کردن د و پای دولتهای بیگانه را به کشور باز مینمو دند ؟ مگر این سیدضیاء نبود که به درستی در روزنامه ر عخدود امثال م تحش ال م سلطنه و صادق مستشارالدوله را ب ه باد حمله میگرفت و از دستهای پشت پرده کمیته مجازا و ت عوامل قحط یسخن ب ه میان میآورد و روزنامهگاران جاه طلب و شهرآشوبی مثل حسیخان صب ارا آماج حمله قرار میداد؟ پس چرا این عوامل را دستگیر نساخت در کح ه الخیود میدانست عوام ل بحران ایران ، حداقل در دوره جنگ اول جهانی به بعد همین افراد بوده اند ؟ سیدضیاء نشان داد چیزی نیست جز مهر ا ه ی در دستان سفارت بریتا؛ نیاو هیچ اصل ثابتی نداشت مگر حفظ منافع امپراتوری انگل یدر س ایران؛ هرچند انگ ر مصلحت ایران را ه م در این دیده باشد و یا منافع ایران را منطبق بر منافع ا ران زیگلابی ک سرده و به

عبارت دیگر نفع ایران را در برقراری سیاست موازنه مثبت با انرژیلیابی کرده

باشد. مطالب روزنامه رع دکه ما به بخشهایی از آن در رساله ی دیگر اشاره کردیم،

ن آن ارگی ی زاب زای ک ی د و خ اصلا و آگاه سیاست پرده پشت از سیدضیاء دهد می نشانبود؛ ل یکن برای رد گم کردن و منحرف ساختن افکار عمومی دست به آن بازیهای

کودکانه زد.

عملیات دستگیری مخالفین کودتا تمامی نداشت. تحال آنکه بعد از گذشت بیش از

سال در حادثه مهمترین. باشد گرفته شکل نسبی نظمی باید ماه از کودتا قاعدتا یک

. ۲۳۸- ۱. تاریخ بیست ساله ایران، ج ۱، صص ۲۳۹

ص: ۴۷

جدید شمس‌ی در خراسا نروی دا . د د ر این ایام والی خراسا امردی سیاستمدار بود که از پیدا و نهان تحولات سیا ی سایران تا حدودی آگاهی داش . ای تن مرد کسی نبود جز احمدخان قوام السلطنه . کودتای سیدضیاء و شرکاء با مخالفت این مرد مواجه . او شد ضمن ارسال تلگرمای برای سیدضیاء از وی انتقاد نمود که از مفاد بیانیه رسامشی ۱ اسیدضیاء این « . معلوم نمی شود که دولت ایران دارای چه اصول و رژیم می » مخالف خوانی را فراموش نک؛ ر پ دس در موقع مقتضی به کلنل محمخدت اقی پیسان فرم انده ژاندارمری خراساندستور داد او را دستگیر ک . ندروز سیزدهم فروردین سال ۱۳۰۰ قوا مالسلطنه والی خراسان به دستور سیدضیواء به وسیله کلنل محمدتقخی ان پیسان دستگیر و به تهر انعزام گردی . د سایر مقامات محلی هم همراه با قدسواتمگ یر شدند . ۲ صارم الدوله والی غرب هم دستگیر و به ته ف رارنستاده شد . دکتر محمد مصدق ب ه میان ایل بختیاریرف ت . وقتی قوا مدستگیر شد ، کنسول انگلی با س دبو اپیشکار مالیه و گمرگ خراسان مشغول ورق بازی بو . ددبو ا از خبر دستگیری قوام سراپا خوشحالی ب هاعتقاد من قواالسلطنه خود در فکر « ش د . کنسول انگلی سمقیم مشه دهم گزارش داد سرپیچی از دستورهای حکومت مرکز وی اعلام نوعی استقلال در ایالت خراسان و شاید به همین منظور تا آنجا که تموان یست واحدهای نظامی مستقر در اطراف و اکناف ۱۳ زافراطیون دوره مشرو ، طیهکی هم ایرمی جزا « ایالت را به مشه ف درخوانده بو . د جلالا لممالک ب ود که معاونت دبو ا را به عهده داش . تدر او اخر خردادماه سال ۱۳۰۰

دوره در او سیاسی پیشینه با موضوع این . شد رضاخان مداحان از بعدا میرزا ایرج
مشروطه ارتباطی مستقیم داش . تهمانطور که افراطیبری ن جناحهای دوره مشروطه

۵

این به بعد سر بر آستان رضا خماینسائیدند ، ایرج میرزا هم از این قاعده مستثنی ن. بود

۱ . علی آذری: قیام کلنل محمدتقی خان پسیان در خراسان، (تهران: مروی، ۱۳۶۸)، ص ۱۸۴

، (۲ . جنبش کلنل محمدتقی خان پسیان بنا بر گزارشهای کنسولگری انگلیس در مشهد، (تهران: نشر روایت، ۱۳۷۰

۴۱ - صص ۴۲

۳ . فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ص ۷۷

۴ . همان، ص ۱۳۰

۵ . برای نمونه ای از عملیات افراطی ایرج میرزا در دوره مشروطه ن ک: مهدی ملکزاد ه: تاریخ انقلاب مشروطیت

ایران، کتاب دوم، (تهران: علمی، ۱۳۶۳)، ص ۲۹۳

ص: ۴۸

علاوه بر ایرج میرزا، عارف قزوین یهم اینک در مشهد به سر میرد. عارف به عنوان حمایت از کلنل برنامه‌های هنری اجرام کی رد. در یکی از این مراسم او به شاهزادگان قاجار ناسزا گفت. ت کلنل که اینهمه افراط ن مراب پسندید ناچار شد او را به قوچان فرستد. ۱ عارف همان کسی است که در دوره جنگ اول جهانی با افراطیت رین محافل سیاسی ایران مرتبط بود. در آن ایام عارف در اصفها نبود و علیه قرارداد ۱۹۱۹ کنسرت می داد. عل یالقاعده او در این ایانمیتوانست با کمیته آه نکه باز هم ماهیت آن را در رساله ایدیگ رکاویدهایم، ب یارتباط باشد. ۲ دبا با گروهی از بلوایان که م یخواستند جنبش پسبان را از درون منهدم نمایند، مرتبط بود.

سیدضیاء هرگز نتوانست برنامه‌های ی که به مردم قول داده بود، اجرا د. کان فقط یک روزنامه نگار بود که مأموریت داشت در کشور فضای العفادوهقبه وجود آورد تا رضاخان را به کابینه تحمیل نماید، اگر نه نه سابقه کار اجرائی داشت و نه دانمست مدیریت کردن چیست؟ به طور مثال او یأ ته ی تعیین کرد تا قوانین موجود را صلاح نمایند و سازمان عدلیه را تجدید ک ن. نمدصطفی عدل، ذکاءالملک فروغی، نصرالله تقوی، محمد بروجردی، محمد قم یو علی قمیه سردبیری روزنامه رعداو را ب هعهده

ک پیشتر

داشت، مأمور این کار شدند؛ لیکن این گ رحوتهی جلسه ایتشکیل ندادند تا چه رس د به اینکه اقدامی عملی انجام بدهند.

تعطیل ی وزارت مالی همردم را متحیر و پریشان سا. خ سی ترضیاء به دست خود امور

روزمره کشور را مختل کرد. نقشه جا هطلبان اهی در مورد تقسیم اراضی بین کشاورزان تنظیم شد. بدیهی است این طرح هم برای فریب افکار عمومی وضع شد؛ مگر گونه این

نبرد که سیدضیاء حتی در دهه چهل شمسی تقسیم اراضی را سیاستی مخرب برای

اقتصاد کشاورزی ایران ارزیابی میکرد؟ پس چگونه چهل سال قبل از آن ماجرا که هی چ

شرایط عملی برای تقسیم اراضی وجود نداشت، خموا یست ای ن کار را صورت دهد؟

کمت ر کسی بود که نداند این طرح انجام نشدنی است. سیدضیاء برای اجرای این نقشه

خود - که هدفی جز خلع سلاح دربار احمد ن شادا هشت- از تقسیم زمینهای اربابی

۱. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ص ۱۸۲

۶۸۳-۲. در مورد کمیته آهن و کمیته زرگنده ن ک: ایران از سقوط مشروطه تا کودتای سوم اسفند، ص ۸۸

۳. اسناد کابینه کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹، به کوشش حسن مرسلوند، (تهران: ۱۳۷۴)، ص ۲۳۵

ص: ۴۹

۵۰ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

تقسیم خالص هجرات و اراضی دولتی « کوچکتری ن سخنی به میان نیاورد؛ بلکه وی از « مابین دهقانان و همین طور وضع قوانینی که زارع را از لاک ارمبابی بهرمهند سازد سخن به میان آور د.

شاید تنها کار مثبتی ک سیدضیاء

ه انجام داد، منع فروش مسکرات در معابر عمومی و

بستن مغازه ه ا در روزهای جمعه و تعطیلات مذهبی بود که اینهم تمام و کمال انجام نمیشد . نیز سیدضیاء دستور داده بود در ضیافه های رسمی که خارجیان هم حضور دارند، بهجای مشروبات الکلی، دوغ بر سر میزها گذارن د.

ماهیت لغو قرارداد ۱۹۱۹

سیدضیاء به واقع قرارداد ۱۹۱۹ را که خود مدافع آن بود و سرمقاله های فراوانی از روزنامه رعد را ب ه توجیه انعقاد آن اختصاص م داد، اینکبه باد انتقاد م یگرفت . سیدضیاء سخن از لغو آن قرارداد ب ه میان آورد و اینکبه مخیوه د دیگر به بریت اندیرا روابط خارجی مزیتی اعطاء ننماید ام اسیدضیاء عزم خویش را جزم ک ت راد عملا مفاد و مضمون قرارداد را اجرا ساز د.

همان ماه اول ریاست وزرائی، سیدضیاء یگانه از لغو قرارداد ۱۹۱۹ سخن گفته و ب د، تصمیم گرفت اداره ارتش و امور مالی کشور را به بری دتهانی د. او گرچه تلاش کرد با سیاستهایی ک ه ب ه اصطلاح از آنها بوی حمایت از طبقات فرودست به مشام رسیمدی طرف شوروی را بفریید، لیکن در این کار ه مناکام ماند؛ شورویها اورا آلتی م یدانستند

در دست انگلستان.

لغو قرارداد موضوعی است بسیار قابل توجه و اندکی پی. چریوز دهموم فروردین

ماه سال ۱۳۰۰ شمسی، سفارت بریتانیا در تهران ضمن ارسال یادداشتی برای وزارت

امور خارجه ایران، موافقت دولت متبوعه خویش را با لغو قرارداد اعلام. دچاهشارت

روز بعد یعنی روز هفتم فروردین ماه سال ۱۳۰۰ سیدضیاء با صدور بیانیی های ن

اصول « موضوع را به ملت ایران تبریک گف. ف دتر این بیانیه او از وفاداری خود به

روح « سخن گفت؛ از این بالاتر اعلام کرد که « سعادت ملت » یاد کرد؛ از « مشارکت ملی

۱. برای تحلیلی در این زمینه نک: ا. س. ملیک ف: استقرار دیکتاتوری رضاخان در ایران، ترجمه سیروس ایزدی،

۳۴- (تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۸)، صص ۳۵

ص: ۵۰

موافقی که از طرف دولت انگلس تادرن موضوع الغاء قرارداد ابراز گشته، بار دیگر نیات

من و هیأت من « دیگر اینکه ». حسنه و مودت دیرینه بریتانیای کبیر را ثابت مینماید

الغاء که حال همان در که داریم امتنان انگلستان، پادشاه اعلیحضرت دولت از مخصوصا

قرارداد را قبول نمودها ند، هیچگاه در احساسات مودآمی تز دولت علیه ایران تردیدی

نموده ، و با وجود الغاء قرارداد حاضر بودن خود را برای مساعدت به ایران، ی د و تأک

رانر ابرای « حقیقت وضعیت ای » ۱ سیدضیاء از نورم نتشکر کرد که «. تکرار ک ردها ند

مأموریت حقیقی خویش را که عبارت از « دولت متبوع خویش توضع ح داده اس ، ت و

تحکیم مناسبات بین دولتین و ملتین ایران و انگلستان است به طرز مال ، ایفا ک

همسایه عظیم الشان تاریخی خود که « ۲ سیدضیاء در این بیانیه بار دیگر از «. نمودها ند

موفقیت « س یا تدی کرد و باز هم این ، « نیات حسنه وی همواره برای ما گرانبها بوده ا

۳

را که با موافقت طرفین صورت گرفته، تبریک گف ت. « دوگانه یعنی الغاء قرارداد

بعلاوه از اواخر فروردین ماه ، نی روهای انگلیسی که در شمال ای ران م ستقر بودن د ، با

آسودگی خیال قوای خویش را مرحله به مرحله عقب ک. ب شیهدنای دن شکل سیدضیاء

گام ی دیگر در جهت تشبیه ت موقعیت خود برداش ت. او اعلامیاهی صادر کرد و ت خلی ه قوای

انگلیسی را ناشی از تلاشهای سیاسی خویش عنوان ن. مسیوددضیاء در این بیانیه ه مک ه

در خدمت این « د ر تاریخ بیست و هفتم فروردین ماه ۱۳۰۰ منتشر ش د ، م دع یگردی د

حرکت قشون دولت عظیم الشان انگلستان، ب اردیگ ر « ت و اینکه ، « قشون مجال انکار نیس

ثابت مینماید که همسایه بزرگ ما قصد ن دار دبحق و قای را نتخط ینماید ، و بای ست ی

۴ در «. همگی به استقلال وطن و به محترم شمردن حقوق ملی خود اطمینان حاصل نمائیم

اعتماد به نفس «، «عملیات درخشنده سپاهیان ایران» کنار این مطالب سیدضی‌الله فاضلی مثل

ررا اندر «ح قزندگان یفرزن دانای» تو پاس داشتن «و شجاعت، در حراست مملکت

ی قزاقان ی که به جای نیروهای «روح و نپرستی و سلحشور» و صف قشون ب هکار برد از

گف تک ه «گرم و سوزانی» انگلیس تا منجی لرفته بودند سخن به میان آورد و از خونهای

۳۰۳-۱. شرح زندگانی من، ج ۳، ص ۲۵۷، همچنین متن کامل بیانیه در تاریخ بیست ساله ایران، ج ۱، صص ۳۰۵

۲. شرح زندگانی من، همان صفحه .

۲۵۷-۳. همان، صص ۵۸ .

۳۶۰-۴. همان، ص ۳۶۱ .

ص: ۵۱

۱. «حاضر است که خاک وطن را برای سعادت و آزادی وی لعلگون کند»

خروج نیروهای انگلیسی از ایران ربطی به ابتکار سید نضدیا ش ت. همانطور که در رساله ایدیگ ر عنوان کرد ا هیم ، انگلیسیها از مدتها پیش در صدد بودند تا نیروهای نظامی خوی ش را از کشور بیرون ب ؛ رن ی دک ی از دلایل این کار این ب کوده انگلی ب سه دلی ل بحران های مالی بعد از جنگ، می خواست با بیرون بردن قوای خود از هزینه سالیانه ۳۵۰۰۰۰۰ پوندی این لشگرکشی ها آسوده شو؛د این تصمیم کابینه انگلی ب سود که از

۲

مدتها قبل اتخاذ شده ب . و دام ا در عرصه سیاست ایرانی انگلی، ک سسانی هم بودند ک ه طور دیگری فکر میکردند؛ کرزن که خانواده محتشم فرمانف رمراا در بند سیدضی اءید ولی از آنها حمیات ی نکرد، اینک به دلیل لغو قرارداد ۱۹۱۹ توسط او که البته به ابتکار تیم نورمن و شرکاء و در راستای اجرای برنامه وزارت مستعمرات و حکومت هند انگلیس صورت گرفته بود، بر ئیرسالوزراء خشم گرف . تهرچه سیدضیاء التماس کرد که چیزی تغییر نکرده است و بریتانمیا بتواند اداره ارتش و امور مالی ایران را اینک به دست گیرد و با مخالفتی هم مواجه نخواهد شد، کزیرزربار نرفت و بای ن ده م میرفت . مگ ر نه این بود که سیدض یهءمین چندی پیش با نثر فاخر خود در روزنامه رعد قرارداد ۱۹۱۹ را توجیه میکرد؟ مگر آن روز او همسو با تیم کرزن نبود؟ حال چه اتفاقی افتاده که این مدافع پرشور قرارداد یکسره به ضدیت با آن برخاسته است؟ چه تضمینی وجود دارد که روزی دیگر او باز هم تصمیم خود را عوض نکند و به گروهی دیگ ر از حکام انگلی اسقبال نشان ندهد؟ برای کرزن قرارداد ۱۹۱۹ فارغ از وجوه مثبت

و منفی آن برای طرف ایرانی، مظهري بود از تسلط اشرافيت زميندار ب ب رريتظانيام
اشرافيت مالي اين کشور و نمادی بود از رقابت پيگير اين دو گروه بر سر منافع خود در
ايران. سيدضياء گرچه قول داد مناف گعروه مورد حمايت کرز رنا حفظ خواهد کرد، اما
برای کرزن نفس ابقای قرارداد اهميت بيشتري داشت تا هاوعيدهرئي اس لوزرای
بيپ شتوانه ايران.

سيدضياء معتقد به برقراری موازنه مثبت در سياست خارجي . اوب ب ودر اين باور بود
که ه سمت و سوی اين سياست بايد منطبق با مواضع باريشتاني د ا؛ل يکن بايد در نظر
. ۱. همان، ص ۳۶۱

. ۱۹۰۰، (تهران: پاژنگ، ۱۳۶۸)، ص ۲۹۸ - ۲. ايرج ذوقی: تاريخ روابط سياسي ايران و قدرتهای بزرگ ۲۵

ص: ۵۲

داشت ک هشوروی نیز همسایها یاست قدرتمند و به همین دلیل تا آنجائی که ممکن است باید توازن قوا به گاون یه باشد که حساسیت آنها را علیه یاس ست فوا ق لذکر تحریک نکند . امضای عهدنامه مود ، ت که در دورهمشیرالدوله چندماهی قبل از کودتا تنظیم شده بو،د در این راستا قابل فهم ا . س ای تن نخستین اقدام رسمی کابینه کودتا به

۱

شمار می رود . نیز شعارهای شداد و غلاظسیدضیاء به نفع اقشار فرودست جامعه و بازداشت ملاکین و اعیان را در این چارچوب باید مورد تحلیل قرار . ام ا جداالدب اینکه لرد کرزن حاضر نبود حتی کوچکترین امتیازی به قدرتهای رقیب . او دهنودز با معیارها و موازین استعمار قرن نودزهمی با کشوری مثل ایران برخورد کمیرد و ایران ر احریم امنیتی بریتان یتالقی م ن یمود که ه در این حریم هیچ نامحرمی به هیچ شکلی نباید راه داده میشد .

سیاست کرزن در این رابطه فقط منحصر به همسایه شمالی ایران . بلنب کوه داو حتی حاضر نبود آمریکائی ه اقدام به عرصههای اقتصادی ایران گذارن . دسیدضیاء برای اینکه هرگونه سوء تفاهمی را برطرف کند، ضمن اینکه عهدنامه مودت با شوروی را صحه نهاد ، تلاش کرد مستشارانی از آمریکا برای تأسیس بانک فلاحت ایستخدام کن . دنیز او میخواست دو کارشناس برای وزارت پست و تلگگ ا راست فخدام نمای .د کرزن از ای ن تصمیم برآشفته ش د . ا و نوشت تأسیس بانک کشاورز دیر ایارن به بانک شاهنشاهی لطمه می زند و استخدام مستشار آمریکائی ی برای وزارت پست و تلگرا، ب فرای بریتانیا

ک ه خطوط تلگراف هن دو اروپارا در ايران به دس تدارد، بيخطر نيس ت . مسئله بانك شاهنشاهی موضوعی نبود که بریتا نبيها اين سادگی از کنار آن ب گ. ذحتردی بعدها در اوایل سال ۱۳۰۶ که نصرال تدول ف هی روز وزیر مالیه شد و تلاش کرد برای لغو امتیاز نشر اسکناس به وسیله بانك شاهنشاه، با ينك مل یرا تأسيس کند تا امتیاز مزبور را به دس ت گیرد، خصومت شدید سفارت بریتانیا در تهر ابنرانگیخته شد و این بار خصومت به حدی تند و تیز شد که منجر به حذف همیشگی فیروز از صحنه سیاسی ایران گردی د. خلاص ه اینکه هرچه نورمن توضیح میداد ک ه سیدضیاء چون مشهرو به انگلوفیل

، (۱ . ژرژ لنچافسک ی: غرب و شوروی در ایران، سی سال رقابت، ترجمه حورا یآوری، (تهران: ابن سینا، ۱۳۵۱

. ۹۲- صص ۹۳

.Curzon to Norman, London, ۱۸ April ۱۹۲۱, FO ۳۷۱/۶۴۰۳.۲

ص: ۵۳

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

بودن است و از سالها قبل با سفارت بریت دارن یتاهران حشر و نشر داشته، ب اید چنین
سیاستی در پیش گیرد تا بتواند منافع انگل یرا سحفظ کند، به گوش کرفزنرو نرف . ت
لئو تر وتسکی به مناسبتی گفته بودانگلیسی ها ضر بالمثلی دارند که میگوید اینکشور
چه حق داشته باشد و چه نداشته باشد، بر هر چیز دیگری ارجحیت دار . ۱ این د
ضرا بلمثل به درستی در مورد کرزن مصداق داشت. او حتی حاضر نبود ایران با فرانسه
قراردادی منعقد کن د. سیاستکرزن یا همه یا هیچ ب. و کدرزن بر این باور بود که
سیدضیاء یا باید فقط از انگلی مسستشار استخدام کند و یا اینکه بهتر است برود. کرزن
کوچکترین تعلق خاطری نه به سیدض یداءشت نه به دیگر سیاستمدارانی که مشهور به
انگولفیلی بودن د. او به راحتی سیاستمداران ایرانی را فدای اهداف امپریالیستی خود
می کرد و هیچ ملاحظاتی نداشت جز منافع کشور متبوع خوی ش. کرزن حاضر نبود
پذیرد جغرافیای جهان تغییر ک رود اهینک از درون ویران هاه ی امپراتوری عثمانی
چندین کشور سر برآوردنهد؛ در هن دشورشهایی علیه امپراتوری بر یتدان ری اشرف
تکون است و بخشی از این شورشها رنگ و بوی احیای خلافت؛ دررا رهنمدسایگی
ایران قدرتی پا به عرصه وجود نهاده که کلیه قراردادهای استعماری خود را لغو کرده
است و نیز در بین برخی از روشنفکران ایرانی محبوبیت . کردازرند معتقد به اجرای
همان سیاستهای کهنه قرن نوزدهمی بود. او حتی برای رئیس الوزرای ایران تعیین
تکلیف می کرد؛ م ی نوشت اگر ایران میخواهد مستشار استخدام کن ، د این مستشارای ن ا

میورزید؛ به این علت که هدول آمریکا بود که هعلی ه قرارداد ۱۹۱۹ واکنش سختی نشان داد و سیاستهای پوسیده کرزن رنا به باد انتقاد گرفت. ل تجاجت با فرانس نهیز در همین راستا قابل توضیح است.

سیاستی که سیدضیاء در ارتباط با شوروید رپیش گرفته بود البته در خود انگلستان طرفداران فراوانی داش. ت از جمله شخص لرد کرزن در جریان یک پیمان بازرگانی بین انگلستان و شورویقرار داشت که بالاخره در نی ممهارس ۱۹۲۱ به امضاء رسی. آدن

۱. به نقل از:

.Boris Souvarine: Stalin; A political Survey of Bolshevism, (New York: ۱۹۳۹), p.۳۶۱

.Curzon to Norman, London, ۲۵ April ۱۹۲۱, FO ۴۱۶/۶۸.۲

ص: ۵۴

کابینه سیاه یا دل و ت مستعجل سیدضیاء

پیمان برای متقاعد ساختن شوروی جهت برداشتن حمایت خود از قوای جنگل صورت گرفت که البته نتیجه داد .

تئودور روتشتین نخستین وزیرمختاری که از شوروی به ایران اعزام شد و توانست اعتبارنامه خود را به احمدش تاهویل دهد، بعد از اینکه توانست به دنبال یک دوره فترت سفارت شوروی را نظمی دهد و دهها تن را به استخدام آن درآورد، شروع به احداث کنسولگری در کلیه شهرهای بزرگ ایران کرد .

روتشتین در بهار سال ۱۳۰۰ از مرز خراسان وارد ایران شد . بده گزارش کنسول انگلیس ، او در مشهد دمورد استقبال مردم و کلنل محمدتختقای پنهان قرار گرفت . ۱۰ تبه را انگلیسی زبان و بود ساله پنجاه ظاهرا روتشتین مشهد در انگلیس کنسول گزارش خیلی روان صحبت می کرد . او روز ۲۳ فروردین آن سال با کنسول انگل یملا سقات کرد و یک ساعت بعد کنسول همراه با وابسته نظامی و دستیارش به بازدید وزیرمختار . رفت روتشتین حدود بیست و پنج سال مقیم انگلستوا د . ن او سالها به عنوان سردبیر بخش خارجی نشریه منچستر گاردینکار کرده بود . ۲ او در جریان گفتگوهای روس و انگلیس همراه با کراسی ، ن لیتوینوف و کامن فشرکت داش . ت اینک هم همسر و فرزندان او در لندن اقامت داشتن . د قرار بود آنها در ته رباهن او ملحق ش . ونردوتشتین گفت دولت انگلیس بدون تردید وی و لیتوینوف را ف به عنوان سفیر نخواهد پذی . ر فدر تاین زمان مردم گرم استقبال با روتشتین هم تهران در . بود تعطیل لندن در شوروی سفارت ظاهرا مواجه گردی د . ۳ اینها دلیلی نداشت جز اینکه دولت نوظهور شوروی با لغ و قراردادهای استعماری ، توانسته بود بین مردم و برخی محافل و مطبوعات سیاسی تهران نفوذی به

دست آور د. این تحرکات از نگاه مقامات آمریکائی هم پوشیده نب و دوزیرمختار آمریکا

۴

د رتهران تحرکات فوق را به وزارت امور خارجه کشور متبوع خود گزارش . داد

روشتین در سفارت بریتان بیاا نورم نملاقات کر .د در این ملاقات نورمبنه او گفت

نیروهای انگلیسی آخرین واحدهای خود را از ق خزوایرنج کران دهد. وزیرمختار

۴۵-۱ . جنبش کلنل محمدتقیخان پسیان بنا بر گزارشهای کنسولگری انگلیس در مشهد، صص ۴۸

۲ . فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ص ۸۱

۳ . لوسوئور: نفوذ انگلیسیها در ایران، ص ۱۹

.US legation in Tehran to Secretary of State, Quarterly report, ۱۲ Oct. ۱۹۲۱.۴

ص:۵۵

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

شوروی مه در پاسخ گفت قوای شوروی نیز در حال خروج از ایران . ۱۱ها ستلانتدر

۳۲

اینکه ه بوریس روگاجف وابسته نظامی شوروی به همتای انگلیسی خود کلنل ساندرز
توضیح داد قوای شوروی نیز مناطقی که در آن مستقر بودند نعق شین بی کرده ان دا و گر
دولت ایران علیه قوای کوچکخان عملیاتی انجام دهد، آنها دیگر مداخله ی نهخواهند
کرد. ۴ روگاجف بیست و هفت ساله بود و پیش از انقلاب بلشویکی دانشجوی رشته

۵

بازرگانی دانشگاه مسکو به شمار میرفت.

خروج نیروهای اشغالگر شوروی از شمال ایران، نازی سنجیاده ی بود از سوی
انگلیسیه ا در راستای حفظ منافع امپراتوری ب ریوت انیها مصالح بلند مدت . ایران
شورویه ا از مدتها پیش تصمیم گرفته بودند نه از راه نظامی بلکه از طریق تبلیغات مرام
خوش را در ایران گسترش ده. نعدده ا یامضای عهدنامه ۱۹۲۱ ر ادر این راستا تحلیل
مینمایند و آن را به منظور تسهیل در گسترش تبلیغات کمونیستی در ایران ارزیابی

۶

می کنند. اما واقعیت امر آن است که شورب و ا ا یامضای عهدنامه یادشده گمان کرد به
منافع بلندمدت سیاسی و اقتصادی خویش در ایران نائل آمده است، به همین دلیل وقتی
منافع خویش را تأمین شده دید، نیروهایش را از ایران خارج ساخت .

سیدضیاء نه تشکیلاتی منظم داشت که بر آن اتکاء کند و نه هواداران سرسخت

پرورده بود که بتواند در این موقع از آنان مدد . ای گین ر ندکته هم در نظر سیاستمداران

داخلی ۷ و هم برخی از ناظران خارجی از جمله نقاط ضعف مهم او به شمار آمد. از م ی جمله ناظران خارجی بالفو برود که بیشتر اتهاماتی ناروا علیه برخی مقامات ایران در اظهارات و نوشتههای خود مطرح کرده بود. او هم بر این باور بود که سیدضیاء تنها

۸

کشور داخل رجال . برسد کارها همه به شخصاً نماید می تلاش و کند می اداره را کشور

.Norman to Curzon, Tehran, ۳ May ۱۹۲۱, FO ۳۷۱/۶۴۳۵.۱

.Boris Rogachov.۲

.Saunders.۳

.Intelligence Summary for week ending, Tehran, ۲۱ May ۱۹۲۱, FO ۳۷۱/۶۴۳۵ .۴

James M. Balfour: Recent Happenings in Persia, (Edinburgh: ۱۹۲۲), pp. ۲۳۱-۲۳۲ .۸

. همچنین ن ک: فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ص ۱۰۷

. ۵. همان، ص ۳۷۰

. ۶. لنچافسکی، ص ۸۱

. ۷. برای نمونه ن ک: تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱

ص: ۵۶

ب ه او کوچکترین اعتمادی نداشت، ن دو بیشتر او را تحقیر میکردند تا تمجی . ددر بریتانیا هم وضع به همین منوال بود . نه کرزن به سیدضیاء اعتمادی داشت و نه حامیان کودت ا . مهر ه مورد نظر وزارت در یاداری و وزارت جانو گنبد به واقع سیدضیا کءابین اه ی محلل تشکیل داد که تنها دستاورد مقبول آن از نقطه نظر مقامات یادشده استقرار رضاخان در مقام وزیر جنگ ب . ودوزیر جنگ مورد اعتماد سیدض بیاعءنی ماژور فضلالله خانکیهان کسی نبود که بتواند در برابر دسیها سهی حساب شده رضاخان مقاومت ورزد . نیز حاکم نظامی مورد اعتماد سید ضییعانءی کلنل کاظم م ان سیا حب ه راحتی در برابر حریف سپر اندا خ . تروز چهارم اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۰ سیدضیاء

۱

ناچار شد فرمان وزارت جن گرضاخان را صادر کن . د نخستین گام صعود رضاخاب ن ه عرصه وزارت، آخرین مرحله فروپاشی حکومت سیدضیاء بو د .

موازنه شکننده رضاخان و سیدضیاء

۲ بیسواد که هیچ خارجی حاضر به معاشرت ب او « ندهاتی » رضاخان ، ای ن به قول نورم نبود ، توسط کسانی به میدان فرستاده شد که خموايستند از او دیکتاتور مونرظدر انگل ستان را بسازن د . این امر میتوانست محقق شو . د هم شرایط اجتماعی و سیاسی و اقتصادی کشور و هم وضعیت روانی شخص رضاخمانیتوانست به این مهم کمک کن . از آدن سوی حکومت سیدضیاء به واقع تسلط سمتقیم انگلی س بر ایران تلقی مشی د . ای نسیاس تبای د ای ه رمایه س برای را لازم امنیت ارتش، بر متکی مقتدر ثبات با دولت و کرد می تغییر لژوما بریتانیا فراهم ساز . د بسیاری از مقامات بریتان ینافرت و انزج ا رداخل یوب المیلنی علی ه

قرارداد ۱۹۱۹ را دیده بودن؛ داینک باید به مقتضای زمان ارتش و مؤسسات و دواى ر ادارى
ب ه دست ايرانيانى اداره مى شد كه در تحليل نهائى با سياستهاى بلندمدت و كهنه بریتانی در ا
مقابل ايران كه آن را سپر دفاعى هند تلقى ميكردند، موافق آيد .

روز شانزدهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۰ بين سيدضياء و رضاخا ب نگو مگوئى روى
داد . ا ز اين به بعد رضاخ ادنيگر در جلسات كابينه شركت ن . ك اور دحتى مقر اردوى
قزاق ر ا از محل اصلى قزاقخانه به قصر قاجار تغيير داد و تمام روز را ش بدارن ها آنجا

۱ . شرح زندگانی من، ج ۳، ص ۲۲۹

۲ . US Legation in Tehran to Secretary of State, Quarterly Report, No. ۱۲, ۱ April-۳۰ June .
۱۹۲۱ .

ص: ۵۷

سپری می کرد. نکته جالب رفتار احمدشاه بود که بدون اطلاع از حوادثی که در اطرافش می گذشت، آتش نفاق بین رئیس‌الوزرا و وزیر جنگ را مشتعل می‌ساخت. وزیر دربار او، مشارالملک هم رابط بین شاه و وزیر جنگ بود، او نیز بر اختلافات موجود دامن می زد. سیدضیاء هم به واکنش جالب توجهی دست: اوزدحقوق شاه و دربارش را کاهش داد و در مقابل بر حقوق ولیعهد، فزیهوادی ن امید که بتواند بین دو برادر اختلاف تولید کند و خود از این راه بر دوام عمر ا کاش بینفهماید. او حتی مصمم شد شاه را برافکند و به جای وی محمدحسن م بی رول زایعهد را به مقام سلطنت برک؛ ا شود ب ا ولیعهد در این چارچوب ملاقاتها کرد. گزارش تحركات سیدضیاء به شاه رسی. د ی

شاه به رئیس‌الوزرا دستور داد استعفا کند. ۱۰ بالاخره چند روز بعد از آنکه رضاخان سردار سپه به وزارت جن م معرفی گردید، سیدضیاء مفصل شد و در میان موجی از انزجار عمومی به اروپا رفت.

دیگر به وجود او نیازی نب. ود سیدضیاء به رخم جار و جنجالهای خود نتوانست نه اعتماد نیروهای داخلی را به دست آورد و نه قدرتهای خارا ر. جمان ید ن او دیگر رف ایده نداشت. این است که روز چهارم خرداد مستعفی شد و از ایران خارج. هیگر چ دکیدس از رفتن او ناراحت نشد، سهل است تهران علیه او به حرکت درآمد و عدهای حتی قصد جاننش کردند که قوای دولتی مانع ش. دنتن دهاسه تن سیدضیاء را به هنگام خروج از ایران همراهی نمودن د: گریگور ایکیان که سرمقاله‌های روزنامه رع رد ام ن یوشت و اینک رئیس تشکیلات بلدیة شده ب؛ ومدآور مسعودخان کیهانکه سمت وزیر مشاور

داشت ؛ و کلنل کاظمخان سیاح حاکم نظامی تهران که مدتی هم رئیس ارکان حرب نظر : « گردیده بود . دستخط احمدشاه در مورد عزل سیدضیاء از همه توهیناً میزتر بود بمصالح مملکتی میرزا سیدضیاءالیدن را از ریاست وزراء منفصل فرمودیم و مشغول تشکی لهیات وزراء جدید هستیم، باید کمال مراقبت را در حفظ انتظامات بعمل آورید و مطالب مهمه را

۲ . « . مستقیماً بعرض برسانید

ب ه واقع انجام کودتا و هماهنگیها یی لازم، مهمترین اقدام نورم بنود ؛ ل یکن از این به بعد باید کسی وزیرمختاری ایران را به دست مگیرفت که بتواند رضا خاران هدایت

۱ . تاریخ احزاب سیاسی، ج ۱، ص ۱۰۳

۲ . همان، ص ۱۰۰

ص: ۵۸

کند و در مسیرهای از پیش تعیین شده او را به اقدام وادارد؛ این فرد کسی جز سر تقویت برای مقدماتی گامی صرّفا ر رضاخان کودتای لورین . نبود لورین پرسی نیروهائی می دانست که نای ال بسلطنه هن د آنها را ابزاری مؤثر برای جلوگیری از رواج کمونیسزم ارزیابی میکرد . برای انگلستان بهترین گزینه آن بود که استقلال ایران حفظ شود و برای جلوگیری از بها جنهویی های همسایه شمالی، حکومت ایران خود حافظ منافع بریتانیا باشد؛ ک اری که به خوبی از عهده رضاب خا رمنیآمد و منطبق با انتظارات وزارت مستعمرات، خزانه‌داری، دریاداری و حکومت هند انگلیس بود .

د ر آن روزگار هیچ شخصیت بلندمرتبه‌ی وجود نداشت که صاحب قدرت باشد و درخور موقعیت روز پس باید چنین فردی اختراع میش د . این فرد رضاخان بود و مطبوعات طرفدار او هم به سهم خویش تلاش میکردند او را بیش از آن چیزی که بود نمایانند . رضاخان توسط مطبوعات به شدت ستایش میش د و صفاتی به او نسبت میدادند که تا دیروز خوابش را نهمم دیدید . مردی که میخواست ت ایران را به عصر عظمت پیش از اسلام هدایت کن د . سالها بعد معلوم شد حرکتی بسیار کوچک از سوی دست پشت پرده هدای کن تنده رضاخان یعنی بریتانی کافی است تا این به اصطلاح منجی ایران زمین و احیاکننده عظمت باستانی کشور، به همان قد و ای بقرواگرهدد که در شأ نش بود؛ در شهریور ۱۳۲۰ این نجات دهنده قهرمان پذیرفت عفا ادهتد و تحتاً لحفظ نیروهای بریتانیائی به تبعید رو د .

دولت قوامالسلطنه و سیاست توازن نیروها

سیدضیاء چون برق آمد و چون با درف ت . روز چهارم خرداد ماه ۱۳۰۰ بعد از نود و سه روز حکومت لرزان ، در میان موجی از ابراز انزجار ، م رسدیمدضیاء به دستور احمدشاه از قدرت کناره گرفت و چون دیگر با آن مایه از حیثیت اجتماعی و سیاسی قادر نبود در کشور بماند، به خارج کوش رفت و تا حدود بیست و دو سال بعد که مأموریتی دیگر از سوی انگلیسیها به او محول شد، در همان خارج ماند . دولت سیدضیاء خوش ندرخشید ، اما مستعجل بو . د قوامالسلطنه محبوس عمارت کلاه فرن ، گک ازی بازداشتگاه خود مستقیم به کاخ ریاست وزراء رفت . دت ر آستانه آزادی قوا ا مز زندان، رضاخا نوزیر جنگ کابینه سید ضیا، ء ب اک لنل گر ، ی یکی از مقامات عالیرتبه بریبات اندر تهران ملاقات کرد و نظروی را پیرامون جانشین رئیس الوزرای در حال سقوط جویا . شردضاخان ، ب ه ملاقات گری رفت تا به نوعی مخالفت خویش را با انتصاب ب یقاوانم کند و خود را مستحق جانشینی روزنامه نگار جسور معرفی نماید . قزاق بهجای روزنامه نگار! اما گری به رضاخان خاطر نشان ساخت تنها کسی که میتواند در این شرایط کشور را اداره کند

۱

در زندان است .

روز هشتم خرداد ۱۳۰۰ ، اسدالله میرزا شمس مل آکراء به زندان عشر آب تاد رفت و

W. G. Grey: Recent Persian History, Journal of Central Asian Society, (London: ۱۹۲۲), .۱

January ۱۹۲۶

.Vol XIII, Part ۱. pp. ۳۶-۳۷

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

احمد قوام را یک راست به دربار برهدمان روز حکم ریاست وزرائی او صادر. دسه د روز بعد از سقوط سیدضی ارءوز چهاردهم خرداد ۱۳۰۰، قوااملسلطن هه یأت دولت خود را د رقص فر آجا دب ه شاه معرفی ک. ردنکت ه جالب این است که عمده ترکیب کابینه وی قبل از معرفی به مجلس متشکل از کسانی بود که همه در زمره بحران سازان دوره مشروطه به بعد شناخته میشدند و پیشتر علیه شخص او در مجلس دوم، زمائیکه معاونت وزارت داخل هرا داشت و بعدها به هنگام ریاست وزرائی برادرش الدوثل وه، ق ازهیچ آشوبسازی فروگذار نکرده بودن. دقوام وزارت امور خارجه را به مشارالسلطن ه سپرد، مستشارالدوله را به عنوان وزیر مشاور معرفی کرد، بهامیراعلم وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرف هداد و رضاخان سردار سپه را به وزارت جنگم گاشت یا در غیابا مصدق دکترو. شد داخله وزیر و الوزرا رئیس خودش. کرد ابقاء خود سمت در واقع و در حالیکه هنوز بین بختیاریهامیزیت، به وزارت مالیه منصوب گردی د.

شهابا لدوله ب ه سمت و از رت پست و تلگراف معرفی شد و عمیدالسلطن هظنهم وزیر عدلیه گردی د. از بین اینان میرزا سیدابراهیمخان عمیدالسلطنه که پیش ت رمعاون شخص قوام در ولایت خراسان بود و با برادرش حسن و ثو هق م حشر و نشری داشت، به با «بسیار دوستانه ی» رئیس الوزرا نزدیک بو. د به روایت نورم، نعمیدالسلطن ه روابط سفارت بریتانیا داشت. ۱ نیرالسلطانهدایت هم به سمت وزارت فواید عامه نائل آمد.

ب ه دنبال تشکیل کابینه قوا، محملات علیه کودتا شدت یاف ت. در اوایل تیرماه سال ۱۳۰۰، شصت تن از رجال تهران بیانی ی هبا عنوان ابراز حقیقت منتشر کردن. دآنها ب ه صریح ترین وجه ممکن سفارت انگلستان در پشت کودتائی میدیدند که به دست

سیدضیاء صورت گرفته بود. امضاکنندگان نامه تقاضا کرده بودند سیدضیاء به ایران بازگردانیده شود تا بابت کارهای خود محاکمه گردد. رادیدن بیانیه به امضای کسانی مثل شهید مدرس، عی نالدوله، سعدالدوله، سپهسالار تنکابنی، صار مالدوله، فرمانفرما و فرزنداننش نصرت الدوله و سال لارشنگ، همچنین ن تیمورتاش، حسین امیال نضرب، سیدمحمد تدین، ملکالشعراى بهاء، سیدمهدى فاطم میشهور به عمادالسلطنه و . د و ب فیروز الدوله نصرت با اقدام این رهبری ظاهرًا . بود رسیده بیات خان قلی مرتضی

۱. Norman to Curzon, Tehran, ۹ June ۱۹۲۱, FO. ۳۷۱/۶۴۰۶.

۲. Norman to Curzon, Tehran, ۱۶ July ۱۹۲۱, FO. ۴۱۶/۶۹.

شای د بنا بر ادعای نورم، نصرت الدوله که مردی اشرافی بود و از اینکه ت س و ط دولت
مورد حمایت بریتانی ادستگیر و تحقیر شده، میخواست به وزیرمختار تشری بزند؛ لیکن
تلقی این مرد اشرافی به عنوان کسی که مدعی سوسیالیست بودن است و با وزیرمختار
شوروی حشر و نشر داد، ر ا د از شوخی های تاریخی بود که فقط یتیمانست از دهان
مقامات بریتانیائی درآی. د بهر حال نورمن تا روزی که از ایران رفت، یعنی نهم مهرماه
سال ۱۳۰۰، از هیچ تلاشی برای بیآبرو ساختن فیروز خودداری نکرد.

سرنوشت امیر مؤید و کلنل پ سیان

ب ه هر دلیلی نخستین اولویت ق و ا رمسیدگی به وضعیت خراسانود، اما اولوی ت
رضاخان مازندران بود. رضاخان فردی عادی از اهالی سکوآوده بود، اما در این ولایت
در نظر ای نخان « خاندان اسماعیل خا نامیر مؤید سواد کوهی شهره بودن. د واضح است
سواد کوه وطن پرست ضدانگلیس، رضای قزاق... که به تحریک انگلیسها به تهران تاخته
و سردار سپه و وزیر جنگ شده، هیچ محلی از اعراب ت ن وان م د داشته باشد و این طور
وزی ر جنگ در نزد او به هیچ حساب درست در آید ن د مویس ر شاخ شدن این دو نفر با
ه م پیش پا افتاده اس. تبخصوص که از طرف هم فکرهای سیاسی تهران و بالاخص
ه م خیالهای مسلح مازندران هم نسبت به افکار این پیرمرد متعین دهاتی تشویقهایی به
اگر بنا بر این باشد که « ۲ بدیهی است اهالی مازندران ب نین خود مگرفته ان د ». عمل م یا مد
هر بی س رو پائی که دو سه هزار نفر مسلح به دور خود جمع کند بتواند پایتخت را تن
ر امسخر کرده، و وزیر جنگ بشود، چه چیز ما از رضای قزاق کس بو یکار بیاصل و
تبار کمتر است، اگر ما نیروئی تدارک کنیم میتوانیم تهران و شاه و دولت را از شر این
قلدر که معلوم نیست به چه حقه بازی توانسته است خود را به بین تدهار زادن خلاص

را جلب کنند، «آزادیخواهان» ۳ بالات را اینکه آنها تصور می کردند میتوانند حمایت کنیم.

پس تس گمان؛ «دلشان از استیلای این کار چاق کن خارجی خون اس» همان کسانی که

ی اژاندارمیری به آنان ملحق خواهد شد و «قوای امنی ه» بردند اگر به تهران نسرزیر شوند

۱. Norman to Curzon, Tehran, ۱۹ July ۱۹۲۱, FO. ۳۷۱/۶۴۰۵.

دولت قوامالسلطنه و سیاست توازن نیروه ا

۲-۳۴۴. شرح زندگانی من، ج ۳، صص ۴۴

۳. همان، ص ۳۴۴

ص: ۶۳

بر اثر این «ای ن بساط در عرض یک هفته به هم خواهد . ب خهو اریدن شکل بود که خود ش از آنها هم اینکاتره ر» عده ایدور امیرمؤید گرد آمدند، مردی که «قماش افکار این» درضاخان در صدد برآمد «نافرمانی خود را علنی کردن.» بزودی این عده .« بود کند .رقومزع «مدعی های ه مولایتی و خانگی و این دشمن بیخ آستین را قلع و شانزدهم تیرماه سال ۱۳۰۰، احمد آقا امیراحمد بیا عده کافی روانه سوادکوش شدند. بعد از چندین نبرد قوای امیراحمدی فائق آمدند، روز بیستم مردادماه آن سال باقیمانده نیروی امیرمؤید متواری گردیدند . دامیرمؤید برای همیشه ترک مخاصمه کرد و برای ابراز حسن نیت خویش به تهر آمد، رضاخان هم او را پذیرفت و دو پسر او را وارد قشون

۱

دولتی نمود.

اما اولویت قوام، خراسان بود. او تلاش کرد تا بلکه از راههای مآمی سال زم ب ته جنبش پسیان خاتمه ده؛ د لیکن در این کار وفیق نش د. شای د بتوان گفت ق دورام ماجرای مسئله خراسا نکه به داستان غمناک قتل پسیا نمنجر شد، اندکی عجله کرد و می شد مانع از شکلگیری بحرانهای آتی ش. دلیکن نکته این است که در اطراف خ ود پسیان هم کم نبودند دستهایی که مایل بودند بین او و حکومت مرکزی کار به جنگ و جدال کشد؛ جدالی که سرنوشت محتوم آن از پیش مشخص .ب صوبدح روز یازدهم خرداد ۱۳۰۰، یعنی درست سه روز بعد از انتصاب بقهوارئ میسالوزری ای، دستوری از تهران رسید که نجدالسلطن هرا به عنوان والی ایالت خراسان منصوب م یکرد . از او خواسته شد زندانیانی را که بعد از کودتا دستگیر شاندهد آزاد سازد و البته یاغیان و

دزدان را همچنان در بند نگاه د ا.رندجدالسلطنه در پاسخ به این پیام، تملک‌گیر ارسال داشت و کبر سن خود را مانعی برای تصدی مسئولیت عنوان کرد و تقاضا کرد اجازه . باشد داشته دست به را امور اداره گذشته مثل موقتاً ن خا محمدتقی کلنل شود داده پسبان که از پاسخ سنجیده نجدالسل طآنگاهی نداشت، شتاب قوادمر عزل خود را ب ا شتابی مضاعف پاسخ داد؛ او با فرامین صادره از ته رماخنالفت کر؛ دک لیه مخابرات تلگرافی تحت سانسور قرار گرف ؛ تکلیه افرادی که احتمال داشت به والیگری منصوب شون د بازداشت گردیدن؛ د از آن جمله نجدالسلطنه دستور او روانه زندان شد. پسبان

۱. همان .

ص: ۶۴

تلگرام های ی برای فرماندهان ژاندارمری قوچ، ات نربت حیدریه، نیشابور و چندشهر دیگر ارسال کرد و از آنها خواست در صورت تمایل از او حمایت . کنلمیاه ی نفدرماندهان به ای ن تقاضا پاسخ مثبت داد. ن ادقوام اگر اندکی اندیشیده کار م یکرد، م ت یوانس ت از عَ نیروی

مدتا تحصی لکرده ژاندارمری برای خنتی ساختن اقدامات قزاقهای خشن و فاقد تحصیلات استفاده کن د . به این شکل او تموان یست بر جاه طلب یهای روزافزون رضاخان ه م مهار زن ؛ د لیکن به دلیل فقدان تأمل در توازن نیروها و تمایل به عزل شتابناک فردی که فقط به دستور دولت مرکزی عمل کرده ، باز وادیجاد تعادل در موازنه نیروهای نظامی بازماند و به این شکل ژاندارمری را ناخواسته تضعیف کرد و راه را برای صعود مضاعف قزاقان هموار ساخت .

رضاخان، شوکتالملک و عملیات قتل پسیان

د رخطه خراسا ندو تن از همه فمتذنتر بودند ؛ نخست امیرشوکت المل تمل کک عل م و دیگری سردار معزز بجنوردی . خانواده علم از دیرباز با بریت انریا وابطی صمیمانه داشت ن.د یاد میگرد . ۲ بحث و « این دوست قدیمی من » کنسول انگلیس در مشهد از او به عنوان بررسی این مقوله از حوصله رساله حاضر بیرون ؛ اسولتی در اینجا به این نکته اکتفا می شود که حاکم بیرجن دو قائناتیا همان عل ، م رقیبی جدی در همان منطقه خراسان داشت که او هم کسی نبود جز سردار مبعجزنروردی . شوکت المل کب ا حکومت هند بریتانیا بسیار محشور بود . به واقع او در مناطق شرقی ایران، دولتی در دولت تأسیس کرده و حکومتی به وجود آورده بود که پشتگرم به حمایت حاکمان ب هندوود .ستان

در کرد، ایفا مهمی بسیار ش نق پسیان شورش سرکوب در بعدا ه ک علم الملک شوکت

۳

نیمه‌های مرداد ماه ۱۳۰۰ نشان شوالیه هند را از سوی پادشاه بریتانیا دریافت کرد.
برخلاف علم که با انگلیسیها دمخور بود، سردار مع زسزروکاری با بیگانه نداشت. او
ولایت خود را از نفوذ همسایه متنفذی چون روسهای تزاری و مداخلات تجار روس «

۱. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ص ۱۱۵

۲. همان، ص ۲۲۲

۳. بایگانی مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه، از سفارت بریتانیا به وزارت امور خارجه، مورخه

. ۱۳۰۰/۱۰/۱۹، اسناد سال ۱۳۰۰، کارتن ۵۹، پوشه ۷

ص: ۶۵

به حدی که نماینده ر و سانگلی سدر آن «؛ دبهود « و قلدریهای اتباع آن حفظ ک ر سردار معزز با مهارت تمام از راه دادن روسها و انگلیسیها به « ولایت مأمورینی نداشتن.د

۱

قلمرو نفوذ خود ممانعت به عمل آموری د. اما انگلی س قدرتی نبود که این موضوع را تحمل کن د. بنابراین به گوناگی ک هخواهیم دی ، د در زمان ریاست وزرائی رضا اخازانو به بدترین شکل ممکن انتقام ستاند و هم جانش را گرفت و هم مالش را .

د ر ارتباط با قیام کلنل پس، یا با نلاخره قوای دولت مرکزی به فرماندهی حسین آقا خزاعی و به فرمان رضاخان ب رای سرکوبجیش به حرکت درآم؛ ادما نکته در این است که خزاعی هرگز وارد جنگی علیه پسی نانشد تا بتواند فروشتن آن را درخ، ون ب ه خو دو رضاخان منتس بسازد . رضاخان م ید انست اگر کلنل به ه رشکلی بتواند زنده بماند و یا با دولت مرکزی به مصالاحیه دس ت یابد، زیان نهائی از آن او خواهد ب و.د

سبته ر « برهم زدن اقتدار نیست که برای او حاصل شده ا.» زیرا منظور اصلی کلنل نج ز در سبزووارورد خط جنگ نشده بودند که بر « حال هنوز قوای اعزامی رضاخان حسب تصادف، کلنل با یک عده نه چندان زیادی در نادرته نزدیک ، اقز و طچا رنف

۲

ش دروز دوازدهم مهرماه قواایمن خبر را ضمن . « قوای چریکی محصور گشته و کشته انتشار بیانیه ای ب هعموم مردم اعلام نم . و در واقع پسین از طریق سناریوی شناخته شده اختلاف در صفوف یارانش و بروز نفاق و شقاق بین آنها نابود شد. برخی از دوستان نزدیک کلنل به وی خیانت کردند و سرانجام کلنل بعد از یک درگیری مختصر با

کردهای قوچان در بعد از ظهر روز دهم مهرماه سال ۱۳۰۰ به قتل رسید. رضاخان به

کلنل به چشم یک رقیب نمگیر است. به همین دلیل مایل بود ارازو میان بردار. د

رضاخان از اینکه بلشویکهای محلی با سروصدای زیادی به حمایت از کلنل «

برخاسته اند بسیار راضی به نظر می رسد، زیرا امید اند که تداوم این نوع تبلیغات در آخر

کار موجب خواهد شد که بدینی نه چندان آشکار انگلیسیها نسبت به اقدامات کلنل در

۳. «آینده به ضدیت علنی آنان با افسران ژاندارمری خراسان منجر شود

پژوهندگان به هنگام بررسی جنبش پسی باهن این نکته وقوع میابند که او هیچ

۱. تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۲۳۱

۲. شرح زندگانی من، ج ۳، ص ۳۴۸

۳. همان، ص ۱۸۱

ص: ۶۶

برنامه بلندمدت بخصوصی ارائه نک . رمداهیت قیام او بیشتر واکنشی بود در برابر ریاست وزرائی قوا مو هرگز دارای برنامه‌های مدون و منسجم نب و. دکلنل به عبارتی در برابر کار انجام شده قرار گرفته بود و سرنوشت او رس ت م د شابه بود با میرزا کوچکخان جنگلی .

وقتی شورش کلنل محمدتقیخان نپسیان با شکست او فروخت، بحث انحلال پلیس جنوب به میان آم .دتشکیلات تفنگداران جنوب ایرا ندر سپتامبر ۱۹۲۱ مطابق با گزارش آمریکا سفارت کاردار ، مورای ۱ . گردید منحل رَسمًا ، ۱۳۰۰ مه‌ماه - شهریور داده اس ت که از خردادماه سال ۱۳۰۰ دولت بریتانی از ایران خوا ست ه وضعیت تفنگداران جنوب را مشخص ساز . دتا آن زمان کلیه بودجه این تشکیلات نظامی توسط حکومت هند انگلیس پرداخت م یشد . مذاکرات در دولت قوا ا مدامه یاف . ت قوا م حاضر نبود با پول ملت ایران تشکیلاتی نظامی را که وابسته به ان ب گلیود، س نگهداری کن .د دولت انگلیس می خ واس ت هزینه حفظ و نگهداری این نیرو را به همراه فرماندهان انگلیسی آن ، به دولت ایران تحمیل نم ا.نیهادایتا قوام را مزبور تشکیلات که رسید نتیجه این به

باید منحل ساخ . ت همینطور هم شد و برخلاف پیش بینیهای انگلیسیها هیچ ناآرامی

در جنوب کشور به وجود نیام د.

همزمان ،ت حرکات رضاخان برای نیل به قله قدرت روزبروز تشدید م یش د. روز

بیست و یکم شهریور سال ۱۳۰۰ شمسی مطابق با عاشورای ۱۳۳۹ قمری، مردم تهران

شاهد حرکتی غیرمتعارف از س و نیروی قزاق وزیر جنگ ب و. دندرد این روز
رضاخان در رأس دسته عزاداری قزاقان به حرکت در آمد و به نشان سوگواری بر سر
خویش کلاه مریخت. عده ای از قزاقها هم خود را آگلولد کرده بودن. دلیکن به ی ک
بار هدسته آنها به هم خد و رعه ای از قزاقها بدون مقدمه به زندان شهربانی ریختند و
سیصد تن از محبوسین زندان را که مجرمین و متهمین به جنحه یا بودن ج دن، ایتی
رهانیدند. اینکه چرا نیروی قزاق، قگروهی از محبوسین را که به هر حال به جرمی زندانی
بودند و البته همه از زندان یاعاندی به شمارمیرفتن د آزاد ک، ر دخود نکتهای اس ت
زندانی و دستگیر مجدد را عده این بلافاصله، نظمیه وقت رئیس اما تأمل؛ درخور

.Report of Engert to DS, January ۱۲/۱۹۲۲, No. ۱۴, ۸۹۱.۰۰/۱۲۲۰.۱

.Murray to DS, No. ۹۵۲, ۸۹۱.۰۰/۱۳۴۶, March ۱۶/۱۹۲۵, also see: Majd, p. ۹۹.۲

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

ساخت . شام غریبان آن سال بار دیگر سردا رسپه به بازار آمد و سر و پا برهنه در حالیکه شمع به دست گرفته ب، وودار دمسجد جامع تهرانو مسجد شیخ عبدالحسین گردید . روضهخوانها از فراز منبر نام رضاخاران بر زبانمیاوردند و به این شکل حضارمیدانستند وزیر جنگ در مجالس عزا و روضواهنی شرکت کرده اس . ای تن تظاهر تا دو - سه سالی برای آن صورم تیگرفت تا رضاخان ، ن مردی معتقد به آداب و رسوم مذهبی جلوهنگ رشود . به این شکل نه تنها نام سردار سپه بر زبان مردم کوچه و بازار میگشت؛ بلکه بر محبوبیت وی هم افزوده میشد .

سرکوب ب قایای جنبش جنگل

در این ضمن حوادث دیگری هم روی می داد که در تحلیل نهائی به نفع رضاخان رد کاده ی نیروپ بندرانزلی در سرخ ارتش ۱۳۰۰ سال تیرماه یازدهم روز مثلاً . یافت خاتمه روست را اشغال نم و دنیروهای احسانالله خان در همکاری با قوای شوروی ، یطی نب ردی سخت قزاقان را به عقب نشینی وادار کردن . دآنان موفق شدند تا جاده قزوئ - تهران پیشروی کنند . پایتخت را وحشت فار گرفته بود . دولت ایران ب های عملی اعتراض کرد . روتشتی ن در پاسخ به این اعتراضات و اینکه چرا قوای شباورودیگر به گیلان لشگرکشی کرده اند ، گفت که در این باره چیز ن میداند و اقداما تمزب و ر را ب هدولت آذربایجان شوروی منتسب کرد و گفت که مسکو در کنترل فعالیتهای جمه ورییادش ده

۱

در ایران با دشواری مواجه است . ت ظاهر امر این است که لئو تروت ، سب کنیا یدگک ذارارتش سرخ و کمیسر جن گ دولت شوروی ، ی در جریان بمباران بن درانزل ب ه یراس کولنیکوف

دستور داده بود از مداخله در امور داخلی ایران به نام دولتش خوددواری یکن دو

تمامی کمکها به جنبش جنگل را به نام دولت آذربایجان شوروی انجام دهد .

ظاهراً . کرد می دنبال را سیاست همین نیز شوروی خارجی امور کمیسر ، چیچرین

بنابراین بود تا کلیه کمکهای شوروی به جنبش جنگل ب له نام حزب کمونیست ایران ا

۲

همان حزب عدالت باکو صورت گئی . ردهمزمان جبهه ایدیگر در مازندرانگشوده ش . د

۱. FO. ۳۷۱/۶۴۵۳, ۱۶ July ۱۹۲۱, Intelligence Summary for the week ending,

، (۲ . گریگور یقیکیان: شوروی و جنبش جنگل ، به کوشش برزویه دهگان ، (تهران: انتشارات نوین ، ۱۳۶۳

۵۱- صص ۵۲

ص: ۶۸

فرماندهی عملیات مازندرا نبا احسان اللهخان بود که زا باک و پول و مهمات دریافت

۱

می کرد. اما وی و یارانش که کمتر از چهارصد تن بودند، در مردادماه شکست خوردند

۲

و در جنگلهای دیلمان پناه گرفتن د.

یکی از مهمترین اقدامات قوا، مخارج ساختن نیروهای شوروی از شمالی را نبود،

ارتش سرخ با مساعی او روز شانزدهم مهر ۱۳۰۰ خاک ایران را رتک کرد. قوا مسیاس تی

جالب توجه در این باره در پیش گرف: تابنده یاتی را مأمور کرد تا با میرزا کوچ خ کان

جنگلی مذاکره کند. قوام در ناماهی که هبه میرزا نوشت، ضمن اشاره به خدما تجنگلیه ا

در مقابله با بیگانگا، نبه این نکته اشاره کرد که هخ اک و ط ن در آس تانه ت صفیه از لوٹ

دولت حاضره که در چنین موقع خطرناک: حضور بیگانه اس. ت در نامه قوام آمده بود

تقبل مسئولیت کرده و اولین قدمها را در طریق استقرار اصلاحات لازمه و تبعی تاصول

مشروطی ت و آزادی قرار داده، منتظر و متوقع است که هآن برادران عزیزی با هم اننی ت

حسنه که از آنان معروف است، خودشان به بهترین طرق متصوره وضعیت ناگوار آنج ارا

رهدیچ ح س س الم، دوام» قوام در ادامهمخاطرنشانک: «بهمالت طبعی ارائه دهن د.

غیرطبعی گوشه ایاز مملکت را جایز نخواهد دانست، چه رسد به گکی هب لان حکم

دروازه مملکت اس. ت اولاد ایران به همان نوعی که در موقع دفاع مملکت اسلحه اشت به رد

جاننثاری می نمایند، بعد از مرتفع شدن علل مجاهدت باید با همان نیت پاک و بیآلایش

۳ ترکیدب». قوام مسلح را ترک گفته، در اعاده و استقرار نظم و آسایش سعی و جه دکنن

هیأت اعزامی به گیلا نهم جالب توجه بود و نشانی داشت از کاردان ی ق . اودروایم ک
دوره سی دمهدی افج های ا مذاکره با مریزا کرد دیگ نماین دگ، ای نکى سی دجلیل
مرأ مور .

اردبیلی بود ک هبا طیف افراطی جنبش جن گیعلنی گروه احساناللهخان ب یارتب اطنب ود ، و

۴

سومی نصیرالسلطنه فرزند وزیر امور خارجه کابینه که نماین د هدول تش مرد همیشه د .
همزمان قوام اقدامات دیپلماتیک را در دستور کار قرار . ابتدادا مشارالملک راب هعن وان
سفیر فو قالعاده به شوروی اعزام کرد و سپس با روتشت، ی و زنیرمختارش ورو یدر ته ران

۱ . فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ص ۱۳۶

۲ . همان، ص ۱۵۱

۳ . یادداشتهای تاریخی، خاطرات و اسناد مستشارالدوله صادق، ج ۱، به کوشش ایرج افشار، (تهران: انتشارات

۱۹۱- فردوسی، ۱۳۶۲)، صص ۱۹۳

۴ . محمدعلی گیلک: تاریخ انقلاب جنگل، (رشت: گیلکان، ۱۳۷۱)، ص ۴۶۷

ص: ۶۹

ب هگفتگو پرداخت و از او خواست دولت متبوعش ضمن عدم حمایت از نیروهای جنگل قوای خود را از شمال ایران فراخواند .

ب ر سر نحوه حل مسئله گئی ب لاینن قوامو رضاخان اختلاف نظر وجود داشت . قوام معتقد به نوعی مصالحه با قوای جنگل ؛ بو حادل آنکه رضاخا ب نه چیزی کمتر از کشت و کشتار رضایت نم دید . ماجرا از اینجا آغاز شد که دولت قبورامی بررسی مسئله گیلان تشکیل جلسه داد . در این جلسه رضاخات تنها راه مقابله با قوای جنگ را راه حل نظامی عنوان کرد ؛ لیکن قوامو سایر وزرا با این پیشنهاد مخالفت کردند . در طبقه اسناد بریتانیا که صحت و سقم آن بر ما معلوم نیست ، روتشمت یام نادگی خود را برای حل مسئله جنگل اعلام داشت . طبق این اسناد روتشتی گفت ، اگر مقابله نظامی با قوای جنگل صورت گیرد ، بیم آن میرود که قوای آذربایجان شوروی به حمایت از جنگلهای برخی زن د و در این صورت آینده ایران با مخاطره مواجه خواهد . بالاخره کابینه این

۱

نظر را پذیرفت و عملیات نظامی به مدت دو هفته به تعویق افتاد .

اگر ر هم روتشتی نچنین پیشنهادی داده باشد ، علت و انگیزه آن همان قرارداد بازرگانی است که بالاتر از آن سخن گف . فتید مر این زمان شوروی بیش از آنکه به دنبال استقرار رژیم کومونیستی در گیلان باشد ، نگران موازنه قوای خود با د بریتانیا صفحات شمالی ایران و بحث امتیاز نفت شبما ودل که قرار بود به آمریکا بده داده شود . حل و فصل نزاع دولت مرکزی با جنبش جنگل البته ناشی از درایت سیاسی قوام بود . او تلاش میکرد بدون اینکه بحرانی فراگیر شکل گیرد ، قضیه را فیصله دهد .

جنبش جنگل به دلیل عملیات احسانالله خان همدستانش به اندازه کافی تضعیف شده

و

بود که دسیسه‌های پشت پرده سیاست‌ی‌تواند آن را به کلی از پای بیا ن. دقاووزادم صبر کرد

ت ا کلیه نیروهای سرخ از گیلا نعقب‌نشین‌ی نمایند تا با آنان مواجه نشود. او م‌یدانست

که دولت شوروی خواستار تحقق مفاد عهدنامه موداس‌تت، پس ضمن اینکه امتیاز

می‌گرفت، از طرح آن امتیاز در مجلس که اینک - دسوه ماهی از تشکیل آن می‌گذشت،

عهدنامه مودت برای آن بود تا اولاً اساساً. تا وقت مقتضی فرارسد کرد می‌خودداری

شورویها رضایت دهند که ه نیروهایشان را از مناطق اشغالی شمال ایران خارج کنند و

. ۲۸-۱. جنبش میرزا کوچک‌خان بنا بر گزارشهای سفارت انگلیس، به کوشش غلامحسین میرزا صالح، صص ۲۹

ص: ۷۰

ثانیا طبق این عهدنامه، ب ه نوعی از نفوذ مستقیم شوروی در کشور ممانعت به عمل آید .
بیهوده نیست که سیدضیا بءه دنبال امضای عهدنامه یادشده با شو، رقورا یرداد ۱۹۱۹ را
کان لم یکن اعلام ک . ران دگلستان همیشه از مرزهای شمالی ایران نگران . باینودک ب ا
امضای عهدنامه مودت، خیال انگلیسیها از این مرزها و احتمال حمله ارتش سرخ

۱

آسوده گشته بو . د در حقیقت علتالعلل اعلان رسمی الغای قرارداد ۱۹۱۹ پذیرش
واقعیات جهانی از سوی بریتانینباود، علت اصلی همان امضای عهدنامه مودت بود که

۲

م ت ی وانست فکر بریتانیا را از نفوذ قریبالوقوع شورویها آسوده ساز د .
د ر واقع یکی از مهمترین شروط انگلی سدر انعقاد قرارداد بازرگانی با شوروی ،
ممانعت از هرگونه کوشش نظامی و سیاسی و یا هر اقدام دیگری بود که مشوق مردم
آسی ا به انجام عمل خصمانه علیه علایق و منافع امپراتوری برهی تهنایار شکل ممکن
می شد . در این قرارداد به طور خاص بر ا، یرافغانستان، هند و آسیای صغی ت رکیه شده
بود . برای شوروی دشوار بود این ماده را بپذیرد، زیرا این ماده به مفهوم پذیرش نفوذ و
اعمال حاکمیت همیشگی انگلی س بر این کشورها ب . وبداالخره در جلسات بعدی
مذاکرات ، طرف شوروی اصرار ورزید که طرفین قرارداد به استقلال و تمامیت ارضی
ایران، افغانستان و کشور ترکی هکه تازه تأسیس شده بود، احترام گک . ذابرنالادخره هم
قرار شد از این پیشنهاد شور وچیشم پوشی شود و در مقابل ا یارزا زمره کشورهای

ک ه سلطه و علاقه بریتا نیدار آنها باید مخصوصا حفظ میشد، لمداد نشو. د ۳ همین

ق قرارداد بود که در شانزدهم مارس ۱۹۲۱ امضا شد.

ب هاین شکل دولت نوظهور شوروی به صرف قراردادی بازرگانی با انگلی سحامیان خود را در جنبش جنگ ف لروخت و آنان را در برابر هجوم قوای قزاق پناه بگیداشت.

اینک معلوم شد سیاست میرزا کوچک خان در زمان جنگ اول جهانی در مورد مصالحه

با دولت وثوق تا چه اندازه مقرون به صواب بوده و آشو آفرینیهای بامثال

احسانالله خان و رضا افشار و کسانی مثل خالو قربات تا چه میزان هم مغایر مصالح ملی

.۱. Curzon to Norman, January ۲۱/۱۹۲۱, FO. ۳۷۱/۶۶۰.

۲. منشور گرگانی، محمدعلی: رقابت روسیه و انگلیس در ایران، به کوشش محمد رفیعی مهرآبادی، (تهران:

. عطائی، ۱۳۶۸)، ص ۱۴۶

۳. Karish Kapur: Soviet Russia and Asia ۱۹۱۷-۱۹۲۷, (Geneva: Humanities Press, ۱۹۶۶), pp.

.۱۹۰-۱۹۱

ص: ۷۱

ایران بود و هم منافع خود این گ. قزو واهم دیپلماسی را با حربه سیاست داخلی خاص خویش پیش میبرد. او ضمن اینکه با شوروی، آمریکا و انگلیس مبارزه می‌کرد، از ادامه سیاست داخلی خود که مبتنی بر گفتگو با نیروهای مخالف بود خودداری نمی‌نمود. سیاست خارجی او ادامه سیاست داخلی بود، همان رویه مذاکره و گرفتن امتیاز در عرصه خارجی هم دنبال می‌شد. قوام در تیرماه سال ۱۳۰۰ با دو تن از رستادگان میرزا ک. هبرای مذاکره با او به تهران آمده بودند، به گفتگو نشست. او از آن سوی های تیرا برای مذاکره با میرزا عازم گیلان کرد.

در این بین موضوعی دیگر به بحران شمال کشور بیشتر دامن. مازندران از این قرار بود که یک یهودی تبعه شوروی به نام اسرائیلنک بوه ایران گریخت و پناهنده. شف درار اسرائیلنکو خود مبدل به مانعی برای حل و فصل م. آسمالیزم مسئله جنگل گردی. ا. دین مرد یهودی به ظاهر یک بلشویک بود که حوالی ماه خرداد به گریختن و توسط مأموری دولت ایران بازداشت شد. در وقتش که قول داده بود تلاش کند بحران دولت مرکزی با جنبش جنگل را به شکلی مسالمانه تر خاتمه دهد، اینک تازه مطلع شده بود اسرائیلنکو به ایران نگریخته است، این موضوع که روتش تی چرنا از قضیه اینقدر دیر آگاه شده و یا چرا درست در زمانی که قرار بود بین دولت و جقنوابمش جنگ م. لصالحه برقرار شود، این خبر به او داده شد، محل تأمل. استر روی ظاهرا اسرائیلنکو از

ه به

سفیر « دست مأموران ایرانی هم گریخت و پناهنده سفارت فرانسه. در این زمان فرانسه می‌گویی که اسرائیلنک و یک لهستانی است و از فرانسه تقاضای پناهندگی کرده،

بنابراین نم‌ی‌تواند او را به روسها تحویل د. هرودتشتین هم به شدت از کوره در رمودی
و به حکومت ایران اولتیماتوم میدهد . در حال حاضر حکومت ایران نگران عکسالعمل
۱. روسهاست و میترسد د که آنان مجددا نیروهای نظامی خود را روانه شمال ایران کنند

البته همینطور هم ش .د. نیروهای روس از تیرماه آن سال بار دیگر عملیاتی را در شمال
ایران انجام دادن . د ب ه دنبال ماجرای اسرائیلنک، ورضاخان در گفتگوئی با مقامات بریتانیا
سیاست روتشتین بر این پایه استوار « د ر تهران در روز ۲۴ شهریور ۱۳۰۰ اعلام داشت
است که از گیلاب نرای مقاصد توسعه‌طلبانه شوروی و همچنین انتقال غلات آن منطقه
۱ . فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ص ۱۸۴

ص:۷۲

۱. «رهامچنان در آشوب بویقانونی نگاه دارد» استفاده کند و آن منطقه «به روسیه

ماجرای اسرائیلنک و از دید تیزبین رقبای بریت اندیرا ایران به ویژه آمریکائیه ا مخفی نمان . د

کورنفلد گزارش داد که بریتانیا مسبب اصلی کلیه فجایع ایران و به ویژه قضیه اخیر

اسرائیلنکوست؛ قضی ه ای ک ه تاکنون نتایج بسیار نامبارکی در پی داشته . اب سالاتر اینکه

۲

بریتانیا با دخالت در بسیاری از امور کشور، زمینه قحطی جدیدی را مهیامیس از د.

وجود یهودیان در ترکیب نیروهای بلشویکی مقیم شمال ، اینرکاتن های درخور توجه و

منحص ر به اسرائیلنکونیس ت. کمااینکه طبق گزارشهای مأموران بریت اندیرا ایران، برخی

ازاعضای هیأت تجارت خارجی روسی، هیهودی بودند، از هشت عضو هیأت یاد شده

س ه تن به نامهای نمت، الکساندر ووف کوه نیهودی بودن . د سایر اعضای هیأت مزبور

۳

عبارت بودند از: پروتوپوپف، پاولنکو ، خاشچاب، سکرورتسف و برگ ر.

مجموع این عوام ، ل راه حل و فصل مسالما می تزمس ئ ل ه جنگل را دشوار ساخ . تدر

اینج ا بود که بار دیگر قوای قزاق وارد میدان . شاولدانسدط مردادماه سال ۱۳۰۰ شمسی،

قشون رضاخان ب ه ناگاه به گیلان حمله بر؛ د پایگاههای مهم جنگلیان به تصرف قشون

درآمد و خالوقربا نتسلیم قزاقن ش د . احسانالله خان و سردار محی یکه هیچ تخصصی

جز بحران سازی نداشتند، به باک و گریختند؛ دو هفته بعد رش و ت انزلیبه تصرف قوای

اعزامی رضاخان درآمد . د ر واقع جنبش جنگ پ لیش از حمله قشون رضاخان و حتی

پی ش از مذاکرات قوا بما آنان از درون متلاشی شده بو وفدقط تلنگری م یتوانس ت آن

ر ابه کلی از پای در آ و. رمداهیت تحولاتی که در گیلان و ن مازندرانمی گذشت، ب ر کسی

آشکار نبود، حتی مقامات سفارت آمریکا از سمت و سوی حوادث و پیچیدگی اوضاع

مواضع و بودند؛ شده مستقر گاملا گیلان در ها قزاق مهرماه پایان تا. ند کرد می حیرت

۴

میرزا کوچکخان سقوط کرده بود و خود او به سمت تالش عقبنشینی نمود.

داشتند؛ دست در را جنگل جنبش رهبری تن سه عملا ۱۳۰۰ سال تابستان در

مهمترین آنها میرزا کوچکخان بود که ه ناحیه ای ر از پل ک ستما نزدیکیهای رودبار

۱. همان، ص ۲۰۳

۲. Korenfeld to DS, No. ۶۷, ۸۴۱.۲۰۲۹۱, September ۷/۱۹۲۲ Majd, op. cit. p. ۱۲۷

۳. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ص ۲۴۱

۴. Quarterly Report of US Legation in Tehran, No. ۱۴, ۸۹۱.۰۰/۱۲۲۰, January ۱۲/۱۹۲۲ Majd, .op. cit. p. ۱۲۹

ص: ۷۳

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

تحت کنترل خود داش. تخالوقربان به ظاهر علاوه بر شهر ر، ش کن تترل مناطقی بین امامزاده هاشم تا پل کسم ارا به دست آور ب دهود، و احسان اللهخ ان شهرهای لاهیج، ان لنگرود و رودس رو مناطق بین آنها را اداره می کرد. ب ه این شکل مت یوان دریافت که مهمترین بخش گیلا نتحت کنترل خالوقربان ا و حسان الله خان بود و در صورت هرگونه عملیات ی از سوی دولت مرکزی، کوچخا کن بی ن نیروهای خالوقربان او حسانالله خان از محاصره این هم عملاً؛ شد می محاصره دیگر سوی از مرکزی دولت قوای و سوئی صورت گرفته بو. د مهمتر اینکه احسان الله خان که تا نزدیکیهای مازندر ان تحت کنترل خ و د گرفته بود، با ساعدالدول، فه رزند سپهسالار تنکابن یکه میگفتند شورشیان محلی بلشوی ک را در تنکاب نرهربری م یکنند، م ربط بو. دقرینه ای در دست نیست تا نشان دهد ساعدالدوله به مفهوم واقع ی کلمه بلشویک یا کمونیست یا هجری ز دیگری از این دست بوده باش د؛ اما واضح است که او علیه نفوذ ب ریدتران یماناطق شمالی کشور به شدت فعال بود؛ بعدها تاوان این کار را هم پس؛ زدماان دیکه رضاخانابتدا وی را به آجودانی خود گک ماشت و سپس ب هجوخه اعدامش سپرد؛ دیری نپائید که شخص سپهسالار هم از اندوه خودکشی کرد. به هر روی ساعدالدوله با قوای جنگل مرتبط بود و با احسان الله خان ارتباط داشت. نکت ه مهم این است که ی ک سوم قوای جنگ لدر نبردهای که از ماجرا استفاده کرد تا با پدر ساعدالدوله رضاخان م ه بعدا. رفتند بین از مازندران

۱

مال و مال فراوانی داشت، سویه حساب کن د.

خلاص ه اینکه با این وضعیت ز آرایش نیروها در گی لاون مازندران، رضاخان ب ا

قوای خود روز شانزده مهر سال ۱۳۰۰ وارد ایالات شمالی کشور . شسداعدالدوله

شکست خور د؛ اما در این مقطع نفوذ پدر مانع از مرگ او . احساسادن الله اخ ن به سادگی

واهی لعی ت ای ل مع اه ق از ق ه ک ن ی ا ز ا ل ب ق ی ت ح عملا که خان کوچک ؛ گریخت شوروی به

۲

انجام دهند محاصره شده بود، شکست خور د.

پانزدهم آذرماه آن سال میرزا همراهی بار با وفایش گ انا لومکانی در کوههای

طالش در میان برفی سنگین، از پای درآمد؛ مردی از طالشها سر او را برید و قوای

قزاق آن سر را به شهر رش تاوردند و با قساوت تمام نمایش . دامدینزدان قساوت

. ۳۶۲- ۱ . ن ک: شرح زندگانی من، ج ۳، صص ۶۳

Quarterly Report of US Legation in Tehran, No. ۱۴, ۸۹۱.۰۰/۱۲۲۰, January ۱۲/۱۹۲۲ Majd, .۲

.op. cit. p. ۱۲۹

ص: ۷۴

یادشده همچین از تلگراف امیرپنجهمحمدقل ، یرئیس قوای گیلا بنه رضاخان
روشنتر میشو د:

حسبالامر تلگراف مبارک نمره ۹۶۵ فوری برای تعقیب و دستگیری میرزا کوچک
عده فرستاده، چهار روز متوالی مشغول تعاقب بون دد بالاخره از شدت تعقیب
قزاقان میرزا کوچک از هر طرف عرصه را بر خود تنگ دیده خود را به کوههای
ماسال کشیده بود. عده قزاق هم در تعاقب مشارالیه حرکت کرده، در بین راه هم
یک تصادفی واقع شد، میرزا نعمت الله داماد حسنخان کیش دره [۱] ی مقتول مابقی
باز فرار می کنند. از طرف دیگر طالبها هم برای جلوگیری از فرار میرزا کوچک
عده [۱] ی فرستاده بودند، بالاخره میرزا کوچک و گائوک به طرف گردنه گیلوان
متواری شده در آنجا از شدت سرما تلف شده اند. قبل از اینکه قزاقهای
تعاقب کننده برسند مابین طالبها و طارمیها سر نعل گفتگو شده طالبها سر نعل
را بریده بودند که قزاقان رسیده و سر را گرفته حمل به شهر مینمایند. اینک سر
بریده در دفتر حاضر است، هر طور دستور میفرمائید اطاعت شود. نعل گائوک

۱

هم در همان گردنه افتاده است.

شد؛ تمام سپه را در س رضاخان نفع به عملا، جنگل جنبش و پسیان قیام شکست
بدون اینکه او در هیچ کدام از آنها ابتکار عملی از خویش نشان داده. به وابقاشعد
رضاخان عملیات نظامی خویش را پس از به نتیجه رسیدن دسایس فراوان پشت پرده و
به دنبال موفقیت سیاسی قوام انجام داد.

رضا خان، احسان‌الله خان و میرزا کریم خان رشتی

بقایای جنبش جنگ لبه روسیه‌گریختن د. اما بین این عده تفاوتها و تمایزاتی وجود داشت که از حوصله بحث خارج است. در یک سوی طیف افرادی قرار داشتند مثل احسان الله خان و عمیدالسلطان برادر میرزا کریم خان رشتی و در سوی دیگر طیف افرادی مثل سیدجعفر پیشه‌وری که پیشتر روزنامه حقیق را منتشر می‌کرد. بعدها نایب سرهنگ اسماعیل خان در مردادماه سال ۱۳۰۱ خود را به باک ورس انید تا بین این گروهها

۱. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ص ۲۷۲

ص: ۷۵

بیش از پیش اختلاف تولید کند. ن ادو از سوی رضاخ امن‌موریت داشت روسها را نسبت به کسانی که انگیزه های ملی داشتند، بدبین نم. ایدرداین راه احساناللهخ ان و عمیدالسلطان به او کمک فراوانی کرد. د نبد ه گفته اسماعیخان این عملیات در حالی مبادا جلب سوءظن مقامات مربوطه روس نسبت به « صورتمی گرفت که تلاش می‌شد بشود فدوی ». دلیل همین به « پیغامات ری قونسولگ بوسیله نشده اقدامات داخل مستقیما و مواعید بحضرات دایم؛ فقط کسی که هاز ابتدا قبول نمود عمیدالسلطان است که چند روزی م‌یشود از بادکوبه طرف طهرا حرکت کرده و مابقی به همان حال اولیه باقی چند پارتی شده و داست یک ه بیش از مهه « طب ق این گزارش، م‌هاجرین ». مانده اند در این گزارش از فدوی « . اهمیت و منزلت نزد روسها دارد دسته اح[ا سا للهخا ن] است سی د چند نفر به بادکوبه « به نام سید یاد شده که ه طبق اسناد سیدجلال چمن نایمی است. ت برای به دست آوردن اسلحه به وسیله مهراجن فرستاده است، این مسئله حتم و مسلم گردید [ک] ه حسین زاده معروف این مأموریت را از طرف سید داشته و از خاک سردار مقتدر [طالش] ی حرکت نموده و از قرار تقریر خود مهاجرین حاجی او محمدسینزاده دارند مرابطه گاملا سید و سردار با. « است آمده گزارش این ادامه در: « که موفقیتی فدوی توانست در این چندروزه حاصل نماید این بود که اح[ا سا للهخا ن] را برضد سایرین بلند کرده چندین میتینگهای خیلی سخت بر علیه حاجی او محمدسینزاده و سایرین داده و در مقامات عالیه روس چند نفر را به کلی دزد و همدست سید دزد و بر اثر این تحریکات روسها « . خائن وطن یا بالاخره مردمان پست فطرتی فمعیر نمود بعد از. « ه استثنای احسان و هم راهان « مخارج ی را که به مهاجری نمی‌دادند قطع کردند؛ ب

هتفر خود را نسبت به مهاجرین مذکور به فدوی اعلام « اقدامات او کنسول روسی

داشته اظهار مینمود که مهاجرین برای امتداد دادن دزدی و غارتگری سید از من اسلحه

شان خیدلامصه اینکه « می خواستند و من آنها را جوابی سخت گفته به جای خودشان. ن.

« چنانچه . است سایرین و الله احسان

کاملاً ضد سید و سایر غارتگران از قبیل سیمیتقو

راجع به این مسائل چندین مرتبه میتینگ نیز داده و همراهان این قبیل اشخاص را

حضرات مهاجرین به « بر اثر این تحولات « . همدست و شریک انگلیسها خطا م ب مینمود

کل ی مردود مقامات عالیه روس بوده، اقدامات آنها با بودن احسان [الله خان] به کلی

ب ی و ص ت ه ب ه ک د ر ا د می مفتخر نیز را مبارک خاطر ضمناً ولی بود، خواهد خنثی

احسان[الله خان] در صورتیکه روسها نیز ص لایحدهاند از هیچ قسم اقدامی فروگذار نخواهند نمود و در هر موقعی که بخواهد زمینه شورش را در فرا همگی کلانند،

۱

موقعی قبل نیم و ماه سه در عمیقه تحقیقات قرار از مثلاً نمود، خواهند اقدام او بوسیله که روزنامه نگاران و بعضیها در طهران شروع به عملیات نموده بودند، روسها به وسیله همین شخص جدی بوده که دولت را دچار زحمات فوال قعاده نماید؛ ولی البته این « . مسئله بر خود حضرت اشرف هم پوشیده نبوده و به تدابیر مدیرانه رفع فرمودید

نایب سرهنگ اسماعی لدر ادامه این نامه از قفدان یک نماینده لایق در باکو بحث می کند ، و اینک هاین امر باعث شده است که بسیاری از اقدامات اسخمانعی ،ع لقیم بمان . د ه ی ا همان محمد اسعد مراغ های مشهور سخن میگوید « میرزا محمدخان ساعدالوزار » اواز معرفی شده است . س اع د « شیخ ص فعال و هشیار و فال و عا قده علاقه مند به وطن خود » که د وروز قبل از ورود فدوی ب رح س بام روزارت « پیش ت رکنسول ایران در باکو بود . اما ب ه عنوان مأمور کمیسیون سرحدی کحرت کرده اس . تدر گ زار شآم ده « امور خارج ه اقدامات و جدیت این شخص سرمشق سایر نمایندگان خارجه در قفقازیه اس تو » است و ارجی خ ی، ن دا و الی ع از تمام که است فدوی افتخار و سربلندی باعث چقدر حقیقتا داخل ی عملیات او را تمجید منمایند ، نداشتن چنین شیخ ص ی در بادکوب فقهدان خیل ی بزرگی است که بالاخره ضررش نصیب وزارت متبوعه خواهد . گراد زیقدرا راشتهارات گویا نادر میرزا در همین چندروز ه به بادکوب حرکت خواهد نمود، داگر در واقع این مسئله حقیقت داشته باشد باید به کلی چشم از حوادث گبیرد لانش ت. چنانچه حضرت اشرف

ی کعطف توجهی به نمایندگی سیاسی بادک موبی هفرمودند، م یزماحمدخان س اعدالوزاره
د فرمودن ی م ر و م ا مه بادکوب ه ب مرتبه دو، [داده قرار] مهربانی مورد حضورا و احضار را
». ب این دازه به موقع و گیلان نیز از هر قسم حوادثی محفوظ میبود

دست به کنسولی امور گزارش این ر اساس ب « است نامی خان محسن « رویه ابداه
کار را بلد نیس . تاما نایب کنسول که جوانی بود اسماعخیالن نام، فردی با هوش و
تمام عملیات این جانب تا دراجیه ب هوسيله او بوده است، به « زیرک معرفی شده که
مشارالیه وعده کردم اگر مهاجرین را به ایران بفرستد حضرت اشرف به او محلیت
۱. خط زیر این کلمات متعلق است به اصل سند .

مطالب مستقیماً گفته او به نیز و نمود خواهند. « کند گزارش ن ا خ ا ض ر ه ب ا ر م ه م
اینکه خره بالا » خراب [خان الله] احسان ب ن ا ج ز ا ر گ ا ب ا د ک و ب ه ط ر ف ا ز و ض ع ی ا ت فُ ع ل ا
نیست نگرانی اُبداً سایرین طرف از بشود، خراب کنم نمی هم گمان گرچه نشود، . « ۱
رضاخان توصیه اسماعیل را به رئیس‌الوزرا گوشزد ک در. او برخلاف عرف اداری با
اینکه وزیر جنگ بود، در کار وزارت خارجه دخالت نمود و آمرانه نوشت:
در تعقیب مذاکرات شفاهی در اعزام ساعدالوزاره به سمت قونسولگری بادکوبه از
قرار راپورتیکه رسیده است مشارالیه نهوز فرستاده نشده، چون موقعیت و
مقتضیات لزوم تعیین و تسریع حرکت ایشان را ایجاب م ن یماید این است که

۲

منتظرم هرچه زودتر ساعدالوزاره را به سمت فوق‌الذکر منصوب و اعزام فرمائید.
بع د ا ز ا ی ن ح و ا د ، ث ب ق ا ی ا ی گ ر و ه ب ح ر ا ن س ا ز ر د و ن ج ن ب ش ج ن گ ل ش ر و ع ک ر د ن د ب ه
دادن ضمانت نامه که از این به بعد دیگر در مسائل سیاسی دخالت نخواهند ؛ کرد
داینجانان آقاخان و فتحعلیخان و کاظمخان « برادران سردار رمحیی از همین زمره بودن.
برادران مرحوم سردار مح در حضور حضرت مستطاب اجل آقای سرتیپ

ی ی

محمدحسین خان رئیس تیپ مستقل شمال ملتزم و متممهدیشویم بر اینکه از ای ن
تاریخ به بعد در هیچگونه امور سیاسی مداخله ننموده و داخل هیچیک از جام ع و م
احزاب و فرق پلیتیکی که برخلاف مصالح دولتی اقدامات نمایند نشویم و به اشخاصی
ک ه ا ز ا ح ز ا ب و ف ر ق م ظ ن و ن ه ه س ت ن د چ ه ا ز د ا خ ل ه و چ ه ا ز خ ا ر ج ه م ر ا و د ه ن م و د ه و ف ق ط

ب ه امور رعیتی و زراعتی خود مشغول باشیم چنانچه برخلاف موارد فوق تخلفی

» . صورت گیرد مورد مجازات و مؤاخذه میباشیم

۳ چند روز پیش از این تاریخ ، سردار

۱. نایب اسماعیل رئیس ارکان حرب لشکر مرکز به رضاخان، فوری، ۶ سنبله (شهریور) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

۲. رضاخان به رئیسالوزرا، ۲۹ برج میزان (مهر) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

۳. مواد تعهدنامه برادران سردار محیی، مورخه ۲۲ شهر ذیقعدة ۱۳۴۱، مطابق ۲۷ تیرماه ۱۳۰۱، اسناد وزارت

جنگ . میرزا کریم خان ب برادرانش به روایتی نه تن بودند که فرزندان حاجی و کیل امشهای به شمار میرفتند،

در برخی منابع نام چهار از آنان یعنی خود میرزا کریمخان، معزالسلطان یا عبدالحسینخان سردار محیی،

عمیدالسلطان و مجیبالسلطنه شناخته شده است . ن ک: ابراهیم فخرای ی: گیلان در جنبش مشروطیت، (تهران:

جیبی، ۱۳۵۲)، ص ۱۹۹؛ رابینو رئیس بانک شاهی شعبه رشت تعداد اعضای این خانواده را ده تن میدانند و نام

ایشان را هم ذکر کرده است: مشروطه گیلان، یادداشتهای رابینو، ترجمه محمد روشن، (رشت: نشر طاعتی،

۹۰. طبق اسنادی که ذکر کردیم، نام دیگر برادران میرزا کریم خان عبارت است از: میرزا - ۱۳۶۸)، صص ۹۲

عباسخان یا عباسقلی خان، آقاخان، فتحعلیخان و کاظمخان . با این حساب حداقل هشت تن از فرزندان

حاجی و کیل در جریان جنبش گیلان و حوادث بعد به شدت فعال بودهاند .

ص: ۷۸

محبی در باک و در گذشته بو. د درست همان روزی که برادرانش تعهدنامه امضا می کردند، مجلس ترحیم او در مسجد سپهسا تلاهرران برگزار گردی. ن دختین مکاتبه در مورد آقایان آقاخان « برادران سردار محی یمربوط است به اوایل تیرم ۱۳۰۱ه. طبق این مکاتبه و فتحعلیخان و کاظمخان اخوان مرحوم سردار محی تقاضای مرخصی و اجازه مراجعت به اوطان خود را نمودهان د، نظر به اینکه از حیث معیشت دچار عسرت و م از نظر وزارت جن ب گلامانع باش د و « مضیقه هستند، در صورتیک ه مراجعت مشارالیه آن وزارت جلیله موافقت دارند، اعلام فرمائید که با تقاضای مشارالیه هم مساعدت « این روال تا مدتها بعد هم اهدایمافت. کمااینکه در سال ۱۳۰۲ عباسقلی خان «. شود برادر دیگر سردار محی یکه بعد از ماجرای جنگل همراه برادرش به رف تباه کب وود، تقاضای مراجعت به کشور ن. م و او دسطه بازگشت او میرزا کخری امن رش تی بو د. عباس خان نامهای به این شرح به رضاخان نوشت:

مقام منیع بندگان حضرت مستطاب اشرف آقای وزیر جنگ دامت شوکته

ستم، ه و به نزدیک به دو سال است در بادک ی که فعلا ن گیلان خا این بنده میرزا عباس

ده ن ب. نمایم خاطر مبارک حضرت اشرف را از شرح حال خودم مستحضر می اجمالا

چند سال عمر خود را به تحصیل زبان روسی و غیره در روسیه صرف نموده پس از

آن به ایران آمده داخل خدمت پستخانه ایران شده چندین سال عضو پست گیلان

بوده و شعبه امانت پستی گیلان را داشتم. در اواخر انقلاب گیلان وضعیت آنجا

اجرین ب مه ورتیکه غال آدم، در ص به بادکوبه طوری پیش آمد نمود که اضطرارا

ایرانی حتی کسان بنده به تدریج با اجازه به ایران آمدند بنده به واسطه فوت مرحوم

مربور سردار محیی اخوی این بنده از شدت تأثر به ایران نیامده و امروزه چون
وسایل زندگانی در روسیه قدری مشکل است به عرض این عریضه جسارت ورزیده
استدعا می نمایم چنانچه مصلحت و مقتضی میدانید مقرر فرمائید به ایران مراجعت
نموده و برای از بین رفتن سابقه خدمتم در پست ایران در تحت توجهات وزارت

۱

جليله جنگ دارای شغلی شده در ایران زندهگی ۲ بکنم.

۱. از دفتر رئیس الوزرا به وزارت جنگ، ششم برج سرطان (تیر) ۱۳۰۱، اسناد ریاست وزارت، مؤسسه مطالعات و

پژوهشهای سیاسی .

۲. کذا .

ص: ۷۹

میرزا کری مختانت قاضای مزبور را به کفیل ارکان حرب کل ق شون تق دیم ک رد و از او تقاضای وساطت نمود. او نوشت وزارت جن اگجازه دهدعباسخان مدتی در رش تمانده

۲

میرزا « و بعد به تهرانیبای د. سرانجام این وساطتها نام ه ایبود که رضاخا ب نرای شخص طبق تقاضای کتبی که به وسیله آق ای « ارسال کرد؛ که در آن آمده بود: « عباسخان گیلانی میرزا کریم خانان رسال داشته بودید هب شم ا تأمین داد همی شود که ظرف امسال حرکت نمائید ، ب ه وزارت امور خارجه هم نوش تشهد که مراتب را به نمایندگی سیاسی دولت علیه ۳ رضاخان در نامها یهم به رئیس تیپ مستقل ش ما لدستور داد « در بادکوب ه اطلاع دهن . د جناب « ی ۴ درونوش ت کلیه مکاتبات فو قهم برای « د رموقع ورود متعرض مشارالیه نش. و « ارسال گردی د. « اجل آقای آقا میرزا کریمخان دامت برکاته

آرایش نیروهای سیاسی در مجلس چهارم

بدون تردید مهم تری ن اقدام قوام گشایش مجلس چهارم بعد از یک دوره فترت ش ش ساله بود . تعطیلی نهاد قانونگذاری آنه مب هم دتش شس التمام ، هم ب هدسی هس ه افراطیت رین جناح نیروهای دخیل در مشروطه صورت میگرفت .

رَسما آن جلسات اما ؛ یافت گشایش ۱۳۳۹ سال شوال پانزدهم روز چهارم مجلس

از هجده مذیقعه ۱۳۳۹ مطابق با اول مردادماه سال ۱۳۰۰ شروع به کار ک. ریده ای ن

شکل قوام موفق شد چند هفته ای بعد از تصدی مسئولیت ریاست وزرائی، مهمترین

رکن مشروطیت را بار دیگر برپا . ادناترخدا بات مجلس در دوره ریاست وزرائی

وثوق الدوله صورت گرفته بود، اما با تحریکات گروه دمکراتهای ضیل دت ی شمکجل س

نتوانست به موقع افتتاح شود. و در نخستین بحث مجلس هم البته رسیدگی به اعتبارنامه‌ها می‌

نمایندگان بود. یکی از مهمترین این مباحث به هنگام رسیدگی به اعتبارنامه عادل‌ملک

دادگرایان جام‌گرف؛ تهرانی که همراه و مکه‌ها هم اصلی سیدضیاء شماره مآمی بود.

عبدالحسین تیمورتاش مهمترین منتقد او بود. وی سخنانی مهم درباره عدلالملک ایراد

۱. عباسخان گیلانی به رضاخان، استخبارات سوم عقرب (آبان) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ.

۲. میرزا کریم خان به کفیل ارکان کل حرب قشون، استخبارات شماره ۳۴۴۰، مورخه ۱۰ عقرب (آبان) ۱۳۰۲

اسناد وزارت جنگ.

۳. رضاخان به میرزا عباسخان گیلانی، ۱۰ برج عقرب (آبان) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ.

۴. رضاخان به رئیس تیپ مستقل شمال، ۱۰ برج عقرب (آبان) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ.

ص: ۸۰

کرد؛ از جمله اینکه او را همراه با گریگور ای ایزکک یبازنوه‌های اجرائی سیدضیاءخوان . د

او بارها ضمن سخنان خود از استقلال ایران که به دست سیدضیاء ضاع شد سخن

گفت. تیمورتاش اظهار داشت:

یک سیدضیاءالدینی وارد این مملکت شد، عناصر شجاع ایران را اغفال کرد، به

ملت خودش، به استقلال مملکت خودش شیخون زد، سوءقصد به استقلال

مملکت کرد، مجلسی را که باید دائر شود تعطیل کرد، مصونیت نمایندگان ملت را

که مطابق قانون اساسی از هر نوع تعرض مصون هستند، زیر پا گذاشت، عده‌های از

نمایندگان را توقیف و تبعید کرد، مجری سیاست دشمن استقلال ایران شد، مردمان

زیرک را در حبس وارد کرد و بالاخره در ایران یک سکوت و یک سکونت

قبرستانی را برقرار کرد، از نقطه نظر داری مملکت نباید فراموش کرد که

سیدضیاءالدین هشت کرور داری مملکت را تفریط کرد و آن را مابین خود و

۱

همدستان و شرکاء خود تقسیم کرد.

به طوری که م بی‌بینیم، تیمورتاش از همان جلسات نخست مجلس مواضع خود را

علنی ساخت. او به آشکارترین شکل ممکن اعتراض خود را علیه سیدضیاءالدین به

دشمن استقلال ایران هم جز « مجری سیاست دشمن استقلال ایران . ش » این کرد که او

دولت بریتانیا نبود. به این شکل تیمورتاش به شکلی که ممکن است نری‌ن وجه، سرآستینهای سفارت

بریتانیا در کودتا عیله مشروطیت را به نمایش گذاشت. تیمورتاش در ادامه گفت که

ظهور سیدضیاء دو علت مهم داشت؛ تو آنها را علت‌های صوری و معنوی نامگذاری کرد:

یعربی، «محرک بود به اراده غی» اءای ن است که وا «اما علل صوری آمدن سیدضی»

بریتانیا؛ اما علل اصلی یا معنوی ظهور پدیده سی دوض یواقءوع کودتا عبارت است از

ب ه عقیده من وظیفه مجلس شورای م لدری پیشگاه ملت « بیقانونی و نادیده گرفتن آن

ایران این خواهد بود که اول حیثیت قوانین را اعاده بدهد، به ملت ایران امر بدهد و

۱۲۱ سوتگفت تا قانون «. بگوید که تحمل زیرپا رفتن قانون مثل ارتکاب خلاف قانون

ن «استقلال ایرا» اجرا نشود، اصلاحات محال و ممتنع خواهد. تیومدورتاش بارها از

، ۵ برج اسد(مرداد) ۱۳۰۰، ۱. صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، مورخه ۲۲ ذیقعدہ ۱۳۳۹

. ص ۱۸

. ۲. همان .

ص: ۸۱

سخن گفت، و علتالعلل مخالفت خود را با اعتبارنامه اعدالمللک این دانست که او جزو گروهی بوده که این استقلال را زیرپا نهاده است. او توضیح داد بحث در مورد همان « عدلا لملک چندان به طول نخواهد انجامید و تکلیف او روشن است. تزیروی روزی که رفت و با دسته ضداستقلال ایران همدستی کرد، همان روز آزادان ه مجال خود

۱

کرد. و به طور اختیار سلب حقوق نمایندگی و حق جلوس در مجلس را از آن خود به این شکل اعتبارنامه عدلا لملک با رأی نمایندگان رد شد.

اساساً ری ز. نبود سیدضیاء مخالفین و طرفداران بین اصلی بندی صف حال، نی اب

سیدضیاء در مجلس طرفداری نداشت و اگر هم داشت جنرماً یک ترد در آن شرای ط

دم برآورد. صفبندی اصلی از زمانی بین مردم علنی شد که شاهزاده سلیمان میرزا

اسکندری، علیه نصر ا تلدول ف هی روز و اعتبارنامه او نطقی مفصل ایراد. کسرلدیمانمیرزا

بحث قرارداد ۱۹۱۹ را پیش کشید تا به گمان خود مهمترین نقطه ضعف نصرت الدوله

را برجسته سازد. اما نکته این است که فیرو ز بعضی از مدافعینش، نشان دادند این

مفصلاً میرزا سلیمان. آید می حساب به قوتی نقطه بلکه او، برای ضعفی نقطه نه موضوع

در مورد قرارداد سخن گفت؛ آتینکه علیه آن مبارزه کرده؛ س این تکه فیرو ز علیه منافع

ایران وارد عمل شده و خلاصه اینکه قرارداد با مخالفت عمومی مردم که نمادی از

مخالفت با فیرو زهم بوده است، ملغی گردید. پیدش از همه شهی دسیدحسن مدرس

مواضع اساس بر نه و شد بحث وارد

صرفاً برای دفاع از فیروز و وثوقالدول ه، بلکه

سیاسی دیرینه خویش که پشتیبانی از حق و عدالت بود، مطالبی بیان . پی ک ش رادز همه
شهی دمدرس حساب قرارداد را از وث و جقدا کر . د استدلال شهی دمدرس این بود که به
اعتبار قرارداد نمیتوان وثوق را فردی خائن قلمداد کرد، به همین سیاق همکاران او
مثل همین نصر اتلدول ه را نمیتوان متهم کرد . او توضیح داد البته هر کس خلافی میکند
باید در محکمه محاکمه و در صورت ثبوت ، مجازات شود، اما قبل از تشکیل
محکمه نمیتوان کسی را متهم ساخت:

مذهب من اجازه نمیدهد که مقصر را نباید مجازات داد، میگویم محکمه [اس] ت
که [بای] د رسیدگی بکند که آقای وثوق الدول مع ن تقصیر یا عن قصور این قرارداد
۱ . همان .

قنهمید و پیشبینی نکرد که این « نظر شخص مدرس ساین بود که و شو . . را بست

قرارداد هم از برای ما مضرات [دار]د و هم برای همسایگان، نتیجه او [یعنی

قرارداد]د بر همسایگان این شد که تمام ایرانیان از انگلیس مکدر و متنفر شدند و ما

هم فهمیدیم که به دیانت و استقلال ما ضرر دارد، لهذا جلوگیری کردیم، اگر

دولتی قراردادی ببندد برخلاف صلاح مملکت، نم ت یوان او را مصداق اقدام

۱

برخلاف حکومت ملی قرار داد، [این موضوع] ع هیچ مناسبت ندارد د.

ای ن سخن محکمترین پاسخ بود در برابر سلیمان مایسزکاندری، از آن حیث که او

نف س انعقاد قرارداد را اقدام علیه مشر ووط هحکومت ملی قلمداد ک.رادما شهی دمدرس

استدلال نمود حتی اگر دولتی قراردادی منعقد کند علیه مصالح ؛ک وش ووقروف نداشته

باشد ک ه این قرارداد مضر استن، میتوان اق د ا م آن دولت را تهدیدی علیه حکومت ملی

ب هشمار آور . د ب هعبارتی شهی دمدرس در این بیانات خود، اصل را بر براثت م ق پرا دارد

و دیگر اینکه برخلاف سیاستمداران که نیت را در امر سیاسی چندان نم مه یدمانند

بلک ه به نتایج و تبعات اقدام سیاسی توجه ینمایند، ا و نیت سیاستمدار را هم از نظر

وثوق الدول ه ب ارفقای خود پی ب شینی نکردن د که این قرارداد مضر به دیانت « : دور نداشت

و استقلال این آب و خاک است، من و امثال من در همان ساعت اول این ضرر را درک

۲ و بالاخره هم قرارداد ملعی ش د. « کرده و عموم ملت موافق ت کردند

سخنان شهی دمدرس به نصرال تدول ه شهامت داد تا از خود دفاع کن .بج د ث

او . داد اختصاص خود به را مجلس جلسه دو عملا و شد طولانی بسیار او اعتبارنامه

همان بحث شهید مدرس را پایهای برای دفاع از خود قرار داد؛ نصرت الدوله توضیح داد

هدف او و وثوق از انعقاد قرارداد، ادخیانته به ملت و کشور نبوده بلکه بر اساس

مقتضیات وقت، خود را ناچار از انعقاد آن دیده‌اند و البته در آن شرایط هم قرارداد مضر

به منافع ملت و دولت ایران نبوده است:

آقایان به من اعتراض میکنند که در قرارداد وثوق الدوله شرکت داشته‌ام، بلی من

انکار ندارم، از این مقدمه چه نتیجه‌های می‌خواهید بگیرید؟ اگر مقصود این است که

این سیاست را جماعتی یا عموم مردم مضر به حال این مملکت می‌دانستند و

۹. اسد (مرداد) ۱۳۰۰، ص ۳۵، ۱. همان، مورخه ۲۵ ذیقعدہ ۱۳۳۹

۲. همان .

ص: ۸۳

میا دهند و باید زمامداران و سیاستمداران آن موقع در تحت محاکمه و رسیدگی
بیایند تا معلوم شود که در این سیاست خائن بودها ند، مقصر بودهاند و یا نظر به

۱

مقتضیات وقت به موجب مسئولیتی که داشتهاند اتخاذ سیاستی نمودهان د.

ا و با این کار موافق اس بی تعنی حاضر است در آن محکمه شرکت کند. فیروز ادامه
داد در اروپا بارها گفته است و مطبوعات هم آن هگا فتراهیچاپ کرد انهد ک ه قرارداد
م وقت ی است و اجرای آن منوط است به تصویب م. ن جلسرت الدول ه در پاسخ این
ادعای سلیمان میرزا که گوئی قرارداد به امضای او و و ث روسیقهده گفت که برخلاف این
نظ ر قرارداد به تصویب همه اعضای کابینه رسیده و به دنبال این مصوبه ب هو ثعونقوان
رئیساً لوزرا به تنهایی قرارداد را امضاء کرده اس. د ت ر اینجا بود که او سخن اصلی خود
ر ابر زبان جاری ساخت تا نیت اصلی امثال مسیلی رزماا نرا برملا نماید و نشان دهد به
بهان ه اعتراض علیه قرارداد ۱۹۱۹ که به تاریخ پیوسته بود، اینک چه اهداف مشخصی
تعقیب میشود:

من آن روزی که بیان حقیقت را امضاء کردم انتظار این جواب را داشتهام... من آن

روزی که مصالح مملکت خود را در جلوگیری از نفوذ و دخالت سیاست انگلیس

تشخیص دادم و به این امر مصمم شدم، خودم را از برای هر نوع خرابی حاضر

۲

کردم.

ای ن سخنان بار دیگر پشت پرده تحولات این زمان را نشان . نصرداد تالدول ه همرا هبا

تیمورتاش در یک صف قرار داشت؛ ندصفی که نقطه مقابل جریانی بود که توس طحامی آن

پروپ اقرص رضاخان هدایت می‌شد. آن زمان هم آزادمردانی مثل ش هید م درس ، ال

ام ث

نصرتا لدوله را از آن جریان خاب صهتر تشخی صمی دادن د و از آنها پشتیبانی می کردند.

ک

کسان ی مثل مدرس می خواستن د نشان دهند افرادی ک هبا حرارت از مب ارز هعلی هانگلی ی س

سخن می گویند ، به واق عب اقداما تخ ، آگا وهدان هراه را ب ایرت سل طروزاف زون آن

امپراتوری بر مقدرات ملت ایران باز می گذارند .چگونه می شد مدعی مب ارزه ب انگلیس

ش دو پروندههای کهنه را مطرح کرد، اما در مقابل چهره اصل ل یکودت ا یانگلی س ییعی

رضاخان نه تنها ساکت بو ، بلکه به کمک او شتافت؟ آن زمان نمایندگانی مثل

۳۶-۱ . همان ، مورخه ۲۷ ذیقعه ۱۳۳۹ ، دهم اسد (مرداد) ۱۳۰۰ ، صص ۳۷

۲ . همان .

ص: ۸۴

شهید مدرس، م لک الشعراى بهار، تیمورتاش و نصرالمدول ه ازب از یزیرکان هس فارت

بریتانیا در تهران آگاهی داشتن. د اگر این آگاهی به میان مردم تسری یافمیت و مبدل ب ه

انهایت ام ا. اختس ف متوق رای آت فرایندهای شد می بساچه، دید گرمی می عموجدان

تیمورتاش و نصرالمدول هم راه خود را از شهید مدرس و به ارجدا کردند و با

همکاری با قزاقا، ندرح قیق تسند مرگ خویش را امضاء نمودن. نمایندگان یمثل

سلیمانمیرزا که آنهمه از دوره تیره و تار زمامداری و شوخن میگفتن د و تم ا مکارنام ه

پیشینان را زیر سؤال می بر امثال این صحن

دند، در این نکته تأمل نکردن دکه و ک در

مجلسی سخن میگویند که انتخاباتش در همان دوره به قول آنها تی ره و ت ارسورت

گرفت. پس اگر دوره وثوق همه سیاهکاری بوده، انتخابات مجلس هم از تباهاکاریه ای او

باید محسوب می شد. کسانى که مشروعیت کلیه اقدامات وثوق را با پرسش مواجه کردند،

د مشروعیت مجل ستریدی به خود راه نداد؛ زیرا خود نماینده آن مجل سب هش ما ر

میآمدند. ب اوجود نطقهای طولانی سلیمانمیرزا در مخالفت با نصرالمدوله، ب ادفاعی ات

مستدل مدرس و خود فیروز، اعتبارنامه او تصویب شد.

جمعیت اصلاحطلب و سوسیالیستها

د ر مجلس چهارم سی تن از وکلای دمکرات حضور. دابهشتقندول بها در وازده تن

دیگر هم بودند که به این عده متمایل بودن. اگر ای ن گ روه با ه م ای متلایکرفدن د

ی دولت الا احتمال د و شکیل دهن روت ه ای میان رتمندی از دمکراته ند فراکسیون قد نست توامی

تشکی ل دهند که هم اقتدار لازم را داشته باشد و هم زیر سیطره قزاقان قرار نگیرد. به علاوه

در مجلس چهارم گروه یهم به رهبر شهید سید حسن مدرس تشکیل شد. نام این گروه

بود. « جمعیت اصلاح طلب »

در کنار شهید مدرس کسانی دیده می‌شدند مثل میرزاهاشم آشتیانی معظم

ش، سردار

خراسانی مشهور به تیمورتاش و نصرالدوله روز.

، نصیرالسلطنه اسفندیاری فی‌الطوری

مشخ‌ص‌ش‌هی دمدرس از یک حیث جالب توجه بود؛ او و تحت هیچ شرایطی حاضر نبود

آلات فعل قزاق شود. به روایت بهار، در بین اصلاح‌طلبان بودند کسانی که از حرب‌های

ام‌اشهید مدرس اهل این حرف‌ها نبود. و. «، غیرسیاسی برای اسکات حریف استفاده می‌کردند

مدرس خود را مرد سیاسی و عالم به رموز تمام‌ی‌دان‌نست. بنابراین معنی، حتی یک بار

ص: ۸۵

۱. «هم اجازه نداد که رفقای او این اسلحه کهنه را بکار برند

د ر مجلس چهارم حزب دیگری هم به نام حزب سوسیالیست شد. نیروهای این حزب بر سه دسته بودند؛ عدهای از بقایای حزب دمکرات عصر مشروطه، عدهای از بقایای حزب اعتدالی همان دوره و اعدیه از جوانان که به واقع نسل دومگروههای سیاسی را تشکیک لم یدادند. در آن زمان حمایت از طبقات فرودست جامعه شعاری بود رایج؛ شعاری که حتی توسط گروه دمکراتهای ضدتشکیلی در دوره جنگ اول جهانی سرداده می شد. اینان نام خود را سوسیالیست نهاده بودند تا افکار عمومی را فریب دهند و به عنوان مدافعین اقشار محروم جامعه قدرت خویش را مستحکم. حزساب زند سوسیالیست در زیر عباراتی کلی، یکنواخت و ککن سنلده بیشتر به حزب هرج و مرج میمانست تا یک حزب مدافع عدالت اجتما. ب عدیهی است، جمعیت اصلاطحلب مدرس از سوی اینان آماج حمله واقع می شد، و البته مدافع منافع اعیان و اشراف تلقی میگردید. د و تن از رهبران سوسیالیستها عبارت بودند از شاهزاده سلیمان میرزا اسکندری که از بدو مشروطی تا آن زمان در میان طیف افراطی مشرخواطاهان دیده می شد و دیگری سیدمحمدصادق طباطبائی فیروزند سیدمحمد طباطبائی از رهبران جنبش مشروطه ایران. اینک ه چگونه طباطبائی اعتدالی و اسکندر یدمکرات که زمانی پنجه به رخ هم میکشیدند، توانستند ائتلاف کنند، موضوعی است درخور توجه؛ لیکن سخن در این نیست که چرا دشمنان دیروز با هم آشتی دهاکند. سخن در این است که رهبران مخالف احزاب دیروزی، ن امروز وحدت خود را در یک برنامه محقق ساخته: بودند حمایت از رضاخان سردار سپ. هر رضاخان خود برآمده از اقشار فرودست جامعه. بود

پس تلاش حزب سوسیالیست بیشتر حول ان جداختن موقعیت رضاخان خلاصه می شد؛ در نتیجه خ و در مدافع طبقات محروم اجتماعی ن شما ینداد . از سوی دیگر در آن ایام شوروی به دلیل بر هم زدن معادلات استعماری خود با ایران، در بین برخی رجال سیاسی و اقشار مردم از محبوبیت برخوردار . پیوسته نام سوسیالیست بر گروه تحت رهبری مدافعین رضاخ، انخاصیت دیگری هم داش؛ هتم متیوانست شورویه ارا بفریب ، د تا زمانی که نقشه نهائی اجرا گردد و هم قادر بود افکار عمومی

۲۶-۱ . تاریخ احزاب سیاسی ایران، ج ۲، صص ۲۷

ص: ۸۶

داخل را از گرایش به سوی سایر گروههایی که مدافع واقعی موازن عدالت اجتماعی

بودند به سوی خود منحرف سازد. از حزب سوسیالیست قلابی در هر دو این مقوله‌ها

موفق از آب درآمد.

برنامه حزب سوسیالیست تعبارت بود از ملیشدن وسایل تولید، مرکزیت بخشیدن

به حکومت و حمایت از حقوق کارگرانی که در ایران آن روز وجود خارجی نداشتند.

عبدالحسین تیمورتاش جزو معدود افرادی به شمار میرفت که از ادعای سوسیالیسم

توسط این عده در حیرت برآورد. وادو شگفت زد بود از اینکه م‌دی دعه ای ظهور کردانهد

که در کشوری قحطیزده که نه پایههای صنعتی دارد و نه کشاورزی تویسافتعهه ؛ نه

کاری وجود دارد و نه سرمایه‌ی در آن به کار انخده م‌ی شود ، از تقسیم عادلانه ثروت

سخن به میان می‌آیورند . تیمورتاش م‌ی گفت ابتدا باید سرمایه‌های و الزامات آن به ایران

راه یابد و آنگاه از حقوق کارگر سخن گفت و آنگاه برای دفاع از حقوق ، کارگران

ولی حال‌ی‌ه با بحران شدید اقتصادی و فقر عمومی « حزب سوسیالیست تشکیل داد:

۱. « تقسیم فقر عمومی در عوض ثروت، و مشی در طریق تقلید به نظر غیرمنطقی می‌آید

به هواقع از بدو مشروطه تا آن زمان همه کار گروههای افراطی تقلید بود و

ندانمکاری . آنها پی‌ش‌ت ر به هنگام فتح تهران و استقرار مجدد مش‌ربوه طنقه‌لید از انقلاب

کبیر فرانس‌ه هیأت مدیره یا دیرکت‌وا ۲۱ تأسیس کردند . در فرانس‌ه همی نهیأت مدیره بود

که قدرت را به ناپلئون بناپار س‌ت‌ر د. تأسیس هیأت مدیره دوره دوم مشروطه ایران،

تقلی دیود از فرانس بهعد از اعدام روبس‌پ‌ی ارما حکومت نظامیه مدیره ایرانی

میخواست خیلی دیر از راه ر. سیده واقع ترمیدور انقلاب مشروطه ایران، نه تنه ا
فرانسید، ب لکه کودتای سوم اسفند سال ۱۲۹۹ ب ه فضای خشونت شدت بخ. ب شیهد
عبارتی اگر ترمیدور ۳ انقلاب فرانس ه دوره خوف و وحشت روب را سپ یخراتمه داد،
کودتای سوم اسفند دمقدمه ای ش دبر آغاز دوره جدیدی از خوف و وحشت. اما این بار
د رکسوت حکومت رضاخان ی. نظریه ظهور ناپلئون در هیأت مشروطه، از آن تقزایده و
۹، آذر- اسفند ۱، ۳۶۷ نامه عبدالحسین تیمورتاش به سیدحسن تقیزاده. ۱ - مجله آینده، ش ۱۲
۲. دیرکتوار و یا هیأت مدیره انقلاب فرانسه، به گروهی پنج نفری اطلاق میشد که از ۲۷ اکتبر ۱۷۹۵ تا کودتای
هجدهم برومر ۱۷۹۹، ق وه مجریه این کشور را به دست داشت .
۳. ترمیدور، م اه یازدهم تقویم انقلابی فرانسه بود. کودتای نهم ترمیدور، سقوط روبسپیر و پایان دوره وحشت را
به ارمغان آورد .

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

شرکاست که از همان دوره اول مجل مسیگفتند، م جلس ایران را نباید با مجالس

دویست - رفت . او صریحا گفت ، در ایران دولت

گک قیاس مشروطه نظامهای ساله سیصد

این مجلس از راههای عادی « نباید از پارلمان فقط نظارت و رأی بخ واوهد

؛ نیز

نمیتوان داخل کار شود، بلکه به یک قوه ال فعاوده ق و پنجه آهنینی باید مملکت را

شاهد مثال او هم محمدعلی پایشا مصر و ناپلئون بناپار در ت فرانسه .» اصلاح نماید

بود. ۱ کسانی که تقی زاده را نماد مشروطه ایرا من ی ادن ند ، بدون اینکه سوابق و لواحق

زندگی سیاسی او را در نظر داشته باشند، رض راا خفارتزند انقلاب مشروطه ایران

می ادن ند ، همانطور که ناپلئون بناپار ر تا فرزند انقلاب کبیر فران ت سلهقی م یکنند . ۲ اما

واقعی ت امر این است که هیچ ربطی بین مش رایورا طهن و حکومت قزاقان ودجوندارد؛

کما اینکه قیاس گرفتن رضاخان از ناپلئون بناپارت ، ق یاسی است معالفار ق.

ماهیت جنبش باستانگرایان

درست است که سوسیالیستها از رضا خاون برنامههای ش حمایت میکردند ، اما ن سل ی

از جوانان دوره سقوط مشروطه، فعتارلی ن افراد حامی رضاخاب نه شمار م آیمدند . اینان

گروهی تحصیل کرده بودند و همه تح تأتشی رش رای طای را نبع داز جن گونی زش رای ط

فکری و سیاسی بیالتملی قرار داشتن . دو اهدافشان از همه مشخ ت صر بود؛ تشکیل ارتش

نوین ، استقرار حکومت قدرتمند مرکزی، صنعتی کردن ای ران ، تسهیلا تب را یگسترش

آموزش و پرورش و جدائی نهاد دین از دولت خهوااست ی همبرم این گروه را تشکیل

میداد . ب هاینان گروه تجدد و یا رادیکال گفتمنی د. ایدئولوژی ای ننگ رو ه از ده ه ا قهبل
ساخت ه و پرداخته شده و در در هب و حران ایران در عصر مشروطیت طرفداران زیادی . یافت
برجستهترین نظری هپرداز این گروه عل ایکبرخان داو ر بود ؛ م ردی تحصیلکرده ه که سری پ ر
ش رو شور داش . تعلی دشت ی از دیگر کسانی بودک هنظریاتش در ارتباط با این گروه معنا
و مفهوم م ی یافت. از سوئی م ت یوان کسانی م ث لعبدالله راه، ز م یشفق ک اظموی طیف ی
گسترده از باستانگرایان را در این طیف گنجانی . این ده اهم هب هت شکی لدولت ینظامی
میاندیشیدن د. مرد موردنظر آن انب را یت صد یمسئولی ت در چن ی ندولت ی س ی

ک ج ز

۱ . مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول، ۱۵ ربیع الثانی ۱۳۲۶ ، نطق سیدحسن تقیزاده .

Said Amir Arjomand: *The Turban for the Crown; The Islamic Revolution in Iran*, . ۲
pp. ۶۲-۶۳. (USA: ۱۹۸۸).

ص: ۸۸

رضاخان نبود. نام علی دشت یاز سال ۱۲۹۸ بر سر زبانه افت. انددکی بعد این جوان جو یای نام که تازه از کر ببالازگشته بود، سل سملقهالات ی در رد قرارداد د ۱۹۱۹ نوشت. اندک ی بعد از سوقط و ثو قالدوله، دشتی سردبیری روزنامه افراطی ستاره ایران را برعه ده گرفت و به سال ۱۳۰۱ امتیاز روزنامه شفق سرخ ر گرفت. شفق سرخ در صعود قراق بر

۱

اریکه قدرت نقش بسیار مهمی داشت.

۱

اندیشه باستان گرای ی در ایران نه وجه تشابهی با مکات بکه گرائن ی رای جدر اروپا با همزمان درست اتفاقا که باشد داشته توانست می ئی گرا ملی مکاتب با نسبتی نه و داشت دوره کر و فر رضاخ، اندر اروپای بعد از جنگ قامت برافراشته د. اندویشه های مزبور در اروپا تباری روشن داش، تو از بطن تأملاتی فلسفی س بر آورده ب و؛ دام ادرا ی را نبر اساس التقاطی موزائیکوار از تاریخ ایران پیش از اسلام، اندیشه دیکتاتوری روشنگر امثال بیسمارک و تقلید بیوجه از آراء ناسیونالیستی اروپای بعد از جنگ شکل گرفته بود.

ویژگی دوره زمانی بعد از کودتای سوم استفان ت دغیر سلطنت، این است که شعارهایی که از پیش طرح و نشر میشدند، بهصورت هوشمندان اهی در کنار هم به کار گرفته شدند. در این زمان بحث ملی گک ترائی آنهم از نوع باستاگنرائی آن که سابق ایه دیرینه از زمان بعد از جنگهای ایران و روسیه داشت، در کنار مفاهیمی مثل سوسیالیسم دستاویز رضاخان و طرفدارانش شد. دهمه م یدانند مبانی فکری و فلسف ن یاسیونالیسم تا چ هاندازه با سوسیالیس ت ممایز و تفاوت دا. ر دحداقل نخبگان قوم باید توجه دمایشند

که ه این دو مسلک سیاسی و اجتم، ا عبسیترو منش ا عقیدتی چپ و راست را تشکیل می دهد؛ لیکن در کمال تعج، بسوسیالیستهای طرفدار سلیمان میرزا در کنار ملیتگرایان طرفدار اندیشه باستانگرایی به خدمت قزاقان درآمد. نطدرفداران استقرار حکومت خود کامه یک راه حل معنیشناختی ۲ برای پیشبرد اهداف خود ابداع ک ر: دن حکدومت دیکتاتوری مورد نظر آنان م ت یوانست چهره دو گانه ا یداشته باشد که از سوئی باستانگرایی ترویج شده از سوی گروهی خاص از پارسیان؛ هن و ا دز سوئی سوسیالیسم امثال اماناللهخان اردلان بو د.

ب مهر روی د رمجلس چهارم ، حزب سوسیالیست بار دیگر شروع به بحرانسازی و

۱. Primordialism.

۲. Semantic.

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

آشوب کرد؛ صفحات جرای د خود را از فحش و ناسزا انباشت؛ هتاکی را به نهایت خود

رسانید؛ و بار دیگر افکار عمومی را به سوی ضرورت استقرار دولتی قدرتمند رهنمون

گذشته ادوار مثل. نداشت باور آن موازین و مشروطه به الزاما البته که دولتی؛ شد

رهبران این تشکیلات نوظهور، هر دولتی را که از خون دم یدانستند سرنگون میگردند؛

مجلس را دچار تن شم یساختند؛ و مردم را متحیر و مات ب امق ییگذاشتند. اینه ا را همه

ب ه نام سوسیالیسم انجام م یدادند؛ وانمود میگردند به همسایه شمالی تمایل دارند و

و

ب هاین شکل با اعمال و کردار خود نرف تاز این قدرت نوظهور را هم دامم نیزدن د.

به واقع آن زمان کمتر کسی بود کهدیگر خواهان جنجال باشد. کثیری از روشنفکران و

ارباب جراید به دنبال اصلاحاتی بودند که اگر صورتمتگرفت، ک شور از دست

ب ه همین سبب حزب مزبور تنها ماند و در قبال او حزبی درست، ففن طشد. « میرفت

سوسیالیست مؤسس دعوائی گشته بود که مدعی علیه واقعی نداشت، زیرا هم خود آن

حزب و هم دیگرانمیدانستند که مطلب از چه قرار است و چه کسی گلوی مملکت

۱. « را گرفته است... در واقع اسباب و ابزار کار برای سردار سپه درست میشد

در این میان شهی دمدرس موضعی متعادل اتخاذ ک. رادو حتی بعدها با شیخ خزعهلم

وارد تماس ش؛ د زمان ی که احساس کرد قزاق عزم خویش جزم کرده اس تت انه از اک

ت

اثری باقی گذارد و نه از تاک ن. شاینن موضعی مهم و ن شانی ب ود از بصیرت یاسیس

مدرس. شهی دمدرس آن زمان یدانس ت که رضاخانقصه دارد آخرین نشانها یمشروطه

را از بین ببر د. برای همین هم از نفوذ خزعل که از قانون اساسی مشروطه دفاع میکرد و میخ واست به هر نحوی شده احمد شراا هبه ایران بک شاندت اجل وی ق درت روزافزون قزاقان را بگیرد، استفاده کرد تا مگر مسیر تاریخ را عوض . ای ک ن نرف دتار سیاسی مدر سکه توأم بود با حمایت او از اص م و لشروطه و حفظ استقلال ایران زمین با توسل به کلیه اب زار

۲

ممکنه ، برای بسیاری از مورخین و تحلیلگران قابل فهم نی . بسا ایتن و ص ف گروه سوسیالیسته ا به جای تکیه کردن بر آزادگی مد، رهم سه تلاششان معطوف به مشوه ساختن چهره او بو. د آنان که خود را مدعی آزادیمیدانستند و میگفتند بر ضد ارتجاع ک ه شهید

۱ . تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۱۳۲

۲ . برای مثال ن ک:

.Homayun Katuzian: The Political Economy of Modern Iran, p. ۸۷

ص: ۹۰

مدرس سردمدار آن است مبارزه میکنند. جراید این سوسیالیستهای تقلبی مملو بود از حمله تلاش م یکردند او را از « کهنهپرستی » و « آخوندبازی » ب هشهی دمدرس ه عنوان مبارزه با ک ب ه

۱

سر راه بردارن د. بدتر اینکه چنین رجل برجستهای را انگلوفیل معرفی مینمودن د.

برنامههای دولت قوام

رفتن سیدضیا ء چیزی از صورت مسئله بازی برای ادنیربار ایراننکاس ت.

تولید کدورت و آوردند می وجود به سوء تفاهم ولیعهد و شاه بین مَرْتبا انگلیسیها مینمودند . ب ه آنها اتهام رشوه خواری می زدن د. شاه و ولیعهد را متهم کمزیرند مناصب دولتی و دیوانی را مفیروشدند تا بر ثروت خود بیفزا؛ی نگدوئی آنان نه زمامداران ایران بلکه مشتی غارتگرند . نورمن دروغ یا راست گزارش مدای د ولیعهد چندروزی بعد از

۲

کودتا به سفارت انگلستا نرفته و پیشنهاد کرد جانشین برادرش .ش ب عویدد به نظر میرسد ولیعهد ایران مرتکب چنین جهالتی شود و روز روشن به سفارت بریتانیا رو د. هرچن د تلاشهایی برای ایجاد شکاف بین دو برادر وجود ؛د هشتم ا تز سوی توطئ گهران و هم از سوی خاندان ستلطن ،ا ما گزارش های ی از این دست که کشف صدق و کذب آنها چندان دانشی همنمیطلبد ، خود نشانی است از اینکه چگونه دربار ا ا ن بیازریچه دست سیاستبازان درجه چندم بریتانیا واقع شده بود .

طب قاسناد بریتانیا اختلاف نظر د ر سیاستهای منطق ا هی این کشور از زبان سیدض،ی اء

محمدحسن میرزا ولیعهد و احمدشاه بیان شده اس . تبر اساس اسنادی که انگلیسیها در دسترس علاقه مندان قرار میدهند ، اختلاف کاک سو نورمنبر سر آینده ایران به ای ن شکل بازتاب یافته که گویا سیدض بیا ءحمایت ولیعهد پیشنهاد کرده است در صورت تهدید بلشویکه ا حکومتی مستقل در جنوب ایران تشکیل . د ا هناماد نورم نگفته است به عنوان نماینده بریتانیا در دربار ایرانمیتواند حرکتی انجام دهد که هدف آن برافکندن احمدشاه باش د . نیز او بر این باور است یکپارچگی ایران باید حفظ . شدرو دآن روزها حامل پیامی از د و ب بمبئی در اکنون که سیدضیاء . کرد هند به هم سفری ولیعهد ظاهراسوی نورم ن خطاب به وی بود؛ مطالب فواقلدکر همه در این پیام گنجانیده شده بود .

۱ . تاریخ احزاب سیاسی، ج ۱، ص ۱۳۳

.Norman to Curzon, Tehran, ۲۵ March ۱۹۲۱, FO ۴۱۶/۶۸.۲

ص: ۹۱

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

ظاهر قضیه این است که سیدضیاء لاقاتی هم با نایب‌السلطنه هند داشته است؛ زیرا نورمن به او گفت مکاتبات خود را فقط از طریق دفتر الناسیلسطن به ارسال کند و از دهلی و سیم، لاپایتخت تابستانی حکومت هند انگلی، تسلگراف نزنند که باعث ایجاد سوءظن در ایرا نخواهد شد. د ۱ همزمان نورمن، سیدضیاء را فریب مدادی و ای نگونه وانمود می کرد که امپراتوری بریتانیا او را رها نکرده و تنها نخواهد گ. ذامشام ته م نبود که نورمن چه تصمیمی م گ یرد. مهم این بود که کرزوننای ا بسلطنه هن د چه میگویند. کرزن در مقام یک مرد اشرافی حرا نب ضود حیثیت خود را گروگان آینده روزنامه نگاری کند که بخت خود را آزموده و سرافکننده از این آزمون خارج شده بود. برای کرزن مهم این نبود که سیدضی یا چه خدماتی به منافع امپراتوری انجام داده است، مه م این بود که او زیعهدنام ا هی را امضا کرده بود که به شورو اجا یزه م د یا د در صورت حمله دولت ثالث ی به ایران، به خا ا کین کشور نیرو اعزام دا. رندا ییالسلطن ه هم با سیدضیاء میانهای نداشت، زیرا اساسا روی آینده کسی دیگر شرط بندی کرده بود و آن فرد هم کسی نبود جز رضا. خاحنلقه هائی که رضاخا نرا به نای ال بسلطنه هند پیوند می داد بیشتر از آن بود که سید ضایباء ن روزنام ن هگار پرمدهای سالدھوح می پنداشت. رضاخان مورد حمایت نای ال بسلطنه بود و وزارخان ته ه ای خزانه داری، جنگ و مستعمرات انگلی؛ س اما مدافعین پابرجای سیدضیاء چه کسانی بودند؟ از آن سوی کرزنکه با ماهیت کودتای سوم اس فآنشدنائی داشت و دست نایب‌السلطن ه را در پس آن مدی ید، روز ۲۸ تیرماه ۱۳۰۰ به صریحترین وجهی اطلاع داد

که مخالف مسافرت ولیعهد ایران و سید ضیاء هن دم باشد. کرزن توضیح داد نخواهد
گذاش ترئیس الوزرای برکنار شده ایران از هن بده مثابه پایگاهی برای اقدامات خود
استفاده کند. به همین سیاق او از نایب‌السلطنه خواست تمهیدی بندیشد تا ولیعهد از

۲

آن کشور خارج شود.

ت ف گ نورمن به صریحا خود، های برنامه اعلام ابتدای همان از قوام حال هر به
نمیتواند مستشاران مالی بریتانیایی را بپذیرد؛ ادز آن روی که مردم با انگلست خاصنومت
میورزند. او گفت تنها در صورتی میتواند اختیاراتی محدود به انگلیسیها بدهد که آنها

.Norman to Cox, Tehran, India Office and Foreign Office, ۱۰ July ۱۹۲۱, FO. No. ۳۷۱/۶۴۴۶.۱

.Curzon to India Viceroy, London, ۱۸ July ۱۹۲۱, FO. No. ۳۷۱/۴۶۶۴.۲

ص: ۹۲

وامی در اختیار ابرق نرار دهن . د علت نفرت نورمانز قوام در پرتو این مکاتبات

روشن میشود؛ قوام مردی نبود که آلت فعل نورمن شو د.

با تمام این اوصاف کابینه‌های که به مجلس معرفی شد دارای ترکیبی ناموزون بود که

شاید از سرناچاری معرفی شده . ب م ودؤتم نالملک ، رئی س مجلس هم گفت کابینه‌ی که

ب همجلس معرفی شده، همان است که به احمد مشعرافهی شده ب و . داین توضیح

ضروری است که کابینه قوام در زمان گشایش لمس ج ترمیم ش . بن دابراین هرچند

نقائصی چند داشت، لیکن از جهاتی بهتر از کابینه نخست او . از ب جمولده اینکه در

کابینه قبلی محتشال مسلطن اه سفندیاری وزیرامور خارجه و مسترال شادوله صادق وزیر

مشاور بود، اما در ترمیم کاب، ی نبهران سازان دوره بعد از بحران م اشز رکواب طینهه

بیرون رانده شدن د.

روزی که کابینه معرفی شد ، قوام نطقی در صحن مجلس ایراد ؛ کازر آدشوب و

بحرانهای کشور سخن به میان آورد ؛ اینکه دیگر دوره وقت گذرانی به سر آمده و روز

عمل فرارسیده اس . تقوام از مشکلات پیش رو و از ضرورت همراهی قوه مقننه با قوه

ت ابا توحید مساعی و افکار به نتایج مطلوبه که دیر زمانی است ، « مجریه صحبت نمود

ملت ایران از اصول مشروطی ان انتظار داشته موفق گردیده، هرچه زودتر به اصلاح و

اواز نمایندگان خواس آنچه را که حالت آمال و آرزو دارد « ترمی م خرابیها شروع شود.

ب ه دور ریزند و نقشه اصلاحاتی را طحرای کنند که به حال کشور م فوی دقابلیت اجرا

۱. تکمیل وسائل نظم و امنی؛ ۲. ایجاد و اصلاح: «برنامه‌های او عبارت بود از

وسائل ارتباطیه و سعی در تهیه موجبات دای شردن و استفاده از منابع ثروت داخلی

مملکت بوسیله اعطاء امتیازات مفیده به شرکتهای ال ب میلنی و تشویق تأسیس شرکتهای

ایرانی؛ ۳. اصلاحات اداری برای حفظ سرحدات و استقرا ظرم و امنیت طرق و شوارع

کک ۳ از ن یظر قو ابمعد از امنیت « و اجرای قوانین و تزئید نفاذ امر حکومت ..م. ر

در « مهمترین اولویت ترمیم راههای مواصلاتی و احداث خطوط آهن؛ زیرواد راه آهن

.Norman To Curzon, Tehran, ۱۱ June ۱۹۲۱, FO. ۴۱۶/۶۸.۱

دولت قوامالسلطنه و سیاست توازن نیروه ا

۲. مذاکرات مجلس شورای مل، ی دوره چهارم، یکشنبه هفتم صفر ۱۳۴۰ ق.

۳. مذاکرات مجلس شورای مل، ی دوره چهارم، یکشنبه هفتم صفر ۱۳۴۰ مطابق با ۱۶ میزان (مهر) ۱۳۰۰، ص ۱۳۱

ص: ۹۳

حکم شرائین مملکت است که بدون آن جن رایماور تجارتنی و اقتصادی متوقف و

« . حیات اجتماعی در خطر است

دیگک ر اولویت کابینه اصلاحات مالیه و جلب سرهامای یه خارجی بود. او در این باب

نطقی مشروح ایراد کرد .

د رجلسه بعد عداهی از نمایندگان برنامه دولت را بررسی کر. دنفهدیم المل ک گفت

برنامه مهم نیست، مهم این است که آیا به برنامه م ع یمشلود یا خیر؟ او گفت هدف

حفظ قانون است، باید دید چه تمهیدی برای صیانت از قانون اندیشیده شده است؟ و

با اشاره به کابینه سیدضیاء توضیح داد:

چند روزی چند نفر قاجاقچی روی کار آمدند از هیچگونه فجایع فروگذار نکردند،

یک چندنفری از آنها که عضو مجلس بودند مجلس حسب الوظیفه آنها را رد نمود،

نسبت به آنها ابداء ولی غیر از آنها سایرین که در دوائر دولتی یا در خارج بودند،

مسئولیتی متوجه نشد و معلوم نشد که این قوانینی را که در مجلس تصویب شده

چرا نقض کردند؟ ۱

او پرسید دولت برای حفظ قانون و اعمال مجازات در برابر این افراد چه نظری دارد؟

تیمورتاش هم مهمترین مسئله کشور را عدالت و نان و امنیت و کار . بداهه نظسرت

او امنیتی اعم است از مالی، جانی و حیثیتی تو یهرکس متعرض این امنیت شود، ملت

اب عااش دو « از طرف راست و جزء ارتج » اب خوش بین نخواهد بود چه

یران ه متعرضین ،

وا ۲۱ او گفت اولویت مهم قشون است، « . طرف دست چپ عناصر مفرط آزادیخ » چه از

عقیده من قشون امروز برای حفظ مملکت ایران مقدمتر از هر چیز است، من به قدری «ب
د موضوع قشون غلو دارم که گموی یم دولت ایران و مجلس شورای مل باید تمام
مخارج زیادی را حذف کرده و هرچه پول پیم دایکند برای قرض تأمینیه خودش
ت اوقتی که ما قشون نداشته باشیم ما یک ملت واحد ایرانی « ۳ او ادامه داد .» . مصرف کند
شهی دمدرس هم با برنامه دولت ق و ااعلام موافقت ک.رادو گف : ت .» . نمیتوانیم داشت
رجال مملکت تفاوت ندارند هرکدام متناسب وقتی هستند، بنده به چه لحاظ عرض «

۱ . همان، یازدهم صفر ۱۳۴۰ مطابق با ۲۰ میزان ۱۳۰۰، ص ۱۴۰

۲ . همان، ص ۱۴۱

۳ . همان .

ص: ۹۴

کردم آقای قوامالسلطنه ب ه رای امروز خوب است؟ زیرا تا شنیده بودم ال ق سلطوا نهم را
« . شخص فعالی شنیده بودم

شهی دمدرس از نمایندگان خواست برای اجرای برنا هامهی قوام با او همکاری کنند

را « ملاحظه کاری و ب هاصطلاح عوافمربیی « پرهیزند؛ قوام هم باید « بهانهجوئی » و از کنار گذار د . اوبه سوابق دولتهای
قبل اشاره کرد و اینکه در این عصر مشروطه رسم

ما باید بیائیم و یک « شده کابینه ها را یکی بعد از دیگری ساقط می کنن د . اما این بار

او توصیه کرد برای « . دولت ی راق ب رهالی الله دو سال یعنی [تا پایا] ن دوره تقنینیه نگاه داریم

ت ه ر ناملایماتی تحمل و از تجربیات دوره « صلاح مملک » پیشبرد امور کشور و

مشروطه ه به بعد درس گرفته ش . ا و دشهی دمدرس در جلس اهی دیگر معیار خود را در

خوب ی و بدی کابینهها، خدمتگزار مردم بودن تلقی کرد گفت نباید بی ال تمال را به

البته هر کس ایران خواه « کسانی داد که برای مردم قدمی نمبری دارند . سپس ادامه داد:

باش د و عقیده داشته باشد که این مملکت برای ایرانی بماند، باید مال عموم را خرج

تمام این مقامات که از سلسل ها هی « نکته دیگر این است که « مصارف عمومی بکن . د

مختلف هستند شاه و رئیس الوزرا، پارلمان، حجات لاسلام، تمام اینها نوکر خلقند؛ یکی

اسم ش شاه است یعنی نوکر مردم، یکی اسمش رئیس الوزراء است یعنی خدمتزا گر

د در اینجا مؤتمنا لمل ک سخن مدرس را قطع کرد و « . مردم ، تمام اینها باید نوکری بکن . ن . ن

گفت همه را نمی شود نوکر خطاب کرد ، اینها با هم تفاوت دا . رن ا دم امدرس ادامه داد:

پس به زبان فارسی خودم حرف می زنم و زبان خودم را میدانم . خدمتگذار مردم «

هستم ، شما تحصیل کرده ها را نمیدانم شما تحصیل کردهاید ، طور دیگر مگیوئید من

نمیدانم، م ن میگویم پیغمبران خدا هم که از همه برترند نوکر خلقند، من گوی م م آن یها

۲

«. را خدا برای خلقش فرستاده، نفهمیدم ایراد کجا بود

یک ی از بهترین پیشنهادهای مدرای سن بود که تعارض بین مدارس قدیم و جدید از

میان برداشته شود و تعلیم علوم به اگونهب ی اشد که از درون همان مدارس قدیمه،

علمی تدریس گردد که مطابق است با مقتضیات زمان. او از علم حقوق شروع کرد و

گفت مهمترین بخش معارف تأسیس دارالترجمه است، و ادامه داد چهل سال است

۱. همان، ص ۱۴۶

۲. همان، سهشنبه ۲۵ میزان (مهر) ۱۳۰۰ مطابق با ۱۶ صفر ۱۴۰۰، ص ۱۶۱

ص: ۹۵

دکتر «؛ شنیده می‌شود عد های می روند و نام خود را دکتر می‌یگند ذارند

د از ایران به اروپا

یعنی مجتهد، یعنی این شخص رفته و این علوم را تحصیل کرده و یک قوه استنباطیه

همدرس ابراز تأسف کرد از اینکه کسانی که به خارج رفتان هد و « در این علم پیدا کرد.

در این علوم تحصیل نمودها ند، چرا به هنگام بازگشت به ای آ رامنوخته های خوی ش را

ترجمه نکرد دهان دم؟ درس خطاب به دکتر امیراعلثقمفی پرسید چرا کتابهایی را که

خوانده است ترجمه نمی‌کند و در اختیار عموم قرار نمیده د؛ زیرا در این صورت

صدهزار تن میتوانن د از آن کتابها استف اده کنند، اما اگر خواننده ناچار به آموختن زبان

برای فهم کتابها باشد، چون آموزش زبان با دشواری مواجه است، در بهترین حالت

تعداد این عده بعد از چهار پنج سالب ه هزار تن هم نمیرسد .

میشنوی م جمعی علم حقوقمیخ وانند ، من تا « مدرس درباره علم حقوق گف : ت

بحال نف همیده ام علم حقوق یعنی چه؟ تمام هم اسمشان دکتر است، آخر این علم

حقوق رمل است، استرلاب است، چه چیز است ن کمهیشود ترجمه کرد و در این

۱

خوانده ا « . مملکت منتشر نمود که من هم بخوانم دیگری هم ب

در مورد مدارس قدیم ی

هم گفت همانطور که از درون آن مدارس بحث مشروطه شکل « عتیقه » ب هقول او

گرفت ، و دو تائی دیانت و سیاست و دولت و ملت از میان برداشته شد، به همان شکل

هم می توان علوم جدید را در مدارس قدیم آموخت و به عبارتی م ت یوان بین قدیم و

ساخت برقرار گفتگو نوعی جدید : « قدیمه مدارس که در کنند می گمان بعضی واقعا علوم جدیده را نباید خواند، خیر اها نهمان طبیعات و ریاضیاتی است که سابق ما ه می خواندیم و در سم ی ا دیم ولی حالا طبیعات اروپائیا کالمتر است و برای آنها

۲

د ر مورد عدلیه هم مدر سچنین نظری داش و تم ی گفت « . اسامی مختلفه گذاردها ند باید برای قوانین قضائی ما، اهتی ی را از قواعد مذهبی خودمان اخذ کنیم و کیفیت « اجرایش را از قوانین کلیه عالم از آقایان سؤال کنیم که اگر شخص من یا آقای آقا میرزا طاهر و یک نفر دیگر مثل ما برویم پاری و سدر یک محکمه بنشینیم و در موقع زنگ هم حاضر شویم آیا یک محاکمه یک پولی میتوانیم بکنیم؟ و همچنین اگر سه نفر قاضی آن مملکت که درجه دکتری داشته باشند بیایند در مملکت ما توانند م قیضاوت

۱ . همان، یکشنبه ۲۱ صفر ۱۳۴۰ مطابق با ۳۰ میزان (مهر) ۱۳۰۰ ، ص ۱۷۸

۲ . همان، ص ۱۷۹

ص: ۹۶

کنند؟ خی ر! چرا؟ برای اینکه حقوق عمومی آن مملکت به درد این م مملکتی خورد و

۱

». هم چنین با یک کتاب شرایع خواندن هم نمیشود قضاوت کرد

مدرس از تجربه نگارش قانون ب همکاری مشیرالدوله سخن گفت و آنگاه ادامه داد

زمانی که او و مشیرالدول قهوانین عدلیه را م ن گياشتند ، هیچ ماده قانونی در کشور

موجود نبود. با این توضیح می خواست ثابت کند می توان علوم قدیم را با معیارها و

ضوابط جدید بشری منطبق ساخت؛ تکما اینکه او و مشیرالدوله این شکل قانون

محاكمات حقوقی و قانون اوقاف را نوشتند .

در موضوع برنامه‌های دولت قوام، وقتی بحث برنامه‌ها یوزارتخانه ای مختل ف

مطرح بود، فراکسیون اقلیت به رهبری سلیمان میرزا یا ساکت بودند و یا مطلب مهمی

بیان نکردند؛ اما همین که هنوبت به وزارت مال یوه مصدق رسید، سلیمان میرزا انطقیهای

طولانی ایراد کرد و نسبت به توانائی مصدق اصلاح مالیه ابراز تردید نمود و گفت

صریحا مصدق . از خارج وجود ندارد برای اصلاح مالیه هیچ راهی جز استخدام مستشار

گفت با استخدام مستشار خارج مخالف است، رازمی ستشاران اتکایشان به

سفارتخانه های خارج ی مقیم تهران است . تا توضیح داد بارها تجربه شده کابینه و هیأت

دولت بعد از مدتی سقوط ک ارندده ، ولی مستشاران باقیمانده اند . مصدق توضیح داد که

علت امر در این است که مستشاران اتکایشان به جائی غیر دولت ایران بوده است،

وگرنه وقتی هیأت دولتی نمیتواند دوام داشته باشد، چگونه انتظار دارد مستشاران

اینکه م یگویند ایران ی : « مقابل او پاسخگو باشند؟ مصدق خطاب به سلیمان میرزا گفت

نمی‌تواند کار کند مگر بواسطه وجود خارجی، هیچ خارجی دلش برای ما نسوخته
است، هیچ خارجی در فکر خانه ما نی، ساگتر شما خودتان فکر خود نباشید خارجی

۲

«فکر شما نیست»

مصدق گفت از ابتدای تصدی مسئولیت وزارت مال خیتی هارات خواسته است، اگر
این اختیارات داده نشود، اصلاحاتی که به نظر او با تجدید ساختار می‌تواند و این‌ها محقق
بند اول که عضویت کابینه را قبول کردم با «شود، غیرممکن خواهد بود و ادامه داد:
این شرط بود که اختیاراتی به من داده شود، دست بنده را باز دارند و بگتوانم کار کنم،

۱. همان، ص ۱۸۵

۲۱۱-۲. همان، سه شنبه سلخ صفر ۱۳۴۰ مطابق با نهم عقرب (آبان) ۱۳۰۰، صص ۲۱۳

ص: ۹۷

بنده مقصود نداشتم که در مجلس بیایم و کشتی بگیرم، بنده خواستم به مملکت و مالیه خدمت کنم، مقصودم چیز دیگری نیست، این مقصود بنده بود نم یوخواست م با کسی

۱

در این جلسه مصدق و سلیمانیزاحتی به یکدیگر فحاشی کردند و «کشتی بگیرم بعد از این ماجرا وزیر پیشنهادی مالیه جلسه مجلس را ترک نمود و بیرون رفت.

روز بعد از معرفی کابی، ن قهوا م بار دیگر برنامه دولت خود را برش. مطربدق ای ن

برنامه باید رفع بیکاری به عمملیآمد و به طبقات فرودست اجتماع پرداخته مشی دتا

وضعیت زندگیشان بهبود یابد. مقرر شد بانک استقراض یکه بعد از انقلاب روب سیاه

کلیه تجهیزات و امکاناتش به دولت ایران واگذار شده بود فعال گردد و به عنوان

نخستین بانک دولتی ایران سرهمایاهی لازم را از منابع داخلی تهیه. تکآسندیس

شرکتهای گوناگون برای تولید شغ، لتلاش برای یافتن منابعی جهت استقراض داخلی،

تنظی م بودجه کشور برای جلوگیری از کسری آن، توسعه معارف، لغو کاپ، ی تولاسیون

گسترش معارف و ایجاد تأسیسات بهداشتی در ایالات و ولایات از برهنام یهدیگر

دولت نخست قوام به شمارم یآمد. ۲ ب ه ه رحال رضاخاندر کابینه باقی ما؛ ن گدوئی

ه ب م ه و اتا رسانند جنگ وزارت به راوی تا بود گرفته صورت آن برای صرفا کودتا

نوبه خود مقدمات اقدامات مهم دیگر را فراهم آورد.

انگلیسیها و سیاست تضعیف دولت قوام

در کابینه قوام، مهمترین اقدام رضاخان تلاش برای ایجاد ارتش متحدالشب کو لد. در

ای ن راستا رقابتی نهانی بین قوام و وزیر جنگش در گرفت. رئیسال وزرام یخواست قوه

ژاندارمری را کما ق یلساب ق نگه دارد و آن را تقویت نماید، لیکن رب ضاهخعاننوا نوزی ر
جنگ تلاش خود را مصروف به تقویت قوه قزاق ک.رادند ک اندک ژاندارمری را هم زی ر
سلطه خود گرفت؛ ت هرچند قوه ژاندارم تلاش دک ارستقلال خود را حف ظکن . ردضاخان
توانست از طریق فرماندهان قوه قزاق در اقصی نقاط کشور قدرت خویشتن را بسط ده د.

د ر حالیکه رئیساً لوزرا درگیر کارهای اجرائی خود بود، رضاخان دامنه قدرت
وفادارترین نیروی نظامی به خود را به شکلی غیرقابل تصور افزایش دا د. قوام که

۱. همان، ص ۲۱۳

۲. تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۱۲۳

ص: ۹۸

میدانست وزیر جنگش چه نیاتی در سمریپرورواند مستقیم و غیرمستق یومارد نزاعی
بیسرانجام بر سر حفظ نیروی ژاندارمری گگ ر.دیام دا آنچه کار قو ارما در این کارزار
بیشتر زار کرد، شخصشاه بود د . احمدشاه م یخواس ت به فرن گگ رود و خیال خویش را
از آنچه در کشور م گیدشت آسوده ساز .د برای این منظو روی تلاش میکرد حمایت
سردا رسپه را جلب کن؛دزیرا هیأت دولت و مجلس و مردم آگاهی که از تحرکات
رضاخان بیمناک بودن ، د با این مسافرت مخالف م ت یورزیدند . شاه جوان و بیتدبیر که
د ر فضای خوان فگیز بحرانهای بعد از مشرو طباهلیده بود، رضایت رضاخ ابا ن مسافرت
خود را م یطلبید ؛ غافل از اینکه ای ر نضایت نه برای احترام نهادن به وی، بلکه برای
اجرای نقشه ای بود که صبورانه آن را پمیگرفت. رضاخان حمایت خود را از
مسافر تشاه مشروط به پذیرش ادغام ژاندارمری در قوه قزاق . نبمالاودخره هم با
موافق ت شاه و تح ت تأثیر بیانی هها و نطقهای رضاخا ، ن فرماندهان ژاندارمری به ادغام در
نیروی قزاق وادار شدند و مقرر گردید عنوان هر دو نیرو برداشته شو و از قدوه
متحدالشکل به عنوان قشون یاد شو د.

در نیمه های آذرماه سال ۱۳۰۰ رضاخان با وابسته نظامی سفارت انگلیس ملاقات
کرد . د ر این ملاقات او اظهار داشت تعداد قزاقهایش به سی و چهار هزار تن بالغ
شده اند ب و رای ادامه عملیات خود نیازمند مسا اعدیهاست که از محل ح اقلامتیا ز ایران
د ر شرکت نفت باید پرداخت شود و در غیر اینصورت دستگانهائی که دولت از طریق

حداقل برای اینکه قوا مرا به زانو درآورند، نه تنها کمکی نکند، ر بدلنکده موزیانه اجازه دادن د او بر محل ادرائیهای دولت دس ان تدازی کند تا رئیس الوزراء بیش از پیش نداده یاد او به را چیزی چنین انگلیسیها خود که معلوم کجا از؛ اصلاً گردد تضعیف باشند. در این حال به دولت اتهام فساد زدند و لورین گزارش داد در ایران دولتی به

۲

فساد دولت قوام وجود نداشته است.

لورین از بد و ورود به ایران تا مدت چهار سال در کشور اقامت داشت و در واقع او بود که رضاخانرا برای صعود بر تخت سلطنت همراهی کرد. این لورین بود که شایعه

۱. Bridgman to Curzon, Tehran, ۸ December ۱۹۲۱, FO. ۳۷۱/۶۴۰۷.

۲. Lorain to Curzon, Tehran ۲۲ December ۱۹۲۱, FO. ۴۱۶/۶۹.

ص: ۹۹

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

فساد قوام را به مقامات بالاتر از خود ارسال داد م شیت و همین قضاوت در آراء بسیاری از تحلی ل گران و مورخان داخلی و خارجی راه یافت. لورین بود که رضاخا نرا تقویت میکردت ا علیه قوامصفآرائی نمای د. بدون تردید ق ومامردی نبود که رهنمودهای لورین را آویزه گوش قرار دهد؛ پس علیرغم توصیف وی به تیزهوشی، وزیرمختار بریتانیا همیشه از رضاخا پ نشستیانی میکرد؛ م ردی که به قول او سربازی بود ماجراجو اما فاقد سواد حتی کمتر از حد متعادل. درر فست به همین دلیل بود که لورین وی را مردی ارزیابی میکرد که میتوان برای دستیابی به اهداف ن ب دلتر مورد استفاده واقع شود. لورین یک بار در سالهای بین ۱۲۸۵ تا ۱۲۸۷ به عنوان دبیر سوم سفارت بریتانیا در ایران کار کرده ب و.د این دوره از حیات او در هیچ منبعی از منابع دوره مشروطه ط تصور می کنند بریتانی ا « به غل » منعکس نشده اس. تلورین گزارش می داد ایرانیان میخواه د درکشورشان جای پای روسیه تزاری را پر کن؛ د و افکار عمومی ایران علیه انگلیس است. ۱ مبرم ترین مأموری تلورین این بودت ا این احساسات عمومی را به لا که نماید منحرف ای گونه. در لورین. شود تمام انگلیس درازمدت مصالح نفع به م پشت سر کسانی سنگر گرفت که شعارهای ضدانگلیسی دامدن ید اما اعمالشان همه به نفع انگلیس تمام میشد. ای ن دسته افراد، رجال برجسته ایران را متهم به انگلوفیلی میکردن د. در رأس این اتهازنمندگان حزب سوسیالیس ق ترار داشت که نوک تی ز حملات خود را متوجه قوام کرده بود.

کرزن در لندننشست هب و د و از ش رای طای را ناطلاع یند اش. او نمیتدان س تی ا نمیتوانست بفهمد که ایرانیان چقدر از انگلستان نفرت دارن. دکرزن مثل کاکس تنها امیدش

ای ن بود که خوانین جنوب و جنوب غربی ایران همچنان در مدار منافع بریتانیا . نیاز شانود
مدافع طرحی بود که یک ماهی بعد از کودتای سوم ت اوسسفنظد انگلیسیها در مورد آین ده
کردستان عراق طراحی شده ب و.د طبق این طرح که در قاهره و در جری انی کگردهم ائی ی
تدوین شد، کردهای عراق زیر نظ ر مستقیم انگلی سق رار میگرفتن د. آنه اح قداش تن د از
خودمختاری محلی و اداری برخوردار شوند و کمیسر عالی انگل یس در بغ داد یعنی سر
پرسی کاکس ب ر آنها نظار تم ینمود . برای کاکس مهم نبود که آیا در ای رداول نتی مرکزی و

۱. ۴۱۶/۶۹. FO. ۱۹۲۱, December ۲۲, Tehran, Lorain to Curzon.

ص: ۱۰۰

مقتدر وجود دارد یا خیر، مهم این بود که شیرهای نفت همچنان به روی ب ا ب ز برایت شایا د.

همان سناریوهای قدیمی در وزارت خارجه انگل یموسرد بررسی قرار مگیرفت. عده ا بیر

ای ن باور بودند که باید تلاش کرد ا یهرا منچنان به صورت ملو کالطوایف ی باقی بماند، را

زی

این وضعیت به نفع انگلیس تمام خواه د ش . دعهای دیگر مثل همینل ورینو البته

حکومت هند انگلی سمعتقد بودند ضرورت دارد در ای را حنکومتی مقتدر ک ه در راس تای

منافع انگلیس باشد استقرار یاب . ا دی ن دو ننگ رش همی شه روی میزه ای وزارت خارج ه

انگلیس و جلسات کنفرانسها در ارتباط با مسائل ایران مطرح میشد .

همزما نلورین ترجیح داد به صورت کجدار و مریز با خوانین بختیاری برخورد . کند

ا و با این خوانین ملاقات کرد و در مورد خواسته آنها مبنی بر اینکه بانک شاهی پولی

ب ه دولت مرکزی ندهد، سیاستمداران به برخورد کرد و به آنان قولی ن.داسدمت و سوی

تحولات قابل تشخیص نبو.دپسلورین تشخیص داد نباید تمام تخم مرغها را در یک

سبد قرار ده . د او هم با رضاخان سردار سپه روابطی نزدیک برقرار نمود و هم با

خوانین بختیاری . د ر حقیقتلورین مترصد فرصت بود تا توازن نهار ورا بهتر ارزیابی

کند و ببیند کدام یک از آن دو م ت یوانند بیشتر مفید فایده باشند .

د ریگی از ملاقاتها رضاخان به لورین گفت عداهی وی را متهم م یسازند که با

بلشویکها همکاری میکند، اما منظور او از این ارتباطها آن است تا بلشویکها را از

ضدی ت با بلشویک هداست « ایالات شمالی کشور بیرون ک ن.ردضاخان تصریح کرد در

د ، و م یخواهد همان کاری را انجام دهد که بریتانیائها « کمی از ان ل گسیها ندار

میخواستند به دست نیروهای خود انجام دهند و گفت اقدامات مزبور را به دست خود ایرانیها انجام خواهد داد، بدون اینکه انگل نیاز سمند هزینه کردن با شاد و ارتشی

۱

قدرتمند به وجود خواهد آورد تا نظم را بازگرداند و ایران را مستقل و نیرومند سازد.

این سخنان توضیح ملاقاتهای مکرر رضاخانبنا روتشتین بود؛ به عبارتی روتشتین در بازی سیاسی جاری از حریف لانینگس رودست خورد. در همان زمان که سیدضیاء رئیس الوزراء بود، وزیرمختار شوروی که به خوبی از ارتباطهای او با سفارت بریتانیا آگاهی داشت، بدون اطلاع از حوادث پشت پرده به تقویت سردار سپه مپردازت.

.Lorain to Curzon, Tehran, February ۲۰/۱۹۲۲, FO. ۳۷۱/۷۸۰۵.۱

ص: ۱۰۱

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

روتشتین بارها با رضاخان ملاقات کرد. رضاخان در این ملاقاتها از او میخواست به

قشون ایران کمک کند. روتشتین از بازی ماهرانه بری تادنیرا ایرانغافل بود و

نمیدانست که ترجیح رضاخان بر سیدضیا درست همان چیزی است که محافل

سرمایه داری انگلیس طلب میکنند.

روتشتین بین نمایندگان منتخب مجلس چهارم هم که آن زمان هنوز رسماً تشکیل

جلسه نداده بود، دست به تبلیغاتی وسیع زد. زندیز مدرس اهی که متعلق به روسها بود

بازگشائی شده و در کنار آن روابط فرهنگی دو کشور هم افزایش چشمگیر یافت.

بعدها قوام هم از ملاقاتها و قرار و مدارهای رضابخانوسها به شدت آشفته شد.

او حتی قصد داشت رضاخان را از پست وزارت جن برکنار کند، اما به گزارش

اعمال نفوذ فواقلعاده رضاخان بر واحدهای نظامی و ترس اعضای کابینه از «انگلیسیها

۱». دستگیر شدن، مانع از برکناری وی شده است.

در اوایل سال ۱۳۰۱ رضاخان لوورین بار دیگر یکدیگر را در یک میهمانی سفارت

در ترهد او را کمدمی گفت ترجیح لوورین به خطاب صریحاً رضاخان کردند ملاقات

سفارت ببیند، زیرا ایرانیان فکرمی کنند وی با انگلیسیها دست به یکی کرده است. سآنگ تاه

بعد از خندهای بلهورین گفت با او در تماس خواهد بود. بلوودرین به صراحت نوشت

رضاخان میتواند موهبتی برای بریتانیا باشد. زیرا با نفوذی که به دست آورده است،

در تلگرافی دیگر آمده است در اوضاع کنونی او بهترین تضمین صیانت از منافع

۴

مشروع بریتانیاست. از آن سوی شرکت نفت انگلیس و ایراهنم از رضاخان حمایت

و عده‌هایی که بندگان «مالی و سیاسی» می‌یکردند. در مقابل رئیس شرکت انتظار داشت

۵. «حضرت اشرف روز تشریف فرمائی در طهران فرموده‌اند، امر به اجرای آن فرمایند

۱. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ص ۱۲۷

.Lorraine to Curzon, Tehran, April ۱۵/۱۹۲۲.۲

Could be... preventing the machinations and intergues of pro-Bolshevik elements....۳

,Lorain to Curzon

.April ۲۱/۱۹۲۲, FO. ۳۷۱/۷۸۰۶

Reza Khan] is the best guarantee of protection of our legitimate interests..., Lorain] ۴

to Curzon, June

.FO. ۳۷۱/۷۸۱۳, ۲۴/۱۹۲۲

۵. خزانهدار کل قشون به رضاخان، تلگراف، مورخه ۲۹ عقرب (آبان) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۱۰۲

اینکه رضاخان چه وعده‌هایی به رئیس شرکت نفت داده است، بر ما معلوم نیست. روز ششم آذرماه سال ۱۳۰۰ انگرت، کاردار سفارت آمریکا گزارش داد کلنل ل س اندرز وابسته نظامی سفارت انگلی، س رضایت خود را از اقدامات رضاخان اعلام کرد. در این گزارش در مورد کلنل ساندرز گفته شده او از افسران لایق و کارآزموده بریتانیایی است؛ خاور نزدیک را به خوب یم یشناسد؛ در جنگ تنگه داردان شرکت کرده و سالها در عراق ایران و قفقاز خدمت کرده است. چهار روز پیش از این یعنی دوم آذرماه آن سال، ساندرز با رضاخان گفتگویی طولانی انجام دهادبو د. در این گفتگوها نبارمه‌های آت یو کوش شهای

۱

رضاخان برای تجدید ساختار ارتش به بحث گذاشته شد.

همزمان رضاخان به کار خود مشغول ب. و ادو برای اینکه نیروی تحت کنترل خویش را که ترکیبی بود از قوه قزاق و نیروی ژاندارم، قوت قلب، بیهخفشردمنادهان ارشد ترفی ع درجه دا. د ب هواقع اوآخر دیماه بود که ارتش متحدالش مکلورد نظر خود را سامان داد.

رضاخان درجه های جدیدی مثل ارت ه شای غربی به وجود؛ آموقردرر کرد مدرسه ای برای تدریس نظام به وجود آید؛ و واحدهای واره نظام و پیااندظهام و توپخانه تشکیل شو. د عبداللهخان امیرطهماسبی، احمد امیراحمد، یحسین خزاع، ی محمود آیرم و محمودخان انصار ب یه درجه امی لرشگری نائل آمدن. دخدایارخان خدایار، اسمعیل امیرافضل یو مرتضی یزداپنانه سرتیپ شدند و به این شکل مقدمات شکلگیری واح دهای ارتش نوین مشتمل بر لشگر، تیپ، گردان، گروهان و رسد فراهم

شد. اینک احمدشاه هیچ کنترلی بر ارتش نداشت. ا تون نه م یتوانست کسی را به سمتی
نظامی منصوب کند و نه به او ارتقاء درجه دهد؛ را ضیانخان اختیار شاه را خود ب ه
دست گرفت. ت. ب هجز قوه قزاق بودند عاید ه از نیروهای ژاندارمری که با رضاخان
رابطه ا یحسنة داشتن د. از اینانمیتوان به فضل الله زاهدی ملقب به بصیردیوان اشاره
کرد. ا وهم در زمره فرماندهانی بود که بعد از دتاک ی وسوم اسفن دارتقاء درجه یافت و
ب ه سرتیپی نائل آم. دبرای رضاخان نفس حمایت زاهد ب بسیار مهم بو؛ دکمااینکه در
بیست و هفتم آذرماه ۱۳۰۰ نامه ا یخطاب به زاهدی نوشت و ازاینکه زاهد یبه ارتقاء

.Engert to DS, November ۲۸/۱۹۲۱, No. ۷۶۷, DS. ۸۹۱.۶۳۶۳-SO/۴۹ Majd, op. cit. p, ۱۱۸.۱

درجه از سرهنگی به سرتیپی نائل آمده است، به او تبریک . گداف را ادام ته آمده ب:ود

منتظرم با حسن ظنی که به لیاقت و کفایت شما دارم کشف اسلحه مخفی شده در «

۱. « جنگل را به نوبه خود شما نیز به من تبریک بگوئید

رضاخان که موقعیت را برای تحرکات خود مناسب یافت هبود، ب همحم خان دطاهر

میرینج از صاحب منصبان قزاق دستور داد انبار غل هدولت یراک هت آن زم انزی رنظ ر

وزارت مالی ه اداره میشد ، تحت اختیار خود گی رد و تح ت نظ ارت وزارت جن ق گرار

دهد؛ به این شکل رضاخ اونارد نزاعی مستقیم با مص دو وزیر مالیه کابینهشد. رض اخان

توانس ت بر قوت لایموت مردم هم تسلط یابد و از نان ب همثاب هاب زار یجه تت یه سو

حسابهای سیاسی بهرهگیری نماید . وقت ی این عمل انجام شد، زمستان سال ۱۳۰۰ بو د. در

همان زمان احمدشاهمیخواست راه ی مسافرت به فرنگ وش د. این در حالی بود که غیر

از رجال کشور که در ایران به سرم بردنید، آی ت ال لهسید ابوالحسن اصفهانیمرج ع تقلی د

شیعیان که مقیم عراب قود، پیامی توسط فرزند خود آقا ابوطال ب ب هکنسولگر یایران در

۲

فرستاد و بغداد

صریحا خاطر نشان کرد مسافرت شاه به مصلحت کشور نیست.

د راین میان شاه روز به روز بی عشتلارقه خود را به مسافرت فرنگ علنم بیکر د.

نمایندگان فراکسیون اصلاحطلب تلاش کردند مانع این سفر شوند و او را از عواقب

این تصمیم خود بر حذر دارن ل دیکن شاه که می خواست ادای دمکراسیهای پارلمانی را

درآورد، آسایش شخصی خود را بر سرنوشت کشور ترجیح میداد .

بالاخره عده ای از علمای تهران به شاه پیغام دادند این مسافرت را به صلاح

نمیدانند و از او خواستند از مسافرت خویش منصرف . ششرودا رسپه یکه خور دو

توسط قائم مقام مملکت فی ع که زمان یهدف ترور نافر جام اعضای کمیته مجازات واقع

شده و از آن به بعد مرعوب گردیده بود، به علمای تهران پیغام داد با مسافرت شاه

ولی اغلب از آنها جواب دادند نکمهیگوئیم شاه نرود ولیم یگوئیم : مخالفت نمایند

ملت ایران راضی نیست و صلاح مملکت و شاه در این است که این اظهار عدم

رضایت بشود و اگر سوء ترتیبی بر این مسافرت مترتب شمدیتوان گفت این مسافرت

۱۱۴ ز، آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. - ۳۲۳ - ۱. رضاخان به بصیردیوان، ش ۸

۱۳۰۰، اسناد ۲/۱۱/۱۱. مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه، مفتاحالملک به وزیر خارجه، مورخه ۱۵

. سال ۱۳۰۰، کارتن ۳۶، پوشه ۷

ص: ۱۰۴

است بوده اجنبی تحریک به . « در رضاخان . داشت حقیقت گاملاً علما نظر اظهار این ا
این مسافرت نقش درجه اول ایفا کرد و آن را در نزد مقامات انگلیسی مقیم تهران به
مثابه دلیلی بر لزوم صعود خود به مناصب بالاتر تلقی نمود .

برخی اسناد انگلی سکه قصد دارند شخصیتی مستقل از رض ارای خاهن دهند، در
تناقضی آشکار با دیگر اسنادی که بالاتر به آنها ارجاع دادیم، ان مددوعیی که خود
میخواست شاه به فرنگ رود تا با آسودگی بیشتری طرحهای خویش را به انجام
رساند ، در ملاقات با وابسته نظامی انگل یدر س تهرا ناز این مسافرت ابراز نارضایتی
کرده است . طبق این اسناد رضاخان برای اینکه طرف خود را بیازد ماگیت اگر سوگند
وفاداری به سلطنت قاجار نخورده بود، برای ایجاد یک حکومت جدید دست به اقدام
میزد . او به قوامناز گفت، از طرح خود برای سست کردن بنیاد دولت سخن به میان
آورد و بالاخره از اینکه دولت انگل یه سیران پو ؛ ه

ل ینداده است ابراز شادمانی کبرد

این بهانه که وقتی ایرانیان درک کنند با گدنائمیستوان پول به دست آورد مجبور

۲

می شوند کار کنن . د اینهم نکته ایاست از اسناد انگلی ک سه مطالبه ایرانیان از حقوق
مشروع خویش در موضوع فروش نفت را گدائی ارزیابی مکنن ید. احمدشاه زمانی به
مسافرت رفت که ولیعهدش هم در ب ارهوپ سا رم یدر د. او حداقل صبر نکرد
محمدحسن میرزا ولیعه داز مسافرت بازگردد و آنگاه خود عازم سفر شود ؛ پس مقام

نیابت سلطنت را به اعت ال ضاسدالطنه دیگر برادر خود داد که تا مراجعت ولیعهد امور را

رتق و فتق نمای د. او وعده داد بعد از شش ماه به کشور مراجعت خواهد کرد.

مسافرت شاه به سادگی صورت نگرفت. شش ماه از زمان کابینه سیدضی ادعوست داشت

روانه اروپا شود، لیکن بیم آن میرفت که اگر برود چند دستگیها باعث گردد روال امور

ب ه نفع شورویها خاتمه یابد. به همین دلیل انگلیس با این مسافرت مخالف ب. ب و عدد از

سقوط سیدضیاء شاه اندکی دلگرم شد، لیکن در ماههای شهریور و مهر علاقه یمنهار

نشدنی در مورد مسافرت از خود نشان داد. او دام مخالف مسافرت شاه ب. ب و. د شاه هم

لا کارهایش اینکه از غافل؛ کرد می بازی نقش او دولت علیه همیشه. رضاخان نفع به م

۱. تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۱۹۰

۲. Military Attache Report to Curzon, Tehran, ۲۲ January ۱۹۲۲, FO. ۴۱۶/۷۰.

۳. Lorain to Curzon, Tehran, ۱۵ January ۱۹۲۲, FO. ۴۱۶/۷۰.

ص: ۱۰۵

تمام خواهد شد. شاه وقتی احساس کرد ولادت قوام در آستانه سقوط است نظر خود را

تغییر داد. اما وقتی قوام کابینه اشرا ترمیم نمود، باز هم به فکر مسافرت. بافخت اد

ادعای اسناد انگلیس و به عنوان شاه ایران با بریجمن از کارمندان ارشد سفارت در دلد

۳

میکرد و زندگی در کشور خود را وحشتناک و ناخوشایند می خواند.

رضاخان به اینهمه بسنده نکرد. او آنقدر در کار رئیس‌الوزراء کارشکنی نمود تا وادار به

استعفایش نمود. در عین حال نفاقفکنی مجلس و دسیسه آرائی شریک تنف تانگلی س و

ایران که از واگذاری امتیاز نفت شامیارا لن به کمپانی نفت آمریکائی رضایت نداشت،

وضعیت قوام را بیش از پیش بغرنج کرد. این شک، ل قوام که موفق شده بود بین دولتهای

ایران و شورویدر شمال و ایران افغانستاندر شرق کشور نوعی تشن زدا جئی کن ۴، در

۲۹ دی ماه ۱۳۰۰ سقوط کرد و مشیرالدولهیرنیا روز ششم بهمن ماه کابینه خود را معرفی

ی ۵ باقی «دیکتاتور نظام» نمود. سردار سپه همچنان به عنوان وزیر جنگ یا به تعبیر انگرت

ماند. باقی ماندن سردار سپه در منصب خود، از نظر کاردار آمریکا یک پیروزی دیپلماتی ک

برای بریتانیای کبیر محسوب میشد. ۶ اواخر سال ۱۳۰۰ که معلوم بود رضاخان عزم خویش

راجزم کرده است تا بر مقدرات امور کشور تسلط یابد، مقامات سفارت آمریکا ادر مورد

وضعیت او گزارشی تهیه کردند و برای مقامات کشور خود ارسال نمودند. طبق این گزارش

رضاخان مردی است بیسواد، اما بسیار فعال. حتی قادر به خواندن و نوشتن نیست، اما به هر

حالی باوضاع مسلط است؛ ت و ملزومات و نیازهای قشون او کلیه عواید کشور می برلاد و

۷

حتی یک پنی هم برای وزارتخانه‌های دیگر باقی نماند. نکته مهمتر اینکه آمریکاییها

گزارش می‌دادند بریتانیا تلاش می‌کند با اعمال هر سیاست ممکن از جان بوزارت امور

هند، مانع از ایستادن ایران بر پایه‌های خود؛ شوونیدز تلاش می‌کند مانع نزدیک‌سازی ایران به

.Norman to Curzon, Tehran, ۱۱ September ۱۹۲۱, FO. ۳۷۱/۶۴۰۷.۱

را در توصیف ۲ Terriblement disagreeable. شاه در ملاقات با بریجن به زبان فرانسه سخن گفت و لغات

وضعیت ایران به کار برد.

.Bridgman to Curzon, Tehran, ۲۵ October ۱۹۲۱, FO. ۴۱۶/۷۰.۳

۴. متن عهدنامه دوستی بین ایران و افغانستان در: مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، مورخه شنبه ۲۹

. ذیحجه الحرام ۱۳۳۹ مطابق با ۱۱ سنبله ۱۳۰۰، ص ۱۲۶

.Military Dictator ۵.

.Engert to DS, January ۲۳/۱۹۲۲, Telegram No. ۱۵,۸۹۱.۰۰۲/۹۸.۶

US embassy in Tehran to DS, No. ۵۸۳, ۸۹۱.۰۰/۱۲۱۰, February ۸/۱۹۲۲, also: majd, op. cit. p. ۷

.۱۲۸

ص: ۱۰۶

کشورهای دیگر جهان گردد. به نظر این دیپلمات آمریکائی این سیاست به واقع در پیش گرفتن روشی است تا ایران همواره وابسته به بریتانیا باقی بماند.

یکی از این سیاست‌ها هماهنگ ساختن مقدمات نابودی قدرت بختیاریه در مناطق مرکزی و جنوب کشور بود. این سیاست که درست بعد از ورود لورین به ایران در پیش گرفته شد بود، منطبق بود با برنامه درازمدت وزیرمختار جدید که برچیدن ملوکالطوایفی و

ه

استقرار حکومت مقتدر مرکزی با اتکاء بر نیروی نظامی را سرلوحه کار می‌کرد. در این ایام گزارشهایی از اوضاع منطقه برای رضاخان ارسال می‌شد. از آن جمله فرمانده لشکر جنوب در نامه‌های نوشت:

مقام محترم ریاست ارکان حرب کل قشون دام اجلاله، به قرار اطلاعات، هیأت علمیه با اتحادیه تجار معاهدهای بستهبند در ظاهر برای اقدام در امر بمعروف، ترویج امتعه وطنی، ضدیت با قانون جزای عرفی، در باطن برای جلوگیری از اجرای قانون تحدید [تریاک]، ایجاد اشکالات در قبایل وصول مالیات و جنس خالصجات که

اخیرا به وزارت جنگ محول گردیده، میباشد. این اتحاد با

اتحادیکه با بختیاریه بسته شده

فعلا اتحاد مثلی در مقابل اقدامات دولت تشکیل

هستند [هد از قرار مذکور در صدد اقدامات مهمه می

فعلا معلوم نیست از کجا

و چه ناحیه‌های شروع می‌شود.

مقابل « پاسخ داده شد از مفاد این تلگراف چنین استنباط می‌شود که لشکر جنوب
 « زخیالات سوء مفسد » اقدامات لازم برای جلوگیری از « عملیات و اتفاقات مضر
 در این صورت اول وظیفه آن ارکان حرب این است که با کمال، صورت نم‌یده
 ت اینگونه محظورات « حیران‌کننده کار گیرند » سرعت تجهیزات را کامل نموده سیاست ص
 ۲. « و موانع با عملیات مجددانه شما مرتفع گردد

شوروی، انگلیس و سقوط قوام

سقوط قوام برای رضاخا نموهبتی به شمار می‌رفت. او از این به بعد حتی با وجود

۱. رئیس ارکان حرب لشکر جنوب به رئیس ارکان حرب کل قشون، مورخه ۲۷ حوت (اسفند) ۱۳۰۰، اسناد
 وزارت جنگ.

۲. ارکان حرب کل قشون به ارکان حرب لشکر جنوب، مورخه ۲۹ حوت (اسفند) ۱۳۰۰، اسناد وزارت جنگ.

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

رجلی مثل مشیرالدوله می‌توانست تمام عواید ایران بابت حلال‌قتیا ز نفت را که همیشه با خست تمام از سوی شرکت نفت انگلیس و ایرا پرداخت می‌شد، تحت اختیار خود گیرد. از این پس وزارتخانه‌های دیگر به ندرت وجهی دریافت می‌کردند. سایر وزیران و مقامات هم جرأت نمی‌کردند اعتراضی کنند، زیرا در آن صورت از سوی قشون با

۱

آنها به شدت برخورد می‌شد.

از آن سوی دولت شوروی هم با قوا مبر سر مهر نبود. سودسیالی ستها او را مردی

۲

معرفی می‌کردند نوکر انگلیس سوخای. ن‌جراید آنها مملو بود از ناس زابه رئیس‌الوزراء.

لیکن هرگز توضیح ندادند قوامچه خیانتی مرتکب شده است که مستوجب آن همه

ناروائی است. روتشتین، ن‌ماینده شوروی در تهران که با این محافل افراطی و بدون اصول

ارتباط داشت و آنها را هم مسلک خود میانگاشت، مطالب و نظرات این دسته افراد را به

دولت متمبوع خود گزار می‌داد. نتیجه این گزارشها همسوئی سیاست شوروی با محافل

افراطی بود که به چیزی کمتر از سقوط قروام ضایت نمی‌دادند. جاسوسان سفارت بریتانیا

گزارش می‌دادند که روزنامه افراطیامداد روشن ماهانه بین دو بیست تا سی صدتومان از

۳

روتشتین کمک دریافت می‌کرد. هرمن نورمن، وزیر مختار وقت گوادفری ه‌اوار، دبی ر

شرقی سفارت بریتانیا که مقدمات کودتا را مهیا بدویدن دهد، کارش کنی در دولت تق‌راوام

ه ک ا ر د و خ ی ا ه ح ر ط ت ف ر ش ی پ ت ا م د ق م س و م ل م ش د ت ب خ ش ی د ن د ؛ ا ی ن ا ن ب ه ن ح و ی ک ا م ل ا ن ی ز
باید به دست رضاخان اجرا میشد، مهیا میساختند .

رضاخان توانست بودجه عمداهی برای وزارت جن گبه دست آور. داینک او با پول
میتوانست بیش از پیش اهداف بلندمدت خویش را جامه عمل بپوشاند. بعلاوه
رضاخان با اتکاء به قدرتهای نهان و آشکار و با حمایت، دقرز اقعهازال و نصب حکام
ایالات و ولایات دخال م تیکرد؛ و نظامیانی از نیروهای تحت امر خود را به
حکومتها ین قاط گوناگون کشور گسی م ل یداشت. ۴ خراسان و گیلان نخستین نقاطی
بودند که تحت سیطره نیروهای رضاخان درآمدن د. امیرپنجه حسین آق، افرمانده قوای

US embassy in Tehran to DS, enclosur No. ۵۸۳, February ۸/۱۹۲۲, ۸۹۱.۰۰/۱۲۱۰ Majd, op. .۱
.cit, p. ۱۲۶

۲. تاریخ احزاب سیاسی، ج ۱، ص ۱۶۹

۳. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ص ۲۲۱

۴. تاریخ بیست ساله ایران، ج ۱، ص ۴۲۳

ص: ۱۰۸

اعزامی قزاق به مشه، دبدون هیچگونه پرده پوشی اعلام داشت از قوا فرمان نمیرد و

۱

فقط و فقط از رضاخان اطاعت مینماید. هم چیز مهیای صعود رضاخان شده بود؛ به

ویژه اینک به پیش از این در آذرماه سال ۱۳۰۰ او کلنل گلرو پرا از فرماندهی ژاندارمری

عزل کرد و کفالت آن را به عزیزالله ضرغام زاف یسران تحت امر خود ر

سپرد. د نظمیه

هم دست به تحرکاتی زد زومینه نقل و انتقال نیروهای وق نزاظمیه را در دوایر

نظامی یکدیگر فراهم ساخت. تاین همه در زمانی صور م تیگرفت که مطبوعاتی مثل

شفق سرخ به مدیریت علی دشت، یمرد آزادب همدیریت داورو ستاره ایران به مدیریت

حسین صبا، وی را بیسمارا کیران معرفیو تبلیغ م یکردند که سردار سپه، ت نها فردی

است که میتواند استقلال و تمامیت ارضی ایران را نگاهبانی کن د.

شورویها تحت تأثیر جزم اندیشیهای ایدئولوژیک خویش، از روند تحولات غافل

ماندند. آنها فریب نمایشهای رضاخانرا خوردند و در مطبوعات خود م ینوشتند که

گویا وی قادر است ایرارنا از وضعیت به قول آنها فتودالی به سوی گسترش مناسبات

سرمایه داری هدایت کند و به این شکل زمینها یشکل گیری طبقه کارگر صنعتی که

رهبری انقلاب سوسیالیستی را عهدداهر خواهد شد، فراهم سا. زداین جزم اندیشیهای

سادهلوحانه و من درآوردی که سکه رایج کمونیسم روسی بود، راه را برای صعود

اجتنابپذیر قزاق به قدرت بلامنازع بیش از پیش فراهم ساخت. اق خوات م نه تنها با

دسیسه های یرنگارنگ رضاخان و مشاوران مخفی و علنی او، بلکه با بزدلی شاهی که در

مکتب فروغی و ناصرالملکپروورش یافته و تحت القائنات آنها ج ز هراس چیزی در دل
نداشت. مواجهه بود. در این شکل مردی که شاید نتوانست مانع جاهطلبیهای روزافزون
قزاق باشد، روز بیست و نهم دیمه سال ۱۳۰۰ مستعفی شد و روز پنجم بمهامه، ن
حسن خان مشیرالدوله سکان ریاست وزرائی ایران را به دست گ. ر فروزت بعد شاه
جبون از راه بغداد عازم دومین سفر خویش به فرنگ شد.
بنابرای نبرخلاف تصور رای، ج انگلستان به هیچ وجه به ادامه حکومت قروا ضمایت
نداشت. الیگارشلی مالی بریتان ینافع خود را نه در استقرار دولت قانونی و قدرتمند، بلکه
در صعود قزاقان م یدی د. رجال و خاندانهای سرشناس کش و رخار راه اهداف بلندمدت
۱. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، صص ۱۸۲ و ۱۸۹

ص: ۱۰۹

بریتانیا در ایران بودند. به بهانه صنعتی کردن کشوری که از کوچکترین پشته‌هاوانی‌های

مروم بود، حملات علیه مالکان ارضی تشدید شد. در آن هنگامه هیکچس از

روشنفکران ایرانی نیندیشید اگر قرار است کشور صنعتی شود، راه آن نه در قطع و

گسستگی نظام جدید از نظام کهنه، بلکه در استخراج نظم نو از درون نظم کهن است؛

بگذریم از اینکه بریتانیا در مسئله صنعتی کردن ایران هی‌گونه صداقتی نداشت. تانگلیس

برافکندن قوام را در دستور کار خود قرار. زدایدرا قوام بود که افسران انگلیسی را از

نیروی قزاق اخراج کرد؛ او بود که مانع استخدام مجدد سیدنی آر-میتساژمیت شد و

بالاخره قوام بود که با واگذاری امتیاز نفت شامیارالن به آمریکا تلاش کرد قدرت

جادوئی انگلستان را در ایران نخرد کن. دقوام در دوره دوم ریاست وزرائی خود با زهم

تلاش کرد حلقه‌هایی که ایران را از نظر سیاسی به بریت امتیاصل میکند، یکی بعد از

دیگری از بین ببر. دبه ویژه حلقه‌های ی که از تقویت روزافزون قزاقان حمایت کردند.

یکی از این افراد هم ی نسیدنی آرمیتاژ - اسمیت بود. اکنون از نظر قوام دیگر به وجود

مستشاران اقتصادبیریتانیا نیازی نبود. پس او همراه با کارکنان خویش از کار برکنار

۱

گردید و در آستانه ترک کشور بود.

انگلیس برای رسیدن به هدف خود، محدودیت مالی علیه کابینه را قاف وازا میش داهد

بود. بانک شاهنشاهی، این ابزار تسلط سرمایه مالی بری تباری ایران و نیز شرکت نفت

انگلیس و ایرانا اعطای کمک به دولت ق موانع شدن. د اینک بیمی از نفوذ کمونیس

هم در میان نبود. دروتشتین نیز معتقد به برافکندن ق و باوم د؛ زیرا وی به خود جرأت داد

در مرزهای شورویبه یک شرکت آمریکائی امتیاز نفتی اعطا ک ن.دبالاخره هم قوامبعد از هشت ماه زمامداری با تبارنی شوروی و انگلستان سقوط کرد .

کلیه اقداماتی که نویسندگان دوره پهلو یاز افتخارات قزاق محسوب داشتان هد، ب ه واقع ناشی از ابتکار عمل و سیاستهای قوام ؛ بحوتدی ختم غائله اسماعیآق ل اسیمیتقو در آذربایجان و کردستان که نقشی مؤثر در حفظ تمامیت ارضی ایران داشت، به ابتکار قوام صورت گرفت؛ و رضاخان آن را به نفع خود مصادره کرد .

قوام ک هخواستار دولتی قانونی و قدرتمند بود، بعد شازش - هفت سال فتر ، ت

.Engert to DS, Telegram, No. ۵۴, September ۸/۱۹۲۲, ۸۹۱.۰۱A/۲۲ Majd, op. cit. p, ۱۲۲.۱

مجله س را گشود و با شوروی ب ر سر مسائل فیما بین ویژه اختلافات مر زوی افغانستان بر سر مسئله آب هیر منمدذاکره کرد و معاهده منعقد ن .م اویدن سیاست باعث

برقراری صلح و آرامش با همسایگان .ش ا دو بود که پلیس جنایورا بن را منحل ساخت؛ ارتشونین را پایهریزی کرد و برای رهائی از سلطه انگلی و س شوروی گامهای اساسی برداشت .

دیگر اینکه انگلیسیها برای اینکه زمینه را برای عزل م قهیواا مسازند، دست به انتشار مطالبی دروغ زدن . د از جمله اینکه از قول خبرنگار نارمونه زتایمز در تهران خاطرنشان نمودند قوام به این دلیل امتیاز نفت ش مرا لبه تأخیر افکند تا بتواند از شرکتهای نفتی آمریکائی رشوه دریافت کن . د ای ن سخنان با اینکه واقعیت نداشت، اما زهمی نرا برای برکنار ساختن او آماده م یکرد . وزارت امور خارجه آمریکا از کورنفلد خواست صحت و سقم اخبار تایم زرا بررسی کن . داو باید به واشنگتن اطلاع م ید ا د آیا اتهاماتی که علیه رئیسالوزراء اقامه شده است واقعیت دارند یا ؛ خوی ارینکه مشخص شود کدامیک از شرکتهای آمریکائی م یخواهند از طرق غیرمعمول دولت ایران را وادار به پذیرش پیشنهاد اعطای امتیاز نفت نمای . ن ۳د کورنفلد پاسخ داد ادعاهای تایمز لندن نهیچ پایه و

اساسی ندارد و

کاملاً بیجاست.

د هروز قبل از سقوط قو،ال م ورین به صری ت حرین وجه ممکن از رضاخان د فا عکرد.او

قدرت نظامی رضاخانرا به رخ کرز نکشید و ت ک س تاراهی اس ت در آسمان

؛ اینکه او

ارزی اب یم ک ینن د. « نادرشاه » سیاست ایران؛ مردی که گروهی از ایرانیان او را همطراز

انگلیس تلاش میکرد رضاخان را مردی مستقل نشان دهد که به هیچ سیاست خارجی

وابستگی ندارد و تنها آمال او احیای ارتش و تمرکز بخشیدن به قدرت دولت، و داریت

عین حال از دخالت مستقیم در سیاست اجتناب میورزد. لورین بعد از اینکه هر ضا خانرا

۱. ن ک: مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، سهشنبه مورخه ۲۸ ربیعالآخر ۱۳۴۰، مطابق با هفتم قوس

، ۲۷۷ و جلسه مورخه سهشنبه ششم ربیعالثانی ۱۳۴۰ مطابق با چهاردهم قوس ۱۳۰۰ - ۱۳۳۰، صص ۲۹۰

. ۲۹۰- صص ۳۰۴

۲. ن ک: مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، سه شنبه مورخه ۲۸ ربیعالآخر ۱، ۳۴۰ مطابق با هفتم قوس

. ۲۶۹- ۱۳۰۰، صص ۲۷۱

DS to Kornfeld, enclosure No. ۲۶۰, March ۱۳/۱۹۲۳, DS. ۸۹۱.۶۳۶۳-SO/۲۷۶ Majd, op. cit, p.۳

.۱۴۹

.Telegram of Kornfeld, No. ۱۳, April ۳۰/۱۹۲۳, DS. ۸۹۱.۶۳۶۳-SO/۲۸۲ Majd, Ibid.۴

ص: ۱۱۱

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

خواند، برای اینکه مورد سرزنش کر زقرنار نگی رد، نوش تب ای نح ال « قهرمان ایران »
شخص اوهیچ ارتباطی با رضاخ اندار د؛ ۱ مطلب یک هک ذ بمحضب . مهو دم نیس ت
شخص لورین با رضاخان مرتبط بوده است یا خیر، مهم این است که او از طرق گوناگون
میتوانست با این مرد رابطه برقرار نماید .

رضاخان در مسیر خودکامگی

انگلیس به واقع سقوط قواری ام جشن گرفت؛ تو حمایت از رضاخارانشد ت
بخشی د. درآمدهای معوقه ایران از محل عایدات نفتی که از سال ۱۹۱۵ تا آن زمان
پرداخت نشده بود، اکنون ت ا حدی قابل پرداخت بو. در اواخر سال ۱۳۰۰ بریتانیا مبلغ
یکصد و بیست هزار پوند از طلب های ایران را از محل فروش نفتپ رداخت نمود و
بعلاوه قرار بود مبلغ هشتصد و هشت هزار پوند دیگر در اواخر سال ۱۳۰۱ پردازد. ب ا
این پول م یشد مقداری از مصارف وزارت جن را گک تأمین ک . ردهمانطور که انگرت
گزارش داده است، کلیه این پهولا در حقیقت مطالبات معوقه دولت ایران از شرکت

۲

نفت انگلیس و ایران بود.

ب ا این پولها بود که د ر اواخر سال ۱۳۰۰ رضاخان کشور را به پنج منطقه نظامی
تقسیم کرد. در هر کدام از این مناطق باید پانزده هزار سرباز ستقرم م یشدن د. به عبارتی
میبايست در طول مدتی قلیل، تعداد زیادی پادگان ساخت هم یش د. بودجه وزارت جنگ
باز هم افزایش پیدا میکرد و تجهیزات زیادی خریدار می یشد؛ د ر کشور م میبايست
پن جلسگر دای ر م یگردی د. هر کدام از این لشگره ا در دست یک املیرش گر قرار داش . ت

لشگره عبارت بود از مرکز، شمال غرب، غرب، شرق و جنوب؛ ب ه اینها باید تی پ
مستقل شمال را هم افزود. مراکز نظامی هم به ترتیب عبارت بود از ک تههمراقن ر
فرمانده ی لشکر مرکز بود؛ تبریز که مرکز فرماندهی لشکرشمال غرب محسوب میشد؛
مشهد پایگاه فرماندهی لشکر شرق؛ قهمدان پادگان اصلی لشکر غرب و اص فمها رکنز
فرماندهی لشکر جنوب. ب ه ل رشگر متشکل بود از دو تیپ گارد پیاده که هر کدام سه فوج
داشت. در رأس هر فوج یک سرهنگ فرماندهی می کرد. بعلاوه هر لشکر یک تی پ

.Lorain to Curzon, Tehran, ۱۱ January ۱۹۲۲, FO. ۴۱۶/۷۰.۱

.Engert to Department of State, No. ۷۹۷, January ۴/۱۹۲۲, DS. ۸۹۱.۵۱/۲۵۶.۲

گارد سوار داشت که حمل سلاح سنگین و وظیفه حمله با آنها . به عبیا وردتی برخلاف

گارد پیاده، گارد سواره فوجی مستقل به نام فوج حمله .دتای شپت دیگر هر لشک ر

عبارت بود از تیپ توپخ .ان تهپ توپخان،ه هم فوج کوهستانی داش ، تهم فوج پیاده و

هم سوار .لشگر مرکز تیپ مستقلی برای اراک داشت که خود متشکل از دو فوج بو . د

د رکنار اینها یک فوج نقلیه برای هر لشک ر وجود داش . تفرماندهان لشک رها تغیی ر

خزاعی آقا حسین دست به تأسیس بدو در غرب گردند، می

مثلا لشگر سپرده شد، اما

بعد اجان محمدخان علائی به جای وی منصوب گردی ل دشک ر شمال غرب هم د ر

دست عبدالله خا نطهماسبی بود، اما بعدها حبی ا بللهخان شیبانی به جایش منصوب

گردید . ب ه همین سیاق لشگر جنوب تحت فرماندهی محمود آی ق رمرار داشت که ب ه

مرور افرادی دیگر به جای او منصوب . فرشانندده تیپ مستقل شمال هم

محمدحسین آیرم بود. برجست هتری ن افسران قشون رضاخاینکی امی ل رشک ر احمدآقا

امیراحمدی بود و دیگری سرتیپ فاضلللهخ ان زاهدی . د ر کنار اینها محمودخان

پولادین قرار داشت که با درجه سرهنگی فرمانده فوج گارد پهلوی لشک ر مرکز ب .ود

پولادین بعدها در جریان دسیس ا هی علیه رضاخان اعدام گردی . د پولادین از مدتها پیش

موضوع ی بود برای گزارشهای قزاق.انعلت آن بود که حتی بعد از قیام لاهوت کیه ب ه

آ ناشاره خواهیم کرد، عده ای از صاحب منصبان ژاندارمری د رمنزل سی افله خان نایب

سرهنگ ژاندارمری مجلسی تشکیل داده بنودد که در آن نایب سرهنگ محمودخان

پولادین هم شرک تم یکرد . محور جلسه این بود ک هوقتی افرادی مثل سی افلهخان و

پولادین وجود دارند که از مدارس معتبر نظامی التفاحر غصیل شده‌اند، چرا کسانی مثل
ن خا صادق سرهنگ نایب و بیگ ابوالقاسم سرهنگ « نظام از و بیسواد ، عامی تماماً که
بی بهره هستند فرمانده فوج و گرن دام یثون د و شما صاحب منصبان غیور.... دارای هیچ
بعد از ای ن .» شغلی نیستید .صاحب منصبان پست قزاق به شما ترجیح [داده] میش وند
مذاکرات عد های هم قس م م یثون د که تهر نبروند و با ولیعهد و اع ی ا د زهو کلا ی
بان ی قشون حالیه وجود مقدس حضرت اشرف وزیر جنگ و « مجلس ه م پیمان گردند و
ترتیبات وزارت جنگ حالیه را از میان بردارند حتی در این خصوص مبالغی خرج
کرده « داد گزارش طهماسبی . بودند « نایب ام نموده فدوی که تحقیقاتی مطابق ضمنا
کمیته از و بود متمایل لشویکی اب ک ل س م ه ب سابقا پولادین محمودخان سرهنگ

کمونست زنجان ورقه عضویت داشته که شرح آن در دوسیه صاحب منصبان متمر د

۱. «. لاهوتی مضبوط است

مهمترین بخش قشون متحدالشک، لدایره عملیات ب و. داین دایره به اچ رهشعبه

تقسیم م یشد: ۱. تنسیقات؛ ۲. استخبارات؛ ۳. نقشه برداری؛ ۴. تربی ت. دایره تنسیقات

وظیفه داشت قوای مسلح لازم را در شرایط جنگ و صلح فراهم کن؛ مهمات ود

ملزومات جنگی را تهیه نماید؛ خط سیر قوای اعزامی برای جنگ را مشخص؛ سازد

میزان قوای لازم در رژههای نظامی را تخمین زن؛ د برای مقابله با یاغیان مهیا باشد و

قوای لازم را در اختیار داشته با؛ شتعدیین کند در کدام ناحیه لشکره انیازمند تأسیس

پادگان هستند؛ نقشه عملیات جنگی را طراحی؛ ک نقدوای لازم برای استقرار امنیت در

راهها را تأمین نمای؛ د نیز انجام مانورها و عملیات نجگی در شرایط صلح و صدور

احکام عمومی قشون را هدایت کن د.

استخبارات وظیفه داشت نامههای رمز تهیه و ارسال ن؛ م ایزق دوای دولتهای

خارجی اطلاعات محرمانه به دست آو؛ ربه ویزه در مورد دول هم ج. وادر ر این راستا

باید نقشه های جنگی آنها به دس تمیآمد؛ د ر داخل باید از تحرکات قبایل و عشایر و

ایلات اطلاعاتی کس بم یشد؛ ب ویزه از عشایر یک ه بیلاق و قشلام قیکردن د.

تبلیغات و جاسوسی در مقابل خصم و « عملیات جاسوسی و ضدجاسوسی با عنوان

م انز دیگر وظایف این دایره محسوب م یشد. « احتیاطات لازمه بر علیه جاسوسی دش

انتخابو « نقشه ه اسناد طبقهبندی شده در اختیار استخبارات قرار دا. شهتم چن ی ن

اعضا مصاحب منصبان ب هسمت نمايندهگى ۲ نظامى به ممالک خارجه و دستور وظيف

از ديگر وظيف استخبارات بود . « آنها

ى موظف است وسايل تهيه نقشه جامع ى از كل ى هاى الا تاي را نيه « شعبه نقش هبردار

ک ممال تقريباً . نمايد فراهم را آن طبع وسايل و تهيه هزارم يکصد الی ميليونى يک ياس مق

ششوايد د لازم به يادآور يباش دنخستى ن « . همجوار با ايران نيز به همين نحو بايد تهيه

کسى ى که توانست نقشه نظامى جامعى از ايران تهيه هکن د ، حاجيعلى ى رزم از اف سآارانء

ژاندارمرى بود که بعدها در تحولات سياسى کشور هم نقشى مهم برعهده گرفت .

۱ . طهماسبى به رضاخان ، ۱۱ برج عقرب (آبان) ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت جنگ .

۲ . کذا : نمايندگى .

ص: ۱۱۴

دیگر رکن قشون جدید شعبه تربیت بود که وظیفه داش تع تلیمات لازم در کنار

تأسیس مدارس نظامی را در اولویت قرار . دای هدن مدارس برای تعلیم صاحبمنصبان

تشکیل م یگردید . برنامه امتحانات و مواد درسی لازم بعلاوه اعزام دانشجویان ب ه خارج

برای تحصیلات نظامی هم با این دایره . بازود جمله وظایف این د یار ه طبع و نشر

کتابهای نظامی بو . د همچنین باید یکنشریه نظامی منتشر میگردی د . این موضوع هم با

انتشار نشریه قشون محقق شد . تأسیس کتابخانه نظامی و برگزار ایردوهای ورزشی و

مسابقه های نظامی هم از وظایف این دایره محسو میشد . همچنین باید دارالترجماهی

چهار صاحب منصب « برای ترجمه کتابهای نظامی تأسی م سیگردید . د راین دایره باید

ک ه هر کدام یکی یا دو زبان خارجه بدها، ن ند ان

یعنی مجموع آنها زبان فران، سگلهیسی ،

دان و وجود داشته باش . دشعبه تربیت ، « روسی ، آلمانی ، ترکی عثمانی و عربی را خوب ب

ی کرئیس، دو منشی و یک ضابط د ا . شایتن تنها موردی بود که اعضایش مشخص

عده باقی اعضا و اجزاء اداره عملیات پس از پیشنهاد از طرف اداره « بودند . در مورد

۱ جالب توجه اینکه این برنامه را صام م حنصبان « . ارکان حرب تحت مطالعه خواهد آمد

وقت ژاندارمری یعنی تحصیکلردهترین افراد قشونی کشور تهیه کرده بودند و ن ه

قزاقان . طراحان این برنامه عبارت بودند : اکزریم خانمعاون نظ ام ، محمد امیرتوم، ان

ه ادی حصنالدول

ه ، علی قاجار، سیفالملک امیرحسین، عبدالحمید سردار ،

مدحتالملک و سلطانمحمد ناصرالدوله . اینان گمنام تری ن افسران قشون رضاخانه

شمارم یآیند . تحصیلکردهتری ن افراد قشون همان نیروهای ژاندارمری ب . و دکندسانی
مثل پسیان و لاهوت یزودهنگام از صحنه خارج ش. ازدن بدین باقیمانندگان فضا لله
زاهدی ، حاجیعلی رزم آرا، محمدحسین فیرو، زحیبالله شبیان ی و کثیری دیگر را
میتوان نام برد که هر کدام به نحوی قربانی حسادتهای رضاوخ افززندششدند، با
اینکه کسانی مثل زاهد یخدمات فراوانی به آنها کرده ب و. دناغدل اینان تحصیلکردگان
دانشکدههای مهم نظامی خارج کشور بودند. دهرچند کسانی مثل تیمورتاه شم وجود
داشتند که با وصف مشاغل اداری و سیاسی، تحصیلاتشان نظامی بود . این عده هر کدام
ب ه یک یا چند زبان خارجی تسلط ؛ ادامشاتن درضاخاکنسانی مثل کریم آق ا
۱. سواد هیأت شورای قشونی، مورخه ۲۲ دلو (بهمن) ۱۳۰۰ ، اسناد وزارت داخله .

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

بوذرجمهری را که خوب ناسزا میگفت؛ یا مثل محمدخان درگاهی را که خوب پرونده

سازی میکرد، ب ر همه اینان ترجیح میداد .

د راواخر سال ۱۳۰۰ درجات نظامی جدید با حق و قماهیان هم شیخ صبرق را رش . د

درجات سابق نظامی طبق دستور رضاخانمبلغ یاع لا مگردی . ب دالاتری ندرج هنظام ی

سپهد د بود که فرماندهی دو لشکری ادیویزی و ن را برعه د هداش . بلافاصل هیع داز و ا

امیرل شگر جای داشت که یک لشکر را فرمان دهمی ک یرد . سرتیپ ،ف رمان د هی کتی پی ا

بریگاد بو د . مناصب بعدی عبارت بود از سرهنگ، نای ب سرهنگ، سرگرد ، سروان، س توان

و ستوان دو . م اینه ا درجات افسری قشون جدید به ش ممای رآمد . پی ش از این ب هسرگرد،

یاور اطلاق می شد، به سروان می گفتن د سلطان، س توانعب ار تب و د از همان نای ب اول،

ستوان دوم نایب دوم خوان دهمی شد و ستوان سوم هم نایب سو . هممچنین مقرر ش د به

جای لغت رژیمان، فوج به کار گرفته . شگورددان معادلی بود برای باط ال . یودرن توپخان ه

ا ز آتشبار به جای باطری استفاده . شنادم مترالیوزبه مسلسل تغییر پی د اک ر د و در نیروی

هوایی که البته هنوز وجود نداشت ،ا ز واژه بهادران به جای اسکادران استفاده میش د .

گرچه نفس گسترش نیروی نظامی برای حفاظت از مرزهای کشور و آمادگی برای

مقابله با شورشهای تجزیه طلبانه و مقابله با دشمن خارجی امری نبود که مورد ان تقاد

کسی واقع باشد، لیکن تجدید ساختار نظامی کشور بدون اصلاح سایر ساختارها،

میتوانس تضربات مهلکی بر بافتهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کشور وارد . آورد

اشکال در این بود که وزارت جن ب گکش عظیم بودجه دولت را بلعمی د . یناظران

خارجی بر این باور بودند منابع کشور توانائی تأمین کلیه این هزینهه ا را ندار د . تأمین

هزینه‌ها یگسترش نیروی نظامی در آن وضعیت فلاکبار تاقصدادی و اجتماعی، بعد

۱

ب ه نظر می رسی د . اما با شرایطی دیگر این امر ممکن ؛ قطع بی ودش از پیش
ضروری تری ن نیازهای حیاتی مردم ایران و صرف ههزاین یه جاری برای توسعه این
ششم در که دلار میلیون یک مبلغ به وامی . شد همینطور هم عملا . نظامی نیروی
اختصاص جنگ وزارت به عملا ، د و ب شده دریافت آمریکا از ۱۳۰۱ سال فروردین
یافت . دولت ایران بعد از دریافت این وام که یک میلیون و هیزا کرت صودمان میش د ،

.Engert to DS, No. ۷۹۹, ۸۹۱. ۲۰/۴۳, January ۵/۱۹۲۲.۱

ص: ۱۱۶

رسید آن را به بانک شاهنشاهی سپرد. بلافاصله رضاخان نهصد هزار تومان از این وام را

۱

تا « دریافت کرد. این وام معادل دویست هزار پوند بود، انگلیسمیها گفتند این وام

۲. « اندازهای ب اعث تقویت بنیه مالی دولت ایران شده است

واقع امر این است که تقویت بنیه مالی، د و مملفه تومی جز تقویت وزارت جنگ

نداشت. رضاخان با دریافت بودجههای هنگفت، قشونی پدید آورد که با آن م میشد ب ه

شکلی مقطعی فقط عشایر را سرکوب ساخ. تیعی با وجود صرف بودجههای کلان،

ای ن نیرو قادر به مقابله با دشمن خارجی نبود. برخی سران عشایر و قبایل مهم کشور

مثل بختیارها، از این نقشه رضاخان آگاه بودن. د بیهوده نیست که بهار نقل م یکند، وقتی

در اصفهان، بعضی از رجال «، شاه از مسافرت نخست خود به اربوپا امز یگشت

صاحبنفوذ مصمم شدند که سردار رسپه را از بین ببرن. دد را این توطئه با احمدش اشهور

کردن د. مشارالیه از فرط جن و احتیاط و سرشت طبیعی خود مانع این قضیه. شد

در هم کار وسیله و داشتند اصرار باب این دری اق آ و

۴ « ا. م » ۳ « س. ظ » مخصوصا آقای

دست آنها بود، اما همانطور که گفته شد، احمدان شاعه گردید و به همراهی سردار رسپه

۱۵ از بین خوانین بختیاری سردار ظفر با رضاخان چندان میاناه ی « وارد تهران ش. د

نداشت. او ک هاز نقشههای آتی رضاخان به نحوی مطلع بود و یا حداقل دورنمای آینده

را حدس میزد، رؤسای جزء بختیاری را جمع کرد و در بین آنها شروع به سخنرانی

لکشور سخن گفت و « مشروطیت و استقلا » نمود. وی از خدمات بختیارها در راه

امروز دو مرتبه همان استبداد شما را تهمدین دماید، عما قریب یک کلاه « ادام ه داد

فکری برای « نماسیرددا رظفر هشداد داد » پوستی در این خاک آمده و شماها را مهار . ب
شم اه ا همان بختیاریهائید که شاه « ،ر ایود گفت « آتی ه بنمائید که طاقت فشار قشون را ند
ر از تخت کشیدید و بیرق او را سرنگون کردید، غیرت داشته باشید اسیر دشمنان
د، سپس از ضرورت وحدت و یگانگی در مقابل « نشوید ، حکم کردهاید ، محکوم نشوی

.Engertto DS, No. ۳۹, ۸۹۱.۵۱/۲۵۵, March ۲۶/۱۹۲۲.۱

دولت قوامالسلطنه و سیاست توازن نیروه ا

۲ . فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ص ۳۵۹

۳ . شاید سردار ظفر بختیاری باشد .

۴ . شاید امیرمفخم یا امیرمجاهد باشد .

۵ . تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۱۶۴

ص: ۱۱۷

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

قزاقان سخن گف ت.

قشون متحدالشکل باعث قوت قلب رضاخ انبود، به طوریکه حتی قبل از سقوط
قوام، رضاخان با وابسته نظامی بریت انمی لاقات کرد و گفت درصدد برپا ساختن
جمهوری است و البته به دید مقام انگلیسی لابد خودش کاندیدای رئیجم سهوری
است. ۲ به واقع رضاخان چه میدانست جمهوری چیست و الزامات آن کدام است؟
۱. سواد مفتش دایره عملیات، لشگر جنوب، بیتا، اسناد وزارت جنگ .

۱

۲. Military Attache to the FO, Tehran, ۲۲ January ۱۹۲۲, FO. ۴۱۶/۷۰.

ص: ۱۱۸

انگلیس ، رضاخان و دولت مشیرالدوله

روز پنجم بهمن سال ۱۳۰۰، مشیرالدوله اعضای کابینه خویش را معرفی کرد. رمندصب وزارت جنگ همچنان در دستان رضاخان قرار داشت. ت به قول وزیرمختار آمریکا در پیروزی دیپلماتیک « د رمنصب وزارت جن ، گنشانه ای از « دیکتاتور نظامی » تهران ، ابقای

۱

ر بود. وزیر خارجه حکمی م المل کبود و نیرالملک هدا یوزا ترت « برای بریتانیای کبی معارف را عهدهدار ش د. اعتلاءال ملکخلعتبری به وزارت پست و تلگک را رسفید و ادیبا لسلطنه سمیع ی وزیر فواید عامه گردی. م ددیرالملک ج م به جای دکتر محمد مصدق کفیل وزارت مالیه ش د.

تصدی مدیرالملک بر وزارت مالی، هبه واقع نقدینگی کشور را در اختیار رضاخان قرار داد، از این به بعد ی جکی از وفادارترین نیروهای رضاخان شد. د این پیوند ه گونه ایتعمیق یافت که بعدها شمس پ ب هله وعق ید ازدواج فریدون پ ج سرم مدیرالملک درآمد؛ جم یکی از برجستتهای ن کارگزاران حکومت پهلوی گردید و ت ا منصب ب خست وزیری هم پیش رف. تشای د یکی از مهمترین انتصابا ، ت تصدی وزارت عدلیه توسط تیمورتاش بود؛ د تیمورتاش با ج ممیان اه ی ن داشت و البته ج م هم از

.Engert to DS, No. ۸۱۰, ۸۹۱.۰۰۲/۹۸, January ۲۳/۱۹۲۲, Majd, op. cit, p. ۱۳۵.۱

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

تیمورتاش متنفر بود. این اختلان فطر مربوط به امروز و دیروز نب؛ و بد لکه اختلافی بود که هبه جناب حندیهای سیاسی دوره مشروطه باز مگیشست و سرانجام، آن اختلافات بعده ا به نفع جم خاتمه یافت .

روز دوم فوریه سال ۱۹۲۲ مطابق با سیزدهم بهمن ۱۳۰۰ حسین علاء با معاون وزیر

۱

خارجه آمریکا یعنی دیرینگگفتگو کرد . علاء در این گفتگو توضیح داد بریت اتنیا لاش می کند رئیس لوزرا های وطن پرست ایران را یکی بعد از دیگری از سر راه بردارد تا را ایشان های خواسته که آورد کار روی ای کابینه نهایت در بتواند کاملاً عملی سازد .

علاء اضافه کرد، د مشیرالدوله رئیس لوزرای جدید با ارسال تلگمرای خطاب به وی اعلام

۲

داشته اوضاع کشور روز بروز وخیمتر میشو د.

ب این وص ، ف رضاخان که مطمئن بود وزارت جن مل گکک طلق اوست ، در فاصله

بین استعفای قوام تا انتصاب مشیرالدوله بیکار نشست و یکی از مهمترین و

کلیدیتری ناهرمهای تسلط بر مقدرات امور ایران را به دست . نگارف ن ، ق توت

لایموت ملت ایران در طول تاریخش بوده است .

مسئله نان و ب حران غلات ، همیشه یکی از اساستری ی نعلل و عوامل ظهور و سقوط

نظامهای سیاسی در ایران به ش ممار یآمد . از دوره ناصری تا مقطع بعد از مشروطه

حداقل دو فراز تاریخی از بحران غلامتیتوان سراغ گرف : ت دوره نخست به هنگام

صداقت عظمای میرزا حسین خان سپهسالار؛ و بار دوم به هنگام ریاست وزرائی
و ثوق الدوله در زمان جنگ اول جهان. نبیر اساس توجه به اهمیت نان در افت و
خیزهای سیاسی کشور است که رضاخاندن روزهای فترت انتقال قدرت از بقوا هم
مشیرالدوله کنترل انبار غله دولتی را در دست گرفت تا بتواند بیش از پیش اهرمهای
تسلط خود بر مقدرات سیاسی و اجتماعی کشور را تحکیم. اب و ب خاشزدور، ا، داره

۳

انبارهای غلات را که تا آن زمان زیر نظر اروزت مالیه بود، ضمیمه وزارت جنگ کرد.
رضاخان با دس ان تدازی به قوت لایموت مردم، میتوانست نقشی بسیار مخرب در
حیات سیاسی ایران ایفا نماید.

۱. Dearing.

۲. Dearing to Fletcher, SO/۱۳۰-۸۹۱.۶۳۶۳, February ۲/۱۹۲۲ Majd, op. cit, p. ۱۳۸.

۳. شرح زندگانی من، ج ۳، ص ۴۶۸

ص: ۱۲۰

سرنوشت قیام لاهوتی

با این همه بودند هسته‌های مقاومتی که با آگاهی از نیت طجلا بهانه رضاخان، تلاش میکردند راه را بر صعود او مسدود نمایند. ماینکدی از این هسته‌های مقاومت، ژاندارمری تبریز بود که به فرماندهی ابوالقاسم لاهوتی تسلط روزافزون قزاقها را بمقدرات امور قوای نظام یقیام کردن. دلاهوتی توانست با بقایای دمکراتهای طرفدار شیخ محمد خیابانی ارتباط برقرار نماید و از آن انگیزه ژاندارمها برای مقاومت علیه رضاخان تقویت کند. آنه ابتدا پاسگاه شرفخانه در نزدیکی تبریز را تصرف کردند و روز دوازدهم بهمن ماه سال ۱۳۰۰ بخشهایی از شهر تبریز را تصرف نمودند. تبریز از این حرکت حمایت کردند، جوانانی سلاح بر کف به اردوی مزبور پیوستند و

۱

سر دادن. «زنده باد بلشویک» البته در این میان عده‌ای آگاهانه یا ناآگاهانه شعار مخبرالسلطنه هدایت که در زمان والیگری خود بآذربایجان هرغ می‌لدولت مرکزی زمین‌های قتلخیابانان را راه آم‌ورده بود، توسطم‌ردمدس‌تگی‌رو و بازداشت

۲

گردی. هدف قیام آزادی ایران و انجام اصلاحات و انش‌دو اینک‌هقی‌کن‌دگان‌نام می‌خواهند به اوضاع ناهنجار کشور خاتمه داده. بشیواندیه‌ای‌یح‌او‌یاه‌دا‌فیادشده

۵

تهیه و به اطراف و اکناف ایران فرستاده شد. دامنه اهداف قیامکنندگان تا زنجان و قزوین را دربرگرفت؛ به طوری که ژاندارمری قزوین و زنجان در اندیشه پیوستن به اردوی تبریز

بودن د و با ارسال تلگمرا هائی از قیامکنندگان تبرى ز نظر مشورتى طل بمى نمودن د. ب الی ن

وصف تمام ماههای عمر جنبش لاهوتی از انگستان دو دست تجاوز نکرد .

لاهوته مخالف ادغام نیروی ژاندارمری در قوه قزاق ب . و ا دو از وابستگی قزاقها به

روسیه تا قبل از انقلاب بلشویکی و ارتباط آنها با بریتانیا در دوره بعد از آن انقلاب آگاه

این نکات از انتشار نخستین بیانیه او . بود

کاملا هویداست:

اهالی، محترمین و سایر هموطنان گرامی!

البته تا کنون از بدو تأسیس ژاندارمری فداکاریهای غیرقابل انکار، اقدامات

تزلزلناپذیر و قربانیهای جهان قیمت آنها و آزادیخواهان شرافتمند را مشاهده

۱ . تاریخ بیست ساله ایران، ج ۲، (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹)، ص ۲۲

۲ . مهدیقلی هدایت: خاطرات و خطرات، (تهران: زوار، ۱۳۶۳)، ص ۳۳۳

۱۹-۳ . همان، صص ۲۰

ص: ۱۲۱

۱۲۲ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

فرموده و در همه اوقات مسلم دانستهاید که یگانه اهتمام آمال ما فدائیان وطن
لُزوما استقلال مملکت عزیز و تأمین سعادت هموطنان است و در این مورد هم
خواطر آن هموطنان را مستحضر می‌داریم که همین اقدامات فقط و فقط به واسطه
این است که

اخیرا در مقابل این همه خدمات متین و لایتنزل میخواستند لباسهای

مطبوع ما را که یک شرافت تاریخی است برکنده و در عوض لباسهای منحوس
دژخیمان قزاق را که یادگار عهد تزاری است بپوشانند. لهذا این ترتیبات را مخالف
احساسات صادقانه خود تصور کرده به شهر ورود نمودیم و با ژاندارمری تبریز و
سایر قوای مسلح و طپ نرست نظامی و غیره، که در واقع روح و ... اتحاد و اتفاق
نموده‌ایم که مطالب حقه و اظهارات بی ریب و ریای خودمان را به قرار شورای
کبری و هیأت معظم وزراء رسانده تصمیم ی که اسباب نیرومندی مملکت و رفاه
ملت محبوب است خواستار شویم .

واهمه و اندیشه نکرده و هرکس به شغل و کسب و کار خود اُبدًا! هموطنان
مداومت کرده همین پیشامد را یگانه خوشبختی عمومی پندارید. بالاخره به عموم
نظامیان و سایر طبقات ملت اخطار میشود چون مسئولیت حفظ شهر در عهده ما
است به نام شرافت نظامی اقدامی که مخالف انتظام و بر ضد آسایش عموم است
نباید سرزند و هیچ کس حق تعرض به کسی ندارد. اگر چنانچه از افراد نظامیان و
غیره به احدی تعرض و مزاحمت شود، محکوم به مجازات شدید و اعدام خواهد

شد. زنده باد ایران و پاینده باد آزادی و استقلال و ط.ن.

این بیانیه به خوبی ماهیت جنبش لاهوترا ی نشانم یداد. به واقع اصل ت یری ندلیل

شورش، مخالفت با ادغام نیروی تحصی لکرده و وط پ نرس ت ژاندارمری در قوه

بی حمی ت قزاق بو. د ا زاین به بعد روز به روز بر دامنه شورش افزوده. لیکگنشت

روزنامه ها پیایتخت تنها به انتشار دو گزارش مختصر در این باب قناعت. رکورزد ن د

چهاردهم بهمن ماه روزنامه ستاره ایران، خبری کوتاه و مختصر از تصرف تبریز به

دست قوای لاهوت یمتشر نمود. روز بیست و یکم بهمن ماه هم روزنامه ایران گزارشی

از تصرف تبری زبه دست این نیروها و بازپگیری سی آن به دست قوای قزاق منتشر ن.مود

۲۰۶۵۱، بایگانی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. - ۱. بیانیه ابوالقاسم لاهوتی، ۱۳ بهمن ۱۳۰۰، ش ۶۳

کنسو لآمریکا در تبریز، هدف اصلی جنبش لاهوت یرا هما نم یدانست که ما بالاتر
توضیح دا دیم؛ ی عنی مخالفت با ادغام ژاندارمری در قوه . قکتراسقول آمریکا ادام ه
می دهد، از زمان وقوع قیام لاهو تتایکنون، نظم و آرامش بر شهر حکوممتیکند و
کسی مت ع رض شهروندان نگردیده اس . توی توضیح داده اس تکه لاهوتی یک شورش

۱

نیست، ب لکه خواستهای معقول و مشخص دار د.

مشیرالدوله تلاش کرد مانع از خونریزی در تبگریزد . د بنابراین در ابتدای امر
دستور داد مخبرالسلطنه هدای ت که در بین آذربایجانیها به ویژه بعد از سرکوب جنبش
خیابانی مردی بدنام ب ه شمار می رفت، به تهران مراجعت نم ا. یودی در تلگرام خود
نوشت، وجود مخبرالسلطنه در تهران برای مجلس ضروری ۱۲ همسزم تا، ن او به
اجلالا لمل د ک ستور داد بنا به تقاضای قیام کنندگان نای ا بلایاله آذربایجان شود . همچنین
خواسته شد اجلال لمل ک مراقبت نماید بین قوه قزاق و نیروی ژاندارمری تصادمی روی

۳

تا دستورهای بعدی به او ابلاغ گرد د. « اصلاح ذاتالبین به عمل آید » ندهد و
ندر تبریزهم ب ه « تفرقه بینداز و حکومت ک » در این بین همان سناریوی قدیمی
اجرا درآم د . تعدادی به عنوان محافظکهار خواندن عناصر در گیر قیام لاهوت، دیست ب ه
تجمع در یکی از مساجد شهر زدند و علیه آنها تظاهرات به پا کردن . د ب هنگام عداهی به
نام بلشویک و با عنوان نمودن تأسیس جمهوری در آذرب، ا پیرجاچنم رسمی کشور را
پائی ن کشیدند و تصاویر احمدش ارها نابود ساختن . ۴ د سرتییزاده، رئیس نظمیه شهر که
حکم خود را از لاهوت یدریافت کرده بود، تلاش کرد این تظاهرات را فروب . خ اواب وانند

ب هسران مخالفین مناصبی در بلدیہ و نظمیہ داد و اعید ہدیگر را بہ عنوان مقابلہ با قزاقہ مسلح ساخ . ت ۵ دو س ہروز بعد از این ماجراہا، رضا حکاھن احمدشاہ را تا مرز مشایع ت کردہ بود، بہ تہران مراجعت ن . ممودشیرالدولہ تلاش داشت تا بلکہ بحران را از طریق مسالم آ تمیز خاتمہ دہ ؛ د اما رضاخان نبر طبل جنگمیکوبی د . حت ی شخص

.Engert to DS, No. ۸۴۰, March ۱۵/۱۹۲۲, ۸۹۱.۰۰/۱۲۲۱ Majd, op. cit. p. ۱۳۳.۱

انگلیس، رضاخان و دولت مشیرالدولہ

این بود پوشش خبری روزنامہہای پایتخت از حوادث تبریز .

۳۷۹-۲ . مہدیقلی ہدای ت: گزارش ایران، بہ اہتمام محمدعلی صوتی، (تہران: نقرہ، ۱۳۶۳)، صص ۳۸۰

۱۳۰۰ ، بایگانی مؤسسہ مطالعات تاریخ معاصر ایران، ش ۲۰۵۸۲ / ۱۱ / ۳ . مشیرالدولہ بہ اجلالالملک، مورخہ ۱۳

۴ . جنبش میرزا کوچکخان بنا بر گزارشہای سفارت انگلیس، ص ۱۲۵

۲۲ ژوئن ۱۹۲۲ ، ۵ . روزنامہ حقیقت، ش ۸۹ ، مورخہ ۱۲ جوزا (خرداد) ۱۳۰۱

۱۲۴ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترہای تأسیس سلطنت پهلوی

ص: ۱۲۳

مشیرالدوله همراه با عده‌ای از نمایندگان مجلس به تلگرافخانه رفتند تا مانع بروز

۱

خشونت در تبریزشون د. اما رضاخان، حبیب‌الله خان شیپان‌ی را که از معدود یاران تحصیل کرده او به شمار می‌آمد، به سوی تبریز روانه کرد. د شورشیان در واکنش به این موضوع، مخبرالسلطنه را دستگیر کردن. دلاهورتی با هدایت ملاقات کرد و توضیح داد دلی ل احضار وی به ژاندارمری این است تا در صورت بروز هرگونه ناآرامی، جان والی

۲

سابق حفظ شو د.

لاهورتی وقتی آمادگی نیروی قزاق را برای حمله به تب ریمز شاهده کرد، بیانی ه مردهای ناموس پرور و جوانهای باغیرت تبریز « احساساتی صادر نمود و تأکید کرد که با یاری یزدان و به کمک امام عصر عجلالله فرجه نخواهند گذاشت شما در رختخواب ۳ ب ه هر روی « نه ان شاء الله نخواهند گذاش . ت » دو تأکید کرد « زنهای آنها فاتحانه بخواب ی ب ه رغم همه تمهیدات، نیروهای قزاق و خائنان نهضت جن م گنلل خالوقربان، به مصاف قیامکنندگان تبریز شتافتن د. در این نبرد قوای لاه وشتکیست خوردن . دد ر پی این شکست از سحرگاه روز نوزدهم بهمن ماه، غارت و چپاول شهر شروع . قزاقهشا، د نیروهای خالوقربان و عوامل آنها، عاملان اصلی این غارتگریها بو د.ن دروزنامه حقیق ت عده خالوقربان نیز در آن حیص و « نوشت، ی غماگران تبریز فقط قزاقها نبودند، بلکه

۴

شخص . « بیص، داد بیداد راه داده، بازارچه خیابان را جاروب غارت کشیدند خالوقربانیان در شهر « مخبرالسلطنه که در بازداشت قوای لاهو تبوید گزار شم ید هد

خالوقربانها موقع به « دهنودن د؛ و نیز برای غارت « متفرق و منتظر موقعی برای چاپی

۶ این همان خالوقربانی است که سر بریده میرزا کوخاچ کن رابه « دست آورده بودن . د

تهران آورد و به لقب سالارمظفر مفتخر شد! ۷

بامداد روز شنبه بیست و یکم بهمن ماه سال ۱۳۰۰، لاه وتی همراه با سرتی زاد په و

۱. روزنامه ایران، مورخه ۱۹ بهمن ۱۳۰۰، مطابق با ۱۰ جمادی الثانی ۱۳۴۰، ص ۳

۲. خاطرات و خطرات، ص ۳۳۳

۳. بیانیه ابوالقاسم لاهوت، ی مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه، اسناد سال ۱۳۰۰، مجموعه ۴۵

. پوشه ۴۲، ص ۱۸

۱۹ مه ۱۹۲۲، ۲۹ ثور (اردیبهشت) ۱۳۰۱، ۴. حقیقت، ش ۸۱

۵. خاطرات و خطرات، ص ۳۳۲

۶. همان، صص ۳۳۴

۷. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ص ۲۷۵

انگلیس، رضاخان و دولت مشیرالدوله ۱۲۵

ص: ۱۲۴

عده ایدیک ر از همراهانش از مرز عبور کرد و به ش پ و نراوهنیده ش .د از تبع ا تنخستی ن
قیام لاهوت ی، بدبینی بیش از پیش به ژاندارمری بود که بهان هایهلازم راب رایت سری ع در
ادغام این نهاد نظامی در قوای قزاق فراهم ساخت.

رتق و فتق امور ایالتی مهم مثل آذربای، ف جاقظ با اتخاذ سیاست مشت نی نآه
امکانپذیر نبود . باید مردی کاردان و لایق برای و گالریی آنجا در نظر گرف تمه یشد تا با
هوشیاری و درایت، آرامش را به آن خطه بازگرداند. کاندیدای این منصب، احمد قوام
بود؛ اما با دخالتهای سردار سپه وضع به گونه ایدیکر رقم خورد. دطبق اسناد وزارت
جنگ رضاخان پیشنهاد کرد دکتر محمد مصدق دبهق این سمت گماشته ش. وردضاخان در
بنابه نظریاتی انتصاب آقای : ه خطاب به کفیل ایالت آذربایجان نوشت

نام ای

قواما لسلطن ه ب هایالت آذربایجان موقوف و آقای مصدقسلطن ه ب ه انتخاب شخص من
ب هایالت آنجا منصوب گردی د. ندلازم است از طرف قشون همه قسم مساعدت و
آید . همراهی با معزایلیه ش ده و مساعدت کاملی در پیشرفت کار ایشان عمل

۱ چن د

روز بعد رضاخان بار دیگر در تلگمرای خطاب به امیرلشک ر غرب تذکر داد اعزام
از طرف من است و همه قسم همراهی نظامیان را به ایشان می دامهرم ، لهذا « مصدق
باید از هر قسم اجتماعات و تحریکات ر ب ضد او جلوگیری و ممانعت نموده اشخاصی
ک همرتکب این نوع عملیات هستند و مبادرت به تحریکامیتنمایند به سخت ترین

۲

« . [وج] ه مجازات برسند

د ر نهم اسفند ماه سال ۱۳۰۰ اسماعیل آقا امیرفضلی سرتیپ قزاق، به عنوان کفیل

ایالت و امیرشگر شمال غرب در نام اهی خطاب به رضاخان، ن وزیر جنگ و فرمانده کل

که همیشه از «قوا، تقاضائی عجیب مطرح نم. واد و نوشت عداهی حدود ده تن

»، در قضیه اخیر هم دخالت تام داشتهان د « اب دودهانند و « مؤ سسی ن و محرکین فتنه و ف س

و محاکمه بدون را حکم این نوشت صریحا فضلی امیر. شوند محکوم اعدام به باید

تشکی ل محکمه نظامی صادر کرده است، ماما ید اند اگر محکماهییت شکیل شود، حکم

لهذا از آن مقام مقدس کسب تکلی مف ینمای د «؛ آنها چیزی جز اعدام نخواهد بود

را نفر چند این اعدام آر، اعیان، کسبه جدا تج علما، طبقه هر از اهالی تمام چنانچه « که

۱. رضاخان به کفیل ایالت آذربایجان، نمره ۲۶۹، غره [اول] حوت (اسفند) ۱۳۰۰، اسناد وزارت جنگ .

۲. همان به همان، نمره ۳۴۲، تلگراف، مورخه ۱۳ حوت (اسفند) ۱۳۰۰، اسناد وزارت جنگ .

یو، «حاجی محمدعلی بادامچ یو سطوت و کربلایی حسین آقا فشنگچ» عبارتند از «هستند غائب عَجالتا ک ه ها زاده سر تیپ نفر دو و ها آقازاده نفر سه»، رضاخان، کنند طلب با این حکم مخالفتی ننماید. کفیل ایالت آورده بود:

چنانچه دولت بخواهد در آتیه اسباب زحمت فراهم نشده و لطمه بزرگی به مملکت وارد نشود باید بدون هیچگونه ملاحظات حکم اعدام آنها صادر شود و الا هر چند روزی یکدفعه قسمتی از قوای دولتی را آلت مقاصد فاسده خویش قرار داده یک طرف مملکت را فلج خواهند کرد. در عالم دولتخواهی و صلاحیت

۱

مملکت عرض و مقتضیات رای مبارک را انتظار دارد.

همانروز رضاخان ضمن ارسال تلگمرای حکم خویش را بدون طی مراحل دادرسی اعلام داشت. در این تلگرا مب عد از اعلام وصول تلگرا مپ یش گفته آمده است: در موقع جنگ قلع و قمع کردن دشمن یگناه مقصود است و انتخاب وسائل نی ل به این مقصود بعهدده رؤسا و متصدیان امور است. علت اینکه تا بحال دفع شر سیمیتقو ی وده ول ه ب وای لازم ق اند بواسطه فقدان اومت نکرده در مقابل او مق نَشده و کاملا اکنون که قوای آذربایجان مکمل و ب یش از ۵۰ مسلسل و متجاوز از ۱۵ توپ و چندین هزار نفر عده جنگی دارد بعضی اظهارات و تلگرافات شما علامت ضعف قلب و عجز است هیچگونه تردیدی نخواهد بود که با قدرت حالیه و قوای حاضره

۲

خواهند گردی د. « این آخرین یاغی مملکت هم معدوم » بقایا

بدنام تری ن و کم ح ت سن رین « رضاخان از این فرصتها بهره برد و نیروی، قای زانق

۳ را در سراسر کشور استحکام بخ . شایود فرماندهان یرا به اقصی نقاط، « طبقات ایران ی

کشور اعزام نمود که همه تابع فرامین او بو . دندد ر عین حال رضاخان از فضایی ک ه

علی ه قوای ژاندارم بعد از شورش پسی باهن وجود آمده بود، بهره‌برداری نمود و آن نیرو

ر ادر قوای تحت امر خود ادغام . کتترهدا مقاومت جدی که در برابر تمنیات رضاخان

صورت گرفت، همان قیام افسران ژاندارمری در آذربای بجها فرماندهی یاور ابوالقاسم

لاهوتهی بو د . بقایای نیروهای لاهوتهی در دادگاهی که ریاست آن با بصیرد، یفوانضلالله

۱ . امیرلشگر شمال غرب به رضاخان، هفتم حوت (اسفند) ۱۳۰۰ ، اسناد ژاندارمری دولتی، اسناد وزارت جنگ .

۲ . رضاخان به امیرلشگر غرب، تلگراف، هفتم حوت (اسفند) ۱۳۰۰ ، اسناد وزارت جنگ .

۳ . تاریخ احزاب سیاسی، ج ۱، ص ۱۸۰

زاهدی بعدی، محاکمه گردیدن . د افسران مزبور که همگی به اعدام یا حبس ابد محکوم شده بودند، توسط سرتیپ حبیب ابله‌خان شیانی فرمانده قوای آذربایجان به تهران اعزام گردیدند و به سرلشگر کریم آقا بوذرجمهری یک ی از قس ا یلقبتری ن افسران قزاق که ریاست گردان حمله را برعهده داشت تحویل داده شو دانلبدته احکام صادره در مورد آنها اجرا ش . د این خشونت و وحشیگری باعث فرار بسیاری از همراهان لاهوتی خاکی شوروی ش د . این عده ماهها در با ا کقا ومت گزیدن، داماد در تابستان سال ۱۳۰۲ تقاضا کردند به کشور مراجعت کنند.

این زمان کنسول ایران مقیم باکو نوشت:

به طوری که خاطر مبارک اولیای آن وزارتخانه مستحضر است در موقع بروز انقلاب آذربایجان و واقعه لاهوتیخان عدهای از انقلابیون آن صفحات به باد کوبه اقامت دارند آمده و از آن تاریخ تاکنون در باد کوبه

اخیرا عدهای از آنها متواترا از

این جنرال قونسولگری تقاضای ویزا و اجازه مسافرت به ایران را نموده از نظر اینکه از طرف اولیای امور اوامری در این خصوص به این ژنرال قونسولگری واصل نگردیده در مقابل تقاضای آنها از اعطای اجازه خودداری شده است و در هر موقع منوط به صدور اوامر اولیای امور نموده است، ولی لازم دانسته معروض عموماً دارد که

اساساً عدم اقامت این اشخاص در باد کوبه خصوصاً و در قفقاز

جلیله مقرر فرمایند ممکن است متدرجا مرجع است و چنانچه اولیای آن وزارت

وسایل عزیمت مشارالیه را فراهم و به ایران اعزام شوند. علیهذا از آن مقام منیع

ات صادر فرمایند متمنی است اوامر لازمه ر

جوابا در مواقع مقتضیه به آنها توضیح

۲

۱ عزیمت به ایران به آنها داده شود. « ویزای » داده شود و یا اگر صلاح بدانند

۲. رضاخان و صدور احکام غیابی

صدور حکم غیابی منحصر به یک مورد و دو مورد. رنب ضوادخان باره ۱ و بارها

قانون را برای دسترسی خویش به قدرتخود کامه زیر پا نه ا. دشیوه صدور حکم بدون

تشکیل محکمه باز هم تکرار گردی د. خزاعی گزارش داد تعدادی از یاغیان به نامهای

۱. گیومه در اصل .

۲. کنسولگری باکو به وزارت امور خارجه، نمره ۴۴۴، [مردادماه ۱۳۰۲]، اسناد وزارت خارجه .

ص: ۱۲۷

۱۲۸ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

جعفرخان، تومان و خان بلوچ دستگیر شان دهد و هم اینک در بازداشت

خان حسینی

نظامیان هستند. چند روز بعد مردی دیگر به نام کرخیامن ه م به دنبال جنگ و گریزی

ناموفق، توسط روسها دستگیر شد و به ارکان حرب قشون شمال ش رق کشور تحوی ل

داده شد. محبوسین به مشه دمنتقل گردیدند؛ اتباع آنها در جایی دور از مرز شوروی

اسکان داده شدند و اعدام جعفر، خا تنومان و خان تقاضا ش. د

خان حسین ۱ رضاخان

ب هطوری ک ه پیشنهاد نمودهاید بعد از محاکمه « همان روز به این تلگمرا هم پاسخ داد:

۲. « هر سه نفر را اعدام نمائید

رضاخان قبل از اینکه محک امهی تشکی ل شود، حکم اعدام را صادر. ک جالردب

اینک ه او نوشت بعد از تشکیل محکمه این سه را دام نامعاینده؛ گوئی از قب م ل ی ادن ست

آنها به اعدام محکوم خواهند. ش ادینک ه این عده از بلوچها به واقع یاغی بودند یا خیر،

بحث ی اس ت ک هباید در مورد آن تحقیقی جداگانه صورت. گگ یامراد همینقدر باید اشاره

کرد که در بین بلوچها اختلافات مرسوم اقبی یل هک ه به ناگزیر منجر ب ه بهرهبردار ی

طرفی ن اصلی دعوا م یشد، کم نبو. د ب ه طور مثال باید از سالارخان بل ن وامچ برد که ب ه

نفع نیروهای شوک ال تمل ک علم با قوای ژاندارمری و البته شخص پ سدیار نسال ۱۳۰۰

به جنگ م پرداخت. ۳در نقطه مقابل او دوسمخ تمدخان قرار داشت که با انگلیسیها

خصومت میورزی د.

روز ششم اسفندماه سال ۱۳۰۱ صفرخان و حسینخان بلوچ در ساعت چه اربع داز

بر حسب حکم نمره ۸۳ مورخ ه « ظه ر اعدام شدن . د در این تلگمرا مستند اعدام این دو تن

رضاخان اعلام گردی . داما خزاعی اطلاع داد طب قمراس ل هجن را لکنسولگری « ۱۷ قو سافغانستان تومان خات ن بع ه آن کشور شناخته شد و پیشنهاد گردیده بود در اعدام او صبر در

چاک ر هم اعدام او را دست نگاه داشته چنانچ هدر « پی ش گرفته شود . خزاعی تلگراف کرد

راپرتها ی قبلی خود عرض نمودم توما خان ن از هفت سال قبل تا بحال مشغول ش رارت و

سوی غارت اموال مردم بیچاره کار دیگری نداشته این است که از مقام منبع در موضوع

مشارالی ه کسب تکلیفمینمایم ، علت تأخیر در اعدام مشارالیه ای نب و دک همب اد ابرای

۱ . سرلشگر حسینخان خزاعی به رضاخان، تلگراف نمره ۱۶ ، مورخه ۱۷ قوس ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت جنگ .

۲ . رضاخان به خزاعی، ۱۷ قوس ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت جنگ .

۳ . فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ص ۲۰۸

ص: ۱۲۸

۱د همین خزاغیدر تلگرامی دیگ راط لاع داده چهار « دولت اسباب زحمتی فراهم ش.و سارق بلوچ را دستگیر کرده و چون دزد بودن آنها مح رزاس تواین ان در خط زداب د (زاهدان) سرقت می کرده اند، برایشان تقاضای حکم اعدام نموده ب.و ۲د با زه محکم صادره ۳. «حسابالامر اعدام شوند» : چنین بود

اینها همه مقدم اهی بود بر تمرین پیوند خون و پول که بعدها در فجایی که در تابستان سال ۱۳۰۴ در خراسا نبه وقوع پیوست،ب یشر مشهود ش د. آن زمان رضاخان ه مرئیس لوزرا بود و هم وزیر جنگ؛ ائتلاف نخبگان و اوباش هم شکلی نهائی پیدا کرده بو د. رضاخان با تزویر نخبگان و زور اوباش لحظه به لحظه قدرت خویش را تحکیم می کرد و کمتر کسی بود که به فریادهای آزاده مردی مثل مگدورشس فراده . د یک ی از تأثرانگیزترین صحنهای آدمکش ی در همین خراسان رقم خ .ورحدسین آقا خزاعی توانست قدرت قزاقها را در خراب ساسنط دهد، در سرحدات قیوا کافی مستقر کن د و پادگانهای در شهرهای مختلف خراس الحداث نماید . خزاعی از همان بدو ورود به مشهد با کنسول بریتان یاروابطی صمیمانه برقرار کرده ب.ودب ه قول کنسول بریتانی دار دستور دارد با ما روابط نزدیک برقرار کند و به های توصیه « مشهد ا و گفته بود

کنسولگری عمل نماید، ولی تا زمان ک ی هکلیه شورشیان دستگیر نشان دهد از حضور در ۴ آکرندزمان بجنورد «. محل کنسولگری و اظهار دوستی علنی با ما خودداری خواهد

در دست سردا رمعزز بجنوردی قرار داش ؛ تنه کسی از او شکایتی داشت و نه در توطئه ا یعلیه دولت مرکزی شرکت کرده ب .وادما رضاخان برای گرفتن مال و اموال او دسیسه ا یآراس ت. صورت مسئله به این شکل بود که ان یا مهجعلی از قول س ردا رمعزز

درست کردند که گویا خطاب به احمد نشواشته شده و مضمون آن مخالفت با سردار سپه بوده اس . ت در این نامه جعل، یذکری هم از سردار راقندار شده بود که مدعی شده

۵

ب و دن د با سردار رمعزز همدست اس . ت ب ه همین بهانه او را همراه با شش تن دیگر به دار

کشیدند . بعد از اعدام در روزنامه‌ها نوشتند سردار مع زبزا تراکمه و شرارت‌های آنها

۱ . سرلشگر خزاعی به رضاخان، تلگراف رمز، مورخه ۶ حوت (اسفند) ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت جنگ .

۲ . تلگراف رمز خزاعی به رضاخان، ۱۴ حوت (اسفند) ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت جنگ .

۱۷ حوت (اسفند) ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت جنگ . ، ۳ . رئیس ارکان حرب کل قشون به امیرلشگر غرب، تلگراف نمره ۳۳۷۷

۴ . فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ص ۲۴۲

۵ . تاریخ مختصر احزاب سیاسی، ج ۲، ص ۲۳۷

ص: ۱۲۹

۱۳۰ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

همکاری م یکرده است . عامل این قتل بیهوده جان محمدخان علائی بود که بعد از

خزاعی به سمت فرمانده لشکر شرق منصوب شده ب . وودی پسر علاءالدو لمهشهور

حاکم تهران بود که ما پی ت ش ر در رساله بحران مشروطیت در ایران از نقش مرموز او در

تحولات منجر به مشروطه سخن گفتیم .

ای ن جان محمدخا نبه واقع مأموریت داشت حاکم مقتدر بجنروارادز بین ببرد و

اموالش را به نفع رضاخ امنصادره کن . د سردار معزز در زمره آخری ن افرادی بود که بعد

از کشتارهای رضاخا ندر اکناف کشور، به چوبه دار سپرده . اشعدام سردار مع زدزر

اوای ل محرم اتفاق افتاد و کشت و کشتارهای جان محم تداب خاعند از روز عاشورا ادامه

۱

یافت . غنیمت این جنگ حدود صد هزار گوسفند و چند هزار گاو . ب ب دی وهدی است

کلیه درآمدهای ناشی از فروش این اغنوا المحشام همه و همه به جیب رضاخان

میفرت یا به نفع او مصادره میش د.

رضاخان که با اتباع کشور چ نین رفتار می کرد ، اگر پای وساطتی از انگلی سیه ادر می ان

میآمد ، به خواسته آنها ت م نی ادد . باره ا توضیح داداهیم ل ورین از زمان ورود به ایران در

جزئی تری نمسائل کشور دخالت ک . ر ددر این راه او مستظهر به حمایت رضا بخوادن ؛ ا

ی

بهرت بگوئیم رضاخا نپشتگرم به حمایتهای او ب. و دب هعنوان نمونه مردی ب ه نام سالارمب ش ر

ر ادر دوره قوا امز اداره تلگراف رش ا تخراج کرده بودن. دسالارمبش ر ، ک ه مدعی بود علت

اخراج ش کشف خیانت دو کارمند تلگرافخانه بود ه است ک ه اسرار قشون را لومی د د،

متوسل به رضاخان نشد و سرانجام شخصلورین ب را یبازگگ ش ات و ب هک ،ان رامههای
محرمانه برای رضاخان ارسال می نمود . در ششم برج جدی (د) ی سال ۱۳۰۱ رئیس ارکان
حر بلشگر مرکز ، نامه ای ب هوزارت جن گنوشت و ضمن ارسال عرضحا لسالارمب ش ر
دستور رضاخان را هم ابلاغ نم . وردضاخان دستور داده ب و دشرحی ب هوزارت پ ست و
تلگراف نوشته شود و خدمات سالارمب ت شورضحی داده ش . ودطب قای نتوضیحات وی
سالهای متمادی در وزارت پست و تلگراف خدمت کرده و:

به رأ

اخیرا در کشف خیانت دو نفر تلگرافچی رشت که مرموزات و ازرت جنگ
معرض بیع گذارده بودند خدمات شایانی به وزارت جنگ و دولت کرده است و

۱ . همان، ص ۲۴۲

ص: ۱۳۰

هیچ سزاوار نیست در مقابل پاداش و ترفیع مقام و اضافه حقوق از شغل خود نیز جبران خسارت و توهینی که به ه ب مخصوصا منفصل و در طهران سرگردان باشد، مشارالیه وارد آمده است بذل توجهی در بارهاش شود که سرگردان نباشد و در

۱

حقیقت موجب یأس سایرین هم در بروز خدمت نگردد.

وزیر پست و تلگراف نوش تکه در مورد شاهزاده سالارمبشر رئیس سابق تلگرافخانه مرکزی گیلان نبه رئیس کل تلگرافخانه دستور داده شده و ش مغأملوریت

۲

مناسبی برای او در نظر گرفته . شodob ه دنبال این نامه مکتوبی خطاب به شخص

راجع به توصی اهی ک ه در مورد سرکار والا « سالارمبشر نوشته ش . د در این نامه آمده بود

از طرف وزارت جلیله جن ب گه عنوان وزارت پست و تلگک راشفده بود، اینک جوابی

فرمود خواهید حاصل استحضار و ارسال رسیده است که مفاد آن لفا . « اج ن ی ا ه ب ر ا ک ۳

ختم نشد، در بهم م ناه سال ۱۳۰۱ لورین نامه ا یخصوصی خطاب به رضاخ انرسال

کرد، در این نامه آمده بود:

قربانت شوم، بر حسب امر ریاست وزراء عظام نظر به پارهای ملاحظات قرار است

شاهزاده مبشرالسلطان رئیس تلگرافخانه مرکزی گیلان به فوریت احضار شود، نظر این

جانب این است شاهزاده سالارمبشر رئیس سابق که بدون علت بلکه به واسطه کشف

ت رش به مجددا و گرفتاری جاسوس مرموزات دولتی منفصل و به طهران احضار شد

مراجعت نماید . آیا میتوانم در این موقع توقع مساعدت از طرف جناب م ستطاب

عالی داشته باشم که درباره او سفارشاتى به آقای وزیر پست و تلگراف بفرمائید زیاده

۴

از حد متشکر خواهم شد . منتظر جواب فوری هستم . ارادتمند پ . لورین .

پاسخ این نامه توسط مسیو آرسنخان ارسال گردی د . متن پاسخ به این شرح است :

قربانت شوم ، در جواب مرقومه شریفه راجع به آقای سالارمبشر زحمت میدهد که

وَد ولی ر می برای انجام فرمایش جنابعالی از طرف بنده مضایقه ن

استحضارا تصدیع

هم که این قبیل مسائل را مقتضی است د می

رسمًا به وزارت جلیله جنگ مرقوم

۱ . کفیل ارکان حرب لشگر مرکز به وزارت پست و تلگراف ، شماره ۱۳۶۴۲ ، مورخه ۶ جدی (دی) ۱۳۰۱ ، اسناد

وزارت جنگ .

۲ . وزیر پست و تلگراف به رضاخان ، شماره ۱۴۴۷۰ ، مورخه ۱۸ جدی (دی) ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت جنگ .

۲۰ . برج جدی (دی) ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت جنگ . ، ۳ . وزارت پست و تلگراف به سالار مبشر ، ش ۱۴۴۷۰

۴ . لورین به رضاخان ، شماره ۱۵۰۲۸ ، مورخه ۲ دلو (بهمن) ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۱۳۱

فرماید البته به عرض رسانیده و نتیجه را به اطلاع خاطر عالی میرسانم.

بد هبستانهای رضاخان لورین منحصر به این موارد ن ب. و آن دها توانستند با هماهنگی

ه م شورویها را نیز به شکلی اساسی فریب دهند و تا مدتها بعد این قدرت نوظهور را

از تحولات داخلی کشور مبهورت سا. ز نبددون تردید رفاقتهای ندریک شخص رضاخان

با روتشتین، وزیرمختار شوروی در ایران در این سمگی تری ه ا و تولید ابهامات بسیار

مؤثر بود. یک ی از این موارد مربوط ط یشد به واردات مقداری اسلحه خریداری شده

توس ط دولت وقت ایران از آلمانکه قرارداد آن پیش از جنگ منعقد شده بود ولی ب ه

دلیل وقوع جنگ و حوادث بعد از آن، انگلیسیها و روسها نامجاز یدها د ن سلاحهای

مزبور وارد کشور ش و دمکاتبات فراوانی از اسماعیلخان، ن ماینده ایران برای حل و

فصل اختلافات مربوطه در برل نی با رضاخان ندر دست است که همه به این موضوع

اختصاصدارند. اما در این میان با هماهنگی انگلیسیها، رضا ن خقانشهای جالب اجرا

کر د. به این شکل که از روسها خواست برای ممانعت از نفوذ د ب ر ریت جنانی واب کوشر

مقداری اسلحه به آنها بفروشد و در غیر این صورت مسئولیت نفوذ التزای ددای ب مریتانیا

د ر جنوب به عهده آنها خواهد ب و خدواهیم دید این برنامه با حمایت کامل لورین

صورت م یگرفت. در ۳۱ تیرماه ۱۳۰۱ به فرمانده قشون گیلان یعنی همین اسماعیلخان

دستور داده شد با توجه به اینکه روسها مأموریت او را فتهندانیرد، هرچه زودتر وسایل

حرکت خود را مهیا کرده و به سمت ع مزیمسکوت کن. ۲۵ مرداد ۱۳۰۱

و برود روسیه به فوراً داد مأموریت گیلان قوای رمانده ف به رضاخان « به ورود محض به

مسک و از شمامیخواه م به هر وسیله‌ای که ممکن است اعم از تبادل پولی یا معاوضه

جنس از قبیل برنج و گندم و غیره از پنج تا ده هزار تفنگ و از پنج تا شش میلیون

فشنگ خریداری نموده به عنوان زین و برگ یا اثاثیه دیگر برای وزارت بفرجستی گد

که دهید اطمینان روسیه دولت به من طرف از مخصوصا و بگذرانیم گمرک از که

نخواهی م گذارد حمل اسلحه مزبور را کسی ملتفت شود و به کلی محرمانه و بین

». خودمان خواهد بود

از مجاری مخصوصه و زبانهای لازمه سیاسی مطلب را» از این گذشته خواسته شد

۱. آرسنخان به لورین، شماره ۱۵۰۲۸، دوم برج دلو (بهمن) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

۲. رضاخان به فرمانده قشون گیلان، ۳۱ برج سرطان (تیر) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۱۳۲

ب ه آنها تزریق نمائید چنانچه اسلحه مزبور به ما نرسد از طرف جنوب در مضيقه واقع خواهی م شد و دشمنان ما بر تجری خود خواهند افزود و این مسئله در آتیه باعث اختلال سیاست آنها خواهد گردید، مقصود این است ا وسبایل ممکنه دولت روسیه را ب هاین نکته متوجه ساخته و جلب دقت ایشان را در این موقع بنمائید و در خاتمه تأکید می کنم که انجام این خدمت را از شما خواهان هستم و نیز لازم است به شما خاطر نشان کنم که اسلحه مذکوره در فوق غیر از اسی لاسحمت که از برلین باید

۱

». دریافت و حمل نمائید

ای ن مذاکرات ادامه یافت و به احتمال قریب به یقین رت ضا وان خاستت با هماهنگی لورین ، روسها را فریب دهد و آنان را نسبت به اهداف آتی خویش سرگردان . کند رضاخان برای تحکی میپایه ها یخود کامگ ی خویش به دستگاه سرکوب نیاز داش ؛ای تن دستگاره هم قشون ب و.دانگلیسیها هم سالها بود نسبت به ضرورت استقرار کسانی مثل رضاخان بر اریکه قدرت اعتقادی راسخ پیدا کرده ب. ب وندناب دراین لازم بود او را برای رسیدن به اهداف خود یار ن یماین د. د ر این راستا بود که رضا،خانام نه زیر را برای لورین ارسال کرد:

خدمت جناب مستطاب اجل عالی آقای سر پرسی لرن سفیر محترم دولت فخیمه انگلیس دام اقباله، قربانت شوم .راجع به ترتیب حمل اسلحه و مهمات متعلق به دولت ایران که قبل از جنگ از آلمان خریداری گردیده شرحی به وزارت جلیله امور خارجه نوشته شده که من باب تسریع جریان امر سواد آن را برای اطلاع

خاطر محترم تلوا ایفاد میدارد. متمنی است در انجام این مقصود

عالی نیز از بذل مساعدت دریغ و مضایقه نفرمائید که با معاضدت مأمورین محترم

دولت فخمه اسلحه فوق هرچه زودتر از طریق هندوستان به بوشهر حمل گردد.

۲

ایام شوکت مستدام.

لورین پاسخ داد انگلستان نا حمل این سلاحها از راه بمبئخا یلفتی ندارد، اما حمل

ردل حه ارنی ا. داد ارائه هم را لازم حل راه البته و؛ نیست ممکن فعلا جدید اسلحه

نامه رضاخان به اسماعیلخان آمده است:

۱. رضاخان به فرمانده قوای گیلان، ۱۵ برج اسد (مرداد) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ.

۲. رضاخان به سرپرسی ل ورین، مورخه ۵ حوت (اسفند) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ.

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

سرهنگ اسماعیلخا، ن راجع به حمل اسلحه با سفارت انگلیس مذاکرات به عمل آمده میگوید شما به حمل اسلحه خریداری قبل از جنگ اکتفا نکرده در خیال خرید و حمل اسلحه جدیدی میبایستید، به واسطه عدم موافقت انگلیسیها حمل اسلحه ل و سریعا حم جَدید

فعلا غیرممکن است، باید اسلحه قدیم راب دوا از راه هندوستان

۱

سپس راجع به خرید اسلحه جدید و حمل آن از راه روسیه مخفیانه اقدام نمائی د.

عامل اصلی کودتا کیست؟

چند روزی بعد از سرکوب قیام لاه وت، یسالگرد کودت ای سوم اسفن دفر ارسی د. مطبوعات از هر سو انگشت اتهام را به سوی ب نری شتاانینها رفتند و مستقی م و غیرمستقی م دستهای نهان و آشکار انگلی را س در پس کودتا نشان د.ا.دنبد هدنبال این موضوع رضاخان برای لاپوش ان ینقش بریتانیادر کودتا، خویشتن را مسبب اصلی آن اعلام کرد و هرگون ه سخن گفتن در مورد کودتا و ماهیت آن را ممنوع ساخت و متخلفین را به مجازات شدید تهدی دنمود. این سر پرسی لورین بود که به رضاخ آم نوخت با مسئله ری هشهای کودت ا چگونه برخورد کند و به انگلیسیها یاد داد به چه نح و او را ف ردی وط دوست و م نلی جلو ه دهند تا از حملات روز افزون مصونش دارند و ب را یروزه او ماهه آیات یاز او بهره برداری نماین د.لورین بلافاصله بع داز ورود به ایران، ا برازیابی دقیق آرایش نیروه ای داخل ی به این نتیجه رسید که رضا خراا ب نرای اهداف آتی بریتانی در اک شو ربای دحف ظ کرد. به همین دلیل خطاب به وزارت خارجه نوشت از این به بعد باید از هرگون هتظ اه ر

به اینکه رضاخان تحت حمایت آنهاست، خودداری شود.

رضاخان مقارن این ایام سرگرم تحکیم نفوذ خود . ب و وید تلاش داشت با عملیات عوامفریبانه ، هم بر محبوبیت خود بیفزاید و هم خویشان را مردی املا رساتدقه ب نمایاند و توجهات را از مسالئ عمده دیگر به سویمسائل فرعی منحرف نماید. یکی از این ماجراها کتک زدن دو تن از روسپیان تهران به نامهای عزیز و کامی شریزاده خ اندمر روز ۱۸ اسفندماه سال ۱۳۰۰ بود . ای ن دو تن با اینکه به شغهای ی خلاف اخلاق مشغول بودند، لیک ن اقدام سردا رسپه علیه آنان شگفتی زیادی تولید ک. درد ستگیری اینان به ۱. رضاخان به اسماعیل خان، ۱۶ حوت (اسفند) ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت جنگ .

.Lorain to Curzon, FO. No ۶۳, ۳۷۱/۷۸۰۴, January ۳۱/۱۹۲۲.۲

دستور سرتیب محمودخان انصار، یحاکم نظامی ته راننج، ام گرف . تو یدو زن

۱

یادشده را وسط روز در میدان توپخانر هجوال کرد و دستور داد آنها را شلاق زنن د.

شایع بود دوت ناز اعضای سفارت بریتان بیاعنی اسمارت ، دبیر شرقی و بریجمن، کاردار

سفارت ، شبانه قصد رفتن به منازل این دو را ان داد شکته توسط نظمیہ دستگیر و همراه

با زنان یادشده به نظمیہ برده شان دهد . ای ن سخن دروغ بود و اگر هم راست بود در نظر

افکار عمومی آن زمان اهمیتی نداش . ب ته واقع رضاخان ندرست در اولین هفتههای به

قدرت رسیدن مشیرالدوله میخواست ت ژست ضدانگلیسی بگیرد تا حقایق نهفته در

پشت کودتا را مکتوم نگه دارد و افکار عمومی را منحرف . ایسا نزد ژست ، دو نتیجه

فوری به دست آور : دنخست اینکه طبق سناریوی لورین، رضاخان مردی مستقلالاراده

معرفی شد که قادر است اسطوره قدر قدرتی بری تارنای اخرد کند و به این شکل جائی در

افکار عمومی بیاب ؛ د و دوم اینکه با کتک دزدو زن مزبور در روز روشن و در معالأم،

حمایت تودههای مذهبی را به دست آورد . در پشت این ماجرا دستهای مستر هاوارد هم

دیدم میشد که با اسمار تو بریجمن مخالفت م ینمود . سفارت انگلیس البته دو مأمور

یادشده را به لندن نازگردانید، اما هدف اصلی به قول عبدالله مایست نوبفیود که ه

رضاخان را سرکرده اصلی کودتا معرفی نمایند و و دمق خامات بریتانیا به رضاخان

۲

دستور داد ه بودن د چنین برخوردی با قضیاه یکه بالاتر آمد بنم ای دکسانی که از ماهیت

ای ن قبیل اقدامات آگاه بودند، علیه رویه فوق به انتقاد پرداختن ؛ دمثل فرخی یزدک ی ه

رباعی هائی سرود و آن عمل راهجو ک . رداما کسانى دیگر به نحوى از اقدامات

رضاخان تمجید کردند، حتى رجلى مثل بهار سرود:

سردار سپه شجاعتى بارز کرد با قدرت خود عزیز را عاج ز کرد

بگرفت و کتک زد و فرستاد به خوار چشمش نرنى حقیقتا معجز کرد ۳

ب ه دنبال این احده در سالگرد کودتا، یعنی سوم اسفند سال ۱۳۰۰، ب یانیهای به قول

بعین مضامین مقالات افراطی بعضی ز ا « ه تنظی م گردید که « عوامفریبانه و هوچیان » بهار

۱ . حیات یحیی، ج ۴، ص ۲۸۴

۲-۴۹۲ . شرح زندگانی من، صص ۴۹۷

۳ . محمدتقی بهار: تاریخ مختصر احزاب سیاسى ایران، ج ۲، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳)، ص ۷۵

ص: ۱۳۵

ط یاد شده « اثرات دوره انحطاط » ۱ بر ضد رجال مشروطخواه بود . د راین بیانیه از « جراید

ک، وردیهک سلسله الفاظ ب معنی ی را « مفهوم و معانی عقاید را از اغلب سلب » که

تأثیرات تدنی « ت د ر همان دو جمله نخست بار دیگر از « . قائم مقام حقایق قرار داده اس »

سعادت « سخن به میان آمده، دوراهی که در آن اغراض فردی جای « و انحطاط د ر بعضی از جراید مرکزی پس از « را گرفته بود . د درد رضاخان این ب:ود « جماعت

یکسال تمام که از مدت کودتا گذشته تازه دیده شمولی د که مسبب حقیقی کودتا را

۲ رضاخان یا « . موضوع مباحث خود قرار داده در اطراف آن مفرسقالئی م میکنند

کارگردانان اصلی کودتا بیم داشتند مبدا پرده اسرار زودتر از موعد برافتد، زیرا در آن

صورت نه کارگردانان اصلی باقی ممان یدند و نه مجری اوامر آنان یعنی . رضاخان

اشوند . « فلسفه ظهور کودت » رضاخان از مطبوعات انتقاد کرد کنهمیخواهن د وارد در

این لغات و تعابیری بر ا دانشناچیز او منطبق نبود. به قول نویسنده این بیانیه که با امضای

رضاخان منتشر شده بود، ارباب جرائد به دنبال مسائل دیگری هستند در غیر صورتا ین

میگفت . البته رضاخان هرگز نمیتوانست حقایق را « حقایق را ب پ یرده آشکار » رضاخان

بگوید ، اما میتوانست بخشی از حقیقت و تنها بخشی از حقیقت را در معرض دید

آیا با حضور من « افکار عمومی قرار دهد و آنهم طرح تهدیدآمیز این سؤال ب و د که

ت ؟؟؟م؟ضحک طرح اینسؤال از « مسبب حقیقی کودتا را جستجو کردن مضحک نیس

سوی نویسنده بیانیه منسوب به رضاخان بود . زیرا هدف آن مکتوم ن د گاهشتن راز کودتا

و شجاعستان ی از مطبوعات بود تا جرأت نکنند دیگر از ماهیت کودتا س ش پکرنند و

سرنخ را تا کشف مافیای سیاسی - اقتصادی پشت این حادثه تاریخی ادامه دهند .

نویسنده بیانیه رضاخا نبرای اینکه سیدضیا ءرا هم تحقیر کرده باشد، از زبان سردار

سپه نوشت:

بیجهت اشتباه مکنید و از راه غلط مسبب کودتا را تجسس منمائید، با کمال افتخار

و شرف به شما میگویم که مسبب حقیقی کودتا منم و با رعایت تمام معنی این

أم و از اقدامات خود راهی است که من پیموده

ابدا پشیمان نیستم . اگر علیالظاهر

۱ . تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۱۸۵

۲ . تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۱۸۵

۳ . همان، علامتهای ؟ و ! از نویسنده بیانیه است .

ص: ۱۳۶

انگلیس، رضاخان و دولت مشیرالدوله ۱۳۷

یگی دو نفر را دیدید که چند صباحی عرض اندام

کردند و سطحا راهی پیمودند نه

این بود که اعماق قلب آنها در نظر من مخفی و مستور باشد همه را میدانستم و

گردد که استنباط کرده بودم فقط احتیاجات موقع مرا ملزم می

موقتاً دست خود را بر

سینه آنها آشنا نسازم تا زمانیکه ایران را آئینه فداکاریهای خود قرار داده نامحرمان

را از محفل انس خارج سازم چنانکه دیدید و شنیدید! ۱

این جملات هم چیزی نبود جز بخشی از طرح عظیم فریب افکار عمومی و تولید

وحشت به منظور نرسیدن از ماهیت ک . ودکتاسانی که به قول بیانیه‌یسیس به دنبال

مسبب اصلی کودتا بودند، هدفشان این نبود که سیدضیاء را عامل اصلی معرفی نمایند؛

هدف اصلی این بود تا مسبب اصلی که هنوز پشت پرده بود افشاء گردد و او را از

تاریکخانه خود بیرون آورن. دنکته بسیار مهم استفاده بیانیه نویسی از ضمیر اول شخص

مفرد است که در سبک نگارش رجال دوره قاجار بیسابقه بود . استفاده از ضمیر اول

شخص نه تنها بر سطوت و هیبت رضاخامینافزود، بلکه بر تصور محوریت او در

تحولات یک ساله اخیر پیش از پیش تأکیدینهاد؛ روشی که البته پیش از همه

سیدضیاء بنیاد نهاد.

مسبب اصلی کودتا با این جملات که در بیانیه آمده است به خوبی قابل شناسائی است:

... حمله به اشخاص غیرمتجانس، اگر به فلسفه کودتا اعتراضی دارید، علیالتحقیق

به ابدا فرع سبک مغزی شما خواهد بود و این یک نوع بروز احساسی است که

جنبه‌های فکری و تعقل شما مربوط نیست و اگر اندکی قوه مخیله خود را حکم

قضیه قرار دهید میدانید که اضمحلال وطن داریوش بر اثر حرکات ناخلفان

داخلی و اعمال نفوذ خارجی در شرف تثبیت و فقط مشیت خداوند متعال بود که

هویت ناخلفان و زمامداران بیعرضه دون همت را در پیشگاه عموم ملت آشکار و

باز با مشیت خدای ایران است که در تحت‌تأثیر همین اقدام می‌رویم حیات از

دست رفته خود را به جهانیان ثابت نمائیم. من از اقدامات خود در پیشگاه عموم

ابدا شرمنده نیستم و با نهایت مباهات و افتخار است که خود را مسبب کودتا به

شما معرفی میکنم. این یک فکری نبود که فقط در سوم حوت سال گذشته در

۱. همان، ص ۱۸۶. این اشارات به سیدضیاء است .

ص: ۱۳۷

دماغ من تأثیر کرده باشد، این یک عقیده نبود که در تحت تأثیر افکار دیگران به من

تحمیل شده باشد! ۱

آری مسببان بحران ایران مشخص بودند و معلوم بود کودتا به چه دلیلی شکل

گرفت. به همین دلیل بود که نویسنده بیانیه از زبان رضاخان تهدید کرد:

...به تمام ارباب جراید و صاحبان احساس پیشنهاد میکنم که پس از این ابلاغیه

و معرفی مسبب حقیقی کودتا و سابق اهی که به احوال من حاصل کردند، دیگر هر

عنصر غیرمأنوسی را سبب حقیقی این امر عظیم تشخیص نداده بفهمند که مبارزه با

عوامل مؤثره جز از قلبی که قابلیت تأثیر را داشته باشند تراوش نخواهد کرد. باز

هم اشتباه نکنید بعضی از اشخاص کوچکتر از آن بوده و هستند که یک اراده منظم

نظامی را با اراده و عقاید خویش مربوط ساخته و بعلاوه مقام نظامیان فداکار نیز

۲

والا تر از آن بود که با اراده‌های خفیه متحرک باش د.

در پس کودتا بود و گرنه کمتر «اراده‌های خفیه» پ س هراس بیانیه‌نویس از کشف

کسی بود که تردید داشته باشد فرمانده اصلی کودتای ا دیضنیاء روزنامه‌نگار جاه طلب

نیست. نیز بیهوده نیست که نویسنده بیانیه تهدید کرده است:

صریحا اخطار میکنم که پس از این برخلاف ترتیب فوق در هر یک از روزنامه‌ها

از این بابت ذکر بشود، به نام مملکت و وجدان آن جریده را توقیف و مدیر و

۳

نویسنده آن را هم هر که باشد تسلیم مجازات خواهیم نمود.

این قلم فصیح و بلیغ از رضا ن خیانت، حتی فرزند او محمدرضا پهل نوشت ه

سختی و مشقت زندگی، از دست دادن پدر در دوران کودکی و نبودن وسیله «: است

۴

نیاموزد «). باعث شد که رضاشا هدر ابتدای عمر به مدرسه نرود و خواندن و نوشتن

تاجالملوک همسر رضاخان نیز ب هسال ۱۳۴۷ در گفتگو با ن ی شهر ا یچاپ پاری سگفته

بود: « نداشت سواد اصلا هم خودش و بودند معمولی رعایای از او مادر و پدر . « ۵

نمونه ای از به اصطلاح نثر رضاخارا نهم مل ا کلشعرا ی بهار نقل کرده است، دیدیم در

۱۸۶، علامت! از نویسنده بیانیه است . - ۱ . همان، صص ۱۸۷

۲ . همان .

۳ . همان .

۴ . حسین مک ی: تاریخ بیست ساله ایران، ج ۶، (تهران: نشر ناشر، ۱۳۶۲)، ص ۱۶۲

۵ . فریدون هوید ا: سقوط شاه، ترجمه ح. ا. مهران، (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۵)، ص ۱۲۲

ص: ۱۳۸

د و سطر از یک نامه معول می چند غلط املائی و انشائی وجود داشت؛ پس تردیدی نیست که نویسنده این بیانیه او نبوده است. س عتجب اینکه با این اطلاعات از رض، اخان بعدها نویسندگان درباری برای او سفرنامه جعل کردند و از قول م طرال ضبا ی خان آوردند که به شوخی بیشتر شبیه بود، یکی از این موارد م یتراوان در سفرنامه جعلی او به مازندران یافت. د راین به اصطلاح سفرنامه که از قول رضاخانکه به شکل اول شخص مفر د نوشته شده است، آورده شده در بندرگک ز بعد از رفتن مهراهان و صرف مقداری از شب را به مطالعه کتاب پرد. اختکتمب تاریخ از سایر اقسام بیشتر «، شام کتاب»: د ر همان جا از قول رضان خا ونشت ا هند «... جلب دقت و نظر م رما ینمایند بوستان سعدی هم که به یک قطعه جواهر بیشتر شبیه است تا به کلمات معمولی، کمتر د از این جالب ت ر مطالبی است شاعرانه که از «. ممکن است که از دسترس من دور ب[!] م[ان ساعت ده شب است. تمطابق عادت معمول در اتاق...»: قول رضاخان طرح م یشوند خود تنها هست. م سکوت عمیقی اطراف اتاق را فرا گرفته، جز روئش ین اشمع و چند ۲ شکی نیست که بیانها هو مطالب را «[!] کتاب، چیز دیگری خاطر مرنامینوازد رضاخان را شخص یا اشخاصی دیگر دیکته کمرد یند و یا تحریر م ن میوند، یکی از این موارد همین بیانیه سالگرد کودتاس ت.

کتمان ناشیانه دستهای پشت پرده در کودتا بیفایده بود. د دکتر مصدق ک ه بعدها در ب ه خاطر «: دوره ریاست وزرائی رضاخاند رمقطعی او را ملاقات م کیرد گفته است دارم که سردار سپه نخست وزیر، در منزل من با حضور مرحومان الدولمه شی ور مستوفیالممالک و حاج میرزا یحیی دول آب تادی و آقایان مخبرالسل طونه تقزایده و

ند «علاء اظهار کرد مرا انگلیسیها آوردند ولی ن ست دندان د با چه کسی سروکار دار.

۳ عین

مرا « همین مضمون را یحیی دولت آبادی آورده است . به قول وی رضاخان آن روز گفت

کردم .» انگلیسیان سر کار آوردند اما وقتی آمدم به وطنم خدمت

۴ رضاخان ای سخن را

وقت ی گفت که دیگر مسلم بود سلطنت را خواهد . عربوداد لله مستوفی نقل م ی کند ک ه

۱ . رضاشاه کبی ر: سفرنامه مازندران ۱۳۰۵ ، (تهران: مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی، ۲۵۳۵)، ص ۷۲

۲ . همان، ص ۹۶

۳ . حسین مک ی: تاریخ بیست ساله ایران، ج ۱، (تهران: نشر ناشر، ۱۳۵۹)، ص ۱۵۷

۴ . حیات یحیی، ج ۴، ص ۳۴۳

ص: ۱۳۹

۱۴۰ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

روز بعد از انتشار بیانیه ب همناست سالگرد کودتا، نزد سیدحسن مدرس سرفته اس. تب ه

او قول « حاضر انگلیسها گفت می و د، بو عصبی خیلی شریطه این از مخصوصا سید

بودن د یکی دو میلیون خرج کنند تا این وصله را از خود بکنند، این مرد به رایگان تمام

گناهه ا را به گردن خود گرفت و آنها را از این مخمصه الملبی ی نفاغ کرد، که در

آینده دولت ایران نتواند گلگهداری هم در این زمینه بنماید. سید د بزرگوار حق م یگفت،

ام اسردا رسپه هم چاره نداشت و ناگزیر بود این سروصدا را به نفع انگلیسها و بر ضرر

۱

». یا بهتر بگوئیم به نفع خود بیندازد

رضاخان ب هجز صدور این بیانیه در سالگرد کودتا، گامهای عدیده دیگری را هم

برای دست یابی به قدرت خود کامه برداشت. او یک باره به جان جراید افتاد و شروع به

آزار و اذیت روزنامهگاران نمود. بعلاوه غیر از تصرف انبار غله و تسلط بر مالیاتهای

مستقیم و نیز خالصجات، راه را بر مطبوعات هم مسدود کرد. طبق دستورالعملی از

اواخر سال ۱۳۰۰ وزارت جنگ مالیاتهای غیرمستقیم، مالیاتهای محصولات محلی

۲

بعلاوه مالیات املاک و مستغلات را دریا فم یتنمود. این موضوع باعث تضعیف بیش

از پیش دولت مشیرالدوله گردید، مقامات سفارت بریتانیا گزارش دادند د:

حکومت مشیرالدوله به شدت دچار ضعف گردیده و به زودی ساقط خواهد شد.

هیئت رضاخان همه جا سایه افکنده است. وی اینک درآمد حاصل از گمرکات و

مواد مخدر و جز آن را تحصیل و خرج قشون میکند. گروهی از مدیران سرشناس

جرايد كه مطالب ضد رضاخان انتشار ميا دهند، اينك در زندان به سر ميبرند و حدود ۲۰ نفر از آنان به همراه عده‌هاي ديگر در حال حاضر در سفارت شوروي بست نشسته‌اند. روتشتين درخواست وزير امور خارجه ايران جهت استرداد

۳

بستشيان را رد کرده است.

رضاخان و سرکوب مطبوعات

برخی در شخصاً کرد، می دیگر جاهای در که مشروعی نا مداخلات از غیر جنگ وزیر

۱. شرح زندگانی من، ج ۳، ص ۴۹۱

۲. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ص ۳۳۵

۳. همان، ص ۳۴۵

ص: ۱۴۰

معاب ر عمومی مردم را کتک می زد. حسین صب امیدیر ستاره ایران را که از مداحانش بود به جرم مختصر انتقادی در یمدان مشق به سه پایه ب س ت و شلاق . دنز ددا نفل سف یم دی ر حیات جاوی د را با مشت شکست و خود او را هم را هب اسردبی ر روزنام اش د رزنهدان دژبان محبوس ساخ . ت گناه فلسفی چه بود؟ او نوشته ب و د وزارت جن پیشن گهادی به مجل س تقدیم کرده که طبق آن هفتاد و پنج هزار تومان ب را یتعمی را تس هاریب ازخانه غرب مطالبه نموده اس . تروزامه حیات جاوید نوشت بودجه وزارت جنگ بای دتح ت رسیدگی قرار گیرد و جزئیات آن به مجلس ارائه گردد تا برای ع عماطوملامنت ش رش ود ، چون مملکت ما پارلم ان یب و د ه و ت اب عمق را تقانون ی و اص و لموضوع هه ستی م و « شودی رامدومه این مقاله . امتیازات ی برای اشخاص و مقامات معتقد نیستیم که تبعیض قائل آمده بود همانطور که مصارف و مخارج سایر وزارت هاخباانیهده به تصویب مجلس برس د وزارت « مصارف ، « علاوه بر مبلغ تصویبی نباید دیناری از مالیه مملکت مصرف گردد » و بینایوی دسند ه آورده بود نبای دم سرو رب و د از « . جنگ نیز باید صورت جزء آن به مجلس م ات صدی ق « اینک ه وضعیت قشون ایران بهتر از دو سال پیش ش د هاس ت ، ض م ناینکه س ب ه تنظر سرمقاله نویس روزنامه « میکنی م اوضاع قشون ی ما امروز بهتر از دو سال قبل . ا . ت ادو سال پیش قشون روس و انگ لیه ای سران هجوم آورده و اج نامز هیدادن دک شور قشون ملی داشته باش . د ام امروز آن موانع به کلی برطرف شده، دیگر روسها نظ رس وی ی نی ز که نظر سوء داشته و دارند عاجزت ر « نسبت به تمامیت ارضی ایار نندارند و انگلیسیها ازاین هستند که بتوانند مداخلات سابق خود را ادامه دهند، به دلیل اینک همستملکات و متصرفات غیرقابل انفکاک آنها قسمتی تجزیه و قسمتی در حال تجزیه شدن است و آگ ر

« . خیلی قدرت دارند باید از خودشان نگاهداری کنند

به طور طبیعی بهتر از وضع فعلی « بنابراین با وضعیت حاضره باید اوضاع قشونی

باشد و آیا تصدیق میکنید که این پیشرفت طبیعی، منطق ادامه حکومت نظامی

پرسیده شده بود معلوم نیست وضعیت سر با گیر یز در قشون تحت «؟ نمیشود

فرماندهی رضاخان چگونه است، آیا اجباری است یا داوطلبی، در حالیکه این بدیهیات

هنوز روشن نیست، بودجاهی ب ه وزارت جنگ اختصاص مییابد که هیچ کس از نحوه

م ا هنوز عده تحقیقی نظامیان مملکت خود را « تخصیص آن مطلع نیست . ت از این گذشته

ندانسته و اطلاع نداریم افراد قشون هری ک چه مبلغ حقوق دارند! این بی اطلاع ی

ص: ۱۴۱

دیگر « اختصاص به ما ندارد بلکه عابمهیاطلاع و از سؤال آن مرعوب بوده و هس. تن
آیا هجده کرور بودجه وزارت جنگ برای تثبیت حکومت نظامی کافی نبود که » اینکه
نیم عشر « دد؟ر حالیکه بودجه معارف « هفتاد و پنج هزار تومان دیگر باید علاوه شو
قشون است باید معلم از گرسنگی بمیرد و بعضی از صاحب منصبان خود را آرایش داده
پرسیده شده بود چرا در نقاطی که؟» و در طول خیابان لالزهار فواحش را تعقیب کنن!
یک پلی س میتواند با یک طناب هزارها تن از اهالی را ببندد، چنین اصراری ه ب
آقای سردار سپ ه! « حکومت نظامی وجود دارد؟ خطاب به رضان خوانشته شده ب:ود
شجاعت و شهامت، فداکاری و مجاهدت و سایر صفات عالیه، یک سردار را بزرگ
کرده و عظیمی املشأن م میکند، و بالعکس تجاوز و تخطی، غرور و نخوت رشیدترین سرباز
باید حافظ قانون بوده و « خلاص ه اینکه ». ر امنفور و در ان ظار عمومی مبعو ضم ینماید
اصول مشروطیت را تقویت کنید، زیرا ما هنوز کلمه ملی را انیتوان م مستهضاف الیه
۱ « . مجلس قرار داده و جلوگیری از تجاوزات قانونی را از آنها تقاضا کنیم
رضاخان خواسته بود برای عتمیر سربازخانه ها یلشگر غرب به واسطه نزدیک شدن
فصل زمستان و احتیاجات ضروری سکونت نظامیان، مبلغ هفتاد و هزپانرتومان ب ه
شرح زیر و علاوه بر بودجه مصوب مجلس، به آن وزارتخانه تخصیص .مهمتیراب د
اینکه نوشته م یشد بعد از هزینه شدن این مبلغ اضافی، اسناد آن از ارت جونز گب ه
وزارت مالیه داده خواهد ش . د طبق این لایحه سربازخانه کرمانشاه پانزده هزار تومان،
همدان پانزده هزار تومان، بروج ب ریدست و پنج هزار تومان، کردس دتها نهزار تومان،
ولایات ثلاث پنج هزار تومان و اراپنکج هزار تومان نیاز داش . تبنددیهی است هیچ

کس مخالف تجهیز سربازخانهها نبود، اما مسئله این بود که رضا هخام ناموال مردم را مصادره می‌کرد و میگفت خرج قشونم میکند، هم از بودجه سالیانه دولتی بیش از سایر وزارتخانه‌ها دریافت مینمود و هم تقاضای بودجه اضافی میکرد، بدون اینکه گزارشی خواهد می‌او که دشواری مصارفی خرج بودجه این شود معلوم واقعاً اینکه بدون و بدهد یا به جاهای دیگری سرازیر میگردد. از این بالاتر هیچگونه نظارت قانونی بر بودجه

وزارت جنگ وجود نداشت دور حالیکه این وزارتخانه اغلب بودجه کشور را

در اطراف «، ۱. حیات، سال اول، شماره هشتم، سه شنبه ۲۸ محرم ۱۳۴۰ مطابق با ۲۹ سنبله (شهریور) ۱۳۰۱

ص ۱. علامتهای؟ و! از نویسنده مقاله است. «وزارت جنگ

ص: ۱۴۲

میلعلید، معلما ن نمیتوانستند حقوق ماهانه خود را دریافت ک. نسدخ ن کسانى مثل فلسفى، مدیر حیات این بود که همه کار باید قانونمند باشد و مجلس بر اعمال دولت نظارت عالیہ داشته باشد .

صاحب امتیاز و مؤسس حیات سید میرزا آقا فلسفی بود و مدیر مسئول آن هدای الله ت داورى. روزنامه حیات بعد از توقیف حیات جاوی د منتشر میشد که توقیف آنه متوس ط رضاخان صورت گرفته ب و. دداوری چندی قبل همراه با فرخمدیر طوف ان در س فارت شوروی متحصن شده بود و صاحب امتیاز روزنامه یعنی ف لهسمف آین زمان در ح ضرت عبدالعظیم تحصن اختیار نموده ب. وبدازجوى از فل سف وى داورىو محمودخ ان م دیر چاپخانه، به سرعت آغاز گردى. دتارى خ این بازجوى روز بیست و هشتم س نبل هی اهم ان شهرىو ر قید شده، حال آنکه روزنامه حیات که مقاله یادشده در آن چاپ شده، روز بیست و نهم آن ماه نتمش ر گردیده بو. د برای اثبات جر مدستتویس مقاله را هم آوردند و جملاتی ک هتوسط داور یکم یا زیاد دشه بود به عنوان سند دخالت او در جرم شناخته شد! در این محاکمه داورى و فلسفى گفتند جرمى مرتک

ب نشدهاند و فق

ط طبق وظیفه

روزنامهنگاری خود مطالبی نوشتانهد، اما دادگاه نظامی که به ریاست کفی لارک انح رب حسبالام ر « کل قش ون تشکیل شده بود آنها را مجرم شنا. خکف تی لارک انح ربک ه جلس ه محاکمه را به ریاست خود تشکیل داده بود، گزارش داد دادگاه ب احضور « مبارک تا « سرهنگ محمدحسین میرزا، سرهنگ عبدالرضاخانو سرهنگ ریاضی تشکیل شده و

د ت رای ن «. عص ر استنطاقات فلسفیه صاحبامت یا ز و هدای اتلله م دی رم سؤل امت دا دیاف
چون مدیر مسؤل هدای اتلله به خط خود تصحیح صفحات را نموده نتوانست « دادگاه
مسؤل مدیر افکار [از] ناشی مقاله اساسا که گردید معلوم و اید نم خود از مسؤلیت سلب
هدایتالله بوده و صاحب امتیاز هم در آن شرکت داشته است، ول یای نمقال هرا نتیج ه
افکار خود دانسته هیچ نوع تحریکی را در این عقاید اقرار ننمودن د، ل ذاع ضاء محکمه
الله دایت ه مسؤل مدیر لیکن مقصرند و محکوم نفر دو این که هستند عقیده نای بر متفقا
تقصیرات ش زیادترو مسؤل مستقیم این سرمقاله است و باید هر دو مجازات و سیاست
ر ای محکمه این بود که روزنامه باید توقیف ؛ ب شا و نادم دیگری هنمیت وان آن «. شوند
م دی ر « را م نشر کرد؛ حق روزنامه نگاری از فل سف یو داوری سلب گرد ؛ دبج لاو هبای د
مسؤل هدای تالله دو یست ضربه شلاق و شش ماه حبس و صاحب امتی از فل پن سفج یا ه

از آنجائیکه این دو نفر « سرا تحمل می کردند . ب این وصف « ضرب ه شلاق و شش ماه حب
پ ساز اعتراف به تقصیر خود استرحام از بندگان حضرت اشرف [کرده] و استدعا یعف و
۱». و اغماض را نمودوهان د ، محکمه اجرای مجازات آنها را منوط به ام رمب مایرناکید
م ه رضاخان « فرمودند ملاحظه « البته و » دن و ش سب ح فُعلا فرمودند . « ید هیچ کس هم نپرس
مگر رضاخان قاضی است که اممرفرمای د کسی را چگونه مجازت نمایند؟ تازه اگر جرم
رضاخان بود؟ از اینها بارلا تمگر این روزنانمهیوسان « امر مبارک « محرز است چه نیازی به
چ هگفته یا نوشته بودند که باید مستحق شلاق و حبس شوند؟ آیا جز این بود ک هنوش ت ه
بودن د وزارت جن گهم وزارتخانهی اس تمث لس ای روزارتخان ها ه و باید تح تن ظ ر
مجل س اعمال وظیفه کند و بودجه و تشکیلات آن مشخص و واضح باشد؟ گر رضامخان
ج زوزیری مثل بقیه وزرای کابینه بود، چه ماده قانونی وزارتخانه تحت امر او را از دیگ ر
وزارتخانه ها متمایز میگرد و چرا باید او اختیارات یف و قاختی ارا تمعم و ل وزرا داشت ه
باشد؟ آیا اگر وزیر معارف و یا وزیر خارجه ه ممواج هب انقد طبوع ا تمی د
ش ند،

میتوانستن د خود محکمه تشکیل دهند و اوامر و نواهی صادر کنند و متهم را به مجازات
رسانند؟ چرا فلسفی و داوری باید در دادگاه نظامی محماک یمشهد ند، مگ رآنه انظ ام ی
بودند؟ این پرسشها و پرسشهای عدیده دیگر خود حاکی است از خودس ر یرض و اخان
عد متمک ی ن او در مقاب لقوانی ن و به ب از یگ رفت ندادگ . د رجب ی ن اهو ج زتیرگ ی
خود کامگی دیده نمیشد ، اما کمتر کسی بود ک هعلی های نخ ی سررهی برآشوبد و این
جرأ ت را داشته باشد تا حداقل او را به مجلس کشاند و استیضاح . بهنمجایزد مدر س

حتی دیگر مخالفان او هم جسارت لازم را برای مقابله با قزاقنداش تن د و البت ها کثرت
ترجیح می دادند از فرط ترس خود کشتی کنند تا اینکه در مقابل رضا قزاق ند علم نمایند و
حداقل به دست او کشته شوند .

محرم ماس رار « بعده ا هم که کسانی مث لدکت رول اللهخ یان ن ص رری ی سمع ار ف و
ب همدستی مدع ال یعموم عدلیه و بع ض ی « ب اجمعی از دوستانش تلاش کرد « قوام السلطنه
از مدیران جراید از طریق قانون کاری بکنند که من بعد وزارت مع و ارأ ف ت دولت

ه ی

ک،م ۲ هر رضاخان بلوای جمهوری خ و د را راه « نتوانند ر و ز نام ه توقیف نمایند مگر به امر مح
۱. کفیل ارکان حرب کل قشون به رضاخان، طهران ، ۲۸ سنبله ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت جنگ .
۲. گزارش مفتش مخفی، مورخه ۱۶ برج جدی (دی) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۱۴۴

انداخته بود و گوش کسی بدهکار قانون و این دست سخنان. طنبق و ایدن گزارش ن ص ر

برای انجام این مقصود کمیونی از خودشان تشکیل م داده خواهند د جرائ د « میخواست

مقصود حضراتی ن...» ب هنظر مفتش «. ر آزاد نموده و بعضی مقامات را دلارک ن هماین د

۱. «. اس... مطبوعات را هم آزاد کرده و بازار هرج و مرج را رواج نمایند

ام ا در نقطه مقابل بودند کسانی که نه تنها اکنون بلکه در سراسر دوره فعالیت

سیاسی و مطبوعاتی خود نه به مجلس اعتنائی داشتند و نه به الزامات مشروطه پایبندی

نشان م یدادند، اینان به دنبال دیکتاتور موزظدر خود بودند و یکی از ایشان حسین صبا

بود که مدیریت روزنامه ستاره ایران را همچنان در دست داش. ا تو مقاله ای نوشت که

باعث خشم رضاخان شد، البته رضاخانمیخواست از مدیران مطبوعات زهرچشمی

بگیرد و حسین صب ا هم قربانی گردی. داو وقتی به نزد وزیر جنگ احضار شد، توضیح

داد هدفش این است تا رضا، خاناندر ایران شود؛ یعنی همان دیکتاتور مظورر دک ه

البته بیشتر ردای خود کامگی میپوشید. بهار درباره این حادثه چنین نوشت:

ما همان اندازه که از این قبیل تعرضات نازیبا که بدبختانه به واسطه نبودن قانون

مصنفین در مرکز روی میدهد متأسف هستیم همانقدر هم تأسف داریم که چگونه

سیاسیون و احرار ما غافل از اینند که در قرن بیستم کسی نمیتواند نادر یا بناپارت

بشود و جریان ترقیات اجتماعی این اصل را محو نموده و به جای نادرها و

بناپارت ها، [جورج] واشنگتن م پ پروراند و صلاح بزرگان و رجال ما در نادر شدن

نیست زیرا نادرها در محیط امروزی قابل دوام نخواهند بود و روزنامجاتی که

حسین صبا به دنبال ناپلئون اینبارت م یگشت، لیک ن نمیدانست کسی را که از او حمایت می کند، بیشتر زینده مقایسه با لوئی باناسپارت ت تا ناپلئون بناپ .ارت دسیسه گری و خودکامگی، سرکوبی مخالفین خود، دائر دک ن ر دستگاه امنیتی موازی با تشکیلات رسمی کشور و اتکا به اوباش از جمله مشاهبه ای اتین دو ب.وردضاخان مثل لوئی بناپارتاغلب با تشکیلاتی که به راه انداخته بود، خارج از حیطه عمل دستگاههای رسمی عمل میکرد و گاه حتی خلاف این دستگاه های رسم ی.

۱. همان .

. «عالم مطبوعات در تهران» ، ۲. نوبهار، ش ۱، مورخه ۲ میزان(مهر) ۱۳۰۱

ص:۱۴۵

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

ام ا قضیه منحصر به این موارد ن.ب یو کدی دیگر از مصادیق برخورد با ارباب جراید مربوط می شد به کتک زدن هاشم محیط م، امیدیر روزنامه وطن و نویسنده کتاب مشهور مقدمات مشروطیت. در روزنامه وطن اعتراضاتی به اقدامات خلاف قانون وزارت جنگ می شد. روزی محیط مافی مدیر این روزنامه در اداره روزنامه هاشم نشست بود که یک صباح م بنص ب قزاق به همراه چند قزاق ساده وارد شده و او را از پشت وی وضع این با. دند کراری ک کتک را وی با قنطاق تفنگ مفضلا و کشیدند بیرون میزش را به اداره قزاقخانه بردند و بازداشت نم. و دند در قزاقخانه هم او را به شدت شکنجه کردند تا جائی که احساس شد محیط مافی میسرف به مرگ است، پس رهایش ساختند. م ن او را در خانهدش میان بستر دیدم که از حجامت گاه تا اس رمیانن ند: « بهار م نویسد ۲». مرکب سیاه شده بود و دیری بستری بود و عاقبت علیل شد

سردبیر روزنامه نجات ایران در واکنش به این چوب فکلردن کها، مشیرالدوله را هدف حملات خود قرار داد. و از توقیف روزنامههای ستاره ایران و ستاره شرق یاد کرد که به قول وی از هستی ساقط دهانشد. در ادامه نوشته شده بود قلم خود را زمین گذاشته و روزنامه هاشم را تعطیل کرده است و در انتظار توقیف است و زندانی. شدن سردبیر نجات ایران متذکر شد علت این گرفتاریها آن است که رنوگزارمان ه سراغ طراح اصلی کودتا فرتها ند، اگر دیگران هم دست به چنین اقدامی زنند، دستگیر، زندانی و مجازات خواهند شد. در خب ر داده شد علاوه ب ترهران، مدیران جراید در اصفه اهنم به فلک بسته شده اند. به نمایندگان مجلس هشدار داده شده بود اگر کاری ب ه نفع رضاخان نکنند، ب ه همین سرنوشت مبتلا خواهند شد، و اگر این وضع ادامه یابد نمایندگان هم

مقابل ساختمان مجلس فل کم یثوند . آن گاه نوک تیز حمله متوجه مشیرالدگولرهدی د.

خطاب به او نوشته شد در زمان ریاست وزرائی اوست که ارباب جراید ناچار به تن

دادن به اینهمه فشار و محدودیت شده‌اند .

د رادامه آورده شد این لکه ننگ هماره بر دامن مشی ربالاقدیو لمه یم ان د و تاریخ این

۳

رسوائی را به خاطر خواهد سپرد .

۱ . یعنی از میان شانه‌ها تا پائین کمر .

۲ . تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۲۲۸

Engert to Secretary of State, No. ۸۳۴, March ۱/۱۹۲۲, DS. ۸۹۱.۰۰/۱۲۲۲, Also see: Majd, op..۳

.cit, p. ۱۳۶

ص: ۱۴۶

ب هاین شکل رضاخان روزنامه‌های ستاره ایران، اقدام، ایران آزاد، میهن، نجاتی را نو طوفان را توقیف کرد. فرخی از حکومت شتر گاو پلنگی نام برد که خصلت اصلی دولتهای ایران شده است.

فرخی نوشت این سومین باری است که روزنامه‌هاست توقیف می‌گردد و خود او نیز چندمین بار است که آماج خصومتها و مقعیشود. او نوشت بار اولی که گرفتار گردید، ب ههنگام مبارزه علیه قرارداد ۱۹۱۹ بود. در آن زمان با اینکه در منازل روحانیان ش هر پین اه جست ه بود، او را بازداشت نمود. دن ب دار دوم بعد از کودتای سیدضیاء که بازداشت شد. تقاضای فرخی ای نبود که جلوی خودسری رضاخان گرفته شود و قانون اساسی معیی از

رفتارهای متصدیان واقع شد و دب هنظر او حکومت نظام با یید از ته ران و شهرها یدینگ برداشته می شد، زیرا این حکومت نظامی جان مردم را به لب یدهراسسانت. دیگ ر تقاضای او این بود که زندانیان سیاسی به همراه تبعیدیان به هایخ انه خود بازگردند؛ بودجه ک لان و سرسامآور وزارت جن گبه مجلس ارائه گردد و مورد تجدیدنظر و اصلاح واق عش. ود

اونوشت خواهان دولت و وزیر جنگ قدرتمندی است که قانون را نظ ر قمرارد دهد و با ای ن معیار از کشور محافظت کند، زیرا قدرتی بالاتر از مجلس وجود. نکنتد ها مرهدم ای ن است که به جز امثال فر، خ دیگران جراتنمیکردن د بانی و باع ثاص ل یم شکلات را

وئمن، نی فل اخ م ه م ه ب تقری. دن ای ام نی فر عم

نیس مجلس و برادرش

م المل ک، ر

میرزا حسنخان پیرن یا را عامل مشکلات تلق یمی کردند. از حکومت اشراف سالار در ایران

بحث می شد که بر مردم مسلط است و حکومت نظامی را ابزار نیل به منافع خود قرار داده است. نوشته شد این دسته افراد از سوی بریتانیا حنیرایک میشوند دو کشور را به سوی تباهی سوق میدهند. مردم شکنجه شده و به قتل می رسند، روزنامه ها اتوقیف

م ر

میشوند، هیچ کس جرأت ندارد علیه اهداف شیطانی این افراد سخن به میان آورد، در غی این صورت نصیب آن فرد چیزی جز غارت شدن و به سیاه چال رفتن است. در غی از وضعیتی سخن به میان آمد که در آن فرچندمی توانند در جائی تجمع کنند، در غی ای صورت یا متفرقمیشوند و یا دستگیر میگردند. فرخی و دوستانش میگفتند داگ ر معیار تصمیم گیری ه ا قانون اساسی است، صدو فرامین یمث لحک میکم منم، قلمها را میشکنم، مجازات می کن م و امثالهم به چه معناست؟ حتی امپراتورهائی که میلیونها نیروی نظامی تحت امرشان بوده، چنی نفرامی نمتکبران ای صهاد رنگ را دهند و چنی نرفتار

ص: ۱۴۷

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

مستبدانه ای از خویش نشان ندهاها ند . پرسیده شد ادغام وزارت جن و گ وزارت مالی ب هه

چه معناست و با کدامین معیار قانونی منطبق است؟

از سوی دیگر روزنامه حقیقت روز چهاردهم فروردین سال ۱۳۰۱ مقالهای منتشر

نمود که ضمن آن پرسیده بود بر اساس کدامین قانون حکومت نظامی مجاز شده است

زبانها را ببرد و قلمها را بشکند؟ به م جچهوزی یک فرد هم وزارت جنگ را به دست

دارد ، هم مالیاتهای غیرمستقیم را ادا مریکند ، و هم به نام حکومت نظامی در امور قضائی

و دیگر حوزههای حکومتی دخالت می نماید؟ حقیقت پرسید که دا مق انونم ان عش کای ت

مردم تبری می شود که پس از شکست لاهو تخیانه و مغازهشان به دست قزاقه اغ ارت

شود؟ به دنبال این انتقادات سرانجام فرخی سردبیر روزنامه طوف انب هس فار تشوروی

پناهنده شد؛ و فلسفی سردبیر حیات نیز به حرم شاه عبدالعظی مپ ناه برد .

روزنامه حقیقت نوشت، مردم خواهان این هستند تا قانون اساسی، یعنی یشم ر هخ و ن

کسان ی که در راه آزادی ایران شهید دهشد ، پایم ال ن شود؛ معترض ی نه مخواس تا ر آن

ان

هستن د که ی کع ض و کابین هنبای دق در تبلامن از عکک باش د. شبو رسیاری از مقامات

دیپلماتی ک خارجی مقیم تهران، اخبار این تحولات را به کشورها یمتب و عخ و دارس ال

۱

نمودن د. در میان روزنامهنگاران معترض ، فرخی از همه مشهورتر ب. وادو غی راز اینک هاز

دوره مشروطه شاعری شناخته شده به شمنار یآمد ، در ماهه ایبع داز کودت ابا بع م ر

بین تودههای م ردمه م ، «رد کرزن عصبانی شده است» ترکی ب مشهور خود با عنوان ل

شناخته شد . شاید جالب باشد در همین جا این شعر زیبا را نقل کنی م:

تا بود جان گرانمایه به تن

سر ما و قدم خاک وطن

بعد از ایجاد صد آشوب و فتن

بهر ایران ز چه رو در لندن

لرد کرزن عصبانی شده است

داخل مرثیه خوانی شده است

Engert to Secretary of State, No. ۸۴۸, April ۳/۱۹۲۲, DS. ۸۹۱.۰۰/۱۲۲۳, Also see: Majd, op..۱
.cit. p, ۱۳۸

ص: ۱۴۸

ما بزرگی به حقارت ندهیم

گوش بر حکم سفارت ندهیم

سلطنت را به امارت ندهیم

چون که ما تن به اسارت ندهیم

لرد کرزن عصبانی شده است

داخل مرثیه خوانی شده است

تو را ف همیدیم « مارلینگک » حال

را گاه عمل سنجیدیم « کاکس »

دیدیم « نرمان » کودتا کردن

آنچه رفتیم چو برگردیدیم

لرد کرزن عصبانی شده است

داخل مرثیه خوانی شده است

مزا دست بدار « لرد » آخرای

کشور جم نشود استعمار

بهر دلسوزی ما اشک مبار

تا نگویند ز الغای قرار

لرد کرزن عصبانی شده است

داخل مرثیه خوانی شده است

ما جگر گوشه کیکاووسیم

پور جمشید جم و سیروسیم

ص: ۱۴۹

۱۵۰ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

زاده قارن و گیو و طوسیم

ز انگلستان چو بسی مأیوسیم

لرد کرزن عصبانی شده است

داخل مرثیه خوانی شده است ۱

عملی ات سردا رسپه بسیاری از مردم را ترسانیده و کثیری از سیاستمداران را وادار
ب هسکوت کرده ب و. ددر این میان برخی جراید از عملیات رضاخ اون قشونش با نثری
شورانگیز حمایت م یکردند. از این جمله بود نشریه آزادی که به مدیر مسئولی محمود
آزادی و نگارندگی افراسیاب آز اکدتمان حقایقمیکرد و اخبار پشت پرده سیاست را
باژگونه به اطلاع مردم می رسانید. در یکی از شماره‌های ای ن نشریه که به صورت ماهانه
گگ که در زیر تیترا آن با « آزادی و جن » منتشر م یگردید، مقاله‌های نوشت ه شد با عنوان
عنوان سربازی و سردا رسپه، ن وک تیز حملات خویش را متوجه مخالفین هاق ن زاق مود.
که « هوچی ه ا » ق خوانده شدند که با کمک و هدایت « لشک ر فساد اخلا » منتقدان قراقان
سییودن سهد، در مقابل خویش کسانی را « همیشه سوار مرکب اتهام، نیرنگ و د »
بر زبان می ر اندند و در برابر این « حرفهای حسابی و بیانات حقیقآم تیز » می د یدند که
ب ا هیمنه و « بیحث شد که « خامه های شجاع و دلیر راست » م یدادند. از « مانور » گروه دوم
شکوه منطق و طنطنه که ویژه بیان آزادی است بر سپاه موهومات فاسده حمله و رشده
ب اقدرتی بس قویم و پایدار، تنه خرافات و قبایح اجتماعی را در هم شکسته پیروز و
مبتهج، برومند و بشاش بالاخره پرچم مفتخر و پرشکوه آزادی را از میان میدان
از « چشم دشمنان حریت را خیرمهیسازند » تهو « مستبدین و مبارزه هوچیان برافراش

طاعون های اجتماعی و وباهای اخلاقی و « نیروهای مخالف رضاخاب نه عنوان

از شدت بغض محترق و « یسخن گفته شد که « موریانه های پیکر ملی یعنی اعداء آزاد

دهوچیه! هر قدر م یخواهید هو « خطاب به این مخالفین نوشته : ش « . متلاشی م یشوند

از شغل سربازی سخن « . کنید، م از ذکر حقیقت خسته نشده و از ر ددرونی روی م

کدسی ک ه بیرق آزادی را در هر قطعه دنیا با بازوی توانا « گفته شد که در تعریف آن: آم

نیز ن ک: دیوان فرخی یزد، ی به اهتمام حسین « . رد کرزن عصبانی شده است « ۱ . طوفان، مورخه ۲۲ آبان ۱۳۰۰، ل

. ۱۹۶- مکی، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲)، صص ۱۹۷

ص: ۱۵۰

جان شیرین و مکان آن میدان « سرباز کسی است که سرمایه او « برپا نموده، سرباز اس . ت

سرباز حافظ ناموس ملت است، سرباز سپر بلای ملت شم و شیر « نیز « . خونین اس ت

این سخنان چه ربطی به رضاخ او نقشونش داشت؟ آیا مضحکتر از « دفاع آزادی اس . ت

مقالات ی از این دستمیتوان یافت که مردی چون رض را خارهنبر آذریاخواهان

وانمود میکرد و مخالفین او را دشمنان آزادی و مثنی هوچی قلمداد مینمود؟

دستهای پنهان و بلوای محله کلیمیان

درس ت در این هنگام، رضاخان برای مقابله با نمایندگان همسوی با مدرس در

مجلس و مطبوعات مخالف، دست به حرکتی دیگر زد تا بار دیگر حکومت را نظامی

تمدید نماید و آن را ربای افکار عمومی توجیه ك.نب ده زودی بهانه لازم برای این

حرکت به دست آم:د روز دوازدهم شعبان ۱۳۴۰ که مصادف بود با بیس تویک م

فروردی ن سال ۱۳۰۱ شمسی، سه نفر مسلمان از محله کلیمیان تهران عبور میکردند و با

هم گفتگ و م ینمودند . ب ه روایتی یکباره فردی کلیمی به آنان هانت نمود و این سه

مسلمان با وی وارد مشاجره گردی . دنکدلیمی مزبور تقاضای کمک کرد، وقتی عده

بیشتری از آنان وارد مشاجره شدند، بر تعداد مسلمانان نیز افزوده . ناگهشادن هنگامه ای

آژانهای نظمیه که « برپا گردید که از آن بوی دسی م سه یآمد . در این ماجرا از سوی

حاضر ب و د ه و در کمال سهول م تیتوانستند از همان بدو شروع، جلوگیری به عمل

۱ چیزی نگذشت که مردم از محلات گوناگون تهران چماق به « آورند ، اقدامی نش . د

دست روانه محله کلیمیان شدند، زود خوردی صورت گرفت و کار به شکستن در و

پنجره و خرابکاری رسید، نزاع به سرعت به کلیه هکواج یهمحله کلیمیان سرایت ك .د

بالاخره رضاخان دویست قزاق به آنجا اعزام نمود و آنها توانستند غائله را : بخوابانند

ای ن موضوع بهان اهی ب ه دست سردار سپه داد که اگر حکومت نظامی ملغی شود، امنیت «

۲. « از مردم سلب خواهد گردید و حاضر نشد که حکومت نظامی ملغی شود

برای فهم این تحرکات و نیز به منظور تفکیک قائل شدن بین گروهی که در منابع

خوانده می شون د با عدهای دیگر که با برنامه ی از پیش تعیین شده به دنبال « کلیمیان »

۱. شرح زندگانی من، ج ۳، ص ۵۰۰

۲. تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۲۰۴

ص: ۱۵۱

۱۵۲ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

اهدافی خاص بودند و حتی شقاق و نفاق در جامعه کلیمی را هدف خود قرار داده بودند، ضروری است اندکی به عقب بازگردیم و یک موضوع مهم تاریخی را ارزیابی نمائیم؛ این موضوع مربوط است به تشکیل انجمن صهیونیست تایلند در اواخر جنگ اول جهانی. درست مقارن با قرارداد ۱۹۱۹ یعنی در مردادماه سال ۱۲۹۸ شمسی، «سازمان صهیونیست» نخستین کنگره صهیونیستهای ایران تشکیل شد. این تشکیلات که خوانده می‌شد، توسط سازمان مرکزی تشکیلات صهیونیستها اداره گردید. سازمان مرکزی صهیونیستها در لندن قرار داشت. مژده به نام عزیزالله نعی در این زمان ریاست تشکیلات تایلند را به عهده داشت؛ اما او به واقع دومین رئیس این تشکیلات محسوب می‌شد. نخستین رئیس تشکیلات مزبور سلیمان کهن بود. طبق این مرامنامه شعبه‌هایی در نقاط مختلف ایران داشت. طبق مرامنامه «تشکیلات صهیونیست ایران» تشکیلات صهیونیست ایران جزئی بود از صهیونیسم جهانی که مرکز آن در لندن بود. بی‌شک «منطقه» داشت. به‌طور طبیعی یکی از اهداف اینان برقراری ارتباط و همکاری بود. «عملیاتی خود در ایران و ارض مقدس ادعا شده بود صهیونیستها در سیاست داخلی ایران مدخلی نداشتند، و نسبت به احزاب مختلف بیطرف هستند. اینان وظیفه خود می‌دانستند هر جا تشکیلات شاعریه ندارند، آن را دایر نمایند.

تنویر افکار و ارتقای حالات روحی و «انتشار مجله و نشریات دیگر به منظور

هدف اساسی این «تهذیب اخلاق یهودیان ایران از یطفر برگزاری کنفرانس‌ها

تشکیلات به شمار می‌رفت. تشکیل کلاس به منظور ترویج زبان عبری، نیز برگزاری

کلاسهای آشنائی با تاریخ بانسیرائیل از دیگر اهداف اینان ب. یوکدی از اهداف این

شرکت در مراسم اجتماعی یهودیان به منظور افزایش احساسات ملی و « گروه

ن ب ه شمار « صهیونیست نمودن و آشنا ساختن آن نا، با هیأت اجتماعی بنی اسرائیل ای را

برقرار نمودن روابط مستقیم و همیشگی با ارض مقدس و تشکیلات « . میآمد

اندیک ر هدف این گروه ب . و دو اما مقصود « صهیونیستها در تمام کشورهای مختلف ج ه

تهیه و تدارک وسائل آسایش و راحتی اشخاصی که خود « و منظور اصلی اینان

ن، ب ده شمار میآم د. بالاخره « داوطلبانه حاضر میباشند به ارض مقدس مهاجرت نمای

اینک ه دفاع از حقوق یهودیان از طریق برقراری روابط حسنه با دولت ایران از دیگر

ص: ۱۵۲

اصول مسلکی تشکیلات صهیونیست ایران به شمار میرفت.

تشکیلات صهیونیستهای ایران روزنامه ای منتشر میکرد به نام هگئولا. ۲ مدیرمسئول این روزنامه هم همان عزیزالله نعیمود، ۳ این روزنامه به زبان عبری منتشر میشی و بعد از کودتای سوم اسفند مثل جراید دیگر توقیف گردید. نعیم حدودی م گاهی بعد از کودتا، نامه ای به وزارت معارف نوشت و توضیح داد چون این روزنامه کاری به مسائل

سیاسی ندارد، از توقیف خارج و به آن اجازه انتشار مجدد داده شود.

تاریخ جنبش « نعیم در آذرماه سال ۱۲۹۹ کتابی به فارسی نوشت با عنوان

۵ از این بعد در کنار تشکیلات مرسوم انجمن کلیمیان، هرصاهنیونیستها. « صهیونیست

ب ه تلاش و تکاپویی مستمر و مداوم مشغول بود. حدود یک ماهی بعد از کودتای

سوم اسفند، این تشکیلات نظامنامه تشکیلاتی خود را برای وزارت خارجه اد. فرست

اینهم البته نکته ای است درخور تأمل؛ چرا تشکیلات صهیونیستهای تهران نظامنامه خود

را به وزارت خارجه فرستاد و نه وزارت؟ اداگ خلر اهینان مخویاستند فعالیت

تشکیلاتی نمایند، البته باید مجوز خود را از وزارت دارخیلافهت مینمودند نه وزارت

خارجه؛ لیکن با کمال تعجب آنها از وزارت خارجه خواستند از تشکیل شعب ههای

۱. مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت خارجه، سال ۱۳۳۹ ق، کارتن ۳، پوشه ۱۷

۲. هگئولا به عبری یعنی نجات.

۳. عزیزالله نعیم بعدها پس از آنکه رضاشاه کلیه فعالیتهای تشکیلاتی در قالب احزاب و انجمنهای مختلف را

تعطیل کرد، به پاریس رفت. وی در پاریس نماینده یهودیان ایران در آژانس بی انلملی یهود شد و نیز به فعالیتهای اقتصادی دست زد. نعیم در زمانی که مقیم پاریس بود به سال ۱۳۱۰ شمسی نام اهی به دربار ایران ارسال کرد و از رضاشاه خواست اجازه دهد یهودیان مقیم اروپا در ازای دریافت ویزای رایگان تسهیلاتی مثل اعطای زمین، عدم پرداخت مالیات و معافتهای گمریک از وسایل و لوازم وارداتی، به ایران آیند و در فعالیتهای عمرانی و یا فرهنگی مشارکت جویند. او میخواست به تقلید از الگوی اقتصادی رایج در فلسطین توسط یهودیان، در ایران هم اقدامات مشابهی انجام ده: حبیب لوی: تاریخ یهود ایران، (تهران: کتابخانه یهودا ۹۱۸. لازم به توضیح است این طرح ها مورد استقبال رضاشاه واقع شد و وی - بروخیم، ۱۳۳۹)، صص ۹۲۴

اجازه داد یهودیان سرمایهدار وارد ایران گردند و در زمینهای گوناگون تجاری، صنعتی و فرهنگی سرمایه گذاری نمایند. ما در بخشی از یک مقاله به این مهم پرداخته و نشان داده ایم که یهودیان رانده شده از اروپا در آستانه جنگ دوم جهانی و به ویژه بعد از به قدرت رسیدن هیتلر با حمایت کنسولگریهای ایران در برلین، پاریس، لندن، ورشو و برخی دیگر از مراکز کشورهای اروپائی وارد ایران میشدند و به عبارتی طرح نعیم مورد حمایت رضاشاه واقع شد. نک: قدرتهای بزرگ و اشغال ایران در جنگ دوم جهانی، فصلنامه تاریخ . ۱۶۰- روابط خارجی، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، ش ۲۸، پائیز ۱۳۸۵، صص ۱۶۴

. ۱۳۰۰، ش ۴/۱/ ۲۹۳۰۰۵۷۸۱. سازمان اسناد ملی ایران، نامه وزارت معارف به حکومت نظامی تهران، مورخه ۷

. ۵. هومن سرشار: فرزندان استر، ترجمه مهرناز نصریه، (تهران: کارنگ، ۱۳۸۴)، ص ۲۳۷

سازمان مزبور در ایالات و ولایات جلوگیری نشود، زیرا فعالیت آنها قانونی است.

در سراسر بخش مهمی از دوره سلطنت احمد، دستاورد شکیلات صهیونیستی تدریجاً

داشت، توجه خور « از وی، پهلای ارض په س سردار جمله از ایران سیاسی رجال تمام تقریباً

فعالیتها ی صیونیستی در ایران با اخب ربودن د، و حت یدر پ ای از ا ره جشنهای صیونیستی

۲ نخستین گردانندگان انجمن صهیونیست ایراسنیزده تن از جوانان «. شرکت می جستند

قوم یهود بودند. د اعضا یتشکیلا تمرکز زی و ش عب هته را نانجم نصهیونی س تای را ن

مشهورت را از دیگران بود ن. داز بین اینانمیتوان به دکتر حبیب لو، ۳ ی سلیمان کهن ص د، ق

عزیزالله نعیمی، سلیمان اسحاق ح، ی اسحق بروخی مو عدهای دیگر را اشاره کرد که در ت اری خ

خاص یهودیان ایران نام آنها نوشته شده است تا تاریخ تشکیل نخستین جلسه انجمن م

زمستان سال ۱۲۹۶ شمسی بو. د این ت اری خم صاد فاس تب ادوره ریاس توزرائی

و ثوقا لدول ه، فعالیتهای کمیته مجازات، اشغال کشور توسط طیبگانگ ان، اتق لا بیلشویک ی

روسیه و سرانجام قحطی بزرگ. گب هدنبال تأسیس شعبه اصلی تشکیلات صهیونیستها تی

ایران، روابط آن با دفتر صهیونیست اتدر کپنها گبرقرار ش. دشعبه ای این سازمان ب ه

تدریج در شهرهای همدا، نکرمانشاه، رشت، ارومیه، سنندج، بابل، دماوند، مشهد، کاش، ا، ن

اصفهان، یزد، کرمان، بوشهر و شیراز زاسی سگردی دو همچن ی ن در شهرها ینهاون، د

تویسرکان، ملایر، بروجرد، گلپایگان و خوانسار دفاتری راهاندازی شد.

این تشکیلات در نزد سازمان جهانی صهیونیسم سهم اندازهای شناخته شده بود که

نماینده ای از آن در دوازدهمین کنگره صهیونیستها روانه کارل سچا کدسلواکی شد، این

کنگره در سپتامبر سال ۱۹۲۱ چند ماهی بعد از کودتای سوم اسفند تشکیل میشد.

کنگره سیزدهم که تابستان سال ۱۳۰۲ در همان شهر برگزار شد، عزیزالله به نعیم

۷

نماینده ای از صهیونیست های ایران شرکت کرد. نکته بسیار مهمی که برای تحلیل

۱. بایگانی وزارت امور خارجه، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی، سال ۱۳۳۹ ق، کارتن ۳، پوشه ۷

۲. «صدمین سالگرد صیونیزم»، ۲. آزمون نتص: نشریه چشم انداز، چاپ آمریکا، ش ۵۶، سال ۱۹۹۷

۳. حبیب لوی همان زمان از افسران جوان قشون به شمار میرفت.

۴. دکتر حبیب لوی: تاریخ یهود در ایران، ج ۳، (تهران: کتابفروشی بروخیم، ۱۳۳۹)، ص ۹۱۸

۵. همان، ص ۹۰۰

۶-۹۰۸. همان، صص ۹۰۹

۷. همان، ص ۹۲۱

ص: ۱۵۴

حاضر را ما حائز اهمیت است، اخت ن لظفر جامع ه یهودیان ایران با سازمان صهیونیستی مذکور بود، در حاشیه این اختلافات ماجراهائی رخ داد که در این رساله به اختصار و جوهی از آن مورد بررسی واقع شده است.

یکی از مهمترین این اختلافات زمانی جاو گرفت که به سال ۱۳۰۱ انجمن یهودی علم مخالفت را با اقدامات « نوبیادی شکل گرفت به نام انجمن ت. ر قای ین انجمن

۱

ت. عزیزالله برال یکی از یهودیان سرشناس و رئیس انجمن « انجمن صیونیست برداش جامعه یهود، در جلس اهی رسمی به مخالفت شدید با سازمان صهیونیست های ایران پرداخت. اینگونه به نظر می رسد که این عده با مهاجرت یهودیان ایران به فلکسطیه ن در کانون توجه انجمن صهیونیست ق ترار داشت، مخالف بود. نذیرا به دلیل فعالیت این جمعیت « تشکیلات و تشویق یهودیان به مهاجرت از ک شدورر، دوره زمانی کوتاهی اردایخدتلاف دیگر بین دکتر « ایرانی مقیم ارض مقدس از بیست هزار نفر فزون . گ لقمان نهورای نماینده کلیمیان در مجلس دوم تا سیزدهم مجلس شورای با امنلجمن صهیونیست بود. با این توضیح که او فقط در مجلس پنجم عضویت ن. دباش ه این تان باید شموئیل یحزقل حئی مرا افزود که به طور اختصار به مسیو محعثریومف اس . تاو پیشتر در کرمانشاه سکونت داشت، اما به تهران آمد و در همین شهر اقامت گزید .

یمعرفی « م رد ییه ود « مسیو حئی م در کتاب دکتر حبیب لوتیحقیر شده است . تاو

ی « یهودی انع ام » شده که گویا ناشناخته بوده و از کرم ابنهش اتههران آمده و تنوسات ه است

راهه سو یخود جلب کند و در عین حال در ن اخشلای از فعالیتهای صهیونیست، ت یعد های

از نخبگان قوم یهود را هم به سوی خود متمایل . بی سان زعزیز الله برالو حی ما ائتلاف ی

علی ه صهیونیستها شکل گرفت ، محور این ائتلاف انجمن ترقبوید که پیشتر از آن یادی

کردیم . ب هسرت با حمایت حی، ا منجمنی دیگر به نام انجم نامی ش دک لگرفت ، ای ن

۳

در ه ک ت گرفت الاب وی نح به اختلاف . کردند می فعالیت صهیونیستها علیه شدیدا انجمنها

هشتادمی ن جلسه انجمن صهیونیس تدر سال ۱۳۰۱ یکی از اعضای این انجم نب اعزیز

۱ . دکتر حبیب لوی: تاریخ جامع یهودیان ایران، بازنوشته دکتر هوشنگ ابرامی، (لس نآ جل س: بنیاد فرهنگی حبیب

. لوی، ۱۹۹۷)، ص ۵۰۸

۲ . همان، ص ۵۰۹

۳ . همان، ص ۵۱۷

ص: ۱۵۵

حاکمیا مز آنکه چون « برال ابراز همدردی ک رد و ضم ن آوردن پی ام ی از م سی و حئی

، « صیونیسته ا حثیت جامعه یهدو را از بین برانده د و موجبات بدنامیها را فراهم آوردنهد

۱ « بهت راست که خود تشکیلات ی را ک هب هوجود اند آومردح ه ل کنن د. « اعلام داشتند

صهیونیست ها تلاش کردند با حئی کمنار آیند، اما او حاضر به مصالح ه ن شد، پ سشایع

۲. « مسیو حئی مد ر خدمت انگلیسیها کار میکند » کردند

بالاخره تلاشهایی برای از هم پاشیدن انجمن صهی و تنیوسسطت عزیز ب روال

سلیمان حثیم صورت گرف . ت اختلافات با انتشار روزنامه هحئی م از تاریخ ۲۷ خرداد

۱۳۰۱ شدت یاف . ت این روزنامه ضد انجمن صهیونیست ب. ازوداین به بعد دری ک

سوی درگیری روزنامه هگتولا قرار داشت که عزیزالله نع مینت مشر میکرد و ارگان

صهیونیستها بود و در سوی دیگر روزن امه هحثیم واقع بود که توسط سلیمان حثیم

منتشر میگرددید .

اگر تقارن این حوادث را با بلوای محله کلیمیان که درست در همین حول و حوش

روی داد، در نظر آور،ی آ منگاه بیش از پیش به ماهیت این بلوا وقوف خواهیم ی ا. فبه ت

واقع صهیونیستها تلاش میکردند اینگونه وانمود سازند که بلوای مزبور ن م شان یده د

منتقل « ارض موعود » کلیمیان نیازمند نهادی هستند تا به صورتی سازمان یافته آنها را به

ساز د. نیز تلاش بر این بود تا نشان دهند در خلأ وجود سازمانی سیاسی از یهودیان که

با فدراسیون های جهان یصهیونیسم ب یارتباط باشد، کار یهودیان زار خواهد . بدوردست

د ر همین حول و حوش بود که غائله سی مدیترق و آذربایجا ناتفاق افتا دو در جریان آن

برخ ی یهودیان صائین قلعهمورد آزار و اذیت قرار گرفتن د. این موضوع هم بهانهای ش د

برای توجیه ضرورت استمرار فعالیت انجمن صهیونیست‌های ای. ن را کتبه اینکه نماینده

رضاخان وزیر جنگ که در کتاب حبیب لبوه یغلط نخست وزیر خوانده شد ۳۵ه، در

جلسات انجمن صهیونیست‌ها شرکت میکرد .

حئیم در مجلس جشنی که برای شادی به مناسبت صدور اعلامیه سن - ک هر محوق

تشکی ل دولتی یهودی در اراضی فلسطینی را به رس ممیی ش تناخت - تشکیل شده بود ،

۱. همان .

۲. همان .

۳. همان، ص ۵۲۰

ص: ۱۵۶

بعضی از دوستان علت عدم حضور مرا در جشن: « شرکت نکرد. او در روزنامه ه شنوشت استقلال سی وال نمودها ند. علت آن است که نظر به اینکه ما از سیاست انمت گنلیفر سو این ا و دیم. « جشن به دست آنها درست شده بود، از حضور در چنین مجلس یخوددار ینم بررسیها معلوم «، صهیونیسته ا به تکاپو برآمدند و در مورد سوابق حی تحقیقی مق نمودند داشت که شمویل یحزقل حی ممدتی در اداره گمرک به کار مشغول. بنی و د ز هزمانی برای انگلیسیها خدمت میکرد اما در اثر پیشامدهائی ویر اخراج کردهاند و در آن زمان ب ا یک ی از روزنامهگاران پایتخت همکاریمیکرد و جانبدار کمپانیسینکلا آمریکائی برای بود شمال نفت امتیاز آوردن دست به. «اولا اری ز. حقوقی مستندات بدون بود اتهامی این ۲ کار کردن در اداره گمرک یا هر اداره دیگری چنه در زیر نظر انگلیسیها اداره شد هباش د، ا ثالث؛ ت س ا ه در ک ا ه ی س ی ل گ ن ا ه ب ی ت م د خ ه چ حئیم سلیمان ست نی معلوم ثانیاً؛ نیست جرم در ار ننگ روزنامه کدام با او رابعا؛ بوده چه انگلیسیها کنترل تحت گمرک از او اخراج علت رم ج صهیونیست انجمن نظر از ای رسانه همکاری باید چرا اصلا و داشته همکاری تهران سینکلا کمپانی نفتی فعالیت از جانبدار چرا نیست معلوم خامسا نهایت در و؛ شود تلقی انجم نصیونی ست از «، بای د جرم تلقی شود؟ با این وصف انتقادات حئیم کار خود را کرد آ نپس مسیو حی مرا که به انگیزش دیگران با دانگنردگان ش ستیز آغ از ک رد هب و دکنار گذاشت و چنین تشخیص داد که بنا به ملاحظه ا تداخل یوس ن تدیرین هبته رآن س ت

ب ه وقوع پیوست، شناخته باش ی. آ میا نم ی توان چنین تصور کرد این بلوا برای آن صورت
شود واقع ای مسئله الشعاع تحت تهران یهودیان جامعه داخلی اختلافات اولا تا گرفت
برای لازم های انگیزه ثنیا و شد می مستفاد یهودی - مسلمان دعوی آن از ظاهر به که
فراهم شود؟ « ارضمقدس » تقویت انجمن صهیونیس تبه منظو راعزام یهودیان ایران به
مهمتر اینکه در برخی منابع آمده ا، س ای تن تحولات درست مقارن بود با عملیات علیه
سیمیتو که ما در صفحات آتی به آن اشاره خواهیم . طبکر ق دمندرجات برخی از این
« . به دوستان هحئیم » ، ۱ . هحئیم، ۲۳ آگوست ۱۹۲۲ مطابق با اول شهریور ۱۳۰۱ ، شماره نهم
. ۲-۵۲۰ . تاریخ جامع یهودیان ایران، صص ۲۱

. ۳ . همان، ص ۵۲۱

ص: ۱۵۷

منابع در جریان این عملیات ه برخی خانوادههای یهودی مقیم غرب کشور صدماتی

۱

وارد شد که ه این صدمات را از ناحیه سیمیتقو دانستهاند.

د ر این شرایط چهار روز بعد از بلوای محله کل، میمرا ضناخان، تیمورتاش را به

سفارت روسیه فرستاد که با زبانی نرم متحصنین را از تحصن خارج سازد. لیکن فرخی

یزدی و میمرا ال نسلطن ه حاضر نشدند به این خواسته رضاخ تانن دردهن . د تیمورتاش ب ا

حداقل دو تن از وزرای کابینه یعنی وج مهدای تفاوت اساسی داش . ا تین تفاوتها

منحص ر به خط و ربط سیاسی آنها میشد ، بلکه بالاتر از این مسائل حلپناه ی ارتباطی

آن دو بود که به چهره‌های پشت پرده سیاست یعنی امثال نواب و مخبرال سهدلط انیعت؛

پیوندشان می داد . ب هطور مشخص ج میک فرد نبود، او هم به لحاظ فامیلی و هم به

لحاظ علایق سیاسی در پیوند با آن محافلی بود که گرچه از نظر کمی مهم نبودند؛ لیکن

از نظر کیفی نقشی غیرقابل انکار در تحولات معاصر ایران داشتند . م ا قصد نداریم این

شبکه ه را بکاویم، زیرا پیشتر در کتاب بحران مشروطیت در ایران به رجال برجسته و

کارنامه آنان پرداخته‌ایم و ماهیت آن شبکه را وار ا سیمد . ه بنابراین مأموریت تیمورتاش

برای ختم تحصن تا حدودی مداعرنمی ینماید ، در این مق طناعریخی او بهتر

م ت ی وانست با مخالفین ارتباط برقرار نماید تا کسانی مثل هدایت و ج م .

د ر این شرایط شخصپیرنیا ، برنامه ا یمشخص برای آینده کشور داشت که به واقع

بخشی از آن ادامه برنامه‌های قوام بو د . بحث امتیاز نفت شماولاعطای آن فقط ب ه

آمریکا ئیان و استخدام مستشاران مالی آمریکا ئی ، به واقع ادامه برنامه‌های قوام بود؛ لیکن

در کنار ایندو موضوع، مشیرالدوله به تیمورتاش مأموریت داد دستگاه قضائی کشور را ساماندهی کند. تیمورتاش فقط توانست تعدادی قاضی فاسد را معلق سازد و آنها را از کار برکنار کند. در عمر دولت آنقدر کوتاه بود که کاری جز نای منیشد کرد. با این وصف نفس اعتماد مشیرالدوله به تیمورتاش، واجد اهمیت فراوان است.

مشیرالدوله و بحث امتیاز نفت شمال

مادر همین رساله و در مباحثی جداگانه موضوع امتیاز نفت شوم اچالاشهای

. ۴۹۰-۱. تاریخ جامع یهودیان ایران، صص ۹۱

ص: ۱۵۸

سیاسی ناشی از آن را اکاویده ای م: اما در اینجا به اقتضای بحث اشماریکهنیم که در این

زمان مشیرالدوله به شدت زیر فشار سفارت بریتانیا قرار داشت. اندکی قبل از بلوای

محلہ کلیمیان، روز دوشنبه هشتم اسفندماه ۱۳۰۰ سر پرس ی لورین نام ه ایشخص ی و

۱

بسیار محرمانه برای مشیرالدوله ارسال نمود. در این نامه تذکر داده شده بکوه داگر

مجلس با اعطای امتیاز به دو شرکت نفتی استاندارد و او شیرلکت نفت انگلیس و

ایران مخالفت کند، تاوان سنگینی خواهد پرداخت. خلوتترین به بیادبانتهتری شکل ممکن

و با زیرپا نهادن هرگونه آداب دیپلماتیک، خطاب به مشیرال دوخلاهطرنشان کرد نامه او

ر ا به دقت مطالعه کن. داودر ادامهنوشت، اگر حساسیت مسئله و حیاتی بودن آن برای

ایران نبود، به هیچ وجه اینقدر اصرار بر انعقاد قرارداد نفتی جدید ندا؛ شواب تراز

اشاره آن به صریحا وی که موضوعی از ناصواب استنباطی مشیرالدوله که کرد امیدواری

کرده است، نداشته باش. ل دورین از سفارت آمریکا در تهرانهم خواست تقاضای ی

مشابه مطرح سازد. اما انگر، ت کاردار سفارتآمریکا خویشن را از این کار معذور

دانس ت و اضافه کرد اطلاعات او در مورد این موضوع به اندازه کافی روشن ت، ب نیه س

۲

همین دلیل مقامات سفارت اجازه ندارند چنین پیشنهادی مطرح سازند.

اما مشیرالدوله به لورین گفت که میخواهد قضیه را به گونه ای فیصله دهد ت اض م ن

آنک هآمریکا در منابع نفتی ایران مشارکت مجبوید، زیانی به شرک ن تفت انگلیس و ایران

وارد نشود. او گفت که بهتر است شرکت انگلیس، نیامی از مشارکت تب همی اننی اورد و

بگذار د قرارداد با استاندارد او یملنعقد شود و آنگاه بعد از تصویب مجلسشراکت نفت

۳

انگلیس و ایرانهم میتوان د در آن مشارکت نمایدل ورینب دو نلحظ اه یدرن گای ن
پیشنهاد را رد ک ردمشیرالدوله تقاضائی دیگر هم داش تو آن اینک هبریتانی پایگاه اه ای
خطوط تلگراف خود را؛ ن

د رجنوب ایران به دولت مرکزی ای نک شو رواگک ذارکن ای د
ت فوری به نشد حاضر هم مشیرالدوله لآب متقا . گردید مواجه لورین مخالفت با هم پیشنهاد

۴

حکوم

ت جدیدالتأس

یس عراق را به رسمیت شناس د. ای

ن دو مورد از مهمترین

۱. Private and Very Confidential.

۲. Engert to Department of State, No. ۸۳۹, March ۱۵/۱۹۲۲, DS. ۸۹۱.۶۳۶۳-SO/۱۶۱ Majd, ۱۳۶.

۳. Lorain to Curzon, Tehran, ۳۰ March ۱۹۲۲, FO. ۳۷۱/۷۸۰۵.

۴. Same to Same, Tehran, ۷ March ۱۹۲۲, FO. ۴۱۶/۷۰.

ص: ۱۵۹

۱۶۰ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

اختلاف نظر های مشیرالدوله با مقامات بریتانیا بود که بالاخره منجر به سرنگونی و ی گردید . در این زمان بریتانیایر بینالنهری ق ن میومت داشت . با استفاده از این قیموم نبود ک هدولتی بان ا مع رات قشکیل دادند و رژیم سلطنتی شکل گرفت که پادشاه آن ملکفصل بود . مقام اطلاعاتی بریتانیادر بینالنهرین یعنی خانم گرتروود ب در این م اجرا نقش ی اساسی داش . ت با این توضیح که کاک هن سوز به عنوان مقام رشدانگل ی س در

۱

بینالنهرین که در تأسیس دولت جدید سهمی عمده ایفا کرد، مقیم آنجا بود.

رضاخان و سی یاست تزلزل در کابینه مشیرالدوله

مشیرالدوله به خواستهها یوزیرمختار بریتانیا تن در نم یداد ؛ب نابراین دولتش باید واژگون م یشد . پس ازسوی طرفداران رضاخاندر مجلس حرکتی دیگر به منظور متزلزل نمودن کابینه شکل گرف . تشایع شد شاه مقداری از جواهرات طنتنس ی لرا با او به اصلا که موضوع این به خواستند مشیرالدوله از اینان . است برده اروپا به خود ربطی نداشت ،پ اسخ گوید .بالاخره هی ت ای که یکی از اعضای آن سیدمحمدرضا مساوات بود مأمور بررسی صحت و سقم قضیه ش د . معلوم شد این شایعاه ی بوده اس ب ترای اعوانش و رضاخان سازی بحران اما . است نداشته واقعیت اصلا و مشیرالدوله سرنگونی ب ه اینجا خاتمه نیاف . تکمتر از یک هفته بعد از غائله محله کلیمیان، ضیاءالواعظین ضمن یک سخنرانی تند مردم را به انقلاب علیه مجلس، دولت و شاه دعوت .روز کرد بیست و نهم فروردین ماه ۱۳۰۱ عده ا یاز طرفداران اجرای قانون اساسدردی اعتراض ب هعملیات رضاخاندر صحن مجلس دست به تحصن . ازمدنردی که به دسیسه

رضاخان- چنانکه خواهیم دید- د نافر جام مان . د ش ش روز بعد در قرائخان ت ه جمهور
واقع در شهر تهران، سخنرانیهای مهیج ایراد گردید. د ضیاء الواعظین که نماینده مجلس
ه مبود، علیه مشیرالدوله و له رضاخان سخنرانی نمود. در مقابل او مجدالاسلام علی ه
سردار سپه و به نفع رئیس الوزراء سخنرانی کرد. د د راین بین کار به مشاجره کشید.
ی ب ه طرف مجلس « بنابر توطئه قبل » ، ناگاه جمعیت قرائتخانه که حدود صد تن شمدن
حرکت کردند . نگهبانان مجلس از بیم اغتشاش درهای مجلس را . ابما ستمدردی
۱. خاطرات او با این مشخصات منتشر شده است: گرترو د ب ل: تصویرهایی از ایران، ترجمه بزرگمهر ریاحی،
(تهران: خوارزمی، ۱۳۶۴) .

ص: ۱۶۰

سید نصرالله نام پشت در مجلس شروع به نطق. که او دهشدار داد که اگر تا پن ج دقیقه دیگر درهای مجلس باز نش، و ب دا همراهانش به سفارت روسیه پناهنده خواهند شد؛ بعد از این هشدار بلافاصله درهای مجلس باز شد و مخالفین مشیرالدوله بعد از سخنانیهای مفصل از صحن مجلس خارج شدند .

رضاخان و یا کسانی که او را هدایت میکردند، شیوهای منحصر به فرد در سرکوب تقاضای آزادیخواهان به کار گ رفت. آنه د ا از ابزار به حرکت در آور تونده های غیرمنسجم و ناآگاه مردم به رهبری او باش برای فرو کوفتن صف مخالفین بر بداهر ریه کردند. رضاخان به نام مردم و به واقع به کار گردانی مثنی ارادل و به قول ویکتور هوگو طبقه سوم زیرین اجتماع، انهدام اساس مشروطیت را در دستور کار خود قرار داده بود . ارادلی که میبایست به دار آویخته میشدند، اکنون آزاد بودند تا هیاهو کنند و سکوی صعود قزاق واقع شوند .

درست یک هفته بعد از بلوای محله کلیمیان، در روز سی ام فروردی ن ماه ۱۳۰۱، در صحن وزارت عدلیه بلوایی دیگر شکل گرفت . ت همان سید نصرالله سابق الذکر ب ا خورجینی از یک درخت بالا رفت و با هیاهو و فریاد ای ع رده به دور خود گرد آورد . ای ن مرد از خرابی شهر تهران گفت و خود را اهل محله چاله امزی دماحنلات جنوب شهر معرفی کرد و شروع به استزاکوئی به مشیرالدوله نمود . دا و از کثیف بودن محله خود گفت و برای اثبات سخن کتافاتی از خورجین بیرون آورد و حتی گربه مردهای را که در خورجین خود نگه داشته بود، بیرون آورد و بعد از نشان دادن آن به مردم به صحن دادگستری پرتاب کرد . دا و با طعن ب ه متحصنین سفارت شوروی گفت به جای

تحصن در آنجا در این وزارتخانه باقیمان د تا تکلیف کابینه معلوم شود و ادامه داد
م نمثل رئیس الوزرای وجیهالمله ۱ ترسو نیستم که از این تشرهای شما از دم در . بروم «
جمعیت هم مثل این بود که حکیم فرموده از او حمما ییکرتدند . ازاین روز این سید
ت ۲ این حرکت تحری آم کی ز به اشاره رضا خوان « . به شجرالواعظین ملقب گش
طرفدارانش صورت گرفت و همزمان در سایر نقاط تهران علیه رئیس الوزراء تظاهرات
ش د که همه باز هم از هواداران رضاب خاودنن د . ناظرین بر این باور بودند که از مجموع

۱ . یعنی مشیرالدوله .

۲ . شرح زندگانی من، ج ۳، ص ۵۰۲

ص: ۱۶۱

این تحرکات نکته‌ها می‌ستفاد می‌شود و آن هم چیزی نیست جز تلاش وزیر جنگ برای برانداختن کابینه‌ای که هخود عضوی از آن بود. و در رکلیه این تظاهرات نطقهائی هم به نفع حرکات این ا. شد می‌ایراد رضاخان» و تزلزل موجبات سپه سردار که نمود می‌تأیید گاملاً ۱ دلیل «. سقوط کابینه را فراهم مینماید تا زمینه [ر]ا برای ریاست وزرائی خود آماده کند امر هم این بود که درست در همان س، معجل تس‌لایح اهی را که از سوی رئیس‌الوزرا تقدیم شده بود و تصویب کرد. طبق این لایحه هیئت‌ای دوازده نفری برای جلوگیری از رفتار بی‌پرویه رضاخان تعیین می‌شد. رضاخان هم تلافی کرد دو شجرالواعظین را برای انتقاد از مشیرالدوله به مجلس و صحن بهارستان فرستاد. بالاتر اینکه در ماه رمضان که مردم برای گذراندن وقت به مساجد می‌رفتند، عد‌های را تحریک کرد تا در این مکانها سخنرانی کنند و به مشیرالدوله توهین نمایند.

متعاقب این حرکت به سرعت در شهر شایعه‌های عجیب پیچی: د شاه از سلطنت استعفا داده اس. تروزنامه ستاره ایران به مدیریت حسین ص باکه با اینک هظرفدار سردار سپه بود همی ن‌چندی پیش از او کتک خورده بود، چند سطری از روزنامه یانگلیسی ترجمه و منتشر کرد که مضمون آن قصد شاه برای اعستفا از سلطنت بود. دستاره ایران با ای ن‌خبر کذ، ب‌باعث آشوبی در تهران. ش‌کدسانی که از پشت صحنه حوادث سیاسی مطلع بودند میدانستند این شایعات و این بحرانها توسط رضا د‌خامن زده میشود تا مشیرالدوله را وادار به استعفا نماید و خود زمام ریاسوزترائی را به دست گی. ی‌ردک روز بعد از این هیاهو رضاخان سفارت شوروی رفت تا از متحصنین استمالت نماید. او موفق شد بین آنها اختلاف تولید. پ‌کندس عد‌های بعد از مشاجره با گروهی دیگر از

تحصن خارج شدند و عا دهی دیگر همچنان در آنجا باقی مان . د نفدرخی یکی از کسانی بود که در سفارت باقی ماند .

از روز دوم ماه رمض، ا نمسجد سپهسالار و مسجد شاه واقع در بازار تهران، صحنه سخنرانیهای طرفداران رضاخانعلیه مشیرالدوله بود . مردم که طبق عادت هر ساله برای گذرانیدن روزهای ماه رمضان در آنجا گرد م یآمدند ، شاهد این سخنرانیها بود ن . د پاسبانها مراقب اوضاع بودند و هر کس سخنرانی تحآمریز کم یکرد جلب و ب ه

۱ . تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۲۰۶

ص: ۱۶۲

کلانتریها فرستاده میشد. روز هفتم ماه رمضان رد مسجد سپهسالار سردار منتص رنامی از طرفداران رضاخانمیخواست سخنرانی کند و تظاهراتی شکل د. همدردم شروع به صلوات فرستادن و هو کردن او نمودند و فرد مزبور نتوانست حتی کالم یاه زسخنان خود را به گوش مخاطبین برسان. د این اقدامات برای چه بروودز؟ بیستم رمضان چند نفر از این قماش ناطقین در مسجد سپهسالار دست «، مصادف با یازدهم اردیبهشت ۱». به کار هم شدند، منتها مردم آنها را هو کرده نگذاشتند چیزی از نطق آنها شنیده شود بای د گفت رضاخان به تدریج ارکان قدرت خود را در جای جای کشور تحکیم می کرد. نیز او گام به گام نفوذ خود را در کانونهای تصمیم گیری پایتخت گسترش تسمه از گرده همه کشیده بود و هر مکا یرخواست بدون اندک « میداد. رضاخان ملاحظه ای از قانون انجام میداد و هرک سیر علیه او اقدام امتی ینمود فوراً مورد

۳ ب ه « دیکتاتوربازی » ۲ بالاخره عداهی از آزادیخواهان از اینهمه «. مؤاخذه قرار م یگرفت جان آمدند و تصمیم گرفتند در اعتراض به اقدامات رضا د خار نمجلس تحصن اختیار نمایند. این عده به رهبری سیدمهدی نب ، وییمی ال نمل ک و موسوز یاده یزدی مدیر روزنامه پیکار در مجلس گرد آمدند و نطقهای مهیجی ایراد نمودند و خواستار اجرای قانون اساسی شدند .

رضاخان در صدد برآمد بین اینان اختلافافکنی و به این شکل آنان را خسته کن . د او عد های ر اوعده پول داد و عاده ی دیگ ر را با وعدههای مشابه فریفت. بین متحصنین دودستگ ی تولید کرد و آنها را به جان یکدیگر اندا؛ خوب تین گروه طرفداران اجرای

قانون اساسی نزاع روی داد. پس به برخی متخصصین پیغام داد از ریاست وزرائی

کناره گیری می کند و به وسیله قوام که بار دیگر نامزد این پست شده بود، مسئله خروج

متخصصین از تحصن را به شکل آبرومندانهای سروسامان خواهد داد. همین طور هم شد.

وقتی قوام بار دیگر به ریاست وزرائی رسید، به متخصصین قول داد قانون اساسی را اجرا

خواهد کرد و به این شکل مخالفین از تحصن خارج گشتند. ربدنیا دبنرای دن هدف اصلی

رضاخان مقابله با مجلس بود از طریق به راه انداختن کهارانای و الراذل و اوبا. و شی

۱. شرح زندگانی من، ج ۳، ص ۵۰۳

۲. تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۲۰۶

۳. همان.

ص: ۱۶۳

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

لغت پرطمطراقی که بر توده‌ها می‌بارید، «مردم»، بالاخره هم در نقشه خود کامیاب شد

غیرمنسجم او باش اطلاق می‌کردند، متحصنین را ناکام ساختند.

در این میان حادثه‌های دیگری هم اتفاق افتاد: در روزنامه حقیقت به مدیریت سیدجعفر

پیشهوری شرحی از اختلاسهای سردار اعتماد، رئیس قورخانه منتشر کرد. را دو افسرانی

را که از موقعیت خود سوءاستفاده می‌نمودند مورد ملامت قرار داد. سردار رسیده ابتدا به

وسیله سالارنظام و دفعه دوم به وسیله محمود آقا، صحاراکیم نظامی تهران به

مشیرالدوله پیام داد یا روزنامه حقیقت را توقیف کند یا دست‌میریدهد دیگر او را به

دربار راه ندهند! مشیرالدوله به مجلس ملتجی شد. او ضمن ارسال یادداشتی وضعیت

افلاس اقتصادی کشور، بحث امتیاز نفت شد، مملو موضوع استخدام مستشاران خارجی و

برنامه‌های خود را برای مهار فقر و فاقه عمومی عنوان نمود و تقاضا کرد برای ادامه کار

نیازمند همکاری مجلس است. او پیشنهاد کرد کمیسیونی دوازده نفری از فراکسیونهای

اصلاح طلب، سوسیالیست و بیطرف گرد آید و موجبات وحدت رویه مجلس و

دولت را مهیا سازند.

مجلس سهیأت مزبور را تشکیل داد. داینان جلساتی با رئیس‌الوزراء و رضاخان برگزار

کردند. مشیرالدوله که از توهینهای قزاق خسته شده بود، تیم صخمود را برای استعفا

اگر اعلام داشت. رضاخان به کلی منکر توهین به مشیرالدوله شد و گفت فقط پیام داده

با دیدن وصف مشیرالدوله ره «! جراید هتاکی کنند ما را به دربار راه نخواهند

استعفای خود پابرجا ماند.

در این اوضاع و احوال سیاست بریتانیادار ایران به گونهای خاص رقم می‌خورد.

لورین و اعوان و انصارش مثل اسلاف خود، آنقدر گزارشهای رنگارنگ فرستادند تا
کرزن هم به این نتیجه غلط رسید که سیاستمداران ایرانی مبتلا به فساد ب بینظیر و

۲

لا علاج هستن د.

درس ت در ایام بحرازان رضاخان علیه مشیرالدول هیعنی در اوایل خردادماه ۱۳۰۱، و

ی

درست در ایامی که امکان آن وجود داشت تا از بین رجال قدیمی کشور مثل قوای ام
مستوفی یکی جانشین او شود، کرن زونشت اجازه دهید این شخصیتها یکی پس از

۱. تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۲۱۱

۲. Curzon to Loraine, May ۳۰/۱۹۲۲, FO. ۱۰۱۱/۴۹, in Loraine Papers.

ص: ۱۶۴

دیگری جانشین هم شوند و هیچ نگرانی از اوضاع نباید. دالشوترینای نموض وع را
 ، سی ل گ ن ا ه ب ی م و م ع ا ر افک ا دی ا ع ت م ی ب ل ی ل ا د ز ا ی ک ی ء ا س ا س که نوشت و کرد ید ی ت ا
 حمایت های متوالی بریتانی از رجال سیاسی قدیمی کشور است که همه جزو اعیان و
 ا دقیق ی ی ع ن ائی روزه ی ن چ در د بع سال . دارند تعلق جامعه بالای طبقات به و اشرافند
 زمانی که سرمایهگذار بهای لورین روی را ضخان به نتیجه ی س ید ، وی امک انهرگونه

م ر

۲

بهبودی اوضاع را در شخص رضاخان متمرکز دانست.

در این شرایط امکانی ضعیف وجود داشت تا مانع از صعود بیش از پیش رضاخان
 بر مقدرات امور ایران زمین شد. یکبار از این موارد به نقل از بهار به این شرح است:
 اطلاع صحیح داریم که در همان اوقات از طرف سفارت شوروی توسط یکی از
 شاهزادگان درجه اول، پیغامها داده شد و شاه را به مقاومت در برابر سردار سپه و
 حفظ مشیرالدوله یا آوردن مستوفی به ریاست وزراء تشویق کردند و بالصراحه
 گفتند که ما حاضریم از معاهده ترکمانچای در موضوع حمایت دولت روس از
 بقای تاج و تخت در خاندان عباس میرزا به نفع شاه استفاده کنیم. اما شاه و
 ولیعهدش بحدی از دولت شوروی بیمناک بودند که این پیام را نشنیده انگاشتند! ۳
 بحرانه افراگیرتر از آن بود که پیرنی بتواند از پس آنها بر آید. حدود دهفتاد روز بعد
 تشکی ل دولت، مشیرالدول هر روز هجده ماردیبهشت ۱۳۰۱ برای نخستین بار استعفا ی خود
 را تقدیم کرد. شاه که مقیم پاریس بود با این تقاضا مخالف تن مود . شاه ایران برای یک بار

ه مکه شده سیاستمداری پیشه ک . رادو به وزیرمخت ارای ران در لن د دستور داد به نزد
لنسلات اولیفانت، رئیس بخش شرقی وزارت خارجه بریتانی ارود و از او پرس انگدل ی س
چ هکسی را برای ریاست وزرائی ایران پیشنهاد کنمد، یزیرا شاه ایرانمیخواه د کسی را
ک هدوست بریتانی انیست به این منصب گما. ارود میخواست تنظ ربریتانی را ا در مو در
ریاس ت وزرائی رضاخانجویا شود . گرچه احمدشاه تلاش کرد سیاست پیشه کند، لیکن
بدون تردید حریف او استاد احمد ب شاهه شمار م آ یمد . احمدشاه می خواست تدریاب دآی ا
رضاخان با حمایت انگلی اسست که به تحرکات خود دامن زنم یدی اخی ر؛ و آی آنه ا

.Curzon to Loraine, May ۲۹/۱۹۲۲, FO. ۴۱۶/۷۰.۱

.Loraine to Curzon, May ۲۴/۱۹۲۳, FO. ۴۱۶/۷۳.۲

۳. تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۱۶۴

میخواهند این قزاق معمولی را به ریاست وزرائی ایران برکشند یا نه؟ اولیفان پاسخ می‌دهد: «سران افلاوت معمو او گف. برد می گمان احمدشاه که داد چیزی آن از تر زیر کانه مراتب به

۱

نظامی سیاستمداران خوبی نیستند و به ندرت چنین چیزی اتفاق افتد. م. ب. به این شک ل اولیفانت پاسخ مشخصی ن. دا. داو سیاست بریتان یارا در مورد ریاست وزرائی رضا، خانه تأیید کرد نه تکذیب؛ فقط پاسخی سیاستمدارانه. رداد ضاخان نمی گذاشت پیرنی ا کار خود را انجام ده. دهر روز بهان ا ه ی ساز میکر د. مهمترین بهانه او این بود که دولت باید بودجه بیشتری را به قوای نظامی اختصاص ده د.

۲۲/۸۸۰/ وضعیت بودجه کشور در سال ۱۳۰۱ به این شکل بود که کل ههزای ن ۳ ه ۸۶

۱۹ میزان درآمدهای کشور بود و به ای ن /۳۳۲/ تومان برآورد م یش د. از این مبلغ ۴۱۴

۳ تومان کسری داش. ت از این بودجه بیمار ۴۹ درصد به /۵۴۸/ شک ل بودجه کشور ۴۵۱

وزارت جنگ می رسید و تنها نادکی بیش از یک درصد به وزارت معاخرتفصا ص

می افت. این تنظیم بودجه ظالمانه خشم بسیاری از دان سدرتکاران را برانگیخ. ب ت ه

همی ن دلیل ماهها بعد روز نوزدهم دیماه سال ۱۳۰۱ دانش آموزان و معلمان در

تظاهراتی خیابانی شرکت کردند و اعلام داشتند بایودنجه به واقع خرج کفن و دفن

معارف است. برنامه نحوه تخصیص بودجه آن سال به دست ماف دتر ا. د سا زسوی

دیگ رپرونده سازیهای فراوانی علیه کسانی شکل گرفت که متهم بودند برنامه تخصیص

اعتبارات را به مدرس داده‌اند، ب ه گونه‌های که حتی یک جوان به نام حکیمی جانش را در

ای ن راه از دست داد. اداین جوان در پادگان عشرآبات دد ر امور دفتری کماریکرد و شغلش نظامی نبو. د به او تهمت زدند بودجه تفصیلی وزارت را جانو دگر اختیار مدرس قرار داده اس. تفرمانده او جان محمدخ اعنلائی، جلاد مشهور بعدی خراسان بو. د. این فرمانده بیرحم جان حکیمی جوان را به دلیلی واهی گرفت و هیچ کس هم نتوانس ت کشف کند به چه نحوی این جوان از بین ۱۲ رزف ستوئی بعدا در تیرماه سال ۱۳۰۱ حبیب میکد هفرزند میرزا سلیمانخا نمیکده که ما اشارتی به او در رساله بحران مشروطیت در ایران داشته و از نقش او در انجمن سری سخن ایم، ب گهفتقهتل رسی. د. هی چ کس جرأت نکرد در مورد موضوع تحقیقی انجام دهد با آنکه می کمدرهدی نبود که

۱. FO. ۳۷۱/۷۸۰۵. ۹ May ۱۹۲۲, London, by Oliphant. Memorandum.

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

۲. تاریخ احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۲۵۰

ص: ۱۶۶

ناشناخته باشد. روزنامه های پایتخت از جمله شفق سرخ علت مرگ حبیب میکد راه خودکشی دانستند، اما کسی جرأت نکرد در مورد قضیه تحقیق کند.

رضاخان را هیچ چیزی مه انرم یکر د. او در ایالات، ولایات و شهرهای کوچک هم دست به اقداماتی غریب: زدانبارهای خواروبار را در اختیار قشون قرار؛ دا خادلصه های دولتی و مالیه را زیر نظر فرماندهان نظامی؛ ب و رادداره کل مالیاتهای غیرمستقیم ت رابع ستاد کل ارتش نمود؛ و ب ه فرماندهانش دستور داد بخش بزرگی از مالیاتهای جنسی را برای قشون بگیرن د.

فراکسیون اصلاح طلب به رهبری مدر دسر درون مجلس و محافلی در خارج مجل س در برابر این خیرسهریها ایستادگی کردن. دمدرس بارها توانسته بود رضا خاران سر جای شبنشانند؛ کک ماینکه در پائیز سال ۱۳۰۱ بحرانی شکل گرفت و رضاخان با همه گردنکشی ناچار شد برای نخستین بار در مقام وزارت ب جنه مگجلس آید و برای ظاهرسازی هم که شهد اظهار پشیمانی کند و قول دهد از این به بعد از قانون اطاعت

۲

خواهد کرد.

نمایندگان مجلس نسبت به بلعیده شدن بودجه کشور توسط وزارت شجنروگع ب هاعتراض کردن. د رضاخان طبق عادت همه خودکامگان، تا شریرو خع کرد ب ه مظلوم نمائی یو پاسخی را که به قلم شیوای یکی از متحدین او نوشته بود برای نمایندگان ارسال کرد. این نامه مفصل و مشروح است و خط خوردگیهای فراوان دارد.

بخشی از آن به این شرح است:

...اعتراض دویم راجع به نظارت وزارت جنگ است در اداره مالیات غیرمستقیم در خالصجات. در اینجا من نمیخواهم وارد جزئیات امر شوم زیرا مطالبی مبادله خواهد شد که شاید از نقطه نظر موقعیت مملکت مناسب و مقتضی نباشد، اما برای اینکه موضوع به سکوت نگذرد و جزو حقانیت معترضین به شمار نیاید، از عموم نمایندگان محترم سؤال مینمایم که آیا وجود قشون برای تأمین حیات مملکت لازم هست یا نه. دارم که راری ن ص ادا اب ران و ستم از ای خیر؟ اگر لازم نیست من هم یک فردی ه برخلاف میل نمایندگان مملکت اقدامی نموده باشم، در همین ساعت حاضرم که با

. ۲۹ ژوئن ۱۹۲۲ ، ۱ . شفق سرخ، پنجشنبه ۸ سرطان (تیر) ۱۳۰۱

. ۱۴۱-۲ . تاریخ بیست ساله ایران، جلد دوم، صص ۶۷

ص: ۱۶۷

۱۶۸ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

آقایان در تخریب اساس نظم و انهدام بنیان آن هماهنگ شوم، ۱ و اگر به لزوم وجود قشون معتقد و امنیت دیگران را بر من مقدم می‌دانید باز بنده طریق عناد را نخواهم پیمود و حاضریم که تمام نظامیان را تسلیم نم‌آیندگان محترم نموده و خود را بعد از این جزء تماشاچیان معرفی نمایم تا بدانند که در عالم وجود هیچ چیزی برای من از وجود وطن مقدستر نیست و اگر به اهلیت من و به خدمات صادقانه فداکارانه من چنانکه اذعان فرموده‌اید معترف هستید و وجود قشون را هم ب‌رای مملکت لازم و واجب

۲

میدانید خوب است از مرحله وهم و تصور قدم را فراتر گذاری م.

تحلیل رالف ا.چ. ساپلر، نماینده کمپانی سینکلارین بود که بریتانیا عامل کناره‌گیری مشیرالدوله است. زیرا او با مواد قرارداد امتیاز نفت شوما و ال‌گذاری آن به سینکلار موافقت داشت. قرار بود چندروزی دیگر این قرارداد به مجلس داده شود تا در مورد

۳

آن بحث و بررسی صورت گیرد.

سرانجام دولت مشیرالدوله استعفا داد و هرچه شاه و نمایندگان تلاش کردند او را منصرف نمایند فایده‌ای نبخشی. مقامات بریتانی در ایران استعفای مشیرالدوله را لبها شادی غیر قابل کتمان چینی بازتاب دادند:

مشیرالدوله در ۹ ماه استعفا داد، وزرا دست از کار و فعالیت کشیدند و تنها بانه به انجام وظایف خود ادامه می‌دهد. اکثریت نمایندگان رضاخان دیکتاتورم مجلس خواهان صدارت مجدد مشیرالدوله هستند و در غیر این صورت تنها به

قوام السلطنه رأی موافق خواهند داد. ولی رضاخان تحت هیچ شرایطی با

۴

نخستوزیری قوام موافقت نخواهد کرد.

این دوره مقارن بود با تکاپوهای مضاعف خارن ضو ادستهای حامی او برای

برافکندن قانون؛ رضاخان نه تنها در بسیاری از اموری که به او ربطی نداشت دخالت

گردد؛ می برافروخته را همه که گرفت می عجیب تصمیماتی حتی بلکه کرد، می

مثلا او

حتی در تقسیمات کشوری مداخلات بیجا می نمود و بخشی از یک ایالت را خودسرانه

۱. روی جملات از یک فردی هستم تا هماهنگ شوم، خط کشیده شده است .

۲. نامه رضاخان به مجلس چهارم، بیتا، اسناد وزارت جنگ .

.Crandall to Hughes, November ۱۵/۱۹۲۳, DS. ۸۹۱.۶۳۶۲-SO/۳۰۷.۳

۴. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ص ۳۷۷

ص: ۱۶۸

جدامی کرد و به جایی دیگر منضم نمود. به هطور نمونه برای اینکه قشون بتواند بر امور تسلط یابد، تمهیداتی اندی ش.ی ا دز جمله اینکه دستور داد کهگ یالزوی چهکومت بختیاری جدا شود و به ایالت فارضسمیمه گرد. د دیگر ر اینکه اگر برای انتظام منطقه نیازی به مساعدت باشد، از عده قشونی دیگر که نزدیک به آنجاست کمک دریافت کار خاتمه از بعد شد داده دستور بود، بهبهان نزدیک ممسنی اردوی چون مثلاً. گردد ممسنی نیروها برای قل عو قمع نیروهای مخالف به بهبهان حرکت. اکثرنضداخان برای قانون کوچکترین اهمیتی قائل نبود، به همین دلیل خود قانون وضع میکرد و خود ابلاغ می نمود و عوامل تحت امرش هم باید آنها را ب هم و اجرا می کردند. هی چ کس نپرسید رضاخان به چه مجوزی در تقسیمات کشوری ان عظمارل م ینماید و بدون تصویب هیأت دولت بخشی از یک منطقه را به جایی دیگر منضم میسازد؟

آمریکا ئیها سقوط مشیرالدول هرا به دلیل مردود دانستن قرارداد مشترک نفتی استاندارد اوی ل و شرکت نفت انگلیس و ایرادان نستن د. این قضاوت صحت داش. تطبق اسناد وزارت امور خارجه آمریکا در فروردین ماه سال ۱۳۰۱ دولت و مجلس ایران قرارداد مشترک بین استاندارد اوی ل و شرکت نفت انگلیس و ای رراا نرد کردن. ۲ دروز ۲۲ اردیبهشت آن سال مقامات وزارت خارجه آمریکا از جوزف کورنفلد که به تازگی وزیرمختار آمریکا در تهران شده بود، وا خستند تا صحت مطلب را از طریق تلگراف

اطلاع دهد. قضیه واقعت داشت، مشیرالدول قهربانی دسایس شرکت نفت انگلیس و ایران ش د. او روز هشتم خردادماه برای دومین بار از ریاست وزرائی استعفا ک ر؛ دحتی

خبر کناره گیری او ه م پیش از اینکه استعفائی روی دهد، در مطبوعات ب مریتان عیا کس

شد . کورنفلد در گزارشهایی که از این به بمعدیفرستاد ، سیاستهای بریتان یدرا قبال

رجال سیاسی ایران را تشری مح یکر د. او نوشت که انگلیس از مشیال ردوله بسیار ناراضی

است . طبق همین گزارشها رضاخا ب نه مشیرالدوله دستور داده بود حق ندارد از خانه

خود خارج شو! د ۴ ب اینکه از ورود کورنفلد به تهران مدت زیاد ن یمیکگذشت ، اما او به

۲۰ حوت (اسفند) ۱۳۰۰ ، اسناد وزارت جنگ . ، ۱ . دستور رضاخان به امیرلشکر جنوب، تلگراف نمره ۳۹۰

.Skiner to Department of State, April ۲۴/۱۹۲۲, DS. ۸۹۱.۶۳۶۳-SO/۱۹۱.۲

.Hughes to Kornfeld, No. ۳۵, May ۱۲/۱۹۲۲, DS. ۸۹۱.۶۳۶۳-SO/۲۰ la Majd, ۱۳۹.۳

.Quarterly Report by Kornfeld, July ۱۵/۱۹۲۳, DS. ۸۹۱.۰۰/۱۲۴۷ Majd, Ibid.۴

خوبی می‌دانست که بریتانی از هر وسیله‌ای استفاده می‌کند تا دولتهای ایران را وادار به امتیاز دادن کند. در غیر این صورت آنها را واژگومین ساخت. سقوط مشیرالدوله هم در این راستا قابل ارزیابی دانسته می‌شد. ۱ جالب اینکه بعد از سقوط کابینه، رضاخان هم باید مستعفی تلقی می‌شد. اما وی کلیه معاونین وزارتخانه‌ها را احضار کرد و به آن‌ها دستور داد مثل گذشته به کار خود مشغول باشند و مهمتر اینکه گزارش کارهای خود را ب‌ها ارائه دهند؛ بعد از این، اوقادو مشبانه به مجلس رفت تا نهاد قانونگذاری را هم مرعوب خود نماید.

کشور حدود یک ماه بدون دولت! مانده در اروپا بود و کشور عرصه تاخت و تاز قزاقان قرار داشت. مطبوعات مرعوب، کابینه‌ها متزلزل و مجلس دچار تشتت بود. ی‌کماه تلاش شد مشیرالدوله را به ادامه زمامداری قانع نمایند. این امر مردی چون مشیرالدوله چگونه می‌توانست با لمپنی مثل رضاخان او نارد جر و بحث شود؟ بالاخره قرار شد رئیس‌الوزرای جدیدی تعیین و مراتب به احمدشاه اطلاع داده شود. فراکسیون اصلاح طلب طرفدار قوالمسلطنه بودند و اقلیت مجلس متمایل به ام‌الستمومغال یک. بالاخره از هشتاد تن نمایندگان مجلس شصت و پنج تن به قوا رأی دادند و پانزده تن به مستوفی، عقیده اکثریت به شاه اطلاع داده شد.

فصل چهارم

انگلیس و دولت دوم قوام

قوام از نقشه‌ها یجهاطلبانه رضاخان آگاهی داش . ت بنابراین تلاش میکرد تا مگر بتواند ادامه روند اوضاع را به زیان او تمام کن . د ب ه همین دلیل وقتی برخی از نمایندگان از او خواستند دولت دوم خود را تشکیل دهد، دبرن یگ موافقت کر . د بحث نفت شمالک ه باعث سقوط کابینه نخست او و کابینه مشیرال دشول دهه بود، باز هم در دستور کار قرار داشت . نیز تصویب لایحه مطبوعات و یافتن رهاهل برای شورشی که در آذربای ب جانہ وقوع پیوسته بود و اسماعیل آقا سیمیتقو بر آن شورش دام نم ی زد ، از محورهای دولت دوم قوام بو د . رهبری مخالفین رضاخان ندر دست سیدحسن مدر ب سو د . وی تنها کسی ب ه شمار میرفت که جلو جاطهلبی های فزاینده رضاخانقد علم م یکرد و علیه او ب ه مبارزه برمی خاست . این درست مقارن زمانی بود که رضا خاکلی نه مخالفین خود را به نحوی از انحاء مرعوب ساخ . تب ه واقع ابتکار ریاست وزرائی مجدد ق اوزا مآن مدرس بو د . او گفته بود مستوالفمیمالک شمشیر مرصعی است که به هنگام بزم به کار آیدم ، ی لیکن قوام شمشیری است برنده که برای مواقع رزم مفید است . ۱ در مقابل لورین همیشه از قوام نفرت داش . ت بنابراین از هرگونه گزارشی که به زیان وی بود ن دموی یوغرزی د .

پیچیده و « به همین علت بود که بع ه اگدزارش داد قوافمعالتیهایش را چنان

۲

دنبال م یکنند که نمیتوان به او اعتماد ک . رد قوام، وزارت امور خارجه را « حیلہگرانه

.Lorraine to Curzon, Tehran, ۲۱ May ۱۹۲۳, FO. ۳۷۱/۹۰۲۴.۲

ص: ۱۷۱

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

خود بر عهده گرفت؛ وزارت فرهنگ به محتشالمسلطنه اسفندیرای داده شد و

وحیدالملک شیانی به وزارت پست و تلگراف فسی د. مشارالسلطنه وزیر عدلیه گردی؛ د

فهیما لمل ک وزیر مالیه؛ عمیدالسلطن هم به وزارت فواید عدامسخت یافت و البته

رضاخان هم چنان پست وزارت جن را گک در اختیار خود گرفت

تعیینشده باقی ماند .

وزیر داخله ه م

قوام در مجلس برنامه خود را همان برناماهی عنوان کرد که در کابینه اول تقدیم

مجلس کرده و دولت مشیرالد ولهم آن را تصویب نموده بود

این برنامه مشتمل بود

ب ر: استقرار امنیت و نظم در کشور، استخدام مستشاران متخصص از خارج کشور،

نیز تسویه کار نفت شمال که « تعدی ل موازنه صادرات و واردات کشور، رم ب هیاکاری و

یکی از وسائل بهبودی اوضاع اقتصادی است در اولین قدم با موافقت مجلس شورای

۱ قوام در ادامه به بلواسالاری برخی مطبوعات اشاره نمود و « ملی شروع خواهد ش.د

تقاضا کرد قانون هیأت منصفه هرچه زودتر به تصویب مجلس برسد تا بتوان ارباب

جراید متخلف را طبق قانون محاکمه کر د.

د رهمین ایام روز هجدهم خردادماه

حسین ع لابی‌ع وزارت امور خارجه

آمریکا رفت. او با آلن دال ۲ سم عاون وزارت خارجه ملاقات کرد؛ علاء گفت این بار هم

قوام به ریاست وزرائی ایران انتخاب شده و تردیدی نیست او که مبتکر طرح استخدام

مستشارا نآمریکا ی بود، همان سیاست را ادامه خواهد داد

۳

بیست و سوم خردادماه

قوام تلگرامی خطاب به علاء ارسال کرد

او به عنوان اولویت مبرم کابینه خود در مورد

امتیاز نفت شما، ل از علاءخواست کوششهای گذشته خود را ادامه دهد

۴

این بار نوبت

سینکله ۵ بود تا بخت خود را بیازماید

۶ علاء بار دیگر به وزارت خارجه آمریکا شتافت

و آنها را از قصد دولت و مجلس ایران آگاه کرد

۷ روز بیست و هفتم خردادماه قوام در

١. تاريخ مختصر احزاب سياسى ايران، ج ١، ص ٢١٤

Allen Dulles.٢

.Dulles to Milspaugh, June ١٠/١٩٢٢, DS. ٨٩١.٤٣٤٣-SO/٢١٠, Also See: Majd, op. cit. p, ١٣٧.٣

.Milspaugh to Secretary of State, June ١٤/١٩٢٢, DS. ٨٩١.٤٣٤٣-SO/٢١٨ Majd, Ibid.٤

Sinclair.٥

.Dispatch by Kornfeld, No. ٢٢, June ١٢/١٩٢٢, DS. ٨٩١.٤٣٤٣-SO/٢١٤, Ibid, ١٤٠.٦

.Milspaugh to Secretary of State, June ١٤/١٩٢٢, DS. ٨٩١.٤٣٤٣-SO/٢١٨, Also: Majd, Ibid.٧

ص: ١٧٢

مجلس حاضر شد و دومین کابینه شش ر معرفتی کرد، این بار او وزارت امور خارجه را خود عهد هدار گردید. علاء تصدی وزارت امور خارجه توسط شخص قرا وانمشان اهی از ترسیم خط مشی سیاسی او در برابر آمریکا دانست. از نظر علاء این بدان مفهوم بود که ه ایران خواستار روابطی مستحکمتر با ایالات متحده است. ت به همین دلیل ابراز امیدواری کرد مذاکراتی که از سال گذشته حول محور نفت شروع شده، به ای نقطه مطلوب ختم شود. نیز ابراز امیدواری شد همکاریهای اقتصادی و صنعتی بین دو کشور

۱

شکل گیرد و ایران به پیشرفت و نوسازی اقتصادی نائل. بآی هددلیل این علایق بود که کورنفلد گزارش م ی د قوام به یک فرد ضدانگلیسی مبدل شده است.

اد ۲ بریتانیا تلاش

کرد از ریاست وزرائی مجدد ق و اجملو گیری کن. د ابتدا شایع کردند او مردی است رشوهخوار. اما قوام به سرعت واکنش نشان داد اسنادی در اختیار وزیرمختار آمریکا قرار داد که نشان می داد عوامل بریتانی ادر تهران خود باع ث و بانی رشوهخواری و فساد از زیر و ظاهرا که از آن سوی شعرای با احساسی مثل عارف. هستند اقتصادی و اداری ب م تحولات سیاسی ناآگاه بودند، در ذم قوامه یاد دوره کابینه سیاه سیدض شیاء عمر میسرودند و کنسرت می دادند. شخص عارف در دوره ریاست وزرائی مجدد قوام تر باقروف اجرا. تصنیفی در دستگاه شور سرود و در فروردین ماه سال ۱۳۰۲ در ت نمود. بخشی از آن تصنیف به این شکل بود:

ایران سراسر پایمال از اشراف آسایش و جاه و جلال از اشراف

دلالی نفت شمال از اشراف ای پیشرف گیری گواهدت، بازآ

کابینهات از آن سیه شد نامش هر روسیاهی را تو بودی دامش

برهم زدی دست بد ایامش منحل شد از چند اشتباهت باز آ

بذری فشانندی، تخمی نشانندی، رفتی نم اندی ه گل رویدت از آ ۳

بازآ ک تا از خرم گیاه ب

ام ا مهمترین آوردگاه رویاروئی قو اوم بریتانی، استفاده از رضاخا ب نو د. ماجرا وقتی بالا

.Ala'i to Hughes, June ۱۹/۱۹۲۲, DS. ۸۹۱.۰۰۲/۱۰۳ Majd, ۱۴۰.۱

.Dispatch by Kornfeld, No. ۲۷, June ۲۰/۱۹۲۲, DS. ۸۹۱.۰۰۲/۱۰۵ Majd, Ibid.۲

ص: ۱۷۳

۱۷۴ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

گرفت که سرپرسی لورین با حمایت آشکار از رضا، خاتنلاش کرد میانه او و قوام
بیش از پیش به هم. زن ادو از ماجرای کشته شدن تعدادی از نیروهای اعزامی رضا ب خاھن
جنوب توسط برخی از بختیاری، ه اکمال استفاده را ب هعمل آورد؛ لورین وانمود میکرد که
گویا قوام خود باعث و بانی کشته شدن سربازان در قلمرو بختیاریها ب ودهاس. بعلاوه ت
دیری نپائید که به تحریک انگلی، ب سرخی شورشها با ظاهری ضدیهودی روی اد. ده دف
این بود تا آرامش را از تهران برابیند و از آب گل آلوده ماهی صید کنن د.

انگلستان، م سئله شیخ خزعل و جنگ شلیل

یکی از مهمترین اقدامات رضا، ات نلاش برای فروکوفتن خزبعو د ل. منازعه
رضاخان و خزعل به واقع رویه آشکار درگیری نهان محافل د بر ریمتانویراد مسئله
ایران بود. در یکسوی طیف این محافل کسانی قرار داشتند که در راستای گیشریک ل
حکومت نظامی قدرتمند تحت هدایت رضاخ انز او حمایت میکردند و در سوی
دیگر کسانی قرار داشتند که همچنان از ضرورت حمایت از قدرتمندان محلی سخن
میگفتند و دوام نظام ملوال کطوائف ی را که همه تحت کنترل بری تبان ویداند، بر استقرار
دولت نظامی مرکزی ترجی حم یدادند. خلاص ه اینکه در یک سوی طیف وزارت خارجه
بریتانیا قرار داشت با سیاستمدارانی مثل لرد کرکزهنبر تداوم استعمار از نوع قرن
نوزدهمی اصرار میورزیدند، و در سوی دیگر طیف وزارت مستعمرات و ال ناسیلطنه
هندوستان که بر این باور بودند باید نظمی جدید در ایران شکل گیرد تا با سرمایه ملت
ایران، این کشور را در مدار منافع بریتحانفیاظ کن. دبرجسته ت ری ناین سیاستمداران

عبارت بودند از کسانی مثل سورینستون چرچیل و لرد ادوین مونت و گلرد ریدینگ
نایب‌السلطنه هندوستان. در ایران کسانی مثل سیدنی آرمیتاژ اسمیت از سیاست رسمی
وزارت خارجه تبعی تم یکردند؛ و لورین و هاوا، ردمجری سیاست حکومت هند
انگلیس در کشور به شمار می رفتند. در این مسیر رسوائیها ی مثل آنچه در خانه عزیز
کاشی گذشت هم رخمینمود که همه در تحلیل نهائی به نفع ب هرانام ی هگروه دوم
خاتمه م ییافت. رضاخان مورد حمایت اکید و شدید این گروه. بیوه دعبارت بهتر
همانطور که ه در صدر این رساله خاطر نشان کردیم، بخشی از تحولات سیاسی ایران در
این دوره تاریخی، عرصه ستیز اشرافیت مالی با اشرافیت زمینداری بریتانیا بود.

بنابراین حمله رضاخان به خزاع لب ه واقع با هماهنگی قبلی و ری برزنام ی ه حساب شده با برخی مقامات بریتانیا صورت گرفت . ت جرم نابخشودنی خزاعل نه بحث مالیاتهای معوقه در جنگ اول جهان تا ی آن زما، نبلکه حمایت او از سلطنت احمدشاه قاجار بود . این رویکرد با سیاست جناحی از سیاستمداران بریتانیا در ایران منطبق نب .ود سیاستی که ضمن آن پاسداری از منافع انگلیس در کشور به مقامات ایران سپ رمد یهشد عو لیال قاعده نگاه دیرینه بریتانیا به اختلافات قبیله‌ای و اعمال نفوذ در ملوالتکوایف جای خود را به سیاست حمایت از دولت نظامی متمرکز داده .رضباوخدان حتی قبل از ۱ «موظف» اینکه حمله ای علیه خزاعل انجام ده،ددر ملاقاتی با لورین خویشت ن را می ا دن ست تا به سیاست تمرکز ادامه .د هددر این راستا او به لورین اطمینان داد که هیچ

۲

گام نسنجیده‌های ک ه باعث تضعیف موقعیت بریتانیا در ایران شود، برنخواهد داشت .ت درست مقارن با تشکیل دولت ق،وا مرضاخانبا چراغ سبز گروهی در بریتانیا ، مقدمات برافکندن خزاعل را فراهم م ن یمود .رضاخان تصمیم خود را به اطلاع لورین و گادفری هاوارد ۳ دبیر امور شرقی سفارت انگلیس رساند و روز بیست و هفتم تیرماه سال ۱۳۰۱ قوای او اصفه ارنا به سوی خوزستان ترک کردن . د لورین به خوبی میدانست قوام قصد دارد رضاخان را کنار گذار . ۴د پس در این بین شروع به شیطنت کرد و میخواست وانمود سازد قوا ماجرایی لشگرکشی رضاخان به سوی خزاعل را به اطلاع او رسانیده اس . تقوا ما ز این خبر کذب متحیر . شاود نمیدانست رضاخان خود زودتر از همه قضایا را به اطلاع مقامات ب ری رتا سناینیده و لورین فقط قصد داشته بین

او و رضاخا نرا بیشتر بههم زند. لورین در این رابطه گزارشهای مفصلی برای لرد
کرزن ارسال می‌کرد. کرزن هنوز در حال و هوای استعمار قرن نوزدهم میزیست و
اب ی ه ا گ و ا بود گرفته را خود تصمیم لورین ما ا. کرد نمی درک را ایران شرایط اساسا
ارسال گزارشهای خود وزیر خارجه را فریب میا دد، گاهی دیگر اوضاع ایران را بیش از
آنچه واقعیت داشت بحرانی نشا من ی دا د و تنها فردی را کمهیتوانس ت برای خروج از
...He felt bound.۱

.Lorraine to Curzon, May ۱۷/۱۹۲۳, FO. ۳۷۱/۹۰۲۴.۲

.Godfrey Havard.۳

.Lorain to Curzon, Tehran, ۲۱ September ۱۹۲۲, FO. ۳۷۱/۷۸۱۰.۴

ص: ۱۷۵

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

این بحران مفید باشد، رضاخان قلمداد می‌کرد. او بارها و بارها از زبان رضا خگاونشزد

نمود منافع بریتانیا همیشه سرلوحه کلیه اقدامات وزیر جنگ واقع خواهد شد؛ مینوشت

رضاخان گله کرده که انگلیس اجازه نمیدهد او به خوزستانلشگ را اعزام کند، حال

آنکه مایل است با بریتانیا دوست باشد، زیرا این امر را ضیرومیشمارد. رضاخان

آشکارا گفت که اگر نتواند قوائی به سوی خزااعلزام نماید، در افکار عمومی این

واقعیت عیان میشود که او تسلیم نظریات انگلیسیهاست. رضاخان

د پرسید آیا انم میتوان

راهحلی یافت که هم او بتواند منافع انگلیس را تأمین نماید و هم خزع را برافکند؟ او

۱

بار دیگر برای چندمین مرتبه توضیح داد نمیخواهد منافع انگلیس را تهدید کند.

در برخورد با خزع، لدو سیاست به موازات هم وجود داشت. شیکتی از آن قواب بود

که میخواست اقتدار دولت مرکزی را به اطراف و اکناف کشور بسط دهد و به بساط

ملوکالطوائفی خاتمه بخشد و دیگری که از آن بریتانیا بود و میخواست اووضاع را

هرچه بیشتر به نفع رضاخان آشفته سازد و سرانجام او را قهرمان منظور ردهری

ایرانیان جلوه دهد. در مواقع قوامدر مقام رئیال سوزرای کشور، میخواست قدرت دولت

خویش را بسط دهد و کسانی را که به نحوی از انحاء از اطاعت دولت مرکزی

رویگردان بودند، سر جای خود نشان دهد. در این راستا او موافق نامه میان خزع لویپیل،

کنسول انگلیس در اهواز را که طبق آن بدهه یای معوقه شریخ را به نحوی از انحا

میبخشید، مردود شمرد. طبق آن توافقنامه خزع علم بیاست فقط مطالبات سالهای

۱۹۲۱ به بعد را تقبل م‌کیرد. قوام در مقام رئیس دولت از این توافقنامه که نقض استقلال سیاسی ایران به شمار می‌رفت، ابراز نارضایتی کرد و میخواست خزعل کلیه بدهیهای سالهای گذشته خویش را نیز پردازد.

در این شرایط لورین بر این باور بود که سیاستهای قدیمی انگلستدار نمود برقرار ماندن نظام ملوکطوایفی در جنوب ایران به نفع بریتانیان نیست. و میعتقد بدمهمترین معیار در مناسبات خارجی بریتانیان باید حول محور دولت مرکزی ایران بگردد، او تکیه بر

۲

خوانی را برای مصالح بلندمدت انگلیس زیبا را نرزیابی میکرد. با این وصف لورین باره نوشت تکیهگاه عمده بریتانیان در استقرار نظم در ایران بمایس ترض اخاب ناشدند

۱. Loraine to Curzon, June ۴/۱۹۲۳, FO. ۴۱۶/۷۳.

۲. Loraine to Curzon, Tehran, ۴ September ۱۹۲۲, FO. ۳۷۱/۷۸۳۰.

ص: ۱۷۶

قوام. او رضاخان را تنها عاملی م د یانست که اگر از صحنه ایران ناپدید شود، بریتانیا در منطقه دچار دردسر خواهد شد. ۱ لورین می گفت از رضاخان نباید حمایت کرد، زیرا دولت و ضدیت با او، «حلقه محاصره علیه روسی هرا تحکیم م کن ید» قدرتمند مرکزی است که رضاخان به مفهوم حفظ حمایت است از قدرتهای کوچک ایلی که دیر یا زود ب ه دست ۲. «دادن فرصت به روسیه» قوای رضاخان نابود خواهند شد، و البته

اینجا بود که لورین در نامه های خطاب به مقامات وزارت خارجه انگلیس خاطرنشان ساخت که بریتانیا در برابر ایران باید اینک شمشیرهای خود را غلاف نماید و با آرامش و تلاش مستمر جای پاهائی نو برای خویش دست و پا کند. لورین از مقامات وزارت خارجه که شرایط ایران را درک نکمردند می خواست موقعیت بعد از جنگ را فریاد آورند هموقعیتی که باعث شده پاهای سیاست بریتانی ادرای رانس س ت و ل رزانس . و د لورین نوشت او میخواهد به طرفهای ایرانی تفهیم نماید منافع آنها در گرو رابطه ح سنه با بریتانیاس ت . طبق این سیاست بریتانی ادیگر نمیتوانست از حامیان بومی خود حمایتی در خور توجهی به عمل آورد. لورین به صراحت عنوان کرد، رددیگر نمیتوان به شرایط پیش از جنگ بازگشت. زیرا آن زمان میشد به س ادگ یخواس هتهای دولته ای ای ران را نادیده گرفت ولی در دوره بعد از جننگی توان چنین سیاستی را ب رای م دتی ط ولانی

ادامه داد، به ویژه اینکه جامعه ملل اینک در عرصه جهانی پا به ظهور گذاشته است. همینچا باید گفت، ت در بین نمایندگان مجلس چهارم این ن اصلردولت به ودک هبرای پیوستن ایران به جامعه ملل تلاشهای فراوانی . اکو ارزدماده ده این جامعه سخن

اگر یکی از افراد این جامعه تمامیت ارضی و استقلالش در خطر « می گفت که طبق آن

۴ کفینردوز در پاسخ شیخ سادالله «. باشد، تمام آنها مدافعه کنند و آن خطر را دفع

آیا حالا ما « کردستانی که معتقد بود ورود ایران به این جوامع فهایده است، پرسی:د

میگوئیم دخول در چنین جامعهی برای ما فایده ندارد؟ آیا شرکت داشتن و استفاده

۵ نصرتا لدوله گفت دولت ایران؟ « کردن از این التزامات برای یک لدو تزیاد نیست

.Lorraine to Curzon, Tehran, ۱۰ January ۱۹۲۳, FO. ۳۷۱/۹۰۲۴.۱

.Lorraine to Curzon, Tehran, ۵ May ۱۹۲۳, FO. ۴۱۶/۷۲.۲

.Lorraine to Trevor, Private and Confidential, Gulhek, July ۴/۱۹۲۲, FO. ۳۷۱/۷۸۰۷.۳

۴. مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، سه شنبه ۲۸ قوس ۱۳۰۰ مطابق با بیستم ربیعالثانی ۱۳۴۰، ص ۳۰۷

۳۰۷-۵. همان، صص ۳۰۸

ص: ۱۷۷

پس ما باید در «، باید از مجامع بیال نمملی موجود برای احقاق حقوق خود استفاده کند

صد د استفاده باشیم و نباید همانطور که از سایر حقوق خود استمفاده یکنیم از این

ح ق هم استفاده نمائیم و صرفنظر کنیم . بنده یقین دارم که منافع خیلی عمده از برای

م ا خواهد داشت و اگر هم فرض بفرمائید برای ما منفعتی حاصل نشود باید دید که آیا

۱

«؟ ضرری هم برای ما حاصل خواهد شد

شیخ اسدا لله البته ایراداتی جالب بر ساختار جامعه ملل وارد می کرد ، او بر این باور

بود جامعه ملل برای این تأسیس شده است تا حقدورت قهای بزرگ را تثبیت نماید و

د رنطقهای خود توضیح داد عثمان نمب یدل به چند کشور شده اما طبق منشور همین

جامعه ملل، انگلستان استقلال آنها را دستاویزی ک راده ست برای استقرار حکومتهای

دس ت نشانده؛ او از مصر بی و نالنهری نم ثال آورد که چگونه انگلیس بدیهیترین حقوق

مردم آنجا را نادید هم یگیرد . شیخ اسدا لله توضیح داد در جامعه ملل از خلع س ح لا

صحبت م ی شود ، اما نوبت به فرانسه و انگلیس که م یرسد، آنها این قانون را برای

خویش محترم نم یشمارند . د ر یک تحلیل کلی شیخ اسدا امع للهتقد بود ترکیب جامعه

ملل ل به گون ا هی شک ل گرفته است که غنائم به دس تآمده از جنگ اول جها ندیر دست

قدرتهای بزرگ باقی بماند، به همین دلیل ورود ایران به این جامعه سودی نخواهد

۲

داشت. اما ایران به هر حال و با تمام مباحثات جاری وارد جامعه ملل شد و منشور آن

را پذیرفت. لورین م ی گفت در این شرایط تداوم سیاست استعماری قرن نوزدهمی

بریتانیا در کشورهایی مثل ایران با مشکلات فراوانی مواجه خواهد شد.

از سوئیلورین مدعی بودم که با رضاخان نبر سر مسئله خزع م لناقشه کند،

زیرا به ادعای وی رضاخان نهدف توطئه بلشویکها قرار دارد؛ پس باید درست عمل کرد

زیرا رضاخان برای بریتانی اغنیمتی اس . تاو خزع را متهم ساخت در مسئله پرداخت

بدهیهای خود غیرمنطقی عمل کرده است و دفاع از مقاصد او وزیرمختار را در موقعیتی

۳

ناگوار قرار میدهد. بین دستگاه دیپلماتیک انگلی د سر مورد نحوه برخورد با خزع

اختلاف بروز کرده بو. دعه ا ی معتقد بودند باید شیوه تعامل با او را دگرگون ساخت و

۱. همان، ص ۳۰۹

۲-۳۱۰. همان، صص ۳۱۲

.Same to Same, Tel. No. ۸۷, Tehran, April ۲۱/۱۹۲۲, FO. ۳۷۱/۷۸۰۵.۳

ص: ۱۷۸

او را به حال خود رها نمود تا دولت مرکزی ایران و البته رضاخ باهن نحو مقتضی با او برخورد نمایند و عداهی دیگر در همان حال و هوای ه داویر هپیش از جنگ از قدرتمندان محلی دست نشانده حمایت مکیردند. لورین در تلگرامی دیگر خاطر نشان ساخت حتی سیاست مالی بریتانیا در مورد ایران دگرگون گشته است. س طبق این سیاست کلی ه کمکهای مالی به ایران قطع شود. هینک دولت ایران از نظر مالی در شرایط دشوار به سرم ب یرد و قصد دارد مالیاتهای خود را در نقاط مختلف کشور وصول

۱

نمای د. ب هواقع اگر انگلستانی خواست مفاد قرارداد ۱۹۱۹ را با سرمای ه خود ایرانیها اجرا نماید، هیچ روش یجز راهی که لورین پیش پای آنها مگذاشت وجود نداشت. وزارت خارجه و وزارت امور، ن بدا خط مشی ترسیم شده از جالانو برین موافقت کردند. آنها به لورین اطلاع دادند به شیخ بگوید باید به تعهدات خود در برابر حکومت مرکزی ایران عمل کن. دواقعی ت دیگر عهدنامه مودت ۱۹۲۱ بین دولت وقت ایران و اتحاد شوروی موازنه نیروها را تح تتأی ر قرار می داد. طبق ماده نوزدهم این قرارداد اگر قشون دشمن روسی ب هخواهد از ایران حمله ه بروسیه کند، پس از آنکه دولت « روسیه توجه دولت ایران را ه باین مسئله جلب کرد و اتمام حجت خواهد نمود در صورتی که دولت ایران قادر به جلوگیری نشد، ممانعت از ورود قشون روس نخواهد م ۲ وپدس «. کرد، و روسی هاز آذربایجانو ارمنستاندر تجاوز به ایران ممانعت خواهد ن ب ه دلیل واقعیات ناشی از قرارداد یادشده باید به شیخ اطلاع داده م یش د که بریتانیا

استقلال و تمامیت ارضی ایران را به رسمیت شنماید و روابط دولت بریتانیا شیخ

۳

ب راساس این اصل خواهد ب. و سیاست نایب السلطنه هند از نوعی دیگر بو. لدر د

ریدینگ نایب السلطنه هند از دولت انگلستانخواست که در برابر رد درخواست

دریافت اسلحه از سوی شیخ، مانع اعزام نیروهای نظامی دولت مرکزی ایران به

۴

خوزستان شود.

ت ل ع صریحا برافکند، را لخرع تا بود کرده جزم را خود عزم ظاهر به رضاخان وقتی

.Lorraine to Trevor, Tel. No. ۹۴, Tehran, April ۲۶/۱۹۲۲, FO. ۳۷۱/۷۸۰۶.۱

. ۱۸۹-۲. برای متن قرارداد ۱۹۲۱ ایران و شوروی ن ک: شرح زندگانی من، ج ۳، صص ۱۹۱

.FO to Lorraine, Tel. No. ۱۴۷, May ۳۱/۱۹۲۲ India Office. L/PS/۱۰.۳

Lord Reading to Viscount Peel Secretary of State for India, Tel. May ۲۷/۱۹۲۲, FO. .۴

.۳۷۱/۷۸۰۶

ص: ۱۷۹

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

لشگر کشی را این دانست که اگر به سوی خوزستان سحرراکت نکند، مردم از ماویرسند مگر خوزستان جزئی از ایران نیست، پس چرا به این موضوع فکر نمیکنند که هنوز هم ملوکالطوایفی در خوزستان را هم برافکنند؟ رضاخان به واقع برای خالی‌نویس و نوری‌زاده میخواست به افکار عمومی القا کند که قادر است حتی با نشاندهنده تری‌نامل انگلیس یعنی خزعل هم برخورد نماید. درحال آنکه واقعیت امر این بود که هاب آگ‌هازیروابط عمیق خزعل و بریتانی، فقط میخواست یک لشگرکشی نمایشی انجام دهد و به قول رابرت آنجا اعزام کند. نادر برای فریب افکار عمومی و مکه «چندصد نفری» خودش فقط شده و او گفت این دعه اندک حتما باید برون. در رضاخان تأکید کرد او در این لشگرکشی که نادر مایشی منافع بریتانیا را در دستور کار قرار می‌دهد دو متعهد می‌شود برای منافع این کشور مشکلی پیش نیاید. در این باره او توضیح داد نه تنها منافع دولت انگلستان سطر دارد، بلکه ملاحظات شرکت نفت انگلیس و ایران را هم در نظر خواهد داشت و وضع موجود را

۱

تغییر نخواهد داد و شیخ خزعل هم بیهوده نگران است.

رضاخان برای رسیدن به مقصود بین سران بختیار یا اختلاف افکنی کرد. آتش‌کینه و نفرت را بین قبایل و عشایر ساکن در دامانهای زاگرس جنوبی شدت بخشید، و از این بالاتر بین عشایر فارس و بختیاری هم ایجاد نفاق. اک و اوزد قشائیه و ایلات خمسه خواست در صورتی که نبردی با بختیارها صورت گیرد، آنها بیطرفی اختیار کنند. تابستان سال ۱۳۰۱ او خانهای جوانتر بختیاری را علیه بزرگترها برانگیخت. تخانهای جوان برای از میدان به دگردن بزرگان قوم، ابائی نداشتند از اینکه ادعای جمهوری

شورائی هم بنماین .د در این ارتباط حتی بیان هیاهوی هم منتشر کرد ن. ادختلافافکنی بین تیره های هفتلنگ و چهارلنگ هم اجتنان با پذیر م نیمود. رضاخان برای لشگر کشی صورتی خود علیه خزاع اندکی صبر پیشه کرد و در نیت خود در مورد اختلافافکنی بین سران بختیاری ه موقوف بود .د. ۲ رضاخان تلاش میکرد مثل شاهعباس و نادرشاه افشار، قبایل و عشایر را علیه هم تحریک . عکندیره ای را از جایگاه اصلی خود به جائی دیگر کوچ دهد و به این شکل قدرت خویش را استحکم سازد . مشاور او هرکه بود از تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران خبوهبی آگاهی داش . بنابراین همین آگاهی بود که

.Lorraine to Curzon, June ۲۰/۱۹۲۳, FO. ۳۷۱/۹۰۲۴.۱

.Cox to Lorraine, October ۶/۱۰۲۲, FO. ۳۷۱/۷۸۰۹.۲

از گروهی از بختیارها کمک میگرفت تا در صورت نیاز بتواند ترکمنهای خراسان سرکوب سازد؛ عدوهای زقشقائیه را علیه شورشیان بویراحمدی به کار میگرفت و به این شکل اهداف خویش را پی میبرد. همچنین بر این اساس بود که بعدها در تابستان سال ۱۳۰۳ به خلع سلاح بختیارها و قشقائیه پرداخت، هخای نجوانتر را علی‌ه‌بزرگان قوم برانگیخت و سران آنرا در تهران نگه داشت. برای این منظور جعفرقلی‌خان سردار اسعد بختیاری را به وزارت پست و تلگراف من فصول کرد، اسماعیل‌خان نصولتا لدول قه شقای‌ی را در شهریور سال ۱۳۰۳ به عنوان نماینده مجلس پنجم به تهران منتقل ساخت و در عین حال همچنان ایلات را درگیر مسائل یکدیگر باقی نگه داشت.

این سیاست از سال ۱۳۰۱ در پیش گرفته شد. در این زمینه ساعدالدوله، فرزند سپهسالار تنکابنی که به دنبال شکست در مازنداریانک آجودان مخصوص رضاخان شده و از او در جهس‌رهنگی گرفته بود، مسئول برقراری ارتباط با سران ایلات بختیاری گردید. وی گزارشمیداد از خوانین بختیاری بیش از دوسه تن در اصفهانی هستند، و قول خدمتگذاری « مذاکرات با اینان هم به نتایج مطلوب رسیده است. سها تبالسطن ساعدالدوله ». خودش هم شرفیابمیشود « داد و بنابراین گزارش » [خدمتگذاری مابین رؤسای بختیاری از بابت قرضی که از انگلیسها دهانکدر، ضدیت پیدا] گزارش داد شده احتمال دوسه تیرگی میرود، در محافل مضرت این قرض و سیاست انگلیسها را تصور میکنم در حق « و دیگر اینکه توصیه کرد، « از برای خفه کردن خوشدان فهمانده سدرتنهایت؛ « آقایان صمصام السلطنه و سردار جنگ ملاطفت فرمائید خیلی بجا

هر قولی « تقاضا شده بود تلگمرای به این افراد ارسال گردد و مضمون آن این باشد که

۲ ساعدالدوله و سالارنظاممأموریت «. از طرف حضرت اشرفمیدهی مصحیح بدانند

۱ م نحاکمه نمایند و به « در ظرف سه روز در اصفه » داشتن دصاحب منصبان خوزستان را

طهران بازگردند. ۳ همان روز تلگرامی دیگر هم ارسال شد که در آن آمده ب د بخت و یاریها

« دولت ضد بر گاملا « این و هستند « عداوت « بنابراین ، است عیان گاملا « را آنها بایستی

۱. Pierre Oberling: The Qashqa'i Nomads of Fars, pp. ۱۵۰-۱۵۱.

۲. سرهنگ سالارنظام به رضاخان، تلگراف، استخبارات ش ۶۱۲، یکم برج سرطان (تیر) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ.

۳. رضاخان به سرهنگ ساعدالدوله و سرهنگ سالارنظام، ۱۸ اسد (مرداد) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ.

۱۸۲ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

۱. «دشمن این آب و خاک دانسته و به اقوال و اعمال آنها اعتماد نکنید

رضاخان به این تلگراف پاسخ داد، در این پاسخ آمده بود:

مختصر سوء تفاهمی که برای ملاقاتهای معمولی با آقای صمصام السلطنه پیش آمده
بُود

مخصوصاً بوسیله و مساعدت آقای سردار جنگ بکلی مرتفع و امروزه دوستی
و مودت کاملی با خوانین محترم بختیاری برقرار و روابط فیما بین به وجه احسن
است.

مطابق تعلیماتی که شفاها به شما دادهام لازم است با خوانین محترم ایل
جلیل بختیاری مقیم آنجا هم ملاقات و راجع به مطالبی که دستور دادهام مذاکره
نموده هر قول و قراری که لازم است از طرف من به آقایان خوانین بدهید نتیجه را

۲

راپرت نمائید مستحضر شوم.

از آن سوی امیرجنگ بختیاری هم ضمن ارسال متلگ برای رضا خان، اطلاع داد

ی

ورود ساعدالدوله و سالارنظام باعث پیشرفت کارها شده و اینکه و سرای بختیاری با

و هستند همسو رضاخان «ه ب اصفهان نظام دارم کوشش تمام جدیت با شخصاً بنده

د. قرار شد امیرجنگ همراه با فرستادگان رضباهاخاملاقات «اقتدار ا تخود بیفزای

سرداران بختیاری روند و بحث رفع سوء تفاهمات را مطرح سازند و به توافقی دست

یابند. ۳ رضاخان با این تقاضا موافقت ک. ۴ در رضاخان در عین اینکه وانمود میکرد به

چنین توافقاتی پایبند است، اما مخفیانه از طریق مأمورین خویش اوضاع لشکر جنوب را زیر نظر داشت تا میزان وفاداری آنها را به خود بیازماید و نیز از التزام و تبعیت آنها

۵

از خوانین بختیاری آگاه گردد.

همزمان ساعدالدوله و سالارنظامبا سران ایل قشقائی هم وارد مذاکره شد. بدین دو

تلگرافی برای رضاخانارسال نمودند و اطلاع دادند کدهر ششم برج تیر همراه با

سواران قشقائی که از طرف صالحول دولت سردار عشایر فرستاده شده بنودد، از

۱. رضاخان به ساعدالدوله، ۱۸ برج اسد (مرداد) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

۴ سرطان(تیر) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ . ، ۲. رضاخان به سرهنگ سالارنظام، نمره ۶۱۲

۳. امیرجنگ بختیاری به رضاخان، اصفها، ن شعبه استخبارات نمره ۶۳۲، مورخه ۳ سرطان(تیر) ۱۳۰۱، اسناد

وزارت جنگ .

۶ سرطان(تیر) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ . ، ۴. رضاخان به امیرجنگ بختیاری، نمره ۶۳۳

۵. گمنام هب ریاست ارکان حرب کل قشون، مورخه ۲ سرطان(تیر) ۱۳۰۱، توضیح اینکه این نامه‌های محرمانه

اند با پیک ارسال گردیده روی کاغذ معمولی نوشته شده و احتمالاً

ص: ۱۸۲

ایزدخواستبه سوی ایل قشقائی در ده فرسخی محل ملاقات، حرکت کرده‌اند.

به استقبال آنها آمد و از «چهارصد سوار» ناصرخان فرزند سردار عشای روسط راه با

ایشان نسبت به حضرت «ایشان پذیرائی کرد. در روز بعد با صول ال تدول هم لاقات شد

اشرف خیلی صمیمی و خود رشا مادام العم ر یکی از فداکاران حضرت اشرف محسوب

در ضدیت با انگلیسها دچار «فرستادگان رضاخان گزارش دادند سردار عشایر «می دارد

زحمات و خسارات فوالقعهاده شده سردار احتشام و علیخان به تحریک انگلیسها و

نظدیق این گزارش بختیاریها از ضدیت «قواما لمل ب ک رضد سردار بلند شده بود.

قوامالمل ک صول تالدول اه ستفاده می کنن د و باعث رواج دزدی و راهزنی

و میش وند و

حتی در منطقه خود اغتشاش تولی دمیکند و آن را به گردن دیگری می اندازند. از بین

سردار احتشام قابل نیست ولی علیخان لازم است به ایل رفته ن ت ظرحباتشد، «این عده

و تمامه میشود. سردار عشایر شکایت داشت ه ک «ب ه این واسطه دست تحریک اجانب ک

قوامالملک م یخواهد در راه عبور ایل قشقائی املاکی بخرد و اشکالاتی فراهم آورد تا

طوایف ایل را متفرق سازد. زداینک هم ابواب جمعیها یصولتا لدوله از قبیل حکومت

اگر حکومتهای این محال به «آباد، کازرون و دشتستان او جدا شده در حالیکه

صلاح دید سردار معی نم یشد، هم امنیت راهها اعاده [و هم تا اندازهایا سباب ضدیت

اتحاد] یادآوری شده بود بختیاریها و سردار اقدس خیلی مایلند «مرتفع م یشود

مستحکم ی با سردار عشایر داشت ه باشند، به همین ترتیب قال واملم ک را هم با سردار

تا «س، تدر نهایت اینکه «متحد نمائید، حاجی معین بوشهر هم در این کار دخیل ا

۱. « بحال سردار تکیه به مراسم حضرت اشرف کرده منتظر دستورالعمل است

رضاخان پاسخ داد، باید حت ایلامکان اهتمام شود تا ایل قشقائی تحت ریاست سردار

عشایر واقع گردد، علیخانمیایست بوسیله تهدید یا هر ویل سه دیگری که مقتضی

باشد با سردار عشایر صلح داده شود، به همین سیاق باید بین المل ک قو و ام

چنانچه به اصلاح بین ق اولامل ک و سردار عشایر « صولت الدوله آشتی برقرار گردد و

یک از آنها بایستی به محبت من امیدوار و مستظهر باشند ولی یقینا هر نشوید موفق

۲. « سردار عشایر مقدم است

۱۵ برج سرطان (تیر) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ . ، ۱. ساعدالدوله و سالارنظام به رضاخان، شیراز، استخبارات نمره ۷۵۸

۲. رضاخان به ساعدالدوله و سالارنظام، آباءه، نمره ۷۵۸، مورخه ۱۷ سرطان (تیر) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۱۸۳

ب این وصف نامه‌های دیگری از همین فرستادگان در دست است که نشا منید هد، از بعد روز یک درست مثلاً. بودند گرفته پیش در دورویی نوعی عشایر سردار با آنان اینکه نامه پیشین را خطاب به رضا خفارنستادند، نام‌های دیگری ارسال نمودند که مضمون آن به کلی با نامه قبلی مغایرت داشت. شدت این نامه در وصف ایل قشقائی آمده تمام راهها ناامن، روزنیم گذرد [ک]ه قافله‌ای را از دهی یا نچاپیده و «است» . چندین قتل نمایند

اما است، کفایت بی فارس ایالت متصدی که شده ذکر نامه این در «گاملات ی صمیم بی ن ایالت و قوالمملک و قونسول انگلی سموجود است که بدون اذن دولت اخیرالذکر هیچ اقدامی نمیشود، تمام فتنه و اغتشاش از ناحیه القمل وامک و یا سردار عشایر جهت فارس یک حکومت مقتدری» و در نهایت اینکه، «برخواسته [برخاسته] میشود مکفی ابدا فارس قشون باشد نظامی حکومت باید حکما کنم می عرض حتی است لازم تعلیمات حیث از و نیستند اطمینان محل ابدا هستند شیراز در که ای عده و نیست، مشقی و دیسپلین تا به الح ب بپهره بدهاند، تمام صاحب منصبان را باید تبدیل به و به جای آنها صاحب منصبان یا ز نقاط دیگر کشور به محل اعزام «خارج فارس نمود» او از عجالتا، اند ده کر ملاقات ک المل قوام با نوشتند رضاخان اعزامی مأمورین. شوند س اقدامی صورت نخواهد گرفت، بنابر همین نامه خاندان بقوام «برضد منفعت انگلی» به اندازه‌های که ممکن است در موقع لزوم هم همه نوع «بختیاربها اتحاد محکمی دارند خلاصه اینکه اوضاع فارس به اندازه‌ی ب ه هم ریخته است»، «کمک ب یه کدیگر بنمایند

که صرف پول در آنجا جز اتلاف سرمایه نخواهد بود.

فرستادگان اعزامی رضاخاندست به کار شدند. آنها با قوالم مملک ملاقات کردند و

خود را تسلیم مقاصد مقدسه ارساختند. او هم «به مرحوم حضرت اشرف امید و» او را

مسیس اینان همراه با «حضرت اشرف نموده زمینه اصلاح قواوم سردار را فراهم کرد. دی

قوام به سمت ده بی آبداده حرکت کردند. داز آن سوی تلگمراهی هم خطاب به سردار

عشایر مخایره گردید تا در آنجا حاضر شود و رفع مناقشات گذشته. در ایگ نردد

مجلس باید تصمیمی گرفت هم یشد تا بتوان علیخا نرا هم وارد این اتحادیه کرد، از

۱. ساعدالدوله و سالارنظام به رضاخان، نمره ۷۸۷ استخبارات، مورخه ۱۶ سرطان (تیر) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ.

رضاخان خواسته شد برای برنامه‌های آینده از امی ل رشگر جنوب هم بخواهد در این

جلسات شرکت کند. در نهایت از رضاخان خواسته شد برای انتظام امور سپاهیان

شیراز، فرماندهی که هم استعداد سیاسی و هم نظامی داشته باشد، اعزام گردد، چنین

۱

فردی در شیراز هم نباید سوءسابقه‌های میداشت.

همزمان، رضاخان به امیرلشگر جنوب دستور داد قوای لازم برای برق رار یامنی تدر

اقت دار دولت را در آن « کهگیلویه و بهبهنا اعزام دارد. در این نامه دستور داده شد هب و د

امیرلشگر جنوب وظیف هداشت حاکمی با کفایت برای ایال تتعی ی ن « حدود تثبیت نمائی. د

تدر آور د. او نوشتکه اگ ر « در تحت استیلای دول « نمای د تا با کمک المیشرگر منطقه را

لازم است حکومت آنجا با بختیارها « هنوز اعزام قوا به اندازه کافی ممکن نیست، و هنوز

۲. « باشد، نظریات خودتان را در این باب سریعاً راپرت دهید تا دستور لازم داده شود

آیرم، امی رلشگر جنوب در پاسخ به این دستور خاطر نشان ککهر دو ماه پیش ک ه

بحث تجزیه منطقه کهگیلوی از بختیاری مطرح بود، خوانین بختیاری با خوانین

بختیاری خوانین فعلاً و است فته گر صورت اتحادی آنها بین و کرده ملاقات کهگیلویه

برای خاتمه بخشیدن به مذاکراتشان با اقویه کافی جمع شدانهد و هم اینک هم خوانین

کهگیلویه نزد آنها هستن. د در این شرایط اگر قوایی به آن سوی اعزام گردد، خوانین

برای عملیات خویش بهانه به دست می‌آورند و اگر هم قرر است قوایی فرستاده شود،

این مهم با امکانات نظامی فارس ممکن نیست، زیرا این نفرات با وضع کنونی فارس

عقیده این جانب بر « بای د همه روزه به تعقیب قطاعالطری ق و راهزنان اطراف بیردازند و

ای ن است که حکومت کهگیلو بیاهید با بختیاریها باشد تا پس از سویته کار آنها و یا

۳. «. اطمینان حاصل کردن از ایشان به هر نوع امر فرمائید اطاعت خواهد شد

رضاخان این راه حل را پذیر ف. حکومت کهگیلوی هو بهبهان به خوانین بختیاری

واگذا ر شد، آنها هم قول دادند با اشرار این حدود مقابله د. آنها م ایمن یخواستند

اردوئی به استعداد هزار تن از بختیاریها سازماندهی کنند ولی تقاضا داشتند دولت به

توپخانه منصب صاحب به خواستند می هم را اردو کل ریاست ضمننا . بدهد توپخانه آنها

۱. ساعدالدوله و سالارنظام به رضاخان، استخبارات، نمره ۸۵۵، مورخه ۲۳ سرطان (تیر) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

۲. رضاخان به امیر لشکر جنوب، تلگراف رمز نمره ۶۷۱، ششم برج سرطان (تیر) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

۳. محمود آیرم به رضاخان، تلگراف رمز نمره ۷۲۶، مورخه ۸ سرطان (تیر) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

واگذار نمایند، رضاخان به امیرلشکر جنوب نوشت اگر بختیارای بهه او مراجعه کردند،

۱

از این موضوع آگاه باش د.

فکر رضاخان همیشه متوجه خوزستان بود، این تمهیدات همه مقدماتی بود برای
است شده کر متذکر، نوشت آیرم به صریحا رضاخان . خزعل فروگرفتن « عربستان در
[خوزستان] و بنادر و سایر نقاط جنوب تشکیلات قشونی را بسط دهید مخصوصا در

عربستان اجرای این کار بیشتر مورد ضرورت است، البته اقدامات فوری در اجرای این

۲. « حکم به عمل آورده نتیجه را اطلاع دهید

آیرم پاسخ داد که گردان بوشهر در این هفته به خوزستان حرنکت خواهد کرد .
همچنین در اصفها تشکیلاتی نظامی مربوط به خوزس تا آغن ازب ه کار کرده اس. ب. ته
این تشکیلات هم دستور داده شده است که هر چه زودتر تحرکنکن د. اما این عده
اسلحه عده این برای حتما دارد ضرورت بنابراین . ندارند مسلسل جمله از و اسلحه

۳

ارسال گردد . در ذیل این نامه نوشته شده است لازم بود ارکان حرب ایمعخت دهص ر
برای تشکیل نیروی نظامی دولتی به خوز ساتاعزنام کن . البته نفرات باید در خود محل
ب ه کار گماشت هم یشد ند ، زیرا کسانی که در منطقه سردسیر زن دمگ میکنند نم یتوانند در
مناطق گرمسیر اقامت نمایند . در رضاخان هم همین موضوع را در تلمگیر ابه اطلاع آیرم

۴

رسانی د. به عبارتی مضمون مندرج در نامه قبل را بید تأکد ر د. اندکی بعد بار دیگر محمود آیرم نامه ای نگاشت و تلگرام رئیس ارکان حرب لشکر جنوب را به اطلاع او رسانی د. طبق این تلگرام عده مورد نیاز برای رفتن به خوزستان آمادگی دارند و هر وقت فقط نبودن وجه و کسری اسلحه مانع « ، امیرلشکر دستور دهد آماده حرکت هستند است. « نوشت دیگر بار آیرم » امر که نماید می متذکر محترما را مبارک خاطر مجددا «۵. فرموده اسلحه و مسلسل هرچه زودتر ارسال دارند

ب ا این تمهیدات روز ۲۷ تیرماه سال ۱۳۰۱ ، قوائی به فرماندهی سرهنگ حسین آقا نصیری به سوی خوزستان حرکت کر .د تعداد نفرات این گروه متشکل از افسر،

۱. رضاخان به آیرم، تلگراف نمره ۷۵۶ ، مورخه ۱۵ سرطان (تیر) ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت جنگ .

۲. رضاخان به آیرم، تلگراف نمره ۷۹۵ ، مورخه ۱۸ سرطان (تیر) ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت جنگ .

۲۱ سرطان (تیر) ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت جنگ . ، ۳. آیرم به رضاخان، تلگراف نمره ۸۱۷

۴. رضاخان به آیرم، تلگراف نمره ۸۱۷ ، مورخه ۲۵ سرطان (تیر) ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت جنگ .

۵. آیرم به رضاخان، نمره ۲۵۲۶ ، مورخه ۲۵ سرطان (تیر) ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت جنگ .

درجه دار و سرباز ۲۰۵ تن بود، این گروه با خود چهارده اسب شخصی، دو اسب دولتی، سیزده قاطر متعلق به دولت، یک توپ کوهستانی، پنجاه گلوله شنیدر کوهستانی، دوتفنگ ماکسیم با پانزده هزار فشنگ آن، یکصد و نود تفنگ ده تیر انگلیسی با ۳۶۳۴۵

۱

فشنگ، هفت تفنگ کارابین روسی و دوهزار فشنگ این تفنگ را با خود همراه بردند. حسین آقا «اما رضاخان بلافاصله در تلگرام رمزیه امیرلشکر جنوب دستور داد چون ندارد را مزبور قسمت ریاست قابلیت»، وی جای به دیگر فردی و گردد احضار فوراً

۲

منصوب شو. برای رضاخان این موضوع آنچنان اهمیت داشت که در تملیک مرافصل، بار دیگر ضرورت اعزام قوا بدون صرف وقت و عزل حسین آقا مطرح گردید. رضاخان باید به فوریت به محل مأموریت خود حرکت. ن. معالیدت صدور «دستور داد این نیرو حکم توقف آن قسمت شناختن رئیس آن بود و شخصی را که در تلگراف لشکر امیر جنوب به ریاست آن معرفی شد دهه هیچوجه برای این شغل لایق نمیدانم. لزوماً امر

می دهم یک نفر صاحب منصب دیگری را که دارای جنبه سیاسی و نظامی بوده و رشادت هم داشته باشد معرفی نمائید چنانچه صاحب منصب ندارید راپورت دهید از

مأموریت محل به مستقیماً می تذکر خاتماً. شود فرستاده مرکز

باید عده این که هم ۳». خود حرکت کرده و در راه به هیچ وجه نباید توقف کند

لیکن رضاخان بلافاصله تصمیم خود را عوض نکرد. علت امر معلوم نیست؛ اما

همی ن قدر باید اشاره نم و کده او به رئیس ارکان حرب قشون لشگر جنوب دستور داد
به عد های که برای عربستان اعزام داشتهاید بفوریت بوسیله تلفون یا تلگراف یا سواره «
دستور بدهید در هر نقطه عرض راه که هستند در همانجا توقف کنند تا دستور ثانوی
۴ فرامین رضاخاندر راه به گروه اعزامی به خوزس تاابلاغ شد و مراتب هم «. داده شود
به رضاخان گزارش ش د. در عین حال رئیس ارکان حرب گزارش داد نیروی اعزامی به
سوی خوزستان مورد استقبال قبایل و عشایر بختیاری واقع انشد دوه خوانین هم با آنها
چنانچه انتشاراتی باشد بکل بیی اساس « نهایت همکاری را نمودوها ند . ا وتوضیح داد
۱. آیرم به رضاخان، استخبارات نمره ۹۱۰، مورخه ۲۸ سرطان (تیر) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .
۲. رضاخان به آیرم، تلگراف نمره ۹۱۰، مورخه ۳۱ برج سرطان (تیر) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .
۳. رضاخان به آیرم، تلگراف نمره ۹۱۸، مورخه ۳۱ سرطان (تیر) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .
۴. رضاخان به حیدرقلی، رئیس ارکان حرب لشگر جنوب، نمره ۹۰۲، مورخه ۲۹ سرطان (تیر) ۱۳۰۱، اسناد
وزارت جنگ .

است، بنابراین به هیچوجه مانعی برای حرکت قوا نبوده و موقوف به نظریات عالیه
۱ اما همان روز همان مقام نظامی بار دیگر تلمگیر خطاب به رضاخان ارسال کرد. «میباشد
اعزام قوا به عربستان اثرات و نتایج مستحسنی در شهر و اطراف» کرد و این بار نوشت:
باشند می در افراد بختیاری بخشیده و فقط خوانین از این مسئله ناراضی مخصوصاً. « ۲
در این زمان بود که مسئولین شرکت نفت انگلیس و، قایشراونی را برای صیانت
از منابع نفتی مستقر کردند. دولت ایران به این قشون کشی انگلیس اعتراض کرد. اما
اگر دولت ایران قشونی به آن نواحی اعزام دارد ما نیز ناچار خواهیم انگلیسیها گفتند
بود برای حفظ و حراست معادن نفت از شرارت و مخالفت‌های ایلات و عشایر بر عده
». قوای خود بیفزائیم

معلوم بود ارسال قوای اعزامی به سوی خوزس تا از نظر مقامات وزارت جنگ
ضرورتی مبرم به شمار می‌آید. اما همانها توضیح می‌دادند که قوای لشکر جنوب برای
این منظور کافی نیست و باید واحدهائی از لشکر مرکز به کمک قوای جنوب اعزام
شود. اجرای تصمیم لشکر کشی به جنوب نباید با مشکلاتی مواجه می‌شود. بنابراین
رضاخان دستور داد نیروهای کمکی به سوی اصفهان حرکت کنند تا از آنجا به اردوی
به [مح] وصول این حکم بآید: «اعزامی به جنوب ملحق گردند. در رضاخان نوشت
نهایت حزم و احتیاط به طریقی که احدی از نقشه شما آگاه و مخبر نشود، مخفیانه در
تحت اوامری که از صاحب من بصبان ارشد و مجرب و لایق خودتان [صادر می‌شود]،
نواحی حدود در را خودتان پستهای نموده و تدریجاً بهبهان در قوا تمرکز به شروع
مستقر دارید و قوایی که از مرکز»، و جاهائی که خطوط نفت احداث شده است «معادن

۳. «میرسد در قمشه تمرکز داده منتظر دستورات ثانوی باشید»

این عملیات همزمان بود با تغییر نگرش برخی از دیپلماتهای انگلیسی در مورد

سیاستهای آتی آنان در ایران. اندر این زمان لورین درصدد برآمد تا در ساختار سنت

سیاسی انگلیس در ایران تحولی به وجود آید و توضیح اینکه از ابتدای دوره قاجار

انگلیسیها تلاش میکردند بین ایلات و قبایل گوناگون نفوذ نمایند و با برانگیختن یک

۱. حیدرقلی به رضاخان، تلگراف نمره ۹۵۲، مورخه ۳۱ سرطان (تیر) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ.

۲. حیدرقلی به رضاخان، تلگراف نمره ۹۵۴، مورخه ۳۱ سرطان (تیر) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ.

۳. رضاخان به آیرم، تلگراف، بیتا، ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ.

ایل علیه آن دیگری، منافع خود را تثبیت کنند. اما اینک باید این روش متحول می‌شود. لورین در گزارش خود نوشت که ملاک نهائی هرگونه مناسباتی با ایران، تهران است. ب ه نظر او اکنون باید یکپارچگی کشور مورد توجه و امداد ییعی بود که برای منافع بلندمدت بریتانن بیابشتر اهمیت داشت تا تفوق محلی یکی از د پ سرو تر دگان

۱

اواخر در مثلاً. شد پیگیری هم بعدها سیاست این. کشور گوناگون نقاط در انگلیس دیمه سال ۱۳۰۱ او بار دیگر در تحلیل وضعیت ایران، رض اراخ اینگانه عاملی دانست صحنه از او شدن ناپدید و است پایدار نسبتاً شور ک التغیر دائم سیاسی فضای در که باعث خواهد شد کسانی در ارکان تصگی میرمی کشور نفوذ یابند که ضد منافع امپراتوری بریتانیا هستن د. در این صورت وضعیت نامطلوبی پی میآمد که میتوانست

۲

تمامی موضوع ایران را بار دیگر به شکل مسئلهای دشوار در آور د. همانطور که دیدی، م د ر تیرماه ۱۳۰۱ مطابق با ژوئیه ۱۹۲۲ رضاخان نیروئی از راه قلمرو بختیاری به سوی خوزستان اعزام کر د. در این هنگام به دستور انگلیسیها و زمینچینیها یسوخزل و یوسفخامنیر مجاهد بختیاری، چریکهای بختیاری و بویراحمدی در گردنه شلی لدر کوه مروارید به آنها حمله ب. ردند در این حملات ۳۵ تا ۴۰ تن از نیروهای دولتی کشته شدن د. بیست تن دیگر هم زخمی گ. رهدمیدن ه د مسلسله از بین رفت و حتی بعضی از سربازان تفنگ و لباس خویش را هم از دست دادند. باقیمانده اردو به اصفهان بازگشت. اینان میگفتند در بین نیروهای حملکننده

تعدادی از نیروهای بختیاری را شناسائی دکهان ر د. عملیات علیه نیروهای اعزامی در مردادماه آن سال صورت گرفت . در ابتدا گمان میرفت نیروهائی از وفاداران خزعل دست به اینکار زدهان د. برخی مطبوعات تهران هم از دست داشتن ب درریاتیانان عملیات سخن به میان آور د.ندتاریخ این عملیات شکی باق ن یمیکذاشت که نبرد شلیل بخشی از تلاشهای ب ریتانیا برای تضعیف دگربار حق وام بوده است .

غروب روز دوازدهم مردادماه سال ۱۳۰۱ رئیس ارکان حربلشگر جنوب خطاب به رضاخان در مورد عملیات شلیل گزارشی تلگرافی ارسال کرد، در این تلگراف که به

.Lorraine to Curzon, September ۴/۱۹۲۲, FO. ۳۷۱/۷۸۳۰.۱

.Lorraine to Curzon, January ۱۰/۱۹۲۳, FO. ۳۷۱/۹۰۲۴.۲

.Lorraine to Curzon, August ۱۷/۱۹۲۲, FO. ۳۷۱/۷۸۰۹.۳

۱۹۰ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

مخبره شده بود، چنین میخوانی م: « خیلی خیلی فوری » شکل

مقام منیع بندگان حضرت اشرف وزیر جنگ و فرمانده کل قشون دامت عظمته،

....خاطر مبارک را قرین استحضار میدارد مطابق راپرت واصله از صاحبمنصب

مأمور گله داری، تحقیقاتی که از چند نفر نظامیان متواری شده به عمل آمده از قرار ذیل

است: پنج روز قبل غروب در کاروانسرای شلیل که خاک بختی اری میباشد الوار

اردوی نظامی را محاصره و تا ظهر روز بعد مشغول جنگ، در نتیجه اردوی نظامی

مستأصل عدهای از نظامیان مقتول و مابقی را خلع سلاح نموده بعضی را اسیر و برخی

ریزهای راز ست نفی اکنون بت تقریباً و انداری گردیده لخت و برهنه به کوهها متو

فریدن با آن حال به منازل خود معاودت نمودهاند، راجع به صاحبمنصبان هم سرهنگ

حسین آقا [نصیر] ی سالم ولی معلوم نیست که دستگیر یا مستخلص گردیده،

سلطانآقاخان خدایاری زخمی و دستگیر، نایب ۲ شکراللهخان مقتول، از

صاحبمنصبان دیگر هنوز اطلاعی به دست نیامده است، به یاور صادقخان که با قوای

اعزامی امروز حرکت نموده دستور داده شده نظامیان متواری شده را جمعآوری و در

۱

دهکرد مرکزیت دهد منتظر امر فوری حضرت اشرف میباشد.

خود رضاخان هم تردید داش تکه این موضوع اتفاقی است ی ابرنام ری هزیش ده از

صورت گیرد که آیا این درگیری توسط بختیارها « تحقیقات عمیقه » سوی دیگر او خواست

۲

همچنین باید عده دشمن هم تعیین میش د. « کس دیگر » صورت گرفته است یا

ی ک روز بعد از این دستور، تحقیقات لازم صورت .گگ نرتفیجته تحقیقات این بود
قضی ه مصادمه با قوای عربست افنقط از طرف خوانین بختیاری به وسیله نوکرهای « که
نداشته دخالت گری دی طایفه اُبدا و بوده آنها رعایای و شخصی « شد معلوم . است
اردوئی ی که برای مبارزه و نبرد اعزام شده، هزار نفر بوده که از این رعایای مسلح به
سلاحهای متعارف عشایر آن زمان شکست خورده و با آن وضعیت درهم و ، برهم
هنوز اطلاعی ب ه « متواری شدند . طبق همین گزارش د ر مورد سردستهها یمهاجمی ن
۳ در «. دست نیا مده پس از حصول اطلاعات کاتمرلی مراتب را به عرض خواهم رسانید
۱. رئیس ارکان حرب لشگر جنوب به رضاخان، ۱۲ اسد (مرداد) ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت جنگ .
۲. حاشیه همان سند .
۳. رئیس ارکان حرب لشگر جنوب به رضاخان، ۱۴ اسد (مرداد) ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت جنگ .

اهمیت موضوع همین بس که این سرهنگ حسین از آقامورین سابق پلیس جنوب ایران بود. بعد از انحلال پلیس جنوب اعدیه از آنها وارد قشون شدن د. عده افراد پلیس درجه به نفر هشت و چهل تنها عده این از و بوده نفر چهارصد بر بالغ ییا تقر جنوب صاحبمنصبی و یک عده قلیل دیگر از نواب دوم و آسپیرانهای آنها با درجات معین

۱

نایب و وکیلی استخدام و پذیرفته شده ب. ودانیدن عده پس از انحلال پلیس جنوب وارد قشون دولت مرکزی شده بو. د نبد همی ندلیل آیرماشاره کرده است که چون محظورات اولیه برطرف شده، میتوان تعداد این صاحب منصبان را تقلیل داد. ب ه عبارتی دس تصاحبمنصبان پلیس جنوب که وارد قشون مرکزی ایران شده بودند، در کشت و کشتار عملیات شلیل به خوبی دیده میش د.

علت چیست؟ اگر بتوان می به حداقل برخی از اسناد بریتانیاییها اعتماد کنیم، از جمله اقدامات قوام این بود که بدون اطلاع بری تادنیر تایرماه ۱۳۰۱ نیروئی برای سرکوب خزعل گسیل داش. تلورین از اینکه قوام به او حيله زده و ابتدا قول داده به خزعل حمله نخواهد کرد ولی در هیأت دولت خود گفته انگلستان با حمله به خزعل مخالفتی

۲

ندارد، برآشف ت. ب ه واقع انگلیسمیخواس ت با تحمیل ماجراهائی مثل ش لیضرب شستی به قوا منشان ده. د با این وصف تردیدی جدی در این نکته وجود دارد که قوام خواسته باشد از طریق نظامی مسئله خزعل را رفع و رجوع ن. مایشدای د انگلیسیها لشکرکشی رضاخان را ابتکاری دانسته بودند از ناحیه، ق ب واه مهمین دلیل در صدد

ضربه وارد آوردن بر او برآمدن د.

ی او رص ادقخان « ، پس از نبرد شلی لطبق گزارشهای رئیس ارکان حربلشگر جنوب
ددر یکی از مناطق بین راه « ک هبرای موضو عجمع آوری قوای عربساتن اعزام گردیده بو
ب انایب سرهنگ حسین آقرائیس قسمت و نف را ت ت صاد ف[نم وده]، دو روز در آنج ا «
ب ی هش ه رمع اود ت « متوقف ، نفرات متواری را جمع و دیشب ساعت ۱۲ با عده اعزام
نمودند . عده مجروحین عبارت بود از یک نایب سوم، یک اسپیران، چهار معین نایب، سه
و سرجوخه و وکیل « در جامع راپورت باشد، قسمت آن تلفات عده

تقریبا هشتاد [تن] می

ارک مب حضور عینا قسمت آن تلفات و ضایعات و مصادمه وضع و قضیه اصل خصوص
، اسناد وزارت جنگ (۱۳۰۱) اسفند (حوت ۵ ، رضاخان جنوب به احتمالا لشگر رئیس . ۱

.Lorraine to Curzon, Tehran, ۲۱ May ۱۹۲۳, FO. ۳۷۱/۹۰۲۴.۲

ص: ۱۹۱

یاور صاد قحان برای تفتیش نظامیان عاده یرا هم میخواست به سوی « . تقدیم می گردد

ول ی چون کلیه گردننها را بختیارها بسته بودند ممک نن شد هاس تبه « ، دهکرد بفرستد

۱ . « . طور یقین کلیه اثاثیه و اسلحه قوای عربستان نزد خوانین بختیاری میباشد

گرچه نیروهای سابق پلیس جنوب در ماجرای نبرد شلیل مذنون به شمار می فرت ند ،

اما شاید طرفداران سردارظفر هم به نوعی در آن ماجرا دخیل بوده باشن . م یددانی م

سردار ظفر میانهای با رضاخان نداشت، کمااینکه طبق گزارشهای واصله

امیرحسین خان فرزند او در منزل امیرجنگک شروع به تشکیل مجامعی علیه رضاخان

۲

کرده بود که البته این اقدامات تحتنظر قرار داشت .

۲ . اختلاف افکنی بین عشایر

رضاخان بع د از این اقدامات، شروع به تهدید عشایر بختریای کرد . اما اینها هیچ

چیزی بیش از تبلیغات نب . واندگلیس هیچ اهمیتی نه به امنیت ایرام ینداد و نه ب ه

خونهای بیگناهی که هر روز بر زمین ری مخت یهش د . د رهمین راستا تلاش میکرد دولت

مرکزی را بار دیگر واژگون . سبرایز تادنیا برای ح افظت از منابع نفتی خود د ر

خوزستان، هنوز نیروئی را در ایران نگه داشته . باو زآدن سویرضاخان قول داد نیروئی

۳

س ههزار نفری به خوزست انعزام کند تا منافع بریت انریا در حوزههای ن فتی پاس دار د .

همزمان جلو چشم انگلیسیها، او سران بختیاری را که در تهران اقامت داشتند، نظر تحت

۴

گرفت. اکنون او میتواند با کوچکترین بهانه‌ای آنها را نابود سازد. ارکان حرب لشکر جنوب از مقامات نظامی در تهران خواست صامسصلامط نه و سردار جنگ را با نقش‌های یکه به‌بختیاریها در نظر دارند انجام «تصور می‌رود» تحت نظر بگیرند. زیرا بدین «، دهند، بارتباط نباشند. طبق این گزارش احتمال دارد اینان از تهران خارج شوند لحاظ معروض گردید که در صورت امکان عملیات ایشان را نظرتار داده و

همزمان دستور داده شد صاحب منصبانی که در شلیل شکست خورده‌اند «مراقب شوند

۱. رئیس ارکان حرب لشکر جنوب به رضاخان، ۱۶ اسد (مرداد) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ.

۲. رئیس ارکان حرب لشکر جنوب به رئیس ارکان حرب کل قشون، ۱۴ اسد (مرداد) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ.

.Korenfeld to Secretary of State, No. ۶۲, ۸۹۱.۰۰/۱۲۳۰, August ۲۰/۱۹۲۲.۳

.Telegram of US Military Attaché to DS, No. ۱۹۵, ۸۹۱.۲۰/۴۴, May ۱۳/۱۹۲۳.۴

۵. رئیس ارکان حرب لشکر جنوب به رئیس ارکان حرب کل قشون، ۱۹ اسد (مرداد) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ.

۱

خلع درجه و محبوس کردن د. قرار بود اینان به زودی محاکمه شوطنبد ق مضمون اسناد وزارت جن ، گک تعقیب و مراقبت از صمالصا سلمط ن ه د ر دوره ریاست وزرائی رضاخان ادامه یافت و گزارش ملاقاتهای او به سردار سپه اطلاع داده میشود. ۲ تیم اطلاعاتی ویژه ای ک ه در این زمان تشکیل شده بود، نه تنها کسانی مثل خانهای بختیاری و یا سیاستمدارانی مثل مدر و س دیگران را تحت اقمبرت قرار داده بودند، بلکه از

۳

ملاقاتهای ولیعهد هم گزارش ته یمه یکردن د. همچنین سفارتخانه های مهم از جمل ه شوروی، آلمان، انگلیس آو آمریکا را زیر پوشش اطلاعاتی خود قرار داده و از ارتباط ه و رفتو آمدها به این سفار ختانه ها کسب اطلاع مینمودند.سفیر شوری البته بیش از

۴

همه تحت عملیات تعقیب و مراقبت قرار داش بر تخی مد یران جراید و روحانیانی مثل میرزا هاشم آشتیانی و شیخ حسین لنکران بیه صورت مداوم تحت ب

نظر بودن د ؛ ه

۵ هنگامی که بعدا در «. میرزا هاشم که بعضی زمزمههای مخالف از او اصغ ام یشود » ویژه

اسفند سال ۱۳۰۲ شب نامههای شدیداللحنی علیه رضا خاو نکارهای او در تهران

منتشر شد، مفتشان مخفی کلیه کسانی را که سابقه نا شمهن بویسی داشتند، تحت مراقبت

شد گزارش جمله از دادند، قرار « و مربوط رآ ی اخ هاشم میرزا با که لنکرانی حسین شیخ

سابقه اینگونه اعمال را دارد « ،
شدیداً تحت مراقبت واقع است .

در کنار این عملیات، اقدامات مهم دیگری هم انجام گرفت. امی ترمفخم با سردار محتشم اختلاف پیدا کرد. دمرتضی قلی خان بختیاری شروع کرد به نطق کردن علیه سایر خوانین. برخی خانوادهها از همکاری با خوانین بزرگکنارهگیری کرده و وارد قشون رضاخان شدند .

همزمان بین بختیارها و قشائها اختلافات بیشتری برانگیخته گردید، ورود و

خروج اشخاص و اشیاء مضمون از چهار طرف محل اسکان بختیارها شدت . امیافت

۱. وزیر جنگ و فرمانده کل قشون به رئیس ارکان حرب لشکر جنوب، ۲۲ برج اسد (مرداد) ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت جنگ .

۲. برای نمونه نک: گزارش مفتش مخفی، ۱۸ برج قوس (آذر) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ.

۳

مثلاً گزارش مفتش مخفی در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

۴. همان .

۵. راپرت، گزارش مأمور مخفی امنیتی، مورخه ۱۷ برج دلو (بهمن) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ، اصغا میشود

یعنی شنیده میشود .

۶. همان .

سردار ظفر، سردار اشجع، امیرمجاهد و سردار فات همچنان به مخالفت با رضاخان مخرب بودن این سه نفر همیشه در «ادامه دادند و نطقهای مهیجی ایراد نمودند. از توسط مأمورین مخفی رضاخان گزارش شد. دبه زودی بین محل بیلاق و «بختیاری قشلاق قبایل بختیاری قتل و غارت شروع شد. عده ای از آنان روی به سوی خزرعل آوردند. برخی از آنان تلاش کردند ایلات کهگیلرا و بیبه مخالفت با قشون رضاخان

۱

تشویق نمایند و خلاصه عملیات ریز و درشت فراوانی در این زمان صورت گرفت. در این بین جعفرقلری خان سردار اسعد ضمن ارسال تلگم برای قوام و رضاخان ابراز تأسف کرد و ابراز امیدواری «از این اتفاق فجع که در خاک بختی اوراق شده» و سردار اسعد مأموریت داشت وارد «خوانین موفق به رفع این سوء تفاهم شد» نمود که منطق بختیاری شود و از کم و کیف ماجرا تحقیقاتی به عمل در آیاورندراستا با امیرجنگ ملاقات کرد تا مطالب او را به اطلاع مقامات دولت برسد. رسهمانچدنی ن اجازه آگ ر هم امر میفرمائید بدون ملاقات «خواست با خوانین ملاقات کند و توضیح داد ۲ رضاخان به سردار اسعد که هنوز «خوانین طرف طهران حرکت کنم اطاعت ننمایم» خطاب می کرد، نوشت که «جناب مستطاب اجل اکرم آقای سردار اسعد دام اقبال» او را این جانب کاملاً موافقم که جنابعالی برای تحقیق این فجایع به بختیاری رفته پس از «

آن به طرف طهران حرکت نمائید، تصمور یکم حضرت آقای رئیس الوزرا هم به این عقیده مخالف نباشن، در هر صورت اینجانب با ملاحظه مذاکره میکنم که از طرف

۳. «ایشان هم زودتر به جناب مستطاب عالی خبر برسد

سردار اسعد روز ۲۶ شهریور ماه به سوی خاک بختیاری حرکت. ک بر عدد از دو شب

توق ف و ملاقات با سران قبایل و عشایر به اب صافزهگانشت و به رضاخا ناطلاع داد

حرکت خواهد کرد. تازه این زمان بود که رضابخاهنخ ط « شرفیابی » عنقری ب برای

د ا د ح ی ض و ت و ت ش و ن قوام به خطاب ای نامه خود « ص و ص خ ر د اسعد ر ا د ر س سَابقا

حرکت ت به بختیاری استجازه حاصل کرده بود جواب داده شد که اگر برای تحقیقات

اطلاع را خود حرکت بروید مانعی نیست اکنون در جواب آن تلگراف راپورتا بخواید

۱. خلاصه اطلاعات مفتش مخفی از بختیارها، بیتا، اسناد وزارت جنگ .

۲. سردار اسعد به قوام و رضاخان، تلگراف، ۱۹ سنبله (شهریور) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

۳. رضاخان به سردار اسعد، ۲۲ سنبله ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

گردد می تقدیم داده است که برای مزید استحضار خاطر مبارک سواد آن تلواً. « قوام ۱
جواب رضاخان را خیلی دیر یعنی حدود دوازده روز بعد. تازده در این پاسخ نوشت
از مأموریت سردار اسعد مطلع بوده و از طرف او هم دستورالعملهایی به سردار داده

۲

شده است.

. شد می انجام رضاخان کارگزاری و بریتانیا دست به انگیزیهها عمدتاً فتنه این

انگلیسیها نمیتوانستن در برای زمانی طولانی رشوه دهند و هزینههای کلان تحرکات

نظامی را متقبل شوند تا به اهداف خود نائل آیند؛ پس سیاست اتفکرنقهی را باید با

قوت و شدت ادامه میدادند، در این راستا بین قوام و وزیر جنگش هم آتش کینه را

مشتمل ساختن در. بعد از این شکست قوای رضاخان در شلی، لورین اینگونه وانمود کرد

که هگویا این قوای السلطن ب ه وده که اخبار مرم حانه کشور را به او رسانیده است. درت

جلسه ای سه نفری که بین لورین، قوام و رضاخان برگزار شد، رئیساً لوزرا تکذیب کرد

که هیچیزی در مورد لشگرکشی رضاخان به جنوب به لورین گفته باش. در او ناراحت

جلسه را ترک کرد. در لورین در صدد برآمد از این موقعیت استفاده کند و قوام را م

براندازد. او گزارش داد بعد از ماجرای شلی یقولامدر تلاش است تا رضاخان کنار

گذارد، اما قادر به این کار سنی است. قوام منتظر فرصت بود تا در لحظی مناسب ضربه

خود را به رضاخان وارد آورد. در این بین لورین از قوامواهمه داشت؛ زیرا او مردی

بود زیرک و از تحرکات نهانی وزیرمختار آگاهی داشت. ت به نظر لورین در سرتاسر رفتار

سیاسی قوام رگه ایسماجت وجود دارد که باعث صعود او به مقامات بالای کشوری

۴

گردیده است.

ظاهراً هک شلیل عملیات از اصفهان دمکرات سوسیال حزب زمان این در درست

توسط بختیاریه صورت گرفته بود، ابراز تنفر کرد. رضاخان به رئیس ارکان حرب

تلگراف اظهار تنفر حزب سوسیال دمکرات را از بختیاریه دیدم، « لشکر جنوب نوشت

۵ چندی بعد « به شما ام ر می ده مافکار عامه را در اصفه بارن ضد بختیاری تهییج نمائی . د

۱. رضاخان به قوامالسلطنه، ۳۱ سنبله (شهریور) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

۲. قوام به رضاخان، ۱۱ میزان (مهر) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

۳. Loraine to Curzon, September ۲۰/ ۱۹۲۲, FO. ۴۱۶/۷۱.

۴. Loraine to Curzon, September ۲۱/۱۹۲۲, FO. ۳۷۱/۷۸۱.

انگلیس و دولت دوم قوام

۵. رضاخان به رئیس ارکان حرب لشکر جنوب، ۲۳ برج اسد (مرداد) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۱۹۵

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

رضاخان بار دیگر لورین را ملاقات کرد. در این ملاقات او گفت هنوز مشغول تحقیق

است تا دریابد چه کسی مسبب حمله به ستونی بوده است که عازم جنوب. او بود

توضیح داد تا این تحقیقات به نتیجه نرسد، علیه بختیارها وارد عمل نخواهد شد.

این ملاقات رضاخانگفت هیچ خصومت شخصی با شیخ ن خدا زرعدلو با او

۱

بیطرفانه رفتار خواهد کرد. شش ماه بعد وقتی رضاخانگفت به این نتیجه رسیده

است که بختیارها در حمله علیه اند و

ستون اعزامی به جنوب دخالت داشت، م یخواهد

علیه آنها لشکر کشی کند، لورین ضمن حمایت از این اقدام گزارش داد منافع عمده

۲

بریتانیا ایجاب میکند که با سردار سپه متحد شوند.

رضاخان برای اینکه زهرچشمی هم از مقامات دولتی مقیم اصفهان بصفه‌ها براند، متوسل

شد به گزارشهای راپورن تويسان قشون. به طور مثال مفتش مخفی گزارشی نوشت

علیه جلاءالسلطنه نایبالحکومه اصفهان و یاور احمدعلیخان رئیس نظامی ه.

نایبالحکومه متهم شد که با هماهنگی رئیس نظمی و معاون او، اطلاعاتی از قشون

کشف می‌کند و این دو شبها در عمارت حکومتی محرمانه با هم گفتگو میکنند. از این

بالا تر جلاءالسلطنه اغلب گزارشها را برای خوانین ختبیاری مینویسد و با قاصد به

طرف چهارمحال ارسال میکند. دیگر اینکه جلاءالسلطنه متهم شد که واسطه بین

خوانین ناراضی بختیاری مثل سردار اشجع با کنسولگری بریتانیا بوده است؛ یعنی اینکه

مکاتبات این دو را به همدیگر می‌رساند. از دیگر اتهامات جلاءالسلطین به بوکده

«ی‌ار ب‌دی اب‌گتما که نموده تأکید آنها به [و] خواسته را اصناف رؤسای عمومروضهخوانی چهل ستون دسته راه انداخته همه روزه بیاید به چهل، ایست نوهنم ی‌ک

۳. سیاستی میباشد

از قرار اطلاعات واصله شما م‌شغول: «ی‌کفته بعد رضاخان به جلاءالسلطنه‌نوشت

اقدامات ی‌هستید که برخلاف مصالح مملکت است، در صورتک مع‌یملیات خود را متروک

». نمائی د از اعدام شما صرن‌فظ رنخواهم نمود

رای ب‌ست‌ان ی‌دم‌۲ حتم‌ه‌ک‌ه جلاءالسلطن ۴

.Lorraine to Curzon, October ۱۱/۱۹۲۲, FO. ۴۱۶/۷۱.۱

I think our major interests indicate an alliance with Sardar Sepah, Lorraine to Curzon, ۲

April ۲/۱۹۲۳, FO

.۴۱۶/۷۲

۵ شهریور ۱۳۰۱ [، اسناد وزارت جنگ . ۳. راپورت مفتش مخفی، ۴ محرم ۱۳۴۱

۴. رضاخان به جلاءالسلطنه، ۱۳ سنبله (شهریور) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۱۹۶

رضاخان کشتن او هیچ کاری ندارد، شروع کرد به ارسال م هتالنگ ی راکه از اتهام ات وارده « تق صیرکار » ی خود سوگند یاد کرد که خ وی ش را « ب هشرافت نظام » برای ت حاصل کن . د او بحمدالله « ارست. او در ادام،هنوش ت « ب اکمال افتخار برای محاکمه حاض » امیدان د و خاطر مبارک خوب مستحضر است این مملکت مای لب هاش خا صفع النی س ت و هر چاک ر با کمال بیطرف ی مشغول کارم، برای اینک ه « د. سپس توضیح داد « کارکن ی دشمن دار خاطر مبارک را از خود مطمئن دارم... استدعا می کن مچنانچ هام م ریفرمائی داز س م ت کرد خواهم حرکت فوراً فرمایند مقرر که کجا هر و داده استعفا معاونت . « د بع روز چهار ا بایستی برائت ذمه خود را نزد « رضاخان وصول تلگرام او را اعلام ک، را دما پاسخ داد د ۲ رضاخان برای جبران شکست خود در مقابل ی ک ستون «. امیرلشگر جنوب حاصل نمائی نظام ی از قوه عشایری، باید وجهه خویش را حفظ کرم د وی بای دب هه رروی ک س ی را مقصر جلوه می داد تا هیبت قشونش را حفظ کن د.

فروگرفتن اقبالالسلطنه و سردار مقتدر طالشی

سیاست تهدید و تطمی، عمدتاً به عشایری بختیاری نبود بلکه یکی از نمونههای جباریت رضاخان را در برخورد با اقبالالسلطنه ماکوی ی و برخی دیگر از سران قبایل و عشایر م یتوان جس ت؛ کسانی ک هخدمات فراوانی به کشور نموده بودند و از آنان خیانت ی علیه مصالح ملی ایران مشاهده نشده ب . وادقبال السلطنه حتی در گزارشهای وزارت جنگ مردی وطن دوست معرفی شده که امنیت مرزهای شمال غرب کشور را حفظ م یکر د. او آنقدر مورد اعتماد بود که عبداللهخا نظماسب ی خطاب ب ه وی تلگراف د. اما در عین حال از « د رصورت احتیاج به نظام، ا یطلاع دهد تا اعزام شو » می کرد

اقبالالسلطنه م یخواستند نیروهایش را تشویق به ورود به ارتش رضانخما این د. ب اینکه

اوس یاست خلع سلاح رضاخان را عملی ساخت، اما به گزارش طهماسب ی:

از دادن مسلسل‌های خود و خوانین طوایف نهایت ه السلطن اقبال

باطنا دلتنگ و البته

این مسائل ب رخلاف میل و آرزوی مشارالیه است، گرچه فدوی در تمام مکاتبات و

تلگرافات ب ه طرز خیلی مهربانی و همیشه مرحمت‌های حضرت اشرف دامت عظمته

۱. جلاءالسلطنه به رضاخان، ۱۴ سنبله (شهریور) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

۲. رضاخان به جلاءالسلطنه، ۱۸ سنبله (شهریور) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۱۹۷

۱۹۸ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

را ابلاغ نموده، با این ترتیب خوشدل نیست ولی برعکس، خوانین ضد مشارالیه

عموما اظهار اطاعت و سپردن آنها را جهت دخول در خدمت نظام درخواست

۱

نموده عنقریب خواهند فرستا د.

اواخر سال ۱۳۰۱ رضاخان عزم خود را جزم کرد تا اقبال السلطنه را از میان بردارد.

اما هیچ بهانه‌ای برای این کار وجود نداشت. تا قبل از سلطنت ه ن ه حرکتی علیه دولت مرکزی

نموده بود و نه کسی می‌توانست او را منتسب به سیاسی‌تخارجی نماید. داماد تلگرامهای

ساخت مهیا او با برخورد برای زمین، متناقض شدت به و ته و سرببی

مثلا یاور

معنی ا نسلطنه فرمانده نظامی خوی گزارش داد:

از ق راری که راپورت رسیده و تحقیق نموده نماینده بالشویکها در ماکو به اکراد و

اهالی خیلی پول میدهند و با خوانین ماکو زیاد معاشرت دارند و یک اندازه جلب

قلوب نموده است. نماینده انگلیسیها که در ماکو مدیرالتجار نام [دار] د چند روز

است عوض شده و مأمور ارومی شده، عیال مدیرالتجار یکی از بستگان

۲

اقبال السلطنه است و خود مدیرالتجار تبریزی است.

اولا کند، اثبات خواهد می را مطلبی چه گزارش این نویسنده نیست علوم م حقیقتا

اگر نماینده بالشویکها در ماکو به اکراد کمک کرده، ای ن مسئله چه ربطی به

ماکو در انگلیسیه نماینده التجار مدیر اینکۀ ثانیاً . بود ترک کہ است داشته ه السلطن اقبال

بوده و همسر او از بستگان اقبالا لسلطنه، اثباتکننده چه چیزی است؟ آیا اقبالا لسلط نه

تبریزی مدیرالتجار اینکۀ به اشارۀ ثالثاً انگلیسیها؟ برای یا کرد می کار بلشویکها برای

است برای چه صورت گرفتاس ت. آیا به صرف آذری بودمنیتوان او را همسو با

اقبالا لسلطنه ایدانست که در طول تاریخ حیات خود کوچکترین قدمی علیه منافع و

مصالح کشور بر نداشته بود؟ از آن سوی عبدالله طهماسبی گزارش م یا دد به رئیس

مأموران ماکو سپرده است به هر وسیله ممکن مانع از تبلیغات روسها و عثمانیها شوند،

با اقبالا لسلطنه ه راه مدارا در پیش گیرند و در نهایت اینکۀ شخص او، نامبرده را امیدوار

۳

نموده و در عی ن حال تحت نظر گرفته اس ت. چنین به نظر می رس د که عبدالله طهماسبی

۱. طهماسبی به رضاخان، ۱۱ برج دلو (بهمن) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

۲. راپورت یاور معینالسلطنه فرمانده نظامی خوی، ۲۱ قوس (آذر) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

۳. طهماسبی به رضاخان، زمستان ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۱۹۸

تلاش داشته تا بین رضاخا و اقبال لسلطنه کدورتی عظیم ایجاد کن، بده نحوی که غیرقابل ترمیم باش. د بیهوده نیست رئیس ارکان حرب کل قشون خطاب به او نوشت قولی که بندگان حضرت اشرف در مساعدت و همراهی با االسقلاطن ل ده اده ان د مان ع « ۱. « تعقیب مشارالیه بوده و بر علیه او نمیتوان اقدامی کرد

اقبال السلطنه ب ادولت مرکزی همراه می کرد؛ از جمله اینکه هاو در هم ی نای ام یک ه طهماسبی برایش پروند همی ساخت تا بر ثروت عظیم وی دس تاندازد، خب م ریداد در ک ی ک این تند، داش نمی نگه محافظ شش تا پنج از بیش روسها سابقا که مرزی مهم نقاط عده دویست نفری وارد نمودند و می خواهن د دویست نفر دیگر هم به آنها اضافه ن. مایند اقبال السلطنه ته قاضا می کن د که یک عده از قوای خود [ر]ا د ر آن سرحد مأمور « بالات ر اینکه نمای د ولی ایالت نظامی مراسله به فدوی نوشته و تقاضا کرده است که قوای نظامی ب ه آن مبلغ ی از بابت مالیات خود در ح ساب « دیگر اینکه اقبال لسلطنه ب ه ای د « حدود اعزام شون . د نظریات ایالت نظامی را فدوی ت صدی ق دارم ولی « طهماسبی نوشت. « دولت منظور نماید از طرف دیگر به عقیده فدوی اعزام عده نظامی به آن حدود اسباب اضطراب و ت شوی ش اقبال السلطنه شده و شاید باعث شکایت مشارالیه به طهران شود با این ح منتظار لاوامر

۲. « آن مقام منیع هستم که هر طور امر مبارک صادر گردد به موقع اجرا گذارم

نوشت پاسخ در رضاخان « ن ای م ا ظ ن ت س در د ا ج دری بدیهی است آن نواحی بایستی ت

باش د ولی در صورتیکه عجلالتا عده ای از چریک اقبال لسلطنه

د، باش لازم حدود آن برای یکصد هصاحب منصب برای اداره کردن آنها اعزام دارید، مخارج آنها هم بایستی به توس ط

۳ ودری ی س « قشون پرداخته شود که از طرف اقبلاسلطنه ب ه رای دولت حساب س ازین . ش

حسب الامر با یک رویه و اسلوب یک هاس باب « ارکان حرب کل قشون هم دستور داد
زحمت فراهم نشود، مقتضی است مأمورین چریک سرحدی م راتک و در یجاتب دی لبه
م فراهم نشده و سرحدات ماکو نیزه السلطن اقبال دلتنگی موجبات که نموده نظامیان . ردلاً

۴

دراواخر دیماه آن س العملی اتمح د سدواخت ناقب ال لسلطنه « دست نظامیان باش . د

۱. رئیس ارکان حرب کل قشون به طهماسبی، زمستان ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .
۲. امیرلشگر شمال غرب به رضاخان، ۲۹ قوس (آذر) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .
۳. رضاخان به عبدالله طهماسبی، ۴ برج جدی (دی) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .
۴. رئیس ارکان حرب کل قشون به امیرلشگر غرب، ۴ برج جدی (دی) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۱۹۹

۲۰۰ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

تکمیل شد. طهماسبی تلگرامی خطاب به او ارسال داشت و در ابتدای امر از فراگیرش در قدرت قشون مرکزی سخن به میان آورد که در کلیه نواحی ای را نپادگ انتاسی سک رده ن سب تبه «اق تبالال سلطنه» در مراتب اطاعت و صداق «است. طبق این تلگرام با م اینکه

دولت و مملکت به هیچ وجه شبهه نبوده و در پی شگانه بن دگانه ضرتاش ر فداست است، اما اینک وضعیت دگرگون شده است. «اظهر من الشمس» این موضوع «عظمته یت ی شخص «خدمات صدقانه آبا و اجدادی و ابراز صمیمیت» طهماسبی از د رضمن خدمتگزاری چندین ساله به «اقبالا لسلطنه» یاد کرد و از امتحاناتی یاد کرد که وداهست. السلطنه با «مملکت و وطن مألوف ابراز فرم

در این نامه که مطابق شأن اقبال و

بحمدالله قشون نیرومند و کلیه نواحی «احترامت مام نوشته شده آمده است امروز ت بنابراین برای تکمیل نواقص آنها از حیث، «آذربایجان مشغول حفاظت و نگهبانی اس ب ه آقایان خوانین محترم ماکو برای تحویل نمودن مسلسل و سایر»، تأمین اسلحه اسلحه های سنگینی را که بلااستفاده در نزد آبناقی مانده و برای قشون امروزه مورد لزوم»، خوانین این طهماسبی نوشته به. داد انجام را لازم تذکرات باید است «عموما منتظر امر و اجازه جنابعالی هستند و همینطور در نزد خود جناب سردار نیز یک عراده توپ کوهستانی و چند قبضه مسلسل ومد واسجت که مورد استعمال نداشته و

است مانده قطعاً ای [گوشه در بلااستفاده. «حال» زادروم رده رده کنی ایاه برظن

مساعدهای مادی و معنوی نسبت به دولت فروگزاری نفرموده و از این راه و از راه

خدمتگزاری مراحم مخصوصه بندگان حضرت اشرف دامت عظمته را نسبت به خود از هر حیث جلب فرموده اید، برای تیا ی د صداقت و صمیمیت خودتان در پیشگاه حقیر، معظم له مقتضی است قدغن فرمائید مسلسلهای مزبور را که طرف احتیاج اداره قشونی اجازه فرمائید که آنها هم « ه و به همین سیاق به خوانین ما کو هم » است تحویل نمود تحویل نمایند و مراحم مخصوصه صبنهدگان حضرت اشرف را بیش از پیش نسبت به خود جلب نموده مساعده تایی و معنوی خود را از این راه تکمیل . فرمائید اینجانب هم چنانچه تاکنون همه قسم فرمایشات جنابعالی را انجام دادم من بعد هم

۱

نمود خواهم مساعدت و همراه گاملا . « وقعت م و جایگاه از نشان ها نامه این لحن

۱. عبدالله طهماسبی به اقبالالسلطنه ماکوئی، ۲۷ جدی (دی) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۲۰۰

اقبال السلطن ده اشت. طهماسب ی دستور داشت سیاست خلع سلاح عشایر تحت فرمان اقبالا لسلطن ه را عملی سازد. بنابراین به هر شکل ممکن باید اینکار ص و مریت گرفت؛ و گرنه با رضاخان سروکار پیدا می کرد. اما شاید اقبال لسلطن ه متوجه نبود نباید به قزاقان اعتماد کرد. آنها که اینک در مقابل او فروتنی پمیشیهکنند، به سادگی عهد می شکنند و میثاقها را زیر پامینهند و هرگاه قدرت فائقه به دست آوردند، به هیچ وعده و تعهدی عمل نخواهند کرد.

اقبالا لسلطن ه که در طول عمر خود هرگز حرکتی علیه تمامیت ارضی و استقلال ایران انجام نداده بود، برای نشان دادن حسن نیت خود کلیه هایس لخرهوی ش را تحویل لشکر شمال غرب داد؛ ن پروهایش را در اختیار قشون گذاشت و ب ه طور کلی همه نوع همکاری را با دولت مرکزی و به طور مشخص شخص رمبضداو خلا نمود؛ غافل از اینکه طهماسب یعامل رضاخان است برای مصادره اموال او و آن نامه های سالوسان ه که همه از سر جبن در برابر قدرت او نوشت هم یشد، هدفی تعقیب می کرد ج ز فروگرفتن این مرزدار رشید که در طول حیات خویش واره امز مرزهای شمال غربی کشور در برابر روسیه و عثمانی دفاع نموده بود.

اما در کنار این تزویر و سالوس، طهما سکیاری خود را می کرد. او رضاخان را علیه اقبالا لسلطن ت ه حریک و تحریض نمود و گزارش م یداد در قبال بحث خلع س، لاح اقبال السلطن پا ه راه ایاشکالتراشیها کرده و صاحبان آنها [یعنی سلاحه] را برای عدم تسلیم تحریکات میکند، ظاهر سازیهای مشارالیه در نظر حضرت والا پوشیده نیست

در این گزارش «. لاینقطع برای عدم پیشرفت امور نظامی مشغول اشترکاشلی است

آمد ه حدود دوماه است به واسطه این اشترکاشلیها کمیسیون خلع سلاح موفق نشده
حتی سیصد اسلحه جم عآور یک ند، علت این است که شخص القباسلطن ه مانع این
اخلاق ظاهر فریبی او در نزد حضرت « قضیه است . در پایان این تلگرام رمز آمده است
والا مبرهن است لیکن برای مزید استحضار خاطر مبارک عمریک ضمن م که وجود
مشارالی ه مانع بزرگی است برای پیشرفت امور نظام ی و منافع دولتی تا رأی مبارک
۱ .» حضرت اشرف چه اقتضاء فرماید

۱ . عبدالله طهماسبی به رئیس ارکان حرب کل قشون، ۲۹ برج قوس (آذر) ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۲۰۱

طهماسبی اهالی را مجبور کرد علیه اقبلاسلطنه ل گرافهای شکایت آمیز ارسال نمایند؛

به این بهانه کسانی هم که به نوعی از او در مجلس حمایت میکردند مثل جوادخان

خوئی و مصدال قملک، تحت تعقیب قرار می گرفتند. امیرلشکر ر غرب پروندههای یعلیه این

در «دوتن که با لقب خائن معرفی شده ب، و تدن شدکیل دا. د علت خیانت آنها این ب و دک ه

د، تلگرام های ی به عن وان «موضوع نفت از مجلس خارج شده بودند که اکث ر حیاتصل نشو

عدم رضایت اهالی ارسال گردید؛ در این تملگه ارا که از سوی اهالی بخب یر منتش ر می شد،

ب هسواب ق سوء این دوتن در مالیه و عدلیه اشاره شده بو. دطهماسبی که در نامه های خود

اقبالا سلطنه را مردی وط دو نست عنوان م نمیود و از خدما تچن دی نس ال ه او و

خاندانش سخن میگفت، خطاب به رضاخان گزارش می داد:

موقعی که فدوی به آن مقام منیع عرض میکردم در مقابل خیانت های چندین ساله

مشارالیه و اسلافش باید کلیه املاک او خالصه شود حضرت اشرف ترحم و

گذشت فرمودند مشارالیه هم از این ترحم و مرحمت سوء استفاده نموده که میرزا

جوادخان خوئی در مجلس به این قبیل فضولیا مبادرت ورزید در هر صورت

اوامر مبارک را

فورا انجام [خواهم داد]. ۱

عین این برخورد با سالاررشی دطالشی صورت گرف. تسالاررشید زمانی که روسها

د ر جنگ اول جهان یوارد شمال کشور شده بودند، توانسته بود دو عراده توپ آنها را به

دست آورد. او این توپها را به قشون داده بود، م ام یاگفتند وی چهار عراده توپ داشته

که دوتای آنها را واگذار کرده و دوتای دیگر را هم تحویل نداده و به افراد حقیقی

دیگری واگذار نموده اس . تعلیقی خان نبیل الدوله ، کار گزار وزارت امور خارجه در

۲

آستارا گزارش داد که ه خود سالار رشید چنین اعترافی نموده اس . تبهم ن سال ۱۳۰۱

نبیلا لدوله گزارش داد راپورتهای مفتش کارگزاری وزارت خارجه از آستارای روسیه

حاکمی است سالار رشید با شورویها مر او ده د. ا رادز اعزام مأمور او را بی ملاقات با

مسئولین روسیه آنهم به صورت قاچاق سخن به میمانآمد و اینکه از قول سالار رشید

موقع برای کار مناسب و چهارصد نفر ایرانی انقلابی متوقف روس « ب ه روسها گفتان هد

۱ . عبدالله طهماسبی به رضاخان، بی تا، اسناد وزارت جنگ .

۲ . نبیلا لدوله به اداره دوم سیاسی وزارت خارجه، بیت ا، اسناد وزارت خارجه، بایگانی مؤسسه مطالعات و

پژوهشهای سیاسی .

ص: ۲۰۲

این «. ر اکه به اتفاق لاهوت، ایحسان الله اخ ن، حاج احمد [کسمائ] ی وعده کرد هاید بدهید

گزارش حاکی بود که برادر سالاررشید به نام احمد در جنگل اقامت دارد و اطرافیان او

شهرت فوق از دسته موافق و مخالف « عده ای ر اغارت کرده اند. نبی لالدول ه گزارش داد

ه ر دو شنیده شده در صورت صحت خیلی مخوف و برای نبودن قشون در برا آ یستارا

در بنده با سالار مراسلات ولی فرمایند مرحمت دستوری مأمورین خطرناک، عاجلا

۱. «[جریان] است

چ اک ر از هف تپ ش ت در « سالاررشید همه این اتهامات را تکذبی می کرد. او نوشت

۲

ه ب ار دین ک ی د ج ن ع ا این سرحد واقع شده، سراغ نیست کسی گفته باشد یک دینار اب

دسالاررشید خدای را شاه د « دولت قوی شوکت صدمه و ب ه ام ر دولت خیانت کرده با . ش

علی ه « همواره در وطن خود خ توای « گرف تکه همیشه ه او و اجدادش تفنگ برداشته

عموم اهالی ولایت مستحضر است در موقع استبداد، [ک]ه روس « خارجیه اجنگیده اند، و

برنردا وشسته ه و « قشون به ایران سوق داده با غیرت دولتخواهی و وطن پرستی قدمی با

داهست؛ ب های ن « قشون سیاسی انگلی سبه آستار آمد با ایشان ضدی تک ر « هنگام ی که

شدا واز تلاش سه سال پیش خود س خ ن «. وجود خارجه در مملکت مقدس نبا « علت که

خبری رسید قشون متجاسرین با قوای کافی به طرف خاک مقدس ای را نعب و ر « گفت که

کرد ه بیرق شیروخورشید دولتی که نشانه چندین ارهسزال ه ایران است سرنگون، همه لوای

۳

سرخ خودشان ر ابلند کرده اند؛ از سبب دولتخواهی و آسایش مملکت مقدس بدنم آتش

کو ربنده قوای متجاسرین حمل ه ب رده « گرفت ه قوای خود را در خدمه نظامی دولت جمع
دسادلاررش ی دتوض ی ح داد در ». متعدد جوانان در راه دولت و ملت قربان « و نیروهای او
از وجود متجاوزین تهی « خاک مقدس » اثار این تلاشها قوای مزبور از ایران خارج شدند و
م ه ا ب متعاقب شد « ای ه شه ق ن و ستاده ای رین متجاسرین ک ان بنی سیل مقابل در تمام دوسال
سیاسی به موجب دفتر خودشان شش هزار نفر قشون روس متجاسرین را تل فک م ورد
... رحدس در را چاکر قوای [اما] ؛ عموماً بودند آستارا مقیم دولتی رؤسای [او] دوائر تمامی
آنزحمات و خسارت و فداکاری چاکر برای چ ه « سالاررشید پرسید « تنه ا گذاشته رفتن . د
۱ . تلگراف رمز نیلالدوله به اداره دوم سیاسی وزارت امور خارجه، ۴ دلو (بهمن) ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت جنگ.

۲ . عن جد ابا .

۳ . یعنی به دلیل .

ص: ۲۰۳

برای این ب و..د. د رزی رس ای ها ولی ا ی معظ مدول بتوانی ت م « خود ش پاسخ داد [؟] بود
حالا یأس حاصل است، آن قدر زحمات و فداکاریج ان « ماما ». زندگانی را تأمین نمائی
نثار را در حضور مأموری ندولت، ه د راس ت ؛خ زاری د[مت]وگک دولتخواهی رای اغی
تشریف آورده و با بصیرت « انوشته مشاورالممال کومنشورالملک ». حساب می فرمایند
پیشنهاد « تام ه خودشان اقدامات چاکر را تمجید و تحسین فرموده به دولت ش قوکی ت
دادن د او را مورد تقدیر قرار دهند و خودشان هم اقداماتش را تأیید و تصدیق کردن . ام اد
متأسفانه دولتخواهی و و ط پ نرستی چاکر یاغیگری محسوب شد و علت نرم ایدان م ، «
وام رده ک ه علی ت دول به را خلاف کدام اد نمایم معلوم نیست سهوا یا عم می کرف هرچه
کدام خسارت را به مأمورین نظامی و غیره وارد انمم. ف وقدهط خیانت بنده آن است د و
عزاده مسلسل و اغنام را از اقبایلزوال دولت علیه و جوان انقرب ان داده از متجاسرین
رانم وده « غنیمت آورده و نگهداری کرده و دوماه قبل آنها [ر]ا تحوی ل رئیس ساخلو آستا
مأمور تی ن و « و این را به مقامات عالیله مبه صور تلگراف یاط لاع داده اس . اما
چ اک ر « ائجلوه د ادهان د . سالاررش ی ددر پایان نوشت « مغرضی ن جمع شده و خادم راخ
کارخان ه فشن گ ندارم از خود ته ینهمی نمای م. در موقع انقلاب منزل عمومی نظامیان دولت
تأمین شده ما را از یاغیان محسوب « تدارای شرایط « بنده منزل بود، حالا تمامی ممل ک
میدارند ، انصاف اولیای دولت چطور اج امزه ی ده ددر عوض و مقابل فداکاری چندس ال ه

« در موقع امنیت ایران دست عیال و اطفال خودمان را گرفته بخاک خارجه پناهنده شوم

ب هاینها باید افزود عملیات فروگرفتن امیرم وی سدوادکوهی را؛ رضاخان فرزندان

را دائما مورد آزار و اذیت قرار میداد، بدون اینکه دلیل آن روشن باش د .به

سیف الله خان، ی کی از فرزندان او « حسب الامر مبارک » طور مثال روز ۲۵ مهرماه ۱۳۰۱

دستگیر گردی د. حدود یک ماه بعد از این بازداشت، سیف الله خان سه حکم از رضاخان

نشان داد که طبق آنها به وی و برادرش سیف الملک و پدرشان امیرمؤی دتأمین داده شده

بود . تاری خ این احکام هفدهم آبانماه بود، یعنی بیست و دو روز بعد از اینکه رضاخان

دستور بازداشت اعضای این خانواده هرا صادر نمودهبو د. این احکام، حکم سابق مبنی

ب ر دستگیری فرزند امیرمؤی درا باطلمیکرد ، بنابراین ناچار شدند او را آزاد .ک اننماد باز

۱ .مکتوب رشید طالشی به آقای نیلالدوله کار گزار آستارا، بی تا، اسناد وزارت امور خارجه، بایگانی مؤسسه

مطالعات و پژوهشهای سیاسی .

گردد، «مرات ب را به عرض رساند که هر طور امر و مقرر فرمایند اطاعت» ه م نوشته شد

۱

یعنی اگر رضاخان دستور م یا دد باز هم او را دستگیر میکردن د.

بع د از این جریانها رضاخ ادنو پسر امیرمؤی را د وارد قشون جدید ک. ای ردن دو

جوان دو سال بع، د زمان ی که رضاخان به ریاست وزرائی رسیده بود، قربانی تکنوهزی

او شدند . روایتها در مورد نحوه کشت ه شدن این دو جوان متفاوت ام سا ته؛رچه

هست ، سربازان به دستور فرمانده پادگان گر گکاهن آنها در آنجا خدم م تیکردند ب ه

کشته « سويشان تيراندازی کردند و این دو جوان را ک. یشتن ک دروایت این است که

« شدن آنها حکیم فرموده و بواسطه طمع سردا رسپه در ملک و مال امیرم ؤبیوده اس . ت

ب ههر حال بعد از کشته شدن پسران، امی رمکؤیه دپیر شده بود و در تهران زندگی

۲. « ر اثر شنیدن این واقعه نیمه دیوانه شده، بدرود زندگی میگوید » میکرد، ب

بنیاد خود کامگی در اغلب کشورهای شرقی مبتنی است بر زمین و به عبارت ، بهتر

ساختار دولت از طریق کلان مالکی قابل توصیف ا. سرضاخان برای فراهم آوردن

بسترهای خود کامگی خویش و البته تداوم آن، نیازمند آن بود تا اراضی وسیع کشور را

ب ه تملک درآور د. اما مسئله این است که این زمینها در دست کسانی بود که نسل اندر

نسل مالکیت خویش را بر آنها اعمال نموده بودن. درضاخان کوشید این زمینداران را از

میان بردار د . این مهم از چند طریق قابل اجرا : بنوخذست اینکه ملاکین را شکار کند و

دارای یهای آنان را به یغما ب؛ رددیگر اینکه آنها را وادار سازد تا زمینهای خویش را ارزان

نابود را ملاکین فرزندان او راستا این در . دهند کش پیش ت رجیحا و فروشند او به

می کرد تا هم مانعی جدی را از رساه بردارد و هم به قول دولاب تادی پدران آنها را

دق مرگ کند یا به خودکشی وادا ر. درضاخان، دو پسر اسماعیلخان امیر مؤید

اهن آه ان گ دش ن م و ل ع م م ه اصلا و آورد قتل به محاکمه بدون مازندران در رای سوادکوه

چ هبوده است؟ عشایر شاهس وون خلخالهم به همین شیوه نابودش؛ دندؤسای آنها

غارت گردیدند؛ خاندانهای قدیمی یکی بعد از دیگری نابود شدند؛ هزاران قتل بدون

اثبات جرم و گناه صورت گرفت؛ و ت به این شکل حکومتی شکل گرفت که نه با

معیارهای حکومت آن روز جهان انطباق داشت و س نابقهه ای در تاریخ ایران زمین

۱. غلامحسین سالارنظام، کفیل ارکان حرب لشگر مرکز به رضاخان، ۲۶ عقرب (آبان) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

۲. شرح زندگانی من، ج ۳، ص ۳۴۴

ص: ۲۰۵

میتوانست داشته باش. د سردا رسپه به سادگی توانست خرده مالکین و خوانین کوچک

را از سر راه بردار د. اما مهمترین برنامه او در مازندران دستاندازی به املاک

محمودلیخان تنکابنی بود. او بالاخره هم توانست املاک وسیع او را مصادره کن. د

سپهسالار و فرزندش جان خود را بر سر این انددسازی تا گذاشتن تد. آخر الامر هم

رضاخان مالک نو رو کجور و تنکاب نشد و حتی نام تنکا بران به شهنش ت واغرییر د.د

قسمتی از مازندران ه ک او به شمار می فرت، رودهن بود که رضاخا آنن

ک مهم ترین املا

۱

ر ا به تهران مرکز عملیات خود منضم سا.خ ب ت ر این اساس بعدها در مجلس دوازدهم

ب هدستور او لایحاهی ب ه مجلس برده شد که مطابق مآن یشد املاک وقفی را هم ب ه

۲

فروش رسانی د. از آن سوی با سردار مع بزز جنوردی در آویخت، او را کشت و اموالش

ر ادر شمال خراسنا از آن خود ساخ. تد ر این راستا جان محمدخ ادنولو امیرلشکر او

در خراسان زمینه ها ینابودی سردار معز زرا فراهم ساخ. ت ب ههمی نشکل اقبا لالسلطنه

ماکوئی در شمال غربی ایران فرو گرفته شد، این بار عبداللهخان امیرطهماسبی به نیابت از

رضاخان بخشهای بزرگی از اموال ماکوئی را مصادره کرد و بر آنها دست انداخت.

مخبرالسلطنه هدایت ک ه شش سال نخست وزیر رضاشاه بود، نوشته اس ک ته در

تبریز از مکت نقدی و جنسی القبا سلطن ه حکایت ه شنیده بو. د وی مردی بود محتشم

ک ه وقتی ناصر الدینشاه میخواست ت به روسی هرود، میهماندار شاه بود. غلبه رضاخان ب ر

مدرس خواست راجع به اموال». چینی ن مردی باعث شد تا خزانه وزارت جنآباد گک شود

اقبالا لسلطن اه ستیضاح کند جنجال داخل و خارج مجلس مجال نداد و کسی نپرسید

۳ این استیضاح تاریخی قرار بود مدت‌ها بعد در روز بیست و هفتم «. خزانه ماکو، کو

مردادماه سال ۱۳۰۳ صورت گیرد، لیکن به دلیل جبن و ترس حاکم بر تهران آن روز و

نیز به دلیل حمایت اکثریت مجلس پنجم از رض، ای خانن کار صورت نگرفت. ت تروتی

ا و از»، ک هدر دست اقباللسلطن ه قرار داشت، در طول سیصدس اجلم عآوری شده بود

سرحداران وفادار و قدیمی ایران و هیچوقت نسبت به دولت مرکزی وفائبی نکرده

بود و هنگامی که به وسیله عبدا خالله ن طهماسی و به امر سردا رسپه به تبری ازحضار

۲۶۱-۱. حیات یحیی، ج ۴، صص ۲۶۲

۵۲-۲. تاریخ بیست ساله ایران، ج ۸، صص ۵۳

۳. مهدیقلی هدایت: خاطرات و خطرات، (تهران: زوار، ۱۳۷۵)، ص ۳۶۱

ص: ۲۰۶

شد، بی درنگ اطاعت کرد و پس از آمدن اعدام شد و ثروت او که از عهد نادرشاه دست نخورده بود، یکسره ضبط شد و خانانوا شد همقرض و هرچه ادشتن د تصرف و به مرکز فرستاده شد، و از آن ثروت دیناری به خزانه دولت تحویل داده نشد و معلوم نشد

۱ «! گناه او چه بود و مایملک او چه شد

حسین مکی ، از دارائیهای اقبال لسلطنه، سردار معزز بجنوردی، صولتا لدوله سردار عشایر، شیخ خزاع لو دیگران روایتی غریب به دست داده . اسطبتق این روایت اشیای گرانبها یا ین عده که بالغ بر هشتاود چند صندوق م یشد، به هنگام تبعید رضاشباهه بندرعباس منتقل شد و به کشتی تجاری یحمل گردید که قرار بود او و خانانوا شدرها دعوت جنگی کشتی به چای صرف عنوان به را او ظاهرا ساعاتی از پس . برد تبعید به کردند ، در همین حین کشتی تجاری با کلیه محموله به سوی ان گچلرسکتانن کرد و به

۲

این شکل اموال به تصرف دولت بریتانیا درآم د.

از طریق غارتگریهای رضاخانمقادیر معتنا بهی جواهرات به دست آمد که در اواخر حکوم تاو در چهل صندوق نگاهدار می یشدند . افزون بر آن سی و سه صندوق دیگر محل نگهداری جواهرات ی بود که از نظر تاریخی اهمیت داشت و قیمت آنها هم بسیار

۳

هنگفت بو د. این جواهرات به رسم امانت در نزد بانک ملی ایران نگمهدیا شردی . بخشی مهم از این جواهرات در ماجرای حمله متفقین به کشور به تاراج رفت . سر ریدر بولارد مدعی است ش اوهدی در دست است که رئیسوقت شهربان ی یعنی سرپاس

مختاری وقتی بانوان خاندان سلطنتی را به اصفهان برد، خود به کرمان رفت و جواهرات سلطنتی را که بخشی از پشتوانه اسکناس کشور و در اختیار بانک بود، مبله یا نجاب . رد همو مدعی است گرچه یان اقدام به منظور جلوگیری از ضبط جواهرات مزبور توسط زمینه این در وقت دولت ظاهرًا اما باشد، معقولی احتیاطی اقدام توانست می روسها اطلاعی نداشت . با ز هم بولارد ادعا میکند اگر شاه مجبور به ترک کشور شود ،

۴

قبل هفته یک حدود گزارش این . برد خواهد غانستان اف به خود با جواهرات را ترجیحا

۱ . تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۱۳۴

۲ . تاریخ بیست ساله ایران، ج ۲، ص ۴۲۴

۳ . خاطرات ابوالحسن ابتهاج، ج ۱، ص ۱۶۲

۴ . نامه های خصوصی و گزارشهای محرمانه سر ریدر بولار ، د ترجمه غلامحسین میرزا صالح، (تهران: طرح نو،

۱۳۷۱)، ص ۱۸۴

ص: ۲۰۷

از تبعید رضاشاه هدر تاریخ هجدهم شهریورماه سال ۱۳۲۰ نوشته شده اس . ت ب ه هر روی

ثروتی که از طریق غارت خاندانهای محتشم کشور فراهم آمد، نیست و نابود شد و

معلوم نگردید چه بلائی بر سر آنها نازل شد.

بالاخر اینکه رضاخان سهام خانهای بختیاری را در شرکت نفت انگلیس و ایران از

آن خود ساخت. برای این منظور باز هم او یا این خوانین را کشت یا از میان راه

خارجشان کرد. میزان دارائی نامشروع رضاخان نه حدی بود که مطابق مندرجات

روزنامه اطلاعات در هشتم اسفندماه سال ۱۳۳۹ و طبق گزارش دکتر حسن ارسنجانی

وزیر کشاورزی دوره دکتر علی امینی، در ابتدای دهه چهل شمسی ه نسی و زصد هزار

روستائی در املاک سلطنتی زندگ می یکردند. ۱ در دوره بعد از سقوط رضاشاه مهم تنها

عده ای از ملاکین توانستند املاک خود را بازپس گیرند، بقیه اموال و املاک جزو

دولت خزانه حساب به ظاهرا املاک این عواید مدتی. گردید قلمداد دولتی خالصجات

واریزم یشد، اما وقتی محمدرضاشاه در خود احساس قدرت ک، رادملاکی را که پیشتر

تح فشار آمریکا ئها و به عنوان اصلاحات در هداویر ه گوناگون از جمله دوره

نخست وزیری رزم آراء به مردم بازگردانده بود، بازپس گرفت و تصاحب. بکراری د

اینک ه این دس ا تندازیها قانونی شود لایحاهی ب ه مجلس برده شد که طبق آن کلیه اموال

غیرمنقولی که از محمدرضا شاه گرفته شده بود، به او بازگردانیده میشد.

انگلستان، سیمیتقو و مسئله کردستان

لورین گزارش میداد که رضاخان از طریق واحدهای نظامی خود توانسته است

مراکز اصلی ایالات را زیر تسلط خویش. د. ارزآن ورظدر انگلیسیها ماو يتوانس ت ستاره ايدرخشان در آسمان ايران باش.لدورين گزارش داد عاديہ او را نادرشاهی جديد م يدانن د. لورين ادامه دا دمحبوبيت رضاخا نمبنتی است بر عدم وابستگی به نیروهای خارج ی؛ تلاشهای موفقى آتمى ز او برای احیای ارتش ای؛ رادنورى وی از سیاست؛ دستيارانى با صلاحیت که برای خود انتخاب؛ و کال بت ردهه اگر سرکوبى سیمیتقو را هم به این لیست و از جمله موفقیتهاى او در وخر اگسیالان نیفزائی م، سهم

۴۶. ایران در دوره رضاشاه، ص ۸۱، تاریخ بیست ساله ایران، جلد دوم، ص ۴۲۴ - ۱. ملیکف، صص ۴۹

۲. تاریخ بیست ساله ایران، ج ۶، ص ۱۲۹

ص: ۲۰۸

۱د و سرانجام؛ «ممکن است قهرمان ایران باش» و ی بسیار بالاتر می رود. لورین نوشت او

۲

ب ه دروغ گفت ملاقاتی با رضاخان کرده، زیرا او به سراغش نیامده اس. از نظر

انگلیسیها این یک نمایش قدرت جدی بود که توانمسیب رضاخان را به عنن وا

چهرهای بلامنازع در صحنه سیاسی ایران مطرح سازد.

آرایش نیروها در کردستان نه این شکل بود که سی داطزهاهالی کردستان ترک، ی بهر

ارومیه مسلط بود؛ شیخ محمود درزنجی از سلیمانی هرهبی جنبش تشکیل جمهوری

کردستان را به دست داش؛ اما در این میان اسماعیل آسقیامیتقو، بر سلما س مسلط

بود. همزمان با کودتای سوم اسفند، د انگلیسیها حکومتی در کردستان عرا دقرست کرده

بودن د. در این منطقه روزنامههای ی به زبانهای کردی و فارسی منت مش یرشد. ب ا هدایت و

برنامه ریزی سر پرس ی کاکس، ک میسر عالی بریتان یادر بغداد، د بین سیدط، ه شیخمحمود و

سیمیتقو ارتباطی برقرار شده ب. و ب دعید به نظر میر س د هدف اسماعیل آق ا چیزی شبیه

تشکی لحکومت کردس تان باش د. اما آن دو دیگر از نارضایتی وی از دولت مرکزی ایران

بهره برداری م یکردند و به سمت اهداف بریتان یاهدایتش م ینمودند. بین مردم شایع بود

عناصر انگلیسی مقیم بغدا ادز طریق سیدط همحرک اصلی سی ت میقو هستن د. حتی گزارش

شد می «است فرستاده سیمیتکو برای عبا یک هدیه رسم به فیصل ملک هم اخیرا. « ۳

تجزیه کشورهای مثل ایران و تشکیل کشورهای کوچک که التحمای ته و حافظ

منافع ب ریتانیا باشند، از دوره جنگ اول ج هدارن د یتور کار بخشی از دیلماتهای

وزارت خارجه انگلیس قرار داش ت. اما اینک با وجود فردی مثل رضاخان،

اختلاف نظر های پیشین با جدیت بیشتری ظهور کرده بود . د کاکس م یخواست ایران را تجزیه کن د . در این راستا از شیوخ و رؤسای قبایل محلی ب ب هردارر هی م یکرد ، لیکن جناحی دیگر در هندوستان و وزارت امور هند و نیز وزارت خارجه بریتانیا با این طرحها مخالف بودند .

د ر دوره مورد بحث ما در این رساله، هر دو سناریو در حال اجرا . امیرلشبوگورد شمال غرب کشور با شیخ محم وود سیمیتقو ارتباط داشت و امیدوار بود بتواند سیمیتقو

۱ .May will be the hero of Iran .

۲ .Loraine to Curzon, Tehran, ۱۱ January ۱۹۲۲, FO. ۴۱۶/۷۰.

۳ . فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ص ۲۵۰

ص: ۲۰۹

نمایندگان اعزامی شیخ محمود « بن ا به پارهای جهات » ر ا به سوی خود جذب نم. ای ۱۱ دو

سو یمیتقو را نزد خود منزل داد و نگذاشت به شهر بروند، چون از نظر سیاسی اقامت

۲

ایشان در تبریز به مصلحت نبو د.

اسماعیل آقا سیمیتقو که نامش لرزه بر اندام کودکان و حتی بزرگسالان منطقه

میافکند، از رهبران ایل شکاب کو د. این قبیله در دامنه کوهستان زندگ م بیکر د. بنابر

تخمین کنسول آمریکا در تبری، ز کل جمعیت کردها حدود سه میلیون نفر. اب ز بویدن

اینان دو میلیون و پانصد هزار تن در ت روکی هارمنستا نسکونت داشتند، حدود چهارصد

ت اپانصد هزار تن از اینان هم ساکن ایران ب. او زدن آدماز کردها در عرا اقطاعی موجود

نبو د. برادر بزرگتر اسماعیل آقا، جعفر آقا نام داشت که بعد از مرگ پدر ریاست ای ل

شکاک را به دست گرف. تجعفر آقا در تبری زکشته ش. د بعد از مرگ برادر، اسماعیل آقا

ک هیبست سال بیشتر نداشت، ریاست ایل را عداهدر هگردید. اسماعیل آقا توانست به

مرو ر ایام ارومیهرا تحت امر خود در آور د. به واقع او شاه ب ت یاج و تخت منطقه شمال

غرب ک شور به حساب بآمد. حکومت مرکزی به اسماعیل آقاعنوان سردار نصرت

داد؛ اختیاراتی هم به وی تفویض کرد و خلاصه جایگاه او را قانونی. به انیمو دشکل

سیمیتقو از جنگ و گریز و کشت و کشتار مردم ب ی گناه تا حدودی دست برداش ب. ته

سال ۱۹۱۶ و درست مقارن جنگ اول جه ان ویی مارشیمو،ن از رهبران طوایف آسوری

را کش ت. این موضوع خشم و غضب مسیحیان آسوری را ب. راپنطگیرخوست از

فرماندهان نظامی مسیحیان آسوری برای انتقا ستمانی، خشمگین به محل اقامت سیمیتقو

حمله برد و بسیاری از نیروهای او را ب هنوبه خود کش ت. تبعات بعدی قتل مارشیمون
 بسیار بدتر بود. مسیحیان آذربایجان دست کمک به سوی روسیه دراز کردند و کردها
 ه ماز حکومت عثمان یطلب یاری نمودن. دبه این شکل غرب ایران عرصه منازعه دو
 امپراتوری رو به اضمحلال روس و عثمان بانودی که هر کدام انگیزه‌های مذهبی را بهانه‌های
 برای دستاندازی به مرزهای ایران نمودند .

۱. امیرلشگر شمال غرب به رضاخان، ۲۳ دلو (بهمن) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

۲. طهماسبی به رضاخان، ۱۹ برج دلو (بهمن) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

US Legation in Tehran to Department of State, No. ۱, November ۹/۱۹۲۶, DS. ۸۹۱.۰۰/۱۳۹۵.۳

.Majd, op

.cit. p. ۱۳۰

ص: ۲۱۰

درست در چنین اوضاع و احوالی قحطی وحشتناک سالهای جنگ به سراغ مردم این

۱

منطقه هم آم. د ما داستان این قحطی را در جایی دیگر توضیح ای م. داداهم اینجا به

مناسبت یادآوری م یکنیم علاوه بر قحطی، م صیبتی بزرگتر هم دامنگیر مردم غرب

کشور شد. در آوریل سال ۱۹۱۸ حکومت ترکی عثمانی توانست تبری زو ارومی هرا به

اشغال خود در آور. د مسیحیان این مناطق هم به ناگزیر به سوی منطقه نفوذ د بریتانیا

حوالی همدان گریختن د. ای ن وضع تا پایا ن جنگ ادامه یا ف. ام تا خاتمه جنگ هم

نتوانست اوضاع را عادی سا. زد اوضاع در تبری ن ز آرام ب. و آدشوبهای گستراده ی در

ه ب ع ض و. بود افتاده کردها دست به عملا که ای منطقه؛ داشت جریان سلماس و ارومیه

حدی آشفته بود که سید طناهم ساب اقلدکر، از یاغیان کردستان ترک بیهر ارومیه دست

انداخت. سیمیتقو هم که سلماس را به دست داشت. از دولت مرکزی هیچ قوه یا نیروی

نظامی در منطقه حضور نداشت. تهیج مقام رسمی حاضر و اظنر تحولات نب. و دزیرا

این به را آرامش نبود قادر دولت. نداشت اقامت آنجا در دولتی مأمورین از کسی اساسا

۲

منطقه بازگرداند، اما در عین حال بازگرداندن امنیت به منطقه ناامید ن ب. و دد را این

زمان انگلیسیها حکومتی مستقل در کردستان ع رادر قست کرده بودن. د شیخ محمود

برزنجی در سلیمانی هاز سوی انگلیسیها مأمور گردید تا حکومت مشابهی در کردستان

۳

ایران تأسیس کن. د علاوه بر تجربه کردستان، انگلیسیها توانسته بودند نیروهای طرفدار

خود را در قفقاز هم مورد حمایت قرار دهند، نتیجه بلافصل این هم‌ای تش تکیل
جمهوریهای سه گانه آذربایجان، ارمنستان و گرجستان در قفقاز بود. همزمان حرکت ای
م در آسیای میانه صورت می‌گرفت. هرچند موفقیت آنها به میزان دست آوردهای
قفقاز و کردستان عراق نبود. با این وصف برخی گزارشها حاکی بود که مقامات بریتانیا
دستور داده‌اند که هیچ گونه فعالیتی نباید از سوی دكهرای عراق علیه تمامیت ارضی ایران
صورت گیرد و مأمورین انگلیسی نباید با کسانی که خلاف این دستورالعمل رفتار

۴

می‌کنند، همکاری نمایند.

۲۱۱-۱. ن.ک: ایران از سقوط مشروطه تا کودتای سوم اسفند، صص ۹۲

US Legation in Tehran to Department of State, No. ۴۸۷, February ۲۷/۱۹۱۹, DS. . ۲
۸۹۱.۰۰/۱۰۹۰ Majd, ۷۷

US Legation in Tehran to Secretary of State, March ۲۰/۱۹۱۹, No. ۱۱۶, DS. ۸۹۱.۰۰/۱۰۸۳.۳
.Ibid, p. ۱۳۰

.Dispatch by White, No. ۴۹۰, March ۲۱/۱۹۱۹, DS. ۸۹۱.۰۰/۱۰۹۸ Majd, Ibid.۴

ص: ۲۱۱

اوایل سال ۱۲۹۸ اقدامی برای کشتن سیمیتقو صورت گرفت. این موضوع باعث

۱

گردید کردها بار دیگر در منطقه سلما سدست به آشوب زن. ند تا خردادماه آن سال

کلیه بخ شها یارومیه و سلماس به دست طرفداران سیمیتقو افتاد. اینان باز هم تعدادی

از مسیحیان آسوری را به قتل رسانید. دانیند گونه تبلیغمیش دکه تنها روزنه امید

۲

مسیحیان ارومیه، دخالت فوری بریتانیا. تژنرال سر هنری ویلسون، رئیس ستاد

ارتش بریتانیا متعاقب این موضوع تلگرامهایی را که از سر پرس ی کاکس دریافت کرده

ه ب ت س د مجدداً ت ق و سیمیتقو اخبار این طبق. داد قرار ذی ربط مقامات اختیار در بود،

شورش زد که بسته ای پستی برای او رسید که درون ب آمینی قرار داشت که به محض

باز شدن منفجر گردید. داین بمب برادر و چهارت ناز افراد او را به قتل رس؛ انبیدست و

پنج نفره م زخمی شدن. د طبق گزارشهای انگلیسیها از این به بعد سیمیتقو نیروهای

دولت مرکزی را در اروم، هی هخوی و سلماس خلع سلاح کرد. د هر چند قوای دولت

مرکزی توانستند کردها را از ارومیه خراج کنند. ویلسون بر اساس گزارشهای کاکس

نوشت نیروهای دولتی ایران متعاقب این پیروزیها به سوی محل استقرار مسیونرهای

آمریکائی یحمله بردند و کردهائی را که در این مکان پایگاهی امن برای خویش درست

۳

کرده بودند، به قتل رسانیدن د.

ب ه هر روی جنگ و گریز تا بعد از کودتای سوم ه امس افنداده یاف. تدر تابستان

سال ۱۳۰۰ سیمیتقو بار دیگر اطراف دریاچه ارومیه را عرصه تاخت و تاز خود قرار داد .
روز دوم مردادماه آن سال و ابه ارومی هحمله بر .د تا آخر شهریورماه اسماعیل آق آماده
می شد تا به ساوجبلائی غا مهاباد امروزی حمله کند . شب سیزدهم مهرماه یورش ب ه
ساوجبلاغ انجام گرف . ت صبح روز بعد شه ر در دست قوای وی قرار دا . شدتولت قوام
برای دفعسیمیتقو وارد میدان ش . دابتدا برخی از عشایر و قبایل محلی که به دولت
مرکزی وفادار بودند، مسلح ش . دنسردار ارش داز رهبران عشایر بومی ۳۵۰۰ تن
نیروهای خود را برای نبرد باسیمیتقو تجهیز کر . د حدود هشتصد تن ارمنی و آسوری
نیز برای نبرد علیه او اعلام آمادگی کرد ن. در روز هجده مآبانماه سردار ارش ددر نزدیکی
۱. Telegram of White, No. ۱۴۰, May ۲۳/۱۹۱۹, DS. ۸۹۱.۰۰/۱۰۹۵ Ibid.

۲. Telegram by US Consul in Urumiya, June ۴/۱۹۱۹, DS. ۸۹۱.۰۰/۱۰۹۹ Ibid.

۳. Telegram of American Peace Commission in Paris, No. ۲۶۴۰, DS. ۸۹۱.۰۰/۱۱۰۰ Ibid, p. ۱۳۱.

ص: ۲۱۲

خوی به اردو سیمیتقو یورش برد و شکستی سهمگین بر وی وارد . سبطا خقت گزارشها حدود چهارصد تن از نیروهای سیمیتقو نابود شدند؛ خود او هم جراحت برداشت . ب ه دنبال این نبرد نیروهای عشایری همراه با قوای ژاندارم و البته قزاقها، در بیست و سوم آذرماه با سیمیتقو وارد کارزار شد . در این نبرد ساوجبازلادغس ت حمله ارشد سردار نیروهای به سیمیتقو دیمه ل او روز متقابلا . شد خارج او نیروهای کرد و سردار را به قتل رسانید .

این خبر مقامات تهران را نومید ساخت . تخبر مهمتر این بود که کردها به تحری ک

۱

بریتانیا شورش کردانهدت از این طریق دولت ق و ارام تضعیف نمای ن . د طبق گزارشهای

اداره ارکان حرب کل قش ، و نصاحب منصبان فراوانی از اتباع عثماندربین قوای

سیمیتقو دید ه م یشدن د . طبق این گزارشها هزینه این دسته افراد را ک مپرال دیاوخت

۳

میکردند . ۲ سیمیتقو با کمالیستها و امیر ارشد شاهس ورنوابط نزدیکی داش . تد ر این

دوره تاریخی نمایندگانی از کمالیستها حتی در تهران هم فعال یمیتکردند . طب ق همین

گزارشها این عده با کمیته کمالیون ته رمارنتبط بودند و در زنجهانم کسانی مثل

سلطانالعلماء ، نایب صد ر و امجدالعلماء که از علمای مشهور زنجباوندند با این عده

ملاقات میکردند . نکت ه جالب توجه همکاری این دسته از کمالی اوسنت با قوه قزا . ق

بنابراین جای تأمل است که چگهونعدهای م یتوانسته ان د ه م با دولت مرکزی همکاری

کنن د و هم با ع ادهی شورش ی که علیه دولتمیجنگی دهان د . موضوع همکاری فرقه

کمالیون ایران با قوه قزاق بعدها هم محور برخی گزارشهای فرماندهان نظامی بی ک ب بود
ی بود که « صاحبمنصب عثمان » از اینان مردی بود جمیل بی نا گ م. این ج میل بیگ
« گردیده قشونی خدمت داخل اخیراً » و « است، رشت در سویل لباس با است چندی
اگ ر چه مشارالیه در تح ن تظ رمیباش د با این حال متمنی است در ک صهو ارتزی
ر۴مائید « مشارالی ه سوابق سوء اخلاق ی و سیاسی در ارکان حرب موجود است اطلاع. ف.
اما کرد، می همکاری خان کوچک قوای با ظاهراً جنگل جنبش طول در بیگ جمیل این
۱. Dispatch by Kornfeld, No. ۶۷, September ۷/۱۹۲۲, DS. ۸۴۱.۲۰۹۱.۱.

۲. گزارش اداره ارکان حرب کل قشون، بیتا، اسناد وزارت جنگ .

۳. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی ، ص ۱۳۶

۴. رئیس تیپ مستقل شمال به متصدی ارکان حرب کل قشون، ۱۲ سنبله (شهریور) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۲۱۳

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

ها او طبق گزارش . شد دولت تسلیم بعداً « از پوشیده و گوی می سرهنگی لباس

ت ۱ نتیجه تحقیقات ارکان حربلشگر مرکز در « . صاحب منصبان منتظر خدمت بوده اس

م ورد این جمیل بی اگین بود که او پی ت شر در اداره ارزاق کامریکرده است و درجه

سلطان ی داشته، پس از اینکه اداره ارزاق در تاریخ ام سخیردا د ۱۳۰۰ منحل شد، جمیل

عقظامت ضهای خدمت در « آستان مبارکه بندگان حضرت اشرف دامت « بیگ از

دیویزیون قزاق کرد، اما نتوانست به موقع در این تشکیلات نظامی ثبت نام . بعکن دادز

خود از طهران به گک یرف لات نه و از آنجا تلگرافاتی با امضای کلنل « این ماجرا او

۲

جمیلیگ به مرکز کرده ولی از درجه سرهنگی و انتصماشا برالیه به دیویزیون سابق

ت ۳ ب ه واقع جمیل بی گرابط رضاخا نبود با سیمیتق، و او حتی « . ب ه هیچ وجه سابقه نیس

۴

برای انجام این مأموریت هشتصد تومان از رضاخان دریافت کرد .

در این راستا کاپیتان نوئل ۵ از افسران ارتش هند، نامهای خطاب به کاکسنوش ت .

این نامه از طریقی که بر ما معلوم نیست به دست کورنفلد، وزیرمختار آمریکا در تهران

رسید . تاریخ نامه ششم جولای ۱۹۲۱ مطابق با پان زدهم تیرماه ۱۳۰۰ شمسی اس . تدر

این نامه از ملاقاتی بین نوئل و کاک سدر قاهر هیاد شده اس . تدر این ملاقات کاک ب سه

نوئل که مأمور ایجاد آشوب و اختلافافکنی در جنوب کشور و تحریک قبایل ب ه

شورش علیه حکومت مرکزی وید ، گفت تلاش میکن د برای وی کاری در تهران دست

و پا کند و اگر نتوانست در کرد سکتارنی برایش مهیا خواهد سا.خنوی تل نوشت

وظایفش در جنوب خاتمه یافته و اکنون منتظر اجرای دستورهای کاکس در کردستان

است. ب ه زودی وظایف نوئ لدر کردستان مشخصشد، او باید بین سران قبایل و

طوایف کردستان اختلاف میافکند و آنها را به شورش علیه دولت مرکزی تشویق

مینمود. از این بالاتر نوئ ملوظف بود کردها را به جدائی از سرزمین مادری تش کویل

دولت مستقل کردستان تشویق کن. د کردار سفارت آمریکا گزارش م ید اد انگلیسیها در

۱. رئیس تیپ مستقل شمال به متصدی ارکان حرب کل قشون، ۲۵ سنبله (شهریور) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ.

۲. کذ ا: انتساب.

۳. کفیل ارکان حرب لشگر مرکز به کفالت ارکان حرب کل قشون، اول میزان (مهر) تنگوزئیل ۱۳۰۲، اسناد

وزارت جنگ.

۴. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ص ۲۸۰

E. Noel.۵

ص: ۲۱۴

ای ن راستا با سردار رشی ددر کردستان و امیراعظم در کلهر کرمانشاه ارتباطی برقرار کردند و آنها به ایجاد اختلال در کار حکومت و س ابرخپتان بلوا تشویق ش . دن ۱۱ دین نوئل بعدها هم نقشهائی مخرب ایفا . ک رهدمانطور که پیش از این زیبهائی دیگر انجام یکی از اشخاصی بوده است که انگلیسیها برای فریفتن میرزا کخو ا چن ک « داده بود . او ب ه جنگل فرستاده بودن . د ولی میرزا فریب آنها را نخورده و ماژور را در جنگل حبس کرد ، ت ا بعدها به موجب قرارداد مسالمت بین قوای جون ان گگللیسها، از زندان میرزا ۲ این ماژور نوئلبعدها به سال ۱۳۰۹ نایب کنسول بریتان یادر کرمان ب .ود . « خلاصش د بعد از وقایع شهریور بیست و هجوم متفقین به کشور، او رئیس بخش زراعت اراضی بود، خوزستان » گه

۳ . « . موقتا انگلیسها از ایران به اجاره گرفته بودند

ب ه هر روی بالاخره در مردادماه سال ۱۳۰۱ فضا از هر نظر مهیا . شسدیمیتقو به رغم کارنامه اش ، هرگز حاضر نشد طرح دولت انگلی را سبرای تشکیل کشور کردستانانجرا نمای د . پس بهتر این بود از میان برداشته شود و افتخار نابودی او به نام ثب رتضاخان گردد . ب هاین شکل با موافقت صریح بری ، تارنیا ضاخان سپاهی پنجهزار نفری ر اعاز م نبر د علیهسیمیتقو کرد . بعد از چند زد و خورد کوچک کارزار نهائی صورت . گذررفت این کارزار اردوی کوچک اسماعیل آقادر هم شکسته شد و به طوری که جرای د نوشته اند شخص رضاخا نبیشتترین بهره را از این اقدام . ب ب را ا دینکه قوای سیمیتقو همه ظاهرا که قوا این . شدند او نیروهای وارد داشناکها از تعدادی میان این در اما بودند، کرد ب ا نیروهای حکومت مرکزی ایرامینجنگیدند ، به دنبال شکست سیمیتقو، و به هنگام

عقب نشینی او، باعث قتل و غارت مردم بیگناه گردیدند. همزمان قوای مرکزی دولت، تسلیم و دیپلماتیک را به تصرف خود درآورد. نایب‌السلطنه بدون کوچکترین درگیری پریشان و درهم و برهمه بیک صورت غریبی افتاده «رخ داد. سیمیتقو و نیروهایش

۴. «بودند، همراهان سیمیتقو از او جدا شده بقوای ایران ملحق شدند

پی‌ش از اینلورین گزارش داده بود اگر سیمیتقو بتواند بر قوای دولت مرکزی ایران

Korenfeld to Secretary of State, No. ۶۷, September ۷/۱۹۲۲, DS. ۸۴۱.۰۰/۲۰۲۹۱.۱

۲. شرح زندگانی من، ج ۳، ص ۳۶۱

۳. همان.

۴. اسناد وزارت جنگ، گزارش از ماکو، هجدهم اغستوس [۱۹۲۲]، ترجمه از مطبوعات روسیه.

ص: ۲۱۵

تأسیس « یک جمهوری » غلبه کند، تمامی طوایف کرد را رزی سیطره خود درم آورده و

۱

مینماید. اما سیمیتقو حاضر به اجرای این طرح ن. برودضاخان ابتدا از طریق فرمانده

قشون آذربایجان سرتیپ اما انلله جهانبا نی، دکترو مصدقوالی وقت آن خطه را وادار ب ه

استعفا نمود. قشون بدون مشورت والی در امور ایالت دخمالیک ترد، مصدق در

اعتراض به این وضع است عفا داد.

و رسماً یعنی! کرد صادر جهانبا نی نام ه ب را ایالت کفالت حکم بلافاصله رضاخان

تسده ب مستقیماً آذربایجان ایالت شکل این به. نمود دخالت الوزرا رئیس کار در علنا

قشون افتاد. بیستمردادماه ۱۳۰۱ قلعه چهریق تصرف شد و اسماعیل آقا به خاک ترکیه

گریخت. تصرف چهریق بیش از آن چیزی که اهمیت داشت سروصدا به پا. جالکر بد

این است درست همان زمانی که جابایلهخبان شینبا نی مشغول وارد آوردن ضربات

نهایی بر قوایسیمیتقو بود، رضاخان او را عزل کرد و فردی دیگر را به جایش منصوب

نمود. دژ اصلیسیمیتقو یعنی استحکامات قلعه چهری بقیه تصرف مهاجمین درآمد، اما

ب هزودی معلوم شد که در زمان حمله ققزها به این دژ، هیچ نیروی مقاومتکننده ای

و نداشته وجود

عملاً قلعه مزبور خالی بوده است. خبر یادشدها ز اهمیت پیروزی قزاقان

کاست، زیرا آنها در عراضهی بدون مقاومت نبرد کرده بودند. ن داظران از اینکه رضاخان

بیش از حد در مورد اهمیت پیروزی رونی های خود مبالغه میکرد و این مبالغه ه حتی

۲

تشکر و تقدیر مجلس را برای او در پی داشت، ابراز شگفتی میکردن د.

تسلط دولت مرکزی بر یک عشیره ب هظاهر سرکش چیز غیرمترقباهی نبود و پیش از
ای ن هم دولتهای وقت اقدامات فراوانی از این دست کرده . بطوغدیناد ن اسماعیل آق اه م
یک ی از این دست وشرش ه ا بود که دولت مرکزی آن را فروخوابانی . ام د ابه ان رکتھای را
برعیدید مشمارید اگر گفته شود که شاید « مطرح می کند که در این رابطه اهمیت فراوان :دا
برخی از فرماندهان به تحریک اجانب یا برای ت ا می نم اف عسیاس یخوی شت ن در کن د ن
۳ ب ه ه رحال بعد از س رکو بس یمیتق و «. ریش هسیمیتقو مسامحه و سستی به خ رمجی دادند
تلگرا مه ای تهنیت از هر سو برای رضا ف خارنستاده ش ، د مج ال س جشن برگ زارگردی ؛د و

.Lorraine to Curzon, Tehran, ۲۱ May ۱۹۲۲, FO. ۳۷۱/۹۰۲۴.۱

.Korenfeld to Secretary of State, No. ۶۲, August ۲۰/۱۹۲۲, DS. ۸۹۱.۰۰/۱۲۳۰ Majd, p. ۱۳۴.۲

۳. تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۲۶۶

ص: ۲۱۶

۱ ابودراد، «ک هیکلی از شاهکارهای نویسنده و ناصح کهنه کار او» رضاخان خطاب ه ای غرا کرد. نکت ه مهم این است که با وصف اینهمه هی، سا یهمویتقو همچنان ب هعملی اتای ذائی خود در شمال غرب کشور ادامه می داد. شکست نه ای ی او ن هاز طری قجن گ، بلک هبا از پنجاه و پ ن ج روز مسافرت و « مذاکرات صورت گرف . ت د رزمستان سال ۱۳۰۱ باز هم سخن به میا نمی آم د. در این میان شیخ محم کودسانی را به تبری از عزامیکرد « عملیات تا برا یسیمیتقو ضمانت بگیرن . دسیمیتقو نامه ای هم برای رضاخان فرستاد و تقاضای تأمین کرد. ملاقاتها با او ادامه یافت و شخص لشام گیرر غرب با ویم ذاکر همیکردت ا

۲

بتواند بقیه بحران را خاتمه بخشد. طب قاس ناد وزارت جن، گک در تمام این مراحل ع واق ه ب د ماوقع شرح از همیشه و بودند قضیه طرف یک انگلیسیها رسما مطلع می شدند.

سرکوب سیمیتقو موضوعی بود در ارتباط با منافع و مصالح بریتانیا در عراق.

ماهها بعد از عملیات قلعه چهریق سفارت بریتانیا در تهران اطلاع داد اسماعیل آقا

در ضمن اظهار « باتفاق عداهی از همراهانش قصد دارند به ایران مراجعت . کانمدا

از « هم از سوی دولت ایران شده است . برخی مأمورین دولت ایران « نگرانی زیادی

مأمورین انگلیس خواسته بودند حتال یمقدور نگذارند این اقدام از طرف سیمک و

گیرد صورت . « رانگرانی این هم بریتانیا سفارت « عالی مأمور به فوراً لازمه سفارشات با

د. کاکس مأمور بریتانیائی ادار کهننده عراق توضیح داد که « ن اگک لیس مقیم بغدا اطلاع دا

اوایل بهمن ماه آن سال سیمیت بقهو سلیمانی هرفته است و شاید هم هنانجوزا باش . د

داد گزارش والش هنری سر بعلاوه کند، نمی حمایت سیمیتقو از داد اطلاع کاکس «فَعلا

سیمکو قصد مراجعت به ایران را ندارد تا اینکه تصویب عفو د را ازخ دوولت علیه

کند تحصیل « . شد نوشته حال عین در » مَحترما انگلستان پادشاه اعلیحضرت سفارت

خاطر مأمورین دولت علیه را متذ مکر یشود که هنوز سیمک وداخل خاکی که در تحت

اقتدا ر مستقیم مأمورین عراقمی باش د نشده است و این سفارت ز امید ی ا دن د که

اطمینانهای سابقه را در اینکه برای مصالح ع روا ه قمچنین جهت احساسات دوستانه

همجواری مقتضی است که کردستا انیران در حال آرامش بوده باشد تجدید نماید،

بنابرای ن هر اقدامی که بر ضد آرامش آن نواحی باشد برخلاف میل مأمورین انگلیس

۱ . همان، ص ۲۶۶

۲ . امیرلشگر شمال غرب به رضاخان، ۱۵ دلو (بهمن) ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۲۱۷

ابتکار مذاکره با سیمیتقو به منظور برقراری آرامش در کردستان « مقیم عراق خواهد بود.

از آن قوالسلطن به و د. کما اینکه سفارت انگلیس هم این را مورد تذکر قرار داده : است

سفارت انگلیس زاید نم ی‌داند که مأمورین دولت علیه را از مراسله [ای] که سر پرس ی «

۱۷ جدی [د] ی ۱۳۰۱) ... ب ه جناب اشرف قال واملط نه (لرن به تاریخ ۸ ژانویه ۱۹۲۳

نگاشته و در آنجا نوشته راجعه به س یرام دکروج نموده است متذکر . آسقا زدی

قواما لسلطن ه وعده فرمودند که در این باب تحقیقات به عمل آورند و نتیجه را اطلاع

۱ .» دهند تحقیقات مزبور مدخلیت مهمی در این مسئله دارد

سیمیتقو در کردستان عراق ملاقاتهایی هم با نظامیان انگلیسی مق ی ماری کرد ل. او در

سلیمانیه مهمان شیخ محمود و از همان جا رضایت خویش را برای مذاکرات با دولت

ایران اعلام داش . تشیخ محمود ۳۵۰۰ سوار و پانصد پیاده در اختیار داشت و روابطشبا

رؤ س ای عشایر کرد ایران حسنه ب . و ادما او با سیدطه و شیخ عبیدالله که مقیم اربی ل بودن د ،

میانه ای نداشت . ۲ بنابراین سیمیتقو و کسانش ه م ک ه میهمان شیخ محمود بدوند با س یدطه

ک همورد حمایت مستقیم سر پرس ی کاکس بود، روابطی دوستانه نداشت . ن او مایل بود به

ایران مراجعت کند و بار دیگر در قلعه چهسریقکن یگزین . دجل برضای تس یمیتق و

توسط نصرالمل ک، مأمور کارگزاری ایران مقیم ارومیه صور تگرف تو اب را زامی دوا ری

۳

می شد با موافقت رضاخان مواجه گرد . د وزارت خارجه نام همحرمان هدیگ ر یه مبه

رضاخان نوشت و ضمن اینکه ناهماهی اداره کارگزاری مق ی مارومی و همرا س ل هس فارت

انگلی س را برای او فرستاد، کسب تکلیف کرد که در م ور دبرخ ور دبا ی

- جنگ تصمیمات خود را به وزارت خارجه هم اطلاع . دلپهدل موضوع این ب و دکه به موازات هم دو وزارتخانه جنگ و خارجه برای مذاکره با سمیتقو اقدام میگردن دو نکت ه ای ن است که وزرات جنگ از این مذاکرات چیزی به وزارت امور خارجه انطملایعداد .
- ه ک ن و م ض م ن ی ا ا بیس ل انگ سفارت نامه در عبارتی نوشت خارجه امور وزارت « لافع سمیکو ۴ قصد مراجعت به ایران را ندارد تا اینکه ت صوی بعفو خود را از دولت علی ه
- ۱ . سواد یادداشت سفارت انگلیس، ۱۴ دلو (بهمن) ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت امور خارجه .
 - ۲ . تلگراف کارگزاری تبریز، ۱۸ دلو (بهمن) ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت خارجه .
 - ۳ . تلگراف کارگزاری آذربایجان، ۱۹ دلو (بهمن) ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت امور خارجه .
 - ۴ . کردها خود اسماعیل آقا را سمیکو خطاب میگردند .

نشان از این دارد که وزارت جنمشگول اقداماتی در زمینه ح ل و ف ص ل ، « تحصیل کن د

۱

مسئل هسیمیتقو بوده اس . ت جالب اینکه س فار تانگل ساتاز نکاره ا یرض اخاط نلاع داشت ، اما وزارت خارجه از تکاپوهای ا ا وظهار بیاطلاع ی مینمود . ب الات ر اینک هدر آی لازم است نظریات وزارت جن به گانه ا « حاشی ه نامه وزارت خارجه نوشته شده است ای ن در حالست که همانطور که گفتیم ، سفارت انیاب ریت « [یعنی انگلیسیه] ا اطلاع داده شود . و کمیساریای عالی آن کشور در عراق از این موضوعا تن هتنه آگک اه یداش ند ، بلتکه اقدامات مستقیم صور تمی دادند . بالاخره مقرر شد ب هوزارت خارح هاط لا عدهند به سیمیتقو تأمین داد همی شود اما باید برای محل سکونت خود هب جای چهریق ، جائی دیگر نو اداره « پایتخ تکر دس تا » د رنظر گیر . د ۲ مکاتباتس یمیتق و و وزارت جن گاز طری ق

۳

صورت می گرفت . شخص شیخ محمو دنامه های خود را ب اعن وان « [!] تحریرات ملوکانه »

امضا میکرد . « فدائی ملت کورد » امضاء مینمود و ب یانیههای خود را ، « ملک کوردستان »

سیدطه در راستای اجرای یکی از سناریوهای انگلیسیها در مورد تأسیس کردستان

بزرگ ، تهدیدی علیه امنیت ملی ایران به شمار میرفت . بنابراین میبایست با رقبای او

ارتباطی سازمان یافته و معقول برقرار میگردد تا دشمن به اهداف بلندمدت خود

نتواند دست یاب . د در نامه ای خطاب به شیخ عبیدالله سیدطهاشاره کرده است در ای ن

یدولتی « ملت کرد جنوب » ب راین قرار گرفته است تا « حکومت بریطانی ا » زمان سیاست

ی ک مجلس ملی برای تعیین خط حرکت ملت « تشکیل دهند . در این راستا این روزها

خوان هواده او « سپس اشاره شده چون او با برخی .» کرد در اربیل جمع م ی شود
 « از این فیض عظم ب یبهره » ۵ شیخ عبیدا للهنسبت دارد، نمیخواهد آنها را « خانواده
 ی شود . او از « هیأت جامعه کرد » نگه دارد . پس تشخیص داده از او دعوت کند تا وارد

امیدوارم ب یدون تردد هرچه زودتر خودتان با جمیع اعضای « شیخ عبیدا لله خواسته بود
 ی مساع تشریک مقدس امر این در متفقا تا آورده تشریف اربیل به مبارک خانواده
 ۱ . وزارت خارجه به وزارت جنگ، ۲۱ دلو (بهمن) ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت جنگ .

۲ . همان، حاشیه سند .

۳ . این عنوان در پشت نامه های شیخ محمود به امیر لشکر شمال غرب درج شده است .

۴ . کذا .

۵ . کذا: خانواده .

۶ . کذا: بدون تردید .

۲۲۰ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

در امر تشکیل حکومت کردس تاهنمکاری نماین . د ۱ همان روز تلگرام مهمی از ، « نموده

امیرلشکر شمال غرب کشور به رئیس ارکان حرب کل قشون واصل گردید اما متصدی

سدر تاین « تلگرام مفوق به کلی غلط و از روی قرینه کشف شده .۱ » کشف رمز نوشت

ه چه دن س ی و ن ت س ی ن م و ل ع م عملا ام ات س ا ج ر د ن م ن آ ر د م مه اطلاعاتی که م تلگرام

میخواهد بگوید، از جمله نوشته شده چون انگلیسیها متوجه اند شدشیخ محمود کرد

حرکات خصومت کارانه نسبت به عثمانیها و ایرانیها خودداری و مخفیانه عرض « از

حن دمووددها ند . در این « صداقت نموده است یا مشارالیه عرازل و یا دایره نفوذ او را م

تلگرام آمده است انگلیسیها پولهای هنگفتی در اختیار سی قدرای طره می دهند و به ر

۲

حال برای جلوگیری از اقدامات این س بیادیطهد دست به کاری .زداندک ی بعد

طهماسبی ، امیرلشکر ر غربدر اشاره به دعوت نامه سیدطه و اجتماع اربیل در مورد

استقلال به اصطلاح کردستان جنوبی، یادآور شد که دعوت نامه ارسالی به واقع دعوت

شیخ عبیدالله تبعه عثمان یو مقیم خاک عثمان ایست « از عشایر حوالی اربی ب لوده اس : ت

راجع به ارتباط با عشایر و اکراد ایران سابقه رابطه بوده لیکن

عجالتا مقطوع و خارجیها

ع ی ط م م و م ع ه ک عجالتا نزنند سر شرارتی ایرانی اکراد از هستم امیدوار ، باشند می مایوس ۳ همین جا به اشاره

یادآور میشویم کردستان جنوبی هیچ ربطی به ایران « . هستند

نداشته و منظور نواحی سلیمانیه و کرکوک بوده است .

ازقرائن و شواهد اینگونه بمریاید که این زمانسیمیتقو خود را به ک المیون نزدیک

کرده بود که علیه انگلی د سر راستای تشکیل دولت ترکیمهیجنگیدن د و البته از حمایت گروههایی خاص در خود انگلی و س حکومت هن ب درخوردار بودن . د جنرال کنسولگری ایران در بغدا د هم گزار شم ی دا د در محل مأموریت او این شایعه وجود دارد که این ن خبر انگلیسیها را « برده شده و « آنقره که مرکز کمالیو انست « سیمیتقوب ه طرف بیا ندازه متفکر و مضطرب کرده است و گویا اداره سیاسی این خبر را جزء اخبار دیگر ت طبق این خبر انگلیسیها این «. ب ه شیخ محمود، د زاده کاکا احمد ۴ هم اطلاع داده اس

۱. سیدطه به شیخ عبیدالله، ۲۴ قوس (آذر) ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت جنگ .
۲. امیرلشگر شمال غرب به رئیس ارکان حرب کل قشون، ۲۴ قوس (آذر) ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت جنگ .
۳. طهماسبی به رئیس ارکان حرب کل قشون، ۱۶ جدی (دی) ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت جنگ .
۴. شیخ محمود برزنجی از اهالی سلیمانیه بود، نام پدر او شیخ سعید بن شیخ محمد احمد بود که به کاک احمد شیخ شهرت داشت .

در این صورت لازم « روزها سیدطه را به جای اسماعیل آقلاط دست خود قرار داده‌اند

است که از طرف اولیای دولت جاوید آیت اقدامات مجدانه برای جلوگیری از نشو و

۱. « نمای او ب فوریت به عمل آید

این اسناد مهم که همه متعلقند به وزارت جنر ضگاخان، پرده از رازی شگفانتگیز

ایران کردستان در بود، نشده سیمیتقو علیه جنگی هیچ رد رضاخان: ارند د می بر

عملا و ا

تمایلات جدائی از مرکز به رغم میل انگلیسیها، وجود نداشت و شخص سیمیتقو

هیچ داعی های در این زمینه برای خود ائقل نبود. ب ه واقع سیمیتقو و حساب خود را هم از

سیدطه جدا کرده بود و هم از شیخ م. ح اموو مدایل بود به ایران باز گردد و مثل سابق

د رقلعه خویش در چهری اقسکان گزینند، برای این منظور م مهذاکرات فراوانی با

دولت مرکزی داش. ت حال مشاهده کنیم رضاخام ناجرای سیمیتقورا که با حمای ت

انگلیسیها خاتمه یافته بود، چگونه به نفع خود مصادره کرد و چگونه تلاش نمود خود

را نادرشاه کشور بنمایاند.

بع د از همان نبردهای مختصر اولیه که سیم بیتقو و ترکی هگریخت، رضاخان خطابه ای

شروع کرد. با ای ن، « صاحبمنصبان رشید من » برطنطنه منتشر ساخت و آن را با جمله

توضیح که متن یادشده را هم فردی شتهو بود که بر اساس قرائن هم نثر بقاعد ای ه

داشته و هم دستی در ادبیات فارسی داش. ش د ت راین متن ادبی که شباهت زیادی به نثر

اعلامیه های کمیته مجازات و استعارات و کنای هاهی ادب بیرخی چهره های پشت پرده

بحران ایران از دوره مشروطه تا آن زدمارند، رضاخان در قامت یک ناسیونالیست

قبه بارگاه « نسخن به میان آورد، از « عظمت تاریخ وط » دو آتشه ظهور کر . داواز
فرزندان من!...پای » : نذکری کرد و ادامه داد « سروس و کنگره با عظمت و کبریائی و ط
بکوبید و از دل و جان نعره نشاط و شادی برآرید که ه جان بازیهای شما در راه وطن
افتخار آیندگان شماس . ت بکوشید که گذشتگان وطن را به ابراز لیاقت و اهلیت خود
ب سازری ددیگر در . دلشاد و آیندگان وطن را به ظهور تجلیات خود سربلند و مفتخر
به میان آمد و در ادامه گفته ش د: « جمال مقدس وطن » این خطابه یادی از
صاحبمنص بان و فرزندان م !. ن.. ح س وطن پرستی بر طبق تشکیلات امروزه ، عالم »
۱ . سواد راپورت جنرال کنسولگری بغداد، ۳ میزان (مهر) ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت امور خارجه، بایگانی مؤسسه
مطالعات و پژوهشهای سیاسی .

طبیعی اولاد بشر است و محرومین از این احساس محرومین عالم حیات شمردن

ب هفلسفه « ، ۱ رضاخانی که از ابتدائتیری ن سطح سواد متعارفی محروم بود .» خواهند ش د

پ ساز همی نجا و از همین مرحله است که « : مارجاع و ادامه داد « تاری خ ملل و دول ع ال

م ن به حکم تاریخ و فلسفه تاریخ با تمام قلب شما را دعوت به پرست و ی طمن ینمایم و

ب ه طور قطع و یقین گوشزد میکنم که زندگانی جاویدانه شما با توسل به دامان وطن

پرست ی توأم و این لباس زیننده را با هر قیمتی که هست باید به اندام رسای استوار خود

۲ در این نوشت هخطابه گونه رضاخان از حفظ اساس قانون و احترام به قوانی ن .» سازید

اساس ی سخن راند، اجرای تمام مواد آن را خواستار شد، از حریت و آزادی دم زد و از

آفتاب عظمت « : عظمت مقام سلطنت یادی نمود و مطلب خود را اینگونه خاتمه داد

کشور باستان طلوع خود را به شما مژده و نوید میدهد جای تردید و تفکر نیست،

روح شهدای شما و نظامیان عزیزم که در میدانهای جنگ به خون در اند غلتیده

افتخارات اعقاب شما را منتظرند، من از ببحوحه همین مجلس جشن به ارواح شهید و

دد رجمله « خونهای پاک و شجاعت فناپذیر آنها س م لامیفرستم ، آنها زنده جاوید.ن

۳

آرز و شده بو .د به این شکل « یزدان پاک » از « اقتدارات نظام » نهائی این بیانیه یا خطابه

وزارت جنگ توانست قدرت خویش را بر منطقه آذربای هجام نتحکیم بخ . اشین دک

خراسان، گیلان و مازندران بعلاوه آذربایجا نکه همه جزو مهمترین ایالات ایران به

شخص اینکه بدون ، گرفتند قرار رضاخان نظامیان تسلط تحت مستقیما ند، فت رمی شمار

وی چندان نقشی در این زمیها هایفا نمای . د نکت ه این است که قشون د ر نخستین مرحله

شمال، شمال شرق و شمال غرب کشور را نظامی ک؛ر دیعی ایالاتی که در همسایگی شوروی قرار داشتن . دلشگرکشی های رضاخان به این ایالات با برنارمییزی دقیق بریتانیا صورت گرفت ت. به این شکل در جنگ پنهان انگلیس علیه شوروی، رضاخان توانست ب ه مثابه ابزار پیش برنده این جنگ، خیال ب ریرات انیزا وضعیت این ایالات آسوده ن .ماید تسلط رضاخان بر این منطقه به مفهوم راهیابی بر بیتهان یقالب منطقه نفوذ سنتی روسیه تلقی می شو د. اندکی بعد رضاخان کلیه مطبوعات و گروههای طرفدار شوروی را در

۱ . تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۲۶۸

۲۶۸-۲ . همان، صص ۲۶۹

۲۷۰-۳ . همان، صص ۲۷۱

ص:۲۲۲

ای ن ایالات از بین برد و اوضاع برای همیشه به نفع انرق گلمیسخور . د د رهمین سال
ب ه فرماندهی سلر شگر احمد امیراحمدی س ر لشگر عبدالله امیرطهماسب ویسرتیپ

،

محمدخان در گاهی صفحات لرستان و بخشی از آذربایج انصحنه کشاکش بین قوای
نظامی و اردوهای عشایری بو د .

ب ا این وصف افرادی مثل سیمیتقو بارها و بارها وفاداری خود را به دولت مرکزی
ایران اعلام داشتن . د از جمله اینکه در نامه خطا ب به سرهنگ یوس فح ان ، ف رمانده
قشون ساوجبلاغ که مأمور مذاکره با او بو د نوشت :

مراسله شریف واصل ، اسباب مسرت و خوشوقتی گردید ، در جواب اشعاریه
جنابعالی از صمیم قلب زحمت میدهم که من ایرانی هستم ، تعصب ایرانی هم
دارم چنانچه اشعار گردیده بو د هر گاه اولیاء امور توجهات فرمودند و اطمینان لازم
بدهند من هم همه قسم از برای خدمت به دولت متبوعه خود با کمال افتخار و

۱

اطمینان حاضر م .

سیمیتقو وار د قلمرو حکومت عراق که تحت قیمومیت انگلیبو د سگردید ت ا
حکومت ایران از تقصیر « انگلیسیها از دولت ایران تضمینی بگیرند و ب هقول خودش
گذشته من در گذرد و حالا که حضرتعالی عفو عمومی را شامل حال من م یه ادمن ید ،
مای س میمیتقو خطاب به یوسخ ف ان « بنده حاضر هستم که به وطن خودم عودت ب .ن
آنوقت انتظار تشریف » ، نوشت حاضر است از راه سردش وار تد کردستان شود

که هر با مٌخصوصا و بشوم حضور عازم او همراه که نموده سالارسعید آقای [فرمائی]
بار من که نمودند می طلب مٌصرا شد می حاصل ملاقات انگلیس حکومت مأمورین از
دیگ ر داخل حکومت دولت علیاهیر انبشوم، بعد از ملاقات با سا سعلایرد مطالب خودم
۲. را به عرض خواهم رسانید

سالارسعید سنندجی از عوامل بومی انگلیس بود و از اعضای لژ روشنائی ی.

گردانندگان این لژ اعضای پلیس جنوب راانی بودن د. واقعیت امر این است که اهمیت لژ
یادشده به اندازاهی است که نیازمند تحقیقی جداگانه اس. تم ابرای روشن شدن جایگاه
ای ن لژ در تحولات ساختاری ایران معاصر، اشاراتی چند را ض رمور ید یانیم. لژ

۱. مراسله اسماعیل آقا سیمیتقو، ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۴۱ مطابق با ۲۶ آذرماه ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

۲. سیمیتقو به یوسفخان نایب سرهنگ، ۲۸ آذرماه ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

روشنائی متعلق بود به پلیس جنوب ای. را اعضاء این لژ همه انگلیسی بودند به

استثنای دوت : ن مارتی روس سرکیس ارمنی و دکتر مظفرالدین الرف سلطنت مه شهو رب هخان

فرخ که یهودی بود و فردی نظامی شن امخت یهشد و از اعضاء اس پی آ. ۱ مار تیروس

تنها عضو غیر نظامی لژ به ش ممار یام د. سالها بعد ساوا گ کزارش داد او از مأمورین

۲

فعال سرویس اطلاعاتی بریتانیا، ام آی شش بوده است.

پلیس جنوب در تابستان سال ۱۳۰۰ منحل ش . د اما سال بعد مقارن مهر و آبان هفت

ت ن از افسران انگلیسی مقیم ایران تقاضا کردند لژ روشنائی با ان نامهمولی این بار ب ه

جای شیراز در تهران فعالیت ک ن. دل ژروشنائی شعبه یهود از گراند لژ اسکاتلند که در

هندوستان فعالیت میکرد ، این لژ شعبه یابی در شهرهای آبادان و مسجد سلیمان یعنی

مناطق نفتی ایران هم دایر ک ر. د محل تشکیل لژ مزبور خانه افلمتل حک شیرازی پدر

علیا صغرخان حک مت بود. ل ژروشنائی در سراسر دوره سلطنت رضا نشهاهن و آشکار

۳

به فعالیت خود ادامه داد.

سالار سعید از شناخته شده ترین کارکنان انگلی سدر کردستان بود؛ وی یار گرما به و

گلستان فلیچر ، مأمور سیاسی ارتش انگلیس به شمار میرفت، فلیچر در ایام جنگ اول

ه مشهور ب، و دمقر او هم خانه « شیطان سی ا » جهانی در کردستان عراقو ایران به

سالار سعید جزو خانواده های « سالار سعید بود . به روایت تهمورث آدمیت

۴د به ع بارتی سالار سعی د از یهودیان « جدیدالاسلام ی بود که از بغداد ابده ایران آمده بود. ن

بغداد بود که تغییر کیش داده. ب. م وندزل سالار سعی د بعدها در دوره بعد از کودتای بیست

و هشت مرداد هم محلی بود برای تشکیل محافلی که سالها با هم رابطه. ایندا شتند

سالار سعید همراه با ع ا دهی دیگر که از اعضای قدیمی لژهای فراماسونی ایران بودند،

بعده ا به ویژه در ماجرای کودتای ۲۸ مرداد و تحولات پس از آن نقشی بسیار مهم

۵

برعهده داشتن د. طبق سندی که بالاتر نقل شد، سیمی اتیقون سالار سعید را واسطه کرده

۱. اسماعیل رائی ن: فراموشخانه و فراماسونری در ایران، ج ۳، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۸)، ص ۱۱۶

« . سازمان فراماسونری »، ۵/۱۳۳۹/۲ . گزارش ساواک، ش ۵۶۰۴ /د/ف/۸، مورخه ۲۹

۹۷-۳. اسناد فراماسونری در ایران، ج ۱، (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۰)، صص ۹۸

۴. تهمورث آدمیت: گشتی بر گذشته، (تهران: کتابسرا، ۱۳۶۸)، ص ۱۴۲

۵. برای مختصری از سالار سعید ن ک: حسین آبادیان: دو دهه واپسین حکومت پهلوی، چ ۳، (تهران: مؤسسه

۱۰۵ و ۱۲۶ - مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۷)، صص ۱۰۶

ص: ۲۲۴

بود برای بهبود رابطهاش با رضاخان، به عبارتی شاید بتوان گفت سالار سعید از همان ابتدا از ارکان حکومت پهلوی در غرب کشور بوده. اسد ر تضمین‌رشی هم به ذهن متبادرم میشود و آن اینکه رد صفحات گذشته به نقل از دکتر حبیب آولردویم در جریان غائله سیمیتق و به تعدادی از یهودیان در منطقه غرب کشور از جمله صائین قلعه صدماتی وارد شد. دبعلاوه عداهی دیگر از آنان که مقیم سلما و سجاهاهی دیگر بودند، لالبته و شدند دیگر نقاطی به کوچیدن به ناچار. رفتند فلسطین به آنان از بخشی م حال پرسش این است چه ارتباطی میتوان د بین لشکرکشی نابهنگام بویم و ر در رضاخان ب این تحولات وجود داشته باشد؟ دو دیگر ه انیقنکش سالار سعید سنند د جریای ن میان چه میتوانست ه باشد؟ اگر توجه داشته باشیم سیمی بتقاو سالار سعیمی دانه خوبی داشت، آنگاه این پرسشها اهمیت بیشتری میابند.

دیدیم و در سطور آتی بر اساس اسناد باز هم ی ت ح وخصواهییم داد سیمیتقو اندکی بعد با رضاخاناز در مکاتبه درآمد و حتی رضاخانبه او اجازه داد به کشور مراجعت کند، حال باید دید رضاخانز لشکرکشی به غرب کشور چه ان گیزه نهانی به جز برخورد با او در سر داشت؟

به هر حال رضاخانوقتی نامههای یوس فخان را که نشا من یداد سیمیتقو با سمیتکو تبعه ایران « مشاورت انگلیسیها قرار است به ایران بازگردد مشاهده کرد، نوشت شوارد مذاکره ش. ۱۰داین « است برای جلب و تأمین او فقمطیتوان با شخص خود یادداشت پس از آن نوشته شد که عبدالله طهماس بتوضیح دادسیمیتقو مایل است به

مشارالیه پیغام داده « د رادامه آمده بود « . از انگلیسیها ملاحظ هم ینماید « ایران ب ر گردد ، اما

است که برای سرعت و سهولت کار خوب است از طرف دولت علیه توسط قونسول
نزد ایران به من مراجعت برای مشارالیه قونسول توسط و شود داده تأمین بغداد تلگرافا
۲ طهماسبی بر این باور بود که بهتر است «. انگلیسیها اقدامات لازمه به عمل بیاید
سیمیتقو به تهران بیاید و مدتی آنجا ساکن باشد تا نتیجه اقدامات در مورد او روشن

۳

شود و بعد به کردستان بازگردد.

۱. رضاخان به امیرلشکر غرب، بیتا، اسناد وزارت جنگ .

۲. عبدالله طهماسبی به رئیس ارکان حرب کل قشون، ۱۱ جدی (بهمن) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

۳. طهماسبی به رئیس ارکان حرب کل قشون، ۸ برج دلو (بهمن) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۲۲۵

انگلیس و عملیات سقوط قوام

در این حال بریتان یماشغول دسیسه برای سقوط قوابعو د. دول تبریتانی اک هب اق وام چندان میان های نداشت و بحث قرارداد نفتی ب استاندارد اوی لوسپسش رک تس ین کرال ر فراموش نکرده بود، مدعی شد وجوهی را ب هتناوب ب هم صر فامنی تجن و بایران رسانیده است. نی ز این دول تپیش از ای نادعای ب پیایه ای مطرح هب و دکه طبق آن یکصد و سی هزار لی ره اب تانعق ا دقرارداد ۱۹۱۹ ب هوث وق، ن صرال تدول ه فی روز و اکبر میرزا صار مالدول ده اده است. این زمان که بحث قرارداد نفتی با آمریکا ثیا ن مطرح ب ود، بار دیگر آن ادعا تکرار. شدم ا پیشتر در رسال اهی جداگان ه بح ثادع ا پیرداخ ترش و ه باب ت انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ را واکاویدهی م و دروغ بودن آن را نشان ایدامد؛ هدر همان رساله بحث کرده ای م که آن پول به واقع نخستین قسط وامی بود که باید به ایران داده م ش دوی البته دول توثوق هم آن را در میان مخالف اق ن راردا د پخ شک رت د اعتراض اتآنه ارا

۱

فرونشانده؛ و به موافقان قرارداد از آن پول چیزی نر نسهی دوثوق و نه ن ص ارلدتول ه ه

ب.

ای ن مبلغ ناچیز نیازی نداشت. ن آ دنها جزو متمولین بودن د و در تهرانو سایر جاه ام لاک و

مستغلات فراوانی داشتن. دتازه اگر هم رشوهای پ رداخت شده باشد، باید انگلیسیها جواب

پس می دادند که تلاشکرده بودن د از طرق غیراخلاقی و بازدوبندهای استعماری امتیازی

ظالمان ه به دست آورن؛ دنه مقاماتی که از آنان سخن به ممیایآمد در عین حاب ل اد

ی.

توضیح داد که ه از تیم سه نفره وثوق، فیر و زاکبرمی رزا، ب دوش کآن آخ ری نن هن ام
خوشی داشت و نه از بسیار یا تهام ا تمب ا بود . رد رای نمقط عزم ان یص الداورلمه ،
خوانهاخواه در جناحی قرار داشت که رضاخان سردسته آنها بود .

قوام این موضوع را که بریتانی ا بابت امنیت جنوب کشور از دولت چیزی طلبکار
است ، نپذیرفت . بریتانیا نیز به رغم وعادیه ک ه داده بود حاضر نشد مهمات و تجهیزات
پلیس جنوب را به دولت وقت ایران وا گذار کند . ب هواقع بریتانی ا اگر هم در صفحات
جنوبی ایران خرجی کرده بود ، نه برای مصالح دولت ایران بلکه برای حفظ منافع
خودش در منطقه ب و . ددولت انگلستان م یخواس تپولی را که خرج منافع خویش کرده
بود از ایران بستان . دپس بیهوده نیس تکه قوا محاضر به چنین پرداختی . ن ضشدمن

. ۵۸۰-۱ . ن ک: ایران از سقوط مشروطه تا کودتای سوم اسفند، صص ۵۸۳

پوشیده آگاهان بر . نداشت وجود پرداخت برای پولی هم دولت صندوق در اساسا اینکه نبود که این بهانه‌جویی‌های انگلیس فقط و فقط برای آن بود که دولت را از انعقاد قرارداد با شرکتهای آمریکائی منصرف نماید و امتیاز نفت شما کشور را هم به شرکت نفت انگلیس و ایران واگذار کن . دولت انگلیس در خصوص توری با دولت قوام آنجا پیش رفت که وقتی مشاهده کرد او حاضر ن‌یستاز تو برگ جنگی بازمانده از آنها را خریداری نماید، حاضر نشد آن لوازم را ب‌هنحوی به دولت ایران واگذار د. ک‌ندر مقابل، آنها همه چیز حتی حیوانات بارکش مثل قاطرها را از بین بردند و یک قبضه تفنگ هم به دولت قوام ندادند .

انگلیسیها اس‌تقرار سیاستمداری آگاه به مسائل زمان خود را بر نمی‌تافتند. منافع آنان

،

در گروه حکومت ناآگاهان بر این مرز و بوم . ق‌ب‌واو م‌ی‌خواست باز هم بحث امتیاز

نفت شمال را به پیش برد و البته با استخدام مستشاران مالی آمریکا ا‌د‌ر پیشبرد

اصلاحات مورد نظر خود کامیاب گرد . د‌ا‌و تلاش کرد مالیاتهای معوقه از زمینداران

بزرگ را دریافت کند تا بلکه بتواند جلوی کسری بودجه دهشتناک را . ب‌د‌ر گایرنند میان

او متوجه شیخ خزاع لشد که دولتی در دولت تشکیل داده بود و سالهای از متما

پرداخت مالیاتهای معوقه خودداری م‌ینمود . برخورد با خزاع لم‌سئله این بود که به این

سادگیها قابل رفع و رجوع باش‌اد‌و از انگلستان ندال گرفته بود و ت‌ا‌حلتمایه دولت

فخیمه به شمار م‌یرفت . از آن سوی برخی از طوایف و ایلات و ع‌ربشایر

خوزستان از این مرد حمای م‌ت‌یکردند . قوام برخورد با خزاع لرا در دستور کار خود

قرار داد و در این زمینه به انگلیس سیهت‌توجهی نشان داد. نخستین مرحله از عدم کفایت نظامی رضاخان در نخستین اردو کشی علیه خزعل بروز کرد: قوای چهارصد نفری او در نبرد با سواران بختیار یکه به اشاره خزعل له مقابله آمده بودند شکست خورد و با تلفات زیاد وادار به عقب‌نشینی گردید. عملیات علیه خزعل لمبدل به ابزاری شد برای ناکامی دولت قوا. شکست نظامی دولت مرکزی در برابر یخاکن محل‌ینشان از ضعف قشون داشت.

کارشکنی پشت‌کارشکنی کار را به جانی رسانید که بالاخره دولت دوم قوا، یم‌ک روز بر سر مسئله سوءاستفاده از تمبر دولتی در سم‌اجل ستیضاح شد و سقوط ک.ا.ریدن بار هم این سلیم‌امین‌زا بود که کابینه را وادار به استعفا نمود و او در و تدین هم در این

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

مرحله او را یاری کردند. ائتلافی از سوسیالیستهای تقلبی با طرفداران حکومت پادگانی

دست به دست هم داد و این بار قوام را برای مدتی مدید خانه‌نشین ساخت .

علاوه بر اینها وقت ی مجلس به صورت مقدماتی طرح واگذاری امتیاز نفت شمال

ایران به شرکت استاندارد اوی رلا تصویبمیکرد ، به ناگاه موجی از یهسودتیزی

ظهور کرد . ناظران آمریکائی ی معتقد بودن د که این موج ناگهانی به واقع تحریکی عمدی

برای ایجاد بحران سیاسی و ممانعت از تصویب طرح واگذاری امتیاز نفت بشهم ال

شرکت استاندارد اویلاس ت. قرار بود لایحه واگذاری امتیاز نفت شمال ایران به این

شرکت در روز بیست و سوم سپتامبر سال ۱۹۲۲ مطابق با اول مهرماه ۱۳۰۱ بررسی و

تصویب شود .

در خلال روزهای نوزدهم تا بیست و دوم سپتامبر مطابق با ۲۸ شهریور تا یکم مهر

آن سال، بخشهایی از تهران تحت تأثیر آنچه تحریکات ضدیهودی به نظر می رسید ، تکان

خورد . به یک کارمند یهودی هیأت نمایندگی آمریکا در تهران، حمله شد و وی زخمی

گردید . کورنفلد ،م ترجم رسمی سفارت یعنی علی پاشا صارلاب حرای تحقیق به محل

حادثه اعزام کرد . ماجرا از این قرار بود کیهک قزاق به کارمند یهودی سفارت حمله

کرده و او را مجروح کرده بود . کارمند مجروح سفارت تاز مأموری ن ژاندارمری که در

صحنه حضور یافته بودند، تقاضا کرد قزاق مزبور را دستگیر نمایند و یا حداقل مدارک

شناسائی او را مطالبه نمایند . ادما دو تن ژاندارم مزبور مخالفت کردند. کورنفلد نام های

شدیداللعن به وزیر امور خارجه نوشت و در آن توضیح داد چگونه ممکن است در

شهری که هشت هزار تن نیروی انتظامی دارد، چنین حوادثی روی دهد؟ دو سال بعد

روی بر بریتانیا بوسیله یهودیان، علیه بلوا نمایش که بود باور این بر صریحا ایمبری
صحنه آم د . این صحنهسازی هم به دست شخص وزیر جنگ یعنی رضا صخا ورنه
گرفت. این دومین باری بود که دستهای یهودستیزی را برای نیل به آمال بخصوصی
د راستای اهداف انجمن صهیونیس و ت البته صهیونیس بینالملل سازمان دادن د . بعدا
های انگیز و علت ما شد، تکرار عینا جریان همین بار سومین برای ۱۳۰۳ سال اوایل در
این موضوع را در تحلیل حوادث آن سال مرور خواهیم کرد.

Imbrie to Secretary of State, June ۱۱/۱۹۲۴, DS. ۸۹۱.۶۳۶۳-SO/۳۷۰, Also see: Majd. Op. cit., ۱
p. ۱۴۳

ص: ۲۲۸

مدرس و پیشنهاد استیضاح رضاخان

عملیات بحران سازی تمامی نداشت. ر. توز ۱۲ مهرماه سال ۱۳۰۱ معتمدالتجار، نماینده تبری ز لایحه ای در صحن مجلس قرائت کرد و از ظهور ارتجاع در و تب رریشزت و خرابی اوضاع و نقض قوانین کشور شکایت. نما وو ندسبت به عدم الغای حکتوم نظامی اعتراض نمود و تقاضا کرد نظامیان از خیابانها احضار. شمو عتدمدالتجار نقض ف « ننگآور و باعث تأس » قانون اساسی را بعد از گذشت هفده سال از مشروطیت دانست. معتمدالتجار گفت متأسف است از اینکه بعد ز آنهامه خون که برای مشروطیت ریخته شد، امروز به جای اصلاحات اساسی باید از نقض قانون اساسی سخن به میان آورد. او مجلس چهارم را به باد انتقاد گرفت و گفت نمایندگان برای صیانت از حقوق مردم برگزیده شده اند، لیکن امروز همه در برابر تعدیات نسبت به قانون اساسی د: ساکتن متأسفانه بعد از... مطالعاتی که در این مدت ک ا ریدمه م بینیم نسبت به امورات اساسی « مملکت و حملاتی که به اساس و ارکان آزادی و مشروطیت در این مپایت یخشوتد مجلس ساکت و نمایندگان محترم توجه مخصوصنمیفرمایند. جلسات گرانبهای مجلس تمام صرف جزئیات شده و اوق اذیق تیمت نمایندگان تلفمیشو د. دشمنان توسعه را خودشان در لاینقطع مملکت استقلال و آزادی کار، اتصالا نقش ه های م یدهن د برچیده که مشروطیت بساط دستار، نه و ماند می سر نه که رسد و

قریبا روزی می

می شود سهل است استقلال مملکت را مهم بیرند. ترتیبات حالیه بنده را قح م ی ده د

کهنسبت به اوضاع حاضره بدین و ظنین .ب امشجل مس که حامی و ناظر قوانین اساسی است دلسرد، شاه که حافظ و نگهبان قانون اساسی و اصول مشروطیت است در خارج، از این بالاتر موکلین به امید اینکه وکلایشان در مجلس، «دیگران در حال تب یتکلیفی دیک مرتبه ملتفت» حقوق آنها را صیانت میکنند، با فراغت مشغول کار خود ه ؛ ستن . خواهند شد که خاک بر سرشان شده است

معمدالتجار به درستی گفت وقتی قانون اساسی یر پا گذاشت ه میشود ، نمایندگان برای چه موضوعی قانونگذار می کنند؟ کدام هیأت دولت مجری قوانین خواهد بود؟ مگر ملاحظه نمیفرمائی د در خارج نمایندگان و این مجلس تا چه درجه موهون « شدهان د ، به هر محفل و اجتماعی مکھیرویم و با هر کس که ملامقا یکن تیم از را حاضره اوضاع هستم حیرت در حقیقتا ... کنند می شکایت مجلسیان و مجلس سکوت

۲۳۰ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

حقیقت در . دید ملی حکومت یک اطلاق سزاوار و لایق و ب مناس توان نمی قطعا

نمایشاتی م ی شو د که خیلی اسباب وحشت و پریشانی و نگرانی . ا عسملیا تتی در مرکز

مملکت م ی شود که به نظر بنده ممکن است در آتیه نزدیک برای مملکت و ملت

» . خطراتی را متوجه سازد

معمدالتجار بدون اینکه نامی از رضاخا ب نبرد پرسید چرا بدون مجوز قانونی جرائد

را تعطیل میکنند ، مدیران آنها را توقیف و حب م سینمایند و آنها را زجر م یدهند و

تبعید میکنند؟ جواب او این بو د:

برای اینکه از کثرت ظلم و تعدی و انتخاب اشخاص بدسابقه برای مأموریت ها و

اختلاسها و هزار مظالم دیگر تنقید کرده و دولتیان را به راه راست دلالت و

نصیحت م ن یمایند، اینها عوض اصلاح احوال و مفساد خودشان متشبث به نقض

قوانین میشوند . آیا برای جلوگیری از خطرات متصوره نمایندگان ملت چه

تصمیمی اتخاذ مینمایند؟

معمدالتجار از نقض اصل مسئولیت وزراء در حوزه ی کاخرو د انتقاد کرد و پرسید

چرا یک وزیر در کار سایر وزارتخانهها دخالت مینماید؟

ء اند ده خوبست برای مراعات سوگندی که آقایان نمایندگان در مجلس یاد کر

عجالتا از

بعضی کارهای جزئی صرفنظر فرموده و اوقات عزیز و پربهای خودشان را صرف

مذاکرات مهمه اساسی بفرمایند، از قانون اساسی که به غیر از لفظ و یک کتابچه مطبوع

ها و در خانه ها آنهم در کتابخانه [چاپی] =

عجالتاً چیز دیگری نیست، همان مظلومی که

در ادوار فترت میشد، همان خلاف قانونها که در آن اوقات مرتکب میشدند، حالا هم میشوند و این مظالم و نقض قوانین باز زمینه هئای برای انقلابات در مملکت تهی کرده و میکند. معلوم میشود ماها عمرمان را باید در انقلاب صرف نمائیم و همیشه در زدوخورد باشیم ترتیبات و اوضاع حاضره و این لاقیدی در مراعات اصول قانون و د ش ی م ض ت ه و ن ه اساسی است ک

اتصالاً در مملکت باعث تولید قیام ها ها . قیام

تجدیدیون تبریز ۱ برای چه بود؟ آیا به غیر از عدم رضایت از اوضاع پریشان و اسفاور مملکت بود که میخواستند دولت را وادار به اجرای کامل اصول قوانین اساسی بکنند؟

۱. منظور قیام شیخ محمد خیابانی است .

این نماینده از اینکه حتی قدمی برای اجرای قانون اساسی شود انتقاد برداشته نمی،

کرد و از اینکه گامی برای آسایش اهالی کشور برداشتمت پهبشود شکوه نمود. داو گفت
ه کت س ای گونه به کشور اوضاع « دولت یک شایسته اُبد و ت س ا ج ر م و ج ر ه ع ق ا و ر د
مشروطه و حکومت ملی نیس. ا تیرانی ا نبا غیرت که جمع شده و بیرق استبداد را
سرنگون و به تحصیل مشروطیت نائل شدند گ ن مامنیکنی م دیگر زیر بار استبداد بروند
ای چاره مجلس باید است زود تا شد خواهد خونریزی و انقلاب به منجر کار قُطعا و
بکن د و به انقلاب میدان ندهد حکومتهای نظامی باید از مرکز و سایر قاط مرت ن فع بشود
ب ه وزراء تذکر داده شود که به وظایف یکدیگر مداخله نکنند، عواید دولتی باید از هر
منبعی که باشد توسط مأموران مالیه به خزانه دولت وارد و از آنجا مطابق تصویب
... مجلس به مصارف برسد

این سخنان انتقاد آشکاری بود از رضاخان که به هر گونه میخواست عمل م یکرد :
در کار سایر وزراء دخالت بجای م ینمود و خلاف قانون، نخود و جوهاتی اخ ذم یکرد و
ب ه مصرف قزاقهای تحت سلطه خود رمسیانید و به این شکل اوضاع را به م
میریخت. معتمدالتجار از دولت خواست کسانی را که علیه آزادی و م شروطیت
کنند می تحریکات « برسانند مجازات به و تعقیب شدیدا « . داد ادامه او : « چطور حیرتم در
اساسی قوانین و مشروطیت ضد بر علنا مشروطه دولت مأمورین چشم جلو شود می
او گفت به نظرم برسد که مقررات حکومت نظامرای « ! قیام و بدگویی یم یکنند
جلوگیری از اجتماع آزادیخواهان و خفه کردن آنهاست و نه استقرار ا. بمنیه ق تول او

مملکت ما وضع غریبی به خود گرفته است که ن‌مهیت ی جوان به یکی از اشکال «
حکومت‌های دنیای امروزه تشبیه کرد، معلومیشود اولیای امور ما به کلی در خواب
است حاضره اوضاع همین نتیجه در ندارند، ه امروز دنیای از اطلاعی اُبدا و بوده غفلت
اسا و تکفت تا وضعیت پایتخت اصلاح «. ک ه اتفاقات این چند روزه در تهران رخ داده
نشود ، نقاط دیگر کشور اصلاح نخواهند شد، معتمدالتجار از مجلس خواست در مورد
اوضاع گوناگون با وزراء وارد گفتگو شود تا تکلیف معین گردد در غیر این صورت
کشور اداره نخواهد ش د.

شهید سیدحسن مدرس ه مضم ن ایراد نطقی گفت اگر وزیر بد است مجلس باید
اورا تغییر دهد و در این ضمن نامی هم از رب ضرا د. خمادنرس در ابتدای سخنان خود

از کارنامه مجلس چهارم دفاع ک. رادو گفت رد کردن قرارداد ۱۹۱۹، لغو فعالیت پلیس جنوب و برداشتن سیطره‌ی کوه تا قبل از انعقاد مجلس همه شاهدش ب، و کدانرد مجلس است چهارم؛ « نیستیم خوشوقت ماها اغلب که است کسی دست در امنیت عَجالتا اما! » شما؟ « مدرس شجاعانه به معتمدالتجا رخطاب کرد که چرا در پس پرده سمخ ینگوید مگر ضعف نفس دارید این حرفها مرا یزنی د و در پرده سمخ م نیگوئید؟ ما بر هر کس قدرت داریم، از رضاخانم هیچ ترس و واهمه ند. ا.ریمام قدرت داریم پادشاه را عزل کنیم، رئیس الوزراء را بیاوریم سؤال کنیم، استیضاح کنیم، عزلش کنیم و همچنین رضاخان را استیضاح کنیم، عزل کنیم، میرون در در خانشهان م ینشینن د. قدرت ی که مجلس دارد هیچ چیز نمیتواند مقابلش بایستد، شما تعیین صلاح بکنید مجلس بر هر . چیزی قدرت دارد

به منزله سی کرور نفوس « مدرس شأن مجلس را بسیار بالا برد. او گفت مجلس و کسانی که غائله‌های مثل هجوم محمدعلی میر بزا عد از مشروطه را دیاندهد و « است او خاطر نشان ». دیگک ر از این چیز هنام یترسند « ، نیز فتنه سالارالدول هرا مشاهده کدرها ند فقط تنها چیزی که هست این است که بای د « کرد نم ی توان در برابر مجلس ایستاد و د او توضیح داد مجلسی کمهیتواند شاه را عزل کند، جابجا کردن ». تعیین صلاح را نمود سردار سپه برایش کاری ندا. رد این مجلس است که باید تعیین کند ابقای رضاخان دسوت « نفع کشور هست یا خ؛ی ارگر خیر میتوان او را عزل نمود و این کاری مهم نی: ص د گفته چون نیم کردار نیست، هی لایحه بخوانید، حائریزاده هم بگوید احسنت، اینها کار نیست صلاح و فساد را بسنجید و عمل کنید، بنده تقمندی یکن سم این مجلس را که

ب ا وجود این « او در خاتمه گفت: « ۱. از اول خدماتی که ا دهند و لا اقل ضرری نرساندینها ند

عقیده من در باب وزیر جنگ اینست که منافعش اساسی و مضارش فرعی است،

۱. « بایستی سعی کرد که مضارش رفع شود تا منافعش عاید مملکت گردد

استغفای رضاخان و دسایس قشون

د ر واکنش به اظهارات معتمدالتجوارمدرس روز شنبه ۱۵ مه رضاخان کلیه

۱. صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، مورخه پنجشنبه ۱۲ میزان (مهر) ۱۳۰۱

ص: ۲۳۲

افسران عالیرتبه را به وزارت جن د گعوت کرد و بعد از آنکه شرحی ز تلاشهای خود بیان داشت، استعفایش را اعلام نم و. دافسرانی که جمع آمده بودند، تک و توک به ابراز عقیده پرداختن د. آنها گفتند اگر او استعفا دهد آنان نیز مستعفی خواهند شد. به زودی هیاهویی در گرفت که ضمن آن همه به دفاع از رضاخا پرنداختند. رض اخان که ب ه منظو ر خود رسیده بود، محل جلسه را ترک کرد و به اطاق خود رف. تبلافاصل ه بعد از ای ن موضوع وی پستهای نگهبانی مجلس و نگهبانان خانه رئیسالوزرا را احضار کر د. به همین سیاق سایر نگهبانان در پستهای ایست و بازرسی را احضار نمود. سپس در شورای نظامی، خدمات خود را بیان داشت و در نهایت گفت از سمت رت و جنزراگ استعفا داده است، ما همچنان فرمانده نیروهای مسلح است. او تصمیم خود را به فرماندهان نظامی سایر نقاط کشور تلگرافی اطلاع داد. محمد آقا خان درگاه ی، حاکم نظامی تهران هم بلافاصله استعفا دا د.

ب اینکه رضاخا ناز منصب خود استعفا کرد، لیکن در مجلس و سایر دوایر اداری واکنش مه م ی صورت نگرف. ت مجلس با خونسردی به کار خود مشغول بود، اما درست چهار روز بعد از استعفای رضاخ یا کندسته نظامی ب هشکلی تهدید آمیز و با توپ از جلو مجلس رژه رفت ن. ددر سایر نقاط شهر هم همین رویه در پیش گرفته ش. در رضاخان ک ه مشاهده کرد محافل سیاسی چندان به استعفای او توجهی دها نندک، ربار دیگر شروع ب ه امضای نامه های اداری کرد! او م ی دانست مردم از استعفای ش خوشحال خواهند ش دو مطمئن بود با وضعیت پیش آم، دهمجلس کس دیگر ی را به جای ش خواهد گماش. ت پ س طبق روش معمول شروع به اخلال در امور کرد تا امنیت بیش از پیش دستخوش

تهدید واقع گردد و ضرورت ابقای وی در افکار عمومی توجیه شود .

رضاخان و همکارانش ب هقوه قزاق چراغ سبز نشان دادند تدار تهران و خارج شهر،

آشوب به پا کنند و دست به ضرب و جرح و قتل مردم بزنند تا وحشت عمومی تولید

گردد و به وجود او احساس نیاز شود.

شب همان روزی که قزاقها با توپ در شهر رژه رفتند، دو نفر مقنی بیچاره را به دام

انداختند ، یکی از آنان را با طناب خفه نمودند و دیگری را هم به چاه بی ا کف کردند

شب بعد در شهرنو تهران واقع در میدان گک،م ردر گیری ای رخ داد که ضمن آن یک

تن کشته و دیگری زخمی شد . تحقیقات نشان م یداد ، ضاربین و قاتلین ،ن ظامی بوده ان د

ص: ۲۳۳

ک هموقع بلوا لباسعادی به تن کرده بود ن.دی ک شب بعد از این ماجرای ،د ف و مردی را

ب ه قتل رساندند و جنازه او را در خندق افکندند، این فرد با ضربات ناشی از سرنیزه به

از این قرار کلیه این عملیات معنا معلوم میشود که از ناحیه قزاقها به « قتل رسیده بود:

۱ این عملیات در چندین نقطه دیگر شهر هم تکرار . سرشقدت و زد . « . وقوع پ یوسته بود

از مجموع آنها نتیجه گرفته مشی د که وضع امنیت شهر « و خوردهائی به وقوع پیوس؛ت

۲

خراب و در مردم تولید اضطراب و نگرانی نموده است گاملا . «

از آن سوی خبر استعفای سردا رسپه به ایالات و ولایات هم تلگراف شد، از امرای

ارتش خواسته شد بعد از وصول این خبر به نفع رت ضا ظاخبارنات راهندازی کنند .به

زودی در قزوی ، ن گیلان، انزل ، ی لرستان و گلپایگانو برخی دیگر از نقاط کشور به

کارگردانی رؤسای قشون تظاهراتی به نفع سردار سپه برگزار . د ر مشجدلس هم

طرفداران رضاخان مشغول به کار بو د.ن ب ده دلیل اغتشاشات شهر و پشت انهدمازیهای

طرفداران سردا رسپه ،م جلس در صدد برآم قدضیه را به نحوی رضابیح تش فیصله

ده د . به این شکل که رضاخ اطناعت خود را نسبت به قانون اسا وس میجلس ابراز

داشت و از برخی بدکرداریهای خود عذرخواهی کرد و مجلس هم او را در سمت خود

ابقاء نمود . نی ز او اعلام داش ت، حکومتظامی را برمیچیند و نظارت وزارت جنگ بر

اداره مالیاتهای غیرمستقیم و خالصجات را ملغی س،ا آ ختنه را در اختیار وزارت مالیه

هبو د . اما با وجود « زنده باد قانون اساسی مشروط » قرار م یدهد . شعار واقعی ای ن زمان

رضاخان، ق انون محلی از اعراب نداشت؛ شعار حمایت از قانون اساسی با وجود این
مرد، به منزله مخالفت با هرگونه حرکت انقلابی به منظور سرنگون کردن قزاقان به
شمار میرفت.

اما رضاخان در صدد برآمد تا از قان و اتقمامبگیرد؛ زیرا وی را بانی و باعث فشار
علیه خود میدانست. از این به بعد جز چند روزنامه انگشما تر، بقیه مطبوعات به
شدت علیه قوامیه حرکت درآمدن. د از آن سو، ی همگرایی بین وزیر جنگ و حزب
سوسیالیست به نحو ملموسی ازافیش یافت. هدف اصلی این دو یک چیز بود: برافکندن
قوامالسلطنه.

۱. تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۲۳۸

۲. همان.

ص: ۲۳۴

سیاست اسطوره‌سازی از رضاخان

نکته بسیار جالب در این تکاپو، و اهرائه پیشینهای از رضاخان نبود که با رنگ و لعابی افسانه‌ای، گذشتگی را صباغه‌ی اسطوره‌ای می‌داد. رضاخان و اطرافیان تلاش می‌کردند زندگی گذشته و خصوصیات شخصی او را با آب و تاب به مردم ارائه دهند. رضاخان اینک می‌توانست پیشینه‌ای مناسب برای خود بسازد؛ سوابق منفی را لاپوشانی کند؛ و علائم و آثاری که او را مردی معمولی نشان میداد، پوشیده نگه‌داورد؛ از این بالاتر همان علائم و آثار را با سیمائی اساطوری برهه مردم بنمایان. ادو اینک به اندازه کافی مورد توجه عوام و سیاستمداران واقع شده بود و به اندازه کافی قدرت داشت تا بتواند گذشته خود را تغییر دهد.

در کشوری با روایتهای جادویی، که قهرمانان با شیر ماگدهرگ پرورش یافت‌اند و نره شیری در برابر این قهرمانان مانند موش بوده‌اند، اسراییل چنین سیمائی ناممکن نیست. به این شکل از رضاخان قهرمانی افسانه‌ای ساخته شد. خود او هم بدش نمی‌آمد. به همین روایت میدان ظهور بیشتری ده. دیکه‌ی از این روایتها که در کتابهای تاریخی هم نقل شده، این است که رضاخان ابنه هنگامی که طفلی چندمها بهود، بین راه تهران سوادکوه در دامان مادر یخ زد و گمانمیرفت مرده‌است. مادر او را در اصطبل قرار داد و گرمای آن محل او را حیات بخشید و صدای گریه‌اش رهگذری را به خود جلب کرد و این طفل در تهران به مادرش سپرده شد. رضاخان با این روایتها می‌خواست بگوید، ستاره طالع او از همان دوره طفولیدیر آسمان درخشیده‌است و کائنات مردمان را به ظهور یکی از خواص بشارت داده‌است!!

« مورخین و خاطر نهویسانی که دوره رضاخا نرا در ک کدرها ند نوشته اند

، پدرش از

ن ، داشته « افراد عادی بوده و اجداد او هم در این نزدیکیها ادعای علو نسب خانوادگی اند

مادرم در شیرخوارگی مرا از تهران به سوادکوه » : اما نقل شده است که رضاخ امن یگفته

میآورده ، در بین راه گرفتار بوران شده، وقتی به یکی از کاروانسرا هاسن ی گب بین راه

رسیده ، مرا مرده پنداشته و در آخور طاوی یل ا هنداخته و رفته اس ت . بعد از ساعتی بر اثر

گرمی طویله من جان گرفته، سر و صدا راه انامد . ا خیتکھی از افراد قافله بعدی که

مادرم را میشناخته ، از نشانی کاروانسرادار که زنی به این نشان دیده که به این طویله

ب ایک بچه وارد شده، دانسته است و این حقیقت را امروز هم دهاتیهای حوو لحوش

ص: ۲۳۵

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

۱. «این کاروانسرا، برای یکدیگر و عابرین، سینه به سینه نقل میکنند و معروف است

تبلیغات انگلیس و محافل همسوی با آن هم به این هاف اوس اتنهرویج آن دامن

میزد. از همان زمانی که سیدضیاء مستعفی شد و رضاخان برجای ماند، کنسولهای

انگلیس گزارش میدادن د:

رضاخان به رغم تصدی وزارت جنگ همچنان فرماندهی نیروهای قزاق را بر عهده

دارد. او هرچند آدمی است عامی و فاقد اطلاعات جدید نظامی، ولی به علت

داشتن خصایصی چون شجاعت و قدرت تصمیم گیر، ی در میان افراد قشون از

اعتبار و محبوبیت زیادی برخوردار است. رضاخان ضدبلشویک است و به زبان

روسی تکلم میکند[!] ۲

تنها حقیقتی که در این گزارش آمده است، همان عامی بودن رضاخان و

ضدبلشویک بودن اوس ت. تکلم او به زبان روسی، اگر واقعیتی میداشت، در

زندگینامه‌های رسمی او بازتاب مییافت.

بهار و تحلیل موازنه نیروها

در چنین فضای، ی مطبوعات طرفدار رضاخان از ضرورت استقرار دیکتاتوری سخن

به میان می‌آوردند و بدون هیچ پرده‌پوشی، وزیر جنگ را دیکتاتور موردنظر خود معرفی

مینمودند. تبلیغات و ارباب، دوروی یک س ا کنهد. ۳ ملکالشعراى بهار جزو معدود

افرادى بود که نسبت به این تبلیغات ه شمدا یردا د. او خاطر نشانم یکرد، م شکل کشور

نداشتن برنامه و اصول و قواعد حکومت یا به تعبیر او پرنسیپ است:

به عقیده آنها آن مستبدین مشروطه صغیر، آن اعتدالیهای دوره دوم، آن دمکراتهای

بعد از مهاجرت، آن سوسیالیستهای پارسال و کمونیستهای امسال و آنارشئیستهای
سال دیگر... هیچوقت نباید به فکر و عمل و قاعده کار و پرنسیپ ثابت و روشنی
در چگونگی اداره کردن این مردم لخت و پریشان بود، و باید متصل بد گفت و بد

۱. شرح زندگانی من، ج ۳، ص ۳۲۱

۲. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ص ۹۴

۳. Ernst Kohn-Bramstedt: Dictatorship and Political Police; The Technique of Control by
(Fear, (London: ۱۹۴۵)

p.۱۶۴ f

ص: ۲۳۶

شنید و احساسات فرومایه شخصی را که هیچوقت مقام قدسیت و علو مرتبت عواطف و احساسات حقیقی احرار و آدمهای متعارفی را احراز نکرده و نخواهند کرد به جای هر دارو و درمان و فکر و اندیشه و تعمق و تأملی به کار بست و به کار برد!

او از مظلومی که بر مردم می رود یاد کرد و اینکه هیچ برانامی هیرای مهار این مظلوم وجود ندارد. بهار نوشت که اغلب کسانی که زمام حکومت را تبه دست دارند، دازرنج مردم هیچ تأثیری پیدا نمیکنند. اینان فقط و فقط به فکر منافع شخصی خود و حفظ یا پیشینه اد برای خرد کردن مردم « خانه و پارک و اتوموبیل و مسافرت لندن و پاریس: خوب بعضی عوامفربها و حقه‌بازیهائی دارند که یا خود بلدند و یا بادمجاشی ننهائی اطراف به

۱

آنها یاد میدهند، راه و چاره را نشان داده آنها را به یک دماغوژوی صد قدم استفاده فلسفه دیده به علم الاجتماع آگاهی «تعدهای دیگر که!» رهبری میکنند، گور پدر رعی به بهانه اینکه ایران، «یافته تاریخ و فلسفه تاریخ خوانده و بارها مصدر کار دهان دش نفرین شده است و مشروطه عملی نیست، و یا به بهانه اجالینکب مانع اصلاحاتند و ت، بارگران مسئولیت از دوش خویش برداشتد هو در هوای منافع «امثال این ترها» آیا با دیکتاتور-یچنانکه «؟ فردی به کاری مشغولند در این شرایط چه باید کرد تشویقاتی در اطراف این امر از دیرباز در کار-اسمیتوان مفاصد را رفع نمود و یک شیبهدا؟ خاطر نشان کرد، داین اندیشه «دیکتاتور غمخوار برای این مردم از چوب ترا جنایات ادبی و امجتماعی کی ک» زودتر از همه به ذهن او خطور کرده. ب علودت آنهم

و؛ لیکن در عین حال او گفته است، سہی تیج چاراهی جز ایجدا « محیط کثیف و خونینی ب دیده شد کہ نہ مجلس و نہ دیکتاتور » راما « ی امجلس یا دیکتات . و » ی ک مرکز ثقل نیست قادر بہ صیانت نوامیس ملی و اجتماعی نیست، زیرا دیکتاتور (قلچماق) ۲ در عصر حاضر قادر بر دوام و بقا نیست، تا چه رسد بہ انجام خدمت و اصلاح خرابیہا و مجلس ہم بہ واسطہ عدم پیروی از پیرن کسپ متین و اخلاق سادہ و حقیقی امتحان دادہ و میدہ د کہ دردی بہ دونامیرساند و اگر مردان اقلی م تدار ما ہم بہ تمام آمال علتالعلل ہم نداشتن اصول، عادت « ! خود موفق شوند، تازہ ہیچ کاری نخواہنکدرد . ۱ . یعنی عوامفریبی .

۲ . پراتتر از مل ا کلشعرا ی بہار است .

ص: ۲۳۷

۲۳۸ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

کردن به حیات روزمره و دخالت احساسات کوچک شخصی است در امور کشور .
بهار نوشت:

من نمیدانم چرا مجلس نخواست که از روز اول افتتاح خود به آقای وزیر جنگ با

زبان ساده بفهمان د: در مملکت مشروطه یا باید پی در پی کودتا کرد و بر ادوار

. نمود به قوانین مشروطه رفتار ظاهراً فترت افزود، و یا باید لااقل

ا و ادامه داد، در اثر رفتار رضاخان و زمام‌نویسها کتک خوردند، عربده کشیده

شد، حکومتها نظامی‌شد، رؤسایوزراها تهدید شدند و کابینه‌ها به میل شخصی وزیر

جنگ ساقط گردیدند و بحرانها ایجاد شد. از وزارت جناب که عنوان دولتی در دولت

یاد کرد، دولتی که مثل یک حکومت مستقل با مردم م ریفتکانرد و مالیاتها میستان د و

بر مردم تحمیل روا میدارد:

پولهای گزاف بدون بازپرس و تفتیش که از وظایف مجلس بود، خرج شده، حتی

میلیونها آجر و خروارها گچ به حواله این دولت خصوصی از انبار دولتی و از آجرپزها

اخذ شده و به مصرف بناهای شخصی رسید و عایدات هنگفت از عواید تحدید و

نواقل و خالصجات به اقسام مختلف از برزگران و دهقانان و رعیت بیخانمان غارت

شده ایران در ولایات به زور قزاق گرفته و نقله شد، آنچه هم مرکزی ت یافت بدون

تحقیق برباد رفته و اینطرف و آنطرف دست به دست زیر و رو شد، و احدی حرف نزد

و مجلس نگفت که این قضایا برخلاف اصول مشروطه است!

بهار نوشت که باید طبقه دومی به طور منسجم شکل گیرد و این طبقه منافع طبقه

سوم یعنی کارگران، پیشوهران و زارعان را هم صیانت مایند . جالب اینکه بها راین طرح

او قول به که داد می ن آ ی ا ر ب ا ر «طبقه اشراف و اعیان و قلدرها» اینکه با

ظاهرا روابط

۱

زیادی با هم ندارند، لیکن به واقع اقدامات آنها در جهت تأمین منافع یکدیگر است.

بهار که در طلوع

ه قدرت رضاخان در وزارت جنگ، در سیمای او یک نظامی

اصلا حطلب میدید و برای او شعر میسرود، این بار اندیشهها یش را چنین به نظم آور د:

سردار [سپه] به شه گفت سپاهی از م ن! امضای او امر و نواهی از م ن!

امر از من و نهی از من و دربار از تو تاج از تو و تخت از تو و شاهی از من! ۲

۲۴۹-۱. تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، صص ۲۵۳

۲. همان، ج ۲، ص ۱۰۲

ص: ۲۳۸

در آن ایام اکثریت پارلمانی یعنی فراکسیون اصطل لاجب به رهبری مدراسز قوام
هل محت ل و دسی ئ ره ب ن اقلیت و جراید منتسب به آنها دائمالیک ؛ کرد می حمایت
میبردند . دولت تلاش کرد قانون مطبوعات را به تصویب مجلس ب رل ی سا کندن مجلس
تسامح م یکر د . بالاخره در اعتراض به این وضع، ی رتوحنیان در مسجد جامع تهران
تجمع نمودند . نوبهار نشری ه ای ک ه با هوشیاری تمام مثل دروه جنگ اول جهان یحقیق
ر ابه اطلاع مردم می رسانید ، این بار هم تلاش کرد مردم از رادسیسه های پشت پرده
ک . ن ناو داز « هنوز م یخواهند با مملکت بازی » آگاه نماید . بهار از کسانی یاد کرد که
روباهبازی اجانب غافل و « غفلت اولیای امور ناتقاد کرد و نوش ، تاین دسته افراد از
برای پیشرفت نیات و احساسات شخصی، بر مصالح عمومی و بر نقشه اصلاحات لازمه
» ! پشت پا میزنند

بهار نوشت که انقلاب روسیه فرصت مناسبی در اختیار ایرانیان قرار داد تا خود زمام
امور خویش را به دست گیرند و کشور را به سوی سعادت و آبادی سوق دهند، اما
دبختانه و بسی بدبختانه دیده میشود که سیاست عمومی و اصلاحات عمومی و نقشه «ب
سعادت عمومی از دست مسئولین واقعی آن گرفته شده و در پناه آئین فریبی ع ووام
دماگوزی نحس که از آغاز افتتاح مجلس گریبانگیر عموم شده است، در دست هوچیان
و بیمغزان اجتماع ی ... و یا اشخاص بیخبر از سیاست افتاده و در مجلس شورای ملی
ک ه مرکز تفکر و تعقل و اندیشه و شهامت و نقشه کش و درایت سیاسی ماست اصول
عوامفریب ی و روضه خوان ی و مداهنهای شخصی یا خودنمائیهای ب ی معنی و مغرضانه
۱ «... تخم گذاشته است

در اواخر مهر سال ۱۳۰۱ زمزمه‌های از طرف جمعی از وعاظ و علمای روحانی
علیه هتاک‌ها می‌مطبوعات ب ه گوش رسی . د ب هتدریج دامنه اعتراضات گسترش یافت و
بالاخره دکانها بسته شد و کثیری از وعاظ روحانیان در مسجد جامع گرد آمدند و
همزمان عده ای ب ه دفاتر برخی جراید حمله کردند و آنها را غارت نمودند. مبرورن خدی علما
مدی روزنامه پژوهش یعنی ابوالقاسم کحزادل هرا مهدورالدم دانستن . د د رابطه با این
تحولات بهار نوشت:

. « مسائل جاریه » ، ۱ . نوبهار هفتگی ، ش ۵ ، سه شنبه یکم عقرب (آبان) ۱۳۰۱

ص: ۲۳۹

۲۴۰ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

رجال مشروطه طلب و سیاسیون ما و همچنین علما و وعاظ آزادیطلب باید بدانند:

این دیو هرج و مرج است که به لباس تکفیر و تحریک و شبهه کاری در محضر
علما و به همان نسبت در محافل سیاسی دیگر چه مجلس و چه خارج مجلس وارد
شده رل خود را بازی میکند. این یک خر دجالی است که از موی آن یک نوا و
نغمه بیرون میآید، کودتاها، ظهور دوره فترت، انقلاب، بدنامی در افکار عمومی
فرنگستان، اثبات عدم لیاقت، مرگ آزادیخواهان، انسداد در مجلسها، قحطیها،
غلاها، عقب افتادن اصلاحات، عقیم ماندن امر مالیه به وسیله آمریکائیان، از بین
رفتن امتیاز نفت شمال... گرسنگی مردم بیکار و پریشان یا جبار به قرضه های
ذوجنبتین و مقابله ناگهانی با یک معاهده ۱۹۰۷ دیگر.... و خیلی بدبختیها همه در

۱

میان پشمهای این عفریت منکر پنهانست.

بهار به خوبی م ی دانست ب ی ثبات کردن دولته، سیاستی است که بیگانه هم از آن
اجانب از این پی آ شمدها خشنود شده و برای « استقبال م ی کند ؛ او به صراحت نوش ت:
و البته راه برورنفت ت از بحرانهای جاری را ثبات و امنیت، « خود فال نی کم یگیرند
م ا به شهادت خیلی اشخاص هه موقت این منطق را دنبال ای داشم توه » : میدانست
همواره م یگفتی م که تنها علاج این خرابیهای اداری و تنها راه موفقیت به اصلاحات
اساسی دوام و ثبات حکومتها و همراهی و تشویق از زمامداران و ارائه طرق صواب و
ت ۲ اما اقلیت پارلمانی با نق ا شهی از پیش اندیشیده « . معاضدت با قدرت حکومتی اس
بدیهیگران ه م » مانع از استقرار ثبات و امنیت مشدی و کار به جایی رسید که به قول

۳! به آتش هرج و مرج و افراطکاری و سفاهت جمعی دیگر سوختند

ام این انتقادات بیفایده بود. زیرا داستان نیرومندی که رضاخان را نادر هم یکردند، قدرتمندتر و متشکک تر و سیاستمدارتر از کسانی بودند که صرف انتقاد را دستمای مبارزه با رضاخان نکرده بودند. دبا رضاخان باید مثل خودش با مشت آهنین برخورد میگردید. اما این عمل صورت نگرفت زیرا گروه موسوم به اصلاحطلب میخواست کارها را به نحوی مسالمانی ترفیع و رجوع کند. ب در اثر این سیاست در اواخر مهر سال

۱. «هرج و مرج»، ۱. نوبهار هفتگی، ش ۵، سهشنبه یکم عقرب (آبان) ۱۳۰۱

۲. نوبهار هفتگی، شماره ۶، سهشنبه ۸ عقرب (آبان) ۱۳۰۱، سرمقاله.

۳. تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۲۵۹

ص: ۲۴۰

۱۳۰۱ رضاخان به منصب خود بازگشت و چنادر قول داد قانون اسامی را محترم شمارد و مطیع مجلس باشد. ده مزمان او خود را به جناح موسوم به سوسیالیستها نزدیک ساخت و به این شکل هم در مجلس حامیانی یافت و هم شورویها را فریب. از اینداد به بعد مطبوعات شورویها و بارها رضاخان ارنا مردی ارزیابی کردند که عزم کرده است تا ایران را از نظام فئودالیسم به سرمایاھری سوق دهد و اینگونه تبلیغ می کردید که مخالفین او مرتجعینند و عوامل انگل است! تا عملیات فریب دادن شورویها موفق بود تا آنجا که به قول یوسف افتخار، ایز کمونیستهای قدیمی ایران، دولت شورویها بازگشت ناراضیان کمونیست را به ایرانمیداد تا مبادا در ایران دست به فعالیتهای

۱

تبلیغاتی زنند و به این شکل رضاخان را تضعیف نمایند.

حال که رضایت شورویهم به دست آمده بود، ساقط کردن قوا ساده تر شد.

بیتالغزل هجوم علیه دولت قوا، مسوءاستفاده از اموال دولتی و حیف و میل المبیالت

بود. این سخن چندان واقعیتی نداشت، زیرا دولت در آن زمان پولی در بساط نداشت

که بخواهد ببخشد و یا حیف و میل. کدنول دستش به سویکمپانی استاندارد اوپل

دراز بود تا مگر از طریق واگذاری امتیاز نفت، شوق مارلضهای دریافت کند تا بلکه

بتواند حقوق پس افتاده کارمندان مفلس خود را تأمین. نمجایرا دید شهر آشوب به این

شکل راه را برای رسوا سخاتن رجال مشروطه فراهم آوردند و نفع اصلی را قزاقان

بردند. بقایای رجال مشروطه رب اثر حملات مطبوعات از رمق افتادند و افکار عمومی

هم از آنان سلب اعتماد نمود. در غیاب این رجال اردوی قزاق روز به روز بر موقعیت

خود در جامعه ماف یزود. اینان از مطالب جراید استفاده نمیکنند تا مردم را به روزی

دلخوش دارند که جامعه اعیاری از فساد اداری به وجود خواهند. ناکوترده اینکه

همین افراد که با شعارهای منظرلهبانه وارد میدان سیاست شده بودند، بالاخره در حیف

و میل اموال عمومی گوی سبقت را از اسلاف خود ربودند، لیکن در آن زمان دیگر نه

حزبی بود تا مخالفخوانی کند و نه جریدهای تا سخن مردم را به گوش زمامداران

برساند؛ دولت نظامی رضاخانهمه چیز را به باد یغما سپرده بود. قوه قزاق بر اثر

عوامفریبی جراید طرفدار سردار سپه، به تدریج شریانهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی

۱. یوسف افتخاری: خاطرات دوران سپری شده، به کوشش کاوه بیات و مجید تفرشی، (تهران: فردوس، ۱۳۷۰)، ص ۲۴

ص: ۲۴۱

کشور را به دست گرفت و عجب آنکه کمتر کسی بود که این روند خطرناک را نظاره کند و دم بر آورد، تنها استثنای این زمان کسی نبود جز سیدحسن مدرس.

زمانی که عدها یعوامفریب شعار غارت اموال عمومی دما دیند، قوه قزاق اندن کا دک ب ا گامهائی استوار موقعیت خبو شرا در ارکان اقتصادی کشور نیز تحکیم منمید. به این طولی نمی کشد که سردار سپه و امیلر شگرهای وی همه چیز مملکت و ملت را در « شکل قبضه قدرت در آورده آنچه در ظرف مدت یکصد و پنجاه سال دوره سلطنت قجر و پیش از آن نزد رؤسای ایلات و گردنکشان ب زرگ در سرحدات و نقاط مختلف مملکت از مل ک و مال و جواهر و اسلحه جمع شده بوده است به دست این جمع افت د و قمیسم ت ۱. « عمده بلکه مرغوبترین آنها در تصرف سردار سپه در میآید

ب هروایت دول آب تادی هرچه ملک مرغوب بود به دست قزاقان افتاد؛ هرچه خانه ت؛ هر معامله نقدی بزرگی که در کشور « بنا کننده اش نظامی اس » عالی به چشم مخیورد س ب تالاخره از قبل نقدی هناه ی تازه. « ی ک طرفش یا هر دو طرفش نظامی ا » می شود « به دست نظامیان اداره میشود » به وجود آمد که این بانک هم « بانک پهلوی » گردآمده قسمت عمده سرمایه این بانک هم متعلق به قزاقی ک هب ت واد همین چندی پیش تنها

۲

درآمدش حقوق منصب نظامایش بود. بانک پهلوی در ابتدا بانکشون نام داشت که قانون آن در اول اردیبهشت سال ۱۳۰۴ به تصویب رس ی. داین بانک بعدها به بانک سپه تغییر نام داد. د علت اینکه نام آن را بانک قشون گذاشتن د، این بود که سرمایه اولیه ن با ک جدید از محل کسور بازنشستگی افسران قشون تأمین میشد. بانک مزبور نمادی بود از

آمیختگی پول با خون مردم؛ نمادی از راههای ثروتمند شدن قزاقان و مظهري از تسلط
اراذل ديروزين بر مردرهيگك مشروطه اى كه قربانى باندهاى پشت پرده سناريوى قزاقان
در بریتانیا شده بو . د به يا د داشته باشيم كه بعد از مشروطه، سلطه اشرافيت مالى بریتانیا
ب رمقدرات اقتصادى كشور، نه تنها از بين نرف ، بلكه تقويت هم شد . عمده چالشهاى
سياسى ايران بعد از مشروطه را در قالب تلاش مقانوپمذى تر محافل مالى بریتانیا برای
تسلط ب ر ارکان اقتصادى ايران بايد ارزيابى كرد .

د ر تابستان سال ۱۳۰۴ فرماندهان لشگر ه ا به اندازه كافى بر جان و مال و ناموس

۱ . يحيى دولتآبادى: حيات يحيى ، ج ۴، (تهران: عطار و فردوسى، ۱۳۷۱)، ص ۲۵۳

۲ . همان .

ص: ۲۴۲

مردم مسلط شده بودند که رضاخ با بتواند اسب شاهوار قدرت را در میدان رعب و
ب ه اصطلاح تسمه از گرده همه « وحشت بجهاند . برق از چشم مردم گرفته شده بود و
مرکزیت ی شکل گرفته بود که نتیجه آن را « ! کشیده اند و دمار از روزگار همه برآدوها ن رد
بعدها همه ایرانیان به چشمان خود دیدن د. بهار نقل میکند ،ت یمورتاش روزی در مجلس
گفته بو د، ابتدا میخواستند تهران را به عنوان نمونه اصلاحات درست کنند و آباد سازند
و بعد دامنه این اصلاحات وسیع و وسیعتر شود و به تدریج تمام ایران را .امفراا گیرد
قضی ه درست برعکس ش .د نخبگانی مثل تیمورتاب شاعث تسلط قزاقان بر مقدرات امور
مردم در تهران شد ن. دتهران که مغلوب شد ، بقیه شهرها هم به زانو درآمد.نبدرخلاف
شهرها خرابتر گردید، مردم فقیرتر شدند، تنها تهران، این شهر عجایب « گفته تیمورتاش
و غرایب، ورم ک ر.د بعضی مردم که با محیط متناسب بودند باد کردند، اما سایرین عقب
۱ «! رفتند و هنوز هم میروند

رضاخان از زمانی که وزیر جنگ شد تا زمانی که به سلطنت رسید، هرگز از
وزارتخانه ه تحت امر خود گزارشی مالی ارائه نکرد و هیچگاه به بازرسان مالیاتی از دخل
و خرج وزارتخانه خود توضیحی نداد . ی ک بار در آستانه ریاست وزرائی به لورین
گفت ک ه همه از این موضوع و ثروت شخصی وی مایرگایدردند ؛ آنگاه گف ،ا تز
حسابهای وزارت جن گچیزی برای خود بر نداشته اما ب داور از خانوادههای ثروتمند
پول گرفته اس . تاو صریحا گف ت ،ی ک بار از فرزندان ا ظللسلطان هفتاد هزار تومان پول
گرفته است که سی هزار تومان آن را خرج مدرسه نظام کرده و بقیه را به بانک سپرده

است. سی هزار تومان هم از فرمانفرما گرفته که در بانک دیگری نگمهدشارودی.

نکته جالب این است که رضاخباغنها در آستانه ریاست وزرائی ب هلو رین گفت ، این

مبالغ را برای تأمین آتیه شش فرزندش گرفته است و خرج خود او را هم دولت

۲

او در نهایت باز هم توضیح داد حسابهای وزارت جنگ پردازد؛ می

کاملاً مرتب است.

نامه‌های از فرمانفرما خطاب به فرزند شهنشیر تا لدول فی ه روز که به عنوان والی در

شیراز اقامت داشت ، گویاترین سند است از ماهیت جریانهای پشت پرده تسلط قزاقان

ب رمقدرات مردم ایرا . ناین نامه نشان میدهد که چگونه حتی قبل از مسافرت شاه به

۱ . تاریخ احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۲۵۹، لازم به یادآوری است که این کتاب در سال ۱۳۲۱ نوشته شده است .

.Lorraine to Curzon, November ۱۵/۱۹۲۳, FO. ۴۱۶/۷۳.۲

ص: ۲۴۳

۲۴۴ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

فرنگ در سال ۱۳۰۰، سناریوی جالب برای تغییر آرایش نیروها به نفع رضوابخانه زیان اشرافیتی که جز جبن و ترس چیزی نداشت، رقم می‌خورد. جالب تر اینکه طبق نامه فرمانفرما، این سناریو بعضاً توسط شاهزادگانی دیگر از ندان خقاجار هدایت می‌شد؛ شاهزادگانی که آلت فعل دستهای پشت پرده سیاست بودند. بوددن رای دن نامه مهم نشان داده شده که چگونه دسیه‌ساهی کوچک و به ظاهریاهمیت م‌یتوانند مسیر تاریخ را دگون سازن د:

اساساً چطور شد که اینطور شد؟ فقط و فقط، آقای میرزا محمدصادق [طباطبائی] ی و میرزا کریمخان [رشت] ی و سلیمان میرزا [اسکندر] ی قضایا را با خدایارخان [د] میان هم او یاری را های گذاردند و او را از خود نمودند و وعده کاملاً به او دادهاوند.

حضرت اشرف را به طرف آنها، به وجه اکمل، سوق داده که نتیجه را هم گرفته حالا در پیش هستند. البته یک حرکاتی از اعلیحضرت بيموقع بر ضد رئیسالوزرا طلوع کرد،

اساساً روسها و اینها البته طرفدار اعلیحضرت شدند. از قبیل ماها اولاً

آدم کاری حاضر نبود، من و غیره هم اگر بودیم، در وقت کدورت رئیسالوزرا را با مقامات عالیتر، از ترس آنکه مبادا بدنام شویم به کلی نزدیک نرفتیم و دورادور راه رفتیم و آنها استفاده نمودند از دوری ما، از طرفی، اول رئیسالوزرا را تهدید کردند که روسها طرفدار اعلیحضرت و شاه مشروطه هستند و خودشان را هم

نمودند ۱ که ما با کمیته مسکو طرف هستیم و از وزیر اینجا ملاحظه نداریم..... بعد

میرزا و از آنکه

واقعا رئیساً لوزرا مرعوب شد از اوضاع، آن وقت میرزا کریمخان

محمدصادق رفته و خودشان مصلح میشدند. قولها را که گرفتند، اطمینان که

حاصل نمودند، بین اعلیحضرت و او را هم به این طریق اصلاح نمودند که

اعلیحضرت در کمال سلامت بروند و او را رئیساً لوزرا و بالاتر بفرمایند. اصلاح

با اعلیحضرت به دست سلیمان میرزا و رابط عضدالسلطان بود و با سلیمان میرزا

می رفتند و حضور همایونی شب و روز، که در اواخر که من رفتم، دیدم

اعلیحضرت طوری از روی اعتقاد با حضرات است که به کلی ماها را دیگر بازی

۲

نمیگیرد و محرم صحبت هم نمیکند ...

۱. یعنی اینگونه وانمود کردند .

۲۲۲-۲. مهرماه فرمانفرمائیان: زندگینامه عبدالحسین میرزا فرمانفرما، جلد دوم، (تهران: توس، ۱۳۸۲)، صص ۲۲۳

ص: ۲۴۴

سناریوی تسلط قزاقان بر کشور در اوایل سال ۱۳۰۱ هنگامی که احمدشاه وارد ایران شد، رون جدیدی یافت. سلیمان میرزا لیدر اقلیت موقع ورود او با درشکه ب هاستقبالش شتافت و نزدیک گدوگدو حساباً با او به شاهرسید. شاه با سلیمان میرزا ملاطفت کرد و سلیمان میرزا هم زانوی شاه را بوسید. ادین ماجرا باعث نزدیک شدن لیدر اقلیت به شاه شد. از آن به بعد ایدنو اتحادی های غیرملموس تشکیل دادند که هدفش برافکندن قوام بود. شاه به درباریان دستور داده بود در انتخابات مجلس پنجم به سلیمان میرزا رأی دهد و به این ترتیب بهزار رأی درباریان به سلیمان افتاد. وقت یمدرس از این خبر آگاه میرز رسی د

احمدشاه عزل است! طبعاً: شد گفت

بدهد رأی سوسیالیست به که شاهی یعنی من بالطبع،

۱ دار و دست ه سلیمان میرزا خبر نداشتند و یمایدانستن د و «! ب هسوی انعزال نزدی کمی شود

تجاهلالعارف می کردن د که رضاخان به آنها فقط و فقط به چشم امبزیانرگرد و همینکه

از نردب ام دسیس هگریهای آنان بالا رفت، نردمبارا با کسانی که از پیش روانن د فروخواه د

افکند. رضاخان همان زمانیکه به مشیرالدول هتوهین میکرد، همان زمانی که سوسیالیست ه

برایش کف میزدن د و همان زمانیکه میرفت تا پیش از پیش ب ر مق دارت م ردم م سلط

اگ رب آنه اراه» شود، با بها ردر مورد فعالیت های سیاسی آنها صحبت کرد و گفت هبود

می رو و ماز ترس خرابکاریهائی است کمهیکنن د و عاقبت اگر صبر داشت هباشی دخواهی د

۲ بالاخره با تبانی دربار و مخالفت شور و اینگی، س. دی د با آنها چه معامله خواهم کرد

دولت دوم قوام مهم سقوط کرد. در گره در این باره سخنان زیادی گفتمه یشود، ام ادلی ل

اصلی، م خالفت شورو یو انگلی سبا قرارداددا امتیاز نفت شما ب لود که هنوز هم ب هقوت خود باقی بو. د بنابراین سن گاندازی سوسیالیستها، کارش کن یش خ صش اه، دسی هاسیه رضاخان و همسوئی سیاستهای انگلی و س شورو یدر برافکندن قوا، مکار را ب هاستعفا ی او و به قدرت رسیدن مستوفی کشانید .

۱. تاریخ احزاب سیاسی، ج ۱، ص ۲۹۴

۲. همان، ج ۲، ص ۲۶۰

ص: ۲۴۵

دولت مستوفی و مقدمات صعود رضاخان

سرانجام اقلیت پارلمانی سابق که توانسته بود عادی‌ها را از اعضای اکثریت را هم به طرف خود بکشاند، مستوفیا لجمال که را به ریاست وزرائی برگزید. بهار در این ارتباط نوشت:

آقای مستوفی یک مرد سیاسی صاحب فکر و تقوایی هستند، ولی افکار ایشان

بیشتر فلسفی است و به افکار تند یک فیلسوف و شاعر بزرگواری شبیه تر است تا

یک رجل سیاسی - اینست که ایشان در چهاردفعه زمامداری خود امتحانات

یکنواخت و متشابهی نداده‌اند، گاهی رشادت شدید بروز داده‌اند، گاهی با یعتنائی

زیاد، گاهی تردید رأی فوق‌العاده، گاهی محافظه و ملاحظه کاری و گاهی هم

خسونت و شدت و خلاصه آنچه به طور قطع می‌توان درباره ایشان پیش بینی کرد

(در عین اینکه ایشان به یک معما شبیه ترند تا یک قاعده ریاضی ساده) این است

در موقع سختی و اشکالهای گه در کلیات زیادتر از حد لزوم توجه دارند و غالباً

سیاست خارجی جا خالی می‌کنند، و در همان حال ممکنست در یک پیش آمد

سیاست داخلی به حد کفایت رشادت به خرج دهند و از گرده یکی دو کار

کوچک که قبل از تشکیل کابینه از ایشان دیده‌ایم تصور می‌کنم دارای سیاست

(عم ل) هم شده و بدان معتقد شده باشند!

۱. این پراگماتر و پراگماتر بعدی از خود بهار است.

بهار پیش بینی کرد دولت مستوفی بیک ماهی را مطالعه خواهد کرد و سرانجام هم به

۱

دلیل مشکلات خارجی از جمله مسئله نفت شمال، کنار هجوئی میکند.

آمدن کار روی برای ماهها کند فاش آبائی نداشت از اینکه صریحا لورین شرایط این در
مستوفی تلاش کرده اس. تدر همین رابطه او گفت برای سقوط هقموا فمعالیت م ن یم وده
است. او به وزیرمختار آمریکا گفت، از بدو ورود به ایران رواب طص میمان ی ب ه ام ستوفی
داشته، بارها با او ملاقات کرده و تبناطدر ن لموده اس. تپس از نخستوزیر شدن مستوفی،
لورین با رضاخان دیدار ک. ر ددر این دیدار که از ساعت شش صبح تا یک بعد از ظه ر به
طول انجامید، مسائل فیما بین مورد بحث قرار گ. رف از تجمله مسائلی که مورد بحث واق ع
شد، مطبوعات بو. درضاخان از نفوذ زایدالوصف مطبوعات بین مردم گلایه داشت و آنها را
باعث تشنج میدانست. لورین سخن رضاخان را تیا ی د کرد و گفت مطبوعات باید به نوعی
تعديل شوند. در این ملاقات رضاخاب نه لورین قول داد جهتگیر یمطبوعات را اصلاح
کن د. لورین بر این باور بود که رضاخان بهتر از هر سیاستمدار دیگری متوجه وضعیت است
و شکی نیست در موعد مقتضی نظرات خویش را به اطلاع مستوفی خواهد رسانید. ۲ لورین
نمیتوانست شادمانی اش را از سقوط فیر وهزم کتمان کند، او فیر رواز دسیسهگری مکار

۳

توصیف می کرد که در دولت مستوفی حذف شده اس ت.

روز پنجم تا دهم بهمانه ۱۳۰۱ ایران فاقد ک اینه بو د. مستوفی هم از دهم تا بیست و

ششم این ماه به انتخاب و معرفی اعضای کابینه خود مشغول بود؛ یعنی حدود یک ماهی باز

ه مکشور عاظل و باطل ب. و تدازه بعد از اینهمه به اصطلاح مطالعه، مستوفی حتی نتوانست
وزرای فواید عامه و پست و تلگراف خود را معرفی کن. د او تنه اپنج وزیر معرفی نمود که ه
عبارت بودند از سردار سپه وزیر جنگ، محتاشلمسلطنه وزیر معارف، ذکاءالملک فروغی
وزی را امور خارجه، نصرالملکهدای توزیر مالیه و ممتازالملک وزیر عدلیه. خ و دم ستوفی
۴ از « کابینه نوبی مند » ضمن اینکه رئیسلوزراء بود، وزارت داخله را هم بر عهده داشت. ای تن
نخست در نظر ناظران آگاه دولت مستعجل به م شمیآرمد، با نگاهی به ترکیب کابینه ه که ه
« اقلیت سابق »، ۱. نوبهار هفتگی، ش ۹۱، چهارشنبه ۲۵ دلو (بهمن) ۱۳۰۱

.Dispatch of Owens, No. ۲۰۹, April ۲۵/۱۹۲۳, DS. ۸۹۱.۰۰/۱۲۴۴, Also: Majd, p. ۱۵۰.۲

.Quarterly Report by Kornfeld, July ۱۵/۱۹۲۳, DS. ۸۹۱.۰۰/۱۲۴۷ Ibid, p. ۱۵۱.۳

۴. عباس اسکندری: تاریخ مفصل مشروطیت یا کتاب آرزو، ص ۲۲

ص: ۲۴۸

متشکل بود از غوغائیان دوره حبران مشروطه، مشخص بود که در تق دیر ای ن کابین ه چ ه چیزی نهفته است . تنها مخالف راستین دولت مستوفی، سیدحسن مدرس بود.

نو ک تیز حملات مدر سمتوجه برنامه سیاست خارجی دولت مسبتووفدیکه فروغی کا رگزار آن به شمار میآمد . مستوفی و حامیان به اصطلاح سوسیالیستش رفت و آمد های مکرری به سفارت شورویکه مأمورین آن دیدی به غایت کوتهبینانه در برابر تحولات کشور داشتند و در حصار اجزندی مشیهای ایدئولوژیک زندانی بودند، صورت دادند و مقدمه یک قرارداد تجاری را با شورویها مهیا ساختن د.

استقرار دولت مستوفیمقدمه ای بود بر صعود رضاخانه موقعیتهای مه متر با حمایت سر پرسی لورین . د دوره مستوفی بود که لورین پیش بین ی کرد رضاخانه زودی ریاست وزرائی را به دست خواهد گ . رفا و گ تفت در آن صورت رضاخان نود بالاتر اینکه « م ث ل یک دیکتاتور دستور صادر ک » میتوان د مجلس را تعطیل کن؛ دو

۱

د لورین، رضاخان را آشکارا بر قواوم مستوفی ترجیح داد . « . سلسله قاجار را برافکن »

چ هچیزی در رضاخان وجود داشت که او را در نظر لورین برتر از رجالی مثل قوام

قرار م ی داد ؟ گوش به فرمانی او و اراد شه برای تشکیل دولتی نظامی که حافظ منافع

بریتانیا باشد . رجال کشور هر مشکلی داشتند، بدون شک حاضر نبودند عروسک خیمه

ش ببازی تیم دیپلماتیک بریتانیا با . شنبی دهود ه نیستلورین گناه بحرا نهی ایران در

دوره بعد از مشروطه را به گردن اعیان و اشراف و به قول او ه او دسوللهطنه افکند و

نتیجه گرفت هیچ راهی برای بهبودی اوضاع ایران وجود ندارد مگر از طریق رضا و خان

مستشاران آمریکائی ۲؛ منظور از مستشاران کسانی مثل آرتور میل سیوود که چندی پیش

برای نظم بخشیدن به مالیه وارد کشور شده ب. و دلنیدل نفرت لورین از برخی اعیان

ایران واضح بو. د در بین اینان کسانی بودند مثل فی کرهوزمیگفت ، بریتانیا حق ندارد

انحصار کلیه حیات اقتصادی و سیاسی ایران را در دست خود گکی. بردالاتر اینکه او

متعرض شرکت نفت انگلیس و ایرامنی ش دو م یگف تکه شرکت یادشده قدرت

زیادی در ایران پیدا کرده است و این ضوعیتب رای آتیه کشور مناسب نیست . ۳ دیگر

.Loraine to Curzon, Tehran, ۲۱ May ۱۹۲۳, FO. ۳۷۱/۹۰۲۴.۱

.Loraine to Curzon, Tehran, ۲۴ May ۱۹۲۳, FO. ۴۱۶/۷۳.۲

.Loraine to Curzon, Tehran, ۳۰ August ۱۹۲۳, FO. ۳۷۱/۷۰۲۵.۳

اینکه کرزن در این اندیشه بود که مبادا وثو الدول ق و و خانواده فرمانفرما زمانی که قرارداد ۱۹۱۹ تحت بررسی بود آگاهانه او را فریب داده ب. ادشن را دین میان او آنقدر از فیروز نفرت داشت که خطاب به لورین نوشت، ی ک روز مستی محکم میان دو چشم

۱

فیروز به قول او خائن ک ب و بد. اگر فیروز به راستی نسبت به مصالح ایران مخد ت کرده بود و انگلیسیها آن را خیانت به منافع خویش تل مقی کردند، این نقطه قوت فیروز به شمار می آمد و نه نقطه ضعف و. ب بیهوده نیست که پیش از این حتی قبل از کودتای سوم اسفند، کسانی مثل آبرونسای، دنصرت الدول ه را تحقیر میکردن د. آبرونساید در خاطرات خویش چهاره ی خنده دار و تحقیرآمیز از نصا رلدتول ه ارائه م یداد. او ت را کسی میداند که در آستانه کودتا، خود به نزد «مرد کوتاه قام» نصرتا لدول ه این آبرونساید رفته و گفته است از گردنه آتاو جقزوی نرا با اسب آمده است تا خود را به که با عقب ن شین ی نیروهای «انقلابی» ژنرال انگلیسی برساند و نگرانی خویش را از انگلیس ی در ایران محقق خواهد شد، ابراز ن. مآیایردونساید برای تحقیر و تمسخر فیروز او یک کت اسپورت، شلوار گلف هلندی و جورابه های رنگی جلف پوشیده «: مینویسد ش ۲ تغییر از امثال کرزی نا به قول مشهور «. بود. ی ک کلاه آستراخان ایرانی نیز به سر دا تیم لیبرالهای انگلی، س محافظه کاران هم هرگز با نصرالد تول ه و امثال او بر سر مه ر نبودن د. به این نکته در مباحث آتی باز خواهیم گ. شهم تی ن جا خاطر نشان می کنیم که مثلاً. دادند می قرار تحقیر مورد را ایرانی هر کردند، می پیدا فرصتی هر گاه انگلیسیها کنسول انگلی س در مشه دزمانیکه از درگیری عادی ه از خوانین قوچاب نا یکدیگر ر

از گروهی بیسواد که یک شبه به قدرت دست یافته باشند، « : گزارش م یدهد، م ینویسد

انتظاری جز ایننمیوان داشت . ایرانیان مستحق خواری و ن خفتند. به گفته یکی از

۳. « حکام، ایرانیان چیزی به جز یک مشت وحوش نیستند

فیروز هر که بود، اینک مورد بغض و عداوت گروهی خاص در ق ربارری تادنا یا شت،

فیروز نه بیسواد بود و نه مردی خوار و خ ف. یفیر فوز تا وقتی به ائتلاف با مدرس

Some day give a good smash between the eyes of the traitor Firouz: Curzon to . ۱
Lorraine, May ۳۰/۱۹۲۲,

.FO. ۱۰۱۱/۴۹, in Lorraine Papers

. ۵۴-۲. خاطرات آیرونساید، صص ۶۵

. ۳. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ص ۲۴۳

ص: ۲۵۰

میاندیشید، مردی بود تا حدی قابل دفاع؛ آن هم در مقابل. قلمزایان اوقات نی او راه خود

را از مدرسه که به چیزی نماندیشید جز مهار قدرت قزاقان و اداره کشور در مجرای

بلکه شد، ن ا خ ا ض ر ا ب ل ا ت ا د ر ا و ا ه ن ت ه ن ا ص و ل م ش ر و ط ه و ق ا ن و ن ا س ا س ی ج د ا ک ر د، ط ب ع ا

ب ه ص و ر ت ی م ق ط ع ی ب ا ا ق ب ا ل ا ن گ ل ی س ی ه ا م م و ا ج ه گ گ. ف ر ی د ی ر و د ز و ا م ث ا ل ا و و ق ت ی ب ه ع م ر

س ی ا س ی خ و د پ ا ی ا ن د ا د ن د ک ه و ا ر د ا ت ت ل ا ف ب ا ج ر ی ا ن ی ش د ن د ک ه ب ه ق و ل آ ب ا د د و ل ی ت

گ ر د ا ن ن د ه آ ن ب و د ن د. « ه و چ ی ا ن »

۱. ائتلاف نخبگان و اوباش

« ه و چ ی ا ن » ب ه ه ر ر و ی د ر ن ب و د ر ج ا ل ق د ر ت م ن د س ی ا س ی ک ش و ر، د و ل ت ت ا ز ه ب ه ک ا ر گ ر د ا ن ی

ای ن ل غ ت گ ف ت ه م ی ش و د ب ه ی ک د س ت ه ا ز ر ت د ر ل ی ن م ر د م ت ه ر ا ن و و ل ا ی ا ت ک ه : « ا س ت ق ر ا ر ی ا ف ت

د ر ه ر ل ب ا س ه س ت ن د و ب ه ت و س ط ن ه ظ م ا ی ت ه ش ک ی ل ش د ه د ر ت ح ن ت ظ ر ه م ا ن ا د ا ر ه ب ر ا ی

ا ط ق ی ن ت ل ا م ؛ ه و چ ی گ ر ی ر ا ه ا ز ب و د ن م ل ی ع ن و ا ن ب ه م ل ی ت ظ ا ه ر ه ر گ و ن ه ا ز ک ر د ن ج ل و گ ی ر ی

ب خ و ا ه د ص ح ب ت ک ن د و ا ن ت ق ا د ی ا ز ک ا ر ن ظ ا م ی ا ن ب ن م ا ی د د س ت ه چ ی ه ا ه و ج م ع ش د ه م ی ا ن ح ر ف

۱. « او داد و فریاد میکنند و نمیگذارند کسی گوش به سخن گوینده بدهد

گروه با که رضاخان. بود دار جهت املاک، مستوفی انتصاب و قوام برانداختن

سوسیالیستها محشور و به عبارت بهتر مستظهر به حمایت آنها، و مدیخواست بر

مجلس پنجم تسلط یابد و به این طریق راه را برای اجرای همین قاتشیه بگشاید.

مستوفی م بیایست اول فروردین ۱۳۰۲ تاریخ برگزاری انتخابات را برای نیهماهی آن

ماه اعلام میداشت؛ زیرا طبق قانون اساسی انتخابات آتی باید هس ماه قبل از خاتمه

دوره مجلس چهارم انجام می‌گرفت. مستوفی که حتی نتوانسته بود اعضای کابینه خود را به موقع معرفی کند، اوقات را به تعلل گذرانید و بالاخره هم انتخابات با تأخیر برگزار گردید. دور اول انتخابات فقط در تهران انجام شد که کسانی مثل مخستوودفی، قوام، مدرس و سلیمان نیز اکثریت آراء را به دست آوردند. دز این انتخابات در زمانی صورت گرفت که قوام هنوز قدرت را به دست داد. اما شادتر شهرستانها آنقدر تعلل شد تا دوره مجلس چهارم رخناتمه یاف. ت مثل دوره ریاست وزرائی و ثوالقدوله در

۱. حیات یحیی، ج ۴، ص ۲۸۵

ص: ۲۵۱

مورد نمایندگان تا کردند می کارشکنی انتخابات کار در ای عمدا عده ، جهانی اول جنگ نظر خویش را از صندوقهای رأی بیرون بیاورند . با استقرار دولت مستوفی، شرایط از دمکرات « ه نظر مهیا ش . دانتخابات شهرستانها به کارگردانی کمیات یهموسوم به برگزار شد که زیر نظر ل سرشگر خدایارخان فعالیت م کیرد و ب هعبارتی ای ن « مستقل انتخابات بخشی از وظایف وزارت جنگ به شمار م آیمد؛ محل ای نکمیته هم در تهران واقع بود . ب ه این شکلقزاقان بر انتخابات مجلس چنگ انداختن . د طلیمه دولت نظامی از دور هویدا بود .

در این ایام هم سردا رسپه چیزی نبود که در منابع از او تصویر دهانکد . ر به واقع ی ک مثلثسیاسی عجیب ، ر ضاخان را هدایت میکر د: یک ضلع این مثلث را سرلشگ ر خدایارخان رهبری میکر د که نمادی بود از علاقه روزافزون قشون به تصدی قدرت سیاسی ؛ ضلع دوم مثلث در دست سلیمیارنزا اسکندری بود که رهبری سوسیالیستها را ب ر عهده داشت و به واقع نمادی بود از گرایش سیاسی که با چپ نمائی راه ر ابرای قبضه قدرت توسط قزاقان مگیشود؛ اما ضلع سوم نمادی است از عملیات پنهان و دسیسه های پشت پرده سیاسی آنهم توسط کسانیکه از پیش از مشروطه اقدامات خویش را آغاز کرده و در دوره مشروطه و بعد از آن، به ویژه در جنبش به اجونجگ خلود رسانیده و در تقدیر تحولات ایران سهمی غیرقابل انکار . د ارشت هنبردی این ضلع سوم با میرزا کریم خان رشتی بود . د ر برخی از اسناد و به ویژه در ام ه ان یک ه خطاب به سردار « نصرتا لدول فی ه روز در زمان تصدی گری ایالت فاونوشته شده، آمده اس :ت خدایارخان و میرزا سلیمان وی رشت ن خا کریم میرزا دست آلت و مقهور گاملا سپه

برنامه اینها و به طور خاص حزب سوسیالیست این بود که در مجلس ، پنجم « . میب اشد

۱

قانون اساسی را تغییر دهند و وی را رئیس جمهور نمایند د.

ب ه غیر از نامه یادشده خطاب به ف، یروسزندی دیگر از مجموعه اسناد ارزشمند

وزارت جنگ مدعای فوق را بیشتر اثبات مینمای د:

ملکالمحققین ناطق دسته خالصی زادها ظهار مینمود دو روز است خدایارخان از

کارهای پلیتکی کنار گرفته چون دو جمعیت پلیتکی در این شهر است، یک دسته

۱ . نصرتالدوله ؛ مجموعه مکاتبات، اسناد، خاطرات... فیروز میرزا فیروز، ج ۳، به کوشش منصوره اتحادیه و

. سعادیپرا، (تهران: کتاب سیامک و نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۸)، ص ۵۱

ص: ۲۵۲

تدین و سرکشیکزاده و رهنما و دموکراتهای مستقل، دیگری دسته سوسیالیستها که با خدایارخان همراه میباشند، چون در این چندروزه سر انتخابات ولایات و غیره دسته تدین و دموکراتهای مستقل پیش افتاده اند، به این علت خدایارخان هم

۱

از کارهای سیاسی کناره گرفته است.

و چه شگفتانگیز بود پیوند قزاقانی که جز زورگویی هنری نداشتند، ا

ب

سلیمانمیرزا، این شاهزاده سوسیالیس. ب ترخلاف مضمون سند بالا، خدایا ارخان صحنه سیاسی کنارگیری نکرده بود. او همراه با میرزا کریخا من عملیات نهان را برای رسیدن به اهداف مشخصی در پیش گرفته بود، خدایار خبا نروی نظامی و سلیمان میرزا بازوی روشنفکری میرزا کریخا ن ب ه شمار می رفتن د. به عبارتی نیروی به ق لو بهار قزاق که عبارت بود اب زین فرهنگت ی رن اقشار جامعه، ائتلافی « بیحمیت » و دول آتبادی نامیون با نخبگان سیاسی و برخی روشنفکران به رهبری سلیمان ب رمقیرازرا کرده بود. به ای نها باید عدهای از تحصیلکردگان در اروپا افزود که همه و همه در جبین رضاخان، بیسمارک رام یجستند. کسانی مثل مشفق کاظم، یعبدالله راز، ی علیاکبرخان دا و ر و کثیری دیگر از دسته روشنفکران نسل دوم مشروطه، همه و همه بر آستان رضاخان پایکوبی میکردند.

ب ه همه اینها باید تکاپوهای انجمن صهیونی سائرا تن را افز و د این زمان بین جامعه یهودیان ایران اختلافات یعظیم وجود داشت که به مناسبت انتخابات مجلس پنجم

شدت یافت. ی کسر طیف را کسانی مثل سلیمان کهن صو دعقزیزالله نعۓ مهدایت

میکردند که روزنامه هگئولا را بلندگوی خود ساخته و به نفع ص هی جوهنیانسیم

فعالیت م ینمودن د و سر دیگر طیف در دستان عزیزالله ب و راسللیمان حئی مقرار داشت

ک ه در انجمن ترق یعلیه صهیونیستها تلا شم یکردند . دکتر لقمان نهورای نماینده دوره

دوم تا چهارم جامعه کلیمیان ایران موضع ی بینابین داشت، به روایت لو ، ی دکتر لقمان

نفع شخصی را بر هر چیزی ترجیح میداد؛ بنابر همین روایت او که پزشک بود حتی

حاضر نم ی ش د از حق ویزیت خود بگذرد و وقت بیشتری در ا را جا خمتیعه یهود و

۲

موکلین خود قرار ده .د در هفتم آبانماه ۱۳۰۱ سلیمان حئی میانیه ا یانتشار داد که در

۱-۱۳۰۴-۱ . گزارش مفتش مخفی، مورخه ۲۲ جدی (دی) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ، ش ۴

۲ . تاریخ جامع یهودیان ایران، ص ۵۱۵

ص: ۲۵۳

ن اعلام موجودیت میکرد، این تشکل «انجمن حیث صیو» آن تشکلی جدید به نام
، م ی ئ ح ل ک ش ت ا ب ا ه ن ت ه ن لقمان دکتر انجمن داشت؛ قرار لقمان دکتر رهبری تحت ظاهراً
بلکه با دار و دسته صهیونیستها هم تفاوت داشت. حثیم این بیانیه را در روزنامه خود
یعنی همان هحئیم منتشر کرد، اینگونه به نظر میرسد که حثیم این بیانیه را بدان منظور
منتشر نمود تا فروپاشی انجمن صهیونیست را تسریع کند و اختلافات بین دکتر و لقمان
آنان را شدت بخشد.

طرفداران دکتر لقمانسه دسته بودند: نخست یهودیانی که از تندروی وحشت
داشتند که یهودیان یزد و کریم و کاشان از آن جمله بودند، حبیب این لانوری ا
رم یخواند. گروه دوم طرفداران دکتر لقمان یهودیان اهل کاشان «یهودیان محافظه کار»
اینان بیشتر به سبب همشهری بودن با دکتر لاقزمان»، بودن در تهران اقامت داشتند
گروه سوم طرفداران دکتر لقمان عبارت بودند از کسانی که «وی جانبداری میکردند
هراس بودند که مبادا او» ب هقول لوی نه تنها به ح ناعیتممادی نداشت، ن ب دلکه در
دردسرهایی تازه ای برای جامعه یهود ایران بیار و رآد. این دسته از روی ناچاری از دکتر
۱ در هر حال اوضاع همه به زیان انجمن صهیونیست. رابز و د «. لقمان پشتیبانی میکردند
و رمز بسیاری از تحولات نه تنها تهران، بلکه حوادث شهرهائی مثل و ش یکرار زمانشاه
و ایالاتی مثل کردستان و آذربایجان در این اختلافنظرها نهفته بود.

طرفداران مسیو حئی، م صرفنظر از چند نفری که به قصد «بناب ه شهادت دکتر لو، ی
عموماً، دن د و ب ه دش و اه گ ر ج دراوم ا ق م و م ان ز ا ر ح ا ف ده ه ب ای وی ئ و ج کینه و انتقام
خ ۲ دوردهمدان، اصفهانو برخی «. مردمی بودند صاحب آرمان برای بهبود جامعه

دیگر از نقاط کشور که جامعه یهودی در آنها وجود داشت، اوضاع به نفع بود. دحتری م

این شرایط انجمن صهیونیست ت خود را از انتخابات نا کر کشید و اعلام داشت در این

قضیه دخالتی نخواهد ک ر. دلیک ن وقتی مشاهده کردند ورق به نفع سلیمان حثیم

بر خواهد گشت، شروع کردند به حمایت از دکتر نه لقومراا. ین غیر از انجمن

تاجران یهودی و « صهیونیست ، دیگر مخالفان پبار جای سلیمان حثی معبارت بودند از

از سوی « سامات » کسانیکه احساس میکردند موقعیت جامعه یهود در خطر افتاده ا.

۱. تاریخ جامع یهودیان ایران، ص ۵۲۳

۲. همان .

ص: ۲۵۴

تند «دیگ ر هواداران مسیو حئی مجوانان از خودگذشتهای بودند که طبعی آتشین داش ک ه پیروزی او را در انتخابات نزدیک دیدند در بیانی ا ه ی خطاب به « مخالفین حئیم " دولت و ملت ایرا" ن آشکارا اعلام داشتند که مأمورین دولت با حئیم مساعدت میکنند و گرچه اکثریت یهودیان ایران با او موافق نیستند، اما چون احتمال رودم کیه وی به نمایندگی کلیمیان در مجلس شورمالیی انتخاب شود از هم اکنون با صدای رسا به آگاهی ملت و دولت ایران رسید که این شخص نماینده جامعه یهود ایران نم ب باشد و هر عمل یا اقدامی که به ضرر کشور انجام دهد مسئولیت آن متوجه یهودیان ۱ منظور از مأمورین دولت هم عبارت ودباز دولت قوا مک ه انتخابات «. ایران نیست تهران در دوره ریاست وزرائی او صورت . گبرفه رتوایت دکتر لوی، انجمن صهیونیست از مدافعان رضاخان بودند .

حمله اوباش به مجلس چهارم

از آن سوی مجلسچهارم صحنه دسیسه آرائیهای فراوان علیه جمعیت اصلاحطلب بود . برخی نمایندگان تلاش میکردن د مخالفین دولت مستوف یرا مرعوب سازند و مانع از اعتراضات آنها به ناتوانی کابینه گک ر.دنهدمزمان ارباب جراید طرفدار سردار سپه شروع به تهدید و ارعاب مخالفین کردن، ب د ا این وصف دولت مستوفی اکثریت هواداران خود را در مجلس از دست داد و ب همروور اکثری ت علیه او ب هحرکت درآم . د د ر این فضا روز یکشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۰۲ ، عده ای شروع به تظاهرات کک ر.دنایندان از میدان توپخانه به راه افتادند و روی ب سهوی بهارستانآوردن د. فریاد زنده باد و مرده باد از هر سوی بلند بود .

د راین بین ماجرائی عجیب رخ : دادو دسته از کلیمیان موافق و مخ الف یکدیگر با
اوراق ی چاپ شده که در آن به کاندیداهای یکدیگر بد گفته بودند، در مقابل سردر مجلس
واقع در میدان باهرستان اجتماع کردن . د یهودیان اوراق مزبور را بین مردم تق سی نمودن د ،
اندک اندک مردم رهگذر دور اینان جمع شدند؛ شب در آس تان هفراس ید نب . د رای و ند
رو ز مؤتمنا لملک رئیس مجلس به هر دلیلی تأخیر د ا . شاو تپیام داده ب و دن وا برئی ی س

۱ . همان، ص ۵۲۵

ص: ۲۵۵

جلسه را در غیبت او شروع کنند؛ لیکن این پیام هرگز به دست مجلسیان. مونس ضرسودع دیگر را اینکه معاون رئیال سوزراء جمعی از بلوئیان را تا سردر بهارستان همراهی ک. ای رند گروه وارد مجلس شدن. دب هنگهبانان گفته شد مانع ورود مردم به صحن بهارستانشون. د لازم به توضیح است که عاده ای از مردم برای حضور در مجل ساز پیش نوبت گرفت ه بودند، ولی عدها یدیگر فقط در آن ناحی هازدح امنم وده و بی شت ر در اطراف کلیمی ان سابقالذک ر جمع شده بودن. دوقت ی به نگهبانان گفته شد مانع ورود مردم نشوند، ب هنگام کلیمی ان و کسانی که دور آهن الاجتماع کرده بودند با فشار وارد مجل سش دن د و نگهبان ان هم با خونسردی صحنه را نظاره میکردند. ناگهان صحن بهارستان مملو از جمعیت شد.

معرکه گردان اصلی این بلوا معاون رئیال الوزراء س و وزیر فواید عامه یعنی

مخبرالسلطنه هدایت بود. اینان تهدید میکردند که برای حفظ دولت، نمایندگان طرفدار

مستوفی آبستراکسیون خواهند کرد تا مجلس را از اکثریت بی. نمدا خزبنرال دسلطنه ب ه

نمایندگان طرفدار مستوف بیاد داده بود بگویند از سمت خود عافا سخ خواهند داد، اما

دولت حقوق ماهانه آنها را پرداخت میکند تا زمانیکه مجلس سقوط نمای د.

نمایندگان طرفدار مستوف بیا این جمعیت وارد گفتگو شدند، بلوئیان تقاضا کردند

دولت مستوف ی به فعالیت ادامه دهد، در مجلس بسته شود و مخالفین هدمولبهتقت ل

برسن د! این حرکت زشت توسط افراد حزب سوسیالیست و اطرافیان ال رئویزرا س ب ا

همکاری عده ای ک هبا سوءاستفاده از ان ایمهودیان در تشکیلات صهیونیست تهران جمع

آمده بودن د صورت گرفت. ت آن زمان میرزاده عشق یجوان آرمانگرای ب ا اطلاع، از ای ن

حرکت حمایت میکرد. بهار مینویس د:

من به گوش خود شنیدم که میرزاده عشقی برای یک دسته نطق میکرد و مردم را

کرد که از سرسرا تجاوز کرده و کلا را بکشند و بعد از ختم تشویق می‌تلویحا

سخن چون دید که مردم به دستور او عمل نمیکنند و فقط به مرده باد و زنده باد

: گفت می‌ورزند، عصبانی شده گفتن قناعت می

عملا مرده باد! مردم نیز هماواز شده

: گفتند می

عملا مرده باد، بیچاره نمیدانست که جماعت عقلش آنقدر نیست که از

این کنایه شاعرانه چیزی دستگیرش بشود! ۱

۱. تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۳۱۰

ص: ۲۵۶

مخالفین دولت شب بعد در برابر این تحرکات واکنش نشان، داآندادن به دفاع از مجلس وارد میدان شدن. دکثیری از اهالی بازار و ساکنین محلات تهران ازدحامی چند برابر طرفداران دولت در مقابل مجلس تشکیل داد. دلنیدکن به خلاف گذشته پاسبانان به شدت با مردم وارد نبرد شدند و اندکی بعد هم وای نظامی به کمک آنها تش؛ تاف آن هنگامه « درهای مجلس بر روی این گروه بسته؛ م ان در دحالیکه این گروه علیه ۱ که میخواست مجلس را منحل سازد، گرد آمده ب. و دعدنده ایزیر دست و « مرتجعانه پ ا ماندند و مجروح شدند، کسانی را که به حمایت نهاد قانونگذاری سخنرانی کرده بودند بازداشت نمودند و به نظمیہ جلب کردند. یکی از جراید نوشت:

کنند، استفاده می دانیم که اجانب از این بازیهای کودکانه کاملاً می ما به خوبی دولت نیز دیگر قادر بر ادامه عمر خود نیست و هرچه هست این حرکات به او رَسما دولت چسبیده و اگر درست استنطاق و رسیدگی به عمل بیاید دخالت آفتابی تر میشود و نباید این دولت بماند و باید پس از سقوط محاکمه شده تکلیف چنین اشخاصی که برای تهدید و کلای مخالف، رجاله راه انداخته و در صحن مجلس به ضد مجلس و نمایندگان افتضاحی درست کردهاند ه موجب قوانین مملکتی معین شود! ۲

ماهیت این تحرکات بر کمتر کسی پوشیده ب. و دهان روزنامه نوشک ته شب ه در پارک مسکونی رئیس دولت جمع شانده و « دسته های ولگرد و متفرق « چهارشنبه در مقابل کسانی که از مشروطه دفاع کمینید، به آنجا پناه براندهت از او حمایت کنن د:

مجمعین مزبور در صحن پارک آقمارده باد و زنده باد شیکده و نوکرهای آقا هم با «
این « ۴ نکته مهم در این مقاله آن است که دائما تکرار کرده ». آنه شرکت میکردهاند
و عناصر ولگرد اجتماع ترتیب داده اند. ماهیت جنبشی که در « عملیات را با دست رجاله
ظاهر مدعی سوسیالیسم بود لوی در پس آن رضاخاق نراردشت ، حرکت لومپنها بود
برای به هم ریختن نظم اجتماعی به منظور تسهیل ایجاد خود کامگی قزاقان .

۱. همان، ص ۳۱۱

۲. همان، ص ۳۱۱

۳. تأکید از ملک الشعراى بهار است .

۴. همان .

ص: ۲۵۷

در تعاریف جامعه‌شناسی سیاسی لومپنها در هر شهر بزرگی وجود دارند. این ان گروهای متمایزی از سایر مردم را تشکیل می‌دهند که کانونان واع دزدان و جنایتکاران ارتزاق می‌نمایند. این گروه با مشخصاتی دیگر هم «فضولات جامع ه» هستند؛ کسانی که از افرادی بدون شغل مشخص، ولگرد، مردم بان بیخان هو کاشانه، ک ه: تعریف میشوند میزان فرهنگشان بستگی دارد به اینکه از چه قوم و ملتی باشند، و هرگز هم منکر این ۱۰ بنا به تعریف حکومتها این عده هاف را در «نیستن د که آس و پاس و گدای اسنام در در سنین پائین استخدا می‌کنند. به همین دلیل افرادی بسیار قاب لانعطاف و شپ ذی ک رل بالاتری ن کارهای قهرمانانه و ستای ان شگیزتری ن ایثارها تا فرومایتهری ناعم ال» هستن د که از دزدان و راهزنان، همه کاری از آنان ساخته د و ب و رای پول به هر کار نفا نگی تری تن در ۲ به اینان یونیفورمی میدادند و حقوقی بسیار حقیر، و برای فرماندهی آنان هم. میدادند از افسران دائمی قشون استفا دمهی شد. عوام لش کلدهنده شخصیت اوباش را در سه عامل می‌توان خلاصه کرد: د ب هم ریختگی سامان اقتصاد وی توازن طبقاتی به دلیل جنگ، ناکامی در زندگی سیاسی اجتماع و شغلی و بالاخره گمراه یدر زن دگ یف ردی؛ اوج این جریان را می‌توان اعضای معمولی کمیته مجازات دانست در دوره جنگ اول جه. انی ام در دوره ریاست وزرائی رضاخان نو د که ر گوهه ایمفل و کاجتماعی در راس تالی تصدی قدرت خود کامه به دست قزاقان سازمانده ی ش؛ در دنمدطبوعات آن زمان به اطلاق میشد. «ملیون» بسیاری از این گروهها عنوان ب ه وجود آورده بودند تا با توسل «ملیون ساختگی» رضاخان و نیروهای تحت امر او ب ه آن مانع از بروز احساسات راستین ملیون واقعی که در گوشه کنار و شعله میکشید،

بشوند. به سردستگان این جمع، حقوقی داده میشد و نیازهای پیش پا افتاده آنان تأمین

هم که همه یا بیشتر ولگردها و اشخاص بیکار و «میگردید». رهبران جماعت مزبور

بیحیثیت هستند، با مختصر بروز سخاتوی که از سردسته‌ها بینند مست میشوند و

۳ این سردسته‌ها طیف وسیعی را در برگرمفی ت؛ از «. برای هوکردن حاضر میشوند

روحانیمایان ی مثل یعقوب انوار گرفته تا کاسیبیکسب، روزنامه نویس بر یوزنامه،

۱. کارل مارکس: نبردهای طبقاتی در فرانسه، ترجمه باقر پرهام، (تهران: مرکز، ۱۳۷۹)، ص ۳۳

۲. همان.

۳. حیات یحیی، ج ۴، ص ۲۸۵

ص: ۲۵۸

آبروی حکومت ملی ما بازیچه دست آنه شده: « وکیل ب ی موکل و روضهخوان بی منبر است و احتمال می‌رود به دست همین مردم حکومت ملی از بین ، بزی روردا اشخاص شرافتمند از ملیون ؛ از ترس آبروی خود با این جمع که نمیدانند آبرو و شرافت چیست تشکیل دسته‌های ولگرد بزرگترین و بالاترین « . البته طرف نشده خود را دور گمیریند گاه » خطر برای مشروطه بود و هیچ عاملی با همین اندازه بنیادهای آن را نفرسود؛ زیرا باشد که وکیل و وزیر و مدیر و دبیر هم از میان همین جمع بیرون بیایند و کار ملیون محدود این جمع از « . حقیقی با کمی ع ا دهی که دارند از این که هست زارتر بگرد ه ا شخص سردار سپه بدروظده ر ، و کسانی مثل میرزا « اشخاص طماع بدسابق » کریم خا دن ر باط ن . همانطور که بالاتر دیدیم عاده ی ه م تحت عنوان کلیمیان اجتماع کرده بودند که به واقع دارودسته عزیزالله ب و ندعیندم و تشکیلات صهیونیست او؛ اینجاست که باید بیش از پیش در ماهی ت تحرکاتی از این دست دقت کرد و پیوند آن تحرکات را با شبکه سیاسی اقتصادی بیال نمللی که پایگاهش لند ب نود واکاوی نمود؛ نی ز با کشف این پیوندهاست که میتوان ماهیت کودتای سوم اسفند و تحولات بعد از آنرا در ارتباط با صون هیسم جهانی مورد ارزیابی قرار داد . ریشه های این موضوع را ه م ما در کتاب بحران مشروطیت در ایران کالی وی م دوه نشان داداهیم که گفتار مسلط در بخشی از تحرکات سیاسی تاریخ معاصر ایران را همین مهم تشکیل میداد .

: مجلس حضور داشت نوشت ن شب در که آ بهار

شبی مخوف بر ما گذشت، زیرا محسوس بود که دولت وقت ما را به دست گروه

زیادی از رجاله و هوچی و کسانی که با دولت سابق دشمن و با ما نیز صفائی

نداشتنند سپرده است.

آن شب قوامالسلطنه هم در مجلس حضور داد. بشه ق تول بها ایرن گروه، سازمان یافته نبودند و غیر از چتندن ناطق، خود تجمعهکنندگان هم نمیدانستند برای چه زنده باد و مرده باد گموییند. او نوشته است اگر این گروه سازمانی داشتند و مسلح بودند، بی شک نمایندگان را به قتل می‌رسانیدند. حمله به مجلس در حضور نمایندگان همی چه گاه حتی در دوره بحران ایران به هنگام جنگ اول جهان رویی نداده بود. مدرس

۲۸۵-۱. همان، صص ۲۸۶

۲. تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۳۱۲

ص: ۲۵۹

۲۶۰ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

و بهار تلاش کردند مستوفرا یوادارند تا سردسته های مسبب حمله ب مهرکز

قانونگذاری کشور را که عاده ی انگش شمار بودند بازداشت و محاکمه نماید، لیکن دولت از اینکار طفره رفت .

جالب اینکه دولت شوروب یر اساس تحلیلهائی سست بنیاد که توس طکار گزاران ش از تهران فرستاده میشد ، از دولت مستوف یحمایت میکرد . دولت شوروی اقدامات رض اخان بر شورویها . گذشت آن کنار از یا و ندید یا بود، بلوئیان و ان ساز بحران سردسته عملا که را این باور بودند که رضاخ اون البته سوسیال سیتهای طرفدار او، راه گذار ایران از فتولیداسم به سوی بورژوازی را هموار مکن یند؛ آنها نمیدانستند اگر هم به فرض جامعه ایران در آستانه تحول از فتودالیسم به بورژوازی بود، رضاخا نچیزی نبود جز لومپنی بر فراز ای ن جامع . ه طرفداران رضاخان یعنی همان سوسیالیست،ه ابرای اینکه هم شورویها را فریب دهند و ه م افکار عمومی را به دنبال خود بکشانند، مخالفین مسترا وفانیگلو فیل لقب م دیادن د. اینان تلاش داشتند دست بریتانیا را که در پشت یکتهازیهای رضاخان مشهود بود ،م خفی سازند و به همین دلیل نعل وارونه میزدن د. انگلستان البته در ایران منفور عامه بود. پس با یک تیر دو نشان زده میش د:هم عملیات فریب شورویها تکمیل میگردد و هم دولتی موردنظر ب ریتانیا شکل م یگرفت که به رغم شعارهای ش داد و غ لاظ ضدانگلی سی ، در تحلی ل نه ائی در خدمت منافع آن امپراتوری قرار میگرفت، آنهم گروهی از محافظهکارترین جناحهای حاکم انگلستان که از شک لگیری دولتی ب اظ اهر فاشی ستی و ب اطن واب سته در ای ران حمایت مین مودند . در داخل کشور همین گروه ثبات جامعه را به هم زدند، ن یه خود مس ولیئت میپذیرفتند و نه میگذاشتند کسی کارش را به درستی انجام دهد، این ان از ب دو مشروطه

منفی بافی پیشه کرده بودند و همیشه منتظر بودند دوره دو ساله مجلس تمام شود تا امکان قدرت فائده را به دست گیرند، امری که اکنون در حال تحقق بود.

اینان جامعه را در حالت سوء تفاهم و کدورت باقی نگه می‌داشتند، مانع از وحدت ملی، تشریک مساعی و همدلی بین آحاد مردم ردی می‌شدند، شایعات بپایه می‌پراکنده و در رأس «اینان تلاش می‌کردند «طبقه جوان و بیکار تهران» اتکایشان به اوباش بود و ۲۱ قرار گیرند و نتیجه انتخاب تا را بیرن. د این عده ابائی «تمایلات افراد ناراضی و بیک

» . بحران « ، ۱ . نوبهار هفتگی ، ش ۳۰ ، مورخه سهشنبه ۱۵ خرداد ۱۳۰۲

۲ . همان .

ص: ۲۶۰

خیلی از بیرحمیها و گناهکاریها و عدم « نداشتند که برای پیش بردن منظور خود طوری رشته ارتباط « تر امر تکب شوند و باید « مراعات منافع و مصالح حقیقی مملکت فیما بین عوامل مؤثره خارج و دستجات داخلی مجلس گسیخته شود که تدارکات ی ۱۰ کسانی مثل بها رافق آینده را « عاقلان ه یا متانت اصلا حطلبان نتواند آن را اصلاح نم!! هر وقت بناست بدبختی بزرگی بر ضد « ت محدودی پیشین میگردند و میدانستند کنند می ابتدا مرج و هرج از دمکراسی پیش بیاورند قبلا . « مرج و هرج این نتیجه ۲ چیزی نبود جز به هم ریختن ثبات سیاسی و اجتماعی کشور، تحکیم نفوذ بیگانگان، رواج دشمنی و افترا و تهمت، افلاس اقتصادی و فقر و بینوائی و بیکاری.

لا. هدف اصلی مشروطه باید شکستن قدرتهای مستقل، محلی، ایالتی، شهری و م ایجاد وحدت ملی کشور میبود . نیز باید اختیارات، وسعت و دستگاه قدرت حکومتی ب ه ارث مانده از دوره قبل را بهبودی بخمشید و طبق نیازهای زمان یک دولت مرفعی جدید تشکیل میداد . مشروطه به دلایلی که پی ت ش ر توضیح دادهایم نتوانست این مهم را محقق سازد، اما در عوض رضا ب خاان اتکا به قشون، ت ۳ مس ریکازس ی را به جای مرکزیت ۴ سیاسی به ایران تحمیل ک. ردب ه واقع قالب فرمانروائی جدیدی که با رضاخان شکل گرفت، متناسب بود با سلطه سیاسی ق. شدوینگر اینکه دستگاه دیوانی دوره قاجار که تا حدی در دوره مشروطه ارتقا یافته بود، اکنون به رضاخان ارث رسید و او این دستگاه را قالبی کرد برای استقرار دولت خود کامه خویش .

این اقدامات نمیتوانست بدون رویکرد جدید دیپلماتهای بری تادنیر بارابر مسئله

ایران صورت گیرد. درست در همین ایام بود که لورین بار دیگر تحلیلی از اوضاع ایران

برای مقامات دیپلماتیک کشور متبوعش ارسال . نمود ر اویدن گزارش آمده است
رضاخان توان آن را دارد تا رئیسالوزراء شود، مجلس را منحل سازد و مثل ی ک
دیکتاتور فرمان براند و حتی سلسله قاجار را واژگون نماید. ۵ او نوشت از سه

۱. همان .

۲. تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۳۱۸

۳. Centralization.

۴. Concentration.

۵. It is in the power of Reza Khan] ... to close the Majles and rule as a dictator, even to]
overthrow the
Qajar dynasty.

ص: ۲۶۱

رئیس‌الوزراء ی که همزمان با دوره مأموریت او کا سر رب ودها ند، یعنی قوا، م مشیرالدوله و مستوفی الممالک ق؛ و ام بهترین بو . د اما به نظر او فعالیت‌های ق و آنمچنان پیچیده و زیرکانه بود که اعتماد نسبت به او را د شموا یرساخ ت. به نظر لورین ای ن بیاعتمادی ناشی از

۱

ای ن بود که قوا مخط مشی مشخصی را دنب نامل یکر د. به واقع لورین از این نگران بود که ه آیا قواالمسلطن هدر تحلیل نهائی آلتی است در دست آنان و یا شخصیتی است در اسیر که نبود مردی گه بود، قطعا هر قوام است معلوم . خویش کشور ملی منافع اندیشه دستان ن ی رومند سیاست بریتانیا باشد. تحولات بعد از سقوط قوا ایم ن نکته را مدلل ساخت که بریتانی از اندیشه تولید دیکتاتور از قزاق عدول نکرده است می خواهد او ر امبدل به شخصیت یکه تاز کشور ن . ما کیلیده بحرا نهائی که در اطراف و اکناف کشور روی میداد، در این راستا قابل تبیین اس ت.

۳. روانشناسی اقلیت عوامفریب مجلس

از آن سوی این بحرا نها نتیجه ندانمکاریهای اقلیتی بود که جز به شهر آشوبی به چیزی دیگر نمیاندیشیدن . د اینان صرف تقلید از مکاتب سیاسی مغرب زمین را سرلوح ه کار خود قرار دادند در حالیکه به آنهم اعتقادی ن . داگشاتهندی لیبرال میشدند، زمانی بر کوس سوسیال دمکراسی مکیوبیدند ، گاهی دیگر آنارشیزست میشدند و دیگر گاه جوخه های ترور تشکیل م د یادند . حال هم سوسیالیست شده بود. ن ا دین گروه ی ا آنان تا نداشت وجود فتودالیسمی اصلا ایران در که بدانند ند خواست نمی یا و دانستند نمی بخواهند از ریشه نابودش ساز ن. دکسان ی که از آنها به عنوان فتودال نام بردنم دی

راه ب ل و ق ه ب ه ک ی ن اس ک ؛ تنکابنی سپهسالار و فرمانفرما مانند بودند زمیندارانی «غالباً

صدهزار تومان پول نقد نداشتند و هرچه عایدشان شم د ب یا مردم و اجزای شخصی

۲. «خود میخوردند و کارگر به معنای حقیقی خود وجود نداشت

علت امر واضح ب و: دروشنفران عص ر نمیتوانستند بین مفاهیم و تعاریف رایج در

زای ص خ ش م ک ر د چ ی ه ه ک ل ی ل د ن آ ه ب صرّفا؛ شوند قائل تفکیک سیاسی مکاتب از غرب

طبقات اجتماعی - که هنوز در ایران شکل نگرفته - بود البته هیچ فهمی از مصلحت

.Lorraine to Curzon, May ۲۱/۱۹۲۳, FO. ۴۱۶/۹۰۲۴.۱

ص: ۲۶۲

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

۲. تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۳۱۹ پ.

عمومی وجود نداشت. در غرب حداقل از قرن نوزدهم کشمکش بین اوب و ورژوا
شهروند ۲ بروز کرده ب. و. دبورژوا موجودی بود که با معیار منافع شخصی درباره نهادها
عمومی داوری میکرد و از آنها بعبهبارتی سوءاستفاده نمیداد. ام اشهروند انسان
مسئولی بود که امر عمومی را مسئله همه افراد جامعه تلقی میکرد. این گروه فلسفه
سیاسی لیبرالی را که تحت تأثیر آدام اسمیت می گفت افزایش منافع فردی به اگوین ه
معجزه آس اخیر همگانی را فروتن ر میسازد ۳، تنها تلاش برای عقلانی کردن بی محابای
منافع شخصی، بدون اعتنا به خیر همگانی تلقی مینمودند. فقدان تمایز بین شهروند و
بورژوا ریشه بسیاری از زیگزاز گذنهای جریانات، احزاب و شخصی ه تای سیاسی بود؛
در همین راستاست که میتوان مقوله تقلید را مورد نقد قرار داد.

از زمان مشروطه تا دوره مورد بحث ما، کسان فراوانی بودند که دل در گرو

ایران زمین داشتند و از صمیم قلب خواستار ارتقای موقعیت جهانی آن ودن د. اینبان

راه حل خروج از درد و رنج و حرمان را اتکا به نیروی عقلانی خود ارزیابی میکرد رند و

راه های معقول ب اتکاء به داشتههای یکه از گذشته به ارث رسیده ب، اورا دی ه میدادند. در

کنار اینها بودند کسانی که خود هرج و مرج تولید میکردند و مانع ثبات م یشدن د و

گناه آن را به گردن دیگران افمکیندند. اعمال اینان حربها یبود در دست عوامفری. بان

این دسته تبلی غمیک رند در برابر دردها و رنجهای جانکاهی که مردم را فرسوده

ساخت ه است، از انسان معمولی کاری ساخته نی. سدر تچنین شرایطی مردم ظهور مردی

را انتظار میکشیدن د که به شکلی اعجابآمزی ز رنج و عذاب را از آنان. باز ب ردیارند

کسانی که خود باعث و بانی وضعیت ایران در دوره زمانی مشروطه به بعد بودند، اینک
عده ای بر طبل ظهور ابرمردیکوبیدن و عده ای دیگر خود را سوسیالیست وانمود
می کردند. این گروه دوم البته حتی آرمان سوسیالیسم را هم خدشدار و لکهدار ساختند.
تقلید صرف از مرامهای جدیدی مثل کمونیسم یا حت سوسیالیسم چیزی نبود جز
دنباله روی سبکسرانه از مسلکهای اروپائی. یدر این میان دولت شوروی هم که به چیزی

۱. Bourgeois.

۲. Citizen.

ص: ۲۶۳

۳. در مورد آرای آدام اسمیت و نقش او در تکوین لیبرالیسم اقتصادی و سیاسی ن ک: آدام اسمیت: درباره ثروت

ملل، ترجمه محمدعلی کاتوزیان، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱)، نیز ن ک: فریدون تفضل ی: تاریخ عقاید اقتصادی،

۸۰- (تهران: نشر نی، ۱۳۷۲)، صص ۸۸

۲۶۴ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

ج ز منافع خودنمیانداشید، بر این کوره م دیمید و کشور را بیش از پیش در هرج و

مرج فرو م ب یرد. این سخن البته وقتی مصداق پیدا کمندی که اصل را بر حسنن یت قرار

دهیم، در غیر اینصورت بدیهی است که نقش گروههای بسا حزر ا بنه تحریک بیگانه،

برای رسیدن به منافع غیرمشروع نباید از نظر دور نگهداشته شود؛ کمااینکه

دسیسهگری های پشت پرده و تولید بحران مصنوعی در قالب ادعای حمایت از فلان

مسل ک سیاسی، منجر به استقرار رضاخانبر اریکه قدرت شد که نه از مشروطه اثری

باقی نهاد و نه از مشروطهچیان رنگارنگ بر خاسته از آن جنبش دورانسا ز.

در همین راستا بهار نوشت:

آقایان [اقلیت] ۱ خیلی دیر جنیدند، گرهی را که با دست میتوانستند باز کنند با

دندان باز کردند، اکثریتی را که به وسیله ترک خودخواهی و اتخاذ طریقه دوستی

و مهر و عقل و تقوی ممکن بود به دست آورند با همهمه و فحش و بهتان و

دست ب هندی و تقلید از حرکات دوره دوم و سوم تقنینیه برای خود تهیه کردند و

خطمشی سیاسی را که ممکن بود با اصول دمکراسی که تازه افکار ملی با آن

مأنوس شده بود به اتفاق سایر عناصر آزادیخواه اتخاذ کنند با اصول تقلیدیه صرف

پیش گرفتند و برای اجرای نقش ا هی شبیه به نقشه دوره [مجل] س سوم و تشبث به

آلمانها و ایجاد مهاجرت، مسلک سوسیالیزم را با وجود عدم تناسب با معیشت

امروزی ایرانیان اتخاذ کردند و یک ضدیت و اختلافی عجیبتر و مخربتر از

ضدیت دمکرات و اعتدال در ساحت ویرانه و ناتوان ایران بدبخت تولید نمودند و

عجیبتر اینکه با تمام خطبهای اجتماعی فوق، تصور کردند که م ت یوانند در آخر

دوره مجلس با این خطمشیها و این قبیل تظاهرات، موفق به تحکیم و تنسیق یک

اکثریت ثابت با دوامی ۲ شون د.

این عده همان افرادی بودند که در جنگ اول جهان بیا انحلال پارلمان، تهران را

بیدفاع رها نمودند، اینها دانسته یا نادانسته مرتکب خیانتی عظیم: اشگدنرد تهران ب ه

۳

دست دشمن میافتاد، نه تنها تهران؛ لبک ه سراسر ایران در اختیار رو سقیرهار میگرفت.

۱. لغت داخل قلاب از نگارنده این رساله است .

« . بحران » ، ۱۵ خرداد ۱۳۰۲ ، ۲ . نوبهار هفتگی، ش ۳۰

۱۲۱-۳ . در این مورد ن ک: ایران از سقوط مشروطه تا کودتای سوم اسفند، صص ۱۲۹

ص: ۲۶۴

قین « تشبثات بیکاران و ناط » این عده همان کسانی بودند که بجاهی اتکاء به مردم، به متوسل گردیدند و به این شیوه خواستند برای خود شهرت به دست. ن آکت و هر نایدنکه امثال مستوفی هم که با حمایت این دسته د روافی رکار آمدند، حاضر نشدند سوسیالیستهای ادعائی مثل سلیمان میرزا و محمدصادق طباطبائی دکترا مهدی نبودند مایل اصلاً یا نخواستند اینان. نمایند دعوت کار به باریک برای حتی را زاده ملک ی ک نوع سیاست بیطرفی در قبال قدرتهای بزرگ اتخاذ نمایند و به قول بها ارز استفاده کنند. عجب اینکه از گذشته عبرت نگرفتند و « مصلحت ایران » موقعیتها به نفع باز هم نقطه اتکای خود را بر سیاستهای خارجی قرار دادند و هرگز اندیشه ردند کنهک خارجی برای منافع خود تلاش مکنی د و در موقع مقتضی وقتی آنها از آسیابها افتاد، همین گروه حامی خود را نیز قربانی خواهد کرد. در این زمان جراید چپگرا مثل کار، بیکان و طوفان با مطبوعات طرفدار رضاخان مثل ستاره ایران، شفق سرخ و اقدام همسوی و هت س او خ نهایتاً و آوردند وارد مشروطه اعتبار باقیمانده به کاری ضربات و شدند ناخواسته قزاقان را بیش از پیش به عرصه سیاست کشور دنکد. شانی جالب اینکه اینها همه در پشت میرزا حسنخان مستوفی الممالک سنگر گرفته بودند، مردی که تبار اعیانی او و اشرافزادگیاش بر هر کس واضح بود.

بالاخره از دست رضاخان و شرکاء و نیز یحیمیه ایم ستوف کی اردب هاستخوان ایز « روی ه دولت در سیاست خارج » رسید. پس روز نوزدهم خرداد ۱۳۰۲ مدرس به دلیل رئی س مجلس تقاضای استیضاح دولت را ک. ردد و روز بعد در اسستی ضا حتاریخی خویش را از سیاست خارجی کابین هارائه. مدا دستوف یق اد رنب و د در برابر م ادزر س

کارنامه سیاست خارجی خود دفاع کند، پس به جای استدلال شروع کرد به ایراد سخنانی که همدلی جز انحراف اذهان عمومی ندا. ش با تلاخره هم گفت، هیچ اصراری ب همانند داند می و ندارد» در شان دخالت مَثَل من اصلا ی اشخاص که است طوری امروزی وضعیات دو این « داودر سخنان پایانی خو دعوامفریب ی را به اوج رسان:ی « امور چندان پیشرفتی ندا. ر ایام غیبت مجلس را هم که شاید به عقیده بعضی، ایام بره کشی فرض شود به اشخاص ی ۱...» که هاشتها دارند واگذارمیکنم و معده من هم خراب است نمیتواند هضم کند

۱. عبدالله مستوفی، ج ۳، ص ۵۵۶

ص: ۲۶۵

۲۶۶ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

مستوفی این را گف تو بدون اینکه منتظر پاسخ شاوزد، صحن مجلس خارج شد. وزرای کابینهاش هم با او رفتند؛ ب ه استثنای رضاخان که از اول نیامده بود تا به این آسانی برود.

مستوفی به دنبال خروج از مجلس افساننامه خود را به احمد ت شقاهدیم ک رد.

انگلیسی ها از بیم اینکه مبادا مخالفتهای مدرس و طرفدارانش نقشه‌های آتی آنان را

نقش بر آب کند، گامی بلند به جلون :ها آدنه ا د به احمدش پیاھش نهاد کردند پست

ریاست وزرائی را به رضا خاد نهد. ۱ در زمره معدود مواردی که احمد شاه از خود اراده

او . بود این هنگام به خرج داد،

صریحا با این پیشنهاد انگلیس مخالفت کرد.

۱ . تاریخ بیست ساله ایران، ج ۲، ص ۳۲۹

ص: ۲۶۶

مشیرالدوله و واپسین تلاشها

بر اثر استیضاح تاریخی مدرس کابینه مستوفی سقوط کرد و بار دیگر مشیرالدوله ۲۴

خرداد ۱۳۰۲ قدرت را به دست گرفت. او دو روز بعد کابینه خویش را به مجلس

معرفی نمود. در دولت دوم مشیرالدوله هشتاد و یک نفر وزیر و وزیر داخله بود.

مصدق به وزارت خارجه منصوب شد و ذکاءالمالینک بار وزارت مالیه را تصدیق

کردید. حکیمالملک به وزارت عدلیه رسید و عدلالملک دادگزار به وزارت تجارت و

فوائد عامه نائل آمد. درحکیمالدوله هم وزیر معارف شد و الفهدوی هم وزیر پست و

تلگراف. اندکی بعد اعتلاءالملک خلعتبری جای فهیمالدوله را گرفت و البته وزیر ثابت

کلیه کابینهها رضاخان بود که همچنان وزارت جنگ را در اختیار داشت.

مهمترین موضوع کاری کابینه ادامه برگزاری انتخابات مجلس پنجم بود. مشیرالدوله،

که به خویمیدانست رضاخان قصد تقلب و نیرنگ داد، رتدمهدی اندیشید تا بلکه از

اعمال نظر او و طرفدارانش در انتخابات جلوگیری. کان و اعلام کرد زمان رأیگیری

کوتاه است و دیگر اینکه هرانتخاباتنده ای بایده به هنگام رأی دادن سجل ارائه نماید.

با این وصف رضاخان توانست به استثنای حوزه انتخابیه تهران، در سایر نقاط کشور

اعمال نفوذ نماید و طرفداران خویش را به عنوان نماینده روانه مجلس. مشیرالدوله

می دانست اگر هم بماند، با مجلس پنجم کاری نخواهد توانست انجام دهد. در

یکی از واپسین جلسات مجلس چهارم ملایحه ای به تصویب رسانید که طبق آن دولت

میتوانست از آمریکا مبلغ سی و پنج میلیون دلار وام اخذ کند.

ایران و مسئله تبعید علمای مقیم بینالنهرین

ب با سقوط امپراتوری عثمانی، انگلستان بر بخشی از مرده ریگ آن قدرت مضمحل شده چنگ انداخت؛ و دو سرزمین استراتژیک فلسطی نو عراق تحت‌الحمایه بریتانیا قرار گرفتند. بحث اعمال حق قیمومیت توسط بریتانیا بر بینالنهرین، باعث

زدخوردهای متعددی در این سرزمین شد، به آگوهین هکه در نیمه‌های سال ۱۲۹۸

هجری شمسی که درست مصادف بود با حوادث مربوط به قرارداد ۱۹۱۹ در ایران، به

فتوای میرزا محمدتقی شیرازی اعلام شد کسی جز مسلمانان حق حکومت بر مسلمانان

را ندارد. انگلیس در برابر این حکم نتوانست کاری انجام دهد؛ لیکن این بار تلاش

نمود تا به شکلی دیگر حق اعمال حاکمیت خویش بر بی‌نالنهری را به دست آورد.

چون فرزندان شری فمکه یعنی عبدا و ف للهیصل مورد اقبال بخشی از مسلمانان

بینالنهری و علمای عتبات قرار داشتند، انگل ستتالانش کرد اهداف خویش را از سوی

اینان جامه عمل پوشان. در ب هواقع بیگانگی اکثر سکنی ه نالنهرین با معادلات سیاسی آن

روزگار، موجب شد که دس ن تشاندگان بریتانی ادر عراق به سلطنت ب.ر آسنادن

نمیدانستند این مهم نیست که آیا فرزندان شریف مکه شایستگی لازم برای تشکی ل

حکومت را داشتند یا خیر، مهم این بود که انبه آن واقع دستشانندگان بریتانیا

محسوب میشدن و صرف مسلماناننده بودن آنان گرچه میتوانست شرط لازم برای

تشکیل حکومت در عراق باشد، اما بدون تردید شرط کافی نبود. به هر روی برخی از

بزرگان عتبات به ویژه در کربلا موافقت خویش را با تشکیل یک مت م حکسولمان

عرب که در دست یکی از فرزندان شریف مکه باشد، اعلام کردند؛ نیز آنان معتقد بودند

باید مردم عراق بتوانند مجلسی از نمایندگان خویش تشکیل دهند د.

د ر اوایل سال ۱۲۹۹ شمسی به دنبال کنفرانس سن ر کمهو تصمیماتی در مورد آینده

فلسطین بی و نا لنه‌ری نا تخاذ گردید، انگلستان ق نیمومیت خویش را بر این سرزمین آغاز

تصمیم این به عتبات مقیم روحانیان . گردید مشهور عراق به رسما آنجا نام و کرد

دوم شیرازی ی میرزا رهبری به عظیم قیامی ال س آن تابستان در و کردند اعتراض شدیدا

علیه استعمار بریتانیا شکل گرفت؛ لیکن در این میانه او به ناگاه در گذشت و

۱۳. جویس ان . ویل ی: نهضت اسلامی شیعیان عراق، ترجمه مهوش غلامی، (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳)، ص ۳

ص: ۲۶۸

شیخ‌الشریعه اصفهانی رهبری جنبش را عهده‌دار گردید. از این به بعد جنبش فروکش کرد و با شدت و ضعف زیادی ادامه یافت. یک سال بعد رژیم سلطنتی به رهبری فیصل از فرزندان شریف مکه تصویب شد؛ اما شروع سلطنت او موقوف به یک همپرسی گردید. تابستان سال ۱۳۰۰ با نظارت کمیسر عالی بریتانیا عراقی سر پرسی کاکس، بالاخره همپرسی برگزار شد و در شهریور ماه آن سال فیه ص عنوان پادشاه عراق بر تخت سلطنت تکیه زد.

با زهم حدود یک سالی بعد از اینکه فی صدر ل ت را در ع ب راه ق دست گرفت، معاهده ای با انگلستان منعقد کرد که طبق آن بری تان حیا ق قیمومیت بر ع ر اراقب ه دست می آورد و مسائل مالی، نظامی و سیاست خارجی کشور در کنترل ق ل نراد رمنیگرفت. طبق این عهدنامه فیص ب لاید یک قانون اساسی تهیه میگرد و به همه پرس میگذاشت. این قانون نباید با مسئله قیمومیت بری تان ریا عراقمنافاتی می داشت. از آن سوی چرچی ل، وزی ر دریاداری بریتانی اضمن ایراد نطقی در مجلس لردهای انگلستان، بحث اعمال ح ق قیمومی ت دولت متبوع خود بر ع ر اراقب ه اطلاع نمایندگان رسا. نید در تیرماه سال ۱۳۰۱ شیخ مهدی خالص یدر میان جمعی از مردم که در اعتراض به این س خنا نچرچی گرد ل ه مآمده بودند حضور یاف. تخالصی اعلام داشت بیعت او با فی م صقی لد به شروطی بوده و چون آن شروط منتفی شده است، لهذا بیعت خود را از او پس م یگیرد و البته روحانیان دیگر ر هم خود تکلیف خویش را ب مهتی ردانن د. در نهایی تاو اعلام داش تا از ای نروز به

بع د هیچ اجتماعی در منزلش بر گزار نخواهد گ.ر دیدرد اینجا بود که اندیشه مهاجرت ب ه
ایران شکل گرف . ت یکی از فرزندان شیخ مهدی خال ب صه ینام ش ی خمحم دخال زاد ص ه ی
تصمی م گرفت همراه با یکی ن دفور دیگر به ایران مهاجرت نماید تا بلکه از آنجا بتواند با

۴

مسلمانان دیگر نقاط جهان ارتباط برقرار نمای د.

خالصی زاد هق بل از تبعید علمای بزرگ دستگیر شد و به تهران اعزام . او گارخدیرد
شهریورماه سال ۱۳۰۱ فعالیت احزاب سیاسی بینا لنهری ن ه ممتوقف ش . د تعدادی از
۳۰-۱ . تاریخ سیاسی عراق، (تهران: مؤسسه انتشاراتی نهضت جهانی اسلام، بیتا)، صص ۳۴
۱۷۳-۲ . حمید احمدی: ریشه های بحران در خاورمیانه، (تهران: کیهان، ۱۳۶۹)، صص ۱۷۴
۴-۳ . مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه، اسناد سال ۱۳۴۰ قمری، ش ۱۶

۴ . همان .

ص: ۲۶۹

۲۷۰ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

جراید توقیف گردید و برخی از مخالفین قیومیت دستگیر. گردشیدن خ مدحمد خالصی زاد ه جزو همین دستگیرشدگان .ب اوو دبه همراه ا عید هدینگ ر از اعضای حزبالوطن ی اعزم ایران شدن . د آن زمان قووال مسطنه در ایران دولت دوم خود را تشکیل داد ه بود و قضایای مزبور درست همزمان با دولت وی .خابلوصدی زاد هب ه دلیل طول اقامت بیشتر در ایران، ت ا حدی از آرایش نیروهای سیاسی اطلاع دا . شبه تهمین دلیل عمده جنبشهای تهران علیه تبعید علما به رهبری او صورت میگرفت .

د ربادی امر به نظرم ی رسد آنچه واکنش علما و روحانیان را در بین النهرین برانگیخت بیشتر بحث جدائی دین و سیاست در قانون اب ساوس د . یطبق این قانون امتیازات مذهبی، نژادی و یا زبانی به هیچ دسته، گروه و ای فدا ردقعه نم ی ش د و اقلیتهای قومی این حق را به دس م تیاوردن د که در مدارس به زبان بومی خود د به اطفال درس دهند . همچنین بین ادیان و مذاهب گوناگون نوعی تساوی حقوقی فرض مگرفتشه د و تنها ضابطه،ه عدم مغایرت تعالیم مذهبی با نظم عمومی و عدم مخالفت با حکومت

۱

فیصلت لقی میش د .

ب ه گفته برخی ناظرانیک نکته از ذهن حکومت بغداد و کمیسر عالی انگلیس یعنی در عراق عرب علمای اعلام به میل خود « سر پرس ی کاکس مخفی مانده بود و آن اینکه د ر کارهای سیاسی هیچگاه شرکت نکان رده و این مردم هستند که بدون شور و تجویز ۲ به عبا ر تبهتر بین .» و امر علما راضی به قبول هیچ عقیده و رویه ن سی ما یسشوند

تودههای شیعیان و نهاد روحانیت در بایلننهرین پیون دهائی استوار وجود داش . پ تیش

از اینهم فتاوا و احکام آیات الله محمد تقی شیراز یو میرزا فتحا الله شریعت اصفهانی

نقشی اساسی در استقرار پیوند بین روحانیت و تهاودی همردم به ارمغان آورده ب. وایدن

دست به « ب ر ضد تجاوزات و تصرفات انگلی دسر بی انلنهرین » د و روحانی در آن هنگام

۳ د دیگر اینک ه « موجب زحمت زیاد برای انگلیسیان . ش » صدور فتاوا و احکام زدند که

روحانیان نقشی اساسی در جلوگیری از تنش و خونریزی یقومی عهدداهر ب ودند و

۱. گزارش کنسولگری ایران در بغداد، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، اسناد سال ۱۳۰۳، سند

۲۴- ش ۴۲.

۲. تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۳۵۵

۳. حیات یحیی، ج ۴، ص ۲۹۱

ص: ۲۷۰

اگر نقش رهبر کیننده آنها نبود، در کشوری مثل ع را کهق دارای تعدد مذاهب و ملیتها بود، کشور همیشه غرق در آشوب م شدی . حت ی اگر رهبران دینی مردم تبعید مشیدند و در ایران و یا هن دو هرجای دیگر سکونت گمزیدند ، مفهوم آن جدائی مردم از روحانیان نبود، زیرا به هر صورت مردم در زندگی روزمره و آداب دینی و فرایض مذهبی خود به آنان مراجعه مکیدند ؛ یکی از مهمترین این فرایض بحث پرداخت مرکزیت ریاست « وجوهات شرعیه بو . دب هقول دول آب تادی انگلیسی ها تلاش م ک یردند از مقاصد مهم » ب از اهمیت بیندازند و این « روحانی شیعه مذهب ار در عراق عر ب ه شمار میرفت . آن زمان برخی از علمای شیعه مقیم عراق در سلسله « انگلیسیان محارباتی که علیه تسلط بریتانیا ر بی ال نهرین صورت گرفت، یا خود شرتک کردند یا

۱

فرزندانشان را به جبهه فرستادن د.

در نیمه های خردادماه سال ۱۳۰۲ بار دیگر فتاوی علمای علیه برگزاری انتخابات مجلس مؤسسان صادر شد . علت صدور فتاوا این بود که حکومت فقیمصومی لت بریتانیا بر بینا لنهرین را میخواست رسمیت بخشد و استقلال و تمامیت ارضی کشور را به نفع سلطنت خویش قربانی نماید . یسی دزده فتوا و حکم توسط مراجع مقیم عتبات صادر گردید که هر کدام نقش بسیار مهمی در بسیج ها تعولدیعه حکومت دست نشانده فیصل داشتند . در یازدهم خردادماه آن سال فتوای سیدابوالحسن اصف همانتیشر شد، روز سیزدهم خردادماه شیخ محمدحسی ن نائینی صاحب تنبی ا هلامه و تنزیهالمه، فتوای حسینی سیدعلی سال آن خردادماه چهاردهم وزر نهایتا و کرد صادر را خود مشهور

شیرازی به همراه شیخ مهدی خال صوיעدهای دیگر از روحانیان و علما فتاوی خود را صادر کردند . سیدابوالحسن اصفهانی حکم داد دخالت در انتخاب تا حرام است و اعلام

۲

مهدی شیخ داشت این حکم را

سابقا داده است و کماکان به قوت خود باقی است.

خالصی در پاسخ به استفتائی حکم داد رد تحریم انتخابات که به دستور علما صورت

گرفته است، به واقع رد حکم خداست و در حد شرک تلقی میشود. ۳چند روزی قبل از

۱. همان.

. ير الحكم و لم يتبدل و الامر كما كان الدخول في الانتخاب و لم يتغ مه بحر أنا قد حکمنا سابقا . ۲۳ . نعم ما حکم به حججالاسلام و آیاتاللهالملك العلام ماض نافذ بل الراد عليهم راد عل ا يالله و هو على حدالشرك

. بالله، برخی از فتاوا د ر: روزنامه ایران، ش ۱۳۹۷ ، مورخه هفتم سرطان (تیر) ۱۳۰۲ ، ص ۲

ص: ۲۷۱

۲۷۲ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

صدور این احکام و فتاوا مستوفیا لعمال کا ز منصب رئیس الوزرائی سقوط کرد و مشیرالدوله بار دیگر مأمور تشکیل کابینه گر. دید در سراسر دوره اوج قیام روحانیان علیه قیومیت انگلستان بر بینا لنهرین، مجلس ایران تعطیل ب. و دمجلس چهارم در روز پنجم تیرماه سال ۱۳۰۲ خاتمه یافت و به دلیل ممانعت رضاخان و دستچین کردن عدهای ب ه عنوان نماینده مجلس توسط قشون، تا حدود نه ماه آینده تشکیل نش د. در اواخر خرداد و اوایل تیرماه آن ل سفارش بر روحانیان مقیم عتبات که خواهان استقلال عراق بودند شدت یاف. تاندکی بعد شیخ مهدی خالص وی سیدمهدی صدر و

۱

جمعی دیگر که تعدادشان به هفده تن می رسید، دستگیر ش. دندروز ششم تیرماه سیدابوالحسن اصفهانی و آی اتلله نائی ن یازنج فبه کرب لاوارد شدن. د کنسول ایران در

۲

نجف ورود این علما را یک روز قبل اطلاع داده. هبفوتدم تیرماه آن سال سیدمحمد فیروز آبادی، میرزا مهدی خراسان یو برادرش میرزا احم کده فرزندان آخوند خراسانی مرجع نامدار مدافع مشروطه در نج بو فندند، به همراهی شیخ عبدالکریم ج زا ویری

۳

شیخ جواد صاحب جواهر وارد کربلا گردیدن د.

حاکم نظامی انگلی سدر کرب لا بر علما سخت گرف. ا بتبتدا مانع پیوستن ع اده ی دیگر ر از روحانیان به آنها شد و دیگر اینکه با وجود م نفبروا دهن وسائل مسافرت، آنها را مجبور ساخت از کرب لا خارج شون. دنائینی ملول از این حرکات س خی ف در ح قعلم ا، ت لاش

کرد بلکه بتواند به نحوی عزتمندانه ماجرا را فیصله کند. کندنهد و لای را در کربک لاهیه ملاقات علما رفته بود، نلق می کند نائینی روز نهم تیرماه از او خواست از سرکنسول در بغداد تقاضا کند باسرپرسی کاکس ملاقات نماید و مطلبی را به اطلاع او رساند. مطلب ای ن بود که اگر شیخ مهدی خال صوب بستگان ایشنا آزاد شوند، شاید نوعی اصلا ح ذات البی ن صورت گیرد و علما از مهاجرت به ایران نظصرر ن فمایند. کنسول از این پیشنهاد زیرا که مهاجرت آقایان علما به ایران اگرچه خالی از بعضی فوای دنی ست، «: استقبال کرد ولی دو ضرر در آن ملحوظ است: س ی تکی تکالیفی که بر دولت از ب رای مخ ج پارذیرائی و نگاهداری این قافله اهل علم وارد و تحمیلی بر بودجه مملکیشود و دوم احتمال

۲۰-۱. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، گزارش کنسولگری در بغداد، اسناد سال ۱۳۰۲، ش ۲۷

۲. همان، گزارش کنسول ایران در نجف در مورخه پنجم تیرماه ۱۳۰۲

۳. همان، گزارش محمدحسین بدی ع (نصرت الوزاره) کنسول ایران در کربلا، روز هفتم تیرماه ۱۳۰۲

مداخله این جماعت در سیاست مملکت تو مزاحم تاولی ایدولت ی کنسول

». م رود

خیل یس فارس و « گزارش داد به فرزندان آخوند خراسان و یعداهی از همراه آنان آن توصیه نمود که آقایان نزاکت روحانی تخ و درای را نحف ظفرم وده و در سیاست مملکت مداخله نفرمایند و معایب این کار را برای ایشان مدلل نمود و همه عقی د هیچ اک ر کنسول ادامه داد اما اگر سرپرسی کاکس با نظر علما موافقت نکن دو « ر اتصویب کردن . د ک هتضییق و « بین آن انوعی اصلاح انجام نشودم، یخواه د از کمیسر عالی تقاضا کن د ۱. « ب ای احترامی به آقایان علما ننموده و بگذارند به آزادی از عراق مهاجرت فرمایند مذاکرات ب نتیجه مان د. در حالیکه کنسول ایران در کرب لامشغول انجام گفتگوها در بغ داد بود، عصر روز نهم تیرماه علما مجبور به ترک کشردبندلا. آی ت اللهشی خ مهدی خالصی همراه با دو فرزندش به ح ت جباعزید شد ن. دسیدابوالحسن اصفهان، یآی اتله نائینی، فرزندان آی اتله خراسانی یعنی آقامیرزا مهدیو آقامیرزا احمدو بالاخره آی اتله سیدبهدالدین شهرستان ی هم به ایران فرستادشده ن. د صبح روز دهم تیرماه آنها از نزدیک ی بغداد عبور کردن. د در تمام طول راه عاده ی ن یروی مسلح آنان را تحتالحفظ همراهی م یکردند و مانع نزدیک شدن مردم به ای م شاینشده ن. نائینی که اینک پیر شده بود، هنگامی که مأمورین او را پیاده به متسدجله میب ر دند تا از آنجا عبور دهند و به ی ک نفر از پلیسها به نهیب « سمت ایران روانه سازن، دگفت نمیتوان د پیاده راه برود، اما گفته بود به جهنم ک نهم یتوان ی! باری آقایان را به خواری و خفت مانند اشخاص مقصر و محکوم از طرف دوره پیاده به کنار ب دجرلدهه و از آنجا با کشتی ب... خعبارویر

۲ همزمان شیخ مهدی خالص ایز بصر هبه حجا ز تبعید ش د. کسانی که از مسیر «. دادند

خانقین وارد ایران گردیدند، چهل و چهار تن از علما و همراهانشان بودن د.

روز دوازدهم تیرماه آن سال، جلالالدین کیهان، سرکنسول ایران در بغداد ماهی

شدیداللعن به سرپرسی کاکس نوشت و مراتب اعتراض دولت مشیرالدول هرا نسبت به

تبعید اهانت آمیز علما اعلام داش. سرکنسول به این نکته اشاره کرد که علمائی که به

آنها اهانت شده است به واقع اتباع ایران ه. سآنتنگا ده ادامه داد با آنکه احترام نهادن به

روحانیان بر کلیه امم و اقوام واجب است، لیکن مأمورین حکومت ع رباه قآنها توهین

۱. همان .

۲. همان، به نقل از شاهدان عینی .

ص: ۲۷۳

کدورسدتار، «: و جسارت روا داشتنهده. کیهان از این رفتار ابراز تأسف نمود و اضافه مسئولیت کلیه این واقعات ناگوار و دنباله و نتیجه آن را بر عهده فاعلین آن دانسته و به نام دولت شاهنشاهی ایران نسبت به این رفتار خلاف عدالت و آتروهکیه ن به مقام است، آمده وارد خصوصاً شیعه فرقه و عموماً اسلام مبین دین آیندگان نم و روحانیت جبران آن را خواهان است پروتست و مصراً جدا. « ۱

د ر نتیجه وصول این اخب را به تهران، هیجانی در اقشار مختلف مردم ایجاد شد.

اخبار از طریق تلگراف به سایر علمای ایران در اکناف کشور اطلاع داده شد و ر سراس

کشور صحنه تظاهرات ضدانگلیسی گردی. ادقشار مختلف مردم به کرمان شارهفتند تا از

این علما استقبال نمای ن. داز طرف دولت هم ح ال کدیول مه وزیر معارف و شاهزاده

عضدالسلطان از سوی احمدشاه برای استقبال از علما روانه کرمانشاه شدن د.

نکته جالب توجه در ابتدای امر نوع برخورد رض باخ امنسئله تبعید علم است.

خواهی م دید او از این ماجرا بیشترین بهره‌رآوری را به عمل آور. دطبق اسناد وزارت

جنگ رضاخان در بادی امر چندان استقبالی از موضوع مهاجرت علما در همان

، نکرد.

مقام منبع بندگان حضرت اشرف وزیر جنگ و فرمانده کل « اوایل امیر لشکر غرب به

گزارش داد: « قشون دامت عظمته

با نهایت احترام به عرض مبارک می رساند در تاریخ نهم برج جاری ۲ قوای انگلیس

به نجف اشرف حملهور گردیده کلیه مجتهدین نجف، بغداد و کاظمین را نظر به

مخالفتی که با امضا شدن حکومت امیرفیصل و معاهده دولت انگلیس مینمودند به

بصره و ایران تبعید نموده‌اند و اینک بر طبق راپورت رئیس قوای سرحد عده‌ای از

تبعیدشدگان مزبور به قصر وارد شده‌اند. با نهایت احترام مستدعی است رأی

۳

مبارک را راجع به طرز معامله با آقایان امر به ابلاغ فرمایند.

د، یعنی بایگانی گردد و هی چ اقدامی در « فرمودن د ضبط شو » رأی مبارک این بود:

مورد آن صورت نگیرد.

سیری در تحولات بعدی این سؤال را مطرح م کنند که آی امه‌اجرت داوطلبانه یا

۱. همان، نامه جلال‌الدین کیهان سرکنسول ایران در بغداد خطاب به سرپرسی کاکس .

۲. یعنی تیرماه .

۳. امیرلشگر غرب به رضاخان، مورخه ۱۳ برج سرطان (تیر) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۲۷۴

اجباری علما مقرون به صواب بوده اس؟ د تر اوایل مردادماه سال ۱۳۰۲ هنگام ریاست وزرائی مشیرالدوله و زمانیکه شاه ایران تلام شیکرد علما رابه شکلی آبرومندانه به عتبات بازگرداند، ملک فی صنامله ایشدیدالرحن نوشت و ضمن آن توضیح داد ولی اینکار را تنها پس از نیل «، حکومت عراق با بازگشت علما به نظر موامف یقننگرد ب ه مقاصد مربوط به سیاست داخلی عراق یعنی تشکیل مجلس مؤس سان و به پایان رسانیدن همه کارهائی که تشکیل چنان مجلسی را ایجمایبکند و با همه آنها علما د ۱ سر پرس ی کاکس و البته ملک فیص ب لر «. مخالفت و مبارزه میکردند، انجام خواهد دای ن باور بودند عدم حضور عال دمر عتبات فرصتی است مغتنم تا به نفوذ ایرانیان در

۲

مراکز مقدس شیعه خاتمه داده ش.وداین دیدگاه البته واقعیت داشت و حکایت از نقشه‌های آتی بریتانیا برای محو ناممکن حضور ایرانیها در عتبات می کرد . ملک فیصل ، حاکم دست نشانده عرقا، از فرصت عدم حضور علمای شیعه در عتبات سود جست و مقدمات تشکیل مجلس و مسان را فراهم آور . د با این وصف توده های شیعیان برای نشان دادن تنفر و انزجار خود از ، درفی کصرلب لاو نجف اعلامیه های بیر درود یوار نص ب میکردند؛پ لیس هر روز صبح یکی از وظایفش جمعآوری این اعلامیهها بود . از آن سوی انگلستانز فرصت بهره برد و شروع کرد به اختلافافکنی بین شیعه و سن .ینتیجه اقدامات انگلیسیها آن بود که کاردار ایران در سنی های جاهل از تبعید علما اظهار خوشوقتم ییکنند و عواطف « کربلا گزارش داد ۳ از آن سوی شیعیان، سنهائرا به حق ناشناسی مته م «. شیعه را جریعهدار م یسازند

می کردند. آنه ا میگفتند استقلال عرب به دلیل پایمردی شیعیان بوده است اما حکومت اتحاد» ب ه دست سنیها رسیده و اینک نسبت به شیعه ابراز خصومت م یکنند. انگلیسیها ۴.» و اتفاق شیعه و سنی را رخنهدار نمودند و تخم نفاق در میان آنها کاشتند

د رواکنش به تحولات عراق، تهران به حرکت درآ. م ددر تابستان سال ۱۳۰۲ عد های

۱۷۷-۱. عبدالهادی حائری: تشیع و مشروطیت، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴)، صص ۱۷۸

۲. همان، ص ۱۷۶

۳. لازم به یادآوری است که بخشی از علمای اهل سنت به ویژه علمای شافعی کردستان ضمن انتشار بیانیها و

نامههایی با روحانیان شیعه ابراز همدردی می کردند و از عملیات انگلیسیها ابراز تنفر م ن یمودند، برای مثال

۱۷. اسد (مرداد) ۱۳۰۲، ص ۳، ن ک: شفق سرخ، ش ۱۵۴

۲۰-۴. مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه، اسناد سال ۱۳۰۲، ش ۲۷

ص: ۲۷۵

تعدیات استقلالشکنانه و « از روحانیان تهران بیانیهای منتشر کردند و در آن از یائعنری انگلستان سخن به میان آو. ردند » اجحافات ظالمانه این دولت جابر و ج مدیده « برای محو حیات یک ملت ضعیفه ست » روحانیان تصمیمات دولت بریتانیا را محض حفظ حوزه اسلام و شرافت دیانت که وظیفه م هسلرم و « دانستند و در ضمن ب اشد، « اعوان اسلامی به هر نحوی که » کمکرسان ی به، « فریضه اول هر مؤمنی است

۱

لازم دانسته شد. در تهران منازل حاج آقا جمال اصفه ان ویمیرسیدمحمد بهبهانی صحنه تجمع مردم در اعتراض به این عمل زشت. ربووزد ۱۵ تیرماه آن سال مردم در مسجد مروی، مسجد جام و مسجد سیدعزی زاتجللهمع کردند و علیه حکومت دستنشانده بی نالنهرین و دولت انگلستان نبراز تنفر و انزجار نمود. دنهمزمان دکتر مصدق، وزیر امور خارجه کابینه مشیرالد، ولتلهگرافی احترامآمیز برای علما ارسال کرد. این تلگرام روز نوزدهم تیرماه زمانی که علما در کرم انقاشماهت داشتند، ارسال گردید. خطاب تلگرام به سیدابوالحسن اصفهانی و آیت الله نائینی بود. در این تلگرام آمده بود:

تأثرات خود را از زحمات وارده به وجود مبارک آقایان عظام و حضرات حجج اسلام ادام الله بقائهم که در نتیجه مسافرت غیرمترقبه وارد شده معروض و عرض تحیات و خیرمقدم سعادت توأم آن ذوات مقدسه را که

قطعا برکات آن شامل

۲

پاسخ علما به مصدق به این شرح بود:

بسم الله الرحمن الرحيم

مقام آقای مصدق السلطنه وزیر امور خارجه دامت شوکته

تلگراف محترم که کاشف از احساسات اسلاپ مرستانه و تأثر قلبی از این پیشآمد

محیر العقول و عدی ا ملنظیر بود، بر مراتب امتنان و امیدواری افزوده همواره دوام تأیید و

حسن موفقیت وجود اشرف را در حفظ نوامیس اسلام و اداء وظایف مقامیه

خواستاریم . انشاء الله تعالی - الاحقر ابوالحسن موسوی اصفهانی - الاحقر محمدحسین

۳

الغروی النائینی.

۵۵-۱۰-۲۹۶-۱ . بیانیه جامعه دیانت تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ش ۲

۲۰، تلگراف دکتر محمد مصدق . - ۲ . مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، اسناد سال ۱۳۰۲، ش ۲۷

۲۴ سرطان (تیر) ۱۳۰۲، ص ۲، ۳ . تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۳۵۷، نیز روزنامه ایران، ش ۱۴۰۹

ص: ۲۷۶

سردار سپه هم که ابتدا نظر خوشی نسبت به مهاجرت علما به ایران نداشت، اینک تلگرافی به کرمانشا ارسال کرد و در آن ضمن تاعا تر فمعموله و ابراز احترام به علما، دستو رمؤکد داده « اطلاع داد به امیر لشکر دستور داده است به حضور آنان برسد و اینکه ای اندد ریاسخ رضاخا نوزیر جنگگ « شده است که از اطاعت فرمایشات خودداری نن . م از سوی علمای مهاجر تلگرافی ارسال گردید که در آنضمن ابراز تشکر از تبریک ورود علما به کرمانشا و مأموریت امیر لشکر غرب آمده بود :

چقدر این موهبت عظیمه الهیه جلت آلائه شایان تشکر و موجب مسرت است که بحمدالله تعالی و حسن تأییده، عساکر منصور اسلامیه که تأمین بلاد و ترفیه عمومیه به وجود آقایان است به حسن موقعیت آن وجود اشرف در کمال انتظام و

۲

در هر نقطه به قدر حاجت حاضر فرمودهان د.

تلگرافهای دیگری هم برای احمدش اقهجار و مشیرالدول فهرستاده شد و از ابراز همدردی آنها تشکر و تقدیر به عمل آم د.

تبعی د علما به ایران باعث شکگی لری جنبشی علیه بریتان یا گردید و در صورتی که نظم و انسجاممیداشت و از رهبری سیاسی کارآزم اودیه مثل مدرس برخوردار میبود، میتوانست نه تنها حرکتی عظیم علیه تجاوزات بریت دارنیا عراقبه وجود آورد، بلکه ه مانع رسیدن این قدرت به اهداف خود در ایران شود و بالاترم ایتینوان کهست رضاخان را سر جای خود نشان . د اما این حرکت،ت سنجیده صورت نگرفت و به واقع ای ن خود، خویشتن را از تیرهای « اسلام پناهی » رضاخان ب و دکه از اوضاع بهره گرفت و با

سهمگین مخالفت‌های رو به تزاید رهانی د.

ب ا این وصف برخی از مطبوعات تلاش کردند از فضای به دست آمده برای تضعیف

موقعیت بریتانی ا در منطقه به ب رهرداری کنند، یکی از این نشریات نامرهورز کار بود .

روزنامه کار در نقد سیاست‌هایی که به عنوان مقابله با بلشویسم صمویر گرفت ، نشان

داد ک ه هدف اصلی این برنامه‌ها چیز ی نیست جز هموار ساختن راه نفوذ بریتانیا بر

در النظیر های محیرالعقول و عدیم واژه تلگراف افتادگی دارد، مثلا متن کتاب بهار لازم به یاد آوری است که در

آن دیده نمی شود .

۱. روزنامه ایران، ش ۱۴۰۶ ، مورخه ۲۰ سرطان (تیر) ۱۳۰۲ ، ص ۱، تلگراف سردار سپه .

۲. روزنامه ایران، ش ۱۴۰۶ ، مورخه ۲۰ سرطان (تیر) ۱۳۰۲ ، ص ۱، تلگراف علما به رضاخان .

ص: ۲۷۷

ایران و منطق. هدر مقاله ای نویسنده روزنامه کار همین مقوله تبعید علما را ب ه بویه نقد

انگلیس اینکه نهایتاً و آمد میان به سخن اعراب میان در مسیحی ه دعا تبلیغ از گذاشت،

رهبران دنیای اسلامی را توقیف و تبعید میکند و بقیه را وادار به مهاجرت م یسازد.

آن مردمان ب یعاطفه « اماکن مقدسه را تحت حکومت نظامی درمیآورد و باز عدهای از

۱ شاید کار « و پیشرف... ب هانگوفیلی افتخار کرده سر اطاعت به آستانشمانیسانند

جزو معدود نشریاتی بود که با شدت تمام علیه عملیات ان گلدروستیانانلنهرین مقاله

م ن ی وشت و اهداف آتی این قدرت جهانی را برملا مینمود.

ب ه دنبال این مقاله اعلامیاهی از سوی سیدابوالقاسم کاشانی، شیخ محمد خالصیزاده،

موسی بن ریحا الله الموسوی و شیخ حسین یزدمن یتشر شد. در ایناعلامیه مهم آمده

بود اسلام و مسلمین دشمنی بزرگ دارند که نه تنها باعث ضعف مادی ممالک مستقل

با تمام قوای مادی و « اسلامی است، بلکهمیکوشد شریعت محمدی را نابود سازد و

معنوی و همه انواع دسایس و نیرنگها در پیشرفت این ف امسقدصو جدد و جه د

مینماید و نظر به اینکه عراق و بینالنهری ن را مرکز اسلامیت در تمام قطعه آسیا و

هدولت « پدی سد، « مشرق زمین و منبع نشر حقایق اسلامی و مرکز علمای درجه اول

اگ ر انگلیس به « . جابره انگلیس از دیرباز مصمم شد این مرکز دیانت را متصگرددد

باعث زوال اسلام خواهد « این نیت نائل آید، سنگ تفرقه مابین مسلمانان خواهد افتاد و

مراجع تقلید عامه و « در مقابل این دشمن، علم ا مقاوم تمینمایند؛ علمائی که « . شد

عال م به حقایق و واقف به دقایق دسایس دشمن بودند و از نظرق طدیاهنت هم

سرپرستی مسلمین و حفظ حوزه شرع و حمایت بیضه اسلام تکلیف واجب و بلکه

کابینه مشیرالدوله و موضوع علمای مهاجر

اهمیت جنبش علمای شیعه در بایلنه نرین این بود که جنبش یادش د هادام هحرکتی

محسوب میشد که از دوره جن گ اول جهان یشکل گرفت وما در دفتری دیگر به نقل از

« . فجایع انگلیسیها، تبعید علمای بینالنهرین » ۱. روزنامه کار، ش ۵۲، مورخه ۱۳ سرطان (تیر) ۱۳۰۲، ص ۱، مقاله

۱-۲. شفق سرخ، ش ۱۷۴، مورخه ۱۴ سنبله ۱۳۰۲، صص ۲

ص: ۲۷۸

ناظران حوادث آن دوره، از آن به جن بپان ش اسلامی یاد کردی . م این جنبش در دوره بعد گ ستر شفعالیته ایپ ان « از کودتای سوم اسفند دهم جریان داشت و حت یانگلی سیه از ن ۲ یاد ک ردها ن د . علم ا در کرمانشا ها قامت داشتند که دولت ایران با مقام ات « اسلام یدر ایرا انگلستان مذاکره میکرد تا شاید بتواند اسباب بازگشت آن ان را ب ه عتبات ف راهم س . ازد راج عب هفضایای « شفق سرخ گزارش داد پیرنیرائیسا لوزرا و مصد قوزیر امور خارجه بینا لنهری ند ر این چندروزه دقیقهی غفلت نکرده و مراوده و مذاکره بین وزیر خارج هو ن ی ای ل صا ف ده . دارد ادامه ا سفارت انگلیس در دربار و منزل شخصی و سفارت متوالی مذاکرات عودت آقای خالصی از حجاز و مراجعت حضرات آقایان از کرمانشاه به شرایط

اس ت . انگلیسیه اهم اعلام کردند ک هیچ زش ی خمه دیخال ، کصص ی ، « جبران گذشت ه دیگری را تبعید نکرادنهد و به واقع ، علما د راعتراض به تبعی دخال ب صه ی حجاز خود خواسته اند ب هایران مسافرت نمایند و حکومت وقت بینا لنهری ن هم اس با بس ف رآنه ارا فراهم کرده اس . تانگلستان اجازه داد خالصی از حجاز ب هتهران بیای ، د اما بازگشت علمای

مقیم کرمانشاه را موکول به عدم دخالت آنها در امور سیاسی نمود . مقالات کار و پیکان ل ث م ها روزنامه از برخی بود ، خورده شکست عملا مذاکرات شدیدالحنی علیه انگلستان نوشتند و سیاستهای آن کشور را به بوته نقد . گذاشتند اینک شنیده « روزنامه کار نوشت ، ب عد از مذاکرات دولت با مقامات ع رواق انگلی ، س

دولت که نموده اعتراض به شروع شده وارد گیلان از اخیراه ک مدرس آقای که دشو می

چرا با مأمورین آن لگی س در این باب داخل مذاکره شده، دولت انگ لدر ب سی نالنهری ن

۵

«؟ چه سمت دارد، برای چه به او پروتست نمیشود

۵۴۳-۱. ن ک: ایران از سقوط مشروطه تا کودتای سوم اسفند، ص ۵۴۴

۲. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ص ۱۴۴

۱۸. سرطان (تیر) ۱۳۰۲، ص ۲، ۳. روزنامه شفق سرخ، ش ۱۵۵

۴. روزنامه ایران، ش ۱۴۰۹، مورخه ۲۴ سرطان (تیر) ۱۳۰۲، ص ۱، در اواخر تیرماه و اوایل مردادماه زمانی که

احمدشاه تلگرامهائی خطاب به جرج پنجم پادشاه بریتانیا و ملک فیصل حاکم دس ن تشانده عراق ارسال کرد و

نسبت به وضعیت پیش آمده هشدار داد، سرپرسی ل ورین وزیرمختار بریتانیا در تهران به بغداد رفت تا درباره

موضوع با کاکس گفتگو کند. نتیجه مذاکرات همان بود، علما میتوانند به عراق بازگردند مشروط به اینکه در

مسائل سیاسی بین النهرین دخالت نکنند. خاطرات سردار اسعد بختیاری، به کوشش ایرج افشار، (تهران:

اساطیر، ۱۳۷۲)، ص ۹۷

۵. روزنامه کار، ش ۵۸، مورخه ۲۱ سرطان (تیر) ۱۳۰۲، ص ۱

ص: ۲۷۹

۲۸۰ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

برخلاف انتظار فیص لو مقامات انگلیسی، عشایر عرب علی‌ه تبعی د علما دست ب ه شورش زدن د . مبارزات مسلحانه علیه دولت دس ن تشاند ه شکل گرف تو حکوم تمزبور ناچار شد با مردم وارد جنگ . شود ر این میان تج ار و اصناف تهران به هی ات دولت پیشنهاد کردند اگر از علما رفع توهین نشود، ها کایلا انگلیسی تحریم گردد. بالاخره قرار شد علما وارد ایران شوند و بعد از زیارت حضرت معصومه (س) به عتبات مراجعت نمایند.

أما وضعیت

عملا به گونه‌های دیگر رقم خورد. روز چهاردهم مردادماه سال ۱۳۰۲ علما که از بازگشت به عتبات مأیوس شده بودند، به سمت ع زقیمت نمودن. د علما ی ته ران هم در مسجد شاه تهران جمع شدند دوستور دادند در اعتراض به این وضعیت بازار بست ه شود،

۱

برگزاری جشن چهاردهم مرداد که سالروز مشروطه بود هم قدغن ش د.

ب هدنبال تهران که بازارش سه روز تعطیل ماند، بازارهای برخی شهرهای دیگر هم تعطیل ش د . در مساجد تهران هر روز تظاهرات برپا . بشویدخ محمد خالصیاد هف رزند در بیانات خود رل انگلیسیها « شیخمهدی خال ص ی ،در این اجتماعات سخنران م بیکرد و راکه در پس پر ب داهزی م ی کنن د و سعی دارند حکومت شوروی ر وراس بیه تولید برملا نمو د . خبرنگار روزنامه‌یزوستیا از تهران ، « هیجان ملی در عالم اسلام متهم نمایند خالصی [زاده] چنین اظهار داشت ه است هر گاه بولشویزم عبارت از جدیت » : گزارش داد

در استخلاصینا لنهری ناز استیلای انگلی سو مرتف عساختن نفوذ خارجی در ایران
مزمانی که « . است ، در آن صورت با صدای بلند اعمالیمدارم که من بلشویک هست

علما از کرمانشا هبه سمت تهران در حال حرکت بودند، انگلیسیها تلاش کردند دولت
زیرا بیم آن م یرو دکه پس از ورود « ، ایران را از راه دادن آنها به تهران بر حذر دارند

۲ محور سخنرانیهای « حجج اسلام هیجان ضدانگلیسی بر شدت خود بیفزاید

انگلیسیها ، ایرانیها را دو فرقه کانرد ده ک ه « خالصی زاد هد ر مسجد شاههم این بود که

د. ۳ گردانندگان تظاهرات ضدانگلیسی در تهران به غیر از مشحیمخد « بتوانند نتیجه بگیرن

خالصیزاده، عبارت بودند از شیخ محمدحسین یزدی، سیدابوالقاسم کاشانی و

شیخ ح سی نلنکرانی . اینان در مسجد سلطان یتهران گرد میآمدند و مظالم انگلی سرا در

۱ . خاطرات عینالسلطنه، ج ۸، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، (تهران:اساطیر، ۱۳۷۹)، ص ۶۶۴۷

۲-۰ ۲. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ، گزارش کنسول ایران در مسکو، اسناد سال ۱۳۰۲ ، ش ۲۷

۳. گزارش مفتش مخفی، مورخه ۲۵ میزان (مهر) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۲۸۰

ایران و بینال نهری ن افش ام ینمودند . لنکرانی از محارم خالصزاد هب ه شمارم ی رف ت .

من اطلاع « بعده اخالصی زاد هد ر گفتگو با او و اعدیه دیگر از همراهانش میگفت

خارج ی دارم که عنقریب اوضاع ایران تغییر خواهد کرد، نه اوضاع حاضره و نه سلطان

۱ . « مملکت باقی خواهند ماند

د ر این تاریخ لنکران ن یشریه ا یمنتشر م ی کرد به نام اتحاد اسلام . مدیریت و نویسندگی

ای م عل و لطانی س مسجد تظاهرات از او نوشت صریحا لنکرانی . بود او خود با نشریه این

۲

متحصن در آنجا که به حمایت از مسئله بینا لنهری نب رخاستهاند، دفاع میکند . بعدها سطح

تقاضای گروه اتحاد اسلام که با عنوان جمعیت اسلامی بینا لنهری ن ه م فعالی م ت یک رد ،

بالاتر رفت . ب هطور مثال شب سیزدهم اسفند سال ۱۳۰۲ خالصزاد هد ر مسجد سلطانی ب ه

حال میبینیم « منب ر رفت و گفت جمعیت مزبور را ب ازحما ت بسیار تشکیل دداهان د . لیکن

مجل س دارالشورای ما شعباهی است از مجلس اشرافی انگلیسو از کجا رأی ندهند که

بینا لنهری ند ست انگلیسیها باشد، زیرا اکثریت مجلس با جاسوسهای ان ا گلی ستس . به ه ر

حال ما حاضر هستیم ناظر اعمال و افعال آنها بوده نگذاریم خطبی . هنمما چینندی نخی ال

داریم فرداشب که شب بعثت است، کارتهای عضویت را تقسیم نموده و چند شب هم از

بعث ت صحبت نمائیم که بعد هم چاپ . شگروچه شبها طول میکشد ولی اهمیتی ندارد، ما

۳ . « باید جدیت کنیم هندوستان را از انگلیسیها بگیریم

مسئله انگلی س برای خالصزاد هب ه اندازاهی اهمیت داشت که هر شب در مورد آن

سخن می گفت ، کما اینکه شب قبل از سخنان اسلابقذک رض م نوع ظو خطاب همعم ول

ب هشما گوشزد میکنم هر کاری میخواهی دیکنی داز روی فک رباش دن ه « خوی ش گفت
اینکه هر فکری که از سفارت انگلیس خارج شود شما دامن زن آن باشید . بدانی ددول ت
انگلیس مایل است مابین مردم تفرقه انداخته استتافاده خود را ببرد، هیچوقت فریب ای ن

۴

د ای ن داوریهها همه نتیجه تجربیاتی ب و دک هع ای مدهل هم ین «. دولت اجنبی را نخوری
خالصیزادها ز تحولات دوره تبعید علمای مقیم عتبات تا آن هنگام اندوخته بودن د.
۱. گزارش مفتش مخفی، مورخه ۱۷ برج دلو (بهمن) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ .

۲. هفتهنامه اتحاد اسلام، ش ۲، یازدهم جوزا (خرداد) ۱۳۰۳، ص ۱

اسناد وزارت جنگ . « نتیجه اجتماع مسجد سلطانی »، ۳. گزارش مفتش مخفی، شب ۱۳ حوت (اسفند) ۱۳۰۲

اسناد وزارت جنگ . « نتیجه اجتماع مسجد سلطانی »، ۴. گزارش مفتش مخفی، شب ۱۲ حوت (اسفند) ۱۳۰۲

ص: ۲۸۱

در شهریورماه سال ۱۳۰۲ انتخابات در بسیاری از نقاط عراق برگزار شد. دامادری ن انتخابات شیعیان حضوری مؤثر نداشت. ندسنی اه هم چندان استقبالی از انتخابات فرمایشی

۱

نکردند. مأمورین آمریکائی در عراق اوضاع را خندهدار و مسخره ارزیابی نمودند.

در چنین شرایطی در اوایل مهرماه سال ۱۳۰۲ شیخ مهدی خال صازی حجاز وارد انگلیسها در «ایران شد و بالاخره بق هم رسی د. مهمترین دلمشغولی خالص یاین بود که ایران تسلط دارند و همه کار به دست آنها است و دولت ایران هیچ اقدامی در مقابل خالصی این سخنان را در مقابل یکی از اعضای «. نکرد ه و بلکه مساعد م ت یکند

وزارت خارج ه که به ملاقاتش رفته بود، بیان داش. ختالصی بعد از ورود به قم

تلاشهای صورت گرفته برای بازگرداندن علما را به ن عر کاوقهش کرد و گف ،ن ب تایید زیرا باید در یاران ماند و نخست این « ، تسلیم حکومت دس ن تشانده عراق و انگلیس شد ک ۱۳ ریدن دیدگاه جالب «. کشور و سپس عراقو دیگر کشورهای اسلامی را اصلاح توجه بود؛ نشان م یداد ک ه خالصی ایران را مهمترین عرصه نبرد علیه بری تان ریزیابی می کند و بر این باور است که هر مبارزهای ع لیه بریتانیا باید از ایران ساماندهی شود .

ب این وصف شعلههای قیامی که در ایران به حمایت از علما برافروخته شده بود،

رو به خاموش یم ینهاد . از اواخر مردادماه سال ۱۳۰۲ تا پایان مهرماه آن سال به جز

اجتماعی مسالمت آمیز در مسجد سلطانیکه رهبری آن به دست شی محممد خالصی زاده

بود ، و تقاضای آن اجتماع هم بازگرداندن علمای تبعید شده به عتبات بود، اتفاق مهم

دیگری روی ندا . دخواستہ ہا از انگیزہہای سیاسی بہ سوی مسائل شرعی تغییر

میافت ؛ از جملہ اینکہ رزو ہشتم مہرماہ آن سال یکی از تقہااضیا متحصنین مسجد

۴

شاہ منع استعمال مسکرات ب . ود این نامہ بہ امضای آیاللہتکاشانی و شیخ محمد

خالصیزاد ہب علاوہ موسی بروجرد یو حسین شیرازی ہم رسی . داین گروہ از علما

تأکی د کردہ بودند تقاضای متحصنین مسجد م شاطہابق است با عقل و . ش ررف عع شرب

.Dispatch by Owens, No. ۲۳۹, September ۱۲/۱۹۲۳, DS. ۸۹۰g.۰۰/۸۰ Majd, p. ۱۵۴.۱

۲ . تشیع و مشروطیت، ص ۱۸۳

۳ . همان .

۴ . روزنامہ کار، ش ۷۴، مورخہ ۱۱ میزان (مہر) ۱۳۰۲، ص ۲

ص: ۲۸۲

دانسته شد و از دولت « آبروی دولت و ملت و دفع فساد اخلاق » مسکرات برای حفظ

۱

را نصیب خود سازد. « رفع این ننگ » برای « این افتخار تاریخی » وقت خواسته شد

ورود شیخ مهدی خالص یقمارن بود با زد و بندهای ن ن هارضاخان برای

ی با بریتانیا

تصدی مقام رئیسالوزرای . او به اشاره انگلیس میخواست بلافاصله بعد از

رئیس الوزرای، احمدشاه را از کشور بیرون اندازد و به عنوان جم، هبولروائی به پ ا

کند تا به دنبال آن قدرت خود کامه را در دست گیرد . اما خالصی بر این باور بود باید

عملیات نبرد علیه بریتان یا از ایران سازماندهی شود . او در شگفت بود که چرا از فرصت

تاریخی به دست آمده استفاد نهمیشود و در مقاب، لعلمنا تشویق به بازگشت به عراق

می شو ند؟ یکی از علل از دست رفتن این فرصت تاریخی، ریاکاریهای رب ضوا د. خ او ن

ه مبه نوبه خود از این فرصت بهره جست تا اذهان را از انتخابات مجلس فرمایشی

پنجم به سوئی دیگر سوق ده. بد علاوه با بهر گهیری از موقعیت به دست آمده تلاش

کرد سلطه قزاقان را بر اطراف و اکناف کشور مسجل سازد و تحکیم . خوا کهنید م دید

چگونه بحث بازگشت علمای مهاجر دستاویزی شد تا مردم را از ماهیت جمهوری

رضاخانی بی خبر گذارند و غرش مدر سکه از خطر استیلای مجدد قزاقان سخن

می گفت، گوش شنوائی نیافت؛ زیرا همه پنبه غفلت در گوش کرده بودن د.

از همان بدو ورود خالص بیه ایران، رضاخ، انجعفقزل یخ ان بختیاری را رابط

خوی ش با او کر. در رضاخان خود نیز ت احضرت عبدالعظیمبه استقبال خالصی شتافت و

اینک وقت « اگر مطالب سری و محرمانه دارند زرمی تلگراف نماین . د » گفت اجازه دارد

آنرسیده بود تا خالص پی یامهای محرمانه خویش را برای رضالرخا سنال دار. داو از

جعفرقلی خان خواست از رضاخانکسب اطلاع کند با کدام رمز تلگراف خهوادیرا

۲

«. با رمز لشگری » ارسال نماید؟ رضاخان دستور داد زیر این نامه بنویسند

۳. تحركات روحانیان ایران

همزمان با تحركات علمای شیعه مقیم ع، را در نقاط مختل فایران نیز علما دست به

تحركات و حملاتی زدند. در مشه دنوک تیز این حملات متوجه آمریکائیه اب ود؛ نکته

۱. همان .

۲. جعفرقلی بختیاری به رضاخان، مشهد، پانزدهم جدی (دی) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۲۸۳

مهم این است که این تلاشها در دوره اَل ق سل واطمن ه و همزمان ب ابح ثمذاکرا تنف تو
واگذاری امتیاز نفت شما ب له شرکتهای نفتی آمریکائی صورت می گرفت . ب هطور مثال در
اواخر سال ۱۳۰۱ خ ب رسید آمریکائیها م یخواهند در مشهد اراضی خریداری کنند و
لامب هکار گیرن . د برخ ی از علمای خراس اناز علم ایتبری ز « جه ت اساسهای مضر به اس »
ب آنه اهم سوئ ین شانهن . امیر شگ رد
خواستن د در مبارزه برای ممانعت از ای نامر ل

آذربایجان متن تلگرام علمای مشهد را برای رضاخان ارسالکرد و توضیح داد در تبریز
می خواسته ان د در پاسخ به این تلمگ اراقداماتی انجام دهند، لیکن المی شرگر مانع آنها شده

۱

اس ت تا دستوری از رضاخ انصادر شو . د اندکی بعد علمای مزبور به نامه‌های مرتضی
رضوی، طباطبائی قم ، ی عباس موسو ، ی علی اکبر نهاوند، یحسن کاظم یو عدها یدینگ ر
تلگرا می خطاب ب هر ض خان ارس الداش ت ن. ددر ای نتلگ رما ه مآنه اع لامدش تن د
آمریکائیان اراضی در ارض اقدس خریداری تصمیم تأسیس اساسهایی که موجب تقویت «
ن آدنان هشدار دادند این اقدام باعث روب ز هیجانان عظیم « کف ر و تضعیف اسلام است دار.
مستدعی آنکه ه از پی شرف ای ن مق صود فتن خی زهجلوگیری « عموم ی خواهد ش . د پس
فرمائی د که باعث دعاگوئی داعیان و عموم مسلمانان است، منتظر نتیج هکامل هاز م راح م
۲ رضاخان از شعبه استخبارات اداره کل حرب قشون خواست به صورت «. عالیه م بیاشیم
رم ز در این ارتباط توضیح دهند که نج ری چایست؟ از آن سوی رضاخاننگرام یادش ده
ر ابرای هیأت دولت ارسال کرد و از آنان خواست نظر خ وی ش را در ای نارتب اطاع لام

نماینده تا وی به علمای مشاهد اطلاع دهد. در نظر سید رشگر حسینی آن اخراج یا این بود که ه
 جلو اجرای موضوعی که باعث این اختلافات شده است، گرفتار نشود. رضوادخان نالبت ه
 نظریه مزبور را که در پاسخ به استعلام وی ارسال شده بود، براهی اُتدول تارسال
 نمود. متن تلگراف خزاعی به این شرح بود:

آمریکائیا در حدود خیابان علیا پشت مقبره نادرشاه چهل هزار ذرع اراضی به

امضای آیت الله زاده خراسانی ابتیاع و خیال ساختمان مفصلی از قبیل مدرسه و غیره

دارند ولی حجت الاسلام حاجی آقا حسین قمی و سایر آقایان علماء محترم اجماعاً

۱. امیر لشکر آذربایجان به رضاخان، شعبه استخبارات، ۱۷ حوت (اسفند) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ.

۲. علمای مشهد به رضاخان، تلگراف، ۴ حوت (اسفند) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ.

۳. رضاخان به رئیس الوزراء، نمره ۳۲۸۷، مورخه ۱۳ حوت (اسفند) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ.

با اکتیاع و ساختمان اراضی مخالف همه روزه جلسات عدیده دارند، نظریه بنده این

۱

است که بکلی جلوگیری شود.

در فروردین ماه سال ۱۳۰۲ باز هم این مکاتبات ادامه یافت. ح‌تسین آقا خزاعی در ضمن تلگرام خود گزارش داد که اعضا یهیأت علمیه مشهد یعنی سیدمرتضی یزدی، آقا سیدحسین قمی، آقا شیخ مرتضی خراسان، آقا شیخ محمد قوچان، آقا شیخ محمد نهاوندی، آقا سیدعباس قوچان، یحاجی مفی، دمحمدباقر مدرسو حاجی ملاهاشم خواهان برچیدن تأسیسات آمریکا ئیها در مشهد دست ند. خزاعی از قول آنها آورد « آنها سسات و م منع بر طبقات سایر حرارت و جدیت نشود جلوگیری چنانچه سریعاً دخزاعی باز هم خواسته بود تکلیف فوری برای او . موج ب مفاسد عظیم خواهد شد. ملاحظه شد، راجع به » مشخصنمایند . ۲ رضاخان به خزاع پاسخ داد تلگراماً رمز او اقدامات آمریکا ئیها و اظهارات آقایان من و شما تکلیفی نداریم در صورتیکه اعتراض به رئیس دولت مراجعه نمایند دارند ممکن است مستقیماً . » ۳

دامنه اعتراض علیه آمریکا ئیها، به سرعت به غرب کشور هم سرایت . کسر ردلشگر عبدالله امیرطهماسبی، امی ل رشگر غرب نوشت که تلگرامی از علمای خراسان نه حاجی علیاکبر آقای مجتهد اردبیل یکه خیلی هم متنفذ است ارسال اشده ت. او از رضاخان خواست چون وضعیت اردبی لچندان مساعد نیست، از وزیر پست و تلگراف بخواهد ب ه رئیس تلگرافخانه اردبی لدستور دهد این قبیل مخابرات را به مقصد ؛ نزریرر اند

۴

باعث « طوایف حواس اختلال تولید » شُخصاً قمی طباطبائی میان این در . د شو می

ن ۵ « مقام محترم وزارت جن د گامت نصر تلنصر دی » تلگرامی به رضاخان با عنوان

ارسال نمود.

ب ا کمال امیدواری به وجود مبارک در امر آمریکائیان تلگرام م « د راین تلگرام آمده بود

ه ب رَجاء واثق از مقام دیانت آنکه معجلاً شد، علاوه بر عدم نتیجه جواب نیز نرسید،

۱. سرلشگر خزاعی به رئیس ارکان کل حرب قشون، تلگراف، استخبارات نمره ۳۲۲۷، مورخه نهم حوت (اسفند د)

۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

۲. امیرلشگر شرق به رضاخان، ۱۱ برج حمل (فروردین) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ .

۳. رضاخان به خزاعی، ۱۵ حمل (فروردین) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ .

۴. امیرطهماسبی به رضاخان، استخبارات نمره ۳۳۴۲، مورخه ۱۶ حوت (اسفند) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

۵. کذا .

ص: ۲۸۵

اقدام نموده و نتیجه را به او اطلاع داد. هرنندضاخان به طباطبائی قمی « اقدامات صادقانه

دارمما، « آقایان محترم حاضر بوده و مضایقه ن « نوشت که همیشه در انجام تقاضاهای

اقدام در این امر از طرف وزارت جنگ رقان غیونی « مسئله این است از نقطه نظر اداری

خواهد بود، لذا ممکن است آقایان اعتراضات خود را به هیأت محترم دولت اظهار

فرمایند بدیهی است در اینصورت این جانب هم به موقع خود همراهی و مساعدت

۲. « خواهم کرد

از سوئی همزمان با این تحریکات، روحانیان در بخشهایی دیگر از کشور شروع به

اقداماتی علیه برخی اقدامات وزارت جنگ کردند. از مازندران گزارش می‌رسید به

تحریک آقازئیاء فرزند شیخ فضل الله وری عدهای

ن از روحانیان محل منجمله

مشغول اقداماتی هستند که در « شیخ خورالدین همراه با کسبه مجالسی تشکیل میدهند و

نتیجه، اسباب هرج و مرج و عدم انتظامات محلی خواهد بود، لازم است مراتب را به

طور صحت تحقیق نموده

۳. « راپرتا اطلاع دهید که به عرض برسد

همچنین حاکم ایالت طبرستانهم به رضاخان مراتب را گزارش داد و تأیید کرد

که آقازئیاء در تنکاب نگره‌ی را گرد خود جمع آورده و انجمنی تشکیل داده است که

« نماید می‌م ه ا ر ف قهرار محلی انتظام عدم وسایل . « ه ک د ر ک د ز ش و گ صریحاوی

« برآید محلی انتظامات حفظ عهده از گاملا تواند نمی هم حکومت « . طبرستان حاکم

نوش ت با توجه به اینکه هر حادثی ه روی دهد، مسئولیت آن متوجه وی خواهد بود، به

ه ر نحویکه صلاحمیدانن د دستور دهند تا او با موضوع برخورد ن .مای ب ده گزارش

مفتش اداره حکومتی طبر ا سنت این عده عبارت بودن د از: آقاشیخ نورالدی ، ن آقا

سیدعلینقی حکیم ، میرزا علینقی دلا لو آقامیرزا یحی . ینیز نوشت در کنار این عده

ک ه با حضرات متفقم ب یاشن د و « برخی از کسبه طال قانی و تنکابنی هم دی دمه یشو ند

با هم حالیه و داشتند مراوده ها بالشویک با سابقا که هستند اشخاصی حضرات این

حضرات انقلاب ی های گیلان مراوده خصوصی دارند و حقیقت اگر از عملیات و اقدامات

۱ . طباطبائی قمی به رضاخان، تلگراف نمره ۴۳۹۴ ، مورخه ۹ ثور (اردیبهشت) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

۲ . رضاخان به طباطبائی قمی، مورخه ۱۳ برج ثور (اردیبهشت) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

۳ . رئیس اداره ارکان حرب کل قشون به حکومت تنکابن، مورخه ۲۰ حوت (اسفند) ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت جنگ .

۴ . امیراکرم حاکم طبرستان به رضاخان، مورخه هفدهم حوت (اسفند) ۱ ، ۳۰۱ اسناد وزارت جلیله داخله، بایگانی

مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی .

ب هیا خواهد شد و به همین دلیل از مقامات « اینها جلوگیری نشود، باز هم فتنه‌زنگ ی

۱

حکومت استقرار علیه آقاضیاء ظاهرا . بیندیشند تدبیری زمینه این در شد خواسته

نظامی در آن منطقه اعتراضاتی داش؛ و ت نیز عده‌های از روحانیان تقاضا داشتند دو

به مقتضای « یتعیین شود که « رمجلس محاکمه حکومت نظام » نماینده از سوی آنها د

ت ۲ در این ارتباط رضاخ ای نن . « وقت از طرف حکومت [طبرستا] ن نیز قبول شده اس

ب در طبق اطلاعات « تلگراف را به رئیس قسمت مازند راون استآرباد قشون صادر ک : ر

واصله آقاضیاء پسر شیخ فضل الله که از عناصر فاسده است به طرف مازن عاذرمان

مراقبت و نظر تحت شده، علت این مسافرت غیر معلوم؛ لازم است مشارالیه را کاملاً

۳ د متعاقب این تحولات « قرار داده از نیت او ممراتلح ساخ ته مواظب اعمالش باش.ی

رضاخان به حاکم مازندران دستور داد به حکام ونو رکجورو آمل اخطار گردد که به

۴

ار از رشت مقامات وزارت جنگ محض بازگشت آقاضیاء

فورا مطلع نماین د.

ی. این خبر « انجمن احرار اسلام » در شهر کاشا نیز انجمنی تشکیل شده بود به نام

از سوی امیرشگر جنوب به وزارت جن ا گطلاع داده ش. ده‌عمادالاسلام نامی همراه با

فردی به نام حاجاق یا علی فرزند حاجی آقا شهاب که موقوفات شهر را ادامرهیکرد ،

از گردانندگان این تشکیلات بود ن.دمردی که در سندی از او با نام حاجی آقای فایندی

شده و از مباشرین مالیه فین کاشباوند؛ و نیز مردی حاسلاسم لامن ام همراه با

میرزا محمد از علمای کاشان این انجمن را ادماریه کردن د. برخی از گردانندگان این

انجمن شغل نظامی داشتند که از فردی به نام میرزا محیستونان نام برد این فرد در

ای ن اشخاص در جل هسهای « تأمینات نظمیه به کار اشتغال داش. تطب ق یک گزارش

معینه ای که ه دارند نشسته و راجع به و [کیلا مجلس پنج] مذاکرات م نمایند و مابین

تای ن گروه در «. خودشان هم اختلافاتی هست که گمانیکن م نتیجه نخواهند گرف

۱. راپورت میرزا صادقخان مفتش اداره حکومتی، بی تا، اسناد وزارت داخل، ه بایگانی مؤسسه مطالعات و

پژوهشهای سیاسی .

۲. نامه سلیمان درویش نایب الحکومه کجور و کلارستاق، اسناد حکومت طبرستان، نمره ۱۴۸، اول برج دلو

(بهمن) ۱۳۰۱، اسناد وزارت داخله، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی .

۳. رضاخان به ری ئ س بخش مازندران و استرآباد، تلگراف، نمره ۸۳۷، بی تا، اسناد وزارت جنگ .

۴. تلگراف رمز حکومت مازندران به رضاخان، نمره ۸۵۵، مورخه ۱۴ عقرب (آبان) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

۵. امیرلشگر جنوب به ارکان حرب کل قشون، نمره ۲۲۹۰، مورخه ۲۱ حوت (اسفند) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

مورد انتخابات صحب تم یکردند. گروهی دیگر ضد اینها بودن د که البته تشکیلاتی

۱

منسجم نداشتند و آنها هم منتظر اعلان انتخابات . ب ب وندنا بردای ن غیر از تحرکات

ضد آمریکا ی برخی روحانیان خراسان و آذربایجان، نعمده فعالیت‌های دی ب گرای

جلوگیری از دخالت‌های نظامیان در انتخابات مجلس پنجم ب و. دبه عبارتی در ایران و

عراق علیه دو انتخابات فعالی م ت یش د: د ایران علیه دخالت قشون در انتخابات مجلس

پنجم که ه میخواست خواسته‌های بریتانیا را در کشور محقق سازد؛ و در عراق علیه

دخالت انگلیس در انتخابات مجلس و سسان و تبعات ناشی از آن که قیمومت

انگلستان بود بر بینا لنهرین . ماهی ت هر دو جنبش ضدانگلیسی ب. و آدیا این امکان وجود

داشت که این دو جریان به هم پیوندند و کار عوامل انگلیس را بسازند؟

رضاخان از کلیه فرصتها به نحو احسن است مفای دهکر د. حتی از این فرصت . تا و آشکارا

برای نماینده عملاً کشور، اکتاف و اطراف در نیروهایش و کرد می دخالت انتخابات امر در

مجلس پنجم م ت ی راشیدند؛ اما کمتر کسی حساسیت نشان میداد . احمدش ا هتتها وقتی از

خواب غفلت بیدار شد که مشاهده کرد در نبود مجلس، رضاخان همه ک ار هک شو رش ده

است . او فرمان میداد و حکم صادر می کرد؛ ب ر قوه مقننه دست انداخت هب و د و دول ترا

ه م یارای مقابله با نیروهای او نبود . شاه وقتی پیش از پیش اح ساس خط ر ک رد که ه روز

بیست م مردادماه ۱۳۰۲ رضاخان مانع مسافرت ولیعهد به آذربایجانگردی د. در زمره مع دود

مواردی که شاه اعتراض کرد همین موضوع بود؛ اما در کمال شگفتی شنید رفت نولیعده د

به آذربایجان به مصلحت نیس ! ۲ ت ولیعهد طبق سنت دیرینه اسلاف خمودیخواست به

تبریز رود تا کرسی سنتی ولیعهدهای دوره قاجار را احراز . اکمنادر ضاخان بهانه آورد که آذربایجان هنوز امن نیست و از نظر او این مسافرت باید عقب افتد .

علت چیست؟ شواهدی در دست است که برخی از محافل شور و دو یسال پیش از این تحولات به این نتیجه رسیده بودند که رضاچی خا زنی نیست جز آلتی در دستان انگلیسیه . به همین دلیل میخواستند د به هر نحوی شده قدتر از دست رفته خویش را احیا نمایند و بر دربار ایران به نوعی اعمال نفوذ کنند .

« خیلی فوری » یکی از شواهد ما تلگرم است

ی از فرمانده تیپ مستقل شمال ایران

۱. رئیس گردان مستقل کاشان به امیر لشکر جنوب، محرمانه، ششم حوت (اسفند) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

۲. حیات یحیی، ج ۴، ص ۳۰۰

ص: ۲۸۸

خطاب به رضاخان ندر شهریور سال ۱۳۰۲؛ یعنی زمانیکه مشیرالدول هریاست وزرائی را
به دست داشت و رضاخان اینرا ساقط کردن او دست به هراق م دام یزید . متن تلگرام
به این شرح است:

مقام منبع بندگان حضرت اشرف وزیر جنگ و فرمانده کل قشون دامت عظمته
مطابق اطلاعاتی که جسته جسته از منابع روسها کسب شده است شاه امید پشتیبان
دربار را روسیه قرار داده و خود را با آنها فوقالعاده نزدیک کرده است. دولت
بالشویکی که مرامش ضدسلطنتی و اجتماعی است، برای پیشرفت سیاست خود
آغوش خود را تا اندازه ای جهت مشارالیه باز نموده است . شومیاتسکی شب ۱۸
سنتابر ۱ تلگراف رمزی از طریق انزلی با رادیو به مسکو مخابره کرده است که
کلمات (ئتلاف و با ما طرفداران پیشرفت گرچه صاحب منصبان این طهران) کشف
و از قراری که تلگرافی بیسیم اظهار داشته بوده است شومیاتسکی جهت
ذات پیشگاه بعرض احوال شده است، مراتب فوق را راپرتا دستورات به مسکو

۲

مقدس رسانید.

در همان زمان گزارش داده شد روسها با ولیعهد هم مشغول مذاکره. معلوم
مطابق اطلاعات محرمانه که از « نبود کیفیت امر چگونه ب . و ادما باز هم آی رمی نوشت
منابع روسها تحصیل شده است ، ولیعهد با روسها روابط محرمانه پیدا کرده و داخل یک
رشته مذاکراتی که منجر به عقد بعضی قراردادها [شد] که معلوم نیست و مأمورین
۳موایدن نامه با رمز « روسها در آذربایجان بوسیله اهالی بر له ولیعهد اقداماتی خواهند . ن

س ارکان حرب کل قشون ارسال شده و باید توسط رئی

شخصا کشف رمز میگردد .

در س تدر زمانیکه مسئله تبعید علما کلیه محافل سیاسی را تأتیش ر ق ترا ر داده بود،

رضاخان حتی خطوط تلگراف و تلفن را تحت تصرف وزارت قجن رارگ دا . د در مرداد

سال ۱۳۰۲ خطوط تلفن همدان زنجان و قزوین ناز طرف قشون تصرف شد

، . رضاخان در

۴

دهی چ « هرج مال دولت [اس] ت بای د در تصرف ما باش . » ای ن زمینه به سادگی دستور داد

۱ . کذا: سپتامبر .

۲ . رئیس تیپ مستقل شمال به رضاخان ، ن خیلی فوری، محرمانه، ۲۱ برج سنبله (شهریور) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

۳ . رئیس تیپ مستقل شمال به متصدی ارکان حرب کل قشون، ۱۲ سنبله (شهریور) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

۴ . رئیس تیپ مستقل شمال به ارکان حرب کل قشون، مورخه ۳ اسد (مرداد) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۲۸۹

ک سهم نرسید اگر قرار است خطوط تلفن و تلگراف در اختیار وزارت گک باشد، پس وظیفه وزارت پست و تلگراف و ف تلفن چیست؟ نکته جالب بازیه ا یروسهاس تک هبا اینک ه کمونیست بودند، در این زمان دس تب هی کسل سل هاقداما تعجی بو غری ب می زدند. از آن جمله است برگزاری مراسم عزاداری ماه محرم در س آنل . محمدحسین مشغول تهیه روضهخوانی و عزاداری محرم « آیرم نوشت ، ک نسولگری روسی هدر رشت است ، با اینحال در صورتیکه مقام منیع بندگان حضرت اشرف تصویب و اجازه رادد « فرماین د در سربازخانه همه ساله عزاداری خامس آل عبا ه طوبر آبرومن د یدای رگ . غی ر از این نام اه یجداگانه هم خطاب به آیرم « بشو د با مخارج کم .ی « رضاخان دستور داد ب هنظ ربن دگا نح ضرتاش ر فرس ی دمقرر « نوشت ه شد که در آن آمده بود خواسته او ۲ .» فرمودند که با مخارج مختصری مجلس روضهخوان ی دائر شود

۴. شوروی و مسئله رضاخان

شواهد نشان میدهد، شور و ید ر مقابل تحولات ایران ابتکار عمل را از دست داده بود. اسناد نشاندهنده نوعی سردرگمی مقامات این کشور در مقابل رضااس خان. ت عده ا ینسبت به افلیعتهای او ابراز سوءظن می کردند و گروهی دیگر از جمله روتشتین هنوز مناسبات دوستانه خود را با وی حفظ نموده .بوددن رای دن میان انگلیس سیاست خود را با حوصله و برنارمیهزی پیش م ب یرد . همین زمان احمدشا هبا لورین به درددل پرداخت و گف ، ت احساس میکند وزیر جنگ میخواهد علیه او دست به کودتا زند و در چنین صورتی ترجیح م د یهد در خارج کشور باشد؛ تازه ای ن سخن در زمانی گفته می شد که هنوز بیش از ن هماه از بازگشت او به کشور نمی گذشت . شاه جبون منتظر بود

- تا مجلس پنجم تشکیل شود و آنگاه به سرعت از کشور خارج گردد. لورین گزارش داد
- شاه به شدت از رضاخ اترسیده اس. ت او قصد دارد بلافاصله بعد از تشکیل مجلس به
- مسافر تس و مخویش به اروپا رود. شگفت اینک شاه از وزیرمختار کشوری بیگانه
- میپ رسید، آیا در صورت ضرورت بریتانمیا تواند برای او هواپیمائی بفرستد تا از
- کشور خارجش کند؟ شاه توضیح داد ولیعهد هم نگران اوست و با اضطراب از برادرش
۱. آیرم به رئیس ارکان حرب کل قشون، ۱۹ برج اسد (مرداد) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ.
۲. متصدی ارکان حرب کل قشون به آیرم، مورخه ۲۰ اسد (مرداد) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ.

خواست ه است کشور را ترک ک؛ ن زدیرا رضاخان در موقعیتی مناسبیتواند هر دو آنها را بازداشت کن . د ۱ کرزن این امپریالیست متکبر وضعیت احمد شراه با خونسردی نظاره میکرد . ا ودر نامه‌ی خطاب به لورین نوشت ،ا گر شاه میخواهد کشورش را ترک کند بای د بدانند این به منزله پایان حکومت دودمان قاجار خواهد بو د. اما برای شخص کرزن نفس این مسئله مهم نیس . ک ترزن به شکل تحقیرآمیزی نوش ک ته اگر احمدشاهتحت فشار جسمانی قرار گیرد و در سفارت بریتانیا در تهران بست نشیند، انگلیسی ه ا

میتوانند او را به محلی امن منتقل کنند؛ اما دولت ان ن گملی ت یو ساند هواپیمائی در

۲

اختیار او گذارد تا از کشور خارج .شومدعلو م بود احمدشاه حاضر نیست حداقل برای حفظ تاج و تخت خود ه م شده ب ه نبرد با رضاخان دست یاز .د لورین پیش بینی کرد احمدشاه به ایران باز م گیرد به شرط اینکه تا زمان موعود کودتائی علیه او صورت نگرفته باش د. ۳ پیش تر او نوش ته بود شاه برای حفظ تاج و تختش حاضر به نبرد نیست

۴

وزیرمختار انگلیسبه دروغ مدعی شد هرکاری کرده نتوانسته رأی شاه را تغییر ده د. در س ت در این بحبوحه و د ر شهر یورماه سال ۱۳۰۲ درگیری ای در یکی از مناطق شمال غرب ایران بین عده‌ای از مرزبانان ایرانی با قوای از نیروهای شوروی دا . د در این درگیری شش تن از مرزبانان ایرانی کشته .شهدن مزدمان تعدادی ملوان شوروی وارد بندر انزل یشدند و به خشکی آمدند و ساختمان شیلات را تصرف .ر کورسدن هدا تقاضا داشتند امتیاز شیلات ایرن ،ک ه دو سال پیش به دلیل عهدنامه ایران و شوروی

برداشت ه شده بود، بار دیگر به آنان داده . هششودروویها بی بصیرت ی خود را با این
صعود برای مانع آخرین که کردند می تضعیف را دولتی آنها : دادند نشان گاملا عملیات
قزاق به اریکه قدرت مطلقه بود . برای انگلیس نفس این ماجرا اهمیت داشت . زیرا ظاهر
امر دلالت بر این داشت که حادثه یادش ، د ضرورت استقرار دولت متمرکز و نیز ارتش
قدرتمند تحت رهبری رضاخان را بیش از پیش مسجل ساخته است . تمرکز ۶ با مرکزیت

.Lorraine to Curzon, September ۳/۱۹۲۳, FO. ۳۷۱/۹۰۲۴.۱

.Curzon to Lorraine, London, ۶ September ۱۹۲۳, FO. ۳۷۱/۹۰۲۴.۲

.Lorraine to Curzon, October ۶/۱۹۲۳, FO. ۳۷۱/۹۰۲۵.۳

.Lorraine to Curzon, September ۸/۱۹۲۳, FO. ۳۷۱/۹۰۲۵.۴

.Military Attache to the WO, ۲۲ September ۱۹۲۳, FO. ۳۷۱/۹۰۵۲ .۵

.Centralization.۶

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

سیاسی ۱ تف اوت دار د. تمرکز یعنی آن چیزی که به دست رض صاخوارنت گرفت؛

متراک م کردن روزافزون قدرت دولت و ابزارهای مادی اعمال سلطه آن؛ حال آنکه

مرکزی ت به مفهوم حاکمیت سیاسی واحد است که وحدت فرماندهی در اعمال حق

حاکمیت سیاسی را در دستور کار خود قرار می دهد. مشاهده می کنیم که بین این دو

مفهوم تفاوت ظریفی وجود دارد. تمرکز به واقع تریاکاف متگی در محدود اده یمعین

است. پس رضاخان ابزارهای اجرائی حکومت را درون یک کالبد مادی به نام دستگاه

دیوانی، نظامی، انتظامی و سیاسی تمرکز بخشید و قدرت آن را متراکم ساخت.

در تمام این ایام سیاست شور و دیر برابر ایران بسیار کجدار و مریز. ابزو دخالت

نابجا در مسائل داخلی کشور گرفته تا حمایت بدون آگاهی از ماهیت جنبشهای کسان

مث لاحسان الله اخن، سیاست رها کردن ایران به حال خود و تلقی کردن آن به مثابه

سپر دفاعی در برابر حملات احتمالییه باکو؛ تاکتیکهایی بود که در برابر ایران در پیش

گرفته شد. کارل رادک ۲ نظریه پرداز مشهور و برجسته حزب کمونیست شور و دری

همی ن سال ۱۳۰۲ درست در ایامی که رضاخان با حمایت آشکار بریتانیا گام به گام به

است غیر ضرور گاملا می نظر اظهار شد می نزدیک طاووس تخت

، کرد که برای شوروی

که ه جمهوریهی شورای یمصنوعی در ایران به وجود آو برهد؛ واقع علاقه اصلی شوروی

تنها این است که ایران ایپگای برای حمله به باکو ن ش. و اد و خاطر نشان ساخت شکل

است مربوط منحصرا کشور ن ای ارضی مسئله برای حلی راه یافتن و ایران در حکومت

ب ه خود مردم ایران و نفوذ معنوی که کمونیستهای ایرانی اعم املیکنند. ۱۳ این راه حلی

مناسب بود؛ اما در صورتیکه به راستی شوروی به موضوع استقلال سیاسی ایران
پابندی نشان میداد. درست در حالیکه انگلستان عزم خویش را جزم کرده بود تا تسلط
نهائی خود را از طریق قوه قزاق عملی سازد، این سیاست نه به منافع ملی ایران کمکی
میرسانید و نه حتی به منافع خود شوروی.

همزمان تحولاتی دیگر هم در شرف انجام بود. واژه‌های جمله اینکه اداره صلاحیه رشت
ردرئی س شیلات « مأموری نظامی برای جلب یک خاطی به اداره شیلات اعزام. امکا

۱. Political Concentration.

۲. Karl Redek.

۳. ۶۰. Miron Rezun: The Soviet Union and Iran, (Colorado: Boudler, ۱۹۸۸), p.

ص: ۲۹۲

نظامی مزبور را خلعت‌سلاح نمود. رئیس تیپ مستقل شمال کشور این «احمداف یهودی» حادثه را وهنی عظیم که باع بر ثبات رفتن حیثیت قشون شده است ارزیابی نمود و در صورتی که احمداف رسمیت ندارد مطابق قوانین جاریه با مشارالیه رفتار «تقاضا کرد شود و در صورتیکه احمداف را نباید مزاحم شد، رئیس صلحیه تنبیه شود که نظامی ۱». را به عوض فراش به کار برده است

در این حال مکاتبات صمیمانه بین روت و بشتیانرضاخا نحاکی از این بود که ه شوروی هنوز قادر نیست درک کند در ایران چه تحولاتی در شرف تکوین است. روتشتین ماهانه بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ تومان به روزنامه افراطی بامداد روشن که هرچه بود

۲

هم و روسی متن هم که توجه جالب ای نامه در. کرد می کمک نبود، سوسیالیست قطعاً ترجمه فارسی آن در دست است و جزو اسناد سال ۱۳۰۲ وزارت جنگ گنج‌انیده شده، در ظاهراً نامه این است انگیز شگفت خود نوع در که است ذکر مطالبی روتشتین «دوست عزیزم» پاس‌خ مکتوبی است که رضاخان اینرا نوشت. اس. ترضاخان با عنوان طرف خطاب قرار گرفته و از و صول نامه اش تشکر شده اس. ات ز سوی روتشتین دوست «تاز سوی او به این دلیل نیست که «غفلت در تجدید مود» اطمینان داده شده قدیم خودمان را فراموش کرده باشم یا اینکه مناسبات آممی و دز تشما نسبت به مملکت ملاقات دومیه در عمارت سفارت بین ما» ش؛ ادز مذاکراتی که «م از نظر محو شده با و دصحبت به میان»، جریان داشت و مذاکرات اخیری که در ایوان منزل شما در بین ب که رضاخان نسبت به روتشتی نو دولت شوروا ابراز کرده «حسن ظنهائی» آمده و از

است، یادی شد .

در ادامه آمده است:

شما می دانید که من هیچوقت برخلاف واقعیت با شما چیزی نگفته و همیشه با شما

صادقانه صحبت میکردم، باز هم تکرار میکنم که شما در عملیات خودتان

خدمات مهم و بزرگی نسبت به مملکت خودتان کردهاید و دولت دوستدار نهایت

اشتیاق را دارد که در این عملیات تشریک مساعی نموده و با تمام وسائل ممکنه و

موجوده از هیچگونه مساعدت و همراهی خودداری ندارد و اگر تاکنون نتیجه آن

۱. رئیس تیپ شمال به رضاخان، نهم برج ثور (اردیبهشت) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ .

۲. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ص ۲۲۱

ص: ۲۹۳

مساعدت و همراهی به دست نیامده و نظریاتی که بنده و شما داشتیم صورت خارجی پیدا نکرده است، علت عمده آن به مناسبت وضعیاتی بود که پیشینی آن

مُش

کل یا اینکه قبلاً منظم نبوده است و ضمناً تا درجه [۱] ی علت عدم موفقیت عدم اطمینان کامل از طرفین بوده است.

آنتریکهای دشمنان « او به رضاخان نوشته است شوروی ناچار است در برابر شما به خوبی ملتف تم یثوی دکه چطور ب هسهولت نزد ما » از خود دفاع کند و « مختلفه تولید سوءظن مینمایند ، از طرفی هم هنوز شما احترامز یکنید و در کارهای ما مردد هستی د که ما گاهی بعضی کارهای قابعیده و اشتباهاتی را مرتکب میشویم و گاهی از اوقات مناسبات دوستانه ما را با مملکت ایران با سوءظن متلق یکن یید ، من همیشه اوقات از شما خواهش میکردم و باز هم تمنمایکنم اطم ینان کامل داشته باشید که ه مناسبات ما با دولت ایرابنینهایت دوستانه و صمیمی است، اما بفرضهم ی ک حرکاتی که موجب خلل دوستی ما و شما گردد از ما ناشی شود، این یک اشتباه در امورات خصوصی است و مربوط به عوالم انسانیت ، اب سه تمقاصد سیاسی و مملکتی » . ارتباطی ندارد

روتش یت ن نوشت دولت شوروی همیشه به نمایندگان خود در تهران و دیگر جاها مراودات حسنه خودشان را همیشه با شما برقرار و مستحکم نمایند و « توصیه می کند ت اجائی که ممکن است از هیچگونه اقدامات حسنه خودداری نکرده و قصور نمایند و مامطنن هستیم آنها با کمال دقت و از روی شرافت و نیک فطرتی المحققدیور سع ی

طرف از هم شما خواهشمندم . دهند انجام گاملا را ما دستورالعملهای که کنند می
خودتان به نمایندگان ما تظاهرات اطمینان بخش نموده و از روی صمیمیت مقاصد و
فرماید اظهار را خودتان شکایات و تمایلات . « از برخی رفتارهای رضاخان ظاهراً
هیأت نمایندگی شوروی در ایران ابراز گلایه کرده بود؛ و این نامه روتش تین در پاسخ
ب هاین گلایهها بود . اگر این نامه در سال ۱۳۰۲ و قبل از ریاست وزرائی رضاخان نوشته
شده باشد، نهایت زیرکی و آینده نگری دهسایت پشت پرد های را نشان میدهد که از
وی حمایت میکردند . ب ه نظر ما اینانمیخواستند دریابند موضع رسمی شوروی در
قبال تحولات آتی کشور چه خواهد بود؛ و آدیا آنها سمت وسوئی خلاف جریانهای
سیاسی تعیین شده در پیش خواهند گرفت یا حداقل اینکه ساکت خواهند بود و

تماشاچی باقی خواهند ماند؟ ای ن نامه نشان داد انگلستان و رضاخان از طریق واسطه‌های مثل روتشتی نمی‌توانند سیاست آتی شوروی را حدس دهند، بنابراین می‌توانستند با آسودگی خیال برنامه‌های را که قرار بود اجرا گردد، عملی ندانند. اسزطور پایانی نامه ضمن اینکه روابط صمیمانه روتشتی و رضاخان را نشانمیدهد، اطمینان خاطر لازم را هم باری او به ارمغان می‌آورد؛ اطمینانی که برای پیشبرد برنامه‌ها یا آینده بریتانیا بسیار مهم بود:

من تصور میکنم در صورتی که سعی فرمائید جزئی سوء تفاهماتی را که ممکن است گاهی از اوقات حاصل گردد [و از نمایندگان ما برای شما پیش آید بین خودتان (یعنی مأمورین ما و شما) حل و تصفیه گردد سریعاً حسن ظن ما را نسبت به مناسبات حسنه ذاتالین استنباط فرمائید. من خاطریم هست که شما یک روز یک موضوعی را مطرح و اظهار فرمودی دد میل دارید به مسکو مسافرتی نمائید که هم ترقیات زندگانی ما را مشاهده فرموده و هم

ضمناً در مطالب دیگری مذاکره

نمائید. اگر هنوز به این نظریه باقی باشید من از نقطه نظر شخصی تصور میکنم عملی کردن آن ب ن نتیجه و بیفایده نباشد. من این مراسم خصوصی و غیررسمی را به شما نوشته‌ام م ثل یک نفر دوستی که به دوست دیگر خود مینویسد مورد مطالعه و حکمی مت خودتان قرار دهید و در هر صورت خواهشمند است اطمینان داشته باشید که دوستدار هیچوقت شما را فراموش نکرده و از ابراز هیچگونه حسن ظنی نسبت به شما خودداری ندارم. اطمینان کامل دارم که وصل این مراسم برای

شما یک نوع خوشی و سلامتی را حاکی بوده و بر جدیت و سعی دائمی شما برای رفاهیت و آسایش ملت خودتان افزوده گردد. اجازه می‌خواهم تشکرات صمیمی عیال و دختر خود را که هنوز مراحم و مودت و مهمان نوازی شما را فراموش

۲

نکرده‌اند، تقدیم دارم.

۵. گیلان و خشونت قشون

در خردادماه سال ۱۳۰۲ فرمانده تیپ مستقل شمال گزارشی از اوضاع قفقاز ارائه داد

۱. پراتتر در اصل سند .

۲. روتشتین به رضاخان، بی‌تا، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۲۹۵

از البته که گزارش این در . بود شده تشریح ن آ ر د م ه ان خ الله احسان ت ی ع ض و ضَمنا که

طریق منابع ی در جنبش جنگ لکه اینک به شور و گریخته بودند به دست آمده ود، ب

وحشیگری و قساوت روسها هر روزه نسبت به قفقازها بيمشت يشر ود، « نوشت ه شد ه

هو د ر آنجا انتظار بلوایی م يروود . « مظالم طاقت فرسای روس، گرجستانرا به جان آورد

ه ر روزه يك « روسها برای جلوگیری از اعتراضات در کوها چ همسلسل قرار دداهان د و

،

از جمله احسان اللهخ ان که در باک وبه سر . « عده را به اسامی مختلفه اعدا مم ينمايند

قبول « ميبد رد به مسکو احضار شده ولی او حاضر به رفتن به مسکو . انی ز طسرف تی او

مساعدت... از طرف روسهانمیکند ، احساسات مشارالیه نسبت به ره او تنسفر آمیز

است ، روسها به ایرانیانیک هجزئی فهمیده و از مظالم آنها پی دهبان رد، اجازه خروج به

با وجود « از اعتراض انگلیسیها به عملیات روسها یاد شده که . « ایران نم يدهند

۲ . « شجاعتهای ظاهری و نطقها، تا اندازهای [روسها ر] نسبت به اهالی (نرم) ۱ کرده است

خسود ترانانجام . « اشخاص را جلب کنید به طرف « زیر ای ن نامه نوشته شده

همینطور هم ش ؛ د سرتیب محمدحسین آیر مدر بهمن ماه سال ۱۳۰۲ گزارش داد که

به تهران رفته و با « همراهان احسان اللهخان معروف « سید محمود استرآبادی یکی از

سیدجلیل اردبیلی تماس برقرار کرده اس . تا ز این طریق اطلاعاتی از وزارت داب خلهه

ر ابه شکل کتبی و تلگرافی در پاسختار شا « اخبار دسایس آمیزی « دست آورده و

می کنند. طبق این گزارش عین تلگرافهای او در تلگرافخانه موجود . ۳ار سضتاختان زیر

ب هعبارتی خطری از جانب اح اس الله نوجود نداش ؛ ت . « اهمیت ندارد « این نامه نوشت

بلکه حتی او با حکومت مرکزی ایران همکاری م‌ه یکمرد . لیکن فزاقان همزمان حتی

یکی . کردند می جلوگیری شد می تشکیل ادبی مباحث برای صرفاً که جلساتی تشکیل از

از این موارد مربوط می‌شد به انجمن ترقی‌لنگرو د. انجمن مزبور نامهای وشت خطاب

ب هروزنامه کوشش که عیناً در آن جریده چاپ شد . این نامه نشان

برخلاف دهد می از نظامی حکومت مأمورین میزان چه تا اولاً کردند، می تبلیغ رضاخان کارگزاران آنچه

میزان چه تا نظامیان حکومت ثانیاً و داشتند وحشت مستقل گروههای جلسات تشکیل

۱ . پراکنش در اصل .

۲ . رئیس تیپ مستقل شمال به ارکان حرب کل قشون، ۱۴ برج جوزا (خرداد) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

۳ . آیرم به ارکان حرب کل قشون، مورخه ۱۸ برج دلو (بهمن) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۲۹۶

آسیبپذیر م یوانست باشد . متن نام ه انجمن ترقی که در روزنامه کوشش درج شده به این شرح است:

آقای مدیر، آیا جز این تصور میکنید که گیلان به واسطه سیاست تضییق و فشار و جور و بیاعتدالی حکام جابر و نمایندگان وظیفه شناس، دولت خود را در آغوش آن انقلاب افکند[؟] اگر این را تصدیق دارید پس باور کنید که الآن هم با سوء سیاست و تدبیر همان اعمال حقیقی هرج و مرج و آشوب گیلان را به یک انقلاب مدهش تری تهدید میکند . کار نداریم به اینکه فلسفه دو سال استقرار رژیم حکومت نظامی در لنگرود چیست؟ آیا منطقه جنگی است؟ آیا سرحد است؟ آیا ای ن لشین و دستجات مسلح و یاغی دارد؟ این را جراید آزادیخواه و نمایندگان صالح ملت بهتر میتوانند جواب دهند . ولی از این پرسش نمیتوان صرف نظر کرد که از روی چه مقتضیاتی این همه اختیارات شوم و بیحد و حصر به یک نفر دژخیم ارتجاع تفویض شده؟

کابوس در به شما و تمام قارئین حساس شما

صریحا اعلام میداریم که لنگرود

ارتجاع مالی یک نفر دشمن آزادی و معارف که به حاکم ۲ نظامی موسوم است

دست و پا میزند. در موقعی که نشر اعلان انتخابات آزادی و اختیار هرگونه

دسته جات را ایجاب و الزام میکند، حکومت استبدادی و فعال مایشائی در لنگرود

استقرار دارد . هیچگونه اجتماعات عادی و سادهای م مکن نیست تشکیل گردد، مگر

آنکه به توسط حکومت نظامی متفرق و پراکنده میشود . در اینجا سلب آزادی و

که اجتماعی مخصوصاً اجتماعات و یف و تبعید آسایش افراد، تفرقه، جلب، توق
جنبه معارفی داشته باشد یکی از جریانات معموله حکومت نظامی به شمار میرود،
مگر داستان تبعید چندین نفر از محترمین علماء لنگرود بسمع شما نرسیده؟ نه فقط
نم ت یوان اسمی از مجامع حزبی برد بلکه با کمال تأسف میگوئیم که مجمع ادبی
خود از جنبه سیاسی^۳، ترقی که به شهادت مردم و نظام

کاملای عاری بود به توسط

حکومت نظامی تعطیل و توقیف و از تشکیل مجامع ادبی جلوگیری میشود.

۱. اشارهای است به جنبش جنگل .

۲. اص ل: حکام .

۳. منظور از نظام قشون نظامی است .

ص: ۲۹۷

ما به صدای رسا فریاد می‌زنیم: با آنکه این مجمع کوچک ادبی با موافقت نظر اداره

معارف محلی تأسیس گردید و تفتیش و مراقبت حکومت نظامی را در جریانات

خود کتبا قبول نمود، معهدا نتوانسته است به تحصیل آزادی تشکیل جلسات خود

موفق گردد. ما برای رفع هرگونه شبهه موارد مرام مجمع ترقی را (که از

صمیمی‌ترین و پاکدامن‌ترین عناصر معارف خواه تشکیل یافته) ۱ برای مطالعه شما

و خوانندگان شما و حکمیت مبادی امور لفا م ف یرستیم و تقاضا داریم به درج آن

بر ما منت گذاشته حق قضاوت و انصاف عمومی را نسبت به عملیات جابرانه

حکومت نظامی [ک] ه گلوی ضعیف را میفشارد [جلب میکنی م.] تا زمانیکه خنجر

یأس و ناکامی در سینه رنجور و ناتوان ما شکسته نشده وسایل تأمین آزادی ما را

۲

فراهم فرمائید. مجمع ترقی لنگرود.

حاکم لنگرود و مضافات به سرعت علیه این نامه واکنش نشان. او بدهد رئیس تیپ

«چند نفر اشخاص معلوم الحال» مستقل شمال کشور نوش تکه این انجمن توسط

بیعی زمان «در زمان انقلاب» تشکیل شده که از جمله آنمهایتوان به رئیس معارف

وقوع جنبش جنگل اشاره کرد که با آنها رهیم ککارده است، هم چنین رئیس

چون شنیده «تحاکم نظامی لنگرود نوشت». «ک هجزو کمیته انقلاب بوده اس» پستخانه

با مخالفت و سیاسی امور در مداخله باطن در ولی ادبی بودم که این مجمع اسما

نظریات دولت مینماید، این بود چندروزی آنها را قدغن از تشکیل مجمع نموده،
رآوم مده طالب بالا را در « تعطیل کردند؛ بدین واسطه آقایان مشغول آتتریک و ضدیت ب
روزنامه کوشش نوشته اند. د رادامه این مطلب نامهی ازحاکم نظامی لنگرود دو مضافات
نوشته شده که باز هم اشاره دارد به تلاشهای انجمن و ترقمقا یلاهی که در روزنامه
کوشش نوشته شده اس. ت د ر این نامه مطالب انجمن زبمور باعث بروز سوءتفاهم، و
شده تلقی وحشت و فساد تولید مایه، « ه ب ه ک ن ی ا ن و د ب این بود حسب وظیفه بدوا
مقامات دیگر مراجعه نمایم مراتب را به حضور محترم راپورت داده هر قسم مقتضی
اس ت امر فرمایند، چنانچه از طرف آن ریاست محترم جلو مگی یرشویو فیها؛
د اگر هم

واسطه به است بدیهی. شود تعقیب ستور فرمایند از راه دیگر قضیه جدا د است لازم
۱. پراتر در اصل.

« . از لنگرود » ، ۲. روزنامه کوشش، ش ۴۷، مورخه ۲۷ ثور (اردیبهشت) ۱۳۰۲

حفظ شرافت نظام راضی نخواهید بود و هنی به این علنی آنهم کذب محض به یک نفر شخص نظامی وارد آید بعلاوه اگر بنا باشد این مطلب مسکوت عنه بماند منجر به اشکالاتی خواهد شد که جلوگیری از آن دشوار خواهد بود. و دیگر آنکه موضوعی که جدا ام کرده جلوگیری مجامع سایر از اینجانب که اند کرده ایراد خود مشروحه در و دش‌رض‌نمایم فقط همین مجمع بوده آنهم به نقطه نظری که فوقاً می‌تکذیب بعلاوه دائره حکومتی گیلا نراپرت داده و کسب تکلیف کرده بود، پس در صدور

۱

دستور

». مجدداً اجازه افتتاح مجمع صادر شد

انگلستان، رضاخان و دستگیری قوام

مهرماه سال ۱۳۰۲ طرفداران رضاخان دست به اقدامی دیگر زدند: در روز شانزدهم این ماه قوام‌المسلطنه دستگیر شد. در جرمش این بود که در زمستان سال ۱۳۰۱ نقشه کشیده بود تا رضاخان را بکش! دشایعه توطئه برای قتل رضاخان نتازگی نداشت. تدر مهرماه سال ۱۳۰۰ هم که قوام ریاست وزرائی را به دست داشت، چهل تن را دستگیر. گکفرتدنهد می‌شد اینها اعضای گروهی هستند به نام کمیته؛ فولادع امیش د که ظاهراً قص د

و

ه نوز» داشته ان در رضاخان را به قتل رسان. ن. ده‌مان زمان مأموران انگلیسی گزارش دادند اطلاعات بیشتری در این باره انتشار نیافته است، شاید هم بعها ضخیواسته باشند با این ۲ و آنمدریکا ئیه اهم گزارش دادند «صحنه سازیه‌ها از شر دشمنان خویش راحت شد.

توطئه ای که ه ادعای آن طرح می شد، آنگونه که تصور می رفت گسترده نبو. د جالب اینکه

طراح این توطئه را م لشمالراک دانستند، که ه بعدا در دوره ریاست وزرائی همین

رضاخان از وزرای او ش.دم یگفتند این مشارالمل کبرای مدتی کوتاه، متعاقب کشف

ب ه اصطلاح دسیسه از کشور خارج شده. ا.ا سما تعدادی از دهستان ادعائی او

۳

دستگیر شدند، حبس این افراد هم دیری نپائید و در نهایت همگی آزاد گردیدن د.

کورنفلد، و زیرمختار آمریکا در تهران گزارش دا دکه این سخنان محل تردید اس؛ ت

۱. سرهنگ حسینقلی، حاکم نظامی لنگرود و مضافات به رئیس تیپ مستقل شمال، مورخه ۱۰ برج جوزا (خردا د)

۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ.

۲. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ص ۲۱۴

.Engert to DS, January ۱۲/۱۹۲۲, No. ۱۴,۸۹۱.۰۰/۱۲۲۰.۳

ص: ۲۹۹

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

زیرا دستگیری و تبعی

د قوام و البته استعفای قری بالوقوع مشیرالدوله راه را برای

نخستوزیری رضاخان هموار کرده اس . ت ۱ با میانجی گری شاه، رضاخان از شکایت علی ه

قوام خودداری کرد به شرط اینکه آن سیاستمدار زیر ، ک کشور را ترک کن . درض اخانه

لورین گفته بود قوا مذاکرات محرمانه بیا مظفر اعلممشهور به سردار انت صارک هاز

افسران پیشین ژاندارمری است داشته و در این مذاکرات گفت هاس ترض تهدیاخدانی

وام ق بود گفته رضاخان به ظاهرا انتصار سردار . برود بین از است بهتر و کشور علیه است

از او خواسته نیروهای ناراضی ژاندارمری را آجومرعی نماید و در یکی از جلوس اکابینه

رضاخان را بازداشت کند . اعل م مدعی است که خواسته بود قوام این دستور را کتبی کن . د

اما قوام از دستور کتبی اجتنابورزید و به این شکل توطئه نیشخشد! بازجویی از

توسط سهیلی ن امی که ه بع دهاترقی « دستگیر شدگان که تعدادی ارمنی و مسلمان بودند

د ۲ پروندهساز اندیگ ردر . « کرد ، بعمل آمد و بلافاصله قال واسملطنه دستگی ر و حبس گردی

کنار سهیلی عبارت بودند از شخصی به نام م شکوه بع لاهه محم دخان درگ اهرئی ی س

نظمیه . داستانسرائی رضاخان به این شکل ادامه میاب ی د که بالاخره قوا مچهار تروری ست

میشود و به دام « سرقتی کوچک » قفقازی پیدا میکن د . اما یکی از آنها در قزو یمرنتکب

میافت د . بعد از این قضیه هر چهار تن تروریست مذکور دس تگی رم شونند! ۳یمحمدخان

درگاهی رئیس نظمیه، با تنظیم پرونده یسراپا افت راب رایق ، او و مراب هوزارت جن گ

احضار و بازداشت کر د . به این شکل یکی از زیرکترین سیاستمداران ایرانی و یکی از

مهم تری ن مخالفین رضاخان روانه تبعید شد تا سردار سپه با آسودگی توطئههای خود را

یک ی بعد از دیگری به اجرا در آ.ورکد نبودند مقامات دیپلماتیکی که ه میدان ستن ده د ف

رضاخان از دستگیری قوامچیست. از دید آنها این بهان ای هبود ب را یسرنگون کردن

دولت وقت و حاکم نمودنخود کامگی خویش بر کشور، به طور کلی اوضاع بسیار وخیم

۴

گزارش می ش د. ب اینکه اتهامات وار د شده همه کذب بود، اما قمواحمک و مب هتبعی داز

ایران و مصادره بخش قابل توجهی از اموال گ.رمدی ج دازات تعیین شده با خواسته و

۱. Kornfeld to Secretary of State, October ۳۱/۱۹۲۳, Department of State, No. ۲۹۵.

۳۱-۲. تاریخ احزاب سیاسی ایران، ج ۲، صص ۳۲

۳. Loraine to Curzon, Tehran, ۱۵ November ۱۹۲۳, FO. ۴۱۶/۷۳.

۴. Kornfeld to Secretary of State, No. ۴۲, October ۹/۱۹۲۳, DS. ۸۹۱.۰۰/۱۲۴۸, Also see: Majd,

.op. cit. p. ۱۵۹

ص: ۳۰۰

آقا شیخ جعل یدش تی کاغذی به عیال « نقشه های رضاخان منطبق بود. در این بحبوحه قوام السلطنه و وشت و او را تهدید کرده است که هرگز اهیکه زار و پانص دتوم انب هم ن ندهید، قوام السلطنه اعداد می کنم. ابتدا خبری نداده و بعد به طوری که هم دیر گلشن

۱

« میگفت، سیصد تومان داده است

قوام جزو معدود رجال سیاسی بود که در کنار شخصیت‌هایی مثل شهید مدرس، به در « خیلی نقشه ها » مردم هشدار میداد گول رضاخان و بیانیه‌های او را نخورن. دزیرا که و د ب شده تهیه پرده پس « ه ک ملی شورای مجلس افتتاح در آن اجراء

حقیقتا اکثریت

به مورد اجرا « هانتخاب شده اند، توسط امثال رضاخان « وکلای ولایات به میل امیرلشکر

۲ و مثل مدیر روزنامه اتحاد « خواهند گذاشت

ماجرای به همین جا خاتمه نیافت؛ عده ای

شروع کردند به سخن گفتن از کمیته مجازات و تعریف و تمجید از عملیات آنها که

علی ه برادر قوام یعنی وثوق صورت گرفته ب. ودا و پرونده کمیته مجازات را به دست

مدیر اتحاد را ملاقات، « آورد و برخی اسناد آن را در روزنامه خود منتشر نمود؛ عده ای

علت انتشار دوسیه کمیته مجازات را استفسار دنها م نود، جواب داده است مقصودم از

انتشار دوسیه مزبور این است که یک روح ات یا زهد ر قلوب مردم ایجاد و تولید نمایم،

از قراری که حدس زد هم میشود گویا صورت دوسیه را یا از خانه الودثول وقه یا از

ت حال پرسیدنی است کدام مقام سفارت بریتانیا «. سفارت انگلیس به دست آورده اس

م ت یوانسته است این اسناد را در اختیار مدیر اتحاد قرار داده باشد؟

روز یکشنبه سیزدهم اکتبر مطابق با ۲۱ مهرماه ۱۳۰۲، شاه، وزیرمختار آمریکا اب

ر ه

حضور طلبد و گف تکه رضاخان تلاش میکند به هر نحو ممکن پس از ساقط کردن

دولت مشیرالدوله به مقام ریاست وزرائی دست یابد و در این راستا هر مانعی را از سر

راه خود برمی دارد. در این شرای طتنها سه کس برای تصدی منصب ریاست وزرا مطرح

بودن د: مستوفی، مشیرالدوله و قوا. مستوفی دیگر قادر نیست به قدرت بازگردد از آن

روی که مجلس در استیضاح تاریخی خویش، به واقع از او رد صلاحیت کرده است.

مشیرالدوله هم قادر به مقاومت در برابر وزیر جنگ نیست و به اشاره او گیر یکناره

۱. گزارش مفتش مخفی، ۲۵ برج میزان (مهر) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ.

۲. گزارش مفتش مخفی، مورخه ۲۱ برج عقرب (آبان) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ.

۳. همان، مورخه ۲۵ برج میزان (مهر) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ.

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

ص: ۳۰۱

کرد. م یماند قوام ، اما رضاخان تنها راه باقیمانده را حذف دائمی از قحوامضور در
صحنه سیاسی کشورم یداند . سناریوی انتساب دسیسه به قواوم دستگیرایش به واقع
گامی است نهائی برای حذف او، در همین راستا برنامه مصادره اموال هم دقروام

۱

دستور کار قرار گرفته است.

کورنفلد ، وزیرمختار آمریکا نسبت به این قضیه یعنی احتمال دخالت قوامدر توطئه‌ای
برای قتل رضاخان، نسوئظن داشت. او نوش ، تب ادستگیری و تبعی دق ازواسموئی و
سقوط قری بالوقوع دولت مشیرالدول،ه مسیر برای ریاست وزرائی رض اخهام نوار شده

۲

است. پوچ بودن این ادعا یعنی شرکت قوامدر دسیسه آدمکشی، ب ریاران خود رض اخان
هم اثبات شده بود . نکته جالب توجه این است که سردار انتصار همکار اصلی قوام در
طرح ادعائی ترور رضاخان، نمدتی بعد در دواره ی که قزاق به مقام سلطنت صعود کرده
بود ، به مقامهای مهمی مثل والگیری ، سفارت و حتی احراز منصب مه موزارت خارج ه
نائل آم د. همین موضوع به خودی خود گویای رافیت رضاخان به قوامو دسیسهچین یاو
ب همنظور حذف همیشگی او از مناصب حکومتی است .توقتی قوام تبعید شد، دیگر کس ی
درمورد دسیسه‌هی که گفت ه می شد به رهبری او می خواسته اجرا شود، سخنی نگفت؛

۳

اصل ماجرا در هالهای از شک و تردید قرار گرفت.

انگلستان و فرزندان ظل‌السلطان

رضاخان یک چیز را خوب میدانست: جمع آوری مال و منال و تصرف عدوانی

دارائیهای دیگران. رضاخان در ست زمانی که تلاش م کرد بر منصب ریاست وزرائی او . کند می اندازی دست دیگران اموال به بگوید تکیه زند، ابائی نداشت از اینکه صریحا در ملاقاتی خصوصی به لورین گف ت ، هفتاد هزار تومان از فرزندان ال ظللطان گرفته که سیهزار تومان آن را خرج مدرسه نظام کرده و بقیه را به بانک سپرده است. س ی هزار ، ت ف گ صریحا او . است نموده ذخیره دیگر بانکی در و گرفته فرمانفرما از هم تومان مبالغ پس انداز شده را برای تأمین آتیه فرزندان نگر شفته و مخارج خودش هم از طرف

.Dispatch by Kornfeld, No. ۲۸۰, October ۱۵/۱۹۲۳, DS. ۸۹۱.۰۰/۱۲۵۲ Majd, p. ۱۶۰.۱

.Kornfeld to Secretary of State, Tehran, ۳۱ October ۱۹۲۳, DS. No. ۲۹۵.۲

.Quarterly report by Kornfeld, January ۲۰/۱۹۲۴, DS. ۸۹۱.۰۰/۱۲۶۰ Majd, Ibid.۳

انگلیس از طریق رضاخان فرزندانش یکی از عوامل دیرینه خود را ذلیل سازد؛ از خیر تا ب‌وجود قزاق، دیگران برای منافع آن کشور فایده‌های نداشتند. این جریان بیش از یک خطاب به فردی که برای ما «فدایت شوم» سال پیش شروع شده بود. در نامه‌های عنوان معتمدالدوله میرزا اسماعیل باشد، جنوب لشکر فرمانده باید احتمالاً و نیست شناخته یکی از فرزندان ظالسلطان از اینکه او را تحت فشار گزندادار دهن اداری خویش را به حضرت «ارکان حرب تحویل دهد ابراز شگفتی. کارود نوشت، طبق اطلاعی که به شوکت دامت جنگ وزیر آقای اعظم اشرف «قبط و ت س ا ه داد» شخصاً که مذاکراتی مگر رقدویمده است، و «جناب عالی از طرف ایشان فرمودید و مکتوبی که در ابتدای امر اساس بر چنین هم» و امر اطاعت برای فرمودند، مخبره مستقیماً خودشان که لگرافاتی توجوه و پول آنچه خانواده حال رعایت ضمن است، داشته دارائی سایر و «ونا و خ ا ه ب حالی ت ه باز اینطور مرقوم» او نوشت با وصف این اطلاعا «اخوات خود دادهم میفرمائید، در صورتیکه امر به این بزرگی اطلب و تشهیده نیست، جناب عالی یا حضرت اشرف آقای وزیر جنگ دامت شوکت‌میتوانی د از افراد خانواده مقیم طهران و اصفهان تفصیل را تحقیق فرمائید و به طور جد و صریح عمریک ضم در نتیجه این مسائل دیگر دارائی برای بنده باقی نمانده که [برای ارکان حرب یا محل دیگری حاضر نمایم، بدیهی است اگر حضرت اشرف اعظم وزیر جنگ دامت شوکت نظریات دیگری دارند ب‌ه این بنده فشار وارد آورده و کلیه [اموال] در گذشته «مانعی نخواهد بود، به طوری که ه خود را تحویل دادم، حالیه هم به سایرین اظهار فرموده نصف یا کل یا آنچه صلاح

« . بدانند از آنها دریافت شود

رضاخان رشو هستانی خویش از فرزندان ا ظللسلطان از طریق رئیس ارکان حرب لشگر جنوب اجرا م یکر د. حتی ماهها پیش از این رئیس ارکان حرب لشگر جنوب خطاب به رضاخان نوشته بود به این مضمون:

مقام منبع بندگان حضرت اشرف وزیر جنگ و فرمانده کل قشون دامت شوکته، ...

آقای صارمالدول ، ه اسمعیل میرزا معتمدالدوله در منزل بنده حاضر؛ اسمعیل میرزا به

.Lorraine to Curzon, Tehran, ۱۵ November ۱۹۲۳, FO. ۴۱۶/۷۳.۱

دولت پرداخت می شود د.

۲۳ مرداد ۱۳۰۱]، اسناد وزارت جنگ . [۲ . معتمدالدوله به امیرلشگر جنوب، ۲۱ شهر ذیحجه ۱۳۴۰

ص: ۳۰۳

۳۰۴ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

بدهی خود اقرار و قرار شد این دو روزه ختم عمل به اطلاع آقای صارم الدوله به

عرض بندگان حضرت اشرف برسد،

ضمناً راپرت داده‌اند که معتمدالدوله به

ولیعهد و نصرت‌الدولت ل گرافی نموده که فلانی به تهدید حبس می‌خواهد این وجه

را از من مسترد دارد، لذا خاطر مبارک را مستحضر می‌آورد که به کلی این مطلب

بیاساس و نایستی از طرف بندگان حضرت اشرف اهمیتی بدان داده شود و این

اقدام بندگان عالی در عموم اهالی و خود فامیل تأثیرات خوبی بخشیده، امید است

تا دو روز دیگر به تراضی طرفین امر مبارک را به موقع اجرا گذارده خاتمه عمل را

۱

عرضه دارم.

اندکی بعد رضاخان نخواست تکلیف دارائیهای معتمدالدولکجه در نزد بانک سوئیس

نواب مستطاب امجد والا شاهزاده « نگاهداری م ی شود ، تعیین ش و د ا و خطاب به

نوشت: « معتمدالدوله دام اقباله

کلیه اسهام و وجه نقد بانک سوئیس نزد هرکس هست بایستی توسط بانک

۲

شاهنشاهی به تهران برات شود تصمیم آن در اینجا به عهده خود این جانب است.

چنین مردی اکنون در آستانه به دست گرفتن ریاست وزرائی ایران قرار داشت.

تحرکات پنهان به نفع رضاخان

رضاخان برای نیل به مقام ریاست وزرائی به توصیه مشاورانش با هر کسی که

میتوانست بر سر راه او مانعی ایجاد کند، مذاکره؛ نامز وجدمله سیدحسن م.د.رس

سیدرضا فیروزآبادی در جلسه اهی نقل کرد که سیدحسن مدرس در قم همین چن دروز

قبل به او گفته است رضاخانرا طلبیده و نظرش را در مورد ریاست وزرائی خود

پرسیده است .

طبق مندرجات این سند مدرس پاسخی سیاستمداران داهد اس.ت. او گفت رضاخان

د زمانی که وزیر جنگ بوده فمقیوتهایی به دست آورده است و در صورتی که منصب

ریاست وزرائی را بپذیرد، آن وجهه ملی را که در اثر فرماندهی قشون انجام داده از

مطالب او را ظاهرا گرچه گفت رضاخان فیروزآبادی به البته مدرس . داد خواهد دست

۱ . حیدرقلی رئیس ارکان حرب لشکر جنوب به رضاخان، ۳۱ برج سرطان (تیر) ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت جنگ .

۲ . رضاخان به رئیس بانک شاهنشاهی، ۴ سنبله (شهریور) ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۳۰۴

۱

تصدیق نمود، اما از این مطالب خوشش نیامد.

می رزاک ریمخ رن شتی و کنل « شایعات ی دیگر هم در جریان بود؛ از جمل هاینک ه

۱

کاظم خان ک هدر عهد آقاسیدضیاءالدی ک نماندان شهر بوده که چندروز اس تآم ده، م دی ر

اقدام و مدیر کوشش و میرزا علی قوم م بیرزا عیسی خن روش کمیسیون یدارن دو

اس

برای مراجعت آقاسیدضیاءالدین اقداماتمینماین د و تمام اقدامات حضرات از روی نقشه

و دستوریست که آقاسیدضیاءالدی ب نه توسط کاظمخان فرستاده است و یکی از دستورات

ای ن است که به هر وسیلمهیباش د آقای وزیر جنگ و افکار عم وم ی را ب هط رفای شان

۲

این سخنی بیربط بود. چگونه ممکن بود رضاخان بن هسیدض یائت ین «. جلب نماین د

درده د که خود اسباب سرنگونایش ر ادر بیش از دو سال قبل فراهم ک رده ب ود؟ از ای ن

بالا تر میرزاگری مخان محور جریانیبود که هماره ب رای راندن رضاخان

س ب هق درت

خود کامه تلاش می کر د. چگونه امکان داشت او برای سید ضکیاهءن هپایگ اه ی در ای ران

داشت و نه حامی در لندن و بمبئی و دهلی، و وقت خویش را هدر دهد؟

د ر این حول و حوش جل ت س ای با حضور افرادی بسیار مهم تشکیمیش د. طبق

به طوری که روز گذشته میرزاعیسیخان سلطانی اظهار میداشت « گزارش مفتش مخفی

در دو شب قبل ظهیرالاس ، لا مقوام ، خان کاظمی، مستر هاوارت ،

السلطنه سیدمصطفی

شاپور جی، بهمن ج ، ی ... سرکشیکزاد هد ر منزل داور بودند. این جمعیت مدت مدید است که برپا شده است، هفته قبل در قلہک بودند این اولین اس ه تفتکه به طهران آمده ان دو راجع به کابینه در آن جلسه مذاکراتی .شهادوهارت اظهار میدارد که باید زمینه این روی و کرده ساقط [را مشیرالدوله] ... کابینه که آورد فراهم وسایلی حتما

۳

» . مذاکرات میگردند، ولی خاتمه صحبت [] و نتیجه آن هنوز به دست نیامده است بعید به نظر می رسد قوام در جلس اهی شرکت داشته باشد که گردانندگان آنامثال از سفارت شرقی دبیر هاوارد . بود او دیرینه دشمن هاوارد زیرا مشخصا ؛ باشند هاوارد جمله اعضای ذ ن یفوذ سفارت بریتانی او از حامیان پابرجای رضاخ باهن شمار میآم د. هاوارد که با افراطیون جناحهای سیاسی این زمان مرتبط ،ب ب وهد طوری که دیدیم

۱ . گزارش مفتش مخفی، مورخه ۲۴ میزان (مهر) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

۲ . گزارش مفتش مخفی، مورخه ۲۳ میزان (مهر) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

۳ . گزارش مفتش مخفی به نقل از میرزا عیسیخان سلطانی، مورخه ۱۴ میزان (مهر) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۳۰۵

۳۰۶ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

حتی حاضر شد علیه بریجم ون اسمارت دو تن از مسیئو نلشناخته شده سفارت که مخالف دیدگاهها یش بودند وارد دسیساهی گردد که منجر به احضار آنان به لنشدن . د شاپور جی کسی نیست جز اردشیر جی ، شاپور جی ریپورتر. به هر حال اندک ی بعد از نگارش این گزارش بود که ق و ا دمستگیر ش ، د همین دستگیری نشان م د یاد وی با هرچه . موافق نبوده است با سقوط مشیرالدوله موافق بوده باشد، قطعا

واپسین تحركات متحصنین مسجد سلطانی

درست همزمان با این تحولات روحانیان اقدامات خود را تشدید . اکوارخندرد مهرماه سال ۱۳۰۲ متحصنین مسجد شاهیه ایمنتشر کردند که در آن از خمودگی مردم در برابر مسئله علما گلایه شده . بمت ودحصنین نوشتن د، تبعید علما از عتبات به ولی از آنجائی که ما مردم ایران در هر امر ، ایران در بدو امر شوری در مردم ایجاد کرد ابتدا تظاهراتی کرده ، فرمانار یدهم « بی ثبات بوده و مراتب استقامت را پیشاپیش خود همان حال خمود و « پس اندک اندک به ، « و در موقع اخذ نتیجه خاموش ینشینیم رجعت م یکنیم . نویسندگان بیانیه از اجتماعات عظمی م مسلمانان اع مازش یع ه و « خموش سدست و پ ا « د رچنگال قوای امپریالیزم انگلی « سن ی در هندوستا نیاد کردند که با اینکه ف سروگزار [فروگک ذار] « حت ی پروتست بر ضد دولت انگلی « میزنند ، از بروز احساسات و ه بیانیهنویسان یادآور « ولی ما خاموش نشسته و اجتماعات خود را ترک اکیرم . د ، « نمی کنند شدن فقط تهران علیه اقدامات دولت دس ت نشانده انگلی سدر عراقتحرکی ن شان داد و سکوت مرگ را « تازه آنهم بعدا منحصر شد به اجتماع مسجد شاه، اینک این متحصنین که در سرتاسر تهران مشاهده کرده، مردم را منزوی در گهواشیه عزلت دیده اند برای تجدید

«. ابراز احساسات تصمیم به دادن نمایش جدیدی گرفته و مقدمات آن را فراهم نموده‌اند

روز پنجم آبانماه از سوی این عده تظاهراتی به نفع علمای تبعیدی از عتبات

صورت گرفت. این تظاهرات با آرامش در خا ردجروازه دولت و مقابل باغ مخبرالدوله

برگزار شد و نزدیک غروب مردم دکرمال آرامش متفرق گردیدن. در انتقاد به سکوت

و ب ت یفاوتی مردم تهران، شیخ محمدحسین یزدی در شفق سرخ مقالهای نگاشت و ضمن

۱. روزنامه کار، ش ۸۰، مورخه ۳۰ میزان (مهر) ۱۳۰۲، ص ۱

ص: ۳۰۶

تشبیه مردم تهران به اهل کک، و فاهز مردم تهران خواست همانطور که کوفیان بعد از مدتی از خواب غفلت بیدار شدند و با کارهای خود باعث محو آل یزید شدند، از خواب لکه طرفداری مقاصد انگلیس و بعلاقگی به حوزه اسلام و « غفلت بیدار شوند و کنند. ۱ یزدی با بازگشت بدون قید و « بزرگان دین و مراجع تقلید [ر] از خود زایل

۲

شرط روحانیان به عتبات - همانکه خواسته ملک فیصل بود - مخالفت کرد.

انگلیسیها و استعفای مشیرالدوله

روز اول آبانماه سال ۱۳۰۲ مشیرالدوله استعفای خود را تقدیم شاه کرد. در روز بعد از این ماجرا رضاخان با شاه ملاقات داشت. در تری ملاقات شاه گفت تم خواهد از مشیرالدوله بخواهد سر کار باقی بماند؛ اما افراد جدیدی بیاورد و رضاخان منچنان وزی را گفت تنه صریحا رضاخان. شود اروپا روانه بلافاصله هم شاه شخص و بماند باقی جنگ در صورتی حاضر است سرکار بماند که رئی ال سوزرا شود. مشیرالدوله نمیتوان س تبا وجود شاهی بیحیثیت مثل احمدشاه، با قزاق بیسواد و هتاک مثل رضاخان ارنویارو شود. شاه هم به لورین گفت اگر رضاخان اصرار داشته باشد رئیس‌الوزرا شود او هم ظرف کمتر از دو هفته از کشور خواهد. ر ۳ فاحتمدشاه به لورین اموری تداد ب هر ضا خان و گفتگ خان ض را با ظاهرا لورین. نشیند عقب وزرائی ریاست برای خود تصمیم از بگوید کرد و دوباره به دیدن شاه رفت تو گفتعزم رضاخان برای ریاستوزرائی یجزم است و حاضر ب هق ن بشین نیست. احمدشاه هم گفت در این صورت او رض

رئیس‌الوزرا م‌یکند ، اما دیگر حاضر نیست در ایران ب. ما شناده از رضاخان تضمین گرفت
که سالم به مرز برسد و از لورین خواست شاهد این تضمین باش بد هراستی شاهی با این
مایه از بیکفایتی و بیتدبیری چه سرنوشتیمیتوانست داشته باشد جز سرنگونی؟ شاه از
لورین خواست تضمینی از رضاخان بگیرد تا خاطر او آسوده باش د؛ زی را ش امیداند
سردار سپه جرأت سرپیچی از دستوراتی را ندارد که لورین ناظر آنها باش. ل دورین این نظر
را به رضاخان منتقل کرد و پاسخ شنید اگر شاه فرمان ریاست وزرائی را ب هن ام او صادر

۱. شفق سرخ، ش ۱۸۴، مورخه ۲۸ میزان (مهر) ۱۳۰۲، ص ۱

۲. همان، ص ۲

۳. Loraine to Curzon, Tehran, ۲۳ October ۱۹۲۳, FO. ۳۷۱/۹۰۲۵.

ص: ۳۰۷

نیامد خوشش رضاخان درخواست از شاه . داد خواهد آ کند، وی هم تضمینهای لازم را کتب

لیک ن با پادرمیانیلورین مذاکرات دنبال ش . دسرانجام در شامگاه ۲۷ اکتب رم صاد فبا

چهارم آبانماه سال ۱۳۰۲ سردا رسپه تضمین کتبی داد کاری به احمدشاهنداشت هباشد و

آنرا به لورین سپرد. لورین هم به نوبه خود ضمن انامی هتضمینهای او را به شاطلاع

داد . چند ساعت بعد شاه، رضاخان پذیرفت و طی فرم انی او را مأمورت تشکیل کابینه

۱

کرد و سپس ابلاغیه ریاست وزرائی را به او داد تا به اطلاع همگان برساند.

ملاقات ششم آبانماه آن سال شاه و رضاخاننحوه برخورد شاه یک کشور با

قزاقی که نه تباری داشت و نه دانش و همه متکی بود بر حمایت خارجی و زورگوئی

وآقعا لورین دید از، خویش « بارقت » ت س ای ره بار رضاخان شاه، ملاقات این در . بود

وزرائی منصوب کرد؛ هیچ کس هم نپرسید چرا باید لورین واسطه پیغامهای شاه و وزیر

جنگ باشد؛ چرا باید او در مراسم انتصاب رضاخان حضور داشته باشد و چرا شاه ایران

درددلهای خود را با زی ورمختار بریتانیا مطرح میسازد؟ در این ملاقات شاه گفت، قزار

است برای معالجه به خارج کشور برود و دو روز بعد از، مرضسافارخات نرا به

۲

موجب فرمانی به ریاست وزرائی منصوب میکنم. به هر حال اینک بریتانیدیاکتاتور

مورد نظر خود را یافته و. ل دورین به کرزنوشت، حکومت رضاخانندیکتاتوری است؛

اما اضافه کرد باید منتظر ماند و دید که آیا رضیانهظنرفیت را دارد که از قذرت

متراکم در دستان خود برای مصالح کشورش استفاده نماید یا. لخوریرن « فوقالعاده »

با که نوشت خود مفصل گزارش در و کرد خوشبینی ابراز موضوع این به نسبت شخصاً
ریاست وزرائی رضاخانگرایشی مهارنشدنی اما گام به گام به سود بریتانیای در کبیر
جریان است؛ و نیز تمایلی بنیادین به ضرورت بهبود روابط ایران و دانه گکلایرس
است. ۳ نسخه های یاز این گزارش برای حکومت، ه نکدمیسر عال یانگلستان د ب رعداد
یعن یسر پرس ی کاکس و جنرال کنسول انگلیدر سبوشهر ارسال گردی. ردوز بعد
لورین گزارشی دیگر برای کرزف نرستا د. در این گزارش آمده بوکده از این بعد ه ر
مخالفتی علیه سردا رسپه حول محور شورویمیتوان د صورت گی. ربهه این شک ل

.Lorraine to Curzon, No. ۱۷۹, October ۳۱/۱۹۲۳, FO. ۴۱۶/۷۳.۱

.Lorraine to Curzon, October ۳۱/۱۹۲۳, FO. ۴۱۶/۷۳.۲

.Lorraine to Curzon, Tehran, ۳۰ October ۱۹۲۳, FO. ۴۱۶/۷۳.۳

ماهیت سوسیالیستهای طرفدار رضاخا نشناخته خواهد شد و موقعیت ایشان تضعیف خواهد گردید. شوروی به شرطی با رضاخا اکنار خواهد آمد که بتواند او را فراچنگ خود گیرد، اما شخصلورین این احتمال را بعید دانست. ات و وضعیت جاری را اینگونه تحلیل کرد که رضاخا ب ناشتابی روبه افزایش به سوی تفاهم بیشتر با ب ریکتانی شیاده

۱

خواهد شد و به نفع بریتانیاست که شرایط را مناسبتر سازد.

۱۱. صعود قابل اجتناب رضاخان

قرار بود شاه روز شانزدهم آبان سال از راه بخ، دادمش قویرو تعازم ماری شود. لیکن از فرط دستپاچگی و ترس پنج روز زودتر از موعد مقرر یعنی روز یازدهم آبان ماه حرکت کرد. دی ک روز قبل از این سفر سلمطاحمدشش م پادشاه عثمانی از سلطنت کنارهگیری کرده و در ترک یهجمهوری اعلان شده ب. ایودن حادثه برای درباری ک هخرافه در آن بیدامدی کرد، ضرب ه ایمه لک تلق ی میش دو تقارن اعلان جمهوری در ترکی هبا مسافرت احمدش ابه فرن، گک نامیمون دانست هم یشد. رضاخان، شاه برای او را شهرهای خیابان که حالی در آبان بیستم و کرد مشایعت مرز تا شخصا را آذین بسته بودند، به تهران بازگشت.

ی ک روز بعد از بازگشت رضاخا ازن مشایعت احمدش، ا همدر سدر منزل خود سخنانی مهم خطاب به ق اولادموله و امام جمعه تهران بر زبان آو. ردمفتش مخفی گزارش داد:

دیروز صبح قوام الدوله و حاجی سیدمحمد امام جمعه منزل مدرس بودند، مدرس

از کابینه حاضره تنقید م ن یمود و اظهار میکرد که انگلیسها در سه سال قبل نقشه

کشیدند، می [را] ای [یک همچه کابینه

فعلا هم خوشوقت از تشکیل این کابینه

هستند. قوام الدوله و امام جمعه هم تصدیق مینمودند. سپس در اطاق دیگری رفته

۲

قریب نیم ساعت خلوت نموده و مذاکرات خصوصی داشته بیرون آمده رفتن د.

گزارش مفتشی دیگر حاکی از این بود که هرماوز ن یکی از کارکنان ایرانی سفارت

بریتانیا به نام علیا صغرخان اظهار داشته است اینروزها هر اتفاقی در کش و مر یافتد ،

.Lorraine to Curzon, Tehran, No. ۱۵۳, October ۳۱/۱۹۲۳. FO. ۴۱۶/۷۳.۱

۲. گزارش مفتش مخفی، مورخه ۲۲ برج عقرب (آبان) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۳۰۹

مخصوصاً بیانیه ای را که آقای رئیس الوزراء در «، موافق است با میل و مرام انگلیسیها

اجازه هم آنها و باشند، نرسانده انگلیس سفارت نظر به تا ابتدائاً نمود، منتشر شهر

نداشت ه باشند ممکن نبود منتشر شود، امروز تمام به دستورالعمل سفارت کار

۱. «. مینمایند

این اشار های بود به بیانیه رضاخا ب نعد از آنکه احمدش ارها از کشور بیرون ک. دررد

این بیانیه رضاخا ناز اهمیت قشون در استقرار امنیت در سه سال گذشته سخن رانده و

از زحمات خود برای بسط قوه نظامی یاد کرده. ارسضا تخان در بینایه اش ک ه به قلم

مشاورانش نوشته شده، آورده اس تکه علت اینکه او در این مدت نسبت به مسائ ل

سیاس ی حساسیتی از خود نشان نداده این بوده است م ک یهخواست ه اول امنیت را در

اینک عزم خویش را جزم «، اول امنی ت « کشور برقرار ساز. د بنابراین بعد از تحقق شعار

دومین قدم به طرف « کرده است تا ساری اصلاحات مورندظر ر ایش بر. د د ر این بیانیه

ملدانست ه شده اس. تتازه رضاخان منتهی هم « سیر به طرف ترقی و تک ا «، « آرزوهای ملی

بر دوش همگان گذاشت:

مبنی بر همین نظریه است که اینجانب با وجود گرفتاری در امر نظام و عشق

مفرطی که در تنسیقات و انتظامات قشونی دارم، معهدا خواست خداوندی و

استظهار مراحم ملوکانه و احساسات هموطنان را در قبول زمامداری مملکت

استقبال کرده و در طی این عقیده راسخ و عزم ثابت می روم که یک مرتبه دیگر

امتحان فداکاری و خدمتگذاری [خدمتگزاری] را به ملت شرافتمند ایران بده م.

عمل فرع اراده و اراده تابع عقیده و بالاخره از روی صدق « رضاخان اعلام داشت
شدا وادامه داد به وسیله ». نی ت و عمل است کهمیتوان به اجرای مقاصد مکنونه موفق
ا و نوشت برنامهاش بدون « ب هواسطه الفا . ظ » عمل است که میتوان حقایق را گفت و نه
هیچ گونه طول و ت فص یل ی عبارت است از حفظ حقوق مملکت و اجرای اقلان ای و نن
د ر خاتمه از صمیم قلب آرزومندم که صمیرمیین آمال و آرزوی من در ضمن « بالاتر
حفظ اصول مشروطی [ت!] و تسریع افتتاح مجلس مقدس شورای ملی و معاضدت
۲ .» نمایندگان ملت در اجرای جملات فوق [!] به مورد اجراء و عمل گذارده شود
۱ . همان .

. ۵۷۰-۲ . شرح زندگانی من، ج ۳، صص ۷۱

ص: ۳۱۰

بالاخره رضاخان ب‌ه‌آرزوی دیرین هخ و د در دوره بع داز کودت ادس تیاف . او بات
حمایتهای ب‌پیرد هلورین رئیس‌الوزرا شد . از بدو مشروطه احزاب سیاسی یکی بعد از
دیگری به تصدی دولت دست ایفته بودن د. اینان میبایست در مقامی قرار میگرفتن د که ه
ناگزیر باشند همه ادعاهای مطمئن خود را نه تنها در مقام عمل، بلکه حتی به صراحت در
گفتار نقض نمایند و نفی ک‌ن. ننداریخ شاهد بازپ‌گ‌گیری ادعاهای سردمداران ای ن احزاب
سیاسی بو د . اینک حتی بر عامتیری ن مردمان ساک ن تهران پوش ید هنب و دک هاکت ره‌ب را ن
احزاب سر و ته یک کر با ه سستن د. اینان باید سرانجام همه ب‌ا هم ب‌ه زبال دان یت‌های خ
ریخته م‌یشن د. اما نه به دست مردم؛ بلکه به دست ر . ضباه‌خاینن شکل سلیمان میرزا
اسکندری این مرد اشرافی، نواده محط‌مادهر میرزا مترجم شهیر سه تفنگدار و از پیشگامان
تجددخواهی و نه
ضت ترجمه در ای
ران، به پاس خدماتش ب
ه رضاخان در حزب

سوسیالیست، به وزارت معارف کابینه مردی نائل آمد که کمترین فهمی از معارف نداشت .

سلیمان‌میرزا با پذیرش منصب وزارت در کابینه قزاقان، همانطور که در دوره

مشروطه با حمایت از وضع مالیات نم‌ک، ۱ نمک انقلابیا شرا از دست داده ب‌ا ویندک

بیش از پیش به دلیل خدماتش به رضاخان از هرگونه ادعای انقلابی تهی گ‌ک. امشآت

وزارتین شاهزاده سوسیالیست که از قضای روزگار نه شأن شاهزادگی داشت و نه

سوسیالیسم، باعث اعتراض معلمان و دان آ‌شموزان ش د . گزارشهای عدیده‌های از

نارضایتی معلمان از شاهزاده‌ها دهی که علیالقاعده میبایست بین اهل فرهنگ محبوبیتی روز پنجشنبه گذشته یک‌کده از معلمین و « داشت ه باشد، در دست اس ؛ ا ت ز آن جمل :ه مدیران مدارس به منزل بهبهان آم یده از شاهزاده سلیم‌اینرزا وزیر معارف شکایت داشتند. بهبهان ی گفت من حاضرم که همه قسم مساعدت با شما بنمایم خوبست سایر

۲

- کنمیع‌اضدالسلطنه پیرنیا که « آقایان علماء را هم ملاقات نموده و تقاضای مساعدت .ب از دوره مشروطه آنهم ه سنگ مبارزه با استبداد به سینه زد، وزیر عدلیه مردی شد که ج ز زبان زور چیزینمیدانست . ای ن مرد به اصطلاح سوسیالیست که یار غار رضاخان شد ه بود، پسر عموی مشیرالدوله ی بود که رضاخان در دوره‌های ریاست وزرائی او از هیچ دسیس‌های برای سرنگونی اش فروگذار نکرد . عزالممالک اردلان ، خانی از یادگاران
- ۱ . اشاره‌های است به وضع مالیات بر نمک و روده و زغال توسط دمکراتهای دوره مشروطه در مجلس دوم .
 - ۲ . گزارش مأمور تجسس ، ۲۴ قوس (آذر) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۳۱۱

عهد کهن که جامه سوسیالیسم به تن کرده بود، وزیر فواید عامه شد و سرانجام قاسم صوراسرافیل، کفیل وزارت داخله رضاخان گردید. به این شکل خطی ظریف بحران سازان عصر مشروطه را ب هحکومت قزاقان مرتبط مسایخت؛ همان خطی که ما با کتاب بحران مشروطیت در ایرا آن را شناسائی و معرفی نمودیم و نشان دادیم که آنهمه شعارهای شداد و غلاظ آزادخیواهی نه تنها اصالتی نداشت، ب بلکه سر در آخور جریانی داشت که میخواست ایران را ببلعد و آن را در کانون مصالح امنیتی سرمایہسالاران بریتانیا و حکومت هند انگلی ق سرار دهد؛ روز ریاسوتزرائی رضاخان نقطه عطف آن برنامه کلان بود که باید از این به بعد برای اجرائی شدن ب اظرافت ویژگیهای جزء به جزء اجرا میگرددی د.

مردانی مثل مشیرالدوله خاھنشین شدند؛ ق و ا مراھ تبعید در پیش گرفت؛ ک سانی مثل مدرس با اینکه با صدائی بلند از عواقب میدان دادن به قزاق هشدار میدادند، اما گوش شنوای چ ندانی پیدا نکردند. خبرچینان رضاخان هر کسی را که سرش به تن م ی شارزید تحت مراقبت قرار داد ن. داینان با همکاری درگاه ریئیس نظمیه گزارشهای روزامیره از رجال کشور دریافتمیکردند که میتوانستند بر اساس آنها حرکات آتی خویش را به را کشور رجال افکار و احوال و اوضاع خوبی به گزارش این مثلاً. نمایند ریزی برنامه نمایش میگدار د:

روز سه شنبه طرف عصر آقای مشیرالدوله به منزل امام جمعه خوئی آمده پس از تعارفات رسمی امام جمعه پرسید خبر تازه چه هست، مشیرالدوله گفت خبر تازه این ت راحت هستم و از فحاشی جرائد خلاص شده و شبها خوب و راح فعلاً است که

این جمله اخیر «. میخوابم و در مملکت هم بحمدالله همه قسم امنیت برقرار است
کنایه‌های ب ود از مشیرالدوله، و گرنه او به خوبی میدانست آنچه در کشور وجود دارد
امنیت نیست، بلکه رعب است و خشونت. لیکن امام جمعه خوئی که متوجه این
چون شما آدم حلیم هستید ب ه درد این مردم نمیخورید، باید «: کنایه نشده بود گفت
با این مردم با قهر و غضب حکومت کرد، الحق آقای رئیس‌الوزراء [= رضاخان]

۱

خوب از عهده بر می‌آیند، احدی جرأت نفس کشیدن ندارد.

۱. گزارش مأمور تجسس، ۲۷ برج قوس (آذر) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ.

ص: ۳۱۲

روسه را «ب» نظر مل اکلشعراء بها را این ب ه اصطلاح سوسیالیسته ا بودند که توانستند قانع نموده و با انگلیسها هم بن ودبست کرده و وسایل تشل کیحکومت حاضره را نکت ه جالب توجه این است که شور ودری صعود اجتناب پذیر رضاخان «». فراهم نمایند ب هقله قدرت، نقشی بسیار اساسی و مخرب ایفا . شکورردویها قوام را که باعث خروج نیروهای آنان از ایران شه دبود، به خوبی ارزیابی کرده بو. دنآنا دن میدانستند قوام هرکه باشد به استقلال ایران پایبند اس. آن تان با اتکاء به گذشت ه معمولی رضاخان تصور میکردن د این اوست ک ه زمینه های هدایت ایران به سوی سوسیالیسم را هار مخوواهد کرد. در این راه حزب سوسیالیست د ر شکل دادن به جو فریب و نیرنگ بسیار تأثیرگذار بود . بنا به روایتی شومیاتسکیوزیرمختار شوروی در تهران حتی قبل از

۱

دستگیری قوام از توطئه علیه او آگاهی داشت.

صع و د قابل اجتناب رضاخاب نه ریاست وزرائی، خوشحالی مقامات بریتارنایادر پ ی داشت ؛ب ه ویژه مقامات شرکت نفت انگلیس و ایو راازن آن بالاتر بانک شاهنشاهیین نماد تسلط ملای بریتانیا بر ایرا . ن د ر نشست سالیانه این بانک در ل نکه ندر دسامبر ۱۹۲۳ مطابق با آذرماه ۱۳۰۲ برگزار شد، سرهاف بارنز رئیس جلسه با شور و شوقی زایدالوصف انتصاب رضاخانرا به ریاست زورائی اعلام کرد و گفت بریت انتیوانست خوشحالی خود را از این وقایع پنهان . بکانرن دز ادامه داد سال گذشته زمانیک ه شاه کشور را ترک کرده بود، او خبر داد تشکیلات نظامی سردار سپه بر اوضاع مسلط دشه

است و آرامشی ایران را فراگرفته که علت آن همان کنترل اوضاع کشور به دست نهادی
نظامی است. اینک رضاخان موقعیت مناسبتری به دست آورده. اب سنا ب تر این قادر
خواه د بود توانائی اجرائی بیشتری از خود نشان دهد و اینگونه به نظرم ی رسد که
قشون متح دالشکل، ایران را ب ه سوی نظم ی پابرجا پی شم بیر د، به این صورت وضعیتی

۲

شکل خواهد گرفت که ایران تاکنون به خود ندیده. اسهم تزمان تلاش شد به نحوی
نانهای شهر که سیاه و تلخ « افکار عمومی به سوی رضاخان متمایل گردد، در این راستا
این مسئله در طبقات مختلفه ح سن اثر « ولشد. م یگفتند « بود رفته رفته اصلاح و مأك

۱. رقابت روسیه و غرب در ایران، ص ۲۲۸

۲. ۱۶۳. Dispatch by Wheeler, No. ۳۲۸۶, December ۲۸/۱۹۲۳, DS. ۸۹۱.۵۱A/۱۳۲ Majd, p.

ص: ۳۱۳

هستند متشکر عموماً و [داشته] . « مورد در هم بلدیۀ اداره زمان هم ۱ » و کسبه تعدی رفع

ارزان کردن نرخ ارزاق در افکار عموم حسن اثر بخشیده و از عملیات دولت اظهار

نمایند می رضامند و ممنونیت . « ، رضاخان وزرائی ریاست از بعد بلافاصله تقریباً ۲

ولیعهد هم تحت نظر قرار گرفت؛ و از این به بعد کلیه ملاقاتهای او هم به رضاخان

گزارش میشد:

روز گذشته سفیر و شارژدافر آلمان نزد ولیعهد بودند، بعد از آنها فهیمالملک آمد،

بعد از فهیمالملک ن، صیرالسلطنه پسر حاجی محتشمالسلطنه، پیروز هم قائم مقام و

۳

منصورالسلطنه آنجا بودند.

در این میان در منزل آقاجمال بحثی در مورد اوضاع روز به میان آمده و اینکه

رضاخان مقرر کرده است هر هفته دو روز ممریدتموانند نزد او روند و عرایض خود

اعیان و اشراف مجال « را اظهار نمایند . یکی از حضار بیان داشت در این دو روز هم

اما « . نمیدهند که اشخاص بیچاره و متوسطین هم رفته مطالب خود را به عرض برسانند

حاجی آقاجمال گفت در محضر آقای رئیس الوزراء اعیان و فقیر یکی است، فرق در «

بین آنها گذاردنمیشود ولی خوبست این دو روز را تقسیم نموده یک روز را برای

اعیان و اشراف اختصاص داده روز دیگر را هم برای متوسطین مشخص نمایند که همه

۴ . « . رفته عرایض خود را بنمایند

همچنین بودند کسانی که تا قبل از اوجگیری بلوای ساختگی جمهوری، نسبت به

سمت و سوی تحولات بنوعی ابراز خوبی شنیدند . آن زمان هنوز عاید ه

نسبت به رضاخان حسن نیت داشتند و تصویر میکردند او با تظاهرات مذهبی که از خارج بیگانه یوغ زیر از را کشور دارد قصد که است مردی حقیقتا دهد، می نشان خود سازد. نمونه‌های از این اظهارنظرها را یکی از خبرچینان آن زمان اینگونه شرح داده است:

روز گذشته در پای منبر [شیخ محم] د خالصی زاده حاضر شده و خلاصه اظهارات مشارالیه این بود که دولت انگلیس میخواهد اسلام را محو و نابود نماید، بنابه

۱. گزارش مأمور تجسس، نهم برج قوس (آذر) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ.
۲. همان، ۲۲ برج جدی (دی) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ.
۳. گزارش مأمور تجسس، ۲۸ برج قوس (آذر) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ.
۴. گزارش مأمور تجسس، اول برج جدی (دی) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ.

خبری

که تلگرافا به سفارت افغانستان رسیده است یک مسجد و یک شهر را انگلیسیها در افغانستان بمباردمان کردهاند و برای همدردی با دولت افغانستان باید رُ روز دوشنبه با بی

قهای سیاه اجتماعا به سفارتخانه مزبور برویم و مردم را برای روز دوشنبه دعوت کرده و میگفت مردم باید با هم اتحاد نموده و بازارها را تعطیل نموده در این میتینگ حاضر شوند و حتی حضرت اشرف آقای رئیسالوزرا را هم با این مسلک همراه نموده و چند نفر از کسبه بازار هم حضور داشتند اظهار

۱

نمودند باید لایحه انتشار داد و مردم را وادار نمائیم که جمعیت زیاد باشد.
۱. گزارش مأمور تجسس، اول برج جدی (دی) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ .

ریاست وزرائی رضاخان

از مدت‌ها پیش رضاخان برای نیل به مقام ریاست‌وزرائی ب‌ی‌م‌ح‌اب‌ا تلاش می‌کرد. او خود را از هر کس دیگری برای این منصب شایسته‌تر می‌دانست، رضاخان وانمود می‌کرد بود و نبود ایران به استقرار او بر نصب ب‌ص‌د‌ا‌ر‌ت بستگی دارد. او در واقع می‌خواست با نیل به مقام ریاست‌وزرائی مواضع خود را تحکیم و تسجیل نماید. مایفردادی دور و بر وی بودند که مهمترین ویژگیشان وابسته بودن به شخص رضا ب‌خ‌ا‌و‌ن‌د. این عده بدون رضاخان چون کشتیشکستگان ب‌ی‌ن‌ا‌خ‌د‌ا‌ئ‌ی بودند که حیاتشان از دست رفته به شمار می‌آمد. این افراد تفهیم شده بودند اگر به رضا و خفاندار باشند، درجات رفیع خواهند یافت. رضاخان برای نیل به مقام خود کامگی ب‌ل‌ا‌م‌ن‌ا‌ز‌ع باید موفق‌ه‌ی‌ا‌ی‌ تپی در پی ب‌ه دست می‌آورد، رمز موفقیت اطرافیان هم در این نکته نهفته بود. ب‌ج‌و‌م‌ا‌د‌ع‌ت‌ی که دور و بر رضاخان بودند باید به هر نحو ممکن برای او فتح و ظفر دست و پا می‌کردند. آنان به ناچار باید افسانه‌های حماسی در اطراف رضاخان می‌آوردند و اگر نمی‌توانستند اسطوره قدر قدرتی او را جا اندازند، خانه خراب میشدند.

رضاخان از دوره خدمت خود به عنوان قزاقی ساده، همیشه در برابر زبردستان خشن و ضعیف وارد می‌شد. او ابائی نداشت از اینکه شخصا بود نرم مافوقها برابر در و واقع می‌شدند، کتک کاری کن. دحتی زمانی که رئی سالوزراء شد، دست از رفتار نکوهی ده خود برداشت. او به وزرا توهین م‌ک‌ی‌ر‌د، به سادگی خود را به عصبانیت زمدیو یا اینکه

از ی برخ او . د ش ی م ل تحم غیرقابل شدت به شرایط این در ؛ رفت ی م ر د ه ر و ک ز ا و ا قعا ک ت ک صاخ ادی را ش ردم ع ی م د و ح ت ارباب جرای ؛ کرد می تحقیر را قشون فرماندهان می زد . این رفتار به ویژه در دوره بلوای جمهوری به اوج خود . رفتار سیرشدناس ی دقیق او همانطور که برخی دیپلماتها هم اشاره مکریدند ، نیازمند شناخت محیطی ب و دک هوی در

۱

آ نپرورش یافته و شرایط جسمی و وان ر یتربی تاو را رق مزده ب . باودوجود ای ن درس ت از بدو تصدی منصب ریاست وزرائی ، مطبوعات طرفدار او هر روز اش عاری درج

۲

میک ردند و ضمن ستایش او ، عنوان منجی ایران را در وصف قزاق تکرار می کردن د .

از نیمه های شهریور سال ۱۳۰۲ تلاشهای رضاخان برای رسیدن به منصب ریاست

وزرائی شدت یاف . ترضاخان به طرفداران خود علامت داد که اینک نوبت آنهاست تا

برای دور تازه ای از حیات سیاسی کشور آماده ش . ورندضاخان که خود شاه را به فرنگ

فرستاده بود ، از بیعلاقگی او به کشور سخن گف ؛ ت به لورین توضیح داد اینک مردم

۳

خواستار حکومتی لای ت قرن د . او گفت در حالکیه دولت ه ایکی بعد از دیگری آامندهد

و رفتهند ، او توانسته نظم و امنیت را برقرار نماید و اینک مترصد فرصتی است تا

سازمان اداری و اقتصادی کشور را هم به سامان آور . ردضاخان چگونه توانست خود را

برقرارکننده امنیت جلوه دهد؟ ابزار اصلی او تبلیغاتی بود که توسط زیردستانش در قوه

قزاق ب هکار گرفته میش د . احساس امنیت در جامع ی کهه شکل مدنی نگرفته و

نهادهایی وجود ندارند تا آینده افرا در را تضمین کنند، مهمترین ابزار شگیکرل ی نظام خودکامه است .

به عبارت دقیق ت ر احساس ناامنی مربوط است به جامع ی هکه قطعه قطعه و متلاشی شده و افراد و آحاد آن جدای از دیگران ز نمذ یگکن یند . همین پراکنده و بهوییت

۴

بود ن مردم است که نیاز به امنیت را اجینبعهقلای یمیدهد . در جامع ه ذره ذره شده

گردهمائی های تودهای قوی تری ن ضامن تبلیغات و احساس امنیت .ادسرای تن

گردهمائی ه افراد احساس اعتماد به نفس بیشتری می کن د. هر فرد در وحدت توده های

.Dispatch by Jedlicka, No. ۳۳۴, November ۲۸/۱۹۲۳, DS. ۲۶۵۷-CC-۳۸ Majd, p. ۱۶۴.۱

.Dispatch by Kornfeld, No. ۳۰۸, November ۲۸/۱۹۲۳, DS. ۸۹۱.۰۰/۱۲۵۷, Majd, Ibid.۲

.Lorraine to Curzon, Tehran, ۷ October ۱۹۲۳, FO. ۴۱۶/۷۳.۳

.Atomized Society ۴

ص:۳۱۸

بی شکل خود را نیرومندتر احساس مینماید. اگر این گردهمایی سازمان مشخصی

بیان د، افراد را به صورت منظم و مستمر تحت ض بان ط قرار دهند و شور قرار گرفتن در

این گردهمایی ه ا را تقویت نمایند، یک اصل و یک نگرش روحی در مورد امنیت در

این توده‌های بی شک ل محقق میگردد. روانشناسی فردی به طوری مشروح و جامع

نقش پراهمیت احساس با هم بودن و تعددا قشتن به جمع، همچنین مساله تیرآت

ناشی از قدرتطلبی فردی را مورد بررسی قرار داده است؛ این تحلیل در بحث صعود

اجتناب پذیر رضاخان به قله قدرت بسیار مؤثر است و کارآم د.

چند روزی پیش از تشکیل کابینه رضا، خات نعهدنامه‌های ب ه امضای میرزا کریخم ان

رشت ی، سیدمحمدصادق طباطبائی، ی سلیمان میرزا اسکندریو رضاخان به امضا رس ید.

دان، «ب ه ضمانت قول و شرافت و ناموس و وج» ای ن عده با سوگند ب کهلا مالله مجید و

تعهد م نمودن د تصدی ریاست قوه مجریه توسط رضا خراان پذیرن. دقرار بود این عده

هم «تا آخرین نقطه امکان با تمام قوای خود در حمای ت» در هر مقامی و در هر جائی

باعث تفرقه آنان شده آنها را از یکدیگر جدا» هنباید «هیچ قوه و هیچ وسیل» بکوشند، و

طبق بند سوم این تعهدنامه اداره کشور با این هیأت بود؛ ب ه استثنای قشون که در «. کند

اختیار سردا رسپه قرار داش. ت اگر کسی از مضمون تعهدنامه عدوملیکرد، به مجازات

می رسی د. دولتی که این عده باید تش کمی یلدادند، نم بیایست عمری کمتر از حداقل

س ه سال داشته باش. دتعهدنام ه تا پنج سال حتما یلاجر ا بود و بعد از آن البته ممکن بود

این مواد سری بوده افشاء آن نزد « بار دیگر تجدید ش و.د طبق بند یازدهم تعهدنامه

ت ۱ این تعهدنامه در شب سه شنبه شانزدهم مهرماه ۱۳۰۲ «. هرک س باشد ممنوع اس

شمسی به امضا چهار تن حاضران رسی د.

دیدم که بالاخره احمدشاه روز سوم آبانماه ۱۳۰۲ حکم ریاست وزرائی رضاخان را
ب اکره امضا کرد، اما همراه آبنا دستخطی دیگر منتشر ساخت که اعلام می کرد
عنقریب به سفر فرنگ خواهد رفت. لورین در گزارشی که برای وزارت امور خارجه
دولت متبوع خود فرستاده است، تمدعی است مشیرالدول بهانه ای برای استعفا نداشت و
تنها انگیزه او نوعی بیمیلی به ادامه کار بود که هبه قول لورین ناشی از طبیعت بزدلانه

. ۴۲۰- ۱. تاریخ بیست ساله ایران، ج ۲، صص ۴۲۱

ص: ۳۱۹

وی برای تصدی مسئولیتهای دشوار بود. مشیرالدوله بزدل نبود. در واقع او نمیتوانست به صورت درازمدت با قزاقی که خوب فحمیشداد و به سادگی عربده میکشید، کار کند. از این بالاتر مشیرالدوله میدانست اغلب آشوبها از کجا نشأت می گیرند. بنابراین دیر یا زود باید کنگایرری می یکرند. ریشه اصلی کنارگیری او لورین و اقداماتش بود نه جبن و بزدلی.

کابینه رضاخان روز پنجم آبانماه معرفی شد. او در رئیسی سوزرا و وزیر جنگ بود. وزارت خارجه به یکی از ارکان اصلی صعود او یعنی محمدعلی رس فی ر. دوغی سلیمان میرزا اسکندری این نائل آمد تا

شاهزاده سوسیالیست به منصب وزارت معارف

داشته است. ت. عدلالملک معاون « معرفت » نشان دهد در حمایت از رضاخان اچنقدر رئیسالوزرا بود و میرزا قاسمخان صوراسرافیل کفیل وزارت داخل. همزمان مالک اردلان وزیر تجارت و فواید عامه گردید و خدایار مخاحب نی به منصب وزارت پست و تلگراف دست یافت. تمعاضدالسلطنه پیرنیا وزیر دادگستری شد و مدیرالملک حکم ضلع مهم دیگر صعود رضاخان به اریکه قدرت وزیر مالیه.

برخی از اینها بعدها هم به پاس خدماتشان به رضا، بخواه مقامات عالیتر دست

یافتند: ج. مهجده سال تمام در خدمت رضاخان بودند و حتی به منصب نخوزسیرتی

مدست یافت. ت. دادگر هم دوازده سال به قزاق خدمت کرد و از دوره هفتم تا نهم

رئیس قوه مقننه دولت نظامیان بود. و دستریپ خدایار وزیر پست و تلگراف تنها هنری که

داشت اطاعت بیچون و چرایش از رضاخان بود و بهه مین دلیل به سرپرستی املاک
گسترده او منصوب گردید و خود هم از راه دسیس هآرائی هایش به یکی از ملاکان بزرگ
ایران مبدل شد .

دولت رضاخان نظریهپردازان ی هم داشت که زمین هاهی ایدئولوژیک صعود او بر تخت
سلطنت را فراهم آوردن . دبدون تردید برجستهترین ناین انعل ا یکبرخان داور بود که
تحصیلاتش را در سوئی ب سه پایان رسانیده و بعد از یازده سال در تیرم ا هس ال ۱۳۰۰ به
ایران مراجعت کرده بود . او با دختر بیوه محسن خانم شیرالدول هرج لص اح ن بام دوره
ناصری ازدواج کرد . همین خود یکی از عوامل رشد داور گردی . داور درد دارالفن و ن

.Lorraine to Curzon, November ۲۰/۱۹۲۳, FO. ۴۱۶/۷۳.۱

تحصیل حقوق کرد و یک سالی بعد از مشروطه به سال ۱۲۸۶ از این رشته فارغ التحصیل گردید. سال بعد به عدلیه پیوست و در آنجا به سرکار تدارک داری را اطاعت یک. ردا دور فقط مدعی العموم کل تهران نبود؛ دشغلی که در سن بیست و چهار سالگی البته بسیار مهتم ارزیابی می شود. بلکه وی در سال ۱۲۸۸ ضمن نکارمن دایدول تدر روزنامه هش رقبه مدیریت سیدضیاءالدین طباطبائی مقاله‌ای نوشت که در مورد روزنامه شرق پیشت در رساله بحران مشروطیت در ایران سخن گفت. گفتیم و توضیح دادیم که ؛ این روزنامه به واقع

ارگان جمعیتی بود به نام ژون پرس این انجمن در اظهر به نفع اقشار محروم جامعه شعاری داد، اما منشأ اصلی آن را عداوتی بخصوص از یهودیان اروپا تاشکی لمیدادن د.

۱

این نغوغا به راهمیانداختن د تا از طریق آن حکومتی خودکامه در ای را نمستق رس. ازند این داوری مادرباره آن روزنامه بوده است که هنوز به قوت خود باقی است. چیزی که در اینجا باید خاطر نشان گردد این است که داور مقالات خود را در این روزنامه اغلب به طرفداری از نمایندگان حزب آشوتل بدمکرات می نوشت. همین پیش زمین سیاستی کافی بود تا او بعدها با بقایای ذی نفوذ این حزب در دوره بعد از کودتای سوم اسفند

ب

همکاری بنیادین پردازد. داور از بهمن سال ۱۳۰۱ روزنامه ای منتشر کرد به نام آزاد؛ نام روزنامه هم تقلیدی بود از نشریه که کلمانس ودر پاریس منتشر میکرد. همانطور که مضمون روزنامه هم چیزی جز تقلید از مرامهای دیکتاتوری رایج در اروپا نبود.

از هشتم بهمن سال ۱۳۰۱ تا آبانماه سال بعد که رضاخان به ریاست وزرائی رسید،
زمینه های فکری قدرن نمای او را فراهم ساخت. تد ر عین حال او تشکیکات لایراه ان داخ
به نام حزب رادیکال. الحزب رادیکال ادعا میکرد که میخواهد مبانی حکومت مشروطه
را استحکیم نماید؛ د از برابری شهروندان در مقابل قانون حمایت؛ کجنددائی دین و سیاست
را سرلوحه برنامه های خود قرار ده؛ د از انقلاب صنعتی پشتیبان ی کن؛ نیدز برنامه هائی
جهت رشد تجارت و کشاورزی ارائه نماید.

به مرد آزاد باید نشریه آینده را افزود که مدیریت آن باز هم به دست
تحصیل کرده ایدر سوئیس ی، عنی دکتر محمود افشار یزد ب یود. این نشریه نیز ب انتشار
مقالات و مضامینی ملیگرایان ه از حامیان رضاخان به شمار میرفت. هم زمان حسین
۲۶۳-۱. ن ک: بحران مشروطیت در ایران، صص ۲۶۹

کاظمزاده ایرانشه ر در برلی ندست به انتشار نشریه ایرانشهر زد . یک ی از بی اتلغز له ای ایرانشهر مبارزه علیه امپریالیسم ب ؛ و ادما درکی که او از امپریالیسم داشت بسیار نازل بود وقتی از امپریالیسم سخن م گیت ، از حملات اولیه اعراب به ایران در سده نخستین دوره اسلامی یاد م ک یرد . همین مضمون خود میزان فهم ایرانشه ر را از امپریالیسم می رسان د. او هنوز نمیدانست امپریالیسم پیچیدهترین شکل سرمایدا هری است که در قالب بانک، کارتلها و تراستها متجلی مشیود و هدفش هم چیزی نیست جز دستاندازی به کشورهای دیگر برای فروش مازاد تولید خ. وایز شرهاور داین هدف بود که بین قدرتهای امپریالیستی جنگ اتفاق افمیاد. زمان ی که رضاخان ستونهای تعصب « حکومت خود را پیمی ریخت و استوار مک یرد ، دغدغه ایرانشهر بیشتر بود و نه امپریالیسم . گرچه از استبداد سیاسی هم سخن گمف ی ت ، اما گوئی « آخوندی رضاخان و اعمال او ر نام یدی د. طبق رسم زمانه و البته به تقلید از کشورهای شکستخورده جنگ اول جهان ی مثل آلمان، شابهیت ایرانشه ر هم ملگیرائی و ناسیونالیسم ی بود که عل ال یقاعده رضاخان سمبل آن به شمار رمفیت. در صفحه نخست روزنامه نمادهای ایران باستان به چشم م خویرد که گرایش غالب ناسیونالیسم موردنظرا و را نشان می داد .

کاظم زاده دین را امری مقدس و الهمییدانست که نباید مقام قدسی خود را از دست بده د . به همین دلیل دین را از عناصر وحدت ملی تلقی نم ن ودم یو معتقد بود م املیت را یگانه وسیله ترقی ایرمانیدانیم و آن را کمال مطلوب « نباید هم چنین شو:د

۱ اینها همه البته شاگردان مقی ست م و «. و غایت آمال نژاد جوان و نوزاد ایمراینشاسیم

ی غیرمستقیم نشریه کاوه و گرداننده آن سیدحسن تقی‌زاده بودند که هرچ هم ی گفت
جدائی دین و سیاست بود و مگلرایی یی مورند ظر خودش که ستون ایدئولوژیک
حکومت قزاقان بو د.

کمیته تحولات و « د راوایل ریاست وزرائی رضاخ انکمیته ایتشکیل شد به نام
ریاست این کمیته هم با شخص رضاخان بو د . غیر از رضاخا ، ن دیگر اعضای ؛ « انقلاب
این کمیته عبارت بودند از سیدمحمد ت ، د یسنلیمان میرزااسکندر ، ی ناصر ندامان، ی
۱ . شاهرخ مسکوب: داستان ادبیات و سرگذشت اجتماع، (تهران:فرزان روز، ۱۳۷۳)، ص ۱۴

ص: ۳۲۲

سید محمد صادق طباطبائی، میرزا کریمخان رشتی، سرلشکر خدایارخان، دبیر اعظم یا همان فرج‌الله لاهیجی، امان‌الله خاندلان مشهور به عزالممالک و زایلعب ندین رهنما. جلسات در ساعت چهار بعد از نیمه « . محل انعقاد این کمیته خانه شخصی رضاخان و در مکانی به نقل از « . شب که در زمستان نیم ساعت پیش از اذان صبح بود تمش یک‌گیرد لید در همین جلسه و در میان همین جماعت تمام حوادث و تغییرات « رهنما آورده است : ت ایران نو و تغییر قاجاریه و غی... ر. همورد مذاکره قرار می‌گرفت و سپس طبق آن عمل می‌شد . افراد این کمیته، در روز اول تشکیل آن، دست اتحاد و یگانگی را در حلقه تسبیح دست خود اعلیحضرت فقید به هم دادند که در هدف اصلی این گروه که تغییر ۱ «... سلسله قاجاریه و ایجاد ایران نو باشد، تا آخرین سرحد امکان وفادار و صمیم باشند

انگلستان و سیاست تثبیت قدرت رضاخان

س هروز بعد از معرفی کابینه رضاخان، احمدشاه به قم رفت تا از علمای تبعیدی خداحافظی کند و روز یازدهم آبان‌ماه به سفر بیازگشت فرنگ رفت . تروز ۲۴ آبان‌ماه ۱۳۰۲ رضاخان اندک مدتی بعد از تصدی منصب ریاست‌وزارتی همراه با فروغ‌بیه نزد لورین رفت . تا آن زمان سابقه نداشت رئی‌ال‌سوزرای یک کشور مستقل همراه با وزیر در این ملاقات رضاخان . خارجی برود وزیرمختار یک نمایندگی به مقر اش خارجه امور بروز صورت در نباید لورین و بریتانیاست با حسنه روابط خواهان گفت صریحا

مشکلی از مذاکره با رضاخان یا ن فروغ یا جنتاب ورز . د از این زمان به بعد ملاقاتهای منظمی بین لورین و رضاخان صورت می‌گرفت و ضمن آن ملاقاتها مسائل دوجانبه

فیما بین مورد مذاکره واقع میشد .

لورین خود پذیرفته بود برای جلوگیری از برانگیختن کنجکاوی ش و، ب ر هت و یهرا ین راه در روابط دو جانبه ایران و بری تائینیا ن است که مناسبات عادی باشد. نیز او گزارش می داد روابط ایران و انگلی بی سش از پیش بهبودی میاب ید. رضاخان روابط کمی با کشورهای فرانس ه، آمریکا و حتی شورویها دارد و اگر بریتوانقیاعیینانه با او برخورد نماید ، راه گسترش روابط بیشتر فراهم اس. او تنوشت ، بهترین مناسبات همی ن است که

. ۲۴۸-۲۴۷، (۱ . حسین مکی: تاریخ بیست ساله ایران، ج ۶، (تهران: علمی، ۱۳۷۴

.۲ .Loraine to Curzon, Tehran, ۲۷ December ۱۹۲۳, FO. ۴۱۶/۷۴

ص: ۳۲۳

ایران رابطه دوستانه خود را با بری تان ریتاقاء بخشد و انگلست انبناید ایران را تحت فشار

۱

قرار داده و آن را دربست اسیر خود نمای د.

د رچنین ایامی د ردسامبر ۱۹۲۳ ح ز بمحافظ کها ربریتانی ادر انتخابات پال رمانی

شکست خورد و برای نخستین بار در تاریخ انگلست، انج ز بک ارگ رب حق در ترس . ید

رمزی مک دونالد رهبر حزب ضمن اینکه نخسوز تیری را به دست داشت ،وزی رام و ر

خارج ه هم بود؛ کرز ندیگر عملا از صحنه دیپلماسی ی ک شو رح ذفش . پدیروزی

ن ا

اتحادیه « . حزب کارگر بریتانی، ا در میان چپگرایان ایران ب اح س ناستقبال روب روش

۲ روز دوازدهم اسفند سال ۱۳۰۲ تجمعی علیه کابینههای س اب قانگل یس ب « کارگران

و ه

طرفداری از کابین مک دونالد ت ش . م

ه کیل داد در عین حال تلگراف تبریکی از س و یکارگران

ایران به لندن نوشته شد که قرار بود ب هزودی مخبره شود . نمای شه ابرپ اگردی دو برای

شرکت در این نمایشها بلیطهایی تهیه شد که یکی از آنها برای وزیرمختار روسی ه فرس تاده

۳ البت هوزیرمختار «؟ برای سفارت انگلیس هم در تردید بودند که بفرستند یا نه . شد

صدتومان داده و [ازاینکه نتوانست هس رکت « شوروی هم در این نمایش شرکت نکرد، اما

۴ برای ولیعهد هم بلیطی ارسال نشد . « . کن] دخیلی عذرخواهی کرده است

اما تغییر نخستوزیر در بریتانیا تأثیری بر مناسبات آن کشور با ایران و برنامه صعود

رضاخان به بالاترین پله قدرت نداشت. وزیرمختار انگلی سسر پرس ی ب

رضاخان گفت ه بود اگر بتواند به صورت قانونی یعنی از راه مجلس دست قاجاریه را از سلطنت ایران کوتاه کند و کار به خونریزی نکشد نگلستان از وی حمایت مکن ید. از آنسوی رضاخانهم قول داد امنیت اقتصادی سرمگای ذاهریهای بریتانی ا را تضمین نماید و از آن بالاتر هزین هاهی هنگفتی را که خرج پلیس جنوب ایران کرده بودند پردازد ؛ کاری که دولتهای پیش از او حاضر به انجام آن نشده . ربضوادن خدان زمانی این سخنان رامیگفت که برای نخستین بار تلاش کرد خ زرعا الز سرراه بردارد؛ زیرا خزعل هم

.Memorandum by Loraine, London, ۲ April ۱۹۲۴, FO. ۴۱۶/۷۴.۱

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

۲. ریاست این اتحادیه با سیدمحمد دهگان بود که گرایشهای چپ مارکسیستی داشت و روزنامه حقیقت هم ارگان این اتحادیه محسوب می شد، در مورد زندگی او نک : آخرین سنگر آزادی، مجموعه مقالات میرجعفر . ۳۶۱-۳۷۵، (پیشهوری در روزنامه حقیقت ، به کوشش رحیم رئیسینیا، (تهران: شیرازه، ۱۳۷۷

۳. گزارش مفتش مخفی، مورخه ۱۲ حوت (اسفند) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

۴. همان .

ص: ۳۲۴

اینک مشغول مکاتبه با احمدش باهود و قول داده بود به محض اینکه شاه وارد کشور گردد، از ادامه سلطنتش حمایت کند.

بریتانیا، نفت و سیاست

در سال ۱۹۱۰ خزعل در حاشی هر قابته اینفت یب ی نش رک تجدیدالتاسی سنفت انگلیس و ایران و کمپانیهای رقیب بیش از پیش مورد توجه انگلیسیها قرار گرفت. آنها به خزعل قول دادند به محض انقضای امتیاز نشفاتی، دارایهای یانچ اراب هوی منتقل خواهند کرد. در ۱۵ اکتبر همین سال یکی از عالتریبی نشانها یدولت یانگل سیتاعن نی

۱

به وی داده شد. سرپرسی کاکس که آن زمان (K.C.I.E) شوالیه فرمانده امپراتوری هند نماینده امپراتوری بریتانی ادر خلیج فارب سود، از طرف خود و سر آرنولد ویل سکوه نابتدا رئی س امنیت و بعد مدیر شرکت نفت در آبا شدا، نت صمی مگرفتن داز خزعل حمایت « تجاوز حکومت ایران به حوزه اقتدار و حق شناشخت هه[!] یا اموال » کنند تا در صورت

۲

او، راهلی رضایتبخش به دست آورند. ای ن توافق در ابتدای جنگ اول جهبانازی م مورد تأکید قرار گرفت. تدولت انگلستان از این قرار و مدار هیچ اطلاع ی به دولت مرکزی ایران ندا. به دلیل این توافق شیخ خزعل از ابتل دا یجنگ اوج له انی نه مالی اتی میپرداخت و نه عوارض بنادر جنوب کشور را به مرکز ارسال مینمود. به ادعایل ورین ک هبرای ما اثبات شده نیست، خزعل از مقامات بریتان یاخواست از او حمایت

ارت ام آن رب ودخ و د نمای ه تجزی را تان خوزس ام تم اصلا و خیز نفت مناطق ات کنند
حکومت کند . ۳ لورین گزارش داد خزاع الانتظار داشت به پاس خدماتی که برای بریتانیا
انجام داده او را بر تخت سلطنت محکومجدی دالتأسیس عراق ن شانن . دحال که چنی ن
کاری صورت نگرفته میخواد د در خوزستا نامارتی مستقل تشکیل ده . بدناب رهمین
ادعا و خواسته بود انگلیس دههزار قبضه تفنگ در اختیارش قرار دهد.

از آن سوی بخشی از سهام نفت ایران در اختیار بختیارها قرار داشت . به این شکل
در آن ک تمل ۴هراظه ک ودب رده ک ایجاد فرعی شرکتی ایران و انگلیس نفت شرکت که
۲۲ دسامبر ۱۹۱۰ ، سرمقاله . ۱ / . ایران نو، ش ۴۰ ، دوشنبه سلخ ذیحجه ۱۳۲۸

.Minutes on Agreement with Khaz'al, ۱۵ October ۱۹۱۵, FO. ۳۷۱/۱۰۸۴۳.۲

.Lorraine to Curzon, Tehran, ۲۰ September ۱۹۲۲, FO. ۴۱۶/۷۱.۳

اختیار بختیارها بود. د بختیاره ا هم از لورین خواستند به آنها اسلحه و کمک م البدیه د.

شرکت نفت انگلیس و ایرابان خوانین بختیاری قراردادی منعقد کرد و به دلیل سهامی که آنان در شرکت نفت داشتند، مبلغی وام در اختیارشان قرار. ب گرفته ای تن شکل رقابتی افسارگسیخته بین خزع لازیک طرف و خوانین بختی یا ارز سوی دیگر شکل گرفت که ه کانون آن مسئله نفت ب. و دام ا با طلوع ستاره رضاخ، ان نگل یس ت صمیم گرفت او را هم وارد بازی کند. بیهوده نیست که شرکت نفت انگلیس و ایران هزینه بخشی از لشگرکشیهای رضاخان را تقبل می کرد. در سندی به خط خردانره کل قشون، نوشته شده است دعا « بوجهی را برای قشون پرداخت کرده است اما « رئی س اداره نطف جنو » است که مینماید وعده ای ک هبندگان حضرت اشرف روز تشریف ان

فرمائی در طهران فرموده د امر

۲ اما آگاه نیستیم ق را روم داررض اخاب ن اموران ش رک تنفت «. به اجرای آن فرمایند انگلیس و ایران چه ب؛ و ادما سند بالا خود بهترین گواه است ب رحمای تای نش رک ت از عملیات رضاخان. ب هاین شکل انگلستان نهمزمان به سه نی رو کم مک یکرد: رضاخان، برخی خوانین بختیاری و شیخ خزع نت لیجه این سیاست چیزی جز برافروختن آتش کینه و جنگ در بین کلیه نیروهای حاضر در صنبجون د. ه این امر به زیان مصالح و من اف عملی ر تح و ظف ف ز این نیروها هر کدام ا؛ قرار داشت انگلستان منافع مدار در گاملا اما؛ بود ایران می یا فتند، به واقع سیاست انگلستان مسلط میگردد د.

لیکن کار به همین جا خاتمه نی اف دت ر اسفندماه سال ۱۳۰۱ برخی اخبار و گزارشها

حکایت از آن داشت که شرکت نفت انگلیس و ایراد ر مسجده سلیمان دست ب ه

تأسیس نیروئی به نام پلیس نفت ایران زده است و فردی به نام خان خهلی م ق لرار است

ب هریاست این پلیس منصوب گ. ر. د. د. سرلشکر محمود آیر مفرمانده نظامی جنوب کشور

در نامه ای محرمانه خطاب به رئیس ارکان حرب کل قشون اطلاع داد بر اساس

گزارشهای رسیده مأمورین مخف، یشرکت نفت انگلیس و ایرا درن مسجد سلیمان

محققا د و « نیروئی به نام پلیس نفت سازماندهی کرده و

اسپیار سابق منصب صاحب نفر [= پلیس جنوب] هم که باع ادهی داوطلب از اصفهان حرکت نموده بودند برای همین

و متروک انگلیسیها طرف از اقدام این مجهولی بعلت اخیرا ولی است، بوده مقصود

.Lorraine to Curzon, Tehran, ۲۶ January ۱۹۲۲, FO. ۴۱۶/۷۰.۱

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

۲. خزانهدار کل قشون به رضاخان، ۲۸ برج عقرب (آبان) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ.

ص: ۳۲۶

موقوف گردیده و دو نفر صاحب منصبان فوقال ذکر نیز به اصفهان موعودت نمودند و

۱

س سفارت بریتانی ادر تهران « اقدامات مشارالیهما تحت مراقبت و نظر گرفته شده .ا

این خبر را تکذیب ک. ر ددر این تکذیبیه که خطاب به وزارت فلاح و تجارت و

فواید عامه نوشته شد آمده بود:

چون این قبیل اخبار جعلی

غالباً به تهران فرستاده میشود و اسباب تضییع اسم

شومی کمپانی نفت انگلیس و ایران

د سفارت محترما خواهشمند است که منبع این

خبر را بدون تعویق معین فرموده و به مخترعین این اخبار آگاهی داده شود که از

۲

[انتشا] ر این قبیل مناقشات اتهامآمیز و اخبار خلاف واقع اجتناب نمایند.

ب ه جز یادداشت سفارت بیترانیا، فرنی نماینده شرکت نفت انگلیس و ا هیمران

یادداشتی ارسال کرد که با وصف مضمون محترمانه آن، از تهدید تهی نبود. ن ماینده

به کلی « کمپانی در ایران ضمن ارسال نامه‌های خطاب به وزارت فوائد عامه این اخبار را

ارزیابی نمود و ادامه داد: « عاری از حقیقت

این بنده خیلی متشکر خواهم بود که آن وزارتخانه بنده را مستحضر دارید که این

خبر از چه کسی به آن وزارتخانه نوشته و [من پیشت] ر نظیر چنین تهمت غیر واقع

وب یاساس را که خصوصیات آن متفاوت بود تکذیب نمودم. ..یقین است که

وصول دائمی چنین اخبار ب ا یساس به آن وزارتخانه که مقصود از آنها تخریب روابط حسنه بین دولت علیه و کمپانی است، جلب دقت نکرده و آن وزارتخانه خود را مربوط به آنها نخواهند نمود و از افشای منابع چنین راپورتهائی به بنده

۳

دریغ نخواهید فرمود.

وزارت خارجه رونوشتی از این نامه را برای وزارت اجنر سا گل کرد و در خاتمه

توضی ح داد از کارگزاری خوزست اکنه آن زمان عربستا نخوانده م یشد، خواسته شده

۱. سرلشگر محمود آیرم به ریاست ارکان حرب کل قشون، نمره ۲۲۴۹، مورخه ۱۶ حوت (اسفند) ۱۳۰۱، اسناد

وزارت جنگ .

۲. یادداشت سفارت انگلیس، نمره ۳۷، مورخه ۱۸ حوت (اسفند) ۱۳۰۱، اسناد وزارت فلاح و تجارت و فواید

عام، ه بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، رونوشتی از این نامه برای وزارت امور خارجه هم

ارسال گردید که مضمون آن درست مثل همین نامه است .

۳. مراسله کمپانی نفت جنوب، مورخه ۷ حوت (اسفند) ۱۳۰۱، اسناد وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه،

بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی .

ص:۳۲۷

است نسبت به صحت و سقم این موضوع تحقیقات لازم را به عمل . ۱. وزارت آت و رد جنگ هم از امیرلشگر جنوب خواست تا منشأ این گزارش شناسائی و به وزارت جنگ

۲

اطلاع داده شود تا حقیقت امر مک شوف گردد.

در نامه نماینده شرکت نفت انگلیس و ایران مشاهده کردیم که او نوشته پیشتر هم از این دست شایعات وجود داشت که وی تکذیب کرده. ساین تک باید سوابق ای ن موضوع را هم بکاوی . م ب ه واقع نخستین باری که خبر از تشکیل پلیس نفت م سدجرد سلیمان منتشر شد، مربوط به دی ماه آن سال اس . ت در اواخر این ماه سرلشگر محمود آیرم ، امی رلشگر جنوب تلگرافی خطاب به رضاخارنسال کرد که در آن آمده بود طبق گزارشهای رسیده انگلیسیها در مسجدسلی ماچن نین تشکیلاتی ارناهدازی کر دهان د . داوطلبان این نیرو از اصفه انعزام گردیده بودند که ریاست آنها ا خلیلخان نامی بود از صاحب منصبان سابق پلیس جنوب . این مرد بعد از آنکه بساط پلیس جنوب برچیده بآیوارمسطه سوء اعمال از خدمت « ش د وارد اداره قشونی ایران گردید، لیکن طبق نامه ۳ در این ماه وزارت جن نا گمه ای خطاب به وزارت فواید عامه « قشون ی اخراج گردی . د نوشت؛ ضمن اینک هپیش تر موضوع تشکیل پلیس نفتبه وزارت امور خارجه اطلاع داده ش د و آن وزارتخهان هم با سفارت انگلیس مکاتبه وک سردفارت مزبور اصل موضوع را منکر ش . دوزارت جنگ از وزارت فواید عامه هکه شرکت نفت هم قاعدتا تحت امر آن بود تقاضا کرد به کمپانی نفت انگلیس و اع اتیررانض نمایند و اعلام دارن د ک هدر صورت ی که ه شرکت نفت به قوای نظامی احتیاج دارد نیازهای خود را به

دولت مرکزی ایران اطلاع ده . د عین همین مضمون پی ت ش ر در همین ماه به وزارت خارجه اطلاع داده شده بود .

در این نامه هم تشکیل قوه نظامی توسط شرکت نفت انگلیس و ایرا خلاف ن

عنوان گردید و توضیح داده شد بهتر است شرکت نفت نیازهای « مصالح مملکتی »

۱. وزارت خارجه به وزارت جنگ، نمره ۸۱۶۱، مورخه ۲۱ حوت (اسفند) ۱، ۳۰۱ اسناد وزارت امور خارجه،

بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی .

۲. رئیس اداره ارکان حرب کل قشون به سرلشگر آیرم، نمره ۲۶۳۵، مورخه ۱۶ حوت (اسفند) ۱۳۰۱، اسناد

وزارت جنگ .

۳. سرلشگر آیرم به رضاخان، نمره ۲۶۳۵، اداره استخبارات، مورخه ۲۷ برج جدی (دی) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ.

۴. وزارت جنگ به وزارت فواید عامه، نمره ۳۰۵۸، مورخه ۲۹ دلو (بهمن) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۳۲۸

ام نیت ی خود را از طریق دولت ایران بر طرف . نمایودزارت خارجه به محض اینکه این
در ضمن « نام ه را دریافت داشت، یادداشتی برای سفارت انگلیس ارسال نمود و
اعتراض به این اقدام اشعار شد که به کمپانی اخطار نمایند هرچه زودتر عده مزبور را
مرخص نموده و در صورتیکه قوائی براحفیظ مؤسسات کمپانی لازم باشد از دولت
در این باب تحقیقات نموده به « ب ه کارگزاری خرمشهر هم دستور داده شد . » . بخواهند
متصدیان کمپانی اطلاع دهند که از تهیه این قبیل استعدادات خودداری نمایند معذک
ه ب ط ف ن ی ن کمپا به راجع مطالب که دارد می مستحضر را جلیله وزارت آن خاطر لزوما
وزارت فوائد عامه مربوط میباشد ممکن است به آنجا نیز مرقوم فرمایند که اقدام لازم
۲ .» را به عمل آورند

به مرور زمان بریتانیا خزع را موجودی دست و پاگیر دید، بنابراین تصمیم گرفت
امنیت منابع نفتی خود را به قشون تحت امر رضاخوااگذار کند و از پرداخت رشوه
به خزع و خوانین بختیاری آزادش . و دب ه همین دلیل در دوره ریاست وزرائی مستوفی ،
لورین چندین ملاقات با رضاخان اون رئی ال سوزراء داش ت . محور مذاکرات این ملاقاتها
ضرورت لشکرکشی علیه خزع ب لود . نتیجه جلسات این بود که رضاخان قول داد در
صّریحا او . در ک ده او خ ن دی ده ت ا ر انگلستان منافع خطری هیچ جنوب به کشی لشگرگفت ک ه تا زمانی ک ه
دولت بریتانیا و شرکت نفت انگلیس و ایرا اطمینان خاطر

ب ه هر حال معلوم بود رضاخباهنزودی خزع لرا آماج حمله قرار خواه د دا د.

رضاخان برای اینکه بتواند مانع اتحاد ایلات و عشایر شود، ای از آنعاندهمٹ ل

صولتالدوله قشقائی را وارد مجلس ک . رب ده جعفرقلخیا ن منصب وزارت پست و

تلگراف داد و به همین شکل کثیری از خوانین خواسته یا ناخواسته در تهران سکن ی

گزیده بودن د . جعفرقلی خان بختیاری بعد از نبرد شل یدلر تابستان سال ۱۳۰۱ ، رابط

رضاخان با بختیاریهابو د . از این بالاتر رضاخ انو را ابزاری کرده بود برای ایجاد نفاق

۱ . وزارت جنگ به وزارت امور خارجه، نمره ۲۶۵۸ ، مورخه ۲۲ دلو (بهمن) ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت جنگ، در این

نامه تاریخ ارسال یادداشت ماه جدی نوشته شده که غلط است و ناشی از اشتباه اندیکاتور .

۲ . وزارت امور خارجه به وزارت جنگ، نمره ۶۶۱۶ ، مورخه ۲۳ دلو (بهمن) ۱۳۰۱ ، مرکز اسناد و خدمات

. پژوهشی وزارت امور خارجه، اسناد سال ۱۳۰۱

.Lorraine to Curzon, Tehran, ۲۰ June ۱۹۲۳, FO. ۳۷۱/۹۰۲۴.۳

ص: ۳۲۹

ب ه میان بختیارها « تحقیقات » بین خوانین قبایل بختیار . یرضاخان آن زمان او را برای فرستاد. البته ظاهر قضیه که به رئیس الوزرای وقت هم گزارش شد این بود که او ب ه

۱

تقاضای خویش برای انجام آن تحقیقات به میان عشایر بختیارها رفته . از آنست
سوی خزعل به سفارت بریتان یادر تهرانو کنسولگری آن کشور در اه او ا طزلع داد که
منطقه ن آ ه ب رضاخان سوی از آماده نبرد علیه هر نیروئی هستند که احیاناً گاملاً قوایش
اعزام می شود . اینها همه مقدمها ییود بر اجرای تصمیم محافلی در بر یتکاهنی بارافکنندن
خزعل به دست رضاخان را مطل بییدند . اما برای انجام این عملیات باید تمهیدات لازم
اندیشیده میش د.

۱ . جعفرقلی خان ب ه رضاخان، ۳۱ سنبله (شهریور) ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت جنگ، نیز همان: رضاخان به رئیس الوزرا .

امپراتوری قدرتمند عثمان یدر تاریخ طولانی خود، همیشه س دراه یدر برابر رگ سترش
امپراتوری بریتانی ا به قلب خاورمیان ب هو د. سرمایهسالاران بریت انیا از دهها سال پیش عزم
خوی ش را جزم کرده بودند تا به اعماق ای نامپرات ور یگسترده نف و ذنماین دو آن را از
درون متلاشی سازن. د تا همین چندی پیش قدرت امپرات ور یعثم قلا من یر ووس یع ی از
مرزهای ایران گرفته ات بالکان، از دهانه خلیج فارس تا س حجاز و کلی هخاورمیان ع هرب یرا
دربرمی گرفت. ام ا مقارن با مشروطیت ایران، سرماگیزداریهای محافل سرمایهسالار بریتانی ا
د رمنطقه به نتیجه رس ی دو درست در ایام زمامداری رض ابخان رمق درا تام و رای ران،
امپراتوری متحد و ی پا کرچه عثمان ی که نخستین بار با گرایش گری زاز مرک زمحم دعل ی
پاشای مصر با تهدید مواجه شده بود، فروپاشید و به کشورهای ریز و درشت متعددی
تقسیم شد. فروپاشی دستگاه خلافت بخش عظیمی از جه اناس لام ی را تکان د داد
هندوستان که علیه استعمار انگلی ق سد برم ا یفراش تت افغان س تاو نم صی رکپارچ هبه

۱

جنبش درآمد و اندیشه احیای خلافت سرزمینی مزبور را درنوردی. د درست در زمانی

ک هدستگاه خلافت عثمانی متلاشی شد و مصطفی کمال پیشوای ترکان ج وانجمه وری

ا را تشکیل داد، امواج جمهوریخواهی به ایران هم کشیده شد؛ هرچند لزوم ترکیه نوظهور

۱. برای تحلیلی در این زمینه ن ک: حمید عنایت: اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی،

۹۹- (تهران: خوارزمی، ۱۳۶۵)، صص ۱۲۷

تحولات داخلی ایران ارتباط آشکاری با دگرگونیهای ترکی نداشت. به واقع تکانهای شدیدی سیاسی ترکیه بهانهای بود برای برخی فعل و انفعالات درای. و گران هدس تهای پشت پرده از سالهای متمادی قبل منتظر چنین روزهایی. بنود خنسدتی نتحرک اتجدی د، برای وارد کردن ضربه نهائی بر سلطنت رو به اضمحلال قاجار با هائی ن یغشمهکل گرفت که طرح شعار جمهوری نقطه اوج آن بود.

در این ماجرا اکثریت مردم رفتار غیرقابل تحمل رضا را خاا دیدند و سازمان یافته ترین مخالفت را علی ه او صورت دادن دکه اگر تداوم میافیت، ریشه قزاقان را برمیکند. رکود و خمودگیهای مقطعی به این دلیل بود که همردجمو مرج دور ههای تمام تجاوزات آینده سردا رسپه بر اثر «سابق را به اید داشتن د. به گمان برخی از ناظران همین سکوت آزادیخواهان واقعی در این روزها و همین سبب کویمتورد بود که سبب تجری او شده، و روز بروز بر اعمال مستبدانه او افزود و کار جلوگیری او را مشکل کرد. در صورتی که ه در این وقت با کمال سهولت ممکن بود لجام او را به دست بگیرند ۱ یکی از این اعمال خلاف قانون و «... که هدر آیند هب یرویهگیهای بزرگتری از او سنرزند قاعده، بحث جمهوری بو د.

اندیشه جمهوری خواهی در ایران درست مقارن با س و مین مسافرت احمدشاه به فرنگ شکل گرفت. ت به صورتی همزمان و با نقش اهی حساب شده، روزنامههای افراطی ای ندوره از جمله شفق سرخ، ستاره ایران، کوشش و میهن در مقالات خود بت هبلغ جمهوری پرداختند. هم علی دشتیو هم حسی نخان صبا، مدیران شفق سرخ و ستاره ایران، از جمهوری همانقدر مطلع بودند که از مشروطه. اگر آنان توانسته بودند درکی

صحيح از رژيم مشروطه داشته باشند، آنگاه قادر بودند نظام جمهورى را هم فهم . کنند

مطالعین به خوبى میدانستند که این تبلیغات نه برای احقاق حقوق سیاسى و اجتماعى

ه ب ی ا ر ب د و ب ی ت ا د ی ه م ت ا ه ن ی ا . جمهورى نظام برقرارى ی ا ر ب م ر د م است و نه حقیقتا

سلطنت رسانیدن رضاخا . نوقتی ن اظرا ن آگاه مشاهدهمیکردند این قزاقان و افسران

ارشد برکشیده رضاخا نهستند که از جمهورى سخمنیگویند و به واقع آتش بیار

محرکه م ب یاشند، بدگمانیها بیشتر میشد .

۱ . شرح زندگانی من، ج ۳، ص ۳۷۷

ص: ۳۳۲

هم زمان با مطبوعات داخلی، به یک باره در مطبوعات خاور اوور امیران و پهاخبار نهضت جمهوری خواهی در ایران منتشر شد. آگاهان به خوبی میدانستند که رضاخان چگونه عوامل خویش را به اطراف و اکناف فرستاده است تا هان یغمجمهور یخواهی در بین محافل سیاسی ایران را با زیب و زیور و شاخ و برگ فراوان تبلیغ نمایند. دگرچه شاید به قول بهار درج مقالاتی در مورد رضاخا او نجمهوری ادعائی وی در مطبوعات

۱

خارجی با پرداخت رشوه صورت گرفته باشد، اما دست هائی که از رضاخان در اکناف نقات جهان حمایت میکنند، پیش از رشوههای او، مستظهر به حمایت محافل سرمایه سالاری بودند که از تکیه زدن او بر اریکه قدرت خود کام هدر ایران بهر منهد می گردیدند. در عین حال هیأتی سه نفره که زیالنعابدین رهنم امدیر روزنامه رسمی ایران هم جزو آن بود، روانه اروپا گ. در کیسدهی در مورد اهداف این مسافرت چیزی نمیدانست. اما شایعه ایدهان به دهان در محافل سیاسی تهمرا یگنشت. هدف مأموریت یادشده این بود تا جمهوری شدن ایران را در خارج کشور تبلیغ نمایند؛ هدفی

۲

که رضاخان برای نیل به آن لحظه شمارمیگرد. شخص رضاخان در ملاقات با وزیرمختار آمریکا گفته بود هدف هیأت سه نفری یادشده این است که کشورهای اروپائی را نسبت به پیشرفت ایران عمن لاقده سازند. اما کورنفلد اظه ار عقیده کرده تردیدی نیست هدف واقعی این گروه مهیا ساختن دول اروپائی است برای رویارو شدن با تغییراتی که عنقریب در ایران رخ خواهد. رد ضاداخان میخواهد بازخورد

مثبت کشورهای اروپائی را جلب کند.

جمهوری برضد حکومت مشروطه و قانون اساسی برپا شد. جمهوریخواهان « بلوای

ب ا پادشاه طرف شدند و از ماویخواستن د به خلاف وظیفه قانونیش و به میل ایشان به

فلان طرز کار بکنند؛ و با درباری مخالف بودند که چیزی نبود و دخالتی در کارها

نداشت . علاوه بر اینها، موافقت جدی سردا رسپه با جمهوری اسباب تردید و بیم و

احتیاط مردم شده، تصور کردند (درست هم بود) ۴ ک هنتیجه این جمهوری منجر به

. ۱۶۵- ۱. تاریخ احزاب سیاسی، ج ۲، صص ۱۶۶

۲. ۱۶۴. Dispatch by Kornfeld, No. ۳۲۰, December ۱۰/۱۹۲۳, DS. ۸۹۱.۰۰/۱۲۵۸ Majd, p.

Quarterly report by Kornfeld, January ۲۰/۱۹۲۳, DS. ۸۹۱.۰۰/۱۲۶, Also see: Majd, op. cit. p.۳

.۱۶۵

۴. پرائتر در اصل .

ص: ۳۳۳

«! دیکتاتوری ایشان خواهد شد

شاه ایران که در این هنگامه غریب در پاریس جا سخوش کرده بود، بهجای بازگشت

هرچه سریعتر به ایران، از رضاخان در مورد اخبار منتشره در مطبوعات جارویپا ا

می شد. رضاخان در پاسخهای خود شاه را وحشتزده م یساخت. او با اینکه خود را

شاه عنوان میکرد، لیکن به او خبرمیداد کار از مقالات نشریات شت گهذ و «چاکر»

داده میشود. او برای مرعوب ساختن «تمام ولایات» یدر «میتینگهای چند هزار نفر»

تمام اصناف و طبقات در تلگرافخانهها متحصن و «بیش از پیش شاه نوشت

مجلس هم» ی. از این بالاتر «متحدالکلمه از دولت و مجلس تغییر رژیم را تقاضا کنن مد

د ر مقابل این تقاضاهای عمومی تکانی خورده و از نظر حمایت از موکلین خودشان،

«و کلا رنگ تازه‌ای نشان می دهند

چند ماه نخست زمامداری رضاخان در منصب رئی ال سوزرائی به بحران گذش.ت

همه امیدوار بودند او بتواند چرخهای شکسته اقتصاد ایران را به تحرك وادارد و

طرحهایی برای بازسازی کشور ارائه نماید، به راستی مگر اینگونه نبود که همین چندی

قبل ایرج میرزا که به رغم قریحه شاعری و تبار شاهزادگی زمانی از قداره بندان سر

کوچه تحت عنوان مشروطه رای آدمکشی استفاده میکرد؛ سروده بود:

تجارت نیست صنعت نیست ره نیست امیدی ج ز به س ردار سپه نیست؟

پیوند شاهزادگانی مثل ایرج میرزا امثال رضاخات نازگی نداشت و این امر حتی در

پیش از مشروطه روی اه ی خاص این شخ ب صه حسابمیا آمد، ایرج میرزها همیشه با

افراطی ترین باندهای سیاسی پیش و بعد از مشروطه ارتباط؛ دابشعلاتوه با جنب ش
اوباش هم ارتباطی هماهنگ برقرار کرده ب . و درضاخان گرچه با زور و نیرنگ توانست
از کمی توانائی عملاً راند، فرمان زمین ایران مقدرات بر خود شخص نفع به حدودی تا
خود نشان داد و ارگ حمایتقشونی که او در رأسش قرار داشت نبود، دوره حیات
سیاسی اش خیلی زود خاتمه می یافت . ب ه واقع وقتی رضا خدارن انجام مأموریتهای
خوش جهت استقرار ثبات سیاسی و بازگشت آرامش به کشور، به رغم لشگرکشیهای

۱ . تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۴۱

ص: ۳۳۴

فراوان ناکام ماند، غائله جمهوریخواهی ب همراه افتاد.

استانبول از ۱۳۰۲ سال دیمه ام سی تاریخ به خواهی جمهوری نغمه نخستین ظاهر

برخاست که روزنامه‌های از ایجاد جمهوری در ایران حمایت. کاریدن موضوع بهانه‌ی

ش دبرای مطبوعات طرفدار رضاخاکنه به عنوان جمهور یخواهی شروع کردند به

حمله علیه رژیم قاجار.

کشور به کارگردانی قزاقان دستخوش تظاهرات ساختگی. دبر ا ویدن تظاهرات

ارتش بیکاره‌ها به زعامت قزاقان لغو سلطنت و استقرار جمهوری را طلبیمد. یرضاخان

میخواست کسانی را که از سلطنت او واهمه دارند خلع سلاح کند. او در این اندیشه

، د و ب ه ت ف ر گ ل ک ش آخرین ک ترکیه الگوی بق ط، جمهور رئیس عنوان به ابتدا تا بود

سلطنت را براندازد و آنگاه با آسودگی خنیاه لسلطنت، ب لکه حکومت کن د. ب ه یک باره

مستبدین شاپه رست بیش از میلیون « رضاخان جمهوریخواه ش. د شگفت تر آنکه

جمهوریخواه حقیقی سنگ جمهوریطلبی را به سینه م زیدند و علنی دیده مش بود از

سفارت انگلیس که هرچه هست امپراتوری است، تبلیغات جمهوری تراوش میکند و

از سفارت روس بلشویک که غیر از جمهوریت چیزی نیست هرچه شنیده می شود

برضد این جمهوریتاست و فاش به همه کس م گوی یند این مقدمه سلطنت استبدادی

احمدشاه و بلوای جمهوری

احمدشاه بیمناک از تحولاتی که در ایران در شرف تکوین بود، میتلبهگرا رضاخان

ارسال کرد و از او خواست توضیح دهد در تهران چه خبر است؟^۱ و از اخبار عجیب روزنامه‌ها یاروپا که از اوضاع ایران نقل می‌کنند استفسار کرده بود، و در نهایت از داد پاسخ رضاخان^۲ . کند آگاه قضایا از را وی فوراً خواست رضاخان « همان مطلب دیگر اینکه او خواست ژست قانون خواهی بگویی؛ پ رد س » . اس ت که احساس فرموا میدهد ب ا بودن والاحضرت ولایتعهد به نمایندگی از اعلیحضرت و التزامی که ایشان « : ادامه داد و آنگاه « . در عرض این گونه مطالب داشته اند، فدوی از کسب تکلیف معذور بوده ام

۱ . حیات یحیی، ج ۴، ص ۳۴۶

۲ . احمدشاه به رضاخان، ش ۱۱۴۰ ن، بایگانی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران .

وارد اصل ماجراش د:

موضوع این است: جراید و مجامع سیاسی مسافرت مکرر اعلیحضرت و سایر اعمال گذشته را مستمسک قرار داده و انتقاد میکنند. آنقدری را که قانون مطبوعات اجازه میدهد جلوگیری میشود لیکن اقدامات سخت و غیرقانونی با افتتاح مجلس دشوار است. نغمه جمهوریت ساعت به ساعت بسط پیدا میکند و اعلیحضرت که خوب به تاریخ نهضت و انقلاب ملل آشنا هستید، میدانید بدبختانه اینگونه قضایا وقتی در جامعه طلوع کرد خاموش کردن آن بایندازه مشکل است؛ چاره جز اقدامات عاقلانه ت سیاسی ر نظ ه با اینکه از نقطه مخصوصا ست، که موجب تسکین مردم باشد میسر نی خارجی که از سه دولت متناسب با این مذاکرات محاصره شدهای م: روس بلشویک، ترکیه جمهوری و انگلستان کارگر در اطراف این مملکت موجود شدهاند. در این

۱

صورت قضاوت وضعیات را به آسانی میتوانید بفهمائید.

احمدشاه این مجسمه جبن و ترس و یأس، در پاسخ ضمن اعلام وصول م تلگرا رضاخان توضیح داد از آنجائیکه مسئولیت کلیه امور دولت بر عهده اوست، شاه همیشه منتظر بوده تا شخص رضاخان جریان تحولات داخل کشور را به وی اطلاع دهد. شاه با بودن شخص شما در مقام «نوشت مسافرت هایش به دلیل معالجه بیماریشب وده، و ریاست وزراء ضرری متصور نیست، اکنون که معالجه قریب به اتمام است به زودی عدم مسئولیت» شاه غافل از همه جا بار دیگر از «تصمیم [گرفت] ه و حرکت خواهم کرد. یدانند ک ستهرد و، «م ن بر حسب قوانین اساسی که همیشه رعایت آن را وظیفه خود

نوشت انتقادات جراید با روح قانون اساسی مخالف است و او نباید دکاررهای اجرائی

دخالت کند. رضاخان این بار پاسخی بسیار مایوسکننده فرستاد، او نوشت:

تلگراف مبارک وقتی رسید که کار از نشریات جراید تجاوز کرده و میتینگهای

چندین هزار نفری در تمام ولایات داده میشود و تمام اصناف و طبقات در

تلگرافخانهها متحصن و متحدالکلمه از دولت و مجلس تغییر رژیم را تقاضا میکنند.

مجلس هم در مقابل این تقاضاهای عمومی تکانی خورده و از نقطه نظر حمایت

موکلین خودشان و کلا رنگ تازه نشان میدهند. تمام مجاهدت و کوشش چاکر برای

۱. رضاخان به احمدشاه، نیس، ش ۱۰۸۲-ن، بایگانی مؤسسه تاریخ معاصر ایران.

حفظ امنیت صرف میشود و یگانه توانائی فدوی شاید همین باشد. چیزی که خیلی

توجه چاکر را مشغول داشته احساسات خشنی است که نسبت به خانواده سلطنتی

ت و ده اس ش اطلی دامات احتی برای حمایت و حفاظت آنها اَق

عموما ابراز میشود .

۱

حفظ امنیت را تا آخرین نقطه در نظر گرفته و تعقیب میکند .

د ر این شرایط محمدحسن میرزا ولیعه ، د عد لالملک دادگ ر را احضار کرد و از او

چرا جر اید اینقدر ب یاعتدالی م ی کنند و به اعلیحضرت توهی م نینمایند ، شما و « پرسید

کنید؟ نمی جلو گیری ء الوزرا رئیس آقای « داد پاسخ الملک عدل » سُخصا اشرف حضرت

شاه پرست [اس] ت و از این مندرجات دلخوش نیستند، ولی چون قانون مشروطه، قلم

ول دیعهد در « ر آزاد کرده اس ، . ت.. از این مندرجان تمیتوانن د سخت جلو گیری کن.ن

چرا حضرت اشرف وقتی جر اید نسبت به ایشان « برابر این پاسخ اظهار نظر کرد که

توهین م یکنند ، آنها را توقیفینمای د و مدیران آنها را تنبیهیکنن د ولی در مورد

اعلیحضرت ب یقیدی م ینمایند ، اینها هیچ نیست مگر دستورات خود حضرت اشرف

است ک ه میخوانند به هر وسیله هست، مردم را نسبت به اعلیحضرت بدبین کند،

۲. « بعلاوه اعلیحضرت عنقریب مراجعت خواهند کرد

رضاخان و شرکاء بر موج تبلیغات سوار ب .و بدانیدد دانست تبلیغات هنر تزریق یک

عقیده در توده ه ان یست، بلکه بالعکس هنر گرفتن یک عقیده است از توده ه .ا. ۳ مردم

ایران هفده سالی بود که به شعارهای مشروطه دلخوش کرده . بودسنیاردی از رجال

هنوز به مشروطاهی که معلوم نبود چیست، عقیم‌نهد بودن د. بنابراین باید با تبلیغاتی

حساب شده این عقیده از آنها سلب می‌شود و به توده‌ها تلقین می‌گردید که گویا

مشروطه چیزی نیست جز بحران، آدم‌کشی، هرج و مرج، فقدان امنیت و کساد

اقتصادی و فقر و افلاس و بیچارگی این مضامین با شدت و حدت شایسته‌گفتار از

سوی قشری از روشنفکران جوان کشور تب‌لمی می‌یغشد. طنز تاریخ این است که اینان

منتشر می‌بودند، غرب کرده

عمدتاً تحصیلات بالاتر اینکه آنها توجه نداشتند اگر روزنامه

می‌کنند و به خود جرأت می‌دهند اظهار نظر نمایند، همه و همه رهاورد همان

۱. رضاخان به احمدشاه، ش ۱۰۸۱ ن، بایگانی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

۲. گزارش مفتش مخفی، مورخه ۲۹ دلو (بهمن) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ.

۳. Konrad Heiden: Der Fuhrer; Hitler's Rise to Power, (Boston: ۱۹۴۴), p.۱۳۹.

مشروطهای است که هنوز اجرائی نشده بود.

بازی غریب انگلیسیها در این میانه شنیدنی است. سدیپ تلماتهای بریتانی ادر ایران یا به دلی اختلافت داخلی خود و یا برای رد گم کردن هاف ائسیان ب هی سر و تبهه م میب افتند و ت حولت رب اژگونه به مقامات مافوق خود گزارش دمان ی د. آنها مدعی بودند در پشت بلوای جمهوری دستان روه اسدیده میشود که میخوانند رضاخان را رئیسجمهوری کنند و بعد از یکی دو دوره او را ب! را اندا وزرنیدن به دولت کارگری بریتانیا اعلام میداشت هدف شورویه چیزی نیست جز متزلزل کردن قدرت بریتانیا در هندوستان. ما میدانیم به اسناد رسمی بریتانیا نیکاه در اختیار همگان قرامریگیرد نباید اعتماد کرد. این را هم میدانی م که انگلیسیها همیشه اسناد خود را به انگلی و تنظهم و تدوین می کنند و در اختیار مخاطب قرامریدهند که خواننده بدون اینکه حتی خود آگاه باشد، ذهنیتی وارونهدر باره تحولات ایران به دست ما آورد. به راستی مگر نه این است که طبق اسناد انگلیس میرزا ابوالحسنخان ایلچی که موجب بگیری دای العممر کمپانی هند شرقی بود، مردی معرفی میشود مستقلاً، وطن دوست و ضدانگلیس؛ اما رجلی مثل میرزا ابوالقاسم قائم مقام فرا هکانسی شناخته میشود که محتاج آن

۲

است تا مگر کارمندی از سفارت بری تان هی او گوشه چشمی نشان دهدمگ؟ در طبق همی ن اسناد کتابهائی نوشته نشده است که طبق آنها گوئی امیر کبیر که صیت شهرتش در همان زمان کوتاه صدارتش شرق و غرب عالم را در نور دیده و وطن ادش وسشتهمیر ه عام و خاص بود و تنها کسی بود که به رغم، ت سنیهاسائیت روس و انگلی را س در شطرنج سیاست ایران مات کرد و به همین دلیل منفور آنان، م شرددی شناخته میشود

ک ه پشتگرم به حمايت بریتا نیا وده است؟ آیا غیر از این است که طبق اسناد بریتانیا حاجی میرزا آقاس یو میرزا آقاخان نور ر یجالی معرفی می‌شون دمیهن پرست و در نقطه مقابل مردانی مثل قائم مقام و امیر کبیر موجوداتی تلقیمیش ن ود قابل ترجم؟ بنابراین عجب مدار اگر همین اسناد رضا خراا نمردی معرفی نمایند که عزم جزم کرده

Lorraine to McDonald, Tehran, ۳۱ January ۱۹۲۴, FO. ۳۷۱/۱۰۱۴۴.۱

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

۲. ن ک: دو سال آخر، یادداشتهای روزانه سر جان کمبل نماینده انگلیس در دربار ایران، دو جلد، ترجمه دکتر

(ابراهیم تیموری، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۴

، ۱۶۵-۱۶۶، ۳. برای نمونه ن ک: عباس امان ت: قبله عالم، ترجمه حسن کامشاد، (تهران: کارنامه، ۱۳۸۳)، صص ۱۵۰

۱۷۲ و صفحاتی دیگر.

ص: ۳۳۸

بود تا به رغم بریتانیا استقلال سیاسی ایران زمین را پاس دارد و عوامل انرا گنگ لدریس ایران مقهور نماید. دنیز شگف تانگیز نیست که این دسته اسناد او را کسی معرفی کنند که ب ه واقع دست در دستان شوروان یداخته و قص د آن کرده است تا ایران را به بلشویکها نزدیک نماید و به این شکل عزم آهنین و استقلال رأی او را به خواننده القاء. آیا نمایند ب ه واقع اسناد انگلی سهمان گزارشهایی است که مقامات بریتانیا در آن زمان ارسال کرده بودن د و یا اینکه طبق ملاحظات سیاسی و بر اساس محاکفاظرهی شناخته شده انگلیسی، هنوز خیلی زود است تا اوریان حوادث به کنه موضوع پی برند و به دلیل صیانت از مناف ع بلندمدت بریتانی ابتر این است که اسرار همچنان در پرده ضخیم اطلاعات گمراهکننده محفوظ و حتی در زیر خروارها تبلیغات دروغین مدفون باقی بماند؟

در بلوای جمهور، ی مطبوعاتی که هرچه بودند به طور قطع و ینقمیستوان ایشان را ضدانگلیس ارزیابی کرد، دست به ترفندهایی خواندنی می زدند تا بلکه رضاخا نرا چهره ای ضداستعماری و البته ضدانگلیسی نشان دهند و از این راه ضمن اینکه برای او وجهه اک ی سب م یکنند، راه را برای عملیات آتی بگازدارند. در این بین روزنامه شفق سرخ پیشگام بو. د درست در روزهایی که رضاخا بان بحرانهای عدیداهی مواج ه بود که میتوانس ت ریشه او را برکن-دبه طوری ک ه در فصول آتی خواهیم دید- این روزنامه اخباری منتشر میکر د که گویا انگلی سدرصد است تا رضا خاران برافکن.دآیا ای ن تبلیغات برای آن نبود تا حقایق پشت پرده را مکتوم نگه دارند و اذهان را که با وجود حضور علمای تبعیدی بی ال نهرین در تهران قادر بودند جنبشی سازمان یافته علیه انگلیس به راه اندازند، منحرف نمایند؟ آیا هدف تبلیغات به ظاهر ضدانگلیسی امثال

علی دشتی آن نبود تا علمای تبعیدی را با خود همراه سازند و آنها را به نوعی وارد بازی جمهوری نمایند؟ ب ه طور نمونه ای نروزنامه به نقل از پیک رشت و آنها به نقل انگلیسیها سعی میکنند رضاخان، عامل بزرگ نهضت « از منابعی در باکو، خبر داد که بزرگ ملی ایران را از صحنه سیاست دور کنند، و پی در پی ها ن ی قعشمهال انگلیس ی علیه دولت « عشایر نیمه وحش » از دسیسه انگلیس در زمینه تحریک « . کشف م ی شود ی کنهضت ارتجاعی در میان قبایل « مرکزی مطالبی نوشته ش؛ داز نیت شکل دادن به صحبت شد که علیه دولت مرکزی فعالیت کردند و به ویژه از پولها و « نیمه وحشی اسلحه های یکه بین کردها و لرها پخ شمیگردید، خبر داده شد . نیز اطلاع داده م ی ش

رؤسای الوار برای مذاکره و قرارداد با انگلیسیها به بغداد فته ان در، در اهواز بین « که رؤسای بختیاری و مدیر کمپانی نفت جن وو بقونسول انگلی سمذاکراتی به عمل آمده عمال « وقتی فتنه جمهوریبه علمداری انگلی سبریا شد، باز هم شای م عیش د . « . است بین ملاکین و صاحمن بصبان ضدجمهوری تبلیغ میکنند د. دیگر اینکه « انگلیس ۱ . « . روحانیون با این عناصر رابطه پیدا کانردد هو با شدت برعلیه رضاخا نحمله م میکنند « در این هنگامه خبرچینان رضاخان گزارش میدادند که طرفداران قومالسلط نه اقدامات دولت را به ویژه در مورد ارزاق و فشاگر هدیر این موضوع به مردم وماردیش ود، برای برنامه های آتی خویش نافعمیدانند د و آنها از این اوض باهع نفع خویش استفاده خواهند کرد . د ر خبری دیگر یک خبرچین گزارش داد خالزا صدیها ز رضاخا نبه نوعی ب همحارم خود گفته است به این اندازه موافقت ما با دولت « دلخوری پیدا کرده است و ۲ . « . حاضره باعث خرابی ما خواهد شد

درباره انتخابات مجلس پنجم

بدون تردید مرحله مهم صعود رضاخان همن ص بریاس توزرائی والب یت هبل وای جمهوری، تقلبات گسترده در انتخابات مجلس پنجم ب؛ب هودطوری که ه وقتی به اصطلاح ای ن انتخابات انجام شد، معلوم گردید به جز تهران، د رسایر شهره افرادی روان همجل س

۳

شده اند که مورندظر وزارت جن گ و شخص رضاخان بوده اند . این انتخابات راه را برای ب هدست گرفتن سهل و آسان ریاست وزرائی توسط رضها مخا وانر کر . د ب هعبارتی وقتی قوه مقننه تحت سیره ط قزاقان در آمد، تسلط بر قوه مجریه خود بخود در ط الع آنها هویدا

شد. بحث انتخابات، درست از همان ایام بعد از استعفای مشیرا لادغاولزه گردی. ددر ای ن

انتخابات قزاقها آشکارا در تقلباتی مشارک تجستن دک هب همدس توررض ص وارخات ن

میگرفت. امرا یلشگر در اطراف و اکناف کشور شروع ب ه مداخله در صندوقهای رأی

کردن د. حتی از قبل معلوم بود چه کسانی به عنوان نماینده وارد مجلس خواهند ش. این د

۱. شفق سرخ، ش ۲۳۵، مورخه پنج شنبه اول خردادماه ۱۳۰۳ مطابق با شانزدهم شوال ۱۳۴۲، اخبار باکو.

۲. گزارش ۲۲ جدی (دی) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ.

۳. در مورد تقلبهای انتخاباتی مجلس پنجم بنگرید ب ه: انتخابات مجلس پنجم به روایت اسناد، ۲ج، (تهران: مرکز

). بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۴

ص: ۳۴۰

روند بعدها هم از سنن انتخاباتی حکومت رضاخان گردید .

تقلب در انتخابات از مجلس پنم جبه بعد رویه معمول کارگزاران رضاخا ش ن د. تا جائی که نمایندگان مجلس هفتم به بعد بدون استثنا ابتدا باید رضایت دربار پهلوی را جلب م یکردند؛ آ نگاه نام آنها در فهرست نمایندگان آن دوره گن جمانی یدشه د. همچنین از قبل معین بود فلان نماینده ز کادام حوزه انتخابیه باید برگزیده . شوفدهرست مزبور د را اختیار نظمی قرار دا دمه یشد و نظمی هم هزاران تعرفه انتخاباتی را خود تکمیل می کرد و به صندوقهای رأ م ی یانداخت . گاهی اهل محل به هیوچج ه نم یدانستند

۱

نماینده شان کیست. نمایندگانی هم که دارای استقلال رأی بودند ناچار استعفا دادن د. انتخابات مجلس پنجم به طور طبیعی باید در اوایل ۱۳۰۲ انجام میش د. در او اخر سال ۱۳۰۱ فرمانده ل شگر اصفهان در پاسخ نامه‌ای از رضاخان که توازن قوا در انتخابات آتی آن شه ر را جو یا شده ب ، و ن دوش ت که در این حوزه انتخابیه تعداد کاندیداها زیاد از طرف ملاها» : است و هر گروه و طباقیه برای خویش کسی را در نظر فتگه ران د حاجی میرزا علی ، شیخ مرتضی پسر حاجی آقجامال، حاجمیرزایحیی به دستاری دولتآبادی، سیدعبدالله مح، رحاجی آقا نو، از الله طرف فرقه دمکرات شیخ محمدحسین [قمشهای]، افتخارالسادات ب ؛ ازاری و غی ۲ راهع ت مادالتجار، امی ال نتجار، شیخا لاسلام جهاداک بر رئیس معارف، از طرف شاهزاده همعتمدالدوله رئیس پست، کی در صورتیکه انتخابات اردس تاضنمیمه ؛ «استوان کارگک ز ا ر سابق، حاجی محمدعل یخان نائین گردد، حاج م پیرزاحسینخان نائینی ممکن بود آرائی را به خود اختصاص دهد .

« صلاحیت نمایندگی » حاکم نظامی از بین اینها فقط افتخارالسادات را دارای

میدانست. ۳ رضاخان در تلگرمای جداگانه باز هم از حاکم نظامی اصفه انخواست نظر

۴

در « خوی ش را برای صلاحیت این افراد اعلام ن.ماید ر گزارشی محرمانه آمده است

اتحادیه تجار [اصفها] ن مذاکره بوده است که بعد از اینکه اعتمادا دالاترجدا رطهران

میشود چندین مرتبه برای ملاقات از حضرت اشرف وقت میخواهد و ایشان وقت به

۱. حیات یحیی، ج ۴، ص ۴۴۰

۲. یعنی بازاریها و دیگران .

۳. حاکم نظامی اصفهان به رضاخان، ۲۳ حوت (اسفند) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

۴. رضاخان به حاکم نظامی اصفهان، ۲۷ حوت (اسفند) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۳۴۱

باشید سوده آ خواهید دهند و نمی او

اخیرا برای اعتمادالتجار پیغام میکند که اگر م ی

ایشان پیغام این از بعد کنید، حرکت عتبات زیارت برای

۱ یعنی «. فوراً حرکت میکنند

رضاخان، اعتمادالتجار را تهدید کرد یا به عتبات رود یا به آسانی از رقابتهای انتخاباتی

کنارگیری کند و در غیر این صورت جان خود را از دست خواهد داد.

تقلب در انتخابات سنت پارلمانی رژیم رضاخاوند. کما اینکه بعدها هم امیر لشکر

شرق امان الله جهانبانی با همکاری امیر شوکالم تلک علی م حاکم قاندا در انتخابات

مجلس هفتم تا سه دوره بعد، سلمان اسفندرزیند مصباح الحسلط نه اسدی نایبالتولیه

آستان قدس رضوی را از صندوقهای رأی به عنوان نماینده سییسترون آو ر. ل دحن

مقرر است از « تلگرام در این زمینه به خودی خود روشن ب وود صراحت داشت که

سیستان سلما نخان پسر آقای اسدی انتخاب ش . و دلای م است در این موضوع اقدام و

۲۵ این فرایند از مجلس پنجم شروع شد و به جز حوزه « جدی ت نمائید که پیشرفت نمای

انتخابیه تهران که به واسطه رجلی مثل مدرن سمیتوانست مورد دستبرد واقع گردد، در

کلیه حوزههای دیگر کشور، تقلبات آشکار و نهانی به کارگردانی قزاقها صورت گرفت .

در زمان انتخابات مجلس پنجم رضاخان به والی فارس نامه نوشت و از او

خواست که کاندیداها را معرفی کند و مسلک و مرام آنها را توضیح دهد تا او دستور دهد

می کشید. او م یخواست ابتدا با خدعه و تقلب نمایندگان موردنظر خود را آورد مجلس نماید و آنگاه برنامه های خویش را عملی سازد. در این راستا امرای لشکر موظف بودند گزارشهایی از آرایش نیروهای سیاسی در نقاط مختلف کشور تهیه نمایند و آنها را به اطلاع سردار سپه برسانند. از مهر سال ۱۳۰۱ رضاخان به فرماندهان قشون خود دستور ت از طرف اهالی تلگرافهایی به جراید و مقالات ارسال « نظر به مقتضیات وق » می داد انتخاب آذربایجان مردم طرف از ، اند ده ش انتخاب که تبریز و کلای مئلا که نمایند ۴۱امز « و ابد از تعیین آنها اطلاع ند.» نشده ان دو مردم آنها را به رسمی ن تم یشناسند ۱. سواد مفتش دایره عملیات، بیتا، اسناد وزارت جنگ .

۱۱۴ع، بایگانی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران . -۳۲۲- ۲. جهانبانی به فرمانده پادگان قائنات، ش. ۷
۳. رضاخان به اکبر میرزا صارمالدوله والی فارس، اول جوزا (خرداد) ۱، ۳۰۲ بایگانی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران .

۴. رضاخان به فرمانده قشون آذربایجان، مورخه ۱۴ میزان (مهر) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

آن طرف اداره ارکان حرب قشون جنوب گزارش داد که اهالی شیراز بر دو دستهند که ه دمکراتهای شرقی که متمایل به انگلیسها «، ب ه دمکراتهای غربی و شرقی مشهورند این اشخاص را نامزد و کالت مجلس دنها منو د: سیدمحمدحسن دستغی ، ب «م ب یا شند یدمکراتهای «. نصرتا لدول فه یروز ، سیدیعقوب انوار، نصرالسلطنه و حاجی آقای شیراز این عده را برای مجلس کاندیدا نمودهان د: «غرب ی که ضدانگلیس محسوبم یشوند صدرالاسلام، ناظمالتولیه، ضیاءالادباو سردار فاخر حکمت.در این گزارش فرقه شرقی «مخالف قشون شکیلات ت با مطلقا «قشون با بالعکس غربی فرقه آنکه حال شده قلمداد موافقند . از بین غریبها صدرالاسلام، ضیاءالادباو ناظ مالتولیه لایقتر و طرف اعتماد خوانده شدند .

طبق همین سند اهالی سیاست در یزد عبارت بودند از تشکیل ی و ضدتشکیل ی. تشک لی یها حائری زاده و آقاسیدکاظم را کاندیدا کرده بودند که در مجلس چهارم هم نمایندگان یزد بودند ب، علاوه آقاشیخ هاد یو میرزاعباس صر.ا. ام فا ضدتشکیل ه ی ا فرخی یزدی و عدهای گمنام مثل نواب وکیل آ، قاسیدعبدالرسول، موسیزاده، اناریزاده و حاجی افتخاررا کاندیدا کرده بودن د. ارکان حرب قشون جنوب از بین اینان ار سیدکاظم و هادی شیخ ، سیدعبدالرسول «کاشان در

دانست . با اینکه هنوز «نسبتا اصل ح

باوز دند «: حوزه جلسات حزبی تشکیلنمیشد ، اما نامزدهای وکالت به این شرح

میرزا سیدحسی ن نماینده فعلی، «دسته ا یکه با قشون موافق و مساع مد یباشن د

جلیلا لملک و آقااحمد معروف به گنّب .دوحیدالملک شیبان ی، متینالسلطنه، حاجی آقا

علی فرزند میرزا شهابالدین، میرزا محمدحسین، سیدعبدالرحیم تمبرفروش،

حسام الاسلام و سیدمحمد مدی رجزو مخالفین قلمداد گردیدند که از سوی تجار کاندیدا

شده بودن د. در کنار اینها معینا لممالک رئیس مالیاتهای غیرمستقیم اصفها، ناز طرف

اهالی نطنز و جوشقان کاندیدا شده بود، در عین حال معظم مالسلطنه مفتش اداره تحدید

۱

تریاک هم مشغول اقداماتی برای کاندیداتوری از همان حوزه انتخابیه بود.

فرمانده تیپ ش مال له مگ زار ش داد که کمیت همونیهتها یرش نی ترال سلطانو

آخوندزاده را نامزد و کالت کرانده د و برای موفقیت آنها شروع به تبلیغات ندمهود .

ان طبق

۱. امیرلشگر جنوب به ارکان حرب کل قشون، مورخه ۲۶ حوت (اسفند) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۳۴۳

انتخاب هر دو بر علیه مناف [عقشون و رضاخان است] و لازم خواهد بود که « ای گزارش حسب الامر از انتخاب بنیرال سلطا نو » ۱ از ارکان حرب پاسخ داده شد. « جلوگیری شود

محمود آقا کمی سر » ۲ اندک ی بعد گزارش شد. « آخوندزاده جلوگیری فرمائید تا دستور برس د

عالی ه زمان انقلاب گیلاب نه طهرانمیا ی د برای اخذ امتیاز جریده ن و ر و طلیع ه ، ی و م ۲۷

ثور حرکت؛ این دستور از طرف رو [سسهات] و تمام مخارج ات را آنه م ایدهن د ، ای ن

داشت معروض راپر تا است، منافی گیلان امروزه حال با جرائد . « ته ش نو نامه این ذیل در ۳

۴ روز « ب هوزار تمعارف نوشته شود که از اعطای امتیاز فوق خودداری نمایی : شده است

دوم تیرماه هم تلگمرای از رئیس تیپ شمال به وزارت جانرس گال گردی . د در این تلگرام

شریفی نام میخواه د از مرکز امتی از طب عروزام هرس تاخی زرا صادر « ه مقید شده بو:د

نماید ، مستدعی است بوسائل مقتضیه از صدور امتیاز این روزنامه جلوگیری و بعدها ه م

امتیاز به هیچ روزنامه در گی ن لادنهند، چونکه کلی هجرائ د یک از ای هنج امتی از گرفت ه

۵ وزارت جن گضم ن . « می شود ، فقط به تحریک روسها و مقاصد آنان طبع خواه دش

مق ر ر « ارسال نامه ای محرمان ه به وزارت معارف در مورد امتیاز جراید گیلان، تقاض اک رد

نمایند خودداری یتا کل صفحات آن جراید هب امتیاز اعطای از فرمایند . « نمایندگانی بنا بر این ۶

که مورد نظر رضاخان نبودند، نه تنها نباید وارد مجلس پن مجیمشدند، بلکه حتی نباید

روزنامه‌های رای رسانیدن صدای خود به مردم میداشتن د.

ب این وصف در صفحات شمال تبلیغات به نفع محمد آخ ا وندا دمزهادهاش . تح اک م

نظامی انزل ی گزارشمیدا د آخوندزاده همراه با شومیاتسکویزیر مختار روس ی هدر ته ران

شروع به تشکیل اتحادیهائی نموده است از قبی ل « به انزل ی وارد شده و به محض ورود

غیره و بیکاران و نجاران و ان ساز حلبی و صیادان و بانان کرجی « . از ۲ عموم اه اتحادیه این

مقام این اتحادی هه ام راننامه « حمایت کنسولگری شوروی در انزل ب پرخوردارن دو

طب ق اظهارات آخوندزاد هاین اتحادیه ها « . سوسیالیست می باشد

ایک اتحادیه مرکزی هم در

۱. رئیس تیپ شمال به ریاست ارکان حرب کل قشون، ۲۶ حمل (فروردین) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ .

۲. رئیس ارکان حرب کل قشون به رئیس تیپ شمال، ۲۸ حمل (فروردین) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ .

۳. تیپ شمال به وزارت جنگ، ۲۹ ثور (اردیبهشت) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ .

۴. همان .

۵. احمد آیرم به کفیل ارکان حرب کل قشون، ۲ برج سرطان (تیر) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ .

۶. وزارت جنگ به وزارت معارف، مورخه ۵ سرطان (تیر) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۳۴۴

با آنها و دهد تشکیل نئی ها اتحادیه هم انزلی در است بوده مأمور ظاهر او . داشتند تهران
مای طنبدق گزارش « . د رموقع لزوم حفظ حقوق اقتصادی خود را بن » مرکز مرتبط نماید تا
و در ی گ می قرار گروه این اختیار در الی م کمکهای مستقیما شوروی از ، انزلی نظامی حاکم
نتیجه گرفته شد پ ساینه ا . « ای ن عمل به توسط آخوندزا بدعه طور مخفیانه اج مرای شود »
گرچه « حاک م نظامی گزارش داد « وکی ل شدن محمد آخوندزاه. د » همه مقدماتی است برای
از جلسات آنها جلوگیری شده است ولی بدیهی است این قبیل تشکیلات اتحادی ه دره

۱

آینده نتیجه خوبی نخواهد داشت و ریاس تمحت ر متی پیش مالنی ذهن و ز از اس ترآباد
تشریف نیورد هاند که تکلیف قطعی معین نمایند، خاتمتا به عرض میرساند که کلیه این

اقدامات از طرف شخص آخوندزا مدهی شود ولی به طور مخفی خود قونسول روسیه و
ارک مباح ط م راوام ر منتظ و رض ع راپورتا . نمایند می غیره و پولی کمک هم آن اجزای
۱ پیش از این حاکم نظامی انزلی خطاب به رئیس تیپ مستقل شمالن و ش ت هیود « . میب اشد

۲

اتحادی ه کارگران انزل ، ی صیادان ، کرجی بانان، حلبیساژان ، حملان اجازهمیخواهن د یوم «
اما آیر م « س هشنبه اول ماه مه را جشن بگیرند، منتظر اوامر مبارک و دستور م ی بفاوشرد. ی
د ۳ه این موضوعات همه ب ه « ب اکمال تعجب از مفاد تلگراف اجازه انمدا. ا » پاس خ گفته بود
انتخابات مربوط میش د.

د رارتباط با مسئله انتخابات همچنین نوشته شد اطمینانی به رئیس تلگرافخانه رشت

نیست ، اما اکنون او را به کفالت حکومت تعیین ان کرد دهکه وی هم ب ه نوبه خود شیخ
ر ا به ریاست بلدیہ تعیین کرده اس . ه تشدا ر داده شد ب ه « لیدر کمونیست » محمدحسن
زودی انتخابات شروع میشود و همزمان روسها هم مشغول پراکنده کردن جزواتی
م ب یاشند تا مردم را تشویق به رأی دادن به کاندیداهائی نمایند که مورد نظر آنهاست .
آیرم نوشت ت که اگر این وضع ادامه یابد، این گروه اکثریت رأیها را به خود اختصاص
خواهند داد . راه حل این بود که رئیس سابق تلگرافخانه رراش از تکفالت حکومت
بردارند و شخص دیگری را از مرکز به جای او تعیین . ۴ نیز کننمد یگفتند رئیس

۱ . حاکم نظامی انزلی به ارکان حرب لشگر مرکز، مورخه اول جوزا (خرداد) ۱۳۰۲ ، اسناد حکومت گیلان و طوال ش .
۲ . اصل ل: گرجی ماهیان .

۳ . رئیس تیپ مستقل شمال به رئیس ارکان حرب کل قشون، ۱۲ برج ثور (اردیبهشت) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

۴ . رئیس تیپ مستقل شمال به ارکان حرب کل قشون، ۲۸ حمل (فروردین) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

خود را از پس پرده اختفا خارج و قویا مشغول آنتریکات و « تلگرافخانه رشت هم

ت. پیشنهاد گردید این شخص را عزل نمایند و به جای او « پارتی بازی جهت روسها

ی است به جای رئیس کنونی « شخص امین و بدخلق » رئی س تلگرافخانه استرآباد را که

اری ز . نمایند تعیین تلگرافخانه « جلب خود طرف به توانند نمی را مشارالیه روسها قطعاً

بنابراین مصلحت اقتضاء میکند تا او به دلیل قعیموت گیلا نه ریاس ت ،» کنند

۱

چون « تلگرافخانه مرکزی رشت معین ش . ود البته مدت‌ها پیش از این رضاخ ناونشته بود

۲ ، اما معلوم نیست « حکومت گیلا ن هم عنصر انقلابی است به زودی عوض خواهد شد

چرا این موضوع اینهمها دامه پیدا کرده بود .

در نامه ای دیگر ر وضعیتگیلان بحرانی توصیف شده اس . تدر این نامه آمده است

با کفیل حکومت رش تکه آشکارا بر له کمونیزمی است و حتی در مجمع انتخابیه م ه «

د توضی ح داده شد کهروسها « اقتدارات خود را اعمالنماید چگونه باید رفتار ش . و

پس اوضاع .» اگر وکلای ملیون منتخب نشوند روابط ما قطع خواهد شد « اظ هار داشتهاند

د ر حالت عادی قرار ندا؛ر دلایم است حاکمی بیطرف به ر شاعتزام گردد و ضرورت

۳

فوقال عاده این مهم به مسئولین بالاتر یادآوری .شود ر حاشیه این نامه نوشته شده

همچن ی ن اطلاع داده شد زمانکیه اتحادیه کارگران « . توسط رمز قشونی توبیخ شود «

از طرف حکومت نظام اینزلی آنها « ، انزلی برای امر انتخابات مشغول تباندظلم بوده اند

۴ .» را متفرق و صاحب خانه و رئیس اتحادیه را تبعید نموده اند

و اما وضع انتخابات فارس به حدی مغشوش بود که مستال و فممیال کر ئیسالوزرای

ن در این انتخابات شوند. ۵با اینکه « مداخلات غیرمشروع متنفدی » وقت خواست مانع از

انتخابات فارس خاتمه یافته بود، لیکن رضاخ ادنستور داد به جای سیدابراهیم یاء ض

قشائی و ضیاءالادبا، حاجی آقا شیرازی و حاج سیدمحمد سلطانی مشهور به

۱. رئیس تیپ مستقل شمال به ارکان حرب کل قشون، اول ثور (اردیبهشت) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ .

۲. رضاخان به رئیس تیپ شمال، ۱۵ حمل (فروردین) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ .

۳. رئیس تیپ مستقل شمال به رئیس ارکان حرب کل قشون، ۶ برج جوزا(خرداد) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ.

۴. رئیس ارکان حرب کل قشون به یاور احمدخان آجودان تیپ شمال، ۱۲ برج جوزا (خرداد) ۱۳۰۲، اسناد

وزارت جنگ .

۵. مستوفی به صارمالدوله والی فارس، ۳ جوزا (خرداد) ۱۳۰۲، ش. ۱۰۳۵۲۴-ق، بایگانی مؤسسه مطالعات تاریخ

معاصر ایران .

ص: ۳۴۶

ر اداکبر میرزا « والا خات مه خوش ندا. » ، سلطانالعلما رئیس معارف انتخاب شوند
صارما لدوله حاکم وقت شیراز پاسخ داد انتخابات خاتمه یافته و حتی چرنودزی دیگر

۲

قرائت آراء خاتمه مییابد ، بنابراین هیچگونه اقدامی امکان پذیر نی س.تبا این حال
رضاخان از فرستادن تلگرام خودداری نکرد. او دستور داد جلو انتخاب نوبخت از حوزه
انتخابیه بوشهر گرفته شود. رضاخان همچنی ن دستور داد سردار فاخر حکمت که جز و
۳. « از جهرم بفرمائید [انتخاب] بشود » ، کاندیداهای شهر شیراز بود

در شمال غرب کشور هم وضع به همین قرار بود، دستور به این شرح بود:
نظر به اینکه انتخابات آتیه باید موافق صلاح و خیر مملکت انجام گرفته و از
دسایس و نظریات خصوص یم تنفرین ۴ منزه و مبرا باشد کسانیکه در این دوره به
نمایندگی ملت و کرس ن یشینی مجلس منتخب میش ن ود باید به استقلال و عظمت
وطن مقدس علاقمند بوده [!] و از و کالت جز خدمتگذاری [خدمتگزاری] و خیر
خواهی ملت و مملکت قصد قصه دیگری نداشته باشد. بدیهی است این قبیل
اشخاص بالطبع [!] طرفدار و حامی قشون که حافظ...استقلال [!] و تمامیت مملکت
رد دهم در حوزه مأموریت خود مراتب فوق را اُست خواهند بود، لهذا

اکیدا امر می

نظر گرفته و کمال مراقبت و مواظبترا در خصوص انتخابات محل بعمل آورید

۵

که مراتب فوق

کاملاً رعایت شود.

اندک ی بعد طهماسب، ی فرمانده لشکر شمال غرب ب، خشنامه ا ی خطاب به همان مربوطه مقام توسط شخصاً سابق نامه مثل هم نامه این داد دستور و کرد صادر فرمانده

طهماسبی فرمان این طبق. شود رمز کشف «امر» سابق نامه مدلول بود داده

کاملاً مخفی

و بماند « باید نیز آن اجرای برای و نکند حاصل اطلاع خودتان از غیر

ابدا دیگری

لازم « گگی ۶ررد رضمن دستور داده شد». مراقبت تام نمائید که با نهایت استادی انجام

است اسامی اشخاصی که در حوزه مسئولیت شما برای نمایندگی مجلس نامزد گردیده

۱. رضاخان به صارم الدوله، سوم سرطان (تیر) ۱۳۰۲، ش. ۱۰۳۵۳۲ - ق، بایگانی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

۲. صارم الدوله به رضاخان، همان.

۳. رضاخان به صارم الدوله، بیتا، ش. ۱۰۳۵۱۶ - ق، همان.

۴. کذ ا: متنفذین.

۵. عبدالله طهماسبی به فرمانده قوای مرند، سوم برج حوت (اسفند) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ.

۶. طهماسبی به فرمانده قوای مرند، ششم برج حوت (اسفند) ۱۳۰۱، اسناد وزارت جنگ.

ص: ۳۴۷

۱ و دوماً رومی و یا احتمال

۲. «انتخاب شوند سریعاً راپورت دهید

مجلس، رضاخان و بلوای جمهوری

روز بیست و دوم بهمن ۱۳۰۲ مجل سپ نج مگک شای شیاف . مجتلسی که اغل ب نمایندگان آن با زور سرنیزه قزاقان راهی بهار سشتادنه بودند و مأموریت داشتند رضاخان را به تخت سلطنت برکشند . محمدحسن میرزا ولیعهد نطق افتتاحیه را ایراد کرد . ریاست مجلس به مؤتمال نملک رسی د . سیدمحمد تدین و مرتضی قلیخ انبی اتهم به عنوان نواب رئیس برگزیده شدن . دتدی ن و بیا تحامیان شناخت ه ش د هر ض ابخواندند . ت دی ن رئیس فراکسیون تجدد بود که نزدیک به چهل نماینده را دربر گرفت . سوسیالیسته اهم دوازده سیزده نماینده داشت ن . داینان مدافع پر حرارت جمهوری بودند . ده تا پانزده تن دیگر هم بودند که م ت یوانستند توسط رضاخان جذب گردن . د لیکن ده تا دوازده نماینده به کل ی ران ته دگان ن نمای عمداً که اینان . نداشتند ای میانه رضاخان شخص و جمهوری اندیشه با بودند بین مردم محبوبیتی داشتند و ری است آنها هم با شهید سیدحسن مدرس بود . ترکیب نمایندگان مجلس پنجم آشکارا به نفع رضاخواند: ن عده ای ر امنفردین تشکی ل میدادند که تعدادی از مشاهیر دوره مشروطیت در بین آنان دیده م یشدن د . گروه دوم را هیأت علمیه تشکیل میداد به رهبری سیدحسن م ، درگرسوه سوم سوسیالیسته بودند و گروه چهارم کسانی که اطراف سیدمحمد تدیونند و حزب

بین دارودسته‌سلیمان میرزاد ر حزب سوسیالیست با گروه تجدد ائتلاف نمودن . د گروه
تجدد چهل کرسی و حزب سوسیالیستیان تزدده کرسی در مجلس پنجم داشت. با ای ن

ائتلاف اکثریت قاطع از آن طرفداران رضاخان شد .

ای ن هنگام درست مصادف بود با زمزمه‌های ضرورت جمهوری شدن حکومت در
ایران . مقالات عدیده در فواید جمهوری چاپ ش . د از هر سوی روزنامه‌گهاران مدافع

۱ . یعنی بار دیگر .

۲ . طهماسبی به فرمانده قوای مرنده، هجدهم برج حوت (اسفند) ۱۳۰۱ ، اسناد وزارت جنگ .

۳ . حیات یحیی، جلد ۴، ص ۳۱۲

۲۷-۴ . تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، جلد دوم، صص ۲۸

ص: ۳۴۸

رضاخان او را پطربکی رو بیسمار کو میج یايران معرف یم یکردن د. اینان همه کسانی بودند که در اروپا تحصیل کرده و میخواستند الگوهای رایج فکر یدر غرب را در ایران آنهم به دست رضاخ اعنملی سازن . د یک ی از این افراد حسین کاظاد مه ایرانش هر بود که در مقالهای در نشریه اش نوشت:

امروز اغلب ممالک اروپا و حتی روسیه بزرگ نیز جمهوری شده است. در این هیچ شک نیست که جمهوریت آخرین و بهترین شکل تکامل کردهی انواع حکومتهاست که تا امروز در روی زمین تشکیل شده است. ما نیز از ته دل این جمهوریت را سلام خواهیم کرد و ملت ایران را بدین نعمت بزرگ تبریک خواهیم گفت. ولی نه از این راه که اعلام جمهوریت را به تنهایی مایه نجات و سعادت میدانیم بلکه از این رو که این جمهوریت مقدمهای خواهد بود برای اصلاحات اساسی . وسیلهای خواهد بود برای تهیه یک انقلاب حقیقی اجتماعی...دستگاه سلطنت و حوزه روحانیت ایران و به عبارت دیگر دربار شاه و درگاه شیخ ما، یگانه مسبب خرابی ایران و زبونی و گرسنگی ایرانی گردیده است و تا این دو

۱

مرکز اصلاح نشود از اعلان جمهوریت نیز، امید نجات نمیتوان داشت.

در آن زمان کسانی که از افق آینده اطلاعی در خور داشته باشند کم . بوسدن دادی کسانی م ثل مدرس و خالصیزاده و لنکرانی هم گوش شنوائنمی بیافت. درست ی ک به ج ز « روز بعد از افتتاح مجلس خالصزادی هدر مسجد سلطان بیه منبر رفت و گفت او ادامه داد: « . عده معدودی از و کلاس ایرین تمام اشخاص سوء سابقهدار میباشند

وقتی مسیو هائیم ۲ را که جاسوس رسمی انگلیسها بوده و سوابق ننگین او در سفارت و وزارت خارجه و غیره روی هم متراکم است... و بعلاوه علماء یهود او را تکفیر و رد کرده اند، وکیل شود؛ از این وکلا چه انتظاری باید داشت؟ این شخص بیسرف ت ی رن مردم است در حالیکه یک کرسی بهارستان را اشغال مینماید. ای مردم! وکیلی که به صد دینار رأی بخرد آیا رأی خود را به هزار تومان نخواهد فروخت؟ وکلاء حاضر به جز عده معدودی تمام خائن ... اجنبی پرست هستند که به وسیله خریداری رأی وکیل شده اند. والله با آن همه فشار انگلیسیها در

۲۵۷-۱. حسین کاظمزاده ایرانشه ر: جمهوریت و انقلاب، در ایرانشهر، بهمن ۱۳۰۲، صص ۵۸

۲. منظور سلیمان حیم است .

ص: ۳۴۹

بینالنهری نت وانستند یک نفر وکیل تحمیل نمایند که اینقدر بدسابقه باش د.

اما خالصی زاد ها گاهی نداشت که این مجلس زیر نظارت مستقیم شخص رضاخان

تشکیل شده است: بنابراین برخلاف تصور او در صورت خرابکاری مجلس، نمی شد

فقط امیدواری ما امروز به شخص «امیدی به رضاخان بست. خالصی زاده می گفت

داشت بایست نمی داشتی چشم و کلا این زال است و بس، واسپه سردار. «اینکه دیگر ۲

این خطابه نشانمیداد خالصی زادها ز آرایش نیروهای سیاسی درون مجلس به خوبی

نامبرده، ایشان از یهود علمای عنوان تحت که کسانی نبود مطلع او ظاهراً نیست، آگاه

انجمن صهیونیستهای ایران هستند که علیه حثیمبارزه میکنند، زیرا او یهودیت را یک

مذهب میدانست نه یک مرام و مسلک سیاسی آنگونه که صهیونیستها تبلیغ میکردند.

به کارگردانی قشون و ضائی از

ام ابرخلاف او مدرس میدانست انتخابات در ف

تقل ب صورت گرفته است. بنابراین در اواخر بهم م ناه تلاش کرد اعتبارنامه نمایندگان

جدی د تصویب نشو. د از آن سوی مدراس استدلال کرد مردم به نمایندگان منتخب خود

رأی نداده اند تا مجل سجمهوری اعلام کند؛ه واقع نمایندگان به صیانت از قانون

اساسی فعلی سوگند یاد کرده اند. هشتم اسفندماه بود که مفتش مخفی گزارش داد:

از قرار اظهار شخص موثقی مدرس و چند نفر از وکلاء دیگر تصمیم قطعی

گرفته اند که ه با اعتبارنامه هفده نفر از وکلا اعم از موافقین یا مخالفین حضرت

اشرف باشند جدا مخالفت نموده و رد نمایند. در صدد هستم که اسامی آنها را به

۳

طور تحقیق معلوم نموده که این هفده نفر کیها هستند به عرض برسان م.

علما جلسات سیار دارند که «روز» طب ق گزارش مأموران مخفی رضاخ، ا ندر عین حال

قبل جلسه آنها در منزل دسی علی شوشتری بود. شرحی راجع ب ه وک ءلامجل سصحت

نموده ان د ک هبعضی آنها لامذهب هست. ن م دنجمله شیخعلی دشت یکه به طور اجب ا ر از س او ه

انتخاب شده است و برضد قرآن چیزی نوشته است. حاجی امام جمعه خوئی اظه ار ک رده

۴. «است باید قضایا را به علماء قم قیمین قم اطلاع داده که جدا جلو گیری شود

لیله ۲۳ دلو (بهمن) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ . «تیجه اجتماع مسجد سلطانی» ۱. گزارش مفتش مخفی از ن

۲. همان .

۳. گزارش مفتش مخفی، ۸ برج حوت (اسفند) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ .

۴. گزارش مفتش مخفی، ۱۲ برج حوت (اسفند) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۳۵۰

چرا مدرس میخواست اعتبارنامه های برخی نمایندگان رد شود و حتی خمویس ت پارلمان را از اکثریت بیندازد؟ چون میدان یست این مجلس مخیواهد رضاخان را ب ه عنوان رئیس جمهوری کشور برک ش. دا ز آن سوی تدین نایب رئیس مجلس هم که از انگیزه های مدرس آگاهی داشت، میخواست با یک قیام و قعود کار را فیصله دهد و رضاخان را رئیس جمهوری ک. نامدا مدرس که از تدی بنه مراتب زیرت ک و سیاستمدارت ر بود، گفت برای حل مسئله سه راه وجود د: انرد خست انحلال مجلس و برگزاری انتخاباتی دیگر با این اختیار که احم دراش اهز سلطنت عزل ک. نددوم مجلس پنجم احمدشاه را عزل کند و یک فرد دیگر از خاندان قاجار را ب ه شاهی انتخاب نماید و رضاخان هم نای ال بسطنه او باش. دسومین راه ح ل اقدام به همرسهی برای تصمیمگیری است درباره نهاد سلطنت .

رضاخان از این اوضاع به نفع خود هرهب م بیرد. او تا اوایل ماه اسفند آن سال از حضور علنی در مباحث جمهوری غایب ب و. در رضاخان و البته دههتایپ شت پرداهی که هدایتش م یکردند، میخواستند اینگونه وانمود سازند که گویا اندیشه جمهوری از میان خود مردم برخاسته است و او هم فقط نظ بره مردم احترام مینهد . روز سوم اسفند سال ۱۳۰۲ رضاخان با عدهای از نمایندگان منتخب مجلس پنجم ملاقات . ک ا رو دبرنامه های خود را امشتم ل بر اعطای امتیاز نفت به شرکت سین، کللای رحه خدمت نظام وظیفه اجباری ، لغو القاب و عناوی ناشرافی، انتخاب نام خانوادگی توسط همه ایرانیان، بستن مالیات بر قند و چای برای هزینه راه آهن سراسری و تغییر قانون اس باسراییی لغو سلطنت و استقرار جمهوری به جای ، آعنوان کرد و عجب نیست که از شرکت نفت

انگلیس و ایرا نکوچکترین سخنی نگف . تاندکی بعد رضاخا نمجلس را تحت فشار
به واسطه تنفر عامه از این « گذاشت تا جمهوری اعلان کند، لیکن نمایندگان مجلس هم
و هم به این ملاحظه که اگر به فسخ مشروطه رأی دهند، به واقع « جمهوری ب یاساس
خود را از نمایندگ م یعزول کرده اند، ب ه رأی رضاخا نتسلیم نم یشدند . ب ه هر حال آنان
ب ا همین قانون مشروطه نماینده شده بودند، پس حاضر نشدند حداقل علیه خود رأی
دهند. رضاخان مایل بود بحث تغییر موادی از قانون اساسی را پیش از فرارسیدن ال س
۱. Military Attache to Foreign Office, March ۶/۱۹۲۴, FO. ۴۱۶/۷۴.

نوب ه انجام رسان . د او تصورمیکرد به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری سلام عید را برگزار خواهد کرد و همین موضوع باعث رسمیت یافتن جمهوری ادعائی او میشو د.

رضاخان ابزار زور را برای تلقین این باور به کار گرفت که گویا در دوره کوت مدت اه ریاست وزرائی و به طور خاص در دوره وزارت جنگ او، ثبات و امنیت و رفاه به کشور بازگشته است. بنابراین میخواست به مردم القاء کند که اگر بیشتر به او می دان داده ش ود ، کاری خواهد کرد کارستان و ایران را همه گلستان خواهد ن.مکوادر گردانا ن اصل یماجرا شروع کردند به تشکیل کمیتههای جمهوریخواهی . اینان با پول دولت و حمایت قزاقان مقالات آتشین علیه احمدش امهی نوشتند که در اروپامانده و تایمز از سر شیطنت عکسی از او با لباس اروپائی و در میان جمعی از زنان فرنگی منتشر کرده بود . شای داحمدش اهاز یکی از خیابانهای پاریس عبور کرده بود و عکاسی زیرک این بی اعشثانه ا به تاج و تخت را سوژه ای نموده بود برای هیاه. واما ماجرا هرچه بود این عکس بهانهها را جدیتر و عزمها را جزمتر ساخت . اتحاد او باش و نخبگان طرفدار رضاخان منج رب هارس السیل تلگرافهای فراوان از اکناف کشور به تهران گردید که هم هعلی هاحمدش بود . بازاا هرها تعطیل شد و تمجیدها از رضاخانین نخستین کاندیدای رئیسجمه ور یای را نش دت یافت . از موند او ی، کاردار سفارت بریتانیا ک هدر غیابلورین کارهای سفارتخانه را انجام می داد، به م د کونالد گزارش داد در پشت این تحرکات دست رضادی خاند همیشود و

نام ه؟ ت س ی چ ی ر و ه م ج لاً د اص ر کن سی فک ک ر در اوج خود بود، بدون اینکه کمت

سوء تفاهمات دوره مشروطه این بار در شکلی دیگر با عنوا نحمای تاز جمهوری با

شدت و حدت در جریان ب. ودا ز شعرای این زمان میرزاده عشق قدیر زمره کسانی بود که ه

مثل بهار از ماهیت جمهوری اجباری رضاخانی آگه ایداش . عشق یمتعج ب و د از

اینکه ه چگونه به یک بهار گوسفندچ را انهای سقر جمهوری طلب شدند؟ عشق ی این س ثوال

راپیش کشید که آیا کسانی که مدعی حمایت از جمهوری هستند ، م دانند جمیه وری

چیست؟ جمهوری خوردنی است یا پوشیدنی، پختنی است یا دروکردنی، نام جانور است

.Ovey to McDonald, Tehran, ۱ April ۱۹۲۴, FO. ۳۷۱/۱۰۱۴۵.۱

پس نوشت به، «این طفل یک شبه ره صد ساله می‌رود» ی ا گیاه؟ عشقی اشاره کرد که
ر، در عرض سه م ا هس اخت ه «س یسال مقدمه لازم دا» همین دلیل است که جمهوری که
تمام اهالی شهرها یب زر گای را نمانن دده م ، اشلا فارود، «میشود . اوبه طعن نوش : ت
«!! قصر [شیرین]، قروه خمین و سقز

، ، با اطلاعات عمی قج د اطرف دا رجمه ور یش دند

«ب هتقاضای عم و مگوس پندنچها را» عشقی به درستی نوشت چنین جمهوری روستائی که
رفعش تقی باز هم به درستی از «. ب ایک های و هوی از میان خواهد» ، ایجا د شده است
همان همسایه ای ک هسالاخی الخورد نای را ن را» یاد کرد که بهدست «جمهوری قلاب ی»
علم شده است . عشقی نوشت در کشوری که پستش با الاغ اداره می و ده، ه زاران، «کرده
ش

گونه اصلاحات مادی و معنوی لازم ا . س د ت راثر این اصلاحات باید وضعیت به گون اه ی
مثل حالا مضحک و مسخآرمهی ز به نظر ر ، «تحول پیدا کند که اگر نام جمهوری برده شد
ع شق یمق الات «. اول کله مردم را عوض کنید بعد کلاه آنها را» خلاص ه اینکه «. نیاید
دیگری هم نوشت که در آنها علت مخالفت خود را با جنبشج هوریمعلنی کر .در

غاو هدف اصلی مدعیان جمهوری را «جمه ور یناب ال» یک ی از این مقالات با عن وان
استقرار دیکتاتوری رضاخان عنوان نمود و مخالفت خوی را ش با این جمه ور یب هواق ع
مخالف ت با دیکتاتوری اعلام ک . رادو نوشت در کشوری که مردمشهنوز معنی ق انون و
مشروط ه را هم نفهمیدهانند، و بیسوادی و سیطره جهل و خرافات در آن مسلط اس ت ،به

هر چیزی احتیاج هست الا جمهوری.

بالاخره هم عشق ت یاوان سختی در قبال مخالفت‌هایش با رضاخان داد. چنانکه هخواهی م

دید او در روز دوازدهم تیرم

اه سال ۱۳۰۳ بهدست عوام

ل رضاخان مقابل خانه

مسکونیش به قتل رسید .

اما عارف قزوینی که در کارنامه خود مخالفت علیه قرارداد ۱۹۱۹ را هم داشت، ۴ این

۱. روستائی از توابع شاهرود .

۲. روزنامه سیاست، سال سوم، شماره ۲۵، مورخه ۳۰ رمضان ۱۳۴۲ قمری و همان، ش ۷، مورخه ۷ شوال ۱۳۴۲

« . جمهوری قلابی » ، قمری

۱۴۶-۳ . کلیات میرزاده عشقی، به کوشش علیاکبر مشیر سلیمی، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷)، صص ۱۴۹

تر باقروف در تهران چنین خوان د: . ۴. عارف از جمله در مورد قرارداد ۱۹۱۹ در تابستان سال ۱۲۹۸ در ت

آن کسی را که در این ملک سلیمان کردیم

ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است

نیز در موقعی دیگر در همان ایام چنین سرود :

ص: ۳۵۳

بار در گراند هت لساز میزد و آواز میخواند و در هر کدام از تصانیفش شرحی از

۱

جمهوری بر زبان میآورد. سرود جمهوری او همه مدح رضاخسارندار سپه بود که هیچ فهمی از نظام جمهوری و الزامات آن نداشت. عارف غزلهای متعددی در دستگاههای ماهور و بیات تر د کر مدح جمهوری و رضاخاسنرو د. نخستین غزل در دستگاه ماهور اجرا شد، جمعیتی انبوه برای شنیدن ساز و آواز عارف در تهران گرد آمده بودند، در این وضعیت او از جمله چنین خواند:

همیشه مالک این ملک، ملت است که داد

سند به دست فری دون، قباله به دست قباد

مگوی کشور جم، جم چه کاره بود، چه کرد؟

مگوی ملک کیان، کی گرفت، کی به کی داد؟

به زور بازوی جمهور بود کز ضحاک

گگ رفت داد دل خل ق، ک او ح داد

شکسته بود، گر امروز بود از صد جای

چو بیستون، سر خس روز تیشه فره اد

کنون که میرسد از دور رایت جمهور

به زیر سایه آن زندگ ی مبارک ب اد

پس از مصیبت قاجار، عید جمهوری

یقین بدان ب ود امروز بهترین اعی اد

تو نیز فاتحه سلطنت بخوان عارف
به انگلیس که تلیس اوست برتر از ابلیس
فروخت خاک وطن را وزیر اعظم ایران
نشسته میبودای کاش مادرت به عزایت
که از وجود تو ملت گرفت ماتم ایران
شده ست کشور ساسان دچار ننگ و حقارت
زبون و خوار و سرافکنده گشت پرچم ایران
امیدوار نشستم کنون و چشم به راهم
که کی خورد به دهان تو، مشت محکم ایران؟

،(دیوان عارف قزوینی، به کوشش محمدعلی سپانلو و مهدی اخوت، (تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۸۱

. صص ۱۲۰ و ۱۲۱

۱. حیات یحیی، ج ۴، ص ۳۵۱

ص: ۳۵۴

خدایش با همه بدفطرتی بیامرزاد

خراب کشور ما را هر آن که باعث شد

کزین س پس ش و د آب دا، خ انهای آبا د!

به دست جمهور، هر کس رئیس جمهور است

همیشه باد در انتظار راد م ردان، راد ۱

شبهای ۲۳ و ۲۴ اسفندماه سال ۱۳۰۲ عارف کنسرتی باشکوه هم در سالن گهرتان لد

اجرا کرد. در این برنامه هم او آوازی در دستگاه بیات ترک اجرا نمود:

مژده ده، مژده جمهوری ما تا همه جای

هاتف غیب به تأیید خدا خواهد برد

سرب ازار جنو، ن عشق شه ایران را

در اروپا چه خوش انگشت نما خواهد برد

.....

تاج کیخسرو و تخت جم اگر آب روئی

داشت، آن آبرو این شاه گدا خواهد برد

باد سردار سپه زن ده در ای ران عارف

کشور رو به فنا را به بقا خواهد برد ۲

و باز هم شب ۲۳ اسفند سال ۱۳۰۲ عارف در تالار گراندتهت تلهران تصنیفی اجرا

کرد با عنوان مارش جمهوری، در این تصنیف عارف خواند:

نیست دوران قجر باد / این شجر بیبار و بر باد / تا قیامت داد گر باد

بازوی پرزور جمهور

کار ایران روبره باد / نام شاهی روسیه باد / زنده سردار سپه باد

با غریو کوس و شیپور

توده ملت نمیراد / دامن غلفت نگیرا / د تا ابد شد، تا ابد شد مقهور ملت

از سلطنت و شاه و شاهنشاه وز امپراتور ۳

۱. دیوان عارف قزوینی، ص ص ۰

۲-۲۰۰. همان، صص ۲۰۱

۳. همان، ص ۳۶۷

ص: ۳۵۵

ایرج اسکندری که فضای آن زمان را به چشم دیده بود، بعدها در خاطرات خویش توضیح داد ترانه‌های عارف این شاعر ملی و آزادیخواه ایرانی، تأثیری شگرف در شنوندگان داشت و آنها را به نفع جمهوری به حرکت در می‌آورد. روزنامه ستاره ایران گزارش می‌دهد عارف دو غزل و یک سرود هیان جا گینز سروده است که اشعار آن همه ناشی است از بغض و کینه نسبت به دودمان قاجاری. همین سرود همان سرود جمهوری است که بالاتر ابیاتی از آن را آوردی. مکنسرتهای مزبور هم ب‌هروایت ستاره ایرانشب

۲

چهارشنبه ۲۲ اسفند در سالن گراند هتل تهران اجرا گردید.

ایرج میرزا شاهزاده آشوبطلب دوره مشروطه به بعد که دستی در هزل و هجو داشت، در منظوم اهی بلند که همه هجو عارف قزوی نبوید و عارف نامه نام داشت، چنین سروده بود:

بزرگان را در ایران از حماقه

نباشد بر وطن یک جو علاقه

یکی از انگلستان ان پند گیرد

یکی ب‌اروسه ا پیوند گیرد

بزرگان در میان م‌ا چینانند

از آنه ا کمتران کمتر از اینند

.....

نکته بسیار مهم این است کیهکی از کارگردانان بلوای جمهوری مستر هاوارد بود.

او با معدل شیراز ارتباطی نزدیک داشت و مأمورین مخفی رضا اخزا نظریق معدل

نیات اصلی او را کشفمیکردن د. درست در زمانیکه همه برای جمهوری شعر

میسروندند و آواز میخواندند، یا تظاهراتمیکردند و هورامیکشیدند، هاوارد سرگرم

کار خود بود. مفتش مخفی گزارش میداد:

۵۱۱-۱. خاطرات ایرج اسکندری، (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۱)، صص ۵۱۲

«کنسرت جمهوری»، ۲. ستاره ایران، ش ۱۳۹

۳. دیوان ایرج میرزا، به کوشش محمدجعفر محجوب، (تهران: بینا، ۱۳۵۳)، ص ۲۴

در خیابان الماسیه با معدل شیرازی تصادف نموده و صحبت کنان رفتیم به مدرسه مادر شاه. در ضمن صحبت، از شایعات مسئله جمهوریت از او پرسیدم. گفت چند روز قبل با مسیو هوارت انگلیسی ملاقات نموده و راجع به این مسئله از او

استفسار نمودم، گفت این قضیه کار آسان نیست باید تمام ملت ایران

جمهوری طلب باشند تا اینکه این مسئله صورت بگیرد و بعد در تعیین رئیس

جمهوری باید از تمام ملت رأی گرفته شود. گفتم سلطان احمدشاه که با دولت

انگلیس بد نبوده، در این موقع دولت انگلیس در بقای سلطنت ایشان مساعدتی

نخواهند کرد؟ گفت نظر به اینکه سلطان احمدشاه به مملکت خود چندان علاقه مند

نیست، گمان نمیکنم که سلطنت او دوام پیدا کند، باید از او مأیوس باشید. گفتم

در این صورت تکلیف چیست، مملکت سلطان یا رئیس جمهور لازم دارد و از

رجال مملکت کدام به این مقام لایق تر است و از قراری که شایع است حضرت

گفت. اند شده زد اشرف به آن مقام نام

فعلا نمیشود در این موضوع پیشینی کرد،

باید چندی تأمل کرد در موقع به شما اطلاع میدهم که قبل از وقت مسبوق باشید

د، شو می که به آن مقام تعیین

فعلا هم در صدد هستم که مجددا با مسیو هوارت

داشت؛ آنگاه که نورم نگزارشمیدا د اگر نتواند شاه را قانع کند در تصمیمش راج عبه کند، نظر تجدید کشور از خروج « شانده، ن جایش به را او خانواده اعضاء از یکی باید اَلزاما ۲ ام این کهم ا نانگلی سیه ا در « زیر ا اعلام جمهوری نتایج فاجآ عمهیزی خواهد داش . ت پش ت بلوای جمهوری قرار گرفته بو . دن ت د ا دیروز انگلیسیها گمانمیکردند هر گونه بح ث جمهوری می توان د به نفع شوروت یمام شود، اما اینک که رضاخان علم دا رمی دا نش ده بود، آنها به موفقیت حتمی برنامههای خویش برای آتیه اعتقادی جازمتر یافته بودند .

اوضاع به حدی مغ شو شب و دک هاز روز دوازده ماسفندماه شعارهای مرگ بر احمدشاه از سوی برخی افراد سدارده میشد . رجال ه و اوباش می دادا نر شده بودند، ب ه گونه ای ک همردی به نام سیدرضا انار میقابل ش م ال سعم ار هنط قمیکرد و میگفت

۱ . گزارش مفتش مخفی، ۱۸ برج دلو (بهمن) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

.Norman to Curzon, Telgraph No. ۲۷, FO. ۴۱۶/۶۴۴, February ۱۲/۱۹۲۱.۲

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

چند مرتبه به صدا بیلند «سلطنت قاجاریه خاتمه یافته و بیرق آن سرنگون شده است و ای نم ردق را رنگ دار در روزی دیگر در می دان» اظهار داشت نابود باد احمدشقاهاج. ریک عده دویت سیصد نفری با همراهی «توپخانه میتینگ ده. در خارج بهارستان ه بی ر قجمه وری در دس تگرفت هواط را فبهارس ان هی اهتو،» باطن یکارکن انظمی جمهورخواهان کمیتهای تشکیل «. پیدا است که همه ب ریوح و ساختگی است»؛ میکردند داده بودند تا عملیات خود را هماهنگ پی شبرن. این اد نپ ول یه مب هش اع رمع روف تجددخواه که خواننده و موسیقدا ین ی به نام هم بود، دادند تا به افتخار جمهوری کن سرتی ب اینک هارب اب ذوق و» ب هیا کند؛ این فد رهم البته کسی نبود ج زع ار فقزوین. اما تجددخواهان به ساز و آواز و اشعار عارف علاقمند هستند حسن توجهی به ای ن مجلس ۲۱ ر دبازی انگلیسی، ش ورو یرا «نمیکنند چونکه میدانند آلودگی به یک مقصد سیاسی. د هم ف ریف ت: دولت مسک و پیامی به س فار تخ و د در ته را نفرس تا د و حمای تم رد م از استقرار جمهوری را تبریک گف. اتین پیام در برخی روزنامههای تهران چاپ ش. د ای ن بار در پ یش گرفت ه ب ود، «مسئله ایران» لورین خطاب به مکدونال ک ده سیاستی جدید در قبال پرسید در برابر جنبش جمهوری چه سیاستی ذات کخناد، آیا به رضاخ اینگوید که تکلی ف سلطنت احمدشاه مربوط به مردم ایران است اما جمهوری هم مخاطراتی دارد؟ دونالد ک پاسخ داد اگر ایرانیها مایل به جمهوان ردی، این موضوعی است مربوط به خودشان و لورین حق ندارد در این زمینه تو ا صی یهبه رضاخا ننماید و له و یا علیه آن اقدامی انج ام

ده. آیا مک دونالد می دانست بازی خطرناک یک هدر ای را نجری انداشت، بخ ش ی از

سناریوی کلان بود که البته جزئی از آن سرنگون ساختن دولت کارگری خود او ب ود؟

دیگ ر اینکه فراکسیونهای طرفدار رضاخا شروع به فحاشی علیه مدر ک سردند.روز

۲۷ اسفند سال ۱۳۰۲ بهر امی مشهور به احیاءالسلطن کهه پی ت شر با کمیته مجازات سر و

سری داشت و ما کارنامه او را در این رابطه بررسی ایکم ، ب درهای شکستن حرمت

مدرس و مرعوب ساختن نمایندگان، بدون دلیل سیلی محکمی به گوش وی نواخت.

ورق داشت بر م گک یشت، مدرس یکنه علیه ائتلاف نخبگان و اوباش طرفدار رضاخان

۱. گزارش مفتش مخفی، مورخه ۱۲ حوت (اسفند) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

۲. همان، ص ۳۵۱

.McDonald to Loraine, London, ۲۹ February ۱۹۲۴, FO. ۳۷۱/۱۰۱۴۵.۳

ص: ۳۵۸

وارد کارزار شد و هر اقدامی از سوی مخالفین انجام شد، م به ی زیان خودشان خاتمه مییافت. نمونه ای از رادمردی مدر سرا در برخورد با همین بهرامیتوان دریافت، مدرس مرحوم... تا زنده بود از فرط بزرگواری یک بار هم در مورد این شخص لب « ب هشکایت و عدم رضایت نگش. وجدمعی کثیر شاهد این مدعا هستند و کسی نیست که شنیده باشد شهید مدرس س طاب ثراه که به فلک متلمکیگفت و با انجم اشتل مم یکرد،

۱

«! درباره این مرد، که او را سیلی زده بود جز به محبت رفتار کرده باشد احياءالسلطنه در امر جمهوری بسیار سعی بود و بسیاری از م هتالنگک ی راکه به مرکز ارسال م یشد، به واسطهاو به مجلس می رس ید. هم ه م یدانستند او کارگردان بلوای جمهوری است در مجل . ساز این بالاتر تلگمراهای رضاخان که همه بوی تهدیدمدیداد، « فوری » کار را بیش از پیش ضرور می یساخت. رضاخان در تلگرمای رمز و با عنوان یقی جام نعمومی شروع و حتی از « ابراز تعجب کرد که با اینکه در کلیه نواحی آذربا ش، داهز زنجاندر حمایت از جمهوری خبری « طرف احزاب به کلیه نقاط تلگرافات البته در این موقع که در تمام نواحی شروع به میتینگ و غیره شده » نیست . اودستور داد بدون اینکه دخالت ظاهری در قضیه داشته باشید باید از طرف اهالی به طوری که اگر اقدامی و یا تظاهراتی « دستور این بود که در این موارد ». دستور داد هام عمل شود می شود، فقط از طرف اهالی باید باشد به هیچ وجه نباید دخالت شما در این مسئله ۲ نمونه ای از این تلگرها ها که با فشارفرمانده «. معلوم شود، هرچه زودتر اقدام شود قوای زنجان تهی ه شد و از طریق او به مجلس واصل گردید م ت یل اگسرات از بزرگان و

تجار و برخی علمای زنجان، متن تلگراف به این شرح است:

توسط آقای احياءالسلطنه خدمت حضرات آقایان نمایندگان محترم ولایت خمسه

دام بقائهم. چون بحمدالله تعالی از تفضلات خداوندی و توجهات نامتناهی شخص

شخیص ناجی ایران عموم مملکت در مهد امن و امان غنوده و حالا هم از تمام

ولایات ممالک محروسه برای تکمیل این نعمت از هر گوشه و کنار صدای

جمهوریت گوشزد خاص و عام شده به اقتضای هم کیشی و برادری؛ این است [که

م] عموم اهالی خمسه از آن ذوات مقدس درخواست داریم که حضرات عالی هم

۱. تاریخ احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۴۲

۲. رضاخان به فرمانده قوای خمسه، فوری، مورخه ۱۸ حوت (اسفند) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۳۵۹

۳۶۰ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

باید در این امر با سایر برادران مملکتی همراهی فرموده از این سلطنت حالیه که مایه ننگ ملت است، اهالی را خلاصی فرمائید، جدا تقاضای استقرار جمهوریت از آن ذوات مقدس [داریم] و خواهانیم و به جان و دل برای فداکاری در این راه حاضریم و در آخر میگوئیم اگر با کمال فداکاری ایستادگی نکرده و این ننگ را از سر ما ایرانیها دور ننمائید، جدا خودمان اقدامات خواهیم نمود،

فعلا تعطیل

۱

عمومی نموده منتظر جوابی م.

فرمانده قوای خمسه که از تلگرام رضاخان و شرکا ترسیده بود، همانروز تجار را ن ب هرای نمایندگان زنجان «توس ط آقای احیاءالسلط» وادار کرد تلگرام دیگری باز هم اهالی حساس ایران پی به «ارسال نمایند. در این تلگرام هم قید شده بود ن ای ک که حقوق خود برده و زمزمه نویدبخش جمهوریت در تمام مملکت و جراید اذهان از این بشارت امیدبخش که مایه سعادت «ه اهالی زنجانهم»، عمومی را متوجه ساخت ابدی ایرانیان را تأمی نم یکنند خوشوقت و با کمال بیصبری پیشرفت این مقصود را منتظر و امیدواریم با توجهات آن آقایان به زودی لوای جمهوریت مستقر و این رشته سلطنت منحوس معدوم گشته و ملت را به طرف سعادت سوق داده و در انجام این مقصود جدیت کامل فرمائید و در صورت قصور این بندگان از وکالت آن آقایان مأیوس و خود برای پیشرفت این اساس مقدس جدا اقدام خواهیم نمود، عجلالتا در

« . تعطیل عمومی انتظار جواب را داریم

د رچنین فضائی احمدش ابهار دیگر از رضاخ اخنواست او را از اوضاع مطل عنمای د ،

دوسیه از سوء اعمال « شاه از طریق ولیعهد متوجه شده بود تدین کمیتهای تشکیل داده و

شاه تهیه نمودانهد و بر طبق آن لایح [ایه] ه مبرای ل زو محل عس لطن ت و استقرار

کلی ه جراید را که بر ل هو « ددر ضمن « جمهوری ت تهیه نمودانهد ک هدر مجلس قرائت کن.ن

د نماین می ارسال شاه جهت مرتبا اعتضادالسلطنه یا ولیعهد طرف از برعلیه یا « ، او ط توس ۳

مطالعه میشد .

۱. تلگرافت جار، اعیان و علمای زنجان به مجلس شورایم لی، مورخه ۲۴ حوت (اسفند) ۱۳۰۲ ، اسناد اداره

تلگرامی دولت علیه ایران، بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی .

۲. تلگرافت جار زنجان به مجلس شورای ملی، مورخه ۲۴ حوت (اسفند) ۱۳۰۲ ، اسناد اداره تلگرامی دولت علیه

ایران، بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی .

۳. گزارش مفتش مخفی، مورخه ۲۵ برج دلو (بهمن) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۳۶۰

خالصیزاد ه، اندیشه اتحاد اسلام و بلوای جمهوری

هنگامی که احیاء السلطنه آن سیلی مشهور را بر گوش مدرس نواخت، میرزاده

عشقی سرود:

از این سیلی ولایت پر صدا شد

دکاکین بسته و غوغا به پا شد ۱

باعث، «جمهوری مجبوری» نمایش عظیم مردم در ضدیت با حرکتی قول عشقی

ریزش نیرو در حزب تجدد هم شد و داعی داده ز اعضای این حزب به جرگه مخالفان

پیوستند. سرهنگ در گاهی برای مقابله با مخالفین رضا، خاندستور داد بازاریان برای

تعطیلی دکانهای خود تحت فشار قرارگفتی. رنگدروهی به اغتشاش در بازار پرداختند.

روز ۲۸ اسفند محصلین دارالفنون علیه جمهوری دروغین دست به تظاهرات زدند.

شهربانی آنها را گرفت و زندانی کرد. دستور در گاهی رئیس نظمیه، مسد جشاه بازار،

که محل اجتماع مخالفین رضاخون بساط جمهوری او بود، محاصره رهبردی

حرکت بازار در اختیار شیخ محمد خالصیزاد هف رزند آیتالله شیخ مهدی خالصی ب ود. او

وقتی مسجد بازار را در محاصره نظمیه دید، وسط راهروهای بازار سجاده پهن کرد و به

نماز ایستاد. در کنار خالصیزاده، حاجی آقا جمال اصفهان هیم دست به همین ابتکار

۲

زد. کثیری از مردم در همین حال ابوه اقتدا کردند، خالصزایده هم از فرصت استفاده

کرد و از مردم خواست به تظاهرات علیه جمهوری ادعائی برخیزند و مقابل مجلس

تحصن نمایند. بازاریان در روزهای پایانی سال، حاضر شدند از سود معمول خویش در

آستانه عید بگذرند، اما علیه بساط جمهوری ترظاهت نمایند و تحصن اختیار کنند.

عصر آن روز عده‌ای از هواداران رضاخان به بازار حمله بردند و با کاسب یهک همخالف جمهوری از نوع رضاخانی بودند گلاویز شدند، چندتائی هم تیر ششلول در بازار خالی عاقبت بازاریان بازار را بسته، آقایان مذکور را کتک شدیدی زدند و آن عده «؛ کردند معدود را در یک لحظه پراکنده ساختند و خود در مسجد اجت مشاهعی کرده، برضد

۳

«! جمهوری غوغا راه انداختند

۱. خاطرات و خطرات، ص ۳۶۲

۲. تاریخ احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۴۳

۳. همان.

ص: ۳۶۱

بازار بسته شد؛ در این شکل بار دیگر ثروتمندان بازار موضعی ملی در برابر تحریکات

اتخاذ کردند که در پشت سر آن دست استعمار انگلیس دیده می‌شد. نیه مشیخ مه‌دی

خالصی و هم‌فرزندش علیه بساط جمهوری به پا خاسته. هم‌موزدندان اتحادی هلم‌ای

سمی کردند، در ای‌نراستامدارس «پلیتی‌ک دولت انگلی» علیه «مذاکرات جدی» اصفهان‌اقدام بر علیه علما از طرف

حضرات انگلیسها شروع «علمیه تعطیل می‌شد؛ در نقطه مقابل

هو در خود اصفها نهم «شده، ن‌ماینده به مرکز بهائیه یعنی آباودن‌هجفآباد و غیره فرستاد

شورش بیرپ‌ا» از سوی این گروه «که به اسم معارپ فروری» ب‌آنان مذاکرات می‌کردند

ه‌ب‌دش‌ده‌اوخل‌ع‌ت‌ش‌م [ان‌بهائی‌ه‌ب [مربوط‌ای [محلها از فساد نایره قریب شده عما

۱. «واسطه اینکه در این زمینه به دقت مشغول آن‌تریک هستند

م‌ا‌در کتاب ایران از سقوط مشروطه تا کودتای سوم استفون‌دضی‌ح دادیم که درست

در آستانه کودتایریضاخان تحریکاتی در مورد اتحاد اسلام در جریان بود و شرح دادیم

اگر این جنبشها چه در ایران و چه در خارج ایران به یکدیگر متصل می‌شد، کار

استعمار بریتانیا زار می‌شد. جنبش اتحاد اسلام در این مقطع تاریخی هم‌زمان شد با

بلوای جمهوری. نکته این است که بلوای جمهوری اذهان را از اندیشه اتحاد اسلام

منحرف ساخت و نیروئی فراوان صرف آن حرکت مصنوعی. جنبش‌دهای اسلامی

علیه بریتانیا بیش از همه در بقاع متبرکه متمرکز. بیکودی از این جنبشها موسوم بود به

جمعیت نهضت اسلام. یاین جنبش درست بعد از جنگ اول جهانی و مقارن با دسایس

انگلیس در مورد تسلط بر ابلینهنرین شکل گرفت، مرکز آن هم در شهر قنجراف

داشت. رهبری این تشکل با سیدمحمدعلی بحرالعلومش‌ی‌خ محمدجواد جزائریبود.

قیام نج ف با ترور سروان مارش افلرماندار نج فاز سوی شاخه نظامی این جمعیت

آغاز گردید و به مرور گسترش ی.ا.ف ای تن جنبشی بود که اتحاد اسلام نام گ.ا. ریفنتک

۱۳۰۳ ل ا س ه ب رضاخان قدرت اوج در حَتی بعدا زاده خالصی کنیم می خاطر نشان

نشریه ایمنتشر می ک در به نام اتحاد اسلام . همانگونه که از عنوان این نشریه پیداست

۲

شیخ مهدی خالص یو فرزندش در فکر اندیشههای اتحاد مسلمانان جهانبودن . د

خالصی زاده پیش از اینهم نشریهی منتشر می کرد با عنوان لواء بی نالنهری ن. این نشریه

۱. سواد مفتش دایره عملیات، لشگر جنوب، اسناد وزارت جنگ .

۲. محمد صدرهاشمی: تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۱، (اصفهان: کمال، ۱۳۶۳)، ص ۴۹

ص: ۳۶۲

مطالبی در مورد سیاست استعماری انگلستان لدی رای سران و عرمانت قشر منیمود و

۱

سخنرانیهای ضدانگلیسی او و فرزندش را به طبع میرسانی د. لواءبی نال نهری ن ب ه واقع ارگان اندیش ههای اتحاد اسلام بو. دخالصی زاد هد ر راستای اندیشه اتحاد اسلام خویش انشاءالله نجات هن دزدیک است، چون هن، دمص رو جاهای دیگر» بود ک ه م ی گف ت

۲

این تحركات باعث شد تا « . عس کر به انگلی سنخواهند داد و انگلی م سعدوم م یشود نشریات مدافع رضاخانعلیه اینان مقالات تند و اهان آ تمیزی منتشر نمایند . د ر این میان عده ای به نمایندگی شبیا خقر قوچانی، آقاشیخ علی دشتس، تانق یی اب لسادات، آقاسیدعبدالله خراسانی و میر ل زاطف الله قم ی که بعدها به ترقی مشهور شد، به نزد رضاخان رفتند . ای ن عده نه راجع به اوضاع روز، بلکه در مورد اهمیت روحانیت و معارف قدیم در حوزههای علمیه مطالبی بیان کردند و از وضعیت نابسامان مدارس علمیه گلایه نمودند . رضاخان از فرصت استفاده کرد و در حضور روحانیان به نهاد روحانیت بیاحترامی نمود . او گف ت:

اولین دفعههاست که این حقایق به گوش من میرسد. بلی، روحانیت مقامی

مقدس است و فوقالعاده اهمیت دارد . لیکن متأسفانه برخی اشخاص امروز از این

مقام سوءاستفاده کرده و در پرتو روحانیت مقاصد فاسده را تعقیب میکنند و به

این واسطه مردم هم از آنها متنفر و منزجر شده و بالنتیجه روحانیت از مقام اصلی

خود ساقط گردیده است و اگر روحانیون مطابق قانون اسلام به زهد و تقوای خود

عمل مینمودند، هیچ وقت مردم هم از اینها [ابرا]ز تنفر نکرده و به حالت امروزی

مَن با نظریات و مقاصد شما . افتادند نمی

کاملاً همراهم و البته همه طور جدیت

برای اصلاح روحانیت و معارف قدیم خواهم کرد . مطمئن باشید و مرام خود را

۳

کتبا توسط کابینه به من اطلاع دهید تا اقدام کن م.

متعاقب این تحولات، تشکیلاتی که هدف خود را رهائی بی نالنهری ناز دست

انگلیسیه اقرار داده بود، بار دیگر فعال . شگدردانندگان اصلی این تشکیلات کسانی

بودند که پیشتر در جنگ او لجهانی گروه اتحاد اسلام را ایجاد کرده ب ؛ ودانکن دون

. ۱۸۰-۱ . تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۴، صص ۸۷

مؤسسه . « نتیجه اجتماع مسجد سلطانی » ۲ . گزارش مفتش مخفی، لیل ۱۷ جدی (دی) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ، ن

. ۱۹ حوت (اسفند) ۱۳۰۲ ، ص ۴ ، ۳ . شفق سرخ، ش ۲۲۲

ص: ۳۶۳

کسانی مثل سیدابوالقاسم کاشانی و آقاموسی بروجردی و عده‌های دیگر همدرا این تشکیلات فعال بودند. احیای کمیته اتحاد اسلام درست همزمان بود با تلاش‌های رضاخان برای خلع احمدش از سلطنت و استقرار جمهوری من‌د. رآطوبردق‌ی گزارش مأمور مخفی:

از قرار مذکور

اخیراً از طرف آقای [شیخ مهد] ی خالصی، به [پسرش شیخ محم] د خالصی زاده دستور داده شده است که تشکیلات کمیته بینالنهری ن را تعقیب کند، ایشان هم به اتفاق حاجی سیدابوالقاسم کاشی و آقاموسی بروجردی و آقااحمد نراقی مشغول عملیات شده با اعضای سابق اتحاد اسلام که در موقع جنگ بی‌انل ملی در طهران تشکیل شده مذاکراتی نموده‌اند که همان اعضای سابق اتحاد اسلام را به عضویت در جمعیت کمیته بینالنهرین دعوت نمایند و تشکیلات مخفی بدهند. آنچه از مذاکرات آنها کشف و مفهوم میشود منظورشان دخالت در سیاست داخلی نیست بلکه خیال مخالفت با سیاست خارجی [= انگلیس] دارند،

۱

فعال هم اساس مذاکره دعوتشان از اشخاص روی همین زمینه است.

درست در چنین شرایطی بود که خبر رسید محمدع بلیرا شایه ملاقات با پسرش

جمهوری طلبان از رفتن محم دعلی «پاریس رفته است، اما مدیر روزنامه کوشش میگفت

ه با هم داخلی جنگ‌های بینی پیش ندارند، وحشتی ابداً پسرش با ملاقات و پاریس به میرزا

۲. « کلی ب یمورد و تمام ایرانیها برای تغییر رژیم متفق[ان] د و مخالفتی در بین نیست

د راین وضعیت رضاخانوانگلیسیها ترجیح میدادن د علمای معترض را هرچه

زودتر به عتبات بازگردانند تا مگر غائله جمهوری با مانعی کمتر روبرو . خوشد وعدلم ا

هم ب ی میل نبودند به عتبات مراجعت ک . نن ای دن است که اواخر اسفندماه سال ۱۳۰۲

میرزا سیدمحمد بهبهانی با ۱۲ دستگاه اتوموبیل از طرف دولت برای عزیمت آیاتالله و «

حجج اسلام که [می خواهن] د ب ه عتبات عالیات حرکت فرمایند، معین گردید که به

۳ بح ث بازگشت علما به بینالنهری ندرست در زمانی صورت « سمت ق م حرکت کن . د

می گرفت که نیازی عظیم ب ه فتاوا و احکام آنها وجود داش دتر، این حال بجنش ی عظیم

۱. گزارش مفتش مخفی، ۱۳ برج (اسفند) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ .

« . اظهار مدیر جریده کوشش » ، ۲. روزنامه کوشش، ش ۲۱، مورخه ۱۳ حوت (اسفند) ۱۳۰۲

۳. هفتهنامه جنت، سال ۲، ش ۱۳، مورخه ۲۵ حوت (اسفند) ۱۳۰۲، ص ۲

ب ه رهبری سیدحسن مدراسز سوئی و شیخ محمد خالزا صدی ها ز سوی دیگر علیه رضاخان در جریان بود. ماجرای جمهوری بر بسیاری مردم شناخته شده، بکومدا اینکه شجاع السادات گماشته بهبهانی اظهاراتی بر علیه «ی کماهی قبل از این تحولات جمهوری طلبان نموده و میگفت پارسل هم در همین قضیه شایعات و مذاکراتی جریان . د شو می داده انگلیسها ناحیه از تماما شهرت این که شد معلوم تحقیقات از پس داشته حالا هم انگلیسها این شهرتها مرایدهند، البته مقصودی دارند وقتیک همقاصد خود را انجام دادند، همه این مذاکرات موقوف میشو د، بیچاره ایرانیها همیشه آلت دست

۱

این نکات نشانمیدهد کمتر کسی بود که از ماهیت بلوای جمهوری «. اجانب هستند مطلع نباشد، اما هیچ تشکیلات منسجم رهبرک یننده ابرای هدایت افکار عمومی و بسیج نیروها در اختیار نب. و دفریادهای مدرسه هرچند انعکاسی در خور توجه داشت، اما فنیفسه نمیتوانست منجر به برافکندن ریشه قزاق؛ ش وهدرچند به شکل مقطعی بساط جمهوری او را برچی د.

روزیست و پنجم اسفند آن سال روزنامه شفق سرخمقالهای منت ش رساخت که ه موضع جمهور یطلبان رادر برابر روحانیت مشخ م صی ساخت. ای ن مقاله به واقع بازتابی بود از تلاشهایی به منظور اختلافافکنی در صفوف روحانیون و القاء این موضوع که «اش خاص متفک ری» گویا برخی از روحانیان موافق جمهوری رضاخان ان ید. شفق سرخ از این عده به «در مقابل اصول جمهوریت سر تعظیم فرود آدوهارن د» سخ ن به میان آورد که در شف قس ر خآم ده «. روحانیت را نیز مقدس و محترم میدانند» قول نویسنده شفق سرخ

روحانیون عالم و باتقوای مانی زب اچ ش ماحت را مب هاص و لجمهوری تنگ اه « بود که

اما معلوم نبود اصول این جمهوریت چیسوع تلمای مورد نظر شفق سرخ . « می کنند کدامند ؟ شفق سرخ در مقال هیادشده
بیپ رو اروحانی ان مخ الف رض اوخان جمه وری

قلابی اشرا مورد حمله قرار داده . بویدک ی از این روحانیان، سیدحسن م دربو سد ک ه

زه د و تقوا و پاکی و اب عتن یایاش به پول و مقام و مظاهر دنیوی زبانزد دوست و دشمن

در این میانه بعضی از روحانی نمایان جاه ل و مغرض ... » : بود. اما شفق سرخ مدعی بود

ه فرورفت هوات ش و رات منک و سق ف منجلاب زیر در گردنشان تا غالباً که دامن آلوده و

۱ . گزارش مفتش مخفی، ۲۸ برج دلو (بهمن) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۳۶۵

۳۶۶ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

است و متأسفانه برخلاف حق این مسند را اشغال ک ده رد ، پول میگیرن دو بعضی

ان

نویسنده مقاله از کلمات تندی نظیر آنچه عارف قزوین درش یعی « . مزخرفات میگویند

یاد کرد و ذک

« تا که آخوند و قجر در کار است » معروف با مطلع

ر نمود که

روح « جمهوریطلب ان ی مثل عارف این کلمات را در وصف کسانی ب هک م برار

ی ند ک ه

هدف « . صاحب شریعت (ارواحنا فدا ه) و عالم روحانیت شیعه نیز از آنها متنفیب راشد

نویسنده این مقاله آن بود تا به روحانیان خاطرن شانمای دجمه طلباونری م یث ل او با

روحانیت مخالف نیستند و مقام شامخ آنان را پمایسدارند. ۱ ه دف از این توهینها

چیزی نبود جز اینکه علمائی مث لم درس و خال زاد صه یرا از ادامه مخالفت با غائله

جمهوری بازدارند و آنها را وادار کنند برای حفظ شئونات خویش، با امثال گک لادوی شتیز

نشوند و گرنه گریزی از توهین و تحقیر نیست.

روزنامه که ای گونه به ؛ بود شده مبدل ناپذیر وصف ای مضحکه به عملا جمهوری

گلشن در ستون نامههای وارده خود مطلبی درج کرد که در آن خطاب به مدیر گلشن

اعلیحضرت سلطان « نوشته شده بود آیا غرض از جمهوری این است که به جای

احمدشاه « شود گفته » هوری جم احمد سلطان جناب « تا است این بر قصد یا اینکه اصلا

احمدشاه را برکنار کنند و کسی دیگر را بیاورند تا کشور جمهوری . در ا شیوند نامه

طنزآمیز نوشته شده بود اگر کشور جمهوری شد، تکلیف لغاتی که در آن شاه به کار

میر و د چه خواه دشد؟ نویسنده پیشنهاد کرده بود به جای مهدی شاه ایالزخائینیب ه

بع د گفته شود مهدی جمهور، یشاه دانه به جمهوری دانه تغییر کند، شاه تره بشود

۲

جمهوری تره، شاه بلوت ب ه جمهوری بلوط تغییر نام پیدا کند و شاه توت هم د بشو

جمهوری توت! ۳ نویسنده پرسیده بود در صورت جمهوری شدن کشور، آیا اسامی فوق

به همین سیاق تغییر خواهد یافت یا اینکه صورتی دیگر خواهد داشت؟

بلوای جمهوری مثل بسیاری از دیگر تحولات این دوره زمانی باز هم به کارگردانی

قشون صورت میگرفت. هدایت مستقیم ماجرا هم در دست شخص رضاخانوالبته

هدای تگران پشت پرده او از جمله میکریزماخان رشتی بود. درست در زمانیکه احمدشاه

« . جمهوریت و روحانیت » ۱ . شفق سرخ، ش ۲۲۴ ، مورخه ۲۳ حوت (اسفند) ۱۳۰۲ ، ص ۲ ، مقاله

۲ . کذ ا: بلوط .

« . حل مسئله جمهوری » ، ۳ . روزنامه گلشن، ش ۵۱

ص: ۳۶۶

مکرر تلگرام میفرستاد و از رضاخانبه عنوان رئیس‌الوزرا میخواست برای توضیح دهد در کشور چه خبر است، سردار سپه مشغول کار خود بود. و ادو نامه‌های بی‌اطراف و اکناف نوشت؛ به فرماندهان قشون دستور داد تا تجار و بازرگانان، روشنفکران و روزنامه‌نگاران و البته روحانین را با نیت‌های به اصطلاح جمهوریخواهی او هماهنگ نمایند. در این زمینه اسناد جالب فراوانی موجود است که برای نمائندگی بسیار گویا به یکی از آنها که خطاب به لام شیگر محمود آیر منوشته شده است، اشاره میکنیم. در آهنگ جراید مرکز نسبت به تغییر رژیم مملکت و شدت عملی «ای ن نامه رضاخاناز دنباله امر به یک انقلاب» یاد کرد. رضاخان نوشت نم‌خواهد، «ک‌هدر این باب دارن همه از من تقاضا کراندهد» ه گردد؛ بنابراین «سلب امنیت از عام» شود، و «خونینی منتهی که قبول پیشنهادات آنها را کرده و من هم برای اینکه افتخار جدیدی برای عموم نظامیان تحصیل گردد به آنها قول مساعدت داده و این است که در ضمن این مختصر ضمن و [نموده] اقدام به شروع بلافاصله بوده امر ملتفت که سازم می متوجه را شما بدانید که موضوع جمهوریت یک امری است لیمو باید با دست مردم و صدای خود یابد انجام صورت ملت. «شده ن نوشته رضاخان شخص توسط قطعاه که همانی ارد است، و حتی تحریر آن هم بعید است از رضاخانی می کشناسیم بوده باشد، تحلیلی از موازنه نیروهای در صحنه جامعه صورت گرفته و از جمله آمده است:

در میان مردم سه طبقه هستند که مدخلیت تام در پیشرفت کار دارند: اول تجار و کسبه و اصناف بازار که در موقع لزوم اقدام به بستن بازار کرده، دویم روزنامه‌نگاران و احزاب سیاسی که معایب قاجاریه و سلطنت مطلقه و محاسن

جمهوریت را با کمال آزادی و بدون ترس و بیم پروپاگاندا کرده عامه را بیدار نمایند، سوم سلسله علماء و روحانیون که فتوای لازم در این مورد داده و تمام مردم را بر تغییر رژیم و تثبیت جمهوریت تهییج کنند.

از بین کسانی که رضاخان در این نامه یاد کرده، تنها برخی از روزنامه‌نگاران آن‌هم کسانی از قماش علی‌دش‌اتزی جمهوری‌رضاخانی‌حمایم‌تیکردن‌د. در مقابل روزنامه‌نگاران آزادهای م‌ثل فرخی‌یزدی و میرزاده‌عشقی‌مضحکه‌جمهوری‌را با نظم و نثر آتشین خود به باد تمس‌م‌خریگرفتند. علاوه بر روزنامه‌نگاران و سیاست‌ب‌تازان‌ی‌مثل گروه‌تجدد و سوسیالیستهای سلیمان‌میرزا‌اسکندر، تنها فرماندهان قشون از مدافعان ۳۶۸ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

پروپا قرص جمهوری رضاخانی بودن . درضاخان بر این گروه بیش از همه تمکيهکرد،

به همین دليل خطاب به آيرم نوشت:

شما بايد بدون آنکه کسی بفهمد از طرف نظاميان مداخله مستقیمی ميشو خیلی

د

محرمانه اما با کمال جدیت سه طبقه فوق را در تمام خطه جنوب اعم از شیراز و اصفهان و بوشهر و نواحی و توابع و غیره تشویق و حاضر کار نموده به طوری که همه متحدالکلمه باشند تا به مجرد آنکه تلگراف رمز من به شما رسید فوری یک صدای هماهنگ از تمام صفحه جنوب بلند شده پس از دادن میتینگ و غیره به وسیله نمایندگان خود به مجلس شورای ملی فشار آورده و به وکلاء همین مجلس

اختیار تام و تمام بدهند که قانون اساسی را تغییر داده و رژیم مملکت را از مشروطیت به جمهوریت تبدیل نمایند. در این صورت به شما تأکید میکنم که این امر باید طوری عاقلانه و ماهرانه و ملی صورت بگیرد که کمترین توهمی از طرف

رعامه در کار نباشد و باید من و شما در انظا

ضمناً خیلی فوری و جدی و

بلافاصله با تمام معنی زمینه کار را حاضر داشته باشید که عنقریب دستور تلگرافی

۱

من به شما خواهد رسید.

خیلی « یوزارت جنگ و به صورت « دائره خصوصی و شخص » این نامه از طریق برای آيرم ارسال شد. « محرمانه و خصوصی

مجلس، قشون و بلوای جمهوری

در بحث تغییر رژی، مآذربایجان و به طور مشخص تب ریحزایگاهی ویژه داش . تزیرا
از دهها سال پیش به این طرف ت بورلیعزهدنشین حکومت قاجار به شمارم ی رفت و
هرگون ه تحولی در آنجا تأثیراتی بلافصل در مرکز بر مجایگ یداشت . تبریز در تحولات
معاصر ایران همیشه پیشگام ب . و ادگر تبری زدست به اقدامیمیزد ، به طور قطع آثار آن
در سایر نقاط کشور دیده میشد . در این راستا بود که شخص رضاخان اصرار داشت
ابراز ماجران ی از اعمد تا منطقه بزرگ علمای اما . سازد جمهوری بلوای وارد را تبریز
نارضایتی میکردند .

۱ . رضاخان به سرلشگر آیرم، ش ۶۷۰۷ ، بایگانی اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران .

روز سوم اسفند سال ۱۳۰۲ رضاخان بخشنامه‌های خطاب به کلیه فرماندهان قشون در سراسر کشور صادر ک. در این بیانیه از آنها خواسته شده بود مردم را تشویق نمایند به عنوان جمهوری طلبی تظاهرات نمایند و ب ارسال تلگرام به تهران خواستار برچیدن سلطنت و برقراری جمهوری به ریاست رضاخانشون د. این فراخوان به سرعت در مطبوعات طرفدار رضاخان جمله شفق سرخبازتابی گسترده یافت. رضاخان خواست تقاضاهای مطبوعات در مورد ضرورت استقرار جمهوری در کشور در کلیه نواحی آذربایجان انعکاس پیدا کن. د و ی به رؤسای قشون در آذربای جارتنه نمود داد که

۱

« شروع ادامه در که بدهید دستور و ببینید را جراید مدیران تمام محرمانه و فوری اولاً
ب ه ذکر معایب قاجاریه و محاسن جمهوریت کرده مردم را تهییج به خلع شاه و به قرار
احزاب و اصناف و تجار و علما طبقات تمام بلافاصله ثانیاً. نمایند جمهوریت رژیم
سیاسی و غیره هریک را جداگانه ب بی نیکده تبعیت از جراید کرده شروع به دادن میتینگ
و غیره بنمایند و با فرستادن مکاتیب تلگرافاتی که دارای چندین هزار مهر و امضا
نوارضایتی خود را از ادامه سلطنت احمد بشها هوکلای مجلس اطلاع ده ن.د؛ « باشد
در خلع شاه و « یخواسته شود « همین مجلس شورای مل « رضاخان خواسته بود از
برقراری رژیم جمهوریت و تغییر قانون اساسی اقدام قطعی حتمی کرده نه تنها این
اختیار را به و کلا بدهند بلکه باید تمام نمایندگان ا تهدیرد نمایند که در صورت تعلل
دچار عقوبات مل [ی!] خواهند شد، این اقدام ولو به بستن بازار و تعطیل عمومی منجر
گردد باید در تمام آذربایج ابه صورت مل [ی!] شروع گشته و در همه جا هم مواظبت

«. نمائید که توسلی به مبادی خارجی نشود

اندک ی بعد رضاخان تلگرافی دیگر ارسال کرد. در این تلگراف مراآم ده ب ود مجلس در

بنابراین . در زمینه تغییر رژیم تشکیل جلسه خواهد داد بیست و سوم اسفندماه رسماً « د بای

قیام عمومی مقارن با روز افتتاح مجلس باشد و دس توریکه امدردهم ه ان اوان اج را

شود . رضاخان حتی دستور داد وضع باید ب هگون ای باهشد که انعکاس صدای مردم

لازم است مراقب باشید که مکاتیب تلگرافات و قطع ه نامدهر « مختل ف به نظر آید، پس

۱ . اصل ل: به بینید .

۲ . اصل ل: به بینید .

۳ . رضاخان به امیرلشکر شمال غرب، اوایل اسفندماه ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۳۶۹

هو سناریو به این شکل باشد که احزاب سیاسی به « همان جا صورت مختلف حاصل کرد احزاب تهران متوسل شوند، ت جا ر با تجار مرکز ارتباط برقرار کنند، علم ایتبری زعلم ای تهران را طرف خطاب خود قرار دهند و مردم عادی هم به مجلس نامه نویسند و ب هاین صورت قیام ملی گرفته و باز تأکید کمن می مراقب باشید دخالت ظاهری » شک ل اعتراضات نظامیان در هیچ جا محسوس نشده و به مجاری خارجی وسل یت نشود، خیلی دق تکنی د آساس را قوی رات ح ام ا ث ی ن ق مقارن با افتتاح مجلس که زیاده از ده روز باقی نیست، ای

۱

ن شدوود روز بعد متصدی ارکان حرب « . بده د و مختصر تعویقی در این امر مهم حاصل قدغ ن فرمائید اقدامات را از ح الا » ك لقشون خطاب به امیرلشکر غرب تلگراف کرد که نتایج مطلوب حاصل گردد ادامه دهند که تا بیست و سوم حوت قطعا . « ۲

فرمانده کل قشون آذربایجان ناز هم متوجه منظور ارسکاننده تلگرام نش د . به همین دلیل پاسخ داد به تمام نقاط آذربای جداستور داده است زمینه را برای روز بیست و سوم اسفند مهیا سازند و تلمگرها ا را روز بیست و دوم مخابره کنند تا روز بیست و سوم به مرکز برسد . او گزارش داد :

زمینه در همه جا به طور مطلوب حاضر و به طوری که راپورت رسیده است کاملاً برای میتینگ و عملیات دیگر نیز شروع نموده اند و عملیات را مداومت خواهند

۳

داد، مطمئن باشند.

اما پاسخ رسی د:

در تعقیب دستورات سابق حسب الامر ابلاغ میشود که (محرمانه) ۴ اجرای امر
صادره را موکول به بیست و سوم حوت نفرموده و به مجرد وصول این تلگراف
شروع به اقدامات لازم و مخایره تلگرافات و ارسال مکاتیب که دارای چندین هزار

۵

۵. امضای اشخاص معروف مبرز باشد بفرماید ب مهر و امضا مخصوصا

در تمام نقاط مختلفه « پاس خ این تلگرام هم به زودی واصل شد. طب قای نیاس خ

آذربایجان قیام عمومی شروع و اهالی با یک هیجان العفاوده قمشغول دادن میتینگ راجع

۱. اسناد وزارت جنگ ۱۳۰۲ اسفند ۱۳ به امیرلشکر غرب، احتمالا رضاخان .

۲. عبدالرضا متصدی حرب کل قشون به امیرلشکر غرب، ۱۵ حوت (اسفند) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ .

۳. فرمانده کل قوای آذربایجان به متصدی ارکان حرب کل قشون، مورخه ۱۶ حوت (اسفند) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ .

۴. پرائتر در اصل سند.

۵. اسناد وزارت جنگ ۱۳۰۲ اسفندماه ۱۷ متصدی ارکان حرب کل قشون به امیرلشکر شمال غرب، احتمالا .

ص: ۳۷۰

۱. ب. هانقراض سلسله قاجاریه، موفقیت رژیم جمهوریت و تغیی رق انو ناساس م ییباشند

۱

تبری ز هم شاهد انتشار بیانیه‌های متعدد در این زمینه ب. و دقشون عداهی را جمع کردت ا در هم ه نق اط «، دس ت به تظاهرات زنده، اینها شروع به فرستادن ت مل بگهرتاه را نکردن د دکاکی ن بسته و تعطیل عمومی شروع گردیده است، ر حدود شهر تبری نی ز زاز ف رد ا روز

۲. «بیست و سوم حوت... دکاکین و بازار [بسته شد] و تعطیل عمومی شروع میشود

این «مجمع جمهور یطلبان تبریز» همزمان در تبری زتشکیلاتی شکل گرفت به نام

تشکیلات نام ههای ی به نقاط گوناگون رآبادیجان ارسال میکرد و از روحانیان، تجار و

بزرگان شهرها تقاضا مینمود از بلوای جمهوری حمایت نماید. نمودضمون یکی از این

تلگرافها که برای بزرگان ماکو ارسال شده به این شرح است:

ن ای اُصوص خ چون مفاسد و معایب سلطنت قاجاریه به عموم ایرانیان مبرهن است م

اوقات که در تمام روزنامجات داخلی و خارجی شرح شناعت و رذالت ک اری این

سلسله را نوشته و صفحه تاریخ ایران و ایرانیان را ننگین و چرکین نم ودهاند، لهذا

عموم طبقات اهالی قیام نموده در مساجد و محافل جمع شده خاتمه و انقراض

ت را به رژیم جمهورئ

سلطنت قاجار را جدا خواستار و تغییر و تبدیل قانون اساسی

تقاضا می نمایند. لازم است که در این موقع آن برادران دینی هم اجتماعات نم وده و

۳

نتیجه عملیات خودشان را اعلام فرمایند که به مرکز در طهران مخابره شود.

د رعین حال فرماندهان قشون از اینکه برخی رون حازنی اجمهوری حمایت نمکن ین د

ی احداقل ساکتند، ابراز نگرانی م نمود؛ نمونه ایاز ای ناب را زنگرانیه ادر تلگرافی

ن

تلگرافی « خطاب به فرمانده کل قشون آذربایجان قابل مشاهده است . در این تلگرام ده

آم

ک هباید بیست و دوم حوت به وکلاء طهران مخابره د مطا شوق دس تو رنوش انتهد، ولی

نزی ر آن را امضا نکرانده د . از فرمانده کل قشون آذربایجان « انصاری مجتهد و میرزا حسنی

اگر » نمایند؛ زی را « کسب تکلیفی » خواسته شد تلگرافی برای این دو ارسال کند و از آنها

۴. « این دو نفر مهر نکنند، ممکن است بعضیها از تجار و غیره مهر نمایند

۱. فرمانده کل قشون آذربایجان به رضاخان، ۱۸ حوت (اسفند) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ .

۲. امیرلشکر غرب به رضاخان، ۲۲ حوت (اسفند) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ .

ل هیأت مدیره مجمع جمهوریطلبان تبریز، مورخه ۱۷ برج حوت (اسفند) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ . . ۳. متحدالم

، اسناد وزارت جنگ ۱۳۰۲ های اسفند نیمه، احتمالاً، تبریز نایب دو جلال به فرماندهی کل قوای آذربایجان . ۴

ص: ۳۷۱

جالب تر اینکه از مهتاب اگدزارش شد طبق دستور ر ضراوخزابی نست و یکم

ب ه تهران مخابره گردیده، اما این تلمگهارا « طبقات مختلفه » اسفندماه تلگرام هائی از طرف

هزینه هائی یدارد که باید از جیاتأمین شو . د فرمانده قوای ساوجبلاى غا همان مهتاباد

امروزی نوشت:

از آنجائی که قسمت عمده اهالی اینجانب ب بضاعت بعلاوه فوقا لعاده ممسک و

باید راک و حاضر نیستند در این مورد وجهی از جیب خودشان به مصرف برسانند

چنانچه وجه مخابرات مذکوره را که بالغ به مبلغ نود و هفت تومان و پنجهزار

دینار شده، اگر می خواستند از عموم اصناف و کسبه که تلگراف را امضا کردهاند

جمع نمایند، اکثر به واسطه عدم بضاعت و یا خست طبع از امضا کردن نیز

خودداری می کردند و چند نفر متمولی که هست، آنها نیز حاضر نبودند تحمیلات

دیگران را عهده خود بگیرند، ملاحظه نمودم اگر برای وجه مخابرات مزبوره منتظر

باشیم که اهالی مابین خود تقسیم و جمع نمایند، به سرعت و سهولت امر سکت

وارد و بعلاوه یک انزجار و نفرتی نیز در اقدام و تعقیب این امر میان عوام تولید و

بالاخره جمع هم نخواهد ش د.

ا و به فردی از اهالی منطقه به نام زحادسه نمحرمانه دستور داد وجه را بپردازد تا

ب همشارالیه تأدیه شود و به عموم بگوید که چند نفر از مولینمتعهد دار مخارج « بعدا

مخابرات شده اند که در انظار هم سوء تفاهم حاصل نشده و ظاهر جریان امر محفوظ

بمان د. علیهذا مستدعی است اجازه فرمایند وجه مذکور از عواید کمیسیون و به هر

متعاقب این تلگرم ماه اچادرها در تبریز برافراشته . شمدردم عادی در تلگرافخانه
از هر حیث بر وفق مراد میباشد مگر علماء تبریزی را تاکنون « جمع شدن د . اوضاع
امیرلشکر توضیح داد منظور این نیست که علما با اوضاع « . نتوانسته ام مساعد نمایم
موافقت، سابق » ، ق ف ا و م حتم است راجع به انقراض سلسله قاجاریه و فجایع آنها کاملاً
ولی از نقطه نظر جمهوریّت خاطر آنها قدری مشوش است، چون این کلمه را منافی با
امیرلشکر با هر کدام از علما جداگانه ملاقات کرد، آنها ماضیکهارردند « . مذهب می دانند
۱. فرمانده قوای ساوجبلاغ به فرمانده قوای آذربایجان، مورخه ۲۴ حوت (اسفند) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۳۷۲

ب انقراض قاجاریه موافق و مایل هستیم که حضرت اشرف شاه مملکت باشد، ولی «
م ت یرسیم جمهوری بودن مملکت طوری باشد که ما را مایوس از زمامداری حضرت

۱

بدیهی است رضاخان نیز این میزان « اشرف بنماید و اختیار به دست دمنشان دین بیفت . د
اقدامات راضی نبود . او میدانست مهمترین گام جلب موافقت علماست، اما در این
زمینه کوچکترین کامیابی دیده نمیشد .

د ر ضمن صحت و سقم مطالب این تلگراف مدانسته نیست . ت بعید است روحانیانی که
به ریاست جمهوری رضاخان رضایت میدادند ، به سلطنت او رضا ده . ن ب د ا این وصف
فرمانده قشون باید خبری ارساملیکرد تا مگر خشم رضاخ ارنا از خود دور کند، به
همین دلیل روز بیست و هفتم اسفند نوشت:

در اردبیل کلیه عکسهای شاه و ولیعهد را به محل میتینگ که هزاران جمعیت
حاضر بوده آورده و سوزانیده اند و اهالی در تلگرافخانه متحصن و لاینقطع مطالبه

۲

جواب مساعد از مرکز و مقامات مربوطه مینمایند.

درست همان روز فرمانده مزبور گزارشی دیگر ارسال کرد به این مضمون که
اینجان ب از ابتدای امر ب اعلم مشغول مذاکره و حاضر نمودن آنها جهت اقدامات بوده «

و ادامه داد توسط اشخاص با نفوذ و صاحب « . و دقیقهای غفلت نکرده و نم یکنم
دائم در مذاکره هستم لکن هنوز موفقیت حاصل نشده « صلاحیت و شخص خودش

فقط بعض اقدامات نموده مبرای طبقه دوم و سوم علما که شاید آنها را حاضر نمایم

بعد نتیجه را عرض نمایم . و ضمناً عرض م یشو

انگجی آقای میرزا ابوالحسن که د

اظهار کرده اس ، ت مجتهد نائین یکه یکی از علمای نج و فمتوقف ق مم بیاشد ، ک اغدی

چاپ شده است . در این نامه نوشته شد ه: « نوشته که در روزنامه گلشن

در این قضیه اگر نسبت موافقت به ما علما داده باشند تصدیق نمی کنم و اگر چه از

رفتن به نجف خوشوقت نیستم لکن از این ورطه اقلاً خلاص می شوم ... کاغذ را

این جانب [طهماسبی] ندیدم ولی این مذاکرات را نموده است، با این ترتیب از

هیچ قسم اقدامات کوتاهی نمی کنم، در صورت اقتضا به عرض مبارک برسانید که

اگر از طرف یکی دو نفر از آقایان علماء طهران شرحی به علمای آذربایجان نوشته

۱. فرمانده کل قوای آذربایجان به رضاخان، مورخه ۲۴ حوت (اسفند) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

۲. فرمانده کل قوای آذربایجان به رضاخان، مورخه ۲۷ حوت (اسفند) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

شود، حتی اگر از امام جمعه خوئی هم باشد، عقیده این جانب بر این است خیلی مؤثر خواهد بود. این جانب لاینقطع در ملاقات و مذاکرات با علما هستم که شاید موفق به حاضر کردن آنها بشوم، الساعة شخصی را که نزد میرزا ابوالحسن آقا کرده اظهار د، میرزا ابوالحسن آقا جواب موافقی نداده و ضمناً فرستاده بودم رسی است که علما هم هاجر از قم تلگرافی نموداهند که حرکت به عتبات را واجب عینی میدانیم چون هنوز از علماء سایر ایالات اطلاعی نداریم اظهاری نمیتوانیم

۱

بنمائیم، به هر صورت این جانب جدا تعقیب خواهم نمود.

رضاخان دستور داد فرمانده کل قوای «حسبالامر» متصدی ارکان حرب کل قشون

علما داخل مذاکره شده و آنها را متذکر فرمائید که با این ترتیب کارها رو «آذربایجان با

ب ه بهبودی رفته و به دست اشخاص قابل اداره خواهد، بعشلا دوهمخصوصا روحانیت

اهمیت بالاتری به خود گرفته و روز بروز اساس دین مبین اسلام محکمتر خواهد شد،

۲ اما پاسخ این بود که فرمانده کل قوای آذربایجان «از تغییر رژیم مشوش نباش.ن

ب انواع زبانها در صدد حاضر کردن علما، ه لسکتمن تاکنون موفقیتی «ک هتوانسته و

حاصل نکرده ام، حتی دستور دادم علمای خوی و غیره تلگراف کنند به و تعبیری مزای

زاه ک مت سه ن آه ش ق ن ر د، ت س ا ه د ش ض ر ع اینجا را دعوت نمایند و چنانچه سابقا

۳. «پیشنمازها و طبقه سوم شاید تا دو سه روز دیگر حاضر کنم

هیأت مدیره جمهوریطلبان مراسله به فدوی نوشتند « آخر الامر هم نتیجه‌هاین شد که

مضمونش این است که در روز عید خطبه به نام حضرت امام عصر خوانده شود و سلام در

ل از طرف ربای آجدان . مقابل تمثال حضرت امیرالمومنین ب نه عمل آید و تلگرافات متحدالم

ب هایالات و ولایات ایران نیز در این موضوع مخبره نم ان د ، واد گهرچ ه امیدوارم ت ا ف ر د ا

انم برس مبارک عرض به انشاءالله مژده قطعی برسد ولی احساسات اهالی را خواستم قبلا . « ۴

امیرلشکر شمال غرب آخر الامر هم نتوانست موافقت علمای بزرگ آذربایج را با ان غائله

جمهوری همراه کند، وقتی تبریز مخالفت مکرید ، همه ایران مخالفت مکیردن د ، کمااینکه ه

۱ . فرمانده کل قوای آذربایجان به متصدی ارکان حرب کل قشون، ۲۷ حوت (اسفند) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

۲ . ، اسناد وزارت جنگ (۱۳۰۲) اسفند (حوت ۲۵ ، احتمالاً ل قشون به فرمانده قوای آذربایجان متصدی ارکان حرب ک .

۳ . فرمانده کل قوای آذربایجان به متصدی ارکان حرب کل قشون، مورخه ۲۸ حوت (اسفند) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

۲۹ حوت (اسفند) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ . ، ۴ . فرمانده کل قوای آذربایجان به رضاخان، نمره خصوصی ۳۰۸۵

وقتی در جریان مشروطه تبریز قیام کرد، ایران همه به پا خاست.

ت اواخر سال ۱۳۰۲ تلگرامهایی از اطراف و اکناف کشور به مجلس م رسید که مضمون همگی آنها خلع احمدش اهز سلطنت و تفویض ریاست جمهوری به رضاخان بود. زیر هر تلگرام دهها امضا وجود داشت مثل علی و رحیم و اکبر و عبدالله و امثالهم اسامی است بدیهی واقعی؟ یا است جعلی اسامی این حقیقتا آیا دریافت شد نمی که مزبور در اکثر نقاط ایران وجود داشت، اینکه کدام اکبر و علی و رحیم تلگراف را صادر کردهاند، به هیچ وجه قابل اثبات نبود. نمونههای از تلگرافهای یادشده به این شرح است:

توسط آقایان شیخالعراقین زاده و عدلالملک و کلای حاضر مازندران، فراکسیون

تجدد مجلس، مقام مقدس دارالشورای ملی شیدالله ارکانه، کپیه هیأت وزراء، وزارت

جن، گک مالیه، عدلیه، خارجه، داخله، شفق سرخ، ستاره ایران؛ از زمان تصدی

سلطنت در طایفه خلایق قاجاریه ۱ جز انحطاط و اضمحلال در مملکت ایران چیزی

مشاهده نشده ما اهالی علی آباد مازندران از علما و کسبه و رعایا اختیارات تامه به

از شاه خلع احمد گنیم اولاً و کلای حاضر دارالشورا بقرار ذیل داده و درخواست می

ریاست جمهور تفویض به و ثالثاً ۲ سلطنت، دوم تغییر رژیم مشروطیت به جمهور،

آقای رضاخان سردار سپه فرمایند. بقای چنین شخص فعال و طپ نرست را از درگاه

حضرت احدیت خواستار هستیم.

در هم ین حول و حوش تلگمراهای دیگری هم از اطراف و اکناف کشور دریافت

غاهالی و شاگردان مدرسه با « می شد. طبق مفاد یکی از این تلمگرها در ساوجب، لا

ب شوردوع به تظاهرات، « بیرقهای که روی آنها زنده باد جمهوریت ایران نوشته شده
یا ز سوی عاده ی از « نطقهای مفصل مهیب و مهیج با حرارت » کردند . در این تظاهرات
در مجالس و محافل هم به غیر از مذاکرات راجع به لزوم « ، گردانندگان ایراد گردید
هیجان و عصبانیت اهالی به » بود خلاصه اینکه « تغییر رژیم مبحث دیگری در میان
ت ۴ دستپاچگی به حدی بود که به فرما نظامی دمهیان جلف هام ». درجه انتهی رسیده اس

۱ . کذا .

۲ . کذا .

۳ . اهالی علیآباد مازندران به مجلس، نمره تلگراف ۲۸۶ ، مورخه ۲۶ حوت (اسفند) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

۴ . فرمانده قوای ساوجبلاغ نائب سرهنگ یوسف به فرمانده قوای آذربایجان، مورخه ۲۱ حوت (اسفند) ۱۳۰۲

اسناد وزارت جنگ .

ص: ۳۷۵

لازم است ب ه « تر اجرا کند و البته « دستورات راجع به جمهوری » دستور داده شد

اشخاص معروف طهران و به و کلای خود اهالی تلگرافا اختیارات تام در خلع شاه و

برقراری رژیم جمهوریت و تغییر قانون اساب سدیهند، به وصول این تلگراف باید

۱ د اما آذربایجان هرگز به جمهوری ادعائی رضات خانن « فوری شروع به مخابرات نمای.ن

نداد و کلیه تلاشهای فرماندهان قشون ناکام مان د.

رهبری بلوای جمهوری در تهران با افرادی بود ممیشرز لا محمدرضا تجد دملقب به

شی ا خلعاقین زاده مدیر روزنامه تجدد؛ سیدمحمد تدی ننایب رئیس مجل ؛ سسیدکاظم

اتحاد مشهور به سرکشیکزاد هم دیر روزنامه دولتی ایران؛ م حمدولیکخان اسدی ملقب به

مصباحا لسلطنه از بستگان سببی ذکاءالملف کروغی ؛ حاج سیدمحمد سطلانی ملقب ب ه

سلطانالعلماء ؛ سیدیحیی ندامان یملقب به ناصرالاسلام گی؛ لاناخم ید شریعزاده

مشهور به مشاوه؛ رحسین دادگ رملقب به عدال لمل ک؛ رضا مهدو یمشهور به

رئیسالتجار خراسانی ؛ و برخی دیگر از مشاهیر اکثریت پارل مکانه ایز قصد رضاخان

برای تغییر رژیم کشور حمای م ت یکردند . این عده روز بیست و نهم سفن ادماه سال

۱۳۰۲ لایحهای را به قید فوریت به رئیس مجلس تقدیم کرده بودند که در آن آمده بود:

مقام رفیع مجلس شورای ملی

نظر به تلگرافات عدیده که از تمام ایالات و ولایات و تمام طبقات مملکت در

مخالفت با سیاست سلاطین قاجاریه و رأی به انقراض سلطنت خانواده مذکور

در تمام تلگرافات واصله اظهار و تمایل به جمهوریت رسیده و نظر به اینکه تقریباً

اند و چون قانونا داده اختیار تغییر رژیم را به مجلس شورای ملی شده و صراحتاً

این تلگرافات کافی برای تغییر رژیم نیست ما امضاکنندگان، سه ماده ذیل را به مجلس شورای ملی به قید فوریت پیشنهاد مینمائیم که به معرض آراء عامه گذاشته شود:

ماده اول ت-بديل رژیم مشروطيت به جمهوريت

ماده دوم- اختيار دادن به وکلای دوره پنجم که در مواد قانون اساسی موافق

مصالح مملکت و رژیم جديد تجديد نظر نمايند.

۱. فرمانده قوای آذربایجان به فرمانده نظامیان جلفا، بیتا، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۳۷۶

ماده سوم پ-س از معلوم شدن نتیجه آراء عمومی تغییر رژیم به وسیله مجلس

۱

شورای ملی اعلام شود.

همان روز کمیسیون فو ال قعاده مجلس تشکیل جلسه . داایدن کمیسیون پس از

بررسی تلگرامهای واصله از شهرستانها در مورد جمهوریت، اینگونه رأی داد:

در تمام تلگرافات واصله اظهار تمایل به جمهوریت شده نظر به اینکه تقریباً

کمیسیون با اینکه در غالب تلگرافات تصریح شده است اختیار تغییر رژیم را به

داند عقیده این تلگرافات را کافی برای اقدامات نمی دهیم، چون قانوناً مجلس می

دارد که لازم است به طریق قانونی مفاد دو ماده ذیل به آراء عموم گذاشته شود:

۱- ملت ایران تغییر مشروطیت را به جمهوریت به وسیله مجلس شورا اعلام میدارد.

۲- وکلاء دوره پنجم اختیار دارند در مواد قانون اساسی موافق مصالح مملکت و

۲

مقتضیات دولت و رژیم تجدیدنظر نمایند.

در امر تغیی رژیم کشور شخص سیدمحمد تد بینسیار کوش شم یکرد؛ ب ه واقع د و

تصمیم چنین نهایتاً العاده فوق کمیسیون . فت ر می شمار به او نظر و پیشنهاد یادشده بند

گرفت که مجلسنمیتوان د شاه را خلع کند مگر آنکه پتیر ن شتیجه آراء ملت را به

ولی برای حفظ مصالح مملکت کمیسیون لامزمیداند مجلس در «، دست آورده باشد

۳. «. باب رجوع به آراء عمومی با منتها درجه سرعت اقدام نماید

هرگز باب میل دس ان تدر کاران بازی جمهوری نب و. در روزهای ۲۸ « آراء عموم ی « اما

تا ۳۰ اسفند ۱۳۰۲ جمعیت فراوانی در بهارستان نگر آمد، بازاریان در مسجد شاه جمع شدند و شعارهایی علیه جمهوری دروغین دساردند. همزمان مدرس از وکلای طرفدار خود خواست مجلس را از اکثریت بین. دا ازن و بده آنها شجاعت داد اگر اینکار را نمی کنند حداقل به ه قم رون. د بالاخره مدرس توانست روز سامیاسفند مجلس را از اکثریت ب یندازد؛ و مجلس تعطیلش د. به این شکل رضاخ انت توانست روز اول سال نو تکلیف نظام سلطنت را معین نماید. ایدروز دوم فروردین جمعیتی بالغ بر پن هزجار تن در بهارستان گرد آمدند و علیه جمهوری شعار دادند. در دضاخان با کالسکاه ش به سوی

۱. مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره پنجم، مورخه ۲۹ اسفند ۱۳۰۲ مطابق با ۱۲ شعبان ۱۳۴۲

۲. همان.

۳. همان.

ص: ۳۷۷

بهارستان رفت. مردم خشمگین به سوی او سنگ پرتاب کردند. نردضاخان دست پاچه شد. او که نه سیاستمدار بود تا بداند در این موقعیت با مردم چگونه برخورد کند و نه در تهران به تصریح کاردار بریتانیا قادر بود سخنوری نماید زیرا

اساساً از این موهبت

محروم بود، دستور داد به سوی مردم حورلهشون داد. شاید این در زمره معدود مواردی بود که رضاخان بدون مشورت با دستهای پشت پرده تلاش کرد ابتکار عمل را به دست گیرد؛ رفتار او در این روز نشان داد تا چه اندازه از فهم سیاسی تهی. ارسض تاخان طبق سرشت خاص خود متوسل به نیروی نظامی؛ کث شیدری مجروح شدند و برای عامی ترین مردم هم معلوم گردید در پشت شعار جمهوریخواهی شخص او قرار دارد که هاز جمهوری همانقدر مطلع است که مردم عادی؛ رض ادخرا ای نن روز به قول او

۲

کاردار بریتانیا بخش زیادی از حیثیت خود را از دست داد.

افرادی که با داعیه جمهوریخواهی وارد مجلس شده بودند و «صدنفر» در این روز فریاد زنده باد جمهوری سر دادند، از مردم کتک خوردند و فرار را فراتر ررجیح سردار سپه شلاق بلندی در دست، پهلو به پهلو میرزا دادند؛ لیکن ده دقیقاً بعد با عده‌ای از همراهان وارد گردید. رضاخان با شلاقی که در دست، «کریم خان رشتی داشت، مردم را نواخ! تهمراهانش هم با شمشیر و قن‌داق تفنگ و سرنیزه به جان مردم تن‌آدیونند میرزا کریمخان رشتی با «جماعت را لوله کرده روی هم ری! خ» افتادن. اینها رضاخان نکته‌ای است جالب توجه. ما در تحلیلهای خویش در دو دفتر دیگر به نامهای بحران مشروطیت در ایران و ایران از سقوط مشروطه تا کودتای سوم ن قاسف شند

میرزا کریم خان وب رادرانش را در تاریخ تحولات بعد از مشروطه ایکامیون دهشان
داده ایم این عده از دوره ناصری با اینکه در حوزه نفوذ م ریزویس سیتنهد ، لیکن
کارگزاران جناحی خاص در انگلی ب سه شما رم یآمدند . از فت حاللهخان اک ب ر پسر عموی
ا و سخن گفتههای م و اینکه استقرار کبار بر منصب ریاست وزرائی درست در روزهای
پیش از کودتای سوم اسف،ن دطرحی بود اندیشیده و بسیار دقیق تا قزاقان را به تهران راه
دهند . از مشارکت آنها در تخریب جنبش جنی گادل کردهایم و از پیوندهای ایشان ب ا

.Ovey to McDonald, April ۱/۱۹۲۴, FO. ۳۷۱/۱۰۱۴۵.۱

.Ibid.۲

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

. ۴۶-۳ . تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، صص ۴۷

ص: ۳۷۸

احساناللهخان دوستدار بحثی نمودهایم .

اینک دوره ای فرارسیده بود تا دسیسه‌های میرزا کریم خان رشتی و برادرانش به بار

نشین د. پس عجب نیست از اینکه او را پهلو به ی رپهضلاوخوا ندر مجلس پنجم

میب ینیم؛ آنهم حضوری برای ایجاد رعب و وحشت در . نمقدمش کری مخان رش تی در

برکشیدن رضاخان ب هق درت، از موضوعاتی است که اهمیتی زایدالوصف در تحلیل

حوادث و تحولات معاصر کشور دار د.

رضاخان م یخواست قدرت و دهشت خود را به رخ تظاهرکنندگان . بامکا شددر

این ماجرا تحقیر گردی د:

شیخی معمم که گویا حاج شیخ مهدی سلطان بود، جلو آمد و چیزی به سردار سپه

گفت و به روی او تف انداخت و یکی از همراهان سردار سپه، میرزا کریمخان،

سیلی به شیخ زد و او را به پاسبانان سپرد که ببرند و حبس کنند. در مقابل حمله و

چیز پراندن مردم، سردار سپه از خود دفاع می کرد و خم می شد. مردم گاهی جلو

میآ مدند و به وکلا دشنام می دادند و یاحسین می کشیدند و گاهی از جلو حمله

۱

سربازان عقب نشسته، به طبقه سبزی کاری پائین میگریختن د.

میرزا کریم خان رشتی از گردانندگان بلوای جمهوری ب. اوود حتی قبل از بحث

جمهوری ، تکاپوهای فراوانی برای نشانیدن رضا ب خان هق درت خود کام ه و واژگونی

قاجارها میک رد، کمااینکه مفتش مخفی گزارش میدا د:

میرزا کریم خان رشتی به دوستان و رفقای خود اظهار می دارد که باید با دولت

موفقیت حاضره همه قسم مساعدت و موافقت نمود که در اصلاح امور کاملاً حاصل نمایند، ولی از قراری که استنباط می شود عقیده باطنی ایشان تغییر رژیم

۲

است و خیلی هم برای انجام این امر جدیت می کند.

کلیه این تحولات با همکاری تیمی از سفارت بریتانیا هی ا رهبری مستر هاوارد هدایت می شد. طبق اسنادی بسیار جالب توجه، اطرافیان رضا اخطاناعات لازم را در اختیار این تیم قرار میدادند و آنها هم از گروه مزبور حمایت مالی می کردند. طبق همین اسناد مفتش مخفی که اطلاعات محرمانه در اختیار رضا خوانش رکاءق را رمداد، بربخلاف تصور

۴۷-۱. همان، صص ۴۸

۲. گزارش مفتش مخفی، مورخه ۱۶ جدی (دی) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ.

ص: ۳۷۹

معمول در مورد اینگونه اشخاص، فردی عادی به ش ما رنم رف تیک هوظیف اه ش فقط
خبرچینی بوده باش. د این شخص رابط گروه یاران رضاب خاا نسفارت بریتان یباوده اس. ت
د، باش توانسته می کسی چه فرد این که مورد این در را زنی گمانه و تحلیل هر گونه ما فعلا
به کناری مینهیم و به مفاد و مضمون یکی از این گزارشها توجه میکنی م:

شب یکشنبه گذشته ۱ با میرزا غلامرضاخان حسن زاده صحبت می کردیم، در ضمن
گفت شب عید است پول نداریم باید پولی پیدا کرد. گفتم چه بکنیم؟ گفت شما با
سفارت انگلیس رفت و آمد دارید؟ گفتم نه، مقصود از این سؤال چیست؟ گفت
از قراری که شنیدم انگلیسیها مشغول بعضی اقدامات هستند و پول هم می دهند، از
این نقطهن ظر عرض کردم هر گاه بخواهید هوارت را ملاقات بکنید ممکن است من
یک اطلاعات جامعی به شما بدهم که مورد توجه او واقع بشوید. اگر مایل شد و
پول خوب داد وجه بدهید تا اطلاعات خود را تهیه نموده به توسط شما بدهم.
گفتم بسیار خوب، شما اطلاعات را تهیه بکنید من هم از مستر هوارت وقت
ملاقات خواسته و اطلاعات شما را به ۲ او میدهم بینم ۳ چه میگوید، و قرار شد

۴

که اطلاعات خود را بنویسد بده د.

ب ه هر حال روز دوم فروردین ۱۳۰۳ که قرار بود همه پرسى برگزار، شدودستهه ای
بزرگ مردم از چاله میدان به حرکت د. رآمرهدبری آنها با شیخ عبدالحسین فرا زبوید،
آنها پرچمهای بزرگ سفیدرنگی را حمل مکریدند که روی آنها نوشته شده: بارا وده،

۵

اراده ملت است و یا اینک ه: ما جمهوری نمیخواهی م. جمعیتی عظیم به این شکل

فراهم آم د . یک سر این جمعیت در میدان بهار ب ستوادنو سر دیگر آن در خیابانهای

ناصر خسرو، میدان توپخانه و لاله زار .

روحانیان و امام جماعتها و وعاظ محلات مختلف رات ن ب هه این جمع ملحق ش .دند

آنها هم در حالیکه پیشاپیش عاده ی قرار گرفته بودند، به جمعیت بزرگی که تحت اثیرت

خالصی زاده گرد آمده بودند، ملحق ش .د.نردوحنانیان نگران از تجربه جمهوری ترکیه

۱ . س ایم بهمن ماه ۱۳۰۲

۲ . در اص ل: با .

۳ . در اص ل: به بینم .

۴ . گزارش مفتش مخفی، مورخه ۱ برج حوت (اسفند) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

۵ . تاریخ احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۴۵

ص: ۳۸۰

حول محور تضاد دین و جمهوری سخن به میان می‌آوردند. از آن سوی همانطور که آوردیم، قزاقان و نظمیہ رو در روی مردم قرار گرفتند. برخوردی خشونت بار روی داد که هبه روایت بها رچهل کشته و صدها زخمی برجای. ن اهرادضاخان بعد از این ماجرا عقبنشینی کرد. او در همان روز وعده داد دیگر از جمهوری حمایت نکند و سروصدای جمهوریخواهان را بخوابان. دب این وصف روز بعد، باز مردم به خیابانها سرازیر شدند، این بار شعارها

علنا علیه سردار سپه بود، مردم خواستار عزل رضاخان و

بانہ او بودن د. . پایان بخشیدن به دوره حکومت قلدرم

قضی ہ فوق نشان داد اگر فشار علیه رضا اخساتنمرار یابد، میتوان امید داشت جلو سلطه بلامنازع قزاقان بر مقدرات امور کشور گرفته شود، هرچند اندکی دیر شده بود.

رضاخان بعد از شکست غائله جمهوری

ب ہ دنبال خشونت قزاقان در صحن مجلس، مؤتمنالملک از رفتار زشت رضاخان برآشفته شد. او در پلکان تالار مجلس جلو او را گرفت و مشاجره ن م.ورد رضاخان گفت حفظ نظم کشور با اوست و مؤاتلمملنک هم گفت که او به عنوان رئیس مجلس مسئولیت حفظ نظم درون پارلمان را برعهده. دامروڈتمنالملک تهدید کرد همین امروز از مجلس خواهد خواست تکلیف رضاخان را مشخص نماید. بالاخره با پادرمیانی مستوفیا لملالک غائله خاتمه یاف ت.

رضاخان شاید برای چندمین بار در عمر نظامش ناچار به عذرخواهی شد و

افسانه قدرقدرتی اش شکست. این موضوع او را خرد کرد و سرانجام گکفه تدیگر

نمی‌تواند به کار ادامه دهد و حاضر به تداوم همکاری با شاه و ولیعهد نیست و تصمیم دارد استعفا دهد. د روز سوم فروردین ۱۳۰۳ بدون اینکه استعفائی دهد، تهران را ترک کرد و به بومهن رفت. این نشان میداد رضاخان تا چه حد ترسوست و ضربه پذیر چند روز بعد قوتی مشاهده کرد غیبتش از تهران با بی اعتنائی مواجه شده است، ر ششم فروردین عازم قم شد تا به ظاهر با علمائی که از عراق رانده شده بودند و اینک میخواستند به عتبات بازگردند خداحافظی نماید.

۱. همان، ص ۵۳

ص: ۳۸۱

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

در این مسافرت او با اشرفی خرمی، محمدحسین، سیای دیابنوا، یلحس ناصفهانپوشی، خ
عبدالکریم حائری ملاقات نمود. در این ملاقاتها او قول داد جمهوری را متوقف سازد.
آنطرفنائینی قول داد مدرسا از مخالفت با اسرار سپه منصرف سازد. زادی نق را و
مدار به دنبال تقاضای رضاخ از نائین بصورت گرفت. تونی در این مذاکرات متباحتی در
مورد هیأت پنج نفره ناظر بر قوانین مجلس برای عدم مخالفت آن با شرط طرح گردید و
حتی روز ششم فروردین ماه جلسه از مجلس از جمله به این موضوع اختصاص یافت.
مراجعه بیست تن را به مجلس معرفی کردند تا مجلس طبق قانون اساسی پنج تن را از
بین آنها برای مطابقت قوانین موضوعه بر شرح انتخاب نماینده، امای ن موضوع هرگز
عملی نگردید. روز بعد از این مسافرت رضاخان به تهران مراجعت نمود.

گرچه مقامات دیپلماتیک آمریکا در تهران گزارش میدادند این تقاضا به دنبال

۱

مسافرت مدرس به قم و ملاقات با علما صورت گرفته است، اما تا چینی چیزی صحت
مثل علمائی توسط جمهوری، مسئله با ارتباط بدون و مستقلا مزبور بحث و نداشت
نائینی مطرح گردید. حتی وقتی نائین یو علمای دیگر به عتبات مراجعت کردند، بار
دیگر این تقاضا مطرح شد. در روزنامه کوشش در خردادماه آن سال متن تلگرامی را منتشر
کرد که طبق آن نائین وی سیدابوالحسن اصفهان ب یار دیگر این موضوع را به رضاخان
گوشزد کرده بود. د آنها یادآور شدند از موقتتک ق ماین ضرورت به رضاخان
یادآوری شده، اما هنوز خبری دال بر اینکه ماده مزبور احیاء شده، به آنها مخابره
نگردیده است. علما ابراز امیدواری کردند هرچه زودتر خبر تشکیل هیأت پنج نفری به

گوش آنها برس د.

آن در و نمود منتشر ای بیانیه ، رضاخان ۱۳۰۳ سال فروردین دوازدهم روز

علنا از

حمایت از جمهوری صرن فظن نمود . د ر این بیانیه رضاخاب ناز هم دست به عوامفریبی

حفظ و حراست « ک خود را از اولین روز تصدی قدرت « یگانه مرام و مسل » زد . او

ملعن توان نمود و « عظمت اسلام و استقلال ایران و رعایت کامل مصالح مملکت و

هرکس با این رویه مخالفت نموده او را دشمن مملکت فرض و قویا در « اعلام داشت

چندسطر بعد او « . دفع او کوشیده و از این به بعد نیز عزم دارم همین رویه را ادامه دهم

.Dispatch by Kornfeld, No. ۴۶۶, April ۲۲/۱۹۲۴, DS. ۸۹۱.۰۱/۱۶ Majd, p.۱۷۹.۱

.Dispatch by Kornfeld, No. ۵۴۰, June ۱۲/۱۹۲۴, DS. ۸۹۱.۰۱/۱۹ Majd, Ibid.۲

ص:۳۸۲

م سخن گفت و مدعی شد « محافظت و صیانت ابهت اسلام » باز هم از نیت خود مبنی بر
در موقعی که برای تودیع « این هدف را نص ال بعضی ن خود قرار داده اس . تب را این اساس
آقایان حجج اسلام و علماء اعلام به حضرت مع (صعوم) مهشرف شده بودیم، با معظم
لهم در باب پیش آمد کنونی تبادل افکار نموده و ب اچلانی خر نه مقتضی دانستیم که به
عموم ناس توصیه نمائیم عنوان جمهوری را موقوف و در عوض تمام سعی و هم خود
ر امصروف سازند که موانع اصلاحات و ترقیات مملکت را از پیش برداشته در منظور
مقدس تحکیم اساس دیانت و استقلال مملکت و حکومت ملی با من معاضدت و

۱

» . مساعدت نمایند

هم امروز بیانیه مشهور شیخ محمدحسین نائی ینی یدابوالحسن اصفهان یو شیخ
عبدالکریم حائری به این شرح صادر شد :

بسمالله الرحمن الرحیم

جنابان مستطابان حجج اسلام و طبقات اعیان و تجار و اصناف و قاطبه ملت ایران
دامت تأییداتهم . چون در تشکیل جمهوریت بعضی اظهاراتی شده بود که مرضی
عموم نبود و با مقتضیات این مملکت مناسبت نداشت، لهذا در موقع تشرف
حضرت اشرف آقای رئیسالوزراء دامت شوکته برای مواعده به دارالایمان قم،
نقض این عنوان و الغاء اظهارات مذکوره و اعلان آن را به تمام بلاد خواستار

أنشاءالله تعالی . شدیم و اجابت فرمودند

عموما قدر این نعمت را بدانند و از این

عنایت کاملاً تشکر نمایم د.

الاحقر ابوالحسن موسوی اصفهانی، الاحقر محمدحسین غروی نائینی، الاحقر

عبدالکریم حائری.

د ر این هنگام احمد آقا امیراحمد، ای می رلشگر غرب کشور گزارشی مهم از منطقه

مأموریت خود برای رضاخان رسال کرد که نحوه برخورد با واضم ع علما را تشریح

کرده بود. او ضمن اینکه نارضایتی مردم از رضاخان متعاقب موضوعگیری های علم ا

علیه بلوای جمهوریطلبی منعکس کرد، راه حل‌هایی برای مهار بحران ارائه داد. متن کامل

نامه امیراحمدی به این شرح است:

۱. تاریخ احزاب سیاسی، ج ۲، ص ۶۲

ص: ۳۸۳

مقام منبع بندگان حضرت اشرف اعظم فرمانده کل قوا دامت عظمته، با کمال احترام به عرض مبارک میرساند اوامر مبارک را طابق النعل بالنعل اجرا، دستورات به تمام نقاط داده است که تلگرافات به مرکز نمایند ولی نظر به فدویت بینظیری که دارد از عرض پاره‌های مسائل و قضایائی که اندک اشکالی ممکن است در وضعیات ایجاد نماید ناگزیر است. بیانیه اخیر بندگان حضرت اشرف اعظم تأثیر مخالفی در افکار عمومی نموده و به مخالفین تغییر سلطنت و رژیم (فرصت) ۱ داده ل اخیر علماء که از قم است که اهالی را به طرف خود جلب نماید. متحدالم مخابره شده بیشتر ممد قضیه گردیده این قسم جلوه داده‌اند که ه آنها در این مسئله مانع و رادع بوده و جلوگیری کرده‌اند، از تمام نقاط غرب تزلزل افکار عمومی راپرت می رس د. اهالی همدان با احساسات فوقالعاده شدیدی حاضرند در مقابل آقایان ایستادگی نموده و عملیات انقلاب جویانه نمایند. فدوی نظر به اینکه مصالح اجازه نمیدهد که آنها به طور شدت عملیاتی نمایند، به این شرط نمایندگان آنها را حاضر نمود که چند نفر مبرزین و سردسته‌ها که یکی نوبری است، با آقایان ملاقات نموده و در تحت سه ماده به آنها پیشنهاداتی بنمایند، اول پاسخ تلگراف لی که مخابره کردند بدهند و با ملت هم آواز شده جمهوریت را تصدیق. متحدالم ل به تمام ولایات. نمایند، در صورتیکه موافق نشوند تلگرافا به مجلس و متحدالم بدهند که سلطان احمدشاه خلع و زمام امور به کف با کفایت بندگان حضرت اشرف اعظم دامت عظمته تفویض شود یا سلطان احمدشاه خلع و طریق انتخاب

رژیم را به عهده وکلای مجلس واگذار نمایند. اگر هر یک از تلگرافات مزبور را

اند مخبره کردند جبران عملیاتی که کرده

شده است و اگر حاضر نشدند جدا اهالی

از حرکت آنها جلوگیری نموده و مانع عزیمت آنها [به عتبات] بشوند تا بعد از پنج

شش روز که هم از اطرافیان آنها کاسته شد و هم این اقدامات به ولایات تلگراف

و از طرف اهالی گفته شد که ما مانع عبور آقایان خواهیم بود تا حوائج ما را که

یکی از سه طریقی که پیشنهاد شده، م رتفع نمایند. فدوی نظر به اینکه منطقه

کرمانشاهان را با نفوذ فرمانفرما و نصرتالدوله و جنبه‌های شاه پرستی که در نتیجه

۱. پراتتر در اصل .

ص: ۳۸۴

قسمت اعظم اهالی دارند، یقین دارم که آقایان به محض ورود به نقطه مزبور

دستجاتی را هم که قبلا در آنجا تهیه شده است با خود همراه کرده و ممکن است

یک اقدام مخالف مصالح دیگری نموده و از ایران خارج شوند بدون اینکه دیگر

نظر اینک مراتب را از نقطه . دسترسی به آنها باشد

فدویت جسارتا به عرض مبارک

بندگان حضرت اشرف اعظم دامت عظمته رسانیده و به انتظار صدور امر مطاع

مبارک است که در صورت عدم تصویب بان هایت مراقبت آنها را حرکت داده و از

هر قسم پیش آمدی هم جلوگیری نموده عزیزمیشان بدهد، موکول به امر مطاع

۱

مبارک اس ت.

ت، «اگر موفق بشود خوب اس» ب اینک رضاخان در پی نوشت این نامه تذکر داد

ولی این طرح هرگز نتوانست محقق شود و جمهوری رضای خیاندون اینک علما از

موضع خود عقب نشینی کنند، شکست خورد.

جنبشی که به کارگردانی دستهای پشت پرده و توسط متفلسف و ن کاکشار اجتماعی

۲

یعنی لومپنها دامن زده میشد، چیزی بیشتر از یک هیاهو و جاروجنجال . نبیهدواق ع

حرکت جمهوریخواهی رضاخانی یک بلوا بود تا یک جنبش قبولمسئاس ی. درست در

این شرایط، احمدشاه که با مشاهده مخالفت گسترده مردم با رضاخان روحیه گرفته بود،

برای نخستین بار از خود حمیتی نشان داد، و با ارسال تلگرامی رضاخانرا از منصب ریاست وزرائی عزل کرد و از مجلس خواست رئیس‌الوزرای بعدی را انتخاب نماید. رضاخان در پی این تحولات، به عنوان قهر در روز هجدهم فروردین ۱۳۰۳ اعلام کرد قصد دارد به عتبات عالیات رود و پس از زیارت برای اقامت دائم به یک کشور همسایه مسلمان نقل مکان کند. ۳ در رضاخان به کری آمقا بوذرجمهری وکالت داد تا در غیاب او امور شخصی و مالای ش را اداره نماید. دای ن بهترین موقعیت بود برای اینکه رضاخان برای همیشه از صحنه سیاست ایران زمین حذف شود، اما قشون تحت امر او آنقدر قدرت یافته بود که بتواند کشور را هر روز در ب غحررا قن کن ید و آشوبها را ۱. امیراحمدی به رضاخان، ۱۴ برج حمل (فروردین) ۱۳۰۳، اسناد وزارت جنگ .

۲. ۱. س. ملیک ف: استقرار دیکتاتوری رضاخان در ایران، ترجمه سیروس ایزدی، (تهران: شرکت کتابهای جیبی، ۱۳۵۸)، ص ۸۳

۱۳۱-۳. خاطرات سلیمان بهبودی، به کوشش غلامحسین میرزا صالح، (تهران: طرح نو، ۱۳۷۲)، صص ۱۳۲

ص: ۳۸۵

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

افزایش ده د. این است که شخصیت‌هایی مثل حسن پیرنیا و برادرش مؤتمن لملک همراه استعفایش از مانع کردند تلاش ظاهراً و رفتند رضاخان ملاقات به الممالک مستوفی با شوند . بالاخره رضاخان پذیرفت به عتبات نرود و به خانه بیلاقی خویش در بومهن نقل مکان کن د . همان روز هم طی بیانیه‌ی اعلام کرد به دلیل خستگی زیاد از هسایم ت خود استع فام ی دهد و تهران را ترم ک یکند. رضاخان نام ه ا یهم خطاب به رئیس مجلس شورای ملی نوشت به این مضمون:

مدتهاست خسته هستم و برای کناره جوئی در خود رغبتی زیاد احساس می‌کردم ولی اجرای این نیت به نظر اینجانب موقوف به این بود که موضوع صلاحیتدار و مرکز ثقلی برای مملکت آماده باشد که وضعیات در غیبت این جانب بتواند مدار خودش را تعقیب نماید .

واقعا همین منظور بود که مرا به سرعت افتتاح مجلس [!]

اینک مجلس . ساخت مند علاقه

رسماً باز و خستگی مرا ملزم م ن یماید که فکر

این است به وسیله این مراسله . اجرا نمایم دیرین خود ر

رسماً کناره‌جوئی خود را

به اطلاع مجلس شورای ملی میرسانم. در غیبت این جانب ارکان حرب کل قشون

۱

به امورات لشگری رسیدگی خواهد نمود.

شب همان روز مجلس جلسه علنی داشت . همان زمان احمدشاه از پاریس تلگرافی

مطلع شد که رضاخان استعفا داده اس . تاو هم تلگمراى به مجلس مخابره کرد و اطلاع داد نظر به اینکه رضاخ اعنلیه امنیت عمومی فعالیت کرده است، از وی سلب اعتماد نمود ه و ضروری اس تا کثرت مجل ، س کسی دیگر را به ریاستوزرائی انتخاب کنند

۲

ت او فرمانش را صادر ن م.ای د شاه تلگرام دومى هم صادر ک .رد م ه

طبق این تلگرام ک

خطاب به مستوفی و مدرس ارسال شده بود، از مستوفی خواست منصب

ریاستوزرائی را بپذیرد. او کوشش کرد بار دیگر فرماندهی کل قوا را که رضاخان از او

، جنگ وزارت سمت به را پیرنیا حسن شخصا که است این . آورد دست به بود ربوده

عبدالله امیرطهماسبی را به سمت فرماندهی کل قوا و امام الله اجنهانبان یرا به ریاست

ارکان کل حربقشون پیشنهاد کرد . همین پیشنهادها خود میزان بصیرت شاه را به

۱۴۴ م، بایگانی مؤسسه - ۱ . رضاخان به رئیس مجلس شورای ملی، ۱۸ برج حمل (فروردین) ۱۳۰۳ ، ش ۸۵۰

مطالعات تاریخ معاصر ایران .

.Ovey to McDonald, April ۱۸/۱۹۲۴, FO. ۴۱۶/۷۴.۲

ص: ۳۸۶

نمایش م یگداشت: از بین چهار تنی که او برای تصدی مسئولیت پیشنهاد کرده بود، به جز مشیرالدوله سه تن آنها مستقیم و غیرمستقیم خود جزئی از توطئه ب. و د جنلدسه غیرعلنی مجلس برای تصمیم گیری در مورد این دستورات احم، دبشر گاهزار ش . د عاقبت مجلس جرأت نکرد در جواب تلگراف شاه، « ، نمایندگان نطقهائی کردند تصمیمی را که شاید اکثریت و کلا در دل داشتند - یعنی انتخاب یک نفر غیر از شخص سردار رسپه و معرفی به شا - اهتخاذ نماید . [مجل] س جرأت نکرد، حق هم داشت، زیرا رجال بزرگ و اعیان نامداری که بایستی نامزد ریاست وزرا باشند، موجود! نبودند مستوفی، مشیرالدوله، وثو اقلدول ه و امثال ایشا . ن.. مردمی سرگردان و مردد و خائف و

۱

«! اسقاط بیش نبودند

انگلیسیها، بلوای جمهوری و رضاخان

در زمان بلوای جمهوری اردشیر جی در تهران اقامت داش . ب تر ما معلوم نیست نقش وی در این جریانات چه ب و. داما این رامیدانیم که او تحولات را با دقت پیگیری می کرد. اردشیر جی در نامه های به نصرالله خلعتبرم یشهور به اعتلاءالملک، بعد از ناکامی رضاخان در غائله جمهوری ، م ینویسد تا یک ماه دیگر از راه ر وعسایزهم لندن خواه د بود و شاید زود به تهران مراجعت . اکنون در ادامه وضعیت ایران را به ای ن شکل خلاصه کرد:

از اوضاع مملکت البته تلگرافا مستحضرید . حکومت جمهوری که به روز عید

نوروز خواستند دایر کنند به واسطه ضدیت علما و امتشان ممکن نشده قدری

سپه سردار اوضاع درهم برهم گردید و

قهر استعفا داده. مجلس و مملکت و ملت

خیلی اندیشناک شده اند. مجلس ب رخلاف میل اعلیحضرت، رأی اعتماد به آقای

سردار سپه داده است و مشغول مذاکرات با معزی الیه است. به روزهای عید نوروز

که تولد صاحب زمان یا امام غایب نیز بود مجلس رسمی سلام به عمل نیامد و

ایضا به روز تولد و تاجگذاری شاه نیز دلیل سلطنت روشن و مکشوف نبود.

میگویند جمهوری مطلوب اینگلیش است.

۱. تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۷۵

ص: ۳۸۷

خوب مشاهده کردیم که دخلات روس باعث تشجیع علما و مردم شده و یک دفعه

اوضاع دیگرگون گردید و الآن که نه سلطنت است و نه جمهوری، آثار روزگار بر

این میباید که دیکتاتوری نظامی سردار سپه مقبول افتد، قوه و قدرت سلطنت

ت جمهوری فردی بوده، معدوم است و جمهوری ایرانی هم معلوم اس تقریباً

۱

روزگار ممکن است صورت ثالثه دیکتاتوری را ترجیح دهد و بپذیراند.

تأثیر مسافرت اردشیر بر تحولات ایران و مناسبات کشور با بریتانیا بسیار آشکار بود .

ا و طبق وعدهای ک ه داده بود به لندن رف . ه تمان زمانی که در ل ناقدمنت داشت،

حاکم اعظم لرد لمینگوت ندر مجلس اعینا بریتانیا مطالبی در رابط ب ها تحولات ایران

ایراد کرد . ا و ضمن اینکه توضیح داد در انگل یاطسلاعات دقیقی درباره ت حولات ایران

بعضی اطلاعات از مجمعی که برای احداث روابط بهتری بین « موجود نیست، گف : ت

ایران و انگلی ستشکیل شده بود تحصیل نمود مهو همچنین از بعضی مجامع ادبی و

تجارتی اندک اطلاعات دیگری به دست آمده ولی کلیه این اطلاعات مبهم باش م دوی

لرد لمینگتو نرهبری مخالفان جمهوری رضاخانی « گاهی هم صحت آن مشکوک اس . ت

در این « دانست و در عین حال این نکته را گوشزد کرد که « علمای مذهب » ر ادر اختیار

تغییرات گوناگون اخیر یک وجود قابل توجه، رضاخان سردار سپه بوده است که رئیس

ا و ادامه داد اطلاعاتی به دست آورده . کل قواست و می توان او را دیکتاتور ایران نامید

که نشان میدهد رضاخان باعث ترقی ایران شده اس . تب ا این وصف لمینگت از ن نگاه

توأم با سوءظن مردم ایران ه ب انگلستان یاد کرد و گفت روابط دو کشور در وضعیتی

مطلوب قرار ندارد .

منافع انگلستان چنین اقتضا دارد که یک « لرد پارمور رئیس مجلس لرد هاهم گفت نوع حکومت ثابتی که حفظ نظم و آسایش و قانون را بنماید در ایران وجود داشته باشد ش ری دیس مجلس لردها ». و از طرف دیگر حتال یقمدور اوضاع مالیه ایران خوب با ولی « ، برخلاف لمینگتون گفت با اینکه احساسات ضدانگلیسی در ایران شدید است نظر به اطلاعاتی که به من رسیده است نبایستی نگرانی ب ادا شی شتمه از اینکه به سیاست او داری اددامه ». ما ، یعنی خواستن یک دولت ثابت و تنظیم امور مالیه ایران لطمه وارد ۱ . اردشیر جی به اعتلاءالملک خلعتبری، مورخه ۱۰ اپریل ۱۹۲۴ مطابق با ۲۱ حمل (فروردین) ۱۳۰۳ ، ش ۷۵۶۰۹، ب ایگانی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران .

ص: ۳۸۸

که در ایرانها کمتر پیدا» از محاسن رضاخا نسخن گفت که دارای صفاتی است
ازتشکیل قشون ۲۲ هزار نفری پیاده نظام بحث شد و ینک ها در کنار آن هشت «. می شود

۱

هزار سواره نظام و نود و چهار عراده توپ و دویست دستگاه موت ا رلالیتهو زچند
فرون د هواپیمای نظامی و زره پوش فراهم آورده . افسارمتور افزود بدون تردید
مطبوعات محلی ایران برای مدتی مشخص به بری تا حنیماله میکنند ، اما از زمان به
مردم ایران به شدت از او « و این فردی که « دیکتاتور نظام ی » قدرت رسیدن رضاخاناین
۲ اینگونه تبلیغات منفی خاتمه یافته و اینک تحرکی علیه ب ری صتانیورات ، « هراس دارند
م ن فکر می کن م اینکه موقعیت رضاخانموقعیت یک دیکتاتور « نمی گیرد . ا وادامه داد

۳

ود خطی ظریف کسانی مثل لرد لمین گرتا بونه «. نظامی است، نباید اشتباه تلقی ش
تحولات دوره حاضر رب طم یدا د. ما در کتاب بحران مشروطیت در ایران از تحرکات او
سخن گفته و همسوئی وی را با محافل سرمایه مالی بریتانویا کاا ویداهی م. نیز پیوند
لمینگتون را با برادران لینچاز سوئی و گروه افراطیون دوره مشروطه بررسی نموده ای م.
اکنون زمانی بود که امثال لمینگتومیتوانستند محصولی را که در دوره مشروطه کاشته
بودند درو کنن . د پیوند سرمایهسالار انیهودی، گروههای مخفی سیاسی و انجمنهای
فراماسونری داشت به نتیجه می رسید . تحرکات انجمن پاری سکه میرزا کرخی ام ن ب ه
نوعی همه کاره آن بود، انجمن نژادی لن، دکنمیته ایران در لندن، سرمایهسالارانی که
سهام بانک شاهی را در اختیار داشتند، مقامات شرکت نفت انگلیس و ، بانای کرادا نران

بزرگ بین المللی، صاحبان سرمایه در خطوط راه نآب هعلاوه مقامات وزارت مستعمرات

بریتانیا، وزارت امور هندوستان، نایب السلطنه هند و البته بقایای لژ روشنائی و پلیس

جنوب ایران، ای نك با وجود رضاخان سردار سپه در آستانه به بار نشستن بود .

تمام گروهها چشم امید به قشونی داشتند که رض فارخماندهی آن را به دست

داشت. قشون ی که این کمجهز به هواپیمای جنگ م بیش د؛ ب ه گوناهی که روز پنجم

خردادماه سال ۱۳۰۳ ر ضاخان از نمایندگان مجلس، اعیان و ارباب جراید دعوت کرد

۱ . مسلسل .

۲ . Dispatch by Sterling, No. ۳۸۳, May ۱۶/۱۹۲۴, DS. ۸۹۱.۰۰/۱۲۷۱, Military Dictator who is greatly

feared by the people... Majd, p. ۱۷۷

۳ . I think there should be no mistake as regard the position of Reza Khan, the military dictator

ص: ۳۸۹

۳۹۰ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

ت ا در قلعه مرغی جمع شوند و طهبیاریه مشقی خریداری شده دولت را تماشا نم .ایند
جمع ی کثیر حاضر شدند و طیارات حرکت کردند و گردشی هم در شهر کردند و «
ف اتند » گروهی هم سوار شدن .دبعضی به این تماشا نرفتند و جراید اکثریت به آنها بد !گ
اننفوذ خود و دولت را در « ام از نظر مجل س اعیان انگلی ، س با این ارتش رضاخ
سرتاسر مملکت مستقر ساخته و شرایط ایجاد یک سیاست ثابتی را که ایران دارای آن
ن بود ، فراهم نمود هاست و علاوه بر اینکه وزارت جنرا ا گذاره م ن یماید ریاست هیأت
دولت [ر] نیز به دست گرفته و در واقع همان موقعیتی را که کمال در پ تارشکای هحائز
نتیجه دیگر ظهور رضاخان برای منافع .» گشت ه سردار سپه نیز در ایران دارای آن میباشد
انگلستان از دید رئیس مجلس لرد ، ه این بود که با وصف حملات برخی محافل داخلی
تشکی « : و مطبوعات، با وجود وی از میزان خصوهماع تلیه بریتانی اکاسته شده اس
نیست ک ه مطبوعات محل حملاتی به ما نموده و مناسبات ایران را با اندگرل سختنا طنر
انداخته بود، ولی وجود سردا رسپه که مردم [از ا] و ترس و واهمه دارند خاتمه موقتی
ت س ا ه د ش ه ت س ا ک ن آت د ش ز ا د ا ده و فعلا] حملات [ن ی ا ه ب . « شخص این رب ه و لاع
» . تصور نمیکنم با ما اظهار مخالفتی داشته و یا دارد » رضاخان

یکی از تبعات حکومت رضاخ انز منظر منافع بریتانایان بود ک مه یتوانس ت
طلبهای ادعائی خود را از ایران وصول ن.م اریئی دس مجلس ردلها از چها ر میلیون
قرضی که حکومت هند انگلی د سر طول جنگ به دولتهای ایران پرداخته یاد کرد و
بعلاوه از دیون سیصد و پانزده هزار الی یر هایران به دولت انگلی سسخن گف . تطبق
این اظهار نظر همچنین اتباع انگلستا پانصد و هفتاد و شش هزار لیره از دولت ایران

یب ه خوبی نشانمیدهد که دولت و « طلبکارن د. به باور رئیس مجلس لردها این بدهاه
لرد کرزن هم گفت باید به « . ملت انگلی س در بهبودی اوضاع مالیه ایران ذی نمف یعباشند
م ا باید همیشه ایران را « ، دولت ایران یادآوری کرد بدهیهای خود را به انگل ب سیتاردنازد
د ر موقع لزوم یادآوری نمائیم که تعهدات خود را به جا آورده؛ نه و ن انهگک لستان

۲

« . هندوستان را مثل گاو شیرده ندوشد

۱ . تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۹۲؛ علامت! در اصل منبع .

۱۱۴ ز، -۹۸- ۲ . مذاکرات مجلس لردها یان گلیس درباره ایران، ۱۴ مه ۱۹۲۴ مطابق با ۲۴ اردیبهشت ۱۳۰۳، ش. ۳

بایگانی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران .

ص: ۳۹۰

نکت ه جالب این است که ه درست در همان زمانی که این مکاتبات صومریگ ترفت،

و درست در زمانی که به دلیل وجود حکومت ر ضبیاخشاترین سود عاید بریتانیا

می شد مسئله ای جزئی نشان داد این قدرت استعماری در اخذ کمترین طلب خود از

،

ایران تا چه میزان لائمت به خر جم یدهد . موضوع از این قرار بود که مردی نایب

شکراللهخان ن ام ، به دلیلی که در اسناد ذکر نشده روز هفتم اردیبهشت سال ۱۳۰۳ وارد

آسایشگاه کمارج از توابع شهرستان کازروشد که متعلق بود به دااره تلگراف هند و

یک دلیل همین به گرفت، صورت جبر به ظاهرا مربوطه آسایشگاه به او ورود . اروپا

صندلی شکسته ش. انگلیسیها که سالها بود پول مردم ایران را از طریق بانک

شاهنشاهی، این ابزار تسلط مالی بریتانیرا اقتصاد کشورمیبلعدند و از سوی شرکت

نف ت انگلیس و ایراب ندیهی تری ن حقوق مردم را نادیدهمیگرفتند ، شروع کردند به

قونسولگری دولت فخمه « حساب سازی در مورد این صندلی شک . ستطهبق مراسله

قیمت صندلی هشت تومان و یک قران و بیست و پنج دینار . ابما واندگلیسیها « انگلیس

گفتند این قیمت صندلی است در کرا، چنبا یراین باید هزینه حمل آن به بوکشه ر

سه اینکه بالاتر .شود پرداخته هم است صندلی قیمت معادل تقریبا یعنی تومان هشت

تومان هم همین هانتقال صندل یاز بوشهر بوده اس .بن تا براین این مبلغ هم باید به مبالغ

ساب ق افزوده گرد! با حساب سازی انگلیسیها هزینه صندلی خسارت دی - کدهه تازه

معلوم نبود خسارت به چه میزانی ب - ومد یشد نوزده تومان و یک قران و بیست و پن ج

دینار! خلاصه رئیس کل اداره تل گراف هند و ارو،پ اکنسول انگلی سدر شیرازو عداهی

دیگ ر از کارگزاران بریتان یاراه افتادند تا این مبلغ را از دولت مرکزی ایران وصول نمایند . انواع و اقسام مهر و امضا برای ی یت د ا مبلغ خسارت زیر نامه ا زده شد، تا ۱۹۱ قران بابت خسارت وارد شده به اثاثیه / ادعائی ی بر علیه دولت علیه ایران به مبلغ ۲۵ « وارد شو د . دلیل این خسارت هم نوشته : ن شایدب شکرالله خ ان « آسایشگاه کماری ج کماریج » صاحب منصب بقشون، جیبالام ته‌ای از کارکنان هندی خط تلگراف شیرازدر توقی ف کرد، جبرا داخل آسایشگاه کماری شجده، حکمصاحب منصبکل را مسخره ۱ . نمود ه... و یکی از صندلیها را شکسته

۱ . اداره تلگراف هند و اروپا به وزارت پست و تلگراف، مورخه ۸ جوزا (خرداد) ۱۳۰۳ ، اسناد وزارت پست و تلگراف ، بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی .

ص: ۳۹۱

۳۹۲ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

این ماجرا هفته‌ها و ماه‌ها طول کشید. بی‌طوری که هینجم تیرماه وزارت پست و ب‌ه‌صدور حکم لازم مقرر شود مبلغ « تلگراف به ارکان حرب کل قشون نامه نوشت که مزبور را اخذ و به تلگرافخانه انگلیسی شی رعایزد و قبض رسید دریافت شود، نتیجه را

۱

دارند اشعار جوابا هم « قشون فرمانده به جنگ وزارت . شوند مطلع لیبی انگ مقامات تا

۲

فارس و بنادر دستور داد مبلغ مزبور را پرداخت نمایند و نتیجه را اطلاع . دهند سرانجام سرتیپ فضل‌الله زاهدی به رئیس ارکان حرب کل قشون خبر داد مبلغ نوزده تومان و یک قران و دو پست و پنجاه دینار خسارت وارده موضوع صندلی خط تلگراف

۳

شیراز پرداخت گردید و قضیه به خیر و خوشی فیصله یافت! رئیس ارکان حرب کل قشون هم پرداخت مبلغ یادشده را به وزارت پست و تلگراف رارفش داد تا آنها هم به انگلیسیها اطلاع دهند و خلاصه قال قضیه کنده شود! ۴

اگر دولت رضاخان اینقدر قدرت نداشت که جلو این حرکات ثامت بار را بگیرد، چگونه می‌توانست در مقابل بریتانیا یا حافظ مصالح عالی و بلندمدت ملی کشور شود؟ او چگونه می‌توانست حقوق ایران را از محل غارتگریهای شرکت نفت انگلیس و ایران جبران نماید؟

سیمای سیاسی مدرسی

تاکنون در مورد زندگانی شهید مدرس فراوان سخن گفته شده، به طوری که شاید

نظراً بر آید هیچ بعد از ابعاد زندگی او نیست که مورد بحث و بررسی واقع نشده. ماباشد
در این بحث مختصر نه امکان بررسی سلوک سیاسی مدارا را سزاوار است تا انت هاداریم و نه

میتوانیم سایر ابعاد حیات او را منعکس. کانیم نتلاش یاس تمقدمات یب را بیافتن

الگوی به منظور ارزیابی جایگاه این رجل برجسته سیاسی در تاریخ معاصر ای. شرا این د

در درجه نخست این پرسش پیش آید که چرا ما اینهمه بر اهمیت سلوک سیاسی م در س

۱. وزارت پست و تلگراف به ارکان حرب کل قشون، ۵ سرطان (تیر) ۱، ۳۰۳ اسناد وزارت پست و تلگراف،

بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.

۲. وزارت جنگ به فرمانده قشون فارس و بنادر، ۱۱ برج سرطان (تیر) ۱۳۰۳، اسناد وزارت جنگ.

۳. سرتیپ فضل الله [زاهدی] به ارکان حرب کل قشون، ۱۴ اسد (مرداد) ۱۳۰۳، اسناد اداره تلگرافی دولت علیه

ایران، بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.

۴. رئیس ارکان حرب کل قشون به وزارت پست و تلگراف، مورخه ۱۸ برج اسد (مرداد) ۱۳۰۳، اسناد وزارت جنگ.

تأکید م یکنیم؟ در پاسخ باید بگوئیم علت این است که مدرس در سراسر حیات سیاسی خود، هرگز حریفان را به لطایالفحی ل از میدان خارج نکرد و بالاتر ک آن ها و ب اوصف این ک هیک مجتهد شناخته شده و طراز اول بود، هرگز مسائل سیاسی را با اب زار یغی راز سیاست پاسخ نگفت. ت ای ن نکته کمی نی س تک هف رد یمث لم، هر دگرز سشخصی ت سیاسی اش تحت الشعاع مسائل دیگر واقع نگردید، و هیچگاه دیده نشد حتی در ق ضاوت د رمورد مخالفان خود از دایره عدالت گامی بیرون نه. د مدرس در زندگی خود ن شان داد ب هچه میزان خلوص طینت و وسعت مشرب س رل راوح ه کار سیاسی قرار داده و از دای ره

ن ف ارت س ای س رگ ا. ت س اه ت ف ر ر ت ا ر ف ب ت ا ر م ه ب؛ ی ائل کلان و مل مس به شخصی نگاه و می عم افع من و ی صالح مل م یانت از برداری از امکانات موجود در جامعه برای ص بهره تلقی کنیم، مدر سبه واقع یک سیاستمدار ب. و ایدن نکت ه ا یاست ک هدر سراسر زن دگ ی سیاسی او دید همی شو د؛ به عبارت بهتر مدر، سمردی که عم ری در زه دو پرهیزک اری رم ا ره ر ب اری افع مل زبانزد خاص و عام بود، همیشه من اش محقرانه زندگی و زیست دیگری ترجیح داد؛ این رویه درست نقطه مقابل زمانهای ب ود که او در آن میزیست.

شاید نخستین اظهار نظر سیاسی مدرس هنگامی روی داد که به عنوان یکی از پنج

نماینده معرفی شده از سوی مراجع تقلید مقیم نجف برای نظارت بر مصوبات دوره

به توانست می که داشت قرار مقامی در مدرس. شد برگزیده ی م مجلس شورای مل دو

آسانی بر بسیاری از لوایح و مصوبات مجلس ان عظماء را کند و یا به قول معروف آن ه را
را تو نمای . دام او هرگز به چنین کاری مبادرت نو . رزیدر دهمین مجلس دوم حاجی
آقا شیرازی نماینده شیرا، از لایحه ای به مجل ستقدیم کرد که طبق آن متجاهرین به فسق
هرا از انتخاب کردن و انتخاب شدن محروم میگرد. در باب « معروفین به فساد عقید » و
ای ن لایحه هر کس سخنی گگ ف. ی تکی برای اینکه اثبات کند مسلمان است، از ترس و
قبل از این ک ه لایحه را نقد کند، شهادتین گگ ف. آتن دیگری اثبات فساد عقیده را از نظر
شرعی غیرممکن دانست و از تاریخ اسلام مثال آورد و کهایا گنر کسی خود منک ر
اتهامی عقیدتی شود که بر او بسته شده است، ندی مگیتروان ثبوت آن را به طور قطع
مدلل ساخت . یکی دیگر این قبیل لوایح را باعث ظنین شدن مردم به همدیگر عنوان
نمود. گفته شد این قبیل لوایح اخلاقیات مردم را فاسد میکند و باع ثم یشود مردم در
زندگی خصوصی یکدیگر کنجکاوی کنند و این امر البته خود خلاف شرع . یکاسی ت

دیگر میگفت این لایحه باعث میشود آبرو و حیثیت افراد لکهدار گردد، و اگر تصویب شود، هر کس به دلیل اختلاف شخصی تموان ی د فردی دیگر را بدون حجت متهم ب ه فساد نماید و جایی هم نیست که متهم بتواند به آن شکایت برد. این مباحث برای آن ی ل ح م ت ا ق ی ق ح ت ر د ر ف ن ک ی ی ح ر گ ا ت ف گ ص ر ی ح ا آ ق ا ح ا ج ی که گرفت صورت شهادت به فساد کسی داد، و حتی اگر این شهادت کذب بوده باشد، به ت نمیصلتح فرد یک ه علیه او چنینمطلبی مطرح شده وارد مجلس ش . و ا د م ا ب ح ث و ق ت ن ی ب ا ل ا گرفت ک ه ح ا ج ی آ ق ا گ ف ت م ن ت ق د ی ن ت ص و ر ک ر د ا ه ن د م ن ظ و ر ا و ف س ا د ع ق ی د ه از نظر شرعی است که د ر م و ر د ق ا ب ل ا ث ب ا ت و ی ا غ ی ر ق ا ب ل ا ث ب ا ت ب و د ن آن س خ ن گ و ی ن م د ، ی ح ا ل آن ک ه م ن ظ و ر ا و

« سیاسی فساد « زیاد العاده فوق توانست می سیاسی فساد مصادیق بحث دایره طبعاً . است باشد. هر کس م ی ت و ا ن س ت به آسانی کسی را متهم به چیزی سازد بدون ک های لازم باشد د ر ب ر ا ب ر ا ت ه ا م ی که وارد کرده، جوابگو ب. ا ب ا ش ل ا د ت ر ا ی ن که به صرف یک ادعای ش د کسی را از حقوق سیاسیش محروم ساخت .

در این لحظه بود که مدرس به سه پاخاست و مطالبی تاریخی ایراد کرد که با وجود که کسی حتی گفت مدرس . بود مهم العاده فوق بودنش، کوتاه « و ا ق ع ا » ا ب ع م ل ا ی ع ن ی دولت مخالفتی کرده است، نباید پروندهش را به دست کسی داد که از قانون اطلاع ی ن د ر ب ع ض ی م و ا ر د س و ء ر ف ت ا ر ی « ندارد، زیرا اگر چنین کاری صورت گیرد احتمال ک ا ه ی وجود دارد و البته و کلا از چنین چیزی رضایت نخواهند . ا د ا د ا م ش ه ت م ط ل ب « بشود

صورت گرفت به این شرح است:

بنده عقیده‌امای ن است که اگر آقایان صلاح بدانند، خوب است نحوی رفتار کنند
دسته دسته به شهادت از خودمان جدا آقا. که خودمان را تقلیل نکنیم، تکثیر نکنیم
نکنیم، به واسطه این که اگر دسته دسته از خودمان جدا بکنیم، کم می‌شویم. مدرس
ادامه داد: منتخب را که فرمودند؛ دایره‌اش را به این ضیقی بگیریم که اسباب

۱

گفتگو نشود، حالا خود دانید.

ای ن سخن مدرس زمانی گفته شد که یک مطلب کوتاه او در باب ضرورت

. ۲۵۱-۱ . در مورد مباحث این جلسه تاریخی نک: ب حران مشروطیت در ایران، صص ۲۵۵

ص: ۳۹۴

تصویب این لایحه مت‌یوانست تأثیر قاطعی در روند تصمیمگیری مجلس داشته باشد.

مدرس در حالی به عنوان یک مجتهد با این لایحه مخالفت کرد که ای دی‌عگره از

بودن کسانی سخن به میان آوردند که علیه مشروطه قیام «واجبالقتل» نمایندگان از

کرده اند، و یا اینکه ه فردی مثل شاهزاده شیال خرنیس قاجار به نحوی از تصویب این

لایحه دفاع کرد. مشاهده می‌کنیم که انگیزه مدرس در تصمیمگیری سیاسی و اعلام

گفت و داد قرار تأکید مورد را نیروها وحدت ضروت او. د و بی‌موضع، مصلحت مل

نباید به این طریق بین آحاد ملت فاصله ایجاد شود و به بهانه هائی از قبیل فساد عقیده

و تها شکاف به وجود آید، زیرا این مسئله باعث ضعف و فتور مل توده بین سیاسی،

سست شدن آنان مگ یردد. همان طور که قرآن کری مدر سوره مبارکه انفال آیه ۴۶

یعنی هرگز راه تنازع و اختلاف «. و لاتنازعوا فتفشلوا و تهذب ریحکم م»: فرموده است

نپوئی د که در اثر تفرقه ترسناک و ضعیف شده و قدرت و عظمت شما نابود خواهد شد.

شیار بن آل اب قرد رگی ی دزی چ چ ی ه و ت ش ا د ه ج و ت ت به قدرت و عظمت مل مدرس

ارزشی نداشت؛ البته این قدرت را در پرتو وحدت نیروها یسر م یدی د. او مخالف

مصلحت را باید همه ی گفت در راستای منافع مل می و بود داخلی نیروهای تشتت

کشور قرار دهند و اگر فریادی دارند بر سر دشمن خارجی بکشند که دشمن ایران

است و همه نیروهای مشروطهخواه.

مورد دوم عبرتآموز در زندگی سیاسی مدر، سدر مجلس ششم اتف اق افت. اددر ای ن

ه خود را معرفی کرد، یکی از وزرای

الممال ک می

پیشنهادیاش حسنخان وثوقالدوله بود. وثوق که به قول سیدمحمد کمر ای پهلوان

عرصه دیپلماسی به شمار می آمد، در این مجلس به شدت با حمل ه دکت ر محم د م صدق

مواجه شد. مصدق به وثوق بابت انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ تویی د و گفت مع روف اس ت وی

بابت ام ضای این قرارداد رشوه گرفته است و به همین دلیل صلاحیت تصدی منصب

وزارت ندارد. پیش از این در جریان جنبش علیه قرارداد ۱۹۱۹ هم م صدق و ه م درس

ه ب ن ایرا مصالح راستای در و دینی و ی مل گاملا موضعی از اینان. داشتند قرار صف یک در

مخالف ت با قرارداد برخاست ن. ا دم ابودن دک سان یک هانگی ه از ه ی شیخ صی داش تند و ی ا

بحرانسازانی بودند که با حمله به وثوق و هر دولت مقتدر دیگر، س ودای استقرار نظ امی

دیکتاتوری را در سرمیپروراندند. ب ه واقع بعد از طی شدن بحرانی فراگیر مثل س رایت

۳۹۶ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

جنگ اول جهانی به ایران، وقوع قحطی بزرگی که صدها هزار تن از جمعیت را برباد داد

گرسنگی درو کرد، ترورهای کمیته مجازت، جنگ داخلی و راهزنی و امثال اینها، امثال آن

مدرس به این نتیجه رسیدند که وثوق صلاحیت اداره کشور را در آن شرایطی ت

خ ز

داراست. نکته جالب این است که همان حاجی آقای شی ردارز زیمه اف رادی ب و د که در

اوایل سال ۱۲۹۷ شمسی از ریاست وزرائی وثوق حمایت. کوا رقدع امر این است که

وثوق هم در اقدامات خود موفق ب؛ وجود خود وثوق را به مکافات رسانید، راهزن آن را

سرکوب کرد و قحطی را مهار ساخت و خلاصه نظامی مقبول در جامعه برقرار نمود. اما و د

ی کسالی بعد از رسیدن به قدرت قرارداد ۱۹۱۹ را امضا کرد. مدرس باز هم از موضع ی

وقوت و دنم آرا که روی از هکنان ای اب او.ت برخاس مخالفت به قرارداد این بای مل و دینی

حمایت کرده بود و با ایکن ها اقدامات وثوق را در زمینه برقراری آرامش در کشور ستمودی،

اما با قرارداد یادشده به دلیل اینکه ه بنور داشت ایران را به زیر سلطه ب رمیتا ینیراد به مبارزه

برخواست؛ مبارزه او هم با مخالفهاتی کوتاه بینانی که در اندیشه سقوط او به هر شک ل

ممکن بودند، تفاوت داش. تاما همین مدرسی که با قرارداد مخالف ت که رده و علی ه آن در

بهارستان تظاهرات راه انداخته بود؛ همین مدرسی که وثوق را به دلیل انعقاد آن قرارداد به

شدت مورد انتقاد قرار داد، در اببر رسخنان م صدق مبنی بر رش ایعه رش س تانوی هوی از

انگلیس موضع گیری کرد و به دفاع از وثوق برخا.سایتن نکته بسیار مهمی است، زیرا به

طور قطع وجه اشتراک مصدق و مدربه سمراتب از دیگر رجال سیاسی بیت شر بود. با

وصف این اشتراک در نظر و عمل، مدرحقی سقت را فدای مصلحت نکر. اودم صلحت
انی ح رون ای درس م. ودم ن ابی ارزی تر مهم اختلافات دست این از را کشور آینده وی مل
کرباس پوش که زندگی زاهداناهش ضربالمث لب ود، در حمای تازوٹ و قک هدر زمره
رجال متمول ایران به شمار میآمد، سخنانی تاریخی ایراد کرد که نه بوی انتفاع شخصی
داشت و نه میخواست از قبل این حمایت خود، چیزی به دست آور. او خطداب به
مصدق گفت از وثوق به هنگام کاندیداتوری ریاست وزرائی حمایت کرده و از این
حمایت خود هم پشیمان نیست؛ تدرعین حال گف تخودش در زمره نخستین افرادی بوده
که هعلیه قرارداد ۱۹۱۹ به پا خاسته اس. اتین ک هوثوق رش وهای ستانده ی ان ه، موضوعی
است که خود باید پاسخگو باش. ادما مسئله این است که کشور و ادارات آن به رجالی مثل
وثوق نیاز دارد و اگر بنا باشد امثال او که مدیرانی شایسته اند از میدان به در روند و هر

کدام بر اساس شایعه و یا اتهامی خاننشین گردند، پس چه کسی باید زمام اداره کشور را
بهدست گیرد؟ ملاحظه مکینی م که باز هم مدر را سختلافات شخصی و سیاسی را در پرتو
شان م د توانن ی م ه ک ی ی اه نیرو ه کلی ه ک است باور این بر و شمارد می ناچیزی مصالح مل
خدمتی به کشور شوند، باید جذب گردند و نباید هر کدام را ب ه بهان ای از میهدان خ ارج
ساخت .مدرس گفت قرارداد ۱۹۱۹ هر چه بود به تاریخ پیوست و باید ب ه ج ای چ ون و
چرا کردن در باب آن و بحث کاهی ان نعقاد آن خدمت بود یا خیانت، ب ه آین ی
ده اند شید؛

آینده ای که از وجود سیاستمدارانی مث وثوق بیناز نیست . ب ه عبارتی م در م سعتقد بو د
ی م و م ع ع ف ا ن م و ی در این راستا با ضابطه مصالح مل . شود ساخته ایرانی دست به باید ایران
کشور می توان با تأکید بر نقاط اشتراک ، کلیه نیروها استفاده ک .رمددرس م یگفت وثوق
ه مدر دفاع از اقدامات خود استدلالاتی دارد، پس نباید ب همطلب یک هدیگ رموضوعیت
ندارد بال و پر .ادمهم این است که مدر ،سشخصیتی که از اتخاذ مواضع سیاسی خود
د ا ب ر ب ا ر د و خ ی گرد، شاید به دلیل حمایت از وثوق و جاهت مل نمی مطالبه شخصی نفع
ت و جاه انی ب قر ، د و ب شای دین باورهای از ناشی که اری اما او هرگز مصلحت مل . داد می
شخصی نکرد و در این زمینه به راستی زبانزد خاص و عام بو د .

۹. قشون و بازگرداندن مجدد رضاخان به قدرت

با تمام اوصاف ذکر شده، محافل و رجال سیاسی یا حمیتی از خود ن شانندان دو از
فرط ترس حاضر به خودکشی گردیدند و یا با قزاق سخهنمگردیدن د . نتیجه این شد که ه
ائتلافی قدرتمند حول محور م در شس کل نگرف . ت د رنقط همقابل، بعد از شکست

رضاخان در غائله جمهور، بیا ر دیگر ائتلاف اوباش و نخبگان هوادا ر اوش ک لگرف . ت
همزمان با انتشار مقالات امثال دش،ت طبق نقشه، فرماندهان نظامی از اقصی تق ا طک شور
تلگرافهای تهدید آمیزی ارسال کردن د. روز بی

ستم فروردین ماه سال ۱۳۰۳ احمد

امیراحمدی، امی ل رشگر غرب، ح سی آتق اخزاع ، یامی ل رشگر شرق و عدا هی دیگ راز
فرماندهان نظامی تهدید کردند که اگر در م دت دو روز آین ده رضایت رض اجلخان ب
نشود، آنها به تهران حمله خواهند کرد .فرمانده فوج همدان دو روز بعد از رفتن رضاخان
تلگراف کرد اگر ظرف چهل و هشت ساعت آینده او بازگردان دهن شود ، س پا هغ رب از
لرستان خارج خواهد شد و بهعبارت ی منطقه را به دست اشرار خواهد س پ . رادز شرق ت ا

ص: ۳۹۷

غرب و از شمال تا جنوب کشور، فرماندهان نظامی متلهاگری ا تهدید آمیز دیگ ر یارس ال نمودن د و مضمون همه آنها تلاش مجلس ب را یبازگردانی د نرض بواد . خافنرماندهان نظامی، بیکار ه ه او عربدهکشان را جمعآوری کردند و خود رهبریشان را به دست گرفتن .د ب هدنبال این حوادث مجلس شورای مل یروز بعد تشکیل جلسه .دادس هرروز بعد از رفتن رضاخان تلگرام ه ادر صحن مجلس خوانده شد، نمایندگان مرعوب شده بودن . اکثریت دی ک ه با تلاش مدر اسندک اندک علیه رضاخ اشکل گرفته بود، مبدل به اقلیتی ناچیز ش د ؛ به طوری ک هوقتی رأیگیری به عمل آمد، ۹۴ تن از نمایندگان خواس تا ر بازگ ش تف وری رضاخان به سر کار شدند و تنها شش تن رأی مخالف . مقدار دن ر دشد مجلس یه أت یبه بومهن فرستد و خبر انتصاب مجدد او را اعلام و ق زا قراب هته را نبازگردانن . ع ددهای دوازده نفری متشکل از رهبران احزاب و منفردین به بومهن رفتند تا رضاخا نرا به ته ران بازگردانند . مستوفی الممالک م ، شیرالدول ه ، یحیی دول آبادی و دکتر محم دم صدجق زو این هیأت بودن د، ۱

فقط مدرس و رفقاییش با ای نعم لموافق تنکردن دو نرفتن د؛ ام ا»

۲

ای نب و دت صمی مسیاس تم ا دا نرو «...دیگران به بومهن رفتند و با پهلوی ملاقات کردند رهبران گروههای سیاس ؛ ی با این تصمیم که تحتأث تی ر تهدیدات فرماندهان قشون صورت گرفت ه بود، چگونه میش د مانع از صعود قزاقان شدر؟ض اخان شکستخ ورد هاین کبا فیروزی تمام وار دپایتخت شد و در سعد آبقاادمت گزی . دنماین دگا نمجل س ، رج ال و سیاستمداران مرعوب شده، روز بعد از بازگشت وی دس ت هس ت هب هدی دار شرفتن دو

انتصاب مجدد او را تبریک گفتند.

خبر به احمدشا هرسید، شاه که چاره‌های جز پذیرش رضاخان نداشت، روز بیست و سوم فروردین تلگراف کرد با اینکه طبق قانون اسامیت یوانست از رضاخ اسنلب اعتماد نماید، لیکن صلا ان حدیثی مجلس را رد نمیکند و از ولیعهد مخوا یه د به رضاخان اطلاع دهد کابینه خود را معرفی ن. م ۱۴ای ردضاخان که موقعیت خود را تثبیت شده می دی د بیست و چهارم فروردین کابینه جدید یخشو را معرفی ک . رایدن بار او

۱- ۳۳۱- . حیات یحیی، ج ۴، صص ۳۳۲

۲. تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۷۳

۳- ۵۲۶. تاریخ بیست ساله ایران، ج ۲، صص ۵۳۱

۴. همان، ص ۵۴۶

ص: ۳۹۸

سلیمانمیرزا را از وزارت معارب برداشت و کسی ارهم به جایش منصوب نن م. بوده
جای سرتیپ خدایا رهم سلرشگر محمود انصار یرا به وزارت پست و تلگرا گفمارد؛
ب ه این شکل از مثلث سرتیپ خد، ایاسرلیما م نیززا و میرزا کریمخان رشتی، دو تن به
ظاهر از صحنه کنار رفتن د.

۱۰. شمهای از تظاهرات مذهبی رضاخان

اندکی بعد از به دست گرفتن مجدد قدرت، رض ادخرا نصدد برآمد هرچه بیشتر
دل روحانیان ار که در اثر غائله جمهوریخواهی آزرده شده بود به دست آورد؛ هرچند
در آن ماجرا روحانیان طراز اول مثل سید ابوالحسن اص، فها شنیخ محمدحسی ننائینی و
البته شیخ عبدالکریم حائر آیشکارا مخالفتی ابراز نداشت. تناب دتدا به مناسبت شبهای
احیای ماه رمضان مراسمی برگزار شد و روزنامههای طرفدار دولت از جمله ستاره ایران
آن را پوشش خبری دادن. م دتن خبر حکایت از آن داشت که رضاخا براینحفظ
از طرف اداره قشون در میدان مشق»، دست به اقداماتی زده است «شعائر اسلام ی»
چادری برافراشته شده، عموم اعضای قشون و نظامیان در محل مزبور حضور یافته، از
». طرف واعظین احکام اسلامی بیان میگشت

آقای رئیسالوزرا و اغلب اعضای کابینه و بعضی از رؤسای ادارات، در «بالات راینکه
ش ب قبل در میدان مشق حاضر و در موقع قرآن به سر، شرکت جستن؛ د در اداره نظمی
۱ یافتند». نی زامسال مراسم احیا به عمل آمده در لیله قبل عموم کارکنان نظمی حضور
رضاخان به مناسبت ماه محرم آن سال هم مجالس روضهخوانی در منزل خود برگزار
کرد، شخص او به اتفاق اعضای خانوادش هدر این مراسم حضور م بیافت. ۲ روز

عاشورا رضاخان سردسته گروه بزرگی از عزاداران شد که امرای ارتش هم در آن

۳

که بود مذهبی تظاهرات همین. زد زنجیر و سینه شُخصاً رضاخان داشتند، شرکت

باعث شد فقیه عالِم یقامی مثل نائین یدر اوایل خردادماه سال ۱۳۰۳ مکتوبی خطاب به

رضاخان ارسال نماید که مشروح آن به این شکل است:

۱. «اجرای مراسم احیا»، ۱. ستاره ایران، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۰۳ مطابق با ۲۵ رمضان ۱۳۴۲

۱۴-۱۴۵. ۲. خاطرات سلیمان بهبودی، صص ۸

۳. همان، صص ۱۵۵

صص: ۳۹۹

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت شوکته، در این موقع که بحمدالله سبحانه و تعالی سالما به عتبه مقدسه شاه ولایت صلی الله علیه و آله الطاهرین مشرف شدیم دعای دوام تأیید حضرت اشرف دامت شوکته در اعتلای دین و دولت و موجبات و مراقب گاملا انسته و تعالی مملکت و ملت را در تحت قبه منوره از اهم ادعیه د محض کمال میمنت و تبریک، یک قطعه تمثال مقدس را که از قدیم در خزانه مبارکه محفوظ است از جناب مستطاب ملاذ الانام آقای آقاسیدعباس کلیددار روضه منوره برای آن وجود اشرف درخواست شد و اینک به صحابت جناب اجل اکرم سردار رفعت دام تأییده تقدیم مینماید و بهترین تعویذ و حافظ آن وجود اشرف خواهد بود انشاءالله . بحمدالله تعالی عنایات حضرت اشرف از ابتدای پیشامد این مسافرت و مدت اقامت در دارالایمان قم الی کنون مستمر و هرکدام شایان کمال تشکر و امتنان و سرآمد همه اعزاء جناب اجل اکرم سردار رفعت دام تأییداته الی ورود به این آستانه مبارکه . یقین است هم چنان که زحمات و خدمات و حسن مراقبتهای آن جناب اجل در پیشگاه اقدس شاه ولایت صلی الله علیه و آله الطاهرین بر اعلی درجه قبول انشاءالله تعالی فائز خواهد بود . همینطور در نظر حضرت اشرف هم موقعی عظیم خواهد داشت و مشمول عنایات خاصه خواهند بود ان شاءالله تعالی و به اقتضای فرط اشتیاق و کمال امیدواری که دوره زمامداری حضرت اشرف دامت شوکته شرف عظیم تاریخی و ذکر جمیل ابدی در صفحات

شیخ محمد خالصیزاده صدور این دستخط و ارسال تمثال امیرالمؤمنین برای

رضاخان را مورد انتقاد قرار داد و در مسجد گف شاه ت صدور این دستخط اجباری بوده

۲

است. روز هفدهم خرداد ماه آن سال تمثال از نه‌خیاب یاتهران عبور داده شد و ب ه

۳

رضاخان تقدیم گردید. طولی نکشید که نائین یو سیدابوالحسن اصفهان دیر تلگرامی

خطاب به مردم ایران از اینکه به دنبال غائله جمهطل وبری یامنیت و آرامش در وکروش

برقرار شده است، ابراز رفع نگرانی کردند؛ اما آنها باز هم ضرورت تعیین هیأت پنج

۱. هفتهنامه جارچی مل، ت ش ۸، ۱۱ جوزا ۱۳۰۳، ص ۱

۲. همان، ش ۱۲، مورخه ۱۴ جوزا ۱۳۰۳، ص ۱

۳. همان، ش ۱۳، مورخه ۲۱ جوزا ۱۳۰۳، ص ۱

ص: ۴۰۰

راجع به تمامیت انتخاب هیأت معظمه علمای نظار مجلسی که در موقع حرکت، به حسن اهتمام آن حفاظ شرع انور موکول داشتیم بیخبر. بشارت این حسن موقعیت را

اللهی لء ص ای ص و لا ا دی س رت ض ح در رعایت احترام تمثال مبارک مخصوصاً منتظر و عای رس علیه و آله الطاهرین که از قدیم در خزانه مبارکه حیدریه مضبوط و یک قطعه آن محض دوام و موقعیت حضرت اشرف آقای رئیساً لوزرا دامت شوکته در حفظ دین و

۱

دولت انفاذ شد، اقدامات شایان مقام تمثال مبارک فروگذار نخواهد شد.

ب هاین شکل عمدتھری ن نگرانی سیدابوالحسن اصفه ان ویآیتالله نائی نی بحث انتخاب پنج تن از علماء برای تیط ب ق قوانین مجلس بر احکام شرع بود؛ ضم ن آنان شایعه اینکه تمثال به اجبار برای رضاخان فرستاده شده است را بیجا دانستن د.

عده ای ماجرای تمثال را به شایعه‌ی نسبت م یدهند که آن زمان در تهران سرزبانها بود. روز شانزدهم خردادماه ۱۳۰۳ به ناگاه شایعه‌ی د ر تهران پیچید که گویا رضاخان بهائی است. رضاخان بلافاصله در برابر موضوع واکنش نشان داد. دبه این شکل که ه مراسمی تصنعی و از پیش تعیین شده اندا رازھی گردید و ضمن آن تلاش شد از تعمی ق این شایعه جلوگیری ش و. دهمانروز که مصادف با روز جمعه بود، رضا دخار نحضور جمعیتی که برخی دیپلماتها تعداد آن را حدود بیست هزار تن بمرآیو کرردند، ۲ با تمثال امام علی(ع) حاضر شد. ولیعهد و برخی از اعضای اقلیت پارلمانی مجلس مثل مدرس در این جلسه شرکت نکردند. ب ا این وصف شایعه بهائی بودن رضاخان در افواه جریان داشت. یکی از نقاشان شهر تصویری از رضا تخراسنیم کرد که روی لباس او نوشت ه شده بو: د الله ابھی؛ ک ه سلام و علیک مرسوم بهائیان است. تمام این تصاویر

جمعاوری و نقاش مزبور هم دستگیرش د.

البته ر ضاخان از این اوضاع باز هم به نفع خود استفاده . ا کو بررا دی مستحکم کردن

پایه های ضعیف شده قدرت خوی شدر اثر بلوای جمهور، یدست به اقداماتی دیگر هم

زد. یکی از اینها صدور بخشنامیه بود خطاب به وزارت معارک فم یخواست در

۱. همان .

.Dispatch by Kornfeld, No. ۵۳۹, June ۱۲/۱۹۲۴, DS. ۸۹۱.۰۰۲/۱۳۶ Majd, p. ۱۷۸.۲

.Dispatch by Kornfeld, No. ۵۵۲, June ۱۶/۱۹۲۴, DS. ۸۹۱.۰۰۲/۱۳۸ Majd, Ibid.۳

ص:۴۰۱

نفری علما برای نظارت بر مصوبات مجلس را یادآور شدند:

۴۰۲ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

اجرای نمایشنامه ها، مقررات شرعی زیرپا گذاشته ن ش. و دمتن این دستورالعمل که در

روزنامه ایران چاپ شده بود به این شرح است:

باید ناظر شرعیات حدود مسئولیت و نظارت قانونی خود را از هر حیث، چه نسبت

د، شوی م به مطبوعات و چه نسبت به پیسهای نمایشهایی که داده

کاملاً رعایت

کرده و از اجازه درج و نشر مسائلی که برخلاف موازین شرع انور و مصرحات

قانون است و همچنین از تصدیق نمایشهایی که مضر به اخلاق اجتماعی و دیانتی

است اجتناب و خودداری نماید و از ادای این وظیفه قانونی غفلت نورزد و مراقب

.

.

باشد که مثل سابق سوء تفاهمهایی که در اطراف بعضی جراید و پاره‌های مایشها

تولید شده بود نظایر پیدا نکند، والا گذشته از اینکه متصدیان و مرتکبین منهیات از

طرف دولت مواخذه و تنبیه میش ن ود، مسئولیت غفلت و مسامحه که در این قبیل

۱

موارد از طرف ناظر شرعیات ناشی گردد، متوجه آن وزارت جلیله خواهد بود.

رضاخان و دستهای پشت پرده از بلوای جمهوری درس . گگ آ رنفت هنا دتلاش کردند

از این به بعد عملیات خود را با دقت بیشتری طراحی و اکزن نهی داهو خودداری ورزند

و غوغائیان را کمتر میدان ده. ندد ر این راستا روز دهم شهریور رضاخان اعضای
سوسیالیست کابینه را کنار گذاش؛ تزیرا دیگر از آنان نگرانی نداشت و م یدانست
هماره مدافعش هستند؛ ضمن اینکه عصر آنان را سپری م شد یهدانست. اکنون رضاخان
ب ه کسانی نیاز داشت که مثل سلیمیمارزنا با داد و قال وارد عرصه سیاست نشوند و
حساسیتها را تحریک ننمایند. این افراد عبارت بودند از داور و تیمورتاش و
نصرتا لدول فه یروز. در همین ایام کابینه ترمیم ش د. د ترمیم کابینه فروغی از وزارت
خارجه به وزارت مالیهرف ت. مشارالملک به جای وی وزیر امور خارجه . گردید
جعفرقلی سردا راسعد به وزارت پست و تلگرا نای فل آمد و تیمورت اوزی شر فوائد
عامه ش د. ادی بالسلطنه سمیعى به وزارت عدلیه راه یافت و سرتیپ انصاری وزیر داخله
گردید؛ نظا ا ملدین حکمت مشهور به مشارالدوله هم کفیل وزارت معارف ش د.
بع د از بلوای جمهوریسردار سپه در مقابل مدرس سپر انداخت و با او ملاقاتی
کرد . د ر این ملاقات مدر اسز رضاخانخواست احمدشاه را به کشور بازگ ر. داند
۱. روزنامه ایران، مورخه ۲۸ جوزا (خرداد) ۱۳۰۳ ، دستورالعمل رضاخان به وزارت معارف .

اما به جای این اصرار تدابیری در تهران و جاهای دیگر به « رضاخان قول مساعد داد کار بست هم میشد که آمدن شاه به تأخیر افت . در جراید غیرمعتبر فرنگ مقالاتی در تضعیف شاه انتشار داد هم میشد و مخارجی هم دولت محرمانه در نشر این تبلیغات

۱

« . متحمل میگردید . کسانی هم برای تهیه این کار به اروپا رفتند

در تابستان سال ۱۳۰۳ شماری از روحانیان تهران تلمگرای خطاب به احمدشاه ارسال کردند و از او خواستند پیامی به رضامخواب نره کند و ضمن اینکه از تلاشهای او قدردانی میکند ، اعلام نماید آماده است به تهران مراجعت . کنشده البته پاسخ داد نمیتواند چنین کاری را انجام دهد زیرا رئیسالوزرا مبیاست به او تلگراف زند و خواهان بازگشت شاه به تهران شود و ازین ابالاتر او را از حمایتهای خویش مطمئن

۲

سازد . معلوم بود که رضاخان چنین کارینم یکرد . او دنبال این بود تا ریشه قاجار را برکند ؛ اما شاه هنوز در قید تشریفات اداری . ربوضادخان که آماج حملات بود ، تلاش کرد اذهان را از بحثهای پنج نفری ، تقاضای بازگشت شاه به کشور و شایعه بهائی بودنش ، به سمت و سوئی دیگر منحرف ن . مقاتیدل عشقی این زمینه را مهیا ساخت و به دنبال آن قتل ایمری هدف یادشده را تکمیل کرد .

۱۱ . قتل میرزاده عشقی

رضاخان بدون حکومت نظامی و قوه قشون ، در حکم هیچ بود . پس بادید تلاش می کرد با یک تیر چند نشان : زندخست اینکه خود را از شر مطبوعات ره اس ؛ د و امزد

با ر دیگر حکومت نظامی برقرار ک؛ن ود در نهایت خیال شرکت نف تانگل ی س و ای را ران
به نحوی از کمپانی آمریکائی سینکسر که به دنبال امتیاز نفت شمال ایران بود، آسوده سازد .

اینجا بود که طرحی به غایت هوشمندانه به بوته اجرا گذاشته شد و حوادثی

شگفتا نگیز رخ داد که در نوع خود ی نظیر بو د. یکی از این حوادث قتل میرزاده

عشقی بو د. میرزاده عشق یاز مخالفین جمهوری رضاخانو د. این شاعر جوان که

پیش ت ر در زمره مخالفین مدر ق سرار داشت، با گذشت زمان دریافت تنها ر م س د است

که م ی تواند جلو خود سری رضاخانو را بگیر . داز آن به بعد عشق ب یا شور و شوقی

۱ . تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۱۶۵

.Kornfeld to Secretary of State, No. ۵۴۶, June ۱۴/۱۹۲۴, DS. ۸۹۱.۰۰۱/۵۶ Majd, p. ۱۸۰.۲

ص: ۴۰۳

۴۰۴ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

زایدالوصف در صف همکاران مدرسدرآم د. او با اشعار فکاهی خود قزاق را هماره

خشمگین م یساخت. عشق ی در روزنامه فکا ا هیش ب ه نام قرن بیستم جمهوری

رضاخان ی را مسخره کرد و البته اندکی بعد توانی سخت بابت آن . ای ن داردوزنامه در

اوای ل تیرماه ۱۳۰۳ مجددا اجازه انتشار گرفت .

روزی پنج سال آن تیرماه دوازدهم روز بعد از اینکه تنها یک شماره ز راوزنامه فکاهیا شیعن یقرن بیست م را در دوره جدید

منتشر کرد، به دست قزاقان به قتل رسید .

محمدرضا میرزاده عشق یفرزند سیدابوالقاسم همدان دیر دوره جنگ اول جهانی

جزو مهاجرین بو .د در دوره بع د از کودتای سوم اسف نادز سوسیالیستها حمای تم ی کر د

و علی دشت ی مقالات آتشینش را در شفق سرخ چاپ م ینمود . او آن زمان علیه مدرس

و اکثریت پارلمانی مجلس چهارم فعالی م تیکرد ، اما دیری نپائید که متوجه ماهیت

تحولات ش د . از آنجا که مردی بود نیک نفس، مواضع جدید خود را علنی ساخت و به

این شکل دشمنی قزاق را به جان خ.رعیشدقی به این دلیل باید ک مشتھیش د که

او روزنامه . است اجنبی برساخته ، جمهوری ویژه به اخیر بازیهای بود، نوشته صریحا

بلافاصله توقیف ش . د اما قزاق کینهجوی نم یتوانس ت تا نابودی عشق ن یفسی به راحتی

کشد ؛ سرانجام هم روز روشن مقابل ا خان شه او را به قتل رسانی د.ندعشقی روی تخت

بیمارستان خوابیده بو؛ اما مأموران تأمینات شهربانی او را جیواتزی م یکردند. بهار ک ه

د ر این لحظه از مجلس خارج و ب ربالین عشق یدر مریضخانه نظمیہ حاضر شده بود،

۱ . « . شخصی استنطاقش میکر د و او هم پرت و پلاج موا بیداد » این صحنه را دید که

بهار تق ل میکن د در این حالت رنگ عشق یسفید شده بود، بدنش سرد بود و از سرما

به خود م‌بیچید . عشق ی به بها رگفت صبح زود ابوالقا سیمسر ضیاءالسلطا نو حیب

همدانی به در خانه او آمدند تا تونام صیهه ا بیرای یکی از آنها خطاب به یکی از

خوانین همدان بنویس د. وقتی برگشت تا کاغذ بردارد، او را با تیر زدند و . گریختند

عشقی به خانه همسایه دوید و هماا ترجمین خور . د ا و را به مریضخانه نظمیه بردند و

عشقی از همانجا پیام داد که میخواهد بهار را ببیند .

بع د از بها،ر عباس اسکندر یمدیر روزنامهسیاست بر ب الی ن وی حاضر ش . ا طبداى

۱ . تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۱۰۶

ص:۴۰۴

فرنگی هم بر بالین او حضوری اف تنگدوله زیر قلب عشق یخورده و همانج اگی رک رده بود، ی ک ساعتی بعد او از دنیا . رفهمتان روزی که میرزاده عشق ب یه قتل رسید، کورنفلد وزیرمختار آمریکا در تهران، خب ر را به وزار تخارجه ک شور شاطلاع دا . د روز بع د او

۱

نوشت در مراسم تشییع جنازه و خاکسپاری عشقی سی هزار تن شرکت کرده‌اند.

روز چهاردهم جولای سال ۱۹۲۴ مطابق با ۲۳ تیرماه ۱۳۰۳ مازور ایمر یکنسولیار

سفر تا آمریکا گزارش داد به دنبال قتل عش تقظیاهرات سیاسی و مذهبی گستارد یهبه

راه افتاده است که رضاخارنا به عنوان قاتل عش قمع یرفی کرادندهو از او به عنوان

سرکوب کننده مردم نام برده‌اند . ام اقزاقان برای منحرف ساختن اذهان از نقش رضاخان

د رتوطئه، حیلاهی جدید ساز کردن د . به قول بهار شایع شد از دو نفری که عشقی را

مور د حمله قرار ددهان د ، یکی گریخته است . کسی که م یگفتن د فرار کرده از قضای

روزگار همان فردی بود که به سوی عشقی شلیک کرده . نظمبویده که خودم یدانست

چه خبر است، قاتل را تحت پیگرد قرار . انبدوالدقاسم را هم که دستگیر کرده بودند به

نگهداری را او شخصاً نظمیة رئیس در گاهی محمدخان . ندادند تحویل العموم مدعی

از همه مضحکتر ، محمد نامی که ابوالقاسم را گرفته و به پاسبان تحویل داده . میکرد

۲ جراید منتقد رضاخان « بود ، برده حبس تاریک کردند و گفتند قاتل ع اشوقسی ! ت

توقیف شدن د . نمایند گانی کهمیدانستند اوضاع از چه قرار است از افشای حقایق

برحذر داشته شدن . د مدیران جراید هم در مجلس متحصن گردی . دن دیگر اینکه

نمایند گانی از اکثریت پارلمانی به نزد رضا خرافت نند و توضیح دادند قتل عشقی باعث

چه اهمیت « تزلزل امنیت شده است و مردم ناراضی خواهند شد. رضاخان گفته بود:

دارد قتل یک نفر، چرا در جنگهای ما که آنقدر کشته شون د ماضه یار تأسف

۳ «!؟ نمیکنید

در این بین کسانی مثل فرخی یزدی روزنامههای طوفان و پیکار اشعاری در

رثای عشق ی سرودن د. از جمله این اشعار رباعیات مشهوری بود که توسط فرخی سروده

شد و ابیاتی از آن به این شکل است:

.Kornfeld to Secretary of State, July ۹/۱۹۲۴, No. ۵۸۶, ۸۹۱.۰۰/۱۲۹۲ Majd, ۱۸۳.۱

۲. تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۱۰۸

۳. همان، ص ۱۱۰؛ علامت؟! از بهار است.

ص: ۴۰۵

یکدم دل ما غمزدگان شاد نشد

ویرانه ما از ستم آباد نشد

دادند بسی به راه آزادی جان

اما چه ن تیجه ملت آزاد نشد

.....

خیزید و چو شیر شکره اقدام کنید

ف

خ تان پلنگ زیب اندام کنید

.

هر جا نگرید گرگ خونخواری را

با حربه انتقام، اعدام کنی د ۱

۱۲. تظاهرات ضدبھائی و مسئله رضاخان

اعتنائی بی دلیل به سرانجام . قاتلان دستگیری ای

عملا بر اقدامی صورت نگرفت

رئیس اقلیت که امروز پیشوای واقعی « حکومت، مردم دست به تظاهرات زدند. آن روز

س ۲ م میتوانست رضاخان را از ریشه برافکند؛ ن ادگ ر دیگر « ایران نامیده م یشد، یعنی مدر

مخالفان رضاخان، به میدا نم یآمدند . اما رضاخان به سرعت از اوضاع به نفع خود

بهره برداری م یکرد؛ اینک هم وقت بهبررهداری فرارسیده بو . د تهران در طول یک هفته

بعد از قتل عشقی هم ه تظاهرات بو؛ د اما برنده اصلی ماجرا رضشا خد . ان نیروها

متشنت ، افکار پریشان و سیاستمدارانی مثل تیمورت اوش نصرال تدوله فیروز که ت ا
دیروز در صف یاران مدر ب سودند، اینک به رضاخ اپی نوسته بودن . د هیچ ائتلاف قابل
توجه ی علیه قزاقان شکل نگرف . تا ز منظر رضاخا ناکنون هدف اصلی تأمین شده بود،
بالا ت ر اینکه انگلیسیها توانستند اذهان مردم را از قتل عمن شقصیرف و منحرف سازند،
پ س به ناآرامیاه پایان دادن . دایمبری گزارش داد این تحولات حائز اهمیت ه؛سترنی در ا
بیثباتی سیاسی ایران را ترسی مم یکنن د. از سوی دیگر این تحولات نشمانیدهند افکار
عمومی در ایران چگونه هدای م ت یشود . پیش بینی می شد در ماه محرم رویدادهائی به

۱ . دیوان فرخی یزدی، ص ۲۴۰

۲ . تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۱۱۳

ص: ۴۰۶

کورنفلد وزیرمختار آمریکا گزارش این تظاهرات را مخابره کرد و گفت
گردهمائیهای مردم شکل ضدبھائی به خود گرفته است. سبب ه توقع چرا مردم به فرض
صحت گزارش کورنفلد، د علیه بھائیان تظاهرات م ت یکردند؟ آیا مردم قتل عشق یرا مشابه
اقدامات کمیته مجازات میدانستند که گفته میش د برخی بھائیان با آنها همکاری دارند؟
ی اینکه دستھائی میخواست ت تظاهرات علیه رضاخا نرا به هدفی فرعی منحرف نماید
ت او را نجات دهد؟ ب هیاد داشته باشیم از نمی ک ه- د را اثری دیگری- سرگذشت کمیته
مجازات و عاقبت کار آن را بررسی کردیم ، از مردی به نام اکبر نخجیوا نام بردیم
ک ه ژاندارم بود و متهم به ارتباط با کمیته م ؛ ج اتزاهام تی که طبق اسناد موجود هرگز
اثبات نشد . همانجا توضیح دادیم که این رم د به نفع نصرال تدول ه فیروز وارد عملیات

تروریست ی شده بو .د از سرنوشت غانمگیز او سخن گفتیمو از پایان تراژیک زندگی او
بعد از بیست و پنج سال ح ب. ای سنک پرسش ما این اس : تچرا زمانی ک هاعضای ساب ق
حس بالام ر ، کمیته مجازت و دستھای پشت پرده آن مورد حمایت رب ضوادن خادن
ب ه طوری که اظهار « تو « محبس نظمیه توقیف اس » ی که در « مبارک ، اکبر نخجوان
د، باید چنین سرنوشتیمیافت؟ طبق مضمون این سند خش ص « می دار د عیال هم دار
رضاخان پرونده این مرد مفلوک را پیگی مرییکرد و با بیرحمی تمام دستور داده بود
اینک تبعید مشارالیه به هر نقطه که مقتضی باشد منوط « باید تبعید شو .د طبق همان سند
ت ۳ مگر نخجوانی چه کرده بود که باید با چنین بیرحمی از زندگی «. ب هامر مبارک اس

ساقط م‌یشد و خانواداهش آ‌واره و گرفتار میش‌ن د‌د؟ ما پیوند برخی رهبران بهائیان با کمیته های ترور دوره جنگ اول جهان ریا در رساله ایران از سقوط مشروطه تا کودتای سوم اسفند، نشان داد‌های م‌. نیز از پیوندهای افراطیترین جناح دمکراتها با این گهرواه سخن گفته ای م‌. از سوئی در کتاب بحران مشروطیت در ایران نشان اید ما بدهین حزب دمکرات و محافل بهائی و یهودی چه پیوندهائی وجود. دای شنتک بر اساس اسناد و گزارشهای خود وزارت جن گو ساروزارتخانه ها در دوره تسلط بلامنازع رضاخان ر

.Dispatch by Imbrie, No. ۵۹, July ۱۴/۱۹۲۴, DS. ۸۹۱.۰۰/۱۲۹۷ Majd, op. cit. p. ۱۸۴.۱

مراتب مهمتر در جریان خواهد بو د.

. ۴۵۰-۲. ن ک: ایران از سقوط مشروطه تا کودتای سوم اسفند، صص ۴۵۱

۳. گزارش مفتش مخفی، بیتا، اسناد وزارت جنگ .

۴۰۸ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

ص:۴۰۷

مقدرات امور ایرا، ن ادام ه م یدهم ک ه پیوند جناح افراطی دمکراتها با برخی بهائیان
مقولهایب ود که هنوز هم در برخی نقاط کشور آشوبهائی را به وجود میآورد .

ب ه طور مثال در خردادماه سال ۱۳۰۲ پی شکار مالیه کرم اگنزارش داد میرزا

صالح خان مین مالیه آن ولایت که بهائی است همراه با حشم و ت

السلطان میرزا

محمدخان که هر دو دمکرات بودند و در ب زررن خدی تخلفات را انج ام داده بودند،

توسط اینان گزارش شده که به همان « خلافهای مرتکبه » تحت نظر قرار گ رفته اند . از

دلیل تحت پیگرد قرار ف گترها ند . داستان هرچه بوده پیشکار مزبور گزارش داد مردم

نظر به اطلاع خصوصی که حاصل کرده ب م و دیمخواستند بعد از ورود به تلگرافخانه یا «

تدم ر ادامه « منزل علماء متحصن شوند لذا [پرونده ر] ا د راداره برای تحقیق نگاه داش

این گزارش آمده است:

ای را به اداره ایالتی و مشغول تحریک، عده بهائیه و دمکراتها و کسان آنها جدا عدلیه اعزام، مشغول تهیه تلگرافات جعلی،
بعضی اشخاص هم آنها را وادار

حریکات از طرف قشون و ایالت آنها را به نظمیه بردند، فعلا کنند، به ملاحظه ت می

مشغول رسیدگی میب اشند، بعد از اتمام دوسیه و اسناد تقدیم می شود به ایالت، و

۱

قشون برای جلوگیری؛ توصیه لازم است.

وزارت جنگ این تقاضا را به این شکل عملی ساخت:

از قرار مراسله وزارت مالیه بعضی قسمتهای شهری در کرمان تشبثاتی برای

استخلاص مأمورین مالیه زرند نمودهاند، حسب الامر قدغن فرمائید دستورات لازم

برای مساعدت با اداره مالیه کرمان برای قسمت آنجا صادر نمایند.

- اسناد بالا نم ن وه ای است از حساسیت مقامات قشونی به پیوند گروههای افراطی سیاسی با بهائیان . اما در تهران این حساسیت رنگ و بوئی خاص ؛ بیاف هگ تون اهی که دستهای توطئه در پس حوادث دیده مشید . در مورد تظاهرات ضدبهائی تهران ، ای مبری در گزارش خود نکاتی را یادآور می شود که میتواند در تبیین انگیزههای آن تبلیغات راهگشا باشد ؛ ضمن اینکه میتواند نشان دهد انگلیسیها تا چه اندازه متخصص موج سواری باند و ددره گزارش ایمری آمده است بخشی از تظاهرات ضدبهائی توسط انگلیسیها سازمان داده شده
- ۱ . پیشکار مالیه کرمان به وزارت مالیه، نمره ۱۷۹۴۶ ، [مرداد ۱۳۰۲] ، اسناد وزارت مالیه،
 - ۲ . ارکان حرب کل قشون به امیرلشگر جنوب، مورخه ۲۸ اسد (مرداد) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

است. طبق این گزارش انگلیسیها به تظاهرات علیه رضارخاننگ ضدبهای م دیهن دت ا

هدف اصلی یعنی پیدا کردن قاتلان کشقه یسرنخ آن در تحلیل نهائی به سفارت

انگلستان میرسید، همچنان مخفی باقی بماند. در این گزارش آمده تظاهرات ضدبهای مردم

درست مشابه است با تظاهرات ضدیهودی سال ۱۹۲۲. به روایت ایمر دیرست مثل

تظاهرات ضدیهودی آن سال، این حرکت هم توسط بریتانیا زمیناندهی می شد؛

د حرکتی

مصنوعی برای فریب افکار عمومی به منظور دست یافتن به اهداف از پیش تعیین شده

اقتصادی و سیاسی. یکی از این اهداف قطع رابطه دولت ایران بود با شرکتس و ینکلر

دیگری تثبیت موقعیت رضاخان بود به مثابه دیکتاتور نظامی. اینها از بنیان انگلیسیها به

شکلی از ماهیت گزارشهای ایمری به وزارت خارجه کشور متبوعش سر درآورده بودند. به

همین دلیل بریتانیائیه زمینهای برخوردی خشون تأمیز علیه او را فراهم ساخت. ندرت رخلال

این تظاهرات کلیه مغازه های که به بهائیان تعلق داشت، تعطیل. تظاهرات عظیمی مقابل

محل اقامت دو مستشار آمریکایی که بهائی بودند صورت گرفت. هر چند به آنه حمل این

نشد. به تقاضای ایمری، پلیس محل اقامت آن دو تن را که هر دو زن بودند، حفاظت کرد.

حساسیت نسبت به فعالیتهای برخی بهائیان از مدتها پیش وجود. دامنشظو تر هم

البته بهائیان عادی نبود که نه آزارشان به کسی میرسید و نه در تصمیمگیری های اساسی

مشارکتی داشتند؛ بلکه مقصود کسانی بودند که در سلسله مراتب قدرت آن روزگار

نقشی سیاسی ایفا میکردند و نامشان قرین بود با تحریکات برخی محافل بریتانیا را این

مقطع حساس تاریخی.

به طور مثال پ یش از این ماجراها مفتش مخفی گزارش میدہ د:

حس ا بلامر روز ۱۱ برج جاری ۱ مأمور مسجد سپہسالار شدہ آقاسید عبداللہ

خراسانی پس از قدری موعظہ شروع بہ مذمت بھائیہا نمودہ و بہ طور کنایہ مطلب

خود را اظهار می داشت کہ چون ہمہ قسم اشخاص مشغول تبلیغ دین خود ہستند،

چرا من در مملکت اسلامی برای تبلیغ دین اسلام نباید آزاد باشم؟ و شکایت

داشت از اینکہ چرا باید بھائیہا مصدر امور باشند و بہ طور کنایہ اشارہ می کرد در

صورتی کہ والدہ مکرم.... ۲ از خارجه مینویسد کہ فریب ژنرال ناگلیسی و بھائیہا

۱. اسفند ۱۳۰۲

۲. نقطہ چین در اصل سند است .

ص: ۴۰۹

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

را نخورند، معذالک باز بهائیه را تشویق و ضمانت می کنند. بالاخره مطلب را

خاتمه داد که سلطان مطابق قانون اساسی باید حفظ حوزه اسلام را نموده و با

۱

. طرف مخاطب کسی را قرار نداده بود مسلمین همراه و هم عقیده باشند و صریحا

مفتش مخفی به مجلس وعظ همان روحانی، «حسبالامر» در موردی دیگر باز هم

علمای اسلامی فقط از قرآن قسمت «رفت و گزارش داد که واعظ مزبور گفته است

آداب مذهبی و عبادت را به مردم فدهها م نان د، دیگر سیاست قرآن را نفهدماهانن د بدین

،

جهت است که اگر کسی داخل در مذهب اسلام شود، به واسطه فشار آداب مذهبی

فرار مینماید که چنان به ما فهمانده که هم‌مذهب اسلام فقط خواندن نماز و ادعیه و

روضه خوانی از روی تکبر اس. آتخرا لام ر دو طغرا کاغذی را که عباس ب افن هدی

نیلالدول [ه نوشت]ه و عظمت و قدرت خودش را شرح داده قرائت نمود و موعظه را به

مصیبت حضرت سیدالشهدا(ع) خاتمه داده و اظهار نمود که بقیه کاغذ را روز بعد

۲ دیگر اینکه مفتشان مخفی گزارش میدادن د: «. قرائت خواهد کرد

ابان واقعه در خی روزهای دوشنبه بعد از ظهر در منزل دکتر ارسطوخان غالباً

۱۵۰ عده از زنها قریب یک علاءالدوله

نفر تدریجا جمع میشوند، تصور می‌رود

۳

راجع به مذهب بهائی مذاکره دارند و از آن طایفه بوده باشند.

ب ه هر حال این سوابق وجود دا . ش لی تکن در منابع از تظاهرات گسترده ضدبھائی

سخنی به میان نیامده است به ای جزن مورد خا. ای صمبری گزارش م یدهد این

آن جولای دوازدهم تا دَقیقاً ی ن ع ی ؛ داشت دوام هفته یک تا عجیب شکلی به تظاهرات

سال مطابق ب ا بیست و یکم مردادماه ۴۰۳۰۳.۱۳۰۳ مستشار آمریکائی که بھائی بود، کسی

۵

نیست جز دکتر سوزان مودیو همکارش. مودی خودش به مورات ی وضیح داد بر

اساس شایعاتی که به وی رسیده است، اعیدها ز مسلمانان متعص بم یخواسته ان دا و را

د ر تاریخ بیست و یکم مرداد آن سال به قتل. راسوانن چن دد روزی قبل به نایب کنسول

یعنی همان ایمبر یمتوسل شده و از او خواسته بود به نحوی تحت حمایتش قرار . دهد

۱. گزارش مفتش مخفی، مورخه ۱۱ اسفند ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

۲. گزارش مفتش مخفی، ذیل همان سند .

۳. گزارش مفتش مخفی، مورخه ۲۸ دلو (بهمن) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

.Imbrie to Department of State, ۱۴ July/۱۹۲۴, No. ۵۹, ۸۹۱.۰۰/۱۲۹۷.۴

.Dr. Susan Moody.۵

ص:۴۱۰

کنار در محافظینی کرد تقاضا او از و نموده مراجعه تهران پلیس رئیس به سُرِیعا ایمری
خانه دکتر مودیگمار د. در خلال شب آن روز جمعیتی که به ارگزش دکتر مود یبالغ
ب ردویست و پنجاه ت م ن یشدند، به در خانه او جمع آمدند و خواستار قتل وی بودند .
در این لحظه پلیس دخالت کرد و بدون اینکه آسیبی به دکتر ب رمسودد، ی جمعیت را
پراکنده ساخت . نکته این است که به ادعای مورای جمعیت ی که تظاهرات ضدبھائی

۱

میکرد، توسط یک افسر بھائی شناخته شده هدایت میش د.

اینها همه بھانه ب و. دکلیه این اقدامات برای آن صومریتگرفت تاضرورت

حکومت نظامی که به دنبال شکست بلوای جمهوری برداشته ، ت ب و وجدیه ش و. ب دلاوه

اذهان از مخالفت با رضخان به سوی مسئل ا ه یفرعی معطوف گردد و از همه بالاتر

بساط شرکتهای نفتی آمریکائی ی از کشور برچیده ش . و د آنچه به بدگمانیها دامم نیزد

شخص وزیرمختار آمریکا بود یعنی کورنفل. د او خود حاخامی به شمار م ی رفت در

کسوت دیلمات. ژرژ نچافسکی که در زمان جنگ دوم جه ابنرای سروس اطلاعاتی

ل

انگلیس کار میکرد و البته به اسناد و مدارک مهمی دسترسی داشت، اینمکھت مه را

فاش م یساز د. ا و نشان داده است این حوادث با بحث امتیاز نفت مشرمتابلط اس . ت

لنچافسکی خاطر نشان میسازد همان روزهای ی که بحث سرمایگھذاری سینکلر در منابع

بودند . یکی از این « با معنا » نفتی شمال ایران داغ بود، دو حادثه روی داد که به قول او

حوادث آت شس وزی عمدی بود در ساختنم امجلس که عوامل آن دستگیر شدند و

دیگری کشته شدن ماژور رابرت ویتنی ایمل رکن یسولیار سفارت آمریکا در تهرانک ه

ب ا مسئله نفت ارتباط داش. تماجر ا از چه قرار بود؟ بیست و هشتم تیرماه آن سال
کورنفلد گزارشی از برقراری حکومت نظام یدر تهران به واشنگت ف نرستا د. او تذکر داد
این تنها بهان ا هی است که رضاخانمیتواند با اتکای به آن مخالفین خود را دستگیر

نمای د. یک روز بعد خبر د شدامار زیادی از مردم از جمله زا خادل هد صسیتگیر
شدها ند. ۵ عدهای از مخالفین هم در خانه مدرس گرد آمدند و تحصن کردند، اینان

۱. Murray to DS, January ۸/۱۹۲۵, No. ۸۳۴, ۸۹۱.۴۰۴ Majd, Ibid.

۲. Robert Whitney Imbrie.

۳. Telegram by Kornfeld, No. ۵۷, July ۱۹/۱۹۲۴, DS. ۱۲۳Im/۹۲ Ibid, ۱۸۴.۴

۴. Telegram by Kornfeld, No. ۵۸, July ۲۰/۱۹۲۴, ۱۲۳Im۱/۹۳ Ibid.۵

۳. غرب و شوروی در ایران، سی سال رقابت، ص ۱۰۸

کسانی بودند که امکان دستگیریشان وجود نداشت.

در این بین بعد از قتل ع، ش قیدیر او یعنی میرزا ابوالقاسم همدانی به تهران آمد تا هم در مراسم بعد از قتل فرزندش شرکت کند و هم اگر چیزی از زندگی او باقی مانده باشد، با خود ببرد. بهار نقل میکند او بندی از اشعار فرزندش را که در مسمط مریم معروف به سه تابلو سروده شده بود، حفظ کرده و دائم میخواند:

به زیر خاک سیه فام عشقی ای عشق ی!

چه خوب خفتهای آرام عشقی ای عشق ی!

برستی از غم ایام عشقیای عشق ی!

بخواب طفلک ناکام، عشقی ای عشق ی!

بخواب تا ابد ای عشقی اندر این بست را!

بع داز تحقی قمعل و مش دس ی د «، پدر عشقی هم تاوان خواندن این اشعار را پس داد بیچاره را بردهاند نظمیة حبس کرادنهد و تحقیقات میکنند که آمدهای چه کنی و چرا به خانه فلانی ۲ م ی روی؟ و خلاصه از او التزام گرانفتد هکه با ما راه نرود و هرچ ه زودت ر به ۳ او هم بدون اینکه بتواند از راز قتل فرزندش در آسوررد و یا اینکه ق ادر «! ولایتشبر گردد باشد کوچکتزین اقدامی برای دستگیری قاتلین او انجام دهد، ناچار شد به همدان باز گردد.

نفت و قتل ایمری

مسئله دیگر ای حادثه دلیل همین ه ب . نبود کارساز ضدبھائی ساختگی تظاهرات ظاهرا

قتل عشق ی را به طور کامل تحتال شعاع خود قرار داد. دماجر ا به چند هفته ا پیش از

ای ن اوضاع بر میگشت، زمانی که شایعه ای در تهران پیچید و اکنون بعد از قتل عشق ی انگلیسیها توانستند از آن در راستای رسیدن به اهداف خود ف به ب رهداری نماین . ددر نیمه ها یخردادماه سال ۱۳۰۳ در تهران شایع شد سقاخان یه در تهران ، میتوان د بیماران ر اشفا دهد؛ میگفتند مردی لنگ که از آب سقاخانه خورده بود، شفا یافته . ازسآنت

۱. Kornfeld to Secretary of State, No. ۵۹۶, July ۲۳/۱۹۲۴, DS. ۱۲۳Im۱/۲۰۳ Ibid.

۲ . یعنی ملکالشعرا ی بهار .

۳ . تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۱۷۳

ص: ۴۱۲

ب هبعده روزهای متوالی تعداد زیادی از مردم در کنار سقاخانه م یا گمرددند و بسیاری به گرد آن دخیلمیستند تا مگر شفا یاب ن. در روز ۲۷ تیرماه آن سال یعنی زمانیکه هنوز بح ث قتل عشقی داغ بود و تظاهرات آمضریکدائی با رنگ و بوی ضدیهودی و ضدبهائی ی کمایش ادامه داشت، ایملب رازی نزدیکهای سقاخانه عبموریکر د. او ب ا دوربینی که به دست داشت، از صحنه ازدحام مردم عکسبرداری نمود . همراه او مردی بود به نام ملوین سیم، و ار ک همتخصص حفاری چاههای نفت بود و در عین حال برای نشریه نشنال جئوگرافی ککار میکرد . ب ه دلیل تخصص سیمور میتوان تصور کرد ا و برای شرکت سینکل رهم فعالیت داشته و این امر از چشم تیزبین مأموران اطلاعاتی سفارت بریتانیا پنهان نبوده اس . ت ب ه ناگاه جمعیت به سوی این دو هجوم بردند و مضروبشان کردند . پلیس که شاهد این ماجرا بود امگ ی به پیش نهاد و جمعیت را پراکنده نساخت .

سرانجام ایملبری را مدهوش سوار کالس ا کهی کردند تا به بیمارستان ا بسنیا واقع در حسن آباد برسانند . در بیمارستان زمانیکه ایملبری بر تخت خوابیده بود، اعیدواهرد

۲

اتاق شدند و وی را روی تخت بیمارستان ک. شت هنمدراه او هم به شدت مجروح . شد سیمور شهادت داد سربازها با قنذاق تفنگ او را اند. زیدهک افسر قشون با مشت به او حمله کرده و سر کرده مهاجمین به بیمارستان به قول او یک آخوند بوده . ۳ دیاگسرت اینکه ب رخی سربازان در بیمارستان به ایملب رحیمله کرده اند، حتی یک یا چند سرباز با

۴

شمشیر صورت او را زخمی نمودهان د.

ب ه دنبال این حادثه که حدود دو هفته بعد از قتل میرزاده ص عورشقت یگرفت،

رضاخان روز شنبه ۲۸ تیرماه قانون حکومت نظام ریا در هیأت دولت تصویب و از

روز یکشنبه ۲۹ آن ماه اعلام حکومت نظامی کرد؛ حال آنکه معلوم بود مثل قتل عشقی

دستهای قزاقان در پشت کشته شدن ا یقمبراری دار. ۵۵ روز ۳۰ تیرماه، روزنامه

۱. Melvin Seymour.

۱۱۷-۲. برای جزئیات امر ن ک: تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، صص ۱۲۰

۳. ۴۱۶/۷۵.۳. Ovey to McDonald, Tehran, ۲۴ July ۱۹۲۴, FO.

۴. ۴۱۶/۷۹.۴. Ovey to McDonald, July ۱۹/۱۹۲۴, FO.

۵. برای اطلاع از ماجرای قتل ایمبری ن ک:

Michael P. Zirinsky: Blood, Power and Hypocrisy; the Murder of Robert Imbrie and
American

ص: ۴۱۳

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

نیمه رسم یا ایران مقاله ایمنتشر ساخت و به صریحتحرین وجه ممکن به اقلیت پارلمانی حمله برد. محور حمله این بود که گویا مخالفین سردار سپه و اقلیت پارلمانی هستند که ایامبری را به قتل رسانیده‌اند. جالب اینکه با وجود فرد بیاطلاع از سیاست جهانی و مردی غیرصالح در مسائل سیاسی به نام رضاخان سردار سپه، روزنامه ایران نوشت:

وقتی که سیاست دست یکعده اشخاص بی اطلاع از امور و از طرز زندگانی سیاسی بیفتد و اشخاص غیرصالح در مسائل پلتیکی دخالت کنند، ببینید چه رسواییها و افتضاحتی بار می آورد و چه مخاطراتی برای مملکت تولید میشود و چگونه تاریخ

۱

یک ملتی که قرن‌ها در سایه نجابت فطری زیست کرده است، لکهدار میشود.

روزنامه های ایران، ستاره ایران، شفق سرخ و سایر جراید طرفدار رضای، خاهی ناهوی جنجال و رجاله بازی « به همراه انداختن دو طرفداران مدرس را طرفداران اجنبی خواندند؛ از بحر ب‌ثودشد؛ و، «ک‌ه‌با دست اجنبی برای بربادی حیثیت ملت ایران شروع و توسعه یافته ازدولت رضاخانتمجید گردید که گویا برای مقابله با این به قول آنها رجال هب از ی وارد دولت که مسئول حفظ آسایش عمومی بود حق نداشت لاقی و د» میدان شد، زیرا

۲ آخرالامر هم نوک تیز حملات متهو شجد به سیدحسن مدر؛ س ردی «. تماشاجی بماند

م

ک‌هیک تنه علیه خود کامه ایستاده بود و برای ممانعت از محو و نابودی حیثیت ایران زمین به دست قزاقان، شبانه روز اهتمام مویرزی د. لیکن صدای او ب‌اهم هرس ایی در گوش بسیاری فرو نمیرفت. روزنامه ایران در حمله به شهید مدرس نوشت:

اگر در نتیجه این هرج و مرج یک حادثه سیاسی خارجی برای ایران ظهور میکرد،
ر باید فهمید که لیدر اقلیت با این فک اساساً! توانست جواب بگوید لیدر اقلیت نمی
و این طرز استدراک سیاسی و اینهمه لاف و گزاف چه میگویند؟ ببخشید، مملکت
خواه ناخواه باید از این وضعی که شما می خواهید باقی بماند، خارج شود! شما
متناسب با یک مملکت مترقی نیستید. حکومت شما نیت واند در این مملکت دوام
کند. آن روزی که برعهده شاگردان مدرسه در این مملکت افزوده شد، دیگر جای

Relation With Pahlavi Iran ۱۹۲۴, in: International Journal of Meadle Eastern Studies,
Vol. ۱۸, No. ۳

August ۱۹۸۶, pp. ۲۷۵-۲۹۲

۱. ایران، مورخه دوشنبه ۳۰ سرطان (تیر) ۱۳۰۰، مقاله پروتست .

۲. همان .

ص: ۴۱۴

زندگانی شما تنگ خواهد شد و به شما اجازه نخواهند داد که مردم عوام را فریب داده و از وجود آنها سدی در مقابل ترقی ایران قرار دهی! تا دیروز تیشه به ریشه سردار سپه میزدید، حالا دارید تیشه به ریشه مملکت می‌زنید. ولی این حق و

اجازه به شما داده نخواهد شد! ۱

یک معنی می‌توانست داشته باش. در پشت این قتل «اجنبی» استناد قتل ایمریه فقط انگلیسیها به نحوی از انحاء می‌توانستند حاضر باشن. در این مقوله به مسئله رقابتهای نفتی ربط پیدا می‌کرد. دروغ رسوای روزنامه ایران که احیانا به قلم زایل‌عابدین رهنما نوشته شده بود، نمی‌توانست مدرس را لکهدار کند. مدرس در طول حیات سیاسی نوشتن یک کلمه علیه یهودی نگفته بود و نه علیه بهائیان؛ یهودیان حتی برای حل و فصل پاره‌ای مشکلات خویش به او رجوع می‌کردند. مدرس هرگز قائل به تسویه حساب علی‌المخالفتش با اتکاء به اسلحه نباشد؛ و حتی اگر این مخالف مردی خونریز چون رضاخان باشد. مدرس فقط از قانون اساسی می‌گفت و رفتار کردن در چارچوب آن؛ این را هم می‌دانستند حتی مخالفین پابرجائی مثل ره‌نمادیر روزنامه حکومتی ایران. روزنامه ایران می‌خواست مطالب به حق نشریاتی را خنثی نماید که به درستی قتل ایمریه را به گردن سفارت بریتانیا می‌انداختند.

بریتانیایی‌ها به سرعت در این زمینه واکنش نشان دادند. دزدین را در برخی مطبوعات این قتل را با اسناد و مدارک و تحلیلی هجالب توجه، به عوام لاین‌کش و مرتسب نموده و دولت مورد حمایت آنها یعنی سردار سپه را آماج حملات قرار دادند. دنیا در تحركات ایصادر کند و از مطبوعات بخواهد از انتساب قتل «اخطاریه» باعث شد رضاخان

ایمبری به اجنبی خودداری ورزین دهیاهوئی که پیش از همه جراید طرفدار او راه

۲

انداخته بودن د. اما روزنامه های طرفدار رضاخان آدرس عوضیمیدادند و نعل وارونه

میزدن د. آنها تلاش داشتند مخالفین خویش را متهم به ارتباط با اجنبی و قتل بری ایم

نمایند. ب ه غیر از روزنامههای طرفدار رضاخان، اغلب جراید تهران و شهرستانها ماهیت

این قتل را برملا ساختند و دستهای پشت پرده را البته بدون نام و نشان به مردم معرفی

نمودند؛ ب الا تر اینکه سلیمان حئی نماینده کلیمیان در دوره پنجم مجلس، در ر ا وزنا شم ه

۱. همان .

۲. تاریخ احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۱۲۸

ص: ۴۱۵

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

این رویداد «موسوم به هحئیم که ارگان انجمن یهود و مخالف انجمن صهیون یوسد، ت

۱. «. را به انگلیسیها نسبت داد

روایت ی دیگر هم بر این باور است که رض اتعخادا ندی از بهائیان را به مناص بع ال ی

ن رای ی ب همان زمان برخ به همین دلیل ظاهرا . بود کرده منصوب ژاندارمری و ارتش در

۲

باو ر بودند که بهائیان در این قتل دخالت اندا د. شت هالبته برای این ادعا مدرکی اقامه ن شده

اس ت. مسئله این است که چرا بهائیان باید سولکینا ر آمریکائی یرا بکشند؟ آی امنظ و رای ن

اس ت که بهائیان عامل سفارت بریتبانی رای قتل ایمبری بودند؟ اگر چنین است چرا ته را ن

شاه د تظاهراتی علیها آمریکا بود به این عنوان که دو تن از کارمندان سفارت آن ک شو ر در

تهران بهائی یاند و بالاتر اینکه شخص وزیرمختار یهودی اس ت؟ در ملاقاتی ب ام ، و رای

حسین ع لاء گفت طبق تجربیات سیاسی او، وقوع چنین حوادثی در ای را نب دو ننف و ذو

دخالت خارجی امکانناپذیر است. ۳ اما کدام بیگانه از این ماجرا سود میبرد؟

بعد از قتل امیری در تهران حکومت نظامی برقرار .شدد ر سایه حکومت نظام ب یه

سرعت عد های از مخالفین دستگیر شد ن. دسرتیپ مرتضی خان یزدان پنها فرمانده

حکومت نظامی تهران شروع به بگیر و بکنبرد د. بزرگان شره از محلات و بازار و

سیاستمداران دستگیر شدند . آیتالله فیروزآبادی و خالصیزاده و معتمدالتولیه و

شیخعبدالحسین خرازی و صدها تن دیگر بازداشت گردیدن. دعد های زندانی ، برخی

دیگ ر تبعید و عداهی ه منیست و نابود شد ن. دحتی مشهدی باقر ملازم مدرس را هم

دستگیر کردن د . در کنار او تعدادی از لوطیهای محلات را که با م یران ضاها ی خان

نداشتند ، گرفتار ساختن . د اینگونه بود که رضا ختاونانست نارضايتیهای باقیمانده از بلوای جمهوری را مهار کند و بار دیگر حکومت نظامی برقرار سازد.

ب ه دنبال قتل ایمری، سفیر کبیر ترکیدهر تهران به عنوان شی السفخراء ناماه ی

شدیداللعن به رضاخان نوشت و از سوی خود و هیأت نمایندگی افغانست، آ نلمان،

فرانسه، انگلیس، بلژیک، ایتالیا و شورویاز این پیشامد ابراز انزجار . کرداد و نوشت این

۱ . دکتر حبیب لوی: تاریخ جامع یهودیان ایران، بازنوخته هوشنگ ابرامی، (لس آنجل س: بنیاد فرهنگی حبیب لوی،

۱۹۹۷)، ص ۴۹۳

Mohammad Gholi Majd: From Qajar to Pahlavi, (University Press of America: ۲۰۰۸)، ۲
p.۱۸۴

۳. Ibid. Murray to DS, November ۲۹/ ۱۹۲۴, No. ۷۶۳, ۸۹۱.۵۱A/۲۱۹

ص: ۴۱۶

قتل در روز روشن اتفاق افتاده و نیروهای نظامی مانع حملات مهاجمین دهانش د .

سفیر کبیر ترکیه از اینکه برای ختم غائله حتی یک تیر شلیک نشده است، ابراز تعجب

کرد و افزود موضوع مهمتر این است که وقتی مجروحین را به بیمارستان رسانیدند، باز

ه منیروهای انتظامی جلو هجوم مردم را به آنجا نگر. فوتن ی ن دگرانی نمایندگان

دولتهای خارجی مقیم تهران را از وضع پیش آمده اعلام داشت و خاطر نشان نمود برای

تأمین امنیت خارجیان مقیم تهران و نیز اقلیتهای مذهبی باید اقدامات لازم صورت

گیرد. ۱ رضاخان پاسخ داد مأمورین در محل برای استقرار امنیت و آرامش نهایت تلاش

خود را مبذول داشتهاند، اما به آنها آموزش داده شده در این موارد به سوی مردم شلیک

نکنند تا مانع برانگیخته شدن احساسات گردند؛ بدیهی است این سخنی بی پبای وده. در

مورد اقلیتهای مذهبی رضاخان نوشت نگرانی هیأت های نمایندگی خارجی در این

زمینه ب یوجه اس ت. از سوئی درخواست جدیت دولت ایران در حفظ جان اتباع

۲

خارجی زائد دانسته شد، زیرا پیش از دریافت این نامه، اقدامات لازم انجام گرفته بود.

ب ا وجود حکومت نظامی د سراسر ایران از ق ت لایمب ابر یرا زانرج ارش . ا درب اب

جرای د و سیاستمداران و مردمان عادی ضمن ارسال هن اموه تلگرمهایی به دولت ای ن

ب ه تحریک « عمل را محکوم کردن . ددر این نامهها و تلگرامها تأکید شده بود حادثه مزبور

صورت گرفته اس . ت د رکلیه شهرستانها هیجان موج میزد . در رشت یک ی « دشمنان ایران

از مطبوعات این شهر به نام پیک مقال ا هی چاپ کرد و قتل را به تحریک انگلیسیه ا

دانست . از موند او ی کاردار سفارت انگلی سبلافاصل ل هواک ن شنشان . او دار د نام اهی

خطاب به رضاخان ناز او خواست جلو انتشار این ونه گمقالات را در هرجای ایران بگی رد

۳

و مسببان را مجازات کن د.

در نامه ایدیگر همین نو عبرخورد در ارتباط با روزنامه صدای شرق چاپ خراسان
تقاضا شده بو. در رضاخان قول داد این اشخاص را مجازات کند و قون جان دی دیدرباره
مطبوعات در مجلس به تصویب رس. نادوی از او تشکر ک. ردکاردار انگلیس که در غیاب
«بسیار نفرا تنگی ز» لورین انجام وظیفه میگرد، در نامه خود مضمون این مقالات را

۱. سفیر کبیر ترکیه به رضاخان، بیتا، ش ۳۸۲۶۲-ن، و ۳۸۲۵۹-ن، بایگانی اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

۲. رضاخان به محیالدین سفیر کبیر ترکیه، ۳۱ تیرماه ۱۳۰۲، ش ۳۸۲۵۸-ن، همان.

۳. Ovey to Reza Khan, ۲۵th July ۱۹۲۴, No. N-۳۸۲۲۷, ICHS.

ص: ۴۱۷

خوانده بود. ۱ رضاخان بار دیگر هم در نامه مخصوص یب هکاردار رس فار تانگلستان یادآور شد به رئیس ارکان حرب کل قشون دستور داده نحوه برخورد با اخطای پروژنامه

۲

صدای شرق به نای ابلا یاله مشهد تعلیم داده شو د.

ب این وصف کاردار م وضوع را رها نک ر. ددرست همان روزی که نامه بالا به دستش

رسید ، بار دیگر یادداشتی برای رضاخا افرنستاد مبنی بر اینکه مراتب به جیمز رمزی

مکدونالد نخستوزیر و وزیر خارجه وقت انگلیس اطلاع داده شده و او هم از

همکاری رضاخان برای رفع سونءیت مردم ایران از توطئه انگل دیر م ساجرای قتل

ایمبری مطمئن اس . ت اما کاردار خواست رضاخا م تن و تاریخ احکا مریکه برای

مجازات نویسندگان آن مقالات صادر شده است، به اطلاع او برساند تا اگر از آن پس

قونسولهای انگلی س بتوانند با « ، مطبوعات دیگر شهرستانها مطالبی مشابه نوشتند

۳. « کارگزاران محلی معاضدت نمایند

ب هگزارشروزنامه ترقی ، در ارتباط با بگیر و ببندهای حکومت نظامیگروهی

عظی م از مخالفین سیاستهای رضاخا اون تعدادی دیگر که در معرض دستگیری قرار

۴

داشتند اما بازداشت آنها امکاناپ نذیر بود، در خانه مدر ب سست نشستن . د دیگر را اینکه به

بهانه تحت تعقیب قرار دادن مسبین قتل ای،مب ررضیاخا ندر شهر تهران حالت

فوقال عاده اعلام کرد؛ او که متهم به مشارکت و یا مباشرت در قتل میرزاده ع بشوقد، ی

ازاین وضعیت استفاده کرد و کلیه مخالفین خویش را مورد آزار و اذیت قرار .روز داد

هشتم مردادماه ۱۳۰۳ ، مدیران نشریات شهاب، نصرالمله، سیاست، قانون و آسیای

وسطی که به دنبال قتل عرش قدیر مجلس بست نشسته بودند، انام ی هبه کورن فلد نوشتند و حکومت وحشت رضاخان را محکوم کردند و توضیحاتی در این مورد ارائه دادند . کورنفلد متن نامه این گروه را به وزارخا ترجمه دولت متبوعش ارسال کرد. در این نامه آمده بود حکومت رضاخان خود باعث و بان ب بینظمی و ترور سیاه است؛ لیکن از قتل ایمری بهره برداری کرده و از آن به نفع تحکیم مواضع خود سود جسته .اربا سب ت

۱. Same to Same, ۱th August ۱۹۲۴, No. N-۳۸۲۵۷, Ibid.

۳. Ovey to Reza Khan, ۲th August ۱۹۲۴, No. N-۳۸۲۵۵, Ibid .

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

۲. رضاخان به اوی، ۱۱ اسد (مردادماه) ۱۳۰۲، ش. ۳۸۲۵۶-ن، بایگانی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران .

۴. ترقی، بیستم جولای ۱۹۲۴

ص: ۴۱۸

جراید نوشتند رضاخان بعد از سرکوبی کلیه روزنامه‌های ملی و آزادیخواه، اهر شروع به اذیت و آزار مخالفین سیاسی کرده است. علاوه بر این کلیه مردم، احزاب سیاسی مشروطه خواه و اقلیت مجلس تحت فشار سیاسی و نظامی ر و اضعاف انشدهان د . همچنین زنان و کودکان و پیر و جوان در معرض فشارهای او و اطرافیاننش قرار دارند، نیز ر ضاخان از فرصت استفاده کرده و اعدیه از آزادیخواهان را تبعید نموده است. هر روز عد های کثی ر از مردم به اداره پلیس اح م ضا یرشوند ، برخی از مدیران جراید اقلیت و ساکنان بیگناه محلات مختلف شهر تهران بدون اینکه در قضیه قتل ایمبری دخالتی داشته باشند، به سیاه چال افکنده م یشوند و تحت شکنجه قرار میگیرند . مدیران جراید ک هاین اخبار را منعکس ساخته بودند نوشتند، کلیه این عملیات به عنوان تحقیق درباره قتل نایب کنسول آمریکا صورت م یگیرد . آنها توضیح دادند بدون تدرید مردم آمریکا رضایت نمی دهند که به این عناوین و با این ه به ان وات ههات، مخالفین سیاسی سرکوب شوند . آنان در پایان افزودند تا آخرین دقیقه حیات، به مخالفت خود با

۱

رضاخان ادامه خواهند داد و باور دارند مردم آمریکا هم از آنان پشتیبانی خواهند کرد. روز دوازدهم مردادماه کنسول انگلی د سر شیرا، زدر ملاقات با فض الله زاهدی جراید گلستان و عصر آزادی که واقعه قتل قونسول را « حاکم نظامی فار ستقاضا نمود زاهدی جواب داد: « . به تحریک انگلیسها انتشار دادهاند مجازات شوند

قبل از حکومت نظامی جراید آزاد بودند ولی در آتیه از اشاعه نظایر آن جلوگیری تکذیب شود، در ه رسما خواهد شد، مشارالیه تقاضا دارد که از طرف بنده قضی

جواب مراجعه به مرکز را یادآور شده و اینک مستدعی است هر طور مقتضی

۲

میشود در این خصوص دستور فوری صادر نمائید.

بع د از قتل ایمبر یو درست در شرایطی که مردم سرگرم ع زهادار ایمر سوم ماه

محر م بودند، سفارتین انگلیس آو مریکا نامه ایبه وزارت امور خارجه نوشتند و راجع به

رنامودند. و زار تام و ر « کاظها ر نگرانی فوا قلعهاده در ایام عاش و » جان اتباع خود در ارا

خارج ه ضمن ارسال تلگرام رمزب یه حکومت اراکنامه ایهم به وزارت جن نو گشت

مقرر فرمائید به ریاست قشون عراقی زاوام راکی د هصاد رش و دک هدر ای نای ام « ک ه

.Same to Same, August ۱۱/۱۹۲۴, No. ۶۱۲, ۸۹۱.۰۰/۱۲۹۸ Majd, p. ۱۸۶.۱

۲. زاهدی به رضاخان، ۱۲ اسد (مرداد) ۱۳۰۳، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۴۱۹

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

در را ارگزار ک و ران حکم ات نظری وده م ن نظمیه و حکومت به لازم کمکهای مخصوصا

د اه نودزارت جنگه مض م نارس ال . مراعات از مقتضیات محلیه مورد توجه تام قرار

ت، از ارکان حربلشگر غرب خواست در این زمینه با « خیل ی فوری اس » نامهای با عنوان

۲

همهانگی تام صورت گی ر.د بالاتر اینک ه « مراعات از مقتضیات محلی » کارگزار محلی در

لی صادر کرد که در آن آمده بود: . رئیس ارکان حرب کل قشون بخشنامه یا متحدالم

حسبالامر قدغن فرمائید مراقبت تام به عمل آورند که از طرف مسلمانها نسبت به

ملل متبوعه و اقلیتهای مذهبی به هیچ وجه تعرضات و توهیناتی نشود و در صورت

این در وقوع م

رتکین را جدا تعقیب و مجازات نمایند ضمنا از تبلیغات جرائد

موضوع و اسناد دادن این قبیل اقدامات و تح ی رکات به منابع خارجی قویا

۳

جلوگیری نماین د.

رئی س تیپ مستقل شمال اطلاع داد در رشت نقهئا شه ی تهیه شده بود و در منابر

شروع به پروپاگان د های ضد دولت و اجانب نموده جلساتی را به عنوان روضه ادامه «

میدادند ، اعلان حکومت نظام ت یشبئات را در هم شکت ه وس از پیش آمدهای سوء

۴ . جلوگیری گردید

ب ا تمام این اوصاف شگفانتگیز است که موضوع نفوذ بهائیان در دستگاه حکومت

رضاخان حتی مدتها بعد از قتل ایم بو رفیروکش کردن ظاهری اعتراضات علیه

رضاخان به قوت خود باقی ب . و دد ر سراسر این دوره از نظر برخی دیپلماتهای مقیم تهران ، نکته مهم این بود که رضای خاعنی کسی که از بهائیان به عنوان عوامل اطلاعاتی خود استفاد ه میکرد و آنها را به خدم م تیگرفت ، به عنوان تنها امید اسلام یمادیشد .

برخی مخالفان سیاسی رضاخا ب نه این موضوع توجه داشتند، از نظر آمریکائیهواقعیت ام ر این است که موضوع وابستگی به بهائیان ماسیی نلبهود که بتوان آن را دست ک م

۵

- گرفت . پرسیدنی است وقتی برخی دیپلماتهای سفارتآمریکا بهائی بودند، چرا این نمایندگی گزارشهای منفی از نفوذ بهائیان در ارکان حکومترضاخان و از جمله قشون
۱. وزارت داخله به وزارت جنگ، ۱۶ برج اسد (مرداد) ۱۳۰۳ ، اسناد وزارت داخله .
 ۲. وزارت جنگ به ارکان حرب لشگر غرب، مورخه ۱۸ برج اسد (مرداد) ۱۳۰۳ ، اسناد وزارت جنگ .
 ۳. بخشنامه رئیس ارکان حرب کل قشون، مورخه ۴ برج اسد(مرداد) ۱۳۰۳ ، اسناد وزارت جنگ .
 ۴. رئیس تیپ شمال به ریاست ارکان حرب کل قشون، ۶ برج اسد(مرداد) ۱۳۰۳ ، اسناد وزارت جنگ .

.Dispatch by Murray, No. ۱, August ۱۰/۱۹۲۴, DS. ۱۲۳Im۱/۲۹۸.۵

ص: ۴۲۰

انسخن به میان « وابستگی رضاخان به بهائی » او مخبره می‌کرد؟ چرا آمریکا ئیها از میآوردند ، حال آنکه عل ال یقاعده این موضوع برای آنها نباید چیزی منفی تلقی شدم؟ ی من ظو ر آمریکا ئیها از اینکه افسری بهائی هدایت تظاهرات ضدبهائی را برعهده داشت چیست؟ آمریکا ئیان به طور سنتی حداقل از دوره مشروطه ب ا بهائیان ارتباطی تنگاتنگ داشتند ، حتی کاردار ایران در واشنگتن در دوره مشروطه تا سالها بعد از آن، یعنی نبیلا لدول ه یک ی از اعضای لجنه ملی بهائیان تهران ؛ بهومدان کسی که شو سرا تیره ایران آورد و شوستر هم همان کسی است که به شهادت کتابش یعنی اختناق ایران، از بهائیان و یهودیان در تشکیلات خویش فراوان استفاده . کب اردچنین سابقاهی بود که مورای در نامه ۱۷ دیماه ۱۳۰۳ خود نوشته است یکی از بهائیان بلندمرتبه در تهران به وی اطلاع داده رئیس الوزراء از اوضاع پیش آمده به شکلی پنهانی عذرخواهی نموده رضاخان افزایش می سپس مورای . دارد بیان علنا را موضوع این تواند نمی اما است، زمانیکه قزاقی ساده بود در بیمارستان روشنی که متعلق به بهائیان بود م خدم یکتر د . این زمان او به شدت تحتأث تیر محبتها و نوع دوستی سرپرستهای این مؤسس ه بهائی قرار گرفت و این موضوع همیشه در خاطر او باقی . م م وارنادی م یگوید ای ن جریان واقعی ت داشته باشد یا ،ن مهمم نیس . ت مهم این است که او به افسران بهائی که قابلیتهای غیرقابل انکاری هم دارن ، د اجازه داده است تا به مدارج عالی نظامی نائل آین . ۱ به د راست ی اگر چنین است، چرا در اسناد آمریکا آن چهره تیره و تار از رضاخان ترسیم شده به نسبت حساسیت عدم که بود مهم ئیانی آمریکا برای چرا مذهبی تعلقات اُست؟ اصلا باورهای مذهبی مردم برایشان یک افتخار شمرده میشد؟

د ر همین ایام بود که مصاحبه ای از سر آرنولد ویلسون ندیر شرکت نفت انگلیس و

۲

ایران با کریستین ساینس مونیتورمنتش ر شد که شگفتی مقامات ارستفآمریکا در
تهران را برانگیخت؛ ب هطوری که ه متن این مصاحبه همراه با نام ی همفصل به وزارت

خارجہ آمریکا ارسال شد. این مصاحبه دو هفته بعد از قتل ایم بانرجیام شد، لیکن

ویلسون رضایت خود را از اوضاع ایران به صراحت بیان ، دبادشون ت اینکه از این قتل

سخنی به میان آورده باش. دمصاحبه روز چهارم اگوست سال ۱۹۲۳ مطابق با سیزده

.Dispatch by Murray, No. ۸۳۴, January ۸/۱۹۲۴, DS. ۸۹۱.۴۰۴/۱.۱

.۲ Christian Science Monitor

ص: ۴۲۱

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

مرداد ماه ۱۳۰۲ انجام گرفت. بر اساس همین مصاحبه در روزنامه یادشده ای مقاله نگاشته شد که ضمن آن به نقل از ویلسون نونش ته شده بود مسائل و بحرانهای ایران تا ح د زیادی بهبودی حاصل کرده اس. و تیلسون به سادگی از کنار مسئله قتل کنسولیاری سفارت آمریکا گذشت، و به دروغ وضعیت اقتصادی و اجتماعی ایران را درخشان توصیف نمود. او حتی از موضوع دستگیریهای گستارید هکه به بهانه قتل ایمبری صورت م یگرفت به سهولت گذشت و از اوضاع جاری ایران ابراز رضایت. دنرم ود مورد رضاخان هم نظراتی ابراز کرد که در آن شرایط تاریخی م عین جی مود ب: او

۱

رضاخان را شخصیتی دوست داشتیتوصی ف نمود، مردی که با اینکه سواد درست و حسابی ندارد، اما برای وظایف روزماره ش شهامتی اخلاقی ارائه نموهده است. ویلسون، رضاخان را مرد متعارفی قلمداد نمود که بزرگی خاص خود را دارد و حتی دشمنانش را به احترام وام دیارد. او از تبار ناچیز رضاخان اسنخن به میان آورد و اینکه توانسته است از یک سرباز اسده به ریاست وزرائی، وزارت جن و گک فرماندهی نظامی ارتقای ابد

۲

. بود ایران دیکتاتور عملاً جنگ وزیر عنوان به رضاخان گذشته سال تا گفت ویلسون نکته مهمتر اینکه ویلسون ابراز امیدواری کرد رضاخان بتواند کاری کند تا بتواند تفاوتهای خود را با شاه نشان دهد هشدهی که هم اکنون در ارقوایمات دارد؛ و قرار است به ایران بازگردد تا نقش یک پادشاه مشروطه را ایفا نماید و سردار سپه هم وزیر در سخنی هیچ اساساً ویلسون که کرد توجه نکته این به خوبی به ای مور. باشد او اصلی

مورد قتل ایمر بیر زبان جاری نساخ. تهمین مقوله بود که او را واداشت تا گزارش
کن د هرچند در مورد این اظهارت ویل سدورن باب ابراز رضایت از وضعیت کنونی ایران
تفسیری ارئه ه نمینماید ، اما تصور نمیکن د توجه به این نکته بلاموضوع باشد که این
اظهارات درست دو هفته بعد از قتل ایم بیرانی شدهان د ، اما شگفت این است که سر

۳

آرنولد هیچ سخنی در این موضوع ب ر زبان نرانده اس . ت اینکه ویلسون از قتل ایمری
سخنی به میان نیاورد طبیعی اس؛ ز تیرا او در این زمان رئیس شرکت نفت انگلیس و
ایران بود و بنابراین از حادثه یکه م یوانست معادله قوا را به نفع این شرکت حفظ

۱. Likeable.

۲. "As Minister of War, up to last year, he was practically dictator of Persia"

۳. Murray to DS, September ۲۱/۱۹۲۴, No. ۶۵۰, ۸۹۱.۰۰/۱۳۰۵ Majd, op. cit. p. ۱۸۶.

ص: ۴۲۲

اما نکته این است که او کوچکترین آداب دیپلماتیک را هم رعایت نکرد و ب ه عبارتی نتوانست شادمانی خود را از ماجرای قتل ای مبکتر ما ین نمای.دما پی شتر در خلیج در اسلحه تجارت در ویلسون نقش از اجمالاً ایران در مشروطیت بحران رساله فارس سخن گفتی . م نیز میدانیم زمانیکه او ریاست شرکت نفت انگلیس و ایراب رانر عهده داشت، یک کشتی به محمدحسین نمافریوخت و بعدا این کشتی طب ق یک پس از حمل تریاک و مقدار زیاد اکسید دوفر در بین و چی هندیوستا آنتش « گزارش ۱ .» گرفته غرق شده است

ب ههر روی بسیاری از یاران مدرس متعاقب کشته شدن ایمبری دستگیر گردیدن .د روزنامه ستاره ایران این بلندگوی خودکامگی رضاخ انخبر داد اکنون مدر س از کلیه ابزارهای اعمال نفوذ خویش محروم شده ا ؛ س از ت جمله ابزارهایی مثل نفوذ در بین سران محلات تهران که حامی اب وودند و اینک همگی دستگیر شدهان .د س تاره ایران نوشت به همین دلیل مدر صدر صدد برآمده تا دولت را به دلیل برقراری حکومت نظامی استیضاح کن .د ستاره ایران اقلیت پارلمانی همراه مدر ر سا مшти بدنام نامید که ب ا اتکای به آنها نمیتوان دولت را استیضاح ک .د را دین روزنامه خاطر نشان ساخت دیگر

۲

کسی به سخنان مدرس گوش فرا نمیده .د

تلاش مدرس برای استیضاح رضاخان

اما شهید مدرس از عمق ماجرا آگاهی داش . پ تس تلاش کرد از این موقعیت استفاده کند و دولت را استیضاح نماید تا رضا خساقط شو .د لیکن او و دو تن از همراهانش ب ه محض خروج از مجلس مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و ب هم ی نهلدی لتوان ستن د در

جلسه بعد از ظهر مجلس که مقرر بود استیضاح در آن انجام شود، شش رک تکمیل روز د

هفت م مرداد ۱۳۰۳ اقلیت به رهبری مدرع سلیه عملیات رضاخاندست با اعتراض زد

مجلس نارضایتی خود را از سیاست داخلی و خارجی او اعلام داشت و علی‌هتجاوز

رضاخان به مشروطیت و بایعتنای به مجلس وارد اقدام قانونی. شهیدمچنین محور دیگر

« غرق کشتی » ، ۱. روزنامه کوشش، شماره ۶، دوشنبه اول برج دلو (بهمن) ۱۳۰۲

.Report by Kornfeld, No. ۶۰۳, July ۲۸/۱۹۲۴, DS. ۱۲۳Im۱/۲۲۰ Ibid.۲

بلوای جمهوری

کند، استقبال میگرد.

ص: ۴۲۳

اعتراضات تصرف عدوانی اراضی متعلق به قبایل و عشایر اعلام گردید که توس طق شون و به نفع رضاخان صادره شده ب و داینه همه واقعیت داشت. رضاخان برای به دست آوردن پول و مایملک دیگران، خونشان را بر زمین ریخت و به زشت ترین وجهی اینکار را پیش م ب یرد. او حتی به امیرمؤید سوادکوهکیه در هر صورت نه مالی در خور توجه داشت و نه مایملکی که برای به دست آوردن آن خونریزی لازم باشد، رحم نکرد.

در این استیضاح تاریخی که می‌توانست منجر به سقوط رضاخان شود، مدرس با شجاعتی زایدالوصف پای در میدان نهاده و با اینکه خطر از هر سو احاطه کرده بود، این کلمه را هم اجاز می‌خواهم عرض « قصد داشت رضاخان را براندازد، ام ای گفت

حیث از آل است در رأس سیاست و اسپه سردار بودن حیث از من استیضاح فقط کنم

وزارت جنگی ایشان اگر ترتیبی بشود که وزیر جنگ باشند، بنده هم طرفدار ایشان

ب اوددیگ راستیضا حکندگان عبارت بودند از «. میباشم و همیشه طرفدار بوده و خواهم ابوالحسن حائریزاده، حاج آقا اسماعیل عراق، یمیرزاعلی کازرون، ای احمدخان اخگ، ر ملکالشعرا یب هار و سیدحسن زعیم.

روز سه شنبه هفدهم محرم مطابق با بیست و هفتم مردادماه آن سال قرار بود

استیضاح رضاخان شروع شود. رضاخان از دو چیز بسیار هراسان بود، حمله جراید و

انتقادات و کلامی مجل. س ۲ مواد استیضاح هم سه مورد ب: و سوءسیاست نسبت به داخله

و خارجه، قیام و اقدام برضد قانون اس اوس یحکومت مشروطه و توهین به مجلس

شورای ملی و تحویل ندادن اموال مقصرین و غیره به خزانه دولت و بودجه وزارت

جنگ . روز استیضاح هیاهوئی علیه مدر ب سه راه افتاد، بلوئیانی که با مجوز رئیس وارد صحن مجلس شده بودند، شعار مرده باد مدر و ز سنده باد س ردار سپه س ر دادن د. عده ایدیگر هم به نفع مدر سشعار م یدادند .مدرس مردی بود نکته سنج و همانطور م یگفت . او وقتی شعارهای مرده باد را شنید، رو به « فلک، متل ک » که بهار گفته است به اگر مدرس بمیرد دیگر کسی به شما پول « کسان ی که شعار میدادن د کرد و گف : ت ۳ یعنی اینکه این دسته افراد پوملیگیرند تا علیه مدرش سعار دهند، «! نخواهد داد

۱ . مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، مورخه هفتم مردادماه ۱۳۰۳

۲ . تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۱۳۳

۳ . همان، ص ۱۳۶

ص: ۴۲۴

ن آ و ن ی ا ه ی ل ع ش ا ع م ن ا ر ذ گ گ ی ا ر ب ه ک ی ی ئ ه ا ر ه ب ی ک ا به کسی طبعاً نباشد او اگر بنابراین

شعار م ی دادن د و بلوا به پامیکردند ، دیگر پولی پرداخت ن تم ی کرد . این تحرکات درست

از لحظه ای که مدرس پای به صحن مجلس نهاد شروع . رشسداوتر از این ، حمله

سید یعقوب انوار م از نمایندگان طرفدار رضاخا ب نود که همراه با اعیده

و قوما ل ملک

دیگر به اتاقی که نمایندگان اقلیت مجلس در آن می شمعند ن د و مدر سهم وارد آنجا

« ب ابادیزن و دوات به شهی د مدرس حمله کردن . د » شده بود ، حمله بردن . داین عده

ناگه سردا رسپه و امیراقتدا (ر محمود آقاخان) ۱ نیز از همان دری که « علاوه بر اینها

دندد ر این حال رضا خاخطاب به « آقایان هجوم آورده بودند ، وارد اتاق اقلیت . ش

انوار و ع ادهی « شما همه محکومی !د شما را توقیف خواهم ک .ر .د » اقلیت پارلمانی گف : ت

دیگر همه درست روبروی مدرس ایستاده بودند و داد و فریاد میکردند و سخنان زشت

همدرس عصبانی بو .د این « مرده باد سردار س پ » می گفتند . رضاخان بیشتر از همه از اشرع

شعار خطاب به کسانی که علیه او شمعایردادند ، داده ش .د مدرس که در عین حال مرد

زنده « ن ، و یا « زنده باد مدر ، س زنده باد م » شوخ طبعی بود ، در عین حال ش عما یر دا د

این روحیه مدر ب ساعت خشم بیشتر رضاخ اشنده بو . درضاخان ظاهرا ب ه . « باد خودم

گوش خود شعار مدر سرا علیه خویش شنیده ب . و بده همین علت زمانی که وارد اتاق

تسردار معظم خراسانی که اینک در « . بسوی او میبیرید ، خیال خوبی نداشت » اقلیت ش د

ص ف طرفداران رضاخا نقرار داشت و با هر حرکت خویش موقعیت او را مستحکم

می کرد و بنابر بازی تاریخ با هر ، ق گادمی به سرنوشت محتوم خویش که چ یجزی
مرگ نبود نزدی کم یشد، شهادت داد مدر سعلیه رئیس الوزراء شعار داده اس . ۲ ت این
وضعیت ادامه داشت تا ظهر . ش نمایندگان اقلیت نتوانستند رئیسالوزراء را استیضاح
کنند و قرار شد بعد از ظهر اینکار صورت . گیلردت آن بود که وقتی نمایندگان اق تل ی
د ر بیرون مجلس جمعی را برانگیخته بودند و به م ودرس «، از مجلس خار جم یشد ند
حائزیزاده و کازرونی حمله کردند و با چوب و مشت قصد آزدن آنان را داشتند و به
بعض ی هم آزار رسانیدند، چنانکه کازرو ندری خان اهش افتاد و نتوانست در جلسه عصر
حاضر شود . مردی ، معروف به نایب چیلوی، که بعدها پیش من [یعنی بها] را اعتراف
۱ . پراتتر در اصل .

۱۳۶-۲ . همان، صص ۱۳۷

ص:۴۲۵

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

کرد که او را چه کسی تحریک کرده بود، نزدیک مدرسه سپههسالار در ست وهین

۱! کرد و وی را مضروب ساخت

در جلسه بعد از ظهر، مدر شسرت نکر.د حائز زاده و عراق یهم غایب بو.د.ند

ملکالشعراى بهار هم مقداری در مورد وقایع تفاق افتاده صحبت کرد و اصلاستیضاح

صورت نگرفت. ملکالشعرا اعلام کرد اقلیت استیضاح را پ نم سیگیرد، اما به دلی ل

آ تقایانی که « نبود امنیت در جلسه هم شرکت نخواهند. کار ما د رئیس مجلس گف:

میخواستند استیضاح کنند حاضر نیستند و الشعر معلوم م یشو که

از بیانات آقای ملک ا د

علت ترک صحن مجلس چه بود؟ شایع بود به منظور ارباب «. آقایان استیضاح نمیکنند

نمایندگان، عوامل سردا رسپه بدون کسب اجازه از نگهبانی در دالانها و راهروهای

ارباب ظاهرا. اند دهکر مجلس صحن وارد نیز سلاحهائی و گرفته موضع لس میج اند

کیخسرو شاهرخ نماینده زرتشتیان در مجلس، قضیه را فوراه اطلاع داد.

ک المل مؤتمن ب

بدیهی است در آن شرایط کاری از و تمنا لمل ک ساخته نبود. اینکه این قضیه واقعیت

داشت یا خیر، بر ما پوشیده است. س ام تا ماجرا هرچه بود نمایندگان اقلیت همگی به جز

ملکالشعرا در جلسه بعد از ظهر مجلس حاضر نشدند و به این شکل بار دیگر به

۲

رضاخان و کابینه اش رأی اعتماد داده شد.

به هر روی بعد از استیضاح، رضاخان متوجه شد باید در ترکیب کابینه اصلاحاتی

انجام ده د . این بار وی که به ویژه بعد از بلوای جمهوری از فراکسیون سوسیالیست و حزب تجدد نومید شده بود، عادی هدیگر را وارد کابینه ککرهد عبارت بودند از تیمورتاش، داور و فیرو. زاینها ضمن اینکه جزو اکثریت مجلس بودند، رابطه خود را ب اقلیت هم حف ظم یکردن د. این سه تن که از این به بعد نقشی عظیم در تکوین قدرت رضاخان داشتند، بعداه قربانی او گردیدند و هر سه با از دست دادن جان خویش، از گردونه خارج شدن . دداور از آغاز فروردین سال ۱۳۰۳ جزو آن عدا هی بود که ب ا جمهوری مخالفت کرد ن. داو مردی هوشیار بود مویدانست با بلوای جمهوری ستاره اقبال حزب تجدد رو به افول است، اما همچنان از شخص رضاخان دفاع میکرد و در جیبی ن او بیسمارک یم یدید که میتواند وحدت ملی ایجاد کند، و ایران را وارد گردونه

۱ . همان، ص ۱۳۷

.Dispatch by Murray, No. ۶۸۸, October ۱۶/۱۹۲۴, DS. ۱۲۳Im۱/۳۵۳ Majd, Ibid.۲

ص: ۴۲۶

تجدد سازد. این اندیشه باعث شد او در صدد حفظ رض ابرخآی ند و اکثریت حزب
تجدد را که آبروئی برایش نمانده بود به هم زند.

داور برای برکشیده شدن رضاخابن هتخ تط اوو سهرک اریم توانسیت، کرد.

روزنامه اش همه مداحی قزاق بود. در کنار تبلیغات سراغ کلیه کسانی رفت که فکر کرد می

م تی وانند به انجام نقشه اش یاری رسانند. داور کلیه جوانب موضوع را ارزیابی نمود،

بالاخره هم تصمیم گرفت با فیروزو تیمورتاش جناحی قدرتمند در مجلس تشکیل دهد.

او حتی با اقلیت پارلمانی هم حشر و نشر یافت، با اقلوداومله محشور شد و از این طریق

با مدرس هم ارتباط یافت. تمدرس روحيات داو ررا خیلی خوب ش ناخ. ا توم یگفت:

داور پسر زرنگی است، اما دیر آمده و خموا یه د زود برود، معلوم نیست برای چه اینقدر»

«؟ عجله م یکنند

۱ مدرس در تبعیدگاه کاشم ب رود که روزگ ا رسنوشت دارا و ررق م زد و

نشان داده شد عجله او برای چیست؟ گوئی سرنوشتی شوم اما مقدر که به دست خ و د او

رق م خورده بود، گام به گام به مرگ نزدیکش مسایخت. داور با دفاع پرشور از قزاق، به

واقع گور خویش را حفر میکرد. به قول بها ر:

فیروز و تیمور و داور، سه مرد فعال و جسور و بالنسبه واقف و آگاه که خود را به

رئیس دولت نزدیک کرده بودند، از یکسو زیرپای حزب تجدد و حزب

سوسیالیست را جاروب می کردند، از سمتی مواظب مدرس و رفقای او بودند که

نه از میان بروند و نه موفق شوند و از سوی دیگر با تمام فکر و تدبیر و عقل در

پیشرفت کار سردار سپه و ضعف قاجاریه عمل می‌کردند.

ب ه هر حال داو، ر تیمورتاش و فیرو زطیف میانرھوان طرفداران رضاخ ابنون د ؛

کسانی که هم تحصیلات جدید داشتند، هم از تبار اعیانی برخوردار بودند و هم تا

حدی محبوبیت داشتن . د روز بعد از استیضاح نیمه کاره رضا، خاکانینه به این شک ل

ترمیم گردی د: رئیساً لوزراء و وزیر جنگ با خود رضاخا ب نود، ذکاءالملک فروغی وزیر

مالیه شد، مشارالمل کوزیر خارجه، امیراقتدا روزیر داخله، سردا راسعد وزیر پست و

تلگراف، سردار معظم خراسانی وزیر فواید عامه، ادیبالسطنه وزیر عدلیه و مشارالدوله

کفیل وزارت معارف .

۱ . تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۱۸۱

۲ . همان، ص ۱۸۲

ص: ۴۲۷

روز بعد از رأی اعتماد نمایند، گگ ارنضاخان به شیوه عجیب و غریب ی وزرا را وادار
ب ه استعفا نمو . د صب ح روز یکشنبه سی و یکم مردادماه جلسه کابینه رأس ساعت هشت
تشکیل ش د . آنها سه ساعت تمام منتظر رضا ن خاشنستند ، اما بعد از این مدت پیشکار
مخصوص او وارد شد و یادداشتهایی را به تمام وزرا به استثنای فروغی . در ای د نا د

۱

یادداشت از آنها خواسته شده بود فوری از مقام خود استعفا . روز هدهشتم
شهریورماه کابینه جدید معرفی ش . دمشارالم ل ک وزیر امور خارجه ،مدیرالملک جم ک ه
ب ه قول مورای وفادار ایش ب ه سفارت و منافع بریتا نیدار ایران غیرقابل انکار اس ۲ ب ت،ه
عنوان نامزد وزارت مالی ت هعین ش د . ب هدلالیلی که بر ما معلوم س ن تی، ذکاءالملل ک به
جای وی معرفی گردی .دمورای بر این باور است که علت تغییر انتصاب مدیرالمله ک
دلیل مخالفت روسها بوده اس .م تیلسپو از این تغییر اسبتقال کرد و گفت ذکاءالملل ب کر
دیگران برتری دارد، زیرا او از مالیه هنیمچیداند و به همین دلیل در کار مستشاران
آمریکائی ی هم دخال تنم یکن ! مشارالدوله وزیر معارف ش .ادو پی شت ر مدتی والی
خوزستان بود که جزئی از منطقه نفوذ بر بیتھانی احسا بم یآمد . سردار اسع د بختیاری
ه م به کابینه راه داده شد تا سناریوی ایجاد اختلاف بین سران عشایر بختیاری شدت
یابد و در موقع مقتضی او هم فرو گرفته . ا شمی ورداقتداران صاری وزیر داخله شد، او از
نزدیکتری نیاران سردا ر سپه به شمارمیآمد که از بدو کودتا تا آن زمان نقشی مهم در
تحکیم پایه های قدرت رضاخان داش ت . مورای به یک نکته توجه داشت و آن اینکه تنها
تیمورتاش وزیر فواید عامه و ادیالسلطنه سمیع ی وزیر عدلیه آشکارا طرفدار بریتانیا

محسوب نمیشدند.

از این تاریخ به بعد سانسوری شدید بر مطبوعات حاکم . گکا رردی بده جائی رسید که زین العابدین رهنم ا مدیر روزنامه رسمیايران هم زبان به شکوه و شکایت گشود و ضم ن ارسال نامهای با وساطت محمدعلی فروغی، رضاخان را از اوضاع ناهنجار اداره سانسور آگاه ساخ . ترهنما نوشت، هم ه میدانن د استقرار حکومت نظامی در این ایام اب و ود .» برای جلوگیری از پار[اه] ای دسایس و آنتریکھائی بود که دولت ناگزیر از آن «

۱. Kornfeld to Secretary of State, No. ۶۲۵, August ۲۸/۱۹۲۴, DS. ۸۹۱.۰۰۲/۱۴۳ Majd, ۱۸۷.

۲. ...Whose loyalty to British legation and British interests in Persia is unquestionable

۳. Dispatch by Murray, No. ۶۳۳, September ۲/۱۹۲۴, DS. ۸۹۱.۰۰۲/۱۴۴ Majd. Ibid.

ص: ۴۲۸

شکایت کرد که بعد از استقرار حکومت نظامی از طرف نظمیہ مفتشانی در هچاپخانه گذاشته ان د ت ا مطبوعات را کنترل نمای .ندماده هشت حکومت نظامی در مورد جرای د بود دا و خاطر نشان نمود در قانون حکومت « ح ق ندارند بر علیه دولت انتشاراتی بد . هن » ک ه معذال ک از نقطنہ نظر لزوم، سانسور برقرار ، نظام ی نامی از سانسور به میان نیامده است اما موضوع نفس سانسور نیست، بلکه مسئلہ این است کہ مأموران سانسور « . گردید جان ب افراط را در پیش گک رفته اند . ب ه نوشته رهنم امطبوعات علیه این وضع زبان به شکای ت گشودند به جز روزنامہ ایران؛ اما ہمین روزنامہ لازمیداند نکاتی را به دولت انردهنما نوشت ، از « جلوگیری نموده و نگذارند بیهوده مردم را برن . ج » گوشزد نماید تا مأمور سانسور خواسته است بگوید نشر چه چیزی ممنوع است تا آنها خود مانع از تراجع به گاومیری، خرابی زراعت، سیل، برف، « درج آن شوند، مأمور مزبور گفته ا : س است نوشتن از ممنوع اینها حریق، . » آنها م کہ است شده اضافه دیگر موضوعی هم اخیرا سانسور نطق و کلاست در مورد مسائل اقتص ا. دره ینما نوشت ، روزنامہ ایران خبری در ج کرده کہ به علت واردا بتیرویہ قن د و چای ، مردم باید متوجه عوارض ناشی از شد.» در اینجا هم اظهار میکنند کہ نوشت ہنشود زیرا عامہ مضطرب خواهند ، آن باشند ممکن « رهنما این فقرات را برای اطلاع هیأت دولت نوشت و توضیح داد به گمان او اس ت از مسائلی کہ بر علیه دولت انت مشا یریباد جلوگیری کنند، ولی جلوگیری از مسائ ل اقتصادی و مسائل مربوط به امور مالی خعیلجی یب به نظر م یآید . دیگ ر بسته به ت ا این نامہ برای نظمیہ فرستاده شد تا صحت سانسور و «. نظر وزرای عظام اس مندرجات آن روشن شود و از نظمیہ توضیح خواسته شو د.

از طرفی دولت در نامه خطاب به رئیس نظمی، ضمن اینکه هر نوشتاری از عریضه مقصود از سانسور جراید جلوگیری از انتشار مطالبی است که « رهنما را فرستاد، تذکر داد بن شودشت هشتاد و پنج دینار آن عن شری ». مخالف سیاست دولت و یا موجب تهییج و اغتشاش است « مربوط به سیاست جاریه نیست » مقالات در مورد کشاورزی و تجارت و موضوعاتی که بشوند . دستور داده شد به مأمورین سانسور تعلیماتی دهند که بیهوده مزاحم ارباب جراید

۱. زینالعابدین رهنما به هیأت دولت، مورخه ۱۵ سنبله (شهریور) ۱۳۰۳، ش. ۸۶۵-ن، بایگانی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران .

نشوند و در مورد شکایت رهنما هم توضیح دهند قضیه از چه قرار بوده است. ۱ اداره
نظمی ه مضمون شکایت رهنما ارا تکذیب کرد، اما به هر روی این شکایت باعث شد تا
حکومت نظامی کمیسیونی تشکیل دهد تا هرگاه بین مأموران سان سور و ارب اجرایی
اختلافی پیش آمد، و یا جرید از مأموران سانسور شکایتی داشته باشند، ب ه آن کمیسیون
ارجاع داده شو. د کلی ه تحولات این زمان از س وئ یم رتب طب و دب ام سئل هخاتم هبلوای
جمهوری و از سوی دیگر با موضوع نف. ر تضاخان و همراهانش از فرصتهای پیشآمده
به گونه ای استفاده کردند که هم حکومت نظامی را بار دیگر برپا ساختند و هم ب هم سئل ه
نفث به گونه ای پ ایان دادند که در نهایت به نفع بریتانیا خاتمه یاف ت.

۱. هیأت دولت به نظمیه، مورخه ۱۹ برج سنبله (شهریور) ۱۳۰۳، ش. ۱۸۶۴-ن، بایگانی

فصل نهم

آمریکا، نفت و سیاست در ایران

بدون تردید یکی از مهمترین تحولات تاریخی ایران در مقطع زمانی سال ۱۲۹۹ تا زمان

تغییر سلطنت، مربوط است به روابط ایران و آمریکا . به عبارت دقیقتر این نخستین

دوره ای بود که وزارت خارجه آمریکا تلاش کرد رد موازنه نیروهای بالیمیل نلی در

ایران، با حمایت برخی محافل داخلی جای پائی برای خود دست و پا کند، اما همیشه با

س د سکندر بریتانی او مانع رفع ناشدنی شرکت نفت انگلیس و مایوا راجنه ش د. تحلیل

حوادث این مقطع تاریخی اهمی ت زایدالوصفی دارد ؛ زیرا تحولات این زمان به واقع

مقدمه ای است بر حوادثی که در آینده شکل گرفت ؛ به ویژه زمان کنار نهادن رضاخان

از سلطنت به دستور متفقین تا زمان کودتای ۲۸ مرداد که اوج دوره رقابت شرکتهای

ب اندیش ه برقراری روابط با و وارد کردن شرکتهای بزرگ آن کشور به

نفت ی ود . آمریکا

منازعات نفتی برای مهار بریتانیا، ا بتکار قوامالسلطنه ب ود .

دولت قوام زمانی روی کار آمد که تا ماهها بعد ها سای ی هشوم میراث برجای مانده

از دوره قحطی بزرگ برجای ب و؛ ب ده طوری ک ه حتی اوایل دیماه آن سال سر پرسی

لورین که به جای نورم آمده بود گزارش داد کلیه مدارس دولتی تعطیلند، قزاقها و

.Lorraine to Curzon, Tehran, ۲۶ December ۱۹۲۱, FO. ۴۱۶/۶۹ .۱

ص: ۴۲۱

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

سوی کرزن به بانک شاهنشاهی - نمادی از تسلط بدون قید و شرط جبار بازار جهانی و خداوندگار عالم سرمایه‌داری یعنی انگلیس - فرمان داد به دولت ایران چیزی بابت

۱

امپراتوری منافع برای ایران اهمیت و ارزش از لورین ی ت ق و بعدا . پردازند مساعده

بریتانیا سخن به میان آورد، وزارت خارجه انگل ییا سشخص کر از جنازه داد بانک

۲

شاهنشاهی در مقابل وثیقه‌ها یحقا لامتی از نفت، وام یبه دولت ایران پیرد از دعت امر

واضح بود، کرزن به صری ت حرین وجه ، اعلام داشت به قوابمیا اعتماد اس . ت ا و نوشت

وقت ی دولت قوا متلاش میکند از آمریکا وام دریافت کند، مستشار نظامی خارجی

غیرانگلیسی استخدام کند، با کمک نیروئی دیگر خط آهن درست کند و به آنان امتیاز

نفت ت بدهد، قابل اعتماد نیس! ۳ تکرزن چنان از دولت قوا انمفرت داشت که حتی حاضر

نشد سلاحهای باقیمانده از پلیس جنوب ایران را به دولت او ب شف دروو پول آن را هم

۴

دریافت کند ، ا و حاضر بود سلاحهای به جای مانده نابود شوند تا اینکه در اختیار

دولت قوا م قرار گیرن . د در اینجا بود که پای کمپانیهای آمریکائی به عرصه رقابتهای

اقتصادی ایران گشوده شد .

اصل ماجرای تمایل جدی آمریکائی به اب هورود در بازار ایران به دوره بعد از جنگ

اول جهانی بازمی گشت . آن زمان ایالات متحد تهلاش کرد اندکی از انزوای تاریخی

خود خارج گردد و در نبردهای سرنوشت سازت برای تقسیم مجدد جهان سهمی نوین را

از آن خود سازد. آنگاه مآر یکا به سیاست دفاع از کشورهای کوچک که زیر استعمار کشورهای بزرگ اروپائی و به ویژه انگل سبتاود نند، روی آوردم. به این بحث هرچند سفینردداخته ایم و « ایران از سقوط مشروطه تا کودتای سوم ا » ب ه طور اختصار در رساله برای اینک ه خوانندگان در جریان فضای عمومی ایران و جهان مقارن آن ایام پی ببرند، آنان را به رساله مزبور ارجامعیدهیم ، اما همین جا به اشاره خاطر نشان میسازیم این دوره پیش از زمانی بود که به دلیل مسئله نفت و به بهانه جلوگیری از نفوذ کمونیسیم سیاستها ی آمریکا و انگلیس تا اندازه زیادی به همگرایی رسید. به یاد داشته باشیم در

.Curzon to Norman, London, ۱۴ June ۱۹۲۱, FO. ۴۱۶/۶۸.۱

.Lorraine to Curzon, May ۲۷/۱۹۲۲, FO. ۳۷۱/۷۸۱۶.۲

.Curzon to Bridgman, London, ۱۸ October ۱۹۲۱, FO. ۴۱۶/۶۸.۳

.Bridgman to Curzon, Tehran, ۱۲ October ۱۹۲۱, FO. ۳۷۱/۶۴۰۷.۴

کنفرانس صلح و رسایا، مریکا از طرح دعاوی ایران دفاع کرد و انگلستان را از خود رنجانید، اما این حمایت ضمانت اجرائی ندا. ش د ت ر فروردین ماه سال ۱۲۹۸ مطابق با آوریل ۱۹۱۹ وقتی انگلستان تلاش کرد مایع ریابهی ایران به جامعه ملل و طرح دعاوی این کشور در کنفرانس صلح و رسایا، رابرت لانسلی، ن و گزیر خارجه آمریکا موقعی ت را مناسب یافت و به آرتور جیمزب، الفوزویرر خارجه انگلی س هشدار داد اگر ای ن کشور در طرح شکایت ایران در جامعه ملل کارشکنی کند، آمریکا هم موضوع را به نفع ایران پیگیری خواهد ک. ردد ر این هنگام بود که یکی از دیپلماتهای انگلیسی به چرا ما گربه را دم حجله نم یکشیم و: « همکاران خود در وزارت خارجه انگلی گ سفت ب ه آمریکاها نم یگوئی م که ایران از نظر ما تحت پوششی قرار دارد که آن را معادل ت ۱ سرانجام». دکتربن مونروئه در آسی ام یدانیم. این [کشور] شکارگاه اختصاصی ماس ه مدولت وقت آمریکا که دفاع از ایران در برابر قدرتی مثل ان گرال بیه سمصلحت خود نم ی دید اعلان بیطرفی کرد؛ هرچند این کار مانع از آن نشد تا وزیرمختار ایالات متحده در تهران به موضکیعری دولت متبوع خود اعتراض کند و آن را ناقض اعتبار و

نفوذ آمریکا در ایران به شمار آور د.

د ر آن دوره روسیه به دلیل انقلاب بلشکوی از میدان رقابتهای سیاسی ایران بیرون رفت ه بود، آلمان به زانو درآمد و نقشه امپراتوری عثمان یهم از هم فروپاشید و مبدل شد ب ه قطعاتی کوچک که هر کدام یا به دست امیری دست نشانده اند گالریه سشدند و یا تحتلا حمایه قدرتهائی مثل فرانس هو انگلیسدر آمدن د. د ر این زمان تنها قدرت جهانی

عبارت بود از ایالات متحد آمریکا، غولی که در بطری دکترین مونروئ هگرفتار آمده بود و تلاش داشت از دهانه تنگ بیط رخارج گردد و افقهای بیکرانه سیاسی و اقتصادی را ب هروی خود بگشا ی ا دما گرچه در قالب دکترین وودر و یلو بی سان وینه چهارده ماده ای اش، آمریکا باید از کشورهایی که مستعمره قدرتهائی مثل انگلیس بودند حمایت کند؛ لی کنآمریکا در چارچوب تقسیم نافع نفوذ امپریالیستی در آن زم، بانرای خود منافی درجه اول در ایران قائل ن.ب بوهده همین دلیلنمیخواست به خاطرشوری متلاشی شده از دخالتهای بیگانه در جنگ اول ج هوا نقیحطی و قتل و غارتهای کمیته

۱. هوشنگ صباح ی: سیاست انگلیس و پادشاهی رضاشاه، ترجمه پروانه ستاری، (تهران: گفتار، ۱۳۷۹)، ص ۲۰۳

۲. آبراهام یلسون: روابط سیاسی ایران و آمریکا، ترجمه محمدباقر آرام، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۸)، ص ۲۰۷

وجود هم مهمتری مسئله اینکه مضافاً؛ شود درگیر انگلیس با عشایر و ایلات و مجازات داشت که آمریکا را هراسانم یساخت: مسئله نفوذ کمونیسم در ایران. انگلیس بهانه‌ای عامه پسند برای هراسان ساختن تمام دنیا و از جمله آمریکا به دست آورده بود؛ گذر بریتانیا اندکی از مواضع خود عقب نشیند، غول کمونیسم تمام دنیا و از جمله ایران را خواهد بلعید، در آن صورت نه تنها برای انگلیس، بسلکه برای هیچ قدرت جهانی امکانی برای ادامه حیات وجود نخواهد داشت.

به همه اینها باید گرایشهای درگورنایانه محافظی از سیاستمداران آمریکائی را نام برد که هنوز مایل نبودند از لاک انزوای تاریخی خویش خارج. آمشری ونکدا از اواخر قرنوزدهم برای خویش منطقه نفوذی در آمریکای لاتین میجست. این محافظ ایران را کشوری میدیدند در مدار منافع انگلست. اب ننا بر این تلاشی منظم و سازمان افیه برای نفوذ در ایران از خود نشان نمیدادن د. تلاشهایی که از سوی شرکتهای خصوصی آمریکائی البته با چراغ سبز وزارت ختارج ه این کشور صورت میگرفت، آنقدر نبود که بتواند غول سرمایهداری انگلیسرا در آوردگاه اقتصادی ایران به زانو در آورد کنفرانس صلح ورسایهم حمایت آمریکا از ایران آنقدر جدی نبود که امید ی در دلها برانگیزد. با تمام این اوصاف کمپانیهای نفتی آمریکائی حتی از قبل از مشروطه

محصولات خود را به ایران عرضه یکردن د. هرچند در همان زمان هم شرکت نفتی باکو که سهامداران عمده آن یهودیانی بودند مثل خاندان ساموئل، روچیلد و برادران نوبل، از راه رسیدند و عرصه را بر شرکتهای نفتی آمریکائی یتنگ کردند و هرچند بعدها

شرکت نفت انگلیس و ایرا هنمه آنها را جاروب کرد و از عرصه فعالیتهای ایران بیرون انداخت ، اما تلاشهای شرکتهای خصوصی که سهام عمده آن در دست یهودیان بود، هرگز از بین نرفت و در حاشیه این رقابتهای ، نف حتوایدت سیاسی تأسآوفری در

۲

ایران بروز و ظهور یاف ت.

از سال ۱۲۸۸ مطابق با ۱۹۰۹ میلادی که پای کمپانیهای ری ز و درشت آمریکائی و

اروپائی در ایران بیش از پیش باز شد، انواع و اقسام کودتاها، تراژدیهای سیاسی، ظه و ر و

۱. ن ک: بحران مشروطیت در ایران، ص ۵۸۷ به بعد .

۲. در کتاب بحران مشروطیت در ایران آورده ایم که برخی قتلهای سیاسی مثل قتل اتابک اعظمو یا مرتضی

قلیخان صنیعالدوله به واقع در حاشیه رقابتهای نفتی مزبور صورت گرفت .

ص: ۴۳۴

افول رجال سیاسی و دولتها، همه و همه به نحوی از انحاء با مسئله نفت ارتباط داشت .
نفت جنوب ایران از آغاز در انحصار انگلیسیها . بجز ندگ اول جهان ینشان داد که
نفت چه سلاح برن ادهی در عرصه های سیاسی م تواند باش . د از این بالاتر در طول
جن گ اول جهان ییود که احتمال داده شد چه بسا در پنج استان شمالی ایران بتوان به
نفت دست یاف . ت شمال ایران منطق اهی ب و دبسیار مهم چه از نظر سیاسی و چه از نظر
اقتصادی ؛ بنابراین رقابتی فشرده برای دستاندازی به این منطقه شکل گرفت. در این
میان شرکتهای نفتی آمریکائی با یک مسئله مهم مواجه بودند که آنها را از سرمایهگذاری
هنگفت در منابع اقتصادی جهان برحذر میداشت و آنهم چیزی بنود جز قانون ضد
تراست . ب این وص ، ف قانون مزبور مانع از آن نبود تا شرکتهای خصوصی بخت خویش
را برای تسلط بر منابع نفتی شمال ایران بیازمایند .

بع د از جنگ اول جهان یویلسون ضمن انتشار اعلامیه مشهور چهارده امید هخود ،
استقلال همه کشورهای جهان را به رسمیت شنا . خببتندی از اعلامیه به این نکته تاکید
داشت که همه قراردادهای بایلمنلی باید آشکار باشن . د آمریکا ئیها نخستین گام را در
ارتباط با مسئله ایران درباره عهدنامه ها، به هنگام قرارداد ۱۹۱۹ عملی کردند؛ زمانیکه
مدعی شدند این قرارداد مخفیانه امضا شده و تهدید کردند کلیه مکاتبات خود را درباره

این قرارداد منتشر خواهند کرد .

دیگر ر اینکه دولت آمریکا به دولت ایران پیام داد اگر نیازی به کمک داشته باشد،
ایالات متحده از آن دریغ نخواهد کرد . ۲ آمریکائیها م یگفتند این قرارداد مخفیانه و

تحت فشار انگلستان نامضا شده است؛ چنین امری تا حدی واقعیت داشت. تقرر داد
تحت فشار انگلی سامضا شده بود، اما نه مخفیانه. یانه هم از مضمون و مفاد قرارداد مطلع
شد. گذاشته بحث به انگلیس پارلمان خود در بار نخستین ارداد رقی بودند و اصلا
ماهیت موضع گیری آن زمان آمریکائیها را میتوان در تکاپوهای کمپانیهای یهودی و
شرکتهای فراملیتی برای مشارکت در منابع اقتصادی ایران و از آن جمله معادن نفت
خلاصه کرد، تلاشهایی که بعدها هم ادامه یافت.

۱. اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا درباره قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس، ج ۲، ترجمه جواد شیخالاسلامی،

۷- (تهران: کیهان، ۱۳۶۵)، صص ۸

۲. همان، ص ۳۱۴

ص: ۴۳۵

هدف آمریکا ثبات از مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ روشن بود. آنها نه در قید استقلال سیاسی ایران بودند و نه البته نفس قرار داشتن ایران در وضعیت نیمه استعماری برای آن اهمیت داشت. علت مخالفت آمریکا ثبات با قرارداد این بود که سردمائی راهن این کشور آن را مانع برای سرمایه گذاریهای خود در صنعت نفت ایران قلمداد کردند و برای آن بودند که قرارداد مزبور محرومیت آمریکائی آن در مشارکت در منافع این کشور را افزایش

۱

می دهد. همان سال وزارت خارجه آمریکا اعتراض و در این قرارداد به آگاهی وزیرمختار وقت ایران در واشنگتن رسانید این وزیرمختار که علیقمیریزا نبی لالدوله از رهبران جامعه بهائیان ایران بود، خود در برافروختن شعله مخالفت آمریکا آنها علیه وثوق مشارکت داشته است. تا آمریکائیها به صراحت خاطر نشان کردن می خواهند در مناطق شمالی ایران در اقتصاد نفت سرمایه گذاری نمایند و قرارداد مانع از تحقق این نیت خواهد شد. نتیجه می گیریم بحث مشارکت آمریکا ثبات در منافع نفت شش، متالزگی نداشت و نخستین بار بعد از انقلاب بلشویکی از سوی خودن مطآنراخ گردید و نطق. بوام هواق قوام تلاش کرد نفت شمال را به قول یسلسو مونرخ تاریخ روابط ایران و آمریکا، طعمهای قرار دهد تا با آن یاالات متحده را به سرمایه گذاری در ایران ت شویق کند و از این راه مشکلات مالی دولت خود را حل نماید. در عین حال آمریکائیها می گفتند دولت ایران باید توجه کند منابع مهم اقتصاد ایران را نباید به دست یک شرکت خارجی که آنها هم شرکت نفت انگلیس و ایراب نود، قرار دهد. منظور البته اینست و دک های نموض و عمن اف یاصل استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ایران به شمار رموید، بلکه به این علت که این موضوع

ب اصل رفتار یکسان دولت ایران با همه شهروندان کشورهای خارجی همخوانی ن . دارد
وزارت خارجه آمریکا ضمن اینکه باز هم توضیح داد واگذاری همه نف تکشور به ی ک
شرکت خارجی به مصلحت ایران نیست، بار دیگر خواستار آن شد که دولت ای ران اج ازه

۲

دهد شرکتهای آمریکائی یدر منابع نفت شمال کشور س رگمایذهای کنن . د ای ناظه ارات
نکات ی است مه . م همانطور که در جائی دیگر توضیح ایدامد ،هبخ شی از حوادث سیاسی
ایران که منجر به میل شدن نفت در ده ههای بیست و سی شمسی شد، ریشه در تحرک ات

۱ . بنجامین شوادران: خاورمیانه ، نفت و قدرتهای بزرگ، ترجمه عبدالحسین شریفیان، (تهران: کتابهای جیبی،

۱۳۵۲)، ص ۳۵

۲ . مصطفی فاتح: پنجاه سال نفت ایران، (تهران: انتشارات چهر، ۱۳۵۵)، ص ۳۳۴

ص: ۴۳۶

شرکتهای نفتی رقیب برای مشارکت در منابع نفتی ایران داش. به ای تن شکل ماهی ت
سیاسی تحولات بعدی ایران روشن مشیود، ضمن اینکه ماهیت تحرک اتای الا تمتح ده
د ر ایران را در دهه های بعدی هم نمایش مدیهد. ب ه هر روی با این پیشینه بود ک هح سی ن
علاء با شرکتهای نفتی آمریکائی در باب نفت شمال ایران مذاکره کرد.

درس ت در همین زمان بود که شرکتهای نفتی آمریکائی یتلاش کردند در منابع نفتی
ایران جائی برای خود بیا ب. ن ا دسناد فراوانی در ارتباط با تلاش این شرکتهای هتجرا هیابی
ب هبازار ایران در بایگانیهای وزارت خارجه ایران و مراکز اسناد آمریکا و انگلیس
موجود اس ت. طبق این اسناد شرکتهای نفتی آمریکا نم یتوانستن د نسبت به نفت ایران
بیتفاوت باشند و همانطور که یسلس وهنم یادآور شده، این شرکتمهایخواستند حتی
نقش فعالتری در خاورمیان بهر عهده گیرن. ۲ د این نویسنده به درستی خاطر نشان کرده
نفت برای طرف ایرانی طعماهی بود تا با آنآمریکا را به تحولات سیاسی خود بکشاند

و به این شکل انگلیس را وادار کن د گامی به عقب بنش ی. ند این بخشی از اوقعیت اس ت.
واقعیت اصلی این است که دولتهای ایران در این زمان زیر فشار انچگالره ستان یج ز
اینکار نداشتند. اقتصاد کشور ورشکس؛ تبهیکاری در اوج خو؛ ددولتها ب ث بیات؛ و
خلاصه ای ن ک هامنیت از کشور رخت بر بسته. ب بخود شی از امنیت در گرو وجود
نقدینگی بود تا بتوان بر اساس آن آرامش را به کشور با ز. گامردان یدرد این شرایط
انگلستان که از جنگی خانمانسوز بیرون آمده بود، نه خود به هر م یدتلیولانیس ت وامی

دراختیار ایران قرار دهد و نه البته امجا یدزاهد دولتهای مختل ف از منبعی دیگر
هزینههای لازم را برای تأمین بخشی از بودجه اداره کشور تهیه نمایند. اگر مشکل بدهی
و ورشکستگی اقتصادی نبود، شاید رجال سیاسی هرگز به آمریکائیا که برگ برنده
دوره بعد از جنگ را در دست داشتند، اقبال نش نامیدادند. اما در عین حال، بوند
رجالی مثل احمد قوامسلطنه که برای حفظ استقلال سیاسی ایران، از سیاست روی
آوردن به نیروی سوم حمایت میکرد و به واقع امثال قو و بارم این باور بودند شوکر

، (۱. ن. ک: زندگنامه سیاسی دکتر مظفر بقائی، چاپ دوم، (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۵

. ۱۲۷- صص ۳۰

۲. یلسون، پیشین، ص ۲۵۵

۳. همان، ص ۲۵۴

ص: ۴۳۷

برای مهار رقابتهای استقلالشکن روس و انگلیس شاید به نیروئی سوم روی آورد تا مگر بتواند زیر چکش و سندان این قدرت ها، آخرین رمق کشور را حفظ نماید .

احمد قوام و شرکتهای نفتی آمریکائی

۱

قوام رجلی است ناشناخت؛ هرچند پیرامون او زیاد نوان شت ده. ما هم در فرازهای مختل ف تاریخ ایران معاصر به نقش و کارکرد او در تحولات کشور اشاراتی داشتهایم که

۲

خوانندگان را به آنها ارجاع میدهم. در این جا به واقع همان بحث را به شکلی تاریخی پیگیری میکنم اما اندکی به عقب بزمای گردیم. یکی از مهمترین ادوار زندگی قواما لسلطنه که البته با روابط ایران و آمریکا به هم پیوسته است، مربوط است به حوادث بعد از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹. ماجرا درست از زمانی شروع شد که قوام بعد از دولت مستعجل سیدضی، پست ریاست وزرائی را به دست گ. ر. فهرچ تند سطح روابط دو کشور در این زمان چندان مهم نبود و با وجود اینکه وزارت خارجه آمریکا سیاستی فعال در برابر ایران در پیش نگرفت، اما بدون تردید مهمترین و نخستین گام را قواما لسلطنه به رای بهبود وضعیت برداش. تقوام از دوره مشروطه مورد کینه جناحهای تندرو مشروطه قرار داش؛ تکسانیکه هم اینک بر طبل قدرقدرتی رضاخان میکوبیدند. بادر دست گرفتن ابتکار برقراری روابط گسترده مالی و سیاسی با آمریکا، قوام دشمنی مضاعف بریتانیا را هم نصیب خود ساخت، کما اینکه وثبور اقدر او هم زمانی که که ریاست وزرائی را به دست داشت، بارها از نزدیکی به شرکتهای نفتی

آمریکائی برحذر داشته شده بود .

قوام سیاستمداری بود که تلاش داشت ا گوین مهوازنه بین قدرتهای بزرگ آن

روزگار ، یعنی اتحاد شوروی و انگلی سبرقرار کن . د ب یگمان شوروی در جریان حوادث

بعد از انقلاب ۱۹۱۷ و الغای یک جانبه عهدناهامهی استعماری ، در بین ایرانی ناوب ه

ویژه مردم شمال کشور از محبوبیت فراوان برخوردار . باموا دمیزان نفوذ شوروی م یل

روسیه تزاری ، قابل قیاس با انگلستانب نو د. انگلیس هم فعالیتهای قوامرا از نزدیک زی ر

نظر داشت. در راستای گرایش به نیروی س، وقموا مالسلطن به ه حسین خان علاء روی

(۱ . شاید یکی از بهترین تکنگاریها در مورد او این اثر باش د: حمید شوکت، در تیررس حادثه، (تهران:اختران، ۱۳۸۶

. ۶۳- ۲ . نک:زندگینامه سیاسی دکتر مظفر بقائی، ۷۲

ص:۴۳۸

آورد. ب هتوصیه قوام احمدشاه سفیر وقت ایران در اسپ اینیعیانی همین حسینخان علاء
ر ابه وزیرمختاری کشور در آمریکا منصوب کر. د همزمان او سفیر اکرودی تدهر مکزی، ک

۱

آرژانتین و گواتمالاش د. همی ن موضوع نشانمیدهد روابط دو کشور تا چه حد نازل
بوده اس ت. یعنی اینکه رواب طایران و آمریکا آنقدر ناچیز بود که وزیرمختار کشور در
آنجا، هم زمان سفیر اکرودی تدهر سه کشور آمریکای جنوبی هم گردی. د لازم به توضیح
اس ت که بحث روابط دو کشور، منحصر به این موضوع. بلنب کوهداز قبل حوادثی شک ل
گرفت که منجر به اعزام علاء گردید.

روز اول تیرماه سال ۱۳۰۰ زمانی که کال دو، لوزیرمخت ار آمریکا ا در مسافر تبود،

۲

کرنیلیو س وان انگرت کاردار سفارت ایالات متح ب دهه وزیر خارجه دول تمتب و عخ و د
نوشت در دیداری با احمدشاه و حسن اسفندیاری هر دو درخواست اعزام کارشناس
کشاورزی و مستشار مالی برای ت صد یام و رب انک یايران یک اند. هرد مهشاه و ه م
محتشمالسلطنه گفته بودند در ازای این خدمات ایران امتیازهای نفتی، خط و طراه آه نو

۳

موارد مشابه در اختیار آنان ق رماری ده د. همزمان حسین علاء ر مادری ب د امست شار
سفار تا آمریکا در اسپانی اگفتگو کر. د او همین موارد را خاطر نشان کرد و در ازای آن پ نج
میلیون دلار و امطالبه نمود و وثیقه آن وام را عواید ایران از امتیاز شرکت نفت انگلیس و
ایران عنوان نمود. شخص قوام که ابتکار برقراری ارتباط فعال با آمریکا به او تعلق داشت،

ب هبرادرش و شوقه اینک مقیم لندن بود تلگرمای ارسال کرد و از او خواست تحقیق کند آیا می توان از شرکتهای نفتی آمریکائی یوامی دریافت نمود؟ و شوق ۲۸ تیرماه ۱۳۰۰ به ن زد نسلات اولیفان ت در وزارت خارجه انگلست ارنفت و نسبت بای هنک هدول تبریتانی ب اه ایران وجهی پرداختنمیکند ، اعتراض کر . دبع د از آن در باب امک اناخ ذوام ازج ای دیگ ر مثلامریکا با اولیفان ت وارد گفتگوش . دوزار تخارج هانگی اسز طری ق عوام ل و ا سلب اولیفان ت پس . بود مطلع برادرش به قوام نامه محتوای و ضمن م از خود جاسوسی اب خط تهران در انگلیس وقت وزیرمختار ، نورمن ۴ . نکردی نظر اظهار مورد این در اب ایجا . ۱ . احمد قوام به حسین علاء، آرشیو اسناد وزارت خارجه، مکاتبات سال ۱۳۳۹ ق، مجموعه ۲۲ ، پ ۱

۲. Cornelius Van Engert.

Cornelius Van Engert to Charles Evans Hughes, Dept. of State Documents, voll. II, ۳
۷۱۱.۹۱, ۲۱ June ۱۹۲۱

۴. Memorandum of Lancelot Oliphant, London, ۲۰ July ۱۹۲۱, FO. ۳۷۱/۶۴۰۵.۴

ص: ۴۳۹

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

ج ر مق و ام «. ب هفکر انداختن آن کشور به دامان آمریکا است» به کرزن نوشت دولت قوام

ای ن بود که میخواست پول کافی قرض کند تا بدهکاری دولتهای گذشته ایران به بریتانی ا

ر اپردازد و از بقیه آن برای تأسیس بانک ملی تحت راهنمایی آمریکائی او اح ادث

۵

راه آهن استفاده نماید. دکرزن گرچه تردید داشت آمریکائیها بخواهند و یا بتوانند جای

۱

انگلیس را در ایران پر کنند، اما نزاع آتی بر سر مسئله نفت را محتمل دانست.

ب هدنبال این تحولات، ع لادع ر شهریور سال ۱۳۰۰ استوارنامه خویش را به هاردین، گ

رئی س جمهور وقت آمریکا تقدیم کر. داعزام علاء به آمریکا ادو هدف اصلی داش ت:

۲

نخست اخذ وام و دوم دعوت مستشاران آمریکائی به ایران. ق واهمانطور که در اکثر

منابع نوشته اند، سیاستمداری بود پیچیده؛ کمتر کسمیتوانست از ماف ا یلضمی ر او اط لاع

حاصل کند و به همین دلیل مورد سوءظن شدید انگلی سیه اق را رداش. انگلی سی ته اک ه

ترجیح می دادن د ایران در وضعیت انحطاط خود باقی بماند، تلاششان بی شت رمب ذول روی

کار آوردن کسانی بود که نه تجربه سیاس یمهم یداش تن د و ن هاز عقب هخانوادگی

مستحکم یب رخوردار بودن. د سیدضیاء و رضاخان تنها دو تن از این مهراهی م وردنظر

بریتانیا به شمار میآمدند. اما قوام مردی نبود که به ساز انگلیس برقصد، او مردی بود با

سابق ه سیاسی در خور توجه، و البته فرمانبب ردیارچون و چرای سفارت انگلی ه سم تلق ی

نمیشد. از آن سوی قوام می دانست نمی توان آمریکا را به ورود در عرصه سیاس ی ای ران

ترغی ب کرد، مگر اینکه منافی برای شرکتهای بزرگ این کشور در نظر؛ منگافرفعی که
دولت ایران هم از آن منتفع . شود اینجا بود که طعمه مونرظد ریسلسون یعنی نف تبه
کار آم د. اما منظور از نفت چه بود و کدام منابع نفتی بود که تح تکنت ر لانگل ی سق رار
توانست می نداشت و دولت ایران
مستقلا در مورد آن تصمیمگیری نماید؟

استاندارد اویل و شرکت نفت انگلیس و ایران

منابع نفتی جنوب کشور در اختیار شرکت نفت انگلیس و ایران بود. حتی سخن
گفتن از نفت جنوبمیتوانست عواقبی از آن سان که برای ال صن دیول ع ه رقم زده شد،

Norman to Curzon, Tehran, ۳ July ۱۹۲۱, FO. ۳۷۱/۶۴۵۳, Intelligence Summary No.۷ for .۱
the weekending

June ۱۹۲۱ ۱۸

. ۲ . یسلسون، پیشین، ص ۲۵۴

ص: ۴۴۰

در پیش داشته باشد، یعنی ت. ر. وارما در شمال کشور منابعی وجود داشت مکیتوانست
آمریکا ئیها را به سرمایه‌گذاری ترغیب کن. دما پی ت شر به قرار ادد خوشتاریا اشاره
کرده‌ایم. ۱ اما اینک به اقتضای بحث، دوباره یادی از آن می‌کنی م.
آکاکی مدودیچ خوشتاری امردی بود گرجی و از شهروندان رو تسی زاهری که توانسته
بود امتیاز نفت شمال ایران را از محمدول خا ین تنکابنی مشهور به سپهسالار اعظم
دریافت کند. د رسال ۱۲۷۴ شمسی مصادف با ۱۸۹۶ میلادی، یعنی درست پنج سالی
پی ش از امتیازنامه داری، ناصرالدینشاه امتیاز بهره‌برداری از منابع نفت شمال ایران را
به تنکابنی داد. این خود نشان از این دارد که نفت در آن زمان تا چه اندازه ناشناخته بود
و دوم اینکه این ماده حیاتی به واقع هیچ نقشی در حیات روزمره مردم. بنادالاتشرت
اینکه این موضوع خود کاشف از این واقعیت است که حکمرانان کشور تا چه میزان از
نقش نفت در اقتصاد سیاسی کش ب وریاطلاع بو دها ند. بیست سال بعد از آن تاریخ یعنی
ب ه سال ۱۹۱۶ میلادی و درست در بحبوحه جنگ اول جوها نریمانیکه شکست
از را تیاز ام این الذکر سابق خوشتاریای بود، هویدا گاملا روسیه سیاست افق در م تزاریس
محمدولیکان خریداری کرد و به این شکل بحرانی کلید خورد که تا سالهای منجر به
نهضت ملی شدن نفت دوام یاف. ختوشتاریا دست به اقداماتی برای بهره‌برداری از
منابع نفت شمال زد، اما انقلاب بلشویکی همه هراشتیه او را پنبه کرد و کارهایش
معطل مان د. خوشتاریا برای اینکه سود خود را به دست آورد، از فرصت استفاده کرد و
امتیاز خویش را به شرکت نفت انگلیس و ایفرراونخ ت. به این شکل هم خوشتاریا
سود خویش را به دست م تیآورد و هم انگلی سهمسایه شوروی میشد. اما واقعیتی

دیگر هم وجود داشت و آن اینکه دولت شوروی کلویهی قراردادهای استعماری را با ایران
ی که جنبه ملغی کرده بود، امتیاز خوشتر اهریما یکی از این امتیازات نامشروع بود که
کان لم یکن تلقیمیشد. دولت ایران هم اصل امتیاز خورش بتاهریا رسمیت
نمیشناخت و فروش آن از سوی یک شخص حقیقی یعنی تنکابنی به شخص حقیقی
دیگر یعنی طرف روسی را غیرقانونی میدانست. اما شرکت نفت انگلیس و ایران
استناد به فروش این امتیاز از سوی خوشتر آرنی ارا به سود خود تفسیر میکرد. بحث
. ۶۳۲-۱. ن. ک: ایران از سقوط مشروطه تا کودتای سوم اسفند، ۶۳۴

ص: ۴۴۱

نفت شمال فقط اختلا ن فظری ب ی ن دولتهای ایران و انگلی نب سو د ؛ ب لکه شورویه لبته

م ا

مایل نبود اتمی نامشروع ی خود باطل کرده است، در اختیار دولتی ببیند که از

از را ک ه

تمایل هرگز انگلیس اینکه مضافا . کند نمی خودداری او منافع علیه آشکار دشمنی

خویش را برای مسلط شدن بر آسیای میانه و قفقاز کتمان نمیکرد. ورود آمریکا به

صحنه اختلافات بر سر امتیاز نفت شمال ، وضعیت را پیچیدهتر میکرد.

وضع مالی ایران در دوره ریاست وزرائی قدورامست مشابه بود با وی وضعیت مالی

کشور در دوره بحرانهای بعد از مشر. و آطن ههنگام هم خزانه تهی بود و دولتها برای

تأمین عاجل تری نیازهای خود پولی در بساط نداشتند. نردوزها دولتهای روس و

انگلیس حاضر نبودند وامی برای ترمیم ورشکستگی اقتصادی کشور پرداخت نمایند،

زیرا منتظر بودند اقتصاد محضیر ایران به کلی از پای درآید تا آنان هر کدام که توانستند

ب ر مقدرات کشور تسلط یابند. دحتی در زمان مشروطه هم برخی از رجال ایران برای

تأمین هزینه های جاری دولت، رو به سوی بخش خصوصی آو. و. ر دهندمانطور که در

رساله بحران مشروطیت در ایران آواریده هم، سمرایه دارانی از آمریکا، آلمانو خود

انگلستان حاضر بودند وامی به ایران پرداخت نمایند مشروط به اینکه بخشی از سهام

ایران در شرکت نفت انگلیس و ای ب راه نآنان داده ش . و دهمین پیشنهاد خود باعث بروز

حوادث سیاسی عدیده ای شد که به بخشی از آنها در آن رساله اشاره ایم ک. رده ر واقع

اندیشه روی آوردن به بانکهای خصوصی و کمپانیهای فراملیتی و مسئله استخدام

مستشار از جاهائی غیر از روسیه و انگل یدرا سین راستا قابل تحلیل ا. سد ر تهمان رساله آورده ای م که د و بانک بزرگ غربی یعنی دویچه بانوب کانک سلیگم ندر رقابتی فشرده تلاش کردند در ایران جای پائی برای خود. بایماب نهادمانطور که شرکت نفت انگلی س و ایرا نرقبای قدرتمند خویش را با طرفندهائی ساب شحده از میان راه برداشت، بانک شاهنشاه یهم هرگز اجازه نداد رقیبی برای آن در عرصه مالی کشور پیدا شود. رقابت شرکتهای نفتی و بانکها البته در راستای منازعات امپریالیستی قابل فهم است، اگر نه هیچ کدام آنها جز منافع خویش به هیچ امر دیگری ج ه ن ت داوشتند، همین موضوع در دوره نخست ریاست وزرائی قوام بعد از کودتای ۱۲۹۹ تکرار ش د. در این دوره بانکها، کمپانیها و محافل سرداماریهی غرب حداقل برای دست یافتن ب ه بخشی از اقتصاد ایران سرگرم منازعاتبیبیان با هم ش. د نام دا همی شه غلوب

رقیب انگلیسی خود گردیدند که هنوز جابرا نه بر بازار مالی جهان اعمال حکومت می کرد. با آنکه در این دوره سخن گفتن از کبشور طرف یا شرکت های خصوصی مالی و صنعتی باور مند به استقلال سیاسی و اقتصادی ایران بیهوده است، اما دولت وقت چاره انداشت جز اینکه برای رقت و فقر امور اقتصادی کشور خواسته یا ناخواسته به جائی تکیه کن. د وضع مالی کشور به حدی بحرانی بود که سرانجام در آبانماه سال ۱۳۰۰ قوام به حسین علاء که اینک مقیم واشنگتن بود نوشت اگر نتواند وجهی فوری برای برآوردن نیازهای کشور فراهم کند، رشته کارها یکسره از هم خواهد گسست؛

۱

رئیسالوزراء تنها نقطه امید خود را اقدامات علاء دانست.

۲

روز هجدهم آبانماه آن سال، ع ب لاهه ملاقات دیرینگمعاون وزیر خارجه آمریکا رفت. علاء وعده داد در صورتیکه آمریکا وامی در اختیار ایران قرار دهد، دولت این کشور هم امتیاز نفت شما رلا به شرکت های نفتی آمریکا یی واگذار خواهد کرد و امتیاز خوشتاریا به طور قطع به انگلی ه سایداده نخواهد شد. ۳نکته بسیار مهم اینکه یک روز

۴

قبل از این ماجرا یک حاخام به نام جوزف شائول کوربنفهل جدانشینی کالدوب له عنوانوزیرمختار آمریکا منصوب شده ب و. دانتصاب مستشار آمریکا یی در موضوع نفت و مباحث ذیرب ط دیگر موکول به زمانی دشکهورنفلد استوارنامه خود را در تهران تقدیم کند و رایزنیهای لازم را در این ارتباط ارائه د. بههدیهی است آمریکائیان شرایط

ایران را در کنتم یکردن د. به همین دلیل قو انامم ه ایدیگر ارسال کرد و توضیح داد
قشون ایران چهارماه است حقوق دریافت ندها رن د، رشته اقتصاد کشور گسیخته و
متلاشی شده و اگر این افلاس بویپولی دوام یابد، دولت مرکزی با بحرانهای عظیمی
مواجه خواهد ش د. قوام از علاء خواست حتی اگر میتواند یک میلیون درلا از منابع
آمریکائی ی وام تهیه کند تا بخشی از بحرانها را بتواند از بگک ذرسانرد . ام ا طرف آمریکائی ی
چگون ه به دولت ایران وامیداد؟ باید تضمینی وجودداشت ت که ایرانمیتوان د اقساط
تنها امکانی که . وام خویش را به موقع پردازد
ظاهرا در اختیار ایران قرار داشت نفت
۱ . احمد قوام به حسین علاء، آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، ش ۲۰۳۵۰۰۷

۲. Dearing.

۳. Memorandum of Assistant Secretary of State, ۱۰ November ۱۹۲۱, DS, No. ۸۹۱/۵۱A/۹.

۴. Joseph Saul Kornfeld.

ص: ۴۴۳

بود. اما نفت جنوب هم که در اختیار انگل بسوتاد، بنابر این قوای مایه طعام اهی دیگر را
به شرکت‌های آمریکائی نشان میداد؛ آن طعمه هم نفت شمال بود. در این بین علاوه
توانست با مشاور مورگان شوست موافقت شرکت استاندارد اوی آلونیو جرسی را برای
سرمایه گذاری در ایران جلب نماید، استاندارد اویهلم رقیب قدیمی شرکت نفت
انگلیس و ایران بود از دوره مشروطه.

در این میان مورگان شوست تکره مشغول دلالتی برای شرکت نفت استاندارد باویولد
به مقامات این شرکت توضیح داد دولت قشواکمننده است. پس قبل از این به کراثر
فشارهای مالی سقوط کند، استاندارد اوایل یک میلیون دلار از پنج میلیون وام
درخواستی ایران را پردازد تا امید به دست آوردن امتیاز توسط سایر مؤسسات
آمریکائی بیکسره از بین نرود. و دسر اوکلند گدس، سفیر انگلیس در آمریکا، از موضوع

۱

مطلع شد و مراتب را به کرازطنلاع داد. نکته دیگر اعتراض رسمی دولت شوروی
بود. روز دوم آذرماه آن سال دولت شوروی یادداشت زیر را برای دولت وقت ایران
ارسال داشت:

به موجب فصل سیزدهم معاهده ایران و روسیه مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ دولت ایران

نباید امتیازات شمال را که دولت جمهوری روسیه به ایران واگذار میکند به

دیگری بدهد و چون امتیاز نفت شمال را یکی از کابینه‌های ادوار فترت به

خوشتاریا که تبعه گرجستان است، طبق ورقهای که صورت امتیازنامه داشته داده

است، بنابراین معادن نفت شمال ایران چنانچه خود ملت و دولت ایران استخراج

۲

نمایند، باید در زیر خاک باقی بماند.

اما بحث پرداخت یک میلیون دلار یادشده بسیار طولانی ش د. قوام نگران از وضعیت

آینده کشور روز شانزدهم آبانماه سال ۱۳۰۰ خطاب به علاء چنین نوشت:

... اطلاع داده بودید به مجرد اینکه شوستر شروع به کار نماید، یک میلیون دلار

تهیه خواهد شد. حالا که شوستر داخل در عملیات شده است، کوشش بفرمائید

جدا اقدام نمائید که ششصد هزار لیره به . به دولت برسد این یک میلیون دلار فوراً

۱. Geddes to Curzon, DC, ۲۳ December ۱۹۲۱, FO. ۴۱۶/۶۹.

ص: ۴۴۴

۲. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ص ۲۵۸. در منابع منتشرشده که در مورد عهدنامه مودت سخن گفته‌اند، بندی

که در مورد امتیازات و منع واگذاری آن به دولتی ثالث بحث کرده، ماده هشتم است و نه سیزدهم.

امریکا، نفت و سیاست در ایران ۴۴۵

حواله عایدات هذاهلسنه نفت جنوب که یک ماه بعد به دولت میرسد، قرض

نمائید. تصور میکنم این استقراض موقتی اشکالی نداشته باشد، زیرا بعد از یک

سال وجه آن را کمپانی نفت خواهد پرداخت. در صورتیکه اقدامات جنابعالی در

این موضوع نتیجه سریع بدهند، دولت چندماه مجال خواهد داشت که اقدامات

خود را با متانت تعقیب و در نتیجه جدیت جنابعالی و مستر شوستر به استقراض و

سایر مقاصد موفق شود. والا به واسطه نرسیدن مخارج اردو که لااقل ماهی هفتصد

هزار تومان باید داد، وضعیات مشکل و دولت حاضر مجبور به کنارگیری خواهد

۱

شد و معلوم نیست دولت آتیه چه نقشهای تعقیب نماید.

مجلس و بحث امتیاز نفت شمال

روز سه‌شنبه یام آبانماه سال ۱۳۰۰ شمسی، قواطمرح چهارماد ایه خود را برای

واگذاری امتیاز نفت شمال ایران به کمپانی استاندارد اوی درل مجلس مطرح ک.اورد

گفت م یخواهد این ثروت خداداد که دقعر زمین مدفون است مستور نماند و مورد

استفاده کشور واقع گردید. دلیل قوا مدر واگذاری امتیاز نفت شم باهل شرکتی که

اتر، دیاد منافع عمومی و تکثیر عایدات دولت و « د ر ضربه زدن به ایران نقشی نداشت
اهالی حال ترفیه « طرح این با داد ادامه او . د بو « فعلا که اشخاص از کثیری عده برای
برای اعاشه خود، وسیله‌ی جز توسل به دوایر دولتی ندارند، تهیه شغل و کار شده
ب ه هر روی قوا مه‌دف خود را از طرح اعطای امتیاز نفت شمال به شرکت‌های « . باشد
آمریکائی ، بهبودی اوضا عاقتصادی کشور عنوان نم . ودب ه زودی قراردادی تنظیم شد که
مواد آن به این شرح بو د:

ماده اول . مجلس شورای ملی واگذاردن امتیاز استخراج نفت را در ایالات
آذربایجان و خراسان و گیلان و استرآباد و مازندران به کمپانی استاندارد اویل
آمریکائی به شرایط ذیل تصویب مینمای د.

ماده دوم . مدت این امتیاز بیش از پنجاه سال نخواهد بو د.

حقوق دولتی زائد بر صدی ده . ماده سوم

کلینا نفت و مواد نفتی است که کمپانی

۱۳ . کاوه بیات: قوامالسلطنه و ایالات متحده، د ر: گنجینه اسناد، سال ششم، دفتر اول و دوم، بهار و تابستان ۱۳۷۵ ، ص ۱

از چاهها خارج مینماید، قبل از اینکه هرگونه خرجی بر آن تعلق گیرد.

ماده چهارم. شرایط دیگر آن امتیاز از قبیل تغییر سهم دولت و طرز تأدیه آن و طرز

نظارت دولت ایران، عواید کمپانی و شرایط ابطال کننده امتیازات و سایر شرایط

لازم برای حفظ حقوق دولت و مملکت را دولت تهیه و پس از توافق نظر با کمپانی

۱

مزبوره به مجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد نمود.

این لایحه با قید فوریت تصویب شد و سپس هر موازب نه کمیسیونهای خارجه،

پست و تلگراف و فوائد عامه مجلس رفت، در کمیسیونهای مربوطه هم این لایحه

بررسی شد و با افزودن یک ماده به آن تصویب گردید. کمیسیون مختلط یادشده

پیشنهاد افزودن این ماده را به لایحه نمود و قوا هم آن ماده را پذیرفت. ماده یادشده

به این شرح بود:

ماده پنجم. کمپانی استاندارد اوایل نمیتواند به هیچ وجه این امتیاز را به هیچ دولت

یا کمپانی یا شخص انتقال بدهد و همچنین شراکت با سرمایهداران دیگر مشروط

به تصویب مجلس شورای ملی است، عدم رعایت این ماده باعث سقوط امتیاز از

۲

درجه اعتبار خواهد بود.

نکته مهم در این قرارداد تلاش بود که از سوی نصالردو تل ه در تصویب آن لایحه

ب هخرج داد هم یشد. نصرت الدول ه ب ه عنوان مخبر کمیسیون خارجه و به واقع در نقش

نماینده تام الاختیار دولت، به پرسشها و ایرادات همه مخالفین پاسخ داد. ت دیمورتاش هم

نقش مهمی در تصویب بندهائی از این قرارداد د.ا.ا شینتم میتواند یکی از مبناهای

دشمنی شرکت نفت انگلیس و ایران با نصرتالدوله و تیمورتاش باش د.

مهمترین بند امتیازنامه همین بند پنجم ب؛ ب و هد طوری که ه دعاوی بعدی هم با استناد

ب ه همین بند میتوانست حل و فصل ش . ودد راینجا بود که انگلیس ی سک دعوی بیجا را

ب ه میان کشی . د طبق این دعوی سهام نفت ش ا میارلان در اختیار شرکت ن تف انگلیس و

ایران است ؛ از آن روی که خوشتارییان امتیاز را یک سالی قبل از انقلاب بلشویکی به

آن شرکت فروخته است .

۱. مذاکرات مجلس شورای ملی، مجلس چهارم، سه شنبه بیست و یکم ربیعالاول ۱۳۴۰ مطابق با ۳۰ عقرب

. (آبان) ۱۳۳۰، ص ۲۶۳

۲. همان، ص ۲۶۴

ص: ۴۴۶

وزیرمختار آمریکا در تهران با وزیر امور خارجه ایران ایچ تلشسکیل داد تا موضوع را بیشتر بکاود. ام اوزیر امور خارجه اعلام کرد امتیاز خوش تفاقریاد وجاهت قانونی است و مجلس میتواند در مورد آن تصمیمی مری نماید. از آن سوی ع ب لاء ه مذاکرات خود با استاندارد اوی ال دامه دا. د استاندارد اوپل بالاخره حاضر شد در برابر گرفتن تضمین بازپرداخت وامی که برای تأسیس شرکتی برای استحصال نفت شمال کاربرد خواهد داشت، وام مونرظدر ایران را پرداخت کن. داین تضمین عایدات ایران بود از محل درآمدهای شرکت نفت جنوب. واقعی ت این است که این تضمینی بود بسیار سست، زیرا تا آن هنگام شرکت نفت انگلیس و نای ه رباینلانی به دولت ایران داده بود، دانست می ی ت س ر د ه ب ن اری ا اساسا نه و بود مشخص ایران عایدات و فروش میزان نه حقالسهمش از درآمدهای نفت ی چقدر اس. تعلاء هم به این تضمین چندان خوشبین نبود و بعید میدانست استاندارد اوی لبا این ضمانتها به دولت ایران وامی پرداخت. کند قرارداد و اگذاری امتیاز نفت شما ای لران به شرکت ان سدتاارد اوی ل هیجانی در کشور تولید کرد؛ از تولیت آستان قدس رضوی گرفته شیخ تا احمد آقا کف افتریزند محمد کاظم خراسانی که اینک مقیم مشه بدود، از اتحادیههای اصناف گرفت ه تا مردم عادی، و خلاصه از تجار و اعیان و اشراف تا مقامات مذهبی همه این موضوع را که موفقیتی برای دولت تلقیمیکردند، تبریک گفتن. د متن نامهها و تلگرمها ی تبریک هم

همزمان وزیرمختار انگلیس در آمریکا به تکاپو افتاد. س. راوکلند گدسبه هیوز، وزیر امور خارجه آمریکا خاطر نشان کرد امتیاز خوشتا ربهانوز به قوت خود باقی است و متعلق به شرکت نفت انگلیس و ایشرانانخته میشود. هیوز به گدپ پاسخ داد اعتراض او به امکان مشارکت آمریکا ثیان در منابع نفتی شمال ایران مبورید است و امتیاز خوشتاریا وجاهت قانونی ندارد، زیرا آن امتیاز تقدیم مجلس ایران شده است. وزیر خارجه آمریکا خاطر نشان کرد با این وصف بنبرایتانی داز سرماگهذاری

۱. برای نمونه نک: همان، سه شنبه ۲۸ قوس ۱۳۰۰ مطابق با بیستم ربیعالثانی ۱۴۰۰، ص ۳۰۴

۲. Sir Auckland Geddes.

ص: ۴۴۷

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

شرکتهای نفتی آمریکائی در حوزه یادشده ناخرسند گ. ر ادق دوام هم در مجلس اعلام کرد امتیاز خوشتاری اغیرقانونی داده شده اس. ت همانطور که بالاتر آوردیم بالاخره هم روز سی ام آبانماه آن سال مجلس به اتفاق آراء الایحرات هصویب کرد و طبق آن امتیازی پنجاه ساله در موضوع نفت شمال ایران به شرکت استاندارد اوایل اعطا کرد. انگلیس این بار بیش از پیش واکنش نشان. سدادفرای این کشور در واش نوگتن تهران توجیه شدند تا بگویند شرکت نفت انگلیس و ای جرازنه نخواهد داد درآمدهای نفتی ایران ضمانت وامی قرار گیرد که از سوی محافل مالی آمریکا به ایران داده میشود. به عبار تبهتر انگلی سنه خود وامی به دولتهای ایران دماذ یو نه میگذاشت از جائی دیگر استقراض ش و.دنفرتبارت ر اینکه انگلی سدرست در زمانیکه دولت ایران حتی قادر نبود حقوق کارمندان خود را بپردازد و در حالیکه به دلیل عملیات آنها و سایر قوای درگیر در جنگ، کشور به کلی ورشکسته و افلاس و بیکاری و عوارض، بود برجای آن از ناشی

از دولت ایران خواست فوراً وامهای پیشین دریافتی خود از

انگلیس را بپرداز. د بدیهی است انگلی سبه جز دوره امتزیا تنباکووامی به ایران نداد ه بود. تازه آن وام هم به این دلیل اعطا شد تا بانک شاهی را از ورشکستگی نجات دهند و در عین حال سودی به کمپانی رکژه یهیچ کاری هم در ایران انجام نداده بود

۲

برسانند. منظور از وام همان پولهایی بود که انگلی سبرای صیانت از نیروهای خود در شمال و جنوب ایران خرج ک؛ رپدولهایی که برای حفظ منافع خود در ایران هزینه نمود

و اینک همان وجوه را از دولت قوام مطالبه مینمود. لرد کرزن برای اینکه دولت قوام را
بیش از پیش تحت فشار قرار دهد و مانع از گسندرامرایه‌های آمریکا نیان شود، در کمال
بیرحمی و ناجوانمردی به گدد سستور داد به اطلاع مقامات واشنگتن ب نرساند غیر از
دعاوی اتباع مختلف انگلیس یا، ایران بیش از یک میلیون و دویست هزار لیره به انگلیس
بدهکار است. ریجینالد بریجمن ۳ کاردا روق سفارت انگلیس در تهران نمأمریت یافت

۴

به کلیه سفارتخانه‌های خارجی در تهران میزان بدهی ایران را اعلام نمای د.

.Hughes to Geddes, ۱۵ October ۱۹۲۱, DS, Standard Oil File/۳۹, No. ۸۹۱/۶۳۶۳.۱

۲. برای جزئیات ن ک: حسین آبادیا ن: اندیشه دینی و جنبش ضد رژی در ایران، (تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ

معاصر ایران، ۱۳۷۶)

.Reginald Bridgeman.۳

.Curzon to Geddes, ۲۰ December ۱۹۲۱, London, FO. ۴۱۶/۶۹. ۴

ص: ۴۴۸

ب اینهمه علاء تلاشهای خود را پی گرفت. تشوستر هم در بسیاری از سفرها او را همراهی م یکرد. در گفتگو با شرکت سرمای گهگذاری یولن ۱ شوستر ر به علاء کمک نم و د علاء هم گزارشی موفقى آم تیز به تهران ارسال داشت که شرکت یول حاضر است در ایران سرمایه گذاری نمای د. شوستر در گفتگوهایش با علاء خاطر نشان ساخت اصلاحات اقتصادی شرط ضرورى هرگونه سرمای هگذاری در ایران اس ت. او پیشنهاد کرد ع لاء اب تدا توان اقتصادی کشورش را از نظر جنگلها ، مراتع و معادن روشن سازد تا معلوم شود اصلاحات را از کجا باید آغاز . کر عدلاء هم توضیح داد کار کارشناسی در این زمینه بدون داشتن پول امکان پذیر اس ت. پس ابراز امیدواری کرد دولت ایران بعد از اینکه توانست وامی از محافل اقتصادی آمریکا تهیه کند، بخشی از آن را مصروف این

۲

موضوع خواهد نمود. او توصیه کرد میان ایرانیان و سگرما ذیاهران آمریکا از ایالت شیکاگو مناسباتی برقرار شود تا کالاهای ایرانی در بازارهای آنجا فروخته شود و نیز این

۳

ایالت نیازهای ایران را تأمین نماید.

دولت و شرکتهای خصوصاً آمریکا نه تنها به مشارکت در منابع اقتصادی ایران تمایل نشان دادند، بلکه میخواستند در مسائل فرهنگی هم با ایران از در همکاری . دشر آیانید د دول ت آمریکا نخستین دولتی باشد که هدرای زمین هتلاش های یمب ذو لداش توش ای د آمریکا ثیان نخستین کسانی به شمار آیند که بحث آموزش عالی دختران را در ایران مطرح

۴

ساختند . یکى از این موارد مربوط بود به تلاش ها یفیلدس تونک کالج هوی ژ هتج صی ل

دختران بود در واشنگتن . رثی س این کالج ناماهی به حسین علاءوش تو توضیح داد
کالج او حاضر است سالی یکصد و پنجاه دلار برای تحصیل هر دختر ایرانی در این مدرسه
عالی هزینه کن . در آن زمان هزینه تحصیل یک خارجی در این کالج ششصد دلار ارزیابی

۵

می شد که با کمک مزبور این هزینه به چهارصد و پنج دلار کاهش یافت . بحیث
تحصیل دختران ایرانی در یک کالج آمریکائی یالته مطلبی بود جالب توجه، اما هیچ ربطی
به نیازهای ایران نداشت . تایران نیازمند کمک مالی بود نه اعطای بورس تحصیلی .

۱. Ulen Co.

۴. Fieldstone College.

امریکا، نفت و سیاست در ایران

۲. علاء به وزارت امور خارجه، فروردین ۱۳۰۲، مجموعه ۲۳، نامه ش ۱۹

۳. همان، نامه شماره ۸

۵. علاء به وزارت امور خارجه، ۱۷ جدی (دی) ۱۳۰۰، مجموعه ۲۳، نامه شماره ۳

ص: ۴۴۹

ک هاز فرط افلاس اقتصادی حتی نمی توانست حقوق ماهان هکارمن دا نخ و د را پرداخت کند ، چه نیازی به بورس تحصیلی داشت؟ آنهم بورسی که تنهای کچه ار مهزین ها راه پرداخت م یکرد و تازه طبقات اعیان کشور تموان یستن د از آن استفاده کنند نه مردم عادی که حتی از تأمین مخارج روزمره خویش عاجز بودند .

ب این وصف علاء ز وزیر امور خارجه ایران خواست مراتب را به وزارت معارف اطلاع دهد، تا اگر کسی مایل به تحصیل در آمریکا است از این شرایط استفاده کن . د امکان ی دیگر هم فراهم ب ؛ و ب دنیا د عظیم مالی را کفلیر کی از مراکز مهم سرمگایدهاری آمریکا بود که میتوانست برای اتباع کشورهای خارجی بورس تحصیلی مهیا . عکنلاد ء تلاش کرد سرمای ا هی ب ه منظور ادامه تحصیل جوانان ایرانی در آمریکا از طریق این بنیاد ب هدست آور . د به همین دلیل باب مکاتبه را با بنیاد زبورمگشود . اهمیت قضیه در این بود که سرمایه راکفل ردر شرکت نفتی استاندارد او بیهل کار افتاده ب . و ب ده عبارتی سهام

عمده استاندارد اویل بعلاوه اداره آن با راکفلرها بود . بدیهی است اگر راکفلر میتوانست امتیاز نفت شما لیران را به دست آورد، این امکان وجود داشت که بورسی ه م برای ادامه تحصیل جوانان ایرانی در نظر ب . گمیعرندی امر این بود که راکفلرلم ب ا سود به دست آمده از منابع نفتی را انی ، بخشی از آن را هزینه ادامه تحصیل جوانان

ایرانی د ر آمریکا م یکرد . علاء نوشت به هنگام شورش بوکوسرها در چین، دولت آمریکا طلبهای خود از راکف لرا بخشید مشروط به اینکه بنیاد او بخشی از درآمد خود را صرف آموزش جوانان چینی ک . ندب هنوشته علاء از آن زمان هزاران جوان چینی به

آمریکا آمدند و تحصیلات عالی خود را با بورس راکفلر در این کشور انجام دادند.

قرارداد ایران و شرکت استاندارد اوایل

اینها همه مقدمها بیود بر انعقاد قرارداد نفتی با شرکت استاندارد اوی آونیو لجرس . ی

شای د اواخر سال ۱۳۰۰ یا اوایل ۱۳۰۱ شمسی بود که بالاخره مذاکرات ع بلا اءش رک ت

استاندارد اوی ل به نتیجه رس ی. دبرای نخستین بار قراردادی در تاریخ نفتی ایران منعقد ش د

ک همصفا نه م ن یمود . استاندارد اوی ل در ازای دریافت امتیاز نفت ش، م اقولل داد وام یدر

۱ . همان .

ص: ۴۵۰

اختیار ایران قرار ده. دنخستی ن مسئله این بود که به طرف ایرانی خاطر نشان شد نبای د انتظار داشته باشد به شکلی مستقیم از دولت آمریکا وامی دریافت نماید؛ بلکه های نوام توسط بخش خصوصی تأمین مشید. مدت بازپرداخت وام پنج سال ب. وودامی ک های ران دریافت می کرد از مالیات معاف شناخته می شد؛ یعنی ع ی نپ ن جمیلی و ن دلار ب هایران د

پرداخت میگردید، بدون اینکه طبق عرف بانکها، مالیاتی از آن کاست هشت. امتیا و زدمه م دیگر در مورد میزان بهره وام ب. و. گذشته از مورد پیش گفته، میزان بهره وام دو درصد یعنی چیزی حتی کمتر از مبلغ کارمزد تعیین. ای شدن وام با بهره هشت درصد در اختیار دولتهای دیگر قرار گرفته بود، با احتساب کسر مالیات از اصل وام، میزان بهره ن هدرصد می شد؛ اما در مورد ایران به واقع هفت درصد تخفیف قائل شده. وثیوقد هنبادزپرداخت وام، درآمدهای ایران بود از نفت جن. واقبساط بازپرداخت توام س ال بی کمیلیون دلار بود. درآمد ناشی از انحصار تریاک و توتون هم دیگر وثیقه ای را نبود ب را بیازپرداخت وامی که قرار بود از سوی برادران راکفلر پرداخت. نشکت و هد مهم این بود ک هدر قرارداد آمده بود دولت ایران هرگاه درآمد خ و د از نفت جن و ب را و ص و لک رد، ا ق س ط و ام را

۱

پرداخت نماید. به این شکل دولت ب را ث ربازپرداخت ا ق س ط و ام، ب ام شکل یمواجه نمی گردید. موضوع مهم دیگر مستتر در این بند از قرارداد این نکته بود ک هدرول تای ران شرکت نفت انگلیس و ایرارنا طرف حساب شرکت استاندارد اوی م لک رد؛

شرکت عظیم نفتی را به جان هم ان مدایخت . استاندار د اوی لب را یدریاف تاق ساط وام خود هم که شده، از این به بعد بر روند تولید، استخراج و صدور نفت نظارت تم ک رد، ی میزان واقعی درآمدهای نفتی ای را ن را ب هدس تم آورد و ب یه عبارت یط رفح ساب انگلیسیها م یشد . ای ن یکی از هوشمندانهتری ن سیاستهای قوالب مسلطنه بود. او میدان س ت دولتهای ایران در هر شرایطی وضعی ت ف راز آن خواهند بود که بتوانند احقاق حق و قخ و د را از مسئله نفت، آنهم با دولتی قدرتمند مثل انگلستان نمایند . سیاستی رویس و مقوام د راینجا کاربرد پیدا مکیر د: اودو قدرت بزرگ جهانی را به جان هم اندامخت و به این زادوخ ه دشب صغ ق و قح ه ک ن ی اگرد، مضافا می حفظ را کشور سیاسی استقلال شکل محل درآمدهای نفتی را با اتکاء به قدرتی دیگر به دست میآورد .

۱. حسین علاء به وزارت امور خارجه، آرشیو وزارت امور خارجه، مکاتبات سال ۱۳۰۱، مجموعه ۳۹، پرونده

. شماره ۸

ص: ۴۵۱

استاندارد اوایل در قبال این همه تسهیلات چمهینخواست؟ بر پایه گفتگوهای شوستر با کمپانی استاندارد اوی، لقرار بود در پنج یالات شمالی کشور یعنی آذی ربا جان، گیلان، مازندران، استرآباد و خراسا نحق استخراج نفت با این شرکت باشد و مدت امتیاز هم از تاریخ انعقاد قرارداد پنجاه سال تعیین . شرکت ادستاندارد اوایل میتوانست ظرف یکسال کارشناسان خود را ب ه منطقه فرستد تا آزمایشهای علمی و کارهای حفاری را انجام دهند و شرحی از فعالیتهای خود را به دولت مرکزی ایران گزارش نمایند . بعد از مدت دو سال باید بخشی از محدوده عملیات شرکت مشخص میگردد ، و سرانجام اینکه پنج سال بعد از تاریخ انعقاد قرارداد، شرکت زمینهای را که میخواست در آنه ا حفاری کند و یا تأسیسات برپا نماید ، مشخص مینمود و بقیه این زمینها را به دولت بمری گرداند . شرکت حق داشت در زمینهای موردنظر خود کلول شهی کند ، اما این حق از دیگران سل ن بمی شد ؛ یعنی دیگران هم میتوانستند در همان محدوده لوله کشی کن ن. داینهم امتیازی بود مهم برای دولت ایران در قیاس با رفتاری که شرکت نفت انگلیس و ایرا انجام میداد و به گوناگون عمل میکرد که گویا مال ک مناطق نفت خیز خوزستانس ت.نود درصد درآمدهای نفتی به استاندارد اویملی رسید و تنها ده درصد درآمدها متعلق به ایران .پایبوه دقرارداد میزان نفتی بود که روزانه از منابع نفت جنوب استحصال میشد، یعنی روزی شصت و پنج هزار بشکه که از منابع نفت ی جنوب به دس تم یآمد . ب این حساب درآمدهای دولت ایران از ل معای حدات نفت شمال ، سالانه چهارمیلیون دلارم میشد . این درآمد به فرض تحقق نزدیک دوبرابر درآمد ایران از محل عواید نفت جنوب .بودد ر آن زمان ایران ششصد هزار لیره درآمد

نفتی داشت و ارزش هر لیره کمابیش معادل چهار دلار آمریکا بود که بدی سنان درآمد اهی ارزی کشور از فروش نفت جنوب چیزی نزدیک دو میلیون و چهارصد هزار دلار برآورد می‌شد؛ باین توضیح که شرکت نفت انگلیس و اهیرا گنزا این مبلغ را در اختیار ایران قرار می‌داد. وعده ای که قوام داده بود در این قرارداد هم گنجانیده شد. طبق این وعده اگر نفت شمال به بهره‌دها هم می‌رسید، برای تعداد زیادی از جوانان ایران می‌شغل تولی می‌شد؛ یعنی ایرانیا نمی‌توانستند در آن شرکت به کار مشغول شوند. قرار بر این بود هرگاه ب بهره‌دهاری از منابع نفتی شمال کشور آغاز می‌شد، ک شعبه ایرانی هم توسط استاندارد اوی ایجاد شود و جوانان را به منظور استخدام در شرکت نفت

آموزش ده د. از همه اینها مهمتر اینکه کمپانی استاندارد اومی پ یلذیرف ت در برابر دریافت امتیاز نفت شمال، وام موردنظر ردولت قوام را که ده میلیون دلار بود، پرداخت کند. کلیه این تحولات حساسیت بیش از پیش انگلیس را برانگیخت.

روز دوم دی ماه سال ۱۳۰۰ تئودور روتشتین، وزیرمختار شوروی در تهران، به طور رسمی اعتراض دولت متبوع خود را به ایران اطلاع داد و گفت امتیاز مزبور بر پایه عهدنامه مودت ۱۹۲۱ شوروی و ایران ملغی شده است و دولت ایران حق ندارد آن را ب ه دولتی دیگر واگذار ک ن. ب ده نظر او این امتیاز بار دیگر ب بها یمدلت ایران بازگردانیده دولت جمهوری روسی هتمام معاهدات و قراردادهای « شود. طبق بند اول عهدنامه مزبور دولت جمهوری « ودطب ق ماده دوم همین عهدنامه «. دولت سابق روسی هرا با ایران لغو نم روسیه، تمام معاهدات و قراردادهای ابسق روسیه را با دولت ثالثی راجع به ایران لغو نماید می. « ه ب ه ن شمال نفت امتیاز اولاً اری ز ؛ نداشت قانونیت روتشتین اعتراض اما ۲ دولت آمریکا، بلکه به یک شرکت خصوصی داده شده بو د.

دیگر این که نماینده شورویدر تهران حق نداشتدرباره موضوعی اظهارنظر کند که ب ه استقلال سیاسی ایران ارتباط پ یمدا یکرد. او خود میدانست امتیازی را که شورویها باطل ک ردها ند، نامشروع بوده و از اساس وجاهت قانونی نداشته. اهرچن تد نفس باطل کردن یکطرفه آن برای دولتی ضعیف مثل ایران بسیار مهم بود؛ زیرا اگر شوروی اینکار را نم یکرد، ب دیهی است طرف ایرانی هیچ ابزاری برای احقاق حقوق خود نداشت. قوام هم البته به دنبال خصومت ن. ب پودس تلاشمیکرد از طریق دیپلماتیک

مسئله را سروسامان دهد. ا و پاسخ داد امتیاز خوشتا ریرباطی به عهدنامه م و دساتل
۱۹۲۱ ندارد و فاقد ارزش حقوقی ا؛ س زی ترا بر اساس قوانین ایران به تصویب مجلس

۳

نرسیده است. انگلیسیها از اینهم مدعت یر بودن د. از آن روی که به هنگام ش فرو
غیرقانونی امتیازنامه از سوی خوشتا، ر یا انگلیسیها در لند نشرکتی ثبت کردند به نام

۴

هدف این بود تا در آینده مدعی این منطقه نیز بشون د. «شرکت نفتهای شمال ایران»

۱. همان .

۱۸۹-۲. در مورد مواد عهدنامه مودت ن ک: شرح زندگانی من، ج ۳، صص ۹۱

۳. ایرج ذوق ی: مسائل سیاسی-اقتصادی نفت ایران، (تهران:انتشارات پاژنگ، ۱۳۷۰)، ص ۸۵

۴. پنجاه سال نفت ایران، ص ۳۳۱

ص: ۴۵۳

حسین علاء از واشنگتن تلاش کرد ضم انرسال ناماھیب رای وزارت خارجه انگلیس، مدعیات آنها و شوریها را با استدلال حقوقی پاسخ . اود هخداطر نشان کرد ادعاهای دولتی ن بیبای ه است، زیرا در دوره پیش از مشروطه هر امتیازی که به روسها داد ه شده، از روی اکراه و اجبار بوده است بعد اوز مشروطه هم هر امتیازی وجود داشته ، باید به تصویب مجلس می رسید . امتیاز خوشتاریا نه به تصویب مجلس، بلکه به امضای دو شخص حقیقی رسیده است؛ پس ارزش حقوقی . نددایر گدر اینکه شرکت نفت انگلیس و ایرانهم کار غیرقانونی کرده، زیرا امتیازی را خریداری کرده است که ارزش حقوقی ندارد، بنابراین مدعیات شور ووی انگلی سارزش پیگیری ندارند. ۱ داین تحولات یعنی واگذاری امتیاز نفت شم باهل یک شخص حقیقی، همزمان بود با بحران ایران در جنگ اول جهان وی مقارن بود با عملیات کمیته مجازات و قحطی بزرگ که باع ث شده بود شیرازه امور در هم شکسته ش . و ن دیز این دوره مصادف بود با دورههای که دمکراتهای ضدتشکیلی اجازهنمیدادند مجلس چهارم تشکیل ش . وددولت مشیرالدوله ک ه بعد از وثوالقدول ه و به دنبال انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ تشکیل شد، از پذیرفتن حق انگلیسیها در مناطق شمالی ایران سبراز زد و حاضر نشد آن را به رسمیت شناسد و بر حقوق نامشروع بریتانی، ا حقوقی دیگر اضافه نمای . د اما انگلیسیها هنوز پیگیر قراردادی بودن د که از اساس قانونیت نداشت، شوریها هم که امتیازهای استعماری عصر تزارها را بعد از انقلاب بلشویکی کان لم یکن کرده بودند، گوئی اینک پشیمان شده بودند . لازم به توضیح است که مخالفت شور ب وایواگذاری امتیاز نفت شمباهل طرفهای آمریکائی ، در راستای مبارزات علنی و نهانی این دو قدرت نوظهور در صحنه سیاسی

ایران معنا م بیافت، آمریکا به تبعیت از انگلی دن سبال مهار کمونیسم بود در ای؛ اریانن

منطقه حساس خاورمیان؛ هو شوروت یلاش داشت سخاوت خ وی را ب شرای لغ و

قراردادهای استعماری ابزاری قرار دهد برای پیشبرد ایدئولوژی خود بین محافل سیاسی

و روشنفکری ایران .

ب اتمام این مخالفتها، تصویب نهائی واگن ذاریامتی ازنف تش ای را م ناب ل هکمپ ان ی

استاندار د اوی لدر بی س ت و پ نج مخردا دم ا ه ۱۳۰۱ صورت گرف . تاما آن شرک ت

، ۱ . حسین علاء به وزارت خارجه انگلیس، آرشیو اسنادوزارت خارجه، مکاتبات سال ۱۳۰۱ ، مجموعه ش ۱۶

. پرونده شماره ۵

ص:۴۵۴

میبایست به فوریت ده میلیون دلار وام در اختیار ایران قرار داد تا مشکلات اقتصادی خود را حل و فصل کند؛ بنده عبارتی حدود یکسال از مذاکرات با شرکت استاندارد وی ل امیگ ذشت، بدون اینکه این شرکت دیناری وام در اختیار دولت قوام قرار دهد. همه چیز هنوز روی کاغذ بود. در این که مک‌هق و امز صحنه سیاسی غایب بود، و به جای او مشیرالدوله پیرنی دولت را تشکیل داد، هنوز از پرداخت توام خبر رینب. پی‌ش وادز ای‌انگلیسیه دست به ابتکار جدیدی زد. در آن‌ها ضمن ارسال یادداشتی برای قوخامطرن شان کردن از الغای امتیاز خوشتا ریحامیت می‌کنند اما بر این باورند که اگر قرار باش دامت‌ای از ران «ب‌اتوجه به مصالح دولت ای»، نفت شمال به یک دولت یا شرکت خارجی واگذار شود

۱

باید شرکت نفت انگلیس و ایران در این زمینه اولویت داشته باش د.

ائتلاف انگلیسیها با استاندارد اوایل

انگلیسیها اجازه ندادند استاندارد اوای ق‌لدمی از قدم بردار. در این حال ضمن اینکه دولت ایران با بحرانهای اقتصادی خود دست و پنجه‌م‌ن‌یرک‌مرد، استاندارد اوای هلم دلسرد شد. گفتگوهای حسین علاء با نمایندگان شرکت در نیویورک نتیجه ماند و هرچه تلاش کرد تا مگر آن کمپانی را به سگ‌زاماریهی تشویق کند، بیفایده بود. علاء به قوام نوشت، با وجود مخالفت‌های شور ووی انگلی، ساستاندارد اوای ل دیگر مایل نیست در ایران سرمایه‌گذاری کند و به طریق اولی وامی هم به دولت نخواهد پ. پرداخت با این وصف علاء امیدنش. د‌او‌ابراز امیدواری کرد بتواند با همکاری ش‌اوقسدتام‌ری استاندارد با مذاکرات ادامه دادن فایده بی صورت در اینکه مثلاً دهد؛ صورت جدید

اوایل، پای شرکتی دیگر به میان کشیده. شای وندجا بود که انگلیسیها اه رفمشار جدیدی را به کار گرفت ن. داین اهرم بدهیهای عقب افتاده ایران بود؛ از دولت ایران خواسته شد هرچه زودتر دیون معوقه خود را بپردازد. بدالاتر اینکه آنها تهدید کردند اگر قرارداد با استاندارداوایل ملغی نشود، آنها از پرداخت الاحمتی قاز و سهم ایران از سود نفت خودداری خواهند کرد. داین ح قالسهم مربوط بود به سال ۱۳۰۰، انگلیس تهدید کرد آن را بابت بدهیهای معوقه دولت ایران برخواهد داشت، اما اگر ایران امتیاز واگذار شده به

۱. شوادران، همان، ص ۹۱

ص: ۴۵۵

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

استاندارد اوایل را لغو کند، ح قالسهم سال ۱۳۰۱ هم به عنوان مساعده به دولت پرداخت خواهد شد.

همزمان انگلیسیها فشار خود را بر کمپانی استاندارد اف اوزیایلش دادن. دضمن گفتگ و با طرف آمریکا ئی ، انگلیسیها اعلام کردند استاندارد او یه لگر نخواهد توانست نفت شمال ایران را به فرض استحصال، صادر. کنعل دت امر دو چیز ب: ودنخست اینکه امتیاز حمل نفت به خلیج فارس کسره در دست انگلیس است و شرکت استاندارد اوایل نمیتوانست بدون موافقت شرکت نفت انگلیس و اینفرانت خود را از این منطقه صادر کند. دوم اینکه صدور نفت شمال از راه شور رهوم یبعید بو؛ دیککی به این دلی ل ک ه به هر حال شور و یا گذاری امتیازی در همسایگی خود به یک شرآمکری تکائی را نمپسندید و از همین رو اجازه صدور نفت شر ام ابهل هیچ شرکت غرب نمی یداد؛ و دیگر اینکه دولت شور و ل یغو امتیاز خوشتر یارا به مثابه امتیازی برای طرف ایرانی تلقی کرده بود تا از آن راه حسن نی خوتد را ثابت کند؛ نه اینکه دولت ایران آن را به شرکتی واگذار نماید که با منافع بلندمدت شور رسوا یزگاری نداشت. ب تالاتر توضیح دادیم شوروی مخالفت خود را در قالب عهدنامه مو بدرتوز داد، زیرا بر پایه ماده امتیازات مزبوره را بدولت خارجه « هشت م این عهدنامه دولت ایران متعهد شده بود ۱. «دیگری یا اتباع دولت دیگر ندهد

انگرت، ک اردار سفارتآمریکا در تهر اندر آغاز تصون رم یک رد امتیاز نفت شما ب له ای ن درجه حساسیت ناگلیسی ه ارا برانگیز؛ د اما در فاصله زمانی کوتاهی تغییر ا دراد

برخی در معین نفوذی دارای جغرافیائی بنا به دلایل کاملاً انگلستان که داشت اعلام و به شمار می‌آید. او نوشت « پادزهر بلشویس م » نقاط ایران است. ت این نفوذ در بیانی کلی که اگر قرار است سرمایه آمریکا در منابع نفتی شمال ایران به جریان افتد، بیایست انگلستان را هم برای مشارکت در آن دعوت کرد؛ در غیر این صورت ایرانیان به طور

۲

قطع بازی شرقی برانگیختن یک قدرت علیه دیگری را از سر خواهند گرفت. استاندارد اوایل البته ملاحظات سیاسی را در امر سرگماذی‌های خود مورد توجه قرار

۱. شرح زندگانی من، ج ۳، ص ۱۹۰

۲. Record Group, DS, ۸۹۱.۶۳۶۳, ۷ May ۱۹۲۱, also see: Foreign Relations of the United States, Vol III

(Washington D.C: United States Government Printing Office, ۱۹۷۱), p. ۶۴۳.

ص: ۴۵۶

دا. د. شرکت یادشده به این نتیجه رسید که سیکهد بدون مشارکت بریتانی اقادر نیست نفت خود را به دریای آزاد برسان؛ از این بالاتر انگلستان متعهد شده بود اگر ساتاندارد اوایل مشارکت شرکت نفت انگلیس و ای راران در منابع نفت شم اجلب کن، دولت بریتانیا هم راه را برای سرمایهگذاری استاندارد اوی لدر موص لوبی انلنهرین هموار خواهد ساخت. این اقدام نخستین گام مهم یک شرکت نفتی آمریکائی برای مشارکت در منابع نفتی خاورمیانه عربی به شمار میرفت. ۱ وزیرمختار آمریکا در تهران نیز معتقد به عناصر آشوب طلب « همکاری با انگلیسیها بود. او خطر همکاری بین شوروی و برای پیشبرد اهداف ضد مسیحی » را برجسته ساخت و خاطر نشان کرد، « ای دنان » خاورمیانه خویش « ، هستند نظم و قانون حفظ خواهان که کسانی طریق از صرفا و نمایند می تلاش میتوان با اینان مقابله کرد. دوزارت خارجه آمریکا هم از اینکه دولت این کشور به مثابه وزنهای متعاد لکننده در برابر انگلیسی ها مورد استفاده قرار گیرد احتراز کرد. رحدتى وقتى قرار بود مستشار امور مالی به ایران اعزام شود، وزارت خارجه سرکنسول خود را در برلین که دارای احساسات ضد انگلیسی بود و از نامزدهای احراز مقام مستشاری مالی در ایران به شمار می رفت، حذف نمود و میلس پروا انتخاب کرد که مدافع پابرجای

همکاری آمریکا و انگلیس در مسئله نفت بود.

بازی انگلیسی در امتیاز نفت شمال

شاید حتی پیش از زمانیکه رجال سیاسی ایران تصورش را نموده باشند، یعنی در

۲۱ دسامبر ۱۹۲۱ مطابق با سیام آذرماه ۱۳۰۰ یعنی حدودی م گاه بعد از مصوبه

مجلس چهارم، وزارت خارجه آمریکا و سفارت انگلستان در واشنگتن موافقت ناماهی
امض کرده بودند مبنی بر اینکه هرگونه تصگیمی رمی در مورد امتیاز نفت خوشتابرایا د
ب موافقت دو دولت انجام ش .وندکته بسیار مهم این است که دولت آمریکا در آن زمان
مدعی بود با مسائل ایرابنه صورت مستقیم هیچ کاری نخواهد داشت و سروکار دولت
ایران با شرکتهای خصوصی خواهد ب .وادماینگک پای دولتها به میان کشیمده یشد، ب ه

John A. De Novo: American Interest and Politics in the Middle East ۱۹۰۰-۱۹۳۹, . ۱
,((Minneapolis: ۱۹۸۳

.pp. ۲۸۴-۲۸۵

Gibb and E.I.Knowlton: History of Standard Oil, the Resurgent Years ۱۹۱۱-۱۹۲۷, (NY: .۲
۱۹۶۵), p.۳۱۰

ص: ۴۵۷

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

عبارتی برای دولت آمریکا سرمایه گذاری استاندارد اوایل فرصتی بود برای گت سرش دامنه

نفوذ این کشور در یکی از مهمترین مناطق خاومیاعننهی اینکه دولتین آمریکا و

انگلیس بدون اطلاع دولت وقت ایران، تصمیم گرفتند اگر قرار باشد استاندارد او یدرل

منابع نفتی شمال ایران فعالیت کند، باید رکش ت نفت انگلیس و ایراانهم در آن

مشارکت ده د . وقتی انگلستان از سوی آمریکا آسوده خاطر شد، وزارت خار ا جهش ب ه

سفی ر آمریکا در لندن اطلاع داد که دولت بریتانیا از طرح دعاوی خویش در مورد امتیاز

نفت شمال بر اساس امتیازنامه خوشتا ریچاشم پوشیده اس . تدلیلی دیگر هم برای این

تغیی رفتار ناگهانی دولت انگلی و سجدو داش . ت چارلز گرینو، رئیس هیأت مدیره

شرکت نفت انگلیس و ایراون بدفور، د از اعضای هیأت مدیره شرکت استاندارد اوایل

در لندن دیدار کردن . د نتیجه این دیدار توافقی غیررسمی درباره عملیات مشترک

۱

شرکتهای آمریکائی و انگلیسی در بهرهبرداری از منابع نفت شمال ایران بو د .

مشیرالدوله حاضر نشد از شرکت نفت انگلیس و ایران حمایت کند . به عبارتی او

نپذیرفت شرکت نفت انگلیسی وارد حریم شمال ایران . گایردند موضوع باعث تشدید

نارضایتی بریتانی ا از وی گردی . دروز ۲۲ اسفند سال ۱۳۰۰ کیلتون به نمایندگی از طرف

سفارت کبرای بریتانیا در واشنگت بنه ملاقات دیرین مع گاون وزارت خارجه رف . ت

دیرینگ در این ملاقات دو تلمگ را را که اخیرا از تهران رسیده بود به او نشان داد . هر

دو تلگرام نشان میداد بریتانی ا بیش از حد از مشیرالد ن ولارهاضی اس . ت مضمون یکی از

آنها ملاقات بین مشیرالدولهو سر پرس ی لورین بود. به دنبال این ملاقات لورین گفته بود رئیس الوزرای ایران تصورات غلطی از سیاستهای بریتان یادارد و این موضوع او را کلافه کرده اس. تلورین گفته بود دولت مشیرالد و لاهستعداد این را دارد که به دست خود خویشن را نابود نما. ی ۲ دروز ۲۵ اسفند انگر تکاردار آمریکا در تهران در تلگمرا نفتی امتیاز پیشنهاد با ایران دولت که ت س ا ه د ش را ک ش آ گاملا اینک کرد خاطر نشان خود انگلستان که بود واضح گاملا. است برانگیخته را بریتانیا شدید نارضایتی ئیان، آمریکا به اگر بود معلوم. است ناخشنود گاملا ایران در نفتی فعالیتهاى عرصه در آمریکا حضور از قرار باشد استاندارد اوی لوارد مشارکت با شرکت نفت انگلیس و ای شرانود، مجلس

۱. بنیامین شوادران، پیشین، ص ۹۳

.Memorandum by Dearing to Milspough, March ۱۳/۱۹۲۲, DS. ۸۹۱.۶۳۶۳-SO/۱۶۰.۲

ص: ۴۵۸

چهارم قرارداد با استاندارد اوی را رد خواهد کرد؛ به ویژه اینکه اگر دولت ایران منبعی می‌یافت تا بتواند بودجه مورد نیاز خود را تأمین کند. ۱۰ رکنودز ۲۷ اسفند حسین ع ب لاء ا دیرینگ ملاقات کرد، در این ملاقات او از نامه آتموپیژی و وزیرمختار بریتانیا خطاب به مشیرالدوله صحبت کرد. علاء گفت بریتانیائیا تنها هدفشان این است تا خهوااست ی ه

۲

خویش را بدون در نظر گرفتن حقوق ملت ایران عملی نمایند.

ای ن بار هم مورگان شوس تگرامی به پیش ن ه. ا ادو پی ن شويس قراردادى را تهیه کرد كه ه بر پایه آن شرکت نفت انگلیس و ایو راشنرکت استاندارد و بیال مشاکرت هم شرکتی را تشکیل میدادند به نام شرکت نفت ایران و آمریکا. قراردادى هم بین این دو کمپانى عظیم نفتى امضا شد كه طبق آن استاندارد اموى يتولانست لول ههاى نفت را از محل استحصال نفت و قیر تا خلیج فارس احداث کن . د ب ر پایه ماده ششم این قرارداد دولت ایران در صورتی‌توانست این امتیاز را به دیگری واگذار کند كه اجازه ندهد

لوله هاى نفت به سوى کنارههاى جنوبى ایران کشیده شود! ۳ به این شکل دولت آمریکا در همان ابتدای راه با نازل خود با ایران نشان داد برای ب ه دست آورد نفت نه ربای تمامیت ارضی ایران احترامی قائل است، نه از حقوق ملل در تعیین سرنوشت خویش

سخنی به میانیاورد و نه حتی برخلاف ادعاهای سابق خود در جریان قرارداد ۱۹۱۹

برای حق حاکمیت ملی ایران ارزش قائل اس ؛ ت به گوناھى كه بدون اطلاع دولت وقت

ایران ، بر سر منافع خویش دكشورى مستقل با قدرتى دیگر چزنانيه م یکن د. از این

بالاتر دولت آمریکا با این شرط و شروط بر ادعاهای موهوم شرکت نفت انگلیس و

ایران مهر تأیید نها د . یعنی اینکه به طور ضمنی حق تسلط بر منابع نفتی ایران را از آن بریتانیا دانست. زیرا دادن هرگونه امتیازی به غیر از شرکتهای طرف قرارداد بریتانیا

ناممکن شده بود . به این شکل شرکت انگلیسی نفت، شریک منافع شرکت

استاندارداویل هم شد، بر کمتر کسی پوشیده بود که حتی اگر این قرار و مدار سر

بگیرد، انگلیسیها بالاخره طرف آمریکا ئی را از صحنه رقابت خارج خواهند ساخت .

.Engert to DS, No. ۳۳, March ۱۶/۱۹۲۲, DS. ۸۹۱.۶۳۶۳-SO/۱۶۲.۱

.Memorandum by Dearing, ۸۹۱.۶۳۶۳-SO/۱۷۱, March ۲۰/۱۹۲۲.۲

۳. حسین فاخ ر: جریان رسیدگی به الغاء امتیاز نفت داری در جامعه ملل سابق،(تهران: ابن سینا، بی تا)،

. ۶۵- صص ۶۶

ص: ۴۵۹

۴۶۰ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

بی ش از دو ماه بعد یعنی روز نهم اسفند ۱۳۰۰ کاردار سفارت آمریکا در تهران متن
ای ن قرارداد را به رئیس الوزرای ایران تقدیم کرد تا به اصطلاح او را در برابر کار
انجام شده قرار ده. د این بار مشیرالدوله قرارداد بین شرکت نفت انگلیس و ایرا و ن
شرکت استاندارد اوی لرا رد ک. دحسین علاء هم ضمن ارسال یادداشتی برای وزارت
خارجہ آمریکا، مخالفت خود و دولت متبوعش را با گسذارمرای یه شرکت نفت ت

۱

انگلی س و ایرا ندر شمال کشور اعلام اش ت. به این شکل دولت ایران همکاری
شرکت نفت انگلیس و ایران با کمپانی استاندارد اوایل را نپذیرف ت.

ورود سینکلر به مناقشات نفتی ایران

درس ت در همین زمان تحولاتی روی داد که ضاا عو را دگرگون ساخ. ت د رای نمی ان
شرکت نفتی سینکلر که شرکتی کوچک بود وارد منازعات نفتی. ایشند شرکت از ی ک
س ورقیبی برای کمپانی استاندارد او یو لاز سوی دیگ ررقی بش رک تنف تانگل ی س و
ایران به شمار م ر یفت. مهمت ر اینکه سینکلر قراردادی با دولت شوروام یضا کرده بود که
طب ق آن نفت آن کشور را به بازارهای جهانی عرضه کر د. م اهمیت ق ضی ه در ای ناس ت
ک هاگر سینکلر میتوانس ت امتیاز نفت شما لرا به دست آورد، ای نتوان ای ی را ب هدس ت
میآورد که از راه شوروی آن را صادر کند و به دلیل قراردادی که با شورویها داشت،
برخلاف مورد استاندارد اوی ب لا مشکلی مواجه نمشید. ب هاین شکل پای شورویم به
عرضه منازعات نفتی گگ شود هش. شدوروی از سینکلر رحمای تم کیرد و انگلیس از

۲

استاندارد اوی ل. دیگر اینکه سینکل اعلام کرد آماده است به هر شک ممکن نده میلی و ن دلار وام مورد نظر دولتهای ایران را تهیه کند و در اختیار آنان قرار دهد .

این موضوع باعث شد تا قوا کمی بار دیگر منصب ریاست وزرائی را به دست آورده بود، نامه ای به حسین علاءبنگارد و از او بخواهد به دلیل اینکه سی نشکل را ربط ایران را

۳

پذیرفته است، با آن شرکت وارد مذاکره شود و قرارداد نفتی خود را با آن منعقد نماید .

در همین نامه آمده بود که مجلس ایران مخالف حضور شرکت نفت انگلیس و ایران را

۸۶-۱. ایرج ذوقی، پیشین، صص ۸۷

۲۶۵-۲. احمدعلی سپهر: خاطرات سیاسی مورخالدوله سپهر، به کوشش احمد سمیعی، (تهران: نامک، ۱۳۷۴)، صص ۲۷

۳۱. احمد قوام به حسین علاء، مکاتبات وزارت امور خارجه ایران، اسناد سال ۱۳۰۱، مجموعه ش ۱۶، پرونده ش ۵

ص: ۴۶۰

شمال کشور است و مشارکت استاندارد ویرا لبا شرکت انگلیسی هم نم یپذیرد . ب ا این

وصف قوام واکنش احتمالی و قریبالوقوع انگلیس و آمریکا را دور از انتظار

نمیدانست . پس گفتگو با شرکت استاندارد اروای هلمچنان پیگیری کرد، عدرلاء

نیویورک با نمایندگان استاندارد اوی لمذاکره میگرد و عداهی دیگ ر با نمایندگان شرکت

سینکدر در تهر ا . نقوام وانمود کرد برایش اهمیتی ندارد کدام شرکت آمریک ای ی طرف

قرارداد ایران خواهد بود، مهم این است که دولت ایران پیشنهادی میب ذریارد که مطابق

باشد با مصالح ملی این ک ش .ورد ر مردادماه سال ۱۳۰۱ از هر دو شرکت خواسته شد

پیشنهادهای خود را به دولت ایران اعلام نم . ایستندارداویل قول داده بود درصدی از

نفت خام به دست آمده را به دولت ایران واکنگذا ؛ را ما سینکل رپیشنهاد کرد درصدی

از سود به دست آمده از فروش نفت را به ایرام پیرندازد . قوام پیشنهاد استاندارد اوایل

را ترجیح میداد . اما مسئله این بود که بدون مشارکت انگلیسیها چ م گون یهخواستند

نفت شمال کشور را صادر کنند؟

رقابت دو شرکت نفتی آمریکای در ایران بازتابهای فراوانی یافت . ب ته زودی گروهی

از سیاستمداران و مردم عادی هر کدام به دفاع از کتی شخراص پرداختند و شروع به

۱

تظاهرات کردن د . بالاخره در آبانماه سال ۱۳۰۱ مجلس ایران پی ن شوی س قراردادی را

برای بررسی در اختیار شرکتهای سین کلو راستاندارد اوی لقرار داد . با این توضیح ک ه

شرکت برادران راکفل ردیگر به این نتیجه رسیده بود سگرم ذایرهی در ایران بدون

مشارکت انگلیس غیرممکن است . ت بنابراین انصراف خود را از گرفتن امتیاز نفت شمال

اعلام کرد؛ اما سینکدر عقبنشینی نکرد .

درست در چنین شرایطی بود که اختلافات موجود بر سر امتیاز نفت ، بهشمام لعه
یهودی ایران هم سرایت ک . در ددر یک سوی طیف انجمن صهیونی سقرا تر داش تک هدر
ف طی ر دیگ وی س در و ود ب کشیده کنار سیاست از اثر اختلافات داخلی خود را ظاهرا
سلیمان حثیم رئیس انجمن ترق یکه در روزنامهش هحثیم از امتیاز نف تش ب مال هنفع
سینکدر حمایت میگرد . حئی م در شمارها یاز روزنام ها شب هرورنام هستاره ای را ک نه

۲

طرفدار کمپانی نفت جنو بو تجدید امتیاز به انگلیسیان بود تاخت و بار دیگ راعط ای «

۱ . میلسپو، آمریکائیهها در ایران، ص ۲۹۵

۲ . در اصل: عطای .

ص: ۴۶۱

د ۱ هحئیم از این به بعد باره او باره اب هش رک ت «. امتیاز به شرکت سینکل ررا توصیه کر

نف تانگلی س و ایرانحمل هب رد و هواداری از ش رک تنفت یس نی منکول د. ر او انجمن

۲ «. روزنامه هگئولا را ننگ ملت دانست» خطاب کرد و «دزد و خائن» صهیونیست را

سلیمان حئیم برای این برخوردارهایش تاوان سختی پرداخت و فقط در دوره پنجم

حتی سلطنت تغییر جریان در بعدا. داشت شرکت یهودیان نماینده عنوان به مجلس

همراه با ربی موسی مقت، د ارز اطبای قدیمی ایران در مجلس و س مسان شرکت کر. د نیز

شخص حئیم در جشن تاجگذاری رضاخ اش شرکت نم و. داما یکی از نتایج استقرار

رضاخان بر اریکه سلطنت منع از انتشار روزنامه هحئیم بو د. دیگر اینکه در انتخابات

ک ه رژیم مقتدری روی کار آم بدوهد، رویه معکوس در پیش گرفته شد و «مجلس ششم

این بار با پشتیبانی مأموران دولتی، به دکتر لوق مو نهاداران او میدان داده شد تا به آنجا

ک هدر یک روز شنبه که مسیو حدئیر مکنیسای عزرا یعقوب برای انتخابات دوره ششم

سخنرانی تبلیغاتی میکرد، در اثر حمله و زد و خوردی که رخ داد او و هوادارانش

د این حوادث درست زمانی روی داد که اعیادزه افسران «مجبور به ترک کنیسا شدن.

مخالف رضاخان به فرماندهی سرهنگ محمودخان پولابدیهناهام کودتا علیه او

مسیو حئیم هم متهم به همکاری با دستگیرشدگان گردید و گرچه «. دستگیر شدند

ک. رادما نماینده سابق کلیمیان را چندین سال در «دادگاه تکلیف متهمان اصلی را تعیین

زندان نگه داشتن. د ۳ مسیو حئیم در پانزدهم دسامبر ۱۹۳۱ مطابق با ۲۴ آذرماه ۱۳۱۰

درست در جریان اختلاف نفتی با شرکت نفت انگلیس و ایران اعدام گردی د.

ب ه هر روی وقتی پای سین کبلهر میدان منازعات نفتی ایران باز شد، لورین بلافاصله

واکنش نشان داد. دسینکلر حاضر شده بود بیست درصد عواید حاصله از سود فروش نفت را به ایران دهد. ن دیز مقرر کرده بود پیشاپیش وامی به مبلغ ده میلیون دلار در اختیار دولت قرار دهد. دلورین ضمن ارسال پیامی خصوصی به ق، ومامسئله امتیاز خوشتاری ارا باز هم پیش کشی. دوی تلاش کرد مانع حمایتوزیرمختار آمریکا از این قرار داد شود و آن را به مثابه شکست تلاشهای اولیه برای همکاری بین دو کشور آمریکا و انگلیس

۱. تاریخ جامع یهودیان ایران، ص ۵۲۱

۲. همان .

۳-۵۲۶. تاریخ جامع یهودیان ایران، صص ۵۲۷

ص: ۴۶۲

عنوان کرد. لورین توانست اطلاعات محرمانه یاز مذاکرات نفت چه با استاندارد اوایل
گام‌های عیان‌م‌زارت‌اع‌لاط‌ان‌ی‌ادوب‌ه‌ت‌ف‌گ‌م‌ه‌ش‌د‌و‌خ. آورد دست به سینک‌با‌چه و
موفق به دست آورده و همین اطلاعات انگل‌سات‌ام‌ن‌و‌ف‌ق‌م‌یسازد تا پیشاپیش در
موقعیتی

کاملاً مناسب جهت تدوین سیاست‌هایی در مورد نفت شمال قرار گیرد.

در این میان انگرت پیشنهاد کرده بود دو شرکت آمریکائی با هم شریک شوند زیرا
هرگونه رقابتی باعث میشود پای هر دو آنان از میدین نفتی ایران قطع ردد. ۱ گهیوز
وزیر امور خارجه بلافاصله به انگر دستور داد در رقابتهای نفتی شرکتهای آمریکائی

۲

این دنبال به. ننماید حمایت کدام هیچ از عملاً و کند رعایت را طرفی بی جانب
تحولات سر جان کدم ن از مدیران شرکت نفت انگلیس و ایران با بدفور داز شرکت
استاندارد اوایل در واشنگت نوارد مذاکره شد؛ و مقرر گردید دو شرکت با هم مشارکت
کنند و امتیاز نفت شما ای لران را به دست گیرن. ۳ دکرزن با اینکه آمریکائیها را بر
بلشویکها ترجیح میداد، لیکن هنوز در همان حال و هوای اندیشه‌های استعماری قرن
نوزدهمی خود بود. دو م‌یت‌رسید که ایران منبع جدید درآمدی به دست آورد و اختیار
امور مالی کشور از دستبریتانیا خارج شود او برای اینکه شرکت استاندارد اوی ل
و انگلیسی شرکت دو سوی از مزبور وام کرد پیشنهاد ندهد، ایران به وامی مستقلاً
: در دو محظور اساسی قرار داشت آمریکا در این ایام ۴. گردد پرداخت متفقائی آمریکا

نخست اینکه طبق دکترین مونرو پنجه‌مین رئیس‌جمهور آمریکا که ایالات متحد‌ها را از

پیوستن به رقابتهای کشورهای اروپایی بر سر مستعمرات خود بر حذر داشمیت و در مقابل بر این باور بود کشورهای اروپایی حق ندارند در مسائل قاره آمریکا دخالت کنند؛ هنوز ایران را حریم امنیتی بریت ابنی ها شمار م آورد . موضوع دوم هراس آمریکائیا از نفوذ بلشویسم در ایران ب . و د آمریکا م یترسی د اگر قدرت انگلی د سر ایران به کاستی گراید ، کمونیسم این کشور را فراگیرد؛ دغدغاهی که تا سالهای ملی شدن نفت دوام یافت و خود انگلیسی ها نقشی اساسی در گسترش آن توهم دا . شتشنای دد جالت ب رین

۱. Engert to Hughes, ۹ December ۱۹۲۲, DS, Oil Files ۶۴, No. ۸۹۱/۶۳۶۳.

۲. Hughes to Engert, ۲۰ December ۱۹۲۲, DC, Oil Files/۷۳, No. ۸۹۱/۶۳۶۳.

۳. Geddes to Curzon, DC, ۲۶ December ۱۹۲۲, FO. ۴۱۵/۶۹.

۴. Curzon to Geddes, London, ۱۸ January ۱۹۲۳, FO. ۴۱۶/۷۰.

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

بخش این سناریوی مضحک اما واقع‌میربوط باشد به زمانی که قوای قزاق بر نیروی جنگل غلبه کردند و آنها را مضمحل ساختند. آن زمان سرپرسی لورین در تهران بود، او گزارش داد از نیروهای شمال یکصد هزار دلار اسکناس آمریکائی به دست آمد! ۱ روز بیست و یکم مردادماه ۱۳۰۱ قوام بار دیگر بحث امتیاز نفت شمال را با مجلسیان در میان نهاد و لایحه‌ای را تقدیم کرد. در مجلس در آستانه تعطیلات قرداداش ت، بنابراین بحث و بررسی این لایحه را موقوف کردند به بازگشائی مجدد. متعجلبطیل سی مجلسبه دلی فرارسیدن ماه محرم بود که از دوم شهریورماه آن سال شروع شد. سرانجام بعد از بی‌ش از یکماه، در روز پنجشنبه بیست و نهم شهریور، مجلس بار دیگر جلسه‌ای داشت. مهمترین دستور جلسه این روز بحث امتیاز نفت شبنمود. لکمیسیون دوازده نفری که در دوره مشیرالدول تشکیل شده بود، بار دیگر مأموریت یافت به این موضوع و عرس‌یدگی

۲

کند و در اسرع وقت پاسخ خویش را تقدیم مجلس نماید.

نفت و مسئله یهود

درست در زمانی که بحث امتیاز نفت ش مماطرح بود، به ناگاه جنبشی شکل گرفت که ماهیتش در هالاهی از ابهام قرار داشت. تنوک حملات این جنبش علیه یهودیان بود. ظاهرفضیه این بود که بگومگوئی بین یکی از مستخدمین مدرسه یهاکل یی ت مهران با

۳

گماشته شیخ عبدالنبی نوریری داد. نظمیة طرفین را به نظمیة جلب کرد و پس از تحقیقات کلیمیها مقصر شناخته شد. داماماجرا خاتمه نیاف. رتوز بعد کسبه گذر

سرچشمه و پامنای زمغازه های خود را تعطیل کردن؛ دو این انخواهان مجازات کلیمیا شدند. به دنبال این اعتراض شش تن دیگر از کلیمیا دستگیر گردیدن. همان زمان شفق سرخ نوشت شکلگیری چنین حوادثی را نباید ساده تلقی کرد. ۴ حتی محمودخان انصاری مشهور به امیراقتدار حاکم نظامی تهران در ملاقات با شومیا نتمای سنکدیه دیپلماتیک شوروی در تهران، این حرکت را به تحریک انگلیسیها. ۵ ندان خسستی تن

۱. Loraine to Curzon, Tehran, ۲۱ December ۱۹۲۲, FO. ۴۱۶/۶۹.

۲. Dispatch by Kornfeld, No. ۷۳, September ۱۹۲۲, DS. ۸۹۱.۶۳۶۳-SO/۲۵۱ Majd, p. ۱۴۱.

۳-۵۸۷. برای زندگی او ن ک: شریف رازی: گنجینه دانشمندان، ج ۴، صص ۵۸۸

۴. شفق سرخ، ش ۶۹، ص ۲

۴-۲۸-۵. بایگانی اسناد وزارت خارجه، اسناد سال ۱۳۰۱، ش. ۲۲

ص: ۴۶۴

تبعات این به اصطلاح جنبش، خارج شدن لایحه نفتی از دستور کار مجلس در مورخه سی و یکم شهریور ۱۳۰۱ بود. خواهی م دید که درست دو سال بعد هم چنین حوادثی روی داد. آنهم درست دو روز قبل از اینکه امتیاز نفتی شرکت در مسجیلنکلس روی تصویب شود، حادثه ای که منجر به قتل کنسولیار سفارت آمریکا در تهرانش. دشورشهای ضدیهودی سال ۱۳۰۱ نکته دیگری هم داش. اتین حرکات درست مصادف بود با حرکت آرتور میلس پاوز نیویورک که سوی ایرا. اتین حرکات حتی باعث دلسردی میلسپ و و تیم همراهش هم؛ شادما بالاخره اینان توانستند به ایران بیایند و کار خود را آغاز کنند؛ کاری که تا انتها با کارشکنی رضاخان مواجه بود.

جوزف شائول کورنفلد وزیرمختار آمریکا در تهران از حمله قزاقها به علی پاشا صالح گزارش داد. صالح برای تحقیق در مورد ضرب و شتم کاری ایز کارمندان یهودی سفارت رفته بود، اما خود مورد حمله قرار گ. رلفیکتن هیچ کس جرأت نکرد این موضوع را حتی مورد اشاره قرار دهد تا چه رسد به رسیدگی دقیق. وقتی ضائی وزیرمختار آمریکا به این قضیه اعتراض کرد و نوشت چگونه ممکن است در شهری که هشت هزار نیروی نظامی مستقر هستند، چنی بیقانونی آشکاری روی دهد، قزاقی بیچاره که فقط مأمور بود و معذور، از کار منفصل شد و محکوم به شلاق خوردن در محله یهودیان گردی. دکورنفلد از مسئولین وزارت جن گخواست از این کار به ویژه در محله یهودیان اج تناب کنند، بنابراین قزاق مزبور فقط از قشون اخراج گردید.

۱- حاخام و دیپلماتی برجسته ب. و خدانواده (۸۷۶- ج وزف شائول کورنفلد) ۱۹۴۳

کورنفلد در دوره کودکی از اطری به شامریکا مهاجرت کردند و شخص وی به سال

۱۸۹۹ بعد از فراغت از تحصیل در رشته الهیات یهودی، حاخام شد. کورنفلد سالها در

کنیسه های آرکانزاس، مونترال و اوهایو در مقام حاخامی خدمت کرد. رادو به مسائل

سیاسی هم علاقه ای زاید الوصف داشت. به همین علت در ایام مبارزات انتخاباتی وارن

هاردینگ ۱ به حمایت از او وارد میدان شهداردینگ بعد از اینکه به مقام ریاست

جمهوری نائل آمد، کورنفلد در به عنوان وزیر مختار به ایران اعزام شد. او تا چهار

سال بعد یعنی تا سال ۱۹۲۵ که درست مقارن بود با تغییر سلطنت از قاجار به پهلوی

۱. Warren Harding.

ص: ۴۶۵

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

به یهودیان ایران خدماتی شایان کرد و « در ایران اقامت داشت، در مقام وزیرمختار او

ک ارد ». بارها با رجوع به مقامات دولتی ایران توهاطی یه ضدیهودی را در نطفه خفه

عده ایلوای محله یهودیان را که با رهو بارها در دوره زمانی بین کودتا تا تغییر

سلطنت روی میداد، برای اینمیدانستند تا ایرانیان را مردمانی فاقد فرهنگ و تمدن

نشان دهند و غیرقاب ل اعتماد. هدف مهمتر البته ممانعت از سگرمای ذاهری کمپانیهای

نفی آمریکا یی بود در ایرا. نهرگونه تحریکی علیه یهودیان با واکنش منفی کورنفلد

مواجه میشد که در اصل خود یک روحانی یهودی به شمار میرفت .

زاقی ق دسبتان ی، تحلیل آمریکا خارج امور وزارت در همقطاراننش رغم به کورنفلد

اوضاع ایران داش. تکمای نکه در گزارشهای خود یادآوری کرد این حرکت شور ش

خودب خودی مسلمانان علیه یهودیان نب. و بدلكه نقشها یی بود بسیار دقیق که توسط رضاخان

وزیر جنگ برای واژگون ساختن دولت دوم قوا جریامن داش. ت ا وتوضی ح داد ای ن

دس ت به چنین کاری مزن ید، « کودتا » نخستین باری نیست که رضاخا ب نرای راه انداختن

بلک هتحرک ات ی از ای ندس تس ابق ه دارن. رضا دخان درس تدر آس تان ه کن گیاررھی

مشیرالدوله توانست اختیار اداره مالیاتهای وزارت م ال رای ب هه دست گی. ربدنابرای نحداق ل

بخش ی از اقتصاد کشور در دست او. برود ضاخان به این شکل متیوانست هر کاری را که

میخواست انجام ده. دکورنفلد گزارش داد رضاخان از اینکه مستشاران مالی آمریکائی

د راستخدام دولت ایران هستند، ناراضی اس؛ ب ته ویژه اینکه این مستشاران اختیاراتی

دارن د که بر اساس آنها متویانن د مانع دس اتندازی رضاخان به مالیه شون. داوبرای س اق ط

کردن قوام به قوای قزاق دستور داده بود به جای صیانت از ج ان و م الم ردم، ن هتنه ا

بیتفاوت باشند، بلکه در مواقع مقتضی آب را بیشتر آلودگه‌کنند. کورنفلد نفوذ بیش از اندازه رضاخان را بسیار مضر تلقی کرد. راییدن در حالیست که بریتانی آشاکا رونه از او حمایت می‌کند؛ زیرا احساس نمی‌کند این رضاخان است که می‌تواند دول‌تامپراتوری به‌قادر قانونی‌های دولت‌حالیکه در سازد، نزدیک‌را به اهداف خود در ایران کاملاً بریتانیا چینی‌کاری نیستند. کورنفلد توضیح داد بریتانیا حاضر نیست سیاست درهای باز اقتصادی را برای ایران بپذیرد. رده‌همین دلیل چون بستن درها غیرممکن است، انگلیس تلاش

Judaica, vol. ۱۰, p. ۱۲۰۸.۱

ص: ۴۶۶

می کند خانه را دچار هرج و مرج سازد و محیط را ناآرام نماید تا ب های نش ک لم ان ع از
ورود دیگران به خانه گردد. در سخنان به واقع ابزار عملیاتی کردن چنین دیدگاهی شناخته

۱

ش دهه تاکنون به خوبی از پس آن برآمده. ب دوو دسال بعد بود ک هایمب رمت یوج هش د
شورشهای مصنوعی این سال کار انگلیسیها بوده است و حتی برای نپ او رب و دحوادث

۲

مزبور با دستور شخص وزیرمختار انگلی صسورت گرفته است. اما این کشف چنانکه
خواهی م دید، به قیمت جان ایمب رتمیام ش. د این نکات نشان م د یهد آمریکا ئیه ادر برخی
قضاوتهای خود تحلیل مشخصی ندارند، اگر رض ابخا انکورنفل و د گ رو هدپلماته ای
سابت ان رب ی مبن آانه تحلیل به نباید پس داشت، مشکل بودند بهائی ئی که بعضا آمریکا
وزیر جنگ به این گروهها اعتنائی کر د.

مأموریت نخست میلپو

درست در این ایام، تحولی دیگر هم در روابط ایران و آمریکا روی داد و آنهم
استخدام مستشاران مالی از این کشور. بود ر آذرماه سال ۱۳۰۱ مستشاران مالی آمریکا
وارد ایران شدند، یعنی درست زماکنهی قوام قدرت را بار دیگر به دست داشت و
دولت دوم خود را تشکیل داده. بومدو موضوع استخدام مستشاران مالی از آمری کا در دوره
بعد از جنگ اول جهان، ب یه واقع از دوره کابینه نخست قمواطمرح شد و بالاخره در
مردادماه ۱۳۰۱ مجلس لایحه ذیرب ط با این موضوع را تصویب کر د. دکتر آرتور س. ی
میلپو ۳ ریاس تهیأت اعزامی آمریکنای را برعهده داشت، او مردی بود سی و نه ساله

از اهالی میشیگان؛ دکتر رشته اقتصاد داشت و مدتی در اداره تجارت خارجی وزارت امور خارجه آمریکا به عنوان مشاور کار کرده. بواد و به محض ورود به ای، رر ائیس کل مالیه ایران شد، همان عنوانی که مورگان شوستر ده سال پیش داشت .
وقتی میلسپو وارد ایران شد، تنها مالیاتی که وصول میشد مالیات محصولات زراعی و دام بو . د مبلغی اندک هم از اصنافی مثل دکانداران و پویراشن ه و عشایر گرفته میشد .
میلسپو مالیاتهای جدیدی وضع ک؛ را دز جمله مالیات بر ارث، مالیات بر فروش، مالیات

۱. Dispatch by Kornfeld, No. ۷۵, September ۲۹/۱۹۲۲.

۲. Dispatch by Imbrie, June ۱۱/۱۹۲۴, DS. ۸۹۱.۶۳۶۳-SO/۳۷۰ Majd, op. cit. p. ۱۴۱.

۳. Dr. Arthur C. Millspaugh.

ص: ۴۶۷

ب رستم‌گلاتی که بدون استفاده مانان ده د و مالیات بر صدور اسناد تج؛ ایرین مالیاتها مخالف تا قشار سنتی را همراه داش . ن تیز میلسپو معافیت های مالیاتی را که از سوی دربار رقا اجار در نظر گرفته شده بود ملغی . اکیرند معافیتها به کسانی داده میشد که خدمتی به شاهان این سلسله انجام داده بودن . داقدام مهم میلسپونام بردن از کسانی بود ایالت یک از نیمی عملا خزعل . خزعل شیخ جمله از داشتند کلان مالیاتی بدهی که ثروتمند ایران یعنی خوزستان را که آن زمان عربس تاخوانده میشد در اختیار داشت . واژه عربستان از دوره قاجاریه به این ناحیه ایران اطلاق میشد و گرنه تا دوره صفویه ب ه طور مشخص نام منطقه ی که خزعل بر آن حکومت مکیرد ، همان خوزستان بود . خزعل طبق فرمانهایی از مظفرالدین شاه قاجار ، که بعدها به تصدیق کارگزاری و کنسول انگلیس در محمر هر سیده بود ، کلیه باغات نوخیلات محمر هو سواحل شالعهطرب و

۱

سواحل رود کارو نبعلاوه اراضی خصب و فلاح یوه مزارع هنديجا نو املاک پهناور دیگر ی را در اختیار داش . تاین املاک حاصلخیزترین و بزرگترین بخش ایالت زرخیز خوزستان را تشکیل میداد .

خزعل عمارتی باشکوه در بصره داشت . اراضی مزبور هم به عنوان خالصه به او داده شده بود . طول این اراضی از شمال به جنوب از حدود بی نالنهری نت اهندیج ارا ن فرامی گرفت؛ از آن سوی عرض این املاک از م حتمار هشوشتر بود . شهرهای مهمی چون خرمشهر ، اهواز و آبادان در زمره املاک خزعل بله شمار می فرت ن د . آن زمان هر کدام داشتند و با این حساب غیر از « متجاوز از بیست هزار فتر جمعیت » از این شهرها

دزفول و شوشتر « ایران ایالات تمام حاصلخیزترین که خوزستان ایالت تمام تقریباً است ، به شیخ خزاع لواگذار شده و این مملکت بخشی در تاریخ اخیر ایران سابقه نداشته ، زیرا بخشیدن چندپارچه ده به اسم خالصه ممکن است، ولی تحت این عنوان بخشیدن یک ایالتی که حاوی یکصد و پنجاه هزار جمعیت است به یک نفر از رؤسای نیست دنیا در قانونی هیچ موافق و باطل ایالات . »

اساساً لغو ، این در حالی بود که درآمد

سراال نی « دولت از نفت خوزستا، نبا وصف کارشکنیها یشرکت نفت انگلیس و ای

بود . « دویت هزار لیره

۱ . فلاحیه همان شادگان امروزی است .

ص: ۴۶۸

در فرامینی که شاهان قاجار به خز عداد له بودند قید شده ب و کده او باید این املاک
ول یمتأسفانه به این شرط عمل « ، ر این عشایر عرب توزیکعند تا آنجا را آباد نمایند
نشده و تمام آن اراضی حاصلخیز بایر و لم یزرع افتاده نه خود خزعل از عهده آبادی و
تعمیر آنهمه املاک برمیآمد و نه اجازهمیداد مردم آنجا را آباد نمایند، بلکه از ضعف
حکومت مرکزی استفاده کرده و به وسیله این فرامین املاک حقه مردم را به غضب
تصرف نمود که صاحبنا آنها تمام حاضر و فقط منتظرند یک عدلیه صحیحی در
اغلب باغات و نخیلات شال طعرب « خوزستان تشکیل شود که بر خزعل لش کایت کنن . د
و سواحل کارون و خصب و فلاحیه و هندیجان، به واقع ملک مردم بود، همه آنها اسناد

۱

مالکیت داشتند اما البته حریف خز عمل یشدن د. خزعل با مشارکت انگلیسیها هرگز
اجازه نداد تشکیلات نوینی مثل عدلیه و مالیه در حوزه حکومت او شکل . به ایگردن
شکل با اینکه بیست سالی از مشرومطهیگذشت ، رعایای او مثل گذشته زندگی
میکردند و از تحولات جدیدی که در کشور روی میداد، بیاطلاع بودند .
ب اینکه تسلط خزعل بر لر خوزستان نامری بود غیرمتعارف و البته باید به نحوی از
انحاحل م یش ، د اما موضوع این است که حتی بعد از کوتاه شدن دست او از تصدی
امور خوزستان ، مردم عادی منطقه روی آرامش و آسایش ن دی ادین ند موضوع به وقوع
شورشهایی منجر گردید که یکی از آنها در مردادماه سال ۱۳۰۴ به وقوع پیوس . ت
مأمورین مالیاتی برای وصول طلبهای مالیه از نخیلات خوزدستان ت به اقداماتی
می زدند که موجبات ناراضی ایت ی عشایر و ساکنین محلی را فمراهیمساخت . برخی

البته تصدیق خواهند فرمود در نقطه « مأمورین محلی به رضاخان گزارش م ی‌دادن د
سرحدی مانند محرم هفشار و سوءسیاست مأمورین سبب رمیدن عشایر عرب و
گرویدن آنها به خارج همیشود و این مسئله سلامت خوزستان را تهدید خواهد کرد،
پس تا زود است از برای حسن اداره و تحکیم موقع خود در آن حدود دولت بای د
این سیاست حکیمانه هم چیزی جز تعقیب روش « سیاست حکیمانه تری تعقیب نمای . د
نبود مالیات وصول در خزعل : » باید آن مالیات ایصال و انخلستانه اجاره طرز

عینا مثل

سابق باشد یعنی هر نوعی که خود خ زمعالی لات نخیل را وصول لیکرد مأمورین مالیه

۱۴ مرداد ۱۳۰۴ ، اسناد وزارت جنگ ، . ۱ . گزارش به وزارت امور خارجه ، محرمانه ، نمره ۵۰۴۹

ص: ۴۶۹

نی ز همان کار را بکنند، منتها خز بعر لمستأجرین باغات و رعایا تحمیل و اجحاف می کرد مأمورین دولت باید به طرز منصفانه و ریماکنه رفتار و بر رعایا چیزی تحمیل مأمورین مالیه « شودندگ را اینکه ». نکنند که افراد عشایر استفاده نموده از دولت ممنون بای د مجلسی تشکیل و عبدا پلهسر خزع لو چند نفر ا. ز. اشخاص خبره را دعوت کنند و موافق دستورالعمل و نظری رات آنها باغات نخیل را پس از تخمین مستأجرین اجاره ۱ به هر حال به دید میل ، س پوخزعل از نظر مالیاتی بدهکار محسوم بیش د. او . بدهند حتی پیش از اینکه خزع تلوسط رضاخان فرو گرفته شود، تلاش کرد مالیاتیه ماعوقه او را دریافت کند و به خزانه دولت واریز نماید .

سپهسالار تنکابن ی، از دیگر کسانی بود که بخش عظیمی از باغهای یک ایالت ثروتمند ایران یعنی گیلان را در تملک خود داشت و دامنه ای تملکت ابخشی از مازن و دران نزدیکیهای قزوین امتداد می یافت . همچنین خوانین بختیاری ج ز و بدهکاران مالیاتی به شما آمدند، خوانین برخی دیگر از قبایل نیز در زمره این گروه . میلو سدپنود می خواست مالیاتهای معوقه کلیه این افراد را وصول نماید . مادیدگ را اینکه میلسپ و موفق شد با ایجاد یک دستگاه حسابرسی، اختلاس در دستگاههای دولتی را تا حدی از بین . نیب زا رود توانست

ممیز

میلسپو همچنین موفق شد درآمدها یا ناچیز ایران را به مقیاس قابل ملاحظه ای افزایش دهد . از طرفی نخستین بودجه ای که او تنظیم کرد متعلق بود به سال مالی ۱۳۰۲ شمسی ،

ای ن بودجه البته کسری داشت که سال بعد به کلی از میان . ت ارآفنجتائی که میل سپب و ا
خزعل، خوانین بختیاری و یا سپهسالار تنک ابنک یار داشت، همه چیز بر وفق مراد
رضاخان بود. زیرا رقبای بالقوه و بالفعل او را بیش از پیش تضعیف ک رد، مام ی اهمینک ه
نوبت به محدود کردن بودجه وزارت ج نمگی رسید، او برآشفت هم یشد. در این حال
رضاخان با میلسپ و کلنچار میرفت، زیرا او حاضر نبود زیرب اراقدامات و خواست هات یه
نامشروع رضاخان رود، رضاخانمیخواس تپنج اهدرص دبودج هب هوزارت جن گ
تخصیص داده شود که مستشار آمریکائی به شدت با آن مخالفت میکرد.
مذاکرات نفتی تا این زمان حدود دو سال به درازا انجامیده . دو بیاورد قوا، میک با ر
۱. محمدحسن بدیع، ک نسول سابق ایران در بصره به رضاخان، ۲۶ شهریور ۱۳۰۴، اسناد وزارت جنگ .

.Lorraine To Curzon, Tehran, ۴ April ۱۹۲۳, FO. ۴۱۶/۷۲.۲

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

عده ا یارزیاب و

مالیاتی تربیت کند که بعدها توانستند وزارت مالی را ادا هره نماین د

ص: ۴۷۰

مشیرالدوله و یک بار مستوفی بیسالوزراء شده بودن دولتی چک دا مانه انتوان ستن د موضوع نفت شما لرا حتی گامی به پیش ب. رنهدرگاه قوام قدرت را به دست مگرفیت ، مذاکرات با شرکتهای نفتی ادامه مییافت و هرگاه او فرومافت یاد ، نوعی رخ و تمشاهده می شد . از عمر مجلس چهارم هم چیزی نمانده بود . مستوفی در انجام انتخابات مجلس پنجم تعلل میکرد . ی کروزمان دهب هخاتم هذول تاو، یعن یروز ۲۳ خردادماه ۱۳۰۲ بالاخره دولت تصویب کرد امتیاز به برهداری از نفت شمال کشور به یک کمپانی آمریکائی یداده شود، مشروط به این که شرکت ده میلیون دلار وام پرداخت نماید . درهمین ماه مجلس شورای ملی یسینکلر را برنده امتیاز نفت شمایلران اعلا مک رد و شهریورماه آنسال متن قراردادی هم با آن شرکت تنظیم شد ؛ تنظیم مای نقرارداد در دولتدوم مشیرالدوله اتفاق افتاد . دام احسین علاء ترجیح میداد همان شرکت تاس تاندارداوایم تلی از نفت شمال ایران را به دست . گک یرشادید او از اینکه ایران وارد قراردادی نفتیب اش رکتی شود که ب اش وروهیم معاهدات نفتی داشت، رضایت نداشت و ترجیح م دادی استاندارداویل که مورد حمایت دولتآمریکا هم بود، پای در عرصه منازعات نفتی ایران نهاد . علاء وقتی شنید مشیرالدولکهه درست ی کروزیع دازم صوبه ه مجلسای را نبه ریاستالوزرائی رسیده بود، قرارداد نفتی با سین کرال رقانونیت بخشیده است، نوش ک ته ی برغی اه شخب رد دولت ایران درک صحیحی از واقعیات تحولات نفتی دنیا ندارد، مثلا همین آمریکا مقادیر معتناهی نفت کشف شده است و این ام رباع نگریدی دهت اعلاقی

برای جلب همکاری استاندارد او، ی م لورگان شوس تهر میچنان ع لارء همراهی

می کرد. در ماه آبان آن سال رضاخان سرانجام به ریاست وزرائی دست ی افان د تکی

بع د در آذرماه همان سال دولت امتیاز نفت ش مراا لبه شرکت سینکالر واگذار کرد؛ در

حالی که مجلس تعطیل بود و رضاخان اجازه نمیدا د نهاد قانونگذاری افتتاح شود. علت

این بود که انتخابات با تانی ولی در فضائی از تقلب م صیو گرفت ت ت. با صعود

رضاخان به ریاست وزرائی، یخیال شرکت نفت انگلیس و ایلبراهن آسوده ش د.

انگلیسیه اطمینان یافته بدوند رضاخان وارد هیچگونه معاملهای نخواهد شد که زیان

۱. حسین علاء به وزارت امور خارجه ایران، آرشیو اسناد حسین علاء، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران،

ش ۱۱۲۲۹ - ن .

ص: ۴۷۱

شرکت را در پی داشته باش. دامای معلق ساختن سینکرا اندکی زمان و بهانه‌های عامه پسند لازم بود. در این میان کورنف، لودزیرمختار آمریکا در تهران نام‌های ب‌ه رضاخان رئیس‌الوزرای وقت نوشت و اعلام کرد دولت متبوعش در زمینه واگذاری امتیاز نفت شمال به کمپانی‌های آمریکایی بی‌طرف است و از هیچ‌یک از آنها پشتیبانی نمی‌کند، اما وظیفه خود میدانند از هر کمپانی که بالاخره موفق به عقد رداق در ایران

۱

گردد حمایت سیاسی به عمل آورد.

ن‌هتتها سفارت آمریکا، بلکه اغلب آمریکائیان از توازن نیروهای سیاسی در ایران اطلاعی درخور توجه نداشت. ن‌ب‌دی‌ه‌وده نیست که نماینده کمپانی سین‌ب‌کال رکسانی وارد مذاکره می‌شد و با کسانی زد و بنم‌دی‌کرد که تصور می‌نمود مخالف انگلستان هستند و طرفدار سرمایه‌گذار آ‌ی‌م‌ریکا‌ئی‌ان در کش‌ور. در این راستا نماینده سین‌ب‌کال لمرنزل میرزا رضاخان افشار مترجم مستشار مالی با او ملاقات. کخب در چینان رضاخان که همه ج‌ا‌ین‌ف‌رد را تعقی‌م‌ب‌یک‌کردند، گزارش کردند نماینده مزبور با افشار در مورد راه آهن ایران وارد مذاکره شده اس. تطبق همین گزارش طرحی هم در مورد آهن‌نا‌ن‌ه‌وش‌ته در « شده بود که افشار و نماینده سین‌ب‌کال‌رول آن‌ب‌ح‌ثم‌ب‌یک‌کردند. موضوع مهم‌تر بحث ل‌ا‌ب‌و‌ت‌ده که دو طرف یادشده « موضوع جواهرات دولتی و فروش خالصجات و مستغ‌ا‌و‌د‌ند « و قیمت آنها را قریب به بیست میلیون تخمین زده. ب.» در آن باب گفتگو کردانه د اینک ه‌چ‌ه‌ر‌ب‌ط‌ی‌ب‌ین‌ن‌م‌ا‌ی‌ن‌ده‌س‌ی‌ون‌م‌کی‌ل‌ر‌ز‌ا‌ر‌ض‌ا‌ف‌ش‌ا‌ز‌ر‌ب‌ل‌و‌ا‌ئی‌ان‌ج‌ن‌ب‌ش‌ج‌ن‌گ‌ل‌م‌ی‌ت‌و‌ا‌ن‌س‌ت‌و‌ج‌ود‌دا‌ش‌ته‌ب‌ا‌ش‌د، نکتهای درخور توجه‌است؛ مهم‌تر اینکه بحث مستغلات

و خالصجات و جواهرات سلطنتی هم هیچ ربطی به نماینده سینکسر نداشت.

اکنون همزمان با دوره‌ی که رضاخان ریاست‌وزرائی را بدهس تداش ت ، دوش رکت

آمریکائی یکه از قبل دعوت شده بودند، گامهائی ب را یا حداث آه نراس هراس ریای ران

برداشته بودن د . دولت ایران البته پولی در بساط ندا . شل تیک نامی دوارب و داگ شرکت

سینکسر بابت درآمدی که از امتیاز نفت ش بمها لدستمیآورد ، ده میلیون دلار به دولت

اول ن و کمپانی استون و « وام دهد، این مهم عملی خواهد . شندمایندگان شرکت مزبور که

۵ و نیز سند شماره ۱۱۲۵۰ و ۱۱۲۵۱ از همان ۳۶۴/۵ تا ۳۶۴/۱۰ - ۱ . در این زمینه نک: مجموعه اسناد شماره ۱

مجموعه در آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران .

۲ . گزارش مأمور تجسس، مورخه ۲۲ جدی (دی) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۴۷۲

۱ نام داشت، دی ماه سال ۱۳۰۲ وارد ایران شدن؛ در حالیکه طرح احداث خط و ط «وبستر آهن از دوره قوام جدی شده بود.

وزارت امور خارجه انگلیس ب سلافاصله واکنش نشان داد. دسندیکای راه آهن ایران که ه
داست احقاقی مدعی بود نداده انجام کاری هیچ یازده سال پیش تأسیس شده و عملاً
شبکه سراسری راه آهن ایران به آنها اعطا شده و دولت انانیمری توان قرارداد دیگر ریا

۲

شرکتی دیگر منعقد نماید. وزارت خارجه انگلیس به سه وزرای مختار خود در واشنگتن
تهران دستور داد به طرف ایرانی و آمریکائی یخاطر نشان سازند انگلیس سیه اصحاب بای ن
ح قهستند و توضیح دهند شرکت سندیکای راه آهن را نحاض راس تب را یا احداث

۳

خطوط آهن سراسری ایران با شرکتهای آمریکائی وارد گفتگو شود. لیکن وکیل شرکت
آمریکائی پیس از یک بررسی در مورد دعاوی با اریعتان لایام داشت این شرکت هیچگون ه
ح قخاصی در این زمینه نند، رزذیرا فقط چند دن مه ن د سرا برای بررسیهای معمولی به

۴

دش وقت ا ه سی انگلیس ساسیت ح . است نکرده کاری هیچ ایران اعزام داشته و عملاً
یافت که آمریکائی ه امقرر داشتند خط آهن از کرانه جنوب شرقی دریای خ ب ز ه رس و ی
محممه امتداد خواهد یافت.

اما آنچه بر حساسیته ام یافزود، نه مسئله راه آهن، بلکه خبری بود که در محافل

سیاسی تهران و مطبوعات دهان به دهما ینگشت. طبق این خبر و درست در بحبوحه

امتیاز» بحث جمهوری رضاخانی مطبوعات ایران به نقل از محافل غربی اطلاع دادند
عظیم نطف به کمپانی سینکل ارعطاشده است به این قید که کمپانی مزبور ۲۵۰ میلیون

۶۵

گرچه گفته میشود سینکلر هنوز این شرط را «. دلار به دولت ساوتقرضبدهد
انجام نداده است، و با اینکه مقامات رومسییگفتند تا این وام پرداخت نشود قرضه
مزبور به دولت شوروی پرداخت نخواهد شد، اما هممیدانستند روابط این شرکت
نفی با شوروی حسنه است .

۱. Ulen and Company and Stone and Webster.

۲. Oliphant to Charles Greenway, London, ۷ January ۱۹۲۴, FO. ۴۱۶/۷۴.

۳. Howard to Hughes, ۲۱ February ۱۹۲۴, DS. ۸۹۱/۷۷/۷۶.

۴. Kornfeld to Secretary of State, ۳۰ April ۱۹۲۴, DS. ۸۹۱.۷۷ Ulen Co. No. ۱۷.

۵. دولت سویت که همان دولت شوروی است .

« . امتیاز نطف » ، ۶. روزنامه کوشش، ش ۲۱ ، مورخه دوشنبه ۱۳ حوت (اسفند) ۱۳۰۲

ص: ۴۷۳

رفتار ناهنجار دولت آمریکا به دنبال قتل ایمری

بحرانهای داخلی بعد از بلوای جمهوری، به ویژه تظاهرات ضدیهودی و قتل لایمب ری تمام نقشه های شرکت سینکل را نقش بر آب کرد. نرتیدج هبلاف ص لثم امای نتح ولات انصرا فاین شرکت از سرمایه گذاری در منابع نفت شمالی لران ب . ودهم هم یدانستند ایمری، قربانی توطئه رقیبان نفتی شده ا . سانگک تیزه اصلی هم به واقع منصرف ساختن سینکلر از اهداف خود بود و قتل ایمری وسیله ای برای رس ید نب های نه د فشناخته میشد . دولت آمریکا از قتل ایمری یکه خور . دوزارت خارج های نک شو رمسئله ار پیگیری کرد و اعدام قاتلان را خواستار . دشرد تهران سه تن به اتهام مشارکت در قتل کنسولیاری سفارت آمریکا بازداشت شدن . د یکی از اینان اعدام و دو تن دیگر به ح ب ساب د محکوم شدن د . آمریکا این خواستار آن شدند تا آن دو تن دیگر هم اعدام شوند و تهدید کردند در غیر این صورت روابط دو کشور به حالت تعلیق در خواهد . آیم هدحسین ع لاء دستور داده شد با مقامات وزارت خارجه آمریکا گفتگو کند و به آنها توضیحی حده دطب ق مقررات قضائی ایران که مبتنی است بر اصول شرع، در برابر قتل یک تن توان ب نیمی شاز یکی را قصاص کند . رد نی ز از علاء خواسته شد موضع دولت ایران را در زمینه هم درد بیا آمریکا این به آگاهی وزارت خارجه آن کشور بر . سان سفدار تأمریک ا در ته ران ه مبه

وزارت خارجه دولت متب

وع خود گزارش داد ح

سین علاء مأموریت یافته است

توضیحات لازم را در واشنگتن به مقامات وزارت خارجه ارائه نمود . ایاد زس وی ب ایپک ی

مخصوص اسناد مربوط به قتل ایمل بر روی شرح پیگیریهای صورت گرفته برای اقامه برهان

۱

وزارت خارجه آمریکا از سوی دولت برای علاء فرستاده شد. د انگلیسیها هم گ زار ش

۲

دادن د طبق احکام شریعت نمیتوان سه تن را به اتهام قتل یک تن ک رضت ،اخان نی ز

هراس داشت از اینکه این موضوع باعث اعتراضات بیشتر روحانیان گردد.

رضاخان وقتی پافشاری آمریکا ثیان را برای اعدام دو تن دیگر از متهمان دید، ان یا مه

ب ه سفارت آمریکا نوشت و توضیح داد پس از کشته شدن ای بمیرش یاز بیست حکم

محکومیت صادر شده و این نشاندهنده آن است که دولت ایران ایمل است قانون به

۱. وزارت امور خارجه به حسین علاء، آرشیو وزارت امور خارجه، مکاتبات سال ۱۳۰۳، چهارم آبانماه ۱۳۰۳

. مجموعه شماره ۹، پرونده شماره ۳۷

۲. Ovey to McDonald, October ۱۰/۱۹۲۴, FO. ۴۱۶/۷۵.

ص: ۴۷۴

اجرا در آید و در آینده جلو این تنظیمها گرفته شود. و ادوا افزود از کسانی که احضار شده‌اند، سه تن جرمشان بیش از دیگران بوده است و از میان آنها هم فردی مرتضی نام است که با « طفل نابالغ » که هنجاری هم بوده، اعدام شده است. اما از آن دو تن دیگری آن متهم دیگری به حبس ابد محکوم آن شد و در مورد بقیه هم به اقتضای جرمشان احکامی صادر شده است. او در پایان نامه خود نوشت:

با آنکه قتل به بۀ اعدام دو نفر دیگر اصرار بورزند مخصوصاً آمریکا هرگاه دولت طور لوث واقع شده اعدام چند نفر برای یک قتل برخلاف مقررات مملکتی بوده و مجازات اعدام در باشد و گذشته از اینکه اساساً به هیچ وجه مقرون به عدالت نمی‌انظر عموم ملل امر مستحسنی نیست، اولیاء دولت علیه معتقدند که اصرار در اینکار از طرف دولت آمریکا به نفوذ اخلاقی و حسن انسان دوستی آمریکا که همیشه دارای قدر و قیمتی بسزا بوده لطمه وارد آورده و تصدیق نمی‌نمایند که بر

۲

. شود مؤثر واقع می‌رؤابط حسنه دولتین نیز طبعاً

اما دولت آمریکا اصرار داشت، دو تن را که به همین اتهام بازداشت بودند هم به قتل رسانند.

هرچه مقامات دولت ایران تلاش کردند اما مگر مانع اعدام دو بیگناه بازداشتی شوند،

سودی در پی نداشت. تا اعدام این دو تن دیگر نه تنها مغایر با مقررات قضائی دولت

که باشند شده مرتکب جرمی نبود معلوم متهمین از کدام هیچ اساساً بلکه بود، ایران

مستوجب اعدام باشد، زیرا در آن همه و ازدحام چه مک‌یتسوان یست ثابت کند قاتل

اصلی کیست؟ آن کس که ضربه نهائی را در بیمارستان به ازیدمبور با یعت مرگ او

ایمبری قتل در نبود معلوم دیگر دو آن اما است، نام مرتضی همان احتمالاً، شد

مشارکت داشت هاند. سرانجام دولت رضاخان طبق قوانین ایران و حتی خود آمریکا،

ب هطور غیرمشروع در حکم صادره توسط محکمه « رضای ت دولت آمریکا » بلک ه برای

تجدیدنظر کرد و دو تن دیگر از متهمان به قتل ا ییهمب ارعیدام محکوم ش. ۳ دندروز

۱. در اصل: مستحصنی .

۲. نامه رضاخان توسط انوشیروان سپهبدی به کاردار سفارت آمریکا داده شد، ش ۳۸۲۷۲-ن، بیتا، مؤسسه

مطالعات تاریخ معاصر ایران .

.Ovey to Sir Austin Chamberline, November ۱۷/۱۹۲۴, FO. ۴۱۶/۷۵.۳

ص: ۴۷۵

دوازدهم آبان ماه سال ۱۳۰۳ وزارت امور خارجه ایران به حسین عدسلاء تور داد به

اطلاع دولت آمریکا برساند که رأی صادره برای دو تن دیگر از متهمین به نامهای

۱

سیدحسین و علی مورد تجدیدنظر واقع شده و این دو تن اعدام دهان د. ش در این رابطه

ذکر نکته ای به روایت از بها، رخالی از لطف نی؛ سنکت تهای که عمق قساوت و

کینهجوئی رضاخان را نشا نمیدهد و با یعتنائی او را به جان و مال و ناموس مردم به

معرض نمایش میگذارد:

سیدی بود پنجاه ساله که عمامه سبز و قبای سبز م پ پوشید و در حدود خیابان

پهلوی و چهارراه حسن آباد و امیریه مین شست و گدائی می کرد. روزی شنیدم که

سردار سپه از این سید مذمت میفرمود که با گردن کلفت سبزپوش شده و گدائی

می کند ولی پسری دارد از خودش گردن کلفتتر که بیکار و بیچاره به ولگردی

از یکی اتفاقاً! خورند آورد با پسر بیچارش می مشغول است و پدر هرچه گیر می

اشخاصی را که اعدام کردند، پسر همین پدر سبزپوش بود! از پدر سبزپوش هم از

آن پس خبری نشد و جائی سبز نگردید و معلوم نشد چه به سرش آمد! ۲

سیدحسین که بالاتر از او نام بمرد، پسر همین مرد سبزپوش و د. ب. به این شکل

رضاخان هم کینه خود را نسبت به این پدر و پسر بیگناه خالی کرد و هم رضایت

آمریکائیه را به دست آورد و هم قزاقان طرفدار خویش را از زیر ضربه خارج ساخت.

اعدام این افراد برای بهب و رد روابط ایران و آمریکا صورت گرفت. اما این موضوع نه

تنه تأثیری در ارتقای سطح روابط نداشت، بلکه همان روابط گذشته را هم با بحرانه ای

متوالی مواجهه ساخت به طوری که در اواخر دوره سلطنت رضاشاه، حتی منجر به قطع

کامل روابط دیپلماتیک شد. دآمریکا دولت ای ران را وادار کرد دس هزار دلار ب هبالوی ن

سیمور شهروند آمریکا یکه روز قتل ایمر ایو را همراهی مکیرد و زخمی شده بود،

۳

پیردازد. گذشت ه از آن دولت ایران باید شصت هزار دلار به همسر ایمر م پیررد یاخ ت.

علاوه بر ای نباید یکصد و ده هزار دلار هم بابت هزینه انتقال جنازه ا ازیم بیروشیهره

۱. وزارت امور خارجه به حسین علاء، دوازدهم آبان ماه ۱۳۰۳، همان.

۲. تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۱۲۲

۳. صورت جلسه کابینه رضاخان، ۱۴ سنبله (شهریور) ۱۳۰۳، ش ۳۸۲۲۹-ن، بایگانی مؤسسه مطالعات تاریخ

معاصر ایران.

ص: ۴۷۶

ناپل و از آنجا به آمریکا پرداخت میشد. تازه این پول هزینه حرکت ترزمن ۱ و از ناپل به ل بوشهر و از بوشهر به ناپل و از آنجا به واشنگتن بودند، ۱ یعنی بدولت تای را نبای دهرین هو دستمز د کارگران کشتی و مصارف دیگر را هم متقبل شد م. یهزینه گرافی هم بابت حمل جنازه از تهران به بوشهر پرداخت شد و چند تن از مأموران دولت جنازه را بدرقه کردند.

ب اینکه دولت آمریکا بعدا تلاش کرد حسن نیت خود را با تخصیص یکصد و ده هزار دلار برای تحصیل دانشجویان ایرانی در آمریکا نشان دهد ۲، لیک ن بحران به قوت خود باقی مان. د کاردار سفارت آمریکا در تهران اعلام کرد آن مبلغ با موافقت دولت آمریکا به صورت ودیعه و برای پرداخت هزینه تحصیل دانشجویان ایرانی در دانشگاههای آمریکا نزد آن دولت خواهد ماند، این راهکار برای گسترش روابط

۳

دوستانه میان دو کشور پیشنهاد شده بود.

دولت آمریکا با آنکه میدانست چه دستهایی در قتل ایمل ریخالت داشتند، اما از این فرصت به بدترین وجه ممکن برای تحقیر ایرانیان استفاده کرد، به ای کگون هنه ه تنها وعده و وعیدهای آنان دیگر خریداری نداشت، بلکه از آمریکا چهره ایزشت در اذهان باقی مان. د آمریکائی ان البته آگاهی نداشتند در ایران م چهیگذر د. بالاتر آنکه انگلیسیها و دوستان ایرانیشان چندان به ارتقاء سطح روابط دو کشور ای نعلاشقان ه نمیدادند. از آن جمله بود مهذال بدوله نفیسی، ک اردار ایران در واشنگت کنه معتقد ب ود بهت راست دولت ایران این پیشنهاد نه چندان سخاوتمندانه را رد. او نکنوندشت، آمریکا د ر ماجرای قتل ایملریسخت گیری های بیهوده کرده اس. تگذشته از آن، پیشنهاد مزبور

توهین به ملت ایران تلقی می‌شود، زیرا مسئله قتل ایمریا همیشه زنده نگاه خواهد داشت. او نوشت هرچند هم خزانه ایران تهی باشد، اما می‌تواند مخارج پنج دانشجوی

۴

اعزامی را تأمین کند. دب‌الین وجود برخلاف نظر کاردار، رضواخاکا نبیناهش این

۵

پیشنهاد را پذیرفتند و مراتب را به سفارت آمریکا اعلام نمودند. اما نفیسی بر نظر خود

۱. اداره سوم سیاسی وزارت امور خارجه به دولت، مورخه یکم آذرماه ۱۳۰۳، ش ۳۸۲۲۸-ن، همان.

Letter from Washington D.C to Murray, August ۲۸/۱۹۲۴, Department of State, ۲

۸۹۱.۶۳۶/۳۹۲

۳. و. اسمیت مورای (کاردار سفارت آمریکا در تهران) به وزارت امور خارجه، نهم نوامبر ۱۹۲۴، مطابق با هجدهم

آبانماه ۱۳۰۳، ش ۳۲۲۸۵-ن، و ۳۸۲۸۴-ن، همان.

۴. نفیسی به وزارت امور خارجه، ۲۱ عقرب (آبانماه) ۱۳۰۳، ش ۳۸۳۰۵-ن، همان.

۵، همان. / ۱۰۹۴-۵. دفتر رئیس الوزرا به وزارت امور خارجه، ۱۹ قوس (آذر) ۱۳۰۳، ش ۱۴

ص: ۴۷۷

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

باقی مانده . او باز هم پیشنهاد وزارت امور خارجه آمریکا را توهینی به ملت ایران تلقی

به کشور این خارجه وزیر پیشنهاد واقع به مزبور لایحه اولاً که نوشت وی . کرد

رئیسجمهوری بوده که به تصویب مجلس نمایندگان ، رامسای دسپنا هنوز آن را

در که اند کسانی دانشجویان از آمریکا منظور شده گفته اینکه ثانیاً . است نکرده تصویب

مدارس آمریکائی در ایران درسمیخوانند ، این خود نوعی تبلیغ مدارس آمریکائی

است و از سوی دیگر حق وزارت معارف را در انتخاب دانشجو و اعزام دانشجو به

آمریکا به ایرانی دانشجویان اعزام شود سبب نباید قضیه این ثالثاً . کند می سلب آمریکا

از طریق سفارت این کشور و وزارت اخراش جصهورت گیرد، بلکه این وزارت

معارف ایران است که باید بر روند اعزام دانشجو نظارت و دخالت نماید .

این قضیه همچنان استمرار یافت . بته گوناگونی که ماهها بعد نفیس بیا هم نامهای به

وزارت امور خارجه نوشت و بر نظر خود مبنی بر رد پیشنهاد آمریکا پافشاری کرد . او

نوشت که هنوز خانم ایمبربیه این تصمیم مجلس نمایندگان معترض است و

میخواهد بخشی از این مبلغ را افزون بر شصت هزار دلار، از آن خود . او گفستا هزد

است پس از سوء قصد به همسرش، در یکی از خیابانهای تهران به او اهانت شده و

بابت این اهانت دولت ایران چیزی به او پرداخت ننموده . نافیسستی توضیح داد این

احتمال وجود دارد که بخشی از یکصد و ده هزار ربابدلات جبران اهانت ادعائی به

همسر ایمبربی داده شود . در موضوع عمده این بود که اگر آمریکا میخواست از اعزام

دانشجوی ایرانی حمایت کند، باید قید مدارس آمریکائی برادر؛ دیگر اینکه وزارت

خارجه آمریکا و سفارت آن کشور در ایران در موضوع دخالتی؛ ننمکاتینه دمهم دیگر

ای ن بود که اعزام دانشجو و چگونگی آن باید یکسره در دست وزارت ای رماعارف
باشد و سرانجام کمیسیونی پنج نفره مشتمل بر وزیرمختار دولت ایران در واشنگت، ندو

۲

عض و آمریکا ی انجمن ایران و دو عضو ایرانی انجمن مزبور در مورد شیوه کار تصمیم

بگیرند . نفیسی نوشت ، این همان ترتیبی است که پس از قضیه باکسرها در مورد

چینیها اعم ال ش د . با این تفاوت که در آن ماجرا دربار چین واقعا با آمریکا ثیان درگیر

شده بود و به عبارتی دریافت غرامت و هزینه کردن آن برای دانشجویان چینی تبلیغی

۱ . نفیسی به وزارت امور خارجه ، سوم اسفندماه ۱۳۰۴ ، ش ۳۸۳۰۲ - ن و ۳۸۳۰۱ - ن ، همان .

۲ . Persia Society.

ص: ۴۷۸

ب هسود آمریکا و به زیان چی انرزیاب ی م یشد . اگر ایران بر پایه هزینه یکصد هزار دلاری کشت ی نظامی آمریکا ی پذیرد که از محل آن پول دانشجو اعزام کند، در حقیقت پذیرفته است که مثل قضیه باکسرها دولت و دربار ایران مقصر اند بوو ادیهن وهن ملت ایران است . ۱ نفیسی افزود اگر دولت آمریکا تصمیمات هیأت پنج نفری را پ ذیرفت که چه بهتر، وگرنه باید عطای آمریکائیان را به لقایشان بخشی د.

وزارت امور خارجه ایران این بار نظر کدا ه دبهتر است دولت در برابر پیشنهاد آمریکا ئیها سکوت کن . د سرانجام رضاخان نیز که اینک رضاشا شه ده بود، به همان نتیجه ای رسید که نفیس یاز آغاز گفته ب . و دب ا گذشت نزدیک به دو سال از قتل ایمری و با اینکه دولت ایران غرامت آن قتل را پرداخته بود، باز گاهگاه آمریکائیان با عنوان کردن حمایت از دانشجویان ایرانی موضوع را زمند یهکردند. این بار رئیس الوزر ای وقت ایران یعنی مستوفیالممالک ن وش ت:

اینجانب هم نظریات شارژدافر را تأیید می کنم . در هر صورت، وزارت خارجه و سفارت واشنگتن نباید به هیچ وجه این مسئله را تعقیب نمایند و حتی اظهاری در آن باب بنمایند. هرگاه از طرف دولت آمریکا یا مأمورین صلاحیتدار آن اظهاری

۲

شد، وزارت خارجه از هیأت دولت کسب تکلیف نماید.

بدین سان موضوع مشارکت آمریکا ئیها در بهرهرداری از منابع نفت ایران منتفی شد

۳

و تا تأسیس شرکت آمرانی ندر نیمه دوم سلطنت رضاشاه، که آنهم با ناکامی مواج ه

گردی د، تحرک چندانی در بحث مشارکت بر سر صنعت نفت بین دو کشور اتفاق . نیفتاد
بالاتر اینکه با وصف تأسیس انجمن دوستی ایران و آمریکا در دوره وزیرمختاری
حسین علاء، سطح روابط فرهنگی دو کشور و هم چندان ارتقا نیافت. آم تریکا ئیان هم
هرگز وامی در اختیار دولتیهای که نسبت به آنها د رظاهر حسن نیت داش تند، م ثل
دولتهای قوام و مشیرالدوله، ق رار ندادند. در دوره رضاخان هم سطح روابط دو کشور در
سطحی که انتظار میرفت ، ارتقا پیدا نکرد، به عبارتی ایران همچنان حیاط خلوت
سیاست بریتانیا در منطقه مهم خاورمیانه باقی مان د.

۱. نفیسی به وزارت امور خارجه، بی تا، ش ۳۸۳۰۹- ن و ۳۸۳۰۸- ن، همان .

۲. رئی اسلوزرا به وزارت امور خارجه، ۲۲ تیرماه ۱۳۰۵ ، ش ۳۸۳۰۳- ن، همان .

۳. Amiranian.

ص: ۴۷۹

انگلیسیها و پایان کار خزعل

مقدمات برافکندن خزاع لاز سال ۱۳۰۱ فراهم آم . د اما در آن زمان انگلیسیها هنوز به

وی نیاز داشتن ؛ د زیرا افق سیاست کشور قابل پی بین شی نبود . اما اینک رضاخان ناقشون

ه ن ح ص ز ا ا ر ل ع ز خ ه ک بود فرارسیده آن وقت پس . داشت تسلط خود بر مردم نسبتا

حذف نمای ند ؛ ب ه ویژه اینکه ادداشت محور جریان بازگرداندن احمدش ابهه ایران

می شد . خزعل روز بیستوسوم شهریورماه سال ۱۳۰۳ در تلگرا می به احمدش ، اهزاو

خواس ت به ایران باز گردد و از راه محمره به تهران . د رعودین حال ضمن ارسال

نامه های به رئیس مجلس ، علما و نمایندگهای خارجی مقیم تهر ، رضاخان را متهم به

نقض قانون اساسیکر د . خزعل وعده میداد نگهبان مشروطه است و قانون اساسی ؛ و

البته از بازگشت احمدش احمایت می کند . خزعل عزم خود را جزم کرده بود که ی ا

رضاخان را فروکشد یا خود در ایران ه از بین بر . و اداو تلگرا مه ایی برای نمایندگان

دولتهای خارجی ارسال نمود و رضاخان را غاصب خواند . روز بیست و یکم

شهریورماه رضاخان تلگرام های شیخ را به دست آورد و مانع از آن شد تا به دست

سفارتخانه ها برسد . علاوه بر موضوع غاصب بودن رضا ، خانکاتی دیگر هم در تلگرا

خزعل موجود بو . د او به درستی رضاخانرا متهم کرد قانون اساسی مشروطه را زیر پا

.Ovey to McDonald, Tehran, ۱۷ September ۱۹۲۴, FO. ۳۷۱/۱۰۱۳۵.۱

نهاده؛ آزادیخواهان را تحت فشار قرار؛ داجهان نمایندگان در معرض تهدید واقع شده؛ و شخص رضاخان روز بروز بر میزان ثروت و مکنت خ و مد ا یفزاید و در مقابل، مردم عادی را به فقر و فلاکت سو م یقدهد. خزعل اعلام کرده بود جنبشی را با عنوان قیام سعادت پایهگذاری کرده تا سردا رسپه را سر جای خود نشان؛ د و قانون اساسی و

۱

اصول حکومت مشروطه را احیا نماید و شرایط را برای بازگشت شاه مهیا سازد. همانطور که بالاتر آوردیم، این تلمگ رتاوسط مقامات ذیرب طضبط شد و مضمون آن به رضاخان اطلاع داده شد. د اندکی بعد کورنفلد وقتی به واشنگتب نازمیگشت در پاریس با احمدشا هملاقات نمود. د این ملاقات روز دهم مهرماه صورت گت. رفدر اتی ن ملاقاتها احمدشاه فاش کرد شیخ محمورهغلامرضاخان والی پشتکوه تلگمراهائی ی خطاب به او ارسال کراندهد ک ههر دو آنها خواهان بازگشت شاه و برکناری رضاخان

۲

غاصب هستن د. د ر کنار والی و خزع، ل دو تن از سران بختیارها یعنی مرتقلضییخان و امیرمجاهد در کنار تعدادی از رجال سیاسی کشور، مخالفت خویش را با روضاخان

۳

موافقتشان را ب اقلیت پارلمانی و مخالفان او اعلام مودنن د. متعاقب این تحرکا، توالی ی ک خانواده دویست ساله با دم و دستگاه و ثروت و ایل و « پشتکوه که متعلق بود به حشم در سرحدی عمد و مهم مثل پیش.ت.. کواه ز میان رف. تخود والی با فرزندان و عیالاتش به بینال نهری ن ره سپار شدند و خانه و ایل و حشم و مرعی و مرتع پدران را به

د ۴ نکت ه جالب این بود که رضاخ باعند از این ماجرا ناراحت «. سپاهیان دولت واگذار کر بود از اینکه چرا والی پشتک بوهه هنگام فرار از داسنت کینه توز او، اموالش را هم برده و چیزی برای قراق باقی نگذاشته است!

لورین و حل مسالمتآمیز مسئله خزعل

. د بگذران ش عروس الورین ظاهراب را ویش خ سل ع اه م تا بود لندن در هنگام این وحشتناک « ازموند او ی، مدافع پروپاقرص رضاخا ندر غیابلورین به م د کونالد نوشت

Murray to Secretary of State, No. ۶۶۵, September ۳۰/۱۹۲۴, DS. ۸۹۱.۶۳۶۳/۵۵۳ Majd, op. cit..۱
.p. ۱۹۹

.Dispatch by White House, No. ۴۴۷۹, October ۶/۱۹۲۴, DS. ۸۹۱.۰۰۱/۵۹ Ibid.۲

۳. تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۱۴۷

۴. همان، ص ۱۶۸

ص: ۴۸۲

انگلیسیها و پایان کار خزعل

که هنوز عدها یاز مقامات بریتان یادر ایران از جمله سرکنسول انگل یدر سبوش ه ر « است
از دولت متبوع خود میخواهند رضاخان را براندازند و از بازگش تاحمدش باهاهی ران
حمایت کنن د. ۱ خزعل نه از اختلافات بین س فار تیریتانی ادر ته با کرنا نسولهایش رد

اهواز و بوشهر خیر داشت و نه م دان یست سمت و سوی تحولات به کدام جهت اس . ت
اوهنوز تصور م ک یرد بریتانی ا از او حمایت م ک ین د و در صورت وقوع ن هرو عدرگی ری،
خزعل که سالهای متمادی به انگلی خسدمت کرده و لقب سر دریافت کرده، بر رض اخان
رجحان داده خواهد ش . دخزعل نمی دانس ت برای انگلیسنه او مهم است و نه رضاخا ؛ ن
آنچه مهم است منافع درازمدت آن کشور اس ت. اینک منافع بریتانیا در گرو استقرار دولت
قدرتمند مرکزی و ایجاد رژیم دیکتاتوری . بوخدزعل به خطا تصور مکیرد بریتانی اهنوز
همان حمایت صوری سالهای ابتدائی قرن بیستم از مشروطه را در دستور کار خ و دق را ر
داده اس ت. انگلی س حتی اگر میخواست هم نمیتوانست دیگر از ملو ال کطوایف ی حمای ت
کند ؛ زیرا موازنه قوا در سطح جهانی به انادا یتزغهبیر ک رد هب و دک هدیک رادام همنافع
انگلیس به صورت سابق غیر ممکن به شمار میرفت . خزعل خب رنداش تحت یرئ ی س
دول ت کارگری بریتانی اهم بر مسائل داخل ایران تسلطی ن؛ داکرمداینکه کرز نهم تسلطی
نداشت . درس ت در ایامیکه خزعل چشم امید به انگلست ادنوخته بود، م د کونالد دس تور
داد مدافعین او در خوزستان ، خود را با سیاستهای وی هماهنگ کنند .

نکته مهم در معادلات جهانی آن روزگار ظهور دولت ش وبروود ک یه خزعل رلا به
شدیدتری ن وجه ممکن به باد انتقاد گرفته و او را کار گزار ان م گلییخسواند که البته

ظهور خزعل از مهمتر کارگزاری اینک دانست نمی ظاهراً شوروی اما . داشت واقعیت
کرده که سرانجام او را فروخواهد گر . ف ا ت ز آن سوی انگلیس نم یخواست وارد جنگ
تبلیغاتی ای شود که بازنده اصلی آن میشد. خزعل مردی خوشنام نبود و هیچکس
حاضر نم یشد به هواداری او حرفی ب ز.انند گلستان به این نتیجه رسیده بود که سیاست
حمایت از رضاخا نجهت استقرار دولت مرکزی مقتدر را سرلوحه برنامه خود قرار
دهد ؛ زیرا برای منافع آتی و بلندمدت انگل ب ستهتارن این بود که با ک دولت مرکزی
ی

قدرتمند که حامی منافعشان باشد روبرو شوند تا حکومتهای کوچک ای کمناطهق ه

.Ovey to McDonald, Tehran, ۱۶ September ۱۹۲۴, FO. ۳۷۱/۱۰۱۳۵.۱

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

احتمال فروپاشی شان همیشه وجود دارد. تنها نگرانی انگلیسی ها حوزه های نفتی

خرمشهر و آبادان بود که در این زمینه هم برخی از مدیران ارشد شرکت نفت انگلیس و

ایران سیاست حمایت از رضاخان را ترجیح میدادند.

به واقع شورویها نشان دادند در جنگ تبلیغاتی تا چه اندازه از انگلیسیها عقب هستند.

ماجرای شیخ خزاع لنه تنها حکایت از توانائی بنیرای تادر پیشبرد اهداف و حفظ منافع خود

به اتکین بر متقضیات و امکانات پیش رو داشت در جبهه داخل ایران؛ بلکه از توانائی دولت

ایران کشور در برنده شدن در جنگ تبلیغاتی و ارس یانه های ناملل یحکایت

در عرصه به

می کرد. شورویه نادانسته وارد جنگی تبلیغات شیدند که شیخ خزاع بل همراه انداخته بود.

شیخ البته میخواست خود را حفظ کند هرچند میتوان تصور کرد که در دوش ای دب اور یهم به

ضرورت استمرار حکومت قاجار در لوای مشروطه داشته باشد.

اما چرا شوروی وارد این بازی شد، مسائلی است که باید در جائی دیگر کاویده شود.

اینجا به اشاره باید خاطر نشان ساخت در این موقعیت روزن هامه ی عراقی شروع کردند به

حمایت از شیخ خزاع. لمضمون کلیه مطالب این بود که اعراب باید برای صیانت از شیخ

متحد شوند. شوروی هم در جنگی تبلیغاتی علیه شیخ و یارانش، آنها «و عربستان» خزعل

را عوامل بریتانیاخواند. نکته جالب این است که تحت تأثیر تبلیغات سوسیالی ستحها زیب

سلیمانمیرزا، دولت وقت شوروی که دچار بحرانهای فراوانی در تیم رهبری خود بود، از

رضاخان حمایت کرد؛ زیرا او را نماینده بورژوازی به ش میآرورد که علیالقیاق ده

بسترهای لازم برای ش کگیلری جنب شهای کارگری را از طریق شکل سندیکاها و

اتحادیه های کارگری هموار م یکرد . در این راستا شیخ متهم شد ب رای مخالفین رض ن اخا
وجوه نقدی به تهران ارسال میکن د. نیز پیکهائی به نزد شاه فرستاده است تا مقدمات تشکیل

۲

کشوری جداگانه در مناطق نفتخیز جنوب ایران واقع در خوزستان را هموار ساز د.
بهار نقل میکند که بارها با داویتیان ، وزیرمختار وقت دولت شوروی در ایران درباره
آنها او را یک مرد وطن دوست و مخالف فاناتیزم و « سردا رسپه گفتگو کرده است، و
تعصبات مذهبی و دشمن خرافات و سردمااریاهن و خوانین و تشخصات و ل م فح ا

William Theodor Strunk: The Reign of Sheikh Khaz'al Ibn Jabir and the Suppression .۱
of the Principality of

.Khuzistan, Ph.D Thesis, Indiana University, ۱۹۷۷, p. ۳۹۲

.Ovey to McDonald, August ۳/۱۹۲۴, FO. ۳۷۱/۱۰۱۵.۲

ص: ۴۸۴

مداخله انگلیس در امور ایرانمیشناختند. خاصه از مباحثات راجع به بحرین و دستگیری خزعل، دوست معروف و قدیم انگلستان، این عقیده در نهاد سیاسیون مسکو راسخ گردید و بالجمله، در روزهایی که هنگامه جمه بولنردی شد و جراید، مخالفان سردار سپه را اجنب پیرست معرفی میکردند (یعنی طرفدار انگلیس!)، روس سویت نیز باور کرده، از طرف آنها با دولت مرکزی مساعدتهای ذیقیمتی بعمل. لحآن دجراید مسکو همواره به نفع سردار سپه و به زیان شهبی دمدرس و مخالفین سردار سپه بود و این معنی را جراید انگلست ابان کمال زبردستی دریافته، گاهی با نوشتن مقالاتی که «موضوع آنها شکایت از سردار سپه بود، این خیال را قوت میدادند بالاتر اینکه:

ورد زبانشان بود و این حربه در «اجنبی» جرائد اکثریت هم که دیدیم ماشاءالله لفظ ایران از بدو مشروطه برای خرد کردن و از بین بردن هر عنصری با نهایت جرأت از طرف همه کس به کار می رفت! چنانکه در مسئله جمهوری و استعفای سردار سپه نیز بکار رفت و دیدیم که ما را به تاریخ حواله میکردند، یعنی تا این اندازه به عقیده خود اعتماد داشتند! ۲

انگلیسیها تبلیغات شورویها را دستاویزی کردند برای این موضوع که ضرورت دارد برای جلوگیری از نفوذ بلشویک هدار ایران، حکومتی قدرتمند در تهران به رهبری رضاخان شکل گیرد. نفس این درگیری پشت صحنه نشامیدهد سوسیالیستهای مورد بحث این رساله تا چه اندازه در شعارهای خود صداقت ان د. دهامشیتن اسناد گزینشده اداره اسناد عمومی بریتانی که در اختیار محققین قرار داده میش ود، خود

نشان می‌دهد حتی در زمانیکه امثال سلیمان می‌ر از از رضاخان رهبری تصویر
میکردند که ه میتواند معیارهای مورندظر آنها را به بوته اجرا گذارد، رضاخان چیزی
نبوده است جز عامل اجرای اهداف و نیات حزب محکافرب ظر هیتانیا که اندکی بعد
قدرت را در دست گرفت؛ یعنی تشکیل دولت قدرتمند نظامی .

آن زمان بود که محافظکاهران به صورت جدی به این نتیجه دست یافتند ش یک خه
تابعی باشد « موجودی شده است دست و پاگیور؛ مصلحت بریتانیا اقتضا میکند تا او
۱ . پراتنز در اصل .

۷۲-۲ . تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، صص ۷۳

ص: ۴۸۵

۱ ملاحظه اصلی هم چیزی نیست جز ایرانی باثبات که بتواند؛ «از ملاحظه اصلی

۳

۲ باشد علیه تهدیدات شوروی نسبت به خلیج فارس و هندوستان. «خاکریزی»

به هر روی رضاخان برای فروگرفتن خزع لو مخالفین خویش از ایل بختیا، در ری

ابتدای امر بین سران آنها اختلاف افکنی کرد. ب هواسطه سردار اسعد ملاقاتی با این عده

در تهران اتفاق افتاد. د خانهای بختیاری هرگونه مخالفتی با رضاخان تکذیب کردند و

گفتند این خزع لاست که همراه با والی پشت کجوه و آنان آنها را فری م بیده د. بنابراین

معمربین قوم هیچگونه مخالفتی با رضاخانندارد. ب هدنبال ای ن ملاقات امیراقتدار وزیر

داخله رضاخان با این خوانین به اصفها رفت. ت. از آنجا با تلفن سردار ظفر را که در

خاک چهارمحال بود احضار نمودند و در جلسهای که در باغ سردار ظفر برگزار گردید

۴

ا و را به ایلخانی بختیاری تعیین کردند و سردار ر جن گ هم ایل بیگی را برعهده گ رفت.

ب ه این شکل دو تن از متنفذترین مخالفان رضاخان خاکنه در سال ۱۳۰۱ دستی هم در

ماجرای شلیل داشتند و حتی برای نوابدی او نقشه قتلش را طراحی کرده بودند، با خود

هماهنگ نمودند. تاری خ حرکت امیراقتدار و سردار اسعد سی مهرماه ب و. دنبراین جلسه

با بختیارها میبایست در اوایل آبانماه تشکیل شده باش. درد جلسه مزبور غیر از

کسانی که نام برده شد، صمصام السلطنه، سردار محتشم، امیرمفخ، سردار جن گ و

۵

امیرجنگ هم حضور داش. تن ب ده این شکل طرحی که سال ۱۳۰۱ با مقدمات

اختلافافکنی بین بختیارها برای فروگرفتن خزع آغاز شد ولی به شکست انجامید،

ای ن بار در حال اجرای موفق آم تیز بو د. کنار آمدن صوری با بختیاریها مقدمه لازم
برخورد با خزل بود، اکنون زمینه از هر جهت مهیا بو د.

۲. سالارالدوله و انگلیسیها

هم ه چیز مهبای برافکندن خزع بلو د ؛ هر چند بودند کسانی از ش اهزادگانج ارک ه
فکر می کردند د رهای سیاست انگلی سبر همان پاشنه دوره جنگ اول جهمان بیچرخ د.

۱. Subsidiary of the main consideration.

۲. Bulwark.

۳. ۱۰۱۱/۱۳۱.۳. FO. ۷/۱۹۲۴, February, Loraine to Osborne.

ص: ۴۸۶

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

۴. تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۱۴۸

۵. همان، ص ۱۵۴

انگلیسیها و پایان کار خزعل ۴۸۷

این افراد که در زمان خود هر کدام دست به هر جنایتی میزدند تا آنجا که شاه ندهند، این کار با افلاس تمام سر بر آستان سرپرسی کاکسمیسودن تا شاید حقوق مایه زار تومان خود را از دولت مرکزی ایران بدهند آورند. یکی از این جانیان ابوالفتحمیرزا سالارالدوله بود. مابا این جانی بیرحم در ایران از سقوط مشروطه تا کودتای سوم اسفند آشنا شده ایم و شرح جنایاتش را به اختصار توضیح می‌دهیم. داهینجا این را توضیح می‌دهیم که هدرست در آستانه برافکندن خزعل، او به چه کار مشغول بود. سالارالدوله بعد از آنهمه جنایات از ایران رفت و در سوئیس رحل اقامت افکند. دهر از چندگاه یدرآمدهای او از املاک غرب کشور بعلاوه دارائیهای تهران به حسابش و ماری یزشد. تا اینکه کودتای سوم اسفند اتفاق افتاد و مدتی بعد حال و روز او دگرگون. سگاشلارالدوله در ازای مصادره تمام اموالش، آنهم البته به نفع چپاولگری دیگر به نام رضاخرادان رسیده، مایه زار تومان از دولت حقوقمیکرفت که آنهم تکافوی ریخت و پاشهای شاهزاده بنگخوتن را نمی‌کرد. سالارالدوله درست در اواخر مهرماه سال ۱۳۰۳ وارد ایران شد به ای نامی دکه حمایت انگلستان را به نفع خود جلب نمود. مابایدیهی است حتی اگر انگلیسیها بدیلی چون رضاخان نداشتند، این قدر فهم داشتند که درک کنند دخونریزیمتلسهایلارالچ دوله موقعیتی در ایران ندارد و حمایت از او بیهوده است.

اما نکته این است که شاهزادگبانی فر و شکوهی مثل سالارالدوله ولهه جای اینک ه

حول محور شاه جاجوش کرده در پار،ی گک سرد هم آیند و از شرق قزاقی که میرفت تاج
و تخت را از آنان بر باید آسوده شوند، هر کدام به نحوی به آستان بوسی کنسولهای
اولاه کردند، غافل از اینکه می آورفتند و از آنان با عجز و لابه تقاضاهائی شرم ر می بریتانیا
انگلیسیها رضاخان را در هر حال بر همه اشادهگازن قاجار یک جا ترجیحی مع یدهن د و
به سالارالدوله سفر گزارش . دارند کنترل تحت را آنها همه رضاخان مأموران ثانیاً
بینال نهری ن و ایران را همین مأموران به رضاخرائنه دادن د . جنرال کنسول ایران در
بغداد گزارش داد سالارالدول هر روز چهارم آبانماه آن سال وارد ب غشدا دده اس . تشاهزاده
بدون اینکه بدانند از همان بدو ورود به ب تصحرت نظر بود ه، اندکی بعد با کنسول
ملاقات کرد. کنسول انگیزه اش را از مسافرت به خرمشهر پرسید . سالارالدوله پاسخ داد:
انگلیسیها قرار دادند امورات من را با دولت ایران اصلاح نمایند، قصد من از رفتن
به محمره این بود به دولت بفهمانم که من قدرت دارم برای استرداد حقوقم اقدام

۴۸۸ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

بکنم، همه دیدند رؤسای الوار و اکراد همینکه شنیدند من آمده‌ام آمده دست و پای مرا م ب یوسیدند و میگفتند فقط تو بیا به آن حدود بنشین و ما جواب هزاران از این سرباز و قزاق پابره‌نه را میدهی م.

سالارالدوله برای اینکه نشان دده تا چه میزان مقرب انگلیسیهاست نام ین هوشت به محمدحسین خان نواب که در اداره کمیسری عالی بینال نهری ندر خدمت سر پرس ی کاکس بود و با اوسابق ه رفاقت داش . ت در این نامه که در حضور کنسول نوشته شد او از نواب خواست به ملاقاتش آید؛ اما نواب عاقلتر از این بود که به ملاقات ای شاهزاده متوهم برود . سالارالدوله از اینبیاعتنائی شگف تزده بو د. زیرا این نواب در زماکنیه شاهزاده مال و منالی داش ته،ر وقت به بغدادمیرفت میزبانیش م یکرد. حتی در همین .

سفر هم هر روز با او در مهمانخانه محل اقامتش م ملاق ینامتو د. اما اینک حاضر نبود روز روشن به ملاقات کسی رود که از نظر انگلیسیها سالها بود ای مسهورهخته به شمار میآ مد . آخرالامر هم نواب به جنرال کنسولگری ایران رفت و اظهار داشت سالارالدوله از محمره مراجعت کرده و دو سه روز است پیاپی به او م پ بیغداهمد به ملاقاتش برود . « نواب گفت سر پرس ی کاکسقی منگلیس بینال نهری نم ایل نیست

ا خود و اجزایشان با

امروز د هم که «. اشخاصی که نسبت به دولت ایران مقاصدی دارند مروده بکنن الامرال ردووز ل هصیح « میخواهد به ملاقات شاهزاده برود به این دلیل است که سا

کاغذی به مندوب سامی نوشته و پار[ها] ی تقاضاها کرده بودند، ایشان فرمودند خوب

است یک مرتبه بروید و ایشان را ملاقات بکنید و بهتر این است این ملاقات هم با

« . حضور جنرال قونسول ایران باشد و پیغامات من را به ایشان بگوئید

تکاخذ » نواب به اتفاق کنسول به زدن سالارالدول ه رفتن د. در این ملاقات نواب گف:

مندوب رسی د . جناب مندوب اظهارمیدارند که شما ایرانی هستید و طرف شما هم

و راکه ه ب ت ل ا خ د م ر ا د ن ت ی ح ل ا ص ا ب د ا و هستم عراق مأمور من است ایران دولت

سالارالدوله مدعی بود سر پرس یلورین وعده داده است در مورد « گفتگوی شما بنمای . م

او با رضاخان گفتگو کن د. اما کاکس پیام دا د:

وزیرمختار اگر به شما وعده دادهاند که راجع به شما با دولت ایران مذاکره بکنند

۱. مندوب سامی دو کلمه عربی است به معنای نماینده عالی؛ به کمیسره‌های عالی انگلستان در عراق و فلسطین در

زبان عربی مندوب سامی گفته میشد .

ایشان مأمور ایران و در طهران هستند من بقدری خودم در عراق کار دارم که نه
م ت یوانم و نه صلاحیت دارم که داخل گفتگوی شما بشوم خیلی که بتوانم با شما
مساعدت بکنم این است که یکمرتبه هم اظهارات شما را به وزیرمختار اطلاع
بدهم، حال ایشان اقدام بکنند یا نکنند جواب بدهند یا ندهند به من مربوط نخواهد
بود. شما بهتر این است اگر کاری دارید جنرال قونسول ایران اینجا است به او
مراجعه نمائید مطالب شما را بعرض دولت می رساند، و اگر از من میشنوید الآن
اتوموبیل گرفته بروید به طهران وزیرمختار هم طهران است اگر وعده به شما
دادهاند ب دیهی است مساعدت مقتضیه را با شما مینمایند.

شاهزاده مفلوک در این ملاقات تحقیرآمیز از نواب خواست تقاضاهای او را برای
کاکس بنویس د. او گفت از دولت رضا تخفانضائی ندارد زیرا آن را به رسمیت
نمی شناسد؛ د یگر اینک ه:

دفاتر سفارت انگلیس و دفتر کمیسری در بغداد و غیره مملو است از شرح زندگانی
من، این دولت انگلیس است که من مجبور به اطاعتش هستم چنانچه در همین سفر

۱

به ایران و محمره همه ترتیب کار برای من آماده بود، قونسول اهواز از طرف
سفارت آمد و به من گفت نباید اینجا بمانی برو به بغداد در آنجا هر تقاضائی داری
سفارت برای شما انجام میدهد، منم به دوستی خودم و نظر به اینکه دوستی دولت
انگلیس را برای مملکت منم اطاعت کردم، حالا نمیدانم در عراق آزاد
هستم به سمت ایران بروم [یا نه].

نواب گفت که انگلیسیها فقط به او گافتند م بتواند به سمت تهران !بامراو د

شاهزاده پرمدها که میگفت لرها و کردها پاهایش را میبوسیدند پاسخ داد:

میگوئید به طهران بروم، امروز بروم در کدام سوراخ طهران زندگانی کنم .

عشرت آباد را که از ارث پدرم به من رسیده بود و خانه مسکونیم بود ضبط کردن د.

مردآباد را که به من بخشیده بود، از دستم گرفتن د. املاکم را در کرمانشاهان،

لرستان و زنجان داشتم همه را بردند. امروز با جمعی عیال و اطفال سیصد و هفتاد

هزار فرانک در فرنگستان مقروض هستم هر روز طلبکار به من فشار میآورد و

۱. منظور کاپیتان پیل است .

۴۹۰ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

ماهی هزار تومان حقوق داشتم بریدند [و] پانصد تومان کردند، آن را هم سه ماه

دَانم بعد از من چیزی به عیالم رساندند یا نه، نمی . اند ده است ندا

اخیرا دولت

حاضره چند کاغذ به من نوشته بیا، اول پسرم را فرستادم بعد خودم آمدم، آمدن

پسر و خودم قریب یک ماه طول کشید به هیچ وجه جواب ندادند، باز هم منوط

به عدالتخواهی دولت فخریه انگلیس است.

این مطالب را مکرر « خلاصه مطالبی از این دست فراوان گ.ف. نو تاب هم اظهار داش : ت

شاهزاده توضیح داد این گفتههای او را هم اضافه کنند « . فرموده اید در دفاتر ما همه هس

اشکالی ندار د! این گفتگو خاتمه یفات. شاهزاده اند ک یبعد از این به سوئیس رف ت. او گفت

میر ون دسوئیس ترتیبی برای قروض خود د، دهیال خود را به شام بیاورند و تا مراجعت «

۱ . « ایشان البته جوابی از سفارت رسیده و قراری در کار ایشان داده و میدهند

رفته، سوئیس به گفته خودش که ور ط همان شاهزاده احتمالاً « خود قروض برای ترتیبی

و با عیال خود به شام آمده ا. س از تهمین رو ارکان حرب کل قشون ایران خطاب به « داده

امرای لشکر غرب و جنوب و حاکم نظامی خوزستان بخشنامه صادر می کند ک ه:

ورتیکه قدغن فرمائید در ص

اخیرا سالارالدوله به شام وارد گردیده است، حسب الامر

۲

مشارالیه به سرحدات ایران ورود نمایند،

فورا او را دستگیر و مراتب را اطلاع دهن د.

مسئله خزل و رجز خوانیهای رضاخان

نخستین مرحله از به اصطلاح عملیات آتی رضاخان با موفقیت تمام شد: اخذ تلافی افکندن بین ایلات بختیاری و شیخ خزعل. عدلومی نمرحل هاز ای نعملی ات صمی منه ای ی برای دفع شیخ خزعل بود. رضاخان قبل از هر چیز بخ شناما هی ب ارم ز خطاب ب هکلیه فرماندهانش صادر کرد و به آنها اطلاع داد شیخ خزعل معتمد اس. تعب دال لهطهماس ب یدر وادی بسا» پاس خ به این تلگمرا رمز پاسخی سراپا چاپلوسانه ارسال داشت که در آن آمده: ب امثال شیخ مستور در مملکت وجود داشتند و نی زدارن دک هدر مقاب لق درت و عظمت قشون ریش ه افساد آنها از بن کنده شده و بقیه نیز باید هرچه زودتر به رفقا یخود ل مق

ح

۱. جنرال کنسولگری دولت علیه ایران در بین النهرین به رضاخان، مورخه ۹ عقرب (آبان) ۱۳۰۳، اسناد وزارت امور خارجه، بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.

۲. دلو (بهمن) ۱۳۰۳، اسناد وزارت جنگ. . ۲. متحدالم

ص: ۴۹۰

شارالیه م دفع سرعت در که کند باید اَع به عقیده فدوی ریشه شیخ مذکور را نیز سری . شوند
۱ طهماسبی در نام اهی دیگر نوشت چون تمرد ا شمال شیخ . «. اثرات عمده ملحوظم میباشد
علیهذا در صورت اقتضای رأی مبرک ای ک»، خزعل برای عدم پیشرفت قشون میباشد
عده مکفی از ایلات و عشایر آذربایب جرائنی سرعت خاتمه قضیه مزبور به جنوب و باع زام
شوند . خود فدوی هم گرچه قابل خدمتی نیستم ولی از آنجائیک ه خود و همچنان اف رادین
لشکری تا آخرین قطره خونی که در شرائین خود باقی داریم بایستی برای پی شرفتی نیات
مقدس بندگان حضرت اشرف دامت عظمته کوشش نمائیم، حاضر هستم در صورت امر و
اجازه برای اشتراک در قلع و قمع قضیه جنوب خدمتی کرده باشم تا به اجان بو دشمنان
سهرضاخان، حاضرند حتی صدها « قشون ثابت شود که عشایر یران برای تعقیب نیات مقد

۲

فرسنگ از منطقه خویش هم دور ش.ون ددر حاشیه نامه قبل که درست همی ن روز نوشت ه
اهمیتی ندارد، فقط از طرف عشایر و ایلات « و فرستاده شده بو، درضاخان دستور داد
فرمودند طغیان خزعل « در تلگرامی جداگانه ب از ه م ت ذکر داده شد . «. تظاهراتی بشود
اینقدرها اهمیت ندارد، فقط مقرر فرمائی د از طرف عشایر و ایلات تظاهراتی بر علیه
وزرات ریاسع منی مقام و مجلس به او عملیات از را خود تنفرات ا مشارالیه شده و تلگراف
۳ روز چهارم آبان ماه طهماسب اطلاع داد ایلات و عشایر در ت بحریر ضور . «. معروضدارید

۴

عازم نبرد با خزعل شون د. « جانفشانی » یافتهاند وم یخواهند برای

روز سیزدهم آبانماه ۱۳۰۳ رضاخان در تدارک حمله هب خزعل، تهران را به سوی

اصفهان ترک کر . د در این روز او بخشنامه‌های خطاب به کلیه امرای لشکر در غرب، جنوب ، شرق،شمال غرب و تپ مستقل شمال ارسال کر د. همچنین نسخاها ز این بخشنامه ه به زاهد ، ی فرمانده قوای اعزامی به بهبهان صادر ش د. این بخشنامه به گونه‌های صادر شده بود که گویا رضاخ اعانم نبرد با یک دشمن بزرگ خارجی .۱۱ سوف ترمان آماده باش برای کلیه نیروهای نظامی موجود صادر کرد، متن بیانیه به این شرح بو د:

با وجود تمام نصایح و تذکراتی که راجع به مضار و وخامت زدو خورد داخلی با

- ۱ . طهماسبی به ارکان حرب کل قشون، ۸ میزان (مهر) ۱۳۰۳ ، اسناد وزارت جنگ .
- ۲ . طهماسبی به ارکان حرب کل قشون، ۸ میزان (مهر) ۱۳۰۳ ، اسناد وزارت جنگ .
- ۳ . رئیس ارکان حرب کل قشون به طهماسبی ۱۲ میزان (مهر) ۱۳۰۳ ، اسناد وزارت جنگ .
- ۴ . طهماسبی به رضاخان، تلگراف، ۴ عقرب (آبان) ۱۳۰۳ ، اسناد وزارت جنگ .

موقعیت باریک و مهم مملکت به خزعل گوشزد شد، معهذا از رفتار و کردار خودسرانه خود دست نکشیده و از ... تسلیم و اطاعت به اوامر دولت امتناع ورزید . این است که به موجب این تلگراف به کلیه قشون امر میدهم تمام قوای مادی و معنوی خود را برای معدوم و نابود کردن آخرین سدی که در مقابل نمو و ترقی قشون و بالتیجه تعالی و عظمت مملکت عرض اندام نموده است، حاضر سازند؛

۱

خود اینجانب هم برای تصفیه امر به طرف اصفهان حرکت کردم.

ی کروز بعد از این حرکت، روزناشمفوق سرخ مقالاهی منتشر کرد و از نیت

سرکشی و تشویق قشون و تقویت روحیات نظامیان و دستورالعمل « رضاخان در مورد

بالاخره آقای سردا رسپه تصمیم قطعی » گ بحث کرد و اینکه، « کامل و تنظیم جبهه جن

گرفته ان د ک ه با خون و آتش که بهترین واسی یل هاست برای سیاست ملک و نظم کش، و ر

ب ه این تمرد و عصیان خاتمه دهند و چنانکه ب پینی ن شمودیم این تمرد برای خزعل

۲. « خیلی گران تمام خواهد شد و برادر کوچک سیمیتقو، نیز به او ملحق ا خهود گردید

همزمان فرماندهان قشون تلگمراهائی تمل قآمیز خطاب به رضاخا ا نرسال کردن . د در این

تلگرامها از آمادگی قشون و ایلات و عشایر برای ن برد علیه خزعل سخن گفته شد .

به طور مثال فرمانده تیپ مستقل شمال در تلگرام خود نوشت:

نهال نیرومند با عظمت قشون که در تحت پاسبانی و نگاهبانی حضرت اشرف

بارور گردیده رفیع تر از آن است که دست خیانت کار امثال خزعل، ن نگ قبایل

ایران به کوچکترین شاخه آن برسد. جوانان رشید و دلیر قشون که دست پرورده

ذات مقدس میباشند، برای اجرای امر مبارک و آشامیدن خون اینگونه خائنین [!]
تمام موجودیت مادی و معنوی خود را بر کف دست گرفته جهت ایثار جان و مال
خود با کمال بیصبری منتظر صدور امر مبارک هستند. صاحبمنصبان و افراد تیپ
شمال مستدعیند که به صدور امر مبارک به پیشقراولی خودشان مفتخر شوند که
فداکارانه برای اولین فتح مرکز فساد و تمرد اجساد منحوسه دشمنان استقلال را
زیر [پ] بگذارند همانطوری که یگانه قائد معظم با ذات مقدسش برای تعالی و
ترقی مملکت ایثار فرمودهان ، د ما نیز موجودیت خود را نثار موجودیت ذات مقدس
۱ . رضاخان به کلیه فرماندهان قشون، ۱۳ عقرب (آبان) ۱۳۰۳ ، اسناد وزارت جنگ .
۲ . شفق سرخ، مورخه ۱۴ آبانماه ۱۳۰۳ مطابق با ششم نوامبر ۱۹۲۴

که در نتیجه موجودیت ایران است، نموده تقدیم مقدم مبارک میداریم.

در غیاب رضاخان، ف روعی وزیر مالی، هامور کشور را اداره مینماید. روز شانزدهم آبان ماه ارباب کیخسرو شاهرا خطاطی در اختیار مورا، یکاردار سفارت آمریکا قرار داد. طبق این اطلاعات از موند، او یکاردار سفارت بریتانویقتای مقابل خزعل و رضاخان را محتمل و نزدیک دید، پیشنهاد داد انگل سشتیاخن را آرام نماید و اوضاع را به حالت عادی برگرداند به شرطی که دولت ایران نیز متعهد شود بدهیهای معوقه خود را به بریتانیا پرداخت نماید. داین بدهیها همانطور که پی ت شر گفته شد، به واقع پرداختهای بود که دولت انگلی در سر زمان جنگ اول جها نبرای حفظ منافع خویش در ایران کرده بود و این م کیخواس ت کلیه آنها را یکجا دریافت نم ایشدرط بسیار مهمتری هم وجود داشت و آن تمديد امتياز شرکت نفت انگلیس و از ا سیورثاین و امتیاز بانک شاهنشاهی یاز سوی دیگر ب . ومدورای گزارش داد ارباب کیخسرو گفته است دولت ایران چنین شرایطی را نپذیرفته ا . س ای تن نکت ا هی عجیب و در عین حال جالب بود که بریتانی ادرست سر یک بزنگاه تاریخی چنین شرایط اب ساریت را با دولت مرکزی ایران در میان نهاد . کان ون کمتر کسی تردید داشت که بریتانیا نایبان نزاع را برانگیخته است تا از طریق آن به منافع و عوایدی بسیار گرانبها دسترسی پیدا . کند سناریوی انگلیسیها بسیار جالب و دقیق و برنرایمیزی شده ب. و آدنها همزمان از دو متحد خود حمایت میکردند و اوضاع آتی را نظارهمیکردند تا کدامیک بر دیگری غلبه خواهد کرد، در هر دو حال اوضاع به نفع انگلیس بود .

روز سیزدهم آبانماه رضاخان به سوی جنوب عزیمت کرد. روز بعد اعلام داشت
خزعل را در صحنه نبرد ملاقات خواهد کرد! او فرمانی مطمئن صادر نمود که در نشریه
قشون هم چاپ شد. در ای فرمان آمده بود، او برای سرکوب خزعل اینک به سوی
اصفهان عزیمت کرده است. توی در بیست و ششم آبانماه بار دیگر در شیراز مرکز
عملیات نظامی جنوب بیانیهای منتشر نمود. در این بیانیه آورده بود یا در میدان نبرد با
خزعل پیروز میشود و یا انبود می گردد و در خرابههای شوش به خاک سپرد هم میشود!
ب اوصاف انتشار این بیانیهاه مورای گزارش داد واضح است رضا خا چینی نیست جز
۱. سرتیپ محمدحسین فرمانده تیپ مستقل شمال به رضاخان، تلگراف، ۱۷ عقرب (آبان) ۱۳۰۳، اسناد وزارت جنگ.

عروسک خیمه شب بازی انگلیسیها، حرکت او به سوی خهزمع ب له واقع جزئی از
های برنامه هماره زیرا بود خواهد میدان این پیروز قُطعا ی و ن بنابراین بریتانیاست؛ نقشه

۱

آنها را به نیکوئی اجرا کرده است. س ن تکت ه مهمتر این است که برخی محافل سیاسی ابراز
عقیده م یکردند انگلی س با این برنامهها م یخواه د به دولت مرکزی ایران فشار آورد تا
امتیاز نفت شما لرا به استاندارد اوی ولاگذار کند و سینر کالروادار به ترک ایران
نماید. ۲ رضاخان برای اینکه با آسودگی بتواند برنامههای خود را اجرا کند، به امیرلشکر ر
لازم است با موافقت ایالت جلیله فارس عمل مم سون یکهگیلوی هرا « جنوب نوش ت که
ب اسیاست عاقلانه که مشکلاتی را تولید نماید تصفیه و به وسیله اعزام قوای مکفی
۳. «اقتدارات دولت را در آن حدود تثبیت، نظم و امنیت را مستقر دارید

د راین بین اتفاقی بسیار مهم در انگلستان روی داد که سهمی بسیار تعیینکننده در
تحولات سیاسی آتی ایران داش :تروز هفتم نوامبر ۱۹۲۴ مصادف با شانزدهم آبان ماه
۱۳۰۳ یعنی درست سه روز بعد از لشگرکشی رضاخان علیه خزعل، حزب کارگر در
انتخابات انگلستان شکست خورد و استنلی بالدوی ۴رهربر حزب محافظهکار به سمت

۵

نخستوزیر جدید انگلستان انتخاب شد و او هم سر اوستین چمبررل ایینه وزارت
امور خارجه گماش . ت این تحول برای ابندی که میخواستند رضاخان را بر مقدرات
امور ایران مسلط سازند، یک فرصت موهبت تاریخی ب و. داز این به بعد چمبرلین
مدافع پابرجای رضاخان ندر صحنه سیاست ایرا بنود. چمبرلی ن با حمایت آشکار و نهان
محافلی ویژه در بریتان یاو ایرا ، ن بالاخره ضربه نهائی را بر حکومت قاجارها وارد

ساخت و از رضاخان قزاق، اعلیحضرت قدرقدرت قوی شوکت همایونی تراشی د.

انگلیسیها و تسلیم خزعل به رضاخان

لشکرکشی د ن کیشوت وار رضاخان علیه خزعل لدرست مصادف بود با قدری تابی

.Dispatch by Murray, November ۱۴/۱۹۲۴, DS. ۸۹۱.۰۰/۱۳۱۴.۱

.۴ Stanley Baldwin

.۵ Sir Austen Chamberlain

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

.۲. تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۱۵۲

.۳. رضاخان به امیر لشکر جنوب، بیتا، اسناد وزارت جنگ .

.۶. در مورد زندگی اوستین چمبرلین به پیوست رجوع کنید .

ص: ۴۹۴

مجدد حزب محافظهکار در بریتانیا. این بار با پشتگرمی به حمایت‌های بیدریغ چمبرلین، رضاخان با آسودگی بیشتری سراغ خزعل رفت. این زمان لورین که در مرخصی بود و داشت ماه عسلش را مگذرانید، مراسم را نیمه‌کاره رها کرد و با عروس جدیدش روانه تهران شد. بین راه در پاری سملاقاتی کوتاه اب احمدشاه داشت و از آنجا با کشتی روانه مصر گردید. لورین به ظاهر میخواست بین خزعل و رضاخان میانجی‌گری کن، اما انگلستان تصمیم قطعی خویش را برای فروگرفتن خزعل اتخاذ کرده بود. دپسروز ۲۲ آبانماه آن سال شیخ خزعل به دستور انگلیسی‌ها ناچار شد ناماهی پوز شخواهانه به رضاخان بنویسد و از او عذرخواهی کند. نای دن سرآغاز شکست خزعل بود. لورین به

۱

کاپیتان اردلی پیل سرکنسول بریتانیا در اهواز دستور داد به خزعل لبگوید که اگر در صورت حمله رضاخان با او مقابله کن، در این صورت هیچگونه تعهدی نسبت به دولت مرکزی ایران نخواهد داشت، لیکن مسئولیت حفظ جان اتباع انگلیسی با اوست چمبرلین با این تقاضا مخالفت کرد؛ ۲ ردیعی اینک او با هرگونه مخالفت مسلحانه خزعل علیه رضاخان مخالف بود.

این بار هم این مدرس بود که از قرار و مدارهای نهانی رض اوخ انگلیسیها پرده برداشت؛ حال آنکه نخبگان سیاسی قوم همه و همه برای او باش می‌کزدن فد و هورا می کشیدند. روز بیست و چهارم آبانماه، مدرس از نقش انگلیسیها در زد و بندهای جنوب کشور بر سر خزعل لسخن گفت. او تلاش کرد افکار عمومی را بیدار نماید و رفتن رضاخان افسانه‌های بیش نیس؛ ت افسانه‌های که توسط خود «جبهه» نشان دهد

انگلیسیها برای فریب افکار عمومی ساخته شده و هدف آن تاسختز علاقه
مهراه ای بود سوخته، به نفع رضاخاقربانی نماین . دسرتیپ مرتضی یزدان پنا هوحشت
کرد. او بلافاصله نامههی محرمانه ، فوری و مهم برای رضاخراسنال کرد و کسب
تکلیف نمود:

مقام منیع بندگان حضرت اشرف رئیسالوزراء و وزیر جنگ دامت عظمته

محترما معروض میدارد چنانچه در تلگراف رمز نمره ۱۳ به عرض مبارک رسید،
قضیه اصلاح با خزعل و دخالت انگلیسها در آن امر شهرت غریبی پیدا نموده و

۱. Eardely. G. Peel.

۲. Chamberlain to Lorraine, London, ۲۸ November ۱۹۲۴, FO. ۳۷۱/۱۰۱۳۷.

ص: ۴۹۵

فوقال عاده سوء اثر نموده است. در تعقیب این انتشارات در تاریخ بیستم عقرب [آبا] ن روتر ۱ قضیه را به طور رسمی اطلاع داده و در تمام جراید هم اعلان شده در پایان این اطلاع رسمی روتر در مجلس جلسه خصوصی و سری تشکیل و مدرس شروع مینماید به یک رشته نطق مفصل که تا درجه [۱] ی بر علیه بندگان حضرت اشرف بوده و تلگراف روتر را هم مطرح م ن یماید و دخالت انگلیسها را در این امر بیمورد و در اطراف او مذاکرات م ن یماید، در این موقع سلیمان میرزا و شیخ محمدعلی طهرانی ۲ بعضی نطقها ایراد میشود که بر له بندگان حضرت اشرف بوده و بالاخره قضیه منجر به این میشود که از دولت استفسار نمایند که تلگراف روتر صحت داشته است یا خیر. بالاخره از هیأت دولت ذکاءالملک اظها رب یاطلاعی و کند نماید و می

مخصوصاً در این موقع سردار م عظم فوقال عاده خوب صحبت می بالاخره مجلس به موفقیت بندگان حضرت اشرف خاتمه پیدا میکند. این است قضیه جلسه ۲۴ عقرب که به طور خلاصه بعرض مبارک می رسانم، در خاتمه عقیده فدوی این است در صورتیکه رأی مبارک علاقه کرد، به هر نحوی که مقتضی میدانند تلگراف روتر و این شایعات را تکذیب فرمایند که فوقال عاده

ذات ی خود، از مشروطه و حکومت پارلمانی و بحث عدم مسئولیت شاه در نظامهایی از ای ن دست سخن میگفت .

رحیم زاده صفوی نماینده مجلس پنجم که مأمور گفتگو با احمدشاه بود، در اس فن دماه سال ۱۳۰۲ باید از مقام خود به عنوان نماینده مجلس استعفاء م ی داد و روانه پاری م س یشد .

البته آن ك سكه در راه مستعفی شدن او ساعی بود، شخصرض بوادخ؛اد نر این رابطه ه

نامه های ه والی آذربایجان نوشته شد به این مضمون:

ایالت جلیله آذربایجان، حسب الامر با رحیمزاده صفوی مذاکره فرمائید که مشارالیه

۱ . یعنی خبرگزاری رویتر .

۲ . شیخ محمدعلی طهرانی مشهور به کاتوزیان .

۳ . یزدان پناه حاکم نظامی تهران به رضاخان، فوری، ۲۵ عقرب (آبان) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۴۹۶

از نمایندگی استعفا بدهد، بعد از طریق دیگر نسبت به مشارالیه جبران خواهد شد.

اینکه رحیم زاده به واقع دل در گرو رضاخان و اکثریت پارلمانی داشت و یا نسبت به مدرس و اقلیت احساس همبستگی می نمود، قضیه‌ای است که باید در جائی دیگر مورد بحث واقع شود. اما همینقدر میتوان گفت اصرار ارکان حرب کل قشون برای استعفای او و قول جبران نمایندگی در جای دنیگیرتوان د بیهوده باش. د آیا رحیم زاده ک همورد اعتماد اقلیت پارلمانی بود ضمن اینکه از سوی آنها مأموریت داشت برای مذاکره با احمدشاه روانه پاری سشود، مأموریتی مشابه برای ارسال اخبار مربوط به شاه پارلمانی اقلیت با ظاهرا او که نبود اینگونه آیا و نداشت؟ همکارانش و رضاخان برای بود لیکن مورد وثوق اکثریت طرفدار رضا؟خ اسر انجام هم رحیزامده توسط اقلیت پارلمانی به اروپا رفت تا شاه را به بازگشت به کشور تشویق ؛ امکنند ی که با موافقت ضمنی رضاخان صورت گرف . تمامه هائی که رحیمزاده مینوشت و گزارشاهی که از روحیات شاه میداد، نومیدها را فزون ساخت .

صفوی در یکی از نخستین ناهمای هش نوشت، وقتی شاه را در پاری دی سده است، او عازم شهر نیس بود که به ساحل لاجوردین (کت دازور) برود و یکی از مراسم

فرانسویها در فصل زمستان را خود نظاره .کن صفدوی ادامه داد تمام بقیه سال ۱۳۰۳ را ت افروردین سال بعد در کنار شاه در نی و م سوناک و بوده، تازه در به سارال ۱۳۰۴ به پاریس بازگشتند و اواخر ماه اردیبهشت، از پاریس بدو یر ل رفتند تا شاه بیلاق خویش

را در آنجا بگذانرد .رحیم زاده هم به لندن رفت و تازه اواخر شهریورماه سال ۱۳۰۴

یعنی درست ده ماه بعد از مأموریت خویش باز هم به پاریس رفت. این زمان بود که بی؛ ایم « این جانب را مرخص فرمود که جلوتر » شاه تصمیم گرفت به ایران بازگردد و

۲

لذا او از راه مارس به استانبول آمد و به تهران بازگشت. تاین بود حال و هوای شاهی که تاج و تختش در آستانه از دست رفتن. او بنوده به فکر ایران بود و نه حتی به فکر

۳

سرنوشت کسانی در تهران و سایر نقاط ک. شورراستی منظور رحیمزاده از ارسال این

گزارشها چه بود؟ آیا او نمخواسبت بگوید احمدش اچیزی نیست جز موجودی

۱. رئیس ارکان حرب کل قشون به والی آذربایجان، مورخه ۶ حوت (اسفند) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ.

۲. تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۱۹۱

۱۹۱-۳. برای فهم روحیات شاه بنگرید به نامه‌های خواندنی رحیمزاده صفوی: اسرار سقوط احمدشاه، صص ۲۰۰

ص: ۴۹۷

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

خوشگذران و از وی تهدیدی علیه هیچ کس صورت نخواهد گرفت؟ آیا گزارشهای

رحیمزاده صفوی در برچیدن بساط سلطنت قاجار اهمیتی زایدالوصف نداشت؟

در این حال اول آذرماه سال ۱۳۰۳ رضاخان تلگرامی از شیراز خطاب به رئیس

ارکان حرب کل قشون ارسال. کگرو دئی از غیبت خود در تهران هراس دارد و

می ترسد در این دوره توطئه‌هایی علیه وی سازمان داده شد. و بده نظر ما این هراس او را

و ادار می کرد مرحله به مرحله به تهران تلمگ ارا رسال کند و به نحوی حضور خویش را

در صحنه اعلا نماید. در این تلگرامه او تلاش میکرد که فرخ خویش را به رخ

دیگران کشاند؛ همچنان تهدید نماید و تطمیع کند و خلاصه اینکه واقعیات را آنگونه

که خود میخواست بازتاب دهد تا نقش خویش را به مثابه ابرمرد نجات بخش همچنان

حفاظ نماید. او در صدر تلگمرا خویش نوشت همه می دانند تهران را به قصد خوزستان

ترک کرده است و

؛ ورود او به شیراز مقارن شده است با ابراز تمکین و فرمانبرداری

خزعل؛ رضاخان توضیح داد از خزع لخواسته است بدون قید و شرط تسلیم شود و

ادامه داد هدفش این بوده است تا او را به تهران فرستد و خود بدون جنگ و خونریزی

به خوزستان وارد شود. جملات پایانی او مضحک است و نشانی از ژستهای

دنکیشوتوار. او نوشت نظر به اینکه خز عهنلوز پاسخی به او نداده است، بیش از

«جبهه» این سفر خود به خوزستان ارنابه تعویق نخواهد افکند، پس شیرا رابزه قصد

ترک میگوید و از آنجا با نیروهای خویش به سوی محمره خواهد رفت.

مورای نوشت که این تلگرام به گوناگونی نوشته شده که گوئی ناپلئون بناپار آن ت را به

هنگام حمله به روسی اهرسال کرده است از اینها گذشته اگر واقعا رضاخان میخواست

؛

ب هقول خودش به جبهه رود و خ زراع ب لا خذلا نو کتف بسته به تهران اعزام کن د، چرا
 عملیات جنگی خویش را ول می داد و آن را رسانه ی می کرد؟ از این مضح تک رپاس خ
 امان الله جهانبانی، رئیس ارکان حرب کل قشون ا؛ س پا تسخی که به صورت اعلامیه و آن
 ه مدر مطبوعات منتشر ش. دطب ق نظر رئیس ارک انح رب، رض اتنخها نا خزع رل ا د ر
 شیراز به حضور میطلبید، اگر نیامد باید در میدان جنگ با رض امخوآنجه ش و!دای نادا و
 اطواره ا به واقع پاسخی بود به روزنهاام کهه حقایقی دستچی نش د همنت شم ریکردند؛

.Dispatch by Murray, No. ۷۷۰, November ۲۷/۱۹۲۴, DS. ۸۹۱.۰۰/۱۳۲۰ Majd, p. ۲۰۴.۱

د خواهن ی م انگلیسیها بلکه گیرد، ورت ص جنگی نیست قرار اساسا اینکه بر مبنی حقایقی
ب هنجوی مسالم آ تمیز عوامل خویش را به هم نزدیک نمایند؛ به طوری که ه محیثت
خزعل حفظ شود و هم ابهت ناپلئونی دن کی شقوزاقت خدشهدار نگردد. رضاخان با این
بیانیه های مطمئن می خواست اف کار عمومی را فریب دهد و ب رای لشگرک شی خن ددهار
خویش منزلتی برابر با مبارزه با انگلیس کسب نماید د.

نکته جالب گزارش دادن اوست به رئیس ارکان حرب کل . قگشوی ونی رضاخا ننه
رئیساً لوزراء ، وزیر جنگ و فرمانده کل قشون، بلکه افسری بود زیر دست رئیس رکان ا
۱ شده است. در « وارد فرونت » حرب . ب ه طور مثال او روز هفتم آذرماه تلگراف کرد که
ستون مقدم قوای اصفهاین ه « این روز طیارهها عملیات شناسائی انجام داد. د. ن دهمچنین
در .» بهبهان وارد شدند، از قوای اعزامی آذربای جسا هن قسمت اولی وارد کرمانشاه شدند
همی ن گزارش آمده است خزعل تلگراف می خطاب به رضا خاارنسال نموده بود که
اظهار تأسف و انفعال ک... ردهد ر ضمن تجدید « دریافت شد . د راین تلگرام خزعل
اطاعت و انقیاد، د متذک ر شده است که مدلول تلمک ا را ولیه او در حکم تسلیم قطعی بوده
اغماض [و] عفو و تأمین طلب متضرعانه ضَمنا و بودم شده متذکر من که است همان و
چون « است. رضاخان در این تلگرام ادامه داد در جواب خزعل نوشته است « نموده
اضمحلال آحاد و « به « راضی و مای ل « یاست و رضاخانهم « مشارالیه یک نفر ایران
جز اصول تمرکز مملکت که همیشه خاطر نشان عموم کردهام « نیست و « افراد ایران ی
را خود تأمین حضوراً آمده مقدم فرونت به است لازم ندارم، منظوری و قصد هیچ

جندی مای د د . در تلگرام بعدی رضاخان « درخواست و مراتب اطاعت و انقیاد خود را ت

گزارش داد روز هشتم آذرماه وارد مرکز اردو شده . اساعت هشت بعد از ظهر

ستونهای اعزامی از « . اعراب مواقع خود را تخلیه کرده و فتهان رد » همان روز خبر رسید

ستونهای « لشکری مختلف همچنان در حال وارد شدن به منطقه . ب اوزد نجدمله

ند شو می و ه دش بهبهان وارد متناوبا اصفهان قوای عمده قسمتهای . « اولین هم قبل روز

و شد وارد دزفول به آباد خرم اعزامی ستون « ند شو می وارد دارند مرتبا ستونها سایر . »

دیگه را اینکه قوای مسلح و مجهز شمال غرب از کرمانشاهبه طرف پشتکوه از خط

۱ . فرونت یعنی جبهه .

۲ . رضاخان به رئیس ارکان حرب کل قشون، تلگراف، ۷ قوس (آذر) ۱۳۰۳ ، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۴۹۹

پشتکوه به جانب دزفول در حال حرکت بودن. درضاخان نوشت تا دو روز دیگر از

۱

حرکت خواهد کرد. «مرکز خوزستان» قرارگاه کنونی به طرف

رضاخان ساعت پنج بعد از ظهر روز سیزدهم آذرماه وارد اهشوا د. ز پسر خزعل ه

رنفاتنصدری را تمام». اتفاق عدهای سران ایلات و عشایر تا چند فرسخی به استقبال او

چراغان و آئین بسته عموم اهالی ت بمهید وسائل خوشوقتی و فرح و دشی اقام کرده

خزعل که کسالت شدیدی داشت و به خرم ر شفهره بود، به اه ب و از ز گشت و «. بودند

صبح روز چهاردهم آذرماه به اتفاق مرتقل ضیی خان بختی اری به نزد رضاخان رفت و

در این بین قوای. با این امر موافقت نمود رضاخان. کرد تقاضا را خود

حضورا تأمین

اعزامی از لشکر شمال غرب همچنان وارد دزفولمیشد. در این میان شورشی به

فرماندهی کسانى مثل کاظم داود از سران عشایر منطقه در شوشتشرکل گرفت. اما شهر

ب ه تصرف نظامیان درآمد، تعدادی از شورشیان کشته و مجروح؛ برخشید نهادم

۲

دستگیر و عدهای دیگر متواری گردیدن د.

روز شانزدهم آذرماه رضاخان نار دیگر تلگمراى خطاب به حکومت نظام تهران و

رئیس ارکان حرب کل قشون مخابره. کرد راین تلگرام هم گزارش داد قوای اعزامی

از بهبهان در نزدیکیهای رامهرمز اردو زدهان د، اینان پس از نبردی با برخی قبایل

بختیاری وارد شهر شدن. دهمان روز رضاخان ز اهوا بزرای بازدید از میدان نفتی

مسجد سلیمان حرکت کرد و خبر داد بعد از دو روز به با ازه خوا و ازهد گگ . ش ۳ تو

اینکه بالاخره « ه ب ه ت ش گ ر ر ق م گاملا انتظامات و ندارم کاری دیگر صفحه این در چون

شکرانه آس ایش و رفاهیت تام که برای عموم اهالی تحصیل شده است، پس فردا روز

چهارشنبه ۲۵ قوس [آذ] از طریق عتبات عالیات عرش درجات، عزیمت طهران

خواه م نمود فقط یک هفته در آنجا به زیارت مشاهد متبرکه و اقناع آمال دیرینه خود

پرداخته و بعد عزیمت مرمزینمایم . بدیهی است مسافر تاز راه بینال نهری نب ه کل ی

۴ روز دوشنبه ۲۳ آذرماه او بعد از بازدید از میادین نفتی و « غیررسمی خواهد بود.

۱ . رضاخان به رئیس ارکان حرب کل قشون، تلگراف، ۹ قوس (آذر) ۱۳۰۳ ، اسناد وزارت جنگ .

۲ . رضاخان به حکومت نظامی تهران، تلگراف از خرمشهر، ۱۴ قوس (آذر) ۱۳۰۳ ، اسناد وزارت جنگ .

۳ . رضاخان به حکومت نظامی تهران، تلگراف از خرمشهر، ۱۶ قوس (آذر) ۱۳۰۳ ، اسناد وزارت جنگ .

۴ ، رضاخان به رئیس ارکان حرب کل قشون و حکومت نظامی تهران، تلگراف از اهواز، ۲۳ قوس (آذر) ۱۳۰۳

اسناد وزارت جنگ .

بازدی د از قوای اعزامی و ملاقات با و سرای طوایف و عشایر، مجددا به اهواز بازگشت.

سرتیپ فضل الله خان به حکومت نظامی خوزستان منصوب شد. او اختیار داشت حکام نظامی شهرها و عشایر را خود تعیین نماید.

اما این تلگرافها و نامگذاریها تنها برای فریب افکار کاربرد داشت و گرنه واقعیات چیز دیگری بود. به روایت بهار:

سردار سپه، قوای مختصری به خوزستان اعزام کرد، اما چه قوایی؟ زیرا خود او زودتر از رسیدن قوا به خوزستان، ن به تاریخ سوم آذرماه، از بندر بوشهر در کشتی مظفری سوار شده، به اتفاق آقایان امیراقتدار و بهرامی و قائممقام الملک و خدایارخان و سرلشگر نقدی و سرتیپ عبدالرضاخان و سردار اسعد و عدهای دیگر، وارد بندر دیلم شده، از آنجا به ناصری (اهواز) و بالاخره به محمره (خرمشهر) آمد، مرکز قدرت دشمنی که دیروز تلگراف مخاصمت آمیزی بدان خشونت بر ضد او مخابره کرده بود، گردیدند.

بدیهی است قبلا میانه آنها را اصلاح کرده بودند و

مأمورین عالیرتبه خارجه در این سفر با رئیس دولت ایران همراهیهای کرانمندی کرده بودند. اما صورت این معنی به نظر غریب میآمد و کسی به آن زودی احتمال

این نوع آشتی نمیداد! ۲

رضاخان با آسودگی از میان عشایری مکھیگفتن دی اغیه ستن دعب و رک. را دع راب مطیع خزعل کوچکترین تحرکی علیهاون شانندان. نی د زاو از صحراه او بیابانه ایی

گذشت که هگامی اعراب ناچار بودند اتوموبیل به احامل او و همراهانش را با زور دست و
دوش به جلو ببرند؛ اعرابی که همه مسلح بودند و از اتباع ب هخشمعالرم رد. به

ی فتن

از شهرها یپ راز دش من ، از محم ره ، از شوش ، از تر « ای ن شکل رضاخانو همراه ان ش
دزفول، از میان بختیارها و عربها، از میان اینهمه مخالف، با دست خالی، چند اتوموبیل که
عبور کردن . دام پرسش این است؛ اگر، « خلاص ه و نخبه قوه مرکز ای یران را حم لمی نمود
بی ن خزل و رضاخا نخصومتی از آن دست که تب لمیی غشد وجود داشت، چگونه او به
اتفاق فرماندهان مهم قشونش به این آسودگی و با حمایت هم اندش منان از ص راهای ح
چگونه آن م رد هوش یار و ب احتی اط و « خطرناک عبور کردند؟ پرسش دیگرگ این است ؛ ت
۱ . پراترها در اصل .

۲ . تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۱۵۹

ص: ۵۰۱

۱. «عقل و غیرمتهور بدین حرکات با احتیاطانه تن در داد؟ اینها معما به نظر میرسد
ب ه هر روی بیست و نهم آذرماه آن سال رضا خا سنندی امضا کرد که طبق آن شیخ
بخشوده می شد و دارائی و زمی هنای او مصون از تعرض شناخته میگردید. در مقابل
شیخ قول داد بدهی مالیات ای شرا پرداز. درضاخان روز یازدهم دیماه ۱۳۰۳ وارد تهران
شد، در حالیکه یکی از فرزندان خزل را آجودان مخصوص خود کرده بود.

گادفری هاوارد و رضاخان

رضاخان در بوشه ربا گادفری هاوارد دبیر امور شرقی سفارت انگل مست لاقات
کرد. هاوارد ب ه دستور لورین به بوشه رفته ب و. د راهمیت موضوع همین بس که
هاوارد مدافع پابرجای رضاخان بود در تحركاتش برای دس یاب تی به خود کام. گی
شخص لورین هم از بغداد به سوی بصره حرکت کرد. د ای ن سفر زمانی صورت گرفت
آذرماه پانزدهم روز رضاخان. بود شده تسلیم گاملا هائی نامه ارسال ضمن خزل که
سال ۱۳۰۳ با خزل دیدار کرد؛ آنگاه با لورین و هاوارد ملاقات نمود. دو هفته بعد از
ملاقات با لورین، سرتیب فضل الله زاهدی به حکومت نظامی خوزستان منصوب شد.
نام قدیمی خوزستان به جای نام جعلی عربستان بر این ایالت پهناور و خیتز ف اطلاق
گردید. د ای ن بهترین اقدام ممکن در این مسافرت به شمار میرفت. به این ترتیب بدون
کوچکترین درگیری، میانجیگر یلورین مناقشه خاتمه یاف. تهاوارد تا زمانیکه ه
رضاخان خود را مهیای صعود بر تخت طاوومیسکرد، بیش از پانزده سال در ایران
اقامت داشت. او فارسی را روان صحبت می کرد و اوضاع پیچیده سیاسی کشور را به
خوبی درک می نمود و میتوانست این پیچیدگیها را بفهمد. م دههاورد در هبار سال ۱۳۰۳

ایران را ترک ک ر. دامام همانطور که مشاهده کردیم به ناگاه در آذرماه این سال دوباره سر

و کلهاش در ایران پیدا شد و آنهم در مناطق جنوبی. ابهر احتمال زیاد او با لورین

با ر دیگر به ایران آمد تا مأموریت نی ت مهمام خود را در رابطه با خزاع لخم اتمه ده . داین

در حالی بود که از ب هاسرال ۱۳۰۱ اسمارت عنوان دبیر امور شرقی را عدهادر هبو د. اما

در هاوارد . کرد می بود که امور مربوطه را رتق و فتق ارد هاو این مورای روایت به عملا

. ۱۵۹-۱ . همان، صص ۱۶۰

ص: ۵۰۲

کنار جورج چرچی لو اسمار تمام عمر خویش را صرف مطالعه مسائل ایران کرده بود. در این جایگاه بود که آنها نتوانستند به نحو احسن به دول ب بریتانیا خدمت کنند. آنها با شیوه و روش زندگی مردم ایران آشنا؛ ب بونادبرد این برای دولتی مثل بریتانیا عقلانی نبود آنها را به جایی فرستد که امکان پیشرفت کارشان وجود. ن هدااوشارد ت وقتی از ایران میرفت، زبانزد محافل سیاسی و اجتماعی تهران بود. او در بین محافل دیپلماتیک خارجی هم شهرتی بسزا داش. گگ ترچه مورای مدعی است هاوار در اجرای

۱

فرامین داوونینگ استری تهمواره به اصول اخلاقی پایبند ب وادم، واقعیت این است که او حلقه های حلقه های پیچیده محافل سیاسی انگلی سدر ایران به شمار می رفت. او وقتی دیگر هم به ایران مراجعت؛ کز مردانیکه لازم بود عبدالحسین تیمورتاش را لگدمال کرده و او را از اوج قدرت به حضيض ذلت. بهکوشانقد غیبت او کوتاه مدت بود؛ هاوارد به سال ۱۳۰۵ بار دیگر به ایران بازگشت.

هاوارد در غائله جمهوری و برکشیدن رضا ب خاه نقدرتخود کامه ه منقشی بسیار مؤثر داش ت. سندی گویا از تشکیلات اطلاعاتی و جاسوسی که ر ضدارخا سنت کرده بود، به خودی خود گویای این مدعاست؛ در این سند از زبان مأمور مخفی میخوانی م:

دیروز معدل شیرازی را ملاقات نموده گفتم قرار بوده که با مستر هوارت ملاقات

نمائید، چه شد ملاقات کردید یا نه؟ گفت بله روز گذشته به سفارت رفتم مستر

هوارت نبود منتظر شدم آمد. پس از احوالپرسی گفتم آیا شما میل دارید با ولیعهد

دوستی بکنید یا نه؟ هوارت از این اظهار من خندید، گفتم سه روز قبل یکی از

خانمهای خیلی محترمه که از خانواده سلطنت م ب باشد به منزل من آمده چون
خودم در منزل نبودم با خانم زینتالسلطنه عیالم صحبت نموده و اظهار داشته از
قراری که شنیداهیم معدل با مستر هوارت انگلیسی مراوده و دوستی دارد، اگر این
مسئله صحت دارد خواهش میکنم که مستر هوارت را با ولیعهد مربوط نماید .
زینت السلطنهگفته است من از این قبیل کارها اطلاعی ندارم در هر صورت
فرمایش شما را به معدل میگویم در صورت امکان اقدام نماید .حالا من برای
انجام دادن اینکار آمده و به شما قول میدهم که هر طور میل شما باشد ولیعهد را

۱. Ibid, Majd, ۱۳۲۰/۰۰/۸۹۱. DS, ۲۷/۱۹۲۴, November, No. ۷۷۰, Murray to Secretary of State.

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

حاضر نمایم که با میل شما رفتار نماید. هوارت گفت بلی در این چندروزه خیلی اشخاص آمده این خواهش را از من کردند، چون ولیعهد و سایر خانواده قاجاریه را به هیچ وجه لایق نمیدانم، خواهش آنها را نپذیرفتم و به شما هم میگویم که

۱

اینان قابل دوستی نیستند.

د اقدامات برای فروگرفتن خزاع، لچمبرلین وزیرمختارش در تهران یعنی ل ورین را ستود که در این مناقشه خطرناک کاری کرده است ن زکاهع بدون خونریزی خاتمه پ ؛ ذی رد و نیز توانسته است کمترین مخاطاره ی را از منافع شرکت نفت انگلیس و ایران ب ردارد. خزاع ل برای چمبرلی نمودی بیارزش بود، بنابراین موض و عاص ل ی را دول تمرکزی ایران تلقی کرد که مسلئ هخزل فرع بر آن تل قمیی شود. چمبرلین خطوط عمده سیاست بریتانیا در قبال ایران را وجود ثبات و یکپارچگی در این کشور. بدان هسدیت داو ایران بای د به مثابه سدی محافظ در برابر تهدیدات شوروعیلیه خلیج فارس و هندوستان تلقی شود. ۲ انگلی س نمیخواست جنگی را در جنوب ایران درست در کنار چاههای نفتی

زارناری ات س ن اوت ی م قضیه این اینکه دیگر. نبود جنگ به هم نیازی اساسا. کند تحملجانب شوروی در معرض تهدید قرار ده؛ ه بده عبارت ی روسها همیمی ل نبودند از عوام ل بوم ی خویش به وی ژ ه در ب ی نترکمنه اب را یرس ید نب هاه دا فسیاس یو اقتصادی

۳

بهربرداری نمایند.

واپسین تلاش مدرس برای اجرای قانون

ب هیاس پیروز یادعائی رضاخان در خوزستان، م راسم باشکوهی برگزار گردید. در تهران و شهرهای بزرگ کشور سه روز جشن و سرور برگزار. کششورد غرق چراغانی و آتشبازی بود. فرماندهان ارتش، اعضای کابینه و برخی نمایندگان مجلس تا چهل کیلومتر خارج شهر به استقبال رضاخ او ناردوی او رفت د. ب ا این تحولات، دیگر روشن شده بود بریتانی اعزم خود را برای رسانیدن رضاخان به تخت طاووس، جزم کرده است. د ر این بین کسانی مثل سیدحسن مدر تسلاش میکردند تا مگر جلو تسریع روند ۱. گزارش مفتش مخفی، ۱۲ برج حوت (اسفند) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ.

.Lorraine to Osborne, Tehran, ۷ February ۱۹۲۴, FO. ۳۷۱/۱۰۱۳۸.۲

.Dispatch by Murray, No. ۸۶۸, January ۲۵/۱۹۲۵, DS. ۸۹۱.۰۰/۱۳۳۳ Majd, ۲۰۹.۳

حوادث را بگیرند و اتحاد ممکن مانع از دستیابی قزاق به قدرت خود کامه شوند. اما رون د حوادث شتابناکتر از آن بود که بتوان متوقفش س. اخذ رب تهمن ماه سال ۱۳۰۳ روزنامه ایران گزارش داد که رضاخان گفته است برای ادامه کار او موانعی وجود دارد که با آنها نمیتواند به فعالیت خویش ادامه د. هر دوز نوزدهم این ماه او مدعی شد میخواهد در چارچوب قانون کار کند، بنابراین از نمایندگان خواست طرحی تدوین کنند تا او بتواند در چارچوب آن به کوششهای خود ادامه . ردو هزی بی دست و چهارم آن ماه روزنامه ایران گزارش داد، مجلس لایحه ای تصویب کرده که طبق آن رضاخانه انجام وظیفه « اختیارات تامه » فرماندهی کل قوای دفاعی و امنیتی منصوم میگردد تا با کند . طبق ماده دوم این لایحه رضاخان در مقابل مجلس مسئولیت داش . اتی ن دو ماده مجلس شورای « بعد از مذاکراتی تبدیل شد به یک ماده واحده، طبق این ماده واحده ملی ریاست عالی کل قوای دفاعیه و تأمینیه مملکت را مخصوص آقای رسضرادا خران سپه شناخته که با اختیارات تامه در حدود قانون اساسی انجام وظیفه نماید و بدون ۱. « تصویب مجلس شورای ملی سمت مزبور از ایشان سلب نمیتواند بشود شهرت یاف ، ت در جلسه مورخه ۲۵ بهم نمجل سبه « طرح قانونی » ای ن لایحه که به تصویب رسی د. نوزده تن از اعضای اکثریت پارلمانی الاینحه را تقدیم کرده بودند که با م ک ح و ه د ش ا و ق ل ک ه د ن ا م ر ف قانونا و رسما اینک رضاخان ۲. شد تصویب فوریت قید خوی ش را هم نه از شاه، بلکه از مجلس دریافت نموده . از آبنو د طرف مدرسمیدانست شاه جبون دیگر قادر نیست ارضان را مهار کند، در همین چارچوب بود که روز بی ست و ششم بهمن ماه سال ۱۳۰۳ لایحهای را به تصویب مجلس رسانید تا رضاخان

تحتنظر قوه مقننه در آورد و اقدامات او را در چارچوب قانون محدود سازد .

در نقطه مقابل ، ل همانطور که انتظار می رفت ، فرماندهان نظامی از گوشه و کنار

کشور ، ضمن ارسال تلگمراهائی برای رضاخانکسب تکلیفمیکردند در مقابل ای ن

موفقیت او چه واکنشی باید نشان دهند

مثلا امیرلشکر غرب نوشت:

خاطر مبارک را مستحضر میدارد دو روز است اشاعه فو ال قع اده جراید مشهد

حاکی است بنابه رأی مجلس ریاست عالیہ کل قوای دفاعیہ و امنیہ تفویض مقام

« . نتیجه وقایع چندروزه » ، ۱۳ فوریه ۱۹۲۵ / ۱ . روزنامه ایران ، مورخه ۲۴ دلو (بهمن) ۱۳۰۳

« . طرح قانونی » ، ۲ . ن ک : مذاکرات مجلس شورای ملی ، دوره پنجم ، جلسه ۱۲۶ ، مورخه ۲۵ دلو (بهمن) ۱۳۰۳

ص : ۵۰۵

منیع بندگان حضرت اشرف گردیده، اهالی برای ابراز احساسات از فدوی کسب تکلیف نمی‌مایند فدوی نیز به کلی با اطلاع و از مقام منبع بندگان حضرت اشرف تاکنون اطلاع و دستوری در این خصوص مرحمت نگردیده، مستدعی است امر و مقرر فرمائید اراده بندگان حضرت اشرف را ابلاغ فرمایند که بر طبق آن اقدامات

۱

برای رفتار اهالی به عمل آید.

رضاخان بدون اینکه از نیت اصلی خود که تغییر رژیم سیاسی کشور باشد سخنی به عمل آورد، در پاسخ این تلمگرا تلگرامهای مشابه که از سراسر کشور به او میرسد

و

پاسخ داد:

چون با دسائس مختلفه مواعی در راه پیشرفت مقاصد و ترقیات مملکت ایجاد می‌شد، لذا برای اینکه شاید در دوره یکساله مجلس بتوانم خدماتی به مملکت کرده باشم،

عجالتاً به مقام ریاست عالیه کل قوای دفاعیه و تأمینیه که بر طبق رأی

مجلس به من تفویض گردیده و تا اندازه‌ها از دسائس و اشکالات جلوگیری

۲

مینماید قناعت شد، مراتب را برای اطلاع تذکر دادم.

این تلگرام باعث نشد تا فرماندهان قش، و نامه‌ها و تلگرامهای سراپا تملامقی ز

خطاب به رضاخان نویسن د. از آن جمله فرمانده تیپ مستقل شمال نوشت:

مقام مقدس بندگان حضرت اشرف اعظم وزیر جنگ و ریاست عالیہ کل قواء

دامت عظمتہ

دستخط مبارک... زیارت، چرخهای متحرک که قوای دفاعیه که مصنوع حقیقی ید

بیضاءش ذات مقدس بوده و مملو از یک قوهای است که مبنا و مخزن آنها ذات

مقدس بندگان حضرت اشرف م ب باشد، با یک اراده مبارک همه مفتخر و با یک

اشاره مقدس همه غیرمتحرک هستن د[!] مهمترین آمال فدوی جانفشانی در تحت

اوامر مبارک برای اضمحلال و محو موانع پیشرفت مقاصد مقدسه و ترقیات

مملکت است که انشاءالله بزودی انجام گرفته وجود دسائس و دسیسہکاران از

صفحه زیبای مملکتی که بندگان حضرت اشرف نگهبان او است زایل و محو گردد .

فدویان مقام مقدس هرچه زودتر آرزوی آن روز بزرگ را دارند که ترقیات و

۱. جان محمد علائی به رضاخان، ۴ حوت (اسفند) ۱۳۰۳، اسناد وزارت جنگ .

ل رضاخان به کلیه فرماندهان نظامی، ۶ حوت (اسفند) ۱۳۰۳، اسناد وزارت جنگ . . ۲. متحدالم

ص: ۵۰۶

تکامل مملکتی به طور قطعی شروع و تاریخ عظمت ایران منور گردیده و به کلی دست این مردمان خائن که خود را ظل الله دانسته و وسیله الهی می‌شمارند قطع و

۱

کوتاه گردد.

شهید مدرس برای جلوگیری از مطلقاً لعنان شدن بیش از پیش رضاخا، نه

ب تلاش

برای قانونمند کردن فعالیتهای او با مجوز مجلس بسنده نکرد. او به هر وسیلهای دست زد تا مگر مانع از شکستگیری نظامی شود که از هم اکنون معلوم بود به مشروطه و نهادهای آن هیچ گونه اعتنائی نخواهد کرد. دمدرس کوشید تا مگر رجال کشور را که همه خواستهای آنها خواسته در خارج کشور به رسم ریبردن دو در نبود آنها رضاخان و گروهبان یکپهتازی می‌کردند، به کشور بازگرداند تا بلکه بتوانند وزن هتعالی در مقابل لایوت شکست دهند. او تلاش کرد تا او را و القدول و برادر شق و ال م سلطنه، و حتی سیدضیاءالدین طباطبائی و ناصرالملک را به کشور بازگردان. دمدرس و یاران معدودش ابتکار دیگری هم ماسرد بای شاه آن طبقه کردند تقدیم پنجم مجلس به ای واحد ماده آنها. بردند کار به ب هکشور باز میگشت. این طرح با اکثریتی قاطع رد شد، چیزی جز نهای م نمی‌شد انتظار داشت؛ مجلس پنجم چیزی نبود جز آلت فعل رضاخان و تیم قزاقان.

مدرس تنها شخصیتی بود که بارها و بارها و از بیش از یکسال پیش از اوضاع

مجلس پنجم حقایقی را بر زبان آورد، اما کمتر گوش شنوائی یافت. از جمله اینک ه:

شب گذشته ۲در منزل مدرس یکعده از قبیل سیدفاضل کاشانی و مسنالدوله و «

دکتر علیخان و سیدعباس و سیدکاظم بودند که راجع به وکالت شاهزاده

غلامحسین میرزا صحبت م ن یمودند، مدرس گفت آقایان به شما میگویم به وسیله

ش ن بامه و پست شهری به مردم احمق بفهمانید که وکلاء دوره پنجم بدون موکل

هستند، اینها از طرف ملت انتخاب نشدهان ، د اگر شکایتی دارید به توسط شعبه

۳. «انتخابات به مجلس شوری بنویسید

رضاخان هم در ظاهر میگفت شاه هر وقت تم یخواهد م بتوان د به کشور بازگردد و

غیبت شاه از کشور به وی ربطی ن ل داورردین این تحركات رضاخا نرا زیر نظر داشت

۱. فرمانده تیپ شمال به رضاخان، ۱۰ حوت (اسفند) ۱۳۰۳ ، اسناد وزارت جنگ .

۲۷ . ۲ . بهمن ماه ۱۳۰۲

۳. گزارش مفتش مخفی، مورخه ۲۸ دلو (بهمن) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۵۰۷

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

و آنها را برای چمبرلی نگزارش م یداد . وی در یکی از این گزارشها نو،ش متدرس
میخواه در رئیس الوزرا های سابق را به کشور بازگرداند زیرا آنها را ایو زمنه یشمارد در
مقابل رضاخان و کسانی که شاید در صورت تضعیف رضاخان بتوانند قدرت را به

۱

دست گیرن د . البته وثوق، قوا مو ناصرالمل کبه کشور بازگشتن؛ داما زمانیکه دیگر ایران
در مسیری بدون بازگشت تحت رهبری قزاقان هدایت شده بود .

انگلستان، دستگیری خزعل و بحران خوزستان

د ر آستانه سال ۱۳۰۴ خبر رسید خزعل ق لصد دارد خاک خوزست اران ت ر ککن دو در
املاک خویش در بصر اهقامت گزین . د رضاخان د رفروردی ن سال ۱۳۰۴ از لورین خواست
ب هدلیل اینکه هنوز بدهی مالیاتی خزعل نحشده باقی مانده است، از او بخواهن دبه
تهران آید و مسائل را فیصله د.لهودرین همین موضوع را از طریق سرکنسول بریتانی در ا
اهواز با شیخ در میان گذاش . م معلوم بود شیخ حاضر نیست به این سادگی خود را کت ف
بست ه تحویل قزاق د ه.دهمچنین معلوم شده بود رضاخ ابنه هیچ قولی پایبند نیس ؛ تحال
آنک ه او خود موضوع بدهیهای مالیاتی خزعل را کان لم یکن اعلام کرده بود . د راینجا بود
که زاهدی وارد میدان ش .دسرتیب زاهد ، ی فرمان د هق و اینظ ام یخوزس ازتاش نی خ
خواس ت شبی بر شطالعرب میهمانی و محفلی ترتیب دهد و مجلس عیش راه اندازد ؛
شی خ همین کار را کر . دزاهدی از فرصت استفاده نمود و سرهنگ مصطفی شوکت را با
کشتی خوزستان و عداهی سرباز واداشت به محل عیش و طرب خزعل رون ل . د اینه اب ه
کشتی خزعل حمله کردن دو او و فرزند شس ارا جرل درادس تگی ر کردن ، ددر حالیکه ه

محافظی ن شخصی و مسلحش نظاره گک رای ن وضعیت بودن . دحمله نهائی علیه خزع بلا
موافقت کامل مقامات انگلی سهمره بو . دکمااینکه سرتیپ فضالله زاه دی ، حاکم نظ امی
خوزستان درت لگرامی به رضاخان اطلاع داد:

مقام منیع بندگان حضرت اشرف اعظم ریاست عالیه کل قواء دامت عظمته، راجع

به شیخ قبلا با قونسول انگلیس مذاکره شده مشارالیه با عزیمت شیخ به طهران

علاوه بر اینکه موافق بود، تا اندازهای هم اصرار داشت . امروز هم شیخ را در

.Lorraine to Chamberlain, June ۱۶/۱۹۲۵, FO. ۳۷۱/۱۰۱۴۰.۱

ص: ۵۰۸

محمدره ملاقات نمود، ولی نتوانست او را برای حرکت قانع کند. فدوی هم از این نقطه نظر که مبادا [کنسو] ل از نیت چاکر شیخ را مطلع و به بصره برود، مقاصد قلبی

۱

خود را به قونسول اظهار نداشت م.

شماره این تلگرامه فتاد و هشت بود. تلگرام شماره هفتاد و نه روز بعد ارسال گردی د.

رضاخان پیشتر روزهای سیزدهم و بیست و سوم فروردین ماه به دزاسهتدوری داده بود

ت «ف و ریاس» تلاش کند خزعل را به تهران بفرستد. ب دنابراین در این تلگرام که ب ا قید

آنچه لازمه کوشش جهت حرکت شیخ ب ه « ارسال شد، زاهد یبه رضاخا ناطلاع داد

طهران [بو] دب هعمل آمد، ولی منتج به نتیجه نشد و جبن باطنی او م ان ع از پذیرفت نای ن

موضوع بود. لهدذا شب ۳۱ فروردین مقدماتی به عنوان بساط عیش در جها... فرراه م و

سپس او را با سردار اچ ل همراه خ و دب هناصر آرور یده و الآن آنه ارا از دزف اعوزال م

داشت ه و منتظر اوامر مبارک [هستم]، راجع به حفظ مال و جان او حس الامبر هیچگون ه

۲ این تلگرام ساعت پنج صبح روز سی و یک فروردی نمخابر ه « تجاوزات ی نخواهد ش . د

برای زاه دی ارسال کر . ددر « فوری است ت » ش د. شب آن روز رضاخ اتل نگر امی با عنوان

این تلگراما و آشکارا از دستگیری خزعل و فرزندش ابراز مسرت کر د:

حکمران نظامی خوزستان، [تلگرا] ف نمره ۷۹ ملاحظه شد، از این موفقیت شما

مسرور شدم، لازم است شیخ و سردار اجل را بلا تأمل از دزفول، به خرم آباد

حرکت دهید. مأموریت شما هم در حدود جنوب به این طریق به خوبی خاتمه

یافته، فقط برای ترتیب کارهای آنجا یکی دو روز توقف نموده و همانطور که

سابقاً دستور داده شده، به اسم خودتان نایبالحکومهای را که پیشنهاد کرده بودید در خوزستان بگمارید و پس از دادن دستورالعملهای کافی راجع به اینکه به هیچ

۳

وجه نسبت به کسان و علاقجات شیخ تجاوز نشود، طرف خرماآباد حرکت نمائید.

از آن به بعد این دو در یکی از های خان ی هکه خزع لدر تهران داشت اقامت گزی . دند

از این زمان تا سال ۱۳۱۵ که زمان مرگ خزع لب ود، و ی د ر تهران تحت مراقبت ب؛ و د

ولی با رضاشا هملاقات میکرد و به روایت بهبود، پریس دفتر رضاخ، انهمیشه با

۱. سرتیپ زاهدی به رضاخان، ۳۰ فروردین ۱۳۰۴، اسناد وزارت جنگ .

۲. سرتیپ زاهدی به رضاخان، ۳۱ فروردین ۱۳۰۴، اسناد وزارت جنگ .

۳. رضاخان به سرتیپ زاهدی، اول اردیبهشت ۱۳۰۴، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۵۰۹

احترام پذیرائی میشد. ب این وصف رضاخان نمیتوانست حس احترام دیگران را نسبت به خزاع تحمل کند. نمونه ای از این موضوع را میتوان در تلگرامی که خطاب به احمدخان عمارلوی، ی کفیل حکومت نظام یخوزستان ارسال کرده است مشاهده کرد. روز بیست و نهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۴ عمارلویی خطاب به خزاع تلگرافی ارسال داشت که در آن آمده بود:

جناب مستطاب آقای شیخ خزاع خان دام اقباله، در این موقع که مشمول مراسم بندگان حضرت اشرف دامت عظمتهم باشند متذکر میشود بلدیة ناصری اقدام در جهت آن کارهای بزرگ نموده که نتیجتاً اکثر اعاید حضرت عالی است، مقتضی است

بذل توجهی نموده عرادههای از کارافتاده آن اداره را به راه بیندازی د. در این هنگام عمارلوی یضمن اینکه کفیل حکومت نظامی خوزستان بنود، ریاست افتخاری بلدیة اهواز را بر عهده داشت. این تلگرام به رضاخان تسلیم شد. رضاخان دستور داد خطاب به احمدخان بنویسن د: تلگراف... شما را اجازه ندادم به خزاع برسانند، ای ن قبیل عبارات و کنایات بیمورد ی م. ردید در تلگراف شما مورث تعجب گد اکیدا امر دهم که من بعد از اینگونه

استعارات خودداری نموده و به مخابره تلگرافات بيموضوع مبادرت نکنيد.

درست در همان زمانیکه رضاخان، خزعل را آماج حملات تحقيرآمیز خود قرار داد، چمبرلین، م جری سیاست استقرار مرد آهنين در ايران، موازنه نیروها را به اين شکل بررسی کرد که باید بریتا نيبا رای حفظ منافع خود، را چهلهائی جدید بیابد که منطبق اول جنگ از بعد دنیای ساخت خاطر نشان صریحا او . جهانی جدید شرایط بر باشد اجرای برای قطع طور به و نیست، بهتری دنیای انگلیس منافع برای لزوما ، جهانی سیاستهای سابق این قدرت در جاهائی مثل ايران، دنیائی است . مهدمشورایرت نر م ا باید مراقب باشیم که نباید به هیچ وجه به م ا ح یکامحهضار « موضوع این است که ۴ به این شکل خز عهلم قربانی « شویم که طبق آن نتوانیم از خودمان دفاع ائی ن م.م . ۳۱۴- ۱ . خاطرات سلیمان بهبودی، صص ۳۱۵

۲. عمارلویی به شیخ خزعل، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۰۴، اسناد وزارت جنگ .

۳. رضاخان به کفیل حکومت نظامی خوزستان، ۵ خرداد ۱۳۰۴، اسناد وزارت جنگ .

We must take care that we are not arraigned on any ground on which we cannot
;defend ourselves

.Minutes by Chamberlain, May ۱۱/۱۹۲۵, FO. ۳۷۱/۱۰۸۴۳

ص:۵۱۰

سیاستهای بلندمدت بریتانی اشد، تا برای چندمین بار در تاریخ معاصر ثابت شود که ه نباید به عصای پوسیده استعمار بریت اتنیکایه داد و نبایستی انگل یرام سدافعی جدی برای ح ال و آینده خود تلقی ک. ا رند گلیس به ط ف رهاالعینی، م تحد دیرینه خود را به قزاقان فروخت و شاهد رفتار تحقیرآمیز رضاخ باا نکسی بود که از آنها مدال دریافت نموده بود. این وضعیت باقی بود تا اینکه بعد از شهریور بیست و گیر ک یناررضهاخان از سلطنت، با پادرمیانی انگلیس، اموال مصادره شده او را به خانوادهاش بازگرداندند .

شرکت نفت انگلیس و ایران و مسئله خوزستان

ب اینکه خزعل لبازداشت شد و تح ال تحفظ به تهران اعزام گردید، اما اختلافات درونی محافل حاکمه بریتان یاهمچنان ادامه داش . تمحور اختلافات در تابستان سال ۱۳۰۴ همچنان مسئله شیخ خزعلبو د. احمد عمارلونی کفیل حکومت نظام یخوزستان ب ه دستور زاهد یمشغول کار شده .ب او و ددر نیمه های تیرماه اطلاع داد از بصره تحریکاتی توس ط خان بهادر از کارگزاران شیخ خزعل دلر شرف انجام اس . تطبق اسناد این خان بهادر ربا ویلسون،رئی س شرکت نفت انگلیس و ایر اهنمکاری میکرد ؛ به واقع او عامل ویلسو نبود در بصره.هقرار بود ظرف دو سه روز آینده ویلسون به محل چون آدم انتریک کن و مفتن است ممکن است پس از ، ورود ، ، مأموریت خ و دبازگردد

۱د دو روز بعد رضاخ ابنه رئیس ارکان حرب کل « دامنه تحریکات وسعت پیدا نماید وئرا یج ع به تحریکات ویلسون نم ستحضرم » قشون پاسخ داد که از مفاد تلگراف عمارل شدم، لازم است مراتب را به وزارت امور خارجه اطلاع تا از طرف آن وزارتخانه به سفارت انگلی س پروتست و تذکر داده شود که دولت از عملیات و نن و ایلراسضی و

کند ترک را ایران باید. «هکثی حنی از ا؛ توجه جالب است دستوری این ۲

اولا رضاخان

عنوان به ثالثاً؛ کرد می مشورت دائماً لورین با او؛ بود کشوری

شخصاً رئیس الوزرا ثانيا

رئیس الوزرای کشور به طور طبیعی به وزیر امور خارجه بیشتر دسترسی داشت تا رئیس

وزیر یا لورین با را موضوع مستقیماً خود او چرا بنابراین. قشون کل حرب ارکان

دخالت در خارجه در میان نگذاشت و متوسل به رئیس ارکان حرب شد که قاعدتاً

۱. احمد عمارلویی به رضاخان، ۱۴ تیرماه ۱۳۰۴، اسناد وزارت جنگ.

۲. رضاخان به رئیس ارکان حرب کل قشون، ۱۶ تیرماه ۱۳۰۴، اسناد وزارت جنگ.

ص: ۵۱۱

وظایف وزارت خارجه از حوزه مسئولیت او خارج بود؟

رئیس ارکان حرب کل قشون هم یک هفتتعه نامهای به وزارت امور خارجه با در مورد « حسابالام ر » یاد کرد که « ولسن نام انگلیسی » طبقه بندی محرمانه نوشت و از فعالیتهای او باید به سفارت انگلی اع ستراض م یشد و اعلاممیگردید دولت از کارهای

۱

ا و ناراضی است و باید ایران را ترک نم اید روز نهم مردادماه آن سال امیرلشکر جنوب گزارش داد اوضاع خوزستا نروز به روز بد تمر یشود. عده اعراب شورشی زیادتر شده و اعراب عراق هم چه از نظر مادی و چه از نظر معنوی به این گروه می کنن مد ک. از اعراب ایران اثاثیه و اغنام خود را به خاک معرفیا فقرستند ، دسته دسته به جنگ « سوئی امیرلشکر جنوب با کنسول انگلیس در خرمشهر وارد مذاکره ش د . « حاضر م یشوند شد . « از این عمل جلوگیری خواهد » کنسول گفت با مقامات گفتگو خواهد کرد و ب ه این جانب پیشنها مد یکنند که طیارات ممکن است به کمک شما « همچنین انگلیسیها م یعنی اینکه انگلیسیها پیشنهاد دادند برای سرکوب « اعزام شود، اینجانب قبول نکرد. شورشی که به حمایت از خز عدلر شرف انجام بود، از هواپیماهای نظامی آنها در بینا لنهری ناستفاده شو . د د ر سرکوب شورشی که توسط برخی حامیان خزع سلازمان محاربی ن با دولت در حکم « داده شد، امیرلشکر از بعضی علما فتوائی گرفت که اجنبی داخل در کار و « تحلیل نهائی امیرلشکر این بود که « . محاربین با امام زمانهستند ۲ . « تحریک است

دیگ ر اینکه سر پرس ی لورین، نامه ای خطاب به رضاخارنسال کرد و از اینک ه

- قوای ایران در ضمن عملیات بر ضد اعراب یاغی در یک جزیره متعلق به پی اعدهراق «
- یعن یسر پرس ی « مأمور عالی انگلیسمقیم بغداد « شکایت کر . د او به نقل از ، « شده اند
- کاکس، اطلاع داد این واقعه روز ۲۷ ژوئیه مطابق با پنجم مردادماه صورت گرفته است .
- افسوس دارم از اینکه خاطر محترم را مستحضر سازم که دولت « لورین در ادامه نوش ، ت
- عراق نیز از تجاوزات دیگر قوای ایران به حق حاکمیت شعکراایقت دارند به طوری
- قاری ی هاز « که در مراسله ۳۰ ژوئیه (۸ مرداد) د اظهار داشتیم یک قایق توپ کشی ایران به
- تهمچنین به برخی از « [تیر انداخته و یک گاو کشته شده]! س « روستاهای بینا لنهری ن
- ۱ . رئیس ارکان حرب کل قشون به وزارت امور خارجه، ۲۳ تیرماه ۱۳۰۴ ، اسناد وزارت جنگ .
- ۲ . امیرلشکر جنوب به رضاخان، ۷ مردادماه ۱۳۰۴ ، اسناد وزارت جنگ .

زارعی ن عراقی که با قایق از آبا دا عبور م یکردهان د ، تیراندازی شده و آنها را تحت تعقیب قرار دادهاند . ضمن اینکه از رضاخا نخواستہ شد فوری دستور متوقف ساختن عملیات را صادر کند، با لحنی تهدیدآمیز نوشته ش د:

این مسئله را نیز باید اظهار دارم که مأمور عالی انگلیس این وقایع را به دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان اطلاع دادهاند، لذا مجبور هستم که در خصوص دستورالعملی که ممکن است در این باب از دولت انگلیس به دوستدار برسد حقی برای خود محفوظ بدارم .سوادى از این مراسله را جهت جناب وزیر امور خارجه

۱

ارسال میدارم . ایام شوکت مستدام باد.

منطقه در خود نامشروع منافع حفظ برای انگلیسیها که ماند می متحیر انسان حقیقتا چه تدابیری که اتخاذ نمودند . آنها از سوئی خود بحران تو لیمد ینم ودند ، از سوی دیگر خود پیشنهاد میکردند از هواپیماهای جنگی آنان برای سرکوب شورش استفاده شود ، اما درست در همان حال گلایمیکردند که چرا قشون ایران متمردين را تحت فشار میگذارند به گونهای که در این میانه یک گاو کشته شده است !؟

روز س یام ماه ژوئیه ۱۹۲۵ مطاب قبا هشتم مردادماه ۱۳۰۴ لورین نامه ا یدیگ ر خطاب به « ، رضاخان نوشت و از اینکه در اثر تیراندازی مأمورین ایرانی در روز ششم مردادماه تشکایت کر . د او گ زارش ک اکس را در مورد این ، « عده ای از حیوانات تیر خورده اس

۲

تحرکات به رضاخا ناطلاع داد و از او خواست مانع از تکرار این قبیل وقایع ش . اینها ود

همه بازی بود زیرا رضاخان دستور داد عمارلوی بیا ویل سوم نلاق ات کن د و از نی ات او سه دفعه با سر ویلسون ملاقات [ک رد] او را آدم آگاهی یابد. او هم به رضاخان اطلاع داد ا کاره ام تم باقی رس رده، ک رق ف کمپانی پلیتیک آمده ایشان روزیکه از دیدم، باک بی خشن اعتراض مورد کمپانی غالباً که حدی به [بود] شده ملغی کاپیتولاسیون ۳ گذشت، می دوستانه قونسول انگلیس واقع [می د]، حالا خوب واضح است که اوضاع منقلب و افراد

[ش]

مستخدمین انگلیسی و هندی نسبت به کلیه ای [رها] نایب هسختی و شدت رفتارینمایند،

۱. لورین به رضاخان، خصوصی، اول آگوست ۱۹۲۵ مطابق با دهم مردادماه ۱۳۰۴، اسناد وزارت جنگ.

۲. لورین به رضاخان، خصوصی و فوری، هشتم مردادماه ۱۳۰۴ مطابق با سیام ژوئیه ۱۹۲۵، اسناد مکاتبات لورین

و رضاخان، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.

۳. در اصل: میگذرد.

ص: ۵۱۳

۵۱۴ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

۱. «اگر از اول جلوگیری نشود ممکن است تولید مشکلات بشود

ویلسون به محض بازگشت به ایران شروع کرد به تحریکات عدیده، یکی از دلایل

این تحریکات آن بود که شرکت نفت، فسخ تانها و زمینهای را که در کنار تأسیسات آن

شرکت قرار داشت، برای نیازهای خود و مدیخ واست خریداری کند. در بخش ی از این خانهها

خریداری شدند که توسط شرکت خراب گردیدند، بخشی دیگر مربوط بود به مالکین

حالی که احتیاج کمپانی را به «خانه های یکه بدوا برای فروش حاضر ب، وامدناد

باز هم». خریداری خانههای مزبور درک نموده از فروش آن امتناع میورزند

دستور داده شد در اطراف موضوع تحقیقات لازم صورت گیرد و بین «حسابا لمر»

کمپانی و صاحبان املاک مزبور در مورد خرید و فروش خانهها اقدام شده و نتیجه

ش ۲ پا و دسخ داده شد «در مرکز تصمیم مقتضی در این باب اتخاذ» اطلاع داده شود تا

شرکت نفت میخواهد در اطراف قلمرو فعالیت خود و حتی مسافتی دورتر از آن کاری

کند تا منازل مسکونی وجود نداشته باشد. شد در زمانیکه خزع لقدرتی داشت شیخ عبدالله

حاکم وقت آبادان و خرمنه رخانه های زیادی را خریده و مبلغی زجئی به صاحبان آنها

ب محکومت و مرکز فشار وارمدینماین د از بابت بقیه «داده بود». اما اینک فروشندگان

ن، کارگزار سابق به اصرار کفیل حکومت ن خودزاسمت یان «پول عمارت خودشا

جلسات ی را با کنسول انگلی د سر خرمنشهر و نماینده شرکت نفت انگلیس و ایران

تشکیل داد. مقرر شد برای هر خانه خریداری شده هزار برهو پیصهاحبان آن پرداخت

کنند. اما در نهایت کمپانی مقرر کرد که این کار باید در تهران صورت دلی گیرد

اختلاف این بود که آبادان جمعیت زیادی داشت و قیمت اجاره بها بالا، ببوهدگون اهی

آن از هر کدام شده تمام قیمت از نیمی تقریباً معادل سال در خانه هر بهای اجاره که
خانه ها تمام م یشد . شرکت نفت م یخواست تقیمت تمام شده منازل را پرداخت ؛ک نامدا
مالکی ن قصد داشتند ب ر اساس اجاره بها قیمت خانه خود را دریافت ک ن.ن م دوضوع دیگر
کمپانی م یخواهد بازار جدید با پول خزعل بسازد که در حقیقت بازار و « این بود که
خانه های موجود اتباع ایران به کلی بلامصرف و قهرا خریده م یشوند ، اصراری هم در

ای ن کار دارد مخلص این است که کمپانی جد دارد در محوطه عبادان [آبادا] ن جز خود

۱. احمد عمارلوئی به رضاخان، ۳ مرداد ۱۳۰۴ ، اسناد وزارت جنگ .

۲. رئیس ارکان حرب کل قشون به کفیل حکومت نظامی خوزستان، ۱۴ مرداد ۱۳۰۴ ، اسناد وزارت جنگ .

و عملجات خودشان کسی نباشد و این در آتیه به مناسبت کنار دریا بودن ضرر سیاسی

۱. «و بزرگی برای مملکت دارد، از حالا باید علاج کرد

انگلیسیها از میرزا احمدخان [عمارلوی] ای کفیل» طبق گزارش امیرلشکر جنوب

۲. «حکومت نظامی فعلی خوزستا ناراضی و نسبت به عملیات او بمدبی بیانشند

عدم رضایت انگلیسیها از کفیل»: رضاخان البته به این نامه خصوصی چنین پاسخ داد

و این آتیه فتنه بقطعاً در دو بپراض آنها اگر چه است، تمجید باعث فقط حکومت

۳. «برخلاف مصالح و منافع دولت و مملکت خود رفتار کرده بود

روز هفتم شهریورماه آن سال، امیرلشکر جنوب ضمن ارسال تلگرافی برای

رضاخان، اطلاع داد ششم آن ماه کنسول انگلیدر اسهواز به ملاقاتش آمده و اطلاع

داده است که اعراب هنوز آرام نشان دهد و اجتماعاتی تشکیل میدهند و امکان حملاهی

خود اعراب قادر نیستند که تجدید» مجدد به مرزهای کشور بعید نیس. آی ترم پاسخ داد

حمله نموده مگر اینکه کمکی از خارج به آنها داده شود و ناچار حکومت از عراق

امیرلشکر خاطر نشان کرد که اگر حکومت «عملیات و مقاصد سوء آنها مطمع یباشد

عراق از این گروه حمایت نکنند، میتوان تصور کرد اقدامات اخیر به اشاره ای ن

حکومت نبوده است. کنسول قول داد ظرف دو روز آینده به بصره رود و با ویلسون

کلیه این قضایا به دستور سوریلسون می باشد که «ملاقات کند، هر چند به نظر امیرلشکر

۴. ب هنظر امیرلشکر، ویلسون با جلسات محرمانه ای که «توسط خان بهادر اج رام یگردد

در خرمشهر تشکیل میشود و ربط بود و با تشکیل دهندگان آنها ملاقات میگرد.

بهادر هم فردی بود از اتباع هندوس تکاهن نظارت بر املاک خزعل لبه عهده داشت،

لازم است « او معتقد بود « . قسمت عمده انقلاب و تحریکات را فرامه ینماید » بنابراین

که ه نظارت املاک خزع لرا از خان بهاد رمسترد داشته به شخص دیگری واگذار نمایند

۵ . « تا این قضایا مرتفع گردد

البته انگلیسیها هیچوقت « رضاخان باز هم به این مکاتبات خصوصی پاسخ داد که

۱ . کفیل حکومت نظامی خوزستان به رضاخان، ۲۴ مرداد ۱۳۰۴ ، اسناد وزارت جنگ .

۲ . امیرلشکر جنوب به رضاخان، دوم شهریور ماه ۱۳۰۴ ، اسناد وزارت جنگ .

۳ . رضاخان به امیرلشکر جنوب، ۵ شهریور ۱۳۰۴ ، اسناد وزارت جنگ .

۴ . امیر لشکر جنوب به رضاخان، اهوا ، ز مورخه هشتم شهریورماه ۱۳۰۴ ، اسناد وزارت جنگ .

۵ . محمود آیرم به ریاست ارکان حرب کل قشون، ششم شهریورماه ۱۳۰۴ ، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۵۱۵

او. «راضی نخواهند بود که دولت در خوزستان صاحب نفوذ بوده و مالیباندتی نماید پیشنهاد کرد که پیش از هر چیز باید در خلع سلاح اعراب مواظبت کامل به عمل؛ آورد اجحافات و تعدیات [شرک]ت نفست به مردم جلوگیری شود، زیرا تعدی از» دوم باید از طرف مأمورین دولت بیش از همه چیز موجب مرعوضایت اهالی و ایجاد خیالات فاسده در سر آنها خواهد بود و شاید مسبب عمده وقایع اخیر هم همین قضیه بوده سومین دستور رضاخانین بود که به طوایف مختلفه اعراب تفهیم شود که «است خزع تمام عوائد آنها را غصب» دولت مالیاتی مشخص از نخیلام تیگیرد؛ حال آنکه می کرد و حالیه پس از وضع این مختصر مالیات بقیه حاصل نخیلات متعلق به خودشان است شده منظور مشایخ و آنها منافع گاملا و بوده. «هشدار این به واکنش در رضاخان نوشت گرفت خواهد صورت خوزستان علیه ای حمله ن النهری بین سوی از احتمالاً که «از ای عده چنین نیست ممکن و جعلی غالباً اخبار اینگونه که م شو می متذکر خاتمه در بوسیله و ه بود مواظب گاملا بایستی شما حال هر در ولی شود، و حمله ن النهری بین جاسوسهای مخصوص از وضع ضی ات آنجا مطلع باشید و اگر در داخله هم تجمعاتی د، شو می

۱. «فورا در خلع سلاح آنها اقدام نمائید

علت اطمینان رضاخان از اینکه از خاک عراق حمله‌های صورت نخواهد گرفت، مذاکراتی بود که در پشت پرده انجام میشد؛ طرف ایرانی این مرادات کامیرلشکر جنوب بود. ساعت یازده روز نهم شهریورماه آن سال وی سلسونب آیر متلفنی گفتگو کرد. در این گفتگو ویلسو اطلاع داد اجتماعاتی که در خاک عت راقشکیل میشد،

« توس ط او ممنوع شده است وی اعراب را متفرق نموده و

و التزام سخت از آنها گرفته

ان ز ما سین وئدی اطمینان ». ک ه من بعد به هیچ اسم و رسم نبایستی به عشایر ایران کمک

د ویلسون بر ای ن « متجاسرین متواری مساعدت نخواهند ک.ر. » داد ه شد عشایر عراب قا

باور بود ک هم ایاتی که بر نخیلات وضع شده باعث نارضایتی عشایر است و به همین

۲

دلیل آنها در صدد اغتشاش ه س. تندمتعاقب این مذاکراتامیرلشکر مأمورانی را با یک

آگهی به خرمشه فرستاد و هرگونه اجحاف مالیاتی را مردود دانست و مبلغ دقیق آن را

هم به اهالی اطلاع داد.

۱. رضاخان به امیرلشکر جنوب، ۱۲ برج شهریور ۱۳۰۴، اسناد وزارت جنگ .

۲. امیرلشکر جنوب به رضاخان، مورخه ۱۰ شهریور ۱۳۰۴، اسناد وزارت جنگ .

ص: ۵۱۶

انگلیسیها و پایان کار خزعل

با این وصف شایعات در مورد حمله قارلیوق بوع عشایر مقیم بصره به قوت خود باقی بود. آیرم برای اطلاع از کم و کیف موضوع مأموری را برای برقراری ارتباط بین خرمشهر و اهواز گسیل داشت. نت خبر رسید طبق شایعات هشت هزار عرب مسلح در اهالی آن حدود از شایعات مزبوره افلوعاقده متوحش، «، صدد حمله به خرمشهر هستند تجار و کسبه اسبابهای خود را از بازار به اهالی هخودی حمل، کلیمی [ه] یا ساکن نمایند می حرکت بصره طرف به محمره. « را امور تا رفت تلگرافخانه به شخصاً آیرم داد و در وقت سده خزعل فرزند عبدالله شیخ به او گیرد، نظر تحت بیشتر « نفر چند فوراً ۱. « جاسوس به خاک بینا لنهری ناعزام و قضیه را کشف و راپرت نماید

شرکت نفت و شورش خوزستان

اینکه در خوزستان شورش در شرف تکوین بود واقعیت داشت. اما گرداننده این شورش همانطور که از اسناد بالا پیداست، سرآرنولد ویلوسد. و نماجرا در اوایل مردادماه این سال شروع شد. زمانیکه به تحریک تیم کاکس-ویلسون شورشی عشایری در خوزستان شکل گرفت که از بصره سازماندهی میشد. کاکس و ویلسونال نبته به امکان استقرار قطعی حکومت نظامیان چندان خوشبین نبودند، این است که دیپلماسی همیشگی انگلستان به میان آمد. دطبق این دیپلماسی شرط عقلانیت سیاسی اقتصمضیا کرد تا ا کلیه تخم مرغها را در یک سبد نگه؛ ذآآمرنددیم و به هر دلیلی رضا خادرن انجام برنامه آنها ناکام مناد، در آن صورت تکلیف چیست؟ آیا حمایت از رضایانق خاندنر برای منافع بریتانی ارزش دارد که کلیه یاران سنتی از خانواده السلط طال ن گرفته تا شیخخزعل و برخی خانوادههای بختیاری و دیگر سران ایلات و عشایر را قربانی کرد؟

نکته دیگری هم وجود داشت و آن اینکه دولت وقت از ترس واکنشهای احتمالی

داخلی، در به رسمیت شناختن علنی دولت عراق و تصدیق قیمومیت انگلستان بر آن،

تعلل کرده بود. دولت می‌تواند بیم از احتمال واکنش منفی محافظان مذهبی باشد. در ضمن

اینکه در مورد آتیه عراق ترکیه همین محافظان سیاسی انگلیس اختلاف نظر وجود داشت.

۱. امیرلشکر جنوب به ریاست ارکان کل حرب، مورخه ۹ شهریور ۱۳۰۴، اسناد وزارت جنگ.

۲. برای نگاهی به این اختلاف نظرها به ویژه به فصول سوم تا ششم این کتاب مراجعه شود:

(Harold Nicolson: Curzon, the Last Phase, (London: Constable Co LTD, ۱۹۳۷).

ص: ۵۱۷

اما دلیل امر هرچه ب ، و دو یلسون رئیس وقت شرکت نفت انگلیس و ایگراهن اینک در بصره اقامت داشت، شروع کرد به تحریک برخی عشایر برای حمله به اماکن دولتی در خوزستان . در این شورشها چهار تن پلیس زخمی شدند اما بازارها غارت شد و برای مدتی خوزستان در بحران فرورفت . تاین قضیه درست متعاقب ورود سر آرنولد ویلسون رئیس شرکت نفت انگلیس و ایرانو مشاور حاکم انگلیسی بصره رخ داد، اسلحهای هم که هدر اختیار شورشیان قرار گرفته بود شبانه با اتوموبیلهای شرکت نفت حمل شده و به

۱

آنها رسانیده شده بود.

کفیل حکومت نظامی خوزستان در تلگرامی مفصّل ، انگیزه های این حرکت را توضیح داد . به نظر او یکی از انگیزه های این عملیات میتواند فشار وارد آوردن بر دولت ایران باشد تا رژیم دست نشانده عراق را به رسمیت شناسد . کنسول انگلیس در که دوستانه حل « به عنوان مصلحت برای چاکر پیغام داد راجع به این موضوع » خرمشهر اظهار داشته خود شما با ماژور ویلسون مستشار حکومت بصره « و فصل شو . دکنسول ا کنسول انگلیس در اهواز هم چنین « ملاقات دوستانه نموده استرداد اشرا را بخواهی . د و داشت نظری « است عراق دولت شناسائی کلیتاً مقصود . « این تا شد می زده حدس این تحریکات در سرحد باقی خواهد بود، ممکن است فردا از « قضیه حل و فصل نشود

۲ . « طرفهای دیگری شروع شود

معلوم بود رضاخان با این موضوع مشکلی نداشت؛ بلکه در نامیه خطاب به

بهاکام محمدرهستور دهید بر طبق « کفیل حکومت نظامی خوزستان دستور داده شد

- تصویب مجمع ملل در نقاطی که فاقد ییندما ه حکومت بینا لنهرین م یباشد ، اظهارات قونسولهای انگلیس راجع به اتباع بی نالنهری ن را مورد توجه قرار داده و بپذیرند؛
- ذرا دین یعنی پذیرش قیموم بت ریتانیا .» حکومت محمره این دستور را به موقع اجرا گ ، شد می زده دامن ویلسون توسط که شورشی طبعاً شد، اجرا دستور این وقتی . عراق بر فرونشست و تعداد زیادی از کسان ک ی ه فریب وعده و وعید او را خورده بودند به بصره فراری شدند و عداهی ه م متفرق گردیدن . د کفی ل حکومت نظامی خوزستان بر این باور ، اسناد وزارت جنگ ۱۳۰۴ و شهریور مرداد ، احتمالاً گزارشها درباره شورش خوزستان . ۱ .
- ۲ . احمد عمارلوئی کفیل حکومت نظامی خوزستان به رضاخان، ۲۶ امرداد ۱۳۰۴ ، اسناد وزارت جنگ .
- ۳ . رئیس ارکان حرب کل قشون به کفیل حکومت نظامی خوزستان، اسناد وزارت جنگ .

بود حال که این گروه متفرق شده‌اند، باید آنها را به حال خود رها ساخت. این نظر به از عرض «اطلاع رضاخان رسید؛ ما رئیس ارکان حرب کل قشون اطلاع داد که این نظر گذشت، فرمودند اشرار بایستی حتالایمکان ج ل بیا اعدام شوند، تفرقه آنها صلاح

۱۱ گ ر دست شرکت نفت انگلیس و ای ردارن پشت شورش برخی عشایر ناآگاه». نیست قرار داشت، چرا این بخت برگشتگان باید اعدام میشدند؟ معلوم است رضاخان که در مقابل فرامین مأمورین ناگلیسی آنهمه تسلیم بود، با سکنه کشور خود چرا با خشونت برخورد می کند؛ کارکرد او و قشونش سرکوب نیروهای داخلی بود به منظور امن ساختن سرمایه گذارهای انگ لستان به ویژه در منابع نفت جن . و ش باهد مدعا این است که هقشون او هرگز در هیچ نبردی علیه قخوااریجی شرکت نک ر. دحتی زمانیکه متفقین هوا به و شد دود کند، شلیک تیری اینکه بدون تقریبا او ارتش آوردند، هجوم کشور به رفت؛ زیرا شخص او دستور عدم مقاومت صادر کرده. ک ب ساوندی هم که اندک مقاومتی کردند، ی ا عرق میهندوستی داشتند و یا از تصمیمات رضاخان بیاطلاع بودن د.

د ر مورد انگیزه شورش برخی عشایر خوزسوتعال نت حمایت شرکت نفت انگلی س و ایرا ناز آن، نظردیگری هم وجود داشت و آن اینکه انگلیسیهاب ا ساختن راهآهن سراسری کشور از مبدأ خرمشهر مخالف بودند؛ کمااینکه در مجلس د، و م ویلسون ه زمان هم ریاست حفاظ ت از شرکت نفت انگلیس و ای رران عهددا هر

ک آن

بود، در این باره مذاکره کرده و به عنوان منفعت ایران اصرار داشت راه آهن ایران از قصرشیرین به مدیتران هوصل شو . د همان زمان هم او بر این باور بود که راه ی کآههن

مبدأ آن خرمشهر باشد به زیان ایران بود هو دیگری که ه مبدأ آن قصرشیرین نود برای
از آبادی محمر هکه مستلزم خرابی بغداد « کشور نافع است . طب ق این گزار شانگلیسیها
کنامد مسئله « . است متوحش و سعیمیکند دولت در این قسمت موفقیت حاصل ن
مهم تر که به عنوان نظر سوم مطرح شده است این بود که شرکت نف نم یخ تواهد
سیاست داخلی و خارجی « دولت مرکزی در خوزستان اقتدار داشته باشد مو یخواهن د
ب ه دست کمپانی که مثل خودشان باشند از قبیل شیخ « ن باشد یا « آنجا به دست خودش ا
و مقصود اصلی این است که اغتشاشی در آنجا تولید شود که به دولت بفهمانند که
۱ . رئیس ارکان حرب کل قشون به احمد عمارلویی، ۲۴ مرداد ۱۳۰۴ ، اسناد وزارت جنگ .

وجود مثل شیخ در خوزست الانزم است چنانچ هدر کاغذجات متجاسرین به همدیگر از

این مضمون دیدهمیش ود . طبق این نظر دلیل « قراری که اشخاص موثقخوانده اند

اصلی شورش عشایر که عبارت بوده است از خشونت حکام نظامی، مالیات نخلستانها

و ناخشنودی عوامل خزع لو عشایر م یحس ن و پراهیا ز شیوخ همه فرع بر این علت

اولی ه یعنی بحث ضرورت دوام قدرت شرکت نفت انگلیس و ا سایر تا ندر منطقه،

۱. « این است اصل موضوع و حقیقت امر »

ب هزودی گزارشی دیگر از المی شرگر جنوب که اینک در اهوا بزه سر میب رد واصل

ش د که طبق آن سرآرنولد ویلس ودر خاک عران قزد محمد کنع ارف نته که یکی از

محرکین اصلی اغتشاشات اخیر بود و نهار را هم آنجا صرف ه اسکر تد. نکته مهم این

۲ در پشت «. س رویلسن وکیل علاقجات خزع ول در این قضایا ذینفمعیاشد » بود که

صحنه دستهای عداهی از کسان متمول خزع لدیده م یشد که مشغول تحریک بودند،

برای محلی مسئولین . رفت اشارت آنها به اجمالا که داشت وجود هم فرعی دلایلی اما

ای اجاره خانه مثلا اینکه جمله از ؛ داشتند پیشنهادهایی منطقه به آرامش بازگردانیدن

پیرمردیست در محمر هو با اجاره دو خانه زندگی « حاجی میرزا غلامحسین طهرانیکه

نظامیان تصرف [کرده] او س یتومان « داام شات ه « می کند یکی را صد و پنجاه تومان اجاره

به او بازگردان ن. داین خانه در شورش ارحبیه کلی ویران شده بود ، « اجاره م یدهند

مدسئله دیگر « ن امر به تخلیه فرما.ین « اینک مقامات خوزستا نتقاضا داشتند رضاخا

اندیشیدن تمهیدی برای آبادی اراضی خوزستابونند. یکی از پیشنهاد هاد این بود ک ه

خوب است دولت از کوی و ت بصر هکتر مالیات بگیرد که اعراب بمانند و الامی روند «

« و اگر تخفیف برای آورندگان ماشین زراعتی داده شود آباد میشود

مشهور که خود بعدها از ارک انحکوم ترضاش اه « سیدمحمدعلی شوشتری » بعلاوه

شد، همراه با حاجی سیدمحمدتقی تاجر شوش رتقیاضا داشتند به آنها اج از ه داده ش و د

ب هجای کالاهای خارج، یماشینهای کشاورزی وارد کنند و حاشیهایی ش ال طع رب را آب اد

می گیرند دریافت نشودت ا « اجانب » نمایند . تقاضا شده بود از آنها گمرکی بیش از آنچه از

ب هاین شکل مقدمات آبادانی خوزس تفارناهم گرد . د ب هاداره مالیه هم گفته شده ب و دای ن

۱. احمد عمارلویی کفیل حکومت نظامی خوزستان به رضاخان، ۲۶ مرداد ۱۳۰۴ ، اسناد وزارت جنگ .

۲. محمود آیرم به رضاخان، ۸ شهریور ۱۳۰۴ ، اسناد وزارت جنگ .

تقاضا پنج ماه است بدون جواب مانده و بهتر است زودت رج واد بدهن . م شك لدديگ ر بانك شاهنشاهى بود كه ب را يمب ادلا تتج اريه ي چ ارزي ج زلي ر هاس ت ق رلينو گل ددر اين شرايط نماينده . « اسكناس خود را تحميل نماي » نميكر د. اين قضيه براي آن بود تا برا يجلوگيري از تج اوزا ، ت « وزارت فوائد عامه هم نميتوانست كاري انجام ده.دپس موضوع ديگر به شركت كشتيراني لينچ مابزگشت كه چ و ن واردات « نم اينده لازم اس . ت خويش را به طور غيرقانوني با كشتيهاي خود انجايمداد و البت هگم ر كاجن اس وارد رت ادرب ي « قري ب صدهزار تومان در سال ضرر دول » ، شده را هم خود درياف م تي نمود داشت . در اين ميان كاركنان گمر ك هم حق و ح سا بخ و د را درياف ميدا تشتن د. در شركت رضوي حاضر است با شرايط لينچ قبول كند چون قاچاق ندارد و منافع به « مقاب ل و « اجنبي را به خودي ترجي محيدهند » در شرايطي كه برخي « اجزا و رؤس انمي رسد تجا ر به كشتيهاي ايراني بانر ميدهند ، اين كشتيها ضرر ممي كنن د. بنابر اين تقاضا شده بود حمل بار با همان شرايط شركت لينچ به كشتيهاي ايراني داده شود و آنها هم آن شرايط را قبول مي كنند. آن كسي كه در پيشنها هداي شركت رضوي كارشكن م يي كرد ، م ع ي ا نلتج ا ر به جاي مساعدت به اسم حاجي معين « بوشهري بود؛ كما اينكه مسئولين اداره فوائد عامه ام ا دارد .» د رصذور حكم مسامح ه دارن ددر صورتيك ه ح اج يمع ي نح قدخال تن معين التجار بوشه ري خود از ار كان قدرت رضاخابون د. او كسي بود كه رضا خارانبراي نيل به تخت طاووس بسيار ياري كر د.

از سوئي اوليای امو، رضاحبان املاك را در آبا دامنورد آزار و اذيت قرامريدادند و

چون دولت در « پول املاك مصادراهي آنه ا را هم پرداخت ن تميكردن د. از اين بالاتر

عبادان مفتش و محاسب ندارد میزان عایدی دولت از نطف بنزی نو و غیره معلوم نیست، شاید حقوق از قرار صدی شانزده بالغ بر دو میلیون لیره بشود و لوله‌ها که یکی بوده حالیه چهار لوله شده باز همان عایدی سابق م‌یرا دهند و کمیسر در لندن آنچه کمپانی کند می تصدیق بنویسد. «بعلاوه» نفر یک مَثلا است بد خیلی عملجات با کمپانی رفتار در ماشین قطعه قطعه شد، ب‌درادش خواست طلب او را از کمپانی بگیرد که او را کفن و مشکدل دیگر نوع «. دفن نماید، [اما] یک روز در کمپانی و یک روز در نظمیه حبس مکاتبات کمپانی با رؤساء دوائر» برخوردار کمپانی بود با دوایر دولت طبق همین گزارش استخدام کارگر خارجی. «دولتی به طور حکم است و آنها هم مطیعانه جوا بمیدهند

با اینحال « ممنوع است و کمپانی باید کلیه کارگران خود را از نیروهای بومی بگیرند
دادن ردحالیکه ». برای خرج تراشی و اگر لازم شود بعنوان قشون چندهزار عمده اجنبی
انگلیسیها از امکانات بهداشتی بالائی برخوردار بودند، ایرانیها از پیش پا ت افت ریاند ه
برای صحیه ایرانیها لازم است آنها « امکانات مزبور محروم بود ن. دبنابراین پیشنهاد شد
». را مثل اروپائیها معالجه نمایند یا در معالجه آزاد باشند

شرکت نفت انگلیس و ایرانی نش از حد مقررات زیخ و د در اراض یم رد مت صرف
می کرد. بنابراین گفته شد باید این تصرفات با اطلاع و تجویز دولت و مهندسین باش. از د
خرمشهر هم گزار شمی شد کمپانی هر روز به تعدیات خود نسبت به ایمرانی یا هفازاید،
هندیه ا در عمارتهای عالی با تمام وسائل زند گمانی یکنند ایرانیها نه خانه، نه فر، ه شی چ «
هم چراغ آنهاست و « ندارند. ایرانیه ا چیزی را به نفت آلو دمهیکنند و آتش میزند این
در یک شهر دو حکومت، دو نظمی، « خ. از این گذشته در خرمشهر یعنی « ه موسیله طب
د و بلدیة دیده نشده است که اینجا دارد؛ بنده با کمپانی کاری ن دارم و به عملجات ه م
همی ن قدر به اشاره در اینج ا « . مربوط نیستم ولی دل انسان به حال این مس لمان ی هسازد
یادآوری می نمائیم، ای ن مجموعه گزارشها نقشی غیر قابل انکار در تصمیمهای آتی برخی
از رجال کشور برای الغای قرارداد داری دا. ش دت ر مباحث آتی ک هدر مجلد دا تدیگ ر
این ر سال ه مورد بحث واق عمی شود خواهیم دید نه تنها این گزارش ه ا در بهب و دوضعی ت
کارگران ایرانی شرکت نفت انگلی و س ایران هیچ تأثیری نداشت، بلکه منجر به بحرانه ای
سیاسی و گرفتن جان کسان میی شد که میخواستند حتی در چارچوب همان قرارداد
داری حقوق ملت ایران و کارگران رنج دیده کشور را احقاق نمایند د.

یک ی از مشکلات خوزستا، نمسئله معارف آنج اب . اوزد علل نفاق و شقاق اهالی
اعراب و ایرانیها زبان یک دیگ ر « خوزستان می شد مسائل زبان را مورد تأکید قرار؛ ز دایدرا
به واسطه معاشرت، وصلت و معامله نفاق مرتفع و خیلی ک مش د هلذا « اما . را نمی دانند
پیشنهاد م ی ماید مقرر فرمایند در عوض انگلیسی و فرانسه که به پول دولت و اعانه مردم
درس می دهند، فارسی و عربی معمولی تدریس نمایند؛ هرکس زبان خارج میخ هواه د
همچنین دانشآموزان مشقهای نظ امی « تحصی ل کند در غیر مدارس دولتی و ملی بخوان. د
ببینند؛ امری که در گذشاتهی ن هچندان دور معمول بود و اینک متروک شده . اس زای ت ن
گذشته باید برای مسئله اشتغال مردم فک مری یشد. طبق همین گزارش صنایع، کشاورزی

ب هویژه استحصال شکر، نیل و منسوجات ابری شمی یوان ددر خوزستان صور تپ ذیرد

۱

و یا صناعی که در این رابطه وجود دارند، ارتقا داده شون د.

ب اوجود حکومت خزعل لدر محمر هکمپانی نفت جنو بهمه نوع « علاو ه بر همه اینها

تصرفات و مداخلات غیرقانونی در خوزنست امی کرد و آن ایالت گویا ملک طلق کمپانی

دیگت راینکه ه «. بود و خزعل لاز برای اجرای مقاصد استعماری کمپانی بهترین آلت یاس

کمپانی، پ ولیس مسلح تشکیل داد و مأمورین سیاسی نگاه میداشت و خانهای مردم را «

در عبادان به زور خزعل تصرفینمو د و اگر یکنف ر از اهالی مأموری ندول تبر

عملیات خلاف قانون کمپانی اعترام ضعیف کرد، فوراً خزعل او را تهدید یا تبعیدینمو دو

ارتباط و بستگی خزعل ب لارئیس کمپانی در خوزستان محتاج به دلیل و برهان نیست و از

۲

«. این جهت بود که مأمورین سیاسی انگلیس اینهمه طرفداری از خزعل مینمودند

بالاخره هم رضاخان، ن خزعل را وادار کرد تا انامی هخطاب به فرزندش عبدالله

بنویسد و از عملیاتی که به نام او صومریتگرفت تبری جوی. دخزل از فرزندش

خواس ت این نامه را که به صورت تلگراف مخاب رمهیش، د نه تنها به سران ایلات و

عشای ر منطقه، بلکه به مطبوعات بینال نهری ن مصر و سوریه

، هم بدهند تا طبع نمایند و

عموم مردم بدانند این وقعه غیرمترقبه اخیر م حمجرزه فرع بدبختیها چیز دیگر نبوده و «

اگر مرتکبین « خزعل وادار شد بنویسد یا از قول او تلگراف ارسال کردند که ». نیست
این حرکت خلاف برای دوستی با من این اقدام رمنتغظیره را کرده باشند یک دوستان
با که هستند دشمنانی اگر و برآمد آنها دماغ معالجه مقام در باید احمقی هستند که بدوا
کلیه، « لباس دوستی م یخواهند آخرین ضربه مهلک خود را به هستی من وارد سازند
بندگان » آشنایان و کسان او باید در صدد جلوگیری از آن . ب خرزآی عنل داز مراحم
ه یاد کرد که از « حضرت اشرف اعظم ریاست عالیہ کل قواء و رئیس الوزراء دامت عظمت
بدو ورود تا آن زمان در حق او مبذول داشته شده بود. خزعل نوشت، ب یم دارد
نصی ب ش « عواقب س وء » تحرکاتی از آن دست که در خرم شرهوری داده، باعث شود تا
فوقال عاده نگرانم این دشمنیائی که در لباس دوستی نسبت به من در آنجا » گردد و
». میشود، مراحم سابقه را مکدر نماید

۱. اسناد وزارت جنگ ۱۳۰۴ مرداد یا شهریور، احتمالا مجموعه گزارشها درباره اوضاع خوزستان .
۲. ناشناس به وزارت امور خارجه، محرمانه، نمره ۵۰۴۹، مورخه ۱۴ مردادماه ۱۳۰۴، اسناد وزارت جنگ .

اشرار آنجا در ضمن « ابراز خوشوقتی کرد که « از صمیم قل ب » خزعل در این نامه
وقعه اخیر گوشمالی سختی داده شد که دیگر مجال این بیل دشمنیها برای کسی باقی
بالا را اینکه او نوش ، تاگر دولت رضاخا ب نه تنبیه این عده مباد ن رم ت یکرد ، « . نیست
خود من مجبور بودم که با آخرین قوه خود به محو آنها اقدام کنم تا همه بفهمند که «
دهر سختات ممه او به « . م نسبت به دولت معظم خود صدیق و صمیمی و فدوی
اگر علاق همنند به من هستید فوقالعاده مواظب و مراقب باشید « فرزندش توصیه اکید کرد
ک هدشمنان من لباس دوستی پوشیده خیال مرا راحت بگذارند که همانطور که تاکنون
۱ . « طرف توجه بودها ، م من بعد هم این توجه درباره من برقرار بماند
۱ . شیخ خزعل به شیخ عبدالله، مورخه ۱۵ مهرماه ۱۳۰۴ ، اسناد وزارت جنگ .

به این ترتیب رضاخان برای پیشبرد مقاصد خود به قول یحیی دولابا تدی

بیعاطفه ترین افراد ملت را که در هر کسوت موجودند و هر یک در عالم خود [ب] ه «

بیشرفتی شناخته شده‌اند اطراف خود جمع کرده است و آنها وی را پناهگاه برای

استفاده های خصوصی خود قرار دادند، او هم از ب ق یید و شرطی آنان استفا دمه یکنند ؛

در ای نصورت اشخاص با وجدان البته ملاحظه دارند که رشته امور مملکت به دست

۱ گرچه دولت آبادی به هر دلیلی رضاخانکه آن زمان رئی س « اینگون ه افراد نیفت . د

دول ت بود مردیمیداند ب ی علاقه به سیاس ب تازیهای بیگانگان، لیکننمیتواند نگرانی

اگر به مقام سلطنت رسید آیا اطرافیان کنونی خود را طرد « خود را پنهان سازد که

خواهد کرد و زمام امور به دست اشخاص با وجدان دووسطنت خواهد داد یا همین

اشخاص بد همه چیز، مصدر ا ممر یگردند . اولی مشکل به نظر میآید و دومی برای

مملک ت خطرناک خواهد بود، این است که تکلیف آزادیخواهان از پ ورطسنتان از

۲

« . نمایندگان مجلس شورای ملی بسی مشکل شده است تا پیشآمدها چه اقتضا نماید

یکی از تجار تجددخواه که مدتی در خارجه بوده است و اکنون در « دولتا بادی از

یاد میکند ۳؛ لیکن نام « تهران میان تجار عنوانی دارد و با سردا رسپه نیز بیربط نم یباشد

۱ . حیات یحیی، ج ۴، ص ۳۲۰

۲-۳۲۰ . همان، صص ۳۲۱

۳ . همان، ص ۳۲۴

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

اورا ذک رنم ینماید. ای ن فرد نزد دول آب تاد یم ی آید و از اقدامات رضاخ اتمجید مینماید و گلایه میکند که چرا رجال مهم کشور با او هم کنار بیکنند. دولتآبادی مینویسد او پیشنهاد کرده رضاخ اینک مجلس مشاوره خصوصی تشکیل دهد و با مشورت آن ان کار نمای. ددولتآبادی نام پانزده تن را نوشت و به آن تاجر داد تا به رضاخان دهد و رضاخان هم از بین آنان کسانی را که صلاح میدانند برگزیند. بعد از دو روز رضاخانز بین آنان هشت تن را انتخاب ک؛ رایدنها منفردین مجلس بودند که عبارتند از: میرزا حسن خان مستوفی الممالک، میرزا حسینخان مشیرالدول، دکتر محمدخان مصدال قسلطنه، سیدحسن تقی زاده، میرزا حسینخان علاء و یحیی دولتآبادی و نیز دو تن از خارج مجلس یعنی مهخادی نقل ه یدای ت و محمدعلی فروغی ۱؛ با این توضیح که دو تن اخیر خود از کارگردانان تحرکهای ر ضباه خمانظور دستیابی به سلطنت به شمار میرفتند.

احمدشاه و تلاشهای نافرجام

د ر ملاقاتی که لورین برای معرفی هارولد نیکل، س و منستشار جدید سفارت با رضاخان انجام داد، به صریحری ن وجهی از زبان او شنید اگر در گذشته ان گدلرستان مسائل داخلی ایران دخالت کرده از سر اجبار بوده است و او م یخواه د وضعیتی به وجود آورد که دیگر نیازی ه بمداخله مستقیم نباش. در رضاخان گفت، ایرانی نیرومند

۲

میتواند بخشی از بار سنگین مسئولیت بریتانیا در آسیا را به دوش گیر د.

۱۹۱۹- پی ش از این ماجرا، شاه در پاریس ملاقاتی با کنلن و یککامه سالهای ۱۹۲۰

وابسته نظامی بریتانی ادر ایران بود، انجام دادشاه در این ملاقات گفت حاضر است
به رضاخان دهد؛ با خود کامگی رضاخان مخالفتی نکن؛ د « موسولینی » نقشی مثل نقش
علی ه او دست به اقدامی ن؛ زن ادما رضاخان در مقابل تعهد سپارد که علیه سلطنت کاری

۳

انجام نم یده د. اشاره احمدشاه به موسولین ب یهوده نب. وادو نه تنها الگوئی برای
زاممداری در نزد برخی ایرانیان و حتی امللشع کرای بهار به شمار م یرف ت، بلکه

۱. همان، ص ۳۲۵

۲. Loraine to Chamberlain, Tehran, ۹ December ۱۹۲۵, FO. ۴۱۶/۷۸.

۳. Wickham to Victor Mallet, Paris, ۲۵ February ۱۹۲۴, FO. ۳۷۱/۱۰۱۴۴.

ص: ۵۲۶

نمونه ای بود از حکوم ه تای دیکتاتوری بعد از جنگ اول ک جهها نچیکومتش
تفاوتهای روشنی با جنبشهای دیگر فاشیستی داش . تبودند کسانی مثل مل کالشعراي
بهار ک هنه تنها قبل از اینکه رضاخ امنحلی از اعراب داشته باشد، حتی بعد از اینکه او
وزارت جنگ را قبضه کرد، در او به چشم یک مو سنول گیان ه یمیکردند و از او انتظاری
جز نجات بخشی نداشت ند، ب هار حتی برای سردار سپه رباعی هم میسرود، از جمله:

سردار سپه راست دلی روشن و صاف

چون آینه و رف ی ع چون قله قاف

از او عملست و از دگرم ردان لاف

سردار سپه شدن نم تیوان شد به گزاف ۱

ب ه واقع بعد از جن ا گول جهانی یک موج ضددمکراتیک و هواخواه دیکتاتوری از
جنبشهای نیمه توتالیتیر گرفته تا توتالیتیر سراسر ا رراو پدار نوردی . د در ایتالیای آن زمان
جنبشی فاشیستی در جریان ب . و ددامنه این جنبش تا کشورهای اروپای مرکزی و
خاوری گسترش یاف . تموسولینی با اینکه از اصطلاح دولت توتالیتیر خو شمش یآمد ،
ام ا هرگز تلاش نکرد نظامی از آن دست که بعدها ت شهیت کلیرل داد، به وجود آورد؛ در
واقع او فقط دولتی دیکتاتوری و ت حزب کی ت تشکیل داد . دولت هائی از آندست در
سالهای پیش از جنگ دوم جهها نذیر رومانی، کشورهای بالتی، کمجارستان، لهستان،
پرت غال و اسپانیای ژنرال فران کتوشکیل شده بدو . اما مسئله این است که تحركات
رضاخان نه فاشیستی بود و نه مبتنی بر باور به اداره کشور توسط حزبی . او درواحد
صدد ایجاد دولتی بود که وجه مشخصه آن نه دیکتاتوری بلکه خود کامگی محض . بود

در این دولت برای احمدشاه البت هن میتوانست جائی وجود داشته باشد .

اندیشه تأسیس دولت پادگانی در نشریات مدافع رضا، ب خاه نویژه روزنام شهفق

سرخ و نشریه نامه فرنگستان بسیار برجستهتر از سایرین ب و.دمشفق کاظمی در نخستین

سرمقاله نشریه نامه فرنگستان ، درست در بحبوحه بعد از بلوای جمهوری و حوادث

رهانیده است ؛ ولی « استبداد سلطنتی » منجر به قتل ایمبر ن یوشت ایران اینک خود را از

۱ . تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۱۰۱

ص:۵۲۷

اکنون به یک دیکتاتوری قانلابی نیاز دارد که تودهای ناآگاه را به زور از چنگک «

۱ در مقاله ای دیگر حمله علیه روحانیان شدت گرفته . ب و ددر « روحانیت خرافاتی برهان . د

به « ملایان مرتجع » ای ن مقاله آمده بود در کشوری که ۹۹ درصد آن رأی خود را با نظر

تا بتواند حیطة نفوذ « موسولینی » صندوقها می ریزند ، تنها امید ظهور فردی است مثل

۲

مسئولی ن سنتی را از میان بردارد و ملت و ملیتی متجدد به وجود . از دی آ دگوارهد

مشفق کاظمی مهمترین اصلاحات در کشور بیرون راندن روحانیون بود از صحنه

سیاسی کشور و امحای خرافات عمومی؛ ب ه نظر او اینکار هم فقط به دست ی ک

میتواند محقق شود . « دیکتاتور »

ی کسالی بعد از این مقالات آتشین بود که را ضاز ا خباونالقامس معمی ، دوزیرمخت ار

ایران در ایتالی، ا خواست با موسولین م یلاقات کند و جالت بر اینکه نشانی از سوی وزی ر

جن گ ایران به او تقدیم نماید . ملاقات روز سه شنبه چهاردهم تیرماه سال ۱۳۰۴ ساعت

ح ضر تاش ر فاق ای « پن ج بعد از ظه ر صور تگرف . درتاین ملاقات گفته شد

رئیس الوزراء با یک نظر تحسینی متوجه به اقدامات و مساعی حالیه ش م اه ستن د و ب رای

ا برا ز مودت و احترام قلبی خودشان نسبت به شما مرا مأمور انقد رمکوه دنهشان قدسی را

ام ج ان سرت م ال م ک اب را و ع مطب ت مأموری ن ای ک این و نمایم تسلیم شما به شخصا

موسولینی برخاست و نشان را دریافت کرد و از این ابتکار اب را زم سر تنم . ود . . میدهم

حضرت اشرف آقاپرئیسال وزراء فو ا قلعهاده علاق همین ده ستن دک هدر « در ادا مه از اینکه

سمت ق در خصوص مخ ث حی ه هم از ت مملک دو بین روابط شما زمامداری حالیه دوره

مسی و موسولین ی اس ممب ار ک « د صحبت شد . طب ق این گزارش ، « اقتصاد ی بسط پیدا نمای

حضرت اشرف را خوبمیدانست و گفت صفات ل عیا های شان و خدمات ی را ک هبرای

ش ر ح « د ر گفتگو با مطبوعات ایتالیهام وزیرمخت ار « . مملکت خودشان نمودانهد، می دانم

ایران « اجطرا لایع د رسانید تا « مساع ی عالیه و احیاکننده حضرت اشرف را جزء به جزء به

در پایان نوشته شد « امروز ه و زمامدار توانا و مقتدر او را به هموطنان خود ب شناسانن.د.

مستدع ی است مقرر فرماید تمثال مبارک را که در حین حرکت از حضور مبارک استدعا «

کرد م به قطع بزرگ برای فدوی بفرستند که برای تزئین طالار سفارت خیلی لازم اس تو

۱-۱ . مشفق کاظم ی: ما چه میخواستیم؟ نامه فرنگستان، ش ۱، اردیبهشت-تیرماه ۱۳۰۳ ، صص ۱۱

۱۵۴-۲ . مشفق کاظم ی: مطبوعات ایران، همان، صص ۱۶۰

ص:۵۲۸

چون جرائد نیز در ضمن ذکر احترامات حضرت اشرف دامت عظمته تمثال مبارک نی ز را خواهند خواست، مستدعی است امر و مقررفرمانین ددو قطع هتمثالمبارکب هقطع

۱. «کوچکتر نیز ارسال شود که لیدیالاقتضاء به جراید داده شود. امر مبارک است

وزیرمختار همچنی نمصاحبه ایمطبوعاتی هم با روزنامه تریبونا انجام داد که

گزارشی از آن را برای رضاخان ارسال نمود. در این گزارش عمیددر پاسخ به پرسش

خبرنگار در مورد رضاخان و علت اعطای نشان به موسولینی گفت:

هرچند ما حضرت اشرف آقای رضاخان الوزرا رئیس

شخصا مسیو موسولینی را

نمیشناسند ولی عملیات ایشان را فوق العاده تقدیر مینمایند و برای اظهار محبت

و علاقه خود نسبت به شخص موسولینی اقدام به اعطای این نشان فرمودهاند.

او در تالار سفارت «تمثال» رضاخان چه کرده بود که به موسولین نشان اعطامیکرد و

ایران در رم آویخت مهی شد؟ اینها همه شاهدهی بر این بود که رضدایخگان رخ و دران

ابهاشدمحاکه حالیت در این نمود، می محسوب شاه عملا بلکه کشور، الوزرا رئیس

غفلت ذاتی خویش، راه را برای صعود بیش از پیش او به قله قدرت هموار میساخت.

احمدشاه نمی دانست رضاخان به هیچ تعه دی در برابر او پبن دنایس ت و برای

عملیات خیانتآمیز رئیس الوزرای ش هیچ حدینمیتوان تصور کرد. در رضاخان ب هسادگی

و عده می داد و پیمان میشکست، او به هیچ عهدی ونفماید نمود. رضاخان در ضمیر آگه

خوش مثل دروغگوئی بیمار رفتار می کرد. او همیشه تلاش میکرد و در وضعیت

دفاعی نشان دهد، این روانشناسی کسی است که هاز پیمانش کن یحری فواهم هدارد و

خیانت او را قری ال بوقوع میب یند. رضاخان مثل همه جباران تاریخ قصد داشت نشان دهد
میخواهد علاج واقعه را قبل از وقوع بکند، او ای تشبهه میب ارک ان دک ههمی ش ه در
معرض دسیسه است و از روی لاعلاجی دست به اعمما یلزی د که از آنها ب و یخیانت
ب ه پیمانها و میثاقها مآی ید. حذاق ل از روزی ک هکودت ایس و ماس ب ف هنتی دج هر سید،
رشته ایلا یلقطع از فتنه و خیانت، دسیسه و دهشت و بحران و تولید وحشت م سی را او را
بهسوی قدرت مشخص میساخت. رضاخان همیشه وانمود میکرد به صورت لاعلاج و
از روی ناگزیری ناچار بوده است غدر و مکر پی ش هکن د، دیگ راینک هاو در راه احی ای
۱. وزیرمختار ایران در ایتالیا به رضاخان، ۲۶ تیرماه ۱۳۰۴، اسناد وزارت امور خارجه .

۵۳۰ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

عظمت ایرانزمین ناچار بوده دست به اقداماتی بزند که بوی خیانت و دسیسه داشته اند.

اینها هم ه مقدمه ای عملی بود بر تأسیس نظام خودکامانهدیش هتأسیس رژیمخودکامه

پرد ه از یک حقیقت تاریخی و معرفشن تاسی ب ر م دارد:

ی جباریت و خودکامگ یفق ط

عبارت از شخص جبار یا او بعلاوه همدستانش نیست، بلکه هش ام لزیردس و رعایتان،

یعنی قربانیان خودکام ههم می شود. همانهای یکه جب ار را ب همن صب یک هدر دس تدارد

رسانده اند. اندیش هخودکامگی و بالاتر حکومت وحشت تازگی ندا؛ شدتته اشخ صی ت

سیاسی به صورت بالقوه همه خود نوعی خودکامه بودن د. د راین میان این رض اخبانود

ک هتا مرحله کسب قدرت مطلق پیش رفت و اشتیاق نشمدهناری خود را برا یهمت ای یبا

جباران تاریخ به نمایش گذاش. ت توفیق رضاخان مرهون نبوغ داهیان ه او نب، ب ولدک های ن

شرایط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کشور بود که راه را برای صعود او مهی اس. اخت

مردم ایران سالها قبل از رضاخازی نرفشارهای مضاعف اقتصادی و سیاسی قرا رداش تند،

لیکن حکومتهای وقت قادر نبودن دای نم شکلات را رف عورج و عنماین د، ی اینک ه

نمیخواستن د باری از دوش مردم بردا. رنمردم در پیچ و خم رفع نیازمندیها یضروری

زندگی دست و پا میزدن د. اغلب مردم به همه چیزباعتن اش هد بودند، و عداهی ه م

منتظر ظهور یک ابرمرد نجات بخ شبودند تا آنه ارا برهان. گردوه یب هجب رزمان هو

زندگی قضا و قدری روی آوردند، عاد یهدیگر دس تب هعصیانهای پراکن د هزدن ددر

ارب رارت معوض از ستگی خ از ود بی ناش رفاص لحه اس به آنان بردن دست که حالی

زندگیشان. پس نظام جبار قزاقان عبارت ب و د از نماین د هزورگ و یان انیعن یرض اخان

بعلاوه کسان و مناسباتی که او را ساختند و بالا . بیا ردانیدن تفسیر شخصر ضاخان
چیزی نبود جز هیچ، این مناسبات و ههلاقه ی ارتباطی متداخل بود که از او رجب ی الجام
گسیخته ساخت .

پ س واکنشهای سیاسی مردم در فردای مشروطه و ناکامی محتوم آن، ریشه در
مناسبات اقتصادی - اجتماع ی موجود و تلاش عوام ل و مؤلفهها یگوناگون از جمله
بریتانیا برای در هم شکستن آخرین سنگرهای استقلال سیاسی ایران داشت . اکنون
احمدشاه در پارسیزمیزیس ت و از همه جا بخب یر بو د . نه نامههای مدرس او را هشیار
ساخت و نه تلاشهای ولیعهد وی را به تحرک د . رنآهو رخدزعل توانست او را موفق به
غلبه بر جبن خود کند و نه هشدارهای این یا آن رجب سیاسی . او تازه وقتی به خود

ص: ۵۳۰

.Chamberlain to Loraine, London, ۱۶ September ۱۹۲۵, FO. ۴۱۶/۷۷.۱

.Minutes by Chamberlain, London, ۳ March ۱۹۲۵, FO. ۳۷۱/۱۰۸۴۲.۳

.Minutes by Mallet, London, ۳ March ۱۹۲۵, FO. ۳۷۱/۱۰۸۹۲.۴

.W. C. Fairly.۵

.M. V. Young.۶

.Young to Loraine, September ۵/۱۹۲۴, FO. ۴۱۶/۷۵.۷

سقوط سلسله قاجار

احمدشاه حال این در . دانست می شاه را خود عملاً سال آن تابستان از رضاخان که آمد
کشتی گرفت تا خود و خانوادش را از ورطه نجات دهد. داماد دیگر خیلی دیر شده بود.
این که محافظه کاران بار دیگر رقدرت را در شماره ده داوینگ است رقیبسته کرده بود ن.
هیچ نیتی نداشتند جز استقرار حکومتی « مسئله ایران » اینها هم از سالها قبل در برابر
دست نشانده . در همین راستا سر اوستین چمبرلین به لورین اطلاع داد شاه و مادرش

۱

از « همراه تعدادی از همراهان قصد دارند به ایران . بیالینکدن درست موقع حرکت
۲ چمبرلین نب ر « طرف انگلیسیان به او اظهارمیشود رفتن شما به ایران خطرناک است .
ای ن باور بود که بازگشت احمد ب شاهه ایران ثبات حکومت را به هم میریزد و روابط

۳

ایران و بریتانیا را وخیم می سازد . دیگر نیازی به پرپ دهوشی نبود ؛ زیرا رمزی مکدونالد
سرنگون شده بود و تیم محافظه کار خمویددانست در ایران چه می گذرد . بیهوده
نیس توی کتور مالت ، مسئول میز ایران در وزارت خارجه انگل نیوش ست شاه کاری

نکرده است تا انگلی سخود را موظف به حمایت از او . ۴ کمنالدت مدافع رضاخان بود و طرفدار ایجاد خودکامگی نظامی او در کشور . در کنار او فیرل ۵ ازی مدیران شرکت

۶

نف ت انگلیس و ایرانو همچین د کتر یانگک مشاور شرکت نفت و متخصص مسائل

۷

ایلات جنوب ایران هم از تشکیل دولت نظامی رضا خحامنایت میگردن د . کسانئ مثل

مفتاحا لسلطنه وزیر مختار ایران در لندن ، اوانسخان مساعدالسلطنه و ناصرالملک هر از

چند گاهی با شاه ملاقات میگردند و مانع از حرکت او به ایمراینشدند . از این مهمتر

تکاپوی پرنس آقاخان محلاتیپیشوای اسماعیلیان بود که ضمن ملاقات با شاه ، اخبار

او را به لندنم ببرد و پیامهائی برایش از لن هدمنرا هم یآورد . محلاتئ گفته بود

۸ . « حضرات صلاح نمیدانند شما حرکت کنید »

درست است که بریتانیا در بازگشت شاه به کشور اختلال میکرد ، اما شخص شاه

۲ . حیات یحیی ، ج ۴ ، ص ۳۶۹

۸ . تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران ، ج ۲ ، ص ۲۶۲

ص : ۵۳۱

ه م به دلیل ترس و یأس ذاتی خود و هم به بوا یا سرت طبه‌اطی مفرط با سیاستمداران مخالف رضاخان توان تصمیمگیری مشخصی نداشت. در این شرایط ابوالفضل یمرزا عضدالسلطان و حسینقلی میرزا نصرال تسلطاند و عموی شاه، همراه ابنصرال تدوله فیروز، شکراللهخان نقوام صدری، میرزا حسنخان مستوفی الممالک و از همه بالاتر شهید سیدحسن مدرس در منزل رضاخان ندر سعدآباد جمع آمدند. در رضاخان تظاهر به یان می کرد که مایل است شاه به کشور مراجعت. بکن دیدهی است در بین اشخاص فوق تنه کسی که صادقانه میخواست شاه به کشور بازگردد، مدرس بود؛ آنهم فقط به این دلیل که نگذارد رضاخان بر حرث و نسل مردم دست اندازد. این ملاقاتها زمانی صورت می گرفت که دیگر از خزع لخبیری نبو. د محمدحسن میرزا ولیعه د گزارش این جلسه را برای برادرش ارسال کرد، او نو، ش مدرس به شدت علیه رضاخان اوناورد کارزار شده و او را مسئول عدم بازگشت شاه تلقیم ییکنند. رضاخان تلاش کرد از خود رفع مسئولیت کن د. پس روز دوشنبه هفتم اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۴ میهمانی نهاری در سعدآباد برگزار کرد و اشخاص یادشده را دعوت. بن موعود از مذاکرات مفصل، مدرس نتیجه جلسه را تقریر کرد به این شکل که مردم با احساسات تمام منتظر ورود شاه ب این حال البته اگر حرکت اعلیحضرت باز به « هستند، وسائل بازگشت هم مهیاست تأخیر بیفتد و یا چندروز دیگر روانه نشوند موجب یأس عموم مردم و صاحب این وقعی مملکت مصالح و احساسات ه ب حقیقتا اعلیحضرت که شد خواهند عقیده نیز از شاه خواسته شد اگر دلیلی برای تأخیر در مسافرت به ایران دارد، ». نمیگذارند « اعلیحضرت دیگر چاکران و چاکر مخصوصا و بشود سوءظن رفع تا بفرمایند صریح

که امروز در منزل رئیس الوزراء مجتمع هستیم عاجزانه استدعا و درخواست می‌نمائیم

که تاریخ قطعی را فوری تلگراف و راضی نشوند که احساسات وضعیات خوبی که

از هر جهت موجود است، مبدل به جریانهای غیرمترقبه بشود فعلا. « ۱

احمدشاه به جای اینکه روانه شود، تلمگیرا خطاب به رضاخافنرستا. د در این

تلگرام که درست دوازده روز بعد از جلسه منزل رئیسالوزرا ارسال شده بود، او بعد از

تشک ر از ابراز صمیمی ه تای رضاخان به ویژه عرضتسلیت او به مناسبت درگذشت

۱. محمدحسن میرزا به احمدشاه، ش ۱۱۳۷ -ن، بایگانی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران .

ص: ۵۳۲

قصده دارم هرچه زودتر به مسافرت خود خاتمه « محمدعلیشاه در پاری ، س اعلام داشت شفق سرخ یکی از بلندگوهای صعود قراقان به هنگام فوت محمدعل بیهشاه « . بدهم محمدعلی میرزا پادشاه مخلوع ایران در پاری به س مر ضدیابت « سادگی فقط نوش : ت ۱ ب اینکهاحمدشاه وعده داد هرچه زودتر به کشور مبارز گردد ، اما باز « فوت شده اس . ت هم ن گران بود . به همین دلیل خطاب به رضاخان ادامه داد :

چون میخواهم در آتیه نیز موجبات صمیمیت بین من و شما تکمیل ، و به هیچ وجه سوت ءفاهمی رخ ندهد ، به بعضی ملاحظات بهتر میدانم شخص محترمی را که طرف اطمینان باشد قبل از وقت اطلاع داده و از تهران روانه نمایید تا مطالبی که اظهار آنها به وسیله تلگراف میسر نیست به وسیله مشارالیه گفته شود تا هرچه زودتر طرف ایران حرکت و با موافقت تمام و وحدتنظر ک امل امورات مملکت

۲

انشاءالله پیشرفت نمای د .

وقتی شاه اعلام کرد به ایران باز خواهد گشت ، یک سلسله علائم شوم ک ه نشان دهنده تشدید بحران بود بروز کرد . نخستین این علائم بحران نان در تهررا ودن . بارها گفته ایم کسانی ک ه گرداننده پشت پرده عملیات رضاخ باوندند ، همان دستهای بودن د که حوادث دهش ب تار دوره جنگ اول جهان ایز تأسیس کمیته مجازات تا قحطی گاملا شرایطی در مشابه سناریوهائی که نیست عجب پس . کردند سازماندهی را بزرگ متفاوت به بوته اجرا گذاشته میشد .

حال باید بگوئیم وقت یشایعه بازگشت احمدش اقهوت گرفت ، همان دستهای پشت

پرده بار دیگر وارد میدان شد. نردوزهای سی و یکم شهریور و اول مهر سال ۱۳۰۴

تسریده کتسویس و قوه بی‌اشروس متعاقبا. بودنان ناگهانی کاهش شاهد تهران

مشابه بود با حوادث و فتنه‌های ناشی از عملیات کمیته مجازات که با هدف ساقط

کردن وثوقالدوله صورت گرفت. هم‌کمبود نان و هم ایجاد بلوای ساختگی، کاری

برساخته رضاخان و عوامل پشت پرده هدایکننده او بود. او می‌توانست به عنوان

مقابل ه با شورش، قشون خود را واخریدابانهای تهران کند و مخالفین را به ه باهان ی ه

مختلف دستگیر نماید.

۱. شفق سرخ، سال چهارم، ش ۳۱۹، هجدهم فروردین ۱۳۰۴، هشتم آوریل ۱۹۲۵، ص ۱

۱۱۳۹-ن، بایگانی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۲. احمدشاه به رضاخان، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۴

ص: ۵۳۳

۵۳۴ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

ظهور ارتش در خیابانها و دستگیری مخالفین توسط ابزاری برای ترسانیدن بیشتر شاه جیون باشد از تصمیم خ و دمینی ب ر بازگشت ب هک شو ر خوددار یکن . پ سد احمدشاه در اروپا اماندنی ش . د نکته مهم این است که به هنگام بحران نان در تهران، وزارت مالیه در دست ذکاءالملک فروغی بود.

۲. نان به مثابه ابزار سیاست

شورش تهران در دوره کمبود نان در دو روز یادشده، س تدمرشابه بود با جنبش به اصطلاح ضدیهودی سال ۱۳۰۱ و جنبش ضدبھائی سال ۱۳۰۳. این سناریوی تکراری که توسط نیروهای شناخته شده حامی سیاستهای بری تا سنایازماندهی م یشد، بعدها هم تکرار شد؛ به ویژه زمانی که لازم بود مخالفین به نحوی از انحاء از میدان ارج شخون د . مهمترین این شورشها بعدها در دوره جنگ دوم ج هوا ندیوره نخست وزیر ی احمد قوام شکل گرفت که بازیگران و کارگردانان، آهنمان دستهای پشت پرده تحولات سالهای مشروطه تا استقرار رضاخا ب نر تخت سلطنت بودند مثل علی دشت وی یا همکاران ب یواسطه آنها مثل برادران مسعود. یب ه واقع از زمان مشروطه تا هداویر ه بعد، انگلیسیها هرگاه در صحنه سیاست ایران با مشکلی م مویاشجدهند، همان

سناریوی تکراری خویش را به ص حنمه یاوردن د: بحران نان . برای بسیاری از ناظران وقوع شورش به دنبال کمبود نان، امری غیرمتعارف مح سمو یشد . حت ی در سالهای

قحطی بزرگ سالهای ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۷ شمسی کسی ندیده بوکده برای جبران کمبود

غلات و نان شهری، مردم دست به شورش زده بانشد . جمعیتی که در خیابانهای هتران

دیده م یشد، همه سازماندهی شده ب . و خدیلی زود معلوم شد اع ی داه ز بازیگران

حرفه‌ای سیاسی، با بهره‌برداری از گرسنگی مردم پایتخت، عاده‌ی رابه‌میدان آوردند تا اهداف خویش را محقق سازند. یکی از بازیگران این صحنه محمدخان درگاهی بود. نکته‌ی جالب این است که همان نقشی را که نظمیه در دوره قحطی بزرگ ایفا کرد، این بار در گاهیمیخواست برعهده گیرد؛ ما کارگردانان و بازیگران صحنه‌میدانستند این‌ک شرایط بسیار متفاوت است از زمان جنگ اول. خجسته‌ی این‌که بعد از اداره نظمیه عده، تظاهرات مردم، و درست در شرایطی که آنها داشتند متمفیر شدند زیادی از مردم را که به طرف خهانه‌ی خودمی‌رفتند، توقیف کرد، خاصه جمعی کثیر

از زنان و خانمها را حبس کرد، به حدی که گفتند در بازداشتگاه زنانه دیگر جایی باقی
۱. «نمانده بود

فردای آن روز که مصادف بود با پنجشنبه دوم مهرماه، مجلس جلسه علنی . داشت
ک ه باز جمعینام و نشان که معلوم نیست از کجا مآیخورند و « صبح خبر رسید
ب ه ساز چه کسی می رقصند ، امروز خیال دارند به مجلس بریزند و از حبس زنان و
ت « بانوان شکایت بیاغازن . د براستی حرکت شهربانینیانداز ه مردم را عصبانی کرده اس!
مدرس در آن روزها بیمار ب. وادو به بها رکه یکی از عیاکندندگانش بو،د گف ت:
۲ روز دوم «! هرچه ما میبافیم ، این جوانمرگ شده (یعنی محمد درگاه ی پنه م یکند «
بحران نان، غلات فراوانی بیش از حد نیاز به دست نانوایا رسید که همین رفع و رجوع
سریع ماجرا، نشانمیداد کاسه ای زیر نیم کاسه اس . تظاهرات ، خلاف آن چیزی بو د
که رضاخان و معلمان اوم پینداشتند ؛م ردم علیه رئیس الوزر ا شروع به ش عار دادن
کردند . طرفداران احمدشاه ه توانستند از این موقعیت استفاده کنند و تظاهراتی به نفع او
راها ندازی کنند . این بار به شکلی کاملاً واضح ،

به معترضان بین در روحانی تعدادی

رضاخان دیده میشدند؛ برخی از آنان جمعیت را رهبری میکردند . برخی

تظاهرکنندگان به سفارت شوروی رفتند و از مقامات سفارت خواستند به احمدشاه

کم ک کنند تا به کشور بازگ . ردادی ن بار شورویهم درک کرده بود که سوسیالیستهای

مدافع رضاخان چه کلاه گشادی سرش اگشت ذه اند . اندک ی بعد همه فهمیدند رضاخان

خود بحران مصنوعی نان را سازمان داده .سپتس موج نفرت از او مضاعف ش . د

رضاخان از این تظاهرات ترسیدی پ دس دو روز بعد غلات بیشتری به نانوایان داد و به این شکل بحران نان خاتمه یافت. ۳ احمدشاه خبر بلوای نان را شنید و از خبر تظاهرات مردم و سپرانداختن رضاخان دلگرم شد. او تلگرامی به رضاخان ارسال داشت و نوشت که ه از راه بمبئی. ظاهراً رضاخان هم متقابلاً

شاه از کرد خواهد مراجعت ایران به

خواست اطلاع دهد در کدام یک از بنادر ایران پیاده خواهد شد تا او به استقبالش شتابد.

همزمان برخی از ایرانیانی که میدانستند سمت و سوی حوادث به کدام طرف

۱. تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۲۶۶

۲. همان، ص ۲۶۷

Lorraine to Chamberlain, September ۲۸ and ۲۹/۱۹۲۵, FO. ۴۱۶/۷۷.۳

ص: ۵۳۵

۵۳۶ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

است، در پاریس با کراسی، نماینده سیاسی شوروی ملاقات کرد. در کراسی به اینان قول داد اگر شاه ایران بخواهد از راه مسک بواک و به ایران بازگردد، دولت شوروی کمال موافقت خویش را به عمل خواهد آورد. او را مد شاه توسط وزیرمختار ایران در لندن که خود خواستار سرنگونایش بود، پیام داد میخواست از راه مسک بوازگردد، مگر اینکه ب هفوریت یک کشتی خوب در بنمادرسی مهیای انتقال او باشد و اشکرالشیه کنار گذاشته شود. شاه نتوانست از این آخرین فرصت بهره‌گیری. دبه واقع اگر او میخواست ب ه کشور بازگردد، چه تفاوت میگردید که از راه مسک با وزگردد یا مارس؟ بیه هر حال ب ه او قول داده شد کشتی مناسبی در اختیارش قرار خواهد گرفت تا از همان فرانسه به کشور مراجعت کند. احمدشاه که گوئی در خواب به سمریبر و دانست فتنه

دنی هائی

که هدر کشور یکی بعد از دیگری ب سرآورده، که از رضاخان است، در بیست و پنجم جناب اشرف رئیسالوزرا. بعونالله تعالی، «: شهریورماه تلگرافی خطاب به او مخابره کرد دوم ماه اکتبر با کشتی موسوم به تلنار از پاریس را سه بمی بیه ایران حرکت میکنیم. از مراجعت به وطن عزیز نهایت مسرت حاصل و خوشوقتم که آن جناب اشرف را به ۱. «. زودی ملاقات خواهیم نمود

بعد از عنوان، تلگراف « روز بیست و هشتم آن ماه رضاخان چنین پاسخ گفت: ت

کمال باعث حقیقتاً و زیارت بود همایونی اعلیحضرت فرمائی تشریف مبشر که مبارک مسرت گردی. استدعا دارم معلوم فرمائید موبک ملوکانه به کدامیک از بنادر سرحدی

۲. «. نزول اجلال خواهند فرمود

همزمان تظاهرات مردم ب هسرعت مهارش دو مردم به سرکار و کسب خود
برگشتن د. اما همین موضوع با همه تناقضات ظاهری خویش نشان داد قرا ضدراخان
خواه د بود اهداف خویش را پیش برد، هرچند به صورت مقطعی با بحران مواجه . شود
روز دوازدهم مهرماه آن سال بالاخره روزنهام نهوشتند بازگشت شاه به تعویق افتاده
است، ۳ با این وجود مادر شاه و برخی از اعضای خاندان سلطنتی سفر خویش را به
ایران آغاز کرده‌اند .

۱ . تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۲۶۳

۲ . همان، ص ۲۶۴

۳ . روزنامه کوشش، مورخه ۱۲ مهرماه ۱۳۰۳ مطابق با پنجم اکتبر ۱۹۲۴

ص: ۵۳۶

تظاهرات ساختگی قشون علیه احمدشاه

این ظاهر ماجرا بود. د هر روزی بع داز اینک هس ا هاع لا مک ، ق ر دصد باز گشت دارد، هواداران رضاخان در تبری زعلیه سلطنت قاجاریه تظاهرات ک ر. دنانددکی بع د شهرهای رشت ا، صفهان و مشه دهم شاهد تظاهرات طرفداران رضا خاعل نیه احمدشاه شدند. اینان دیگ ر نه جمهوری بلکه انتقال سلطنت از قاج ا رب هپهلوی میخ رو استن د. فرماندهان نظام ی در وادار کردن مردم به امضا یا ارسال انواع طومارها و تلگرافها نقش ب سیا رمهم ی داشتند؛ از آن جمله در خرا ، س انجان محمدخان علائی ، م ردی که دستش به خون صده ا ت ن از اهالی به ویژه مردم بجنورد آلوده بود، شخصی که مقدرات مردم را در قبضه قدرت خو دداشت و کسی که هیچ قانونم یتوانس ت مانع از انجام عملیات ویرانگ شر شو د، مردم را وادار به ارسال این تلمگهراا کرد. اما او هم در نهایت قربانی سرنوشتی شد که به پ ساز آنکه ثروتش بالا رفت و فرب هش دو ناله « ، دست خویش برای خود رقم زده بود خل ق از ته جگر برآمد و شکایات متواتر گردید، و شاید هم دیگر وجودش مفی دفای دت ی نبود ، شاه به خراسا نسفر کرد و این دیوانه بیرحم را ز خ ا دمت نظام اخراج نمود و پاگون ا ورا کنند و مبلغی که به چنگ آمد از او به مصادره و جریمه گرف تواع لانش دک ه هرک س از او حقی مطالبه میکن د به دولت و مراجع قانونی رجوع کند؛ و چون مردم با این اتنازد آن سوی اکثری تپارلم نای که ب ا «. شوخیه ا آشنا بودند، نرفتند و حق ینخواست مداحلات ارتش و وزارت داخلشکل گرفته بود، به نفع رضاخابون د. سیدمحم دت دین، رئیس مجلس هم از هواداران او به شمار میرفت .

مهر و آبان آن سال ایران همه آشوب بود و بحران، هر روز م هاتلی گمرتاعددی از

اطراف و اکناف کشور به مجلس سرامزی یرشد که گویا خواستار تغییر سل .طبتنه د
پیشنهاد عبدالله یاسائی ، ی علیرضا الحسی ن ی ،محمدحسن دستغیب نماینده شیرا،ز حسین
کیاستوان ،حیدرقلی حشمت ، ی دکتر امیر و اخگک رتلگرام هائی که واصل شده بود قرائت
میشد . د رتهران پیشگام اینماجرا مردی بود به نام حاج رحیم تاجر قز.وایننیمرد ،
که پیش ت ر به تحریک سرتیپ آی ردمر آذربایجانآشوبهائی برپا کرده بود، اکنون در
تهران در مدرسه نظام چادری زده بود و اعی دهر ابا عنوان نهضت ملی آذربای جدران
۱ . تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۲۵۳

ص:۵۳۷

خیابانها هدایت می‌یکرد. نکته جالب این است که آنت ف لانخبگان و اوباش در این بازیها

ه مبه چشم می‌خورند. این گروه از سوئی از طرف داور و همفکرانش حمما می‌شدند

۱

و از سوی دیگر از سوی کسانی مثل در گاو هیطهماسب . ی به اینها باید معی التنجار

بوشهری، فقی هالتجار و عده ایدیک را از جمله میرزا محمد دانرا اف شزو د. دانش از

شرکای فلیکس آقایانوبو د. آقایان هم به نوبه خود از شرکای شرکت دیوید سادرسون

۲

بمبئی به شمار می‌آید.

بدون تردی د، برجست هتری نشخصیت این زمان همان میرزا کرخیام ان س ت. ب هروای ت

کی از شخصیت‌های برجسته رشت و از افراد با « ابوالحسن ابتهاج، میرزا کریمخان ن عیم ی ی

ب اس لطن تقاجاری همخال فب و د و بع ده ادر » او . « نفوذ زمان خودش به شمار میرفت

یک روز وقتی « بنا به همان روایت .» رساندن رضاشاه به سلطنت کمک کرد

محمدحسنمیرزانایب السلطن ب ه رای برچیدن ختم یکی از رجال وارد جلم س ختم شده بود

هم ه جلوی پای او بلند شده و ابراز احترام کرده بودند، ولی می رزاک اسریم

خن رجایش

ازانگلو فیلهای « ود ، می رزاک ریم ا « نشست ه و اعتنائی به ولیعهد نکرده .ب

ب هقول ابتهاج خ ن

وقتی در بانک شاهی در تهران ک مار یک رد می کروز، روی س ابق ه « ، بود « پروپا قرص

دوستی و رشتی بودن، خیلی به من اصرار کرد که او را با "تروت"، یا به قول خودش

مبه « که سمت " دبیر امور شرقی " را در سفارت انگلیس داشت آش ن اک. ن، « مسیو تروت »

نوشته ابتهاج، آلن چارلز ترو، تافسر اطلاعاتی بریتان یادر ایران، فارسی و عربی را خیل ی

خوب می دانست ؛ حتی به فارسی شعر هممی گفت. او پیشت رم دت یکن سو لبریتانی درا

رش تبود. ابتهاج وقتی اصرار میرزا کریخما ب ن رای ملاقات با ترو ترا شنید، در ش گف ت

م ن تعجب کردم و پرسیدم شما به « : ش د. او در مطالب خویش در این رابطه امدای مدههد

چه مناسب ت میخواهی د با ترو تا آشنا بشوید؟ فایده اینکار چیست؟ گفت ن شما یدانید،

ولی همه وق ای عدنی اب هدس تو رانگلی سه انج میگیا مرد. من بالاخره ناچار شد م

۳ ای ن مناسبات در دوراهی که رضاخان خود را مهی ا « میرزا کریم خان ر ابا ترو تا آشنا کن . م

میساخت تا آخرین مراحل نیل به خود کامگی را طی کند، به اوج خود رسیده بو د.

۱ . همان، ص ۲۷۸

۲ . فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ص ۳۰۲

۲۳-۳ . خاطرات ابوالحسن ابتهاج، ج ۱، صص ۲۴

ص: ۵۳۸

علاوه بر اینها باید مستشارالدوله افزود که هفتهایی کی دو بار جلساتی در منزل در این « غالباً تا ساعت سه بعد از نصف شب امتداد پیدا میکند » خود تشکیلی میداد و

حاجی معین بوشهری و « جلسات افراد مختلفی شرکت میکردند؛ از جمله

ای ب ه این شکل و کلا، وزرا، امرای لشکر و « اعتلاء السلطنه و بعضی از اشخاص بازار

برخی بازاریان که پشتگرم به حمایت ارتش بیکها ربهودند، مقدمات انتقال سلطنت را

ک هسلله جنبانان این معرکه همان « فراهم نمودند . شاهدان عینی تصدیقم یکردند

آدمکشان دیگری که به سردستگی مرحوم « دکه از سوی « لات و لوتهایی هستن

دمورد حمایت قرار میگرفتند. تحت تأثیر جو « طهماسبی به دوندگی مشغول بودند

خاصی در این « اشخاص محترم و شریفی هم ... بوده اند که هبه نح و « ارباب و وحشت

۲ داد . « نمی توان به تمام آنها نسبت پستی و فرومایگی « جریانات حضور داشتند، و

بوشهری، ت جار را از همان بدو ریاست وزرائی رب ضهاخحاما نیت از او ترغی ب

می کرد. برخی جلسات تعیین کننده در آن زمان در منزل حاجی مالعتی جنار بوشهری

۳

میرد. « آقای رئیسالوزراء هم به منزل معزی الیه تشریف « تشکیل میشد و

حال دولت شوروی تازه داشت از خواب غفلت بیدار شد دو درکم می کرد

سوسیالیستهای تقلبی، چه کلاه گشادی ب سرر نخستین دولت شوراهای دهگاناندا . ر

شورویه تلاش کردند آب رفته را به جوی بازگردانند، اما دیگر خیلی دیر شده . بود

گویا دولت جماهیر شوروی « روز بیست و نهم مهرماه برخی مطبوعات گزارش دادند

نسبت به حکومت ملی ایران که رضاخان پهلوی در رأس آن قرار گرفته، نظر منفی داشت و گویا دولت شوروی نیز شاه ایران که حالیه در ارت و پواقف دارد تقوی تم یکند این خبر به نقل از مطبوعات اروپا نمق یش د. اما روزنامه ایران که مدافع رضاخا ب نو د نوشت: « شوروی دولت که کنند می تعقیب را مقصود این ظاهرا اروپا جراید انتشارات رادر این مبارزه سربساتهی ک هدر سنوات اخیره در ایران به عممیلاید ، طرفدار شاه قلمداد کرده و روابط کدورآم تیزی بین دولت شرووی و حکومت مل یا ایران ایجا د روکزننامه . . کرده و بدین وسیله اجرای سیاست دول امپریالیستی را در ایران تسهیل ۱. گزارش مفتش مخفی، مورخه ۲۲ برج دلو (بهمن) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

۲. حیات یحیی، ج ۴، ص ۳۲۵

۳. گزارش مفتش مخفی، مورخه ۲۱ برج عقرب (آبان) ۱۳۰۲ ، اسناد وزارت جنگ .

۵۴۰ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

تآژانس تلگرافی اتحاد جماهیر شوروی برای اینک ه «: ایران در انتهای خبر خود نوش

تمام این اخباریمعن ی را از اذهان خارج کند، اطم لایعده د که دولت شوروی

کمایا لسابق اصل عدم مداخله کامل به امور داخلی ایران را رعایت کرده و با حکومت

در رأس آن قرار گرفته، روابط الوزرا رئیس ملی ایران که رضاخان

۱. «. کاملاً دوستانه دارد

تغییر سلطنت

د ر این فضاروز هشتم آبانماه ۱۳۰۴ نمایندگان هوادار رض اخبان ه خان ه او دعوت

۲

شدن د تا بحث انتقال سلطنت را تصویب و امضا. کنردوز نهم آبان جلسه مجلس برای

این منظور برگزار ش. دمدرس به انتخاب تدی ب نه عنوان ادارهکنن ده مجلس ای راد قانونی

گرفت و حاضر نشد در این جلسه ب؛ متان دی دن نایب رئیس مجلس ب. پ و دیشاز این ب ه

مؤتمن المل و ک مستوفی رأی داده بودند تا رئیس مجلس برای سال دوم آن شوند، ام ای ن

د وتن هیچکدام حاضر نشدند ننگ ریاست بر مجلسی را بپذیرند که به طور غیرق نونی در ا

آستانه تصمیم گیری هائی دهشتناک بود. تدین هم به عنوان نایب رئیس مجلس حق نداشت

ه «شارلاتانیهای مفت ضحان» چنین جلسات سرنوشتسازی را اداره کن. ددر ای ن جل سات

و ۳فسرنوشت قابل «ش ب خونین، این شب رسوا و مخ» حاکم بو د. شب هشتم آبانماه، این

اجتناب ملت ایران رقم خو ر. د در این جلسه سیدحسن تق ز یاده ضمن تمجید از رضاخان

و فعالیتهایش گفت به این شرط طرفدار سلطنت اوست که راه درست و قانونی برای آن

د ر نظر گرفته شود و او با ماده واح ی ک دهه با عجله تنظیم شده موافق س نی ت. حسین ع لاء

ای ن طرح را خلاف قانون اساسدان یس ت و گف تمجل سصلاحی ت رای دادن ب هآن را ندارد . مصدق هم گفت اگر رضاخ اشناه شود دیگر طبق قانون اساسی مسئولیت اجرائی نخواهد داشت، پس ماندن او در مقام رئیسالوزرا بهتر اس . ت آخری ن سخنران مخالف یعنی یحیی دول تابادی هم به طر، حایراد قانونی وارد ک. ر ۴د روز تصویب لایحه تغیی رس لطنت کلیه نمایندگان تهران غایب بود؛ ن ب ده استثنای سلیمانمیرزا اس کندریکه او هم به ماده « . از بیسیم مسکو » ، ۲۲ اکتبر ۱۹۲۵ / ۱ . روزنامه ایران، مورخه ۳۰ مهرماه ۱۳۰۴

۲ . خاطرات سلیمان بهبودی ، ص ۲۲۶

۳ . تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۳۱۵

۴ . در این روز مباحثات زیادی صورت گرفت که نقل تمام آنها از حوصله این رساله خارج است، نطقهای یادشده را میتوان در صورت مذاکرات مجلس پنجم شورای ملی، م ورخه نهم آبان ماه ۱۳۰۴ یافت .

ص: ۵۴۰

واحدہ رأی مثبت داد. نمایندگان موجهی مثل به، ا رہاشم آشتیان، ی مدرس، حسن پیرنی او برادر شمو تمنا الملک و حتی مستوف یالمالک، همه غایب بودن. دب ه اینه ابای د تق زاده، ی حسین علاء، دولتآبادی، زعیم و سیدمحمی الدین ش یرازی را اف زود. آش تیان ینه تنهاب ا سلطنت رضاخان مخالف بود، بلکه پیشتر با بلوای جمهوری او ه مخالف تنموده ب. و د ازق را رم ذکو رمیرزاهاش ماش تیان ی « همان زمان مأمورین مخفی رضاخ اگتزارش دادن: د جمعیتی بر ضد جمهوریت تشکیل داده و روزهای ش ن سببه نی ز جل ساتی در من زلخ و د منعقد م ینماید و منتظرند که جلسات مجلس شوری رسمی شده بع د برعلی ه جمهوری ت قیام نموده و عقاید خودشان را در مجلس اظهار نمایند، گویا ع دیه از کعلم اء را ه م با ۲ رضاخان روی مستوف یحساب وی ژاهی گک شود هب و. د ام اخب ر «. خودشان همراه کردهاند داشت ا و میخواهد به مسئله انتقال سلطنت رأی ممتنع دهد یا به محض شروع گکی ر رأیی از مجلس خارج ش و. در رضاخان برای اینکه بر نظ رم ستوفآئی یر گک ذارد پی امی ب رای او ی ت ق و و د ر ک ک ر ت ا ر ه س ل ج ی ف و ت س م . کند ملاقات را وی فوراً خواهد می که کرد ارسال

بازگشت ک ه رأی گرفته شده و طرح پیشنهادی تصویب گردیده. بوهدمه این بازیها را به انجام دادند. د و پسر بزرگ فرمانفرما هم با ا جارژیہس مجلس از « مستدعیات ملت » عنوان پیش غیبت موجه کرده بودند. ماده واحدہ خلع قاجاریه به این شرح بود:

مجلس شورای ملی به نام سعادت ملت، انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام نموده و

حکومت موقتی را در حدود قانون اساسی و قوانین موضوعه مملکتی به شخص

آقای رضاخان پهلوی واگذار میکند. تعیین تکلیف قطعی حکومت موکول به نظر

۴۰ متمع قانون اساسی - ۳۸-۳۷- مجلس مؤسسان است که برای تغییر مواد ۳۶

۴

تشکیل میشود.

همان روز رأیگیری، رضاخان از منصب ریاستوزرائی کنار رفت و به جای او

۴۶۵- ۱. تاریخ بیست ساله ایران، ج ۳، صص ۶۶

۲. گزارش مأمور مخفی، ۱۶ برج حوت (اسفند) ۱۳۰۲، اسناد وزارت جنگ، گزارش روز هجدهم اسفندماه

مفتش مخفی حکایت از آن دارد که فرزند میرزاهاشم آشتیانی با برخی از ارباب جراید ارتباط برقرار کرده و

آنها را در مخالفت با دولت رضاخان تشویق میکرده است. طبق این گزارش محور مخالفتها عبارت بودند از

میرزاهاشم آشتیانی، سیدحسن مدرس و قوام الدوله.

۳۸۱- ۳. حیات یحیی، ج ۴، صص ۸۵

۲۸۱- ۴. تاریخ احزاب سیاسی ایران، ج ۲، صص ۲۸۲

ص: ۵۴۱

۵۴۲ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

فروغی کفیل رئیس‌الوزرا شد. د. بع د از ظهر آن روز لسشرگر عبدا للهامیرطهماسبی ، حاکم

نظامی تهران، سرتیپ مرتضی یزدپانانه فرمانده لشکر مرکز، سرهنگ درگاهی رئیس

ن ظمیه و سرهنگ کریم آقا بوذرحمه رکف ییل بلدیة تهران قصرهای سلطنتی را تحویل

گرفتند. ولیعهد احمدشاه به مرز عراق اعزام شد تا از آنجا به پاریس و سد. او التماس

کرده بود پول کافی ندارد و به همی ن دلیل دستور داده شد پنج هزار تومان ب ه او پرداخت

۱

نماین د. شای د جالبترین بخش این بازی دلخراش، استقبال فردی علی انفانمد از ی سوی

سرپرسی کاکس از محمدحسن میرزا ولیعه ب داش د. او از طرف قیم عراق ب ه ولیعهد

۲

تبریک ورود گفت و از واردین پذیرائی ن. موایدن بود سیاست زیرکانه بریتانیدار قبال

رجال و مسائل ایران.

تشکیل مجلس مؤسسان

نخستین گام رضاخان برای تثبیت حکومت خویش، برگگی از ناتراخبات مجلس

مؤسسان بود تا به شکلی قانونی قدرت را به وی منتقل. طب ساق ز آدئین نامیهک ه

روزنامه های آن زمان منتشر کردند، انتخابات مجلس مؤس م سثالن مجلس شورایمل ی

بود. همه کسان ی که می توانستند در انتخابات مجلس شرکت نمایند، مجاز بودند در این

انتخابات هم شرکت کن ن. دتعداد نمایندگان مجلس مؤسسا دنو برابر اعضای مجلس

بود، به عبارتی هر حوزه انتخابیه م ت یوانست د و برابر تعداد نمایندگان خویش را وارد

مجلس م ؤس سان کن د. نمایندگان مجلس پنجم هم متویانستند در آن مجلس عضویت

یابند مشروط به اینکه شرایط لازم را به دست آورمدن ید . وقتی دوسوم اعضای مجلس مؤسسان در تهران حضور میا یافتند ، جلسات آن رسمیت پیدا مکیرد ، وقتی هم تکلیف رژیم کشور مشخص شد، دوره عمر آن سپری میگردد .

انتخابات این مجلس در آبانماه برگزار ش . د این موضوع نشان مداید از قبل آمادگی لازم برای امر مزبور وجود داشته اس . بت ه یاد داشته باشیم مجلس پنجم در اوایل سال ۱۳۰۲ باید تشکیل میش د . اما رضاخان آنقدر برای برگزاری انتخابات آن کارشکنی کرد ت اینکه در اواخر بهمن آن سال ت به عبارتی همان گروههایی که مجلس شکی ل شد .

۱- ۲۷۱ . تاریخ بیست ساله ایران، ج ۳، صص ۲۷۰

۲ . تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۳۹۷

ص: ۵۴۲

متخصص تعویق برگزاری انتخابات بودند و مانع از تشکیل مجلس چهارم شدند، ی
ای ن بار برای اخلاص در برگزاری انتخابات سالم و گزینش نمایندگان مردم در موقع
مقتضی، کارشکنی میکردند. لیکن در کمال شگفتی مجلس مؤسسان که هم برای
انتخاباتش وقت کافی وجود نداشت و هم تعداد اعضایش دو برابر نمایندگان مجلس
بود، به سرعت اعلام موجودیت کرد؛ درست ده روز بعد از آنکه مجلس قدرت را به
رضاخان سپرد تا بر مردم فرمان بران د.

ب ا خ ت ن ا ر د ن و ش ق . د و ب ی ش ی ا م ر ف ء م ل ک ل مجلس پنجم مٹ هم مجلس این انتخابات
نمایندگان نه تنها اعمال نظر کردند بلکه بدون اینکه به واقع انتخابی صورت گرفته باش د ،

نلام د شی م ش ر ا ز گ ه د ا س ی ل ی خ . کردند تهران روانه مردم منتخب عنوان به را کسانی

حیدرقلی میرزا حشمتی و آقابهاءالدیناز خمین، معظ ا ملسطان و میرزماحسن نجم آبادی از

۱ هم ان روز اطلاع داه د . « ب ه سمت نمایندگی مجلس مؤسسان انتخاب شده اند » گلپایگان

۲

ش دنمایندگان کرمانشاهبه سوی مرکز حرکت کارند ده. روز بعد خبر داند فرج اللهمی راز

۳

و میرزا علینقیخان بیگلری هم از حوازهی دیگر انتخاب شده اند. از ح وز هانتخابی ه

۴

جهرم، م ی ر ز ا ع ل ی اصغر خان حکم ت و اسماعیلخان صول تالدوله قشقای یانتخاب ش د ن د.

انتخابات شمال کشور در دست چراغعل خاین پسرعموی رضاخان ق را رداش ت ، او ه م

عده ا یرا از سوی مردم مازند رباهن عنوان نماینده انتخاب کرد و به تهران . ف هردساتنادش ،

همان ثروتمندی که بالاتر از او سخن گفتیم، از مشه‌د به عنوان یکی از منتخبین به تهران

۶

ات انتخاب ام‌تمت، س‌ا غیرممکن ذکر کلیه آنها عملاً که موجود اسناد طبق . گردید اعزام

سراسر کشور در چندروز از ماه آذر اتفاق افتاد. باعید است چنین هماهنگایی در شرایط

آنروز کشور وجود می‌داشت، اما قشون موظف بود ع‌ادهی را دستچین کند و به مرکز

گسیل دارد. نکته مهم در کلیه این مراسم‌ش رک‌تق‌شون در خاب‌انت‌تب و دون‌هوزارت

۱

۱. امیرلشکر غرب به ریاست ارکان حرب کل قشون، مورخه ۱۴ آذرماه ۱۳۰۴، اسناد وزارت جنگ، ش ۰۰۶

۱۳۰۴-۱۷۸.

۲. همان به همان، مورخه ۱۴ آذرماه ۱۳۰۴، اسناد وزارت جنگ، ۰۰۹

۳. امیرلشکر جنوب به رئیس ارکان حرب کل قشون، ۱۵ آذرماه ۱۳۰۴، اسناد وزارت جنگ، ش ۰۱۰

۴. امیرلشکر جنوب به رئیس ارکان حرب کل قشون، مورخه ۱۱ آذرماه ۱۳۰۴

۵. چراغعلی پهلوی به رئیس ارکان حرب کل قشون، ۱۵ آذرماه ۱۳۰۴، اسناد وزارت جنگ، ش ۰۱۱

۶

۶. ارکان حرب لشکر شرق به رئیس ارکان حرب کل قشون، ۱۵ آذرماه ۱۳۰۴، اسناد وزارت جنگ، ش ۰۱۲

۱۳۰۴-۱۷۸.

ص: ۵۴۳

داخله. اگر تقلبی در انتخابات نبود چرا قشون متولی برگزاری آن شد و چرا حتی یک نامه

از وزارت داخله در این زمینه در دست نیست؟

انتخابات در تسریع شده نوشته در مکاتبات صریحا «اعطام امر اجرای برای» در وده، ب

اعتبارنامه معتبر ب هام ضایکلیه «نواحی دوردستی مثل بلوچستان در این مدت کم حتی

روزموع و دب همراک زوارد» ف لراه مگردی دت ا «رؤسای طوایف و تصدیق حکومت م ح

شوند. «هائی نظیر این مورد به صراحت آمده بود م تلگراف در:» در شون ق رد ف رد ف عموم و

اینگونه مواقع که مقصود پیشرفت مقاصد مقدس بندگان اعلیحضرتقدرق در تپهلوی

۱ نمای وندده «ارواحنا ف داه است، همه گونه کوشش و جان نثاری صمیمانه را خواهن دتم

مشهد در مجلس مؤسسان از جمله ملک ای رمیجرز اپورتیم وریا همان ایرج میرزای

ط رفتوج همخ صوصمق ا ممحت رم «مشهور، شاعر هنلسرای بعد از مشروطه بود که

۲ جالبتر اینک هازس و یرئی س «امارت جلیله لشکر شرق [و دارای وجهه ملی م با یشد

ب هجای یک نفر دیگر» ارکان حرب کل قشون به فرمانده لشکر شرق دستور داده شده بود

ک هبایستی از تونو طبس انتخاب شود دستور دهید ع اظلاتمولی هی امی رکلا ر تیم و ررای

۳. «انتخاب نمایند

رئی س ارکان حرب کل قشون هنوز ندا منیست نام واقعی کسی که او توصی اش رها

کرده، امیر تیمور کلال یاست نه امریکلار تیموری! کلیه انتخابات فرمایشی مجلس و مسسان

در دوس هرروز دهه نخست آذرماه ۱۳۰۴ صورت گرفت. تاین موضوع نم تواین س ت در

ت دخال ضایاق در س تقیما م شون ه ق ر اینک مگ شود، انجام کشور روز آن اداری شرایط

می کرد. بسیاری از نمایندگان حتی حوزه ان ختایی ه خود را ندیده بودن!! دکما اینک ه آقارض ا

تجدد که به دستور رئیس ارکان حرب باید از لارستان و سانس

به عنوان نماینده مجلس م س

وارد این مجلس میشد، ۴ هرگ ز حوزه انتخابیه خود را ندیده. باویدن در حالی بود که ه

۱. سرهنگ اسدالله، فرمانده تیپ مختلط سیستان به رئیس ارکان حرب کل قشون، مورخه ۱۰ آذرماه ۱۳۰۴، اسناد

۱۷۸-۱۳۰۴- وزارت جنگ، ش. ۰۲۱.

۲

کفیل ایالت خراسان به رئیس ارکان حرب کل قشون، مورخه ۱۰ آذرماه ۱۳۰۴، اسناد وزارت جنگ، ش. ۰۲۳.

۱۷۸-۱۳۰۴.

۳. رئیس ارکان حرب کل قشون به فرمانده لشکر شرق، خیلی فوری، مورخه ۱۰ آذرماه ۱۳۰۴، اسناد وزارت

۱۷۴-۱۳۰۴- جنگ، ش. ۰۲۴.

۴. رئیس ارکان حرب کل قشون به امیرلشکر جنوب، فوری، مورخه ۹ آذرماه ۱۳۰۴، اسناد وزارت جنگ، ش.

۰۲۸-۱۷۸-۱۳۰۴.

ص: ۵۴۴

درست یک روز قبل دستور داده بود، دیندک نفر از وکلای مازن درازن نمایندگی استعفا

۱

کند تا رضا تجدید بتواند به عنوان نماینده به و م سسان معرفی گ کرد. به برخی از حکام ایالتی مرخصی دو ماهه داده میشد تا به عنوان نماینده مجلس و سمسار وارد تهران شوند و بعد از خاتمه مأموری، به تهم لک ارخ و دبازگردن. از ایدن جمله بود احمدخان

۲

عمارلوی، کفیل حکومت خوزستان که به عنوان نماینده بهبهان وارد تهران شد. در این بین اشخاص برجسته ای مثل عبدالحسینخان تیمورتاش وجود داشتند که از حوزه

انتخابیه نیشابور به عنوان نماینده برگزیده شده بود، در عین حال او نماینده ترشی ز [کاشمر] محسوب میشد. رئیس ارکان حرب لشکر شرق توصیه کرده بود تیمورتاش

۳

نماینده نیشابور باشد تا فردی دیگر بتواند از تربشیمزجل سراه یاب. دشخصی چون

۴

رضاخان افشار از ارومی به نمایندگی انتخاب کرد. دید دیگر شخصیت مه سالارسعی سندجی است که هدر اسناد سالار سعید ساوجبلا غخیوانده شده، و از مهتاب ادکنونی به

۵

مجلس راه یافت. از شیراز میرزا ابراهیمخان قوام و حبیبالله آموزگار مهمترین

۶

شخصیتهائی بودند که وارد مجلس مؤسسان شدن د.

هب هاكثرى ت ۶۴۹ « ميرزارضاخان حكمت مشهور به سردار فاخ راز حوزه انتخابيه آباد

رأى و ميرزااسماعيل خان نج ومى مع اون تلگرافخان ه مرك زى طه ران [ب] ۱ ۶۳۷ رأى به

۷ ب ه عبارتى آراء اخذشده از حوز هانتخابى ه « نمايندگى مجلس مؤسسان منتخب گرديدن. د

آباده حتى از يك روستاى معمولى هم كمتر بود؛ تازه دانيم مه يمىن آمار هم جعلى اس. ت.

حكمت براى فس امعين شده ب و دك هب اس اللعل طامنا ... » زى ر اين تلگراف نوشته ش: ده:

۱. رئيس ارکان حرب كل قشون به حكومت جليله مازندران، مورخه ۸ آذرماه ۱۳۰۴، اسناد وزارت جنگ، ش. ۱.

۱۳۰۴-۱۷۸-۰۲۹.

۱۷۸-۱۳۰۴-۲. كفيل ارکان حرب كل قشون به وزارت داخله، مورخه ۸ آذرماه ۱۳۰۴، اسناد وزارت جنگ، ش. ۰۳۱.

۳. رئيس ارکان حرب لشكر شرق به رئيس ارکان حرب كل قشون، مورخه ۵ آذرماه ۱۳۰۴، اسناد وزارت جنگ،

۱۷۸-۱۳۰۴-ش. ۰۳۸.

۴

. اميرلشكر شمالغرب به رئيس ارکان حرب كل قشون، مورخه ۷ آذرماه ۱۳۰۴، اسناد وزارت جنگ، ش. ۰۳۹.

۱۷۸-۱۳۰۴.

۵

فرمانده لشكر شمالغرب به رئيس ارکان حرب كل قشون، ۷ آذرماه ۱۳۰۴، اسناد وزارت جنگ، ش. ۰۴۴.

۱۷۸-۱۳۰۴.

۱۷۸-۱۳۰۴-۶. اميرلشكر جنوب به رضاشاه، فورى، ۷ آذرماه ۱۳۰۴، اسناد وزارت جنگ، ش. ۰۴۵.

۷

. اميرلشكر جنوب به رئيس ارکان حرب كل قشون، مورخه ۲۵ آبانماه ۱۳۰۴، اسناد وزارت جنگ، ش. ۰۸۳.

۱۷۹-۱۳۰۴.

۱ سلطانالعلماء نماینده فس ادر مجلس پنج ب مود و دس تور داده ش د هبود «. انتخاب شون د

۲

همراه با حکم تاز این حوزه انتخابیه برگزیده شوادم، اخب ررس ی دحکم از تحوزه
انتخابیه آباد ه برگزیده شده اس . تسردا ر فاخ ر برای تشکیلات رضاخانی چه اره یکلی دی

بو د. بنابراین در تلگرافات عدیده در ارتباط با جل مس و سسان

م نام او ذکر شده، کمااینکه ه

ت اس ه دش رک ذم ه کرمان انتخابات به مربوط تلگرافی در . «۴ د حتم شارالیه بای م ون چ

۳

در « جلب هعمل آورن . د همزمان گک زارش م شید « انتخاب شود مقرر فرمایند اقدامات عا

دا، رنددر صدد اختلال در انتخ ا بارب اب « یزد و کرما نبعضی از پارسیان که سوابق تیره

کیخسرو شاهرخ و افلاطو نامی بودند؛ تقاضا شده بود تلگرافی حکومتی صادرش و د و

۴

آنه ارا از ممانعت در انتخ ا بنامبردگک انبرح ذردارن . از جمدل ه مهمت رنی نمایندگان

خوزستان می توان از میرزااحسینخان موقر نام برد که به گزارش احمد عمار لاوزی یجمله

به شمار میآمد. ۵ دو تن از مهمترین برگزیدگان « تابع امر » کسان ی محسوب میشد که

۶

حوزه انتخابیه اصفاهن عبارت بودند از میرزاابوطالب ش یروان یو میرزااحسینعل یگل ش . ن

عدلالملک دادگ ره م ازنمایندگان مازندرانبه شمار م آیم د. یکی از جالبترین موضوعات

انتخاباتی این بود که مردی به نام طو سبهی دستور قشون بای د از خراسا نانتخاب می ش ؛

در حالیکه متصدی ارکان حرب قشون لشکر شرق حتی از ن ام او و ن ام پ درش آگک اهی نداشت. رئی س ارکان حرب کل قشون دستور داده بود طوازیس ب یجنورد، محم دعلیخ ان مجد مشهور به فط ال نسلطن ه و میرزاعل ا یکبرخ انرض ی از تونب هنماین دگک بیرگزیده

شون د. ازارکان حرب لشکر شرق تلمگریا فوری در ای نب ار هارس الگردی د، در این

مستدعی است امر و مقرر فرمایند مستدعی اس اتس م و اسم پدر « لت گرا من وشته شده بود
۱. ذیل همان سند.

۲. رئیس ارکان حرب کل قشون به امیرلشکر جنوب، خیلی فوری است، مورخه شب ۲۴ آبانماه ۱۳۰۴، اسناد
۱۷۹-۱۳۰۴- وزارت جنگ، ش. ۰۸۴.

۳. ارکان حرب کل قشون به امیرلشکر جنوب، خیلی فوری است، مورخه ۲۳ آبانماه ۱۳۰۴، اسناد وزارت جنگ،
۱۷۹-۱۳۰۴- ش. ۰۸۵.

مورخه ۳۰ آبانماه ۱۳۰۴، اسناد وزارت، «مقام محترم حکومتی جلیله دارالخلافة طهران» ۴. حکومت کرمان به
۱۷۹-۱۳۰۴- جنگ، ش. ۰۱۰.

۱۷۹-۱۳۰۴- ۵. کفیل حکومت نظامی خوزستان به ارکان حرب کل قشون، مورخه ۳ آذرماه ۱۳۰۴، ش. ۰۱۳.

۱۷۹-۱۳۰۴- ۶. امیرلشکر جنوب به رئیس ارکان حرب کل قشون، فوری، مورخه ۲ آذرماه ۱۳۰۴، ش. ۰۱۴.

۱۷۹-۱۳۰۴- ۷. ی ریس ارکان حرب کل قشون به فرمانده لشکر شرق، مورخه ۲۵ آبانماه ۱۳۰۴، ش. ۰۲۰.

۸. کذا، در این تلگراف دو بار مستدعی است آورده شده است.

دهند اطلاع را فوراً طوسی . « ، طوسی کوچک نام گردید معلوم که بود بعد روز چهار تازه ۱

۲

میرزاداو و دخان و نام پدر او امیرا عبومده است. ب هس فار شارک انح ربک لق شون ،
شخص امیراعلم هم م ب یاست از حوزه انتخابیه درهنگ زانتخاب میش دو دستور داده شد

۳ میدرزاش هال بدین ۴ و « . نهایی تسعی و کوش شرامب ذولداری » بود در این زمینه

۵

افضلالملک روحی هم از حوا زنهتخابیه رفسنجانبرگزیده شدند، اینه ا در دوره مشروطه

ب هبعد از حزب دمکرات حمایت کمیدند. در برخی موارد درست بعد از برگزاری

انتخابات فرمایشی، نظر حکومت مرکزی تغییر مکرید ، در این ش رای طدس تورم دادنی د

فردی خاص به نمایندگی انتخاب گ . ردادز جم ل هاینکه دستور داده شده بود مردی کاشف

انتخابات تکلی هتق اطش ر ق « نام از حوزه انتخابیه مشه بدرگزیده شو . د اما نکته این بود که

خاتم ه پیدا کرده به استخراج آراء مشغول هستند، با این حال تصدیق خواهن دفرم و دک ه

د ۶ نام هزی رک هب الای آن « . موقع گذشته است، انتخابات و کایند ش غیرممکن خواهد بو

ت و سان « خیلی فوری اس » نوشت ه شده است

، خود گویای انتخابات فرمای ش یمجلس م س

ق را ر تراپ ورتواصل ه « : اس ت. این نامه خطاب به فرمانده لشکر شرق نوشته شد هاس

حاج ی ملک که از مرکز تعیین شده بود ج ز وکاندی مدهاش یه دنی ست ،چ و نبای ست ی

عمل آوریده ب باب این در لازم اهتمام شود انتخاب مشارالیه حتما . « ورازب ه مز پاسخ نام ۷

فوری است، مقام رفیع ریاست محترم ارکان حرب کل قشون م تشداو کته؛ « ای ن قرار بو:د

ه ب بقا س ه ه طوریك ب دارد ی م مستحضر را مبارک خاطر مَحترما ... مطاع امریه جواب در

عرض رسیده انتخابات بعضی نقاط به کلی خاتمه پذیرفته و در برخ ینی زب هاستخراج

۱

متصدی ارکان حرب لشکر شرق به رئیس ارکان حرب کل قشون، فوری است، ۲۸ آبانماه ۱۳۰۴، ش. ۰۱۹.

۱۳۰۴-۱۷۹.

۲

رئیس ارکان حرب کل قشون به ارکان حرب لشکر شرق، خیلی فوری است، لیلہ ۲ آذرماه ۱۳۰۴، ش. ۰۱۸.

۱۳۰۴-۱۷۹.

۳. رئیس ارکان حرب کل قشون به ارکان حرب لشکر شرق، خیلی فوری است، اسناد وزارت جنگ، ۴ آذرماه

۱۳۰۴-۱۳۰۴-۱۷۹، ش. ۰۴۲.

۴. همان میرزا شهاب راوری پدر دکتر مظفر بقائی کرمانی است .

۱۳۰۴-۱۷۹-۵. امیرلشکر جنوب به رئیس ارکان حرب کل قشون، مورخه ۳۰ آبانماه ۱۳۰۴، ش. ۰۲۷.

۶. متصدی ارکان حرب لشکر شرق به رئیس ارکان حرب کل قشون، از مشهد، مورخه ۳۰ آبانماه ۱۳۰۴، ش .

۱۳۰۴-۱۷۹-۰۲۸.

۷. رئیس ارکان حرب کل قشون به امیرلشکر شرق، خیلی فوری، مورخه لیلہ ۲۶ آبانماه ۱۳۰۴، اسناد وزارت

۱۳۰۴-۱۷۹-جنگ، ش. ۰۵۳.

ص: ۵۴۷

آراء مشغول هستند و محل خالی نیست، با عرضمرات بمعروض هج اچ یمل کو آق ا
ک مل اجی ح اب لازم ذاکرات م از س پ شیخ احمد از قبول این امر امتناع ورزیدند، ثانيا
مشارالیه متق اع د شده و دستور لازم به قوچا صاندر گردید ک هاز قوچا نانتخ ابش ود ،
گردید معروض راپرتا . « تور دس . د و ب ل ا و ن م ن ی م ه ه ب ع ض و م ه کرمان انتخابیه حوزه در ۱
داده شده بود فردی عیسی خان نام از یکی از ها حوی آزنهجا ب هعن وا ننماین د همجلس
د ریاس تمحت رم « مؤسسان برگزیده شود، محمود آی، راممیر لشگر جنوب چنین پاسخ :دا
ارکان حرب کل قش و.. ن. فرمانده قسمت کرمانراپورت نموده است که به واسطه هی ق
وقت تعیین کلیه منتخبین و شروع به انتخابات، انتخاب میرزا عی خانس م یشکل است،
د گردی عارش الامکان در انتخاب وی کوشش نماید، اطلاع حتی دادم دستور معهدا . « از ۲
از هر نقطه که ممکن است « ای ن بالاتر به امرای لشگر غرب و شرق دستور داده شد

۳

پیشرفت ی دارد قدغن فرمائی د(نمائید) دکت راحیاءال سلطنب هراد ردییراعظ م را انتخ اب
۴ برجسته تری ن نمایندگان گیلان عبارت بودند از حسین کی اساتروابنند رانزلی « . نمائید
ک هبندر پهلوی تغییر نام داده ب ؛ سویدد عبدالوها بمجته دزادزه رش ؛ ت ناصرالاسلام

۵

ندامانی از فومن و قائممقامالملک رفیع از طال ش.

در تلگرام های رمز این زمان نکات جایل بوجود دارد که خ و دکاش فاز تقلاب بیودن
مطابق راپرت ساخلوی بروج رد « انتخابات است . به طور مثال امیرلشکر غرب تلگراف کرد
فخرالاسلام، بشیر معظ ، م اعتبارالدوله، مشاراعظم برای نمایندگی مجلس وم سسان از طرف

اهالی بروجرد انتخاب و در ظرف ی ان هفته به طهران رهسپار خواهند شد، راجع ب ه

مشارعظم

یعنی اینکه بقیه را؛ «چون مشارالیه سابقا نماینده بود، خود اهالی انتخاب کردهاند ۶

خود مردم انتخاب نکردهان د!

د ر انتصاب نمایندگان مؤ سسان شخص رضاخا ندست به کار ب . و ا دو به کفی ل ایالت

۱. متصدی ارکان حرب لشکر شرق به رئیس ارکان حرب کل قشون، فوری است، شب ۲۸ آبانماه ۱۳۰۴ ، اسناد

۱۷۹-۱۳۰۴- وزارت جنگ، ش. ۰۵۲ .

۱. ۱۷۹-۳۰۴- ۲. امیرلشگر جنوب به رئیس ارکان حرب کل قشون، ۲۷ آبانماه ۱۳۰۴ ، اسناد وزارت جنگ، ش. ۰۵۶ .

۳. پراتتر در اصل.

۴

رئیس ارکان حرب کل قشون به امرای لشگرهای شرق و غرب، خیلی فوری، ۳۰ آبانماه ۱۳۰۴ ، ش. ۰۲۹ .

۱۳۰۴-۱۷۹.

۱۷۹-۱۳۰۴- ۵. فرمانده تیپ شمال به ارکان حرب کل قشون، فوری است، مورخه ۳۰ آبانماه ۱۳۰۴ ، ش. ۰۳۳ .

۱. ۱۷۹-۳۰۴- ۶. امیرلشکر غرب به ریاست ارکان حرب کل قشون، شب ۲۷ آبانماه ۱۳۰۴ ، اسناد وزارت جنگ، ش. ۰۵۸ .

ص: ۵۴۸

دستور داد صریحا خراسان « که بدهید تذکر فوراً به اعضای کمیسیون انتخابات مشهد مهدوی و حاجیحسنآقا م ل ک هر دو طرف توجه من هستند و در این موقع نباید کسی به اعمال نظریات خصوصی توسل نماید . حاجی حسن آقا باید برای مجلس مؤسسان از مشه د انتخاب شود و شخص شما بایست مراقبت کنید که بر خلاف این نظریه اقداماتی پیش نیاید، نتیجه را هم اطلاع ب د.. ه.یدرئیس حکومت موقتی مملکت و رئیس عالی ۱ کفیل ایالت خطاب به رئیس ارکان حرب کل قشون که کلیه مکاتبات قشونی «. کل قوا حاجی حسن آق ادر شهر مشه دکاندید ...» اینک به نام او صورت مگرفت ، پاسخ داد: شدند ، شاید هم انتخاب شود، انتخابات در همه جا در شرف اتمام [است]، منتها در شد تلگراف قدری به تأخیر افتاده بود، معهدا محض امتثال امر به حکومت رمزا تون ۲ «. ایشان را انتخاب نمایند، چون موقع گذشته و چندبار هم در صندوق تصرفات شده که « در زنجان وضع به این شکل بود که حاکم آنجا اشخاصی را کانیدا کرده بود فرمانده لشکر شمال غرب تلگراف کرد انتخابات آن « . اغلب آنها از روحانیون مباحثند بنده اساسا به روحانیون اعتماد نمکن یم ، متمنی است اوامر « نواح ی آغاز شده است، اما فرمایند صادر مشارالیه به را لازمه . « شد داده پاسخ ۳ » حکومت با در این باب مستقیما ۴ «. زنجان داخل مذاکره شوید، دو نفر از روحانیون برای نمایندگی کافی است ب ه هر حال بعد از چنین انتخاباتی، م ؤس سان در تکیه دولت تشکیل جلسه دا . د ترکیب شرکت کنندگان در جلسه متنوع بو:داز هیأت دولت گرفته تا نمایندگان این مجلس ، از معمرین قوم و اعیان و اشراف کشور گرفته تا هیأت های دیپلماتیک کشورهای خارجی، از فرماندهان قشون تا زندانیانی مثل شیخ خزعل همه و همه در این

مجلس گرد آمده بودند تا تکلیف را مشخص ن. مایدن را دین میان رضاخاکنه ساک ن

کاخ گلستان بود، در میان صدای گلول هاهی توپ این فاصله را تا تکیه دولت طی ک ر.د

۱۷۹-۱۳۰۴-۱. رضاخان به کفیل ایالت خراسان، مورخه ۲۶ آبانماه ۱۳۰۴، اسناد وزارت جنگ، ش. ۰۶۲.

۲

. کفیل ایالت خراسان به رئیس ارکان حرب کل قشون، شب ۲۸ آبانماه ۱۳۰۴، اسناد وزارت جنگ، ش. ۰۶۱.

۱۳۰۴-۱۷۹.

۳. فرمانده لشکر شمالغرب به رئیس ارکان حرب کل قشون، خیلی فوری است، مورخه ۲۴ آبانماه ۱۳۰۴، ش .

۱۳۰۴-۱۷۹-۰۷۰.

۴. رئیس ارکان حرب کل قشون به فرمانده لشکر شمالغرب، خیلی فوری است، ليله ۲۶ آبانماه ۱۳۰۴، اسناد

۱۳۰۴-۱۷۹-۱۳۰۴- وزارت جنگ، ش. ۰۶۹.

ص: ۵۴۹

۵۵۰ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

او از روی کاغذی که از پیش فراهم شده بود، متنی را . رخصوانخندان آشکارا صدایش
میلرزید ، یا به دلیل اینکه تحتاً تی فضای حاکم بر جلسه قرار گرفته بود و یا به این
دلیل که سواد خواندن و نوشتن نداشت و بیم داشت در آن جمع خطائی لفظی صورت
گیرد .وزیرمختار آمریکا که میهمان جلسه بود، گزارش دمهید رضاخان با صدائی کوتاه
که فقط نزدیکان به او توانستند صدایش را بشنوند، متن کوتاهی را قرائت کرد.
وقتی رضاخان جلسه را ترک کرد، هیأت های دیپلماتیک هم خارش دندون و ب هاین
شکل کار مجلس مؤسسان رسماً شروع شد .دمجلس م و سسان از پانزدهم آذرماه تا بیست
و دوم آن ماه، مشغول بحث و بررسی برای تغییر موادی از قانون اساسی . ب اتغییر و مداوله
۳۷ و ۳۸ قانون اساسی سلطنت به رض اخمنات نقل گردید که از مدتی پی نام ش ، ۳۶
خانوادگی پهلوی را برای خود برگزیده ب . و ندانم خانوادگیای که در اصل متعلق بود به
محمود علامی ر . وقتی این نام به رضاخان داده شد، محمود نام فامیل خود را هم محمود
نهاد . ب اساس این تغییرات ادامه سلطنت نسل رضاخان به رسمیت شناخته ش ؛ د
بزرگترین فرزند ذکور این نسل ولیعهد قانونی به شمار رف میت ،اگ رش ا هفرزن دذک و ر
نداشت ، تعیین تکلیف اینکه چه کسی باید جانشین شاه شود، ب امجلس و سسان مبود؛
مادر شاه هم نباید از خاندان قاجار باشد . به این تغییرات ۲۵۷ نفر رأی موافق و تنها سه
ت نرای ممتنع دادن .دروز بیست و چهارم آذرماه آن سال مراسم تحلیف به جای آمد و
وج ات ه ب ، ی و ل ه پ رضاشاه عنوان با سِپه رسماً سردار رضاخان آذرماه پنجم و بیست روز
تخت دست یاف . تهمان روز جرج پ نج میادشاه نگال ستا ناغ ازس لطن ترض ا خراان
تبری ک گفت و رضاخانهم در پاسخ اطمینان داد در دوره حکمرانی او رواب طدو ک شور

بی‌ش از پیش گسترش خواهد یافت. تد ریستون نه‌م آذرماه، محمدعلی فروغ‌ب‌یه‌عن‌وان

نخستین رئیس‌الوزرای دوره پهلوی، حکم خویش را از رضاشاه دریافت کرد.

ب‌ه‌این شکل خودکامه‌موردنظرم‌ادر این دفتر، با آخرین نیرنگ سیاسی بر نخستین

پلکان سلطنت تکیه زد. او اکنون ب‌ه‌شکلی ملموس سر‌رو در روی مردم قرامریگرفت.

قدرت یک‌ه‌رضاخان با چنگ و دندان به دست آورده بود، حق استفاده از آن را نیز به

وی اعطا می‌کرد. رضاخان قدرت خود را با گسترش خوف و وحشت به دست آورد.

او نمی‌توانست از این عامل برای ادامه قدرت خود دست بردارد، زیرا در این صورت

خود از بی‌نی‌میرفت. از آن سویاداره اسناد عمومی بریتانیا گواهی است بر این موضوع

کک هبریتانیا در صعود قزاق به اریکه سلطنت نقشی بسیار اساسی داشته. شاخصیت رضاخان در گفتگوئی با لورین در اولین ملاقاتی که بعد از تغییر سلطنت صورت گرفت ب هصراحت گفت که بریتانیا و نمایندگانش در ایران او را یاری دهاند. او حتی گذشته انگلستان که کند که گفت و کرد توجیه را ایران در بریتانیا استعماری

کاملاً درک می در

بوده است در امور ایران دخالت نماید، اما وی بر آن است تا وضعیتی «مجبور» گذشته شکل دهد که دیگر مداخله مستقیم لازم نباشد. ارشضاخان تأکید کرد، یک ایران قدرتمند بخشی از مسئولیت سنگین بریتانیا را که هم اینک در شرق دارد، ب ه «چ هبسا بتواند

۱ لورین هم این ابراز احساسات علنی رضاخان به این شکل جبران کرد «دوش گیر د

ک هدر اوایل دیماه سال ۱۳۰۴ میهمانی نا هار یترتیب داد و در آن تلاش کرد برخی از

مخالفی ن دیرینه رضاخان را با او آشتی ده. در این جلسه صول ال تدول قه شقائی و ش ی خ

خزل در کنار ابراهیم ق اولامل ک شیرازی حضور داشتن. دل ورینمیخواس تک دور ت

دیری ن بین صول ال تدوله و بریتانی ا را از بین ببرد و خزوق لوامل ک راهم دعوت ک رد

ت احمایت خود و دولت متبوعش از رضاخان بکنش. ان پ د ساز صرف نه

ار

لورین از یکایک سران عشایر حاضر در جلسه خواست س و گن دی ادکنن دب هر ض اخان

۲ دارند؛ حکومتی که ه رک دام از حضری ن «یادوستی پایدار» وفاداران د و با حکومت بریتان

۳ اینک بریتانی ا تا حد زیادی به اه دا فیلندم د تخ و د «بزرگی و دانائی ایش را ستودها ند»

دست یافته؛ و مردی به پادشاهی ایران رسیده بود که مردم ایران جز ستم و ظل مازاتب اع

ا و تاکنون ندیده اند . مردی که روزنامه ن هوی س را در میدان مش قکتکمیزند و به چوب
میبندد ؛ م ردی که با مشت، دندان مدیر جاری ی دهدیگ ر را خر دمی کند ؛ م ردی که به امر و
فرمان او سرکردگان و رجال کشور مانند سردار معزها و السلاقب طناهل ها و امی رعشایره ا
ر ایگناه کشته و اموالشان را غارت ک ده رد ؛ ؛ مردی ک ه
ان مردی که تحصیلات ندارد

۴

ب ا اندازه طماع است، مردی که محال میگوید و فریب میدهد.

To take on her shoulders a part of the heavy load responsibility which Britain bore in
the East; Lorraine

.to Chamberlain, December ۹/۱۹۲۵, FO. ۴۱۶/۷۸

.Undying friendship.۲

whose magnanimity and wisdom each exhorted; Lorraine to Chamberlain,... ۳
.December ۳۱/۱۹۲۵, FO

.۳۷۱/۱۱۴۸۳

۴. تاریخ مختصر ا حزب سیاسی ایران، ج ۲، ص ۳۰۰

ص: ۵۵۱

ه لاک ه چ، ع اطم رحم بی سواد بی قزاق برکشیدن در فهمیدن ان همگ که نیاید دیری
گشادی بر سر ملت ایران رفته اس تا تزه یکسالی بعد از تغییر سلطنت بود که کسانی
مثل عارف دانستند چه خطی مرتکب شده ان د. آن زمان که البته دیگر خیلی دیر بود،
عارف سرو د:

فکنده از چه پی صید مرغ خانه کمند؟

شکار کرکس و شاهین کن، این شکار نش د!

ز قتل عام لرستان و فتح خوزستان

چو هند و نادر، اسباب افتخار نشد

نهال مردی و مردانگی چنان خشکید

که سالها شد و یک نادر آشکار نشد

.....

چه ملتی است؟ که نابود باد تا به ابد

چه دولتی است؟ که خودسر چو او، به کار نشد

نه نام ماند، نی ننگ، زین دو در گیتی

شوند محو که این شهر و شهریار نشد

ز شاه سازی و دربار بازی این ملت

مگر ندید دوصد بار، بار بار نشد؟

مدار چشم توقع به آن که چشم طمع

به مال دارد، این م ملکت مدار نشد

نداشت عارف عیبی جز از نداری و گفت

که گفت این که نداری که عیب و عار نشد! ۱

۱-۲۱۴ . دیوان عارف قزوینی، ص ۵

ص: ۵۵۲

نهایت اینکه همان عارفی که به غلط چشم امید به کسی چون رضاخان بسته بود،
سالها بعد در ۱۳۰۹ یکی از شدیدالحنترین غزلیاتش را علیه او سرود و غدزل عارف در
این سال وصف اوضاع و احوال کشوری است که زیر مهمیز مقلدین نیزالقیاد نو راه
نجاتی نمی یافت:

به عهد ما به جز از هیز و دزد و جانی نیست

به غیر اصل زر و زور و خانخانی نیست

وطن پرست دهد جان خود به راه وطن

به حرف یاوه و جان دادن زبانی نیست

به نام خود کنی املاک خلق، شرمت باد

که قلدری بود، این طرز قهرمانی نیست

ندیده کس به چپاول به پهلوانی تو

شدی تو راهزن، این رسم پهلوانی نیست

زمانه هر دو سه روزیست با یکی، هشدار

که گفت با تو که این عز و جاه فانی نیست؟

صعود کردهایا ما به دست اجنبیان

که رتبت تو به تأیید آسمانی نیست

.....

تو جاه و سود کلان بردهای ز اجنبیان

مرا نصیب به جز از فقر و ناتوانی نیست

من از برای وطن لب گشوده‌ام ب ه سخن

ز بهر مال و منال و زر و اوانی نیست

ص: ۵۵۳

۵۵۴ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

کسی نگفت تو را، لیک گویدت عارف

درین زمان چ و تو کس زورگوی و جانی نیست ۱

همان سال عارف سرود:

ای ز وجود تو راه و رسم جنایت

شد بار دگر نو، به دیار کهن م ن!

ت و قائد من، منجی من، نیستی ای دو ن!

هستی تو همان دشمن من، راهزن من! ۲

دع بن ر ق م ی ن ا ت و ا ن ی ر خ آ ی ا ه سروده و بود؛ سروده را مغبون تی دل مل د در عارف

زبان حال آن ملت بود.

۲۲۶-۱. همان، صص ۲۲۷

۲. همان، ص ۲۲۸

ص: ۵۵۴

کودتای سوم اسفند، در گرچه به لحاظ توالی زمانی در امتداد جنبش‌مشرطه ه ق را رداش ت ، لیکن ن به لحاظ مضمون و ب اهر تلقی، ب این نظام سیاسی تفاوت داش. ت تحولات یک هبه دنبال کودتا رخ دا، ددر حقیقت، محصولی بود از به بار نشستن تکاپوهای جریان‌ی خاص با شخصیت‌هایی متمایز که از دوره مشروطه فعال بود و اندیشه تأسیس نظامی خودکامه را در کسوت مشروطه تعقی م بی کرد. این نظام سیاسی البت ه مبنای فکری خاص خود را داشت که باید در دفتری جداگانه به آن پرداخت. لیکن به لحاظ اقتصادی و اجتماعی در پیوند با محافل مالی بریتان یاو به طور خاص حکومت هند انگلیس قرار داشت. تحلیل و تبیین کودتا به گوناگونی ک هدر ابتدای امر به ذهن خطمور یکن د، س اد هنی س. با تبی دتبار بسیاری از حوادث و جریانها را شناخت و بازیگران در صحنه آن را شناسائی نمود و تحقیق کرد کدام مبنای فکری همه آنها را به هم پیوند میداد؟

بنیادهای این دگرگونی تاریخی را ما در ره سالهی بحران مشروطیت در ای روان ایران از سقوط مشروطه تا کودتای سوم اسفند دیده‌ایم. در آن رسالهها نشان دادیم به طور کلی دو خط متمایز سیاسی و فکری در مشروطه قابل تمیز: نخست خطی که فکری و سیاسی ایران در اندیشه تأسیس نظامی سیاسی بود تا «امکانات» در چارچوب عدالت را پاس دراد و احقاق حقوق مردم کند و دیو مهیب خودسری را مهار اید و نم ر ابا همان ضوابطی که در سنت به جای مانده از گذشته «حقالناس» در یک کلام کماکان مطرح بود، پاس دارد؛ و دوم خطی که همه به دنبال تقلید بود و گاهی از مشروطه سخن میگفت و گاهی از ضرورت ظهور ناپلئون بناپا؛ ارگانهی لیبرال‌میشد

و زمانی سوسیالیس؛ ت وقتی دیگر انقلابی دوآت شمه یشد و به گاه بحرا، نفرار را بر قرار

ترجیح م یداد. این خط کج و معو، جوجه غالب اندیشه و عمل کسانی بود که ما آنها را

گروههای بحران ساز نامیده ای م و بر این باوریم که هدف ایشان آن بود تا از درون این

بحرانها مردم را خسته و فرسوده نمایند و توده را مهیای پذیرش حکومت مردی

نمایند که مقدر بود به دنبال مشروطه، در ایران خودکامگی برقرار نماید و به نام

نوسازی کشور، ک لیه میراث به جای مانده از همان مشروطه ناقص را به باد دهد.

بلافاصله اشاره کنیم البته کسی مثل رضا خادرن زمانه مشروطه، نه شناخته شده بود

و نه محلی از اعراب داش. آتن زمان رضاخاق نزاقی ساده بود که هرگز تصورنمیکرد

به، ی س ی ل گنگ ن افرماندهان روس و بعدا اسارت زنجیر از را او، زمین ایران تاریخ تقدیر

تخت سلطنت برکشد، سهل است شاید او هرگز تصورنمیکرد منصبی در خور در

همان دستگاه قزاق پیدا نم ای ل دیکن آنچه منظور و مقصود سیاست خارجی بریتانیا

می توان شمرد، سلطه فردی چون او بر مقدرات مردم ایران بود؛ به واقع ر چضاوخان

در معادلات سیاسی آن رزو هیچ بود، از منظر منافع بریتانیا نتوانست همه چیز باش. د

انگلستان هرگز نگذاشت ایران در بعد از مشروطه رنگ ثبات و آرامش. بخبین شدی از

این موضوع به رقابتهای نهان و آشکار این قدرت با براو زمسیه گرد د. به واقع بریتانیا

میخواست از آب گال لود فضای سیاسی عصر مشروطیت ماهی خودکامگی، صید کند

ت ا به اهداف طولانی مدت خود برای یافتن جای پائی مستحکم در ایران دست. یدابر د

این راستا هرکسی که میتوانست وزن های د رعرصه سیاست کشور باشد، باید به اعماق

تاریخ پرتاب م یشد و کسانیک ه نام و نشانی نداشتند، از قعر انحطاط و گمنامی به اوج

مکنت و شهرت دست میافتند .

اگر به تاریخ مشروطه ایران و تحولات پس از آن نظری هرچند گذرا افکنیم، به این حقیقت تلخ دست خواهیم یافت که کلیه رجال واقع بین که چیزی جز مصالح عالیه کشور در نظر نداشتند، هما کنسانیکه راه و روش عقلانی در پیش گرفتند و اهتمامشان همه مبدول استقرار حکومت قانون در کشور بود، از گردونه سیاست خارج شدند و در مقابل کسانی میداندار گردیدند که جز هرج و مرج و شهرآشوبی از دوره مشروطه به بعد روشی نداشتند . همین افراد بودند که پشتوانه‌ای قدرت سیاسی رضاخان گردیدن د. آیا می توان تصور کرد قزاقان بدون حمایت اینان بتوانند قدمی از قدم بردارند؟ مگر

ص: ۵۵۶

قزاقان در معادلات آن روز ایران چه نقش و اهمیتی داشتند؟ به واقع، م جقرزاق یان برنامه ها و سیاستگذار یهای آنان به شمار مرف یتند. همچنین باید توجه داشت این شبکه در هم تنیده پیوندهائی استوار با محافل سیاسی و اقتصادی وب ری حتا کنی ومات هند انگلی س داشتند، بدون در نظر گرفتن این پیوندها کشف راز و رمز تحولات عصر مشروطه تا استقرار رضاخان بر تخت سلطنت غیرممکن است .

بودن د سیاستمدارانی که از زیر و بم تحولات آگاهی داشتند، اما اغلب اینان هم به نحوی از انحاء چیزی نبودند جز آلت فعل همان دستهای قدرتمند پشت . کپسان ردیه که ه با وصف وقوف بر معادلات سیا، سیای از سر کوبیهنی و یا در سودای اینکه خود قدرت ب رتر را در صورت استقرار قزاقان به دست گیرند، نن تر ردبقای امثال رضاخان شدند . انگلستان هرگز نمیتوانست تداوم و تحول مسالما می تز و قانونمند سیاسی را در ایران تحمل کن . د زیرا این قدرت جهانی در راستای منافع خویش چه در هند و چه در خاورمیانه، به بیشتر از دو سناریو نمایاندیشی د: ی اهرج و مرج و آشوب و یا استقرار حکومت ی دست نشاند . ه پ س مضحک خواهد بود اگر تصور شود انگل ب ستهها هنر طریقی از مشروطه در ایران حمای م تیکرد ، زیرا در آنصورت نمایندگان ممر ددر مصالح عمومی اظهار نظر میکردند و بنگاههای اقتصادی و مالی بریمتثانی لاشرکت نف ت انگلی س و ایرا نو یا بانک شاهنشاهی نمیتوانستند به این سادگی سرمایه کشور را به تاراج برند ؛ همانطور که ه از نظر سیاسی هم بریتانیا میتواند ت در دولتهای ایران برای خویش حیاط خلوتی دایر ک ن. د گروهی خاص در انگلستا نترجیح میدادند نهادهای کهن و سنتی ایران ویران شود و بر این ویرانه هیچ نظم مستحکمی شکل . ه مناگیرد

نهادهای ی که ب ه هر حال بودنشان بر نبودشان ترجیح داشت و تا وقتی جایگزینی مناسب از درون همان نظم کهنه برایشان شکل نمی گرفت، ب اید حف ظم یشدن دو مطابق شرایط زمانی و مکانی تحول می یافتند . بیهوده نیست که هم رجال سیاسی، هم اهل فرهنگ، هم مرمزداران قدرتمند، هم متمولین محلی و هم نهادهای سنتی باید نیست و نابود می شدند تا آنکه حفظ می گردیدند و طبق شرایط متحولیش دند . در این راستا رضاخان نه تنها خاندانهای ذی نفوذ و محتشم کشور را نابود کرد، بلکه را کسهانی ویرا برای نیل به قدرت خود کامه یاری کردند هم از ه گخرادرون ج ساخ : ت ی آنها را کشت ، یا تبعید کرد، یا زندانی نمود و یا از هستی ساقط . ب ه نایمودن شکل انقطاعی

تاریخی شکل گرفت که باعث گردید نظم جابرانه شکل گیرد که نهریشه ای در سنت داشت و نه با معیارهای تجدد منطبق بود. زیرا این نظم جدید به شکلی منطقی و عقلانی از درون نظم کهنزاده نشد بلکه به شکلی موزائیکی بر فرهنگ و سیاستین مرز و بوم تحمیل گردید. خاندانهای کسانی مثل سردار معززبجنوردی، سردار مقتدر طالشی و اقبالالسطنه ماکوئی که بهمنافع کشور خیانتی نکرده بودند فروگرفته شدند و اموال آنان همه به نفع رضاخامنصاده گردید، همچنین با چراغ سبز انگلیس ایلات و عشایر سرکوب شدند و حتی شیخ خزاع هلم ابقاء گردید، تجربه خزاع لکافی بود تا نشان ده در حال کشور به وعه و وعید بریتانیا اعتماد نکنند و بر سیاستمداران گوناگون آن کشور تکیه نمایند.

اما هنوز بودند کسانی که نسبت به آتیه کشور هشمدایردادند هرچند تعداد اینان نسبت به مجموع نخبگان سیاسی کش و، نارجیز بو؛ داز جمله سیدحسن مدرکسه فریادش کمتر گوش شنوائی یافت و هشمدارهایش در مواردی معدوم و بدابیداری نمایندگان مجلس قرین ب. و در حالیکه قزاقان با حمایت آشکار و نهان بریتانیا سنگرهای بی دفاع سیاسی و اداری کشور را یکی بعد از دیگری به مدمس یاوتردند، بس یاری از سیاستمداران آگاه در غفلت عمدی از دهسیاسیه پشت پرده و با چشم پوشیدن از تجربههای تاریخی، بار دیگر آزمودنیهای را آزمودند که به قیمت جانشان تمام شد. رضاخان نه تنها مخالفین بلکه حتی کلیه کسانی را که نردبان ترقی او بودند، یکی به دنبال دیگری نابود ساخت و کسانی را نگه داشت که هنری نداشتند جز اطاعت بی چون و چرا از فرامین او؛ عمده این افراد هم در زمره نفرات یگانهای قوه قزاق بودند

که ه ثروت و مکنٲ و شهرت خویش را مدیون رب ضوادن خادن و دستهائی که او را حمایت م ینمودند . تعدا د فراوانی از سیاستمداران و اهل فرهنگ و هکنهر فریفته قوه قزاقان شده بودند، وقتی از اعمال خویش پشیمان گردیدند که دیگر خیلی دیر شده بود، ما در دفترهای آتی این رساله، به سرنوشت شوم این افراد اشاره خواهیم کرد .

استقرار رضاخان بر تخت سلطنت ، تنها یک تحول ساده تاریخی ن ببلوکه؛ه این حادثه نقطه عطف حوادث ریز و درشت فراوانی بود که ایران را از چند دهه پیش از مشروطه به خود مشغولم یداشت ؛ حوادثی که در جریان جنبش مشروطه به اوج رسید و با کودتای سوم اسفند به ویژه ب اتغییر سلطنت به نتیجه ای که مقبول طبع برخی

محافل سرمایه سالار بریتانیا بود، نائل آم. داین مه م نمیتوانست محقق شود مگر اینکه
 رجالی از سنخ قوام و مشیرالدوله، روحانیانی از نوع شهید سیدحسن مدرس،
 خاندانهائی مثل فرمانفرم او سپهسالار، مرزدارانی مثل سردار معزز اقبال،
 السلطنه و

فرهنگیان ی مثل مل اکلشعراى بهار و میرزاده عشقی و فرخی یزدانی گردونه خارج
 شوند. مقدر بود به جای این عده، امثال محمدخان درگاهی و کریم آقا بوذرجمهری
 [خشتمال]، بر جان و مال و ناموس مردم تسلط یابند، هک سهاینیچک هنری نداشتند جز
 بیهنری و تنها ابزار حکمرانشان تازیانه بود و فحاشی‌شنی دوره آغاز شگی کلری
 عصری است که فرهیختگی جای خود را به فرومایگی داد، چرا که برخی فرهیختگان
 در خدمت خود کاماهی درآمدند که نه تنها از داشتن سیوا دمتعارف محروم بود، بلکه
 تنها ابزار ادامه حکومت خود را قربانی گرفتن و زپی انرهادن میثاقها قرار داد، رضاخان
 حتی از سایه کسانیکه تصومریکرد روزی بتوانند رقیب او شوند، هراس داشت؛ این
 هراس، تاریخی را رقم زد که مسائل و موضوعات آن در دفاتر بعدی این رساله پیگیری
 خواهد شد.

اوستین چمبرلین در شانزدهم اکتبر ۱۸۶۳ در بیرمنگامه دنیا آمد و درست در او ج قدرت رضاخان یعنی شانزدهم مارس ۱۹۳۷ در لندن درگذشت. او فرزند بزرگ جوزف چمبرلین و نایب‌الرئیس یکی از نخست‌وزیران بریتانیا یعنی نویل چمبرلین بود. جوزف پدر اوستین در هشتم جولای سال ۱۸۳۶ به دنیا آمد و در دوم جولای ۱۹۱۴ در لندن درگذشت. او را مصلحی اجتماعی، تاجری موفق و سیاستمداری رادیکال به شمار می‌آورند که تعلقش به منافع ملی بریتانیا از مباحث احزاب محافظه‌کار و لیبرال که آن زمان دو حزب قدرتمند بریتانیا به شمار می‌رفتند، فراتر می‌رفت. او با رویکرد باعث شد تا در زندگینامه‌های رسمی هم او را امپریالیستی تند و تیز و آتشین معرفی کنند. ۳ جیمز

۴

از معاشین و وزیرای ویلیام اوارت گلاستون و هنر شمار می‌آمد، گلاستون کسی است که از نظر دشمنی با کشورهای اسلامی رقدرن نوزدهم شهره اس. اوستین چمبرلین در سالهای ۱۹۰۳ تا ۱۹۰۵ وزیر خزانهداری انگلستان بود، دایره‌المعارف بریتانیکا براین باور است که در این زمان ماویتوانست جانشینی قدرتمند برای آرتور جیمز بالفور باشد، اما سرانجام به نفع بونار لاکناهیگری کرد. در جنگ اول جهانی، وزیر امور هندوستان بود که این دوره از سال ۱۹۱۵ تا ۱۹۱۷ طول کشید. دو سال بعد یعنی

۱. Neville Chamberlain.

۲. Ardent Imperialist.

۳. Britanica, Vol. ۳, pp. ۶۴-۵۳.

۴. William Ewart Gladstone.

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

سالهای ۱۹۱۸ تا ۱۹۱۹ از اعضای کابینه جنگ به رش مما یآمد. سالهای ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۱

چمبرلین بار دیگر وزیر خزان داهری بریتانیا شد، اهمیت این سالها برای ایران در این

است که اعتراض علیه قرارداد ۱۹۱۹ نخستین بار از سوی وزارت خدا زارنیه بریتانیا

شکل گرفت و دلایل آن را ما پیت رد شر رسال اهی جداگان ه تشریح ک اریده م. اهمیت

موضوع در این است که این مخالفت مفهومی مهمتر داشت، نزاع داخلی در کابینه جنگ

بریتانیا که در یک سوی آن چمبرلی وزیر خزانهداری قرار داشت و قرارداد را تحمیلی

مالی بر دولت انگلیس سه شمار میآورد و در سوی دیگر لرد ک روزنیر امور خارجه

بود که میخواست از این طریق سیاست خارجی کشور خود را در ایران پیش نزاع ب رد

نهانی چمبرلی و کرزنه تنها منجر به فسخ قرارداد شد، بلکه مقدمات کودتای

رضاخان را هم به مثابه یکی از تبعات این منازعات در پی. من د صاشب بع تدی

چمبرلین، م هردار سلطنتی انگلیس بود، اینک او به سر تری ی ن اطلاعات در مورد این ر

۱۹۲۱ را دربر میگرفت، حوادث مهم - دسترسی داشت. در این زمان که سالهای ۲۲

دیگری در کشور به وقوع پیوست که باز هم تابعی به م شیآ ممار د از اختلان فظ ر

مقامات بریتانیا بر سر مسئله ایرا. ندرست بعد از کودتای سوم اسفنیعدنی از ماه مارس

۱۹۲۱ تا اکتبر ۱۹۲۲ چمبرلی رهبری حزب محافظه کار را به دست. گرسفالها تی

۱۹۲۲ تا ۱۹۲۴ او در کابینههای بونار لا و استلی بالدوی نحضور نداشت، اما باز هم در

یکی از مهمترین فرازهای تاری ای خران که منجر شد به فروپاشی سلسله قاجار و صعود

رضاخان بر تخت سلطنت، بار دیگر وزیر امور خارجه دولت محافظه کار ب ابلدووی د، ن

این سالهای حیاتی از ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۹ را در بر گرفت، در این سالها چمبرلین در

برکشیدن قزاقان و تثبیت پای‌های هاهی حکومت رضاخان نقشی بسیار مؤثر ایفا کر . دآخرین

منصب او عبارت بود از لرد اول دریاداری که این دوره از آگوست تا اکتبر ۱۹۳۱ را

۱

درب‌گرفت.

.Britanica, Vol. ۳, p. ۶۴.۱

ص: ۵۶۲

گزیده اسناد دایره عملیات وزارت جنگ، مکاتبات وزارت پست و تلگراف و تلفن،

وزارت داخله، وزارت فواید عامه، وزارت معارف، گزارشهای محرمانه استخبارات

قشون و اداره تفتیش در سالهای

۱۳۰۴-۱۲۹۹

ش در مورد مسائل گوناگون ک؛ شور

بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.

گزیده اسناد وزارت امور خارجه سالهای

۱۳۰۴-۱۲۹۹

در مورد روابط ایران و آمریکا،

مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه.

گزیده اسناد سازمان اسناد ملی ایران در مورد یهودیان و مهاجرت علمای عتبات،

۱۳۰۱-۳۰۱۱- سالهای ۱۳۰۲

گزیده اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران در مورد انتخابات بمانجلس پنجم، سال

۱۳۰۲.

,Selected Documents concerning the Murdering of Imbrie, Iranian Baha'is Jews

Standard Oil and Sinclair Companies: National Archive, Maryland, USA, Department of

.State Records during the years ۱۹۲۱-۱۹۲۵; Seri ۸۹۱

Foreign Relations of the United States, Vol III, (Washington D.C: United States

(Government Printing Office, ۱۹۷۱)

Selected Documents concerning dispatches of Britain Foreign Office, Norman, Loraine
and British Consuls in Bushihr and Ahvaz during the years ۱۹۲۱-۱۹۲۵: Public Record

.Office, London, UK, Series ۳۷۱ ۴۱۶

ص: ۵۶۳

روزنامه‌ها و مقالات نشریات

۱۳۱۲- دوره روزنامه اطلاعات، سالهای ۱۳

۱. ۳۰۰- دوره مجله آینده، ۱۳۰۴

تاریخ معاصر ایران، مجموعه مقالات، کتاب دوم، (تهران: مؤسسه مطالعات و

پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۰)

۱۳۰۰ ش. - دوره روزنامه حقیقت، سالهای ۱۳۰۱

۱۳۰۱ ش. - دوره روزنامه ایران، سالهای ۱۳۰۲

دوره روزنامه حیات، سال اول، ۱۳۰۱ ش.

۱۳۰۰ ش. - دوره روزنامه طوفان، سالهای ۱۳۰۱

فصلنامه تاریخ روابط خارجی، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه،

۱. ش ۲۸، پائیز ۳۸۵

نشریه چشمان ا دز، چاپ آمریکا، ش ۵۶، سال ۱۹۹۷

دوره روزنامه هحثیم (ارگان انجمن ترقی کلیمیان ایران)، ۱۹۲۲ مطابق ۱۳۰۱ ش.

۱۲۹۹ ش. - دوره روزنامه هگئولا (ارگان انجمن صیونیست ایران)، ۱۳۰۱

۱۳۰۱ ش. - دوره روزنامه شفق سرخ، سالهای ۱۳۰۳

« . مسائل جاریه » ، نوبهار هفتگی، ش ۵، سه شنبه یکم عقرب (آبا) ن ۱۳۰۱

« . هرج و مرج » ، نوبهار هفتگی، ش ۵، سه شنبه یکم عقرب (آبا) ن ۱۳۰۱

نوبهار هفتگی، شماره ۶، مورخه ۸ عقرب (آبا) ن ۱۳۰۱، سرمقاله.

« . اقلیت سابق » ، نوبهار هفتگی، ۱۹، چهارشنبه ۲۵ دلو (بهمن) ۱۳۰۱

«. بحران » ، نوبهار هفتگی، ش ۳۰، مورخه سه شنبه ۱۵ خرداد ۱۳۰۲

دوره روزنامه کار، سال ۱۳۰۲ ش .

. هفتهنامه اتحاد اسلام، ش ۲، یازدهم جوزا (خرداد) ۱۳۰۳

دوره روزنامه گلشن، سال ۱۳۰۱ ش.

۱۳۰۱ ش. - دوره روزنامه اتحاد، سالهای ۱۳۰۲

کاظم زاده ایرانشهر، حسی : ن انقلاب فرانسه و انقلاب معهود ایران، ایرانشهر، ۱، ش

۱. فروردین ۳۰۲

۱. کاظمزاده ایرانشهر، حسی ن: مذهب و ملیت، ایرانشهر، ش ۲، آذرماه ۳۰۳

خند ۵۶۵. منابع و م

ص: ۵۶۴

۱. کاظمزاده ایرانشهر، حسی ن: سرنوشت بشر، ش ۴، خردادماه ۳۰۵

. کاظمزاده ایرانشهر، حسین: جمهوریت و انقلاب، ایرانشهر، بهمن ۱۳۰۲

دوره روزنامه سیاست، سال سوم، ۱۳۴۲ قمری.

دوره روزنامه ستاره ایران، سال ۱۳۰۲ ش.

دوره روزنامه کوشش، سال ۱۳۰۲ ش.

۱. مشفق کاظمی، مرتضی: ما چه می‌خواهیم؟ نامه فرنگستان، ش ۱، اردیبهشت-تیرماه ۳۰۳

۱. مشفق کاظمی: مطبوعات ایران، نامه فرنگستان، ش ۱، اردیبهشت-تیرماه ۳۰۳

۳. تاریخهای عمومی، خاطرات و اسناد منتشر شده، دیوان اشعار و منابع متفرقه

(. احمدی، حمی د: ریشه‌های بحران در خاورمیانه، (تهران: کیهان، ۱۳۶۹

(. احمدی، حمی د: قومیت و قومگرایی در ایران؛ از افسانه تا واقعیت، (تهران: نشر نی، ۱۳۷۸

(. اسکندری، عباس: تاریخ مفصل مشروطیت یا کتاب آرزو، (تهران: غزل، ۱۳۶۱

(. اسناد فراماسونری در ایران، ج ۱، (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۰

(. اسناد کابینه کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹، به کوشش حسن مرسلوند، (تهران: ۱۳۷۴

اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا درباره قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس، ج ۲، ترجمه

(. جواد شیخالاسلامی، (تهران: کیهان، ۱۳۶۵

(. اشبربر، مانس: نقد و تحلیل جباریت، ترجمه کریم قصیم، (تهران: دماوند، ۱۳۶۳

افتخاری، یوسف: خاطرات دوران سپری شده، به کوشش کاوه بیات و مجید تفرشی،

(. (تهران: فردوس، ۱۳۷۰

(. امانت، عباس: قبله عالم، ترجمه حسن کامشاد، (تهران: کارنامه، ۱۳۸۳

(. امینی، ایرج: بر بال بحران، زندگی سیاسی علی امینی، (تهران: نشر ماهی، ۱۳۸۸

۱). انتخابات مجلس پنجم به روایت اسناد، ۲ج، (تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۳۸۴

آخرین سنگر آزادی، مجموعه مقالات میرجعفر پیور شهی در روزنامه حقیقت، به

(. کوشش رحیم رئیس نیا، (تهران: شیرازه، ۱۳۷۷

(. آدمیت، فریدون: ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، (تهران: پیام، ۲۵۳۵

(. آذری، عل ی: قیام کلنل محمد تقیخانپ سیان در خراسان، (تهران: مروی، ۱۳۶۸

(. آرنه، هانا: توتالیتاریسم، ترجمه محسن ثلاثی، (تهران: جاویدان، ۱۳۶۶

ص: ۵۶۵

۵۶۶ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

آیرونیساید، ادمون د: خاطرات و سفرنامه، به ضمیمه اسناد و مکاتبات سیاسی وزارت

(. خارجه انگلستان، ترجمه بهروز قزوینی، (تهران: آینه، ۱۳۶۱

(. بریتون، کرین: کالبدشکافی چهار انقلاب، ترجمه محسن ثلاثی، (تهران: نشر نو، ۱۳۶۳

(. بل، گرتروود: تصویرهایی از ایران، ترجمه بزرگمهر ریاحی، (تهران: خوارزمی، ۱۳۶۴

(. بهار، محمد تقی: تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳

(. بهار، ملکالشعر: تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷

(. بیات، کاوه: انقلاب خراسان، (تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۰

تاریخ سیاسی عراق، (تهران: مؤسسه انتشاراتی نهضت جهانی اسلام، بیتا).

(. تفضلی، فریدون: تاریخ عقاید اقتصادی، (تهران: نشر نی، ۱۳۷۲

(. تقیزاده، سیدحسن: زندگی طوفانی، به کوشش ایرج افشار، (تهران: علمی، ۱۳۷۲

جنبش کلنل محمد تقیخان پسیان بنا بر گزارشهای کنسولگری انگلیس در مشهد،

(. (تهران: نشر روایت، ۱۳۷۰

(. حائری، عبدالهادی: تشیع و مشروطیت، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴

(. خاطرات ابوالحسن ابتهاج، ج ۱، (تهران: علمی، ۱۳۷۱

(. خاطرات ایرج اسکندری، (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۱

(. خاطرات سردار اسعد بختیاری، به کوشش ایرج افشار، (تهران: اساطیر، ۱۳۷۲

(. ۱) خاطرات عینالسلطنه، ج ۸، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، (تهران: اساطیر، ۳۷۹

(. خاطرات نخستین سپهبد ایران، (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۶۷

(. خواجه نوری، ابراهیم: بازیگران عصر طلایی - مدرس، (تهران: جاویدان، ۱۳۶۷

(. درباره قیام ژاندارمری خراسان، به کوشش مهرداد بهار، (تهران: معین، ۱۳۶۹

دکتر حبیب لوی: تاریخ جامع یهودیان ایران، بازنویسه دکتر هوشنگ ابرامی،

(. (لسانجلس: بنیاد فرهنگی حبیب لوی، ۱۹۹۷

د و سال آخر، یادداشتهای روزانه سرجان کمبل نماینده انگلیس در دربار ایران، دو جلد،

(. ترجمه دکتر ابراهیم تیموری، (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۴

(. دولتاآبادی، یحیی ی: حیات یحیی، ج ۴، (تهران: عطار و فردوسی، ۱۳۷۱

(. دیوان ایرج میرزا، به کوشش محمدجعفر محجوب، (تهران: بینا، ۱۳۵۳

دیوان عارف قزوینی، به کوشش محمدعلی سپانلو و مهدی اخوت، (تهران: مؤسس ه

خذ ۵۶۷. منابع و م

ص: ۵۶۶

(انتشارات نگاه، ۱۳۸۱

(دیوان فرخی یزدی، به اهتمام حسین مکی، (تهران:امیرکبیر، ۱۳۸۲

۱۹۰۰، (تهران: پاژنگ، - ذوقی، ایرج: تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرتها بزرگ ۲۵

۱۳۶۸).

(ذوقی، ایرج: مسائل سیاسی - اقتصادی نفت ایران، (تهران: انتشارات پاژنگ، ۱۳۷۰

رایت، سر دنیس: انگلیسیان در ایران، ترجمه غلام حسین صدری افشار، (تهران: نشر

(اختران، ۱۳۸۳

(رائین، اسماعیل: فراموشخانه و فراماسونری در ایران، ج ۳، (تهران:امیرکبیر، ۱۳۵۸

رحیمزاده صفوی، علیا صغر: اسرار سقوط احمدشاه، به کوشش بهمن دهگان، (تهران:

(فردوس، ۱۳۶۸

رضاشاه کبی ر: سفرنامه مازندران ۱۳۰۵، (تهران: مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی

(دوران پهلوی، ۲۵۳۵

روزنامه خاطرات سیدمحمد کماره ی، ج ۲، به کوشش محمدجواد من راید، ی (تهران:

(اساطیر، ۱۳۸۴

سپهر، احمدعلی: خاطرات سیاسی مورا خلدوله سپهر، به کوشش احمد سمیعی، (تهران:

(نامک، ۱۳۷۴

(سرشار، هومن: فرزندان استر، ترجمه مهرناز نصریه، (تهران: کارنگ، ۱۳۸۴

سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کم، ب، تریرجمه عباس مخبر، (تهران:

(طرح نو، ۱۳۷۱

شوادران، بنجامین: خاورمیانه، نفت و قدرتها بزرگ، ترجمه عبدالحسین شریفیان،

(. تهران: کتابهای جیبی، ۱۳۵۲

(. شوکت، حمید: در تیررس حادثه، (تهران: اختران، ۱۳۸۶

صبحی، هوشنگ صباح: ی سیاست انگلیس و پادشاهی رضاشاه، ترجمه پانر ه وستاری،

(. تهران: گفتار، ۱۳۷۹

(. صدرهاشمی، محم د: تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۱، (اصفهان: کمال، ۳۶۳

عنایت، حمی د: اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، (تهران:

(. خوارزمی، ۱۳۶۵

ص: ۵۶۷

۵۶۸ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

(. فاتح، مصطفی: پنجاه سال نفت ایران، (تهران: انتشارات چهر، ۱۳۵۵

فاخر، حسی ن: جریان رسیدگی به الغاء امتیاز نفت داری در جامعه ملل سابق، (تهران:

ابن سینا، بیتا).

(. فرخ، مهدی: خاطرات سیاسی فرخ، (تهران: افست، ۱۳۵۶

فرمانفرمائی، مهرما ه: زندگینامه عبدالحسین میرزا فرمانفرما، جلد دوم، (تهران: توس،

۱۳۸۲).

فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، (تهران: نشر نگاه

(. معاصر، ۱۳۸۷

(. فخرائی، ابراهیم: گیلان در جنبش مشروطیت، (تهران: جیبی، ۱۳۵۲

کبابی، سدیدالسلطنه: سفرنامه سدیدالسلطنه، به کوشش احمد اقتداری، (تهران: بهنشر،

۱۳۴۶).

کونل، راینهارد: فاشیسم مفر جامعه سرمدیاهری از بحران، ترجمه منوچهر فکری

(. ارشاد، (تهران: توس، ۱۳۵۸

(. کلیات میرزاده عشقی، به کوشش علی اکبر مشیر سلیمی، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷

(. گیلک، محمدعلی: تاریخ انقلاب جنگل، (رشت: گیلکان، ۱۳۷۱

لنچافسکی، ژرژ: غرب و شوروی در ایران؛ ی سال رقابت، ترجمه حورا یوری،

(. (تهران: ابن سینا، ۱۳۵۱

لوسوئور، امی ل: نفوذ انگلیسیها در ایران، ترجمه محمدباقر احمدی ترشیزی، (تهران:

(. کتاب برای همه، ۱۳۶۸

(لوی، دکتر حبیب: تاریخ یهود ایران، ج ۳، (تهران: کتابخانه یهودا بروخیم، ۱۳۳۹

(مارکس، کارل: جنگ داخلی در فرانسه، ترجمه باقر پرهام، (تهران: مرکز، ۱۳۸۰

(مارکس، کارل: نبردهای طبقاتی در فرانسه، ترجمه باقر پرهام، (تهران: مرکز، ۱۳۷۹

مجد، محمدقلی: قحطی بزرگ، ترجمه (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی،

۱۳۸۶).

(مستوفی، عبدالله: شرح زندگانی من، ج ۳، (تهران: زوار، ۱۳۷۱

(مسکوب، شاهرخ: داستان ادبیات و سرگذشت اجتماع، (تهران: فرزانه روز، ۱۳۷۳

(مشروطه گیلان، یادداشتهای رابینو، ترجمه محمد روشن، (رشت: نشر طاعتی، ۱۳۶۸

ص: ۵۶۸

خذ ۵۶۹. منابع و م

(. مکی، حسی ن: تاریخ بیست ساله ایران، ج ۱، (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹

(. مکی، حسی ن: تاریخ بیست ساله ایران، ج ۲، (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹

(. مکی، حسی ن: تاریخ بیست ساله ایران، ج ۶، (تهران: نشر ناشر، ۱۳۶۲

(. ملکزاده، م هدی: تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، کتاب دوم، (تهران: علمی، ۱۳۶۳

ملیکف، ا. س: استقرار دیکتاتوری رضاخان در ایران، ترجمه سیروس ایزدی، (تهران:

(. شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۸

منشور گرگانی، محمدعلی: رقابت روسیه و انگلیس در ایران، به کوشش محمد رفیعی

(. مهرآبادی، (تهران: عطائی، ۱۳۶۸

(. اسمیت، آدام: درباره ثروت ملل، ترجمه محمدعلی کاتوزیان، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱

(. میلسپو، آرتور: آمریکائیاها در ایران، ترجمه حسین ابوترابیان، (تهران: پیام، ۱۳۵۶

نامههای خصوصی و گزارشهای محرمانه سرریدر بولارد، ترجمه غلامحسین

(. میرزاصالح، (تهران: طرح نو، ۱۳۷۱

نصرت الدوله؛ مجموعه مکاتبات، اسناد، خاطرات. تفیروز میرزا فیروز، ج ۳، به کوشش

(. منصوره اتحادیه و سعادت پیرا، (تهران: کتاب سیامک و نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۸

ویلی، جویس ان: نهضت اسلامی شیعیان عراق، ترجمه مهوش غلامی، (تهران:

(. انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳

۱. هال، ملوین: سفر آخرالزمان، ترجمه علی جواهر کلام، مجله جهان نو، نیمه دوم تیرماه ۳۷۲

(. هدایت، مهدیقلی: خاطرات و خطرات، (تهران: زوار، ۱۳۶۳

(. هدایت، مهدیقلی: خاطرات و خطرات، (تهران: زوار، ۱۳۷۵

(. هدایت، مهدیقلی: گزارش ایران، به اهتمام محمدعلی صوتی، (تهران: نقره، ۱۳۶۳

(. هویدا، فریدون: سقوط شاه، ترجمه ح. ا. مهرا، (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۵

یادداشتهای تاریخی، خاطرات و اسناد مستشارالدوله صادق، ج ۱، به کوشش ایرج افشار،

(. (تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۶۲

یسلسون، آبراهام: روابط سیاسی ایران و آمریکا، ترجمه محمدباقر آرام، (تهران:

(. (امیرکبیر، ۱۳۶۸

یقیکیان، گریگور: شوروی و جنبش جنگل، به کوشش برزویه دهگان، (تهران: انتشارات

(. (نوین، ۱۳۶۳

ص: ۵۶۹

,Amir Arjomand, Said: The Turban for the Crown; The Islamic Revolution in Iran

(USA: ۱۹۸۸)

.(Balfour, James M: Recent Happenings in Persia, (Edinburgh: ۱۹۲۲

.Britanica, Vol. ۳

.(Ciligia, Anton: The Russian Enigma, (London: ۱۹۴۰

,De Novo, John A: American Interest and Politics in the Middle East ۱۹۰۰-۱۹۳۹

.(Minneapolis: ۱۹۸۳)

,Gibb and E.I.Knowlton: History of Standard Oil, the Resurgent Years ۱۹۱۱-۱۹۲۷

.(NY: ۱۹۶۵)

:Grey, W. G: Recent Persian History, Journal of Central Asian Society, (London

.(۱۹۲۲

.Judaica, vol. ۱۰

,Kapur, Karish: Soviet Russia and Asia ۱۹۱۷-۱۹۲۷, (Geneva: Humanities Press

.(۱۹۶۶

.Katuzian, Hodayun: The Political Economy of Modern Iran

Kohn-Bramstedt, Ernst: Dictatorship and Political Police; The Technique of Control

.(by Fear, (London: ۱۹۴۵

,Majd, M. G: Oil and the Killing of the American Consul in Tehran

:Majd, Mohammad Gholi: From Qajar to Pahlavi, (University Press of America

.(۲۰۰۸

.(Nicolson, Harold: Curzon, the Last Phase, (London: Constable Co LTD, ۱۹۳۷

.(Souvarine, Boris: Stalin; A political Survey of Bolshevism, (New York: ۱۹۳۹

.(Ullman, Richard: The Anglo-Soviet Accord ۱۹۱۷-۱۹۲۱, Vol. ۳, (Princeton: ۱۹۷۲

.(Waterfield, Gordon: Professional Diplomat; Sir Percy Loraine, (London: ۱۹۷۳

.(Wilber, Donald. N: Contemporary Iran, (NY: ۱۹۶۳

Zirinsky, Michael P: Blood, Power and Hypocrisy; the Murder of Robert Imbrie and

American Relation With Pahlavi Iran ۱۹۲۴, in: International Journal of Middle

.Eastern Studies, Vol. ۱۸, No. ۳, August ۱۹۸۶

ص: ۵۷۰

فهرست اعلام

۴، آبادان (عبادان) / ۸۴، ۴۶۸، ۳۲۵، ۲۲۴،

۵۱۳، ۵۱۴، ۵۲۳، ۵۲۱

۵۴۶، آباد / ۵۴۵، ۳۶۲، ۱۸۳،

آتین / ۳۶

۲۷۳، آخوند خراسان / ی ۲۷۲

۳۴۵، آخوندزاده، محمد / ۳۴۴، ۳۴۳،

آدمیت، تهمورث / ۲۲۴

۷۰، آذربای ج ان شوروی / ۶۸

۱۲۵، ۱۲۳، ۱۲۱، آذربایجان / ۱۱۰،

۲۱۱، ۱۷۹، ۱۷۱، ۱۵۶، ۱۲۷، ۱۲۶،

۲۸۸، ۲۸۴، ۲۲۳، ۲۲۲، ۲۱۸، ۲۱۶،

۳۷۰، ۳۶۹، ۳۶۸، ۳۵۹، ۳۴۲، ۲۸۹،

۳۷۶، ۳۷۵، ۳۷۴، ۳۷۳، ۳۷۲، ۳۷۱،

۵۳۷، ۴۹۹، ۴۹۷، ۴۹۶، ۴۹۱، ۴۴۵،

آذری، علی / ۴۸

آرام، محمدباقر / ۴۳۳

آرژانتین / ۴۳۹

آرسنخان (مسیو) / ۱۳۱

آرکانزاس / ۴۶۵

آرنولد (سر) / ۴۲۲

آزاد، افراسیاب / ۱۵۰

آزادی، محمود / ۱۵۰

آژانس بینالمللی یهود / ۱۵۳

آسایشگاه کمار / ج ۳۹۱

آستار / ۲۹۶, ۲۰۴, ۲۰۳, ۲۰۲

آسوری (طایفه) / ۲۱۰

آسیای صغیر / ۷۱

آشتیانی، م، یرزا هاشم / ۱۹۳, ۸۵, ۵۴۱

آقا میرزا یحیی / ۲۸۶

آقا ابوطالب / ۱۰۴

آقا احمد (گنبد) / ۳۴۳

آقابهاءالدین / ۵۴۳

آقاخان / ۷۸, ۷۹

آقاسی، حاجیمیرزا / ۳۳۸

ص: ۵۷۱

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

آقاسیدض ایء الدین / ۳۰۵

آقاسید کاظم / ۳۴۳

آقاشی خن ووالدی / ن ۲۸۶

آقاشی خ هاد / ی ۳۴۳

۲۸۷, آقاض یاء نوری / ۲۸۶

آقایان، فلیکس / ۵۳۸

آقازیدی، سیدعلی / ۴۰

۳, آلما / ن ۱۴, ۱۹۳, ۱۳۳, ۱۳۲, ۳۸, ۲۵

۵۳۸, ابتهاج، ابوالحسن / ۲۰۷

ابرامی، هوشنگ / ۴۱۶, ۱۵۵

ابوالفتح میرزا سالارالدوله / ۴۸۸, ۴۸۷

ابوالقاسم (پسر ضیاء السلطان) / ۴۰۴

ابوالقاسم بیگ (سرهنگ) / ۱۱۳

اتابک اعظ / م ۴۳۴

اتحاد، سید کاظم (سرکشیکزاده) / ۳۷۶

اتحادیه، منصوره / ۲۵۲

۳۲۲, ۴۳۳, ۴۴۲

اجلال الملک / ۱۲۳

۵, احمداف یهودی (رئیس شیلات) / ۲۹۳, ۴, مآر یکا (ایالات متحده) / ۵۳, ۲۶

۲۱۰، ۱۹۳، ۱۷۳، ۱۲۳، ۱۱۶، ۷۳، ۷۲،

احمدشاه قاجار / ۲۳، ۲۴، ۳۶، ۴۰، ۴۱، ۴۲،

۴۱۹، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۴، ۴۳۹، ۴۹، ۵۵، ۵۸، ۶۱، ۹۰، ۹۱، ۹۳، ۹۹،

۴۴۵، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۳، ۴۵۷، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۱۷، ۱۲۳، ۱۲۹، ۱۵۴،

۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۳، ۴۷۱، ۴۷۴، ۴۷۵، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۷۵، ۲۴۵، ۲۶۶، ۲۷۴،

۴۷۶، ۴۷۷، ۲۷۷۴۷۹، ۲۷۹، ۲۸۳، ۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۱، ۳۰۷،

آمل / ۲۸۷

آموزگار، حبيب الله / ۵۴۵

۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۹، ۳۲۳، ۳۲۵، ۳۳۲،

۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۷، ۳۵۸،

۳۸۵، ۳۸۴، ۳۷۵، ۳۶۹، ۳، ۳۶۴، آنقره [آنکارا]، ۳۶۰، ۲۲۱

آوج / ۲۵۰

آیرم / ۱۸۵، ۱۸۶،

۳۸۶، ۳۸۷، ۳۹۸، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۳۹، ۴۸۱،

۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۵۲۶، ۵۲۷،

۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۶، ۳۲۸، ۳۴۴، ۳۴۵، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵،

۳۶۸، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۳۷، ۵۴۸، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۴۲

۲۹۶ احمدعليخان / ۱۹۶، ۲۹۰، آیرم، محمد حسين / ۱۱۳

۱، احمدی ترشیزی، محمدباقر / ۴۱، ۸۶، ۱۸۵، ۱۱۳، آیرم، محمود / ۱۰۳

۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۶۷، ۵۱۵، ۵۲۰

احمدى، حميد / ٢٦٩

٢٢, ٢٤ / د ادمون / آيرونسايد، ادمون / ٣٥٨, ٢٥٠ احياء السلطنه / ٣٥٩, ٣٦٠, ٣٦١, ٥٤٨

امير احمدى، احمد (سرلشگر) / ٦٤ اخگر، احمد خان / ٥٣٧, ٤٢٤

ص: ٥٧٢

فهرست اعلام

اخوان، کاظمخان / ۷۹ استبداد صغیر / ۲۸

۴۴۵, ۳۴۵, اخوت، مهدی / ۳۵۴ استرآباد / ۲۸۷

اداره تلگراف هند و اروپا / ۳۹۱ استرآبادی، سید محمود / ۲۹۶

۴۲۸ اسدالله (سرهنګ) / ۵۴۴, ادیبالسلطنه سمیعی / ۴۲۷, ۱۱۹,

۴۱۹ اسدالله میرزا (شهابالدوله) / ۳۶, اراک / ۱۴۲

۴, اسدی، سلمانخان / ۳۴۲ ۹۳, ارباب کیخسرو شاهرخ / ۴۲۶

اسدی، محمدولیخان (مصباحالسلطنه) / ۳۷۶

۲۲۰, اربیل / ۲۱۹, ۲۱۸,

۷۱, ارتش سرخ / ۶۹, ۶۸,

اردبیل / ۲۸۵

۲۹۶, اردبیلی، سید جلی / ل ۶۹, ۳۰,

اردستان / ۳۴۱

۳۸۸, اردشیر جی ریپورتر / ۳۸۷, ۳۰۶,

۸, اردلان، امان اللهخان (عزالملك) / ۹

۷۳, اسرائیلنکو / ۷۲

اسفندیاری، حسن / ۴۳۹

۱۷۲, اسفندیاری، محتشم السلطن / ۵ ۹۳

اسفندیاری (نصیرالسلطنه) / ۸۵

اسکندری، ایرج / ۳۵۶

۴۰۴, اس کندری، عباس / ۲۴۸

۸, اسکندری، سلیمان میرزا / ۶, ۸۳, ۸۲, ۴۱,

۳۱۱, ۲۵۲, ۳۱۹, ۵۴۰, ۳۶۷, ۳۲۲

۵۰۲, ۵۰۳, ارسطوخان / ۴۱۰ اسمارت / ۱۳۵

۷۷, ارسنجانی، حسن / ۲۰۸ اسماعی ل (نایب سرهنگ) / ۷۵

۲۱۱ اسماعیل آقا (امیرفضلی) / ۱۲۵, ۲۱۰, ارمنستا / ۱۷۹

۱۳۴, ۸۹, اسماعی ل خان (سرهنگ) / ۱۳۲, ۷۷, ۸۴, ۵۸, ۵۳, ۴۲, ۳۶, اروپا / ۲۲

۹۶, ۱۰۵, ۱۱۷, ۱۵۳, ۱۶۰, ۱۷۰, ۲۵۳,

۲۹۰, ۳۰۷, ۳۲۱, ۳۳۳, ۳۳۴, ۳۳۵,

۳۴۹, ۳۵۲, ۳۵۵, ۳۹۱, ۴۰۳, ۴۲۲,

۴۹۷, ۵۲۷, ۵۳۴, ۵۳۹

اسماعی لم یرزا (معمدالدوله) / ۳۰۳

اسمای ث (کلنل) / ۲۷

اسمیت، آدام / ۲۶۳

۱۷۴, اسمیت، سیدنی آرمیتاژ / ۱۱۰, ۴۳,

۱۵۴, ۱۷۵, ۱۴۶, ۱۱۷, ۱۱۲, ۲, اصفهان / ۱۲ ۴۹, ۲۱۱, ۲۱۰, ۲۰۹, ارومیه / ۱۵۴

۲۱۸, ۱۸۱۵۴۵, ۱۸۲, ۱۸۶, ۱۸۹, ۱۹۴, ۱۹۵, ۱۹۶,

اسپانی / ۴۳۹

۴۹۷, استانبو / ۳۳۵

۲۰۷, ۲۵۴, ۳۰۳, ۳۲۷, ۳۲۸, ۳۴۱, ۳۴۳,

٣٦٢, ٣٦٨, ٤٨٤, ٤٩١, ٤٩٢, ٤٩٣, ٤٩٩,

ص: ٥٧٣

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

اکبر، فتح اللهخا / ن ۳۷۸

اصفهانى، حاج آقاجمال / ۳۶۱, ۲۷۶ الحسينى، عليرضا / ۵۳۷

اصفهانى، سيدابوالحسن (آيتالله) / ۱۰۴, الكساندروف / ۷۳

۲۷۱, ۲۷۲, ۲۷۳, ۲۷۶, ۳۸۲, ۳۸۳, ۳۹۹,

۴۰۰, ۴۰۱

امامزاده هاشم / ۷۴

امانت، عباس / ۳۳۸

۴۳۳, ۲۶۸, اطريش / ۴۶۵ امپراتورى عثمانى / ۵۴

اعتبارالدوله / ۵۴۸ امت ياز تنباكو / ۴۴۸

اعتضادالسلطنه / ۱۰۵ امت ياز خوشتاريا /

۴۴۱, ۴۴۳, ۴۴۷, ۴۴۸,

اعتلاءالسلطنه / ۵۳۹

۴۵۳, ۴۵۴, ۴۵۵, ۴۵۸, ۴۵۷, ۴۵۶, ۴۶۲

۱۱۱, ۱۱۰, ۱۰۶, ۷۰, ۳۴۲ امتياز نفت شمال / ۱۸, اعتمادالتجار / ۳۴۱

اعلم، مظفر (سرداراننصار) / ۳۰۰

افتخارالسادات / ۳۴۱

افتخارى، يوسف / ۲۴۱

افجهاى، سيدمهدى / ۶۹

۲۸۰, افشار, ایرج / ۲۷۹, ۶۹

۱۵۷, ۱۵۸, ۱۶۴, ۱۶۸, ۱۷۲, ۲۲۷, ۲۲۸,

۲۴۰, ۲۴۱, ۲۴۶, ۴۱۱, ۴۴۱, ۴۴۳, ۴۴۴,

۴۴۵, ۴۴۷, ۴۵۰, ۴۵۳, ۴۵۴, ۴۵۶, ۴۵۷,

۴۵۸, ۴۶۰, ۴۶۱, ۴۶۳, ۴۶۴, ۴۷۱, ۴۷۲,

۴۹۴

۴۷۲, ۷۱ امجدالعلما / ۲۱۳, افشار, میرزارضاخا / ن ۲۷

۴۲۵, ۲۸۴, افشاریزدی, محمو / د ۳۲۱ امیراقتدار (محمود آفاخان) / ۴۲۵

افضالالملک / ۵۴۷

۴۶۴, ۴۸۶, ۵۰۱

۲, امیراکرم (حاکم طبرستان) / ۲۸۶, ۰۸, ۱۲۸, ۱۱۱, ۱۰۶, افغانستا / ن ۷۱

۳۱۵, ۳۳۱, ۴۱۶

امیرتومان, محمد / ۱۱۵

۵۴۶ امیرفیصل /, افلاطون / ۳۶

۲۶۸, ۲۶۹, ۲۷۱, ۲۷۴, ۲۷۵,

افندی, عباس / ۴۱۰

۲۸۰

افندی, علی / ۵۴۲ امینال ضرب, حسی / ن ۶۲

۱, ۰۳, ۶۴, ۱۹۸, امیراحمدی, احمد (سرلشگر) / ۴۴, ۱۹۷, اقباللسلطنه ماکوئی / ۱۷

۱۹۹, ۲۰۰, ۲۰۱, ۲۰۲, ۲۰۶, ۲۰۷, ۱۱۳, ۲۲۳, ۳۸۳, ۳۹۷

امیر ارشد شاهسون / ۲۱۳

اکبر میرزا (مسعود) / ۳۱ امیر اعظم / م ۲۱۵

ص: ۵۷۴

امیراعلم (دکتر) / ۵۴۷, ۹۶, ۶۲

۱۵۶, ۱۵۷, ۲۲۹, ۲۵۳, ۲۵۴, ۴۱۶, ۴۶۱

امیرافضلی، اسماعیل (سرتیپ) / ۱۰۳ انجمن کلیم ای ن تهران / ۱۵۳

۱, امیرپنجه حسی نآ قا / ۱۰۸ انصاری، محم ودخان (امیراقتدار) / ۰۳

امیرپنجه محمدقلی / ۷۵

۳۹۹, ۱۳۵, ۴۶۴, ۴۰۲

امیرحسینخان / ۱۹۲ انقلاب بلشویکی / ۲۲

۲۳۹, امیرزاده خانم / ۱۳۴ انقلاب روسی / ۹۸

۸۸, ۸۷, امیرشوکتا لملک (علم) / ۶۵ انقلاب کبی رف رانس / ۲۱

۱۰۳ انگجی، میرزا ابوالحسن آقای / ۳۷۳, امیرطهماسبی، عبدالله خان / ۴۴

۱, ۵۹, ۲, انگرت، کرنیلیوس وا / ن ۱۱۲, ۱۰۳, ۲۴, ۱۵۰, ۱۳۵, ۴۱, امیرکبیر / ۲۳

۲۶۳, ۲۷۵, ۳۳۸, ۴۳۳, ۴۳۹, ۴۵۶, ۴۵۸, ۴۶۳

۴۲۵, امیرمؤی د سواد کوهی، اسماعیل خان / انوار، سید یعقوب / ۳۴۳

۲۰۴, ۶۴, ۶۳, ۲۰۵

اولن و کمپان یا ستون و وبستر / ۴۷۳

۴۳۹, ۱, اولفیان ت، لسلانت / ۱۶۶, ۱۶۵, ۹۴, ۱۸۹, امیرمجاهد بختیاری / ۱۱۷

۴۸۲

اوهای / ۴۶۵

۴۹۳, ۴۸۲, ۴۱۸, ۴۱۷, ۴۸۶ اوی، از موند / ۳۵۲, ۱۹۳, امیرمفخم بختیاری / ۱۱۷

۴۹۵, ۴۸۹, ۴۸۳, ۴۶۸, ۳۳۰, امینالتجار / ۳۴۱ اهواز / ۱۷۶

امینی، علی (دکتر) / ۲۰۸

اناری، سیدرضا / ۳۵۷

۵۱۸, ۵۱۷, ۵۱۵, ۵۱۰, ۵۰۸, ۵۰۱, ۵۰۰,

۵۲۰

اناریزاده / ۳۴۳ ایرانشهر (شهر) / ۳۴۹

انجمن امید / ۱۵۵ ایزدی، سیروس / ۳۸۵, ۵۰, ۲۳

انجمن ایران / ۴۷۸ ایلچی، میرزا ابوالحسنخان / ۳۳۸

انجمن پاری / س ۳۸۹ ایلمبری، رابرت ویتنی (ماژور) / ۱۸, ۱۷

انجمن ترقی / ۲۹۸, ۲۹۶, ۲۵۳, ۱۵۵

۴۱۰, ۴۰۹, ۴۰۸, ۴۰۶, ۴۰۵, ۴۰۳, ۲۲۸,

۴۱۷, ۴۱۶, ۴۱۵, ۴۱۴, ۴۱۳, ۴۱۲, ۴۱۱,

انجمن جامعه یهو / د ۱۵۵

انجمن حیات صیو / ن ۲۵۴

۴۶۷, ۴۲۳, ۴۲۲, ۴۲۱, ۴۲۰, ۴۱۹, ۴۱۸,

۵۲۷, ۴۷۹, ۴۷۸, ۴۷۷, ۴۷۶, ۴۷۵, ۴۷۴

۱, ایالت شیکاگو / ۴۴۹ ۵۵, انجمن صهیونیست / ۱۵۴, ۱۵۲

ص: ۵۷۵

بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

۵۴۶, بجنورد / ۱۳۰, ۱۲۹,

بحرالعلوم، سیدمحمدعلی / ۳۶۲

۳, بختیاری، جعفرقلیخان / ۲۹, ۲۸۳, ۱۹۴,

۳۳۰

۵۰۰, بختیاری، مرتضیقلیخان / ۱۹۳

۴۶۳, بدفورد / ۴۵۸

بدیع، محمدحسن / ۴۷۰

بدیع، محمدحسین / ۲۷۲

برادران باقروف / ۲۸

برادران لینیچ / ۳۸۹

برادران مسعودی / ۵۳۴

برادران نوب ل / ۴۳۴

۲۵۳, برال، عزیزالله / ۱۵۶, ۱۵۵,

براوی، ن کار ل / ۲۲

۲, برزنجی، ش یخمحمو / ۱۱, ۲۱۰, ۲۰۹,

۲۱۷, ۲۱۸, ۲۱۹, ۲۲۰, ۲۲۱

برگ / ۷۳

۴۵۷, برلی / ن ۳۲۲, ۱۵۳,

بروجرد / ۱۴۲, ۱۵۴, ۵۴۸,

بروجردی، آقاموس / ی ۳۶۴

بروجردی، موس / ی ۲۸۲

بروجردی، م حمد / ۴۹

بروخیم، اسحق / ۱۵۴

برینتون، کری / ن ۲۱

بر تیا نی (انگلیس، انگلستان) / اکثر صفحات

۴۴۸، بری ج من، ریجینالد / ۱۰۶، ۱۳۵، ۳۰۶

۵، بصره / ۰۲، ۴۸۷، ۴۷۰، ۴۶۸، ۲۷۴، ۲۷۳

ص: ۵۷۶

فهرست اعلام

۵۷۷

۵۰۸, ۵۰۹, ۵۱۱, ۵۱۵, ۵۱۷, ۵۱۸,

۵۲۰

۱۰۹, ۲۰۹, ۲۱۷, ۲۲۰, ۲۲۱,

۲۲۴, ۲۷۰, ۲۷۲, ۲۷۳, ۲۷۴, ۲۷۹,

۳۰۸, ۳۰۹, ۴۸۷, ۴۸۸, ۴۸۹, ۵۰۲,

۵۱۲, ۵۱۹

بقایبی کرمانی، مظفر / ۵۴۷

بل، گرتروود / ۱۶۰

بلژیک / ۴۱۶

بلوچ، حسین خان / ۱۲۸

بلوچستان / ۵۴۴

بلوشر، فون / ۳۸

۹۱, ۱۳۳, ۳۰۵, ۵۳۵, ۵۳۶, بمبئی /

۵۳۸

۸۷, ۱۴۵, ۴۹۸, بناپارت، لوئی /

۵۵۵

۱۴۵, بناپارت، ناپلئون / ۸۷

۲۸, ۶۸, ۷۳, ۲۳۴, ۲۸۹, بندر انزلی /

۲۹۱, ۳۴۴, ۳۴۵, ۳۴۶, ۵۴۸

بندر دیلم / ۵۰۱

بندر عباس / ۲۰۷

بندر گز / ۱۳۹

بندر مارسى / ۵۳۶

بنیاد راکفلر / ۴۵۰

بنی اسرائیل / ۱۵۲

۱۱۶, بوذرجمهری، کریم آقا / ۴۷

۱۲۷, ۳۸۵, ۵۴۲, ۵۵۹

بورس راکفلر / ۴۵۰

بوستان سعدی / ۱۳۹

۴۳, ۱۵۴, ۱۸۶, ۳۴۷, ۳۶۸, ۳۹۱, بوشهر / ۴۳

۴۷۶, ۴۷۷, ۴۸۳, ۵۰۱, ۵۰۲

۵۳۹, بوشهری، حاجی معین التجار / ۱۸۳

۲۰۸, بولارد، سر ریدر / ۲۰۷

۳۹۸, بومهن / ۳۸۶

۵۶۲, بونار، لاو / ۵۶۱

۲۳, ۲۷, بهار، محمدتقی (ملک الشعرا) / ۱۹

۳۳, ۳۶, ۳۷, ۴۱, ۴۵, ۵۵, ۶۲, ۸۵, ۱۱۷,

۱۰۵, ۱۳۵, ۱۳۸, ۱۴۵, ۱۴۶, ۱۶۵, ۲۱۶,

۲۳۶, ۲۳۷, ۲۳۸, ۲۳۹, ۲۴۰, ۲۴۱, ۲۴۳,

۲۴۵, ۲۴۷, ۲۴۸, ۲۵۳, ۲۵۶, ۲۵۷, ۲۵۹,

۲۶۰, ۲۶۱, ۲۶۲, ۲۶۴, ۲۶۵, ۲۷۷, ۳۱۳,

۳۳۳, ۳۵۲, ۳۸۱, ۴۰۴, ۴۰۵, ۴۱۲, ۴۲۴,

۴۲۵, ۴۲۶, ۴۲۷, ۴۴۵, ۴۷۶, ۴۸۴, ۴۹۷,

۵۰۱, ۵۰۲, ۵۲۶, ۵۲۷, ۵۳۵, ۵۴۱, ۵۵۹

۱۶۲ / بهارستان, ۲۵۵, ۲۵۶, ۳۴۸, ۳۴۹,

۳۵۸, ۳۷۷, ۳۷۸, ۳۸۰, ۳۹۴, ۳۹۶

۱۶۹ / بهمان, ۱۸۵, ۱۸۸, ۴۹۱, ۴۹۹, ۵۰۰,

۵۴۵

۲۷۶ / میرزا سید محمد, ۳۱۱, ۳۶۴

۳۸۵ / سلیمان, ۳۹۹, ۵۰۹, ۵۱۰,

۵۴۰

۳۲۳ / فرج الله, ۳۵۸, ۵۰۱

بهمن جی / ۳۰۵

۴۴۵, ۲۴۱ بیات, کاوه /

ص: ۵۷۷

۳۴۸، بیات، مرتضی قلی خان / ۶۲

بیگلری، میرزا علینقی خان / ۵۴۳

۱۷، ۱۶۰، ۱۷۸، ۲۶۸، بین النهرین / ۱۹،

۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۶، ۲۷۸،

۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۸، ۳۳۹، ۳۵۰،

۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۴۵۷، ۴۶۸، ۴۸۲،

۴۸۷، ۴۸۸، ۴۹۰، ۵۰۰، ۵۱۲، ۵۱۶،

۵۱۷، ۵۱۸، ۵۲۳

بیرجند / ۶۵

بیرمنگام / ۵۶۱

بیروت / ۳۰۹

۸۹، ۱۰۹، ۲۵۳، ۳۴۹، بیسمارک /

پ

پادگان عشرت آباد / ۱۶۶

۳۸۹، پارمور (لرد) / ۳۸۸

۹۶، ۱۳۸، ۱۵۳، ۱۶۵، ۳۲۱، پاریس /

۳۳۴، ۳۶۴، ۳۸۶، ۴۸۲، ۴۸۷، ۴۹۵،

۴۹۶، ۴۹۷، ۵۳۳، ۵۳۶، ۵۴۲

پاشا، محمد علی / ۳۳۱

پاولنکو / ۷۳

پرتغال / ۵۲۷

پرهام، باقر / ۲۵۸

پروتوپوف / ۷۳

۴۸، پسیان، محمد تقی خان (کلنل) / ۱۷

۴۹، ۵۵، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۷۵،

۱۱۵، ۱۲۶، ۱۲۸

۴۸۲، پشتکوه / ۴۸۶، ۴۹۹، ۵۰۰

پتر کبیر / ۳۴۹

پطروس / ۲۱۰

۷۴، پل کسما / ۷۳

۱۱۱، پلیس جنوب / ۶۷

پور تیمور، ملک ایرج میرزا (جلال الممالک) / ۴۸

۵۴۴

۴۶۲، پولادین، محمود / ۱۱۳

پهلوی، چراغعلی / ۵۴۳

۲۰۸، ۱۳۸، پهلوی، محمدرضا / ۴۳

پهلوی، شمس / ۱۱۹

پیرا، سعاد / ۲۵۲

۴۳, پیرنیا، میرزا حسن خان (مشیرالدوله) / ۲۷

۵۳, ۹۷, ۱۰۶, ۱۰۸, ۱۰۹, ۱۱۹, ۱۲۰, ۱۲۳,

۱۲۴, ۱۳۵, ۱۳۹, ۱۴۰, ۱۴۶, ۱۴۷, ۱۵۸,

۱۵۹, ۱۶۰, ۱۶۱, ۱۶۲, ۱۶۴, ۱۶۵, ۱۶۶,

۱۶۸, ۱۶۹, ۱۷۰, ۱۷۱, ۱۷۲, ۲۴۵, ۲۶۲,

۲۶۷, ۲۷۲, ۲۷۳, ۲۷۵, ۲۷۶, ۲۷۷, ۲۷۸,

۲۷۹, ۲۸۹, ۳۰۱, ۳۰۲, ۳۰۵, ۳۰۶, ۳۰۷,

۳۱۱, ۳۱۲, ۳۱۹, ۳۲۰, ۳۴۰, ۳۸۶, ۳۸۷,

۳۹۸, ۴۵۴, ۴۵۵, ۴۵۸, ۴۵۹, ۴۶۰, ۴۶۴,

۴۶۶, ۴۷۱, ۴۷۹, ۵۲۶, ۵۴۱, ۵۵۹

۳۲۴, ۱۶۴, پیشه وری، سید جعفر / ۷۵

۴۸۹, ۴۹۵, پیل، اردلی (کاپیتان) / ۱۷۶

ت. ث

۳۵۳, تر باقروف / ۱۷۳

ص: ۵۷۸

فهرست اعلام

تاجر شوشتري، حاجيسيد محمد تقى / ۵۲۰

۳۲۲, ۵۲۶, ۵۴۰, ۵۴۱

تاجر قزوینی، حاج رحيم / ۵۳۷ تمير فروش، سيد عبدالرحيم / ۳۴۳

۲۸۶, ۲۰۶, تالش / ۷۳ تنكابن / ۷۴

تبريز /

۱۱۲, ۱۲۱, ۱۲۲, ۱۲۳, ۱۲۴,

۳, تنكابنی، محمد وليخان / ۷۶, ۲۰۶, ۱۷,

۱۴۸, ۲۰۶, ۲۰۷, ۲۱۰, ۲۱۱, ۲۱۷, ۲۱۸, ۴۴۱

۲۲۹, ۲۳۱, ۲۸۴, ۲۸۸, ۳۴۲, ۳۶۸, ۳۷۱,

۳۷۲, ۳۷۴, ۳۷۵, ۴۹۱, ۵۳۷

تنگه داردانل / ۱۰۳

تومانخان / ۱۲۸

۵۴۴, ۵۴۹, تجدد، آقارضا / ۵۴۵, ۵۴۴, تون / ۵۴۴

تجدد، ميرزا محمد رضا (شيخالعرفاينزاد ه) / توى س ركان / ۱۵۴

۳۷۶

۶, تهرا / ن ۳, ۵۵, ۴۸, ۳۶, ۲۸, ۲۷, ۲۵, ۲۴,

تخت طاووس / ۲۹۲, ۳۳,

۶۴, ۷۲, ۸۰, ۱۰۵, ۱۱۲, ۱۱۳, ۲۳۵, ۳۰۴

تدين، سيد محم / د

۲۵۳,۶۲, ۳۲۲,

تیموری، ابراهیم / ۳۳۸

۳۵۱,۳۴۸, ۳۷۶, ۵۴۰, ۵۳۷, ۳۷۷

تیموری، امیر کلار / ۵۴۴

تربت حیدریه / ۶۵ تیمورتاش، عبدالحسین (سردار معظم خراسانی) /

ترشیز (کاشمر) / ۵۴۵

ترقی / ۴۱۸

۳۱, ۳۲, ۳۳, ۴۵, ۶۲, ۸۰, ۸۱, ۸۴, ۸۵, ۸۷,

۹۴, ۱۱۵, ۱۱۹, ۱۲۰, ۱۵۸, ۲۴۳, ۴۰۲, ۴۰۶,

, ترکیه / ۷۱

۲۱۰, ۲۱۱, ۲۱۶, ۲۲۰, ۴۲۶, ۴۲۷, ۴۲۸, ۵۰۳, ۴۴۶, ۵۴۵

۲۲۱, ۳۰۹, ۳۳۱, ۳۳۲, ۳۳۵, ۳۳۶,

۳۸۰, ۳۹۰, ۴۱۶, ۴۱۷, ۵۱۷

تروت، آلن چارلز / ۵۳۸

ثلاثی، محسن / ۲۱

ج

۶۸, تروتسکی، لی و / ۵۴

تفرشی، مجید / ۲۴۱

تفضلی، فریدون / ۲۶۳

تفنگداران جنوب ایران (پلیس

جنوب / ۶۷

تقوی، نصرالله / ۴۹

۱، تق ز یاده، سیدحسن / ۸۷, ۸۸, ۳۹

۵۵۰، جرج پنجم پادشاه انگلستا / ن ۲۷۹

جزائری، شیخمحمدجوا / د ۳۶۲

جزایری، شیخعبدالکریم / ۲۷۲

جعفرآق / ۲۱۰

جعفرخان / ۱۲۸

جعفرقلیخان / ۳۲۹

۱۹۷، جلاءالسلطن / ه ۱۹۶

ص: ۵۷۹

۳۷۶ چرچیل، وینستون / ۵۰۳، ۲۶۹، ۱۷۴، جلفا / ۳۷۵

جلی ال ل مل / ک ۳۴۳ چکسلواکی / ۱۵۴

۱۵۸ چمبرلین، جوزف / ۵۶۱، جم، فریدو / ۱۱۹

۵، ۰۸، ۵۰۴، ۴۹۵، ۱۱۹، چمبرلین، اوستین / ۴۹۴، جم، محمود (مدیرالملک) / ۴۳

۳۹۹، حائری، شیخ عبدالکریم / ۳۸۳، ۳۸۲

حائری، عبدالهادی / ۲۷۵

جواهر کلام، علی / ۳۹ حاج شیخ هدای سلطان / ۳۷۹

جوشقان / ۳۴۳ حاجیو کیل امشهای / ۷۸

۴۹۸ حاج یا حمد / ۷۶، جهانبانی، امانالله / ۳۸۶، ۳۴۲، ۲۱۶

۵۴۳ حاج یا فتخار / ۳۴۳، جهرم / ۳۴۷

۲، حاجی آقا جمال (شیرازی) / ۸۷، ۲۸۴، ۳۱۴

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

۱۲۰، ۳۲۰، ۴۲۸، ۵۱۰، ۵۳۱، ۵۶۱، ۵۶۲

۲۱۴ چمنی، سیدجلا / ۷۶، جمی لب یگ / ۲۱۳

۶۸، چهارلنگ (تیره) / ۱۸۰، ۲۸، ۲۷، ۲۲، جنبش جنگل / ۱۷

۲۲۱، چهریق / ۲۱۸، ۲۱۶

چهلستون (اصفهان) / ۱۹۶

۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۵، ۷۸، ۲۱۴،

۲۵۲، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۷۸، ۴۷۲

جنبش گیلان / ۷۸ چیچری / ۶۸

۴۷۹، ۴۷۸، ۴۵۰، ۷۸ چی / ن ۴۲۳، جنبش مشروطیت / ۲۱

، جنگ اول جهان / ی ۴۹، ۴۷، ۴۰، ۳۰،

۱۵۴، ۳۴۹، ۲۵۳، ۱۵۷، ۱۵۶،

ح

حئیم، سلیمان / ن

۲۰۲، ۱۷۸، ۱۷۵، ۱۵۲، ۱۲۰، ۸۶، ۷۱،

۲۵۸، ۲۵۲، ۲۳۹، ۲۲۴، ۲۱۰، ۲۰۹،

۴۶۲، ۴۶۱، ۴۱۵، ۳۵۰، ۳۶۳، ۳۲۵، ۳۲۲، ۲۷۸، ۲۶۴، ۲۵۹،

۴۳۵، ۴۳۳، ۴۳۲، ۴۰۷، ۴۰۴، ۳۹۶،

۵۱۰، ۴۹۳، ۴۸۶، ۴۶۷، ۴۵۴، ۴۴۱،

۴۲۵، ۴۲۴، ۳۴۳،

حائری زاده، ابوالحسن / ن

۵۶۱، ۵۳۴، ۵۳۳، ۵۲۷،

۴۲۶

۵۳۴، جنگ دوم جهانی / ۵۲۷، ۴۱۱، ۱۵۳،

۳۹۴، ۳۹۳، ۳۴۶، ۳۴۱،

چ

چاله میدان / ۱۶۱ حاج یاقا علی / ۳۴۳

چراغعل یخ ان / ۵۴۳ حاج یاقا فینی / ۲۸۷

ص: ۵۸۰

فهرست اعلام م ۵۸۱

حکمت، نظامالدين / ۴۰۲

حکيم، آقاسيدعلينقى / ۲۸۶

۲۷۴, حکى ال م دوله / ۲۶۷

۲۶۷, حکى ال مم لك / ۱۱۹

حى، سليمان اسحاق / ۱۵۴

حيدرقلی / ۳۰۴

خ

خاشچاب / ۷۳

, خالصى، شيخ مهدى (آيتالله) / ۲۶۹, ۲۷۱

, ۲۷۲, ۲۷۳, ۲۷۹, ۲۸۰, ۲۸۲, ۲۸۳, ۳۶۱,

۳۶۴, ۳۶۲

, خالصيزاده، شيخمحمد / ۲۷۰, ۲۶۹, ۲۵۲

, ۲۷۸, ۲۸۰, ۲۸۱, ۲۸۲, ۳۱۴, ۳۴۰, ۳۴۹,

, ۳۵۰, ۳۶۱, ۳۶۲, ۳۶۳, ۳۶۴, ۳۶۵, ۳۸۰,

۴۰۰, ۳۶۶, ۴۱۱, ۴۱۶

, ۷ خالوقربان (سالارمظفر) / ۴, ۷۳, ۷۱, ۲۷,

۱۲۴

, ۵۱۵, خان بهادر / ۵۱۱

خانق ي / ن ۲۷۳

۴، خاورمیانه / ۳۷، ۴۳۶، ۳۳۳، ۳۳۱، ۲۶۹، ۲۶

۴۵۴، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۷۹، ۵۵۷

خاور نزدیک / ۱۰۳

خبرگزاری بی بی سی / ۴۳

۲، خدایارخان (سرتیپ) / ۵۳، ۲۵۲، ۲۴۴، ۱۰۳

۳۲۰، ۳۹۹، ۳۲۳، ۵۰۱

خرازی، شیخ عبدالحسی / ن ۴۱۶

حاج ی سید محمد / ۳۰۹

حاج یم حمد علیخان / ۳۴۱

حاج یم فید / ۲۸۵

حاج یم لاهشم / ۲۸۵

حاج میرزا علی / ۳۴۱

حاج یمیرزایحی / ی ۳۴۱

۳۳۱، حجاز / ۲۸۲، ۲۷۹، ۲۷۳

حزب کمونیست اریان (حزب عدالت

باکو) / ۶۸

۳۴۳، حسامالاسلام / ۲۸۷

حسنا با / د ۴۱۳

۳، حسنزاده، میرزاغلامرضاخا / ن ۷۲

حسینقلی (سرهنگ) / ۲۹۹

حسینی شیرازی، سیدعلی / ۲۷۱

حسینخان بلوچ / ۱۲۸

حسینزاد / ۷۶

حشمتالسلطان / ۴۰۸

۵۴۳، حشمتی، حیدرقلیمیرزا / ۵۳۷

حصنالدوله، هادی / ۱۱۵

حضرت امام عصر (عج) / ۳۷۴

حضرت امیرالمومنین (ع) / ۳۷۴

حضرت عبدالعظیم (ع) / ۱۴۸، ۱۴۳

۲۸۳

حضرت معصومه (س) / ۳۸۳، ۲۸۰

حکمت، میرزارضاخان (سردارفاخر) / ۵۴۵

۵۴۳ حکمت، میرزاعلیاصغرخا / ن ۲۲۴

ص: ۵۸۱

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

, خراسان / ۴۸, ۵۵, ۶۲, ۶۳, ۶۴, ۶۵

۵۲۳, ۵۲۴, ۵۳۰, ۵۳۲, ۵۴۹, ۵۵۱, ۵۵۸

۶۶, ۱۰۸, ۱۲۹, ۱۶۶, ۱۸۱, ۲۰۶, ۲۰۹,

۲۲۲, ۲۸۴, ۲۸۵, ۲۸۸, ۴۱۷, ۴۴۵,

خلخا / ۲۰۵

۲, خلعتبری، نصرالله (اعتلاءالملک) / ۱۱۹, ۶۷

۴۵۲, ۵۳۷, ۵۴۴, ۵۴۶, ۵۴۹ ۳۸۷, ۳۸۸

, ۴, ۵۹, ۴۵۶, ۴۲۳, ۳۲۵, خراسانی (آیتالله) / ۲۷۳ خلی جف ار / س ۳۳۱

خراسانی، آقاسیدعبدالله / ۳۶۳, ۴۰۹

۴۸۶, ۵۰۴

خراسانی، آقاشیخمرتضی / ۲۸۵

خراسانی، آقامیرزااحمد / ۲۷۳

خراسانی، آیتاللهزاده / ۲۸۴

خراسانی، محمدکاظم / ۴۴۷

۲۷۳, خراسانی، میرزامهدی / ۲۷۲

, ۵۰۹, خرماآبا / د ۴۹۹

خلیلخا / ن ۳۲۸

خمین / ۳۵۳, ۵۴۳

۳۷۴, خوئی (امام جمعه) / ۳۱۲, ۳۵۰

خوئی، جوادخان / ۲۰۲

خوانسار / ۱۵۴

، خوزستا/ ن ۱۷۵, ۱۷۶, ۱۸۰, ۱۸۱, ۱۸۶, ۱۸۷

خرمشاهی، بهاءالدین / ۳۳۱

، خرمشهر / ۴۶۸, ۴۸۴, ۴۸۷, ۵۰۰, ۵۱۲

۱۸۸, ۱۸۹, ۱۹۲, ۲۱۵, ۲۲۷, ۳۲۵, ۳۲۷,

۴۲۸, ۴۵۲, ۴۶۸, ۴۶۹, ۴۸۳, ۴۸۴, ۴۹۸,

۵۱۴, ۵۱۵, ۵۱۶, ۵۱۷, ۵۱۹, ۵۲۲, ۵۰۰, ۵۰۱, ۵۰۲, ۵۰۴, ۵۰۸, ۵۰۹, ۵۱۰,

۵۲۳ ۵۱۱, ۵۱۲, ۵۱۴, ۵۱۵, ۵۱۶, ۵۱۷, ۵۱۸,

، خزاعی، حسین / ۶۶, ۱۰۳, ۱۱۳, ۱۲۷

۵۱۹, ۵۲۰, ۵۲۲, ۵۲۳, ۵۴۵, ۵۴۶, ۵۵۲

۱۳۰, ۱۲۹, ۱۲۸, ۲۸۴, ۲۸۵, ۳۹۷

، خوشتاریا، آکاکی مدودیچ / ۴۴۱, ۴۴۴, ۴۶

، ۱۹, ۹۰, خزعل (شیخ) / ۱۷

۱۷۴, ۴۵۳

۱۷۵, ۱۷۶, ۱۷۸, ۱۸۰, ۱۸۶, ۱۸۹,

۱۹۱, ۱۹۴, ۱۹۶, ۲۰۷, ۲۲۷, ۳۲۴,

۳۲۵, ۳۲۶, ۳۲۹, ۳۳۰, ۴۶۸, ۴۶۹,

۴۷۰, ۴۸۱, ۴۸۲, ۴۸۳, ۴۸۴, ۴۸۵,

۴۸۶, ۴۸۷, ۴۹۰, ۴۹۱, ۴۹۲, ۴۹۳,

۴۹۴, ۴۹۵, ۴۹۸, ۴۹۹, ۵۰۰, ۵۰۱,

۵۰۲, ۵۰۴, ۵۰۸, ۵۰۹, ۵۱۰, ۵۱۱,

۵۱۲, ۵۱۴, ۵۱۵, ۵۱۶, ۵۱۷, ۵۲۰,

۲۱۲, خوی / ۱۹۸

خیابان سرچشمه / ۴۶۴

خیابان لالهزار / ۳۸۰

خیابان ناصر خسرو / ۳۸۰

۲۳۱, خیابانی، شیخ محمد / ۱۲۱

د.د

۵۴۶, دادگر، حسین (عدلالملک) / ۳۷۶, ۸۰, ۴۳

ص: ۵۸۲

فهرست اعلام

۳۶۱ دمشق / ۳۰۹, دارالفنون / ۳۲۰

دالس، آل / ن ۱۷۲ دن کیشوت / ۴۹۹

دانش، میرزامحم / د ۵۳۸ دوری، ل استفان / ۴۹۷

۴۰ دوست محمدخان بلوچ / ۱۲۸, دانشگاه تهران / ۳۹

۶, دانشگاه مسکو / ۵۶ دوستدار، احساناللهخا / ن ۸, ۲۷, ۳۰, ۱۷,

داود، کاظم / ۵۰۰

داور، علی اکبرخا / ن

۶۹, ۷۰, ۷۱, ۷۳, ۷۴, ۷۵, ۷۶, ۷۷, ۷۸,

۲۵۳, ۱۰۹, ۸۸, ۳۷۹, ۲۹۶, ۲۹۲, ۲۷۴, ۲۰۳

۳۰۵, ۳۲۰, ۳۲۱, ۴۰۲, ۴۲۶, ۴۲۷

دولتآبادی، یحی / ی ۲۰۵, ۱۳۹, ۴۱, ۴۰, ۱۹,

داوری، هدایتالله / ۱۴۳

۵۳۱, داویننگ استریت / ۵۰۳

۲۴۲, ۲۵۱, ۲۵۳, ۲۷۱, ۳۴۱, ۳۹۸, ۵۲۵,

۵۴۱, ۵۴۰, ۵۲۶

داویتیان / ۴۸۴ دوپچه بانک / ۴۴۲

۴۹ ده بید / ۱۸۴, دبوا / ۴۸

دجله / ۲۷۳ ده ملا / ۳۵۳

۱۹۲, ۲۲۳, دهکرد / ۱۹۰, درگ اهی, محمدآقاخان / ۱۱۶

۲۳۳, ۳۰۰, ۳۱۲, ۳۶۱, ۴۰۵, ۵۳۴,

۵۳۸, ۵۵۹

دهگان، برزویه / ۶۸

دهگان، سیدمحم / ۳۲۴

دریای خزر / ۴۷۳ دهلی / ۳۰۵, ۹۲

دزداب (زاهدان) / ۱۲۹ دیرین / گ ۴۵۹, ۴۵۸, ۴۴۳, ۱۲۰,

۵۰۹ دلی مان / ۶۹, دزفو / ۵۰۱, ۵۰۰, ۴۹۹,

۵۳۷ دیلمقا / ۲۱۵, دستغیب، سیدمحمدحسن / ۳۴۳

دشتستان / ۱۸۳ دیونیزو / س ۳۶

, دشتستانی، آقاشیخ علی / ۳۶۳ ذکاءالملک فروغی / ۳۷۶, ۲۶۷, ۲۴۸, ۴۹,

, دشتی، علی / ۳۰۱, ۱۰۹, ۸۹, ۸۸, ۴۵,

۴۲۷, ۴۲۸, ۴۹۶, ۵۳۴

۳۳۲, ۳۳۸, ۳۵۰, ۳۶۶, ۳۶۷, ۳۹۷,

۴۶۳, ۴۳۳, ۴۰۴, ۵۳۴

دلال، میرزا علینقی / ۲۸۶

۴۶۰, ذوقی، ایرج / ۴۵۳, ۵۲,

ر

دماوند / ۱۵۴ رئیس لوزر / ۵۸

ص: ۵۸۳

بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

روبسیر / ۸۷

روپی ه (واحد پول) / ۵۱۴

روتتر (رویترا) / ۴۹۶

، روتشتین، تئودور / ۳۲, ۵۵, ۶۸, ۶۹, ۷۰, ۷۲

۱۰۱, ۱۰۲, ۱۰۸, ۱۱۰, ۱۳۲, ۱۴۰, ۲۹۰,

۲۹۴, ۲۹۳, ۲۹۵, ۴۵۳

روچیلد / ۴۳۴

رود کارون / ۴۶۸

رودبار / ۷۳

رودسر / ۷۴

رودهن / ۲۰۶

روزنامه اتحاد اسلام / ۳۶۲

روزنامه اتحا / ۳۰۱

روزنامه آزادی / ۱۵۰

روزنامه آسیای وسطی / ۴۱۸

۲۰۸, روزنامه اطلاعا / ت ۴۰

روزنامه اقدام / ۱۴۷

روزنامه ایران آزاد / ۱۴۷

روزنامه ایرانشهر / ۳۲۲

۳۲۵, روزنامه ایرانن/و ۳۲۳, ۲۹,

, روزنامه ایران / ۲۷۱, ۱۲۴, ۱۲۲, ۱۰۹, ۲۹,

, ۲۷۶, ۲۷۷, ۲۷۹, ۳۳۳, ۳۷۶, ۴۰۲, ۴۱۴,

۴۲۸, ۴۱۵, ۴۲۹, ۵۰۵, ۵۳۹, ۵۴۰

روزنامه ایزوستیا / ۲۸۰

روزنامه آینده / ۳۲۱

۲۹۳, روزنامه بامداد روشن / ۱۰۸

۲۷۹, روزنامه پیکان / ۲۶۵

ص: ۵۸۴

۵۸۴ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛

رئیس‌نیا، رحی / م ۳۲۴

رائین، اسماعی / ل ۲۲۴

رایینو (رئیس بانک شاهی) / ۷۸

۲۵۳، رازی، ع بدالله / ۸۸

راسکولنیکوف / ۶۸

راکفلر / ۴۵۰

رامهرمز / ۵۰۰

۵۱۹، راه آهن / ۴۷۲، ۴۳۹، ۳۸۹، ۹۳

راوری، میرزاشهاب (بق ای ی کرمانی) /

۵۴۷

۴، رحیمزاده صفوی، علیاصغ / ۹۷، ۴۹۶

۴۹۸

۲۰۸، رزم آراء، حاجیعلی ۱۱۵، ۱۱۴

، رشت / ۷۸، ۷۴، ۷۳، ۶۸، ۳۰، ۲۸، ۲۷

۸۰، ۱۳۰، ۱۵۴، ۲۱۳، ۲۲۹، ۲۹۰، ۳۴۳،

۳۴۵، ۳۴۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۴۸

، رشتی، میرزا کریمخان / ۷۵، ۳۰، ۱۷

، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۲۴۴، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۹،

۳۰۵، ۳۱۹، ۳۲۳، ۳۶۶، ۳۷۸، ۳۷۹،

۳۸۹, ۳۹۹, ۵۳۸, ۵۵۷

رضاخان (پهلوی) / اکثر صفحات

رضوی، مرتضی / ۲۸۴

رضی، میرزا علیا کبرخان / ۵۴۶

رفسنجان / ۵۴۷

۵۴۸, رفیع، قائم مقام الممل / ک ۱۰۴

رفیعی مهرآبادی، محم / د ۷۱

۵۳۱, رمزیم کدونالد، جیمز / ۴۱۸, ۳۲۴

فهرست اعلام

۶۵۲, ۱۵۰, ۱۴۸, ۱۴۷, روزنامه پیکار / ۴۰۵, ۱۶۳, روزنامه طوفان / ۱۴۳

روزنامه تایمز / ۱۱۱, ۲۸,

۴۰۵

روزنامه تجدد / ۳۷۶ روزنامه عصر آزادی / ۴۱۹

روزنامه ترقی / ی ۴۱۸ روزنامه قانون / ۴۱۸

روزنامه تریبون / ۵۲۹ روزنامه کار / ۲۸۲, ۲۷۹, ۲۷۸, ۲۷۷, ۲۶۵

روزنامه حبل المتین / ۲۹

۳۰۶

۱۴۸, روزنامه کاوه / ۳۲۲, ۱۲۴, ۱۲۳, روزنامه حقیق / ت ۷۵

۱۶۴, ۳۲۴

۳, روزنامه کوشش / ۳۲, ۲۹۸, ۲۹۷, ۲۹۶

روزنامه حیات جاوید / ۱۴۳, ۱۴۱

۳۶۴, ۳۸۲, ۴۲۳, ۴۷۳, ۵۳۶

روزنامه حیات / ۱۴۲, ۱۴۳, ۱۴۸

روزنامه دیل یم یل / ۲۸

روزنامه رستاخیز / ۳۴۴

۵۸, روزنامه رعد / ۴۰, ۴۷, ۴۹, ۵۰, ۵۲

, روزنامه ستاره ایران / ۸۹, ۱۲۲, ۱۴۱

۱۴۵, ۱۴۶, ۱۴۷, ۱۶۲, ۲۶۵, ۳۳۲,

۳۵۶, ۳۷۵, ۳۹۹, ۴۱۴, ۴۲۳, ۴۶۱

۴۳۵, روزنامه کیهان / ۲۶۹, ۲۷۴

روزنامه گلستان / ۴۱۹

۳۷۳, روزنامه گلشن / ۳۰۱, ۳۶۶

روزنامه لواء بینالنهرین / ۳۶۳

۳۲۱, روزنامه مرد آزاد / ۱۰۹

روزنامه منچستر گاردین / ۵۵

۳۳۲, روزنامه میهن / ۱۴۷

۵۲۸, روزنامه ستاره شرق / ۱۴۶, روزنامه نامه فرنگستان / ۵۲۷

۱۴۷, ۴۱۸, روزنامه نجات ایران / ۱۴۶, روزنامه سیاست / ۳۵۳, ۴۰۴

روزنامه شرق نزدیک / ۳۳, روزنامه نصرالمله / ۴۱۸

روزنامه شرق / ۳۲۱, روزنامه نوبهار / ۱۴۵

۴۶۲, ۴۶۱, ۴۱۶, ۱۵۷, ۱۶۷, روزنامه هجئی / م ۱۵۶, روزنامه شفق سرخ / ۱۰۹, ۸۹,

۳۰۷, ۳۰۶, ۲۷۹, ۲۷۸, ۲۷۵, ۲۶۵,

۳۶۶, ۳۶۵, ۳۶۳, ۳۴۰, ۳۳۹, ۳۳۲,

۴۹۲, ۴۶۴, ۴۱۴, ۴۰۴, ۳۷۵, ۳۶۹,

۴۶۲, روزنامه هگتولا / ۲۵۳, ۱۵۶, ۱۵۳,

روزنامه وطن / ۱۴۶

روسی / ه ۱۰۰, ۷۹, ۷۶, ۷۵, ۷۳, ۲۵, ۲۲,

۲۰۱, ۱۷۹, ۱۷۷, ۱۵۴, ۱۳۴, ۱۳۲, ۱۲۱۵۳۳, ۵۲۷,

روزنامه شهاب / ۴۱۸

۴۱۸, روزنامه صدای شرق / ۴۱۷

۲۶۴, ۲۲۳, ۲۱۶, ۲۱۱, ۲۰۶, ۲۰۳, ۲۰۲,

۴۳۸, ۳۸۷, ۳۷۸, ۳۴۴, ۳۲۴, ۲۹۰, ۲۸۹,

ص: ۵۸۵

بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

ساعداالوزار، ه میرزامحمدخان (محمدساعدا

مراغهای) / ۷۷, ۷۸

ساکویل وست، ویتا / ۳۸

سالارالدوله / ۲۳۲, ۴۸۶, ۴۸۷, ۴۸۸, ۴۹۰

سالارخان بلوچ / ۱۲۸

۲۰۴, سالاررشی د طالشی / ۲۰۲, ۲۰۳

۵۴۵, سالارسعی د سنندجی / ۲۲۳, ۲۲۴, ۲۲۵

سالارلشگر / ۶۲

۱۳۱, سالارمبشر / ۱۳۰

۱۶۴, ۱۸۱, ۱۸۲, ۱۸۳, ۱۸۴, سالارنظام / ۱۶۴

۱۸۵, ۲۰۵

سالور، مسعود / ۲۸۰

ساموی ل / ۴۳۴

۱۰۳, ساندرز (کلنل) / ۵۶

ساواک / ۲۲۴

۲, ساوجبلاغ (مهاباد ام روزی) / ۱۳, ۲۱۲

۲۲۳, ۳۷۲, ۳۷۵

سيزوا / ۶۶

سپانلو، محمدعل / ۳۵۴

سپهبدی، انوشیروا / ن ۴۷۵

سپهر، احمدعلی / ۴۶۰

۲، سپهسالار تنکابنی / ۶۲، ۱۸۱، ۷۴، ۶۲، ۲۷

۴۷۰

سپهسالار / ۵۵۹

سپهسالار، میرزا حسین خا / ن ۱۲۰

ستاری، پروان / ه ۴۳۳

۱۲۴، سرتیپزاده / ۱۲۳

۵۸۶ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛

۴۴۱، ۴۴۴، ۴۵۳، ۴۹۸، ۵۵۶

روشن، محمد / ۷۸

روگاجف، بوری / س ۵۶

۳، رهنما، زینالعابدی / ن ۳۳، ۳۲۳، ۲۵۳

۴۱۵، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰

ریاحی، بزرگمهر / ۱۶۰

۱۷۹، ریدینگ (لرد) / ۱۷۴

۳۸۷، ریپورتر، اردشیر / ۲۲۱

ز. ژ

زاهدان / ۱۲۹

زاهدی، ف ضلّالله (بصیردیوان) / ۱۰۳

۱۱۳, ۱۱۵, ۱۲۷, ۳۹۲, ۴۱۹, ۵۰۲,

۵۱۱, ۵۰۹, ۵۰۸

زرن / د ۴۰۸

۵۴۱, زعیم، سید حسن / ۴۲۴

۳, زنجان / ۶۰, ۳۵۹, ۲۸۹, ۲۱۳, ۱۲۱,

۴۸۹, ۵۴۹

زندان عشرت آباد / ۶۱

زینتال سلطنه / ۵۰۳

ژون پرسان (انجمن) / ۳۲۱

س

سازمان جهان ی صهیونیسم / ۱۵۴

ساسون، دیوید / ۵۳۸

۱, ساعدالدوله / ۸۳, ۱۸۲, ۱۸۱, ۷۴, ۱۷,

۱۸۴, ۱۸۵

ص: ۵۸۶

فهرست اعلام

۳۷۶, ۳۰۵, سردار احتشام / ۱۸۳ سرکشیکزاد / ۲۵۳

سردار ارشد بختیاری / ۲۱۳ سروان مارشال ۳۶۲

سردار اسع دب ختیار، جعفرقلیخا / ن سروش، میرزاعیسیخان / ۳۰۵

۴۲۷, ۴۰۲, ۲۷۹, ۱۹۵, ۱۹۴, ۱۸۱,

۵۰۱, ۴۸۶, ۴۲۸

سطوت / ۱۲۶

۵۳۲, سعدآباد / ۳۹۸

۱۹۶ سعدالدوله / ۶۲, سردار اشجع / ۱۹۴

, سردار اعتماد / ۱۶۴ سفارت آمریکا (تهران) / ۴۲

۴۱۱, ۱۵۹,

سردار اقتدار / ۱۲۹

۴۷۷, ۴۷۴, ۴۶۵, ۴۶۰, ۴۵۶, ۴۲۱,

, ۲۳, ۳۱, ۲۳, سردار رشید / ۲۱۵ سفارت انگلیس (تهران) / ۲۲

سردار رفعت / ۴۰۰

, ۱ سردار ظفر بختیاری / ۹۴, ۱۹۲, ۱۱۷,

, ۹۱, ۸۵, ۶۲, ۵۵, ۵۴, ۵۳, ۵۰, ۴۷, ۴۴, ۳۶,

, ۴۴۸, ۳۳۰, ۳۲۷, ۲۹۱, ۲۱۷, ۱۰۱, ۱۰۰,

۴۸۳۴۸۶

۲۰۷ سفارت انگلیس (واشنگتن) / ۴۵۸, ۱۸۵, ۱۸۴, سردار عشایر / ۱۸۳

سردار فات / ح ۱۹۴ سفارت شوروی (تهران) / ۵۵

۳۴۷, ۵۴۶ سفارت شوروی (لندن) / ۵۵, سردار فاخر حکم / ت ۳۴۳

سردار محتشم / ۴۸۶, ۱۹۳ سفارت فرانسه (تهران) / ۷۲

سردار محیی ، عبدالحسینخان /

۳۰,

سقز / ۳۵۳

۷۳, ۷۹, ۷۸

۶, سردار معزز بجنوردی / ۱۷, ۶۶, ۵

سکورتسف / ۷۳

۵۴۶, سلطانالعلماء, ۵۴۵, ۳۷۶, ۲۱۳

۱۲۹, ۱۳۰, ۲۰۶, ۲۰۷, ۵۵۸, ۵۵۹

سلطانمحمد ششم / ۳۰۹

سردار معظم خراسان ی (تیمورتاش) / ۸۵, سلطانمحمد ناصرالدوله / ۱۱۵

۴۲۵, ۴۲۷

سلطانی، سیدمحمد (سلطانالعلما) / ۳۴۶

سردار مقتدر (طالشی) / ۷۶, ۱۹۷, ۵۵۸

۳۷۶

سردار منتص / ر ۱۶۳ سلطانی، میرزا عیسیخان / ۳۰۵

سردار نصرت / ۲۱۰ سلماس / ۲۱۵, ۲۲۵, ۲۱۲, ۲۱۱, ۲۰۹

سردشت / ۲۲۳ سل ی م ان درویش / ۲۸۷

، سرشار، هومن / ۱۵۳ سل ی م ان میرزا (اسکندری) / ۴۱، ۸۲، ۸۳

ص: ۵۸۷

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

۸۴, ۸۵, ۸۶, ۹۷, ۲۲۸, ۲۴۴, ۲۴۵,

۲۵۱, ۲۵۲, ۲۵۳, ۲۶۵, ۳۱۱, ۳۱۹,

۳۲۰, ۳۲۲, ۳۴۸, ۳۹۹, ۴۰۲, ۴۸۴,

۴۸۵, ۵۴۰, ۴۹۶

۲۲۱, سیدطه / ۲۲۰, ۲۱۹, ۲۱۸, ۲۱۱, ۲۰۹,

سید عبدالرسول / ۳۴۳

سید کاظم / ۳۴۳

سیستان / ۵۴۴, ۳۴۲

سلیمان / ۸۹ سیفاللهخان / ۲۰۴, ۱۱۳,

۲, سی ال فم لك امیر حسین / ۲۰۴, ۱۱۵, ۲۰, ۲۱۸, ۲۱۷, ۲۱۱, سلیمانیه / ۲۰۹

۲۲۱

سیملا (شهر) / ۹۲

۴۰۹, ۴۰۳, ۳۵۱, ۲۲۶, ۱۷۲, سمیتکو (سیمکو). سمیتقو, اسماعیلاقا سینکلو / ۱۶۸

سمیعی, احمد / ۴۶۰

۴۰۲, سمیعی, ادیب السلطنه / ۱۱۹

سن رمو / ۱۵۶

۴۱۱, ۴۱۳, ۴۶۰, ۴۶۱, ۴۶۲, ۴۶۳, ۴۶۵,

۴۷۱, ۴۷۲, ۴۷۳, ۴۷۴, ۴۹۴

سندج / ۱۵۴ ش

۳۰۶, ۲۲۵ شاپور جی / ۳۰۵, سنندجی، سالار سعی / د ۲۲۴

۴, شاه عباس / ۱۸۰, ۸۷, ۳۲۱, سوئی / س ۳۲۰, ۳۰۴, ۴۳

۴۹۰

شاهزاده شیخالری ی سق اجار / ۳۹۵

۲۳۶ شاهسون / ۲۰۵, سواد کوه / ۲۳۵, ۶۴, ۶۳

سواد کوهی، امیر مؤید / ۴۲۴ شجاعالسادات / ۳۶۵

سوریه / ۵۲۳ شرکت آم ایران ی / ن ۴۷۹

سهیلی / ۳۰۰ شرکت برادران راکفل / ر ۴۶۱

۱۶۲ شرکت سرمایه‌گذاری یولن / ۴۴۹, سیدنصرالله (شجر الواعظین) / ۱۶۱

, ۴۷۶ شرکت نفت انگلی س و ایران / ۱۸, ۱۷, ۱۶, سیمور، بالوی / ن ۴۱۳

, سیمیتقو، اسماعیلافا / ۱۱۰, ۷۶, ۱۷

, ۱۰۲, ۱۰۶, ۱۰۸, ۱۱۰, ۱۱۲, ۱۵۹, ۱۶۹,

, ۱۲۶, ۱۵۷, ۱۵۸, ۱۷۱, ۲۰۸, ۲۰۹, ۱۸۰, ۱۸۸, ۲۰۸, ۲۲۷, ۲۴۹, ۳۱۳, ۳۲۵,

, ۲۱۰, ۲۱۱, ۲۱۲, ۲۱۳, ۲۱۴, ۲۱۵, ۳۲۶, ۳۲۷, ۳۲۸, ۳۲۹, ۳۵۱, ۳۸۹, ۳۹۱,

, ۲۱۶, ۲۱۷, ۲۱۸, ۲۱۹, ۲۲۰, ۲۲۱, ۳۹۲, ۴۰۳, ۴۲۱, ۴۲۳, ۴۳۱, ۴۳۴, ۴۳۶,

, ۲۲۳, ۲۲۴, ۲۲۵, ۲۲۶, ۴۳۹۴۹۲, ۴۴۰, ۴۴۱, ۴۴۲, ۴۴۴, ۴۴۶, ۴۴۷,

سیاح، کاظمخان (کلنل) / ۴۳, ۵۷, ۵۸

, ۴۴۸, ۴۵۱, ۴۵۲, ۴۵۴, ۴۵۵, ۴۵۶, ۴۵۷,

ص: ۵۸۸

۴۵۸, ۴۵۹, ۴۶۰, ۴۶۲, ۴۶۳, ۴۶۸, ۵۶, ۶۸, ۶۹, ۷۰, ۷۱, ۷۲, ۷۴, ۸۶, ۹۲,

۴۷۱, ۴۸۴, ۴۹۳, ۵۰۴, ۵۱۱, ۵۱۴, ۱۰۶, ۱۰۷, ۱۰۸, ۱۱۰, ۱۱۱, ۱۲۵, ۱۲۷,

۵۱۸, ۵۱۹, ۵۲۰, ۵۲۲, ۵۳۱, ۱۲۸۵۵۷, ۱۳۲, ۱۶۵, ۱۷۹, ۱۹۳, ۲۲۳, ۲۴۱,

۲۴۵, ۲۴۶, ۲۴۹, ۲۶۰, ۲۶۳, ۲۸۰, ۲۸۸,

۲۹۰, ۲۹۱, ۲۹۲, ۲۹۳, ۲۹۴, ۲۹۶, ۳۰۸,

شرکت نفت ایران و آمریکا / ۴۵۹

۴, شرکت نفت جنوب / ۳۲۷, ۳۴۰, ۶۱

۳۰۹۵۲۳, ۳۱۳, ۳۲۴, ۳۳۹, ۳۴۴, ۳۵۷, ۳۵۸,

۴۱۶, ۴۳۸, ۴۴۱, ۴۴۲, ۴۴۴, ۴۵۳, ۴۵۴,

شرکت نفت ی استاندارد اوایل / ۱۵۹

۴۵۰, ۴۵۱, ۴۸۶, ۵۰۴, ۵۳۵, ۵۳۶, ۵۳۹, ۱۶۹۵۴۰, ۲۲۶, ۲۲۸, ۲۴۱, ۴۴۰, ۴۴۴, ۴۵۵, ۴۵۶, ۴۶۰, ۴۷۱, ۴۷۳, ۴۸۳, ۴۸۴,

۴۴۵, ۴۴۶, ۴۴۷, ۴۴۸

۴, شوست،ر مورگان / ۴۲۱, ۴۴۴, ۴۴۵, ۴۹

۴۵۲, ۴۵۳, ۴۵۴, ۴۵۵, ۴۵۶, ۴۵۷,

۴۵۸, ۴۵۹, ۴۶۰, ۴۶۱, ۴۶۳, ۴۷۱, ۴۵۲, ۴۵۹, ۴۵۵, ۴۷۱, ۴۶۷

۵۰۱, شوشتر / ۴۶۸, ۵۰۰

۴۹۴

۴, شوشتری، سیدمحمدعل / ۳۵۰ شرکت نفت ی س نی کل / ۱۵۷, ۱۶۸, ۶۱

شوکت، حمید / ۴۳۸

۴۷۳,۴۷۲,۴۶۲

شوکت، مصطفی / ۵۰۸

۳۴۲, شوکتا لملک (علم) / ۱۲۸, ۶۵,

۴۶۴, شومیاتسکی / ۳۴۴, ۳۱۳, ۲۸۹,

شهابالدوله / ۶۲

شهاب السلطنه / ۱۸۱

شهرستانی، سیدهبهالدين (آيتالله) / ۲۷۳

شهسوار / ۲۰۶

شيبانی، وحيدالملک / ۳۴۳, ۱۷۲

شيخ عبدالله (حاکم آبادان و خرمشهر) / ۵۱۴

شريعت اصفهانی، ميرزافتحالله / ۲۷۰

شريعتراده، احمد (مشاور) / ۳۷۶

شريفیان، عبدالحسين / ۴۳۶

شری فرازی / ۴۶۴

۵۲۰, شطال عرب / ۵۰۸, ۴۶۹, ۴۶۸,

شفارود / ۳۵۳

شکاک (ایل) / ۲۱۰

شکراللهخان / ۱۹۰

۱, شلیل / ۹۵, ۱۹۳, ۱۹۲, ۱۹۱, ۱۸۹,

۳۹۶, شیرازی، حاج آقا / ۳۴۳

۶۱ شیرازی، حسین / ۲۸۲، شمس ملکآراء، اسدا / لله ۳۶

شوادران، بنجامین / ۴۵۸، ۴۵۵، ۴۳۶ شیرازی، سیدمحمیالدين / ۵۴۱

۵۵، شیرازی، فتحالملک / ۲۲۴، ۵۴، ۵۳، ۵۰، شوروی / ۲۶، ۲۴

ص: ۵۸۹

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

، شیرازی، میرزامحم دتقی (آیت الله) / صبا، حسینخا / ن ۱۴۵، ۱۴۱، ۱۰۹، ۴۷،

۲۶۸، ۲۷۰، ۱۶۲، ۳۳۲

شیروانی، میرزاابوطالب / ۵۴۶ صباحی، هوشنگ / ۴۳۳

ش بیانی، حبیب / الله

۴۳، ۱۱۳، ۱۱۵،

صدرالاسلام / ۳۴۳

۱۲۴، ۱۲۷، ۲۱۶

صدرهاشمی، محمد / ۳۶۲

شیخ سعی دب ن شیخ حمداحم / د ۲۲۱

۲۲۰، شیخ بیدالله / ۲۱۹، ۲۱۸،

شیخ حمداحسن / ۳۴۵

شیخن ووالدی / ن ۲۸۶

شیخالاسلام جهادا کبر / ۳۴۱

شیخالشریعه اصفهانی / ۲۶۹

صراف، میرزاعباس / ۳۴۳

صفرخان / ۱۲۸

۴۸۶، صمصامالسلطنه / ۱۹۳، ۱۹۲، ۱۸۲، ۱۸۱،

۴۳۴، صنیعالدوله، مرتضیقلی خا / ن ۴۴۰

صوتی، محمدعلی / ۱۲۳

۳۲۰, صوراصرافیل، میرزاقاسمخا / ن ۳۱۲

۳۷۶ صولتا لدوله قشقای، اسماعیلخان / شیخالعراقینزاده / ۳۷۵

۱۸۱,

شیخهادی / ۳۴۳

, شیراز / ۲۵۴, ۲۴۴, ۲۲۴, ۱۸۵, ۱۵۴,

۱۸۳, ۵۴۳, ۳۲۹, ۲۰۷, ۵۵۱

۳۹۳, ۳۹۲, ۳۹۱, ۳۶۸, ۳۴۷, ۳۴۳,

۴۱۹, ۴۹۸, ۵۳۷, ۵۴۵

ض

ضرغامی ، عزیزالله / ۱۰۹

شیلات ایران / ۲۹۱

ص

۲۲۵, صائی نق لعه / ۱۵۶

صاحبجواهر، شیخجواد / ۲۷۲

۹۳, صادق (مستشارالدوله) / ۶۹

صادقخان (نایب سرهنگ) / ۱۱۳

۱۹۱, صادقخان / ۱۹۰

ضیاءقشقای، سیدابراهیم / ۳۴۶

۳۴۶, ضیاءالادبا / ۳۴۳

ضیاءالسلطان / ۴۰۴

ضياء الواعظين / ١٦٠

ط. ظ

٥٤٨, طالش / ٧٤

٢, طباطبائي، سيد محمد صاد / ق ٤٤, ٨٦, ٣٠,

صارما لدول ه (اكبر ميرزا مسعود الدوله) /

٢٦٥, ٣١٩, ٣٢٣

٤٨, ٦٢, ٢٢٦, ٣٠٣, ٣٠٤, ٣٤٢, ٣٤٦,

طباطبائي يق مي / ٢٨٤, ٢٨٥, ٢٨٦

٣, طباطبائي، سيد ضياء الديو / ن ٣, ٣٢, ٣١, ٢١,

ص: ٥٩٠

۴۵, عبدالحمی د سردار / ۳۴, ۳۵, ۴۰, ۴۱, ۴۲, ۴۳, ۴۴, ۱۱۵

۵۳, عبدالرضاخان (سرتیپ) / ۴۶, ۴۷, ۴۸, ۴۹, ۵۰, ۵۱, ۵۲, ۱۴۳, ۵۰۱

۸۰, عبدالله (شریف مکه) / ۵۴, ۵۶, ۵۷, ۵۸, ۶۱, ۶۲, ۷۱, ۲۶۸

۱۰۵, عبدالله (فرزند شیخزعل) / ۸۱, ۸۲, ۹۱, ۹۲, ۹۴, ۱۰۱, ۱۰۲, ۴۷۰, ۵۱۷, ۲۳

۱۳۶, ۱۳۷, ۱۳۸, ۱۴۷, ۱۷۳, ۲۳۶, ۵۲۴

عثمان / ۲۵, ۱۷۸, ۲۰۱, ۲۱۱, ۲۱۳, ۲۲۰

۳۲۱, ۳۰۵, ۴۳۸, ۵۰۷, ۴۴۰

۳۳۱

۲۸۷, طبرستان / ۲۸۶

طیس / ۵۴۴ عدل, مصطفی (منصورالسلطنه) / ۴۹

۳۳۷, ۳۲۰, ۲۶۷, طهرانی, حاجیمیرزاغلامحسین / ۵۲۰ عدلالملک دادگر / ۸۰, ۸۲

۳۷۵

۲, طهرانی, شی م محمدعلی (کاتوزیان) / ۶۳

عراق / ۱۰۰, ۱۰۳, ۱۰۴, ۱۵۹, ۱۶۰, ۲۱۰

۴۹۶

۲۱۲, ۲۱۷, ۲۱۸, ۲۲۳, ۲۶۸, ۲۶۹, ۲۷۰, ۲۷۱,

۱, طهماسبی, عب داللهخا / ن ۱۴, ۱۱۳,

۱۹۷, ۱۹۸, ۱۹۹, ۲۰۰, ۲۰۱, ۲۷۲, ۲۰۲, ۲۷۳, ۲۷۵, ۲۷۷, ۲۷۹, ۲۸۲, ۲۸۳, ۲۸۸,

۳۸۶, ۴۹۰, ۵۱۶, ۵۱۷, ۵۱۸, ۵۲۰, ۲۰۶۵۴۲, ۲۱۰, ۲۲۰, ۲۲۳, ۲۲۵, ۲۲۶, ۳۰۶, ۳۲۵, ۳۶۳, ۴۱۹, ۴۸۸, ۴۸۹, ۵۱۲, ۵۱۵,

٢٨٥, ٣٤٧, ٣٤٨, ٣٧٣

٤٢٦, عراقى, حاج آقااسماعيل / ٤٢٤

٤٩١, ٥٣٨, ٥٤٢, ٥٣٩

١٨٦, ١٨٧, ١٨٨, ١٩٠, ١٩١, ٩٢١, طوالش / ٣٤٥ عربستان / ١٨٦

٣٢٧, ٤٦٨, ٤٨٤

٥٤٧, طوسى, ميرزاداوودخا / ن ٥٤٦

٣٢٠, ٥١٧, عزالممالك اردلان / ٣١١, ٣٠٣, ٣٠٢, ظلال سلطان / ٢٤٣

١٧٤, ظهيرالاسلام / م ٣٠٥, عزى زك اشى / ١٣٤

عشايير / ١١٤

٥٣٢, ع عضدالسلطان, ابوالفضلميرزا / ٢٧٤, ٢٤٥

١٧٣, ١٧٢, ١٣٩, ١٢٠, ٣, علاء, حسين / ١٧, ٥٤, ٣٥٣, ١٧٣, عارف قزوينى / ٤٩

٣٥٥, ٣٥٦, ٣٥٨, ٣٦٦, ٥٥٢, ٤١٦, ٥٥٣, ٤٣٧, ٤٣٨, ٤٣٩, ٤٤٠, ٤٤٣, ٤٤٤,

٤٤٧, ٤٤٩, ٤٥٠, ٤٥١, ٤٥٤, ٤٥٥, ٤٥٩,

٤٦٠, ٤٦١, ٤٧١, ٤٧٤, ٤٧٦, ٤٧٩, ٥٢٦,

٥٤٠, ٥٤١

٤١٩, عاشورا / ٣٩٩, ١٣٠

٧٩, عباسقليخان / ٧٨

ص: ٥٩١

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

ف

۴۱۰, علاءالدوله / ۱۳۰

۴, فاتح، مصطفی / ۴۳۶ علائی، جان محمدخان (دولو) / ۷

۱۱۳, ۱۳۰, ۵۰۶, ۱۶۶, ۵۳۷

فاخر، حسنی / ن ۴۵۹

علامیر، محمود / ۵۵۰

علیاصغر خان / ۳۰۹

۵۰۷, علیخان (دکتر) / ۱۸۵

۴۶۵, عل یب اشا صالح / ۲۲۸

علیآباد مازندران / ۳۷۵

عمادالاسلام / ۲۸۷

عمارت کلاه فرنگی / ۶۱

۵, عمارلوثی، احمدخان / ۱۳, ۵۱۱, ۵۱۰

۴۱۹, فارس / ۳۹۲, ۳۴۶, ۳۴۲

فاطمی، سیدمهدی (عمادالسلطنه) / ۶۲

فتحا للهمیرزا سالارالدوله / ۴۸۸

۷۹, فتحعلیخان / ۷۸

فخرالاسلام / ۵۴۸

فخرایی، ابراهیم / ۷۸

فرازی، شیخ عبدالحسین / ۳۸۰

۱، فرانسه / ۷۸، ۱۱۵، ۱۰۶، ۸۸، ۷۲، ۵۴،

۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۹، ۵۱۸، ۵۲۰، ۵۴۵، ۲۵۸۵۴۶، ۳۲۳، ۴۱۶، ۴۳۳، ۴۹۶، ۵۲۲، ۵۳۶

۵۲۹ فرانکو (ژنرال) / ۵۲۷، عمید، ابوالقاسم / ۵۲۸

عمیدالسلطان / ۳۰ فرجالله میرزا / ۵۴۳

۱، ۵۰، ۱۴۷، ۱۴۳، ۱۳۵، عمیدالسلطنه (میرزا سید ابراهیم خان) / فرخ یی زد / ۴۵

۱۷۲، ۷۸، ۷۶، ۷۵، ۶۲، ۱۶۲، ۱۵۸، ۳۴۳، ۳۶۷، ۴۰۵، ۴۰۶، ۵۵۹

۴، عنایت، حمید / ۳۳۱ فرمانفرما، عبدالحسین میرزا / ۷، ۴۶، ۴۵،

، عهدنامه مودت / ۴۴۴، ۱۷۹، ۷۰، ۵۳،

۲۴۵، ۲۴۴، ۶۲، ۵۵۹، ۳۰۲

۴۵۳، ۴۵۶

۴، فروغی، م حمد علی (ذکاء الملک) / ۹، ۳۹،

عینالدوله، عبدالمجید میرزا / ۶۲

۱۰۹، ۲۴۸، ۳۲۰، ۳۲۳، ۳۷۶، ۴۰۲، ۴۲۷،

۵۲۶، ۴۲۸، ۵۵۰، ۵۴۲، ۵۳۴

۵۴۶، غ فسا / ۵۴۵

۲۲۵ فشنگچی، کربلانی حسین آقا / ۱۲۶، غائله سیمیتقو / ۱۵۶

۵۰۱، ۳۸۳ فضلالله خان (سرتیپ) / ۱۱۳، غروی نائینی، محمدحسی / ن ۲۷۶

غلامحسین میرزا (شاهزاده) / ۵۰۷ فقی ال هت جار / ۵۳۸

غلامرضا خان / ۴۸۲ فکری ارشاد، منوچهر / ۲۶

١٥٣ / ٢٦٨ فلسطين / مهوش / غلامى، ١٥٥, ٢٢٥, ٢٦٨, ٤٨٨

ص: ٥٩٢

۱۴۸ قروه / ۳۵۳، فلسفی، سید میرزا آقا / ۱۴۳

فلیچر / ۲۲۴ قزوینی، بهروز / ۲۲

۲، ۸۹، ۲۵۰، ۲۳۴، ۱۲۱، ۶۸، ۵۵، فومن / ۵۴۸ قزوین / ۲۷

فهی ال م دول / ۲۶۷

۳۰۰، ۴۷۰

۱، ۳۱۴ قشقای، اسماعیلخان (صولتالدوله) / ۱۷۲، ۸۱، فهی ال م مل / ک ۹۴

، فیروز آبادی، سید رضا (آیتالله) / ۳۰۴

۵۴۳

۳۱۳، قشون متحدالشکل / ۱۱۴، ۱۶

فیروز آبادی، سید محمد / ۲۷۲ قصر فرح آباد / ۶۲

۵۱۹، فیروز، محمد حسین / ۱۱۵ قصر شیرین / ۳۵۳

فیض، عیسی / ۴۳ قفقاز / ۴۴۲، ۲۹۵، ۲۱۱، ۱۲۷، ۱۰۳

فلید ستون کالج / ۴۴۹ قلعه چهری / ق ۲۱۶

، فی نک اشان / ۲۸۷ قم / ۳۸۲، ۳۷۴، ۳۷۳، ۳۶۴، ۳۰۴، ۲۸۲، ۲۸۰

۳۸۳، ۳۸۴

ق قمشه / ۱۸۸

، ۸۰۲، قائم مقام الملک / ۵۰۱، ۱۰۴ قمش های، ش یخ محمد حسین / ۲۷۱

قائم مقام فراهانی، میرزا ابوالقاسم / ۳۳۸

۳۴۱، ۳۹۹

۳۴۲ قمی، آقاسیدحسین / ۲۸۵, قائنا / ت ۶۵

قاجار، عل / ی ۱۱۵ قمی، حسین / ۲۸۴

قاسم خان وال / ی ۴۴ قمی، میرزاالطفالله / ۳۶۳

۳۰۵, ۲۱۴ قمی، علی / ۴۹, قاهره / ۱۰۰

۷۳ قم ی، م حمد / ۴۹, ۴۷, ۴۶, ۴۳, ۴۰, قحط / ی ۳۰

۳۶, ۶۲, ۶۱, ۵۲, قوام، احمد (قوامالسلطنه) / ۴۸, ۵۰, ۴۹, ۴۰, ۲۱ / قرارداد ۱۹۱۹

۵۴, ۵۷, ۷۱, ۸۲, ۸۹, ۱۴۷, ۱۵۲, ۱۷۹, ۶۴, ۶۵, ۶۶, ۶۷, ۶۹, ۷۰, ۷۲, ۷۳, ۷۵, ۸۰,

۲۲۶, ۲۳۲, ۲۵۰, ۲۶۸, ۳۵۳, ۳۹۵, ۹۱, ۹۲, ۹۳, ۹۴, ۹۵, ۹۷, ۹۸, ۹۹, ۱۰۰,

۴۳۵, ۴۳۶, ۴۵۴, ۴۵۹, ۱۰۲۵۶۲, ۱۰۵, ۱۰۶, ۱۰۷, ۱۰۸, ۱۰۹, ۱۱۰,

قرارداد خوشتاریا / ۴۴۱

قرآن کری / م ۳۹۵

۱۱۱, ۱۱۲, ۱۱۸, ۱۲۰, ۱۲۵, ۱۳۰, ۱۴۴,

۱۵۸, ۱۶۳, ۱۶۴, ۱۶۸, ۱۷۰, ۱۷۱, ۱۷۲,

ص: ۵۹۳

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۸۴،

۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۱۲، ۲۱۳،

کاشان/ ۱۵۴، ۲۵۴، ۲۸۷، ۲۸۸، ۳۴۳

، کاشانی، سیدابوالقاسم (آیتالله) / ۲۷۸، ۲۸۰

۲۱۸، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۵، ۲۳۹، ۲۸۲، ۳۶۴

۲۴۱، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۱،

۲۵۵، ۲۵۹، ۲۶۲، ۲۷۰، ۲۸۴، ۲۹۹،

۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۱۲،

۳۱۳، ۳۴۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۶، ۴۳۷،

۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴،

۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۸، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳،

۴۵۵، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۴، ۴۶۶،

۴۶۷، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۹، ۵۰۷، ۵۰۸،

۵۳۲، ۵۳۴، ۵۴۱، ۵۵۹

کاشانی، سیدفاضل / ۵۰۷

کاشف / ۵۴۷

کاشمر / ۴۲۷

۳۰۵، کاظمخان (کلنل) / ۳۸، ۵۷، ۵۸، ۷۸

۳۴۹، کاظمزاده ایرانشهر، حسین / ۳۲۲

کاظمی، حسن / ۲۸۴

کاظمی، سیدمصطفیخا / ن ۳۰۵

کاظمی / ن ۲۷۴

، کاکس، سر پرسی / ۱۶۰، ۱۴۹، ۱۰۰، ۹۱، ۳۱

قوام، میرزا ابراہیمخان / ۵۴۵

، قوامالدولہ / ۳۰۹

، ۵۵۱، قوامالملک / ۱۸۴، ۱۸۳

، ۲۷۲، ۲۷۰، ۲۶۹، ۲۱۸، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۰۹

، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۸۷، ۳۲۵، ۳۰۸، ۲۷۵، ۲۷۳، ۲۷۴

۵۱۷، ۵۱۳، ۵۱۲، ۵۴۲

، ۵۴۸، قوچان / ۲۵۰، ۶۶، ۶۵، ۴۹

قوچانی، آقاسیدعباس / ۲۸۵

قوچانی، آقاشیخمحمد / ۲۸۵

قوچانی، شیخباق ر / ۳۶۳

ک

، ۵۱۳، کاپ یتولاسیون / ۹۸

کاخ گلستا / ن ۵۴۹

کارلسبا / د ۱۵۴

کارو / ن ۴۶۹

، ۳۹۱، کازرو / ن ۱۸۳

۴۴۳, کالدو / ل ۴۳۹, ۲۷,

کامشاد، حسین / ۳۳۸

کامنف / ۵۵

کینهاگ / ۱۵۴

کجور / ۲۰۶, ۲۸۷

کحال زاده، ابوالقاسم / ۲۴۰

کدمن، جان (سر) / ۴۶۳

کراچی / ۳۹۱

کراسی / ن ۵۵, ۵۳۶

کریلا / ۲۷۵, ۲۷۳, ۲۷۲, ۸۹,

کازرون ی، میرزاعلی / ۴۲۴, ۴۲۵, ۲۰۹, ۲۱۱, ۱۸۲, کردستان (عراق) / ۱۰۰

۲۲۴

ص: ۵۹۴

فهرست اعلام ۵۹۵

کمبل، جان (سر) / ۳۳۸

کمپان یرژی / ۴۴۸

کمپان ی هند شرقی / ۳۳۸

کمره ای، سیدمحمد / ۳۰, ۳۹۵

۴۹, کمیته آهن (اصفهان) / ۳۱

کمیته فولاد / ۲۹۹

کمیته کمالیون تهران / ۲۱۳

کمیته کمونیست زنجان / ۱۱۴

۴۷, کمیته مجازا / ت ۳۰, ۲۹, ۲۴

کنعان، محمد / ۵۲۰

کنفرانس سن رم / و ۲۶۸

۴۳۴, کنفرانس صلح ورسا / ی ۴۳۳

کنیسای عزرا یعقوب / ب ۴۶۲

کوچکخان (جنگلی) / ۷۴

۴۳۱, ۲۲۵, ۳۹ / کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

۱۹, ۱۶, ۱۴ / (کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹)

۲۱, ۲۲, ۳۱, ۳۴, ۳۹, ۴۳, ۴۹, ۸۷, ۸۹, ۹۲,

۱۰۰, ۱۰۳, ۱۳۴, ۱۵۳, ۱۵۴, ۲۰۹, ۲۱۱,

۲۱۲, ۲۲۶, ۲۵۰, ۲۵۹, ۲۶۴, ۲۷۹, ۳۲۱,

۳۵۷, ۳۶۲, ۳۷۸, ۴۰۴, ۴۰۷, ۴۳۲, ۴۳۸,

۴۴۱, ۴۸۷, ۵۲۹, ۵۵۵, ۵۵۸, ۵۶۲

, کورنفلد، جوزف شائو / ل ۱۶۹ ۱۱۱, ۷۳,

۱۷۳, ۲۱۴, ۲۲۸, ۲۹۹, ۳۰۲, ۳۳۳, ۴۰۵,

۴۰۷, ۴۱۱, ۴۱۸, ۴۴۳, ۴۶۵, ۴۶۶, ۴۶۷,

۴۷۲, ۴۸۲

کوفه / ۳۰۷

کولوم ی سف، لئونید / ۲۲

ت

۲۲۱, کردستان ایران / ۲۱۸, ۲۱۱,

۲۱۱, کردستان ترکیه / ۲۰۹

, کردستان / ۲۰۹, ۲۰۸, ۱۴۲, ۱۱۰, ۱۰۰,

۲۱۱, ۲۱۴, ۲۱۵, ۲۱۸, ۲۱۹, ۲۲۰,

۲۲۱, ۲۲۳, ۲۲۴, ۲۲۶, ۲۵۴, ۲۷۵

کردستانی، شیخاسدالله / ۱۷۸, ۱۷۷,

۵, کرزن (لرد) / ۴, ۵۳, ۵۲, ۳۲, ۳۱, ۲۳,

۵۷, ۹۲, ۱۰۰, ۱۱۱, ۱۴۹, ۱۴۸, ۱۱۲,

۱۵۰, ۱۶۴, ۱۷۴, ۱۷۵, ۲۵۰, ۲۹۱,

۳۰۸, ۳۲۴, ۳۹۰, ۴۳۲, ۴۴۰, ۴۴۴,

۴۴۸, ۴۶۳, ۴۸۳, ۵۶۲

کرکوک / ۲۲۰

۵۴۸, کرمان / ۵۴۶, ۴۰۸, ۱۵۴,

۱, کرمان شاه (کرمانشاهان) / ۱۵۴, ۵۵,

۲۵۴, ۲۷۴, ۲۷۶, ۲۷۷, ۲۷۹, ۲۸۰,

۴۸۹, ۳۸۴, ۴۹۹, ۵۴۳

کریستین ساینس مونیتور / ۴۲۱

کریمخان / ۱۲۸

کسمائی، حاجاحم / ۲۰۳

کفائی، شیخاحمد آقا / ۴۴۷

کلارستا / ق ۲۸۷

کلالی، امیر تیمور / ۵۴۴

کلمانسو / ۳۲۱

کلهر کرمانشاه / ۲۱۵

کلیددار، آقاسیدعبا / س ۴۰۰

کمال پاشا، مصطفی / ۳۹۰

کمالیون / ۲۲۱, ۲۲۰, ۲۱۳,

بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

۷۵, ۷۷, ۷۸, ۱۰۸, ۱۳۱, ۱۳۲, ۱۳۳, ۲۰۹,

۲۱۴, ۲۷۹, ۲۸۶, ۲۹۵, ۲۹۹, ۳۴۴, ۳۴۵, ۳۴۶,

گیلک، محمدعلی / ۶۹

ل

لارستان / ۵۴۴

لانسینگ، رابرت / ۴۳۳

، لاهوتی، ابوالقاسم / ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۱۳، ۱۷،

۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۲۱،

۲۰۳، ۱۴۸، ۱۳۴

لاهیجان / ۷۴

، ۴۸۹، لرستان / ۳۹۷، ۲۳۴

، ۳۸۹، لژ روشنائی / ۲۲۴

لس آنجل / س ۴۱۶، ۱۵۵

لقمان (دکتر) / ۴۶۲، ۲۵۴، ۲۵۳، ۱۵۵

لمینگتن (لر) / ۳۸۸

، ۳۸۹، لمینگتن (لرد) / ۳۸۸

، ۴۱۱، ۵۶، لنچافسکی، ژرژ / ۵۳

، لندن / ۱۵۳، ۱۵۲، ۱۳۵، ۱۰۰، ۵۵، ۴۳، ۲۸،

۳۸۷، ۳۲۴، ۳۱۳، ۳۰۶، ۲۶۹، ۲۵۹، ۱۶۵،

، ۴۹۷، ۴۸۲، ۴۵۸، ۴۵۳، ۴۳۹، ۳۸۹، ۳۸۸،

۵۶۱، ۵۳۶، ۵۳۱

، ۲۸۱، لنکرانی، شیخحسی / ن ۲۸۰، ۱۹۳

۲۹۹, لنگرود / ۲۹۸, ۲۹۷, ۲۹۶, ۲۹۴

لورین، سر پرس / ی ۹۹, ۵۹, ۳۲, ۱۹, ۱۷,

۱۰۰, ۱۰۱, ۱۰۲, ۱۰۷, ۱۱۱, ۱۱۲, ۱۳۰,

ص: ۵۹۵

۵۹۶ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛

کونل، راینهار / د ۲۶

کوهن / ۷۳

کوی / ت ۵۲۰

۴۹۴، کهگیلویه / ۱۹۴، ۱۸۵، ۱۶۹

۲۵۳، کهن صدق، سلیمان / ن ۱۵۴، ۱۵۲

۵۴۸، کیا ستوان، حسی / ن ۵۳۷، ۳۴۱

کیشدرهای، حسنخا / ن ۷۵

۲۷۴، کیهان، جلالالدین / ۲۷۳

کیلتو / ن ۴۵۸

ک هیان، فضللالهخان (ماژور) / ۵۷

۵۸، کیهان، مسعودخان (ماژور) / ۴۴، ۴۳

گ

گائوک / ۷۵، ۷۴

۴۴۸، گدس، اوکلند (سر) / ۴۴۷، ۴۴۴

۳۵۶، گراند هت / ل ۳۵۴

گراند هت / ل ۳۵۵

۴۴۴، گرجستا / ن ۲۹۶، ۲۱۱

گردنه گیلوا / ن ۷۵

گرگان / ۲۰۵

گری (کنل) / ۶۱

گلا دستون، ویلیام اوارت / ۵۶۱

گلیای گک ان / ۱۵۴, ۲۳۴, ۵۴۳

گروپ (کنل) / ۱۰۹

گلشن، میرزا حسینعلی / ۵۴۶

گواتمالا / ۴۳۹

گیلان / ۲۵, ۶۸, ۶۹, ۷۰, ۷۲, ۷۳, ۷۴

ص: ۵۹۶

فهرست اعلام

۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۵۹،

۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶،

۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۱،

مارشیمون / ۲۱۰

مارکس، کارل / ۲۵۸

، مازندران / ۱۸۱، ۱۳۹، ۷۴، ۷۳، ۶۹، ۶۸، ۶۳،

۲۴۹، ۲۵۰، ۲۶۱، ۴۵۲، ۴۷۰، ۵۴۳، ۵۴۵، ۱۹۵۵۴۶، ۱۹۶، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۲۲، ۲۸۶، ۲۸۷، ۳۷۵، ۴۴۵،

۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۸

۲۶۲، ۲۷۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۳۰۰، ۳۰۲،

۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۱، ۳۱۸، ۳۱۹،

۳۲۰، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۹،

۳۳۸، ۳۵۲، ۳۵۸، ۴۱۷، ۴۳۱، ۴۳۲،

۴۵۸، ۴۸۸، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۸۲،

۴۹۵، ۵۰۲، ۵۰۴، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۱۱،

۵۱۲، ۵۱۳، ۵۲۶، ۵۳۱، ۵۵۱

ماسال / ۷۵

۲۱۶، ماک / ۲۰۶، ۲۰۰، ۱۹۹، ۱۹۸،

ماکوئی، اقبال السلطنه / ۲۰۶

مالت، ویکتور / ۵۳۱

مبشر السلطان / ۱۳۱

متهای، جیبا / لا ۳۹۱

متینالسلطنه / ۳۴۳

۵۵ مجارستان / ۵۲۷, لوسوئور، امیل / ۴۱

۱, مجتهد اردبیلی، حاجی علیا کبر آقا / ۲۸۵, ۱۵۵, ۱۵۴, لوی، حبیب / ۱۵۳

۲۲۵, ۲۵۴, ۴۱۶

مجتهدزاده، سید عبدالوهاب / ۵۴۸

لوی / ۲۵۳ مجد، محمد علیخان (فطنا لسلطنه) / ۵۴۶

لهستان / ۵۲۷ مجلس اعیان انگلی / س ۳۸۸, ۳۹۰

, لیره استرلینگ (واحد پول) / ۵۲۱ مجلس شورای ملی / ۹۴, ۹۳, ۸۸, ۸۱, ۴۳

لیتونیوف / ۵۵

م

۱۰۶, ۱۱۱, ۱۵۵, ۱۷۲, ۱۷۷, ۲۳۳, ۲۳۹,

۲۵۵, ۳۰۱, ۳۶۰, ۳۶۸, ۳۶۹, ۳۷۶, ۳۷۷,

۳۸۶, ۳۹۳, ۳۹۸, ۴۲۴, ۴۴۵, ۴۴۶, ۴۷۱,

۳۴۸ / مؤتمن / ۳۸۱, ۳۸۶, ۵۴۱ ۵۰۵, ۵۲۵, ۵۴۱, ۵۴۲

, مؤتمن المل / ک ۹۳, ۹۵

۱۴۷, ۲۵۵,

مجلس عوام / ۲۸

۳۸۱, ۴۲۶, ۵۴۰

۳۹۰, مجلس لردھا / ۳۸۸

۲۷۱, ۴۶۲, ۲۸۸, ۲۷۵, مادرید / ۴۳۹ مجلس مؤسسان / ۲۷۱

مارتیروس سرکیس / ۲۲۴

۵۳۶, مارس / ی ۴۹۷

۵۴۱, ۵۴۲, ۵۴۳, ۵۴۴, ۵۴۵, ۵۴۶, ۵۴۷,

۵۴۸, ۵۴۹, ۵۵۰

ص: ۵۹۷

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

مجله آینده/ ۸۷ محمودخان/ ۱۴۳

مجله جهان نو/ ۳۹ محیط مافی، هاشم/ ۱۴۶

مجله نشنال جئوگرافیک/ ۴۱۳ مخبر، عباس/ ۳۹

۲, مدحتالملک/ ۱۱۵, ۶۰, ۲۴۸, مجله نوبهار هفتگی/ ۲۴۰

۲۶۴

۴۵, مدرس، سیدحسین (آیتالله)/ ۲۷, ۱۹,

مجمع ترق یلن گروه/ ۲۹۸

مجبیاالسلطنه/ ۷۸

۹, محتشمالسلطنه اسفندیار / ی ۳, ۴۷,

۶۲, ۸۲, ۸۳, ۸۴, ۸۵, ۸۶, ۹۰, ۹۱, ۹۴, ۹۵,

۹۶, ۹۷, ۱۲۹, ۱۴۰, ۱۴۴, ۱۶۶, ۱۶۷, ۱۷۱,

۱۹۳, ۲۰۶, ۲۲۹, ۲۳۲, ۲۳۹, ۲۴۲, ۲۴۵,

۱۷۲, ۲۴۸, ۲۵۰, ۲۴۹۴۳۹, ۳۱۴, ۲۵۱, ۲۵۹, ۲۶۵, ۲۶۶, ۲۶۷,

محجوب، محمدجعف / ۳۵۶

محرر، سیدعبدالله / ۳۴۱

محلاتی، پرنس آفاخان / ۵۳۱

محلہ پامنار / ۴۶۴

۹, محمدحسن میرزا (ولیعهد) / ۱, ۵۸,

۲۷۷, ۲۷۹, ۲۸۳, ۲۸۵, ۳۰۱, ۳۰۴, ۳۰۹,

۳۱۲, ۳۴۲, ۳۴۸, ۳۴۹, ۳۵۰, ۳۵۱, ۳۵۸,

۳۵۹, ۳۶۵, ۳۷۷, ۳۸۲, ۳۸۶, ۳۹۲, ۳۹۳,

۳۹۴, ۳۹۵, ۳۹۶, ۳۹۷, ۳۹۸, ۴۰۱, ۴۰۲,

۴۰۳, ۴۰۴, ۴۰۶, ۴۱۱, ۴۱۴, ۴۱۵, ۴۱۶,

۱۴۳, ۱۰۵, ۳۳۷, ۳۴۸, ۵۳۲, ۴۱۸۵۴۲, ۴۲۳, ۴۲۴, ۴۲۵, ۴۲۶, ۴۲۷, ۴۸۵,

۴۹۳, محمدحسینخان (سرتیپ) / ۷۸

محمدطاهر میرزا / ۳۱۱

۴۹۵, ۴۹۶, ۴۹۷, ۵۰۴, ۵۰۵, ۵۰۷, ۵۰۸,

۵۳۰, ۵۳۲, ۵۳۵, ۵۴۰, ۵۴۱, ۵۵۸, ۵۵۹

محمدطاهر خان میرپنج / ۱۰۴ مدرسه سپهسالار / ۴۲۶

محمدعل یپ اشا / ۸۸ مدیر، سیدمحمد / ۳۴۳

۵۳۳ مدیترانه / ۵۱۹, محمدعل یم یرزا / ۳۶۴, ۲۳۲

, محمدعلیشاه / ۵۳۳, ۳۶۴ مدیرالملک (محمود جم) / ۳۲۰, ۱۱۹, ۴۲,

محمده (خرمشهر) / ۵۰۱

۴۲۸, ۵۵۷

۴۸۷, مرادینیا، محمدجواد / ۳۱, ۴۸۲, ۴۷۳, ۴۶۹, محمده / ۴۶۸

۴۸۸, ۴۸۹, ۴۹۸, ۵۰۹, ۵۱۷, ۵۱۸,

۵۱۹, ۵۲۳, ۵۲۰

مراغهای، محمد ساعد / ۷۷

مرتضیقلیخان / ۴۸۲

محمود، م حمود / ۵۵۰ مرد آباد / ۴۸۹

محمود آقا / ۳۴۴ مرسلوند، حسن / ۴۹

ص: ۵۹۸

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت مشار، حسن (مشارالملک) / ۳۶

۲۸۰ مشاراعظم / ۵۴۸, ۲۷۶, ۲۷۲, ۲۷۰, امور خارج / ۱۵۳

۴۲۷, ۴۲۸, مرند / ۳۴۸ مشارالدوله / ۴۰۲

۱۷۲, مساعدالسلطنه، اوانسخان / ۵۳۱ مشارالسلطنه / ۶۲

۴۲۸, ۴۲۷, ۲۹۹, ۶۹, مساوات، سیدمحمدرضا / ۱۶۰ مشارالمل / ک ۵۸

۶, مشاورالممال کان صاری / ۲۰۴, ۲, مستشارالدوله، صادقخا / ن ۴۷

۵۳۹

۵, مشفق کاظمی، مرتضیخان / ۲۷, ۲۵۳, ۸۸,

,, مستوف، ی عبدا / لله ۱۳۹, ۱۳۵, ۲۹, ۱۹,

۵۲۸

۲۴۶, ۲۴۷, ۲۴۸, ۲۴۹, ۲۵۱, ۲۵۲,

, مشهد / ۱۲۹, ۱۲۸, ۱۱۲, ۱۰۹, ۵۵, ۴۹, ۴۸,

۲۵۵, ۲۵۶, ۲۶۰, ۲۶۵, ۲۶۶, ۳۰۱, ۱۵۴, ۲۵۰, ۲۸۳, ۲۸۴, ۲۸۵, ۴۱۸, ۴۴۷,

۳۲۹, ۳۴۶, ۳۸۶, ۳۸۷, ۴۷۱, ۵۴۱ ۵۰۵, ۵۳۷, ۵۴۳, ۵۴۴, ۵۴۷, ۵۴۹

مستوفیالممالک، میرزا احسنخان / ۱۳۹, مشهد یب اقر / ۴۱۶

۱۷۰, ۲۶۲, ۲۴۷, ۱۷۱, ۳۴۶, ۲۷۲, ۲۶۵,

۳۸۱, ۵۳۲, ۵۲۶, ۴۷۹, ۳۹۸, ۳۹۵, ۳۸۶,

۵۴۱

مشیر سلیمی، علیاکبر / ۳۵۳

۳۷۶، مصباح السلطنه / ۳۴۲

مسجد جامع تهران / ۶۸ مص دق، محمد (مصدق السلطنه) / ۴۸، ۶۲

۴۰۹، مسجد سپهسالار / ۱۶۳، ۷۹

۲، مس ج د س لطان یت هران / ۸۱، ۲۸۰

۹۷، ۱۰۴، ۱۱۹، ۱۳۹، ۱۲۵، ۲۱۶، ۲۷۶،

۳۹۸، ۳۹۶، ۳۹۵، ۲۷۹، ۵۲۶

۲۸۲، ۳۰۶، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۶۳

۵۲۳، مصر / ۸۸، ۱۷۸، ۳۳۱، ۳۶۳، ۴۹۵

۵۰۰ مظفرالدینشاه قاجار / ۴۶۸، ۳۲۸، ۳۲۶، مسجد سلیمان / ن ۲۲۴

مسجد سیدعزی زالله / ۲۷۶ مظفرالدی ان رفاعالسلطنه (خان فرخ) / ۲۲۴

مسجد شیخ عبدالحسی / ن ۶۸ معاهده ترکمانچای / ۱۶۵

مسجد مرو / ی ۲۷۶ معاون نظام، کریمخان / ۱۱۵

۲۳۳، ۲۳۲، ۲۳۱، ۲۳۰، ۲، معتمدالتجار / ۲۲۹، ۸۹، ۲۸۰، ۲۴۴، ۱۳۲، مسکو / ۶۸

۲۹۵، ۳۵۸، ۴۸۵، ۵۳۶، ۵۴۰

معتمدالتولیه / ۴۱۶

۳۰۴، ۳۴۱، مسکوب، شاهرخ / ۳۲۲ معتمدالدوله (اسماعیل میرزا) / ۳۰۳

۳۵۷، ۵۰۳، مسنن الدوله / ۵۰۷ معدل شیراز / ی ۳۵۶

ص: ۵۹۹

بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

منشورالملک / ۲۰۴

منصورالسلطن / ۳۱۴ هـ

۴۱۱، مودی، سوزا / ن ۴۱۰

۴۲، ۶۷، ۱۶۴، ۴۱۱، ۴۱۰، مورای، م. اسمی / ت ۴۲، ۶۷

۴۲۱، ۴۷۷، ۴۲۸، ۴۹۳، ۴۹۸، ۵۰۲، ۵۰۳

مورخالدوله سپهر / ۴۶۰

۵۲۹، موسولین / ی ۵۲۸، ۵۲۷، ۵۲۶، ۲۶، ۲۵

۳۸۳، موسوی اصفهانی، ابوالحسن / ۲۷۶

موسوی، عباس / ۲۸۴

موسویزاده ی ز دی، علیاکبر / ۱۶۳

موسویزاده / ۳۴۳

موصل / ۴۵۷

موقر، محمود (موقرالذوله) / ۴۲

موقر، میرزا حسینخان / ۵۴۶

موناکو / ۴۹۷

مونتآگ / ۱۷۴

مونترال / ۴۶۵

مهاباد / ۲۱۲، ۳۷۲، ۵۴۵

۳، مهدوی، رضا (رئیس التجار خراسانی) / ۷۶

مهدی شاه الی خانی / ۳۶۶

مهذب الدوله نفیسی / ۴۷۷

۴, میرزاده عشقی / ۰۴, ۴۰۳, ۳۶۱, ۳۵۳, ۳۵۲

۴۰۵, ۴۰۶, ۴۰۷, ۴۰۹, ۴۱۲, ۴۱۳, ۴۱۸

۳۸۵, میرزاصالح، غلامحسین / ۲۰۸, ۷۰, ۲۸

۱۶۷, میکده، میرزاسلیمانخان / ۱۶۶

میجی / ۳۴۹

۶۰۰ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛

معز السلطان / ۷۸

معظمالسلطان / ۵۴۳

معظم السلطنه / ۳۴۳

۵۳۹, معی الت ن جار بوشهری / ۵۳۸, ۵۲۱

معینالسلطنه / ۱۹۸

معینالملک / ۳۶

معینالممال / ک ۳۴۳

۳۶, مغرور میرزا (موثقالدوله) / ۳۵

مفتاحالسلطنه / ۵۳۱

مقتدر، ربی موسی / ۴۶۲

مقوم المل / ک ۴۲۵

۳۵۸, ۳۵۲, مکدونالد، رمزی / ۳۲۴

۴۸۲, ۴۸۳

مکزی / ک ۴۳۹

۱, مکی، حسین / ۷۱, ۱۵۰, ۱۳۹, ۱۳۸

۲۰۷, ۳۲۳

ملاير / ۱۵۴

۲, ملک فيصل / ۷۹, ۲۷۵, ۲۰۹, ۱۶۰

۳۰۷

ملک، حاجي حسنآقا / ۵۴۹

ملکاالمحققين / ۲۵۲

۲۶۵, ملک زاده، مهدی / ۴۸

۳۸۵, ملیکف، ا.س / ۲۰۸, ۵۰, ۲۳

ممتازالملک / ۲۴۸

۴۹۴, ممسنی / ۱۶۹

منجیل / ۵۱

منشور گرگانی، م حمدعلی / ۷۱

ص: ۶۰۰

ن

۲، نائینی، شیخ محمد حسین (آیت الله) / ۲۷۱، ۷۲

۲۷۳، ۳۸۳، ۳۸۲، ۳۴۱، ۲۷۶، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱

نائی ی / ن ۳۴۱

ناپل / ۴۷۷

۲، نادرشاه افشار / ۰۷، ۱۸۱، ۱۸۰، ۱۴۵، ۱۱۱

۲۸۴، ۲۲۱

نادر میرزا / ۷۷

۴۴۱، ناصرالدینشاه قاجار / ۲۰۶

ناصرالملک / ۵۳۱، ۵۰۸، ۱۰۹

۵۱۰، ناصری (اهواز) / ۵۰۹، ۵۰۱

ناظم التولی / ه ۳۴۳

نایب السلطنه، محمد حسن میرزا / ۵۳۸

نای با سماعیل / ۷۸

نای ب چلوی / ی ۴۲۵

نای ب شکراللهخان / ۳۹۱

نای ب صدر / ۲۱۳

نبوی، سید مهدی / ۱۶۳

نبوی (معزز الدوله) / ۴۲

۴، نییاللدوله / ۲۱، ۴۱۰، ۲۰۴، ۲۰۳، ۲۰۲،

۴۳۶

نتصر، آمنون / ۱۵۴

نجدالسلطنه / ۶۴

۳۷۳، نج / ف ۳۶۲، ۲۷۴، ۲۷۲

نجف آباد / ۳۶۲

نجم آبادی، میرزامحسن / ۵۴۳

نجومی، میرزا اسماعیلخان / ۵۴۵

ص: ۶۰۱

۳۸۰, میدان توپخانه ۳۵۸, ۲۵۵, ۱۳۵,

۵۵۱, م ی دان مش / ق ۳۹۹, ۱۴۱, ۴۱,

میرزا ابوالحسن / ن ۳۷۴

۴, میرزاده عشقی / ۰۳, ۳۶۷, ۲۵۶, ۱۸,

۴۰۴, ۴۰۵, ۴۱۳, ۴۱۸, ۵۵۹

میرزا حسن / ۲۸۷

میرزا حسین / ۳۷۱

میرزا سی د ا براهیمخان (عمیدالسلطنه) /

۶۲

میرزا سیدحسن بن / ۳۴۳

۵۴۷, میرزا شهابالدین ۳۴۳

میرزا صادقخا / ن ۲۸۷

میرزا صالحخان / ۴۰۸

۸۰, میرزا عباسخان گیلان / ی ۷۹, ۷۸,

۵۴۸, میرزا عیسیخا / ن ۳۰۵, ۴۲,

۲, میرزا کوچکخان (جنگلی) / ۵, ۱۷,

۲۸, ۳۰, ۶۹, ۷۰, ۷۱, ۷۳, ۷۵, ۱۲۳,

۱۲۵, ۱۲۴

میرزا محمد / ۲۸۷

میرزا محمدحسی / ن ۳۴۳

میرزا محمدخان / ۴۰۸

میرزا نعمت‌الله / ۷۵

میرزا هاشم / ۱۹۳

میرزای شیرازی / ۲۶۸

میش یگ ان / ۴۶۷

۴، میلیسیو، آرتو/ ۵۷، ۴۲۸، ۲۴۹، ۳۹،

۴۶۱، ۴۶۵، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۷۰

بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

نقیسی، مهدبالدوله / ۴۷۹، ۴۷۸، ۴۷۷

نقدی (سرلشکر) / ۵۰۱

نقییالسادات / ۳۶۳

نمازی، محمدحسین / ۴۲۳

۲۱۵، نوئل (کاپیتان) / ۲۱۴

نواب وکی لآقا / ۳۴۳

۵۵۷، نواب، حسینی خان / ۴۲

۴۹۰، نواب، محمدحسینخان / ۴۸۹، ۴۸۸

نوبخ / ت ۳۴۷

۲۸۷، نور (شهرستان) / ۲۰۶

نورالله، حاجیآق / ۳۴۱

نورثکلی ف (لرد) / ۲۸

، نورمن، هرمن / ۱۸, ۲۲, ۲۳, ۲۴, ۲۷, ۳۱

، ۳۲, ۵۱, ۵۲, ۵۳, ۵۵, ۵۷, ۵۸, ۶۲, ۶۳, ۹۱,

۹۲, ۱۰۸, ۹۳, ۳۵۷, ۴۳۱, ۴۳۹

، ۲۸۷, نوری، شیخفصلاالله (آیتالله) / ۲۸۶

نوری، میرزا آقاخا / ۳۳۸

نهاوند / ۱۵۴

نهاوندی، آقاشیخمحمد / ۲۸۵

نهاوندی، علیاکبر / ۲۸۴

نهضت جنگ / ۱۲۴

، ۲۵۴, نهورای، لقما / ۱۵۵, ۲۵۳

، ۳۴۴, ن ی را لسلطان / ۳۴۳, ۶۲

، ۴۹۷, نیس / ۳۳۶

، ۵۴۵, نیشابور / ۶۵

، ۵۲۶, نیکلسون، هارول / ۳۸

، ۴۶۵, نیویورک / ۴۶۱, ۴۵۵

ص: ۶۰۲

۶۰۲ تاریخ سیاسی ایران معاصر؛

نخجوانی، اکب / ۴۰۷

ندامانی، سیدیحیی (ناصرالاسلام گیلانی) /

۳۲۲, ۵۴۸, ۳۷۶

نراقی، آقااحم / د ۳۶۴

نشان شوالی ه هن / د ۶۵

۱۴۵, نصر، ولی اللهخان / ۱۴۴

نصرالسلطنه / ۳۴۳

۲۴۸, نصرالملک / ۲۱۸

, نصرتا لدوله (فیروزمیرزا فیروز) / ۳۱

۳۲, ۳۳, ۵۳, ۶۲, ۶۳, ۸۲, ۸۳, ۸۴,

۸۵, ۱۷۷, ۲۲۶, ۲۴۴, ۲۴۸, ۲۴۹, ۲۵۰,

۲۵۲, ۳۰۴, ۳۴۳, ۳۸۴, ۴۰۲, ۴۰۶,

۴۰۷, ۴۲۶, ۴۴۶, ۴۲۷, ۵۳۲

نصرت السلطان، حسینقلیمیرزا / ۵۳۲

نصریه، مهرناز / ۱۵۳

۱, نصیری، حسینآقا (سرهنگ) / ۱۸۷, ۹۰

۱۹۱

۳۱۴, نصیرالسلطنه / ۶۹

نطنز / ۳۴۳

۱، نعیم، عزیزالله / ۵۶، ۱۵۴، ۱۵۳، ۱۵۲،

۲۵۳، ۲۵۹

، نفت شمال / ۲۲۸، ۱۷۳، ۱۷۱، ۱۸، ۱۷،

۲۴۸، ۲۸۴، ۴۰۳، ۴۳۶، ۴۴۱، ۴۴۲،

۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۵۲،

۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۶۱،

۴۶۳، ۴۶۴، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۴

نفیسی، علیاصغر (مؤدبالدوله) / ۴۳

فهرست اعلام

و وزارت دربار / ۴۳

۴۴۹، وزارت دریاداری / ۲۳، ۴۴۸، ۴۲۱، ۴۱۱، واشنگت / ن ۱۱۱

۴۵۴، ۴۵۷، ۴۶۳، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۷،

۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۲

۴۰۲، وزارت عدلیه / ۲۶۷، ۱۶۱، ۱۱۹،

وزارت فرهنگ / ۱۷۲

۶، واشنگتن، جورج / ۱۴۵ وزارت فلاح و تجارت و فوای د عام / ۲

والش، سر هنری / ۲۱۷

۲۶۷، ۱۷۲، ۵۲۱، ۳۲۹، ۳۲۸، ۳۲۷

۴۳، ۱۱۹، ۱۰۴، ۹۷، ۶۲، ۴۹، و ثو، ق حسن (وثوق الدوله) / ۳۰، ۲۷، وزارت مالیه / ۴۳

۳۱، ۶۲، ۸۰، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۹، ۱۲۰، ۱۴۲، ۱۴۸، ۲۳۴، ۲۶۷، ۴۰۲، ۴۰۸،

۱۲۰, ۱۵۴, ۲۵۰, ۲۵۱, ۳۰۱, ۳۸۷, ۴۲۸, ۴۶۶, ۴۷۰, ۵۳۴

۳۹۵, ۳۹۶, ۳۹۷, ۴۳۸, ۴۳۹, ۴۵۴,

۵۳۳, ۵۰۷

۳۸۹, وزارت مستعمرات بریتانیا / ۵۹, ۵۲, ۲۳,

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه /

ورش / ۱۵۳

, وزارت امور خارجه آمريک / ۱۱۱, ۲۹,

۳۹۹, ۴۰۱, ۴۰۲, ۴۲۷, ۴۵۰, ۶۲۴۷۸, ۱۴۴, ۱۵۳, ۱۶۶, ۳۱۱, ۳۲۰, ۳۴۴,

۱۶۹, ۱۷۲, ۴۲۱, ۴۳۱, ۴۳۶, ۴۳۸,

۴۵۷, ۴۶۷, ۴۶۶, ۴۶۰, ۴۷۴, ۴۷۸

وزرات پست و تلگراف / ۶۲

وزرات معارف / ۳۴۴, ۱۱۹,

۱۰۱, ويكام (كلنل) / ۵۲۶, وزارت امور خارجه انگلی / س ۲۲

۱۷۴, ۱۷۷, ۲۰۹, ۲۱۰, ۴۳۲, ۴۳۳,

, ویلسون، سر هنری / ۲۱۲, ۳۲۵, ۱۷, ۱۸,

۴۳۹, ۴۵۴, ۴۷۳, ۵۳۱, ۴۲۱, ۴۲۲, ۴۲۳, ۴۳۳, ۴۳۵, ۵۱۱, ۵۱۳,

وزارت امور هند / ۲۱۰, ۱۷۹, ۱۰۶,

۵۱۴, ۵۱۵, ۵۱۶, ۵۱۷, ۵۱۸, ۵۱۹

۱۱۹, ویلی، جویس.ان / ۲۶۸, وزارت پست و تلگراف / ف ۵۳

۱۳۰, ۱۳۱, ۱۷۲, ۱۸۱, ۲۹۰, ۳۲۰,

۳۲۹, ۳۹۱, ۳۹۲, ۳۹۹, ۴۰۲

ویلبر، دونالد / ۳۹

۵۲۰, ویلسون، سر آرنولد / ۵۱۸, ۵۱۷, ۱۷

وزارت جن / گک اکثر صفحات

وزارت خزانه دار یان گلیس / ۲۳ ه

۴۶۵, ۲۴۸, هاردینگ / ۴۴۰, ۱۵۳, ۱۱۵, وزارت داخله / ۶۲

۵۴۴, ۵۳۷, ۴۲۰, ۳۲۰, ۳۱۲, ۲۹۶, ۲۸۷,

هارمسورث، آرتور / ۲۹, ۲۸

هارمسورث، سیسیل (لرد) / ۲۸

ص: ۶۰۳

تاریخ سیاسی ایران معاصر؛ بسترهای تأسیس سلطنت پهلوی

۵۰۴، ۵۰۳، ۳۸۰، هال، ملوین (سرگرد) / ۳۹ هوارت (مسیو) / ۳۵۷

هاوارت (مستر) / ۳۰۵ هوگو، ویکتور / ۱۶۱

۳۳، ۳۲، ۳۱، هویدا، فریدون / ۱۳۸، هاوارد، گادف ری / ۱۷

۳۷۹، ۳۵۶، ۳۰۵، ۱۷۵، ۱۳۵، ۱۰۸،

۵۰۳، ۵۰۲

۵۲۷، هیتلر، آدولف / ۱۵۳

ه ریم ند (رودخانه) / ۱۱۱

۱، هیوز / ۴۶۳ هدایت، مهدیقلی (مخبرالسلطنه) / ۲۱

۲۵۶، ۲۰۶، ۱۵۸، ۱۳۹، ۱۲۴، ۱۲۳،

۵۲۶

ی

هدای ت (نیرالملک) / ۱۱۹ یاسایی، عبدالله / ۵۳۷

هدایت، رضاقلی خان / ۴۳ یانگ (دکتر) / ۵۳۱

هفتلنگ (تیره) / ۱۸۰ یآوری، حورا / ۵۳

۱۵۷، ۱۵۶، هفتنامه اتحاد اسلام / ۲۸۱ یحزقل حئیم، سموئیل / ۱۵۵

هفتنامه جارچ یم ل / ت ۴۰۰ یزدی، سیدمرتضی / ۲۸۵

، هفتنامه جن / ت ۳۶۴ یزدی، شیخمحمدحسی / ن ۴۵

، ۲۸۰، ۲۷۸

، همدا / ن ۲۱۱، ۱۵۴، ۱۴۲، ۱۱۲، ۳۶

۳۰۶, ۳۰۷

۲۵۴, ۲۸۹, ۳۸۴, ۳۹۷, ۴۰۴, ۴۱۲

۴۴۰, یسلسون، آبراها/م ۴۳۷, ۴۳۶, ۴۳۳

همدانی، حبی / ب ۴۰۴ یقیکیان، گریگور / ۶۸

همدانی، سیدابوالقاس / م ۴۰۴ یکانی، اسماعیل / ۴۱

۲۲۵, ۲۲۴, ۲۲۳, ۵۹, یوسفخان (سرهنگ) / ۱۸۹, ۵۲, هند انگلی س (بریتانیا) / ۲۱

۶۵, ۶۷, ۹۲, ۱۰۱, ۱۷۴, ۳۱۲, ۳۹۰,

۵۵۵, ۵۵۷

یاور صادقخان / ۱۹۲

۵۴۶, یزد / ۳۴۳, ۱۵۴

۴, هندوستان (هند) / ۵۹, ۵۷, ۵۴, ۵۳, یزدا پ نناہ، مرتضی (سرتیپ) / ۹۵, ۴۱۶, ۱۰۳

۶۵, ۷۱, ۹۲, ۱۳۳, ۱۳۴, ۱۷۴, ۱۷۹, ۴۹۶, ۵۴۲

۲۱۰, ۲۱۴, ۲۲۰, ۲۲۴, ۲۷۱, ۲۸۱,

۳۰۶, ۳۰۸, ۳۳۱, ۳۳۸, ۳۶۳, ۳۸۹,

۳۹۰, ۴۲۳, ۴۸۶, ۵۰۴, ۵۱۵, ۵۶۱

یمینالسلطنہ / ۱۵۸

یمینالملک / ۱۶۳

ہندیجان / ۴۶۹, ۴۶۸

ص: ۶۰۴

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

